

ترجمه مشکاة الانوار فی غرر الاخبار

مؤلف : ابوالفضل علی بن حسن بن فضل طبرسی

مترجمان : عبدالله محمّدی، مهدی هوشمند

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهم السلام
بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام گردیده
است.

پیشگفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ أَفْضَلُ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٌ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَالسَّلَامُ عَلَى أَصْحَابِهِ الْمُنْتَجِبِينَ .

دومین سند دین پس از قرآن مجید حدیث است ، این سند معتبر بالاترین سهم را در این زمینه در معرفی و یادگیری معارف اسلامی داشته ، و میراثی ماندگار از جانب معصومان علیهم السلام به پیروان و شیفتگان و تشنگان این معارف عالیه می باشد.

حفظ و حراست از این میراث ماندگار در حال حاضر که زمان غیبت حجت حق و صاحب اصلی آن است به عهده عالمان و محدثان و ناشران حدیث است ، که این مهم را به روشهای متفاوت و گوناگونی از قبیل تصحیح کتب حدیث ، ترجمه و شرح و تعلیق بر احادیث و چاپ و نشر آن به گونه ای قابل توجه انجام می دهند.

در حقیقت نتیجه این حفظ و حراست است که پاسخگوی بسیاری از پرسشها و نکات مبهم و نامفهوم در ذهن اصناف انسانها خصوصا نسل جوان می باشد، که می توانند با مطالعه و دقت در تألیفات حدیثی پاسخ مجهولاتشان را بدست آورده و از نورانیت کلام معصومین علیهم السلام نیز بهره مند گردند.

در زمینه اهمیت این گوهر گرانها علماء و اهل فن نظرات گویایی دارند، مثلا، مرحوم کلینی رحمته الله حدیث با علم دین برابر است ، زیرا بدون توجه نمودن به احادیث شناخت معارف اسلامی ممکن نیست ، و شناخت دین بدون شناخت حدیث غیر ممکن خواهد بود.

این مهم ، از یک طرف در طول تاریخ باعث شده که در مقابل حرکتی ضد ارزش و ضد دین پدیدار گردد، و با تمام وجود سعی در محو و از بین رفتن این ارزش دینی کند، و ما واقفیم که حفظ و نگارش حدیث در قرون اولیه به سختی انجام می شده ، و حتی در طول تاریخ نیز اندیشه دسالین همواره در پی وارد آوردن خدشه به پیکره این میراث بوده است .

با توجه به مطالب فوق می توان به مطلب دیگری نیز پی برد، و آن عبارت از نورانیتی است که این احادیث در دل و روح انسان بوجود می آورد، در زیارت جامعه می خوانیم که (کلامکم نور و امرکم رشد)، کلام معصوم علیه السلام نور است ، و باعث نورانیت در دلهای مشتاقان و حاملانش می شود، زیرا سخن معصوم سخن خداست ، شاهد بر این مدعا سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله است که می فرماید: «من در بین شما دو گوهر گرانبها را به امانت گذاردم ، کتاب و سنت ، تا زمانی که در پناه این دو باشید طعم گمراهی را نخواهید چشید».

پرواضح است که مراد از سنت کلمات معصومین علیهم السلام است ، همانانی که حجت خدا بر زمینند، فرمانشان فرمان خداست ، و به همین دلیل است که در قرآن مجید صریحا اشاره به وجوب اطاعتشان آمده ، همان جا که می فرماید: از خدا و رسولش و اولو الامر اطاعت کنید، زیرا که نافرمانیشان موجب اضلال و بدبختی و پریشانی است .

و بدین جهت برای اجرای کامل احکام خداوند، وعده ظهور حضرت حجّت (عج) را به مسلمین داد تا دین خدا را نصرت و یاری نماید، و حقایقی را که بر ما پنهان است آشکار نماید، و هنگامی که آن منجی قیام کند این عرصه خاکی به نور الهی منور گردد.

با این وجود، در عصر غیبت وظیفه حفظ و حراست از این میراث پربها و وظیفه ای بس دشوار و پرمخاطره است، که این امر خطیر و سنگین بر دوش تمامی کسانی که پی به اهمیت مطلب برده اند، و توفیق پردازش به آن را دارند سنگینی می کند.

اینجانب نیز در این راستا سعی نمودم با همه تقصیرها و کاستی هایی که دارم، و بدیهی است که هیچ انسانی خالی از خطا و اشتباه نیست، گام در این مسیر نورانی نهم، و خوشه ای از این خرمن پرفیض برچینم.

به همین جهت به سفارش بعض از بزرگان به احیای این کتاب شریف «مشکاة النوار فی غرر الاخبار» همت گماشتم، و با پشتوانه و کمک گرفتن از مدد الهی و مراجعه به مصادر اسلامی این کتاب به زیور تحقیق و طبع مزین گردید.

بنا بر این، اگر به راه راست و مستقیم رفتن به فضل و کرم حق بود، و اگر اشتباهی رخ داد از خداوند اجر کوششگران را آرزو دارم، و مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ.

مختصری از احوالات مؤلف

بزرگان تاریخ و زندگی نگاران در احوال مرحوم شیخ اجل مؤلف بزرگوار «مشکاة الانوار» زیاد نوشته اند، صاحب ریاض می نویسد:

شیخ ثقة الاسلام أبو الفضل علی بن الشیخ رضی الدین أبی النصر الحسن بن الشیخ أبی علی فضل بن حسن بن فضل طبرسی ، فاضل عالم فقیه محدث جلیل صاحب «مشکاة الانوار» از سید جلال الدین أبی علی بن حمزه موسوی و غیرش نقل حدیث می نمود آنچنان که از «مشکاة الانوار» برمی آید.

و آن بزرگوار دارای تألیفاتی است ، از جمله آن کتاب «کنوز النجاح» در دعا و نیایش است که از ابن طاوس در کتاب «المجتبی من الدعاء المجتبی» از این کتاب نقل کرده است ، و همچنان شیخ اجل کفعمی نیز در کتاب «المصباح» از این کتاب نقل می نماید .

و این شیخ محترم فرزند شیخ أبی علی طبرسی صاحب تفسیر جلیل «مجمع البیان» می باشد. و کتاب «مشکاة الانوار» جهت تکمیل کتاب پدرش ابو نصر حسن بن فضل «مکارم الاخلاق» نگاشته شد.

بنا بر این نسب مؤلف چنین است :

أبو الفضل علی بن رضی الدین أبی نصر حسن بن امین الدین أبی علی الفضل بن الحسن الفضل الطبرسی است که به غلط کتاب را نسبت به ابو علی فضل بن حسن طبرسی داده شد.

و بنا بر این توضیح ، نام مؤلف «مشکاة الانوار» مشخص گردید، گرچه بر استاد اسناد در «بحار الانوار» مخفی مانده .

سپس مؤلف کتاب «ریاض العلماء» در شناساندن مؤلف در ادامه فرموده :
شیخ نعمت الله خاتون عاملی در کتاب شریف «الرسالة المعمولة لمعنى العدالة»
بعضی از فتاوی شیخ ابو الفضل طبرسی را نقل نموده ، و نیز امیر سید حسین
مجتهد در پایان کتاب «دفع المناوأة عن التفضیل و المساواة» از کتب ثقة الا
سلام ابو الفضل طبرسی بعضی از فوائد را نقل نموده که ظاهراً مراد هر دو
بزرگوار همین شیخ مؤلف جلیل القدر باشد.

و لذا می شود گفت که : این عالم بزرگوار تا لیفات دیگری نیز داشته است .
بعضی اشکال کرده اند که : لقب ثقة الا سلام از آن جدّ مؤلف صاحب
«مجمع البیان» است لیکن موضوع بسیار آسان است ، زیرا ممکن است که
اشتراک در لقب داشته باشند علاوه بر این می دانیم که لقب جدّ او «امین الدین»
می باشد.

سپس مؤلف کتاب «ریاض العلماء» فرموده :

استاد سندشناس در اوّل کتاب «بحار الانوار» و کتاب «مشکاة الانوار»
فرمود:

این کتاب از آن فرزند شیخ ابو علی طبرسی صاحب مجمع البیان است که
در تکمیل کتاب پدرش «مکارم الا خلاق» نوشته شده است ، سپس فرمود:
کتاب «مشکاة الانوار» کتابی است ظریف که اخبار نایابی را در خود جای داده
است .

آنگاه مؤلف کتاب ریاض العلماء فرموده :

شخص مؤلف در اوّل کتاب «مشکاة الانوار» پس از حکایت تألیف پدرش
در مورد کتاب «مکارم الا خلاق»، و کتاب جامع که تمامش نکرد، چنین فرمود:
سپس گروهی از مؤمنین مشتاق از من تقاضا کردند که در اعمال خیر کتابی را

تدوین نمایم ، و من هم با استعانت از خداوند متعال قربةً إلی الله عزّ و جلّ به تألیف این کتاب همّت گماشتم ، و نوشتم آنچه بدان دست یافتم و مرتّب و بخش بخش قرار دادم .

و در آخر هر بابی اوراق اضافه نهادم که چنانچه حدیث جدیدی بدست آمد در آن اوراق بگنجانم ، و این کتاب را به «مشکاة الا نوار فی غرر الاخبار» نامگذاری نمودم .

برخی از سیره نگاران چنین گویند:

فرزند طبرسی أبو الفضل علی بن رضی الدین أ بی النصر الحسن بن الفضل بن الحسن الطبرسی در بیشتر کتب تراجم به بزرگواری و تعظیم و ثناء و تکریم فراوان یاد شده .

و نیز صاحب کتاب «ریاض العلماء» فرموده :

ثقة الا سلام عالم فاضل فقیه محدث جلیل صاحب «کتاب مشکاة الا نوار» از سید سعید جلال الدین ابو علی بن حمزه موسوی و غیر او نقل حدیث نموده . و همچنان محدث نوری در «خاتمه مستدرک» بدین منوال او را ستوده . و در ترجمه پدر بزرگوار او گذشت که : او و پدر بزرگوارش و فرزندش أبو الفضل علی بن الحسن صاحب «مشکاة الا نوار» از برجسته گان علماء و مشاهیر فضلا بودند .

و ناگفته نماند که کتاب «مشکاة الا نوار» او یک بار در سال هجری قمری در نجف اشرف در مطبعه حیدریّه به زیور چاپ آراسته گردید، در اوّل آن چاپ چنین آمده است :

و بعد، همانا مولا و پدرم الشیخ الامام الا جلّ السعید، رضی الدین أ مین الا سلام و المسلمین حجّة الخلق أ با نصر الحسن بن الفضل بن الحسن الطبرسی نور

اللّه حفرته و حشره مع موالیه الطاهرین هنگامی که کتاب «مکارم الا خلاق» را تألیف کرد و همگان آن را پسندیدند، شروع بتألیف کتاب دیگری که جامع دیگر حالات ، و روشهای نیکو باشد، نمود. که در این زمینه روایات زیادی را از بین کتب مشاهیر علیهم السلام اجمعین برگزید، منتهی با فرا رسیدن مرگ او نتوانست کتاب را به اتمام رساند.

خداوند بحق محمد و آل او صلی الله علیهم اجمعین او را در بهشت برین جای دهد. و آرزوهای او را از فضل خود برآورد.

سپس جمعی از مؤمنین مشتاق در اعمال خیر، به دنبال کار والد مرحوم از من تقاضا نمودند که این کتاب را تألیف نمایم ، با تقرب به خداوند منان آنچه در نظرم باقی مانده بود به نوشتن این کتاب مبادرت ورزیدم .

علّامه مجلسی علیه السلام در کتاب «بحار الا نوار» فرمود: از این عبارات دانسته می شود که «مشکاة الا نوار» جهت تکمیل کتاب «مکارم الا خلاق» نوشته شده است .

علّامه تهرانی در «الذریعه» فرموده : «مشکاة الا نوار فی غرر الاخبار» از تألیفات شیخ أبو الفضل علی بن شیخ رضی الدین ابو نصر حسن بن ابو علی مفسّر ملقب به «امین الاسلام» فضل بن حسن بن فضل طبرسی است ، و این کتاب همانی است که «بحار الا نوار» از او نقل می کند و آن کتابی است ظریف شامل اخبار غریبه .

در ادامه فرموده : نسخه ای از آن نزد میرزا محمد علی اردوبادی در نجف اشرف موجود می باشد.

و آنچه از خطبه کتاب برمی آید آن است که : آن کتاب را جهت تکمیل «مکارم الا خلاق» نوشته است .

آنچنان که خود می گوید: هنگامی که پدرم کتاب «مکارم الا خلاق» را جمع آوری نمود و همگان آن را پسندیدند، شروع به تصنیف کتاب دیگری نمود که جامع سایر محاسن احوال باشد. و اخبار زیادی را در این زمینه جمع آوری نمود تا آنجا که فرمود مرگ او فرا رسید و ادامه کار متوقف گشت ، سپس جماعتی از مؤمنین مشتاق اهل خیر از من تقاضای ادامه تألیف این کتاب را نمودند، و من هم آنچه در ذهنم حاضر بود جمع آوری نمودم و به ترتیب و تبویب آن همت گماشتم ، و نام آن را «مشکاة الا نوار فی غرر الاخبار» نهادم . و در اوّل آن فهرست بابهای دهگانه و بخشهای او را به تفصیل آورده است و تاریخ کتابت آن نسخه سال می باشد و اوّل آن : الحمد لله اهل الحمد و ولیّه و منتهی الحمد و غایته ، نحمده علی ما هدانا.

بابها و بحثهای آن چنین است :

ایمان و اسلام در پانزده فصل .

نشانه های شیعه در نه فصل .

کارهای نیک در شانزده فصل .

آداب معاشرت با مردم در دوازده فصل .

مکارم اخلاق در پنج فصل .

عیبهای نفس و کوشش در رهائی از آن در هشت فصل .

مصیبت و گرفتاریها و ثواب بر آنها، و یاد مرگ در ده فصل .

نهی از خصلتهای ناپسند در ده فصل .

پندها احادیث متفرقه .

ناگفته نماند که بیشترین آن احادیث را از کتاب «المحاسن» برقی نقل می

کند که در آن اخبار زیادی موجود است که در «المحاسن» فعلی وجود ندارد، و

همین دلیل بر آن است که «المحاسن» کنونی ناقص است ، و نسخه کامل آن در دسترس مؤلف بوده .

و همچنان مؤلف از کتاب «روضۃ الواعظین» و «عیون الاخبار» و «مجمع البیان» جدش شیخ طبرسی و غیر آن نقل حدیث می نماید.

روش تحقیق :

روش کار در این کتاب نخست بر اساس مطبوع آن و ثانیاً: بر دو نسخه مخطوط به انجام رسید:

نسخه شماره کتابخانه مجلس شورای اسلامی

نسخه شماره کتابخانه وزیری یزد و ثالثاً: با کاوش در کتب احادیث که در دسترس بود همانند کافی ، محاسن برقی توحید شیخ صدوق و ... و همچنان به کتابهایی که مؤلف به آنها در طی کتاب «مشکاة الانوار» استناد نموده مراجعه نمودم و با مقابله دو نسخه مخطوط با مطبوع اصحّ را در متن قرار دادم ، و نص احادیث را با کتب معتبر تطبیق نمودم و در پاورقی به فرقه‌های آن اشاره شد. و برای اطمینان بیشتر تمام احادیث را با برنامه های کامپیوتری مطابقت دادم ، چنانچه حدیثی مصدر و مأخذش بدست نیامد در پاورقی به آن اشاره شد. همچنان اگر متن حدیث به محاسن برقی و یا دیگر کتب ، استناد داده شد و در آن یافت نشد، حتی الا مکان از کتابهای دیگر همانند کافی و تهذیب و ... مراجعه و استخراج شد.

ضمناً آیات و کلمات غریبه همانند نصوص روایات ضبط گردید، و برای هر یک از آنها شماره خاصی در فهرست قرار داده شد تا پویندگان و خوانندگان به آسانی به آن دست یابند. و نیز برای منابع و مأخذ با ذکر نام ناشر و سال نشر و طبع فهرستی جداگانه تنظیم گردید.

در پایان نخست از خداوند منان سپاسگزارم که به من چنین توفیقی عنایت

فرمود.

و ضمنا از دوستانی که به من در این کار کمک و راهنمایی کردند، تقدیر و

تشکر می نمایم .

مهدی هوشمند

مقدمه مترجمان

سپاس خدای را که توفیق را رفیق ما نمود که این اثر گرانبها کتاب مستطاب «مشکاة الانوار» را که واقعا از افق نورانی مکتب اهل بیت علیهم السلام کسب انوار نمود ترجمه نماییم ، و ما به حمد الله در این راستا از هیچ سعی و کوششی دریغ ننمودیم ، نخست به ترجمه هایی که پیشینیان زحمت آن را متحمل شدند که خدای کوششان را بپذیرد مراجعه نمودیم و از آنها بهره ها جستیم . سپس گویاترین واژه های لغات را تا حد امکان برگزیده ایم و از دقت و وسواسی که لازمه تحقیق و ترجمه است فروگذاری نکردیم ، و احیانا بنا به تقاضای نیاز به کتب لغات و شروح احادیث مراجعه نمودیم ، و با جدّ و جهد تمام از لغات سهل و آسان و رسا استفاده نمودیم ، تا خوانندگان عزیز به بهترین و آسانترین راه ممکن ، به معانی احادیث واقف گردند. و برای دریافت بهینه از ترجمه در مقابل هر صفحه متن احادیث را با رعایت تقابل کلمات احادیث و شماره های آن ، بدون آنکه ترجمه آن به صفحه بعد منتقل شود قرار داده ایم ، و این تقابل حائز اهمیت فراوان می باشد، از جمله :

زبان دانان عربی و فارسی یکسان از آن بهره خواهند جست .

تطابق لغات برای هر دو به آسانی میسر خواهد بود.

استفاده بهینه برای کسانی که به هر دو لغت آشنایی کامل دارند.

امید است خداوند منان و اولیاء پاکش این عمل ناچیز را از ما به شایستگی

قبول نمایند، و موجب افزایش توفیق و برکت در نخستین گام به سوی ترجمه

دیگر آثار اهل بیت علیهم السلام بشود، آمین رب العالمین .

عبد الله محمدی مهدی هوشمن 78/7/1

باب اول : در ایمان و اسلام و آنچه به آن بستگی دارد

الباب الاول في الايمان و الاسلام و ما يتعلق بهما خمسة عشر فصلا
و در آن پانزده فصل است

فصل اول : در توحید

الفصل الاول في التوحيد

مِنْ كِتَابِ الْمُحَاسِنِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ
يَقُولُ وَ أَنْ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى فَإِذَا انْتَهَى الْكَلَامُ إِلَى اللَّهِ فَأَمْسِكُوا

امام صادق عليه السلام فرمود که : خداوند می فرماید: (همانا فرجام و پایان هر
چیزی به سوی پروردگارت است) پس هر گاه سخن (به ذات) خداوند ختم شد
خودداری نمایید.

مِنْ كِتَابِ التَّوْحِيدِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْجُوَيْنَارِيِّ فِي سَفَرِ الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ
مُوسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
مَا جَزَاءُ مَنْ أَنْعَمَ
اللَّهُ عَلَيْهِ بِالتَّوْحِيدِ إِلَّا الْجَنَّةَ

امام رضا عليه السلام در سفر مرو از حضرت علی عليه السلام نقل فرمود که : پیغمبر اکرم
فرمود:

جزای کسی که خداوند بعنوان پاداش ، نعمت توحید را به او عطا فرموده بجز
بهشت نخواهد بود.

عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ خَرَجْتُ لَيْلَةً مِنَ اللَّيَالِي فَإِذَا رَسُولُ اللَّهِ يَمْشِي وَخَدُهُ وَ
لَيْسَ مَعَهُ إِنْسَانٌ فَظَنَنْتُ أَنَّهُ يَكْرَهُ أَنْ يَمْشِيَ مَعَهُ أَحَدٌ قَالَ فَجَعَلْتُ أَمْشِي فِي ظِلِّ

الْقَمَرِ فَالْتَفَتَ فَرَأَى قَالَ مَنْ هَذَا قُلْتُ أَبُو ذَرٍّ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ فَقَالَ يَا أَبَا ذَرٍّ تَعَالَ
 قَالَ فَمَشَيْتُ مَعَهُ سَاعَةً فَقَالَ إِنَّ الْمُكْتَرِينَ هُمُ الْأَقْلُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَنْ أَعْطَاهُ
 اللَّهُ خَيْرًا فَفَفَحَ مِنْهُ بِيَمِينِهِ وَشِمَالِهِ وَبَيْنَ يَدَيْهِ وَوَرَاءَهُ وَعَمِلَ فِيهِ خَيْرًا قَالَ
 فَمَشَيْتُ مَعَهُ سَاعَةً فَقَالَ اجْلِسْ هَاهُنَا فَأَجْلَسَنِي فِي قَاعٍ حَوْلَهُ حِجَارَةٌ وَقَالَ لِي
 اجْلِسْ حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ قَالَ فَاَنْطَلَقَ فِي الْحَرَّةِ حَتَّى لَمْ أَرَهُ وَتَوَارَى عَنِّي فَأَطَالَ
 اللَّبَثُ ثُمَّ إِنِّي سَمِعْتُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ مُقْبِلٌ يَقُولُ وَإِنْ زَنَى وَإِنْ سَرَقَ قَالَ فَلَمَّا جَاءَ لَمْ
 أَصْبِرْ حَتَّى قُلْتُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ مَنْ تَكَلَّمُ فِي جَانِبِ الْحَرَّةِ فَإِنِّي
 سَمِعْتُ أَحَدًا يَرُدُّ عَلَيْكَ شَيْئًا قَالَ ذَلِكَ جَبْرَيْلُ عَرَضَ لِي فِي جَانِبِ الْحَرَّةِ وَقَالَ
 بَشِّرْ أُمَّتَكَ أَنَّهُ مِنْ مَاتَ وَلَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ قَالَ قُلْتُ يَا جَبْرَيْلُ وَإِنْ
 زَنَى وَإِنْ سَرَقَ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ وَإِنْ زَنَى وَإِنْ سَرَقَ قَالَ نَعَمْ وَإِنْ شَرِبَ الْخَمْرَ

ابوذر می گوید: شبی از منزل بیرون آمدم ، ناگهان دیدم رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به تنهایی راه می روند و هیچ کس با او همراه نیست ، گمان کردم که دوست ندارند کسی با ایشان همراه باشد، لذا آهسته در زیر سایه ماه ، پشت سرش شروع به راه رفتن کردم ، پیامبر متوجه من شد و فرمود: کیستی ؟ عرض کردم : فدایت شوم ، ابوذر هستم . فرمود: ای ابوذر! همراه من بیا. آنگاه ساعتی با ایشان راه رفتم ، سپس فرمود: ثروت اندوزان در روز قیامت در اقلیت قرار می گیرند ، مگر کسی که خداوند خیر را نصیب او کرد و در دنیا از راست و چپ و از روبرو و پشت سر انفاق می نمود، و با آن عمل خیر انجام می داد. سپس ابوذر گفت : ساعتی همراه پیامبر راه رفتم ، آنگاه فرمود: اینجا بنشین ! بعد مرا در زمینی که سنگلاخ بود و در اطرافش کوهها و تپه ها قرار داشت نشانند و فرمود: اینجا بنشین تا برگردم . سپس پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به سوی مکانی که «حرّه» نام داشت رفتند به طوری که دیگر ایشان را ندیدم و از دیده ام پنهان

شده بود. سپس شنیدم که پیامبر ﷺ در حالی که به طرف من می آمد می فرمود: و اگر چه زنا کرده باشد؟! او اگر چه دزدی کرده باشد؟! ابوذر گفت: چون پیامبر آمد بی صبرانه از ایشان پرسیدم: ای پیامبر خدا! خدا مرا فدایت کند، با چه کسی در طرف «حرّه» صحبت می کردید؟ من شنیدم که کسی جوابت را می داد. فرمود: او جبرئیل بود که در طرف «حرّه» بر من نمایان شده بود. و گفت: امت خود را بشارت بده که: هر کس بمیرد و شرک به خدا نورزیده باشد داخل بهشت خواهد شد.

به او گفتم: ای جبرئیل! اگر چه زنا کرده باشد؟! اگر چه دزدی کرده باشد؟ گفت: بلی، دیگر بار گفتم: اگر چه زنا کرده باشد؟ اگر چه دزدی کرده باشد؟ گفت: بلی، اگر چه خمر نوشیده باشد.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ مَاتَ لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا أَحْسَنَ أَوْ أَسَاءَ دَخَلَ الْجَنَّةَ
 امام صادق علی از حضرت علی علی نقل کند که: پیغمبر اکرم ﷺ فرمود: هر کس از دنیا برود و شرک به خدا نورزیده باشد، چه کار نیکو کرده باشد و چه کار بد، داخل بهشت خواهد شد.

عَنْ رِيَّانَ بْنِ الصَّلْتِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَنِ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ مَا آمَنَ بِي مَنْ فَسَّرَ بِرَأْيِهِ كَلَامِي وَ مَا عَرَفَنِي مَنْ شَبَّهَنِي بِخَلْقِي وَ مَا عَلَى دِينِي مَنْ يَسْتَعْمِلُ الْقِيَّاسَ فِي دِينِي

امام رضا علیه السلام از حضرت علی علیه السلام روایت کند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند متعال فرمود: کسی که کلام مرا با رأی و نظر خود تفسیر کند به من ایمان نیاورده ، و نشناخت مرا کسی که مرا تشبیه (به مخلوقاتم) نماید، و بر دینم نخواهد بود آنکه قیاس را در آن بکار گیرد.

عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا علیه السلام يَقُولُ مَنْ شَبَّهَ اللَّهَ بِخَلْقِهِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَمَنْ وَصَفَهُ بِالْمَكَانِ فَهُوَ كَافِرٌ وَمَنْ نَسَبَ إِلَيْهِ مَا نَهَى عَنْهُ فَهُوَ كَاذِبٌ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ

امام رضا علیه السلام فرمود: هر کس خداوند را به مخلوقاتش تشبیه نماید مشرک است ، و هر کس برای خداوند مکانی را فرض کند کافر است ، و هر کس به خداوند آنچه را او از آن نهی فرموده نسبت دهد دروغگوست ، سپس این آیه را تلاوت فرمود: (همانا افترا می بندند آن دروغگویانی که ایمان به آیات خدا نیاورده اند؛ آنها دروغگویانند).

عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الثاني عليه السلام مَا مَعْنَى الْوَاحِدِ فَقَالَ الْمُجْتَمَعُ عَلَيْهِ بِجَمِيعِ الْأَلْسُنِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ
ابو هاشم جعفری گوید: از امام جواد علیه السلام پرسیدم : معنی واحد چیست ؟ فرمود: آن چیزی است که با تمام زبانها به وحدانیت او اتفاق نظر دارند.

عَنْ الصَّادِقِ علیه السلام أَنَّهُ سَأَلَهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ إِنَّ أَسَاسَ الدِّينِ التَّوْحِيدُ وَالْعَدْلُ وَعَلَمُهُ كَثِيرٌ وَلَا بُدَّ لِلْعَاقِلِ مِنْهُ فَادْكُرْ مَا يَسْهَلُ الْوُقُوفُ عَلَيْهِ وَ يَتَهَيَّأُ حِفْظُهُ فَقَالَ أَمَّا

التَّوْحِيدُ فَإِنَّ لَّا تُجَوِّزَ عَلَيَّ رَبِّكَ مَا جَازَ عَلَيْكَ وَ أَمَّا الْعَدْلُ فَإِنَّ لَّا تَتَسَبَّ إِلَيَّ
خَالِقِكَ مَا لَأَمَكَ عَلَيْهِ

مردی از امام صادق علیه السلام سؤالی پرسید، امام در جواب فرمود: همانا اساس
دین ، توحید و عدل است ، و دانش آن بسیار است ، و هر عاقلی ناچار است که
آن را بیاموزد، بنا بر این بیاد آور چیزی را که رسیدن به آن علم را برای آسان
می کند، و حفظ آن را برای آماده می کند.

سپس امام علیه السلام فرمود: اما توحید به این است که : در مورد پروردگارت روا
ندانی آنچه را که بر خودت روا می دانی ، و اما عدل ، به این است که : به
آفریدگارت نسبت ندهی آنچه را که تو را بر آن ملامت فرمود.

عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ الْمُهْتَدِي قَالَ سَأَلْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ التَّوْحِيدِ فَقَالَ كُلُّ مَنْ قَرَأَ
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ آمَنَ بِهَا فَقَدْ عَرَفَ التَّوْحِيدَ قُلْتُ كَيْفَ يَقْرُؤُهَا قَالَ كَمَا يَقْرَأُ
النَّاسُ وَ زَادَ فِيهِ كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي ثَلَاثًا

عبد العزیز بن مہتدی ، گفت : در مورد توحید از امام رضا علیه السلام پرسیدم ،
فرمود: هر کس (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) را بخواند و به آن ایمان آورد توحید را
شناخته است ، گفتم : چگونه آن را بخواند؟ فرمود: همان طور که مردم می
خوانند، و زیاد کرد در آن گفتن «کذلک اللہ ربی» را سه بار.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِي مِنْ
غَرَائِبِ الْعِلْمِ قَالَ مَا صَنَعْتَ فِي رَأْسِ الْعِلْمِ حَتَّى تَسْأَلَ عَنْ غَرَائِبِهِ قَالَ الْأَعْرَابِيُّ وَ
مَا رَأْسُ الْعِلْمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مَعْرِفَةُ اللَّهِ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ فَقَالَ الْأَعْرَابِيُّ مَا مَعْرِفَةُ

اللَّهِ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ قَالَ أَنْ تَعْرِفَهُ بِمَا مِثْلٍ وَلَا شَبْهٍ وَلَا نِدٍّ وَأَنَّهُ وَاحِدٌ أَحَدٌ ظَاهِرٌ
بَاطِنٌ أَوَّلٌ آخِرٌ لَا كُفْوَلَهُ وَلَا نَظِيرَ لَهُ فَذَلِكَ حَقُّ مَعْرِفَتِهِ

ابن عباس گفت: مرد عربی از رسول خدا ﷺ پرسید: ای رسول خدا! به
من نکات غریب و مشکل علم را بیاموز، فرمود: تو در مورد اصل علم چه می
دانی که از مشکلات آن می پرسی؟ اعرابی گفت: ای رسول خدا! اصل علم
چیست؟ فرمود: شناخت خدا آن طور که حق شناخت اوست. اعرابی گفت:
شناخت واقعی و حقیقی خداوند چگونه است؟ فرمود:

به این است که: خدا را بدون مثل و شبیه و همتا بشناسی، و اینکه او یگانه
و یکتاست، در ظاهر و باطن وجود دارد، آغاز است و فرجام، نه همتا دارد و
نه مانندی، این است حق شناخت او.

أَيْضاً مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ فَضْلِ بْنِ يَحْيَى قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ
شَيْءٍ مِنَ الصِّفَةِ فَقَالَ لَا تُجَاوِزُ مَا فِي الْقُرْآنِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا
اللَّهُ لَفَسَدَتَا

فضل بن یحیی گفت: از امام کاظم علیه السلام از چیزی از صفت (توحید) پرسیدم
، ایشان فرمود:

از آنچه که در قرآن است تجاوز نکن، خداوند متعال می فرماید: (اگر در
آسمان و زمین آلهه ای غیر از خدا بود هر آینه آسمان و زمین فاسد می شدند).

مِنْ كِتَابِ الْإِرْشَادِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ لَا يُشْبَهُ شَيْئاً وَلَا يُشْبَهُهُ
شَيْءٌ وَكُلَّمَا وَقَعَ فِي الْوَهْمِ فَهُوَ بِخِلَافِهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: خدای متعال به هیچ چیزی شباهت ندارد و هیچ چیزی هم به او شبیه نیست ، و هر چه در وهم و خیال آید او بخلاف آن است .

فصل دوم : در اخلاص

الفصل الثانی فی الاخلاص

مِنَ الْمُحَاسِنِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَنِيفًا مُسْلِمًا قَالَ خَالِصًا مُخْلِصًا لَا يَشُوبُهُ شَيْءٌ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد قول خداوند متعال : (حنیفا مسلما) فرمود: یعنی : خالص و مخلص ؛ که در کارهایش چیزی جز خدا در نظرش نباشد.

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ لِكُلِّ حَقٍّ حَقِيقَةً وَ مَا بَلَغَ عَبْدٌ حَقَّ حَقِيقَتِهِ إِلَّا خَلَصَ حَتَّى لَا يُحِبَّ أَنْ يُحْمَدَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ عَمَلِ اللَّهِ

پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: برای هر مطلب حقیقی حقیقتی است ، و هیچ بنده ای از بندگان خدا به حقیقت اخلاص نمی رسد مگر اینکه دوست نداشته باشد که به خاطر کاری که برای خدا انجام می دهد او را ستایش و تمجید کنند.

عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَخْشَعُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى هَوَامُّ الْأَرْضِ وَ سِبَاعُهَا وَ طَيْرُ السَّمَاءِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: همه چیز برای مؤمن فروتنی می کند حتی جنبنده های روی زمین و وحوش آن و پرندگان آسمان .

وَ مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَا خَيْرُ شَرِيكٍ مَنْ أَشْرَكَ مَعِيَ فِي عَمَلٍ عَمِلَهُ لَا أَقْبَلُهُ إِلَّا مَا كَانَ لِي خَالِصًا

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند متعال می فرماید: من بهترین شریک هستم ، هر کس در عملی که انجام می دهد برای من شریک قرار دهد از او نمی پذیرم مگر آنچه را که فقط خالص برای من انجام داده باشد.

وَقَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ مَا لَهُ عِنْدَ اللَّهِ فَلْيَعْلَمْ مَا لِلَّهِ عِنْدَهُ
و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: هر کس دوست دارد که بداند چه موقعیتی نزد خدا دارد، پس باید بفهمد که موقعیت خدا نزد او چگونه است .

فصل سوم : در یقین

الفصل الثالث فى اليقين

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ عَلِيُّ فِي خُطْبَةٍ لَهُ طَوِيلَةٍ
الْإِيمَانَ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمَ عَلَى الصَّبْرِ وَ الْيَقِينِ وَ الْعَدْلِ وَ التَّوْحِيدِ
امام باقر عليه السلام فرمود که : حضرت علی عليه السلام در خطبه ای طولانی فرمود:
ایمان بر چهار پایه استوار است : بر صبر و یقین و عدل و توحید.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ الْإِيمَانَ أَفْضَلُ مِنَ الْإِسْلَامِ وَإِنَّ الْيَقِينَ أَفْضَلُ مِنَ
الْإِيمَانِ وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَعَزَّ مِنَ الْيَقِينِ
امام صادق عليه السلام فرمود: ایمان از اسلام برتر است ، و یقین از ایمان برتر است
، و هیچ چیزی عزیزتر و کمیابتر از یقین نیست .

عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عَنِ الْإِيمَانِ وَ الْإِسْلَامِ
فَقَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ إِنَّمَا هُوَ الْإِسْلَامُ وَ الْإِيمَانُ فَوْقَهُ بِدَرَجَةٍ وَ التَّقْوَى فَوْقَ الْإِيمَانِ
بِدَرَجَةٍ وَ الْيَقِينُ فَوْقَ التَّقْوَى بِدَرَجَةٍ وَ لَمْ يُقَسَمْ بَيْنَ وُلْدِ آدَمَ شَيْءٌ أَقْلُ مِنَ الْيَقِينِ
قَالَ قُلْتُ فَأَيُّ شَيْءٍ مِنَ الْيَقِينِ قَالَ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ لِلَّهِ وَ الرِّضَا بِقَضَاءِ
اللَّهِ وَ التَّفْوِيزُ إِلَى اللَّهِ قُلْتُ مَا تَفْسِيرُ ذَلِكَ قَالَ هَكَذَا قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ

یونس بن عبد الرحمن گوید: از امام رضا عليه السلام در باره ایمان و اسلام پرسیدم
، ایشان فرمود: دین فقط اسلام است ، و ایمان درجه ای بالاتر از اسلام است ، و
تقوی درجه ای بالاتر از ایمان ، و یقین درجه ای بالاتر از تقوی است ، و هیچ

چیزی بهتر از یقین بین فرزندان حضرت آدم علیه السلام تقسیم نشده است ، پرسیدم :
نشانه یقین و پدیده آن چیست ؟

فرمود: توکل بر خدا، و تسلیم در برابر خدا، و راضی بودن به قضا و قدر الهی
، و واگذار کردن امور به خداوند، پرسیدم : معنای اینها چیست ؟ فرمود: امام
باقر علیه السلام [فقط] این چنین فرمود.

عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَمَّا
الْجِدَارُ فَكَانَ لِعِلَّامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَ كَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا فَقَالَ أَمَّا إِنَّهُ مَا كَانَ
ذَهَبًا وَ لَا فِضَّةً وَ إِنَّمَا كَانَ أَرْبَعَ كَلِمَاتٍ أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا مَنْ أَيْقَنَ بِالْمَوْتِ لَمْ
يَضْحَكْ سِنَّهُ وَ مَنْ أَيْقَنَ بِالْحِسَابِ لَمْ يَفْرَحْ قَلْبُهُ وَ مَنْ أَيْقَنَ بِالْقَدَرِ لَمْ يَخْشَ إِلَّا
اللَّهَ

صفوان جمّال گفت : از امام صادق علیه السلام در مورد قول خداوند متعال پرسیدم
، ترجمه آیه گفتگوی موسی و خضر: (و اما دیوار؛ پس مربوط به دو پسر بچه
یتیم در شهر بود که زیر آن گنجی پنهان بود که به آن دو می رسید) فرمود: بدان
که (مقصود از) آن گنج ؛ طلا و نقره نبود، بلکه چهار کلمه بود: من خدا هستم ،
معبودی غیر از من نیست ، هر کس یقین به مرگ داشته باشد دندانهایش هنگام
شادی نمایان نمی شود و هر کس یقین به حساب داشته باشد دلش شادمان نمی
شود، و هر کس یقین به قضا و قدر داشته باشد فقط از خدا می ترسد.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ عَلِيُّ علیه السلام عَلَى الْمَنْبَرِ لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ
حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَهُ وَ أَنَّ مَا أَخْطَأَهُ لَمْ يَكُنْ يُصِيبُهُ

امام باقر علیه السلام فرمود: حضرت علی علیه السلام بر منبر می فرمود: هیچ بنده ای از بندگان خدا طعم و مزه ایمان را نمی چشد مگر اینکه بداند آنچه قسمت او بود از آن او بود و به دیگری نمی رسید، و آنچه از آن دیگری بود فقط به او می رسید و به این شخص نمی رسید.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنَّ مِنَ الْيَقِينِ أَنْ لَا تُرْضُوا النَّاسَ بِسَخَطِ اللَّهِ وَلَا تَحْمَدُوهُمْ عَلَى مَا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَذُمُّوهُمْ عَلَى مَا لَمْ يُؤْتِكُمْ اللَّهُ إِنَّ الرِّزْقَ لَا يَجْرُهُ حِرْصٌ حَرِيصٍ وَلَا يَرُدُّهُ كَرَاهَةٌ كَارِهِ وَ لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ فَرَّ مِنْ رِزْقِهِ كَمَا يَفِرُّ مِنَ الْمَوْتِ لَكَانَ رِزْقُهُ أَشَدَّ لَهُ طَلَبًا وَأَسْرَعَ إِذْرَاكَ مِنَ الْمَوْتِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الرُّوحَ وَالرَّاحَةَ فِي الْيَقِينِ وَالرِّضَا وَجَعَلَ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ فِي الشَّكِّ وَالسَّخَطِ

امام صادق علیه السلام از قول حضرت علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: یکی از علائم یقین این است که : به خاطر خشنودی مردم ، خداوند را ناخشنود نکنی ، و آنان را به خاطر روزی که خدا به توسط آنان به تو داده ستایش نممائی ، و آنان را به خاطر محروم نمودن خداوند تو را از روزی سرزنش نممائی ، زیرا از هیچ آزمندی موجب جلب روزی نمی شود، و بخل هیچ بخیلی مانع از رسیدن روزی نخواهد شد، زیرا اگر از روزی همانند گریختن از مرگ بگریزد، روزی سریعتر از مرگ صاحبش را می طلبد، همانا خداوند متعال آسایش و آرامش را در یقین و خشنودی ، و اندوه و ناآرامی را در ناباوری و خشم قرار داد.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِنْ صِحَّةِ يَقِينِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ لَا يُرْضِيَ النَّاسَ بِسَخَطِ اللَّهِ ثُمَّ سَأَقَ الْحَدِيثَ نَحْوًا مِنْ حَدِيثِ مَيْمُونٍ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ لِأَدْرِكُهُ رِزْقُهُ قَبْلَ مَوْتِهِ كَمَا يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ بَعْدَلِهِ وَقِسْطُهُ وَعِلْمُهُ جَعَلَ الرُّوحَ وَالْفَرْجَ فِي الْيَقِينِ وَالرِّضَا عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَجَعَلَ الْهَمَّ وَالْحَزْنَ فِي الشَّكِّ وَالسَّخَطِ فَارْضُوا عَنِ اللَّهِ وَسَلِّمُوا لِأَمْرِهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: از علائم کمال یقین مسلمان این است که : مردم را بواسطه خشم و غضب خدا خشنود نکند. در حدیث دیگر آمده است که فرمود: رزق و روزیش او را در می یابد قبل از مرگش ، همان طور که مرگش او را در می یابد.

سپس فرمود: خداوند متعال به وسیله عدل و داد خود خرمی و آسایش را در یقین و خشنودی مقرر فرموده ، و غم و اندوه را در ناباوری و ناخشنودی ، پس راضی به قضای خدا شوید و تسلیم فرمان خداوند باشید.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ كَانَ قَنْبَرٌ غُلَامٌ عَلَى عليه السلام يُحِبُّ عَلِيًّا حُبًّا شَدِيدًا فَأِذَا خَرَجَ عَلَيَّ خَرَجَ عَلَيَّ أَثَرَهُ بِالسَّيْفِ فَرَأَاهُ ذَاتَ لَيْلَةٍ فَقَالَ يَا قَنْبَرُ مَا لَكَ فَقَالَ جِئْتُ لِأَمْشِي خَلْفَكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ وَيْحَكَ أَمِنْ أَهْلِ السَّمَاءِ تَحْرُسُنِي أَمْ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ قَالَ لَا بَلْ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ فَقَالَ إِنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ لَا يَسْتَطِيعُونَ لِي شَيْئًا لَوْ شَاءُوا إِلَّا بِإِذْنِ مِنَ السَّمَاءِ فَارْجِعْ قَالَ فَارْجِعْ

امام صادق عليه السلام فرمود: قنبر غلام علی عليه السلام ، حضرت را بسیار دوست می داشت ، پس هر گاه امام عليه السلام از منزل خارج می شد با شمشیر به دنبال او می رفت ، شبی حضرت متوجه او شد، فرمود: قنبر چه قصدی داری ؟ عرض کرد: به دنبال شما آمده ام ای امیر مؤمنان ، حضرت فرمود: وای بر تو، آیا مرا از اهل

آسمان محافظت می کنی یا از اهل زمین ؟ عرض کرد: نه ؛ از اهل زمین ،
فرمود: همانا اهل زمین توان هیچ چیزی را بر من ندارند مگر با اجازه ای از
خدا، بنا بر این برگرد! قنبر برگشت .

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْسَ شَيْءٌ إِلَّا لَهُ حَدٌّ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَمَا حَدُّ التَّوَكُّلِ قَالَ
الْيَقِينُ قُلْتُ فَمَا حَدُّ الْيَقِينِ قَالَ أَنْ لَا تَخَافَ مَعَ اللَّهِ شَيْئاً
امام صادق عليه السلام فرمود: هیچ چیزی نیست مگر اینکه برای آن حدی است ؛
راوی از حضرت پرسید: فدایت شوم ، حدّ توکل چیست ؟ فرمود: یقین است ،
عرض کرد: حدّ یقین چیست ؟ فرمود: این است که : با وجود خدا از احدی
ترسی .

قِيلَ لِلرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا حَدُّ التَّوَكُّلِ قَالَ أَنْ لَا تَخَافَ مَعَ اللَّهِ غَيْرَهُ
از امام رضا عليه السلام سؤال شد: حدّ توکل چیست ؟
فرمود: این است که : با وجود خداوند از غیر او نترسد.

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ عَلِيٌّ يَقُولُ اللَّهُمَّ مَنْ عَلِيَ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ وَالتَّنْفُيْضِ
إِلَيْكَ وَالرِّضَا بِقَدْرِكَ وَالتَّسْلِيمِ لِأَمْرِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا
تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
امام صادق عليه السلام فرمود: علی عليه السلام می فرمود: خدایا! بر من منت گذار تا
توان توکل بر تو و واگذاردن امورم به تو، و خشنود شدن به قضا و قدر تو، و
تسلیم شدن به فرمانت را پیدا کنم ، به حدّی در برابر فرمانت تسلیم و در آنچه

برایم مقدر فرموده ای شتاب نداشته باشم و به داده هایت رضایت دهم ، ای
مهربانترین مهربانان .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ كَفَى بِالْيَقِينِ غِنًا وَبِالْعِبَادَةِ شُغْلًا
امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: بهترین ثروت یقین
است ، و بهترین شغل عبادت و پرستش خداوند.

وَ قَالَ عليه السلام إِنَّ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَنَفِيَّةِ كَانَ رَجُلًا رَابِطَ الْجَاشِ وَ كَانَ الْحَجَّاجُ يَلْقَاهُ
فَيَقُولُ لَهُ لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أُضْرِبَ الَّذِي فِيهِ عَيْنَاكَ فَيَقُولُ كَلَّا إِنَّ لِلَّهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ
ثَلَاثِمِائَةَ وَ سِتِّينَ لَحْظَةً فَأَرْجُو أَنْ يَكْفِينِي بِإِحْدَاهُنَّ

امام صادق عليه السلام فرمود: محمد بن حنفیه مردی شجاع و آرام دل بود، روزی
حجاج به او گفت : بارها قصد کردم که گردنت را بزنم .

محمد جواب داد: تو قدرت انجام این کار را نداری ، برای خدا در هر روز
سیصد و شصت لحظه است ، امیدوارم خداوند در یکی از آن لحظات شر تو را
از من دفع کند.

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى
بِالنَّاسِ الصُّبْحَ فَنَظَرَ إِلَى شَابٍّ فِي الْمَسْجِدِ وَ هُوَ يَخْفِقُ وَ يَهْوِي بِرَأْسِهِ مُصْفَرُّ لَوْنُهُ
وَ قَدْ نَحَفَ جِسْمُهُ وَ غَارَتْ عَيْنَاهُ فِي رَأْسِهِ وَ لَصِقَ جِلْدُهُ بِعَظْمِهِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ
اللَّهِ صلی الله علیه و آله كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا حَارِثُ فَقَالَ أَصْبَحْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُوقِنًا فَقَالَ فَعَجِبَ
رَسُولُ اللَّهِ مِنْ قَوْلِهِ وَ قَالَ لَهُ إِنَّ لِكُلِّ يَقِينٍ حَقِيقَةً فَمَا حَقِيقَةُ يَقِينِكَ فَقَالَ إِنَّ
يَقِينِي يَا رَسُولَ اللَّهِ هُوَ أَحْزَنُنِي وَ أَسْهَرُ لَيْلِي وَ أَظْمَأُ هُوَ اجْرِي فَعَزَفَتْ نَفْسِي عَنِ

الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا حَتَّى كَانِي أَنْظُرُ إِلَى عَرْشِ رَبِّي قَدْ نُصِبَ لِلْحِسَابِ وَحُسْبِرَ
 الْخَلَائِقُ لِذَلِكَ وَأَنَا فِيهِمْ وَكَانِي أَنْظُرُ إِلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ يَتَنَعَّمُونَ فِيهَا وَيَتَعَارَفُونَ
 عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكَبِّينَ وَكَانِي أَنْظُرُ إِلَى أَهْلِ النَّارِ فِيهَا مُعَذَّبُونَ وَيَصْطَرِحُونَ وَ
 كَانِي أَسْمَعُ الْآنَ زَفِيرَ النَّارِ يَدُورُ فِي مَسَامِعِي قَالَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ هَذَا عَبْدٌ نَوَّرَ
 اللَّهُ قَلْبَهُ فِي الْإِيمَانِ ثُمَّ قَالَ الزَّمْ مَا أَنْتَ عَلَيْهِ قَالَ فَقَالَ لَهُ الشَّابُّ ادْعُ اللَّهَ لِي يَا
 رَسُولَ اللَّهِ أَنْ أُرْزَقَ الشَّهَادَةَ مَعَكَ قَالَ فَدَعَا لَهُ بِذَلِكَ فَلَمْ يَلْبَثْ أَنْ خَرَجَ فِي
 بَعْضِ غَزَوَاتِ النَّبِيِّ ﷺ فَاسْتَشْهَدَ بَعْدَ تِسْعَةِ نَفَرٍ وَكَانَ هُوَ الْعَاشِرُ

امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به همراه مردم نماز صبح را خواند،
 سپس به جوانی که در مسجد بود و چرت می زد و سر به زیر داشت نگاه می
 کرد، رنگش زرد و بدنی لاغر و چشمانی فرو رفته در گودی سر داشت و
 پوست بدنش به استخوانش چسبیده بود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: چگونه شب را به صبح رساندی ای حارث!
 (کنایه از اینکه در چه حالی یا حالت چطور است)؟ عرض کرد: ای رسول خدا!
 در حال یقین شب را به روز آوردم. پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله از حرف او تعجب نموده
 و فرمود: برای هر یقینی نشانه ای است، نشانه حقیقی یقین تو چیست؟ گفت:
 ای رسول خدا! نشانه یقین من همانست که مرا غمناک ساخته و شبم را به بی
 خوابی کشیده، و مرا به تحمل تشنگی وسط روز وادار کرده، و نفسم از دنیا و
 آنچه در آن است روی گردان شده، به درجه ای که گویا عرش پروردگارم را
 برای حسابرسی برپا می بینم، و تمامی مردم برای حساب محشور شده اند، و
 من در میان آنها هستم، و گویا به اهل بهشت می نگرم که غرق در نعمت
 هستند، و در حالی که بر پشتیها تکیه زده اند با همدیگر آشنایی پیدا می کنند، و
 گویا اهل دوزخ را می بینم که در آتش شکنجه می شوند و فریاد می زنند، و

گویا من هم اکنون صدای نعره آتش دوزخ را که در گوشم می پیچد می شنوم . رسول خدا ﷺ به اطرافیان فرمود: این بنده ای است که خداوند دلش را به نور ایمان روشن ساخته است ، سپس [رو به آن جوان نمود] فرمود: به آنچه بر آن هستی ثابت باش . جوان عرض کرد: ای رسول خدا! از خدا برای من بخواه که شهادت با تو و در رکاب تو را نصیبم گرداند.

رسول خدا ﷺ برایش چنین دعایی کرد، و طولی نکشید که در یکی از جنگها با پیغمبر ﷺ به جبهه جهاد شتافت ، و پس از نه نفر به شهادت نایل شد، و او نفر دهم بود.

عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُقَالُ لَهُ قَيْسٌ يُصَلِّيُ فَلَمَّا صَلَّى رُكْعَةً تَطَوَّقَ أَسْوَدَ فِي مَوْضِعِ السُّجُودِ فَلَمَّا ذَهَبَ يُصَلِّيُ الثَّانِيَةَ نَحَى جَبِينَهُ عَنْهُ فَتَطَوَّقَ الْأَسْوَدَ فِي عُنُقِهِ ثُمَّ أَنْسَابَ فِي قَمِيصِهِ وَإِنِّي أَقْبَلْتُ يَوْمًا مِنَ الْفُرْعِ فَحَضَرَتِ الصَّلَاةُ وَأَنَا فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ فَنَزَلْتُ فَصِرْتُ إِلَى ثَمَامَةَ فَلَمَّا صَلَّيْتُ رُكْعَةً أَقْبَلَ أَعْمَى مِنْ تَحْتِ الثُّمَامَةِ فَلَمَّا دَنَا مِنِّي رَجَعَ إِلَى الثُّمَامَةِ وَأَقْبَلْتُ عَلَى صَلَاتِي وَلَمْ أُخَفِّفْهَا وَعَلَى دُعَائِي وَلَمْ أُخَفِّفْهُ ثُمَّ قُلْتُ لِبَعْضٍ مَنْ مَعِيَ دُونَكَ الْأَعْمَى تَحْتَ الثُّمَامَةِ فَقَتَلَهُ وَمَنْ لَمْ يَخَفْ إِلَّا اللَّهَ كَفَاهُ اللَّهُ

امام رضا علیه السلام فرمود: یکی از یاران علی علیه السلام به نام قیس ، در حال نماز خواندن بود که وقتی یک رکعت خواند مار سیاهی در محل سجودش آمد، چون خواست رکعت دوم را بخواند، پیشانی‌اش را از طرف آن مار بطرف دیگر گرداند، آن مار به دور گردنش پیچید، سپس به داخل پیراهنش رفت . امام علیه السلام فرمود: من روزی به مکانی که نام آن (فرع) بود و جایی بین مکه و مدینه بود رفتم ،

وقت نماز شد و من در بین راه بودم ، از مرکب پیاده شدم و به طرف گیاهی که (تمامه) نام داشت رفتم . چون یک رکعت نماز خواندم یک افعی از زیر تمامه بطرف من آمد، وقتی نزدیک من رسید دوباره بطرف تمامه برگشت و من شروع به نماز خواندن کردم و آن را کوتاه نمودم و بعد شروع به دعا خواندن کردم و آن را هم کوتاه نمودم ، سپس به بعضی از کسانی که با من بودند گفتم : بگیری افعی را که زیر تمامه است ، آنها افعی را کشتند، هر کس از غیر خدا نترسد خداوند او را یاری می کند.

عَنْ أَبِي الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ اسْتَأْذَنَ رَجُلٌ مِنْ أَتْبَاعِ بَنِي أُمَيَّةَ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ وَ كَانَ مِنَ الْقَوْمِ سَيْلٌ كَذَا فَخَفْنَا عَلَيْهِ فَقُلْنَا جَعَلَنَا اللَّهُ فِدَاكَ هَذَا فَلَانَ يَسْتَأْذِنُ عَلَيْكَ فَلَوْ تَوَارَيْتَ مِنْهُ وَقُلْنَا مَا هُوَ هَاهُنَا قَالَ لَا بَلْ انْذُنُوا لَهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَ لِسَانِ كُلِّ قَائِلٍ وَ يَدِ كُلِّ بَاسِطٍ فَهَذَا الْقَائِلُ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَقُولَ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَ هَذَا الْبَاسِطُ لَا يَسْتَطِيعُ بِيَدِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ اللَّهُ قَالَ ثُمَّ أُذِنَ لِلرَّجُلِ فَدَخَلَ عَلَيْهِ فَسَأَلَهُ عَنْ أَشْيَاءَ أَمْرٍ فِيهَا ثُمَّ ذَهَبَ

ابی القداح از پدرش نقل می کند که گفت : مردی از پیروان بنی امیه از امام باقر علیه السلام اجازه ملاقات خواست ، ما از او ترسیدیم و گفتیم : جان ما فدای شما باد! این فلانی است که اجازه می خواهد نزد شما بیاید، چرا خود را از او مخفی نمی سازید، تا ما بگوئیم او اینجا نیست ؟

فرمود: نه ، به او اجازه دهید داخل شود، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند سخن هر گوینده را می شنود و دست هر ستمکاری را می بیند، پس این گوینده نمی تواند چیزی را بگوید مگر آنچه را که خدا بخواهد، و این دست نمی تواند کاری بکند مگر آنچه را خدا بخواهد.

سپس امام به مرد اجازه فرمود، پس آن مرد داخل بر امام شد و مسائل خود را مطرح کرد و پاسخش را گرفت ، سپس رفت .

سَأَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَ لَهُمَا مَا بَيْنَ الْإِيمَانِ وَالْيَقِينِ فَسَكَتَا فَقَالَ لِلْحَسَنِ أَجِبْ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ قَالَ بَيْنَهُمَا شِبْرٌ قَالَ وَكَيْفَ ذَاكَ قَالَ لِأَنَّ الْإِيمَانَ مَا سَمِعْنَاهُ بِأَذَانِنَا وَصَدَّقْنَاهُ بِقُلُوبِنَا وَالْيَقِينَ مَا أَبْصَرْنَاهُ بِأَعْيُنِنَا وَاسْتَدَلَّنَا بِهِ عَلَى مَا غَابَ عَنَّا

حضرت علی علیه السلام از امام حسن و امام حسین علیهما السلام پرسید: فرق بین ایمان و یقین چیست ؟

پس آن دو بزرگوار سکوت کردند، سپس به امام حسن علیه السلام فرمود: ای ابا محمد جواب بده ، فرمود: بین آن دو یک وجب فاصله است ، فرمود: این چگونه است ؟ فرمود: چون ایمان آن چیزی است که ما با گوشهایمان می شنویم و به وسیله قلبهایمان آن را تصدیق می کنیم ، و یقین آن چیزی است که آن را با چشمهایمان می بینیم و استدلال می کنیم به آن بر آنچه از ما پنهان است .

سُئِلَ الرَّضَا عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِإِبْرَاهِيمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَ لَكِنَّ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي أَوْ كَانَ فِي قَلْبِهِ شَكٌّ قَالَ لَا كَانَ فِيهِ يَقِينٌ وَ لَكِنَّ أَرَادَ مِنَ اللَّهِ الزِّيَادَةَ عَلَىٰ يَقِينِهِ

از امام رضا علیه السلام در باره قول خداوند متعال به حضرت ابراهیم علیه السلام سؤال شد که فرمود: (آیا ایمان نیاورده ای گفت چرا ولی برای اطمینان قلبم می پرسم)

آیا در قلب او شکی بود؟ فرمود: نه ، در قلب او یقین بود، و لکن خداوند متعال اراده کرده بود که بر یقین او افزوده شود.

فصل چهارم : در توکل و واگذاری و تسلیم امور به خدا

الفصل الرابع فى التوكل على الله و التفيؤ به إليه و التسليم له
مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ الْغَنَى وَالْعِزَّ يَجُولَانِ فَاِذَا
ظَفِرَا بِمَوْضِعِ التَّوَكُّلِ أَوْطَأَهُ

امام صادق عليه السلام فرمود: بی نیازی و عزت جولان می کنند، هنگامی که به جایگاه توکل دست یافتند آن را وطن خویش قرار می دهند.

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام سَأَلَهُ عَلِيُّ بْنُ سُوَيْدٍ السَّائِيُّ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ فَقَالَ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ دَرَجَاتٌ مِنْهَا أَنْ تَتَوَكَّلَ
عَلَيْهِ فِي أُمُورِكَ كُلِّهَا فَمَا فَعَلَ بِكَ كُنْتَ عَنْهُ رَاضِيًا تَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَأْلُوكَ إِلَّا خَيْرًا وَ
فَضْلًا وَتَعْلَمُ أَنَّ الْحُكْمَ فِي ذَلِكَ إِلَيْهِ وَوَقَّتَ بِهِ فِيهَا وَفِي غَيْرِهَا

امام کاظم عليه السلام در مورد قول خداوند که : (هر کس بر خدا توکل کند پس او را بس است) فرمود: توکل بر خدا دارای درجاتی است ، یکی اینکه : در همه کارهایت بر او توکل کنی ، و هر چه با تو انجام دهد به آن راضی باشی ، و بدانی که غیر از خیر و سعادت تو را نخواهد ، و بدانی که : اختیار در این امور با اوست ، و تو اطمینان به او داشته باشی چه در این کارها و چه در غیر اینها.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَى دَاوُدَ أَنَّهُ مَا اعْتَصَمَ بِي
عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي دُونَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِي عَرَفْتُ ذَاكَ عَنْ نَبِيِّهِ ثُمَّ تَكِيدُهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ
وَمَنْ فِيهِنَّ إِلَّا جَعَلْتُ لَهُ الْمَخْرَجَ مِنْ بَيْنَهُنَّ وَمَا اعْتَصَمَ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي

بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِي عَرَفْتُ ذَلِكَ مِنْ نَيْتِهِ إِلَّا قَطَعْتُ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ
أَسَخْتُ الْأَرْضَ مِنْ تَحْتِهِ وَلَمْ أَبَالِ فِي أَيِّ وَادٍ تَهَالَكَ

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی به حضرت داود عليه السلام وحی کرد که: هر یک از بندگانم با یا س از مخلوقاتم به من پناهنده شود من از نیتش این را می فهمم؛ و سپس همه آسمانها و زمین و هر که در آنها هست برای او توطئه کنند من برایش راه چاره ای برای نجات از دست آنها فراهم خواهم کرد.

و هر یک از بندگانم به دیگری پناهنده شود در حالی که من بدانم قصدش همین است، همه وسائل و اسباب آسمانها و زمین را از او می گیرم و او را سرگردان خواهم نمود و او را به حال خودش واگذارم، و باکی ندارم که در کدام سرزمین نابود می شود.

عَنْهُ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ جَمَالِي وَ بَهَائِي وَ عُلُوِّي وَ ارْتِفَاعِ مَكَانِي لَا يُؤْثِرُ عَبْدٌ هَوَايَ عَلَيَّ هَوَاهُ إِلَّا جَعَلْتُ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ وَ هَمَّهُ فِي آخِرَتِهِ وَ كَفَفْتُ عَلَيْهِ ضَيْعَتَهُ وَ ضَمَنْتُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ رِزْقَهُ وَ كُنْتُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ تِجَارَةِ كُلِّ تَاجِرٍ

امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله می فرمود: خداوند عز و جل می فرماید: به عزت و جلال و جمال و بزرگی و عظمت و بلندی مرتبه ام و مقام والايم و به جایگاه بلندم سوگند، هیچ بنده ای خواست مرا بر دلخواه خود بر نگریند مگر اینکه بی نیازی او را در قلبش قرار خواهم داد، و کوشش او را در آخرتش، و سرگردانی را از او باز دارم، و آسمانها و زمین را به روزیش فرمان دهم، و من خود برای او بدنبال تجارت هر تاجری باشم (و پشتیبان او هستم).

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ عَظَمَتِي وَ كِبْرِيَائِي وَ نُورِي وَ غُلُوِّي وَ ارْتِفَاعِ مَكَانِي لَا يُؤَثِّرُ عَبْدٌ هَوَاهُ عَلَى هَوَايَ إِلَّا شَتَّتْ عَلَيْهِ أَمْرَهُ وَ لَبَسَتْ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ وَ شَغَلَتْ قَلْبَهُ بِهَا وَ لَمْ أَوْتِهِ مِنْهَا إِلَّا مَا قَدَّرْتُ لَهُ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ عَظَمَتِي وَ كِبْرِيَائِي وَ نُورِي وَ غُلُوِّي وَ ارْتِفَاعِ مَكَانِي لَا يُؤَثِّرُ عَبْدٌ هَوَايَ عَلَى هَوَاهُ إِلَّا اسْتَحْفَظْتُهُ مَلَائِكَتِي وَ كَفَّلْتُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ رِزْقَهُ وَ كُنْتُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ تِجَارَةِ كُلِّ تَاجِرٍ وَ أَنْتَهُ الدُّنْيَا وَ هِيَ رَاغِمَةٌ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت کند که فرمود: خداوند عز و جل می فرماید: قسم به عزت و جلالم و بزرگی و عظمت و نور و برتری و به جایگاه بلندم ، هیچ بنده ای خواست خود را بر خواست من مقدم نکند؛ مگر اینکه کارش را پریشان کنم ، و دنیایش را درهم سازم و دلش را به آن مشغول نمایم ، و از آن به او ندهم مگر آنچه را برایش مقدر کرده ام ، قسم به عزت و جلال و بزرگی و عظمت و نور و برتری و بلندی مقام و جایگاهم ، هیچ بنده ای خواست مرا بر خواست خود مقدم نکند مگر اینکه ملائکه من از او محافظت کنند، و آسمانها و زمین را متکفل روزی او سازم ، و از پس تجارت و سودجویی هر تاجری من پشتیبان او هستم و دنیا بر خلاف انتظارش به آستان بوسی او آید.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ يَقُولُ لَشَيْءٍ قَدْ مَضَى : لَوْ كَانَ غَيْرُهُ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ برای هر کاری که واقع شده بود نمی فرمود: ای کاش غیر آن واقع شده بود.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحَقُّ خَلْقِ اللَّهِ أَنْ يُسَلَّمَ لِمَا قَضَى اللَّهُ مِنْ عَرَفَ اللَّهُ وَ مَنْ رَضِيَ بِالْقَضَاءِ أَتَى عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَ عَظَّمَ اللَّهُ أَجْرَهُ وَ مَنْ سَخِطَ الْقَضَاءِ أَتَى عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَ أَحْبَطَ اللَّهُ أَجْرَهُ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: سزاوارترین خلق خدا که بدان چه خداوند برایش مقدر کرده تسلیم باشد کسی است که خدا را شناخته ، و هر کس راضی به قضا و قدر باشد قضا و قدر الهی شامل حالش شود، و خداوند پاداش بزرگی نصیب او گرداند، و هر که ناخشنود از قضا و قدر الهی باشد قضا و قدر بر او بگذرد و خداوند پاداش او را بیهوده انگارد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ الْآيَةَ قَالَ أَتُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا لَهُ قُلْتُ فَكَيْفَ عَلِمَ الرَّسُولُ أَنَّهَا كَذَلِكَ قَالَ كُشِفَ لَهُ الْعِطَاءُ قُلْتُ فَبِأَيِّ شَيْءٍ عَلِمَ الْمُؤْمِنُ أَنَّهُ مُؤْمِنٌ قَالَ بِالتَّسْلِيمِ لِلَّهِ وَ الرِّضَا فِيمَا وَرَدَ عَلَيْهِ مِنْ وَرَاءِ سَخَطِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد قول خداوند عز و جل (إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ ...) فرمود: یعنی ستایش نمایند پیامبر را و درود بر او فرستند، پرسیدم : چگونه رسول بداند که ملائکه بر او درود می فرستند؟ فرمود: پرده ها برای او کنار می رود، پرسیدم : به چه چیز مؤمن می فهمد که مؤمن است ؟ فرمود: به وسیله تسلیمش در برابر قضای خداوند و خشنودی او به آنچه بر او می رسد، بدون غضب و ناراحتی .

وَ مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ اتَّقَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ
عَلَى اللَّهِ

پیغمبر ﷺ فرمود: هر کس دوست داشته باشد که با تقواترین مردم باشد
پس باید توکل بر خدا کند.

وَ قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ لَا يُغْلَبُ وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ لَا يُهْزَمُ
امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس توکل بر خدا کند مغلوب نگردد و هر که بخدا
پناه آورد شکست نخورد.

قَالَ النَّبِيُّ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَا مِنْ مَخْلُوقٍ يَعْتَصِمُ بِمَخْلُوقٍ دُونِي إِلَّا قَطَعْتُ
أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مِنْ دُونِهِ فَإِنْ سَأَلَنِي لَمْ أُعْطِهِ وَ إِنْ دَعَانِي لَمْ أُجِبْهُ وَ
مَا مِنْ مَخْلُوقٍ يَعْتَصِمُ بِي دُونَ خَلْقِي إِلَّا ضَمَنْتُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رِزْقَهُ فَإِنْ
سَأَلَنِي أُعْطِيْتُهُ وَ إِنْ دَعَانِي أُجِبْتُهُ وَ إِنْ اسْتَعْفَرَنِي غَفَرْتُ لَهُ

پیغمبر ﷺ فرمود: خداوند عز و جل می فرماید: هیچ آفریده ای نیست که
از آفریده دیگر کمک بخواند، و از من کمک نخواهد مگر اینکه اسباب آسمانها
و زمین را از او قطع نمایم، چنانچه چیزی از من بخواند به او نخواهم داد، و
اگر مرا بخواند به او جواب نمی دهم .

و هیچ مخلوقی نیست که متمسک به من شود نه به آفریده ام ؛ مگر اینکه
آسمانها و زمین را وسیله تهیه رزق و روزی او قرار می دهم ، اگر از من چیزی
بخواند به او می دهم ، و اگر مرا بخواند او را اجابت کنم ، و اگر از من طلب
آمرزش کند او را بیامرزم .

وَ قَالَ ﷺ مَنْ انْقَطَعَ إِلَى اللَّهِ كَفَاهُ اللَّهُ مَتُونَهُ وَ رَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبْ وَ
مَنْ انْقَطَعَ إِلَى الدُّنْيَا وَكَلَهُ إِلَيْهَا

پیغمبر ﷺ فرمود: هر کس اعتماد و اتکایش را از غیر خدا ببرد خداوند بی
نیازش کند و رزق و روزیش را بدون حساب و کتاب ؛ و از جایی که فکرش
نمی رسد به او بدهد، و هر کس به دنیا متکی شود، خداوند او را به همان دنیا
وامی گذارد.

وَ قَالَ ﷺ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ
يَكُونَ أكرمَ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ أَغْنَى النَّاسِ فَلْيَكُنْ بِمَا فِي يَدِ
اللَّهِ أَوْثَقَ مِنْهُ فِي يَدَيْهِ

و پیغمبر ﷺ فرمود: هر کس دوست می دارد که توانمندترین مردم باشد،
باید توکل بر خدا کند، و هر کس که دوست می دارد و بخواهد که گرامی ترین
و محترمتترین مردم باشد باید پرهیزگار باشد، و هر کس که دوست دارد که بی
نیازترین مردم باشد، باید اطمینانش به آنچه که در دست قدرت خداست بیشتر
باشد تا از آنچه که در دستان خودش است .

وَ قَالَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ بِصِدْقِ النَّبِيِّ لاحتَاجَتْ إِلَيْهِ الأَمْرَاءُ فَمَنْ دُونَهُمْ
فَكَيْفَ يَحْتَاجُ هُوَ وَ مَوْلَاهُ الغِنَى الحَمِيدُ

رسول خدا ﷺ فرمود: اگر مردی بر خدا توکل کند و در نیتش صادق باشد،
بطور قطع فرمانروایان و غیر آنها محتاج به او می شوند، چگونه او محتاج شود
در حالتی که مولای او بی نیاز و ستوده است ؟

أَيْضاً مِنَ الْمَحَاسِنِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْإِيمَانُ لَهُ أَرْكَانٌ أَرْبَعَةٌ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ وَ تَفْوِيضُ الْأَمْرِ إِلَى اللَّهِ وَ الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ
 امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: ایمان دارای چهار رکن است : توکل بر خدا،
 واگذار نمودن کارها به خدا، راضی بودن به قضا و قدر خدا، تسلیم شدن به امر
 خدا.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ جَلَّ تَنَائُؤُهُ فَلَا وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ الْآيَةَ قَالَ التَّسْلِيمُ وَ الرِّضَا وَ الْقَنُوعُ بِقَضَائِهِ
 امام باقر علیه السلام در مورد این کلام خداوند جلّ ثناؤه (فَلَا وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ) فرمود: تسلیم بودن ، و راضی بودن ، و قانع بودن به قضا و قدر
 الهی .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَيُّمَا عَبْدٍ أَقْبَلَ قَبْلَ مَا يُحِبُّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَقْبَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَبْلَ كُلِّ مَا يُحِبُّ وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ وَ اتَّقَوَاهُ عَصَمَهُ اللَّهُ وَ مَنْ أَقْبَلَ قَبْلَهُ وَ عَصَمَهُ لَمْ يُبَالِ لَوْ سَقَطَتِ السَّمَاءُ عَلَى الْأَرْضِ أَوْ كَانَتْ نَازِلَةً نَزَلَتْ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَشَمَلَتْهُمْ بَلِيَّةٌ وَ كَانَ فِي حِرْزِ اللَّهِ بِالتَّقْوَى مِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ أَلَيْسَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ
 امام صادق علیه السلام فرمود: هر بنده ای به آنچه خداوند عزّ و جلّ دوست دارد
 روی آورد، خداوند به آنچه او دوست دارد متوجه شود، و هر کس به خدا و
 تقوای خدا پناهنده شود خداوند او را حفظ کند، و هر که خدا به او رو کند و او
 را حفظ کند، باکی ندارد که آسمان به زمین افتد، یا بلایی فرود آید که همه مردم

زمین را فرو گیرد، او به وسیله تقوا در پناه خدا از هر بلایی محفوظ خواهد بود، آیا این طور نیست که خداوند می فرماید: (افراد با تقوا در مقام امن هستند).

وَعَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَقِيَ رَسُولَ اللَّهِ فِي بَعْضِ أَسْفَارِهِ رُكْبًا فَقَالُوا السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ مَنْ أَنْتُمْ قَالُوا نَحْنُ مُؤْمِنُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ فَمَا حَقِيقَةُ إِيمَانِكُمْ قَالُوا الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَالتَّفْوِيزُ إِلَى اللَّهِ وَالتَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عُلَمَاءُ وَحُكَمَاءُ كَادُوا أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْحِكْمَةِ أَنْبِيَاءَ فَلِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَلَا تَبْنُوا مَا لَا تَسْكُنُونَ وَلَا تَجْمَعُوا مَا لَا تَأْكُلُونَ وَاتَّقُوا الَّذِي إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا در یکی از سفرهایش به جمعی شترسوار برخورد، آنها گفتند: درود بر تو ای رسول خدا! ایشان فرمود: شما کیستید؟ گفتند: ما مؤمنان هستیم ای رسول خدا! حضرت فرمود: حقیقت ایمان شما چیست؟

گفتند: رضا به قضای خدا، و واگذاری خود به خدا، و تسلیم به امر خدا، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (به اطرافیان خود) فرمود: اینها دانشمندانی حکیم هستید که نزدیک است از مقام بلند حکمت خود انبیاء باشند.

(سپس رو به آنها کرده) و فرمود: اگر راست می گوئید: نسازید آنچه را که در آن سکنی نمی گزینید، و جمع نکنید آنچه را که نمی خورید، و بترسید از خدائی که بسوی او بازگردانده خواهید شد.

فصل پنجم : در صبر و شکیبائی

الفصل الخامس فی الصبر

عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُنَالُ فِيهِ الْمُلْكُ إِلَّا بِالْقَتْلِ وَالتَّجْبُرِ وَ لَا الْغِنَى إِلَّا بِالْغَضَبِ وَ الْبُخْلِ وَ لَا الْمَحَبَّةَ إِلَّا بِاسْتِخْرَاجِ الدِّينِ وَ اتِّبَاعِ الْهَوَى فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَصَبَرَ عَلَى الْبِغْضَةِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْمَحَبَّةِ وَ صَبَرَ عَلَى الْفَقْرِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْغِنَى وَ صَبَرَ عَلَى الدُّلِّ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْعِزِّ آتَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ خَمْسِينَ صِدِّيقًا مِمَّنْ صَدَّقَ بِهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ فرموده اند: زمانی برای مردم بیاید که به ملک و سلطنت نرسند جز به وسیله کشتار و دیکتاتوری و زور، و به توانگری نرسند جز بوسیله غضب مال مردم و بخل، و محبوب جامعه نشوند مگر بوسیله بیرون رفتن از دین و پیروی کردن هوای نفس، هر کس چنین زمانی را درک کند و در مقابل فقر صبر کند با اینکه قادر بر تحصیل ثروت است، و بر خواری صبر کند در حالی که می تواند عزیز باشد؛ خداوند ثواب پنجاه صدیق را که مرا تصدیق کرده اند به او می دهد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَى قَوْمٍ وَ أَمَرَهُ أَنْ يُقَاتِلَهُمْ فَشَكَاَ إِلَى اللَّهِ الضَّعْفَ فَقَالَ اخْتَرِ الْقِتَالَ أَوْ النَّارَ قَالَ يَا رَبِّ لَا طَاقَةَ لِي بِالنَّارِ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ النَّصْرَ يَأْتِيكَ فِي سَنَتِكَ هَذِهِ فَقَالَ ذَلِكَ النَّبِيُّ لِأَصْحَابِهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ أَمَرَنِي بِقِتَالِ بَنِي فُلَانٍ فَقُلْتُ لَا طَاقَةَ لَنَا بِقِتَالِهِمْ فَقَالَ اخْتَرِ الْقِتَالَ أَوْ النَّارَ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا بِالنَّارِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْحَى أَنْ النَّصْرَ يَأْتِينِي فِي سَنَتِي هَذِهِ قَالُوا تَفْعَلُ وَ نَفْعَلُ وَ تَكُونُ وَ نَكُونُ قَالَ وَ بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا آخَرَ إِلَى قَوْمٍ وَ أَمَرَهُ أَنْ يُقَاتِلَهُمْ فَشَكَاَ

إِلَى اللَّهِ الضَّعْفَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ النَّصْرَ يَأْتِيكَ بَعْدَ خَمْسِ عَشْرَةَ سَنَةً
 فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَنِي بِقِتَالِ بَنِي فُلَانٍ فَشَكَوْتُ إِلَيْهِ الضَّعْفَ فَقَالُوا
 لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَقَالَ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْحَى إِلَيَّ أَنَّ النَّصْرَ يَأْتِيَنِي بَعْدَ
 خَمْسِ عَشْرَةَ سَنَةً فَقَالُوا مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ قَالَ فَاتَاهُمُ اللَّهُ
 بِالنَّصْرِ فِي سَنَتِهِمْ تِلْكَ لِتَفْوِيضِهِمْ إِلَى اللَّهِ وَقَوْلِهِمْ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا
 بِاللَّهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند متعال پیغمبری را به سوی قومی مبعوث
 نمود و او را امر کرد که باید با آنان بجنگید، پس آن پیغمبر نزد خدا از ضعف
 شکایت کرد، خداوند فرمود:

یا جنگیدن یا در آتش جهنم رفتن را انتخاب کن ، گفت : پروردگارا من
 طاقت آتش ندارم ، پس خداوند به او وحی کرد که : پیروزی تو در همین سال
 به تو می رسد، آن پیغمبر به اصحابش گفت : خداوند عز و جل مرا امر به
 جنگیدن با بنی فلان کرده و من گفتم ما طاقت جنگیدن با آنها را نداریم ، لذا
 فرمود: انتخاب کن جنگیدن را یا آتش جهنم را، گفتند: ما طاقت جنگ با آنها را
 نداریم ، لذا فرمود: انتخاب کن جنگیدن را یا آتش جهنم را، گفتند: ما طاقت
 جنگ با آنها را نداریم ، پس به آنها گفت : انتخاب کنید یا جنگ یا آتش را،
 گفتند: ما طاقت آتش نداریم ، به آنها گفت : خداوند وحی کرده که نصرت و
 پیروزی من در همین سال است ، گفتند: هر کاری تو بکنی ما همراهیت کنیم ،
 امام عليه السلام فرمود: و مبعوث کرد خداوند پیغمبر دیگری را بسوی قومی و به او
 امر کرد که باید با آنها بجنگد، او نزد خدا از ضعف شکایت کرد، خداوند عز و
 جل به او وحی کرد که : پیروزی پس از پانزده سال نصیب تو می شود، او به
 اصحابش گفت : خدای عز و جل مرا امر کرده به جنگیدن با بنی فلان ، و من به

او شکایت از ضعف نمودم ، گفتند: لا حول و لا قوّة الا بالله ، آن پیغمبر گفت : خداوند وحی کرد به من که پیروزی بعد از پانزده سال برایم حاصل می شود، گفتند:

ما شاء الله ، لا حول و لا قوّة الا بالله ، گفت : خداوند متعال در همان سال پیروزی را نصیبشان گرداند بعلت اینکه کارهایشان را واگذار به خدا کردند، و گفتند: هر چه خدا بخواهد، و نیست حول و قوّه ای مگر حول و قوّه الهی .

عَنِ الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَمَرَنِي أَبِي يَعْنِي أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَنْ آتِيَ الْمُفَضَّلَ بْنَ عُمَرَ فَأَعَزِّيهِ بِإِسْمَاعِيلَ وَ قَالَ أَقْرِي الْمُفَضَّلَ السَّلَامَ وَقُلْ لَهُ إِنَّا أُصِبْنَا بِإِسْمَاعِيلَ فَصَبَرْنَا فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرْنَا إِنَّا إِذَا أَرَدْنَا أَمْرًا وَ أَرَادَ اللَّهُ أَمْرًا سَلَّمْنَاهُ لِأَمْرِ اللَّهِ

امام رضا علیه السلام از قول پدر بزرگوارش فرمود: پدرم مرا امر فرمود یعنی امام صادق علیه السلام که به نزد مفضل بن عمر بروم و او را در مورد مرگ اسماعیل تعزیت گویم ، و فرمود: به مفضل سلام برسان و به او بگو که ما مصیبت اسماعیل را دیدیم و صبر کردیم ، پس صبر کن همان طور که ما صبر کردیم ، ما هر گاه امری را اراده کنیم و خداوند امر دیگری را اختیار کند ما امر خود را تسلیم امر او خواهیم کرد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مِنْ التَّوَكُّلِ أَنْ لَا تَخَافَ مَعَ اللَّهِ غَيْرَهُ

امام صادق علیه السلام فرمود: نشانه توکل این است که : با اینکه از خدا می ترسی از دیگری مترس .

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الصَّبْرُ مِنَ الْيَقِينِ

امام صادق علیه السلام فرموده اند: صبر از یقین است .

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ أَهْدَىٰ إِلَيَّ الرَّسُولُ بَعْلَةً أَهْدَاهَا كِسْرَىٰ لَهُ أَوْ قَيْصَرَ فَرَكِبَهَا النَّبِيُّ فَأَخَذَ مِنْ شَعْرِهَا وَارْدَفَنِي خَلْفَهُ ثُمَّ قَالَ يَا غُلَامُ احْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظْكَ احْفَظِ اللَّهَ تَجِدَهُ أَمَامَكَ تَعَرَّفْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الرَّخَاءِ يَعْرِفَكَ فِي الشَّدَةِ إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ وَإِذَا اسْتَعْنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ قَدْ مَضَى الْقَلَمُ بِمَا هُوَ كَائِنٌ فَلَوْ جَهَدَ النَّاسُ أَنْ يَنْفَعُوا بِأَمْرِ لَمْ يَكْتُبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ لَمْ يَفْدِرُوا عَلَيْهِ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَعْمَلَ بِالصَّبْرِ مَعَ الْيَقِينِ فَافْعَلْ وَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَاصْبِرْ فَإِنَّ فِي الصَّبْرِ عَلَىٰ مَا تَكْرَهُ خَيْرًا كَثِيرًا وَاعْلَمْ أَنَّ الصَّبْرَ مَعَ النَّصْرِ وَ أَنَّ الْفَرَجَ مَعَ الْكَرْبِ وَ أَنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

عبد الله بن عباس گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر قاطری که کسری یا قیصر به او پیش کش کرده بود سوار شد، سپس موی آن قاطر را گرفت و مرا پشت سر خود سوار نمود، و فرمود: ای جوان! بیاد خدا باش تا خدا تو را حفظ کند، به یاد خدا باش تا همواره خدا را جلوی روی خود بینی، خدای عز و جل را در سستی ها و لغزشها بیاد آور تا خداوند تو را در سختیها اجابت و دستگیری کند، هر گاه سؤال کردی از خدا سؤال کن، و هر گاه طلب کمک کردی استعانت به خدا بجوی، که قلم تقدیر مشخص نموده آنچه را باید انجام شود، اگر مردم کوشش کنند که به امری که خداوند مقدر فرموده به تو نفعی برسانند قادر بر آن نخواهند بود.

اگر می توانی که صبر نمائی به همراه یقین این کار را بکن، و اگر نمی توانی صبر کن که در صبر کردن بر آنچه بر تو سخت است خیر بسیار می باشد. و بدان که صبر به همراه پیروزی است، و گشایش به همراه سختی، و به دنبال هر سختی آسانی است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الصَّبْرُ رَأْسُ الْإِيمَانِ
امام صادق عليه السلام فرمود: صبر سر ایمان است .

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ
ذَهَبَ الْجَسَدُ كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيمَانُ

امام صادق عليه السلام : صبر نسبت به ایمان همانند سر نسبت به بدن است ، چون
سر نباشد تن هم نخواهد بود، همچنین هر گاه صبر نباشد ایمان هم نیست .

عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَا حَفْصُ إِنَّ مَنْ صَبَرَ صَبَرَ قَلِيلًا
وَإِنَّ مَنْ جَزَعَ جَزَعَ قَلِيلًا ثُمَّ قَالَ عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ فِي جَمِيعِ أُمُورِكَ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ
وَ تَعَالَى بَعَثَ مُحَمَّدًا فَأَمَرَهُ بِالصَّبْرِ وَ الرَّفْقِ فَقَالَ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ
هَجْرًا جَمِيلًا. وَ ذَرْنِي وَ الْمُكْذِبِينَ وَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اذْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ
فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ. وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ مَا
يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ فَصَبِرْ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى نَالُوهُ بِالْعِظَائِمِ وَ رَمَوْهُ بِهَا تَمَامَ الْخَبَرِ

امام صادق عليه السلام فرمود: ای حفص! هر که صبر کند، اندکی صبر کرده ، و هر
کس بی تابی کند اندکی بی تابی نموده .

سپس فرمود: حتما در تمام کارهایت صبر را پیشه خود ساز، زیرا خداوند
محمد ﷺ را مبعوث نمود و او را به صبر و مدارا امر کرد، و فرمود: (بر آنچه
می گویند صبر کن و به زیبایی و نرمی آنها را ترک کن و مرا با نعمت خوارگانی
که تو را تکذیب می کنند واگذار).

و خداوند تبارک و تعالی می فرماید: (دفاع کن که به نیکوترین وجه در
مقابل بدیها، تا بناگاه آنکه میان تو و او دشمنی است گویا او دوستی صمیمی

است ، و به آن برخورد نکنند مگر کسانی که صابر باشند، و بر نخورد به آن مگر کسی که صاحب بهره فراوان باشد) پیغمبر ﷺ صبر کرد بدرجه ای که به او وصله های بزرگی چسباندند و او را به آنها متهم ساختند (مثل اینکه به او ساحر و مجنون و کذاب گفتند).

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكُلَّ الرِّزْقِ بِالْحُمَقِ وَكُلَّ الْحِرْمَانِ بِالْعَقْلِ وَكُلَّ الْبَلَاءِ بِالْيَقِينِ وَالصَّبْرِ

حضرت علی ﷺ فرمود: رزق و روزی به حماقت و نابخردی سپرده شده ، محرومیت به عقل سپرده شده و بلاء به یقین و صبر سپرده شده .

عَنْ مِهْرَانَ قَالَ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ أَشْكُو إِلَيْهِ الدَّيْنَ وَتَغَيَّرَ الْحَالَ فَكَتَبَ لِي اصْبِرْ تُوجِرُ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَصْبِرْ لَمْ تُوجِرْ وَلَمْ تَرُدْ قِضَاءَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

مهران گوید: نامه ای به امام کاظم ﷺ نوشتم و به ایشان از قرض و دگرگونی حال شکایت کردم .

ایشان در جوابم نوشتند: صبر کن تا اجر و ثواب ببری ، زیرا اگر تو صبر نکنی ثواب و اجری نصیب تو نگردد، و قضا و قدر خدا را مانع نتوانی شد.

وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْحُرَّ حُرٌّ عَلَى جَمِيعِ أَحْوَالِهِ وَإِنْ نَابَتْهُ نَائِبَةٌ صَبَرَ لَهَا وَإِنْ تَدَاكَتْ عَلَيْهِ الْمَصَائِبُ لَمْ تَكْسِرْهُ وَإِنْ أُسِرَ وَقُهِرَ وَاسْتُبْدِلَ بِالْيُسْرِ عُسْرًا كَمَا كَانَ يُوسُفُ الصِّدِّيقُ الْأَمِينُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَضُرُّ حُرِّيَّتَهُ أَنْ اسْتُعْبِدَ وَقُهِرَ وَأُسِرَ وَلَمْ تَضُرَّهُ ظُلْمَةُ الْجُبِّ وَوَحْشَتُهُ وَمَا نَالَهُ أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ فَجَعَلَ الْجَبَّارَ الْعَاتِيَّ لَهُ

عَبْدًا بَعْدَ أَنْ كَانَ مَالِكًا لَهُ فَأَرْسَلَهُ وَرَحِمَ بِهِ أُمَّةً وَكَذَلِكَ الصَّبْرُ يُعْتَبَرُ خَيْرًا
فَاصْبِرُوا تَظْفَرُوا وَوَاطِبُوا عَلَى الصَّبْرِ تُوجِرُوا

امام صادق علیه السلام فرمود: آزاده در هر حال آزاده است ، اگر مصیبتی برای او
پیش آید بر آن صبر خواهد کرد، و اگر مصائب بر او هجوم آورند او را درهم
نشدند، اگر چه اسیر شود و اذیت شود و آسایش او تبدیل به سختی گردد،
همان طور که حضرت یوسف صدیق امین علیه السلام بود که با وجود اینکه تبعید شد
و اذیت و اسیر شد ولی ضرری به حریت او نزد، و تاریکی چاه و وحشت آن و
آنچه بر سرش آمد به او ضرری نرساند، تا اینکه خدا بر او منت نهاد و آن جبار
سرکش را که قبلاً مالک او بود بنده او ساخت ، و خدا او را رسول خود نمود و
به وسیله او به امتی رحم کرد.

و این چنین است صبر که خیر به دنبال دارد، شما هم صبر کنید تا پیروز
شوید، و صبر را پاس دارید تا اجر ببرید.

وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ حَسَنٌ جَمِيلٌ وَ أَحْسَنُ مِنْ
ذَلِكَ الصَّبْرُ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَ الذِّكْرُ ذِكْرَانِ ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِنْدَ
الْمُصِيبَةِ وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ فَيَكُونُ حَاجِزًا

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: صبر دو گونه است : صبر در برابر مصیبت که
خوب و زیباست ، و نیکوتر از آن صبر است که در برابر محرّمات خداوند است

و ذکر به دو گونه است : یاد خداوند عزّ و جلّ در هنگام مصیبت ، و برتر از
آن یاد خداست در برابر ارتکاب محرّمات ، تا اینکه از کار حرام مانع تو شود.

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا حَضَرَتْ أَبِي عَلِيٍّ بَنَ الْحُسَيْنِ الْوَفَاةُ ضَمَّنِي إِلَى صَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ أَيُّ بَنِي أَوْصِيكَ بِمَا أَوْصَانِي بِهِ أَبِي حِينَ حَضَرْتَهُ الْوَفَاةُ وَبِمَا ذَكَرَ أَنَّ أَبَاهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْصَاهُ بِهِ أَيُّ بَنِي أَصْبِرُ عَلَيَّ الْحَقُّ وَإِنْ كَانَ مُرًّا

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هنگامی که زمان فوت پدرم (علی بن الحسین عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرا رسید، مرا به سینه اش چسباند، سپس فرمود: ای پسر عزیزم! سفارش می‌کنم تو را به آنچه پدرم هنگام وفاتش مرا به آن سفارش فرمود، و به آنچه که فرمود پدرانش او را به او وصیت نموده اند.

ای پسر عزیزم! صبر بر حق کن گرچه تلخ باشد.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ عَجَبًا لِلْمُؤْمِنِ إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَقْضِي لَهُ قَضَاءً إِلَّا كَانَ لَهُ خَيْرًا إِنْ ابْتُلِيَ صَبْرًا وَإِنْ أُعْطِيَ شَكَرًا

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کند که می‌فرمود: من از کار مؤمن در شگفتم، خداوند عز و جل مقدر نمی‌کند برای او تقدیری را مگر اینکه برایش خیر باشد، اگر گرفتار شود بردبار باشد، و اگر خیری به او عطا شد سپاسگزار است.

قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ مَنْ أَكْرَمُ الْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ قَالَ مَنْ إِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ وَإِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ

از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال شد: گرامی‌ترین آفریده پیش خدا کیست؟ فرمود: کسی که هر گاه به او چیزی داده شد سپاسگزار و قدردان است و هر گاه گرفتار شد بردباری پیشه کند.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ أَوْلِيَائِي
عِنْدِي رَجُلًا خَفِيفَ الْحَالِ ذَا خَطَرٍ أَحْسَنَ عِبَادَةَ رَبِّهِ فِي الْغَيْبِ وَكَانَ غَامِضًا فِي
النَّاسِ جُعِلَ رِزْقُهُ كَفَافًا فَصَبَرَ عَلَيْهِ وَمَاتَ فَقَلَّ تَرَاثُهُ وَ قَلَّ بَوَاقِيهِ

امام باقر عليه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کند که فرمود: خداوند عز و جل می
فرماید: از رشک آورترین و موفق ترین دوستانم نزد من شخصی است که سبک
حال (یعنی کم مال و کم علاقه به دنیا) است ، دارای بهره ای از نماز است که در
نهان عبادت پروردگارش را به نیکوئی انجام می دهد، و در میان مردم گمنام و
ناشناخته بسر می برد، خداوند رزق و روزی او را به اندازه نیازش قرار داده ، و
او بر آن صبر کند، و بمیرد در حالی که وارث و گریه کنانش کم باشند.

عَنْ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ مَنْ صَبَرَ وَ اسْتَرْجَعَ وَ حَمِدَ اللَّهَ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ فَقَدْ رَضِيَ بِمَا
صَنَعَ اللَّهُ وَ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَ مَنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ جَرَى عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَ هُوَ ذَمِيمٌ
وَ أَحْبَطَ اللَّهُ أَجْرَهُ

امام باقر عليه السلام فرمود: هر کس هنگام مصیبت صبر کند و استرجاع نماید
(یعنی بگوید: إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ)، راضی به امر خدا شده و اجر و مزدش
بعهده خداست . و هر کس این کار را انجام ندهد حکم خدا بر او جاری می
شود؛ در حالی که او نکوهیده و مذموم است ، و خداوند اجرش را پائین آورده .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ الْمُؤْمِنُ يُطَبِّعُ عَلَى الصَّبْرِ عَلَى النَّوَائِبِ
امام صادق عليه السلام فرمود: مؤمن با بردباری بر ناگواریها و سختیها سرشته می
شود.

عَنْ جَابِرٍ عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمَّا تُوفِّيَ الطَّاهِرُ بْنُ رَسُولِ اللَّهِ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ خَدِيجَةَ عَنِ الْبُكَاءِ فَقَالَتْ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لَكِنْ دَرَّتْ عَلَيْهِ الدُّرَيْرَةُ فَبَكَيْتُ فَقَالَ أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَجِدِيهِ قَائِمًا لَكَ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ فَإِذَا رَأَى أَخَذَ بِيَدِكَ فَأَدْخَلَكَ الْجَنَّةَ أَطَهَرَهَا مَكَانًا وَأَطْيَبَهَا قَالَتْ فَإِنَّ ذَلِكَ كَذَلِكَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اللَّهُ أَعَزُّ وَأَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَسْلُبَ عَبْدًا ثَمَرَةً فُوَادِهِ فَيَصْبِرُ وَيَحْتَسِبُ وَيَحْمَدُ اللَّهُ ثُمَّ يُعَذِّبُهُ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: زمانی که طاهر فرزند رسول خدا فوت کرد ایشان خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ را از گریه کردن منع فرمود، حضرت خدیجه گفت: بلی ای رسول خدا! (کنایه از اینکه مطیع حرف شما هستم) و لکن شیر در سینه ام جاری شد و من گریه کردم .

فرمود: آیا نمی خواهی که او را جلوی درب بهشت ایستاده ببینی ، و هر گاه تو را دید دستت را بگیرد و به پاکترین و خوشبوترین مکان بهشت ببرد؟ گفت : آری این چنین است ، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: خداوند عزیزترین و با کرامت تر از آنست که میوه دل بنده ای را از او بگیرد و او صبر کند، و حسرت بخورد و حمد خدا را بگوید، آنگاه خداوند او را عذاب کند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ وَ لَدَّ يُقَدِّمُهُ الرَّجُلُ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ وَ لَدًا يُخَلِّفُهُمْ بَعْدَهُ كُلُّهُمْ قَدْ رَكِبُوا الْخَيْلَ وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: فرزندی را که انسان در راه خدا می دهد، بهتر است از هفتاد فرزند که از خود بجای گذارد و تمام آنها بعد از مرگ او سوار بر اسبها شوند و در راه خدا جهاد کنند.

عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَرِينِكَ فِي الْجَنَّةِ خَلَادَةُ بِنْتُ أَوْسٍ فَأْتَهَا وَخَبَرَهَا وَبَشَّرَهَا بِالْجَنَّةِ وَاعْلَمَهَا أَنَّهَا قَرِينُكَ فِي الْآخِرَةِ فَاذْهَبْ فَانْطَلِقْ دَاوُدُ إِلَيْهَا فَفَرَعَ الْبَابَ عَلَيْهَا فَخَرَجَتْ إِلَيْهِ فَقَالَتْ أَنْتِ خَلَادَةُ بِنْتُ أَوْسٍ قَالَتْ يَا نَبِيَّ اللَّهُ لَسْتُ بِصَاحِبَتِكَ الَّتِي تَطْلُبُ قَالَ لَهَا دَاوُدُ أَلَسْتَ خَلَادَةُ بِنْتُ أَوْسٍ مِنْ سَيْطِ كَذَا وَكَذَا قَالَتْ بَلَى قَالَ فَأَنْتِ هِيَ إِذَا فَقَالَتْ يَا نَبِيَّ اللَّهُ لَعَلَّ اسْمًا وَافَقَ اسْمًا فَقَالَ لَهَا دَاوُدُ مَا كَذَبْتُ وَلَا كُذِّبْتُ وَإِنَّكَ لَأَنْتِ هِيَ فَقَالَتْ يَا نَبِيَّ اللَّهُ مَا أَكْذَبُكَ وَلَا وَاللَّهِ مَا أَعْرِفُ مِنْ نَفْسِي مَا وَصَفْتَنِي بِهِ قَالَ لَهَا دَاوُدُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ خَبَّرْتَنِي عَنْ سَرِيرَتِكَ مَا هِيَ قَالَتْ أَمَا هَذَا فَسَأُخْبِرُكَ بِهِ إِنَّهُ لَمْ يُصْنِنِي وَجَعَّ قَدْ نَزَلَ بِي مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَأَنَّ مَا كَانَ وَلَا نَزَلَ بِي مَرَضٌ أَوْ جُوعٌ إِلَّا صَبَرْتُ عَلَيْهِ وَ لَمْ أَسْأَلِ اللَّهَ كَشْفَهُ حَتَّى هُوَ يَكُونُ الَّذِي يُحَوِّلُهُ عَنِّي إِلَى الْعَافِيَةِ وَالسَّعَةِ لَمْ أَطْلُبْ بِهَا بَدَلًا وَشَكَرْتُ اللَّهَ عَلَيْهَا وَحَمَدْتُهُ قَالَ لَهَا دَاوُدُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَبِهَذَا النَّعْتِ بَلَغْتَ مَا بَلَغْتَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ اللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذَا وَاللَّهِ دِينَ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِلصَّالِحِينَ

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند عز و جل به حضرت داود عليه السلام وحی کرد که: رفیق و همراه تو در بهشت خلاده دختر اوس است، به نزد او برو و به او خبر و بشارت را بده، و به او اعلام کن که همسر تو در آخرت است، حضرت داود به طرف منزل او رفت و درب منزل را کوبید و خلاده بیرون آمد. حضرت گفت: تو خلاده دختر اوس هستی؟

گفت: ای پیغمبر خدا؛ من آن رفیق تو که به دنبالش می گردی نیستم، حضرت داود به او گفت: آیا تو خلاده دختر اوس از نواده گان فلان و فلان نیستی؟ گفت: چرا هستم، فرمود:

پس تو خود او هستی ، گفت : ای پیغمبر خدا! شاید مشابهت اسمی با اسم دیگر شده ، حضرت داود علیه السلام فرمود: من دروغ نمی گویم ، به من هم دروغ گفته نشده و تو حقیقتاً همان هستی ، گفت : ای پیغمبر خدا! من تو را تکذیب نمی کنم ولی قسم به خدا نمی بینم در خودم آنچه تو مرا به آن توصیف می کنی ، حضرت داود علیه السلام به او گفت : مرا از اخلاق و رفتار نیکویت خبر ده که چیست ؟ گفت : اکنون از سرنوشت خود تو را با خبر سازم که : هر چه به من رسد، و هر بلایی که از ناحیه خدا باشد، اگر مریضی و گرسنگی به من روی آورد بر آن صبر کنم ، و هرگز از خدا طلب برطرف شدن آن سختی را نکرده ام تا اینکه خود او آن را از من به سلامت و گشایش مبدل نماید، و هرگز عوض آن را طلب نکردم و خدا را شکر کردم و او را ستایش نمودم ، حضرت داود علیه السلام به او گفت : به همین صفت به این مقام رسیده ای .

سپس امام علیه السلام فرمود: بخدا قسم همین دین ، دین خداست که برای بندگان شایسته اش برگزید.

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام اصْبِرْ عَلَى أَعْدَاءِ النَّعْمِ فَإِنَّكَ لَنْ تُكَافِيَ مَنْ عَصَى اللَّهَ فَبِكِ بِأَفْضَلِ مِنْ أَنْ تُطِيعَ اللَّهَ فِيهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: بر دشمنان نعمتهایی که خدا به تو داده صبر کن (منظور حساد هستند)، زیرا تو نمی توانی مجازات کنی کسی را که نافرمانی خدا را در مورد تو کرده (یعنی حسادت ورزیده) برتر از اینکه خدا را در آن فرمان بردی (یعنی صبر در مقابل اذیت آن حاسد کنی).

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَى مَا تَكْرَهُ وَ صَبْرٌ عَلَى مَا تُحِبُّ
وَ الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ لَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ وَ لَا فِي
إِيمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: صبر دو گونه است : صبر بر آنچه که نمی پسندی
و صبر بر آنچه که دوست داری ، و صبر نسبت به ایمان مانند سر است نسبت به
بدن ، و بدنی که سر ندارد خیری در آن نیست ، و ایمانی که صبر بهمراه ندارد
خیری در آن نیست .

وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الْمُعْصِيَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى
الْمُصِيبَةِ

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: صبر بر سه قسم است : صبر بر اطاعت و بندگی
خدا، صبر در مقابل مصیبت ، صبر در رویارویی با معصیت و گناه .

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى حِينَ أَهْبَطَ آدَمَ
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَلَى الْأَرْضِ أَمَرَ أَنْ يَحْرُثَ بِيَدِهِ فَيَأْكُلَ مِنْ كَدِّهِ بَعْدَ الْجَنَّةِ وَ
نَعِيمِهَا فَلَبِثَ يَجُولُ وَ يَبْكِي عَلَى الْجَنَّةِ مَا تَنَى سَنَةً ثُمَّ إِنَّهُ سَجَدَ لِلَّهِ فَلَمْ يَرْفَعْ رَأْسَهُ
ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ بَلِيَالِيهَا ثُمَّ قَالَ يَا رَبُّ أَلَمْ تَخْلُقْنِي بِيَدَيْكَ قَالَ اللَّهُ قَدْ فَعَلْتُ فَهَلْ
صَبَرْتَ أَوْ شَكَرْتَ قَالَ آدَمُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفُرْ لِي
أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ فَرَحِمَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بُكَاءَهُ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ
الرَّحِيمُ

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود: خداوند متعال زمانی
که حضرت آدم علیهم السلام را از بهشت به طرف زمین فرستاد، به او فرمان داد

وسيله دستانش کشت و کار کند، و از نتیجه دسترنجش، بعد از بهشت و نعمتهای آن بخورد.

آدم سرگردان مانده و می گشت ، و بخاطر دوری از بهشت دویست سال گریه می کرد، آنگاه برای خدا سجده کرد و سرش را سه شبانه روز بر نداشت ، سپس گفت : پروردگارا! آیا مرا با دستان خود خلق نکردی ؟ خداوند فرمود: چرا، ولی آیا تو صبر یا شکر کردی ؟ حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کرد: پروردگاری غیر تو نیست ، من به نفس خود ظلم کردم ، تو مرا ببخش ، تو بخشنده و مهربانی ، خداوند تبارک و تعالی به گریه های او رحم کرد و توبه اش را پذیرفت ، خداوند توبه پذیر و مهربان است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَمَرَ النَّاسُ بِخَصْلَتَيْنِ فَضَيَعُوهُمَا فَصَارُوا مِنْهُمَا عَلَى غَيْرِ شَيْءٍ الصَّبْرِ وَ الْكَيْمَانِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: مردم به دو خصلت امر شدند، و هر دو را ضایع کردند و به وسیله ضایع کردن این دو؛ دستشان از همه چیز کوتاه شد، آن دو خصلت : صبر و راز نگهداری بود.

عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا حَفْصُ إِنْ مَنَ صَبَرَ صَبَرَ قَلِيلًا وَإِنْ مَنَ جَزَعَ جَزَعَ قَلِيلًا وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ فِي جَمِيعِ أُمُورِكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بَعَثَ مُحَمَّدًا فَأَمَرَهُ بِالصَّبْرِ وَ الرَّفْقِ فَقَالَ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا وَ ذَرْنِي وَ الْمُكْذِبِينَ أُولَى النِّعْمَةِ وَ قَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ادْفَعْ بِأَلْتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ فَصَبِرَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى نَالُوهُ بِالْعِظَائِمِ وَ رَمَوْهُ

بِهَا فَضَاقَ صَدْرُهُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرَكَ بِمَا يَقُولُونَ .
فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ كُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ثُمَّ كَذَّبُوهُ وَ رَمَوْهُ فَحَزَنَ لِذَلِكَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ قَدْ نَعَلِمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَ لَكِنَّ الظَّالِمِينَ
بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ . وَ لَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَى مَا كُذِّبُوا وَ أُوذُوا
حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرُنَا فَالْزَمْ نَفْسَهُ الصَّبْرَ فَتَعَدَّوْا فَذَكَرُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ كَذَّبُوهُ
فَقَالَ صَبْرْتُ فِي نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ عِرْضِي وَ لَا صَبْرَ لِي عَلَى ذِكْرِهِمْ إِلَهِي فَأَنْزَلَ
اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ مَا مَسَّنَا
مِنْ لُغُوبٍ . فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ فَصَبْرَ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ ثُمَّ بَشِّرْ بِالْآئِمَّةِ وَ وَصَفِهِمْ
بِالصَّبْرِ فَقَالَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ وَ جَعَلْنَاهُمْ آئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بَايَاتِنَا
يُوقِنُونَ فَعِنْدَ ذَلِكَ قَالَ ﷺ الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَشَكَرَ اللَّهُ لَهُ
ذَلِكَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَ
دَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَ قَوْمُهُ وَ مَا كَانُوا يَعْرِشُونَ فَقَالَ ﷺ إِنَّهُ الْبُشْرَى وَ
الْإِنْتِقَامُ فَأَبَاحَ اللَّهُ لَهُ قَتْلَ الْمُشْرِكِينَ فَأَنْزَلَ عَلَيْهِ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ
وَجَدْتُمُوهُمْ وَ خُدُوهُمْ وَ احْضُرُوهُمْ وَ اقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَلَعَنَهُمُ اللَّهُ عَلَى لِسَانِ
رَسُولِهِ وَ أَحْبَابِهِ وَ جَعَلَ لَهُ ثَوَابَ صَبْرِهِ مَعَ مَا ادَّخَرَ لَهُ فِي الْآخِرَةِ فَمَنْ صَبَرَ وَ
احْتَسَبَ لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يُقِرَّ اللَّهُ عَيْنَهُ فِي أَعْدَائِهِ مَعَ مَا أَخَّرَ لَهُ فِي
الْآخِرَةِ

امام صادق عليه السلام به حفص بن غياث فرمود: ای حفص! هر کس صبر کند
اندکی صبر کرده ، و هر کس بیتابی کند اندکی بیتابی نموده است [یعنی هم صبر
کردن و هم جزع نمودن گذرا است و مدتش کوتاه است]

امام صادق علیه السلام فرمود: تو را سفارش می‌کنم که در کارت صبر پیشه کنی ، خداوند عزّ و جل حضرت محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث کرد و او را به صبر و نرمش امر فرمود. و فرموده :

(صبر کن بر آنچه می‌گویند و به خوشی از آنها کناره کن ، مرا با نعمت خوارگانی که تو را تکذیب کنند واگذار).

و نیز فرمود: (دفاع کن بدان چه نیکوتر است نسبت به بدی ، تا به ناگاه آنکه میان تو و او دشمنی است گویا دوستی صمیمی شود، و بر نخورند به آن بجز آن کسانی که صبر کردند و بر نخورد به آن مگر صاحب بهره فراوان).

رسول خدا صلی الله علیه و آله صبر کرد به حدّی که به او وصله های بزرگی چسباندند (مانند ساحر، مجنون ، کذاب) و او را به آنها متهم کردند، همه را به سختی تحمل نمود، و خداوند عزّ و جل این آیه را نازل فرمود: (به تحقیق می دانم که تو از آنچه می‌گویند دل‌تنگ شده ای ، پس پروردگارت را تسبیح کن و از سجده کنندگان باش).

سپس حضرتش را تکذیب کردند و او به خاطر این امر غمگین شد، سپس خداوند عزّ و جل این آیه را نازل فرمود: (به تحقیق می دانم که حرفهایشان تو را اندوهگین می‌کند، بدرستی که آنها (در واقع) تو را دروغگو نمی‌شمارند، بلکه ستمکاران آیات ما را انکار می‌کنند، به تحقیق چه بسیارند رسولانی که پیش از تو تکذیب شدند ولی در مقابل صبر کردند و اذیت شدند تا یاری ما به آنها رسید).

پیغمبر صبر و شکیبایی پیشه نمود، سپس آنها از این هم تجاوز نمودند، و وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله نام خدای تبارک و تعالی را به زبان آورد او را تکذیب نمودند، پیغمبر فرمود: من بر خودم و خاندانم و آبرویم صبر نمودم ، ولی نسبت

به اینکه آنها ذکر معبودم را تکذیب کنند صبر ندارم ، لذا خداوند عزّ و جل این آیه را نازل فرمود: (ما آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست در شش روز آفریدیم ، و هیچ خستگی به ما نرسید، پس تو بر آنچه می گویند صبر کن)، پیامبر در همه حالات صبر کرد، سپس به او بشارت ائمه و توصیف آنها به صبر داده شد سپس خداوند جلّ ثناؤه فرمود: (آنها را ائمه قرار دادیم تا به امر ما دیگران را هدایت کنند، زیرا آنها صبر نمودند و به آیات ما یقین داشتند).

در این هنگام رسول خدا ﷺ فرمود: منزلت صبر نسبت به ایمان بمانند منزلت سر نسبت به بدن است ، پس خداوند از او تقدیر نمود و این آیه را بر او نازل فرمود: (بهترین فرمایش پروردگارت بر بنی اسرائیل بواسطه صبر کردنشان عملی شد، و آنچه را فرعون و قومش می ساختند، و به دستگاه خود می گستراندند واژگون ساختیم).

بعد فرمود ﷺ : این مژده و انتقام است ، سپس خداوند برای او کشتن مشرکین را مباح کرد و این آیه را نازل کرد: (مشرکین را هر کجا یافتید بکشید، و آنها را بگیرید و محاصره کنید و در هر کمینگاهی بر سر راهشان بنشینید). سپس خداوند آنان را بر زبان پیغمبرش و دوستان پیغمبرش مورد لعن قرار داد، و آن را ثواب شکیباییش قرار داد به علاوه آنچه در آخرت برایش ذخیره کرد.

پس هر کس شکیبائی کند و از خدا طلب تقرب نماید از دنیا خارج نمی شود تا اینکه خدا دیده او را در باره دشمنانش روشن کند به علاوه آنچه در آخرت برایش ذخیره نموده .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا أُدْخِلَ الْمُؤْمِنُ قَبْرَهُ كَانَتْ الصَّلَاةُ عَنْ يَمِينِهِ وَ الزَّكَاةُ عَنْ شِمَالِهِ وَ الْبِرُّ مُطْلَقًا عَلَيْهِ وَ يُنْحَى الصَّبْرُ نَاحِيَةً فَإِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ الْمَلَكَانِ

الَّذَانِ يَلِيَانِ مُسَاءَلَتَهُ قَالَ الصَّبْرُ لِلصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْبِرِّ دُونَكُمْ صَاحِبِكُمْ فَإِنْ
عَجَزْتُمْ عَنْهُ فَأَنَا دُونُهُ

امام صادق عليه السلام فرمود: هنگامی که مؤمن را داخل قبرش می گذارند، نماز
از طرف راست او، و زکات از طرف چپ او، و نیکی و احسان بر سر او سایه
می افکند، و صبر به گوشه ای کشیده شده، و زمانی که دو فرشته بر او در آیند
که متصدی سؤال و جواب از او هستند صبر به نماز و زکات و احسان می
گوید: رفیقتان را دریابید، اگر از او عاجز شدید من همراه او هستم .

عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَى الْبَلَاءِ حَسَنٌ جَمِيلٌ وَأَفْضَلُ الصَّبْرِ
مِنَ الصَّابِرِينَ الْوَرَعُ عَنِ الْمَحَارِمِ

امام باقر عليه السلام فرمود: صبر بر دو قسم است : صبر بر بلاء و مصیبت که نیکو
و زیباست ، و بهترین صبرها از صبرکنندگان ، پرهیز و دوری جستن از کارهای
حرام است .

عَنْ جَابِرٍ عَنْهُ عليه السلام قَالَ مُرُوَّةُ الصَّبْرِ فِي حَالِ الْفَاقَةِ وَالْحَاجَةِ وَالتَّعَفُّفِ وَالْغِنَى
أَكْثَرُ مِنْ مُرُوَّةِ الْإِعْطَاءِ

امام باقر عليه السلام فرمود: مردانگی صبر در حال نیازمندی و تنگدستی و
آبروداری و بی نیازی بیشتر از مردانگی و بخشش است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ
صَابِرُوا قَالَ اصْبِرُوا عَلَى الْمَصَائِبِ

امام صادق علیه السلام در مورد قول خداوند عزّ و جلّ : (ای مؤمنان صبر کنید و همدیگر را سفارش به صبر نمائید) فرمود: در مصائب هم صبری کنید (یعنی با هم همدردی کنید).

عَنْهُ علیه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْعَمَ عَلَى قَوْمٍ فَلَمْ يَشْكُرُوا فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ وَبَالًا وَابْتُلِيَ قَوْمًا بِالْمَصَائِبِ فَصَبَرُوا فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ نِعْمَةً

امام صادق علیه السلام می فرماید: خداوند عزّ و جلّ بر قومی نعمت داد و آنها شکر نعمت نکردند، آن نعمت بر آنها تبدیل به وزر و وبال شد، و قومی را گرفتار مصائب نمود و شکیبائی پیشه کردند، و آن مصائب بر ایشان نعمت شد.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ مَنْ ابْتُلِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِبَلَاءٍ فَصَبَرَ عَلَيْهِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أُجْرِ آلِفِ شَهِيدٍ

امام صادق علیه السلام فرموده اند: هر مؤمنی که گرفتار مصیبتی گردید و در مقابل آن شکیبائی کرد اجر آن مانند اجر هزار شهید است .

عَنْهُ علیه السلام قَالَ إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَمَنْزِلَةً لَا يَبْلُغُهَا عَبْدٌ إِلَّا بِبَلَاءٍ فِي جَسَدِهِ
امام صادق علیه السلام فرمود: در بهشت درجه ای است که هیچ بنده ای به آن درجه نرسد مگر بواسطه بلاهایی (سختیهایی) که برای بدنش پیدا می شود.

عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام جُعِلْتُ فِدَاكَ بَلَّغْنِي أَنَّهُ مَا ذَهَبَ اللَّهُ بِكَرِيمَتِي عَبْدٍ فَجَعَلَ لَهُ عِوَضًا دُونَ الْجَنَّةِ قَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ هَاهُنَا مَا هُوَ أَفْضَلُ وَأَكْثَرُ مِنْ هَذَا فَقُلْتُ وَ أَىُّ شَيْءٍ أَفْضَلُ مِنْ هَذَا فَقَالَ النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ اللَّهِ

ابو بصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، به من خبری رسیده که خداوند دو چشم بنده ای را از او نمی گیرد مگر اینکه عوضش را بهشت قرار می دهد.

حضرت فرمود: آنجا (بهشت) چیزی هست که بهتر و بیشتر از این است؛

گفتم: چه چیزی بهتر از این است؟ فرمود: دیدن روی خدا.

فصل ششم : در شکر و سپاسگزاری

الفصل السادس في الشكر

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَمْ يَنْزِلْ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ أَقْلُ وَ لَا أَعَزُّ مِنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ التَّسْلِيمِ وَ الْبِرِّ وَ الْيَقِينِ

امام صادق عليه السلام فرمود: از آسمان چیزی عزیزتر و کمیاب تر از سه چیز نازل نشد: تسلیم در برابر خداوند، نیکی نمودن ، یقین .

عَنِ النَّوْفَلِيِّ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الصَّائِمِ الْمُحْتَسِبِ وَ الْمُعَافَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمُبْتَلَى الصَّابِرِ وَ الْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمَحْرُومِ الْقَانِعِ

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خورنده شکرگزار اجرش مانند روزه دار خداجوست ، و تندرست شکرگزار اجر گرفتار دردمند صابر را دارد، و بخشنده شکرگزار اجر محروم قناعت کار را دارد.

عَنْ عَلَاءِ بْنِ الْكَامِلِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام آتَانِي اللَّهُ بِأُمُورٍ لَا أُحْتَسِبُهَا لَأَأْذِرِي كَيْفَ وَجُوهَهَا قَالَ أَوْ لَا تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا مِنَ الشُّكْرِ

علا بن کامل گوید: به امام موسی بن جعفر عليه السلام گفتم : خداوند به من نعمتهایی را داده که آنها را نمی توانم حساب کنم و دلیل و علت اعطاء این همه نعمت را هم نمی دانم ؛ فرمود:

آیا نمی دانی ؟ همانا این به خاطر شکری است که می کنی .

وَ فِي رِوَايَةٍ قَالِ لِي لَا تَسْتَصْغِرِ الْحَمْدَ

و در روایت دیگر، به من فرمود: سپاسگزاری را کوچک مشمار.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا فَتَحَ اللَّهُ لِعَبْدٍ بَابَ شُكْرِ فَخَزَنَ عَنْهُ بَابَ الزِّيَادَةِ

امام صادق عليه السلام از پدرانش عليهم السلام نقل می کند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند بر بنده ای دری از شکر را نگشاید مگر اینکه دری از کثرت نعمت برویش گشوده شود.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا أَحْسَنْتُمْ فَأَحْمَدُوا اللَّهَ وَإِذَا أَسَأْتُمْ فَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ

امام صادق عليه السلام می فرماید: هر گاه نیکی کردید خدا را سپاس گوئید، و هر گاه کار ناشایستی انجام دادید، از خطا طلب آمرزش و بخشش کنید.

عَنْ سِنَانِ بْنِ طَرِيفٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ خَشِيتُ أَنْ أَكُونَ مُسْتَدْرَجًا قَالَ وَ لِمَ قُلْتُ لِأَنِّي دَعَوْتُ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي دَارًا فَرَزَقَنِي وَ دَعَوْتُ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي أَلْفَ دِرْهَمٍ فَرَزَقَنِي أَلْفًا وَ دَعَوْتُهُ أَنْ يَرْزُقَنِي خَادِمًا فَرَزَقَنِي خَادِمًا قَالَ فَأَيُّ شَيْءٍ تَقُولُ قَالَ أَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ قَالَ فَمَا أُعْطِيتَ أَفْضَلَ مِمَّا أُعْطِيتَ

سنان بن طریف گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: می ترسم از اینکه مورد مؤاخذه قرار گیرم. فرمود: چرا؟ گفتم: از خدا خواستم که به من خانه ای بدهد؛ مرحمت فرمود، بار دیگر خواستم که هزار درهم به من بدهد، باز عطایم فرمود، خواستم که به من خادمی بدهد، آن را هم داد. فرمود: حال چه

می گوئی ؟ گفتیم : الحمد لله . فرمود: آنچه تو بخشیده ای به از آنی است که به تو داده شد.

عَنْ سَعْدَانَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي أَرَى مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْحَالِ مُضَيِّقًا عَلَيْهِ الْعَيْشُ وَ أَرَى نَفْسِي فِي سَعَةٍ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا لَا أُمِدُّ يَدِي إِلَى شَيْءٍ إِلَّا رَأَيْتُ فِيهِ مَا أَحَبُّ وَقَدْ أَرَى مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي قَدْ صُرِفَ ذَلِكَ عَنْهُ فَقَدْ خَشِيتُ أَنْ يَكُونَ لِي اسْتِذْرَاجًا مِنَ اللَّهِ لِي بِخَطِيئَتِي فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَّا مَعَ الْحَمْدِ فَلَا وَاللَّهِ

سعدان بن یزید گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : من کسی را دیدم که در حالت سختی بود و زندگانی بر او تنگ شده بود، و خودم را در گشایش از این دنیا دیدم ، دستم را به سوی چیزی دراز نمی کنم مگر اینکه آن را محبوب خودم می بینم ، و گاهی کسی را می بینم که او از من برتر است در حالی که این نعمتها به او نرسیده ، می ترسم که این برای من آزمایشی از ناحیه خداوند باشد تا مرا به خطا و اشتباه اندازد.

امام علیه السلام فرمود: اگر در برابر نعمتها شاکر باشید باکی نیست .

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْ أُمَّتِي يَخْرُجُ إِلَى السُّوقِ فَيَبْتَاعُ الْقَمِيصَ بِنِصْفِ دِينَارٍ أَوْ بِثُلْثِ دِينَارٍ فَيَحْمَدُ اللَّهَ إِذَا لَبَسَ فَمَا يَبْلُغُ رُكْبَتَهُ حَتَّى يُغْفَرَ لَهُ

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردی از امت من به بازار می رود و پیراهنی به نصف دینار و یا به ثلث دینار می خرد، و هر گاه آن را می پوشد حمد خدا را می گوید، این پیراهن به زانوهایش نرسیده که گناهایش آمرزیده می شود.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَشْبَعُ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ فَيُعْطِيهِ اللَّهُ مِنْ الْأَجْرِ مَا يُعْطِي الصَّائِمَ إِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ يُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَ

پیغمبر اکرم ﷺ فرمود: مؤمن هر وقت که از خوردن غذا و آشامیدن سیر می شود و حمد خدا می گوید خداوند به او اجر و مزد شخص روزه دار را عطا فرماید، خداوند شکرگزار است و دوست دارد که ستایش شود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لَيَشْرَبُ شَرْبَةً مِنَ الْمَاءِ فَيُوجِبُ اللَّهُ لَهُ بِهَا الْجَنَّةَ ثُمَّ قَالَ يَا خُذُ الْإِنَاءَ فَيَضَعُهُ عَلَى فِيهِ فَيَسْمِي ثُمَّ يَشْرَبُ فَيُنْحِيهِ وَهُوَ يَسْتَهِيهِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ ثُمَّ يَعُودُ فَيَشْرَبُ ثُمَّ يُنْحِيهِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ ثُمَّ يَعُودُ وَيَشْرَبُ ثُمَّ يُنْحِيهِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ فَيُوجِبُ اللَّهُ لَهُ بِهَا الْجَنَّةَ

امام صادق علیه السلام فرمود: مردی از شماها شربت آبی می نوشد و خداوند به وسیله آن بهشت را بر او واجب می کند؛ سپس فرمود: ظرف آب را بر لبش نهد و نام خدا را ببرد، سپس آن را بنوشد و آن را از دهانش دور کند در حالی که هنوز میل به نوشیدن آن دارد، سپس حمد خدا بگوید و آن را نزدیک دهان کند و بنوشد سپس آن را دور کند و حمد خدا گوید، به واسطه این عمل خداوند بهشت را بر او واجب می گرداند.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ الْمَسِيحُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ النَّاسُ رَجُلَانِ مُعَافَى وَ مُبْتَلَى فَاحْمَدُوا اللَّهَ عَلَى الْعَاقِبَةِ وَ ارْحَمُوا أَهْلَ الْبَلَاءِ

امام صادق علیه السلام فرموده اند: حضرت مسیح علیه السلام همیشه می فرمود: مردم دو گروهند:

مردمی در حال سلامت ، و مردمی گرفتار بلاء و مصیبت ، برای عافیت و سلامتی حمد خدا کنید و برای اهل بلا و مصیبت طلب رحمت کنید.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا تَنْظُرُوا إِلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَحْزَنُهُمْ

امام صادق علیه السلام فرمود: به کسانی که به بلا و مصیبت گرفتارند نگاه نکنید، زیرا این کار آنها را اندوهگین می کند.

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ يَكْرَهُ أَنْ يُسْمَعَ مِنَ الْمُبْتَلَى التَّعَوُّدُ مِنَ الْبَلَاءِ

نقل شده که امام باقر علیه السلام دوست نداشت که از شخص گرفتار کلمه تعوذ را بشنود، یعنی :: پناه بردن به خدا از بلا.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ سَجَدَ سَجْدَةً لِيَشْكُرَ نِعْمَةً وَهُوَ مُتَوَضِّئٌ كَتَبَ اللَّهُ

لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ خَطِيئَاتٍ عِظَامٍ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس با وضو سجده شکر کند خداوند برای او ده حسنه می نویسد، و ده خطا و گناه را از نامه اعمالش پاک می کند.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَعَ أَصْحَابِهِ إِذَا سَجَدَ فَأَطَالَ السُّجُودَ حَتَّى

ظَنُّوا أَنَّهُ ... ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ أَطَلْتَ السُّجُودَ حَتَّى ظَنَّنَا أَنَّكَ ...

مِمَّا ذَاكَ فَقَالَ أَتَانِي جِبْرَائِيلُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ

يُفْرِتُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ إِنِّي لَنْ أَسُوءَكَ فِيمَنْ وَالَاكَ مِنْ أُمَّتِكَ وَ لَنْ أَقْضِيَ

عَلَى مُؤْمِنٍ قِضَاءً سَاءَةً أَوْ سَرَّهُ ذَلِكَ إِلَّا وَهُوَ خَيْرٌ لَهُ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمْ يَكُنْ عِنْدِي

مَالٌ فَأَتَصَدَّقَ بِهِ وَ لَا مَمْلُوكٌ فَأَعْتَقَهُ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ وَ شَكَرْتُهُ وَ حَمِدْتُهُ عَلَى ذَلِكَ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: روزی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با اصحابش بودند زمانی که به سجده رفتند سجودشان طولانی شد به حدی که گمان کردند ایشان ... سپس سرشان را بلند کردند. از ایشان پرسیدند: ای رسول خدا! سجده ات را طولانی نمودی به حدی که ما گمان کردیم که از دنیا رفته ای . فرمود: جبرئیل از نزد خداوند تبارک و تعالی نزد من آمد و گفت : ای محمد! پروردگارت تو را سلام می رساند و به تو می فرماید، من هرگز در مورد بنده ای از امتت که تو را دوست دارد ناراحتت نکردم ، و بر مؤمنی امری را که ناراحتش کند یا خرسندش کند انجام ندادم مگر اینکه آن کار برای او خیر بود.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: نه مالی نزد من بود که آن را صدقه دهم و نه بنده ای که او را آزاد سازم ، سپس برای خدا به سجده افتادم و او را شکر کردم و بر این امر حمد او را گفتم .

عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ قَالَ كُنْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ فِي طَرِيقِ الْمَدِينَةِ فَوَقَعَ سَاجِدًا لِلَّهِ فَقَالَ لِي حِينَ اسْتَمَمْتُ قَائِمًا يَا زِيَادُ أَنْكَرْتَ عَلَيَّ حِينَ رَأَيْتَنِي سَاجِدًا فَقُلْتُ بَلَى جُعِلَتْ فِدَاكَ قَالَ ذَكَرْتُ نِعْمَةً أَنْعَمَهَا اللَّهُ عَلَيَّ فَكَرِهْتُ أَنْ أَجُوزَ حَتَّى أُؤَدِّيَ شُكْرَهَا

ابو عبیده حذاء گوید: در راه مدینه به همراه امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ بودم ، که ناگهان ایشان مشغول سجده برای خدا شدند، زمانی که تمام شد و ایستادند به من فرمود: ای زیاد! از سجده کردن ناگهانی من در شگفت شدی ؟ گفتم : بلی فدایت شوم ؛ فرمود: به یاد نعمتی افتادم که خداوند به من عطا فرموده بود، و بر من سخت آمد که بگذرم و شکر آن را بجا نیاورم .

عَنْ هِشَامِ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ كُنْتُ أُسِيرُ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ فِي بَعْضِ أَطْرَافِ الْمَدِينَةِ إِذْ تَنَّى رِجْلَهُ عَنْ دَابَّتِهِ فَخَرَّ سَاجِدًا فَأَطَالَ وَ أَطَالَ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ رَكِبَ دَابَّتَهُ فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ رَأْيُتِكَ قَدْ أَطَلْتَ السُّجُودَ فَقَالَ إِنِّي ذَكَرْتُ نِعْمَةً أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيَّ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَشْكُرَ رَبِّي

هشام بن احمد گوید: من به همراه امام کاظم علیه السلام در اطراف مدینه گردش می کردم ، به ناگاه پایشان را از مرکب پائین نهادند و به سجده افتادند، و سجده را طول دادند، سپس سر بر داشتند و سوار مرکب شدند؛ عرض کردم : فدایت شوم سجده را طول دادید؟ فرمود: من به یاد نعمتی افتادم که خداوند به من عطا فرموده بود، و خوش داشتم که پروردگارم را شکرگزاری کنم .

عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ أَيُّمَا عَبْدٍ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَ حَمِدَ اللَّهَ عَلَيْهَا بِلِسَانِهِ لَمْ يَنْفِدْ يَنْفِدْ كَلَامُهُ حَتَّى يَأْمُرَ اللَّهُ بِالزِّيَادَةِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ لَتَيْنُ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر بنده ای را که خداوند بر او نعمتی عطا کند و او این را قلباً بفهمد و با زبانش حمد خداوند را بگوید، کلامش هنوز تمام نشده که خداوند امر به زیادی نعمتش می کند، و این قول خداوند عزّ و جلّ است که : (اگر شکر کنید هر آینه ما نعمت را بر شما افزون می کنیم).

عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ لَا يَنْقَطِعُ الْمَزِيدُ مِنَ اللَّهِ حَتَّى يَنْقَطِعَ الشُّكْرُ مِنَ الْعِبَادِ
امام باقر علیه السلام فرمود: افزایش نعمت از خدا نمی گسلد مگر اینکه شکر بندگان بگسلد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ أَحْسِنُوا جِوَارَ النَّعْمِ قَبْلَ وَ مَا جِوَارُ النَّعْمِ قَالَ الشُّكْرُ
لِمَنْ أَنْعَمَ بِهَا وَ آدَاءُ حُقُوقِهَا

امام صادق عليه السلام فرمود: همسایه خوبی برای نعمتها باشید، سؤ ال شد:
همسایه خوبی برای نعمتها بودن به چیست ؟ فرمود: سیاسگزاری از کسی که
نعمت داده .

عَنْهُ عليه السلام قَالَ أَحْسِنُوا جِوَارَ نِعَمِ اللَّهِ وَ أَحْذَرُوا أَنْ تَنْتَقِلَ عَنْكُمْ إِلَى غَيْرِكُمْ أَمَا
إِنَّهَا لَمْ تَنْتَقِلْ عَنْ أَحَدٍ قَطُّ وَ كَادَتْ أَنْ تَرْجِعَ إِلَيْهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: همسایه خوبی برای نعمتهای خدا باشید و پرهیزید
از اینکه این نعمتها از شما به دیگری منتقل شود، آگاه باشید اگر نعمت رفت
دیگر برگشتن آن مشکل است .

وَ كَانَ عَلِيُّ عليه السلام قَالَ قَلَّ مَا أُدْبِرَ شَيْءٌ فَأَقْبَلَ

علی عليه السلام می فرمود: بسیار کم است که نعمت از دست رفته دوباره بازگردد.
عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ الرِّضَا عليه السلام اتَّقُوا اللَّهَ وَ عَلَيْكُمْ بِالتَّوَّاضِعِ وَ الشُّكْرِ وَ
الْحَمْدِ إِنَّهُ كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ رَجُلٌ فَأَتَاهُ فِي مَنْامِهِ مَنْ قَالَ لَهُ إِنَّ لَكَ نِصْفَ
عُمُرِكَ سَعَةً فَأَخْتَرُ أَيَّ النِّصْفَيْنِ شِئْتَ فَقَالَ إِنَّ لِي شَرِيكًا فَلَمَّا أَصْبَحَ الرَّجُلُ قَالَ
لِرَؤُوسِهِ قَدْ أَتَانِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ رَجُلٌ فَأَخْبَرَنِي أَنَّ نِصْفَ عُمُرِي لِي سَعَةً فَأَخْتَرُ أَيَّ
النِّصْفَيْنِ شِئْتَ فَقَالَتْ لَهُ زَؤُجَّتُهُ اخْتَرِ النِّصْفَ الأوَّلَ وَ تَعَجَّلِ العَافِيَةَ لَعَلَّ اللَّهَ
سَيَّرَ حَمْنًا وَ يَتِيمٌ لَنَا النُّعْمَةَ فَلَمَّا كَانَ فِي اللَّيْلَةِ الثَّانِيَةِ أَتَى الاَتَى فَقَالَ مَا اخْتَرْتَ
فَقَالَ اخْتَرْتُ النِّصْفَ الأوَّلَ فَقَالَ لَكَ ذَاكَ فَأَقْبَلْتُ عَلَيْهِ الدُّنْيَا فَكَانَ كَلَّمَا كَانَتْ
نِعْمَةٌ قَالَتْ زَؤُجَّتُهُ جَارِكُ فَلَانٌ مُحْتَاجٌ فَصَلُّهُ وَ تَقُولُ قَرَأْتُكَ فَلَانٌ فَتُعْطِيهِ وَ كَانُوا

كَذَلِكَ كُلَّمَا جَاءَتْهُمْ نِعْمَةٌ أَعْطَوْا وَ تَصَدَّقُوا وَ شَكَرُوا فَلَمَّا كَانَ لَيْلَةٌ مِنَ اللَّيَالِي أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ يَا هَذَا إِنَّ النِّصْفَ قَدْ انْقَضَى فَمَا رَأَيْكَ قَالَ لِي شَرِيكَ فَلَمَّا أَصْبَحَ الصُّبْحُ قَالَ لِرُؤُوسِهِ أَتَانِي الرَّجُلُ فَأَعْلَمَنِي أَنَّ النِّصْفَ قَدْ انْقَضَى فَقَالَتْ لَهُ زَوْجَتُهُ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْنَا فَشَكَرْنَا وَ اللَّهُ أَوْلَى بِالْوَفَاءِ قَالَ فَإِنَّ لَكَ تَمَامَ عُمْرِكَ

امام رضا علیه السلام فرمود: از خدا بپرهیزید و فروتن و شکرگزار و ستایش کننده باشید، همانا در قوم بنی اسرائیل مردی زندگی می کرد که شبی شخصی به خوابش آمد و به او گفت :

نیمی از عمرت را در وسعت و راحتی خواهی گذراند، اینک هر کدام از نصف را که می خواهی انتخاب کن ؛ آن مرد گفت : مرا شریکی است ، پس چون صبح شد به همسرش گفت : امشب مردی به خواب من آمد و به من خبر داد که نصف عمرم در آسایش است ، و گفت هر یک از دو نصف را که می خواهی انتخاب کن ؛ همسرش گفت : نصف اول را اختیار کن ، گفت : به خاطر تو همین کار را می کنم . در این هنگام دنیا به او روی آورد، دائماً به او نعمت می رسید. همسرش به او گفت : فلان همسایه ات محتاج است به او برس ، و می گفت : قوم و خویش تو فلانی است نیازش را بر آور.

و به همین حالت بودند و هر چه نعمت به آنها عطا می شد می بخشیدند و صدقه می دادند و شکر می کردند. چون شبی از شبها رسید، آن مرد به خوابش آمد و گفت : ای مرد! نصف عمر تو گذشت ، نظرت چیست ؟ گفت : من شریکی دارم ، چون صبح شد به همسرش گفت : آن مرد به خوابم آمد و به من اعلام کرد که نصف عمر من گذشت .

همسرش به او گفت : خداوند به ما نعمت داد و ما شکر کردیم و خداوند سزاوارتر به وفاست . آن مرد گفت : اکنون تمام عمرت در نعمت و رفاه خواهی بود.

عَنْهُ عَلَيْهِ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ ثَلَاثَةٌ لَا يَضُرُّ مَعَهُنَّ شَيْءٌ الدُّعَاءُ عِنْدَ الْكَرْبِ وَ
الِاسْتِغْفَارُ عِنْدَ الذَّنْبِ وَ الشُّكْرُ عِنْدَ النِّعْمَةِ

امام صادق عَلَيْهِ فرمود: سه چیز است که چیزی به آن ضرری نمی رساند:
دعا کردن هنگام سختیها، طلب آمرزش هنگام گناه ، شکر کردن هنگام
برخورداری از نعمت .

وَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ اشْكُرْ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَ أَنْعِمْ
عَلَى مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ لِلنِّعْمَاءِ إِذْ شَكَرْتَ وَ لَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كَفَرْتَ وَ الشُّكْرُ
زِيَادَةٌ فِي النِّعْمِ وَ أَمَانٌ مِنَ التَّغْيِيرِ

امام صادق عَلَيْهِ فرمود: در تورات نوشته شده است که : هر کس به تو
احسان کرد، سپاسگزارش باش و کسی را که از تو سپاسگزاری نمود احسانش
کن ، زیرا با سپاسگزاری نعمتها نابود نمی شود، و با ناسپاسی از نعمت بقائی
برای نعمت نیست ، و شکرگزاری موجب زیادی نعمت ، و حفظ نعمت از
دگرگونی است .

عَنْهُ عَلَيْهِ قَالَ مَنْ شَكَرَ اللَّهَ عَلَى مَا أُفِيدَ فَقَدْ اسْتَوْجَبَ عَلَى اللَّهِ الْمَزِيدَ وَ مَنْ
أَضَاعَ الشُّكْرَ فَقَدْ خَاطَرَ بِالنِّعْمِ وَ لَمْ يَأْمَنِ التَّغْيِيرَ وَ النَّقْمَ

امام صادق علیه السلام فرموده اند: هر کس خدا را به خاطر نعمتهایش شکر کند خدا نعمتش را زیاد گرداند، و آنکه سپاسگزاری از نعمت نکرد، داده خدا را به خطر انداخته .

وَعَنْهُ علیه السلام قَالَ إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَرْزُقَنِي مَالًا فَرَزَقَنِي وَقَدْ خِفْتُ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ مِنِ اسْتِدْرَاجٍ فَقَالَ أَمَا بِاللَّهِ مَعَ الْحَمْدِ فَلَا
امام صادق علیه السلام می فرمود: من از خدای عز و جل خواستم که به من مالی عطا کند، او هم عطا کرد، و ترسیدم که این عمل وسیله امتحان و مؤاخذه من شود. سپس فرمود: بخدا قسم که با سپاسگزاری این وضع در میان نیست .

وَعَنْهُ علیه السلام قَالَ إِنِّي لَا أَحِبُّ لِأَحِبِّ أَنْ لَا تُجَدَّدَ لِي نِعْمَةٌ إِلَّا حَمِدْتُ اللَّهَ عَلَيْهَا مِائَةً مَرَّةً
امام صادق علیه السلام فرمود: من دوست دارم که هر نعمت جدیدی به من عطا می شود صد مرتبه خدا را بر آن حمد کنم .

عَنْ عَلِيٍّ علیه السلام قَالَ بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله سَرِيَّةً فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ لَكَ عَلَيَّ إِن رَدَدْتُهُمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ أَنْ أَشْكُرَكَ أَحَقَّ الشُّكْرِ قَالَ فَمَا لَبِثُوا أَنْ جَاءُوا كَذَلِكَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ سَابِعِ نِعَمِ اللَّهِ
علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله عده ای را برای جنگ فرستاد، و فرمود: خدایا با تو عهد می کنم که اگر آنها را سالم و پیروز و با دست پر برگردانی تو را آنچنان که سزاوار شکر توست شکر کنم . آنها بعد از چندی این چنین بازگشتند، پس رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

سپاس خدا را بر نعمتهای گوناگونش .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَتَاهُ مَا يُحِبُّ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ وَإِذَا أَتَاهُ مَا يَكْرَهُهُ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ

امام صادق عليه السلام فرمود: هر گاه به رسول خدا صلی الله علیه و آله نعمتی را که دوست می داشت می رسید می فرمود: ستایش ویژه خداوند نیکوکار و زیباست . و هر گاه چیزی به او می رسید که آن را دوست نداشت می فرمود: حمد خدای را بر همه حال و حمد خدای را بر این حال .

وَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ أَمْرٌ يَسْرُهُ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى هَذِهِ النُّعْمَةِ وَإِذَا وَرَدَ أَمْرٌ يَغْتَمُّ بِهِ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ

امام صادق عليه السلام فرمود: هر گاه امری خوشحال کننده برای رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش می آمد می فرمود: حمد خدای را بر این نعمت ، و چون امری برایش پیش می آمد که او را غمگین می نمود می فرمود: حمد خدای را در هر حال .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الشُّكْرُ لِلنَّعْمِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَ تَمَامُ الشُّكْرِ قَوْلُ الْعَبْدِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

امام صادق عليه السلام فرمود: شکر نعمتها دوری از حرامهاست ، و نهایت شکر این است که بنده بگوید: حمد خدائی را که پروردگار جهانیان است .

عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ حَمِدَ اللَّهَ عَلَى النُّعْمَةِ فَقَدْ شَكَرَهُ وَكَانَ الْحَمْدُ أَفْضَلَ
مِنْ تِلْكَ النُّعْمَةِ

امام رضا عليه السلام فرمود: هر کس خدای را بر نعمتها ستایش نمود شکر را بجای
آورد، و آن ستایش برتر از آن نعمت است .

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ يَا مُوسَى اشْكُرْنِي
حَقَّ شُكْرِي قَالَ يَا رَبِّ كَيْفَ أَشْكُرُكَ حَقَّ شُكْرِكَ وَ النُّعْمَةُ مِنْكَ وَ الشُّكْرُ عَلَيْهَا
بِنِعْمَةٍ مِنْكَ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا عَرَفْتَ أَنَّ ذَلِكَ مِنِّي فَقَدْ شَكَرْتَنِي حَقَّ
شُكْرِي

امام باقر عليه السلام فرمود: خداوند عز و جل به موسی بن عمران فرمود: ای
موسی ، حق شکر مرا بجای آور. عرض کرد: پروردگارا! چگونه حق شکر را
بجای آورم در حالی که نعمت از توست و شکر بر آن باز نعمت دیگری است از
جانب تو. خداوند تبارک و تعالی فرمود:

همین که شناختی که این (اداء شکر) نیز نعمت است حق شکر مرا بجای
آورده ای .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ ثُمَّ عَرَفَهَا بِقَلْبِهِ فَقَدْ أَدَّى
شُكْرَهَا

امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که خدا به او نعمتی داد و او آن نعمت را در دل
شناخت ، حق شکر آن نعمت را ادا کرده .

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا يَنْقَطِعُ الْمَزِيدُ مِنَ اللَّهِ حَتَّى يَنْقَطِعَ الشُّكْرُ عَلَى الْعِبَادِ

امام باقر علیه السلام فرمود: افزایش نعمت از خدا نمی گسلد مگر اینکه شکر بندگان بگسلد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ أَيُّمَا عَبْدٍ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَحَمِدَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِلِسَانِهِ لَمْ يَنْفَدْ يَنْفَدْ كَلَامُهُ حَتَّى يَأْمُرَ اللَّهُ لَهُ بِالزِّيَادَةِ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ لَتَيْنُ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر بنده ای که خداوند به او نعمتی داد و او آن نعمتی را بوسیله دلش شناخت و با زبانش خدا را بر آن نعمت ستایش نمود، هنوز کلامش تمام نشده خداوند امر می کند نعمتش را افزون نمایند، و این معنای قول خداوند عز و جل است که :

(اگر شکر کنید هر آینه نعمت را بر شما افزون کنیم).

وَمِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بِقَوْمٍ يَرْفَعُونَ حَجْرًا فَقَالَ مَا هَذَا قَالُوا نَعْرِفُ بِذَلِكَ أَشَدَّنَا وَأَقْوَانَا فَقَالَ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشَدُّكُمْ وَأَقْوَأَكُمْ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَشَدُّكُمْ وَأَقْوَأَكُمْ الَّذِي إِذَا رَضِيَ لَمْ يُدْخِلْهُ رِضَاهُ فِي إِثْمٍ وَلَا بَاطِلٍ وَإِذَا سَخَطَ لَمْ يُخْرِجْهُ سَخَطُهُ مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ وَإِذَا قَدَرَ لَمْ يَتَعَاطَ مَا لَيْسَ بِحَقٍّ

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله از کنار گروهی می گذشتند که سنگی را بلند می کردند؛ فرمود: این چه کاری است ؟ گفتند: بوسیله این کار نیرومندترین و قویترین را می شناسیم ؛ فرمود: آیا خبر دهم شما را به قدرتمندترین و قویترین شما؟ گفتند: بلی ای رسول خدا؛ فرمود: قدرتمندترین و قویترین شما کسی است که هر گاه راضی بود، راضی بودنش او را در گناه و

باطل داخل نکند، و هر گاه خشمگین و ناراضی بود خشمش او را از گفتن حق خارج نکند، و هر گاه قدرت پیدا کرد کاری را که حق نیست انجام ندهد.

قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ طَلَبَ رِضَى اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ وَمَنْ طَلَبَ رِضَا النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ

امام حسین علیه السلام فرمود: هر کس رضایت خدا را به ناخشنودی مردم بخواهد، خداوند او را از مردم بی نیاز می کند، و هر کس رضایت مردم را به ناخشنودی خدا بخواهد، خداوند او را به مردم وامی گذارد.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْعَمَ عَلَى قَوْمٍ بِالْمَوَاهِبِ فَلَمْ يَشْكُرُوا فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ وَبَالًا وَابْتَلَى قَوْمًا بِالْمَصَائِبِ فَصَبَرُوا فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ نِعْمَةً

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند عز و جل به گروهی نعمت بخشید و آنها شکر نکردند و برای آنها وزر و وبال شد، و مردمی را گرفتار مصیبت‌هایی کرد و آنها صبر کردند، و در اثر صبر به نعمت رسیدند.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ النِّعَمِ فَلَا تُتَفَرَّوْا أَقْصَاهَا بِقِلَّةِ الشُّكْرِ

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: هر گاه اوایل نعمتها به شما رسید، ادامه آن را با کمی شکر از دست ندهید.

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا تُجَالِسِ الْأَغْنِيَاءَ فَإِنَّ الْعَبْدَ يُجَالِسُهُمْ وَهُوَ يَرَى أَنَّ لِلَّهِ عَلَيْهِ نِعْمَةً فَمَا يَقُومُ حَتَّى يَرَى أَنَّهُ لَيْسَ لِلَّهِ عَلَيْهِ نِعْمَةٌ

امام باقر علیه السلام : با توانگران همنشینی مکن ، زیرا بنده با آنها همنشینی می کند در حالی که عقیده اش این است که خداوند به او نعمت داده ، بر نمی خیزد مگر اینکه خیال می کند که خداوند به او نعمتی نداده .

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اسْتَتِمُوا نِعْمَ اللَّهِ بِالتَّسْلِيمِ لِقَضَائِهِ وَ الشُّكْرِ عَلَى نِعْمَائِهِ فَمَنْ لَمْ يَرْضَ بِهَذَا فَلَيْسَ مِنَّا وَ لَا إِلَيْنَا

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: نعمتهای خدا را به وسیله تسلیم در برابر قضا و قدر خدا و شکر نعمتهای او کامل کنید، هر کس راضی به این امر نشود از ما نیست و با ما نخواهد بود.

فصل هفتم : در رضا و تسلیم

الفصل السابع فى الرضا

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ بِاللَّهِ أَرْضَاهُمْ
بِقَضَاءِ اللَّهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: داناترین مردم به خدا، راضی ترین آنان به قضا و
قدر خداوند است .

عَنْهُ عليه السلام قَالَ رَأْسُ طَاعَةِ اللَّهِ الصَّبْرُ وَالرِّضَا عَنِ اللَّهِ فِيمَا أَحَبَّ الْعَبْدُ أَوْ كَرِهَ وَ
لَا يَرْضَى عَبْدٌ عَنِ اللَّهِ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهُ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ

امام صادق عليه السلام فرمود: اصل طاعت و بندگی خدا شکیبائی و خشنود بودن
از خداست در آنچه که بنده از آن خوشش آید یا بدش آید، و هیچ بنده ای در
آنچه خوش دارد از خدا راضی نباشد، مگر آنکه برایش بهترین باشد، چه در
آنچه دوست داشته باشد و چه در آنچه دوست نداشته باشد.

عَنْهُ عليه السلام قَالَ مَا قَضَى اللَّهُ لِمُؤْمِنٍ قَضَاءً فَرَضِي بِهِ إِلَّا جَعَلَ الْخَيْرَ لَهُ فِيمَا قَضَى
امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند برای مؤمن هر عملی را که مقرر فرمود، و
مؤمن به آن راضی شد، در آن پیش آمد خیر او را قرار داد.

عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنَّ اللَّهَ جَلَّ تَأَوُّهُ يُقُولُ وَعَزَّتِي وَ
جَلَالِي مَا خَلَقْتُ مِنْ خَلْقِي خَلْقًا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ وَلِذَلِكَ سَمَّيْتُهُ

بِاسْمِي مُؤْمِنًا لِأَحْرَمَهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ هِيَ خَيْرَةٌ لَهُ مِنِّي وَ إِنِّي
لَأُملِكُهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ هِيَ خَيْرَةٌ لَهُ مِنِّي فَلْيَرْضَ بِقَضَائِي وَ لِيَصْبِرْ
عَلَى بَلَائِي وَ لِيَشْكُرْ نِعْمَائِي أَكْتُبُهُ يَا أَحْمَدُ مِنَ الصَّادِقِينَ عِنْدِي

امام باقر عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله روایت کند که می فرمود: خداوند جل ثناؤ

ه می فرماید:

قسم به عزت و جلالم که از بندگان ؛ آفریده ای را محبوبتر نزد خودم از بنده
مؤمنم نیافریدم و به همین دلیل او را به نام خودم مؤمن نامیدم ، اگر آنچه ما بین
مشرق و مغرب است به اختیار خود او را از آن محروم کنم ، یا از آنچه میان
مشرق و مغرب است به دلخواه خودم به او ببخشم ، باید به قضای من راضی
شود، و بر بلای من صبر کند و شکرگزار نعمتهای من باشد. ای محمد! نام او را
جزء صدیقین نزد من بنویس .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَقِيَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَبْدَ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام فَقَالَ يَا
عَبْدَ اللَّهِ كَيْفَ يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا وَ هُوَ يَسْخَطُ قِسْمَهُ وَ يُحَقِّرُ مَنْزِلَتَهُ وَ الْحَاكِمُ
عَلَيْهِ اللَّهُ فَإِنَّا الضَّامِنُ لِمَنْ لَا يَهْجُسُ فِي قَلْبِهِ إِلَّا الرِّضَا أَنْ يَدْعُوَ اللَّهَ فَيَسْتَجَابَ لَهُ
امام صادق عليه السلام فرمود: امام حسن مجتبی عليه السلام با عبد الله بن جعفر عليه السلام

ملاقات نمود و به او فرمود: ای عبد الله ! مؤمن چگونه مؤمن باشد در حالی که
از قسمت و مقدرش ناراضی است ، و مقام و منزلتش را خوار و کوچک می
شمارد، با اینکه خدا بر او چنین حکمی را مقدر کرده ، و هر کس در قلبش غیر
از خشنودی به قضای خدا خطور نکند من ضمانت می کنم که دعایش مستجاب
شود.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الرُّوحُ وَ الرَّاحَةُ فِي الرِّضَا وَ اليَقِينِ وَ الهَمُّ وَ الحُزْنُ فِي الشُّكِّ وَ
السَّخَطِ

امام صادق عليه السلام فرمود: آسایش و راحتی در رضا و یقین است و غم و اندوه
در شک و غضب خداوند.

وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أُجْرِي الْقَلَمُ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ فَمَنْ أَصْفَاهُ اللَّهُ بِالرِّضَا فَقَدْ أَكْرَمَهُ وَ مَنْ
ابْتَلَاهُ بِالسَّخَطِ فَقَدْ أَهَانَهُ وَ الرِّضَا وَ السَّخَطُ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ وَ اللَّهُ يَزِيدُ فِي
الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ

امام صادق عليه السلام فرمود: قلم تقدیر بر محبت خدا جاری شده ، هر که راکه
خداوند به رضایت انتخاب کرد گرامیش داشت ، و هر کس را به غضب گرفتار
کرد خوارش کند، و رضا و غضب دو خلق از مخلوقات خداوند هستند و
خداوند هر چه بخواهد بر خلقش افزوده می کند.

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَنْبَغِي لِمَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ لَا يَسْتَبْطِئِهِ يَسْتَبْطِئُهُ فِي
رِزْقِهِ وَ لَا يَتَّهِمُهُ فِي قَضَائِهِ

امام کاظم عليه السلام فرمود: سزاوار است برای کسی که غافل از خدا شد، از عقب
افتادن روزیش ناراحت نشود، و خدا را در قضا و قدرش متهم نسازد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَضَاءُ الْحَوَائِجِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَسْبَابُهَا إِلَى
الْعِبَادِ فَمَنْ قُضِيَتْ لَهُ حَاجَةٌ فَلْيَقْبَلْهَا عَنِ اللَّهِ بِالرِّضَا وَ الصَّبْرِ

امام صادق علیه السلام فرمود: بر آورده شدن حاجتهای مردم در دست خدای عز و جل است ، و اسباب آن در دست بندگان ، هر کس حاجتش بر آورده شد باید آن را از ناحیه خدا با رضایت و شکیبائی بپذیرد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام إِنَّمَا يَجْتَمِعُ الْيَأْسُ بِالرِّضَا وَالسَّخَطُ فَمَنْ رَضِيَ أَمْرًا فَقَدْ دَخَلَ فِيهِ وَمَنْ سَخَطَ فَقَدْ خَرَجَ مِنْهُ

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: فقط ناامیدی با رضایت و غضب جمع می شود، هر کس به امری خشنود شد آن را قبول می کند، و هر کس نپسندید از آن کناره می گیرد.

عَنِ الرَّضَا عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ رُفِعَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ قَوْمٌ فِي بَعْضِ غَزَوَاتِهِ فَقَالَ مَنْ الْقَوْمُ فَقَالُوا مُؤْمِنُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ وَ مَا بَلَغَ مِنْ إِيْمَانِكُمْ قَالُوا الصَّبْرُ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَالشُّكْرُ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَالرِّضَا بِالْقَضَاءِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله حُلَمَاءُ عُلَمَاءُ كَادُوا مِنَ الْفَقْهِ أَنْ يَكُونُوا أَنْبِيَاءَ إِنْ كُنْتُمْ كَمَا تَصِفُونَ فَلَا تَبْنُوا مَا لَا تَسْكُنُونَ وَلَا تَجْمَعُوا مَا لَا تَأْكُلُونَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

امام رضا علیه السلام از قول پدران بزرگوارش علیهم السلام فرمود: در یکی از جنگها گروهی نزد رسول خدا صلى الله عليه وآله رفتند، ایشان فرمود: اینها چه کسانی هستند؟ گفتند: ای رسول خدا! اینها مؤمنین هستند. فرمود: ایمان شما به چه حدی رسیده ؟

گفتند: به صبر هنگام مصیبت ، و شکر هنگام تنگدستی ، و رضا به قضای خدا. فرمود:

دانشمندانی حکمت شعارند و نزدیک است از مقام بلند همتشان خود پیغمبرانی باشند.

(پس رو به آنها فرمود): اگر آن چیز که می گوئید هستید، پس آنچه را جایگاه خود قرار نمی دهید بنا نکنید، و آنچه را نمی خورید جمع نکنید، و پرهیزید از خدایی که به سوی او بازمی گردید.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الصَّبْرُ وَالرِّضَا عَنِ اللَّهِ رَأْسُ طَاعَةِ اللَّهِ وَمَنْ صَبَرَ وَرَضِيَ عَنِ اللَّهِ فِيمَا قَضَى عَلَيْهِ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ لَمْ يَقْضِ اللَّهُ لَهُ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ إِلَّا مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ

امام سجّاد علیه السلام فرمود: صبر و رضایت در برابر مقدرات خداوند بالاترین طاعت و بندگی خداست ، و هر کس در آنچه دوست دارد یا ناپسند اوست صبر کند و راضی به قضای خدا باشد، خدا برایش چیزی را که محبوب اوست یا ناپسند اوست مقدر نمی کند مگر اینکه خیرش در آنست .

دَخَلَ بَعْضُ أَصْحَابِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَرَضِهِ الَّذِي تُوُفِّيَ فِيهِ إِلَيْهِ وَ قَدْ ذُبِلَ فَلَمْ يَبْقَ إِلَّا رَأْسُهُ فَبَكَى فَقَالَ لَأَيِّ شَيْءٍ تَبْكِي فَقَالَ لَا أَبْكِي وَأَنَا أَرَاكَ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ قَالَ لَا تَفْعَلْ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ تَعَرَّضَ كُلَّ خَيْرٍ إِنْ قُطِعَ أَعْضَاؤُهُ كَانَ خَيْرًا لَهُ وَإِنْ مَلَكَ مَا بَيْنَ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ كَانَ خَيْرًا لَهُ

یکی از اصحاب هنگامی که ایشان بیمار بودند همان بیماری که بر اثر آن امام از دنیا رفت نزد امام صادق علیه السلام رفت ، امام را در حالی دید که بقدری ضعیف شده بود، گویا فقط سر مبارک آن حضرت باقی مانده ، آنگاه گریه کرد، امام علیه السلام فرمود: چرا گریه می کنی ؟ گفت :

گریه نکنم در حالی که شما را به این حال می بینم ؟
فرمود: این کار را ممکن ، مؤمن در معرض خیر است ، اگر اعضایش قطع
شود برای او خیر است ، و اگر هم مالک بین شرق و غرب شود باز هم برای او
خیر است .

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ قَالَ شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ
امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: شکر هر نعمتی پرهیزکاری از حرامهای الهی است .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلِيٍّ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عِنْدَ عَائِشَةَ لَيْلَتَهَا قَالَتْ يَا رَسُولَ
اللَّهِ وَلِمَ تَتَعَبُ نَفْسَكَ وَقَدْ غُفِرَ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ فَقَالَ يَا
عَائِشَةُ أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا قَالَ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَقُومُ عَلَى أَصَابِعِ رِجْلَيْهِ فَأَنْزَلَ
اللَّهُ طَهَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى

امام باقر علیه السلام فرمود: شبی رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجره عائشه بود، پرسید: ای
رسول خدا! چرا این قدر خودت را به زحمت می اندازی در حالی که تمام
گناهان گذشته و آینده ات آمرزیده شده است ؟

فرمود: ای عائشه ! آیا بنده ای شکرگزار نباشم ؟ عائشه گوید: رسول خدا
صلی الله علیه و آله همیشه بر انگشتان پاهایش بلند می شد. سپس خداوند این آیه را نازل
فرمود: (ای پیغمبر! ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خودت را به مشقت
بیافکنی).

فصل هشتم : در حسن ظن به خدا

الفصل الثامن فى حسن الظن بالله

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ وَهُوَ عَلَى مَنبَرِهِ وَاللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا أُعْطِيَ مُؤْمِنٌ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ وَرَجَائِهِ لَهُ وَحُسْنِ خُلُقِهِ وَالْكَفِّ عَنِ اغْتِيَابِ الْمُؤْمِنِينَ وَاللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا يُعَذِّبُ اللَّهُ مُؤْمِنًا بَعْدَ التَّوْبَةِ وَالِاسْتِغْفَارِ إِلَّا بِسُوءِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ وَتَقْصِيرٍ مِنْ رَجَائِهِ لِلَّهِ وَسُوءِ خُلُقِهِ وَاغْتِيَابِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَاللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا يَحْسُنُ ظَنُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ بِاللَّهِ إِلَّا كَانَ اللَّهُ عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ لِأَنَّ اللَّهَ كَرِيمٌ بِيَدِهِ الْخَيْرَاتُ يَسْتَحِي أَنْ يَكُونَ عَبْدُهُ الْمُؤْمِنُ قَدْ أَحْسَنَ بِهِ الظَّنَّ وَالرَّجَاءَ ثُمَّ يُخْلِفُ ظَنَّهُ وَرَجَاءَهُ فَأَحْسِنُوا بِاللَّهِ الظَّنَّ وَارْعَبُوا إِلَيْهِ

امام باقر عليه السلام فرمود: در کتاب علی بن ابی طالب عليه السلام یافتیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر روی منبر می فرمود: سوگند به آن خدائی که جز او معبودی نیست به هیچ مؤمنی خیر دنیا و آخرت داده نشد مگر به خاطر گمان نیکویش به خدا و امید به او، و به خاطر خوش اخلاقیش، و خود داری از بدگوئی و غیبت .

و سوگند به خدائی که هیچ معبودی بجز او نیست ؛ خداوند هیچ بنده مؤمنی را بعد از توبه و طلب آمرزش عذاب نمی کند مگر به سوء ظنش به خدا و کوتاهی در امیدش به خدا و بد اخلاقیش و غیبت مؤمن کردنش ، و قسم به آن خدایی که هیچ معبودی جز او نیست ، هیچ بنده مؤمنی خوش گمانی به خدا نکند مگر اینکه خدا به اندازه گمانش با او رفتار کند، چون خداوند کریم است و تمام خیرات در دست اوست ، و شرم دارد از اینکه بنده مؤمنش گمان خوبی به

او ببرد سپس مخالف گمان و امیدش عمل کند، به خدا خوش گمان باشید و مشتاق او باشید.

وَقَالَ أَيضاً عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ ظَنَّ بِهِ خَيْرًا إِلَّا كَانَ عِنْدَ ظَنِّهِ بِهِ وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ

امیر مؤمنان عليه السلام فرمود: هیچ بنده ای گمان خیری به خدا نمی برد مگر اینکه خداوند نزد گمانش حاضر است ، و این همان است که خداوند می فرماید: (و همین گمان باطل شما در باره خدا بود که موجب (معصیت و) هلاکت شما گردید و همه شما از زیانکاران شدید).

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ بَعَثَ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَجُلَيْنِ مِنْ أَصْحَابِهِ فِي حَاجَةٍ فَرَجَعَ أَحَدُهُمَا مِثْلَ الشَّنِّ الْبَالِيِّ وَالْآخَرُ شَحِمًا وَسَمِينًا فَقَالَ لِلَّذِي مِثْلَ الشَّنِّ مَا بَلَغَ مِنْكَ مَا أَرَى قَالَ الْخَوْفُ مِنَ اللَّهِ وَقَالَ لِلْآخَرِ السَّمِينِ مَا بَلَغَ بِكَ مَا أَرَى فَقَالَ حُسْنُ الظَّنِّ بِاللَّهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: عیسی بن مریم دو نفر از یارانش را برای کاری فرستاد، یکی از آنان همانند چوب خشکیده (و لاغر) برگشت ، و دیگری در حالی که چاق و پرگوشت بود، عیسی عليه السلام به آنکه همانند چوب خشک شده فرمود: چرا چنین شدی ؟ گفت : از ترس خدا. آنگاه به دیگری که چاق شده بود گفت : تو چرا چنین شدی ؟ عرض کرد: از حسن ظن به خدا.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ دَاوُدُ يَا رَبِّ مَا آمَنَ بِكَ مَنْ عَرَفَكَ فَلَمْ يُحْسِنِ الظَّنَّ

بِكَ

امام صادق علیه السلام فرمود: داود پیامبر علیه السلام عرض کرد: پروردگارا! کسی که گمان نیکو به تو ندارد ایمان به تو نیاورد گرچه تو را شناخت .

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَمُوتَنَّ أَحَدُكُمْ إِلَّا وَهُوَ يُحْسِنُ الظَّنَّ بِاللَّهِ فَإِنَّ حُسْنَ الظَّنِّ بِاللَّهِ ثَمَنُ الْجَنَّةِ

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: از دنیا نروید و نمیرید مگر اینکه حسن ظن به خدا پیدا کنید، زیرا گمان نیکو به خداوند، بهای بهشت است .

وَمِنْ سَائِرِ الْكُتُبِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ كَانَ فِي زَمَنِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ رَجُلَانِ فِي الْحَبْسِ فَأُخْرِجَا فَأَمَّا أَحَدُهُمَا فَسَمِنَ وَغُلِظَ وَ أَمَّا الْآخَرُ فَفَجَلَ وَ صَارَ مِثْلَ الْهَدْبَةِ فَقَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ لِلْمُسَمِّنِ مَا الَّذِي أَرَى بِكَ مِنْ حُسْنِ الْحَالِ فِي بَدَنِكَ قَالَ حُسْنُ الظَّنِّ بِاللَّهِ وَ قَالَ لِلْآخَرِ مَا الَّذِي أَرَى بِكَ مِنْ سُوءِ الْحَالِ فِي بَدَنِكَ قَالَ الْخَوْفُ مِنَ اللَّهِ فَرَفَعَ مُوسَى بِيَدِهِ إِلَى اللَّهِ فَقَالَ يَا رَبِّ قَدْ سَمِعْتَ مَقَالَتَهُمَا فَأَعْلِمْنِي أَيُّهُمَا أَوْلَى فَأَوْحَى إِلَيْهِ صَاحِبُ حُسْنِ الظَّنِّ بِي

امام صادق علیه السلام فرمود: در زمان حضرت موسی بن عمران دو مرد زندانی بودند و آزاد شدند، که یکی از آنها چاق و درشت هیکل و دیگری لاغر بود و مانند حشره ای کوچک (خرخاکی) گردیده بود. موسی بن عمران به شخص چاق گفت : این سرحال بودن بدنت را از چه می بینم ؟ گفت : از خوش گمانی به خدا، و به دیگری گفت : این بدحالی را در بدنت از چه می بینم ؟ گفت : از ترس خدا. موسی بن عمران دستش را بسوی خدا بلند کرد و گفت : پروردگارا! شنیدی قول این دو را اینک آگاهم کن کدامیک افضل است ؟

خداوند به او وحی کرد که : آنکه به من خوش گمان است برتر است .

فصل نهم : در اندیشه و تفکر

الفصل التاسع فى التفكير

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ طُوبَى لِمَنْ كَانَ صَمْتُهُ فِكْرًا وَ نَظْرُهُ عِبْرًا وَ كَلَامُهُ ذِكْرًا وَ بَكَى عَلَى خَطِيئَتِهِ وَ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ

امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل می کند که فرمود: عیسی بن مریم فرموده : خوشا به حال کسی که سکوتش اندیشه است ، و نگاهش عبرت ، و کلامش ذکر خدا است ، و بر گناهان خویش گریان است و مردم از دست و زبانش در امانند.

عَنْ الْحَسَنِ الصَّقِيلِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَمَّا يَرَوِي النَّاسُ تَفَكُّرُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ لَيْلَةٍ قَالَ نَعَمْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله تَفَكُّرُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ لَيْلَةٍ قُلْتُ كَيْفَ يَتَفَكَّرُ قَالَ يَمُرُّ بِالْخَرَبَةِ وَ بِالدَّارِ فَيَتَفَكَّرُ وَ يَقُولُ أَيْنَ سَاكِنُوكِ أَيْنَ بَانُوكِ مَا لَكَ لَا تَتَكَلَّمِينَ

حسن صیقل می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم راجع به آنچه مردم روایت می کنند که :

یک ساعت فکر کردن بهتر از یک شب عبادت کردن است ؟ فرمود: بلی ، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فکر کردن یک ساعت بهتر از عبادت یک شب است .
گفتم : چگونه باید فکر کرد؟

فرمود: اگر به ویرانه ای گذر کند یا از کنار خانه ای گذشت فکر کند و بگوید: ساکنان تو کجایند؟ سازندگان تو کجایند؟ چرا سخن نمی گوئید؟

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كَلَامٍ لَهُ يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّ
التَّفَكُّرَ يَدْعُو إِلَى الْبِرِّ وَالْعَمَلِ بِهِ وَإِنَّ النَّدَمَ عَلَى الشَّرِّ يَدْعُو إِلَى تَرْكِهِ وَلَيْسَ مَا
يَفْنَى وَإِنْ كَانَ كَثِيرًا بِأَهْلِ أَنْ يُؤْتَرَ عَلَى مَا يَبْقَى وَإِنْ كَانَ طَلْبُهُ عَزِيزًا

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ در یکی از سخنانش فرمود: ای
فرزند آدم! همانا اندیشیدن انسان را بسوی کار نیک و عمل به آن می کشاند، و
پشیمانی بر کار بد انسان را وادار به ترک آن می کند، و آنچه نابودشدنی است
گرچه زیاد هم باشد نزد عدّه ای ضرری نمی زند به آنچه که باقی می ماند و
اگر چه کمیاب باشد.

وَقَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُمِعَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي ثَلَاثِ خِصَالٍ النَّظَرِ وَ
السُّكُوتِ وَالْكَلامِ وَكُلُّ نَظَرٍ لَيْسَ فِيهِ اعْتِبَارٌ فَهُوَ سَهْوٌ وَكُلُّ سُّكُوتٍ لَيْسَ فِيهِ
فِكْرٌ فَهُوَ غَفْلَةٌ وَكُلُّ كَلَامٍ لَيْسَ فِيهِ ذِكْرٌ فَهُوَ لَعْوٌ

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: تمامی خیر در سه خصلت جمع شده: نگاه کردن ،
و سکوت ، و حرف زدن ، و هر نگاهی که در آن عبرت گرفتن نباشد خطاست ،
و هر سکوتی که در آن فکر نباشد غفلت است ، و هر کلامی که در آن ذکر
نباشد لغو و بیهوده است .

فصل دهم : در ایمان و اسلام

الفصل العاشر فی الایمان و الاسلام

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَتَى رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي جِئْتُ أَبَايُكَ عَلَى الْإِسْلَامِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى أَنْ تَقْتُلَ أَبَاكَ فَقَبِضَ الرَّجُلُ يَدَهُ وَانصَرَفَ ثُمَّ عَادَ وَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي جِئْتُ لِأَبَايُكَ عَلَى الْإِسْلَامِ فَقَالَ لَهُ عَلَى أَنْ تَقْتُلَ أَبَاكَ قَالَ نَعَمْ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَرَى يَقِينُهُ فِي عَمَلِهِ وَالْكَافِرَ يَرَى انْكَارُهُ فِي عَمَلِهِ فَوَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا عَرَفُوا أَمْرَهُمْ فَاعْتَبَرُوا انْكَارَ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ بِأَعْمَالِهِمُ الْخَبِيثَةَ

امام صادق عليه السلام فرمود: مردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا! من آمده ام که با تو بر اسلام بیعت نمایم. رسول خدا ﷺ فرمود: تا پدرت را بکشی؟ مرد دستش را کشید و منصرف شد، سپس برگشت و گفت: ای رسول خدا! من آمده ام تا بر اسلام با تو بیعت کنم. فرمود: تا پدرت را بکشی؟ گفت: بلی، رسول خدا فرمود: مؤمن یقینش را در عملش می بیند و کافر انکارش را در عملش مشاهده می کند. قسم به آنکه جانم در دست اوست؛ موقعیت و شأن خود را نشناختند تا از انکار کافرین و منافقین بوسیله اعمال زشتشان عبرت گیرند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ لِأَهْلِ الدِّينِ عَلَامَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا صِدْقُ الْحَدِيثِ وَادَاءُ الْأَمَانَةِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ وَصِلَةُ الْأَرْحَامِ وَرَحْمَةُ الضُّعْفَاءِ وَقِلَّةُ مُشَابَقَةِ النِّسَاءِ أَوْ قَالَ وَقِلَّةُ مُوَاتَاةِ النِّسَاءِ وَبَدَلُ الْمَعْرُوفِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ وَالسَّعَةُ وَاتِّبَاعُ الْعِلْمِ وَمَا يُقَرِّبُ إِلَى اللَّهِ زُلْفَى طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَا ب

امام صادق علیه السلام از امیر مؤمنان نقل کند که می فرمود: برای اهل دین نشانه هائی است که بوسیله آن شناخته می شوند: راستگویی ، امانت داری ، وفاء به عهد و پیمان ، صله ارحام ، مهربانی با ضعیفان و زبردستان ، کم آمیختن با زنان ، بخشیدن چیزهای خوب ، خوش اخلاقی و خوشرفتاری ، پیروی از علم ، و آنچه انسان را بسیار به خداوند نزدیک کند، خوشا بحال آنها و خوش سرانجامی دارند.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَيْضاً كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ لَا يَطْعَمُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئْهُ وَ أَنَّ مَا أَخْطَأَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ فَإِنَّ الضَّارَّ النَّافِعَ هُوَ اللَّهُ

امام صادق علیه السلام از امیر مؤمنان علیه السلام روایت کند که می فرمود: هیچ بنده ای مزه ایمان را نمی چشد مگر اینکه بداند هر چه باید به او برسد می رسد و از او نمی گذرد، و هر چه باید به او نرسد و از او بگذرد به او نمی رسد، پس زیانبخش سود دهنده همان خداست .

عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ سُئِلَ عَلِيٌُّّ عَنِ الْإِيمَانِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْإِيمَانَ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ أَوْ قَالَ الْإِيمَانُ مَبْنِيٌّ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ عَلَى الصَّبْرِ وَالْيَقِينِ وَالْعَدْلِ وَالْجِهَادِ
 امام باقر علیه السلام فرمود: از امیر مؤمنان علیه السلام در مورد ایمان سؤال شد، فرمود: خداوند ایمان را بر چهار ستون قرار داده یا فرمود: ایمان بر چهار ستون بنا شده بر صبر، و یقین ، و عدل ، و جهاد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ الدُّنْيَا يُعْطِيهَا اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ وَأَبْغَضَ وَإِنَّ
الإِيمَانَ لَا يُعْطِيهِ إِلَّا مَنْ أَحَبَّ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خداوند دنیا را به دوست و دشمنش عطا می فرماید،
و لیکن ایمان را فقط به کسانی که دوستشان دارد عطا می کند.

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَسْبَغَ
وُضُوئَهُ وَ أَحْسَنَ صَلَاتَهُ وَ أَدَّى زَكَاةَ مَالِهِ وَ كَفَّ غَضَبَهُ وَ سَجَنَ لِسَانَهُ وَ اسْتَغْفَرَ
لِدُنْبِهِ وَ أَدَّى النَّصِيحَةَ لِأَهْلِ بَيْتِهِ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ حَقَائِقَ الإِيمَانِ وَ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ مُفْتَحَةً
لَهُ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدران بزرگوارش از امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می کند که
فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرمود: هر کس وضویش را صحیح و کامل بگیرد
و نمازش را بصورت نیکو بجای آورد، و زکات مالش را پرداخت نماید، و خشم
و غضبش را فرو نشاند و زبانش را نگهدارد و از گناهانش توبه کند، و خیر
اندیشی برای خانواده اش کند؛ بحق حقائق ایمان را کامل کرده است ، و درهای
بهشت به رویش باز است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَقِيَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمًا حَارِثَةَ بْنَ مَالِكِ بْنِ النُّعْمَانِ
الأنصاريَّ فَقَالَ لَهُ كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا حَارِثَةُ قَالَ أَصْبَحْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُؤْمِنًا حَقًّا
فَقَالَ إِنَّ لِكُلِّ إِيْمَانٍ حَقِيْقَةً فَمَا حَقِيْقَةُ إِيْمَانِكَ فَقَالَ عَزَفْتُ نَفْسِي عَنِ الدُّنْيَا
فَأَسْهَرْتُ لَيْلِي وَ أَظْمَأْتُ نَهَارِي فَكَأَنِّي نَظَرْتُ إِلَى عَرْشِ رَبِّي قَدْ قَرُبَ الْحِسَابِ
لِلْحِسَابِ فَكَأَنِّي بِأَهْلِ الْجَنَّةِ فِيهَا يَتَزَاوَرُونَ وَ أَهْلِ النَّارِ يُعَذِّبُونَ فَقَالَ رَسُولُ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْتَ مُؤْمِنٌ نَوَّرَ اللَّهُ الإِيْمَانَ فِي قَلْبِكَ فَاتَّبِعْ تَبَتَكَ اللَّهُ فَقَالَ يَا رَسُولَ

اللَّهُ مَا أَنَا عَلَى نَفْسِي مِنْ شَيْءٍ أَخَوْفَ مِنِّي عَلَيْهَا مِنْ بَصَرِي فَدَعَا لَهُ رَسُولُ اللَّهِ
فَذَهَبَ بَصَرُهُ

امام صادق عليه السلام فرمود: روزی رسول خدا صلى الله عليه وآله حارثة بن مالک بن نعمان
انصاری را دید و به او فرمود: ای حارثة چگونه شب را به صبح رساندی؟ گفت
: ای رسول خدا! صبح کردم در حالی که مؤمن حقیقی بودم. فرمود: هر ایمانی
حقیقتی دارد، حقیقت ایمان تو چیست؟ گفت: خودم را از دنیا منع نمودم و
شبم را تا صبح بیدار ماندم، و سراسر روزم را تشنه بودم (کنایه از روزه بودن)،
گویا به عرش پروردگارم نگاه کردم و روز حساب را نزدیک شده، و گویا
داخل بهشتیان شدم در حالی که آنها به دیدن هم می رفتند، و اهل آتش عذاب
می شدند. رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: تو مؤمنی، خداوند نور ایمان را در دلت
انداخته، پس ثابت بمان، خداوند تو را ثابت بدارد! سپس گفت: ای رسول
خدا! من بر خودم از هیچ چیزی هراسان نیستم مگر از چشمم، رسول خدا
صلى الله عليه وآله برایش دعا کرد و آن چشم حقیقت بین از او گرفته شد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ مَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ
بِاللَّهِ إِلَّا وَ هُمْ مُشْرِكُونَ قَالَ يُطِيعُ الشَّيْطَانَ مِنْ حَيْثُ يُشْرِكُ
امام صادق عليه السلام در مورد قول خداوند تبارک و تعالی (اکثر آنها به خدا ایمان
نیاورند در حالی که آنها مشرک هستند) فرمود: آنان از هر طریقی که شرک می
ورزند از همان طریق فرمانبردار شیطان می باشند.

عَنْ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ قَالَ الْبَاقِرُ عليه السلام إِنَّ اللَّهَ أَعْطَى الْمُؤْمِنَ ثَلَاثَ
خِصَالٍ الْعِزَّ فِي الدُّنْيَا وَ فِي دِينِهِ وَ الْفَلَاحَ فِي الْآخِرَةِ وَ الْمَهَابَةَ فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند به مؤمن سه خصلت بخشیده: عزت در دنیا و دینش، رستگاری اخروی، هیبت و حشمت در دلهای جهانیان.

عَنْ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَلَا أُنبئُكُمْ بِالْمُؤْمِنِ الْمُؤْمِنِ مَنْ ائْتَمَنَهُ الْمُؤْمِنُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَلَا أُنبئُكُمْ بِالْمُسْلِمِ الْمُسْلِمِ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ يَدِهِ وَلِسَانِهِ وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ السَّيِّئَاتِ وَتَرَكَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود: آیا به شما بگویم مؤمن چه کسی است؟ مؤمن کسیست که مؤمنان بر مال و جانشان به او اعتماد کنند.

آیا مسلم را به شما معرفی کنم؟ مسلم کسی است که مسلمانان دیگر از دست و زبانش در امان باشند، و مهاجر کسی است که از گناهان دوری جوید و آنچه را خدا بر او حرام کرده ترک کند.

سُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ النَّاسِ أَفْضَلُ إِيمَانًا فَقَالَ أَبْسَطُهُمْ كَفَاءً
از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال شد: ای رسول خدا! چه کسی ایمانش از همه برتر است؟

فرمود: کسی که بخشنده تر است.

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُؤْمِنُ بَيْتُهُ قَصَبٌ وَطَعَامُهُ كِسْرٌ وَرَأْسُهُ شَعِثٌ وَنَبَاهُهُ خَلْقٌ وَقَلْبُهُ خَاشِعٌ وَلَا يَعْدِلُ السَّلَامَةَ بِالسَّلَامَةِ شَيْئًا

پیغمبر خدا ﷺ فرمود: خانه مؤمن از نی است و غذایش تکه های نان خشک و موی سرش پریشان و پیچیده ، و لباسش کهنه و دلش خاشع است و سلامتی را با هیچ چیز عوض نمی کند.

عَنْ الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْإِيمَانُ بَضْعٌ وَ سَبْعُونَ بَاباً أَكْبَرُهَا شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَدْنَاهَا إِمَاطَةُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ
امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش علیه السلام نقل می کند که رسول خدا ﷺ می فرمود: ایمان هفتاد و خرده ای در دارد، بزرگترین آن درها شهادت دادن به اینست که هیچ خدائی غیر از معبود یکتا نیست ، و کوچکترین آنها برطرف کردن خار و خاشاک از بین راه است .

فصل یازدهم : در تقیه

الفصل الحادی عشر فی التقیه

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مُعَلَّى أَكْتُمُ أَمْرًا وَلَا تُدْعِهُ فَإِنَّهُ مَنْ كَتَمَ أَمْرًا وَلَا لَمْ يُدْعِهُ أَعَزَّهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَجَعَلَهُ نُورًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ فِي الْآخِرَةِ يَقُودُهُ إِلَى الْجَنَّةِ يَا مُعَلَّى مَنْ أَدَاعَ أَمْرًا وَلَا لَمْ يَكْتُمَهُ أَذَلَّهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَنَزَعَ النُّورَ مِنْ بَيْنِ عَيْنَيْهِ فِي الْآخِرَةِ وَجَعَلَهُ ظُلْمَةً تَقُودُهُ إِلَى النَّارِ يَا مُعَلَّى إِنَّ التَّقِيَّةَ دِينِي وَدِينُ آبَائِي وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُعْبَدَ فِي السِّرِّ كَمَا يُحِبُّ أَنْ يُعْبَدَ فِي الْعَلَانِيَةِ يَا مُعَلَّى إِنَّ الْمُدْبِعَ لِأَمْرٍ كَالْجَاحِدِ لَهُ

امام صادق عليه السلام فرمود: ای معلی! اسرار ما را پنهان دار و فاش مکن، زیرا هر کس امر ما را پنهان کند و فاش نکند خداوند او را در دنیا عزیز کند، و عزتت را در آخرت به صورت نوری پیش رویش قرار دهد که او را به سوی بهشت می کشاند.

ای معلی! هر کس اسرار ما را فاش کند و آن را پنهان نکند خداوند او را در دنیا خوار سازد، و در آخرت نور را از پیش رویش بردارد و آن را تبدیل به تاریکی سازد که او را بسوی آتش بکشاند.

ای معلی! تقیه دین من و دین پدرانم است، هر کس تقیه نکند دین ندارد، خداوند دوست دارد در پنهان عبادت شود همان طور که دوست دارد در عیان عبادت شود.

ای معلی! کسی که امر ما را فاش کند، مانند کسی است که منکر آن باشد.
عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ أَدَاعَ عَلَيْنَا شَيْئًا مِنْ أَمْرِنَا فَهُوَ كَمَنْ قَتَلَنَا عَمْدًا وَلَا لَمْ يَقْتُلْنَا خَطَأً

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس چیزی از اسرار ما را بر علیه ما فاش کند مانند کسی است که ما را عمدا کشته باشد نه از روی خطا.

عَنْ بَشِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ لَا وَاللَّهِ مَا عَلَى الْأَرْضِ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ التَّقِيَّةِ يَا حَبِيبُ إِنَّهُ مَنْ كَانَتْ لَهُ تَقِيَّةٌ رَفَعَهُ اللَّهُ يَا حَبِيبُ مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ تَقِيَّةٌ وَضَعَهُ اللَّهُ يَا حَبِيبُ إِنَّ النَّاسَ إِنَّمَا هُمْ فِي هُدْنَةٍ فَلَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ كَانَ هَذَا

امام صادق علیه السلام فرمود: از پدرم شنیدم که می فرمود: قسم بخدا هیچ چیز روی زمین نزد من از تقیه عزیزتر نیست ، ای حبیب ! هر که تقیه کند خداوند مقام او را بالا برد، ای حبیب ! هر کس تقیه نکند خدا او را خوار کند. ای حبیب ! مردم در صلح و سازشند، پس اگر آن (حکم جهاد از طرف امام علیه السلام) باشد این هم (رفع تقیه از امت) هم هست .

عَنْهُ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أُولَئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا قَالَ بِمَا صَبَرُوا عَلَى التَّقِيَّةِ وَ يَدْرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ قَالَ الْحَسَنَةُ التَّقِيَّةُ وَالسَّيِّئَةُ الْإِذَاعَةُ

امام صادق علیه السلام در مورد قول خدای عز و جل : (آنها پاداششان را دو بار می گیرند بخاطر صبرشان) فرمود: به خاطر صبرشان بر تقیه کردن . (و به وسیله کارهای نیک زشت و ناپسند را بر طرف می کنند) فرمود: کار نیک ، تقیه ، و کار زشت ، فاش کردن امر ماست .

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا لَنَا مَنْ يُخْبِرُنَا بِمَا يَكُونُ كَمَا كَانَ عَلِيٌّ يُخْبِرُ أَصْحَابَهُ فَقَالَ بَلَى وَاللَّهِ وَلَكِنْ هَاتِ حَدِيثًا وَاحِدًا حَدَّثْتُكَ فَكَتَمْتَهُ فَقَالَ أَبُو بَصِيرٍ فَوَاللَّهِ مَا وَجَدْتُ حَدِيثًا وَاحِدًا كَتَمْتُهُ

ابو بصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: چه می شود شما هم مانند علی عليه السلام که اصحابش را به اسرار خبر می داد ما را خبر دهی؟ فرمود: به خدا راست می گویی، ولی تو یک خبر را به من نشان بده که من به تو گفته ام و تو آن را پنهان داشته ای. ابو بصیر گوید: به خدا قسم حتی یک حدیث سراغ ندارم که آن را پنهان کرده باشم.

عَنْهُ عليه السلام قَالَ التَّقِيَّةُ فِي كُلِّ ضَرُورَةٍ وَصَاحِبُهَا أَعْلَمُ بِهَا حِينَ تَنْزِلُ بِهِ امام صادق عليه السلام فرمود: مورد تقیه هنگام اضطرار و ناچاری است، و تقیه کننده خود دانایتر به مورد تقیه است؛ زمانی که گرفتار آن می شود.

عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ خُلِقَتِ التَّقِيَّةُ لِيُحَقْنَ بِهَا الدَّمُ فَإِذَا بَلَغَ الدَّمُ فَلَا تَقِيَّةَ امام باقر عليه السلام فرمود: تقیه برای جلوگیری از خونریزی و حفظ جان انسانها است. هر گاه خونی ریخته شد دیگر جای تقیه کردن نیست.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ حَدِيثٍ كَثِيرٍ فَقَالَ هَلْ كَتَمْتَ عَلِيًّا شَيْئًا قَطُّ فَبَقِيْتُ أَذْكَرُ فَلَمَّا رَأَى مَا بِي قَالَ أَمَّا مَا حَدَّثْتَ بِهِ أَصْحَابَكَ فَلَا بَأْسَ بِهِ إِنَّمَا الْإِذَاعَةُ أَنْ تُحَدَّثَ بِهِ غَيْرَ أَصْحَابِكَ

ابو بصیر گوید: از امام صادق عليه السلام در باره احادیث کثیر پرسیدم، فرمود: آیا چیزی از آنهایی را که به تو گفتم پنهان داشته ای که بقیه اش را برایت بگویم؟

چون حال مرا دید، فرمود: اما آنچه را برای یارانت گفته ای اشکالی ندارد، افشا کردن به این است که غیر یارانت را به آنها خبر دهی .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَظُمَ الْغَيْظُ عَنِ الْعَدُوِّ فِي دَوْلَاتِهِمْ تَقِيَّةً وَ حِرْزٌ لِمَنْ
أَخَذَ بِهَا وَ تَحَرُّزٌ مِنَ التَّعْرِيفِ لِلْبَلَاءِ فِي الدُّنْيَا

امام صادق علیه السلام فرمود: فرو نشاندن خشم از دشمن هنگام تسلط دشمن تقیه می باشد، و محافظی است برای کسی که تقیه می کند، و دوری جستن از افتادن در بلای دنیوی است .

عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي لَأُحْسِبُكَ إِذَا شُتِمَ عَلَيَّ بَيْنَ
يَدَيْكَ إِنْ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَأْكُلَ أَنْفَ شَاتِمِهِ لَفَعَلْتَ فَقُلْتُ إِي وَاللَّهِ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنِّي
لَهَكَذَا وَ أَهْلَ بَيْتِي قَالَ فَلَا تَفْعَلْ فَوَ اللَّهُ لِرُبَّمَا سَمِعْتُ مَنْ شَتَمَ عَلِيًّا وَ مَا بَيْنِي وَ بَيْنَهُ
إِلَّا أَسْطُوَانَةٌ فَاسْتَتِرُ بِهَا فَإِذَا فَرَعْتُ مِنْ صَلَاتِي أَمُرُّ بِهِ فَأَسَلُّمُ عَلَيْهِ وَ أَصَافِحُهُ

ابن مسکان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: به گمانم که هر گاه در پیش رویت کسی به علی علیه السلام دشنام گوید و تو قدرت داشته باشی بینی آن دشنام دهنده را از بیخ قطع می کنی ! گفتم : آری بخدا فدایت شوم من و خانواده ام این چنین هستیم .

فرمود: این کار را نکن ، بخدا قسم چه بسیار شنیدم که کسی به علی علیه السلام دشنام می داد در حالی که بین من و او فقط ستونی بیش فاصله نبود، و من خودم را پشت آن پنهان می نمودم ، و هر گاه نمازم را تمام می کردم ، از کنار او می گذشتم و بر او سلام می دادم و با او مصافحه می نمودم .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ يَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ قَالَ
 أَمَا وَاللَّهِ مَا قَتَلُوهُمْ بِالسُّيُوفِ وَلَكِنْ أَدَاعُوا سِرَّهُمْ وَأَفْشَوْا عَلَيْهِمْ فَقَتَلُوا
 امام صادق عليه السلام در مورد قول خداوند تبارک و تعالی : (پیامبران را بناحق
 می کشند) فرمود: بخدا قسم اینها پیامبران را با شمشیرهای خود نکشتند بلکه
 اسرار آنها را فاش کردند و موجب کشته شدن آنها شدند.

مِنْ كِتَابِ صِفَاتِ الشَّيْبَةِ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَيْسَ مِنْ شَيْعَةِ عَلِيٍّ مَنْ لَا يَتَّقِي
 امام صادق عليه السلام فرمود: از پیروان علی عليه السلام به حساب نمی آید کسی که تقیه
 نکند.

مِنْ كِتَابِ التَّقِيَّةِ لِلْعَيَّاشِيِّ قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام لَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ وَإِنَّ التَّقِيَّةَ
 لَأَوْسَعُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
 امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که تقیه نداشته باشد دین ندارد، و تقیه از آنچه
 ما بین آسمان و زمین است گسترده تر است .

وَقَالَ عليه السلام مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَتَكَلَّمُ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ إِلَّا
 بِالتَّقِيَّةِ
 امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس به خدا و روز رستاخیز ایمان دارد در دولت
 باطل حرفی را نمی زند مگر اینکه تقیه کند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ غَيْرَ غَيْرٍ قَوْمًا بِالْإِدَاعَةِ فَقَالَ وَإِذَا جَاءَهُمْ
 أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَاعُوا بِهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند قومی را به خاطر تقیّه نکردن مورد سرزنش قرار داده و فرمود: (هر گاه به آنها امری که در آن امنیت یا ترس بود می رسید آن را فاش می ساختند).

وَعَنْهُ علیه السلام قَالَ لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ وَلَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که تقیه نداشته باشد خیری در او نیست ، و کسی که تقیه نکند ایمان ندارد.

مِنْ كِتَابِ الْكِفَايَةِ فِي النُّصُوصِ عَنِ الرَّضَا علیه السلام قَالَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ وَلَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ وَإِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَعْمَلُكُمْ بِالتَّقِيَّةِ فَقِيلَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى مَتَى قَالَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ وَهُوَ يَوْمُ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَمَنْ تَرَكَ التَّقِيَّةَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَمَنْ الْقَائِمُ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ قَالَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْأِمَاءِ يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ تَمَامَ الْخَبَرِ أَخْبَرَنَا وَحَدَّثَنَا بِذَلِكَ الْكِتَابِ السَّيِّدُ السَّعِيدُ جَلَالَ الدِّينِ أَبُو عَلِيٍّ بَنُ حَمْزَةَ الْمُوسَوِيُّ عَنْ شُيُوخِهِ عَنْ ثِقَّةٍ عَنِ النَّبِيِّ وَالْأَئِمَّةِ ع

امام رضا علیه السلام فرمود: کسی که پرهیز از گناه ندارد دین ندارد و کسی که تقیه نداشته باشد ایمان ندارد، و گرامی ترین شما نزد خدا کسی است که بیشتر تقیه کند. پرسیدند: ای پسر رسول خدا تا چه زمان ؟ فرمود: تا روزی که زمان آن مشخص شده و آن روز، روز خروج قیام کننده ماست ، هر کس قبل از خروج قائم ما تقیه را ترک کند از ما نیست . پرسیدند: ای پسر رسول خدا! قائم شما

اهل بیت کیست ؟ فرمود: چهارمین از اولاد من که فرزند سیده کنیزان است ، خداوند به وسیله او زمین را از هر ستمی پاک می سازد.
این مطلب را سید سعید جلال الدین ابو علی بن حمزه موسوی از اساتیدش از شخصی مورد اطمینان از پیغمبر ﷺ و ائمه علیهم السلام در کتابش روایت کرده .

مِنْ كِتَابِ الْمَحْسِنِينَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ إِنْ أَبِي كَانَ يَقُولُ مَا شَيْءٌ أَقْرَبَ لِعَيْنِ أَيْبِكَ مِنَ التَّقِيَّةِ إِنَّ التَّقِيَّةَ جَنَّةٌ لِلْمُؤْمِنِ
امام صادق علیہ السلام فرمود: پدرم همیشه می فرمود: هیچ چشم روشنی برای پدرت از تقیه نورانی تر نیست ، تقیه سپر مؤمن است .

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ التَّقِيَّةُ مِنْ دِينِ اللَّهِ قُلْتُ مِنْ دِينِ اللَّهِ قَالَ إِي وَاللَّهِ مِنْ دِينِ اللَّهِ وَ لَقَدْ قَالَ يُوسُفُ أَيُّهَا الْعَبْرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ وَاللَّهِ مَا كَانُوا سَرَقُوا شَيْئًا وَ لَقَدْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ إِنِّي سَقِيمٌ وَاللَّهِ مَا كَانَ سَقِيمًا
امام صادق علیہ السلام فرمود: تقیه جزء دین خداست . پرسیدم : از دین خداست ؟ فرمود: بلی بخدا قسم از دین خداست و اینکه یوسف فرموده : (ای جماعت شما سارق هستید) به خدا قسم آنها چیزی نذردیده بودند، و اینکه ابراهیم فرموده : (من بیمارم) (و با شما به جشن نمی آیم)، به خدا قسم او بیمار نبود.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ التَّقِيَّةُ فِي كُلِّ ضَرُورَةٍ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا تَقَارَبَ هَذَا الْأَمْرُ كَانَ أَشَدَّ لِلتَّقِيَّةِ
امام صادق علیہ السلام فرمود: تقیه در هر کار ضروری است .

امام صادق علیه السلام فرمود: هر قدر این امر (ظهور امام علیه السلام) نزدیکتر شود تقیه سخت تر می شود.

عنه علیه السلام قَالَ مَنْ أَفْشَى سِرَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَذَاقَهُ اللَّهُ حَرَّ الْحَدِيدِ
هر کس سر ما اهل بیت را فاش نماید خداوند گرمی آتش را به او بچشاند.

مِنْ كِتَابِ عِلَلِ الشَّرَائِعِ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ جَاءَتِ الشَّيْعَةُ تَسْأَلُ أَبَا عَبْدِ
اللَّهِ علیه السلام عَنْ لُبْسِ السَّوَادِ قَالَ فَوَجَدْنَاهُ قَاعِدًا عَلَيْهِ جُبَّةٌ سَوْدَاءُ وَ قَلَنْسُوَةٌ سَوْدَاءُ وَ
خُفٌّ أَسْوَدٌ مُبَطَّنٌ بِسَوَادٍ قَالَ ثُمَّ فَتَقَ نَاحِيَةً مِنْهُ فَقَالَ أَمَا إِنَّ قُطْنَهُ أَسْوَدٌ وَ أَخْرَجَ
مِنْهُ قُطْنًا أَسْوَدًا ثُمَّ قَالَ بِيضُ قَلْبِكَ وَ الْبَسُ مَا شِئْتَ

داود رقی گفت: شیعیان نزد امام صادق علیه السلام آمدند که از پوشیدن جامه سیاه
پرسند. داود گفت: امام را دیدیم نشسته جبه ای سیاه و کلاه سیاه و کفشی
که داخل آن سیاه بود پوشیده بود، سپس قسمتی از آن را باز کرد و فرمود: پنبه
آن هم سیاه است، و از آن پنبه سیاهی را خارج نمود، سپس فرمود: دلت را
سفید کن و هر چه خواستی بیوش.

فصل دوازدهم : در پرهیزکاری و ورع

الفصل الثانی عشر فی التقوی و الورع

مِنْ كِتَابِ الْمُحَاسِنِ سَأَلَ أَبُو بَصِيرٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ قَالَ يُطَاعُ وَلَا يُعْصَى وَيُذَكَّرُ وَلَا يُنْسَى وَيُشْكُرُ فَلَا يُكْفَرُ

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام در مورد قول خداوند تبارک و تعالی (تقوای خدا را بجای آورید) پرسید: فرمود: یعنی اطاعت شود و عصیان نشود، و یاد شود و فراموش نگردد، و شکر شود و مورد کفران قرار نگیرد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ التَّقْوَى سِنُّ الْإِيمَانِ

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: تقوی همتای ایمان است .

قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ صِفْ لَنَا الدُّنْيَا فَقَالَ وَمَا أَصِفُ لَكُمْ مِنْهَا لِحَلَالِهَا حِسَابٌ وَلِحَرَامِهَا عَذَابٌ لَوْ رَأَيْتُمْ الْأَجَلَ وَمَسِيرَهُ لَلْهَيْتُمْ عَنِ الْأَمَلِ وَغُرُورِهِ ثُمَّ قَالَ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ أَنْسَاءً بِلَا أَنْيسٍ وَغِنًى بِلَا مَالٍ وَعِزًّا بِلَا سُلْطَانٍ

به امیر مؤمنان علیه السلام عرض شد: برای ما دنیا را توصیف کن . فرمود: چگونه برای شما دنیائی را که برای حلالش حساب و برای حرامش عذاب است توصیف کنم ، اگر مرگ و مسیر آن را ببینید از آرزوها و فریب آن دوری می جوئید. سپس فرمود: هر کس تقوای واقعی خدا را پیشه کند خداوند به او

آرامشی بدون همدم ، و بی نیازی بدون مال ، و عزت بدون سلطنت عطا می
فرماید.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْقِيَامَةُ عُرْسُ الْمُتَّقِينَ

امام صادق علیه السلام فرمود: روز قیامت روز شادی متقین است .

و قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ اللَّهُ لَا يُغْنِيكَ بُكَائُهُمْ إِنَّمَا التَّقْوَى فِي الْقَلْبِ

امام صادق علیه السلام فرمود: گریه آنان تو را فریب ندهد، همانا تقوی در قلب و
دل است .

و قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ اللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ تَنَاؤُهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ قَالَ

أَنَا أَهْلٌ أَنْ يَتَّقِيَنِي عَبْدِي فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَأَنَا أَهْلٌ أَنْ أُغْفِرَ لَهُ

امام صادق علیه السلام در مورد قول خداوند جل ثناؤه : (او اهل تقوی و اهل
آمرزش است)، فرمود: (خداوند می فرماید) من سزاوارم که بنده ام تقوای مرا
پیشه کند، پس اگر هم این کار را بجای نیاورد، من سزاوارم که او را ببامرزم .

وَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ صُونُوا دِينَكُمْ بِالْوَرَعِ

امام صادق علیه السلام فرمود: تقوای خدا را پیشه کنید و دینتان را به وسیله
پرهیزگاری حفظ نمائید.

وَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا يَنْفَعُ اجْتِهَادٌ لَّا وَرَعَ فِيهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: اجتهادی که در آن ترک از گناه نباشد سودی ندارد.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ قَالَ لَنْ أَخَذَ يَأْخُذَ أَحَدٌ عَنْ أَحَدٍ شَيْئاً إِلَّا بِالْعَمَلِ وَلَنْ تَسْأَلُوا مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِالْوَرَعِ

امام صادق عَلَيْهِ فرمود: هرگز کسی از کسی چیزی را نمی گیرد مگر به واسطه عمل ، و هرگز شما به آنچه نزد خداوند است نمی رسید مگر به وسیله ترک گناه و ورع .

عَنْ فَضِيلٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ بَلَغَ مَنْ لَقِيَتْ عَنَّا السَّلَامَ وَقُلْ لَهُمْ إِنَّ أَحَدَنَا لَا يُغْنِي عَنْهُمْ وَاللَّهُ شَيْئاً إِلَّا بِوَرَعٍ فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَكُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

امام صادق عَلَيْهِ فرمود: هر کس را دیدی سلام ما را به او برسان و به آنها بگو: بخدا قسم هیچ کدام از ما نفعی بحالشان ندارد مگر اینکه خود ترک گناه نمایند و پرهیزگاری پیشه کنند. اینک مواظب زبانهایتان باشید و دستانتان را (از گناه) نگهدارید، از جمله صابران و نمازگزاران باشید، زیرا خداوند یاور صابران است .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَا ابْنَ آدَمَ اجْتَنِبْ مَا حَرَّمْتُ عَلَيْكَ تَكُنْ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ

امام باقر عَلَيْهِ فرمود: خداوند عز و جل فرموده است : ای فرزند آدم ! از آنچه بر تو حرام کردم پرهیز تا از پارساترین مردم باشی .

سُئِلَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ عَنِ الْوَرَعِ مِنَ النَّاسِ قَالَ الَّذِي يَتَوَرَّعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ

از امام صادق علیه السلام در مورد پارساترین مردم پرسیدند، فرمود: پارساترین مردم کسی است که از محرّمات الهی خود را دور بدارد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله اَعْمَلْ بِفَرَائِضِ اللَّهِ تَكُنْ أَتَقَى النَّاسِ

امام سجاد علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که می فرمود: به واجبات الهی عمل کن تا با تقواترین مردم باشی .

عَنْ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْجِتْهَادِ فِي دِينِكَ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لَا يُغْنِي عَنْكَ اجْتِهَادٌ لَيْسَ مَعَهُ وَرَعٌ

امام باقر علیه السلام فرمود: همیشه متقی باش و نسبت به دین خود کوشا، و آگاه باش ، سعی و کوشش بدون پرهیز از گناه تو را بی نیاز نمی سازد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ فِيمَا نَاجَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِهٖ مُوسَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَا مُوسَى مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ الْمُتَقَرَّبُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِي فَإِنِّي أَمْنَحُهُمْ جَنَانَ عَدْنِي لَا أُشْرِكُ مَعَهُمْ أَحَدًا

امام صادق علیه السلام فرمود: در پاسخ مناجات موسی علیه السلام خداوند متعال فرمود: ای موسی ! هیچ عملی به اندازه پارسائی و خویشتن داری موجب نزدیکی بندگان مؤمن به من نمی شود، من به آنها بهشت جاویدانم را بخشیدم و هیچ کس را با آنها در این امر شریک قرار نخواهم داد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَهْلِ التَّقْوَى عِلَامَاتٌ يُعْرَفُونَ بِهَا صِدْقُ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءُ
 الْأَمَانَةِ وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ وَ قِلَّةُ الْفَخْرِ وَ الْبُخْلِ وَ صَلَّةُ الْأَرْحَامِ وَ رَحْمَةُ الضُّعْفَاءِ وَ
 قِلَّةُ الْمُؤَاتَاةِ لِلنِّسَاءِ وَ بَذْلُ الْمَعْرُوفِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ سَعَةُ الْعِلْمِ فِيمَا يُقَرَّبُ إِلَى
 اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ طُوبَى لَهُمْ وَ حُسْنُ مَا ب

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: برای پرهیزگاران نشانه هائی است که به وسیله
 آنها شناخته می شوند:

راستی در گفتار، اداء امانت ، وفای به عهد و پیمان ، کمی مباحثات و بخل ،
 صله ارحام ، دستگیری ضعیفان ، معاشرت کم با زنان ، بخشیدن چیزهای خوب
 ، خوش خلقی ، وسعت دانش آنچه انسان را به خدا نزدیک می کند. خوشا
 بحال آنان ، و چه عاقبت نیکوئی است .

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَبَاتُ الْإِيمَانِ الْوَرَعُ وَ زَوَالُهُ
 الطَّمَعُ

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: بقاء ایمان به پرهیزگاری و خویشتن داری است و
 از بین رفتن آن به طمع است .

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَمَاعُ التَّقْوَى فِي قَوْلِهِ تَعَالَى إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ
 پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: تعریف کامل تقوی در قول خداوند متعال است که :
 (خداوند امر فرموده به عدالت و رفتار نیک داشتن).

وَ مِنْ كِتَابِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اعْمَلْ عَمَلًا مَنْ قَدْ عَايَنَ

امام صادق عليه السلام فرمود: آن گونه عمل کن که گویا به یقین و حقیقت رسیده ای .

وَقَالَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَكْرَمَ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ
و فرمود صلی اللہ علیہ وسلم : هر کسی که دوست دارد محبوبترین مردم باشد، باید با تقوی باشد.

وَقَالَ اتَّقُوا اللَّهَ فَإِنَّهُ جَمَاعُ الْخَيْرِ
و فرمود صلی اللہ علیہ وسلم : با تقوی باشید زیرا تقوی جامع خیر است .

وَقَالَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ وَلَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ وَلَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا زَكَاةَ لَهُ
وَلَا زَكَاةَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ
امام صادق عليه السلام فرمود: هر که پیمان شکن است دین ندارد، و هر که امین نیست ایمان ندارد و هر که زکات مالش را نپردازد نمازش بی اثر است ، و هر که پرهیزگار و خویشتن دار نباشد زکاتش اثر ندارد.

وَمِنْ كِتَابِ صِفَاتِ الشَّيْبَعَةِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَادَاءِ الْأَمَانَةِ فَإِنَّ الْأَمَانَةَ مُؤَدَّاةٌ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ
امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند متعال هرگز پیغمبری را مبعوث نفرمود مگر به راستی در گفتار و اداء امانت ، زیرا امانت را باید به نیکوکار و بدکار برگرداند.

عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ ابْنَ أَبِي يَعْفُورٍ يُفْرُتُكَ السَّلَامَ فَقَالَ وَ عَلَيْكَ وَ عليه السلام إِذَا رَأَيْتَ ابْنَ أَبِي يَعْفُورٍ فَأَقْرَبْهُ مِنِّْي السَّلَامَ وَ قُلْ لَهُ إِنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ لَكَ انْظُرْ مَا بَلَغَ بِهِ عَلِيُّ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَالْزَمَهُ فَإِنَّمَا بَلَغَ مَا بَلَغَ بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ

ابی بصیر گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: ابن ابی یعفور سلامت می رساند، فرمود:

بر تو و بر او سلام ، هر گاه ابن ابی یعفور را دیدی سلام مرا به او برسان و به او بگو: جعفر بن محمد می گوید: بنگر در آنچه علی عليه السلام نزد رسول خدا صلى الله عليه وآله به آنان رسید و آن را حفظ کن . همانا به آنچه باید می رسید به وسیله راستی گفتار و اداء امانت به آن رسید.

وَ عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْجِتْهَادَ وَ الصَّدْقَ وَ الْوَرَعَ

ابن ابی یعفور گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود: مردم را به غیر از زبانتان دعوت به دین کنید، تا سعی و کوشش و درستی و پرهیزگاری و خویشتن داری را از شما مشاهده کنند.

عَنْ خَيْثَمَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ دَخَلْتُ عَلَيْهِ لِأُودِّعَهُ فَقَالَ أَبْلُغْ مَوَالِينَا السَّلَامَ عَنَّا وَ أَوْصِهِمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ أَعْلِمُهُمْ يَا خَيْثَمَةُ أَنَا لَا نُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً إِلَّا بِعَمَلٍ وَ لَنْ يَنَالُوا وَ لَا يَتَنَا إِلَّا بِوَرَعٍ وَ أَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدُلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَى غَيْرِهِ

خيشمه گوید: به نزد امام رفتیم تا با او خداحافظی کنیم ، فرمود: به دوستان ما سلام ما را برسان و آنها را به تقوای خداوند بزرگ سفارش بنما، و به آنها اعلام کن که نزد خداوند به مقامی نرسند مگر به واسطه عملشان ، و به ولایت ما نخواهند رسید مگر به وسیله تقوی و خویشتن داری ، و پر حسرت ترین مردم در روز قیامت کسی است که از شخص عادلّی تعریف کند، سپس در مقام عمل تخلف کند و به دیگری رجوع کند.

عَنِ الْفُضَيْلِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا فَضَيْلُ بَلِّغْ مَنْ لَقَيْتَ مِنْ شِيعَتِنَا السَّلَامَ وَ قُلْ لَهُمْ إِنَّا لَا نُنْعِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً إِلَّا بِوَرَعٍ فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ اسْتَقْبَلَ قَبْلَتَنَا وَ أَكَلَ ذَبِيحَتَنَا وَ آمَنَ بِنَبِيِّنَا وَ شَهِدَ شَهَادَتَنَا وَ دَخَلَ فِي دِينِنَا أَجْرِنَا عَلَيْهِ حُكْمَ الْقُرْآنِ وَ حُدُودَ الْإِسْلَامِ لَيْسَ لِأَحَدٍ عَلَيَّ أَحَدٌ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى أَلَا وَ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلَ الثَّوَابِ وَ أَحْسَنَ الْجَزَاءِ وَ الْمَأَبِ

فضیل گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای فضیل! هر کدام از شیعیان ما را دیدی سلام برسان و به آنها بگو: ما از آنها نزد خداوند چیزی را شفاعت نمی کنیم مگر اینکه پرهیزگار و خویشتن دار باشند، پس زبانهایتان را نگه دارید، و دستهایتان را (از حرام) نگهدارید، و صبر و نماز را پیشه خود سازید، خداوند یاور صبرکنندگان است .

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: هر کس رو به قبله ما کند و حیوان ذبح شده ما را بخورد، و به پیغمبر ما ایمان آورده باشد، و مانند ما به شهادت ما شهادت دهد و داخل در مذهب ما شود، ما بر او حکم قرآن و حدود اسلام را جاری می کنیم .

هیچ کس بر دیگری برتری ندارد مگر به تقوی ، آگاه باشید! پرهیزگاران در نزد خداوند بهترین ثواب و بهترین پاداش و عاقبت را دارند.

فصل سیزدهم : در امر به معروف و نهی از منکر

الفصل الثالث عشر فى الامر بالمعروف والنهى عن المنكر

إن الله تعالى أ نعم على أمة محمد ﷺ و أكرمهم بأ ن جعلهم آمريـن بالمعروف ناهين عن المنكر و وصفهم بذلك فى كتابه و أثنى عليهم فقال تعالى فى سورة آل عمران كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ فِقْرِنِ الْا مَرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ بِالْا يْمَانِ بِاللَّهِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ ذم قوما و عابهم و قبح فعلهم و أ وعدهم أ شد العذاب بتركهم الْا مَرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْا خِذْ عَلَى الظالم فقال تعالى فى سورة المائدة لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ . كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَن مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ وَ قَالَ فى هذه السورة تَرَى كَثِيرًا مِّنْهُمْ يُسَارِعُونَ فى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ أَكْلِهِمُ السُّخْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ عَن قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السُّخْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ فسوى الله تعالى بين المباشر للمعصية و التارك لنهيه عنها فى تهجين فعلهم و الوعيد لهم . ثم إن الله أ مرنا بالمعروف و نهانا عن المنكر فى غير موضع من كتابه و وعد عليه الثواب العظيم و واعدنا على تركه العذاب الْا لِيمِ فقال تعالى فى سورة آل عمران وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَ قَالَ تعالى فى سورة الا عراف وَ إِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعْطُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إِلَى رَبِّكُمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ . فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَ أَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

خداوند متعال بر امت محمد ﷺ نعمت داد و آنها را گرامی داشت زیرا آنها را امرکننده به معروف و نهی کننده از منکر قرار داد، و آنها را در کتابش توصیف نموده و بر آنان درود فرستاده . سپس در سوره آل عمران فرموده : (شما بهترین امتی هستید که برای اصلاح مردم قیام نمود، تا مردم را به نیکوکاری وادار و از کارهای بد باز دارند و ایمان به خدا آورند). و امر به معروف و نهی از منکر را با ایمان به خدا همراه ساخت (اینها نگهبانان حدود الهی هستند و مؤمنان را به ثواب و سعادت بشارت ده). و گروهی را مذمت و سرزنش کرد و از آنها عیب گرفت و عملشان را زشت شمرد و آنها را وعده به شدیدترین عذابها داد، چون آنها امر به معروف و نهی از منکر را ترک نمودند و رویارویی با ظالم را ترک کردند در سوره مائده فرمود: (کافران بنی اسرائیل به زبان داود و عیسی و مریم از آن لعنت کرده شدند که نافرمانی خدا نمودند و از حکم حق سرکشی کردند، آنها هیچ گاه از کار زشت خود دست بر نداشتند، چقدر زشت است کاری که آنها می کنند). و در همین سوره فرمود: (بسیاری از آنها را بنگری که در گناه و ستمکاری خود و خوردن حرام می شتابند، بسیار کار زشتی را پیشه خود ساخته اند، اگر علماء و روحانیون آنها را از گفتار زشت و خوردن حرام باز ندارند اینها کاری بسیار زشت می کنند) خداوند متعال بین کسی که بدون واسطه گناهی را مرتکب شود و کسی که نهی از آن گناهان را ترک کند، در زشت شمردن عملشان ، و وعده عذاب بر آنها یکسان شمرده . سپس ما را به کار نیک امر فرمود، و از کارهای زشت نهی فرمود و بر آن وعده ثواب بزرگ داده ، و بر ترک آن ما را از عذاب دردناکش ترسانده .

سپس خداوند متعال در سوره آل عمران فرمود: (باید از شما امتی باشند که مردم را به نیکی دعوت نموده و امر به معروف و نهی از منکر کند، و اینان رستگارانند). و در سوره

اعراف فرموده: (و چون جمعی از آن گروه گفتند چرا قومی را که از جانب خدا به هلاکت یا عذاب سخت محکومند موعظه می کنید؟ ناصحان گفتند: پند ما معذرت و اتمام حجت است از جانب پروردگار و شاید اثر کند و تقوی پیشه کند، و چون هر چه به آنها تذکر داده شد در آن غفلت ورزیدند ما هم آن جماعت که نصیحت می کردند و خلق را از کار بد منع می نمودند نجات بخشیدیم، و آنان را که ظلم و ستمکاری کردند به کیفر فسقشان به بدترین عذاب گرفتار کردیم).

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ إِنَّ مَنْ يَرَى عُدْوَانًا يُعْمَلُ بِهِ وَ مُنْكَرًا يُدْعَى إِلَيْهِ وَ أَنْكَرَهُ بِقَلْبِهِ فَقَدْ سَلِمَ وَ بَرِيَ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِلِسَانِهِ فَقَدْ أُوجِرَ وَ هُوَ أَفْضَلُ مِنْ صَاحِبِهِ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِالسَّيْفِ لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَ كَلِمَةُ الظَّالِمِينَ السُّفْلَى فَذَلِكَ الَّذِي أَصَابَ سَبِيلَ الْهُدَى وَ قَامَ عَلَى الطَّرِيقِ وَ نَوَّرَ فِي قَلْبِهِ الْيَقِينَ

امیر مؤمنان عليه السلام فرمود: ای مؤمنان! هر کس کار خلافی را که به آن عمل می شود و منکری را که دعوت به آن می شود، ببیند و آن را به وسیله قلبش جلوگیری کند سالم مانده و از آن عمل دور می شود. و هر کس که آن عمل را به وسیله قلبش جلوگیری کند سالم مانده و از آن عمل دور می شود. و هر کس آن عمل را به وسیله زبانش منکر شود پاداش داده شود، و این شخص از شخص اول برتر است، و هر کس به وسیله شمشیر آن عمل را منکر شود، تا کلام خدا را برتر و کلام ظالمین را پست تر گرداند، او همان است که به راه

هدایت منتهی می شود و در راه رستگاری می افتد و در قلبش یقین نور افشانی می کند.

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ فَمَنْ نَصَرَ هُمَا أَعَزَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ خَذَلَهُمَا خَذَلَهُ اللَّهُ

امام باقر علیه السلام فرمود: امر به معروف و نهی از منکر دو مخلوق از مخلوقات خداوند هستند، هر کس آن دو را یاری کند خداوند او را عزیز گرداند و هر کس آن دو را خوار سازد خداوند هم او را خوار نماید.

وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّمَا يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مَنْ كَانَتْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ عَامِلٍ لِمَا يَأْمُرُ بِهِ وَ تَارِكٍ لِمَا يَنْهَى عَنْهُ عَادِلٌ فِيمَا يَأْمُرُ عَادِلٌ فِيمَا يَنْهَى رَفِيقٌ فِيمَا يَأْمُرُ رَفِيقٌ فِيمَا يَنْهَى

امام صادق علیه السلام هر کس در او سه خصلت باشد امر به معروف و نهی از منکر می نماید:

کسی که عالم به معروف است ، و ترک منکر می کند، در آنچه امر به آن و یا نهی از آن می نماید عدالت را رعایت می نماید، در آنچه امر یا نهی می کند با مدارا رفتار می نماید.

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي فِي الْمَنَامِ قَدْ أَخَذَتْهُ الزَّبَانِيَةُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَجَاءَهُ أَمْرُهُ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهْيُهُ عَنِ الْمُنْكَرِ فَخَلَّصَاهُ مِنْ بَيْنِهِمْ وَ جَعَلَاهُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ وَ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيْلٌ لِقَوْمٍ لَا يَدِينُونَ اللَّهَ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ

رسول خدا ﷺ فرمود: در خواب مردی از امتم را دیدم که از هر طرف گرفتار آتش جهنم بود، ناگهان امر به معروف و نهی از منکر را که در دنیا انجام داده بود به کمک او آمدند و او را از بین آتشها نجات دادند و او را همراه فرشتگان ساختند.

وَقَالَ ﷺ أَيْضاً جَاءَ رَجُلٌ مِنْ خَتَمِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي مَا أَفْضَلُ الْإِسْلَامِ قَالَ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ قَالَ ثُمَّ مَاذَا قَالَ صَلَاةَ الرَّحِمِ قَالَ ثُمَّ مَاذَا قَالَ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ قَالَ فَقَالَ الرَّجُلُ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَبْغَضُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ الشُّرْكُ بِاللَّهِ قَالَ ثُمَّ مَاذَا قَالَ قَطِيعَةَ الرَّحِمِ قَالَ ثُمَّ مَاذَا قَالَ الْأَمْرُ بِالْمُنْكَرِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمَعْرُوفِ

امام صادق ﷺ فرمود: وای بر قومی که به وسیله امر به معروف و نهی از منکر کردن قرض خود را به خدا دانی کنند. و همچنین امام صادق ﷺ فرمود: مردی از قبیله خثعم نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت:

ای رسول خدا! به من بفرمائید که برترین اسلام چیست؟ فرمود: ایمان به خدا، گفت: بعد از آن چه؟ فرمود: صله رحم، گفت: سپس چه چیز؟ فرمود: امر به معروف و نهی از منکر.

پرسید: کدام عمل نزد خداوند عز و جل مبعوض تر است؟ امام فرمود: شرک ورزیدن به خدا، گفت: بعد از آن چه؟ فرمود: قطع رحم، گفت: بعد از این چه چیز؟ فرمود: امر به منکر و نهی از معروف.

وَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَتْ نِسَاؤُكُمْ وَ فَسَقَ شَبَابُكُمْ وَ لَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ فَقِيلَ لَهُ وَ يَكُونُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ وَ شَرُّ

مِنْ ذَلِكَ فَكَيْفَ بِكُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ كَيْفَ بِكُمْ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا

رسول خدا ﷺ فرمود: شما چه خواهید کرد اگر زندهای شما فاسد شوند و جوانهایتان فاسق شوند و امر به معروف و نهی از منکر نکنند؟ از ایشان پرسیده شد: ای رسول خدا آیا چنین می شود؟ فرمود: بلی ، و بدتر از این هم می شود. چه خواهید کرد هنگامی که امر به منکر، و نهی از معروف شود؟ سؤال شد: ای رسول خدا! آیا چنین می شود؟ فرمود: بلی ، و بدتر از این هم می شود. بر شما چه خواهد گذشت زمانی که معروف را منکر و منکر را معروف ببینید؟

وَ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا جَلَسَ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ بَيْنِي وَ قَالَ أَنَا قَدْ عَجَزْتُ عَنْ نَفْسِي كُفْتُ أَهْلِي فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَسْبُكَ أَنْ تَأْمُرَهُمْ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسَكَ وَ تَنْهَاهُمْ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ نَفْسَكَ

امام صادق علیه السلام می فرماید: هنگامی که این آیه نازل شد: (ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده تان را از آتش جهنم حفظ کنید) مردی از مسلمانان نشست و شروع به گریه کرد؛ و گفت : من نسبت به خودم عاجزم حال نسبت به خانواده ام هم تکلیف شده ام ؟

رسول خدا ﷺ فرمود: همین مقدار تو را کفایت می کند که آنها را امر کنی به آنچه خودت را به آن امر می نمایی و نهیشان کنی از آنچه خودت را از آن نهی می نمایی .

وَقَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَلَتِ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْتَأْذَنْ بِوِقَاعٍ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى

امام رضا عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: هر گاه امت من امر به معروف و نهی از منکر را به یک دیگر واگذار کنند باید خود را برای حوادثی از جانب خداوند آماده کنند.

وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَسْبُ الْمُؤْمِنِ غَيْرًا عِزًّا إِنْ رَأَى مُنْكَرًا أَنْ يَعْلَمَ اللَّهُ مِنْ نِيَّتِهِ أَنَّهُ لَهُ كَارَةٌ

امام صادق عليه السلام فرمود: برای مؤمن غیرتمند همین بس اگر منکری را دید که بداند خداوند از ناخشنودی او در نیتش آگاه است .

وَعَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا مَرَّ بِجَمَاعَةٍ يَخْتَصِمُونَ لَا يَجُوزُهُمْ حَتَّى يَقُولَ ثَلَاثًا اتَّقُوا اللَّهَ يَرْفَعُ بِهَا صَوْتَهُ

غیاث بن ابراهیم گوید: هر گاه امام صادق عليه السلام از کنار گروهی می گذشت که با هم در حال مخاصمه و دعوی بودند؛ از آنجا عبور نمی کرد مگر اینکه سه بار با صدای بلند می فرمود:
از خدا بترسید.

وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مِنَ طَلَبِ مَرْضَاةِ النَّاسِ بِمَا يُسْخِطُ اللَّهُ كَانَ حَامِدُهُ مِنَ النَّاسِ ذَامًّا وَمَنْ آثَرَ طَاعَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بَغَضِبِ النَّاسِ كَفَاهُ

اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَدَاوَةَ كُلِّ عَدُوٍّ وَحَسَدَ كُلِّ حَاسِدٍ وَبَغْيَ كُلِّ بَاغٍ وَكَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ نَاصِرًا وَظَهِيرًا

امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس خوشنودی مردم را به چیزی بجوید که خداوند از آن چیز به خشم می آید، مردمی که او را ستایش می کردند نکوهشش کنند، و هر کس فرمانبرداری خدا را به خشم مردم مقدم بدارد خداوند او را از دشمنی کردن هر دشمنی محافظت نماید و حسادت هر حسود و ظلم هر ستمکاری را از او برطرف نماید، و خدای عز و جل یاور و پشتیبان او شود.

وَعَنْ مُفَضَّلِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ يَا مُفَضَّلُ مَنْ تَعَرَّضَ لِسُلْطَانٍ جَائِرٍ فَأَصَابَتْهُ بَلِيَّةٌ لَمْ يُوجَرْ عَلَيْهَا وَلَمْ يُرْزَقِ الصَّبْرَ عَلَيْهَا
مفضل گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای مفضل! هر کس متعرض حاکم ظالمی شود و از ناحیه حاکم به او صدمه ای برسد؛ بر این کارش پاداش نمی برد و برای این عملش صبر را روزی او نمی کنند.

وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ إِنَّمَا يُؤْمَرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيُنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مُؤْمِنٌ فَيَتَعَطَّى أَوْ جَاهِلٌ فَيَتَعَلَّمُ فَأَمَّا صَاحِبُ سَوْطٍ أَوْ سَيْفٍ فَلَا
امام صادق علیه السلام فرمود: امر به معروف و نهی از منکر در مؤمنی که از آن پند می گیرد، و یا جاهلی که از آن درس می آموزد تأثیر می کند، و اما کسی که تازیانه و شمشیر دارد؛ نه .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أَمْرَهُ كُلَّهُ وَ لَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا أَمَا تَسْمَعُ اللَّهُ يَقُولُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ فَالْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيزًا وَ لَا يَكُونُ ذَلِيلًا ثُمَّ قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ إِنَّ الْجَبَلَ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ وَ الْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ بِشَيْءٍ

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند متعال تمام کارهای مؤمن را به خودش واگذار نموده ولی او را وانگذاشته تا اینکه ذلیل شود، آیا کلام خداوند را نشنیده ای که می فرماید: (عزت برای خدا و رسولش و مؤمنین است) پس مؤمن عزیز است و ذلیل نیست .

سپس فرمود: مؤمن از کوه نیز عزیزتر است ، زیرا کوه را می توان با کلنگ کم کرد، ولی از دین مؤمن چیزی کم نمی شود.

وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَرَفَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهَيْنَّ لَتَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُسْتَعْمَلَنَّ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ فَيَدْعُو خِيَارَكُمْ وَ لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ

امام صادق عليه السلام می فرمود: باید امر به معروف کنید و باید نهی از منکر نمایید و الا خداوند شرارتان را بر شما مسلط می گرداند و هر چه نیکان شما دعا کنند دعایشان مستجاب نشود.

عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ قُلْتُ بِمَا يُذِلُّ نَفْسَهُ قَالَ يَدْخُلُ فِيمَا يَعْتَدِرُ مِنْهُ

امام صادق علیه السلام فرمود: سزاوار نیست که مؤمن خود را خوار سازد، گفتیم: به چه چیز خود را خوار می کند؟ فرمود: کاری را انجام دهد که بعد مجبور به عذر خواهی شود.

وَعَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سُئِلَ عَنِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ اجِبٌ هُوَ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ جَمِيعاً قَالَ لَا فَقِيلَ وَ لِمَ قَالَ إِنَّمَا هُوَ عَلَى الْقَوِيِّ الْمُطَاعِ الْعَالِمِ بِالْمَعْرُوفِ مِنَ الْمُنْكَرِ لَا عَلَى الضَّعْفَةِ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا إِلَى أَىِّ مِنْ أَىِّ يَقُولُ مِنَ الْحَقِّ إِلَى الْبَاطِلِ وَالذَّلِيلُ عَلَى ذَلِكَ كِتَابُ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَهَذَا خَاصٌّ غَيْرُ عَامٍّ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ مِنْ قَوْمٍ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ وَ لَمْ يَقُلْ عَلَى أُمَّةٍ مُوسَى وَ لَا عَلَى كُلِّ قَوْمِهِ وَ هُمْ يَوْمِنَا أُمَّةٌ مُخْتَلِفَةٌ وَ الْأُمَّةُ وَاحِدٌ فَصَاعِدًا كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ يَقُولُ مُطِيعًا لِلَّهِ وَ لَيْسَ عَلَى مَنْ يَعْلَمُ ذَلِكَ فِي الْهَدْمَةِ الْهُدْنَةَ مِنْ حَرَجٍ إِذَا كَانَ لَا قُوَّةَ لَهُ وَ لَا عَدَدَ وَ لَا طَاعَةَ

مسعدة بن صدقه گوید: از امام صادق علیه السلام از امر به معروف و نهی از منکر سؤال شد که آیا بر تمام این امت واجب است یا نه؟

فرمود: نه، سؤال شد: چرا؟ فرمود: فقط بر کسانی واجب است که نیرومند باشند و مردم از آنها اطاعت کنند و عالم به معروف از منکر باشند، نه بر ضعفائی که راه را نمی دانند که به چه راهی و از چه راهی بگویند، لذا از حق به باطل می گویند، و دلیل بر این مطلب سخن خداوند است که می فرماید: (باید دسته ای از شما امت مردم را به طرف خیر و نیکی دعوت نمایند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند).

این خاص است نه عام ، همان طور که خداوند متعال می فرماید: (بعضی از قوم موسی به سوی حق هدایت می کنند و به آن عدالت می کنند) و فرموده بر امت موسی و نه بر همه قومش ، در حالی که آنها در آن هنگام گروههای مختلفی بودند، و امت هم از یک نفر به بالاست ، همان طور که خداوند عز و جل می فرماید: (ابراهیم به تنهایی یک امت فرمانبردار خداوند بود) می فرماید: مطیع خداوند بود، پس این کار بر کسی که در زمان صلح و آرامش توان و نیرو و یاور و فرمانبردار ندارد؛ لازم نیست .

قَالَ مَسْعَدَةُ وَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ وَ سُئِلَ عَنِ الْحَدِيثِ الَّذِي جَاءَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ إِنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ كَلِمَةٌ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ مَا مَعْنَاهُ قَالَ هَذَا أَنْ يَأْمُرَهُ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ وَ هُوَ مَعَ ذَلِكَ يَقْبَلُ مِنْهُ وَ إِلَّا فَلَا

مسعدة بن صدقه گوید: از امام صادق عليه السلام سؤال شد در مورد این سخن پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود: «بهترین جهاد؛ گفتن کلمه عدل نزد سلطان ظالم است» فرمود: آن زمانی است که امر به معروف کردن شخص از روی شناخت باشد، در این صورت از او پذیرفته است و الا نه .

وَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى شُعَيْبِ النَّبِيِّ أَنِّي مُعَذِّبٌ مِنْ قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ شِرَارِهِمْ وَ سِتِّينَ أَلْفًا مِنْ خِيَارِهِمْ فَقَالَ يَا رَبِّ هَؤُلَاءِ الْأَشْرَارُ فَمَا بَالُ الْأَخْيَارِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ دَاهُنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي فَلَمْ يَعْضَبُوا لِعُضْبِي

امام باقر عليه السلام فرمود: خداوند متعال به شعیب نبی عليه السلام وحی کرد که : من از قومت صد هزار نفر را عذاب می کنم ؛ چهل هزار نفر از افراد اشرار و شصت

هزار نفر هم از خوبان ، شعیب گفت : پروردگارا! آنان را که عذاب می کنی ناهلانند، پس علت عذاب خوبان چیست ؟
خداوند عزّ و جلّ به او وحی کرد که : آنها با اهل معصیت مدارا کردند و به خاطر غضب من خشمگین نشدند.

و رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا
عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتُ وَ سُلِّطَ
بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ
از نبی اکرم ﷺ روایت شده که فرمود: مادامی که مردم امر به معروف و نهی
از منکر نمایند و بر اعمال نیک همکاری نمایند در خیر و خوشی بسر می برند؛
و هر گاه این کار را نکنند برکتها از آنها گرفته می شود و بعضی از آنها بر بعضی
دیگر مسلط می شوند. و یآوری برایشان در آسمان و زمین نخواهد بود.

وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كَلَامٍ هَذَا خِتَامُهُ مَنْ تَرَكَ إِنْكَارَ الْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَ
يَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ مَيِّتٌ الْأَحْيَاءِ
امیر مؤمنان در کلامی که خاتمه اش این بود فرمود: هر کس نهی از منکر
قلبی و زبانی را ترک نماید او مرده ای است زنده نما.

فصل چهاردهم : در امانت داری

الفصل الرابع عشر فى أداء الامانة

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ أَدُّوا الْأَمَانَةَ وَ لَوْ إِلَى قَاتِلِ
الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ

امام صادق عليه السلام فرمود: امانت را به صاحبش برگردانید و لو به قاتل حسین
بن علی عليه السلام .

وَ قَالَ عليه السلام اتَّقُوا اللَّهَ وَ عَلَيْكُمْ بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ ائْتَمَنَكُمْ فَلَوْ أَنَّ قَاتِلَ عَلِيٍّ
اِئْتَمَنَنِي عَلَى الْأَمَانَةِ لَأَدَّيْتُهَا إِلَيْهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: با تقوا باشید و امانت کسی را که به شما اعتماد کرده
به او برگردانید، زیرا اگر قاتل علی عليه السلام امانتی را از روی اعتماد به من بدهد به
او بر خواهم گرداند.

وَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ قَدْ صَلَّى الْعَصْرَ وَ
هُوَ جَالِسٌ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ فِي الْمَسْجِدِ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ بَعْضَ السَّلَاطِينِ
يَأْمِنُنَا عَلَى الْأَمْوَالِ يَسْتَوْدِعُنَاهَا وَ لَيْسَ يَدْفَعُ إِلَيْكُمْ خُمْسَكُمْ أ فَتُؤَدِّيهِمَا إِلَيْهِمْ قَالَ وَ
رَبِّ هَذِهِ الْقِبْلَةِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَوْ أَنَّ ابْنَ مُلْجَمٍ قَاتَلَ أَبِي فَإِنِّي أَطْلُبُهُ يَتَسَتَّرُ لِأَنَّهُ قَتَلَ
أَبِي ائْتَمَنَنِي عَلَى الْأَمَانَةِ لَأَدَّيْتُهَا إِلَيْهِ

عبد الله بن سنان گوید: خدمت امام صادق عليه السلام رسیدم که نماز عصر را
خوانده و رو به قبله در مسجد نشسته بود. عرض کردم : ای پسر رسول خدا!
بعضی از پادشاهان ما را امین بر اموال می دانند و آن را پیش ما به امانت می

سپارند، و خمس آن را به شما نمی پردازند، آیا این اموال را به آنها بازگردانیم؟
فرمود: قسم به خدای این قبله (سه مرتبه) اگر این ملجم قاتل پدرم که می
خواهم او را بکشم به خاطر انتقام از پدرم مرا مورد اعتماد خود در امانت قرار
دهد؛ من امانتش را به او باز خواهم گرداند.

وَعَنِ الْكَاطِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ لَمَرْحُومُونَ مَا تَحَابُّوا وَ أَدَّوْا الْأَمَانَةَ وَ
عَمِلُوا بِالْحَقِّ

امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: اهل زمین تا هنگامی که به یک دیگر محبت بورزند و
اداء امانت کنند و به حق عمل نمایند مورد رحمت هستند.

وَ سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ الْأَيْمَةَ مَا أَلْذِي
عَرَضَ عَلَيْهِنَّ وَ مَا أَلْذِي حَمَلَ الْإِنْسَانَ وَ مَا كَانَ هُوَ قَالَ فَقَالَ عَرَضَ عَلَيْهِنَّ
الْأَمَانَةَ بَيْنَ النَّاسِ وَ ذَلِكَ حِينَ خَلَقَ الْخَلْقَ

از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد قول خداوند متعال سؤال شد: (ما امانت را بر
آسمانها و زمین و کوههای عالم عرضه داشتیم) چه چیزی بر آنها عرضه شد؟ و
چه چیزی را انسان حمل نمود؟ و آن چیز چیست؟

فرمود: امانت در بین مردم عرضه شد و این هنگامی بود که خداوند
مخلوقاتش را خلق نمود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آوَلَّى وَسَلَّمَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ خَانَ بِالْأَمَانَةِ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آوَلَّى وَسَلَّمَ فرمود: کسی که به امانت خیانت کند از ما نیست .

وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَادَاءِ الْأَمَانَةِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خداوند هیچ پیغمبری را مبعوث نفرمود مگر به راستی در گفتار و اداء امانت .

وَعَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ أَدِّ الْأَمَانَةَ تَسْلَمَ لَكَ دُنْيَاكَ وَآخِرَتُكَ وَكُنْ أَمِينًا تَكُنْ غَنِيًّا

بعضی از اصحاب امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از قول ایشان نقل می کنند که ایشان به فرزندشان فرمود: ای فرزندم ! ادای امانت کن تا دنیا و آخرتت سالم بماند، و امین باش تا بی نیاز شوی .

مِنْ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِشِيعَتِهِ عَلَيْكُمْ بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ فَوَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ أَنَّ قَاتِلَ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَمَّنَنِي عَلَى السَّيْفِ الَّذِي قَتَلَهُ بِهِ لَأَدَّيْتُهُ إِلَيْهِ

امام زین العابدین عَلَيْهِ السَّلَامُ به شیعیانشان فرمود: امانت را برگردانید، قسم به آن کس که محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به حق به نبوت مبعوث گردانید؛ اگر قاتل پدرم حسین بن علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به من اعتماد کند و شمشیری را که با آن پدرم را کشت به من امانت دهد؛ آن را به او باز می گردانم .

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلٌ صَدُوقٌ فِي حَدِيثِهِ مُحَافِظٌ عَلَى صَلَوَاتِهِ وَ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ مَعَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ ثُمَّ قَالَ مَنْ أَوْثَمِنَ عَلَيَّ أَمَانَةً فَأَدَّاهَا فَقَدْ حَلَّ أَلْفَ عُقْدَةٍ مِنْ عُقْدَةِ مِنَ عُقْدِ النَّارِ فَبَادِرُوا بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ فَإِنَّ

مَنْ أَوْتُمِنَ عَلَى أَمَانَةٍ وَكَلَّ بِهِ إِبْلِيسُ مِائَةَ شَيْطَانٍ مِنْ مَرَدَّةِ أَعْوَانِهِ لِيُضِلُّوهُ وَ
يُوسِّسُوا إِلَيْهِ حَتَّى يُهْلِكُوهُ إِلَّا مَنْ عَصَمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ

امام صادق علیه السلام فرمود: محبوبترین بندگان نزد خداوند عز و جل شخصی است که در گفتارش راستگو، مواظب بر نماز و واجباتش بوده و امانتدار باشد. سپس فرمود: هر کس امین بر امانتی شناخته شد و آن را بر گرداند هزار گره از زنجیرهای آتش جهنم را از گردنش باز کرده .

اینک به سوی اداء امانت پیشی بگیرید زیرا هر کس در امانتی امین شناخته شد؛ ابلیس صد شیطان از متمردين اصحابش را بر او موکل می گرداند تا او را گمراه کند، و او را نسبت به آن امانت وسوسه نماید تا اینکه هلاکش سازد، مگر کسی که خداوند حافظش باشد.

وَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ وَ الْمَعْرُوفِ وَ طَنَطْنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ أَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به زیاد نماز خواندن و روزه گرفتن و حج رفتن و کارهای نیک و زمزمه های شب کسی نگاه نکنید، بلکه نگاه کنید به راستی در گفتار و اداء امانت او.

مِنْ سَائِرِ الْكُتُبِ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثَةٌ لَا بُدَّ مِنْ آدَائِهِنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ
الْأَمَانَةُ إِلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ وَ بَرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ
فَاجِرَيْنِ

امام صادق علیه السلام فرموده اند: سه چیز است که در هر حال موظف به ادای آن هستیم : ادای امانت چه به شخص نیکوکار و چه بدکار، وفاء به عهد و پیمان چه

نسبت به فرد نیکوکار و چه بدکار، نیکی کردن به پدر و مادر چه آنها نیکوکار باشند و چه بدکار.

فصل پانزدهم : در یاد خدا

الفصل الخامس عشر في الذكر

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنِ الْحَسَنِ الْبَرَزِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ قَالَ أَلَا أُحَدِّثُكُمْ بِأَشَدِّ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ فَذَكَرَ لَهُ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ الثَّلَاثُ مِنْهَا ذِكْرُ اللَّهِ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ إِذَا هَجَمَ عَلَى طَاعَةٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ

امام صادق عليه السلام فرمود: آیا شما را نسبت به سخت ترین وظایف واجبه از ناحیه خداوند بر بندگانش آگاه کنم ؟ سپس سه چیزی را برای او بیان فرمود که سوّمین آنها به یاد خدا بودن در همه حال بود؛ چه زمان شتاب به سوی اطاعت و بندگی و چه زمان معصیت .

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مِنْ أَشَدِّ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ ذِكْرُ اللَّهِ كَثِيرًا ثُمَّ قَالَ أَمَا لَا أَعْنِي سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ إِنْ كَانَ مِنْهُ وَ لَكِنْ ذَكَرَ اللَّهُ عِنْدَ مَا أَحَلَّ وَ حَرَّمَ فَإِنْ كَانَ طَاعَةً عَمِلَ بِهَا وَ إِنْ كَانَ مَعْصِيَةً تَرَكَهَا

امام صادق عليه السلام فرمود: از مهمترین چیزهایی که خداوند بر بندگانش واجب فرموده ؛ یاد خداست . سپس فرمود: آگاه باشید؛ منظورم گفتن «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر» نیست ، گرچه این هم از یاد خداست ، و لكن مرادم یاد خدا نزد حلال و حرام خداست ، که اگر اطاعت و بندگی بود به آن عمل کند و اگر معصیت بود آن را ترک نماید.

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمُتَكَلِّمُونَ ثَلَاثَةَ سَالِمٍ وَ غَانِمٍ وَ شَاجِبٍ فَالسَّالِمُ الصَّامِتُ وَ الْغَانِمُ الذَّاكِرُ لِلَّهِ وَ الشَّاجِبُ الَّذِي يَلْفِظُ وَ يَقَعُ فِي النَّاسِ

امام باقر علیه السلام فرمود: مردم سه دسته اند: سالم و غانم و شاجب ؛ سالم یعنی مردمی ساکت ، غانم کسی است که ذکر خدا گوید، و شاجب کسی است که با سخن چینی بین مردم اختلاف می اندازد.

عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ رَفَعَهُ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ اخْتِمِ الْمَجَالِسَ عَلَى عَيْنَيْكَ فَإِذَا رَأَيْتَ قَوْمًا يَذْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَاجْلِسْ مَعَهُمْ فَإِنَّكَ إِنْ تَكُنْ عَالِمًا يَزِيدُوكَ عِلْمًا وَإِنْ كُنْتَ جَاهِلًا عَلَّمُوكَ وَلَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يُظِلَّهُمْ بِرَحْمَةٍ فَيُعَمِّكَ مَعَهُمْ وَإِذَا رَأَيْتَ قَوْمًا لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ فَلَا تَجْلِسْ مَعَهُمْ فَإِنَّكَ إِنْ تَكُنْ عَالِمًا لَا يَنْفَعَكَ عِلْمُكَ وَإِنْ تَكُنْ جَاهِلًا يَزِيدُوكَ جَهْلًا وَلَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يُظِلَّهُمْ بِعُقُوبَةٍ فَيُعَمِّكَ مَعَهُمْ

حضرت لقمان رضی الله عنہ می گفت : ای پسرکم ! با دقت نظر به مجالس وارد شو، هر گاه گروهی را در حال ذکر خدا گفتن دیدی نزد آنها بنشین ، زیرا اگر تو عالم باشی ، به علمت افزوده گردد، و اگر جاهل باشی عالمت سازند، و امید این هست که خداوند سایه رحمتش را بر آنان بیافکند و تو را نیز شامل شود. و هر گاه گروهی را دیدی که ذکر خدا نمی گویند با آنها همنشین مشو، زیرا اگر عالم باشی علمت به تو نفعی نمی رساند، و اگر جاهل باشی به جهلت افزوده می گردد، و شاید خداوند عقوبتش را بر آنان بیافکند و تو را نیز شامل گردد.

عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ مَنْ أَكْرَمُ الْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ قَالَ أَكْثَرُهُمْ ذِكْرًا لِلَّهِ وَأَعْلَمُهُمْ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِهِ

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام گوید، به امام عرض کردم : چه کسی محترمتترین مخلوقات نزد خداوند است ؟ فرمود: کسی که بیشتر به یاد خدا باشد و عالمترین مردم به بندگی خدا باشد.

عَنْ أَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام الذِّكْرُ ذِكْرَانِ ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ فَيَكُونُ حَاجِزاً
امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: ذکر دو نوع است ؛ ذکر خداوند هنگام مصیبت و برتر از آن ذکر خداوند است در برابر آنچه خداوند بر تو حرام کرده تا آن ذکر تو را مانع از کار حرام شود.

و من کتاب روضة الواعظین قال الله عز و جل فاذكروني اذكركم و اشكروا لي و لا تكفرون و قال الله تعالى يا ايها الذين آمنوا اذكروا الله ذكراً كثيراً و قال تعالى و الذاكرين الله كثيراً و الذاكرات و قال تعالى فذكر إنما أنت مذكر. لست عليهم بمصيطر

خداوند عز و جل می فرماید: (مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم ، و شکر مرا بجای آورید و کفران نکنید) و باز می فرماید: (ای ایمان آورندگان خدا را بسیار یاد کنید) و می فرماید:

(و مردان و زنان بسیاری که یاد خدا می کنند) و فرمود: (ای رسول ! تو خلق را متذکر ساز که وظیفه پیغمبری تو غیر از این نیست و تو مسلط و توانا بر آنها نیستی).

وَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ يَا عَلِيُّ سَيِّدُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثُ خِصَالٍ أَنْصَافَكَ مِنْ نَفْسِكَ وَ
 مُوَاسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ وَ ذِكْرُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَنْ عَلِيٍّ كُلِّ حَالٍ
 پیغمبر اکرم ﷺ فرمود: ای علی! بالاترین اعمال سه خصلت است: از
 خودت انصاف نشان دادن، برابری کردنت با برادران دینیت، ذکر خداوند در هر
 حال.

رُوِيَ عَنْ بَعْضِ الصَّادِقِينَ أَنَّهُ قَالَ الذِّكْرُ مَقْسُومٌ عَلَى سَبْعَةِ أَعْضَاءِ اللِّسَانِ وَ
 الرُّوحِ وَ النَّفْسِ وَ الْعَقْلِ وَ الْمَعْرِفَةِ وَ السِّرِّ وَ الْقَلْبِ وَ كُلُّ وَاحِدٍ يَحْتَاجُ إِلَى اسْتِقَامَةٍ
 فَاسْتِقَامَةُ اللِّسَانِ صِدْقُ الْإِقْرَارِ وَ اسْتِقَامَةُ الرُّوحِ صِدْقُ الْإِحْتِضَارِ وَ اسْتِقَامَةُ النَّفْسِ
 صِدْقُ الْإِسْتِغْفَارِ وَ اسْتِقَامَةُ الْقَلْبِ صِدْقُ الْإِعْتِدَارِ وَ اسْتِقَامَةُ الْعَقْلِ صِدْقُ الْإِعْتِبَارِ وَ
 اسْتِقَامَةُ الْمَعْرِفَةِ صِدْقُ الْإِفْتِخَارِ وَ اسْتِقَامَةُ السِّرِّ السُّرُورُ بِعَالَمِ الْأَسْرَارِ وَ ذِكْرُ اللِّسَانِ
 الْحَمْدُ وَ الثَّنَاءُ وَ ذِكْرُ النَّفْسِ الْجُهْدُ وَ الْعَنَاءُ وَ ذِكْرُ الرُّوحِ الْخَوْفُ وَ الرَّجَاءُ وَ ذِكْرُ
 الْقَلْبِ الصِّدْقُ وَ الصَّفَاءُ وَ ذِكْرُ الْعَقْلِ التَّعْظِيمُ وَ الْحَيَاءُ وَ ذِكْرُ الْمَعْرِفَةِ التَّسْلِيمُ وَ
 الرِّضَا وَ ذِكْرُ السِّرِّ الرُّؤْيَةُ وَ اللَّقَاءُ

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام روایت شده که ایشان فرموده اند: ذکر حق
 بین هفت عضو از اعضای انسان تقسیم شده: زبان، روح و جان، عقل، معرفت
 ، سر و قلب، و هر یک از آنها نیاز به استقامت دارند. استقامت زبان به راستی
 در گفتار است، و استقامت روح به درستی ذهن و حضور آن است، و استقامت
 جان به درستی در توبه کردن است، و استقامت قلب به درستی در عذر خواهی
 ، و استقامت عقل به درستی در پند گرفتن است، و استقامت شناخت به درستی
 در سرافرازی، و استقامت سر متوجه بودن به عالم اسرار است. پس ذکر زبان
 حمد و ثناست، و ذکر جان کوشش و تلاش، و ذکر روح ترس و امید، و ذکر

قلب راستی و صمیمیت ، و ذکر عقل تعظیم و حیا، و ذکر معرفت تسلیم و رضا،
و ذکر سر مقام شهود حق و لقاء الله است .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُمِعَ الْخَيْرُ فِي ثَلَاثِ خِصَالٍ فِي النَّظَرِ وَالسُّكُوتِ وَالْكَلامِ فَكُلُّ نَظَرٍ لَيْسَ فِيهِ اعْتِبَارٌ فَهُوَ سَهْوٌ وَكُلُّ سُكُوتٍ لَيْسَ فِيهِ فِكْرَةٌ فَهُوَ غَفْلَةٌ وَكُلُّ كَلَامٍ لَيْسَ فِيهِ ذِكْرٌ فَهُوَ لَعْوٌ فَطُوبَى لِمَنْ كَانَ نَظْرُهُ عَبْرًا وَ سُكُوتُهُ فِكْرًا وَ كَلَامُهُ ذِكْرًا وَ بَكَى عَلَى خَطِيئَتِهِ وَ أَمِنَ النَّاسُ شَرَّهُ

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: همه خوبیها در سه خصلت خلاصه شده : در نگاه ، خاموشی ، و سخن گفتن . هر نظری که در آن پند گرفتن نباشد بیهوده و خطاست ، و هر سکوتی که همراه فکر نباشد ناشی از غفلت است ، و هر سخنی که در آن ذکر حق نباشد بیهوده است .

خوشا بحال کسی که نگاهش همراه با پند و سکوتش با فکر و کلامش با ذکر حق باشد، و به خاطر خطاهایش گریان باشد و مردم از شر او در امان باشند.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّمَا امْرَأٍ مُسْلِمٍ جَلَسَ فِي مُصَلَّاهُ الَّذِي يُصَلِّي فِيهِ الْفَجْرَ يَذْكُرُ اللَّهَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَحَاجِّ بَيْتِ اللَّهِ وَ غُفِرَ لَهُ

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر فرد مسلمانی که در مصلائی نماز صبحش بنشیند و تا طلوع خورشید ذکر خدا بگوید؛ اجرش برابر کسی است که به حج بیت الله الحرام رفته باشد، و آمرزیده شود.

وَ قَالَ ﷺ إِذَا وَجَدْتُمْ رِيَاضَ الْجَنَّةِ فَارْتَعُوا فِيهَا قَالُوا وَ مَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مَجَالِسُ الذِّكْرِ

پیغمبر اکرم ﷺ فرمود: هر گاه بستانها و باغهای بهشت را یافتید آن را گردشگاه خود قرار دهید. سؤال شد: ای رسول خدا! باغهای بهشت کدامند؟ فرمود: مجالس ذکر.

وَ قَالَ مَا جَلَسَ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا نَادَى بِهِمْ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ قَوْمُوا فَقَدْ بُدِّتْ سَيِّئَاتِكُمْ حَسَنَاتٍ وَ غُفِرَ لَكُمْ جَمِيعاً وَ مَا قَعَدَ عِدَّةٌ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَعَدَ مَعَهُمْ عِدَّةٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ

و فرمود: هیچ گروهی به ذکر خدا ننشست مگر اینکه منادی از آسمان ندا کرد: بپاخیزید که بدیهای شما مبدل به خوبی شد، و تمامی شما آمرزیده شدید، و عده ای از اهل زمین مشغول ذکر خدا نشدند مگر اینکه عده ای از ملائک همنشین آنان شدند.

قَالَ مُوسَىٰ فَمَا جَزَاءُ مَنْ ذَكَرَكَ بِلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ قَالَ يَا مُوسَىٰ أَظِلُّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِظِلِّ عَرْشِي وَأَجْعَلُهُ فِي كَنَفِي

حضرت موسی ﷺ فرمود: پاداش کسی که با زبان و قلبش ذکر تو را گوید چیست؟

فرمود: ای موسی! بوسیله سایه عرشم بر او سایه می افکنم و او را در پناه خود قرار می دهم .

وَ قَالَ مَا جَلَسَ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا حَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَ غَشَّتْهُمُ الرَّحْمَةُ وَ تَنَزَّلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَ ذَكَرْتُهُمْ فِيمَنْ عِنْدَهُمْ

و فرمود: هیچ گروهی مشغول ذکر خدا نشوند مگر آنکه ملائکه آنان را در میان خود گرفته و رحمت خدا شامل حالشان شود، و آرامش بر آنها نازل گردد، و نامشان به همراه کسانی که با آنها بودند یاد شود.

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ رَأَيْتُ فِي الْمَنَامِ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدِ احْتَوَشَتْهُ الشَّيَاطِينُ فَجَاءَ
فَكَرَّ ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَفَنَحَاهُ فَجَاءَهُ بَيْنَهُمْ

پیغمبر ﷺ فرمود: در خواب مردی از امتم را دیدم که شیطانها او را در میان خود گرفته بودند، در این هنگام ذکر خدا او را از بین شیاطین نجات داد.

قَالَ جَابِرٌ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ قَوْمًا إِذَا ذُكِّرُوا بِشَيْءٍ مِنَ الْقُرْآنِ أَوْ حَدَّثُوا
بِهِ صَعِقَ أَحَدُهُمْ حَتَّى تُرَى أَنَّهُ لَوْ قُطِعَتْ يَدَاهُ وَرِجْلَاهُ لَمْ يَشْعُرْ بِذَلِكَ فَقَالَ
سُبْحَانَ اللَّهِ ذَاكَ مِنَ الشَّيْطَانِ مَا أَمَرُوا بِهَذَا إِنَّمَا هُوَ اللَّيْنُ وَالرِّقَّةُ وَالِدَمْعَةُ وَالْوَجَلُ

جابر گوید: به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: قومی هستند که هر گاه چیزی از قرآن به یادشان آید یا برایشان خوانده شود؛ یکی از آنها بی هوش می شود به صورتی که اگر هر دو دست و هر دو پایش را قطع کنی متوجه نمی شود.

امام فرمود: سبحان الله، این کاری شیطانی است، اینها امر به این کار نشده اند، تأثیر قرآن فقط به نرمش و رقت قلب و اشک ریختن و ترس از خداست.

و من كتاب مجمع البيان في قوله عز وجل ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً الاية وَقَدْ وَرَدَ الْخَبَرُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ لَأَ

تُكثِرُوا الْكَلَامَ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْكَلَامِ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ تُقْسِي الْقَلْبَ وَإِنَّ أْبْعَدَ
النَّاسِ مِنَ اللَّهِ الْقَاسِي الْقَلْبَ

در کتاب مجمع البیان ذیل آیه شریفه که خداوند می فرماید: (با این همه سخت دل گشتید که دلهایتان چون سنگ یا سخت تر از آن شد) خبری از پیامبر اکرم ﷺ است که فرموده اند: کلام خود را بدون ذکر خدا طولانی نکنید، زیرا طول کلام بدون ذکر خدا انسان را سنگدل می گرداند و دورترین مردم از خدا انسان سنگدل است .

مِنْ كِتَابِ الزُّهْدِ عَنْ عُمَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَفَعَهُ قَالَ إِذَا كَانَ الشِّتَاءُ نَادَى مُنَادٍ يَا
أَهْلَ الْقُرْآنِ قَدْ طَالَ اللَّيْلُ لِمَلَأْتِكُمْ وَقَصُرَ النَّهَارُ لِصِيَامِكُمْ فَإِنْ كُنْتُمْ لَا تَقْدِرُونَ
عَلَى اللَّيْلِ أَنْ تُكَابِدُوهُ وَلَا عَلَى الْعَدُوِّ أَنْ تُجَاهِدُوهُ وَبَخِلْتُمْ بِالْمَالِ أَنْ تُتَفَقَّهُوهُ
فَاكْثِرُوا ذِكْرَ اللَّهِ

عثمان بن عبد الله از قول معصوم عليه السلام نقل می کند که : هنگامی که فصل زمستان می آید منادی ندا می دهد: ای اهل قرآن ! شب طولانی شد بخاطر نماز خواندن شما، و روز کوتاه شد برای روزه گرفتن شما، اگر قادر نیستید که در شب با خواب مبارزه کنید و نتوانستید که با دشمن مبارزه کنید، و نسبت به مالتان بخل می ورزید که آن را انفاق نمایید، پس ذکر خدا بسیار بگویید.

وَمِنْ كِتَابِ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُ بِشَيْءٍ أَشَدَّ مِنَ الْمُوَاسَاةِ فِي
ذَاتِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْإِنْصَافِ مِنْ نَفْسِهِ وَذِكْرِ اللَّهِ كَثِيرًا ثُمَّ قَالَ أَمَا إِنِّي لَا أَقُولُ
سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَكِنْ أَذْكُرُهُ عِنْدَ مَا حَرَّمَ

امام صادق علیه السلام می فرماید: خداوند مؤمن را به چیزی سخت تر از سه خصلت که از آن محروم می باشد گرفتار نفرموده . سؤال شد: آن خصلتها چیست ؟ فرمود: همدردی نمودن در آنچه دارد بخاطر خدا، انصاف به خرج دادن از خود، و بسیار ذکر خدا کردن .

سپس فرمود: نمی گویم که بسیار بگویند «سبحان الله و الحمد لله» ولی یاد خدا کنید در آنچه حلال کرده و در آنچه حرام نموده .

وَمِنْ كِتَابِ عُيُونِ الْأَخْبَارِ عَنْ رَجَاءِ بْنِ أَبِي الضَّحَّاكِ قَالَ بَعَثَنِي الْمَأْمُونُ فِي إِشْخَاصِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام مِنَ الْمَدِينَةِ وَأَمَرَنِي أَنْ أَخُذَ بِهِ عَلَى طَرِيقِ الْبَصْرَةِ وَالْأَهْوَازِ وَفَارِسَ وَلَا أَخُذَ بِهِ عَلَى طَرِيقِ قُمْ وَأَمَرَنِي أَنْ أَحْفَظَهُ بِنَفْسِي بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ حَتَّى أَقْدَمَ عَلَيْهِ فَكُنْتُ مَعَهُ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَرَوْ فَوَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ رَجُلًا كَانَ أَنْتَقَى لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ وَلَا أَكْثَرَ ذِكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى فِي جَمِيعِ أَوْقَاتِهِ مِنْهُ وَلَا أَشَدَّ خَوْفًا لِلَّهِ تَعَالَى

رجاء بن ابی ضحاک نقل کرد: ما موم را فرستاد تا علی بن موسی الرضا علیه السلام را از مدینه نزد او آورم ، او مرا امر کرد که از راه بصره و اهواز و فارس ایشان را حرکت دهم ، نه از طریق قم ، و مرا امر کرد که خودم شبانه روز مراقب ایشان باشم تا وی را بر ما موم وارد کنم ، و من پیوسته از مدینه تا مرو با ایشان بودم ، به خدا قسم کسی را باتقوی تر از او نسبت به خدا ندیدم ، و کسی را که بیشتر از او در تمام اوقاتش ذکر خدا گوید؛ ندیدم ، و ندیدم کسی را که خدا ترس تر و پارسا تر از او باشد.

وَمِنْ سَائِرِ الْكُتُبِ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ كَلَامُ ابْنِ آدَمَ كُلُّهُ عَلَيْهِ لَا لَهُ إِلَّا أَمْرًا
بِمَعْرُوفٍ أَوْ نَهْيًا عَنْ مُنْكَرٍ أَوْ ذِكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى وَ قَالَ إِنَّ رَبِّي أَمَرَنِي أَنْ يَكُونَ نُطْقِي
ذِكْرًا وَ صَمْتِي فِكْرًا وَ نَظْرِي عِبْرَةً

پیامبر ﷺ فرمود: تمام سخنان بنی آدم به ضررش است نه به نفعش ، مگر
اینکه امر به معروف یا نهی از منکر کرده باشد، یا ذکر خدا گفته باشد.
و باز می فرماید: پروردگرم به من امر فرموده که سخنم ذکر و سکوتم فکر و
نگاه کردنم از روی عبرت باشد.

وَمِنْ كِتَابِ الزُّهْدِ عَنْ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ الْكَلَامُ ثَلَاثَةٌ فَرَايِحٌ وَ سَالِمٌ وَ شَاجِبٌ فَأَمَّا الرَّابِحُ الَّذِي يَذْكُرُ
اللَّهَ وَ أَمَّا السَّالِمُ فَالْسَّائِكُتُ وَ أَمَّا الشَّاجِبُ فَالَّذِي يَخُوضُ فِي الْبَاطِلِ
حضرت علی علیه السلام از قول پیغمبر اکرم ﷺ نقل می کند که فرمود: سخن بر
سه نحوه است :

رایح ، سالم ، شاجب ، اما رایح آن سخنی است که ذکر خدا باشد، اما سالم
همان سکوت است ، و اما شاجب آن است که انسان را در باطل افکند.

عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ ثَلَاثٌ لَا يُطْبِقُهُنَّ النَّاسُ الصَّحْحُ عَنْ
النَّاسِ وَ مُوَاسَاةُ الرَّجُلِ أَخَاهُ فِي مَالِهِ وَ ذِكْرُ اللَّهِ كَثِيرًا
امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز است که مردم توانایی آن را ندارند: گذشت
از خطاهای مردم ، همراهی برادر دینی با برادر خود در مالش ، بسیار به یاد
خدا بودن .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ فِي مَعْنَى قَوْلِهِ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ قَالَ نَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ
امير مؤمنان علي بن ابي طالب در معنای قول خداوند متعال که می فرماید: (از اهل ذکر
سؤال کنید) فرمود: ما اهل ذکر هستیم .

الباب الثاني في ذكر الشيعة و أحوالهم و علاماتهم و آدابهم و ما يليق بها
تسعة فصول

باب دوم : در شناخت شیعه و نشانه ها و آداب و روش سزاوار به

آنان

و در آن نه فصل است

فصل اول : در صفات شیعه

الفصل الاول فى ذكر صفات الشيعة

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَبِعَ قَوْمٌ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَالْتَفَتَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ مَنْ أَنْتُمْ قَالُوا شِيعَتَكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ مَا لِي لَا أَرَى عَلَيْكُمْ سِيَمَاءَ الشَّيْعَةِ فَقَالُوا وَمَا سِيَمَاءُ الشَّيْعَةِ قَالَ صُفْرُ الْوَجْهِ مِنَ السَّهْرِ خُمْصُ الْبُطُونِ مِنَ الصِّيَامِ ذُبْلُ الشَّفَاهِ مِنَ الدُّعَاءِ عَلَيْهِمْ غِبْرَةٌ الْخَاشِعِينَ

امام صادق علیه السلام فرمود: عده ای به دنبال امیر المؤمنین علیه السلام به راه افتادند، حضرت متوجه آنان شده و فرمود: کیستید؟ گفتند: شیعیان تو ای امیر مؤمنان . فرمود: چرا در چهره شما نشانه شیعه نمی بینم ؟ گفتند: نشانه چهره شیعه چیست ؟ فرمود: زردی صورت از اثر بی خوابی ، فرورفتگی شکم بر اثر روزه گرفتن ، خشکیدن لبها بر اثر دعای بسیار، و نشستن غبار فروتنی بر آنها.

و قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّمَا شِيعَةٌ عَلَى مَنْ عَفَّ بَطْنُهُ وَ فَرَجُهُ وَ اشْتَدَّ جِهَادُهُ وَ عَمِلَ لِخَالِقِهِ وَ رَجَا ثَوَابَهُ وَ خَافَ عِقَابَهُ فَإِذَا رَأَيْتَ أُولَئِكَ فَأُولَئِكَ شِيعَةُ جَعْفَرٍ

امام صادق علیه السلام فرمود: شیعه علی کسی است که شکم و دامن خود را حفظ نماید، و سخت کوش باشد، و کارش برای خالقش باشد، و امید ثواب از او

داشته باشد، و از کيفر او بترسد، هر گاه چنين كسانى را ديدى آنها شيعه جعفر هستند.

عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ إِنَّ الْمَعْرُوفَ لَا يَسْتَتِمُ إِلَّا بِتَعْجِيلِهِ وَ سَتْرِهِ وَ تَصْغِيرِهِ فَإِذَا أَنْتَ عَجَلْتَهُ فَقَدْ هَنَأَتْهُ وَ إِذَا أَنْتَ صَغَّرْتَهُ فَقَدْ عَظَّمْتَهُ وَ إِذَا أَنْتَ سَتَرْتَهُ فَقَدْ أَتَمَّمْتَهُ

حضرت موسى بن جعفر عليه السلام فرمود: نيكي و احسان كامل نمى گردد مگر بواسطه سه خصلت: شتاب در انجام كار نيك، پنهان نمودن و كوچك شمردن آن، زيرا اگر آن را با شتاب انجام دادى گوارا و دلچسب نمودى، و اگر آن را كوچك شمردى بزرگش كردى، و اگر آن را پنهان نمودى كاملش گردانده اى.

وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ يَسْعَوْنَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ هُمْ الْأَمِنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند در زمين بندگاني دارد كه در بر آوردن حوايج مردم مى كوشند، ايشان در روز قيامت در امان و آسائشند.

وَ قَالَ مَا أَحْسَنَ الصَّمْتِ مِنْ غَيْرِ عَيٍّْ وَ الْهَذَّارُ لَهُ سَقَطَاتٌ

و فرمود: چه نيكوست سكوتى كه از شخص متمكن از سخن صادر شود، و به همراه زياد گويى لغزشهايى است كه موجب سقوط مى شود.

وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا كَسَرَتْ قُلُوبُهُمْ خَشْيَةً فَأَسْكَتَهُمْ عَنِ النُّطْقِ وَ
 إِنَّهُمْ لَفُصْحَاءُ عُقَلَاءُ الْبَاءِ نُبَلَاءُ يَسْتَبِقُونَ إِلَيْهِ بِالْأَعْمَالِ الزَّكِيَّةِ لَا يَسْتَكْتِرُونَ لَهُ
 الْكَثِيرَ وَلَا يَرْضَوْنَ لَهُ بِالْقَلِيلِ يَرَوْنَ فِي أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ شِرَارٌ وَأَنََّّهُمْ أَكْيَاسٌ أُبْرَارٌ
 امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند متعال بندگان دارد که از خوف الهی
 قلبهایشان شکسته ، و آنان را از سخن گفتن باز داشته ، در حالی که آنها
 دانشمندی خوش سخن و عقلایی کامل العقل هستند، و به وسیله اعمال نیک
 خود بسوی خدا از یک دیگر پیشی می گیرند، عملشان را زیاد نمی دانند، و به
 کم راضی نمی شوند، خودشان را شرور می دانند در حالی که آنها با هوشانی
 نیکوکارند.

وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ حَقَّرَ مُؤْمِنًا لِقَلَّةِ مَالِهِ حَقَّرَهُ اللَّهُ فَلَمْ يَزَلْ عِنْدَ اللَّهِ
 مَحْقُورًا حَتَّى يَتُوبَ مِمَّا صَنَعَ وَقَالَ إِنَّهُمْ يُبَاهُونَ بِأَكْفَائِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 امام صادق عليه السلام می فرماید: کسی که مؤمن را به خاطر تنگدستیش کوچک
 شمارد خداوند او را کوچک می کند، و در همین حالت حقارت می ماند تا
 اینکه از کرده اش توبه کند.

و فرمود: مؤمنین در روز قیامت به همتهای خود فخر فروشی می کنند.

و يُرْوَى أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ الْبَيْتَ عَامَ الْفَتْحِ وَمَعَهُ الْفَضْلُ بْنُ عَبَّاسٍ وَ
 أَسَامَةُ بْنُ زَيْدٍ ثُمَّ خَرَجَ فَأَخَذَ بِحَلْقَةِ الْبَابِ ثُمَّ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَ عَبْدُهُ وَ
 أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحَدَّهُ إِنَّ اللَّهَ أَذْهَبَ نَخْوَةَ الْعَرَبِ وَتَكَبَّرَهَا بِآبَائِهَا وَ
 كُلُّكُمْ مِنْ آدَمَ وَ آدَمُ مِنْ تُرَابٍ وَإِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ

روایت شده که : رسول خدا ﷺ در سال فتح مکه در حالی وارد خانه خدا شد که فضل بن عباس و اسامة بن زید همراه ایشان بودند، سپس خارج شد و حلقه در خانه را در دست مبارک گرفت و فرمود: حمد و ستایش خدایی را که بنده اش را تصدیق نمود و به وعده اش وفا کرد، و به تنهایی بر همه حزبا چیره شد، خداوند کینه عربها و تکبرشان را به همراه پدرانشان بر طرف کرد، و تمام شما از آدم هستید، و آدم از خاک است ، و گرمی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست .

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لِجَابِرٍ أَيْكَتَفِي مَنْ انْتَحَلَ الشَّيْعَ أَنْ يَقُولَ بِحُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَوَاللَّهِ مَا شِيعْتُنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَأَطَاعَهُ وَمَا كَانُوا يُعْرِفُونَ إِلَّا بِالتَّوَّاضِعِ وَالتَّخَشُّعِ وَكَثْرَةِ ذِكْرِ اللَّهِ وَالصَّوْمِ وَالصَّلَاةِ وَالتَّعَهُدِ لِلْجِيرَانِ مِنَ الْفُقَرَاءِ وَ أَهْلِ الْمَسْكَنَةِ وَ الْغَارِمِينَ وَ الْأَيْتَامِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ كَفِّ الْأَلْسِنِ عَنِ النَّاسِ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ وَ كَانُوا أُمْنَاءَ عَشَائِرِهِمْ فِي الْأَشْيَاءِ قَالَ جَابِرٌ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا نَعْرِفُ أَحَدًا بِهَذِهِ الصِّفَةِ قَالَ يَا جَابِرُ لَا تَذْهَبَنَّ بِكَ الْمَذَاهِبُ حَسْبُ الرَّجُلِ أَنْ يَقُولَ أَحِبُّ عَلِيًّا وَ اتَّوَلَّاهُ ثُمَّ لَا يَكُونُ مَعَ ذَلِكَ فَعَالًا فَلَوْ قَالَ إِنِّي أُحِبُّ رَسُولَ اللَّهِ فَرَسُولُ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ عَلِيٍّ ثُمَّ لَا يَعْمَلُ بِعَمَلِهِ وَ لَا يَتَّبِعُ سُنَّتَهُ مَا نَفَعَهُ حُبُّهُ إِلَّا شَيْئًا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْمَلُوا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ وَ أَكْرَمُهُمْ عَلَيْهِ اتَّقَاهُمْ لَهُ وَ اعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِهِ وَ اللَّهُ مَا يُتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا بِالطَّاعَةِ مَا مَعَنَا بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَ لَا عَلَى اللَّهِ لِأَحَدٍ مِنْ حُجَّةٍ مَنْ كَانَ لِلَّهِ مُطِيعًا فَهُوَ لَنَا وَلِيٌّ وَ مَنْ كَانَ لِلَّهِ غَاصِيًا فَهُوَ لَنَا عَدُوٌّ وَ لَا يُنَالُ غَدًا وَ لَا يُنَالُنَا إِلَّا بِالْفَضْلِ وَ الْوَرَعِ

امام باقر علیه السلام به جابر فرمود: آیا کسی که خودش را به شیعه نسبت می دهد همین مقدار که اظهار دوستی با ما اهل بیت را کند برایش کافی است ؟

به خدا قسم شیعه ما نیست مگر کسی که از خدا پرهیزد و فرمانبردار او باشد، و شیعیان ما شناخته نمی شوند مگر با فروتنی و خضوع و بسیار یاد خدا، و روزه گرفتن و نماز خواندن ، و دلجویی از همسایگان مستمند و فقیران و بدهکاران و یتیمان ، و راستگویی ، و خواندن قرآن و نگاه داشتن زبان در برابر مردم مگر به کلام نیکو، و اینها در همه چیز امین قبایل خود بودند.

جابر گوید: گفتم : یا ابن رسول الله ! ما کسی را به این صفات نمی شناسیم . فرمود: ای جابر! سخنان مردم در تو تأثیر نگذارد، آیا همین بس است که کسی بگوید من علی را دوست دارم و پیرو او هستم ، ولی کاری نکند، و اگر بگوید: من رسول خدا را دوست دارم و رسول خدا بهتر از علی است ، سپس به شیوه و روش او عمل نکند و سنت او را پیروی نکند محبت پیامبر نفعی به حال او ندارد. پس از خدا پرهیزید و برای آنچه نزد خدا هست عمل نمائید زیرا بین خدا و کسی خویشاوندی نیست بلکه محبوبترین بندگان نزد خداوند و ارجمندترین ایشان نزد او با تقواترین آنهاست ، و عمل کننده ترین آنها به طاعت اوست . بخدا قسم تقرب به خدا میسر نیست برای کسی مگر به اطاعت و بندگی ، و برات آزادی از دوزخ به دست ما نیست ، و احدی را بر خدا حجتی نیست ، هر کس مطیع خداست دوست ماست ، و هر کس نافرمانی خدا کند دشمن ماست ، و فردای قیامت به ولایت ما نمی رسد مگر به وسیله فضیلت و پرهیز از گناه .

عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَنَحْنُ جَمَاعَةٌ فَقَالَ كُونُوا النُّمْرُقَةَ الْوُسْطَىٰ يَرْجِعُ إِلَيْكُمْ الْغَالِي وَيَلْحَقُ بِكُمْ التَّلَالِي وَاعْمَلُوا يَا شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ مَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ اللَّهِ مِنْ قَرَابَةٍ وَلَا لَنَا عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ وَلَا يُتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ مَنْ كَانَ مُطِيعًا نَفَعْتُهُ وَلَايَتَنَا وَمَنْ كَانَ عَاصِيًا لَمْ تَنْفَعُهُ وَلَايَتَنَا قَالَ ثُمَّ التَّفَتَ إِلَيْنَا وَقَالَ لَا تَغْتَرُّوا وَلَا تَفْتَرُوا قُلْتُ وَمَا النُّمْرُقَةُ الْوُسْطَىٰ قَالَ أَلَا تَرَوْنَ أَهْلًا تَأْتُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلنَّمَطِ الْوُسْطَىٰ فَضَلُّهُ

عمرو بن سعید بن هلال گوید: به همراه گروهی وارد بر امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ شدیم ، حضرت فرمود: شما لنگرگاه میانه باشید تا سبقت گیرندگان به سوی شما برگردند و عقب ماندگان به شما برسند. و آگاه باشید ای شیعه آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ! به خدا قسم بین ما و خداوند هیچ گونه خویشاوندی وجود ندارد و ما هیچ حجتی بر خدا نداریم ، و قرب به خدا میسر نمی شود مگر به واسطه اطاعت و بندگی ، هر کس مطیع باشد ولایت ما برایش سودمند است ، و هر کس نافرمان باشد ولایت ما نفعی برایش ندارد.

عمرو می گوید: سپس امام رو به ما کرده و فرمود: فریب نخورید و افترا نیندید، پرسیدم :

نمرقه وسطی چیست ؟ فرمود: آیا ندیده ای کسانی را که وقتی وارد خانه ای می شوند که در آن بالشهایی وجود دارد؛ به آن بالشهای متوسط متوجه می شوند و آن را برای استراحت بهتر از بقیه می دانند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أُوصِيكَ بِحِفْظِ مَا بَيْنَ رِجْلَيْكَ وَمَا بَيْنَ لَحْيَيْكَ
 امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده اند: سفارش می کنم تو را به حفظ دامن و زبانت .

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْعُلَمَاءُ أَمْنَاءُ وَالْأَتْقِيَاءُ حُصُونٌ وَالْعَمَالُ سَادَةٌ

امام صادق عليه السلام می فرماید: علماء امینان هستند، و پرهیزگاران قلعه های محکم مذهب ، و عمل کنندگان به احکام آقایان و سروران دین هستند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَعَظَّمَهُ مَنَعَ فَاهُ مِنَ الْكَلَامِ وَبَطَنَهُ مِنَ الطَّعَامِ وَعَنَى نَفْسَهُ بِالصِّيَامِ وَالْقِيَامِ قَالُوا يَا بَابِنَا وَأُمَّهَاتِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ هَؤُلَاءِ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ قَالَ إِنْ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ سَكَتُوا وَكَانَ سُكُوتُهُمْ ذِكْرًا وَنَظَرُوا وَكَانَ نَظَرُهُمْ عِبْرَةً وَنَطَقُوا فَكَانَ نُطْقُهُمْ حِكْمَةً وَمَشَوْا وَكَانَ مَشْيُهُمْ بَيْنَ النَّاسِ بَرَكَتَةً وَلَوْ لَا الْأَجَالُ الَّتِي كُتِبَتْ عَلَيْهِمْ لَمْ تَقْرَأْ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ خَوْفًا مِنَ الْعَذَابِ وَشَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ

امام صادق عليه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: هر که خدا را شناخت و او را بزرگواری دانست ؛ دهانش را از سخن می بندد، و شکمش را از طعام ، و خودش را به روزه گرفتن و شب زنده داری به زحمت و مشقت می اندازد. پرسیدند: پدر و مادرمان فدای شما ای رسول خدا، اینها اولیاء خدا هستند؟ فرمود: اولیاء خدا خاموشند و خاموشی آنها ذکر خداست ، نگاه می کنند و نگاه کردنشان عبرت است ، و سخن می گویند و سخنانشان حکمت است ، و راه می روند و راه رفتنشان در بین مردم برکت است ، و اگر عمر مقدری برایشان نبود، روح و جانشان در کالبدشان از ترس عذاب و شوق ثواب بر جای نمی ماند.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ صَلَّى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ لَمْ يَزَلْ فِي مَوْضِعِهِ حَتَّى صَارَتِ الشَّمْسُ عَلَى قَيْدِ رُمْحٍ وَأَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ بِوَجْهِهِ فَقَالَ وَاللَّهِ لَقَدْ

أَدْرَكْنَا أَقْوَامًا كَانُوا يَبْتَغُونَ لِرَبِّهِمْ سُجْدًا وَقِيَامًا يُرَآوْحُونَ بَيْنَ جِبَاهِهِمْ وَرُكْبِهِمْ
كَأَنَّ زَفِيرَ النَّارِ فِي آذَانِهِمْ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ عِنْدَهُمْ مَا دُوا كَمَا يَمِيدُ الشَّجَرُ كَأَنَّ الْقَوْمَ
بَاتُوا غَافِلِينَ قَالَ ثُمَّ قَامَ فَمَا رَأَى ضَاحِكًا حَتَّى قُبِضَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ

امام زین العابدین علیه السلام می فرماید: امیر مؤمنان علیه السلام نماز صبح را خواند و در مصلاهی خود نشست تا خورشید به اندازه یک نیزه بیرون آمد، سپس رو به مردم کرده و فرمود: به خدا قسم مردمی را دیدم که برای پروردگار خود تمامی شب را به سجده و عبادت بسر می برند، و پیشانیها و زانوهایشان را به دنبال هم بر خاک می مالند. گویا نفس زدن آتش جهنم در گوشهایشان بود، هر گاه یاد خدا نزد آنها می شد می لرزیدند چنانچه درخت به لرزه در می آید، گویا آن مردم در خواب غفلت بودند.

امام فرمود: سپس امیر مؤمنان علیه السلام برخاست و دیگر دیده نشد که بخندد، تا وفات نمود، درود خدا بر او باد.

عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ شِيعَةٌ عَلَى الْمُتَبَاذِلُونَ فِي وِلَايَتِنَا الْمُتَحَابُّونَ فِي مَوَدَّتِنَا الَّذِينَ إِذَا غَضِبُوا لَمْ يَظْلِمُوا وَإِنْ رَضُوا لَمْ يُسْرِفُوا بَرَكَهٌ عَلَى مَنْ جَاوَرُوا سَلَّمَ لِمَنْ خَالَطُوا

امام باقر علیه السلام فرمود: شیعیان علی علیه السلام کسانی هستند که در راه دوستی ما مال خود را به یک دیگر می بخشند، و به دوستی ما با یک دیگر دوست می شوند، اگر به خشم آیند ستم روا نمی دارند، و اگر خوشنود شوند زیاده روی نمی کنند، برای همسایگان برکت هستند، و برای معاشرین خود سلامتی و آسایشند.

فصل دوم : نشانه های شیعه

الفصل الثانی فی ذکر علامات الشیعة

رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ نُبَيْكٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُقْبِلِ الْقَمْسِيِّ
بِغَدَادَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ الزَّائِدِيُّ الْبَصْرِيُّ بِأَصْفَهَانَ قَالَ حَدَّثَنَا
الْحَسَنُ بْنُ أَسَدٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْهَيْثَمُ بْنُ وَقْدِ الْجَزْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مَهْزَمٌ قَالَ دَخَلْتُ
عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَذَكَرْتُ الشَّيْعَةَ فَقَالَ يَا مَهْزَمُ إِنَّمَا الشَّيْعَةُ مَنْ لَا يَعْدُو سَمْعَهُ
صَوْتَهُ وَلَا شَحْنَهُ بَدَنَهُ وَلَا يُحِبُّ لَنَا مُبْغِضًا وَلَا يُبْغِضُ لَنَا مُحِبًّا وَلَا يُجَالِسُ لَنَا
غَالِيًا وَلَا يَهْرِ هَرِيرَ الْكَلْبِ وَلَا يَطْمَعُ طَمَعَ الْغَرَابِ وَلَا يَسْأَلُ النَّاسَ وَإِنْ مَاتَ
جُوعًا أَمْتَنَحِي عَنِ النَّاسِ الْخَفِيُّ عَلَيْهِمْ وَإِنْ اِخْتَلَفَتْ بِهِمُ الدَّارُ لَمْ تَخْتَلِفْ
أَقَاوِيلُهُمْ إِنْ غَابُوا لَمْ يُفْقَدُوا وَإِنْ حَضَرُوا لَمْ يُؤْبَهُ بِهِمْ وَإِنْ خَطَبُوا لَمْ يُزَوَّجُوا
يَخْرُجُونَ مِنَ الدُّنْيَا وَحَوَائِجُهُمْ فِي صُدُورِهِمْ إِنْ لَقُوا مُؤْمِنًا أَكْرَمُوهُ وَإِنْ لَقُوا كَافِرًا
هَجَرُوهُ وَإِنْ آتَاهُمْ ذُو حَاجَةٍ رَحِمُوهُ وَفِي أَمْوَالِهِمْ يَتَوَاسَوْنَ ثُمَّ قَالَ يَا مَهْزَمُ قَالَ
جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِعَلِيِّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَا عَلِيُّ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَ
لَا يُحِبُّكَ أَنَا الْمَدِينَةُ وَأَنْتَ الْبَابُ وَمِنْ أَيْنَ تُوْتِي الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ بَابِهَا وَرَوَى
أَيْضًا مَهْزَمٌ هَذَا الْحَدِيثَ إِلَى قَوْلِهِ وَإِنْ مَاتَ جُوعًا قَالَ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ أَيْنَ
أَطْلُبُ هَوْلًا قَالَ هَوْلًا أَطْلُبُهُمْ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِ أَوْلَيْكَ الْخَفِيُّضُ عَيْشُهُمُ الْمُنْتَقِلَةُ
دِيَارُهُمُ الْقَلِيلَةُ مُنَازَعَتُهُمْ إِنْ مَرَضُوا لَمْ يُعَادُوا وَإِنْ مَاتُوا لَمْ يَشْهَدُوا وَإِنْ خَاطَبَهُمْ
جَاهِلٌ سَلَّمُوا وَعِنْدَ الْمَوْتِ لَا يَجْزَعُونَ وَفِي أَمْوَالِهِمْ يَتَوَاسَوْنَ إِنْ لَجَأَ إِلَيْهِمْ ذُو
حَاجَةٍ مِنْهُمْ رَحِمُوهُ لَمْ تَخْتَلِفْ قُلُوبُهُمْ وَإِنْ اِخْتَلَفَتْ بِهِمُ الْبُلْدَانُ ثُمَّ قَالَ قَالَ رَسُولُ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَذَبَ يَا عَلِيُّ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَيُبْغِضُكَ

مهزم گوید: روزی نزد امام صادق علیه السلام رفتم و از شیعه سخن گفتم ، امام علیه السلام فرمود: ای مهزم ! شیعه ما کسی است که صدایش از گوش خودش نگذرد، و از کالبدش به دیگری سرایت نکند، دشمن ما را دوست نمی دارد، و دوست ما را دشمن نمی دارد، با غلوکننده ما همنشین نمی شود، و چون سگان زوزه نمی کشد، و چون کلاغ طمع نورزد، و از مردم چیزی را تقاضا نمی کند گرچه از گرسنگی بمیرد، از مردم کناره گیر و مخفی از آنهاست ، و اگر خانه هایشان از هم دور باشد گفتارشان از هم دور نیست .

اگر غایب شوند کسی به جستجوی آنها نمی رود، و اگر حاضر باشند اعتنایی به آنها نمی شود، و اگر خواستگاری کنند به آنها زن نمی دهند، از دنیا خارج می شوند در حالی که حاجتهایشان در سینه هایشان است ، اگر مؤمنی را ملاقات کنند او را احترام کنند، و اگر به کافری برخورد کنند او را ترک گویند، اگر حاجتمندی نزد آنها آید به او کمک کنند، و در اموالشان با هم برابرند.

سپس فرمود: ای مهزم ! جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: ای علی ! دروغ گفته کسی که گمان کند مرا دوست دارد و تو را دوست ندارد، من شهر علمم و تو در آن و از کجا وارد شهر می شود جز از در آن ؟ و همچنین مهزم این حدیث را نقل کرده تا اینجا که : و اگر چه از گرسنگی بمیرند.

مهزم گوید: گفتم : فدایت شویم ، آنها را از کجا بجویم ؟ فرمود: آنها را در اطراف زمین جستجو کن ، آنهایند که زندگی ساده ای دارند، دائما از شهری به شهر دیگر در حرکتند، درگیری و نزاعشان کم است ، اگر مریض شوند عیادت نشوند و اگر بمیرند کسی آنها را مشایعت نکند، و اگر جاهلی آنها را مورد خطاب قرار دهد به او سلام کنند، و هنگام مرگ بیتابی نکنند، و در اموالشان

برابری کنند، اگر حاجتمندی به آنها پناه آورد به او مهربانی و ترحم نمایند،
قلبهای آنها را از هم جدا نیست گرچه شهرهایشان جدا باشد.

سپس فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود: ای علی! دروغ گفته کسی که گمان
می کند مرا دوست دارد و با تو دشمن است .

عَنْ مَيْسِرَةَ مَيْسِرٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مَيْسِرُ أَلَا أُخْبِرُكَ بِشِيعَتِنَا قُلْتُ بَلَى
جُعِلَتْ فِدَاكَ قَالَ إِنَّهُمْ حُصُونٌ حَصِينَةٌ فِي وَصْدُورِ أَمِينَةٍ وَأَحْلَامٌ رَزِينَةٌ لَيْسُوا
بِالْمَذَابِيعِ الْبُذُرِ وَلَا بِالْجُفَاةِ الْمُرَائِينَ رُهْبَانَ بِاللَّيْلِ أُسْدٌ بِالنَّهَارِ وَالْبُذُرُ الْقَوْمُ الَّذِينَ
لَا يَكْتُمُونَ الْكَلَامَ

امام باقر علیه السلام فرمود: ای میسره! آیا شیعیانمان را به تو معرفی کنم؟ گفتیم:
بلی، فدایت شویم.

فرمود: شیعیان ما دژهایی مستحکم در سینه هایی استوار هستند، دارای
اندیشه ای محکم و استوارند، که شایعه پراکن حرف نیستند، مردمان تهی و
خودنما نیستند، زاهدان شب و شیران روزند.

و بذر، در لغت، یعنی: گروهی که کلام را پنهان نمی دارند و آن را افشا می
سازند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ شِيعَةَ عَلِيٍّ خُمُصُ الْبُطُونِ دُبُلُ الشِّفَاهِ مِنَ الذِّكْرِ
امام صادق علیه السلام فرمود: شیعیان علی علیه السلام شکم به پشت چسبیده اند (بر اثر
روزه و ریاضت) و لب خشکیده اند؛ بر اثر کثرت ذکر خداوند.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ أَصْحَابَ عَلِيٍّ كَانُوا الْمُنْظُورَ إِلَيْهِمْ فِي الْقَبَائِلِ وَكَانُوا أَصْحَابَ
 الْوَدَائِعِ مَرْضِيَّيْنَ عِنْدَ النَّاسِ سَهَّارَ اللَّيْلِ مَصَابِيحَ النَّهَارِ
 و امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: یاران علی عَلَيْهِ السَّلَامُ مورد اعتماد قبائل بودند، و
 امانتدار، مورد خشنودی و رضایت مردم بودند، شب زنده دار و چراغهای
 هدایت در روز.

عَنْ رَبِيعَةَ بْنِ نَاجِدٍ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّمَا مَثَلُ شِيعَتِنَا مَثَلُ النَّحْلَةِ فِي
 الطَّيْرِ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الطَّيْرِ إِلَّا وَهُوَ يَسْتَضَعِفُهَا فَلَوْ أَنَّ الطَّيْرَ تَعَلَّمَ مَا فِي أَجْوَاهِهَا
 مِنَ الْبُرْكَاتِ لَمْ تَفْعَلْ بِهَا ذَلِكَ

ربیعہ بن ناچد گوید: از علی عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود: شیعیان ما همانند
 زنبور عسل در میان پرندگان می باشند، هیچ پرنده ای نیست جز اینکه زنبور
 عسل را کوچک می شمارد، اگر پرندگان می دانستند که چه برکتی در شکمهای
 زنبوران عسل وجود دارد هرگز این کار را نمی کردند.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِيَّاكَ وَالسَّفَلَةَ مِنَ النَّاسِ قُلْتُ جُعِلْتُ
 فِدَاكَ وَمَا السَّفَلَةُ قَالَ مَنْ لَا يَخَافُ اللَّهَ إِنَّمَا شِيعَةُ جَعْفَرٍ مَنْ عَفَّ بَطْنُهُ وَفَرَجُهُ وَ
 عَمِلَ لِخَالِقِهِ وَإِذَا رَأَيْتَ أَوْلِيكَ فَهُمْ أَصْحَابُ جَعْفَرٍ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: بیرهیزید از سفله ، پرسیدم : فدایت شویم سفله
 کیست ؟ فرمود:

کسی است که از خدا نترسد، شیعه جعفر کسی است که دارای عفت شکم و
 دامن است ، و کارهایش را برای خالقش انجام می دهد، هر گاه چنان کسانی را
 دیدی آنها شیعه جعفر می باشند.

وَعَنْ أَبِي حَاتِمِ السَّجِسْتَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الشَّيْعَةُ ثَلَاثَةٌ أَصْنَافٍ صِنْفٌ يَتَزَيَّنُونَ بِنَا وَصِنْفٌ يَسْتَأْكُلُونَ بِنَا وَصِنْفٌ مِنَّا وَإِلَيْنَا يَأْمُنُونَ بِأَمْنِنَا وَيَخَافُونَ بِخَوْفِنَا لَيْسُوا بِالْبُدْرِ الْمُذْبَعِينَ وَلَا بِالْجُفَاةِ الْمُرَائِينَ إِنْ غَابُوا لَمْ يُفْقَدُوا وَإِنْ يَشْهَدُوا لَمْ يُؤْبَهُ بِهِمْ أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ الْهُدَى

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: شیعه سه گروهند: گروهی که خود را با انتساب به ما آبرو و زینت می دهند، و گروهی که از طریق منسوب کردن خویش به ما امرار معاش می نمایند، و گروهی از ما هستند و کارشان برای ماست، به امن ما در امانند، و به ترس ما ترسانند، زیاده گو و افشاکننده اسرار نیستند، و تهی و خودنما نیستند، اگر غایب باشند کسی دنبال آنها نمی گردد، و اگر حاضر باشند کسی به آنها اعتنایی نمی کند، آنان چراغهای هدایتند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَهُ فَرَوَهُ بِأَيِّ شَيْءٍ يَعْرِفُونَ شِيعَتَكَ قَالَ الَّذِينَ يَأْتُونَنَا مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِنَا

فروه از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسید: شیعیانت به چه چیز شناخته می شوند؟ فرمود: شیعیان ما کسانی هستند که از زیر پای ما بر ما وارد می شوند.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ النَّاسُ طَبَقَاتٌ ثَلَاثٌ طَبَقَةٌ مِنَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ وَطَبَقَةٌ يَتَزَيَّنُونَ بِنَا وَطَبَقَةٌ يَأْكُلُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بِنَا

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: مردم سه دسته اند: دسته ای از ما هستند و ما از آنهایم، دسته ای خود را بواسطه ارتباطشان با ما می آریند، و دسته ای نیز به واسطه ما از یک دیگر کسب معاش می نمایند.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام يَا ابْنَ بُكَيْرٍ إِنِّي لَأَقُولُ لَكَ قَوْلًا
 قَدْ كَانَتْ آبَائِي عليهم السلام تَقُولُهُ لَوْ كَانَ فِيكُمْ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرِ لَقَامَ قَائِمُنَا يَا عَبْدَ اللَّهِ إِنَّا
 نُدَاوَى النَّاسَ وَنَعْلَمُ مَا هُمْ فَمِنْهُمْ مَنْ يُصَدِّقُنَا الْمَوَدَّةَ وَيَبْذُلُ مَهْجَتَهُ لَنَا وَمِنْهُمْ مَنْ
 لَيْسَ فِي قَلْبِهِ حَقِيقَةٌ مَا يُظْهِرُ بِلِسَانِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ هُوَ عَيْنٌ لِعَدُوِّنَا عَلَيْنَا يَسْمَعُ
 حَدِيثَنَا وَإِنْ أَطْمَعُ فِي شَيْءٍ قَلِيلٍ مِنَ الدُّنْيَا كَانَ أَشَدَّ عَلَيْنَا مِنْ عَدُوِّنَا وَكَيْفَ
 يَرُونَ هَوْلَاءِ السُّرُورِ وَهَذِهِ صِفَتُهُمْ إِنَّ لِلْحَقِّ أَهْلًا وَ لِلْبَاطِلِ أَهْلًا فَاهْلُ الْحَقِّ فِي
 شُغْلِ عَنِ أَهْلِ الْبَاطِلِ يَنْتَظِرُونَ أَمْرَنَا وَيَرْغَبُونَ إِلَى اللَّهِ إِنْ يَرَوْا دَوْلَتَنَا لَيْسُوا
 بِالْبُذُرِ الْمَذْبُوعِينَ وَلَا بِالْجَفَاةِ الْمُرَائِينَ وَلَا بِنَا مُسْتَأْكِلِينَ وَلَا بِالطَّمْعِينَ خِيَارُ الْأُمَّةِ
 نُورٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ نُورٌ فِي ظُلُمَاتِ الْفِتَنِ وَ نُورٌ هُدًى يُسْتَضَاءُ بِهِمْ لَا
 يَمْنَعُونَ الْخَيْرَ أَوْلِيَاءَهُمْ وَلَا يَطْمَعُ فِيهِمْ أَعْدَاؤُهُمْ إِنْ ذُكِرْنَا بِالْخَيْرِ اسْتَبَشَرُوا وَ
 ابْتَهَجُوا وَ اطْمَأَنَّتْ قُلُوبُهُمْ وَ أَضَاءَتْ وُجُوهُهُمْ وَ إِنْ ذُكِرْنَا بِالْقُبْحِ اشْمَازَتْ قُلُوبُهُمْ
 وَ اقْشَعَرَّتْ جُلُودُهُمْ وَ كَلَحَتْ وُجُوهُهُمْ وَ أَبَدُوا نُصْرَتَهُمْ وَ بَدَأَ ضَمِيرُ أَفْئِدَتِهِمْ قَدْ
 شَمَّرُوا فَاحْتَدَوْا بِحَدُونِنَا وَ عَمِلُوا بِأَمْرِنَا تَعْرِفُ الرَّهْبَانِيَّةَ فِي وُجُوهِهِمْ يُصْبِحُونَ فِي
 غَيْرِ مَا النَّاسُ فِيهِ وَ يُمْسُونَ فِي غَيْرِ مَا النَّاسُ فِيهِ يَجَارُونَ إِلَى اللَّهِ فِي إِصْلَاحِ
 الْأُمَّةِ بِنَا وَ أَنْ يَبْعَتْنَا اللَّهُ رَحْمَةً لِلضُّعْفَاءِ وَ الْعَامَّةِ يَا عَبْدَ اللَّهِ أَوْلَيْكَ شَيْعَتُنَا وَ
 أَوْلَيْكَ مِنَّا وَ أَوْلَيْكَ حِزْبُنَا وَ أَوْلَيْكَ أَهْلُ وَاوَالِيَتِنَا

امام کاظم عليه السلام فرمود: ای ابن بکیر! من چیزی به تو می گویم که پدرانم آن
 را می گفتند، اگر در بین شما به تعداد افراد جنگ بدر بودند قائم ما قیام می
 نمود.

ای بنده خدا، ما مردم را بررسی می کنیم و می دانیم مردم چه هستند، بعضی
 از آنها در دوستی با ما راستگو هستند و جانشان را برای ما نثار می سازند، و

بعضی از آنها حقیقتی را که بر زبانشان جاری می کنند در قلبشان وجود ندارد، و بعضی از آنان همچون چشمی برای دشمنان ما بر علیه ما هستند، کلام ما را می شنوند و اگر در چیز اندکی از دنیا طمع پیدا کنند از دشمن بر ما دشمن تر می شوند، چگونه آنان خوشی و شادی را می بینند در حالی که چنین صفتی دارند؟

حق طرفدارانی و باطل نیز پیروان ویژه ای دارد، اهل حق راهشان از اهل باطل جداست ، انتظار امر ما را می کشند و از خدا امید دارند که بلندی دولت ما را ببینند، آنان پرگو و افشاگر و تهی و خودنما نمی باشند و به واسطه پیوندشان به ما کسب معاش نمی کنند، و طمع کار نیستند. خوبان و نیکان امت ، و همچون نوری در تاریکیهای زمینند، و نوری در تاریکیهای فتنه و ستم هستند، و نور هدایتند که روشنایی می دهند، دوستان خود را از امر خیر منع نمی کنند، و دشمنانشان هم نمی توانند در آنها طمع کنند.

اگر نزد آنها کسی از ما به نیکی یاد کند، خوشنود و شادمان شوند، و دلهایشان آرام می گیرد و چهره هایشان بر افروخته می گردد، و اما اگر ما را به زشتی یاد کند دلهایشان افسرده می شود، پوست بدنشان می لرزد و صورتشان سیاه می شود، و یاریشان را آشکار می کنند، آنچه در درون دلهایشان است ظاهر کنند، دامن همت بالا زده و پا در جای پای ما می گذارند و به فرمان ما عمل می کنند. و پارسایی و ترک دنیا از صورتهای آنان مشاهده می شود، شب را بر خلاف معمول بین مردم به صبح می رسانند، و همچنان روز را به خلاف معمول مردم به شب می رسانند، و با راز و نیاز از خداوند تقاضای اصلاح امت به توسط ما دارند، که خداوند ما را وسیله رحمت ضعیفان و توده مردم قرار دهد.

ای عبد الله! آنان شیعیان ما و از ما و حزب مایند، و آنان اهل ولایت ما

هستند.

فصل سوم : در آداب و رسوم شیعه

الفصل الثالث فى آداب الشيعة

عَنْ أَبِي أُسَامَةَ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لِأَوْدَعَهُ فَقَالَ لِي يَا زَيْدُ مَا لَكُمْ وَلِلنَّاسِ قَدْ حَمَلْتُمْ النَّاسَ عَلَىَّ وَاللَّهِ مَا وَجَدْتُ أَحَدًا يُطِيعُنِي وَيَأْخُذُ بِقَوْلِي إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ أَبِي يَعْفُورٍ فَإِنَّهُ أَمَرْتُهُ بِأَمْرٍ وَأَوْصَيْتُهُ بِوَصِيَّةٍ فَاتَّبَعَ قَوْلِي وَأَخَذَ بِأَمْرِي وَاللَّهِ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لَيَأْتِينِي فَأُحَدِّثُهُ بِالْحَدِيثِ لَوْ أَمْسَكَهُ فِي جَوْفِهِ لَعَزَّ وَكَيْفَ لَا يَعِزُّ مَنْ عِنْدَهُ مَا لَيْسَ عِنْدَ النَّاسِ يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَى مَا فِي يَدَيْهِ وَلَا يَحْتَاجُ إِلَى مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ فَأَمْرُهُ أَنْ يَكْتُمَهُ فَلَا يَزَالُ يُدْبِعُهُ حَتَّى يَذِلَّ بِهِ عِنْدَ النَّاسِ وَيُعَيَّرَ بِهِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنْ رَأَيْتَ كَفَّ هَذَا عَنْ مَوَالِيكَ فَإِنَّهُ إِذَا بَلَغَهُمْ هَذَا عَنْكَ شَقَّ عَلَيْهِمْ فَقَالَ إِنِّي أَقُولُ وَاللَّهِ الْحَقَّ وَإِنَّكَ تَقْدُمُ غَدًا الْكُوفَةَ فَيَأْتِيكَ إِخْوَانُكَ وَمَعَارِفُكَ فَيَقُولُونَ مَا حَدَّثَكَ جَعْفَرًا فَمَا أَنْتَ قَائِلٌ قَالَ أَقُولُ لَهُمْ مَا تَأْمُرُنِي بِهِ لَا أَقْصُرُ عَنْهُ وَلَا أَعْدُوهُ إِلَى غَيْرِهِ قَالَ أَقْرَى مَنْ تَرَى أَنَّهُ يُطِيعُنِي وَيَأْخُذُ بِقَوْلِي مِنْهُمْ السَّلَامُ وَأَوْصِيهِمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعِ فِي دِينِهِمُ وَالْإِجْتِهَادِ لِلَّهِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَطُولِ السُّجُودِ وَحُسْنِ الْجَوَارِ فِيهِذَا جَاءَ مُحَمَّدٌ وَأَدُّوا الْأَمَانَةَ إِلَى مَنْ اتَّيَمَّنَكُمْ عَلَيْهَا مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَأْمُرُ بِرَدِّ الْخَيْطِ وَالْمِخِيطِ صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ وَأَدُّوا حُقُوقَهُمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَصَدَقَ الْحَدِيثَ وَآدَى الْأَمَانَةَ وَحَسَّنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قَبِلَ هَذَا جَعْفَرِيٌّ فَيَسُرُّنِي ذَلِكَ وَقَالُوا هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ وَإِذَا كَانَ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ دَخَلَ عَلَى بِلَاؤُهُ وَعَارُهُ وَاللَّهِ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي أَنَّ الرَّجُلَ كَانَ يَكُونُ فِي الْقَبِيلَةِ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَكَانَ أَقْضَاهُمْ لِلْحَقُوقِ وَأَدَاهُمْ لِلْأَمَانَةِ وَأَصْدَقَهُمْ لِلْحَدِيثِ إِلَيْهِ وَصَايَاهُمْ وَوَدَائِعُهُمْ

يُسْأَلُ عَنْهُ فَيَقَالُ مَنْ مِثْلُ فُلَانٍ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا شَيْنًا جَرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ فَإِنَّهُ مَا قِيلَ لَنَا فَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ لَنَا حَقٌّ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَقَرَابَةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ وَتَطْهِيرٌ مِنَ اللَّهِ وَوَلَادَةٌ طَيِّبَةٌ لَا يَدَّعِيهَا أَحَدٌ غَيْرُنَا إِلَّا كَذَابٌ أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ وَذِكْرَ الْمَوْتِ وَتِلَاوَةَ الْقُرْآنِ وَالصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ خُذْ بِمَا أَوْصَيْتُكَ بِهِ وَاسْتَوْدِعْكَ اللَّهُ

ابو اسامه گوید: روزی نزد امام صادق عليه السلام رفته بودم تا با ایشان خداحافظی کنم ، ایشان به من فرمود: ای زید! با مردم چه کار دارید که آنها را به طرف من دعوت می کنید؟ به خدا قسم نیافتم احدی را که اطاعتم کند و به حرفم عمل نماید بجز یک نفر از آنها، خدا رحمت کند عبد الله بن ابی یعفور را، او را به کاری امر نمودم و وصیت نمودم او را به عملی ؛ او حرف مرا پیروی نموده و امر مرا انجام داد.

به خدا قسم اگر فردی از شما نزد من آید و به گفتاری او را آگاه سازم اگر او در درونش حرف مرا نگهدارد عزت می یابد، چگونه عزت نیابد در حالی که چیزی نزد اوست که نزد مردمان دیگر نیست ، مردم به آنچه او دارد نیازمندند و او به آنچه در اختیار مردم است نیازی ندارد، به او فرمان می دهم که سختم را کتمان نماید ولی همیشه آن را فاش می کند، تا آنجا که به جهت این کار نزد مردم خوار می شود و مورد سرزنش قرار می گیرد.

عرض کردم : فدایت شوم ، حال اگر شخص این امر را از دوستان شما مخفی نمود و بعد به گوش آنها رسید بر آنان سخت می شود. فرمود: به خدا قسم من حق را می گویم و تو فردا به کوفه می روی ، برادران و آشنایان نزد تو می آیند و می پرسند که جعفر به تو چه گفت ، تو چه جوابی به آنها می دهی ؟

گفتم : هر چه بفرمائید به آنها خواهم گفت ، و چیزی از آن کم نکنم و به غیر آنچه فرموده ای نخواهم گفت .

فرمود: به کسی که اطاعت مرا می کند و حرف مرا گوش می دهد سلامم را برسان و آنها را به تقوای الهی و پرهیزگاری در دین و سعی و کوشش برای خدا و راستگویی و اداء امانت ، و طولانی کردن سجده و همسایه داری خوب سفارش کن . پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مبعوث برای این شد، بنا بر این ، باید امانت را به کسی که به شما اعتماد نموده برگردانید، چه آن شخص نیکوکار باشد و چه بدکار، زیرا رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امر می کرد حتی به برگرداندن نخ و سوزنی که امانت گرفته شده است .

در جمع عشایر آنها نماز بخوانید، و به تشییع جنازه آنان بروید، و مریضهای آنها را عیادت کنید، و حقوق آنان را پرداخت نمایید، زیرا هر کدام از شما اگر در دینش پرهیزگار باشد و راست گفتار، و ادای امانت کند و اخلاقش را با مردم نیکو نماید؛ گفته می شود این شخص جعفری است ، و این سخن مرا خوشنود می سازد. و می گویند: این ادب جعفر است ، و هر گاه غیر از این باشد مصیبت و گرفتاری و ننگ آن متوجه من می شود. به خدا قسم ؛ پدرم به من می فرمود: مردی از شیعیان علی عَلِيٌّ در مکه بهترین اداکننده حقوق در بین شیعه بود، و بهترین اداکننده امانت ، و راستگوترین آنها در گفتار بود، مردم وصایای خود را نزد او می بردند و امانتهای خود را به او می سپردند، در باره او سؤال شد، گفته می شد: مثل فلانی چه کسی است ؟

تقوای خدا را پیشه کنید، و برای ما زینت باشید نه مایه ننگ ، تمام محبت و دوستی را به طرف ما جلب کنید و هر نسبت زشت و ناپسندی را از ما دور نمایید، هر آنچه برای ما گفته می شود ما آنچنان نیستیم ، در کتاب خداوند برای

ما حقی و خویشاوندی با رسول خداست و پاک بودن از ناحیه خدا و پاکی ولادت را غیر از ما هیچ کس ادعا نکرده مگر اینکه دروغگو بوده ، زیاد به یاد خدا و مرگ باشید، بسیار تلاوت قرآن نمائید و صلوات بر پیغمبر ﷺ بفرستید، زیرا صلوات فرستادن بر پیامبر برابر ده حسنه است ، آنچه را به تو وصیت نمودم حفظ کن ، و تو را به خدا می سپارم .

عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ وَ كَثْرَةِ السُّجُودِ فَبِذَلِكَ أَمَرَنَا مُحَمَّدٌ

حضرت صادق ﷺ فرمود: تو را سفارش به تقوای خدا و پرهیزگاری می نمایم ، و سفارش می کنم به راستی در گفتار و اداء امانت و خوب همسایه داری و بسیار سجده کردن برای خدا، زیرا پیغمبر خدا ما را به اینها امر فرمود.

عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ﷺ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي لَا أَكَادُ أَنْ أَلْقَاكَ إِلَّا فِي السَّنِينَ فَأَوْصِنِي بِشَيْءٍ آخِذٌ بِهِ قَالَ أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ الْجَاهِدِ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لَمْ يَنْفَعْ وَرَعٌ إِلَّا بِالْجَاهِدِ وَ إِيَّاكَ أَنْ تُطْمَعَ نَفْسَكَ إِلَى مَنْ فَوْقَكَ وَ كَثِيرًا مَا قَالَ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ لِنَبِيِّهِ فَلَا تُعْجِبِكَ أَمْوَالُهُمْ وَ لَا أَوْلَادُهُمْ وَ قَالَ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَإِنَّ دَاخَلَكَ شَيْءٌ فَادْكُرْ عَيْشَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّمَا كَانَ قُوْتُهُ الشَّعِيرَ وَ حَلَاوَتُهُ التَّمْرَ وَ وَقُوْدُهُ السَّعْفَ وَ إِذَا أُصِيبَتْ بِمُصِيبَةٍ فِي نَفْسِكَ فَادْكُرْ مُصَابِكَ بِرَسُولِ اللَّهِ فَإِنَّ الْخَلَائِقَ لَمْ يُصَابُوا بِمِثْلِهِ قَطُّ

عمرو بن سعید بن هلال گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: فدایت شوم!
 ! من شما را ملاقات نمی کنم مگر تا چند سال دیگر؛ مرا وصیتی نما تا به آن
 عمل نمایم . فرمود: تو را وصیت می کنم به تقوای الهی ، و پرهیزگاری و تلاش
 در راه خدا. بدان ، هیچ پرهیزگاری بدون تلاش و کوشش سودمند نیست ، و
 پرهیز از اینکه نفست را به طمع اندازی تا به کسی که بالاتر از تو است برتری
 دهی ، چه بسیار زیاد خداوند متعال به پیامبرش فرمود:

(مالها و فرزندان آنان تو را متعجب نسازد) و فرمود: (ای رسول ما! هرگز به
 متاع ناچیزی که به قومی در این حیات فانی برای امتحان داده ایم چشم آرزو
 مگشا و رزق خدای تو بسیار بهتر و پاینده تر است).

اگر وسوسه شدی زندگانی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بیاد آور، که طعامش و
 شیرینیش خرما بود، و هیزمش شاخه های درخت خرما، و هر گاه مصیبتی بر
 تو وارد شد، به یاد مصیبت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باش! زیرا خلائق مصیبتی بالاتر از
 مصیبت فقدان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را ندید.

عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مَعْشَرَ شَيْعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
 كُونُوا التُّمْرِقَةَ الْوُسْطَىٰ إِلَيْكُمْ يَرْجِعُ الْعَالِي وَبِكُمْ يَلْحَقُ النَّالِي فَقَالَ رَجُلٌ جُعِلْتُ
 فِدَاكَ وَمَا الْعَالِي قَالَ قَوْمٌ يَقُولُونَ فِينَا مَا لَا نَقُولُهُ فِي أَنْفُسِنَا فَلَيْسَ أَوْلَيْكَ مِنَّا وَ
 لَسْنَا مِنْهُمْ قَالَ فَمَا النَّالِي قَالَ الْمُرْتَادُ يُرِيدُ الْخَيْرَ يَبْلُغُهُ الْخَيْرُ وَيُوجِرُ عَلَيْهِ ثُمَّ أَقْبَلَ
 عَلَيْنَا فَقَالَ وَاللَّهِ مَا مَعَنَا مِنَ اللَّهِ بَرَاءَةٌ وَمَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ اللَّهِ قَرَابَةٌ وَلَا لَنَا عَلَى اللَّهِ
 حُجَّةٌ وَلَا يُتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مُطِيعًا نَفَعْتُهُ وَلَايَتِنَا وَمَنْ كَانَ
 مِنْكُمْ عَاصِيًا لَمْ تَنْفَعْهُ وَلَايَتِنَا

امام باقر علیه السلام فرمود: ای گروه شیعه آل محمد! شما تکیه گاه میانه باشید تا آنکه غلوکننده بسوی شما بازگردد، و آنکه عقب مانده خودش را به شما برساند. مردی پرسید: فدایت شوم! غلوکننده کدامست؟ فرمود: مردمی که در باره ما چیزهایی می گویند که خود ما آن را به خود نسبت نمی دهیم، آنها از ما نیستند و ما هم از آنان نیستیم. پرسید: عقب مانده چه کسانی هستند؟ فرمود: کسی که طالب خیر است، خیر به او می رسد و به همان مقدار پاداش داده می شود.

سپس رو به ما کرد و فرمود: به خدا قسم ما از جانب خدا براتی نداریم و میان ما و خداوند خویشاوندی نیست و بر خدا حجّتی نداریم، نزدیکی به خدا جز با اطاعت و بندگی میسور نمی شود، پس هر کس از شما که مطیع خدا باشد دوستی ما سودش دهد، و آنکه از شما نافرمانی خدا کند، ولایت ما به او سودی نرسانده است.

عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ إِنَّكُمْ قَدْ نَسَبْتُمْ إِلَيْنَا كُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا مَا يَمْنَعُكُمْ أَنْ تَكُونُوا مِثْلَ أَصْحَابِ عَلِيٍّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي النَّاسِ إِنْ كَانَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ لَيَكُونَ فِي الْقَبِيلَةِ فَيَكُونُ إِمَامَهُمْ وَ مُؤَدِّئَهُمْ وَ صَاحِبَ أَمَانَتِهِمْ وَ وَدَائِعِهِمْ عُوذُوا مَرْضَاهُمْ وَ أَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ لَا يَسْبِقُوكُمْ إِلَى خَيْرٍ فَاتْتُمْ وَ اللَّهُ أَحَقُّ مِنْهُمْ بِهِ ثُمَّ التَّفَتَ نَحْوِي وَ كُنْتُ أَحَدَثَ الْقَوْمِ سِنًا فَقَالَ وَ أَنْتُمْ يَا مَعْشَرَ الْأَحْدَاثِ إِيَّاكُمْ وَ الْوَسَادَةَ الرَّؤْسَاءَ عُوذُوهُمْ دَعُوهُمْ حَتَّى يَصِيرُوا أَدْنَابًا وَ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْهُمْ

امام صادق علیه السلام می فرمود: ای گروه شیعه! که به ما منسوب هستید، برای ما زینت باشید، و مایه عار و ننگ ما نباشید، چه مانعی دارد که همانند یاران علی علیه السلام در بین مردم باشید؟

به طوری که اگر مردی از یاران او در بین قبیله ای قرار می گرفت امام و مؤذن آنان بود، و صاحب امانت، و محافظ مال آنان بود. می‌ریزان آنان را عیادت کنید، و در تشییع جنازه آنان حاضر شوید، و در مساجدشان نماز بخوانید. نگذارید در امر خیر از شما پیشی گیرند، بخدا قسم شما سزاوارتر از آنها به آن امر هستید.

سپس رو به من کرده و چون من در بین آنان از همه جوان تر بودم فرمود: و شما ای جوانان بپرهیزید از تکیه دادن به بالش، به عیادت آنها بروید تا حدی که آنها دنباله رو شما شوند، و خداوند برای شما بهتر از آنان است.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَمَعِيَ رَجُلَانِ فَقَالَ أَحَدُهُمَا لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَلَا آتَى الْجُمُعَةَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ آتِ الْجُمُعَةَ وَالْجَمَاعَةَ وَاحْضُرِ الْجِنَازَةَ وَاعْدِ الْمَرِيضَ وَاقْضِ الْحُقُوقَ ثُمَّ قَالَ أَتَخَافُونَ أَنْ نُضِلَّكُمْ لَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِلُّكُمْ أَبَدًا

عبد الله بن بکیر گوید: به همراه دو نفر خدمت امام صادق علیه السلام رفتیم، یکی از آنان به امام گفت: به نماز جمعه بروم؟ فرمود: به جمعه و جماعات برو، و در تشییع جنازه حاضر شو، و به عیادت مریض برو، و حقوق را ادا کن. سپس فرمود: آیا می ترسید ما شما را گمراه نماییم؟ نه بخدا قسم هرگز شما را گمراه نمی کنیم.

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَيْفَ نَصْنَعُ فِيمَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا وَفِيمَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ خُلَطَائِنَا مِمَّنْ لَيْسَ هُوَ عَلَيْنَا قَالَ تَنْظُرُونَ أَيْمَتَكُمْ الَّذِينَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ فَتَصْنَعُونَ كَمَثَلِ مَا يَصْنَعُونَ فَوَاللَّهِ إِنَّهُمْ لَيَعُودُونَ مَرْضَاهُمْ وَ يَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ وَ يُقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ وَ يُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ

معاویة بن وهب گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: چگونه شایسته است برای ما که با قوم خود، و مردمانی که با ما آمیزش دارند و شیعه نیستند رفتار کنیم؟

فرمود: به پیشوایان خود نگاه کنید و از آنها پیروی کنید، آن گونه که آنان رفتار می کنند شما نیز همان طور رفتار نمایید، بخدا سوگند آنها به عیادت بیمارانشان می روند، و بر جنازه هایشان حاضر می شوند، و به سود و ضرر آنها گواهی می دهند، و امانتهای آنان را به آنها بر می گردانند.

عَنْ ثَابِتِ مَوْلَى آلِ حَرِيْزٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ كَظْمُ الْغَيْظِ عَنِ الْعَدُوِّ فِي دَوْلَتِهِمْ تَقِيَّةٌ حَرْمٌ لِمَنْ أَخَذَ بِهِ وَ تَحَرُّزٌ عَنِ التَّعَرُّضِ لِلْبَلَاءِ فِي الدُّنْيَا وَ مُعَاَلَبَةٌ الْأَعْدَاءِ فِي دَوْلَتِهِمْ وَ مُمَاطَةٌ فِي غَيْرِ تَقِيَّةٍ تَرَكَ أَمْرَ اللَّهِ فَجَامَلُوا النَّاسَ يَسْمَنُ ذَلِكَ لَكُمْ عِنْدَهُمْ وَ لَا تَجْعَلُوهُمْ عَلَى رِقَابِكُمْ فَتَعَادُوهُمْ

امام صادق عليه السلام فرمود: فرو خوردن خشم از دشمن در زمان دولت و اقتدار آنها تقیّه و احتیاطی است برای فرد دور اندیش، و جلوگیری از بلاست در دنیا، و مخاصمه نمودن با دشمن و دشنام دادن به آنها بدون تقیه؛ ترک نمودن دستور خداست، پس با مردم مدارا کنید تا عمل شما نزد آنان بزرگ و فربه شود، و کاری نکنید که آنها بواسطه دشمنی کردن شما با آنها بر گردن شما سوار شوند.

عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام اصْبِرْ يَا زَيْدُ عَلَى أَعْدَائِكَ فَإِنَّكَ لَنْ تُكَافِيَ مَنْ عَصَى اللَّهَ بِأَكْثَرَ مِنْ أَنْ تُطِيعَ اللَّهَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ يَذُودُ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ عَمَّا يَكْرَهُ كَمَا يَذُودُ أَحَدَكُمْ الْجَمَلَ الْغَرِيبَ الَّذِي لَيْسَ لَهُ عَنِّ إِلَيْهِ يَا زَيْدُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى الْإِسْلَامَ وَاخْتَارَهُ فَأَحْسِنُوا صُحْبَتَهُ بِالسُّخَاءِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ

زید شحام گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ای زید! در مقابل دشمنانت صبر کن ، زیرا تو هرگز نمی توانی با کسی که خداوند را نافرمانی کرده بیش از آن مقداری که تو اطاعت خدا در آن نمودی مقابله کنی ، خداوند بنده مؤمنش را از آنچه بدش می آید دور می کند، همان طور که یکی از شما شتر ماده ای را که از خودش نیست از شتر نر خود جدا می سازد.

ای زید! خداوند دین اسلام را برگزید و آن را انتخاب فرمود، اینک با سخاوت و خوش خلقی با او معاشرت کنید.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْتَبِينَ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى مُرَّ أَصْحَابِكَ أَنْ يَكْفُؤُوا مِنْ أَلْسِنَتِهِمْ وَ يَدْعُوا الْخُصُومَةَ فِي الدِّينِ وَ يَجْتَهِدُوا فِي عِبَادَةِ اللَّهِ وَ إِذَا قَامَ أَحَدُهُمْ فِي صَلَاةٍ فَرِيضَةً فَلْيُحْسِنْ صَلَاتَهُ وَ لِيَتِمَّ رُكُوعُهُ وَ سُجُودُهُ وَ لَا يُشْغَلْ قَلْبُهُ بِشَيْءٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا فَإِنِّي سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ إِنَّ مَلَكَ الْمَوْتِ يَتَصَفَّحُ وَجْهَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ عِنْدِ حُضُورِ الصَّلَاةِ الْمَفْرُوضَاتِ

امام کاظم علیه السلام فرمود: به یاران امر کن که زبانهایشان را نگاه دارند، و دشمنی در دین را ترک نمایند، و در عبادت خداوند کوشش و تلاش کنند، و هر گاه یکی از آنان آماده برای نماز واجبی شد نمازش را به نیکویی بجا آورد، و

رکوع و سجودش را کامل انجام دهد، و دلش را به امور دنیایی مشغول نگرداند، زیرا من از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

ملک الموت هنگام حضور در نمازهای واجب به صورتهای تک تک مؤمنین نظر می کند.

عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْوَابِشِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ إِنْ كَانَ الشُّؤْمُ فِي شَيْءٍ فَهُوَ فِي اللِّسَانِ فَاحْزَنُوا أَلْسِنَتَكُمْ كَمَا تَحْزَنُونَ أَمْوَالَكُمْ وَاحْذَرُوا أَهْوَاءَكُمْ كَمَا تَحْذَرُونَ أَعْدَاءَكُمْ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَقْتَلَ لِلرِّجَالِ مِنْ اتِّبَاعِ أَهْوَائِهِمْ وَحَصَائِدِ أَلْسِنَتِهِمْ

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر شوم در چیزی باشد پس در زبان است، زبانهایتان را حفظ کنید همان طور که اموالتان را حفظ می کنید، و از هواهای نفسانیتان بپرهیزید همان طور که از دشمنانتان می پرهیزید، هیچ چیز برای مردان کشنده تر از پیروی هواهای نفسهایشان و نتیجه گفته های زبانشان نیست

عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ إِيَّاكُمْ وَأَصْحَابَ الْخُصُومَاتِ وَالْكَذَّابِينَ فَإِنَّهُمْ تَرَكُوا مَا أُمِرُوا بِهِ يَا أَبَا عُبَيْدَةَ خَالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ وَزَايِدُوا فِي أَمْوَالِهِمْ يَا أَبَا عُبَيْدَةَ إِنَّا لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ عَاقِلًا حَتَّى يَعْرِفَ لَحْنَ الْقَوْلِ ثُمَّ قَرَأَ وَ لَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ

امام کاظم علیه السلام فرمود: از کسانی که دائما در حال دشمنی با یک دیگرند و از دروغگویان دوری کنید، زیرا آنان آنچه را که بدان امر شده اند ترک کرده اند. ای ابو عبید! با مردم به اخلاق خودشان معاشرت کنید، و در اموالشان توسعه دهید. ای ابو عبید! ما مرد را عاقل نمی دانیم مگر آنکه روش سخن گفتن دیگران را بشناسد، سپس این آیه را تلاوت فرمود:

(خواهیم شناخت آنان را در اشتباه گفتار).

عَنْ عَنَسَةَ بْنِ مُصْعَبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ خَالَطُوا النَّاسَ فَإِنَّهُ لَمْ يَنْفَعَكُمْ يَنْفَعُهُمْ حُبُّ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَبْغَضَ إِلَيْهِمْ مِنْ ذِكْرِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ ع

امام صادق عليه السلام فرمود: با مردم معاشرت نمایید، زیرا دوستی علی و فاطمه علیهما السلام در نظر آنها (مخالفین) نفعی به حال شما ندارد، و هیچ چیز در نزد آنها مبعوض تر از ذکر علی و فاطمه علیهما السلام نیست .

عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ حَمَلَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رِسَالَةً فَلَمَّا خَرَجْتُ دَعَانِي فَقَالَ يَا مُرَازِمُ لِمَ لَا يَكُونُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ النَّاسِ إِلَّا خَيْرٌ وَإِنْ شَتَمُونَا مُرَازِمٌ غَوِيْدٌ: امام صادق عليه السلام برای رساندن نامه ای مرا مأ مور کرد، هنگامی که خارج شدم مرا صدا زد و فرمود: ای مرازم! نباید بین تو و بین مردم (مخالفین) جز خیر و نیکی باشد گرچه به ما دشنام دهند.

عَنْ الْكَاطِمِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَخَذَ بِيَدِي جَدِّي ثُمَّ قَالَ يَا بَنِيَّ أَفْعَلِ الْخَيْرَ إِلَى كُلِّ مَنْ طَلَبَهُ مِنْكَ فَإِنْ كَانَ أَهْلُهُ فَقَدْ أَصَبْتَ مَوْضِعَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ بِمَوْضِعِ كُنْتَ أَهْلُهُ وَإِنْ شَتَمَكَ رَجُلٌ عَنْ يَمِينِكَ ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَى يَسَارِكَ فَاعْتَذَرَ إِلَيْكَ فَاقْبَلْ مِنْهُ

امام کاظم عليه السلام از پدر و جد بزرگوارش علیهما السلام نقل می کند که : امام زین العابدین عليه السلام دست جدم را گرفت و فرمود: پسر عزیزم! هر که از تو طلب کار خیر نمود برایش انجام بده ، اگر اهل آن است کار خوبی انجام گرفته ، و اگر هم

اهل آن نیست تو انجام وظیفه کرده ای ، و اگر مردی از طرف راستت به تو دشنام داد و سپس به سوی چپت گردید و از تو عذر خواست عذرش را بپذیر.

لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ أَبَا بَكْرٍ قَالَ يُقَاتِلُ النَّاسُ فِي عَلِيٍّ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي أَرَاكَ لَوْ سَمِعْتَ رَجُلًا سَبَّ عَلِيًّا فَاسْتَطَعْتَ أَنْ تَقْطَعَ أَنْفَهُ فَعَلْتَ فَقُلْتَ نَعَمْ قَالَ لِي لِمَا تَفْعَلُ فَإِنِّي أَسْمَعُ الرَّجُلَ يَسُبُّ عَلِيًّا جَدِّي فَأَتَوَارِي عَنْهُ فَإِذَا فَرَغَ أَتَيْتُهُ فَصَافَحْتُهُ

ابو بکر حضرمی گوید: برادرم علقمه به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کرد: ابو بکر می گفت: مردم بخاطر حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ با هم جنگ می کردند، امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: تو این گونه ای که اگر بشنوی که مردی به علی عَلَيْهِ السَّلَامُ دشنام می دهد اگر بتوانی بینی او را قطع کنی این کار را می کنی؟ گفتیم: بلی، فرمود: این کار را نکن، من شنیدم که مردی جدّم علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را دشنام می داد، من از او پنهان شدم و زمانی که دشنام دادنش تمام شد؛ نزد او آمدم و با او مصافحه نمودم.

عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ قَالَ أَخِي عَلْقَمَةُ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ قُمْ بِالْحَقِّ وَاعْتَرِلْ مَا لَا يَعْنِيكَ وَتَجَنَّبْ عَدُوَّكَ وَاحْذَرْ صَدِيقَكَ مِنَ الْأَقْوَامِ إِلَّا الْأَمِينِ وَلَا أَمِينَ إِلَّا مَنْ خَشِيَ اللَّهَ وَلَا تَصْحَبِ الْفَاجِرَ وَلَا تُطْلِعْهُ عَلَى سِرِّكَ وَاسْتَشِرْ فِي أَمْرِكَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ

معاویة بن وهب گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: به حق عمل کن و از آنچه برایت سودی ندارد بر کنار باش، و از دشمنان دوری کن، و از دوستت از هر قومی باشد بر حذر باش مگر اینکه امین باشد، و امین نیست مگر کسی که از خدا بترسد، با بدکار هم صحبت مشو، و او را بر سرّ خود مطلع مکن، و در کار خود با کسانی مشورت کن که از خدا می ترسند.

عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ الْكَازِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا فُلَانُ قُلِ الْحَقَّ وَإِنْ كَانَ فِيهِ هَلَاكٌ فَإِنَّ فِيهِ نَجَاتَكَ وَدَعِ الْبَاطِلَ وَإِنْ كَانَ فِيهِ نَجَاتُكَ فَإِنَّ فِيهِ هَلَاكُكَ
 امام کاظم علیه السلام فرمود: فلانی! حق بگو گرچه هلاک تو در آن باشد، زیرا نجات تو در آن است، و باطل را رها کن اگر چه نجات تو در آن باشد، زیرا هلاک تو در آن است.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ كَلْبٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اتَّقُوا اللَّهَ وَتَحَابُّوا وَتَزَاوَرُوا وَتَوَاصَلُوا وَتَرَاحَمُوا وَكُونُوا إِخْوَانًا بَرَّةً
 امام صادق علیه السلام فرمود: از خدا بترسید، و با یک دیگر دوست باشید، و به دیدار همدیگر بروید، و صله رحم کنید، و به یک دیگر رحم کنید و با هم برادرانی نیکوکار باشید.

عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا زَعِيمٌ بَيْتِي فِي الْجَنَّةِ لِمَنْ حَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ وَتَرَكَ الْكَذِبَ فِي الْمِرَاحِ وَالْجِدِّ وَتَرَكَ الْمِرَاءَ وَهُوَ مُحِقٌّ
 امام کاظم علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: من در بهشت ضمانت می کنم خانه ای را برای کسی که با مردم خوش خلق باشد، و دروغ نگوید چه جدی و چه شوخی، و جدال را ترک کند گرچه حق با او باشد.

عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حُسْنُ الْخُلُقِ يُثَبِّتُ الْمَوَدَّةَ وَحُسْنُ الْبَشْرِ يُذْهِبُ السَّخِيمَةَ وَاسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ وَمَنْ أَتَقَنَ بِالْخَلْفِ سَخَتْ نَفْسُهُ بِالْفَقَّةِ وَإِيَّاكَ أَنْ تَمْنَعَ حَقًّا فَتُنْفِقَ فِي بَاطِلٍ مِثْلِيهِ

امام کاظم علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کند که فرمود: خوش خلقی دوستی را پایدار کند، و خوشرویی کینه را از بین می برد، با صدقه دادن روزی خود را نازل کنید، کسی که یقین دارد آنچه را انفاق کند جایش بر می گردد نفسش به صدقه دادن با سخاوت می شود، بیرهیز از جلوگیری از حق در حالی که دو برابر آن را در راه باطل انفاق می کنی .

عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ يَا ابْنَ آدَمَ لَا تَزَالُ بِخَيْرٍ مَا دَامَ لَكَ وَاعِظٌ مِنْ نَفْسِكَ وَمَا كَانَتْ الْمُحَاسَبَةُ مِنْ هَمِّكَ وَمَا كَانَ الْخَوْفُ لَكَ شِعَارًا وَالْحَزَنُ دِنَارًا يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَمَبْعُوثٌ وَمَوْقُوفٌ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَمَسْئُولٌ فَأَعِدَّ جَوَابًا

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: ای فرزند آدم! تو در خیر و نیکی هستی تا زمانی که واعظی از نفست داری ، و همواره حسابرسی هم و غم توست ، و ترس از خدا برای تو همانند روپوش و غم و اندوه مانند لباس زیرینت باشد. ای فرزند آدم! تو می میری و زنده می شوی و در مقابل خداوند قرار می گیری و از تو سؤال خواهد شد، خودت را برای جواب دادن آماده کن .

عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ قَالَ سَمِعْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ فِي كُلِّ يَوْمٍ نَفْسَهُ فَإِنْ عَمِلَ حَسَنًا اسْتَرَادَ اللَّهُ مِنْهُ وَحَمِدَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَإِنْ عَمِلَ سَيِّئًا اسْتَعْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ وَتَابَ إِلَيْهِ

امام کاظم علیه السلام می فرمود: از ما نیست کسی که هر روز نفس خود را محاسبه نکند، اگر کار نیکی کرده از خداوند زیادشده را بخواهد و خدا را بر آن سپاس گوید، و اگر کار بدی کرده از آن طلب استغفار از خداوند نماید و بسوی او توبه کند.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ كَانَ فِي مِصْرٍ فِيهِ مِائَةٌ أَلْفٍ وَكَانَ فِي الْمِصْرِ أَوْرَعُ مِنْهُ
امام صادق علیه السلام فرمود: از شیعیان ما نیست کسی که در شهری باشد که در آن شهر صد هزار نفر باشند و در آن شهر کسی با تفاوتی از او باشد.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ وَافَقَنَا بِلِسَانِهِ وَخَالَفَنَا فِي أَعْمَالِنَا وَآثَارِنَا وَكَانَ شِيعَتِنَا مَنْ وَافَقَنَا بِلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ وَاتَّبَعَ آثَارَنَا وَعَمِلَ بِأَعْمَالِنَا أَوْلَيْكَ شِيعَتِنَا
امام صادق علیه السلام فرمود: از شیعیان ما نیست کسی که فقط با زبانش با ما موافق باشد، و در اعمال و آثار ما با ما مخالف باشد و لکن شیعه ما کسی است که با زبان و قلبش با ما موافق باشد و از آثار ما پیروی نماید و در کارها از ما متابعت کند، آنها شیعیان ما هستند.

عَنِ الْمُفَضَّلِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَيْسَ الْأَمْرُ وَالْإِحْتِمَالُ بِالْقَوْلِ فَقَطُّ لَكِنَّ قَبُولَهُ وَاحْتِمَالَهُ أَنْ تَصُونُوهُ كَمَا صَانَهُ اللَّهُ وَتُعْظَمُوهُ كَمَا عَظَّمَهُ اللَّهُ وَتُؤَدُّوا حَقَّهُ كَمَا أَمَرَ اللَّهُ

امام صادق علیه السلام فرمود: شیعه بودن تنها به گفتن نیست لکن قبول کردن و پذیرفتن به حفظ و نگهداری آنست ، همان طوری که خداوند آن را نگهداری فرموده ، و به آن است که آن را بزرگ شماری همان گونه که خداوند آن را بزرگ داشته ، و حق آن را ادا نمائی همان طور که خداوند امر فرموده .

عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لَا تَسْتَكْثِرُوا كَثِيرَ الْخَيْرِ وَلَا تَسْتَقِلُّوا قَلِيلَ الذُّنُوبِ فَإِنَّ قَلِيلَ الذُّنُوبِ يَجْتَمِعُ حَتَّى يَصِيرَ كَثِيرًا وَ خَافُوا اللَّهَ فِي السِّرِّ حَتَّى تُعْطُوا مِنْ أَنْفُسِكُمُ النَّصْفَ وَ سَارِعُوا إِلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ اصْدُقُوا الْحَدِيثَ وَ ادُّوا الْأَمَانَةَ فَإِنَّ ذَلِكَ لَكُمْ وَ لَا تَظْلَمُوا وَ لَا تَدْخُلُوا فِي مَا لَا يَحِلُّ لَكُمْ فَإِنَّ ذَلِكَ عَلَيْكُمْ

امام صادق علیه السلام فرمود: خیر بسیار (مثل عبادت یا بخشش زیاد) را زیاد نشمارید، و گناهان اندک را کم نشمارید، زیرا گناهان اندک انباشته می شود تا زیاد می گردد، و در نهان از خدا بترسید و انصاف داشته باشید، و بسوی طاعت الهی بشتابید، راست گفتار باشید و امانت را به صاحبش برگردانید، که به نفع شماست ، ظلم نکنید، و در آنچه برایتان حلال نیست داخل نشوید، زیرا این کار به ضرر شماست .

عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ اتَّقُوا هَذِهِ الْمُحَقَّرَاتِ مِنَ الذُّنُوبِ فَإِنَّ لَهَا طَالِبًا لَا يَغْفُلُ وَ لَا يَقُولُ أَحَدُكُمْ أَذْنَبْتُ وَ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ وَ نَكْتَبُ مَا قَدَّمُوا وَ آثَرَهُمْ وَ كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ

امام صادق علیه السلام فرمود: از گناهانی که ناچیزش می شمارید پرهیزید، زیرا آنها هم باز خواست کننده ای دارد که هرگز غافل نمی شود، هیچ یک از شما

نگوید که گناه می‌کنم و بعد از خداوند طلب آمرزش می‌نمایم ، زیرا خداوند می‌فرماید: (آنچه را پیش فرستاده و آثار آن را خواهیم نوشت ، و همه چیز را در امامی آشکار (لوح محفوظ یا نامه اعمال) آمار گرفتیم).

عَنْ ابْنِ يَعْقُوبَ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَا يُعْرَنَكَ النَّاسُ مِنْ نَفْسِكَ فَإِنَّ الْأَمْرَ يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْ دُونِهِمْ وَلَا تَقْطَعْ نَهَارَكَ بِكَذَا وَكَذَا فَإِنَّ مَعَكَ مَنْ يَحْفَظُ عَلَيْكَ وَلَا تَسْتَقِلَّ قَلِيلَ الْخَيْرِ فَإِنَّكَ تَرَاهُ غَدًا بِحَيْثُ يُسْرُكُ وَلَا تَسْتَقِلَّ قَلِيلَ الشَّرِّ فَإِنَّكَ تَرَاهُ غَدًا بِحَيْثُ يُسُوُّوكَ وَ أَحْسِنْ فَإِنِّي لَمْ أَرْ شَيْئًا أَشَدَّ طَلَبًا وَلَا أَحْسَنَ دَرَكًا مِنْ حَسَنَةِ مُحَدَّثَةٍ لِذَنْبٍ قَدِيمٍ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ

امام صادق عليه السلام فرمود: مردم تو را از خودت غافل نکنند، زیرا نتیجه اعمال به خودت باز می‌گردد نه به آنها، و روزت را بیهوده تلف مکن ، زیرا همراهت کسی هست که مواظب اعمال توست ، و کار نیک کم را کوچک مشمار، زیرا فردای قیامت با دیدن نتیجه آن خوشحال خواهی شد، و کار بد اندک را نیز کوچک مشمار، زیرا فردای قیامت نتیجه آن تو را ناراحت خواهد کرد، و نیکی کن ، زیرا من برای تدارک و جبران گناهان گذشته بهتر از آن چیزی را سراغ ندارم ، خداوند متعال می‌فرماید: (همانا کارهای نیکو اثر اعمال ناشایست را از بین می‌برد و این یاد آوری است برای کسانی که بخواهند پند بگیرند).

عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَا لَكُمْ تَسُوءُونَ رَسُولَ اللَّهِ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَكَيْفَ تَسُوءُهُ قَالَ أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيْهِ فَإِذَا رَأَى مَعْصِيَةً سَاءَهُ ذَلِكَ فَلَا تَسُوءُوا رَسُولَ اللَّهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: چرا رسول خدا را ناراحت می کنید؟ گفتم: فدایت شوم چگونه ایشان را ناراحت می کنیم؟ فرمود: آیا خبر ندارید که اعمال شما بر ایشان عرضه می شود، و اگر گناهی را مشاهده نماید از آن ناخرسند می شود؟ پس رسول خدا را ناراحت نکنید.

عَنْ عُنْبَسَةَ بْنِ مُصْعَبٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَوْصِنِي فَقَالَ أَعِدَّ زَادَكَ وَهِيَءَ جَهَاذَكَ وَكُنْ وَصِيَّ نَفْسِكَ وَلَا تَأْمُرْ غَيْرَكَ يُرْسِلُ إِلَيْكَ بِمَا يُصْلِحُكَ
 عنبسة بن مصعب گوید: از امام صادق علیه السلام خواهش کردم که مرا موعظه نماید، حضرت فرمود: زاد و راحله ات را آماده کن ، و خودت نصیحت کننده خود باش ، و دیگری را امر نکن که کسی را برای اصلاح تو بفرستد.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَسَّانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا آوَيْتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَانظُرْ مَا سَاءَ لَكَ فِي بَطْنِكَ فِي يَوْمِكَ وَمَا عَمِلْتَ فِيهِ مِنْ عَمَلٍ فَادْكُرْ مَعَادَكَ
 امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه بسوی رختخوابت رفتی قدری فکر و تأمل کن که چه چیز بدی را امروز به شکمت ریخته ای و چه کاری را امروز انجام داده ای ، و معادت را بیاد آور.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَا ابْنَ آدَمَ لَا يُنْسِيَنَّكَ ذَنْبُ النَّاسِ عَنْ ذَنْبِكَ وَلَا نِعْمَةُ النَّاسِ عَنْ نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَيْكَ وَلَا تُقْنِطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَأَنْتَ تَرْجُوهَا لِنَفْسِكَ
 امام کاظم علیه السلام از پدرش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرد که فرمود: ای فرزند آدم! بنظر آوردن گناهان مردم تو را از گناهان خودت غافل نکند، و همچنین

نعمتهای مردم تو را از نعمتهای خدا بر تو باز ندارد، و مردم را از رحمت خدا مأیوس نکن در حالی که خودت به آن امید داری .

عَنْ ثَابِتٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أَسْرَعَ الثَّوَابِ عَلَى الْخَيْرِ اللَّيْنُ وَإِنَّ أَسْرَعَ الشَّرِّ عُقُوبَةُ الْبَغْيِ وَكَفَى بِالْمَرْءِ عَيْبًا أَنْ يُبْصِرَ مِنَ النَّاسِ مَا يَعْمَى عَنْهُ مِنْ نَفْسِهِ وَأَنْ يُعَيِّرَ النَّاسَ بِمَا لَا يَسْتَطِيعُ تَرْكُهُ وَأَنْ يُؤْذِيَ جَلِيسَهُ بِمَا لَا يَعْنِيهِ

امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل فرماید که : سریعترین ثوابها که بر کارهای نیک داده می شود مربوط به خوشرفتاری با مردم است ، و کیفر ظلم و ستم از هر شری زودتر داده می شود، و همین عیب برای انسان بس که ببیند از مردم آنچه را از خود چشم می پوشد، و مردم را به آنچه نمی تواند ترک کند سرزنش نماید، و همنشین خود را در حالی که برای خودش سودی ندارد اذیت کند.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ مَا مِنْ عَبْدٍ يُسِرُّ خَيْرًا إِلَّا لَمْ تَذْهَبِ الْأَيَّامُ حَتَّى يُظْهَرَ اللَّهُ لَهُ خَيْرًا وَمَا مِنْ عَبْدٍ يُسِرُّ شَرًّا إِلَّا لَمْ تَذْهَبِ الْأَيَّامُ حَتَّى يُظْهَرَ اللَّهُ لَهُ شَرًّا

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هیچ بنده ای نیست که پنهانی کار خیری انجام داده باشد، مگر اینکه بعد از مدتی خداوند نتیجه کار خیر او را آشکار سازد، و هیچ بنده ای نیست که در نهان کار بدی انجام داده باشد مگر اینکه پس از مدتی خداوند نتیجه عمل بدش را آشکار سازد.

عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لِحُمْرَانَ أَنْظِرْ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ فَإِنَّ ذَلِكَ أَقْنَعُ بِمَا قَسِمَ لَكَ وَ أُخْرَى أَنْ تَسْتَوْجِبَ الزِّيَادَةَ مِنَ اللَّهِ وَ اعْلَمْ أَنَّ الْعَمَلَ الدَّائِمَ الْقَلِيلَ عَلَى الْيَقِينِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْعَمَلِ الدَّائِمِ الْكَثِيرِ عَلَى غَيْرِ يَقِينٍ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لَا وَرَعَ أَنْفَعُ مِنَ اجْتِنَابِ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ الْكَفِّ عَنِ أَدَى الْمُسْلِمِينَ وَ اغْتِيَابِهِمْ وَ لَا عَيْشَ أَهْنًا مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ وَ لَا مَالَ أَنْفَعُ مِنَ الْقُنُوعِ بِالْيَسِيرِ الْمُجْزِي وَ لَا جَهْلَ أَمْرٌ مِنَ الْعُجْبِ

امام صادق عليه السلام به حمران می فرمود: همیشه به زیر دست خویش نگاه کن ، و به کسی که از تو برتر است نگاه مکن ، زیرا این کار موجب زیادی قناعت و رضا نسبت به آنچه روزیت شده می گردد، و سزاوار است از اینکه مستوجب زیادی در روزی گردی . و بدان که کار دایم کم همراه یقین نزد خداوند برتر است از عمل دایم زیادی که بدون یقین باشد، و نیز آگاه باش ! که هیچ پرهیزی سودمندتر از ترک محرمات الهی و اجتناب از اذیت و غیبت مسلمانان نیست ، و هیچ معاشرتی گواراتر از خوش خلقی نیست ، و هیچ مالی سودمندتر از قناعت به اندکی که کافی برای زندگانی باشد نیست ، و هیچ نادانی ضرر رساننده تر از خود پسندی نیست .

عَنْ حَسَنِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا أُطْرَقَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله طَوِيلًا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ عِبَادَ اللَّهِ مَنْ لَمْ يَتَعَزَّ بِعِزَاءِ اللَّهِ انْقَطَعَتْ نَفْسُهُ عَنِ الدُّنْيَا حَسْرَاتٍ وَ مَنْ نَظَرَ إِلَى مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ فَقَدْ كَثَرَ هَمُّهُ وَ لَمْ يَشْفِ غَلِيلَ صَدْرِهِ وَ مَنْ لَمْ يَرِ لِلَّهِ عَلَيْهِ نِعْمَةٌ إِلَّا فِي مَطْعَمٍ أَوْ فِي مَلْبَسٍ فَقَدْ قَصُرَ أَجَلُهُ وَ دَنَا عَذَابُهُ

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که این آیه : (چشم از این متاع ناقابل دنیوی که به طایفه ای از مردم داده ایم پیوش) نازل شد، رسول خدا ﷺ مقدار زیادی به فکر فرو رفت ، سپس سر مبارک را بلند کردند و فرمود: ای بندگان خدا! هر کس با دلجویی خدا تسلی خاطر نیابد و دلش آرام نگیرد، جان می دهد در حالی که پیوسته در حسرت دنیا بوده ، و هر کس دیده خود را به آنچه که در دست مردم است بدوزد اندوهش بسیار می شود و سوز دلش درمان نپذیرد، و هر کس برای خدا نعمتی جز در خوردن و پوشیدن نبیند عمرش کوتاه و عذابش نزدیک می شود.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ مِنَ الْيَقِينِ أَنْ لَا تُرْضُوا النَّاسَ بِسَخَطِ اللَّهِ وَلَا تَحْمَدُوهُمْ عَلَى رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَذُمُّوهُمْ عَلَى مَا لَمْ يُؤْتِكُمُ اللَّهُ فَإِنَّ الرِّزْقَ لَا يَسُوقُهُ حِرْصٌ حَرِيصٍ وَلَا تَرُدُّهُ كَرَاهَةً كَارِهِ وَلَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ فَرَّ مِنْ رِزْقِهِ كَمَا يَفِرُّ مِنَ الْمَوْتِ لَأَدْرَكَهُ كَمَا يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ لِعَدْلِهِ وَ قِسْطِهِ جَعَلَ الرُّوحَ وَ الْفَرَحَ فِي الْيَقِينِ وَ الرِّضَا وَ جَعَلَ الْهَمَّ وَ الْحَزْنَ فِي الشَّكِّ وَ السَّخَطِ

امام صادق علیه السلام فرمود: از علائم یقین این است که رضای مردم را همراه به غضب در آوردن خدا طلب نکنید، و مردم را بر روزی که خدا به آنان داده ستایش ننمایید، و آنان را بر آنچه خداوند به شما نداده مذمت نکنید، زیرا از هیچ آزمندی رزق و روزی را به طرف خود نمی کشد، و ناخشنودی هیچ ناخشنودی مانع از آن نمی شود، و اگر هر یک از شما از روزیش فرار کند آنچنان که از مرگ فرار می کند آن روزی ، او را در می یابد همان طور که موت او را در می یابد.

سپس فرمود: خداوند متعال به واسطه عدالتش آسایش و گشایش را در گرو یقین و رضا به قضا و قدرش قرار داده ، و غم و اندوه را در گرو شک و غضبش قرار داده .

عَنْ سَعْدِ بْنِ خَلْفٍ قَالَ قَالَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام وَالصَّلَوَاتُ الْمَفْرُوضَاتُ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا إِذَا أُقِيمَتْ حُدُودُهَا أَطْيَبُ رِيحًا مِنْ قَضِيبِ الْأَسِّ يُؤْخَذُ مِنْ شَجَرِهِ فِي طَرَاوَتِهِ وَطَيْبِهِ وَرِيحِهِ فَعَلَيْكُمْ بِالْوَقْتِ الْأَوَّلِ

امام کاظم عليه السلام فرمود: نمازهای واجب که در اول وقتش با آداب و حدود آن خوانده شود خوشبوتر از شاخه آس (مورد) است که از درخت هنگام سبزی و طراوت و خوشبوئیش چیده شود، پس نماز را اول وقت بخوانید.

عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا صَلَّيْتَ صَلَاةً فَرِيضَةً فَصَلَّهَا فِي وَقْتِهَا صَلَاةٌ مُودَّعٍ تَخَافُ أَنْ لَا تَرْجِعَ إِلَيْهَا ثُمَّ اصْرِفْ بَصْرَكَ إِلَى مَوْضِعِ سُجُودِكَ فَلَوْ تَعَلَّمْ مَنْ عَنِ يَمِينِكَ وَيساركَ لِأَحْسَنَتِ الصَّلَاةِ وَاعْلَمْ أَنَّكَ قُدَّامَ مَنْ يَرَاكَ وَ لَا تَرَاهُ

امام صادق عليه السلام فرمود: هر گاه نماز واجب خود را می خوانی آن را در وقتش بجا آور، مانند نماز خواندن کسی که با نماز وداع می کند و می ترسد که بار دیگر موفق به ادای آن نشود، سپس چشمان خود را به محل سجده ات متوجه گردان ، اگر بدانی چه کسی در طرف راست ، و چپ توست نمازت را نیکو بجا می آوری ، و بدان تو در پیشگاه کسی هستی که تو را می بیند و تو او را نمی بینی .

عَنْ عَلَاءِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ وَوَأَسْهِمْ مِنْ مَالِكَ وَارْضَ لَهُمْ بِمَا تَرْضَى لِنَفْسِكَ وَادْكُرِ اللَّهَ كَثِيرًا

امام صادق عليه السلام فرمود: با مردم راجع به خودت با انصاف رفتار کن ، و با آنها در مالت برابری کن ، و خوشنود باش برای آنها به آنچه که برای خودت خوشنود می شوی ، و خدا را بسیار یاد کن .

عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَقُولُ إِنَّ أَحَبَّكُمْ إِلَيَّ اللَّهُ أَحْسَنُكُمْ عَمَلًا وَإِنَّ أَعْظَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ حَظًّا أَعْظَمُكُمْ رَغْبَةً إِلَى اللَّهِ وَإِنَّ أَنْجَاكُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ أَشَدُّكُمْ لِلَّهِ خَشْيَةً وَإِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ

امام سجاد عليه السلام می فرمود: محبوبترین شما نزد خدا کسی است که عملش از همه بهتر باشد، و آن کس بهره اش نزد خدا بیشتر است که میل و رغبتش به ثواب او بیشتر باشد، و کسی از عذاب خدا آسانتر رها شود که ترسش از خدا بیشتر باشد، و گرمی ترین شما نزد پروردگار پرهیزگارترین شماست .

عَنْ أَبِي الصَّامِتِ الْخَوْلَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَرَرْتُ أَنَا وَ أَبِي عَلِيٍّ الشَّيْخَةَ وَ هُمْ مَا بَيْنَ الْقَبْرِ وَ الْمَنْبَرِ فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام مَوَالِيكَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ قَالَ وَ أَيْنَ تَرَاهُمْ فَقُلْتُ أَرَاهُمْ مَا بَيْنَ الْقَبْرِ وَ الْمَنْبَرِ فَقَالَ أَذْهَبُ بِي إِلَيْهِمْ فَذَهَبْنَا فَسَلَّمْنَا عَلَيْهِمْ ثُمَّ قَالَ إِنِّي لَأُحِبُّ رِيحَكُمْ وَ أَرُوحَكُمْ فَأَعِينُونِي عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِالْوَرَعِ وَ الْجِتْهَادِ فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِالْوَرَعِ وَ الْجِتْهَادِ وَ اللَّهُ إِنَّكُمْ عَلَى دِينِي وَ دِينِ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ

امام صادق عليه السلام فرمود: من و پدرم از کنار شیعیان در حالی که بین قبر و منبر بودند می گذشتیم ، به پدرم گفتم : فدایت شوم اینها دوستان شمایند، فرمود:

آنها را کجا می بینی ؟ گفتیم : بین قبر و منبر، فرمود: با هم نزد آنها برویم ، به نزد آنها رفتیم و ایشان بر آنها سلام کرد، سپس فرمود: من بوی خوش شما را دوست دارم ، اینک مرا با ورع و پرهیزگاری کمک کنید و در عبادت کوشا باشید، زیرا به آنچه نزد خداست نمی توان رسید؛ مگر به پرهیزگاری و اجتهاد، بخدا قسم شما بر دین من و دین پدرانم ابراهیم و اسماعیل و اسحاق هستید.

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ إِنَّ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام شَيَّعَ جَنَازَةَ بِالْمَدِينَةِ لِرَجُلٍ مِنْ قُرَيْشٍ وَ أَنَا مَعَهُ وَ فِيهَا عَطَاءٌ فَصَرَخَتْ صَارِخَةً فَقَالَ لَهَا عَطَاءٌ لَتَسْكُتَنَّ أَوْ لَأَرْجِعَنَّ فَلَمْ تَسْكُتْ فَرَجَعَ فَقُلْتُ قَدْ رَجَعَ عَطَاءٌ فَقَالَ وَ لِمَ فَعَلْتُ لَأَنَّ صَارِخَةً صَرَخْتَ فَقَالَ لَتَسْكُتَنَّ أَوْ لَأَرْجِعَنَّ فَلَمْ تَسْكُتْ فَرَجَعَ فَقَالَ امْضِي بِنَا فَلَوْ أَنَا إِذَا رَأَيْنَا شَيْئاً مِنْ الْبَاطِلِ مَعَ الْحَقِّ تَرَكْنَا الْحَقَّ لَهُ لَمْ نَقْضِ حَقَّ مُسْلِمٍ فَلَمَّا صَلَّى عَلَيَّ الْجِنَازَةَ قَالَ وَ عَلَيْهَا لَهُ أَرْجِعْ رَحِمَكَ اللَّهُ فَإِنَّكَ لَا تَقْوَى عَلَى الْمَشْيِ فَأَبَى وَ لَمْ يَرْجِعْ فَقُلْتُ لَهُ إِنَّهُ أَدْنَى لَكَ فِي الرَّجُوعِ وَ لِي حَاجَةٌ أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْهَا فَقَالَ امْضِي فَلَيْسَ بِإِذْنِهِ جِئْنَا وَ لَا بِإِذْنِهِ نَرْجِعُ إِنَّمَا هُوَ فَضْلٌ وَ أَجْرٌ طَلَبْنَاهُ فَبَقَدَّرَ مَا يَتَّبَعُ الرَّجُلُ الْجِنَازَةَ يُوجِرُ عَلَيَّ ذَلِكَ

زراره گوید: امام باقر عليه السلام به تشییع جنازه مردی از قریش در مدینه رفته بود، من هم با ایشان بودم ، در آن تشییع مردی بنام عطاء نیز بود، ناگهان زنی شروع به فریاد زدن نمود، عطاء به او گفت : آرام می شوی یا برگردم ؟ زن ساکت نشد و عطاء برگشت . به امام گفتیم :

عطاء برگشت ، فرمود: چرا این کار را کرد؟ گفتیم : بخاطر ناله و فریادهای زنی ، به او گفت : آرام می شوی یا برگردم ؟ زن آرام نشد، او هم برگشت .

امام فرمود: بگذریم ، اگر ما امر باطلی را به همراه حقی دیدیم و حق را بخاطر آن ترک نمودیم حق مسلمان را بجا نیاورده ایم ، وقتی امام بر جنازه نماز خواند سرپرست آن جنازه به امام گفت : برگردید خداوند شما را رحمت کند، شما تحمل راه رفتن بیش از این را ندارید، امام علیه السلام ابا نمود و برنگشت ، به امام گفتم : او به شما اجازه برگشت داد و من هم کاری دارم که می خواهم در مورد آن از شما سؤال کنم ، امام فرمود: ادامه بده ، ما به اجازه او نیامدیم تا با اجازه او برگردیم ، بلکه این کار ثواب و اجری بود که ما آن را خواستیم ، به اندازه ای که مرد به دنبال جنازه باشد بر آن پاداش داده می شود.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ أَتَى رَجُلٌ النَّبِيَّ فَقَالَ إِلَيَّ مَا تَدْعُونِي يَا مُحَمَّدٌ فَقَالَ ادْعُوا إِلَيَّ اللَّهُ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَأَدْعُوا إِلَى مَنْ لِي مِنْ أَصَابِكُمْ ضُرٌّ فَدَعَاؤُهُ كَشَفَهُ عَنْكَ وَإِنْ اسْتَعْنَتَ بِهِ وَأَنْتَ مَقْهُورٌ أَعَانَكَ وَإِنْ سَأَلْتَهُ وَأَنْتَ مُقِلٌّ أَعَانَكَ وَإِنْ ضَلَلْتَ فِي فَلَاةِ الْأَرْضِ أُرْشَدَكَ فَقَالَ لَهُ أَوْصِنِي يَا مُحَمَّدٌ فَقَالَ لَا تَغْضَبْ قَالَ زِدْنِي قَالَ أَرْضٌ مِنَ النَّاسِ بِمَا تَرْضَى لَهُمْ مِنْ نَفْسِكَ قَالَ زِدْنِي قَالَ لَا تَسُبَّ النَّاسَ فَتَكْتَسِبَ الْعَدَاوَةَ مِنْهُمْ قَالَ زِدْنِي قَالَ لَا تَرْهَدْ فِي الْمَعْرُوفِ عِنْدَ أَهْلِهِ قَالَ زِدْنِي قَالَ تَحَبَّبْ إِلَى النَّاسِ يُحِبُّوكَ وَإِنْ اسْتَسْقَى أَخُوكَ مِنْ دَلُوكَ فَصُبَّ لَهُ وَالْقِ آخَاكَ بِوَجْهِهِ مُنْبَسِطٍ إِلَيْهِ وَلَا تَضْجُرْ فَيَمْنَعَكَ الضَّجْرُ مِنْ حَظِّكَ لِلْآخِرَةِ وَالْدُّنْيَا وَابْرُزْ أَتْرُرْ إِلَى نِصْفِ السَّاقِ وَإِيَّاكَ وَاسْبَالِ الْإِزَارِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الْخِيَلَاءِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْخِيَلَاءَ

امام باقر علیه السلام فرمود: مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت : مردم را به چه چیز دعوت می کنی ای محمد؟ فرمود: من و پیروانم با بینش و آگاهی مردم را بسوی خدا می خوانیم ، و دعوت می کنم بسوی کسی که اگر به هنگام شدت

و سختی او را خواندی گرفتاریت را رفع نماید، و اگر در حالت غم و اندوه از او کمک خواستی یاریت کند، و اگر در حال فقر و تنگدستی از او طلب نمودی بی نیازت کند، و اگر در بیابان خشکی گم شدی راهنمائیت نماید.

گفت: ای محمد! مرا نصیحت کن، فرمود: غضب نکن.

گفت: باز هم موعظه کن! فرمود: آنچه برای خویش می پسندی برای مردم

پسند.

گفت: باز هم، فرمود: به مردم دشنام مده که دشمنت شوند.

گفت: باز هم، فرمود: از احسان و نیکی به اهلش دلسرد مباش.

گفت: باز هم، فرمود: مردم را دوست بدار تا دوستت بدارند، و اگر از ظرف خودت به برادر مسلمان آب می دهی برایش بریز، و با برادرت به گشاده رویی بر خورد کن و ملول و تنگ حوصله نباش که از دنیا و آخرت بازمانی، زیر جامه را تا نیمه ساق پا قرار ده، مبادا زیر جامه یا پیراهن را بلند کنی که این از نشانه های کبر و نخوت است و خداوند انسان متکبر را دوست نمی دارد.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ بُخَيْرٍ وَرَجَاءٍ وَرَحْمَةً مِنْ اللَّهِ مَا لَمْ يَسْتَعْجِلْ فَيَقْنَطْ فَيَتْرُكَ الدُّعَاءَ فَقِيلَ لَهُ كَيْفَ يَسْتَعْجِلُ قَالَ يَقُولُ قَدْ دَعَوْتُ مُنْذُ كَذَا وَكَذَا وَ لَا أَرَى الْإِجَابَةَ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیوسته مؤمن در حال خیر و امیدواری از مهر و رحمت خداوند است تا زمانی که شتاب نکند و نومید نشود، و دست از دعا بر ندارد. از امام پرسیدند:

چگونه شتاب می کند؟ فرمود: می گوید از فلان سال تا فلان سال دعا کردم و اجابت را ندیدم.

عَنْ الْحَسَنِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَنْ تَوَضَّأَ فَأَوْسَعَ
 الْوُضُوءَ ثُمَّ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ فَأَتَمَّ رُكُوعَهُمَا وَ سَجُودَهُمَا ثُمَّ جَلَسَ فَأَثْنَى عَلَى اللَّهِ وَ
 صَلَّى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ حَاجَتَهُ فَقَدْ طَلَبَ الْخَيْرَ فِي مَظَانِّهِ وَ مَنْ طَلَبَ
 الْخَيْرَ فِي مَظَانِّهِ لَمْ يُخَيَّبْ

امام صادق عليه السلام می فرمود: هر کس وضوی کامل بگیرد و با آن وضو دو
 رکعت نماز بخواند و نمازش را تمام نماید، سپس بنشیند و خدا را ثنا بگوید و
 بر رسولش صلوات بفرستد، سپس حاجتش را از خداوند بخواهد خیر و صلاح
 را از محل و مأخذش طلب نموده، و هر کس خیر را از مأخذش طلب نماید
 هرگز ضرر نمی بیند.

عَنْ حَبِيبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً وَكُلَّهُمْ بَنَاتِ الْأَرْضِ
 مِنَ الشَّجَرِ وَ النَّخْلِ فَلَيْسَ مِنْ نَخْلَةٍ وَ لَا شَجَرَةٍ إِلَّا وَ مَعَهَا مَلَكٌ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ
 يَحْفَظُهَا إِذَا كَانَ فِيهَا ثَمَرُهَا وَ لَوْ لَا أَنَّ مَعَهَا مَنْ يَحْفَظُهَا لَأَكَلَتْهَا السَّبَاعُ وَ هَوَامُّ
 الْأَرْضِ وَ إِنَّمَا نَهَى رَسُولُ اللَّهِ أَنْ يَضْرِبَ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ خَلَاءَهُ تَحْتَ شَجَرَةٍ أَوْ
 نَخْلَةٍ قَدْ أَثْمَرَتْ لِمَكَانِ الْمَلَائِكَةِ الْمُؤَكَّلِينَ بِهَا قَالَ وَ إِنَّمَا يَكُونُ الشَّجَرُ وَ النَّخْلُ
 أَنْسًا إِذَا كَانَ فِيهِ حَمْلُهُ لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ تَحْضُرُهُ

امام باقر عليه السلام می فرمود: خداوند متعال فرشتگانی را برای گیاهان روی
 زمین مانند درخت و خرما قرار داده، و هیچ درخت خرما و درخت میوه ای
 نیست مگر آنکه از ناحیه خدا در زمان میوه دادن ملکی محافظ آن است، و اگر
 چنین محافظی نباشد درندگان و حشرات روی زمین آن را می خورند، و رسول

خدا ﷻ نهی فرموده از اینکه کسی در زیر درخت میوه یا درخت خرما مستراح بسازد به خاطر اینکه آنجا منزل ملائک محافظ است .
فرمود: درخت میوه و خرما هر گاه میوه داشته باشند مانند انسان حرمت دارند، زیرا ملائک در کنار آن حاضرند.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَاضٍ يَأْخُذُ مِنَ السُّلْطَانِ عَلَى الْقَضَاءِ الرَّزْقَ قَالَ ذَلِكَ السُّحْتُ

عبد الله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد قاضی که برای قضاوتش از سلطان حقوق می گیرد سؤال نمودم ، ایشان فرمود: آن حقوق حرام است .

فصل چهارم : در مقام شیعه نزد خدا و حقوق شایسته آنان

الفصل الرابع في منزلة الشيعة عند الله وحقوقهم و ما يجب أن يكونوا عليه
من كتاب روضة الواعظين قال أبو عبد الله عليه السلام للمؤمن على المؤمن سبعة
حقوق واجبات ما فيها حق إلا وعليه واجب إن خالفه خرج من ولاية الله و
ترك طاعته و لم يكن لله عز و جل فيه نصيب قلت جعلت فداك حدثني ما هي
قال أيسر حق منها أن يحب له ما يحب لنفسه و يكره له ما يكره لنفسه و الحق
الثاني أن يمشي في حاجته و يبتغي رضاه و لا يخالف قوله و الحق الثالث أن
تصله بنفسك و مالك و يدك و رجلك و لسانك و الحق الرابع أن تكون عينه و
دليله و مرآته و قميصه و الحق الخامس أن لا تشبع و يجوع و لا تلبس و يعرى
و لا تروى و يظمأ و الحق السادس أن تكون لك امرأة و خادم و ليس لأخيك
امرأة و لا خادم أن تبعث خادمك فيغسل ثيابه و يصنع طعامه و يمهد فراشه فإن
ذلك كله إنما جعل بينك و بينه و الحق السابع أن تبر قسمه و تجيب دعوته و
تشهد جنازته و تعوده في مرضه و تشخص بيدك في قضاء حاجته و لا تحوجه
إلى أن يسألك و لكن تبادر إلى قضاء حوائجه فإذا فعلت ذلك به وصلت ولايته
بولايتك و ولايتك بولاية الله عز و جل

امام صادق عليه السلام فرمود: مؤمن بر مؤمن هفت حق واجب دارد: در بین آن
هفت حق حقی نیست مگر اینکه بر او واجب باشد، اگر با آن حق مخالفت نماید
از ولایت خدا خارج شده و بندگیش را ترک نموده ، و برای خداوند در آن
نصیبی نیست . پرسیدم : فدایت شوم برایم بگو آن حقوق چیست ؟ فرمود:
آسانترین آنها این است که دوست بداری برای او آنچه را برای خودت دوست
می داری ، و ناپسند شماری برایش آنچه را برای خودت ناپسند می شماری .

و حق دوم اینکه : او را در بر آوردن حاجتش همراهی نمایی و رضایت او را کسب کنی و مخالف سخنش عمل نکنی .

و حق سوم این است که : به او با جان و مال و دست و پا و زبانت کمک کنی .

و حق چهارم اینکه : چشم و راهنما و آینه و پیراهن او باشی .

و حق پنجم اینکه : تو سیر نباشی و او گرسنه ، پوشیده نباشی و او عریان ، سیراب نباشی و او تشنه .

و حق ششم آنکه : اگر زنی داری و خادمی و برادرت زن و خادم ندارد، خدمت را به خانه اش بفرست تا لباسهایش را بشوید، برای او غذا مهیا سازد و رختخوابش را آماده نماید، همه اینها بین تو و بین او قرار داده شده .

و حق هفتم اینکه : قسمش را بپذیری و دعوتش را اجابت نمایی ، و بر جنازه اش حاضر شوی و اگر بیمار شد به عیادتش بروی ، و در بر آوردن حاجتش با جوارحت به او کمک کنی ، و نگذاری که نیازی به سؤ ال کردن از تو داشته باشد، بلکه سریعاً حاجتش را بر آوری ، هر گاه چنین نمودی ولایتش را به ولایت خود متصل نمودی و ولایت خودت را به ولایت خداوند وصل کرده ای .

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ تَمَانُ خِصَالٍ وَقُورٌ عِنْدَ الْهَزَاهِرِ صَبُورٌ
عِنْدَ الْبَلَاءِ شَكُورٌ عِنْدَ الرَّخَاءِ قَانِعٌ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ لَا يَظْلِمُ الْأَعْدَاءَ وَلَا يَتَحَامَلُ
لِلْأَصْدِقَاءِ بَدَنُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ إِنَّ الْعِلْمَ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ وَالْحِلْمَ
وَزِيرُهُ وَالصَّبْرَ أَمِيرُ جُنُودِهِ وَالرِّفْقَ أَخُوهُ وَاللَّيْنَ وَالِدُهُ

امام صادق عليه السلام فرمود: سزاوار است که در مؤمن هشت خصلت باشد: هنگام حوادث لرزاننده باوقار باشد، هنگام گرفتاری شکيبا باشد، هنگام فراوانی نعمت شکرگزار باشد، نسبت به آنچه خداوند روزی او قرار داده قناعت ورزد، بر دشمنان ستم روا ندارد، بار خود را بر دوستان نيافکند، نفسش از او در رنج باشد و مردم از او آسوده باشند، علم و دانش دوست مؤمن است و شکيبایی وزير او و صبر فرمانده لشکريان اوست، و مدارا و نرمش برادر اوست، و نيکی کردن پدر اوست.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ سَبْعَةٌ حُقُوقٌ وَاجِبَةٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى
 الْإِجْلَالُ لَهُ فِي عَيْنِهِ وَالْوُدُّ لَهُ فِي صَدْرِهِ وَالْمُؤَاسَاةُ لَهُ فِي مَالِهِ وَأَنْ يُحَرِّمَ غَيْبَتَهُ
 وَأَنْ يَعُودَهُ فِي مَرَضِهِ وَأَنْ يُشَيِّعَ جَنَازَتَهُ وَأَنْ لَا يَقُولَ فِيهِ بَعْدَ مَوْتِهِ إِلَّا خَيْرًا
 رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: از سوی خدا برای مؤمن به عهده مؤمن هفت حق واجب قرار داده شده است: در چشم خود او را بزرگ شمارد، و در دلش او را دوست بدارد، در مالش با او همراهی کند، و غیبتش را حرام بداند، در هنگام بیماری از او عیادت کند، به تشییع جنازه اش برود، و پس از مردنش جز نیکی در باره او نگوید.

وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَاءَتْهُ سَيِّئَتُهُ وَسَرَّتْهُ حَسَنَتُهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ
 پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: اگر گناه کسی باعث ناراحتی او و عمل نیکیش باعث خوشنودی او شود مؤمن است.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ حِجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ بِمَنَاسِكِهَا وَ
عِنَقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ لَوْجِهَةِ اللَّهِ وَ حُمْلَانِ أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِسُرْجِهَا وَ لُجْمِهَا وَ
قَالَ مَنْ رَأَى أَخَاهُ عَلَى أَمْرٍ يَكْرَهُهُ وَ لَمْ يَرُدَّعْهُ عَنْهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَقَدْ خَانَهُ وَ
مَنْ لَمْ يَجْتَنِبْ مُصَادَقَةَ الْأَحْمَقِ يُوشِكُ أَنْ يَتَخَلَّقَ بِأَخْلَاقِهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: بر آوردن نیاز مؤمن بهتر از هزار حج مقبول با اعمال
آن و آزاد کردن هزار بنده در راه خدا و هزار اسب با بار و زین و دهنه در راه
خداست . و فرمود: هر کس برادرش را در حالت ناراحت کننده ای دید و او را
از آن منع نکرد در حالی که قادر بر این کار بود؛ به او خیانت نموده ، و هر کس
از دوستی با احمق دوری نکند خیلی زود هم اخلاق او می شود.

وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَنْفَكُ الْمُؤْمِنُ مِنْ خِصَالٍ أَرْبَعٍ مِنْ جَارٍ يُؤْذِيهِ وَ شَيْطَانٍ يُغْوِيهِ وَ
مُنَافِقٍ يَقْفُو أَثَرَهُ وَ مُؤْمِنٍ يَحْسُدُهُ قَالَ سَمَاعَةُ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ مُؤْمِنٌ يَحْسُدُهُ قَالَ
يَا سَمَاعَةُ أَمَا إِنَّهُ أَشْهَدُهُمْ أَشَدَّهُمْ عَلَيْهِ قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ لِأَنَّهُ يَقُولُ الْقَوْلَ فِيهِ
فَيُصَدِّقُ عَلَيْهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن از چهار خصلت جدا نیست ، از همسایه ای
که او را اذیت کند، و شیطانی که او را گمراه سازد، و منافقی که دائما به دنبال او
باشد، و مؤمنی که بر او رشک ورزد. سماعه می گوید: به امام عرض کردم :
فدایت شوم ! مؤمنی که به او حسادت می کند؟ فرمود: ای سماعه ! این مؤمن
حسود از همه برای او سخت تر است ، گفتم :

چگونه چنین است ؟ فرمود: در باره او بد می گوید و مردم باور می کنند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يُعَذَّبُ اللَّهُ أَهْلَ قَرْيَةٍ وَفِيهَا مِائَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَذَّبُ اللَّهُ أَهْلَ قَرْيَةٍ وَفِيهَا خَمْسُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَذَّبُ اللَّهُ أَهْلَ قَرْيَةٍ وَفِيهَا عَشْرَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَذَّبُ اللَّهُ أَهْلَ قَرْيَةٍ وَفِيهَا خَمْسَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَذَّبُ اللَّهُ أَهْلَ قَرْيَةٍ وَفِيهَا رَجُلٌ وَاحِدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند اهل آبادی را که در آن صد مؤمن باشد عذاب نمی کند، خداوند مردم روستایی را که در آن پنجاه مؤمن باشد عذاب نمی کند، خداوند اهل قریه ای را که در آن ده مؤمن باشد عذاب نمی کند، خداوند اهل قریه ای را که در آن پنج مؤمن باشد عذاب نمی نماید، خداوند اهل قریه ای را که در آن یک مرد مؤمن باشد عذاب نمی کند.

رَوَى أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نَظَرَ إِلَى الْكَعْبَةِ وَقَالَ مَرَحَبًا بِالْبَيْتِ مَا أَعْظَمَكَ وَمَا أَعْظَمَ حُرْمَتَكَ عَلَى اللَّهِ وَاللَّهُ لِلْمُؤْمِنِ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنْكَ لِأَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مِنْكَ وَاحِدَةً وَمِنَ الْمُؤْمِنِ ثَلَاثَةَ مَالِهِ وَدَمَهُ وَأَنْ يُظَنَّ بِهِ ظَنُّ السَّوِّءِ

نقل شده که رسول خدا ﷺ رو به کعبه نموده و فرمود: آفرین بر خانه، چه چیز تو را با عظمت نموده، و چه چیز حرمت تو را نزد خداوند بزرگ نموده! بخدا قسم مؤمن حرمتش از تو بیشتر است، زیرا خداوند از تو یک چیز را حرام شمرده و از مؤمن سه چیز را: مالش و خورش و اینکه نسبت به او کسی سوء ظن داشته باشد.

وَقَالَ أَيْضًا ﷺ مَنْ آذَى مُؤْمِنًا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَمَنْ آذَى اللَّهَ فَهُوَ مُلْعُونٌ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ

و همچنین رسول خدا ﷺ می فرماید: هر کس مؤمنی را اذیت کند مرا اذیت نموده ، و هر کس مرا اذیت نماید خدای عز و جل را اذیت نموده ، و هر کس خدا را اذیت نماید مورد لعن تورات و انجیل و زبور و قرآن است .

وَقَالَ مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ مَلِكٍ مُقْرَبٍ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ أَكْبَرُ حُرْمَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أَكْرَمُ عَلَيْهِ مِنْ مَلِكٍ مُقْرَبٍ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ مُؤْمِنٍ تَائِبٍ وَ مُؤْمِنَةٍ تَائِبَةٍ وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يُعْرَفُ فِي السَّمَاءِ كَمَا يُعْرَفُ الرَّجُلُ أَهْلَهُ وَ وَكَلَهُ

و همچنین رسول خدا ﷺ فرمود: مثل مؤمن مثل ملک مقرب است ، و حرمت و احترام مؤمن نزد خدا از ملک مقرب نیز بیشتر است ، و هیچ چیزی نزد خدا از مرد و زن توبه کننده محبوبتر نیست ، و مؤمن در آسمانها معروف است همان طور که مرد نزد زن و فرزندش مشهور است .

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الشَّيْعَةُ ثَلَاثَةٌ مُحِبُّ وَادُّ فَهُوَ مِنَّا وَ مُتَزَيِّنٌ بِنَا وَ نَحْنُ زَيْنٌ لِمَنْ تَزَيَّنَ بِنَا وَ مُسْتَاكِلٌ بِنَا النَّاسَ وَ مَنْ اسْتَاكَلَ بِنَا افْتَقَرَ

امام صادق علیه السلام فرمود: شیعه سه دسته اند: دوست صمیمی که از ماست ، و کسانی که ارتباط با ما را وسیله آبرومندی خود نموده اند و ما وسیله آبرومندی آنها هستیم ، و کسانی که ما را وسیله درآمد خود قرار داده اند که هر کس چنین باشد فقیر خواهد شد.

وَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اُمْتَحِنُوا شِيعَتَنَا عِنْدَ ثَلَاثٍ عِنْدَ مَوَاقِبِ الصَّلَاةِ كَيْفَ مُحَافِظَتُهُمْ عَلَيْهَا وَ عِنْدَ أَسْرَارِهِمْ كَيْفَ حِفْظُهُمْ لَهَا عَنْ عَدُوِّنَا وَ إِلَى أَمْوَالِهِمْ كَيْفَ مُوَسَّاتُهُمْ لِأَخْوَانِهِمْ فِيهَا

امام صادق عليه السلام فرمود: شیعیان ما را در سه وقت آزمایش نمایید: در هنگام نماز که چگونه بر آن مواظبت می کنند. در پنهان نگهداشتن اسرار پیروان ما از دشمنان که چه اندازه اسرار آنان را حفظ می نمایند. و نسبت به اموالشان که چگونه با برادران دینی کمک و همراهی می نمایند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا عَلِيُّ بَشِّرْ شِيعَتَكَ وَأَنْصَارَكَ بِخِصَالٍ عَشْرٍ أَوْلَاهَا طِيبُ الْمَوْلِدِ وَثَانِيهَا حُسْنُ إِيمَانِهِمْ بِاللَّهِ وَثَالِثُهَا حُبُّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَهُمْ وَرَابِعُهَا الْفُسْحَةُ فِي قُبُورِهِمْ وَخَامِسُهَا الثُّورُ عَلَى الصَّرَاطِ بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ وَسَادِسُهَا نَزْعُ الْفَقْرِ مِنْ بَيْنِ أَعْيُنِهِمْ وَعَنْ قُلُوبِهِمْ وَسَابِعُهَا الْمَقْتُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِأَعْدَائِهِمْ وَثَامِنُهَا الْأَمْنُ مِنَ الْجَذَامِ يَا عَلِيُّ وَتَاسِعُهَا انْحِطَاطُ الذُّنُوبِ وَالسَّيِّئَاتِ عَنْهُمْ وَعَاشِرُهَا هُمْ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ وَأَنَا مَعَهُمْ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: ای علی! شیعیان و یاران را به ده خصلت بشارت ده: اول به حلال زادگی، دوم به عقیده نیکو به خدا، سوم به دوستی خداوند عز و جل نسبت به آنان، چهارم به گشادگی در قبرهایشان، پنجم به نوری درخشان در پیش رویشان هنگام عبور از صراط، ششم به رفع فقر از دلهایشان، هفتم به دشمنی خدا با دشمنانشان، هشتم به ایمنی از جذام، نهم یا علی! به آنان بشارت ده به فرو ریختن گناهان و بدیها از آنان، دهم به اینکه آنان در بهشت با من می باشند و من با آنها.

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام إِنَّمَا شِيعَةُ عَلِيٍّ الشَّاحِبُونَ النَّاحِلُونَ الدَّابِلُونَ ذَابِلَةُ شِفَاهِهِمْ خَمِيصَةُ بُطُونِهِمْ مُتَغَيِّرَةٌ أَلْوَانُهُمْ مُصْفَرَّةٌ وَجُوهُهُمْ إِذَا جَنَّ اللَّيْلُ اتَّخَذُوا الْأَرْضَ فِرَاشًا

وَاسْتَقْبَلُوا الْأَرْضَ بِجِبَاهِهِمْ كَثِيرٌ سُجُودُهُمْ كَثِيرَةٌ دُمُوعُهُمْ كَثِيرٌ دُعَاؤُهُمْ كَثِيرٌ
بُكَاءُهُمْ يَفْرَحُ النَّاسُ وَهُمْ مَحْزُونُونَ

امام باقر عليه السلام فرمود: شیعیان علی چهره هایشان غبار آلود و دارای اندامی
لاغر و لبانی خشک و شکمهایی به پشت چسبیده و رنگ پریده و صورتی زرد
هستند، هنگام شب زمین را بستر خود قرار داده و پیشانی بر خاک نهند، بسیار
سجده کنند، همواره اشک می ریزند، دائماً در حال دعا هستند، همیشه گریانند،
مردم شادند و آنان اندوهگین .

قَالَ الْبَاقِرُ عليه السلام سئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَنْهُمْ فَقَالَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبَشَرُوا وَإِذَا
أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا وَإِذَا أُعْطُوا شَكَرُوا وَإِذَا ابْتُلُوا صَبَرُوا وَإِذَا غَضِبُوا غَفَرُوا
امام باقر عليه السلام می فرماید: از رسول خدا صلى الله عليه وآله در باره مؤمنین پرسیدند،
فرمود: هر گاه نیکی کنند شادمان گردند، و هر گاه بدی کنند طلب آمرزش
نمایند، و هر گاه چیزی به آنها داده شود شکر گزارند، و هر گاه گرفتار شوند
صبر کنند، و هر گاه خشمگین شوند بیخشند.

وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَوْ ضَرَبْتُ خَيْشُومَ الْمُؤْمِنِ بِسَيْفِي هَذَا عَلَى أَنْ
يُبْغِضَنِي مَا أُبْغِضَنِي وَلَوْ صَبَّتُ الدُّنْيَا بِجُمْلَتِهَا عَلَى الْمُنَافِقِ عَلَى أَنْ يُحِبَّنِي مَا
أَحَبَّنِي وَذَلِكَ أَنَّهُ قُضِيَ فَانْقَضَى عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ أَنَّهُ قَالَ يَا عَلِيُّ لَا يُبْغِضُكَ
مُؤْمِنٌ وَلَا يُحِبُّكَ مُنَافِقٌ

امیر مؤمنان عليه السلام فرمود: اگر با این شمشیرم به بینی مؤمنی بزنم تا اینکه با
من دشمن شود دشمن نخواهد شد، و اگر تمام دنیا را بر منافق بریزم تا اینکه مرا
دوست بدارد با من دوست نشود، زیرا فرمان الهی است که بر زبان پیغمبر صلى الله عليه وآله

جاری شد که فرمود: ای علی! هیچ مؤمنی با تو دشمن نخواهد شد و هیچ منافقی دوست تو نگردد.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَيَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَسَنَامَهَا

امام سجاد عليه السلام می فرماید: زمانی که قائم ما قیام کند خداوند آفت را از میان شیعیان ما بر می دارد و قلبهای آنها را مانند پاره های آهن می سازد و قدرت یک مرد از آنها را برابر چهل مرد قرار می دهد، آنان فرمانروایان زمین و برجستگان آن خواهند شد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِعَلِيِّ يَا عَلِيُّ شِيعَتِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ أَهَانَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَهَانَكَ وَمَنْ أَهَانَكَ فَقَدْ أَهَانَنِي وَمَنْ أَهَانَنِي أَدْخَلَهُ اللَّهُ نَارَ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي وَأَنَا مِنْكَ رُوحَكَ مِنْ رُوحِي وَطِينَتِكَ مِنْ طِينَتِي وَشِيعَتِكَ خُلِقُوا مِنْ فَضْلِ طِينَتِنَا فَمَنْ أَحَبَّهُمْ فَقَدْ أَحَبَّنَا وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ فَقَدْ أَبْغَضْنَا وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَانَا وَمَنْ وَدَّهُمْ فَقَدْ وَدَّنَا يَا عَلِيُّ شِيعَتِكَ مَغْفُورٌ لَهُمْ عَلَى مَا كَانُوا مِنْ ذُنُوبٍ وَعُيُوبٍ يَا عَلِيُّ أَنَا الشَّفِيعُ لِشِيعَتِكَ غَدًا إِذَا قُمْتُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ فَبَشِّرْهُمْ بِذَلِكَ يَا عَلِيُّ شِيعَتِكَ شِيعَةُ اللَّهِ وَأَنْصَارُ اللَّهِ وَأَوْلِيَاؤُكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ وَحِزْبُكَ حِزْبُ اللَّهِ سَعَدَ مَنْ تَوَلَّاكَ وَشَقِيَ مَنْ عَادَاكَ يَا عَلِيُّ لَكَ كَنْزٌ فِي الْجَنَّةِ وَأَنْتَ ذُو قَرْنَيْهَا

رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: ای علی! شیعیان تو در روز قیامت رستگارند. و چنانچه هر که به یکی از آنان اهانتی کند به تو اهانت کرده

است ، و کسی که تو را اهانت کند به من اهانت نموده ، و هر کس به من اهانت کند خداوند او را داخل آتش جهنم نماید سپس فرمود: چه عذاب دردناکی است؟! ای علی! تو از منی و من از تو، روح تو از روح من است ، و سرشت تو از سرشت من ، و شیعیان تو از زیادی سرشت ما خلق شده اند، هر کس آنان را دوست بدارد ما را دوست داشته ، و اگر کسی با آنان دشمنی کند با ما دشمنی نموده ، و هر کس نسبت به آنان کینه بورزد به ما کینه ورزیده ، و هر کس به آنها مهر بورزد به ما مهر ورزیده .

ای علی! شیعیان تو از تمام گناهان و عیبهآمرزیده شده اند. ای علی! بشارت ده به شیعیانت که من هنگام قرار گرفتن در مقام محمود شفیع آنان خواهم بود. ای علی! شیعیان تو شیعه خدا، و یاران تو یاران خدا، و دوستان تو دوستان خدا، و حزب تو حزب خدا می باشند، خوشبخت است آنکه دارای ولایت تو است ، و بدبخت کسی که با تو دشمنی کند. ای علی! برای تو در بهشت گنجی است ، و تو اسکندر آنی .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَبْعَثُ أَنْاسًا وُجُوهُهُمْ مِنْ نُورٍ عَلَيَّ كُرْسِيِّ مِنْ نُورٍ عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ مِنْ نُورٍ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ بِمَنْزِلَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ لَيْسُوا بِالْأَنْبِيَاءِ بِمَنْزِلَةِ الشُّهَدَاءِ وَ لَيْسُوا بِالشُّهَدَاءِ فَقَالَ رَجُلٌ أَنَا مِنْهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لَأَقَالَ الْآخِرُ أَنَا مِنْهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لَأَقِيلَ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَيَّ رَأْسِ عَلِيٍّ وَ قَالَ هَذَا وَ شِيعَتُهُ

رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند متعال روز قیامت انسانهایی را بر می انگیزد که چهره های آنان نورانی است ، و بر کرسی نور نشسته اند، در لباسهایی از نور،

و آنان در جایگاه پیامبرانند، با اینکه پیامبر نیستند، و در رتبه شهیدانند، با اینکه از شهداء نیستند.

مردی پرسید: ای رسول خدا! من از آنانم؟ فرمود: نه، دیگری گفت: ای رسول خدا! من از آنهایم؟ فرمود: نه، پرسیدند: آنها چه کسانی هستند ای رسول خدا؟ پیامبر دست بر سر علی عَلِيٍّ نهاد و فرمود: این و شیعیانش.

و قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَسْتَخَفُّوا بِفُقَرَاءِ شِيعَةِ عَلِيٍّ وَ عِتْرَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ لِيُشَفَّعَ فِي مِثْلِ رَبِيعَةَ وَ مُضَرَ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: فقیران شیعه علی و اولادش را سبک نشمیرید، زیرا یک تن از آنها می تواند مانند دو قبیله بزرگ ربیعه و مضر را شفاعت کند.

و قَالَ رَبُّ أَشْعَثَ أَغْبَرَ ذِي طَمْرَيْنٍ مُدَقِّعٍ بِالْأَبْوَابِ لَوْ أَقْسَمَ عَلَيَّ اللَّهُ لَأَبْرَهُ
رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: چه بسا ژولیده موی غبار آلوده ای که لباسی کهنه دارد و به در خانه ها برای طلب حاجت می رود، اگر خداوند را قسم دهد حاجتش را روا کند.

قَالَ الْبَاقِرُ عَلِيٍّ مَا مِنْ عَبْدٍ مِنْ شِيعَتِنَا يَقُومُ إِلَى الصَّلَاةِ إِلَّا أَكْتَفَتْهُ بَعْدَ مَنْ خَالَفَهُ
مَلَائِكَةٌ يُصَلُّونَ خَلْفَهُ يَدْعُونَ اللَّهَ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ صَلَاتِهِ

هیچ بنده ای از شیعیان ما به نماز نمی ایستد مگر آنکه به شماره کسانی که مخالف اویند فرشتگان پشت سر او به نماز می ایستند، و برای او دعای خیر می کنند تا از نماز فارغ شود.

قَالَ جَابِرٌ كُنْتُ ذَاتَ يَوْمٍ عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ إِذْ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ؑ فَقَالَ أَلَا أُبَشِّرُكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ قَالَ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ هَذَا جَبْرَائِيلُ يُخْبِرُنِي عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ أُعْطِيَ شِيعَتَكَ وَ مُحِبِّكَ سَبْعَ خِصَالٍ الرَّفْقَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْأَنْسَ عِنْدَ الْوَحْشَةِ وَ الثُّورَ عِنْدَ الظُّلْمَةِ وَ الْأَمْنَ عِنْدَ الْفَزَعِ وَ الْقِسْطَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ الْجَوَازَ عَلَى الصِّرَاطِ وَ دُخُولَ الْجَنَّةِ قَبْلَ سَائِرِ النَّاسِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ

جابر گوید: روزی نزد پیامبر ﷺ بودم ، ناگاه رو به طرف علی بن ابی طالب ؑ نمود و فرمود: ای ابو الحسن ! آیا تو را مژده ای دهم ؟ عرض کرد: بلی ای رسول خدا، فرمود:

جبرئیل از طرف خداوند به من خبر داد که هفت خصلت به شیعیان و دوستداران عطا شد، مدارا با آنان در هنگام مرگ ، انس هنگام رمیدن و وحشت مردم ، روشنی در هنگام تاریکی ، ایمنی در هنگام برپایی قیامت ، عدالت در میزان عمل ، گذشتن از پل صراط، داخل شدن به بهشت قبل از سایر مردم ، در حالی که نور ایمان آنان در پیشاپیش و سمت راست آنان در حرکت است .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى أَوَّلِ النَّعْمِ قِيلَ وَمَا أَوَّلُ النَّعْمِ قَالَ طَيْبُ الْوِلَادَةِ وَ لَا يُحِبُّنَا إِلَّا مَنْ طَابَتْ وَوِلَادَتُهُ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر که ما اهل بیت را دوست بدارد خدای را بر نخستین نعمت سپاس گوید. شخصی پرسید: نخستین نعمت چیست ؟ فرمود: پاک زادگی . سپس فرمود: هیچ کس نمی تواند ما را دوست بدارد مگر اینکه حلال زاده باشد.

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَأَهْلِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِهِ وَعِترَتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ عِترَتِهِ وَذَاتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ رَفْلَتِي خدایا ﷺ فرمود: بنده به حقیقت ایمان نمی رسد مگر اینکه مرا از جان خویش بیشتر دوست بدارد، و همچنان اهل بیت و عترت مرا از خانواده خود و هستی مرا از هستی خویش محبوبتر بداند.

وَقَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ أَصْبَحَ يَجِدُ بَرْدَ حُبِّنَا عَلَىٰ قَلْبِهِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَىٰ بَادِي النَّعْمِ قِيلَ وَمَا بَادِي النَّعْمِ قَالَ طِيبُ الْوَلَادَةِ

امام باقر علیه السلام فرمود: هر که گذران عمر نماید و خنکی دوستی با ما را بر قلبش احساس کند، نخست باید خداوند را بر آغازین نعمتها ستایش کند، پرسیده شد: مقصود شما از آغازین نعمتها چیست؟ فرمود: حلال زادگی.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَئِمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلَا يَشْكَنَّ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ وَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عَشْرِينَ خَصْلَةً عَشْرٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَعَشْرٌ فِي الْآخِرَةِ أَمَّا فِي الدُّنْيَا فَالزُّهْدُ وَالْحِرْصُ عَلَى الْعِلْمِ وَالْوَرَعُ فِي الدِّينِ وَالرَّغْبَةُ فِي الْعِبَادَةِ وَالتَّوْبَةُ قَبْلَ الْمَوْتِ وَالنَّشَاطُ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ وَالْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَالْحِفْظُ لِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَنَهْيُهُ وَالتَّاسِعَةُ بُغْضُ الدُّنْيَا وَالْعَاشِرَةُ السَّخَاءُ وَأَمَّا فِي الْآخِرَةِ فَلَا يُنْشَرُ لَهُ دِيْوَانٌ وَلَا يُنْصَبُ لَهُ مِيزَانٌ وَيُعْطَى كِتَابُهُ بِيَمِينِهِ وَيُكْتَبُ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَيَبْيَضُّ وَجْهُهُ وَيُكْسَى مِنْ حُلْلِ الْجَنَّةِ وَيُشَفَّعُ فِي مِائَةٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَيَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ وَيُتَوَجَّحُ مِنْ تَيْجَانِ الْجَنَّةِ وَالْعَاشِرَةُ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَطُوبَى لِمُحِبِّي أَهْلِ بَيْتِي

رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس که خداوند مهر امامان از خاندان مرا را روزی او فرمود، خیر دنیا و آخرت نصیب او گشت، و شک نکند که او در بهشت است، زیرا در مهر خاندان من بیست خصلت است، ده در دنیا و ده تای آن در آخرت.

اما در دنیا: زهد، و حرص بر طلب علم، و پرهیزگاری در دین، و میل در عبادت، و توبه قبل از مرگ، و نشاط در شب زنده داری، و چشم نداشتن به آنچه در دست مردم است، محافظت بر امر و نهی خداوند، و نهم نفرت از دنیا، و دهم سخاوت.

اما در آخرت: حساب و کتابی برایش بر پا نمی گردد، برای او میزانی نصب نمی گردد، و نامه عمل او به دست راستش داده شود، و برائت از آتش جهنم نصیبش گردد، سپید روی باشد، و بر او از جامه های بهشتی پوشیده شود، و حق شفاعت صد نفر از خانواده اش به او داده شود، و خداوند نظر رحمت بر او افکند، و تاج بهشتی بر تارکش نهند، و دهم آنکه بدون حساب داخل بهشت شود، خوشا بحال دوستان خاندان من.

عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ صَانِعِ الْمُنَافِقِ بِلِسَانِكَ وَأَخْلِصْ وَدُكَّ لِلْمُؤْمِنِينَ وَإِنْ جَالَسَكَ يَهُودِيٌّ فَأَحْسِنْ مُجَالَسَتَهُ

امام صادق علیه السلام فرمود: با منافق با زبان مدارا معاشرت کن، و مهربانی بی شائبه و حقیقی خود را برای مؤمنان بگذار، و اگر یهودی ای همنشین تو باشد همنشینی نیکو برای او باش.

قَالَ سَلْمَانُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ أَوْصَانِي خَلِيلِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِسَبْعِ خِصَالٍ لَا أَدْعُهُنَّ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ أَوْصَانِي أَنْ أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ دُونِي وَلَا أَنْظُرَ إِلَيَّ مَنْ هُوَ فَوْقِي وَأَنْ أَحِبَّ الْفُقَرَاءَ وَأَذْنُوهُمْ مِنْهُمْ وَأَنْ أَقُولَ الْحَقَّ وَإِنْ كَانَ مُرًّا وَأَنْ أَصِلَ رَحِمِي وَإِنْ كَانَتْ مُدْبِرَةً وَأَنْ لَا أَسْأَلَ النَّاسَ شَيْئًا وَأَنْ أَقُولَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ

سلمان فارسی رضی اللہ عنہ می گوید: دوستم رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله و سلم مرا به هفت خصلت سفارش فرمود که آنها را در هیچ حال ترک نمی کنم ، و آنها این است :

اول اینکه همیشه به زیر دستم نظر کنم نه به بالا دستم ، دوم اینکه فقراء را دوست بدارم و به آنها نزدیک شوم ، سوم اینکه سخن حق بگویم گرچه تلخ باشد، چهارم اینکه صله رحم کنم گرچه آنان از من رو گردان باشند، پنجم اینکه از مردم چیزی نخواهم ، ششم اینکه ذکر «لا حول و لا قوّة إلاّ باللّٰه» بگویم و در هر حال فقط از خدا مدد جویم ، زیرا آن از گنجهای بهشت است .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حُسْنُ الْمَحْضَرِ مِنْ طِيبِ الْمَوْلِدِ
رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله و سلم فرمود: معاشرت نیکو علامت پاکزادگی است .

وَقَالَ الصَّادِقُ عليه السلام أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ صَدُوقٌ فِي حَدِيثِهِ مُحَافِظٌ عَلَى صَلَاتِهِ وَمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ مَعَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ
امام صادق عليه السلام فرمود: محبوبترین بندگان نزد خداوند کسی است که در گفتارش راستگو باشد، و بر نماز و آنچه خداوند بر او واجب نموده مواظب باشد، و اداء امانت نماید.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ خِيَارُكُمْ سُمَحَاؤُكُمْ وَ شِرَارُكُمْ بُخَلَاؤُكُمْ وَ مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ
 الْبِرُّ بِالْإِخْوَانِ وَ السَّعْيُ فِي حَوَائِجِهِمْ وَ فِي ذَلِكَ مَرْغَمَةٌ لِلشَّيْطَانِ وَ تَرْحُزُ عَنْ
 النَّيْرَانِ وَ دُخُولِ الْجِنَانِ قَالَ يَا جَمِيلُ أَخْبِرْ بِهَذَا الْحَدِيثِ غُرَّرَ أَصْحَابُكَ فَقَالَ لَهُ
 جُعِلْتُ فِدَاكَ مَنْ غُرَّرَ أَصْحَابِي قَالَ هُمُ الْبَارُونَ بِالْإِخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَ الْيُسْرِ ثُمَّ
 قَالَ يَا جَمِيلُ أَمَا إِنَّ صَاحِبَ الْكَثِيرِ يَهُونُ عَلَيْهِ ذَلِكَ وَ قَدْ مَدَحَ اللَّهُ صَاحِبَ الْقَلِيلِ
 وَ يُؤَثِّرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خِصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ
 الْمُفْلِحُونَ

امام صادق علیه السلام می فرماید: بهترین شما بخشنده ترین شمایند، و بدترین شما
 بخیلان شمایند، از کارهای شایسته نیکی کردن به برادران و کوشش در بر
 آوردن حاجات آنهاست، زیرا از این کار شیطان منکوب می شود، و موجب
 دوری از آتش و دخول در بهشت است. ای جمیل! این حدیث را برای
 برجستگان از یاران نقل کن! جمیل می گوید: عرض کردم: قربانت کردم،
 برجستگان اصحاب من کیانند؟ فرمود: آنها که با برادران خود در خوشی و
 سختی نیکی کنند.

سپس فرمود: ای جمیل! این کار برای شخص ثروتمند آسان است ولی
 خداوند مدح نموده احسان نمودن درویشان را و فرموده: (کسانی که با فرط
 احتیاج دیگران را بر خود مقدم می دارند، آنان که خویش را از بخل نگهداشتند
 هم آنان رستگارانند).

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا أَذْنَى حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى أَخِيهِ قَالَ أَنْ لَا يَسْتَأْثَرَ عَلَيْهِ
 بِمَا هُوَ أَحْوَجُ إِلَيْهِ مِنْهُ

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: کمترین حق مؤمن بر برادرش چیست ؟
فرمود: آنست که نیازهای ضروری او را بر نیاز خود مقدم دارد.

وَ قَالَ أَيْضاً تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِمُؤَاَسَاةِ إِخْوَانِكُمْ

امام صادق علیه السلام فرمود: به وسیله همدردی با برادرانتان به خدا تقرب
بجوئید.

وَ قَالَ أَيْضاً الْمُؤْمِنُ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنَ الْكَعْبَةِ

امام صادق علیه السلام فرمود: ارزش و احترام مؤمن از کعبه فزونتر است .

وَ قَالَ الصَّدَاقَةُ مَحْدُودَةٌ فَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ تِلْكَ الْحُدُودُ فَلَا تَنْسُبْهُ إِلَى كَمَالِ
الصَّدَاقَةِ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ تِلْكَ الْحُدُودِ فَلَا تَنْسُبْهُ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الصَّدَاقَةِ
أَوَّلُهَا أَنْ تَكُونَ سَرِيرَتُهُ وَ عَلَانِيَتُهُ لَكَ وَ أَحَدَةٌ وَ الثَّانِيَةُ أَنْ يَرَى زَيْنَكَ زَيْنَهُ وَ
شَيْنَكَ شَيْنَهُ وَ الثَّلَاثَةُ أَنْ لَا يُغَيِّرُهُ مَالٌ وَ لَا وِلَايَةٌ وَ الرَّابِعَةُ أَنْ لَا يَمْنَعَكَ شَيْئاً مِمَّا
تَصِلُ إِلَيْهِ مَقْدَرَتُهُ وَ الْخَامِسَةُ أَنْ لَا يُسَلِّمَكَ عِنْدَ النَّكَبَاتِ

امام صادق علیه السلام فرمود: دوستی دارای مرزهایی است ، هر که دارای این
شرایط نباشد او را دوستی کامل نام ، و هر کس دارای چنین حدودی نباشد به
او هیچ درجه ای از دوستی را نسبت نده ، نخست اینکه : پنهان و آشکارش
برای تو یکی باشد، دوم اینکه : آراستگی تو را آراستگی خود بداند و زشتی تو
را زشتی خود، سوم آنکه : دارایی و منصب او را دگرگون نسازد، چهارم آنکه :
آنچه را بر آن قدرت دارد از تو دریغ نکند، پنجم آنکه : تو را هنگام شکستهای
روزگار ترک نکند.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إبليسُ عَلَيْهِ اللَّعْنَةُ خَمْسٌ لَيْسَ لِي فِيهِنَّ حِيلَةٌ وَ سَائِرُ النَّاسِ فِي قَبْضَتِي مَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ مِنْ نِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَ اتَّكَلَ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ وَ مَنْ كَثُرَ تَسْبِيحُهُ فِي لَيْلِهِ وَ نَهَارِهِ وَ مَنْ رَضِيَ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ مَا يَرْضَاهُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ لَمْ يَجْزَعْ عَلَى الْمُصِيبَةِ حِينَ تُصِيبُهُ وَ مَنْ رَضِيَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ وَ لَمْ يَهْتَمَّ لِرِزْقِهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: شیطان می گوید: پنج کسند که نمی توانم چاره ای برای آنان بیندیشم ، اما بقیه مردم در مشت منند: آن کس که از روی راستی و دل پاک به خدا پناه برد و در همه کارهایش به او اعتماد کند، و آنکه در شب و روز خود بسیار تسبیح گوید، و آن کس که آنچه را برای خود می پسندد برای برادر مؤمنش بیسندد، و آنکه در هنگام مصیبت بی تابی نکند، و کسی که به داده خدا خشنود باشد و برای روزی خود اندوهگین نباشد.

قَالَ الْبَاقِرُ عليه السلام أَحَبُّ أَخَاكَ الْمُسْلِمَ وَ أَحَبُّ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ أَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ إِذَا احْتَجَّتْ فَاسْأَلْهُ وَ إِذَا سَأَلَكَ فَأَعْطِهِ وَ لَا تَدْخِرْ عَنْهُ خَيْرًا فَإِنَّهُ لَا يَدْخِرُهُ عَنْكَ كُنْ لَهُ ظَهْرًا فَإِنَّهُ لَكَ ظَهْرٌ إِنْ غَابَ فَاحْفَظْهُ فِي غَيْبَتِهِ وَ إِنْ شَهِدَ فَرُّهُ وَ أَجَلُّهُ وَ أَكْرَمُهُ فَإِنَّهُ مِنْكَ وَ أَنْتَ مِنْهُ وَ إِنْ كَانَ عَلَيْكَ عَاتِبًا فَلَا تُفَارِقْهُ حَتَّى تَسْأَلَ سَخِيمَتَهُ وَ مَا فِي نَفْسِهِ وَ إِذَا أَصَابَهُ خَيْرٌ فَاحْمَدِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ وَ إِنْ ابْتُلِيَ فَأَعْضُدْهُ وَ تَمَحَّلْ لَهُ

امام باقر عليه السلام می فرماید: برادر مسلمانان را دوست بدار، و دوست بدار برای او آنچه را برای خود دوست داری ، و آنچه را برای خودت نمی پسندی برای او هم میسند، اگر نیازی داشتی رفع آن را از او بخواه ، و اگر از تو چیزی خواست

حاجتش را بر آور، هیچ خیری را از او پنهان مکن ، همچنان که او از تو پنهان نمی کند، پشتیبان او باش زیرا او پشتیبان تو است ، غیبتش را نگهدار، و اگر بازگشت به دیدار او برو، و او را تجلیل و اکرام کن ، زیرا او از تو و تو از او بی ، و اگر تو را سرزنش نمود از او نبر تا اینکه از دلخوری و گرفتگی جان آرامش پیدا کند، و زمانی که به او خیری رسید خدا را بر آن ستایش کن ، و اگر گرفتار شد کمکش کن و او را تقویت کن .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْذُلُ أَخَاهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى نَصْرَتِهِ إِلَّا خَذَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هیچ مؤمن توانمندی نیست که خار سازد برادر مؤمنش را مگر اینکه خداوند او را در دنیا و آخرت خار سازد.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ رَوَى عَلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ رِوَايَةً يُرِيدُ بِهَا شَيْنَهُ وَ هَدَمَ مَرْوَتَهُ لِيُسْقِطَهُ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ أَخْرَجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ وِلَايَتِهِ إِلَى وِلَايَةِ الشَّيْطَانِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: کسی که علیه برادر مؤمنش سخنی بگوید و هدفش بد جلوه دادن و نابود کردن شخصیت او باشد، تا اینکه او را از چشم مردم بیاندازد؛ خداوند متعال او را از ولایتش خارج و به ولایت شیطان متصل می سازد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَحَبَّنَا كَانَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَجْرًا لِحَسْرَةِ اللَّهِ مَعَهُ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر که ما را دوست بدارد روز قیامت با ماست ، و چنانچه شخصی سنگی را دوست بدارد، خداوند او را با آن سنگ محشور خواهد کرد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ مِنْ أَوْثَقِ عُرَى الْإِسْلَامِ أَنْ يُحِبَّ فِي اللَّهِ وَيُبْغِضَ فِي اللَّهِ وَيُعْطِيَ فِي اللَّهِ وَيَمْنَعَ فِي اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا
امام صادق علیه السلام می فرماید: از مطمئن ترین دستگیره اسلام آن است که : دوست بدارد برای خدا، و دشمنی بدارد برای خدا، و ببخشد در راه خدا، و منع کند به خاطر خدا.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ جَالَسَ لَنَا عَائِبًا أَوْ مَدَحَ لَنَا غَالِيًا أَوْ وَاصَلَ لَنَا قَاطِعًا أَوْ قَاطَعَ لَنَا وَاصِلًا أَوْ وَاوَى لَنَا عَدُوًّا أَوْ عَادَى لَنَا وَلِيًّا فَقَدْ كَفَرَ بِالَّذِي أَنْزَلَ السَّبْعَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ
امام صادق علیه السلام فرمود: هر که با عیبجوی ما همنشینی نماید، یا دشمن ما را مدح نماید، و یا پیوند نماید با کسی که از ما برید، یا از بستگان ما کناره گیرد، یا با دشمنان ما دوستی نماید، یا با دوست ما دشمنی کند، به خدایی که سبع مثنی [سوره حمد] و قرآن عظیم را فرو فرستاده کافر شده است .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَدْخُلُوا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا وَ لَا تَوْمِنُوا تَوْمِنُونَ حَتَّى تَحَابُّوا وَ لَا تَحَابُّوا زَائِدَةٌ أَوْ لَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِنْ فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَّبْتُمْ أَفْسُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ وَ قَالَ إِذَا النَّاسُ أَظْهَرُوا الْعِلْمَ وَ ضَيَّعُوا الْعَمَلَ

وَلَا زَائِدَةٌ تَحَابُّوْا بِاللِّسَنِ وَ تَبَاغَضُوْا بِالْقُلُوْبِ وَ تَقَاطَعُوْا فِي الْأَرْحَامِ لَعَنَهُمُ اللَّهُ
عِنْدَ ذَلِكَ فَأَصَمَّهُمْ وَ أَعْمَى أَبْصَارَهُمْ

رسول خدا ﷺ فرمود: قسم به کسی که جانم در دست قدرت اوست ،
داخل بهشت نخواهید شد مگر اینکه ایمان آورید، و ایمان نخواهید آورد مگر
اینکه همدیگر را دوست بدارید، آیا شما را راهنمایی کنم به چیزی که اگر آن را
انجام دهید با یک دیگر دوست خواهید شد؟ سلام را در بین خودتان آشکار
کنید [یعنی شعار رسمی قرار دهید] و باز فرمود: هر گاه مردم تظاهر به دانش
نمایند، و عمل را بکار نهند، و همدیگر را به لقلقه زبان دوست بدارند، و در دل
دشمن همدیگر باشند، و پیوند فامیلی را بگسلند، در این هنگام خداوند بر آنان
نفرین فرستد و گوشه‌ایشان را کر و چشمانشان را کور گرداند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَثْرَةُ الْمِرَاحِ يَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ وَ كَثْرَةُ الضَّحْكِ يَمْحُو
الْإِيْمَانَ وَ كَثْرَةُ الْكُذْبِ يَذْهَبُ بِالْبَهَاءِ

رسول خدا ﷺ فرمود: شوخی بسیار آبرو را می برد، و خنده بسیار ایمان
را نابود می کند، و دروغ بسیار آبرو و اعتبار را می برد.

قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ بِمَ يُعْرَفُ النَّاجِي فَقَالَ مَنْ كَانَ فِعْلُهُ لِقَوْلِهِ مُوَافِقًا فَهُوَ
نَاجٍ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِعْلُهُ لِقَوْلِهِ مُوَافِقًا فَإِنَّمَا ذَلِكَ مُسْتَوْدَعٌ

از امام صادق ﷺ پرسیده شد: نشانه پیروزمند چیست ؟ فرمود: هر کس
کردارش موافق گفتارش باشد، او پیروزمند است ، و هر که کردارش موافق
گفتارش نباشد دیانتی عاریه ای و لرزان دارد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا خَلَقْتُ الْمُلُوكَ وَ قُلُوبُهُمْ بِيَدِي فَأَيُّمَا قَوْمٍ أَطَاعُونِي جَعَلْتُ الْمُلُوكَ عَلَيْهِمْ رَحْمَةً وَأَيُّمَا قَوْمٍ عَصَوْنِي جَعَلْتُ الْمُلُوكَ عَلَيْهِمْ سَخِطَةً أَلَا لَا تَشْغَلُوا أَنْفُسَكُمْ بِسَبِّ الْمُلُوكِ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ أُعْطِفَ بِقُلُوبِهِمْ عَلَيْكُمْ

رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند متعال می فرماید: من خدایی هستم که هیچ معبودی جز من نیست ، پادشاهان را بر آنها آفریدم ، و دلهای آنها در دست من است ، هر قومی که مرا اطاعت کند پادشاهان را بر آنها مهربان قرار می دهم ، و هر قومی که از فرمانم سرپیچی کند پادشاهان را بر آنان خشمگین قرار می دهم ، آگاه باشید! که خودتان را به دشنام دادن به پادشاهان مشغول ندارید، به سوی خدا برگردید تا قلبهای آنان را بر شما مهربان گرداند.

وَعَنْهُ قَالَ مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَاعِظٌ مِنْ قَلْبِهِ وَ زَاجِرٌ مِنْ نَفْسِهِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ قَرِينٌ مُرْشِدٌ اسْتَمَكَنَ عَدُوَّهُ مِنْ عُنُقِهِ

رسول خدا ﷺ که فرمود: هر که راهنمایی در قلب ، و باز دارنده ای از درون جان خود نداشته باشد، و همدمی مرشد نداشته باشد، دشمنش بر او مسلط خواهد شد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى أَيُّمَا عَبْدٍ أَطَاعَنِي لَمْ أَكِلْهُ إِلَى غَيْرِهِ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ عَصَانِي وَ كَلَّتْهُ إِلَى نَفْسِهِ ثُمَّ لَمْ أَبَالِ فِي أَيِّ وَادٍ هَلَكَ

رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند متعال می فرماید: هر بنده ای که مرا اطاعت کند او را به غیر خودش وانمی گذارم ، و هر بنده ای که عصیان مرا نماید او را به خودش وامی گذارم ، و باکی ندارم که در کدام سرزمین نابود می شود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ غَلَبَ عِلْمُهُ هَوَاهُ فَذَاكَ عِلْمٌ نَافِعٌ وَمَنْ جَعَلَ شَهْوَتُهُ تَحْتَ قَدَمَيْهِ فَرَّ الشَّيْطَانُ مِنْ ظِلِّهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِدَاوُدَ حَرَامٌ عَلَيَّ كُلُّ قَلْبٍ عَالِمٍ مُحِبٌّ لِلشَّهَوَاتِ أَنْ أَجْعَلَهُ إِمَامًا لِلْمُتَّقِينَ

رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که علمش بر هوای نفسش غلبه کند، این علم سودمند است ، و هر که شهوتش را زیر پایش قرار دهد شیطان از سایه اش فرار می کند. خداوند متعال به حضرت داود عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: حرام است هر دانشمندی را که دلش دوستدار شهرت است رهبر پرهیزگاران قرار دهم .

قَالَ الرَّضَاءُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ سُنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ وَلِيِّهِ فَالسُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ كِتْمَانُ سِرِّهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا. إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ وَ أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ نَبِيِّهِ فَمُدَارَاةُ النَّاسِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَ نَبِيَّهُ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ فَقَالَ خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ وَ أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ وَلِيِّهِ فَالصَّبْرُ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَاءِ

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: تا سه خصلت در مؤمن نباشد مؤمن نخواهد بود: سنتی از آفریدگارش ، و سنتی از پیغمبرش ، و سنتی از امامش .

اما سنت پروردگارش راز نگهداری است ، خداوند متعال می فرماید: (خدا عالم به غیب است و بر راز نهانی خود کسی را مطلع نکند مگر رسولی را که می پسندند).

اما سنت پیغمبرش مدارا کردن با مردم است ، که خدای عز و جل پیغمبرش را به مدارا با مردم دستور داده و فرموده : (عفو و چشم پوشی را شیوه خود کن ، به نیکی دستور بده ، و از نادانان روی گردان).

و اما سنت امامش ، صبر در سختی و گرفتاری است .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا تَظْهَرِ الشَّمَاتَةَ لِأَخِيكَ فِي اللَّهِ وَ يَبْتَلِيكَ

رسول خدا ﷺ فرمود: برادرت را در گرفتاری شماتت مکن ، چه بسا خداوند او را مورد رحمت قرار دهد و تو را مبتلا و گرفتار سازد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ لَا تَجْعَلَنَّ أَكْثَرَ شُغْلِكَ بِأَهْلِكَ وَ وَلَدِكَ فَإِنَّ يَكُنْ أَهْلُكَ وَ وَلَدُكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ فَاللَّهُ لَا يُضِيعُ أَوْلِيَاءَهُ وَ إِنْ يَكُونُوا أَعْدَاءَ اللَّهِ فَمَا هُمْكَ وَ شُغْلُكَ بِأَعْدَاءِ اللَّهِ

امیر مؤمنان علی بن ابی طالب می فرماید: بیشترین اوقات خود را به خانواده و فرزندان اختصاص نده ، زیرا اگر خانواده و فرزندان از اولیاء خدا باشند خداوند اولیائش را فراموش نمی کند، و اگر از دشمنان خدا باشند تلاش و اندوه تو برای دشمنان خدا به چه خاطر است ؟

وَ قَالَ لِأَهْلِ التَّقْوَى عِلْمَاتٌ يُعْرَفُونَ بِهَا صِدْقُ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ وَ قَلَّةُ النِّعَمِ وَ الْبُخْلِ وَ صِلَةُ الْأَرْحَامِ وَ رَحْمَةُ الضُّعْفَاءِ وَ قَلَّةُ الْمُؤَاتَاةِ لِلنِّسَاءِ وَ بَدَلُ الْمَعْرُوفِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ سَعَةُ الْحِلْمِ وَ اتِّبَاعُ الْعِلْمِ فِيمَا يُقَرِّبُ إِلَى اللَّهِ عِزٌّ وَ جَلٌّ طُوبَى لَهُمْ وَ حُسْنُ مَأَبٍ وَ طُوبَى شَجَرَةٍ فِي الْجَنَّةِ أَصْلُهَا فِي دَارِ رَسُولِ اللَّهِ فَلَيْسَ مُؤْمِنٌ إِلَّا وَ فِي دَارِهِ غُصْنٌ مِنْ أَغْصَانِهَا لَا يَنْوِي فِي قَلْبِهِ شَيْئاً إِلَّا أَتَاهُ ذَلِكَ الْغُصْنُ بِهِ وَ لَوْ أَنَّ رَاكِباً مُجِدّاً سَارَ فِي ظِلِّهَا مِائَةَ عَامٍ لَمْ يَخْرُجْ مِنْهَا وَ لَوْ أَنَّ غُرَاباً طَارَ مِنْ أَصْلِهَا مَا بَلَغَ أَغْلَاهَا حَتَّى صَارَ هَرِمًا إِلَّا فِي هَذَا فَارْعَبُوا إِنَّ الْمُؤْمِنَ مِنْ نَفْسِهِ فِي شُغْلِ النَّاسِ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ إِذَا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ فَرَشَ وَجْهَهُ وَ سَجَدَ لِلَّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ بِمَكَارِمِ بَدَنِهِ وَ يُنَاجِي الَّذِي خَلَقَهُ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِهِ إِلَّا فَهَكَذَا كُونُوا

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: برای پرهیزگاران نشانه هائی است که به توسط آنها شناخته می شوند: راستگویی ، ردّ امانت ، وفای به عهد، کمتر اندوهگین شدن ، و کمتر بخل ورزیدن ، پیوند با نزدیکان ، مهربانی بر ضعیفان ، کم مباشرت کردن با زنان ، بخشش و احسان ، خوش خلقی ، حلم ورزی ، پیروی از دانشی که موجب نزدیک شدن به خداست (خوشا به حال آنها و چه خوش سرانجامی دارند).

و طوبی نام درختی است در بهشت که اصل و ریشه اش در خانه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و در خانه هر مؤمنی بدون استثناء شاخه ای از شاخه هایش وجود دارد و هر خواسته ای که بر دل او بگذرد آن شاخه به او می دهد. و اگر سواری تندرو صد سال در سایه اش راه بییماید از زیر سایه آن بیرون نخواهد رفت ، و اگر کلاغی از بن آن پرواز کند به بالای آن نرسد تا اینکه پیر شود، آگاه باشید! و به این نعمت بی کران رغبت کنید.

همانا مؤمن به خود سرگرم است ، و مردم از او در آسایشند، چون تاریکی شب او را فراگیرد روی بر خاک نهد و برای خدای تعالی با شریف ترین اعضای بدنش سجده کند، و با آن کس که او را آفریده برای رهائی خود از دوزخ راز و نیاز می کند، آگاه باشید! و چنین باشید.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَعْبُدُ النَّاسَ مَنْ يُقِيمُ الْفَرَائِضَ وَ أَرْهَدُ النَّاسَ مَنْ اجْتَنَبَ الْحَرَامَ وَ اتَّقَى النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِيمَا لَهُ وَ عَلَيْهِ وَ أَوْرَعُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَ إِنْ كَانَ مُحِقًّا وَ أَشَدُّ النَّاسِ اجْتِهَادًا مَنْ تَرَكَ الذُّنُوبَ وَ أَكْرَمُ النَّاسِ اتَّقَاهُمْ وَ أَعْظَمُ النَّاسِ قَدْرًا مَنْ تَرَكَ مَا لَا يَعْنِيهِ وَ أَسْعَدُ النَّاسِ مَنْ خَالَطَ كِرَامَ النَّاسِ

رسول خدا ﷺ فرمود: عابدترین مردم کسی است که واجبات را بپا دارد، و پارساترین مردم کسی است که از محرّمات پرهیزد، و با تقواترین مردم کسی است که همیشه سخن حق بگوید چه به نفعش باشد چه به ضررش، و پرهیزگارترین مردم کسی است که از جدال دوری کند و گرچه حق با او باشد، و کوشاترین مردم کسی است که گناهان را ترک کند، و محترمترین مردم با تقواترین آنهاست، و با منزلت ترین مردم آن کس است که از آنچه به او ربطی ندارد دوری کند، و سعادت‌مندترین مردم کسی است که با مردم گرامی و محترم معاشرت نماید.

وَقَالَ ﷺ لِلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ اَعْمَلْ بِفَرَائِضِ اللَّهِ تَكُنْ مِنَ اتَّقَى النَّاسِ وَ ارْضَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ تَكُنْ اَغْنَى النَّاسِ وَ كَفَّ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ تَكُنْ اَوْرَعَ النَّاسِ وَ اَحْسِنُ مُجَاوِرَةً مَنْ جَاوَرَكَ تَكُنْ مُؤْمِنًا وَ اَحْسِنُ مُصَاحِبَةً مَنْ صَاحَبَكَ تَكُنْ مُسْلِمًا

رسول خدا ﷺ به امام حسن علییّ علیه السلام فرمود: به واجبات خدا عمل کن تا از پرهیزگارترین مردم باشی، و راضی به قضا و قدر خدا باش تا بی نیازترین مردم باشی، از محرّمات الهی دوری بجوی تا پارساترین مردم باشی، با همسایه ات خوشرفتاری کن مؤمن خواهی بود، و با همراهت به نیکی رفتار کن، مسلمان خواهی بود.

وَقَالَ إِنَّ اِصْلَاحَ اَوَّلِ هَذِهِ الْاُمَّةِ بِالزُّهْدِ وَ الْيَقِينِ وَ هَلَاكُ اٰخِرَتِهَا بِالشُّحِّ وَ الْاَمَلِ

رسول خدا ﷺ فرمود: اصلاح دنیای این امت به ترک دنیا و یقین به خداست ، و نابودی آخرتش به بخل و آرزوست .

وَقَالَ ﷺ إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْهَوَىٰ وَ طُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا الْهَوَىٰ فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ

رسول خدا ﷺ فرمود: بیش از هر چیز بر امتم از پیروی هوای نفس و آرزوی طولانی می هراسم ، اما هوای نفس راه را بر حق می بندد، و اما آرزوی دراز! آخرت را از یاد انسان می برد.

وَقَالَ إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ قَدْ أُعْطِيَ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا فَاقْتَرِبُوا مِنْهُ فَإِنَّهُ يُلْقَى الْحِكْمَةَ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر گاه مردی را دیدید که ترک دنیا کرده به او نزدیک شوید، زیرا او به حکمت رسیده .

وَرُويَ أَنَّ أُسَامَةَ بْنَ زَيْدٍ اشْتَرَى وَلِيدَةً بِمِائَةِ دِينَارٍ إِلَى شَهْرِ فَسَمِعَ رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ أَلَا تَعْجَبُونَ مِنْ أُسَامَةَ الْمُشْتَرَى إِلَى شَهْرٍ إِنَّ أُسَامَةَ لَطَوِيلُ الْأَمَلِ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا طَرَفْتُ عَيْنَايَ إِلَّا ظَنَنْتُ أَنَّ شُفْرِي لَا يَلْتَقِيَانِ حَتَّى يَقْبِضَ اللَّهُ رُوحِي وَلَا رَفَعْتُ طَرْفِي وَظَنَنْتُ أَنِّي خَافِضُهُ حَتَّى أُقْبِضَ وَلَا لَقَمْتُ لُقْمَةً إِلَّا ظَنَنْتُ أَنِّي لَا أُسْبِغُهَا لِحَصْرَتِهَا مِنَ الْمَوْتِ ثُمَّ قَالَ يَا بَنِي آدَمَ إِنَّ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ فَعُدُّوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ الْمَوْتِ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَأْتِ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

نقل شده که اسامه بن زید کنیزی را به صد دینار خرید به این صورت که پول آن را یک ماهه بپردازد، رسول خدا ﷺ از این مطلب با خبر شد و فرمود: «آیا

تعجب نمی کنید از اسامه که معامله یک ماهه نموده؟ اسامه بلند آرزوست؛ قسم به آنکه جانم در دست اوست دو چشمم باز نشود مگر اینکه گمان کنم دو پلکم با هم ملاقات نمی کند تا اینکه خداوند جانم را بگیرد، و چشمانم را بالا نمی برم و گمان می کنم که پایین آورنده آن خودم هستم تا اینکه جانم گرفته می شود، و لقمه ای را بر نمی دارم مگر آنکه گمان می کنم آن را نمی جویم چون مرگ مرا فرا گرفته».

سپس فرمود: ای فرزندان آدم! اگر عقل دارید پس خود را برای مرگ آماده سازید، قسم به آنکه جانم بدست اوست (آنچه وعده داده شده می آید و شما بر قدرت خدا غالب نخواهید شد).

قَالَ الرَّضَاءُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا فَسَلَّمَ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى الْغَنِيِّ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانِ

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: هر کس نیازمندی را ملاقات نماید و سلامی بر او کند متفاوت با سلام گفتن به شخص ثروتمند، خداوند را در قیامت ملاقات کند در حالی که از او خشمناک است .

وَ قِيلَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي وَاللَّهِ لَأُحِبُّكَ فِي اللَّهِ فَقَالَ النَّبِيُّ فَإِنْ كُنْتَ تُحِبُّنِي فَأَعِدْ لِلْفَقْرِ جِلْبَابًا فَإِنَّ الْفَقْرَ أَسْرَعُ إِلَيَّ مَنْ يُحِبُّنِي مِنَ السَّبِيلِ إِلَى مُنْتَهَاهُ

گفته شده: مردی نزد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و گفت: ای رسول خدا؛ به خدا قسم من به خاطر خدا شما را دوست دارم، فرمود: اگر مرا دوست داری برای

پوشیدن لباس فقر آماده باش ، زیرا سرعت فقر به سوی کسی که مرا دوست دارد بیشتر از سرعت سیل است به آخرین مقصدش .

وَقَالَ انظُرُوا إِلَى مَنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَا تَنْظُرُوا إِلَى مَنْ فَوْقَكُمْ فَإِنَّهُ أَجْدَرُ أَنْ لَا تَرُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ

رسول خدا ﷺ فرمود: به افراد زیر دست خود بنگرید، و منگرید به بالا دستتان ، زیرا این کار سزاوارتر است از اینکه نعمتهای خدا را سبک بشمارید.

وَقَالَ إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا فِي دَارِ الدُّنْيَا يُجِيعُهُ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكَيْفَ يُجِيعُهُ قَالَ فِي مَوْضِعِ الطَّعَامِ الرَّخِيسِ وَالْخَيْرِ الْكَثِيرِ وَلِيُّ اللَّهِ لَا يَجِدُ طَعَامًا يَمْلَأُ بِهِ بَطْنَهُ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر گاه خداوند بنده ای را در دنیا دوست بدارد او را گرسنه نگه می دارد.

پرسیده شد: ای رسول خدا! او را گرسنه نگه می دارد؟ فرمود: در جایی که غذا ارزان و خیر بسیار باشد ولی خدا غذایی را که با آن شکم خود را سیر کند نمی یابد [یعنی : فقیر است و تهیّه غذا برای او ممکن نیست]

وَقَالَ لَا تُمِيتُوا الْقُلُوبَ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ فَإِنَّ الْقُلُوبَ تَمُوتُ كَالزَّرْعِ إِذَا كَثُرَ عَلَيْهِ الْمَاءُ

رسول خدا ﷺ فرمود: دل‌های خود را به زیاد خوردن غذاها و آشامیدنیها نمیرانید، زیرا دل‌ها همانند زراعتی که آب زیاد به آن برسد می میراند.

وَقَالَ الْإِيمَانُ عُرْيَانٌ وَ لِبَاسُهُ الْحَيَاءُ وَ زِينَتُهُ الْوَفَاءُ وَ مَرْوَتُهُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ وَ
عِمَادُهُ الْوَرَعُ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ

رسول خدا ﷺ فرمود: ایمان حقیقی لخت و برهنه است و جامه اش حیا،
و زیورش وفای به عهد است ، و مردانگیش کار نیک ، و ستونش ورع و
پارسایی است ، و برای هر چیزی بنیادی است ، و بنیاد اسلام دوستی ماخاندان
است .

سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَكُونُ الْمُؤْمِنُ جَبَانًا قَالَ نَعَمْ قِيلَ وَ يَكُونُ بَخِيلًا قَالَ نَعَمْ
قِيلَ وَ يَكُونُ كَذَّابًا قَالَ لَا

از رسول خدا ﷺ پرسیده شد: آیا مؤمن ترسو می شود؟ فرمود: بلی ، سؤ
ال شد: آیا بخیل می شود؟ فرمود: بلی ، گفته شد: آیا دروغگو می شود: فرمود:
خیر.

وَ قَالَ تَقَبَّلُوا إِلَيَّ سِتَّ خِصَالٍ أَتَقَبَّلُ لَكُمْ الْجَنَّةَ إِذَا حَدَّثْتُمْ فَلَا تَكْذِبُوا وَ إِذَا
وَعَدْتُمْ فَلَا تُخْلِفُوا وَ إِذَا أَوْثَمْتُمْ فَلَا تَخُونُوا وَ غَضُوا أَبْصَارَكُمْ وَ أَحْفَظُوا فُرُوجَكُمْ
وَ كَفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَ أَلْسِنَتَكُمْ

رسول خدا ﷺ فرمود: شش عمل را برای من عهده دار شوید تا برای شما
بهشت را عهده دار شوم : هنگامی که سخنی نقل می کنید دروغ نگوئید، و هر
گاه وعده دادید تخلف نکنید، و چون امانتی را پذیرفتید خیانت نکنید، چشمان
خود را بر هم نهدید و خود را از نامحرم نگهدارید، و دست و زبان خود را از
اذیت مردم بازدارید.

وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ كُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شِينًا قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ
احْفَظُوا أَسْنَتَكُمْ وَكُفُّوا عَنِ الْفُضُولِ وَقُبِّحَ الْقَوْلُ

امام صادق عليه السلام فرمود: زینت و زیور برای ما باشید، و مایه آبرو ریزی ما
نباشید. به مردم به نیکوئی سخن بگویید، و زبانتان را از خطا حفظ نمایید، از
زیاده گویی و زشت گویی پرهیزید.

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ اغْتَابَ مُؤْمِنًا بِمَا لَيْسَ فِيهِ انْقَطَعَتِ الْعِصْمَةُ بَيْنَهُمَا وَ
كَانَ الْمُعْتَابُ فِي النَّارِ خَالِدًا فِيهَا وَبُسَّ الْمَصِيرُ

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس مؤمنی را به صفتی که در او نیست غیبت
کند عصمت میان آنها بریده می شود، و غیبت کننده در دوزخ جاودان می گردد،
و این چه عاقبت بدی است .

وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ وُلِدَ مِنْ حَلَالٍ وَهُوَ يَأْكُلُ لُحُومَ
النَّاسِ بِالْغَيْبَةِ

امیر مؤمنان عليه السلام فرمود: دروغ گفته کسی که گمان می کند که حلال زاده
است در حالی که گوشتهای مردم را بواسطه غیبت می خورد.

وَقَالَ اجْتَنِبِ الْغَيْبَةَ فَإِنَّهَا إِذَا مِ كِلَابِ النَّارِ

امیر مؤمنان عليه السلام فرمود: از غیبت دوری بجوید زیرا غیبت خورش سگهای
دوزخ است .

وَ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ الغَيْبَةِ مَا تَقُولُ فِي أَخِيكَ مَا سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مِنْ البُهْتَانِ أَنْ تَقُولَ فِي أَخِيكَ مَا لَيْسَ فِيهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: غیبت آن است که عیب برادرت را که خدا پوشانده آشکار کنی ، و تهمت آن است که به دروغ چیزی را به وی نسبت دهی .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ عِبَادٌ جُهَالٌ وَ قُرَاءٌ فَسَقَةٌ

رسول خدا ﷺ فرمود: در آخر زمان بندگان نادان و قاریانی فاسق خواهند بود.

وَ قَالَ إِذَا عَمِلَتْ أُمَّتِي خَمْسَ عَشْرَةَ خَصْلَةً حَلَّ بِهِمُ الْبَلَاءُ قِيلَ وَ مَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ اتَّخَذُوا الْفَيْءَ دُولًا وَ الْأَمَانَةَ مَغْنَمًا وَ الزَّكَاةَ مَغْرَمًا وَ أَطَاعَ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ وَ عَقَّ أُمَّهُ وَ بَرَّ صَدِيقَهُ وَ جَفَا أَبَاهُ وَ شَرِبَ الْخَمْرَ وَ لَبَسَ الْحَرِيرَ وَ الدِّيْبَاجَ وَ اتَّخَذُوا الْمَعَازِفَ وَ الْفِيَانَ وَ أَكْرَمَ الرَّجُلُ مَخَافَةَ شَرِّهِ وَ كَانَ زَعِيمُ الْقَوْمِ أَرْدَلَهُمْ وَ لَعَنَ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوْلَهَا وَ ارْتَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ فِي الْمَسَاجِدِ فَلْيَتَوَقَّعُوا خِلَالَ ثَلَاثًا رِيحًا حَمْرَاءَ وَ خَسْفًا وَ مَسْخًا

رسول خدا ﷺ فرمود: هر گاه در امت من پانزده خصلت بوجود آید گرفتار بلا خواهند شد، پرسیدند: ای رسول خدا! آن خصلتها چیست ؟ فرمود: هنگامی که سرمایه ملی در دست عده خاصی باشد، و امانت را غنیمت شمارند، و زکات دادن را زیان و ضرر دانند، و مرد فرمان همسرش برد و نافرمانی مادرش نماید، و با دوستش مهربان باشد و به پدرش جفا کند، و خمر بنوشد، و حریر و پارچه ابریشمی بپوشد، و موسیقی بنوازد و آوازه خوان استخدام کنند، مردم از ترس احترامش کنند، و پست ترین افراد اجتماع بر آنها ریاست کند، و آیندگان امت

گذشتگانش را لعن کنند، و صداهاى نامشروع در مساجد بلند شود، در چنین هنگامى باید منتظر سه چیز باشند: باد سرخ، و فرو رفتن زمین، و مسخ شدن مردم.

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ ثَلَاثٌ خِصَالٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ أَوْ وَاحِدَةٌ مِنْهُنَّ كَانَ فِي ظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ رَجُلٌ أُعْطِيَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ مَا هُوَ سَائِلُهُمْ لَهَا وَ رَجُلٌ لَمْ يُقَدِّمْ رَجُلًا وَ لَمْ يُؤَخَّرْ أُخْرَى حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ لِلَّهِ فِيهِ رِضَى أَوْ سَخَطٌ وَ رَجُلٌ لَمْ يَعِيبْ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ بِعَيْبٍ حَتَّى يَنْفَى ذَلِكَ الْعَيْبَ عَن نَفْسِهِ فَإِنَّهُ لَا يَنْفَى مِنْهَا عَيْبًا إِلَّا بَدَأَ لَهُ عَيْبٌ وَ كَفَى بِالْمَرْءِ شُغْلًا بِنَفْسِهِ عَنِ النَّاسِ

امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا ﷺ فرمود: در هر کس سه صفت یا یکی از آن سه باشد، در قیامت که هیچ سایه ای جز سایه الهی نیست زیر سایه عرش خدا خواهد بود:

مردی که رفتارش با دیگران چنان باشد که همان رفتار را نسبت به خود از دیگران انتظار دارد؛ مردی که تا رضا و خشم الهی را در کاری احراز نکرده، قدمی پس و پیش ننهد؛

مردی که تا عیبی را از خود دور نساخته از برادرش در باره آن عیب جوئی ننماید؛ زیرا هر عیبی را که از خود دور کند عیبی دیگر در خویش خواهد دید، و هر کس به خود بپردازد فرصت عیبجویی از دیگران را نخواهد یافت.

عَنْهُ ﷺ قَالَ إِذَا أَوَيْتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَانظُرْ مَا سَلَكَتَ فِي بَطْنِكَ وَ مَا كَسَبْتَ فِي يَوْمِكَ وَ اذْكَرْ أَنَّكَ مَيِّتٌ وَ أَنَّ لَكَ مَعَادًا

رسول خدا ﷺ فرمود: هنگامی که به رختخواب رفتی حساب کن چه چیزی در شکمت ریخته ای ، و کسب امروزت چه بوده ، و فکر کن که مرده ای و معادی داری .

وَمِنْ كِتَابٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ شَيْعَةَ عَلِيٍّ خُمُصُ الْبُطُونِ ذُبُلُ الشَّفَاهِ يُعْرِفُونَ بِالرَّهْبَانِيَّةِ

امام صادق علیه السلام فرمود: شیعیان علی علیه السلام شکمهایی فرو رفته و لبهایی خشکیده دارند، مردم آنان را تارک دنیا می دانند.

وَقَالَ فِي كَلَامٍ لَهُ لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصِيَامِهِمْ فَإِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ اعْتَادُوهُ فَإِنْ تَرَكُوهُ اسْتَوْحَشُوا وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ

امام صادق علیه السلام فرمود: به زیاد نماز خواندن و روزه گرفتن آنها نگاه نکنید، زیرا بدان عادت کرده اند، و اگر آن را ترک کنند هراسناک شوند، بلکه به راستگویی و امانتداری آنها بنگرید.

وَمِنْ كِتَابِ الْخُلَاصِ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ بْنِ بَابُوَيْهِ عَنْ عَمَّارِ بْنِ الْأَحْوَصِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ عِنْدَنَا أَقْوَامًا يَقُولُونَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ يُفَضِّلُونَهُ عَلَى النَّاسِ كُلِّهِمْ لَيْسَ يَصِفُونَ مَا نَصِفُ مِنْ فَضْلِكُمْ نَتَوَلَّاهُمْ فَقَالَ لِي نَعَمْ فِي الْجُمْلَةِ أَلَيْسَ عِنْدَ اللَّهِ عِزٌّ وَ جَلٌّ مَا لَمْ يَكُنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ وَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ مَا لَيْسَ عِنْدَنَا وَ عِنْدَنَا مَا لَيْسَ عِنْدَكُمْ وَ عِنْدَكُمْ مَا لَيْسَ عِنْدَ غَيْرِكُمْ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَضَعَ الْإِسْلَامَ عَلَى سَبْعَةِ أَسْنَمٍ عَلَى الصَّبْرِ وَ الصِّدْقِ وَ الْيَقِينِ وَ الرِّضَا وَ الْوَفَاءِ وَ الْعِلْمِ وَ الْحِلْمِ ثُمَّ قَسَمَ ذَلِكَ بَيْنَ النَّاسِ فَمَنْ جُعِلَ فِيهِ هَذِهِ السَّبْعَةُ الْأَسْنَمُ فَهُوَ كَامِلٌ

الْإِيمَانَ مُحْتَمِلٌ وَقَسَمَ لِبَعْضِ النَّاسِ سَهْمًا وَلِبَعْضِ السَّهْمِيِّينَ وَلِبَعْضِ الثَّلَاثَةِ
 الْأَسْهُمِ وَلِبَعْضِ الْأَرْبَعَةِ الْأَسْهُمِ وَلِبَعْضِ الْخَمْسَةِ الْأَسْهُمِ وَلِبَعْضِ السِّتَةِ الْأَسْهُمِ وَ
 لِبَعْضِ السَّبْعَةِ الْأَسْهُمِ فَلَا تَحْمِلُوا عَلَى صَاحِبِ السَّهْمِ السَّهْمِيْنَ وَلَا عَلَى صَاحِبِ
 السَّهْمِيِّينَ ثَلَاثَةَ أَسْهُمٍ وَلَا عَلَى صَاحِبِ الثَّلَاثَةِ أَرْبَعَةَ أَسْهُمٍ وَلَا عَلَى صَاحِبِ الْأَرْبَعَةِ
 خَمْسَةَ أَسْهُمٍ وَلَا عَلَى صَاحِبِ الْخَمْسَةِ سِتَّةَ أَسْهُمٍ وَلَا عَلَى صَاحِبِ السِّتَةِ سَبْعَةَ
 أَسْهُمٍ فَتَتَّقُلُوهُمْ وَتَنْفَرُوهُمْ وَلَكِنْ تَرَفَّقُوا بِهِمْ وَسَهِّلُوا لَهُمُ الْمَدْخَلَ وَسَاضِرْبُ لَكَ
 مَثَلًا يُعْتَبَرُ بِهِ رَجُلٌ مُسْلِمٌ وَكَانَ لَهُ جَارٌ كَافِرٌ وَكَانَ الْكَافِرُ يَرْفُقُ بِالْمُؤْمِنِ فَأَحَبَّ
 الْمُؤْمِنُ لِلْكَافِرِ الْإِسْلَامَ وَ لَمْ يَزَلْ يُزَيِّنُ الْإِسْلَامَ وَيُحِبُّهُ إِلَى الْكَافِرِ حَتَّى أَسْلَمَ فَعَدَا
 عَلَيْهِ الْمُؤْمِنُ فَاسْتَخْرَجَهُ مِنْ مَنْزِلِهِ فَذَهَبَ بِهِ إِلَى الْمَسْجِدِ لِيُصَلِّيَ مَعَهُ الْفَجْرَ فِي
 جَمَاعَةٍ فَلَمَّا صَلَّى قَالَ لَهُ لَوْ قَعَدْنَا نَذْكُرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ فَقَعَدَ
 مَعَهُ فَقَالَ لَهُ لَوْ تَعَلَّمْتَ الْقُرْآنَ إِلَى أَنْ تَرُودَ الشَّمْسُ وَصُمْتَ الْيَوْمَ كَانَ أَفْضَلَ فَقَعَدَ
 مَعَهُ وَصَامَ حَتَّى صَلَّى مَعَهُ الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ فَقَالَ لَوْ صَبَرْتَ حَتَّى تُصَلِّيَ الْمَغْرِبَ وَ
 الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ كَانَ أَفْضَلَ فَقَعَدَ مَعَهُ حَتَّى صَلَّى مَعَهُ الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ ثُمَّ
 نَهَضَا وَقَدْ بَلَغَ مَجْهُودُهُ وَحَمَلَ عَلَيْهِ مَا لَا يُطِيقُ فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ غَدَا عَلَيْهِ وَهُوَ
 يُرِيدُ بِهِ مَا صَنَعَ بِالْأَمْسِ فَدَقَّ عَلَيْهِ بَابُهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ اخْرُجْ حَتَّى نَذْهَبَ إِلَى الْمَسْجِدِ
 فَأَجَابَهُ أَنْ انصَرَفَ عَنِّي فَإِنَّ هَذَا دِينٌ شَدِيدٌ لَا أُطِيقُهُ فَلَا تُحَرِّفُوا بِهِمْ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ
 إِمَارَةَ بَنِي أُمَيَّةَ كَانَتْ بِالسَّيْفِ وَالْعَسْفِ وَالْجَوْرِ وَأَنَّ إِمَارَتَنَا بِالرَّفْقِ وَالتَّأَلِيفِ وَ
 الْوَقَارِ وَالتَّقِيَّةِ وَحُسْنِ الْخُلُطَةِ وَالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ فَرَعَّبُوا النَّاسَ فِي دِينِكُمْ وَفِيمَا
 أَنْتُمْ فِيهِ

از امام صادق عليه السلام سؤال شد: در نزد ما کسانی هستند که به خلافت امیر
 مؤمنان عليه السلام معتقدند و آن حضرت را بر همه مردم برتری می دهند ولی آن طور
 که ما در باره فضیلت شما معتقدیم آنها اعتقاد ندارند، آیا با آنان دوستی کنیم؟

فرمود: بلی اجمالا دوستشان بدارید، مگر نه این است که در نزد خداوند چیزهایی هست که نزد رسول خدا نیست ، و نزد رسول خدا چیزهایی هست که نزد ما نیست ، و نزد ما چیزهایی هست که نزد شما نیست ، و نزد شما چیزهایی هست که نزد دیگران نیست ؟ خداوند تبارک و تعالی اسلام را بر هفت سهم قرار داده : بر صبر و راستی و یقین و رضا و وفا و دانش و بردباری ، سپس آن را در میان مردم تقسیم نموده ، هر کس که همه این هفت سهم را داشته باشد ایمانش کامل ، و طاقت و تحمل دارد، و به گروهی از مردم یک سهم داد، و گروهی را دو سهم ، و عدّه ای را سه سهم ، و عدّه ای را چهار سهم و عدّه ای را پنج سهم ، و بعضی را شش سهم ، و عدّه ای را هفت سهم ، پس شما به آن کس که یک سهم از ایمان نصیب دارد تکلیف دارد تکلیف دو سهم را تحمیل نکنید، و آنکه دارای دو سهم است ، بار سه سهم بر دوشش منهد، و کسی را که سه سهم دارد به چهار سهم تکلیف نکنید، و از چهار سهمی انتظار تحمّل وظیفه پنج سهمی را نداشته باشید، و بر پنج سهمی شش سهم و بر شش سهمی هفت سهم تحمیل ننمایید، که بارشان را سنگین و آنها را از دین رمیده سازید، و به جای این کار با آنان مدارا کنید، و راه کار را بر آنان آسان نمایید، اکنون برایت مثلی می آورم که مایه عبرت تو باشد.

مرد مسلمانی همسایه کافری داشت که با این مؤمن رفیق بود، مؤمن علاقمند شد که رفیق کافرش مسلمان گردد، لذا همواره اسلام را در نظر او جلوه می داد، و او را به دوستی اسلام وامی داشت ، تا اینکه اسلام آورد، صبح روز بعد به سراغ تازه مسلمان رفت تا او را برای نماز جماعت صبح از منزل بیرون آورد.

هنگامی که از نماز فارغ شد به او گفت : چه می شود اگر همین جا بنشینیم تا طلوع خورشید مشغول ذکر خداوند باشیم ؟ او هم با مؤمن نشست ، پس از

طلوع آفتاب به او گفت : اگر تا موقع ظهر به یادگیری قرآن مشغول شوی و امروز را روزه بگیری بسیار خوب است ، او هم نشست و روزه گرفت تا نماز ظهر و عصر را خواند، سپس باز به او گفت : اگر تا مّلی کنی و نماز مغرب و عشاء را بخوانی بسیار بهتر خواهد بود، او هم نشست تا نماز مغرب و عشا را با او خواند، سپس هر دو از جای برخاستند، در حالی که برای تازه مسلمان تاب و توانی نمانده بود و بیش از طاقت بار بر دوشش گذاشته بود، چون فردای آن روز رسید باز به در خانه او رفت تا برنامه روز گذشته را اجرا کند، در را زد و گفت : بیا تا با هم به مسجد برویم ، وی در جواب گفت : دست از من بردار که این دین سخت است و من تاب آن را ندارم .

بنا بر این ؛ شما هم بر مردم فشار نیاورید، مگر نمی دانی که فرمانروایی دولت بنی امیه به زور شمشیر و فشار و ستم بود، ولی فرمانروایی ما با مدارا و مهربانی و متانت و تقیه و معاشرت نیکو و پاکدامنی و کوشش است ، پس کاری کنید که مردم به دین شما و مسلکی که دارید رغبت پیدا کنند.

فصل پنجم: در بیان مناقب شیعه علی علیه السلام

الفصل الخامس فی ذکر ما جاء فی فضائل شیعة علی ع
عَنْ صَالِحِ بْنِ مَيْمَنٍ قَالَ سَمِعْتُ أُمَّ سَلَمَةَ رَحِمَةَ اللَّهِ عَلَيْهَا تَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ
اللَّهِ ﷺ يَقُولُ شِيعَةُ عَلِيٍّ هُمُ الْفَائِزُونَ
رسول خدا ﷺ فرمود: شیعیان علی علیه السلام رستگارانند.

عَنْ هُذَيْلِ السَّابِرِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ أَسْنَدَنِي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيَّ
صَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ يَا أَخِي سَمِعْتُ قَوْلَ اللَّهِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمُ
خَيْرُ الْبَرِيَّةِ هُمْ أَنْتَ وَشِيعَتُكَ تَقْدُمُونَ عَلَيَّ غَرًّا مُحَجَّلِينَ وَ يَقْدَمُ عَدُوُّكُمْ سُودًا
مُفْتَحِينَ قَالَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ

امام باقر علیه السلام از علی علیه السلام نقل کند که فرمود: رسول خدا ﷺ مرا به سینه
مبارکشان چسبانند و فرمود: برادرم شنیده ای قول خداوند را که می فرماید:
(کسانی که ایمان آورند و عمل نیک انجام دهند بهترین مخلوقات خداوند
هستند)، آنها تو و شیعیانت هستید، بر من وارد می شوید در حالی که صورتهای
درخشان دارید و همه شما را می شناسند، و دشمنان شما نزد من می آیند در
حالی که چهره های تیره و زشت دارند.

حضرت این سخنان را سه بار تکرار فرمود.

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ
تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ثُمَّ التَفَتَ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا ابْنَ أُمَّ
سَلِيمٍ تَرَى فِيمَنْ أَنْزَلْتُ هَذِهِ الْآيَةَ فِينَا وَ فِي شِيعَتِنَا قُلْتُ وَ مَنْ يَدْعِي الْإِسْلَامَ لَيْسَ

مِنْ شِيعَتِكُمْ قَالَ نَعَمْ تَبَاعِدُهُمْ مِنَ الْإِسْلَامِ عَدَاوَتُهُمْ لِأَهْلِ بَيْتِي وَتَقْرِبُهُمْ مِنَ الْيَهُودِيَّةِ وَالنَّصْرَانِيَّةِ

انس بن مالک گوید: رسول خدا ﷺ در حالی که این آیه را می خواند (کسانی که ایمان آورده اند و قلبهایشان با یاد خدا آرامش دارد، آگاه باشید که با ذکر خدا دلها آرام گیرد) رو به او کرد و فرمود: ای پسر ام سلیم ، فکر می کنی این آیه در مورد چه کسی نازل شده ؟

در باره ما و شیعیان ما، گفتم : هر کس ادعای اسلام کند آیا از شیعیان شما نیست ؟ فرمود:

بلی ، دشمنی آنان با اهل بیت من موجب دوری آنان از اسلام ، و نزدیکی به یهود و نصاری است .

عَنْ أَبِي الصَّامِتِ الْخَوْلَانِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا أَبَا الصَّامِتِ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ شِيعَتَنَا مِنْ طِينَةِ مَخْرُونَةَ لَا يَزِيدُ فِيهِمْ وَاحِدٌ وَلَا يَنْقُصُ مِنْهُمْ وَاحِدٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْ شِيعَتِنَا لَيَمُرُّ بِالْبُقْعَةِ مِنْ بَقَاعِ الْأَرْضِ فَيُصَلِّي عَلَيْهَا أَوْ يَمْشِي عَلَيْهَا فَتَفْتَخِرُ تِلْكَ الْبُقْعَةُ عَلَى الْبِقَاعِ الَّتِي حَوْلَهَا فَتَقُولُ مَرَّ عَلَى رَجُلٍ مِنْ شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: ای ابو صامت ، خداوند شیعیان ما را از سرشت مخزون و محدود خلق نموده است که تا روز قیامت نه کسی به آنها اضافه می شود و نه کسی از آنها کم می شود، اگر مردی از شیعیان ما عبورش به یکی از عبادتگاههای روی زمین می افتد و در آن نماز می گزارد، یا فقط روی آن راه می رود، آن عبادتگاه بر سایر عبادتگاههای اطرافش فخر و مباهات می کند، و می گوید: مردی از شیعیان آل محمد عَلَيْهِ السَّلَامُ بر من گذر کرد.

وَعَنْ سَدِيرِ الصَّيرَفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ شِيعَتُنَا كُلُّهُمْ فِي الْجَنَّةِ مُحْسِنُهُمْ وَ مُسِيئُهُمْ وَ هُمْ يَتَفَاضِلُونَ فِيهَا بَعْدَ ذَلِكَ بِالْأَعْمَالِ
 امام صادق عليه السلام فرمود: شیعیان ما تماما در بهشتند، نیکوکار و بدکارشان ، و مراتب آنان پس از ورود به بهشت مشخص می شود.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ الرَّبِيعِ بْنِ مُدْرِكٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لَيُخْرَجُ مِنْ مَنْزِلِهِ وَ مَا أَحَدَتْ خَيْرًا فَيَرْجِعُ وَ قَدْ مَلِئَتْ صَحِيفَتُهُ حَسَنَاتٍ مِمَّا شُئِمَ
 امام صادق عليه السلام فرمود: مردی از شیعیان شما از خانه اش بیرون می رود و هیچ کار خیری را انجام ندهد، هنگامی که بر می گردد نامه عملش بخاطر ناسزاهایی که شنیده پر از نیکیها می شود.

عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ قَالَ قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا مِنْ شِيعَتِنَا إِلَّا صِدِّيقٌ شَهِيدٌ قُلْتُ أَنَّى يَكُونُ كَذَلِكَ وَ هُمْ يَمُوتُونَ عَلَى فُرْشِهِمْ فَقَالَ أَمَا تَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَ الشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ قُلْتُ صَدَقْتَ جُعِلَتْ فِدَاكَ كَأَنِّي لَمْ أَرْ هَذِهِ الْآيَةَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ قَالَ ثُمَّ قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَوْ لَمْ تَكُنِ الشَّهَادَةُ إِلَّا لِمَنْ قُتِلَ بِالسَّيْفِ لَمَا قَالَ اللَّهُ الشُّهَدَاءُ

امام سجاد عليه السلام فرمود: از شیعیان ما نیست مگر راستگو و شهید، گفتم : چگونه چنین چیزی ممکن است در حالی که آنان در رختخوابهایشان می میرند؟ فرمود: آیا کتاب خدا را نخوانده اید (کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آورده اند اینها راستگویان حقیقی هستند و نزد پروردگارشان اجر شهید را دارند) گفتم : درست می فرمایی فدایت شوم ، گویا من این آیه را از کتاب خدا

ندیده بودم ، سپس فرمود: پدرم حسین علیه السلام می فرمود: اگر شهادت فقط منحصر در کشته شدن به وسیله شمشیر بود خداوند لفظ شهدا را بکار نمی برد.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لَمَّا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُنَزِّلَ هَذِهِ الْآيَاتِ تَعَلَّقَنَ بِالْعَرْشِ وَقُلْنَ يَا رَبُّ تَنْزِلْنَا عَلَى أَهْلِ الْخَطَايَا وَالذُّنُوبِ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِنَّ أَنْ أَنْزِلْنَ فَوْعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا يَتْلُوَنَّ أَحَدٌ مِنْ شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ دَبْرَ كُلِّ صَلَاةٍ إِلَّا أَسْكَنْتُهُ حَظِيرَةَ الْقُدْسِ عَلَى مَا كَانَ فِيهِ وَنَظَرْتُ إِلَيْهِ بِعَيْنِ الْمَكْنُونَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ نَظْرَةً أَقْضَى لَهُ مَعَ كُلِّ نَظْرَةٍ سَبْعِينَ حَاجَةً أَدْنَاهَا الْمَغْفِرَةُ وَالْآيَاتُ هِيَ أُمُّ الْكِتَابِ وَآيَةُ الْكُرْسِيِّ وَشَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَقَالَ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که خداوند این سه آیه را فرمان داد که به زمین فرود آیند به عرش در آویختند و گفتند: پروردگارا، ما را به سوی خطاکاران و گنه کاران فرو می فرستی ؟ خداوند متعال به آنها وحی فرمود که فرود آید، به عزت و جلالم سوگند کسی از خاندان محمد صلی الله علیه و آله به دنبال هر نماز شما را تلاوت نکند، مگر اینکه او را در بهشت به همراه آنچه در آن است ساکن می گردانم ، و به او نظر می کنم به دیده رحمت هر روزی هفتاد نظر مهرورزی و در هر نظری هفتاد حاجت از او بر آورم که کمترین آن آمرزش گناهانش باشد، و آن آیات عبارتند از: سوره حمد، آیه الکرسی ، شهد الله ، قل اللهم .

عَنْ عَلِيِّ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ خَرَجْتُ أَنَا وَ أَبِي ذَاتَ يَوْمٍ فَإِذَا هُوَ بِأَنَاسٍ مِنْ أَصْحَابِنَا بَيْنَ الْقَبْرِ وَالْمَنْبَرِ فَدَنَا مِنْهُمْ وَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ ثُمَّ قَالَ

وَاللّٰهُ اِنِّيْ لَأُحِبُّ رِيْحَكُمْ وَ اُرْوَاْحَكُمْ فَاَعَيْنُوْنَا عَلٰى ذٰلِكَ بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ اَعْلَمُوْا
 اَنْ وَّلَايِنَا لَا تُتَالُ اِلَّا بِالْوَرَعِ وَ الْجِهَادِ اِذَا اَنْتُمْ اَحَدُكُمْ بَعْدَ فُلْيَعْمَلِ بَعْمَلِهِ اَنْتُمْ
 شِيْعَةُ اللّٰهِ وَ اَنْتُمْ شُرْطَةُ اللّٰهِ وَ اَنْتُمْ اَنْصَارُ اللّٰهِ وَ اَنْتُمْ السَّابِقُونَ الْاَوَّلُونَ وَ السَّابِقُونَ
 الْاٰخِرُونَ السَّابِقُونَ فِي الدُّنْيَا اِلٰى وَّلَايِنَا وَ السَّابِقُونَ فِي الْاٰخِرَةِ اِلٰى الْجَنَّةِ قَدْ ضَمِنَا
 لَكُمْ الْجَنَّةَ بِضَمَانِ اللّٰهِ وَ ضَمَانَ رَسُوْلِ اللّٰهِ اَنْتُمْ الطَّيِّبُونَ وَ نِسَاؤُكُمْ الطَّيِّبَاتُ كُلُّ
 مُؤْمِنَةٍ حَوْرَاءُ وَ كُلُّ مُؤْمِنٍ صِدِّيقٌ

امام صادق عليه السلام فرمود: روزی من و پدرم از خانه خارج شدیم ، آنجا پدرم
 با عده ای از اصحاب ما بین قبر و منبر روبرو شد، نزدیک آنها شد و بر آنها
 سلام کرد، سپس فرمود:

بخدا قسم من بوی شما و نفس شما را دوست دارم ، ما را بر این محبت به
 وسیله پرهیزگاری و سعی و تلاش خود یاری کنید، و بدانید جز به پرهیزگاری
 و تلاش و کوشش کسی به ولایت و دوستی ما نرسد، هر گاه یکی از شماها
 اقتدای به بنده ای از بندگان خدا نمود باید مثل او عمل کند، شما شیعیان
 خدایید، شما سربازان خدائید، شما یاوران خدایید، و شما پیشی گیرندگان اولین
 و آخرین هستید، و در دنیا اولین پیشی گیرندگان به ولایت مائید و در آخرت
 پیشی گیرندگان به سوی بهشت هستید، ما به ضمانت خدا و رسولش بهشت را
 برای شما ضمان کرده ایم ، شما پاکانید و زنان شما پاکانند، هر زن مؤمنه ای
 مانند حوریان بهشت است و هر مرد مؤمنی راستگوست .

قَالَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ لِقَنْبَرٍ يَا قَنْبَرُ اُبَشِّرْ وَ بَشِّرْ وَ اسْتَبَشِّرْ فَوَاللّٰهِ لَقَدْ
 مَاتَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ هُوَ سَاخِطٌ عَلٰى جَمِيْعِ الْاُمَّةِ اِلَّا الشِّيْعَةَ اِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ عُرْوَةً
 وَ عُرْوَةُ الدِّيْنِ الشِّيْعَةُ وَ اِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ شَرَفًا وَ شَرَفُ الدِّيْنِ الشِّيْعَةُ وَ اِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ

سَيِّدًا وَ سَيِّدُ الْمَجَالِسِ مَجَالِسِ الشَّيْعَةِ وَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ شَهْوَةً وَ شَهْوَةُ الدُّنْيَا سَكْنَى الشَّيْعَةِ فِيهَا فَوَ اللَّهُ لَوْ لَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنْكُمْ مَا اسْتَكْمَلَ أَهْلُ خِلَافِكُمْ الطَّيِّبَاتِ مَا لَهُمْ فِي الْأَخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ كُلُّ نَاصِبٍ وَ إِنْ تَعَبَدَ وَ اجْتَهَدَ مَنْسُوبٌ إِلَى هَذِهِ الْآيَةِ وَ جُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ. تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً وَ مَنْ دَعَا مُخَالِفًا لَكُمْ فَاجَابَةٌ دُعَائِهِ لَكُمْ وَ مَنْ طَلَبَ مِنْكُمْ إِلَى اللَّهِ حَاجَةً فَلَهُ مِائَةٌ وَ مَنْ سَأَلَ مِنْكُمْ مَسْأَلَةً فَلَهُ مِائَةٌ وَ مَنْ دَعَا مِنْكُمْ دَعْوَةً فَلَهُ مِائَةٌ وَ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ حَسَنَةً فَلَا تُحْصَى تَضَاعَيْفُهَا وَ مَنْ أَسَاءَ مِنْكُمْ سَيِّئَةً فَ مُحَمَّدٌ حَجِيجُهُ عَلَى تَبِعَتِهَا وَ اللَّهُ إِنْ صَائِمَكُمْ لَيَرْتَعُ فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ تَدْعُو لَهُ الْمَلَائِكَةُ بِالْفَوْزِ حَتَّى يُفْطِرَ وَ إِنْ حُجَّاجَكُمْ وَ عَمَّارَكُمْ خَاصَّةً اللَّهُ وَ إِنَّكُمْ جَمِيعًا لِأَهْلِ دَعْوَةِ اللَّهِ وَ أَهْلُ وَ لَأَيْتِهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَ لَا حُزْنٌ كُلكُمْ فِي الْجَنَّةِ فَتَنَافَسُوا فِي فَضَائِلِ الدَّرَجَاتِ وَ اللَّهُ مَا أَحَدٌ أَقْرَبَ مِنْ عَرْشِ اللَّهِ بَعْدَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ شَيْعَتِنَا مَا أَحْسَنَ صُنْعَ اللَّهِ إِلَيْهِمْ

علی علیه السلام به قنبر فرمود: ای قنبر! بشارت بده و بگو آنها هم به دیگران بشارت دهند که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رحلت فرمود در حالی که بر تمام مردم غیر از شیعیان خشمگین بود، آگاه باشید برای هر چیزی دستگیره ای است و دستگیره دین شیعیانند، و برای هر چیزی شرافتی هست و شرافت دین شیعیانند، و برای هر چیزی آقایی هست و آقای مجالس شیعیان است، و برای هر چیزی لذتی هست و لذت دنیا به زندگی شیعه در آن است، بخدا قسم اگر شما در روی زمین نبودید آیندگان شما نعمتها را کامل نمی نمودند، و در آخرت بهره و نصیبی نداشتند، هر کس مخالفت ما کند گرچه بسیار عبادت نماید و جدیت در افعال خیر داشته باشد مشمول این آیه است (روز قیامت صورت گروهی ترسناک و ذلیل باشد و همه کارشان رنج و مشقت، و پیوسته در آتش جهنم خواهند بود) و هر یک از مخالفین شما دعایی بکند در حق شما مستجاب

می شود، و هر یک از شما حاجتی را از خدا طلب نماید صد برابر به او عنایت شود، و هر یک از شما خواهشی کند صد برابر به او داده می شود، و هر یک از شما دعایی کند صد برابر اجابت شود، و هر یک از شما کار نیکی انجام دهد خدای تعالی پاداشی به او دهد که چندین برابر باشد و نتواند آن را حساب کند، و هر یک از شما کار بدی انجام دهد محمد ﷺ از عواقب آن دفاع کند، بخدا قسم روزه گیرنده شما در باغهای بهشت گردش می کنند، ملائک برای رستگاریشان دعا می کنند تا زمانی که افطار نمایند، و حاجیان و عمره روندگان شما بندگان مخصوص خدایند، و تمامی شما جزء دعوت شدگان خدا و اهل ولایت اویید، نه ترسی برای شما هست و نه محزون خواهید شد، تمامی شما در بهشت خواهید بود پس برای ارتقاء درجه از هم پیشی بگیرید، بخدا قسم هیچ کس بعد از ما به عرش خدا به قدر شیعیان ما نزدیک نیست، چه نیکو معامله ای خداوند با آنان نمود.

و قَالَ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَخْرُجُ أَهْلُ وَلَايَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُشْرِقَةً وَجُوهُهُمْ قَرِيرَةٌ أَعْيُنُهُمْ وَقَدْ أُعْطُوا الْأَمَانَ مِمَّا يَخَافُ النَّاسُ وَلَا يَخَافُونَ وَيَحْزَنُ النَّاسُ وَلَا يَحْزَنُونَ وَاللَّهُ مَا يُشْعِرُ أَحَدًا مِنْكُمْ يَقُومُ إِلَى الصَّلَاةِ إِلَّا وَقَدْ اِكْتَنَفَتْهُ الْمَلَائِكَةُ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ وَيَدْعُونَ لَهُ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ صَلَاتِهِ أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ جَوْهَرًا وَإِنَّ جَوْهَرَ بَنِي آدَمَ مُحَمَّدٌ وَنَحْنُ وَشِيعَتُنَا يَا حَبْدًا شِيعَتُنَا مَا أَقْرَبَهُمْ مِنْ عَرْشِ اللَّهِ وَأَحْسَنَ صُنْعَ اللَّهِ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ لَوْ لَا زَهْوُهُمْ لِعَظَمِ ذَلِكَ لَسَلَّمَتْ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ قُبُلًا

علی علیه السلام فرمود: روز قیامت اهل ولایت ما از قبورشان خارج می شوند در حالی که چهره هایی درخشان دارند و چشمانشان از فروغ ایمان روشن است،

و به آنان از آنچه مردم از آن می ترسند امان داده شود و آنها دیگر نمی ترسند، و مردم اندوهگینند و آنها اندوهگین نیستند، بخدا قسم احساس نمی کند فردی از شما هنگامی که برای اقامه نماز بر می خیزد عده ای از ملائک او را در بر می گیرند، و بر او درود می فرستند، و برایش دعا می کنند تا نمازش تمام شود، آگاه باشید! برای هر چیزی اصلی است و اصل بنی آدم محمد ﷺ و ما اهل بیت و شیعیان ما هستیم، خوشا به حال شیعیان ما، چقدر به عرش خدا نزدیکند و روز قیامت خداوند چه معامله نیکوئی با آنان می کند، قسم بخدا اگر بزرگی این کار موجب تکبر آنها نمی شد ملائک در مقابل آنان به آنها درود می فرستادند.

عَنْ خَالِ وَوَلَدِ هَاشِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَرْوَاحَ النَّبِيِّينَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلشَّيْعَةِ وَيُصَلُّونَ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ وَأَنْتُمْ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ وَاجْتِهَادٍ يُحِبُّ اللَّهُ لَكُمْ

امام صادق علیه السلام فرمود: خدا و ملائکه اش و ارواح پیامبران برای شیعه طلب آمرزش می کنند و تا روز قیامت بر آنان درود می فرستند، و فرمود: شما در بندگی خدا و اجتهادی که خداوند برای شما دوست دارد هستید.

و قَالَ لَا يُؤَاخِذُ اللَّهُ الشَّيْعَةَ بِذَنْبِ دُونَ الْكَبِيرَةِ وَإِنِّي لَأَرْجُو أَنْ لَا يَلْقَى اللَّهُ أَحَدًا مِنْكُمْ بِكَبِيرَةٍ

و فرمود: خداوند متعال شیعه را به گناهی که کمتر از کبیره باشد بازخواست نمی کند، و همانا من امیدوارم که خداوند هیچ یک از شما را در گناه کبیره ای نیبند.

وَ قَالَ وَ اللَّهُ مَا أَطَاعَ رَسُولَ اللَّهِ غَيْرُكُمْ وَ لَا نَسَبَ اللَّهُ إِلَى الْإِيمَانِ أَحَدًا غَيْرَكُمْ
 أَنْتُمْ أَعَزَّةُ الْإِسْلَامِ الْخَيْرُ لَكُمْ كُلُّهُ مَا مِنْكُمْ عَبْدٌ ابْتَلَاهُ بَبَلِيَّةٍ فَصَبَرَ إِلَّا كَتَبَ لَهُ أَجْرَ
 أَلْفِ شَهِيدٍ وَ إِنِّي لَأَرْجُو أَلَّا تُفْتَنُوا عِنْدَ الْبَلِيَّةِ فَإِنِّي سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ شِيعَتُنَا
 الْمَعْصُومُونَ أَنْتُمْ أَهْلُ تَحِيَّةِ اللَّهِ بِسَلَامٍ وَ أَنْتُمْ أَهْلُ تَوْفِيقِ اللَّهِ بِعِصْمَتِهِ وَ أَهْلُ دَعْوَةِ
 اللَّهِ إِلَى طَاعَتِهِ لَا حِسَابٌ عَلَيْكُمْ وَ لَا خَوْفٌ وَ لَا حُزْنٌ أَنْتُمْ أَهْلُ الْجَنَّةِ وَ الْجَنَّةُ لَكُمْ
 أَنْتُمْ أَهْلُ الرِّضَا عَنِ اللَّهِ بِرِضَائِهِ عَنْكُمْ أَنْتُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ فَاصْبِرُوا وَ إِن رَأَيْتُمْ مَا
 تَكْرَهُونَ حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ فَتَرَوْنَ تَصَدِيقًا مَا كُنْتُمْ تُوعَدُونَ أَنْتُمْ أَهْلُ غَيْبِ اللَّهِ
 دُنْيَاكُمْ لَكُمْ جَنَّةٌ وَ مَوْفِقُكُمْ لَكُمْ جَنَّةٌ لِلْجَنَّةِ خُلِقْتُمْ وَ إِلَى الْجَنَّةِ تَصِيرُونَ فِي لَيْلِكُمْ
 وَ نَهَارِكُمْ سَادَةُ الْمَخْلُوقِينَ إِنْ اللَّهُ أَحْيَاكُمْ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ أَنْتُمْ وَاصِلٌ طَيِّبَهَا بِطِيبِ
 الْمَوْتِ أَلَسِنَتِكُمْ تَنْطِقُ بِنُورِ اللَّهِ وَ أَلْسِنَةُ مَنْ سِوَاكُمْ تَنْطِقُ بِنَفْسِ الشَّيْطَانِ وَ كُلُّ مَنْ
 خَالَفَكُمْ خَاصَّةً إِنْ لَيْسَ مَا عَبَدَ اللَّهُ شَيْءٌ أَشَدُّ عَلَى إِنْ لَيْسَ مِنْكُمْ إِنْ اللَّهُ خَصَّكُمْ
 بِتَفْضِيلِهِ لِعِلْمِ اللَّهِ فِيكُمْ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ وَ إِذَا حُشِرَ النَّاسُ فَالنَّارُ أَوْلَى بِهِمْ أَلَا
 إِنَّكُمْ أَصْحَابُ الْأَعْيُنِ الْأَرْبَعَةِ عَيْنِي الْوَجْهِ وَ عَيْنِي الْقَلْبِ أَلَا وَ الْخَلْقُ كَذَلِكَ إِلَّا أَنْ
 اللَّهُ جَلَّ تَنَاوُهُ أَعْمَى أَبْصَارَهُمْ وَ فَتَحَ أَبْصَارَكُمْ

و می فرماید: به خدا قسم غیر شما کسی اطاعت رسول خدا ﷺ را ننمود و
 هیچ کس غیر از شما حق ایمان به خدا را ادا نکرد، شما عزیزان اسلامید، و تمام
 خیر از آن شماست، هیچ بنده ای از بین شما در مقابل گرفتاریش صبر نمی کند
 مگر اینکه ثواب هزار شهید برایش منظور می شود، و من امیدوارم که هنگام
 امتحان گول نخورید، زیرا من از پدرم شنیدم که می فرمود: شیعیان ما از گناه
 مبرا هستند خداوند به شما درود می فرستد، و شما به واسطه عصمت خدایی
 موفق هستید، و شما مبلغین به اطاعت خدایید، حسابی برای شما نیست و ترس

و اندوهی برایتان نخواهد بود، شما اهل بهشتید و بهشت برای شماست ، شما راضی به رضای خدایید به واسطه رضای خدا از شما، شما بهترین مخلوقاتید، بردبار باشید اگر چه گرفتار چیزهای ناپسند شدید، تا اینکه فرمان خدا بیاید و بیاید آنچه را که او به شما وعده داده است شما ایمان به غیب خدا دارید، و بهشت برای شماست ، و موقعیت شما سپری برایتان ، برای بهشت آفریده شده اید و مسیر شما به طرف بهشت می باشد، شما در شب و روزتان آقای مخلوقات هستید، خداوند متعال به شما زندگی پاکیزه ای عطا فرموده و شما این پاک زیستی را به پاک مردن متصل می سازید.

زبانهای شما به وسیله نور خدا سخن می گوید، و زبانهای غیر شما با تلقین شیطان است ، هر کس مخالف شما باشد از یاران ویژه شیطان است ، عبادت هیچ کس به قدر عبادت شما موجب ناراحتی شیطان نمی شود، خداوند برتری ویژه خود را به شما داده است ، زیرا خداوند قبل از آفریدن آدم در شما این ویژگیهای اخلاقی را سراغ داشت ، و روز رستاخیز مردم (یعنی مخالفین) سزاوارتر به آتش می باشند، بدانید شما دارای چهار چشم می باشید، دو چشم در صورت ، و دو چشم در قلب .

آگاه باشید! مردم نیز چنین هستند، لکن خداوند چشمان آنها را بسته و چشمان شما را باز نموده .

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع هَلْ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ عِدَّةٌ تَنْجِزُ بِالْمَغْفِرَةِ لَهُمْ قَالَ لَا إِلَّا شِيعَتَنَا فَإِنَّهُ مَغْفُورٌ لَهُمْ

جابر بن یزید گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا خداوند به مردم وعده آمرزش حتمی داده است؟ فرمود: نه، مگر شیعیان ما، همانا خداوند فقط آنها را آمرزیده است.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ قَالَ نَحْنُ الَّذِينَ نَعْلَمُ وَعَدُوْنَا الَّذِينَ لَا يَعْلَمُ وَشِيعَتُنَا أُولُو الْأَلْبَابِ

محمد بن مروان می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد قول خدای متعال پرسیدم (آیا دانشمندان با غیر دانشمندان برابرند، این را فقط صاحبان خرد می فهمند) فرمود: ما آن کسانی هستیم که علم داریم و دشمنان ما کسانی هستند که غیر عالمانند، و شیعیان ما صاحبان خرد و عقلمند.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام وَتَلَا هَذِهِ الْآيَةَ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ قَالَ عَزِيزٌ عَلَيْنَا مَا عَنِتُّنَا حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ قَالَ حَرِيصٌ عَلَيْنَا بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ قَالَ شِيعَتُنَا

عبد الله بن سلیمان از امام باقر علیه السلام نقل می کند که امام در حالی که این آیه را می خواند:

(رسولی از جنس شما برای هدایت خلق آمد که از فرط محبت و نوع پروری فقر و پریشانی و جهل و فلاکت شما بر او سخت می آید، و بر آسایش شما بسیار حریص و به مؤمنان رؤوف و مهربان است) فرمود: یعنی آنچه ما را

پریشان کند بر ما سخت است و بر آسایش شما شوق دارند فرمود: یعنی بر آسایش ما، به مؤمنین مهربان و با گذشت هستند، فرمود: به شیعیان ما.

عَنْ ثَوِيرٍ قَالَ قَالَ لِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام تَقْرَأُ الْقُرْآنَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ أَقْرَأُ طَسْمَ سُورَةِ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ قَالَ فَقَرَأْتُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. طَسْمَ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ. تَتْلُوَا عَلَيْكَ مِنْ نَبِيِّ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ حَتَّى إِذَا بَلَغْتَ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ فَقَالَ مَكَانَكَ حَسْبُكَ وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا إِنَّ الْأُبْرَارَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَشِيعَتَهُمْ بِمَنْزِلَةِ مُوسَى وَشِيعَتِهِ وَإِنَّ عَدُوَّنَا وَشِيعَتَهُمْ بِمَنْزِلَةِ فِرْعَوْنَ وَأَشْيَاعِهِ

ثویر گوید: امام سجاد عليه السلام به من فرمود: آیا قرآن می خوانی ؟ عرض کردم

: بلی ، فرمود:

بخوان (طسم) سوره موسی و فرعون را، ثویر گوید: خواندم (بنام خداوند بخشنده مهربان ، طسم ، این آیات کتابی است که روشن کننده حق از باطل است ، بر تو می خوانیم قصه موسی و فرعون را) تا زمانی که به این قسمت آیه رسید (و اراده ما بر این تعلق گرفت که بر مستضعفین روی زمین منت گذاریم و آنها را امام و وارث قرار دهیم)، سپس فرمود: توقف کن ، قسم به خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را به حق بشارت دهنده و ترساننده قرار داده ؛ همانا پاکان ، از ما اهل بیت و شیعیان آنها هستند، و دشمنان ما و پیروانشان مانند دشمنان موسی و پیروانش می باشند.

عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْقَمَّاطِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا مِنْ أَعْلَى عَلِيِّينَ وَ خَلَقَ قُلُوبَ شِيعَتِنَا مِنْ حَيْثُ خَلَقْنَا وَ خَلَقَ أْبْدَانَهُمْ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَمِنْ ثَمَّ

صَارَتْ قُلُوبُهُمْ تَحِنُّ إِلَيْنَا وَإِنَّ اللَّهَ خَلَقَ عَدُوَّنَا مِنْ يَحْمُومٍ وَخَلَقَ قُلُوبَ شِيعَتِهِمْ
مِنْ حَيْثُ خَلَقَهُمْ فَمِنْ ثَمَّ صَارَتْ قُلُوبُهُمْ تَحِنُّ إِلَيْهِمْ

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند ما را از اعلیٰ علیین آفریده ، و دلهای شیعیان ما را از آنچه ما آفریده شدیم آفرید، و بدنهای آنها را درجه ای پایین تر از آن خلق نمود، سپس دلهای آنها به سوی ما معطوف و مشتاق گردیده . و خداوند دشمنان ما را از دود آتش دوزخ آفرید، و دلهای پیروان دشمنان ما را از آنچه خلق شده بودند آفرید، آنگاه دلهای آنها به سوی دشمنان ما معطوف و مشتاق گشت .

عَنْ مَنْصُورِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْحَمِقِ الْخُرَاعِيِّ قَالَ أَغْمَى عَلَيَّ أَمِيرُ
الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام حِينَ ضَرَبَهُ ابْنُ مَلْجَمٍ لَعْنَهُ اللَّهُ فَأَفَاقَ وَهُوَ يَقُولُ طُوبَى لَهُمْ وَ طُوبَى
لَكُمْ وَ طُوبَاهُمْ أَفْضَلُ مِنْ طُوبَاكُمْ قَالَ قُلْتُ صَدَقْتَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ طُوبَاهُمْ
بِرُؤُوسِكَ وَ طُوبَانَا بِالْجِهَادِ مَعَكَ وَ طُوبَانَا بِطَاعَتِكَ وَ مَنْ هُوَ لَاءِ الَّذِينَ طُوبَاهُمْ
أَفْضَلُ مِنْ طُوبَانَا قَالَ علیه السلام أُولَئِكَ شِيعَتِي الَّذِينَ يَأْتُونَ مِنْ بَعْدِكُمْ يُطِيقُونَ مَا لَا
تُطِيقُونَ وَ يَحْمِلُونَ مَا لَا تَحْمِلُونَ

منصور بن عمرو بن حمق خزاعی گوید: زمانی که امیر المؤمنین علیه السلام به وسیله شمشیر ابن ملجم (لعنة الله عليه) ضربه خورد بیهوش شد، زمانی که بیهوش آمد می فرمود: خوشا بحالشان و خوشا بحال شما، و نیکبختی آنها را از نیکبختی شما بهتر است ، گفتم : راست می گویی ای امیر مؤمنان ! نیکبختی آنان به دیدن تو و نیکبختی ما به جهاد با تو و اطاعت از توست ، چه کسانی هستند آنها که نیکبختیشان بهتر از نیکبختی ماست ؟ امام علیه السلام فرمود:

آنها شیعیان من هستند که بعد از شما خواهند آمد، قدرت دارند بر آنچه شما بر آن قدرت ندارید و تحمل می کنند آنچه را که شما نمی توانید تحمل کنید.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ صَلَّى الْعَصْرَ وَهُوَ جَالِسٌ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ فِي الْمَسْجِدِ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ بَعْضَ السَّلَاطِينِ يَأْمِنُنَا عَلَى الْأَمْوَالِ يَسْتَوْدِعُونَهَا وَ لَيْسَ يَدْفَعُ إِلَيْكُمْ خُمْسَكُمْ أ فَتُؤَدِّيهِا إِلَيْهِمْ فَقَالَ وَ رَبِّ هَذِهِ الْقِبْلَةُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَوْ أَنَّ ابْنَ مَلْجَمٍ قَاتَلَ أَبِي فَإِنِّي أَطْلُبُهُ يَتَسْتَرُّ لِأَنَّهُ قَتَلَ أَبِي أَتَمَنَّنِي عَلَى أَمَانَةٍ لَأُدِّيْتُهَا إِلَيْهِ

عبد الله بن سنان گوید: خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ رسیدم در حالی که ایشان نماز عصر را خوانده و در مسجد رو به قبله نشسته بودند، گفتم: ای فرزند رسول خدا! بعضی از پادشاهان ما را امین بر اموالشان می دانند بنا بر این آن را نزد ما به امانت می گذارند، و خمس آن را هم به شما پرداخت نمی کنند، آیا امانت آنها را به خودشان برگردانیم؟

سه مرتبه فرمود: قسم به پروردگار این قبله، اگر ابن ملجم قاتل پدرم که در تعقیب او باشم و او پنهان شود، چون پدرم را کشته به من اعتماد کند و امانتی نزدم گذارد آن را به او بر خواهم گرداند.

عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنْ أُمَّتِي سَبْعُونَ أَلْفًا بَغَيْرِ حِسَابٍ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ رِضْوَانَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ هُمْ شِيعَتِكَ وَأَنْتَ إِمَامُهُمْ

امام باقر علیه السلام نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از امت من هفتاد هزار نفر بدون حساب وارد بهشت خواهند شد، علی علیه السلام فرمود: ای رسول خدا آنها چه کسانیند؟

فرمود: آنها شیعیان تو هستند و تو امام آنهايي .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ الْأُمُورَ كُلَّهَا وَ لَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا أَمَا تَسْمَعُ إِلَى اللَّهِ جَلَّ تَنَائُؤُهُ وَ هُوَ يَقُولُ وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ الْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيزًا لَا ذَلِيلًا ثُمَّ قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ وَ الْجَبَلُ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ وَ الْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ بِشَيْءٍ

امام صادق علیه السلام از قول پدرانش فرمود: خداوند تمام امور مؤمن را به خودش واگذار نموده ولی ذلت را به او تفویض نکرد، مگر نشنیده ای قول خداوند متعال را که می فرماید:

(عزت فقط از آن خدا و رسولش و مؤمنین است)؟ مؤمن عزیز است نه ذلیل . سپس فرمود: مؤمن از کوه هم عزیزتر است ، زیرا کوه به وسیله کلنگ کم می شود، ولی دین مؤمن به هیچ چیز کم نمی شود.

عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ لَيَذْكُرُ الذَّنْبَ الَّذِي قَدْ عَمَلَهُ مِنْذُ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَقَلَّ أَوْ أَكْثَرَ فَمَا يَذْكُرُهُ إِلَّا لِتَذْكِيرِهِ فَيَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْهُ فَيُغْفَرُ لَهُ

امام صادق علیه السلام فرمود: بنده مؤمن بیاد می آورد گناهی را که چهل سال قبل مرتکب آن شده کمتر یا بیشتر آن را فقط به خاطر یاد آوری و طلب آمرزش در ذهنش تداعی می کند، گناهی هم آمرزیده می شود.

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالُوا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيَتَعَاهَدُ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ بِأَنْوَاعِ الْبَلَاءِ كَمَا يَتَعَاهَدُ أَهْلَ الْبَيْتِ سَيِّدُهُمْ بِطُرْفِ الطَّعَامِ قَالَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَعَظَمَتِي وَبِهَائِي إِنِّي لَأَحْمِي وَلِيَّيَّ أَنْ أُعْطِيَهُ فِي دَارِ الدُّنْيَا شَيْئًا يَشْغَلُهُ عَنْ ذِكْرِي حَتَّى يَدْعُوَنِي فَاسْمَعُ دُعَاءَهُ وَصَوْتَهُ وَإِنِّي لَأُعْطِي الْكَافِرَ أُمْنِيَّتَهُ حَتَّى لَا يَدْعُوَنِي فَاسْمَعُ صَوْتَهُ بُغْضًا مِنِّي لَهُ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدران بزرگوارش نقل می کند که فرموده اند: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

خداوند متعال بنده مؤمنش را به گرفتاریهای گوناگون گرفتار می کند، همان طور که اهل خانه بزرگشان را بسوی غذا دعوت می کنند، فرمود: خداوند عز و جل می فرماید: قسم به عزت و جلال و بزرگی و شأ نم ، در دنیا از بنده مؤمنم چیزی را که باعث فراموشی او از من شود از او می گیرم ، تا اینکه مرا بخواند و من صدا و دعایش را بشنوم ، اما آرزوهای کافر را بر می آورم تا اینکه مرا نخواند که صدایش را بشنوم ، به خاطر خشمی که از او دارم .

عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالُوا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا قَارَفَ الذُّنُوبَ وَابْتُلِيَ بِهَا ابْتُلِيَ بِالْفَقْرِ فَإِنْ كَانَ فِي ذَلِكَ كَفَّارَةٌ لِذُنُوبِهِ وَإِلَّا ابْتُلِيَ بِالْمَرَضِ فَإِنْ كَانَ فِي ذَلِكَ كَفَّارَةٌ لِذُنُوبِهِ وَإِلَّا ابْتُلِيَ بِالْخَوْفِ مِنَ السُّلْطَانِ يَطْلُبُهُ فَإِنْ كَانَ فِي ذَلِكَ كَفَّارَةٌ لِذُنُوبِهِ وَإِلَّا ضُيِّقَ عَلَيْهِ عِنْدَ خُرُوجِ نَفْسِهِ حَتَّى يَلْقَاهُ وَمَا لَهُ مِنْ ذَنْبٍ يَدَّعِيهِ عَلَيْهِ فَيَأْمُرُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ وَإِنَّ الْكَافِرَ وَالْمُنَافِقَ لِيَهْوَنَ عَلَيْهِمَا خُرُوجُ أَنْفُسِهِمَا حَتَّى يَلْقِيَانِ اللَّهَ حِينَ يَلْقِيَانِهِ وَمَا لَهُمَا عِنْدَهُ مِنْ حَسَنَةٍ يَدَّعِيَانَهَا عَلَيْهِ فَيَأْمُرُ بِهِمَا إِلَى النَّارِ

امام باقر علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت می کند که فرموده اند: رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: بنده مؤمن هر گاه به گناه نزدیک می شود و بدان مبتلا می گردد گرفتار فقر می گردد، اگر این گرفتاری کفاره گناهانش محسوب شود خوب است و آلا گرفتار بیماری می شود، اگر این هم برای کفاره گناهانش باشد خوب است، و آلا مبتلای به ترس از سلطانی می شود که او را احضار نموده، اگر این هم برای کفاره گناهانش باشد خوب است، و آلا هنگام مرگ بر او سخت گرفته می شود تا اینکه خدا را ملاقات کند در حالی که گناهی نمانده باشد که خداوند به آن مؤاخذه اش نماید، آنگاه است که فرمان بهشت رفتن او را صادر می کند.

لکن بر کافر و منافق هنگام جان دادن آسان گرفته می شود، تا پاداشی از کار نیکوئی برای آنان باقی نماند که بر خدا ادعائی نداشته باشند، آنگاه خداوند بر آنان فرمان می دهد که به دوزخ روند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنَّ فِي يَمِينِ الْعَرْشِ مَنَابِرَ مِنْ نُورٍ عَلَيْهَا رِجَالٌ وَجُوهُهُمْ مِنْ نُورٍ لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءَ وَلَا شُهَدَاءَ قَالَ فَقَالَ لَهُ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ فَمَنْ هَؤُلَاءِ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ هُمُ الَّذِينَ تَوَاصَوْا فِي اللَّهِ وَتَوَاحَوْا فِي اللَّهِ وَتَوَاصَلُوا فِي اللَّهِ وَتَحَابُّوا فِي اللَّهِ فَدَخَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَقَالَ هُمْ شِيعَةُ هَذَا وَأَشَارَ إِلَى عَلِيٍّ

امام صادق علیه السلام روایت کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: در طرف راست عرش منبرهایی از نور وجود دارد و بر آنها مردانی نشسته اند که صورتهایی از نور دارند، آنها پیامبران و شهدا نیستند.

امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: عمر بن الخطاب به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفت: ای رسول خدا! پس آنان کیستند؟ فرمود: آنان کسانی می باشند که یک دیگر را در راه خدا همگامی نموده اند، و با هم در راه خدا برادری کرده اند، و بخاطر خدا به یک دیگر کمک نموده اند، و همدیگر را دوست داشته اند، آنگاه علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ داخل شد، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: آنها شیعه این شخص هستند، و به سوی علی عَلَيْهِ السَّلَامُ اشاره فرمود.

عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ رِضْوَانَ اللَّهِ عَلَيْهِمَا قَالَ إِذَا جَمَعَ اللَّهُ الْأَوْلِيْنَ وَالْآخِرِينَ نَادَى مُنَادٍ بَحَيْثُ يَسْمَعُ النَّاسُ فَيَقُولُ أَيْنَ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ قَالَ فَيَقُومُ غُنْقٌ مِنَ النَّاسِ فَيَقَالُ لَهُمْ اذْهَبُوا إِلَى الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ قَالَ فَتَسْتَقْبِلُهُمُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُونَ إِلَى أَيْنَ فَيَقُولُونَ إِلَى الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَيَقُولُونَ أَيُّ حِزْبٍ أَنْتُمْ مِنَ النَّاسِ فَيَقُولُونَ نَحْنُ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ قَالَ فَيَقُولُونَ فَأَيُّ شَيْءٍ كَانَتْ أَعْمَالُكُمْ قَالُوا كُنَّا نُحِبُّ فِي اللَّهِ وَنُبْغِضُ فِي اللَّهِ قَالَ فَيَقُولُونَ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ

امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: چون خدای متعال همه مردم را در روز قیامت گرد آورد، منادی حق بطوری که همه مردم بشنوند ندا در دهد و می گوید: کجا ایند کسانی که فقط به خاطر خدا همدیگر را دوست داشتند؟ جماعتی از مردم بر می خیزند، به آنها گفته می شود بدون حساب داخل بهشت شوید، فرشتگان با آنها روبرو می شوند و می گویند:

کجا می روید؟ جواب می دهند: بدون حساب بسوی بهشت می رویم ، ملائک می پرسند:

شما چه صنفی از مردم هستید؟ می گویند: ما کسانی هستیم که فقط برای خدا به همدیگر مهر می ورزیدیم ، می پرسند: اعمال شما چه بوده است ؟ پاسخ می دهند: برای خدا دوستی می کردیم ، و برای خدا دشمنی می ورزیدیم ، ملائک می گویند: چه خوبست پاداش اهل عمل .

فصل ششم : کرامت مؤمن در نزد خدا

الفصل السادس في كرامة المؤمن على الله عزو جل

عَنْ مُيَسَّرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ مِنْكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَيَمُرُّ بِهِ الرَّجُلُ وَقَدْ أُمِرَ بِهِ إِلَى النَّارِ فَيَقُولُ يَا فُلَانُ أَغْنَيْتَنِي فَإِنِّي كُنْتُ أَصْنَعُ إِلَيْكَ الْمَعْرُوفَ فِي دَارِ الدُّنْيَا فَيَقُولُ لِلْمَلِكِ خَلِّ سَبِيلَهُ فَيَأْمُرُ اللَّهُ بِهِ الْمَلِكَ فَيُخَلِّي سَبِيلَهُ

امام صادق عليه السلام فرمود: روز قیامت مردی که باید بسوی آتش جهنم رود با مؤمنی از شما روبرو می شود و می گوید: فلانی کمکم کن ، من در دنیا کار نیکی برایت انجام دادم ، بنده مؤمن به ملک می گوید: راهش را باز کنید، خداوند ملک را فرمان دهد که راهش را باز کنند تا داخل بهشت شود.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ يُؤْتَى بِعَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَيْسَتْ لَهُ حَسَنَةٌ فَيُقَالُ لَهُ اذْكُرْ وَتَذَكَّرُ هَلْ لَكَ حَسَنَةٌ فَيَقُولُ مَا لِي حَسَنَةٌ غَيْرَ أَنْ فُلَانًا عَبَّدَكَ الْمُؤْمِنَ مَرَّ بِي فَسَأَلَنِي مَاءً لِيَتَوَضَّأَ بِهِ فَيُصَلِّيَ فَأَعْطَيْتُهُ فَيُدْعَى بِذَلِكَ الْعَبْدِ الْمُؤْمِنِ فَيَقُولُ نَعَمْ يَا رَبُّ فَيَقُولُ الرَّبُّ جَلَّ تَنَاوُهُ قَدْ غَفَرْتُ لَكَ أَذْخِلُوا عَبْدِي جَنَّتِي

امام صادق عليه السلام فرمود: بنده ای را که هیچ عمل صالحی ندارد روز قیامت حاضر کنند و به او بگویند: بنگر و بیاد آور! آیا کار خوبی داری ؟ می گوید: من هیچ عمل شایسته ای ندارم جز آنکه وقتی فلان بنده مؤمن تو بر من گذر می کرد و از من آب خواست تا وضو بگیرد و نماز بخواند من به او آب دادم .

سپس از مؤمن در این باره پرسیده می شود، او می گوید: پروردگارا راست می گوید! خداوند جلّ ثناؤه می فرماید: من تو را آمرزیدم ، بنده مرا داخل بهشتم کنید.

عَنِ الْمُفْضَلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ يُقَالُ لِلْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَصَفَّحَ وَجْوهَ النَّاسِ فَمَنْ كَانَ سَفَاكَ شَرْبَةٍ أَوْ أَطْعَمَكَ أَكْلَةً أَوْ فَعَلَ بِكَ كَذَا وَكَذَا فَخُذَ بِيَدِهِ فَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ قَالَ فَإِنَّهُ لَيَمْرُؤٌ عَلَى الصِّرَاطِ وَمَعَهُ بَشَرٌ كَثِيرٌ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ إِلَى أَيْنَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِلَى أَيْنَ يَا عَبْدَ اللَّهِ فَيَقُولُ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ أَجِيزُوا لِعَبْدِي فَأَجَازُوهُ وَإِنَّمَا سُمِّيَ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا لِأَنَّهُ يُؤْمِنُ عَلَى اللَّهِ فَيُجِيزُ أَمَانَهُ

امام صادق عليه السلام فرمود: روز قیامت به مؤمن گفته می شود؛ در صورتهای این مردم خوب تا مل کن ، هر کس از اینها که آبی به تو نوشانده یا غذایی خورانده ، یا کاری برایت انجام داده دستش را بگیر و او را به بهشت ببر، فرد مؤمن از صراط می گذرد در حالی که افراد زیادی همراهش هستند.

ملائک می پرسند: به کجا ای دوستان خدا؟! به کجا ای بندگان خدا؟
خداوند متعال می فرماید: به بنده من اجازه دهید، آنها هم اجازه می دهند، و علّت اینکه مؤمن را مؤمن نامیده اند این است که او نزد خدا امان می دهد و امانش را خدا می پذیرد.

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَفْوِضُ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَصْنَعُ مَا شَاءَ قُلْتُ حَدَّثَنِي فِي كِتَابِ اللَّهِ أَيْنَ قَالَ قَالَ قَوْلُهُ لَهُمْ مَا يَشَاؤُنَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ فَمَشِيئَةُ اللَّهِ مُفَوَّضَةٌ إِلَيْهِ وَالْمَزِيدُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يُحْصَى ثُمَّ قَالَ جَابِرٌ وَلَا تَسْتَعِنَ بَعْدُو لَنَا فِي حَاجَةٍ وَلَا تَسْتَطْعِمُهُ وَلَا تَسْأَلُهُ

شَرِبَهُ أَمَا إِنَّهُ لَيُخَلَّدُ فِي النَّارِ فَيَمُرُّ بِهِ الْمُؤْمِنُ فَيَقُولُ يَا مُؤْمِنُ أَلَسْتُ فَعَلْتُ بِكَ كَذَا
وَكَذَا فَيَسْتَجِي مِنْهُ فَيَسْتَنْقِذُهُ مِنَ النَّارِ وَإِنَّمَا سُمِّيَ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا لِأَنَّهُ يُؤْمِنُ عَلَى
اللَّهِ فَيُجِيزُ اللَّهُ أَمَانَهُ

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند در روز قیامت مؤمن را به حال خود رها می
کند تا هر چه می خواهد انجام دهد، گفتم: بفرمایید در کجای کتاب خدا چنین
آمده؟ فرمود: در آنجا که می فرماید: (برای آنهاست هر چه بخواهند و نزد
ماست افزونتر از نعمات بهشتی)، پس خواسته خدا و افزون نعمت بی شمار او
به او واگذار می شود.

سپس فرمود: ای جابر! از دشمن ما طلب کمک مکن، و از او تقاضای غذا
یا آب ننما، زیرا او در آتش جاودانه خواهد بود، و هنگامی که مؤمنی از کنارش
بگذرد می گوید: ای مؤمن آیا برایت فلان کار را انجام ندادم؟ مؤمن از او حیا
می کند و او را از آتش نجات می دهد، و علت نامگذاری مؤمن به مؤمن این
است که او نزد خدا امان می دهد و خدا هم امانش را می پذیرد.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَمَرَ اللَّهُ مُنَادِيًا
يُنَادِي بَيْنَ يَدَيْهِ أَيْنَ الْفُقَرَاءُ فَيَقُومُ عَنْقٌ مِنَ النَّاسِ كَثِيرٌ فَيَقُولُ عِبَادِي فَيَقُولُونَ
لَبَّيْكَ يَا رَبَّنَا فَيَقُولُ إِنِّي لَمْ أُفْقِرْكُمْ لِهَوَانٍ بِكُمْ عَلَيَّ وَ لَكِنْ إِنَّمَا أَفْقَرْتُكُمْ لِمِثْلِ هَذَا
الْيَوْمِ تَصَفَّحُوا وُجُوهَ النَّاسِ فَمَنْ صَنَعَ إِلَيْكُمْ مَعْرُوفًا لَمْ يَصْنَعْهُ إِلَّا فِيَّ فَكَافَتْهُ عَنِّي
بِالْجَنَّةِ

امام باقر علیه السلام فرمود: روز قیامت خداوند جارچی را فرمان می دهد که پیش
رویش فریاد بزند: فقراء کجايند؟ عده بسياري از مردم بر مي خيزند، خداوند مي
فرمايد: اي بندگان من! مي گویند: بلی پروردگار ما، می فرماید: من شما را به
خاطر تحقیر نیازمند نگردانیدم، بلکه به خاطر چنین روزی شما را فقیر نمودم،

حال به صورتهای مردم خوب نگاه کنید! هر کس فقط به خاطر من کار نیکی برای شما انجام داده از طرف من او را به بهشت ببرید.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْمُؤْمِنُ زَعِيمٌ أَهْلُ بَيْتِهِ شَاهِدٌ عَلَيْهِمْ وَلَا يَتَّهَمُونَ
امام صادق عليه السلام می فرماید: مؤمن رئیس خانواده اش می باشد و نیز بر اعمال و کردار آنها گواه است .

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَبَابُ الْمُؤْمِنِ
فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ وَأَكْلُ لَحْمِهِ مَعْصِيَةٌ لِلَّهِ وَحُرْمَةُ مَالِهِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ
امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وسلم می فرماید: دشنام دادن به مؤمن نافرمانی خداست ، و جنگیدن با او کفر است ، و خوردن گوشت او (بواسطه غیبت) گناه است ، و احترام مال مؤمن همانند احترام خون اوست .

فصل هفتم : در بیان حقوق واجب مؤمن بر مؤمن

الفصل السابع فى ذكر ما يجب من حق المؤمن على المؤمن

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ يُخْشَرُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْرَى مَا كَانُوا وَ أَجُوعَ مَا كَانُوا وَ أَعْطَشَ مَا كَانُوا فَمَنْ كَانَ كَسَا مُؤْمِنًا ثَوْبًا فِي دَارِ الدُّنْيَا كَسَاهُ اللَّهُ مِنْ حُلْلِ الْجَنَّةِ وَ مَنْ كَانَ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا فِي دَارِ الدُّنْيَا أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ وَ مَنْ كَانَ سَقَى مُؤْمِنًا فِي دَارِ الدُّنْيَا شَرَبَهُ مِنْ زَمَامٍ سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ

رسول خدا ﷺ می فرماید: روز قیامت مردم محشور می شوند در حالی که عریانتر از دنیا و گرسنه تر و تشنه تر از زمانی می باشند که در دنیا بودند، هر کس از آنان در دنیا به مؤمنی لباسی پوشانده خداوند او را از لباسهای بهشتی بیوشاند، و هر کس مؤمنی را در دنیا غذا داده خداوند از نعمتهای بهشتی نصیبش کند، و هر کسی در دنیا مؤمنی را سیراب نموده خداوند به او از شرابهای بهشتی بنوشاند.

عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ قَالَ يَا سَدِيرُ تُعْتِقُ كُلَّ يَوْمٍ نَسَمَةً قُلْتُ لَا قَالَ فَكُلَّ شَهْرٍ قُلْتُ لَا فَقَالَ كُلَّ سَنَةٍ قُلْتُ لَا فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ مَا تَأْخُذُ بِيَدِ أَخِيكَ فِي اللَّهِ فَتُدْخِلُهُ بَيْنَكَ فَتُطْعِمُهُ شُبْعَةً فَوَاللَّهِ لَئِنْ لَمْ أَفْضَلُ مِنْ عَتَقَ رَقَبَةً مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ

امام باقر ﷺ فرمود: ای سدیر آیا هر روز بنده ای را آزاد می کنی ؟ گفتم : نه ، فرمود: در هر ماه ؟ گفتم : نه ، فرمود: در هر سال ؟ گفتم : نه ، فرمود: سبحان الله ، آیا دست برادر دینیت را به خاطر خدا نگرفته ای و به خانه ات

نبرده ای و او را از غذا سیر ننموده ای ؟ بخدا قسم این کار از آزاد کردن بنده ای از نسل فرزندان اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَامُ ثوابش بیشتر است .

عَنْ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يَا أَبَا الْمِقْدَامِ لَأَنْ أُطْعِمَ رَجُلًا مِنْ شِيعَتِي شُبْعَةً أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُطْعِمَ أَفْقًا مِنَ النَّاسِ قَالَ قُلْتُ كَمْ الْأَفْقُ قَالَ مِائَةٌ أَلْفٍ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: ای ابو مقدم سیر کردن مردی از شیعیانم برای من بهتر از سیر کردن افقی از مردم دیگر است ، گفتم : افق چه مقدار است ؟ فرمود: صد هزار.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ نَظَرَ إِلَى مُؤْمِنٍ نَظْرَةً لِيُخِيفَهُ بِهَا أَخَافَهُ اللَّهُ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می کند که فرمود: کسی که به مؤمنی نگاه ترسناک نماید، خداوند در آن روزی که بجز سایه او سایه ای نیست (قیامت) او را می ترساند.

وَ قَالَ أَيْضاً مَنْ عَادَ مَرِيضاً مِنَ الْمُسْلِمِينَ خَاصّاً فِي رِمَالِ الرَّحْمَةِ وَ مَنْ جَلَسَ إِلَيْهِ غَمْرَتُهُ الرَّحْمَةُ فَإِذَا بَلَغَ إِلَى مَنْزِلِهِ شِيعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتَّى يَدْخُلَ إِلَيْهِ مَنْزِلَهُ كُلُّهُمْ يَقُولُونَ أَلَا طِيبٌ وَ طَابَتْ لَكَ الْجَنَّةُ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: هر کس بیماری از مسلمین را عیادت کند در دریای رحمت خدا فرو می رود، و کسی که نزد آن بیمار بنشیند رحمت خداوند او را فرا می گیرد، و هر گاه به منزلش برگردد هفتاد هزار ملک او را همراهی

کنند؛ تا داخل خانه اش شود، و تمامی آنان می گویند: پاک شدی و بهشت برای تو گوارا شد.

عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَنْ سَأَلَهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ حَاجَةً مِنْ ضَرِّهِ فَمَنَعَهُ مِنْ سَعَةٍ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهَا مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَقْرُونَةً يَدُهُ إِلَى عُنُقِهِ حَتَّى يَفْرُغَ اللَّهُ مِنْ حِسَابِ الْخَلْقِ

امام صادق عليه السلام فرمود: اگر مؤمنی نیاز ضرورتش را به برادر مؤمنش عرضه کند و او با توان بر آوردنش از بر آوردن حاجتش امتناع کند، حال بی واسطه و یا با واسطه؛ خداوند او را دست به گردن بسته در قیامت محشور می کند، تا از حساب مخلوقات فارغ شود.

عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ النَّوْفَلِيِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ أُبْلِغُ مَوَالِيَ عَنِّي السَّلَامَ وَ أَخْبِرْهُمْ أَنِّي أَضْمَنُ لَهُمُ الْجَنَّةَ مَا خَلَا سَبْعاً مُدْمِنٌ خَمْرٍ أَوْ مَيْسِرٍ أَوْ رَادُّ عَلَى مُؤْمِنٍ أَوْ مُسْتَكْبِرٍ عَلَى مُؤْمِنٍ أَوْ مَنْ مَنَعَ مُؤْمِنًا مِنْ حَاجَةٍ أَوْ مَنْ أَتَاهُ مُؤْمِنٌ فِي حَاجَةٍ فَلَمْ يَقْضِهَا لَهُ أَوْ مَنْ خَطَبَ إِلَيْهِ مُؤْمِنٌ فَلَمْ يُزَوِّجْهُ قَالَ قُلْتُ لَا وَاللَّهِ لَا يَرِدُ عَلَى أَحَدٍ مِمَّنْ وَحَدَّ اللَّهُ بِكَمَالِهِ كَاتِبًا مَنْ كَانَ فَأَخْلَى بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَالِي فَقَالَ صَدَقْتَ إِنَّكَ صِدِّيقٌ قَدْ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَكَ لِلتَّسْلِيمِ وَالْإِيمَانِ

عبد الملک نوفلی گوید: خدمت امام صادق عليه السلام رسیدم، ایشان فرمود: به دوستانم سلام برسان و به آنها خبر بده که من بجز برای هفت گروه از آنان بهشت را بر ایشان ضمانت می کنم:

کسی که دائم الخمر است، کسی که قمار باز است، کسی که سخن مؤمنی را رد کند، کسی که بر مؤمنی تکبر کند، کسی که مؤمنی را از حاجتش منع نماید،

یا مؤمنی نزدش آمده و حاجتی دارد و او حاجتش را روا نسازد، یا مؤمنی به خواستگاری در خانه اش آمده و او دخترش را به تزویجش در نیاورد.
 عرض کردم: قسم بخدا، هر بنده موحد کاملی که وجود داشته و نزد من آمده مالم را در اختیارش قرار داده ام، امام فرمود: راست گفתי، تو راستگویی، خداوند دلت را برای بندگی و ایمان امتحان نموده است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَيُّمَا رَجُلٍ اتَّخَذَ وَلَيْنًا أَهْلَ الْبَيْتِ ثُمَّ أَدْخَلَ عَلَيَّ نَاصِبِي سُرُورًا وَاصْطَنَعَ إِلَيْهِ مَعْرُوفًا فَهُوَ مِنَّا بَرِيءٌ وَكَانَ ثَوَابُهُ عَلَيَّ اللَّهُ النَّارَ
 امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس ولایت ما اهل بیت را اختیار کند، سپس دشمنم را شاد نماید و کار نیکی برای او انجام دهد، او از ما دوری جسته و پاداش او نزد خدا آتش است.

عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِخْوَانُنَا يَتَوَلَّوْنَ عَمَلَ السُّلْطَانِ أَمْ فَتَدْعُو لَهُمْ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَلْ يَنْفَعُونَكُمْ قُلْتُ لَا فَقَالَ إِبْرَأْ مِنْهُمْ بَرِيءَ اللَّهِ مِنْهُمْ

یکی از اصحاب می گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: برادران ما کارهای حکومتی انجام می دهند آیا برای آنها دعا کنیم؟ امام فرمود: آیا برای شما نفعی دارند؟ گفتم: نه.

فرمود: من از آنها بیزارم، خدا هم از آنها بیزار است.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعُسْكَرِ قَالَ كَفَّارَةٌ عَمَلِ السُّلْطَانِ قِضَاءُ حَوَائِجِ الْإِخْوَانِ

امام صادق علیه السلام می فرماید: کفاره کار کردن برای پادشاه بر آوردن حاجتهای برادران ایمانی است .

عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَدْ كُنْتُ فَرَضْتُ عَلَيْكُمُ الْخُمْسَ فِي أَمْوَالِكُمْ فَقَدْ جَعَلْتُ مَكَانَهُ بَرًّا إِخْوَانِكُمْ

امام صادق علیه السلام فرمود: خمس را در اموال شما واجب نمودم ، اینک به جای آن نیکی به برادرانتان را قرار دادم .

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرِ الدَّهْقَانِ قَالَ قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ علیه السلام كَيْفَ أَبُو دُلْفَ لَهُ أَرْبَعَةُ آلَافِ قَرْيَةٍ وَ قَرْيَةٌ فَقَالَ لَهُ إِنَّهُ ضَافَ بِهِ مُؤْمِنٌ لَيْلَةً فزَوَّدَهُ جُلَّةً مِنْ تَمْرٍ كَانَ فِيهَا أَرْبَعَةُ آلَافِ تَمْرَةٍ وَ تَمْرَةٌ فَأَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ تَمْرَةٍ قَرْيَةً

احمد بن جعفر دهقان گوید: مردی به امام عسکری علیه السلام عرض کرد: چگونه ابو دلف چهار هزار و یک قریه دارد؟ امام فرمود: او یک شب مؤمنی را مهمان کرد و به عنوان توشه راه کیسه ای از خرما به او داد که در آن چهار هزار و یک خرما بود، خداوند هم به پاداش هر خرما یک قریه به او عطا فرمود.

عَنِ الْفَضْلِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام لِإِسْحَاقَ تَدْخُلُ إِخْوَتَكَ إِلَى مَنْزِلِكَ فَيَأْكُلُونَ طَعَامَكَ وَ يَشْرَبُونَ شَرَابَكَ وَ يَطُّونَ فِرَاشَكَ قَالَ نَعَمْ قَالَ أَمَا إِنَّهُمْ مَا يَخْرُجُونَ مِنْ بَيْتِكَ إِلَّا وَ لَهُمُ الْفَضْلُ عَلَيْكَ قَالَ إِسْحَاقُ يَا سَيِّدِي يَدْخُلُونَ بَيْتِي وَ يَأْكُلُونَ طَعَامِي وَ يَفْتَرِشُونَ فَرَشِي وَ يَخْرُجُونَ مِنْ مَنْزِلِي وَ لَهُمُ الْفَضْلُ عَلَيَّ قَالَ نَعَمْ إِنَّهُمْ يَأْكُلُونَ أَرْزَاقَهُمْ وَ يَخْرُجُونَ بِذُنُوبِكَ وَ ذُنُوبِ عِيَالِكَ

امام صادق علیه السلام به اسحاق فرمود: آیا برادران دینیت را به خانه ات برده ای تا از غذای تو بخورند، و از آشامیدن بیاشامند، و در رختخواب بخوابند؟ گفت: بلی، فرمود: بدان آنها از خانه ات خارج نمی شوند مگر اینکه باعث زیادی نعمت بر تو خواهند شد.

اسحاق گفت: آقای من! آنها به خانه ام می آیند! و غذایم را می خورند! و روی فرشهایم استراحت می کنند! و از منزلم خارج می شوند باز هم برای من زیادی نعمت می آورند؟! فرمود: بلی، آنها روزی خود را می خورند و هنگام خارج شدن گناهان تو و خانواده ات را هم با خود می برند.

عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ يَحِقُّ عَلَى الْمُؤْمِنِ لِلْمُؤْمِنِ النَّصِيحَةُ

امام باقر علیه السلام فرمود: بر مؤمن است که خیر خواه برادر مؤمنش باشد.

عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ مَنْ مَشَى مَعَ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فِي حَاجَةٍ فَلَمْ يُنَاصِحْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر مؤمنی که دنبال حاجت برادر دینی خود برود و برای او خیر اندیشی نکند؛ به خدا و رسولش خیانت نموده است.

عَنْ يُونُسَ بْنِ زَبْيَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام خَصَلْتَانِ إِذَا لَمْ تَكُونَا فِي الرَّجْلِ فَأَعْرَبْ ثُمَّ اعْرَبْ مِنْهُ الْمُحَافَظَةُ عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالْمُؤَاسَاةُ لِإِخْوَانِهِ فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر دو خصلت در مردی نبود هر قدر می توانی از او دوری کن ، یکی از آن دو مواظبت بر نمازهای واجب است و دیگر همدردی کردن با برادران دینی که از طرف خدا واجب شده است .

عَنْهُ علیه السلام قَالَ إِذَا رَأَيْتَ مِنْ أَحْيِكَ شُحًّا فَاسْتُرْ عَلَيْهِ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ إِذَا قَالَ الْمُؤْمِنُ لِأَخِيهِ أَفَّ خَرَجَ مِنْ وَلَايَتِهِ وَإِذَا قَالَ أَنْتَ عَدُوِّي فَقَدْ كَفَرَ أَحَدُهُمَا لِأَنَّهُ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ أَحَدٍ عَمَلًا فِي تَثْرِيْبِ عَلَى مُؤْمِنٍ نَصِيْحَةً وَلَا يَقْبَلُ مِنْ مُؤْمِنٍ عَمَلًا وَهُوَ يُضْمِرُ فِي قَلْبِهِ عَلَى مُؤْمِنٍ سُوءًا وَلَوْ كُتِبَ الْغَطَاءُ عَنِ النَّاسِ فَنظَرُوا إِلَى مَا وَصَلَ مَا بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ الْمُؤْمِنِ خَضَعَتْ لِلْمُؤْمِنِينَ رِقَابُهُمْ وَتَسَهَّلَتْ لَهُمْ أُمُورُهُمْ وَكَانَتْ لَهُمْ طَاعَتُهُمْ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه از برادران دینی ات بخلی دیدی آن را پنهان کن . امام باقر علیه السلام فرمود: هر گاه مؤمن نسبت به برادر دینی اش اظهار انزجار نماید از دوستی او خارج شده . و هر گاه به او بگویند تو دشمن منی یکی از آن دو کافر شده ، زیرا خداوند عمل کسی را که بعنوان خیر اندیشی مؤمنی را توییح نموده باشد نمی پذیرد، و از مؤمن هم عملی را قبول نمی کند در حالی که در دلش نسبت به مؤمن دیگر گمان بد باشد. و اگر حجابها از جلوی چشم مردم برداشته شود و ببینند آنچه را موجب اتصال بین خدا و مؤمن شده گردنهای آنان برای مؤمنین خاضع و فروتن می شود، و کارهای مؤمنین برای آنان آسان می گردد، و برای آنها اطاعت از مؤمنین سهل می شود.

عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا مِنْ عَبْدَيْنِ مُسْلِمَيْنِ إِلَّا وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ مِنَ اللَّهِ فَإِنْ قَالَ أَحَدُهُمَا هَجْرًا فِي صَاحِبِهِ هَتَكَ اللَّهَ ذَلِكَ السَّرُّ فَإِنْ بَرِيَّ أَحَدُهُمَا مِنْ صَاحِبِهِ كَفَرَ أَحَدُهُمَا يَعْنِي أَشَدَّهُمَا قَوْلًا

امام صادق عليه السلام فرمود: بین هر دو بنده مسلمان حجابی از طرف خداوند قرار داده شده ؛ که اگر یکی از آن دو سخن زشتی به دیگری بگوید، خداوند آن حجاب را پاره می کند، و اگر یکی از آن دو از دیگری بیزارى جوید یکی از آن دو کافر خواهد شد، یعنی : آن کس که لحنش شدیدتر بود.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ لَمَّا كُتِرَ مَالِي أَجْلَسْتُ عَلَى بَابِي بَوَّابًا يَرُدُّ عَنِّي فَقَرَأَ الشَّيْعَةَ فَخَرَجْتُ إِلَى مَكَّةَ فِي تِلْكَ السَّنَةِ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيَّ بَوَّابًا قَاطِبًا مُزَوَّرًا فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا الَّذِي غَيَّرَ لِي حَالِي عِنْدَكَ قَالَ الَّذِي غَيَّرَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّهُمْ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ لَكِنِّي خَشِيتُ الشُّهْرَةَ عَلَى نَفْسِي قَالَ يَا إِسْحَاقُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا التَّقِيَا فَصَافِحَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا مِائَةَ رَحْمَةٍ تَسْعُ وَ تَسْعُونَ مِنْهَا لِأَشَدِّهِمَا حُبًّا لِصَاحِبِهِ فَإِذَا اعْتَنَقَا غَمَرَتْهُمَا الرَّحْمَةُ

اسحاق بن عمار گوید: چون مال و ثروتم زیاد شد کسی را جلوی در خانه ام گذاشتم تا فقیران شیعه را از خانه من دور کند، سپس در همان سال به مکه رفتم و به حضور امام صادق عليه السلام رسیدم و عرض سلام داشتم ، حضرت با صورت بر افروخته در حالی که روی از من برگردانده بود جواب سلام را دادند، عرض کردم : فدایت شوم ! چه چیزی موجب دگرگونی حالم نزد شما شد؟ فرمود: آنچه که حال تو را برای مؤمنین دگرگون ساخته ، عرض کردم : فدایت شوم ! بخدا قسم من می دانم آنها متدین هستند و لکن ترسیدم از اینکه مشهور شوم .

فرمود: ای اسحاق! آیا می دانی هر گاه مؤمنین یک دیگر را ملاقات کنند و با همدیگر مصافحه نمایند خداوند بین آن دو صد رحمت فرو می فرستد، نود و نه آن برای کسی که دوستیش شدیدتر نسبت به دیگری است، و هر گاه معانقه کنند رحمت الهی آن دو را فرا می گیرد.

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنِّي رَجُلٌ مَشْهُورٌ وَإِنَّ أَنَسًا مِنْ أَصْحَابِنَا يَأْتُونِي وَيَغْشَوْنِي وَقَدْ اشتهرتُ بِهِمْ فَأَمْنَعُهُمْ أَنْ يَأْتُونِي وَأَخَافُ فَقَالَ يَا إِسْحَاقُ لَا تَمْنَعُهُمْ خُلِّطَكَ فَإِنَّ ذَلِكَ لَنْ يَسْعَكَ فَجَهَدْتُ بِهِ أَنْ يَجْعَلَ لِي رُخْصَةً فِي خُلْطِهِمْ فَأَبَى عَلَيَّ

اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: من مردی مشهورم و عده ای از یارانمان نزد من می آیند و مرا در بر می گیرند و این امر بین آنها مشهور شده، آیا آنها را از آمدن منع کنم و بترسم؟

فرمود: ای اسحاق! دوستیت را با آنها دریغ مدار، زیرا این کار در حدّ توان تو نیست.

اسحاق می گوید: من تلاش کردم که امام عليه السلام به من رخصت دهد تا با آنان معاشرت نمایم سودی نیافت، و ایشان اجازه نفرمود.

عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لِكُلِّ شَيْءٍ شَيْءٌ يَسْتَرِيحُ إِلَيْهِ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ يَسْتَرِيحُ إِلَى أَخِيهِ كَمَا يَسْتَرِيحُ الطَّيْرُ إِلَى شَكْلِهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: برای هر چیزی وسیله آسایشی هست، وسیله استراحت مؤمن برادر مؤمنش است همان طور که پرنده ای به هم نوعش انس می گیرد.

عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَشْكُوكَ فُلَانٌ قَالَ يَشْكُونِي إِنِّي اسْتَقْضَيْتُ حَقِّي مِنْهُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَأَنَّكَ إِذَا اسْتَقْضَيْتَ حَقَّكَ لَمْ تُسَيِّءْ أَمْ رَأَيْتَ مَا ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْقُرْآنِ يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ أَمْ خَافُوا أَنْ يَجُورَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ لَا وَاللَّهِ مَا خَافُوا ذَلِكَ إِنَّمَا خَافُوا الْإِسْتِقْضَاءَ فَسَمَّاهُ اللَّهُ سُوءَ الْحِسَابِ نَعَمْ مَنْ اسْتَقْضَى مِنْ أُخِيهِ فَقَدْ أَسَاءَ

حماد بن عثمان گوید: نزد امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ بودم که مردی از یاران ما داخل شد، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به او فرمود: فلانی از تو شکایت دارد! گفت: از من شکایت می کند چون حقم را از او طلب نمودم، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: گویا تو فکر کردی اگر حقت را از او طلب کنی ناراحتش نمی کنی؟ آیا قول خداوند را در قرآن ندیده ای؟ (از بدی حساب می ترسند) آیا می ترسند خداوند به آنها ستم کند؟ نه بخدا، از این نمی ترسند بلکه از طلب حساب می ترسند، فلذا خداوند آن را بدی حساب نام نهاد، بلی؛ هر کس از برادرش حساب بکشد بد کرده است.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا تَغْشَسِ النَّاسَ فَتَبْقَى بِغَيْرِ صَدِيقٍ
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: با مردم نیرنگ بازی مکن، زیرا که بدون دوست می مانی.

عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْمُؤْمِنُ لَا يَغُشُّ الْمُؤْمِنَ وَلَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخُونُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ وَلَا يَكْذِبُهُ وَلَا يَغْتَابُهُ وَلَا يَقُولُ لَهُ أَفٍّ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ

لَهُ أَفٍّ لَمْ تَكُنْ بَيْنَهُمَا وَلَا يَهُ قَاذَا أَتَهُمَهُ أَنْمَاتُ الْإِيْمَانِ فِي قَلْبِهِ كَمَا يَنْمَاتُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ وَمَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنِينَ أَشْبَعَهُمَا كَانَ أَفْضَلَ مِنْ رَقَبَةٍ

امام صادق عليه السلام فرمود: مؤمن برادر مؤمنش را فریب نمی دهد و به او ظلم نمی کند و به او خیانت نمی نماید، و او را خوار نمی گرداند، تکذیبش نمی کند و غیبت او را نمی نماید، و اظهار انزجار از او نمی کند، زیرا اگر کلمه ای بگوید که نشانه انزجار از او باشد محبت و دوستی از بین آن دو رخت می بندد، و هر گاه به او تهمت بزند ایمان از قلبش می رود همان طور که نمک در میان آب ذوب می شود، و هر کس دو مؤمن را غذا دهد بطوری که سیر شوند از آزاد کردن بنده ای در راه خدا ثوابش بیشتر است .

عَنْ إِبْرَاهِيمَ التُّمَالِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْذُلُ أَخَاهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى نَصْرَتِهِ إِلَّا خَذَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَإِنْ نَصَرَهُ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَاعْتِكَافِهِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

امام صادق عليه السلام فرمود: هر مؤمنی که برادر مؤمنش را خوار سازد در حالی که قادر بر یاری اوست خداوند او را در دنیا و آخرت خوار کند، و اگر او را یاری کند ثوابش از یک ماه روزه گرفتن و اعتکاف در مسجد الحرام بیشتر است .

وَ قَالَ الْمُؤْمِنُ لَا يَشْبَعُ وَ يَجُوعُ أَخُوهُ وَ لَا يَرُوى وَ يَظْمَأُ أَخُوهُ وَ لَا يُكْسَى وَ يَعْرِى أَخُوهُ مَا أَعْظَمَ حَقَّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ

امام صادق عليه السلام فرمود: مؤمن هیچ گاه سیر نمی باشد در حالتی که برادرش گرسنه است ، و سیراب نمی باشد در حالتی که برادرش تشنه است ، و پوشیده

نمی باشد در حالی که برادرش برهنه است ، چقدر بزرگ است حق مسلمان بر
مسلمان !

وَقَالَ أَحِبِّ لِلْمُسْلِمِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَاكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُهُ لِنَفْسِكَ وَإِذَا
اِحْتَجَّتْ فَسَلُهُ وَإِذَا سَأَلَكَ فَأَعْطِهِ وَلَا تَمَلَّهُ خَيْرًا وَلَا يَمَلَّهُ لَكَ وَكُنْ لَهُ ظَهِيرًا
فَإِنَّهُ لَكَ ظَهِيرٌ وَإِذَا غَابَ فَاحْفَظْهُ فِي غَيْبَتِهِ وَإِذَا شَهِدَ فزُرْهُ وَاكْرِمْهُ وَاجْلِهِ فَإِنَّهُ
مِنْكَ وَأَنْتَ مِنْهُ وَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ فَاحْمَدِ اللَّهَ وَإِنْ ابْتُلِيَ فَأَعْضُدْهُ وَتَمَحَّلْ لَهُ وَ
أَعْنِهِ وَإِذَا قَالَ الرَّجُلُ لِأَخِيهِ أَفَّ لَكَ فَقَدْ انْقَطَعَ مَا بَيْنَهُمَا مِنَ الْوَلَايَةِ فَإِنْ أَهَنْتَهُ
أَنْمَاتَ الْإِيْمَانَ فِي قَلْبِكَ كَمَا يَنْمَاتُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ

امام صادق عليه السلام فرمود: برای برادر مسلمانان دوست بدار آنچه را برای
خودت دوست می داری ، و آنچه را برای خودت خوشایند نمی دانی برای او
هم ندان ، و هر گاه نیازمند شدی از او بخواه ، و هر گاه از تو خواستار شد به او
بده ، از هیچ کار خیری در باره او کوتاهی مکن ، و او هم باید از هیچ کار
خیری برای تو کوتاهی نکند، پشتیبان او باش که او کوتاهی مکن ، و او هم باید
از هیچ کار خیری برای تو کوتاهی نکند، پشتیبان او باش که او پشتیبان توست ،
چون غایب شود غیبت او را نگهداری کن ، و چون حاضر شد به زیارت او برو،
او را گرمی بدار و ارجمند شمار، زیرا او از توست و تو از اوایی ، و اگر به او
خیری رسید خدا را سپاس گزار، و اگر گرفتار شد زیر بازویش را بگیر، و به او
کمک کن ، و اگر مردی به برادرش اف بگوید دوستی معنوی میان آنها بریده
خواهد شد، و اگر به او اهانت کردی ایمان در دلت آب می شود چنانچه نمک
در آب .

عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ أَقْرَبَ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ الْكُفْرِ أَنْ يُوَاخِيَ الرَّجُلَ عَلَى الدِّينِ فَيَحْفَظَ عَلَيْهِ عَثْرَاتِهِ وَيُحْصِيَ عَلَيْهِ زَلَّاتِهِ لِيَعْنَفَهُ يَوْمًا مَا
 نزدیکترین چیزی که بنده به کفر دارد؛ اینست که با شخصی عقد برادری در
 دین بسته باشد و لغزشهایش را بخاطر بسپارد و خطاهایش را شماره کند تا
 روزی به وسیله آنها او را سرزنش نماید.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا مِنْ مُؤْمِنِينَ إِلَّا وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ مِنَ اللَّهِ فَإِذَا قَالَ لَهُ هُجْرًا هَتَكَ اللَّهُ ذَلِكَ الْحِجَابَ فَإِنْ قَالَ لِبِسْتِ ثَوْبِي فَقَدْ كَفَرَ أَحَدُهُمَا فَإِنَّ اتَّهَمَهُ انَّمَاتَ الْإِيمَانَ فِي قَلْبِهِ كَمَا يَنْمَاتُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ
 امام صادق علیه السلام فرمود: احدی از دو نفر مؤمن نمی باشند؛ مگر اینکه
 بین آن دو حجابی از طرف خداوند وجود دارد، پس هر گاه یکی از آنها به
 دیگری سخن ناخوشایندی گفت خداوند آن حجاب را از بین می برد، و اگر به
 او بگوید تو دیگر برادر ایمانی من نیستی ، یکی از آن دو کافر شده ، و اگر به او
 تهمت بزند ایمان در دلش آب می شود همان طور که نمک در آب .

عَنْ الْفَضْلِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ انْظُرْ قَلْبَكَ فَإِنْ أَنْكَرَ صَاحِبِكَ فَإِنَّ أَحَدَكُمَا قَدْ أَحْدَثَ شَيْئًا
 امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: به دلت بنگر، اگر حس کردی که به رفیقت بدبینی ،
 بدان که یکی از شماها کار بدی کرده است .

عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَا تَدْخُلْ لِأَخِيكَ فِي أَمْرِ مَضَرَّتُهُ عَلَيْكَ أَعْظَمُ مِنْ مَنْفَعَتِهِ لَهُ قَالَ ابْنُ سِنَانٍ يَعْنِي إِنَّ الرَّجُلَ يَكُونُ عَلَيْهِ دَيْنٌ كَثِيرٌ وَ لَكَ مَالٌ قَلِيلٌ فَتُؤَدِّي عَنْهُ فَيَذْهَبُ مَالُكَ وَ لَا تَكُونُ قَضَيْتَ دَيْنَهُ

امام صادق عليه السلام فرمود: به خاطر برادر دینیت کاری را انجام نده که ضرر آن بر خودت بزرگتر از نفع آن به برادرت باشد.

ابن سنان گوید: یعنی اینکه به گردن کسی قرضی بسیار باشد، و تو مال کمی داری و بخواهی به وسیله مالت قرض او را ادا نمایی، در این صورت مالت می رود و دین او هم ادا نمی شود.

عَنْ كَلْبِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَسْتَوْحِشَ إِلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَمَنْ دُونَهُ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ عَزِيزٌ فِي دِينِهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: برای مؤمن سزاوار نیست که به خاطر ترس و وحشت با برادر مؤمنش که از او در مقام پایین تر است مأنوس شود، زیرا مؤمن در دینش عزیز است .

عَنْ خَالِدِ بْنِ نَجِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَا تُذْهِبِ الْحِشْمَةَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَخِيكَ فَإِنَّ ذَهَابَ الْحِشْمَةِ ذَهَابُ الْحَيَاءِ وَ بَقَاءُ الْحِشْمَةِ بَقَاءُ الْمُرُوءَةِ

امام صادق عليه السلام فرمود: پرده شرم و حیا را از میان خود و برادرت بر مدار، زیرا رفتن پرده حیا برابر است با رفتن حیا و باقی ماندنش برابر با باقی ماندن مردانگی است .

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ قَالَ لَا تُضَيِّعْ حَقَّ أَخِيكَ اتِّكَالًا عَلَى مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ فَإِنَّهُ لَيْسَ بِأَخٍ مَنْ ضَيَّعَتْ حَقُّهُ وَ لَا يَكُونَنَّ أَخُوكَ أَقْوَى عَلَى قَطِيعَتِكَ مِنْكَ عَلَى صَلَاتِهِ

امام کاظم علیه السلام فرمود: حق برادرت را به اعتماد رابطه ای که بین تو و او هست از بین مبر، زیرا او برادر کسی که حقش را از بین برد نیست، و مبادا که برادرت به بریدن از تو نیرومندتر از تو در پیوستن تو به او باشد.

عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِذَا ضَاقَ أَحَدُكُمْ فَلْيُعَلِّمِ أَخَاهُ وَ لَا يُعِينُ عَلَى نَفْسِهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه زندگی بر یکی از شما سخت شد پس برادر ایمانیش را از وضعش آگاه سازد، و بر خودش سخت نگیرد.

عَنْ أَبِي عُمَارَةَ بْنِ الطَّيَّارِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَسْأَلِ النَّاسَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ قَرْضًا مِنْ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى ذَلِكَ وَ مَا كَانَ لِلَّهِ حَقٌّ فَإِنَّمَا هُوَ لَوْلِيَّهِ وَ إِنَّمَا جَعَلَ الْمُؤْمِنِينَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ سُلْمًا وَ مُرْتَفَعًا وَ دَرَجَةً فَإِنَّ اللَّهَ وَفَى لِمَنْ وَفَى لَهُ زَائِدًا لِمَنْ شَكَرَ

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند نیازی به مردم ندارد تا از آنان قرض بخواهد، و هر حقی که خدا دارد از آن ولی اوست، خداوند بعضی مؤمنین را برای بعضی دیگر نردبان و پله و وسیله بالا رفتن قرار داده، خداوند به عهدش وفا کرده و بر نعمت کسی که وفا کرد و شکر نعمت بجای آورد افزوده است.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ السَّجَّادِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَنْ تَعْرِفُ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ قُلْتُ بِشِيرِ النَّبَالِ وَ شَجْرَةَ فَقَالَ كَيْفَ صُنْعُهُمَا إِلَى الْمُؤْمِنِ فَإِنْ خَيْرَ الْمُسْلِمِينَ مَنْ أَعَانَهُمْ وَ نَفَعَ ثُمَّ قَالَ أَىُّ شَيْءٍ مَعَكَ مِنَ النَّفَقَةِ قُلْتُ مِائَتًا دِرْهَمٍ فَقَالَ أَرْنِيهَا فَأَرَيْتُهُ فَزَادَنِيهَا ثَلَاثِينَ دِرْهَمًا وَ دِينَارَيْنِ

امام صادق عليه السلام به محمد بن زیاد فرمود: چه کسی از اهل کوفه را می شناسی؟ گفتم: بشیر نبال و شجره، فرمود: با مؤمنین چگونه اند؟ بهترین مسلمانان کسی است که به مسلمان کمک کند و به آنها نفع رساند، سپس فرمود: چه مقدار پول نزد تو هست؟ گفتم: دویست درهم، فرمود: نشانم بده، آن را نشان حضرت دادم، ایشان سه درهم و دو دینار بر آن افزودند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِذَا كَانَ الْقَوْمُ ثَلَاثَةً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَلَا يَتَنَاجِيَا مِنْهُمْ اثْنَانِ دُونَ صَاحِبَيْهِمَا فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يَحْزَنُهُ وَ يُؤْذِيهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: هر گاه سه نفر از مؤمنین با هم در جایی گرد آیند، دو نفر آنان سرگوشی با هم صحبت نکنند به طوری که رفیق سوم نشنود، زیرا این کار مایه اندوه و آزار اوست .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ كُلُّهُ عَرَضُهُ وَ مَالُهُ وَ دَمُهُ

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همه چیز مؤمن محترم است، آبرویش، مالش و خونس .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الْمُؤْمِنُ مِرَاةٌ أَخِيهِ يُمِيطُ عَنْهُ الْأَذَى

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود:
مؤمن آینه برادر مؤمنش است و ناراحتیهایش را از او دور می کند.

فصل هشتم: در بیان نهی اذیت مؤمن و جستجوی لغزشهایش

الفصل الثامن فی اذی المؤمن و تتبع عثراته

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ أَيْنَ الصُّدُودُ لِأَوْلِيَائِي فَيَقُومُ قَوْمٌ لَيْسَ عَلَى وُجُوهِهِمْ لَحْمٌ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ آذَوْا الْمُؤْمِنِينَ وَنَصَبُوا لَهُمْ وَعَادَوْهُمْ وَعَنَّوَهُمْ فِي دِينِهِمْ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِمْ إِلَى جَهَنَّمَ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: چون روز قیامت شود منادی ندا کند: کجايند آنان که راه دوستانم را می بستند؟ در این هنگام گروهی که صورت آنان گوشت ندارد برخیزند، گفته شود:

اینهائید کسانی که مؤمنین را آزرده، و کینه آنان را به دل گرفتند، و با آنان دشمنی کردند، و آنها را با درستی در دینشان سرزنش کردند، سپس فرمان داده می شود که آنان را به دوزخ برند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَطْلُبُوا عَثْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ مَنْ تَتَبَعَ عَثْرَاتِ أَخِيهِ تَتَبَعَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ وَمَنْ تَتَبَعَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ فَضَحَهُ وَلَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می کند که فرمود: لغزشهای مؤمنین را جستجو نکنید، زیرا هر کس لغزشهای برادرش را جستجو کند، خداوند لغزشهایش را دنبال کند، و هر که را خداوند لغزشهایش را دنبال کند رسوایش سازد، گرچه در درون خانه اش باشد.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ سَتَرَ عَلَيَّ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ عَوْرَةً سَتَرَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر کس عیب برادر مؤمنی را بیوشاند خداوند در روز قیامت عیبش را بیوشند.

وَقَالَ مَنْ عَيَّرَ مُؤْمِنًا بِذَنْبٍ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرْكَبَهُ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر که مؤمنی را به گناهی سرزنش کند؛ نمیرد تا آن را مرتکب شود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَيْلٌ لِمَنْ أَهَانَ وَلِيًّا
مَنْ أَهَانَ وَلِيًّا فَقَدْ حَارَبَنِي وَ يَظُنُّ مَنْ حَارَبَنِي أَنْ يَسْبِقَنِي أَوْ يُعْجِزَنِي وَأَنَا النَّائِرُ
لِأَوْلِيَائِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: خداوند متعال می فرماید: وای بر کسی که دوست مؤمنی را اهانت کند، هر کس به مؤمنی اهانت کند با من جنگ نموده است ، و گمان می کند کسی که با من بجنگد از من پیشی می گیرد یا مرا ناتوان می سازد! در حالی که من انتقام گیرنده برای اولیائتم می باشم .

فصل نهم : بیان دینداری

الفصل التاسع فى الدين

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ وَهُوَ كِتَابُ التَّبَصُّرَةِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ إِلَى الْيَمَنِ فَقَالَ يَا عَلِيُّ لَا تُقَاتِلْ أَحَدًا حَتَّى تَدْعُوهُ إِلَى اللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَيَّ يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ أَوْ غَرَبَتْ

علی علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ مرا به سوی یمن فرستادند و فرمود: ای علی! با هیچ کس جنگ نکن و مردم را بسوی خدا بخوان ، زیرا اگر خداوند مردی را بوسیله تو هدایت کند بهتر از هر چیزی است که خورشید به آن تابیده باشد یا غروب کرده باشد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ فَيَكْتُبُ اللَّهُ بِهَا إِيْمَانًا فِي قَلْبِ آخِرٍ فَيَغْفِرُ لَهُمْ جَمِيعًا

امام صادق علیه السلام فرمود: چه بسا بنده ای کلمه ای بگوید و خداوند به واسطه آن کلمه ایمان را در قلب بنده دیگر قرار دهد، خداوند همه آنها را ببامرزد.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَوْقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكْرُوا قَالَ أَمَا لَقَدْ بَسَطُوا عَلَيْهِ وَ قَتَلُوهُ وَ لَكِنْ أَ تَدْرُونَ مَا وَقَاهُ وَقَاهُ أَنْ يَفْتِنُوهُ فِي دِينِهِ

امام صادق علیه السلام در مورد قول خداوند تبارک و تعالی : (خدا او را از بدیهای آنچه نیرنگ زدند نگهداشت) فرمود: آنها بر او (مؤمن آل فرعون) چیره شدند و او را کشتند، ولی می دانید خداوند او را از چه چیز نگاه داشت ؟ او را از فتنه در دینش حفظ کرد.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَلَامَةُ الدِّينِ وَصِحَّةُ الْبَدَنِ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ وَالْمَالُ زِينَةٌ مِنَ زِينَةِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: سلامتی دین و صحت بدن بهتر از مال است ، و مال زینتی از زینتهای خوب دنیاست .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَكَرَ لَهُ قَوْلُ رَاهِبٍ أَنَّهُ قَالَ فِي لِبَاسِ الشَّعْرِ هُوَ أَشْبَهُ بِلِبَاسِ أَهْلِ الْمُصِيبَةِ فَقَالَ وَ أَىُّ مُصِيبَةٍ أَعْظَمُ مِنْ مَصَائِبِ الدِّينِ
از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده که : گفته راهبی بر ایشان نقل گردید که در مورد لباس مؤمنین گفته بود: آن لباس به لباس مصیبت دیدگان شبیه تر است ، امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: و چه مصیبتی بزرگتر از مصیبتهای دین !

عَنْ عُمَرَ بْنِ مُفَضَّلٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تُطِيلُ الْعَيْبَةَ عَنْ أَهْلِكَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ أَيْنَ قُلْتَ الْأَهْوَاذَ وَ فَارِسَ قَالَ فِيمَ قُلْتَ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا وَ التَّجَارَةِ وَ الرِّزْقِ قَالَ فَانظُرْ إِذَا طَلَبْتَ مِنْهَا شَيْئاً فَرَوَى عَنْكَ فَادْكُرِ الَّذِي اخْتَصَّكَ بِهِ مِنْ دِينِهِ وَ مَنْ بِهِ عَلَيْكَ مِمَّا صَرَفَهُ عَنْ غَيْرِكَ فَإِنَّ ذَلِكَ أَحْرَى أَنْ تَسْخُوَ نَفْسَكَ مِمَّا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: دوریت از خانواده ات به طول می انجامید؟ گفتم : بلی ، فرمود: کجا می روی ؟ گفتم : اهواز و فارس ، فرمود: برای چه ؟ گفتم برای بدست آوردن دنیا و تجارت و روزی ، (فرمود: پس در نظر داشته باش هر گاه چیزی از مال دنیا را طلب نمودی ولی به تو نرسید، بیاد آور آن کس را که دین (ولایت ما) خود را مخصوص تو گردانید، و به آن بر تو منت نهاد، و از غیر

تو دریغ داشت پس سزاوارتر این است که نفست به خاطر این خوبیها آرامش یابد، و برای امور دنیا که از دستت رفته آرامشش را سلب نکنی .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ ثَلَاثٌ بَيْنَهُنَّ يَكْمُلُ الْمُسْلِمُ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَالتَّقْدِيرُ فِي الْمَعِيشَةِ وَالصَّبْرُ عَلَى النَّوَائِبِ

علی علیه السلام فرمود: مسلمان به سه چیز کامل می گردد: بینش در دین ، توانایی در زندگی ، شکیبایی بر سختیها.

عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مُجَالَسَةُ أَهْلِ الدِّينِ شَرَفُ الدُّنْيَا وَالأخِرَةِ

امام صادق علیه السلام از رسول خدا ﷺ نقل می کند که فرمود: همنشین با اهل دین شرافت دنیا و آخرت است .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ خِيَارُكُمْ الَّذِينَ إِذَا نُظِرَ إِلَيْهِمْ ذُكِرَ اللَّهُ بِهِمْ

علی علیه السلام می فرماید: بهترین شما کسانی هستند که چون به آنها بنگرند بیاد خدا افتند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ الشَّيْطَانَ وَكُلَّ بَاخْتِلَاسِ الْحَدِيثِ فَيُنْسِيهِ مِنْ أَعْوَانِهِ يُقَالُ لَهُ خِلَاسٌ فَإِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يُحَدِّثَ بِالْحَدِيثِ فَانْسِيَهُ فَلْيَدْعُ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَلْيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَلْيَلْعَنِ الْخِلَاسَ فَإِنَّهُ سَيَأْتِيهِ الْحَدِيثُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَإِنْ لَمْ يَذْكُرْهُ كَانَ ذِكْرُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَالصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ عَوْضاً مِنَ الْحَدِيثِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: شیطان موکل شده به ربودن حدیث ، آن را از ذهن یارانش می برد، به او (خلّاس) رباینده حدیث گفته می شود، اینک هر گاه یکی از شماها می خواهد حدیثی را برای دیگری نقل کند ولی آن را فراموش کرده ، خداوند تبارک و تعالی را بخواند و بر پیامبر درود بفرستد، و خلّاس را لعن نماید تا ان شاء الله آن حدیث بیادش آید، و اگر یادش نیامد آن ذکر خداوند تعالی و درود بر نبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به جای آن حدیث محسوب می گردد.

باب سوم در کارهای نیک و خصلتهای شریف و مانند آنها و در آن

بیست و شش فصل است

الباب الثالث فی محاسن الافعال و شرف الخصال و ما یشبههما ستة و

عشرون فصلا

فصل اول : در توبه

الفصل الاول فی التوبة

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غُفُورًا قَالَ هُمُ التَّوَّابُونَ الْمُتَعَبِّدُونَ

امام صادق عليه السلام در مورد قول خداوند متعال (او بازگشت کنندگان را می

بخشد) می فرماید: آنان بسیار توبه کنندگان و عبادت کنندگانند.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَمَرَ جَوَارِحَهُ أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْهِ وَ يَقَاعَ الْأَرْضِ أَنْ تَكْتُمَ عَلَيْهِ وَ أَنْسَيْتِ الْحَفْظَةَ مَا كَانَتْ تَكْتُبُهُ عَلَيْهِ

امیر مؤمنان عليه السلام فرمود: هر کس توبه کند خداوند تعالی توبه وی بپذیرد، و

اعضاء پیکرش را مأمور کند که گناهانش را بپوشانند، و سرزمینهایی را که در

آن گناه کرده مأمور گرداند که آن را کتمان کنند، و از یاد فرشتگان مراقبش

آنچه از او نوشته اند می برد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم إِنَّ اللَّهَ جَلٌّ وَ عَلَا

يَفْرَحُ بِتُوبَةِ عَبْدِهِ إِذَا تَابَ كَمَا يَفْرَحُ أَحَدُكُمْ بِضَأَلْتِهِ إِذَا وَجَدَهَا

امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرمود: خداوند جل و علا از توبه بنده اش چون توبه نماید شاد شود، چنانچه یکی از شما به پیدا شدن گمشده خود شاد گردد.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَعْطَى التَّائِبِينَ ثَلَاثَ خِصَالٍ لَوْ أُعْطِيَ خِصْلَةً مِنْهَا جَمِيعَ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنَجَّوْا بِهَا قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ فَمَنْ أَحَبَّهُ اللَّهُ لَمْ يُعَذِّبْهُ وَ قَوْلُهُ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ إِلَى قَوْلِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ وَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِلَى قَوْلِهِ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

امام صادق علیه السلام می فرماید: خدای عز و جل به توبه کنندگان سه خصلت داده ؛ که اگر یکی از آنها را به تمامی اهل آسمانها و زمین داده می شد همگی به وسیله آن نجات می یافتند:

در فرموده اش : (خداوند توبه کنندگان را دوست دارد و پاکیزگان را دوست دارد) پس هر که را خدا دوست داشته باشد عذابش نکند. دیگر قول خدای متعال که فرمود: (آن کسانی که حامل عرشند و کسانی که در گرد آنند) تا آنجا که می فرماید: (و اینست آن رستگاری بزرگ). قول خداوند که می فرماید: (و آنان که نخوانند با خدا معبود دیگری) تا جایی که می فرماید: (و خداوند آمرزنده و مهربان است).

عَنْهُ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِسَنَةِ قَبْلِ اللَّهِ تَوْبَتَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ سَنَةَ لِكَثِيرٍ مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِشَهْرٍ قَبْلِ اللَّهِ تَوْبَتَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الشَّهْرَ لِكَثِيرٍ

مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِجُمُعَةٍ قَبْلَ اللَّهِ تَوْبَتَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ جُمُعَةً لَكَثِيرٌ مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ
بِيَوْمٍ قَبْلَ اللَّهِ تَوْبَتَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ يَوْمًا لَكَثِيرٌ مَنْ تَابَ قَبْلَ أَنْ يُعَايِنَ قَبْلَ اللَّهِ تَوْبَتَهُ

امام صادق عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل می کند که فرمود: هر که یک سال قبل از مرگش توبه کند خداوند توبه اش را بپذیرد، سپس فرمود: یک سال زیاد است هر که یک ماه قبل از مرگش توبه کند خدا توبه اش را بپذیرد، سپس فرمود: یک ماه زیاد است، هر که یک هفته قبل از مرگش توبه نماید خدا توبه اش را بپذیرد، سپس فرمود: یک هفته زیاد است، هر که یک روز قبل از مرگش توبه نماید خدا توبه اش را بپذیرد، سپس فرمود: یک روز زیاد است، هر که پیش از دیدار مرگ توبه کند خدا توبه اش را بپذیرد.

عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ مَنْ تَابَ إِذَا بَلَغَتْ نَفْسُهُ إِلَى هَذِهِ وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى حَلْقِهِ
تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ جَلًّا وَعَزًّا

امام باقر عليه السلام می فرماید: هر کس توبه کند قبل از اینکه جانش به اینجا برسد و با دست مبارکش به سوی حلقش اشاره فرمود خداوند عز و جل توبه او را بپذیرد.

عَنْهُ عليه السلام قَالَ لَا يُحَالُ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ التَّوْبَةِ حَتَّى يَتَغَرَّرَ لِحْيَاتِهِ
امام باقر عليه السلام می فرماید: بین بنده و توبه چیزی مانع نمی شود تا زمانی که جانش به حلقومش برسد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيُغْفَرُ لَهُ قَالَ قُلْتُ فَكَيْفَ ذَاكَ
قَالَ لَا يَزَالُ نَادِمًا عَلَيْهِ مُسْتَغْفِرًا مِنْهُ حَتَّى يُغْفَرَ لَهُ

امام صادق علیه السلام می فرماید: بنده گناهی را انجام می دهد و خداوند او را بیمارزد، راوی می گوید: پرسیدم : چگونه چنین چیزی ممکن است ؟ فرمود: دائما بر گناهش پشیمان است و از آن طلب آمرزش می کند تا وقتی آمرزیده شود.

عَنْ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ لَا وَاللَّهِ مَا أَرَادَ اللَّهُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا خَصْلَتَيْنِ أَنْ يُقْرُوا لَهُ بِالنَّعِيمِ فَيَزِيدَهُمْ وَبِالذُّنُوبِ فَيَغْفِرَ هَا لَهُمْ
امام باقر علیه السلام می فرماید: به خدا سوگند، خداوند از مردم جز دو خصلت نخواسته است :

اعتراف به نعمتهای او تا نعمت را بر ایشان بیافزاید، و اعتراف به گناهان تا آنها را بر ایشان بیمارزد.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ مَا يَنْجُو مِنَ الذَّنْبِ إِلَّا مَنْ أقرَّ بِهِ
امام باقر علیه السلام می فرماید: از گناه نجات نیابد بجز آن کس که بدان اعتراف نماید.

عَنْهُ قَالَ كَفَى بِالذَّنْبِ تَوْبَةً
امام باقر علیه السلام می فرماید: پشیمانی برای توبه کافی است .

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا خَلَقْتُ الْمُلُوكَ وَقُلُوبُهُمْ بِيَدِي فَأَيُّمَا قَوْمٍ أَطَاعُونِي جَعَلْتُ قُلُوبَ

الْمُلُوكِ عَلَيْهِمْ رَحْمَةٌ وَ أَيْمًا قَوْمِ عَصَوْنِي جَعَلْتُ قُلُوبَ الْمُلُوكِ عَلَيْهِمْ سَخَطَةً أَلَا لَا تَشْغُلُوا أَنْفُسَكُمْ بِسَبِّ الْمُلُوكِ تَوْبُوا إِلَيَّ أُعْظِفَ بِقُلُوبِهِمْ عَلَيْكُمْ

رسول خدا ﷺ می فرماید: خداوند عز و جل فرمود: من خدائی هستم که هیچ معبودی جز من نیست ، حکام را آفریدم در حالی که دل‌های آنها در دست من است ، هر گروهی که مرا اطاعت کنند دل‌های آن حکام را رحمت بر آنان قرار خواهم داد، و هر گروهی که مرا نافرمانی کنند دل‌های حکام را بر آنان غضبناک قرار خواهم داد. آگاه باشید! خودتان را به دشمنان دادن به پادشاهان سرگرم نکنید، به سوی من توبه کنید تا دل‌های آنها را نسبت به شما مهربان سازم .

وَ قَالَ ﷺ مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ شَابٍ تَائِبٍ

رسول خدا ﷺ فرمود: هیچ چیز نزد خداوند محبوبتر از جوان توبه کننده نیست .

وَ مِنْ كِتَابٍ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ وَ الْمُقِيمُ عَلَى الذَّنْبِ وَ هُوَ يَسْتَغْفِرُ كَالْمُسْتَهْزِئِ

امام صادق ﷺ می فرماید: توبه کننده از گناه همانند کسی است که گناه ندارد، و آنکه در گناه بماند در حالی که طلب آمرزش می کند همچون مسخره چی است .

وَ قَالَ مَا مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يُذْنِبُ إِلَّا أَجَلَهُ اللَّهُ سَبْعَ سَاعَاتٍ فَإِنْ هُوَ تَابَ لَمْ يُكْتَبْ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَ إِنْ لَمْ يَتُبْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَيِّئَةً

امام صادق علیه السلام فرمود: هر بنده مؤمنی که گناهی کند خداوند هفت ساعت به او مهلت دهد، اگر توبه کرد چیزی در نامه عمل او نوشته نخواهد شد و اگر توبه نکرد یک گناه بر او نوشته شود.

وَقَالَ إِذَا أَكْثَرَ الْعَبْدُ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ رُفِعَتْ صَحِيفَتُهُ وَهِيَ تَتَلَّأُ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه بنده بسیار استغفار کند نامه عملش بالا رود در حالی که می درخشد.

وَقَالَ لَا صَغِيرَةَ مَعَ الْإِصْرَارِ وَلَا كَبِيرَةَ مَعَ الْإِسْتِغْفَارِ

امام صادق علیه السلام فرمود: با اصرار بر گناه صغیره ای نمی ماند، و با استغفار کبیره ای نمی ماند (یعنی گناه کوچک با اصرار بر آن، کبیره خواهد شد، و کبیره با استغفار آمرزیده خواهد شد).

وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام مَا مِنْ عَبْدٍ يَعْمَلُ عَمَلًا لَا يَرْضَاهُ اللَّهُ إِلَّا سَتَرَ عَلَيْهِ أَوْلًا فَإِذَا ثَنَّى سَتَرَ عَلَيْهِ فَإِذَا ثَلَّثَ أَهْبَطَ اللَّهُ مَلَكًا فِي صُورَةِ آدَمِيٍّ يَقُولُ لِلنَّاسِ إِنَّ فُلَانًا يَعْمَلُ كَذَا وَكَذَا

امام باقر علیه السلام فرمود: هر بنده مؤمنی عملی را که مورد رضای خدا نیست انجام دهد خداوند نخستین بار گنااهش را می پوشاند، و اگر مرتبه دوم انجام دهد باز هم خداوند بر او می پوشاند، و هر گاه مرتبه سوم مرتکب شد، خداوند ملکی را به صورت آدمی به زمین می فرستد تا به مردم اعلام کند که: فلانی فلان کار و فلان عمل را انجام داد.

وَ قَالَ إِذَا تَابَ الْعَبْدُ تَوْبَةً نَّصُوحًا أَحَبَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَسْتُرَ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا
وَ الْآخِرَةِ فَقُلْتُ وَ كَيْفَ يَسْتُرُ عَلَيْهِ قَالَ يُنْسَى مَلَكِيهِ مَا كَتَبَا عَلَيْهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَ
يُوحَى إِلَى جَوَارِحِهِ أَنْ اكْتُمِي عَلَيْهِ ذُنُوبَهُ وَ يُوحَى إِلَى بَقَاعِ الْأَرْضِ أَنْ اكْتُمِي
عَلَيْهِ مَا كَانَ يَعْمَلُ عَلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ فَيَلْقَى اللَّهَ حِينَ يَلْقَاهُ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنَ
الذُّنُوبِ

امام باقر علیه السلام فرمود: چون بنده توبه ای مانند توبه نصوح نماید، خداوند
دوست دارد که گناهان او را در دنیا و آخرت ببوشاند، راوی گوید: پرسیدم؛
چگونه بر او پرده پوشی کند؟ فرمود: هر چه از گناهان که دو فرشته ما مور در
نامه عملش نوشته اند از یادشان ببرد، و به اعضاء و جوارح او وحی می کند که
: گناهانی را که به وسیله آنها انجام داده پنهان کنند، و به قطعه های زمین وحی
کند گناهانی را که روی آنها انجام داده پنهان دارند، در این هنگام خدا را
ملاقات می کند در حالی که اثری از آن گناهان وجود ندارد.

سُئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ التَّوْبَةِ النَّصُوحِ قَالَ هُوَ الذَّنْبُ الَّذِي لَا يُعَادُ عَلَيْهِ أَبَدًا

از امام باقر علیه السلام در مورد توبه نصوح پرسیده شد، امام علیه السلام فرمود: توبه از
گناهی است که هرگز به سوی آن باز نگردد.

مِنْ كِتَابِ الْإِرْشَادِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَأْخِيرُ التَّوْبَةِ اغْتِرَارٌ وَ طُولُ التَّسْوِيفِ
حَيْرَةٌ وَ الْإِعْتِلَالُ عَلَى اللَّهِ هَلَكَةٌ وَ الْإِصْرَارُ عَلَى الذَّنْبِ أَمْنٌ لِمَكْرِ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ
مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ

امام صادق علیه السلام فرمود: به تأخیر انداختن توبه فریفتن خویش است ، ادامه
تأخیر سرگردانیست ، و عذر تراشی در برابر خدا نابودیست ، و اصرار بر گناه به

خیال آسودگی از مؤاخذه خداست ، و از مکر خدا بجز افراد زیانکار آسوده
نباشند.

فصل دوم : در عبادت و بندگی خداوند

الفصل الثانی فی العبادۃ

عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ حَدِّ الْعِبَادَةِ الَّتِي مَنْ فَعَلَهَا كَانَ عَابِدًا
فَقَالَ حُسْنُ النِّيَّةِ بِالطَّاعَةِ

ابو بصیر گفت : از امام صادق علیه السلام پرسیدم در باره اندازه عبادتی که اگر کسی انجامش دهد به او اطلاق عابد می شود، فرمود: نیکویی نیت در اطاعت و بندگی خدا.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا عِبَادِيَ الصَّادِقِينَ تَنَعَّمُوا بِعِبَادَتِي فِي
الدُّنْيَا فَإِنَّكُمْ بِهَا تَتَنَعَّمُونَ فِي الْجَنَّةِ

امام صادق علیه السلام می فرماید: خداوند تبارک و تعالی می فرماید: ای بندگان راست کردار من ! در دنیا از نعمت عبادتم برخوردار باشید، شما در بهشت از آن برخوردار خواهید بود.

عَنْهُ عَنِ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَعْمَلْ بِفِرَائِضِ اللَّهِ تَكُنْ أَتَقَى
النَّاسِ

امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می کند که فرمود: به واجبات خدا عمل کن تا از پرهیزگارترین مردم باشی .

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَأَحَبَّهَا
بِقَلْبِهِ وَبَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ وَتَفَرَّغَ لَهَا فَهُوَ لَا يُبَالِي عَلَى مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى يُسْرِ
أُمِّ عَلَى عُسْرِ

امام صادق عليه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: بهترین مردم
کسی است که به عبادت عشق بورزد و آن را در آغوش کشد، و آن را از دل
دوست داشته باشد، و با جوارح خود انجامش دهد، و خود را برای آن فارغ
البال سازد، چنین شخصی باک ندارد که زندگانی دنیايش به سختی گذرد یا به
آسانی .

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام قَالَ مَنْ عَمِلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ خَيْرِ
النَّاسِ

امام زین العابدین عليه السلام فرمود: هر کس به واجبات خدا عمل نماید از بهترین
مردمان است .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَدَّى فَرِيضَةً فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ
رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: هر کس واجبی را درست انجام دهد نزد خداوند
حق دعای مستجابی را دارد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَا تَحَبَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِأَحَبِّ
مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی فرمود: بنده من با چیزی
محبوبتر از انجام آنچه بر او واجب گردانیده ام به دوستی من نگراید.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يَقُومُ عُتُقُ مِنَ النَّاسِ فَيَأْتُونَ بَابَ الْجَنَّةِ فَيَضْرِبُونَهُ فَيُقَالُ لَهُمْ مَنْ أَنْتُمْ فَيَقُولُونَ نَحْنُ أَهْلُ الصَّبْرِ فَيُقَالُ لَهُمْ عَلَى مَا صَبَرْتُمْ فَيَقُولُونَ كُنَّا نَصْبِرُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَنَصْبِرُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ صَدَقُوا أَدْخِلُوهُمْ الْجَنَّةَ وَهُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ

امام صادق عليه السلام فرمود: چون روز قیامت شود گروهی از مردم برخیزند و به سوی بهشت آیند و در آن را بکوبند، به آنها گفته می شود: شما کیستید؟ می گویند: ما اهل صبریم ، به آنها گفته می شود: بر چه چیز صبر نمودید؟ می گویند: بر اطاعت خدا، و دوری از نافرمانی او صبر نمودیم ، خدای عز و جل می فرماید: راست می گویند، آنها را داخل بهشت نمایید، و همان است قول خدای عز و جل : (همانا صابران اجر خود را بدون حساب به دست آورند).

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اَعْمَلُوا عَمَلَ مَنْ قَدْ عَايَنَ

امام صادق عليه السلام می فرماید: عمل کنید بمانند کسانی که (گویا پس از مرگ را) به چشم می بینند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَعْمَلَ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ فَلْيَدُمْ عَلَيْهِ سَنَةً ثُمَّ إِنْ شَاءَ فَلْيَدُمْ وَإِنْ شَاءَ فَلْيَتْرُكْ

امام صادق عليه السلام می فرماید: هر کس بخواهد کار خیری را انجام دهد باید تا یک سال آن را ادامه دهد، سپس اگر خواست باز ادامه دهد و اگر خواست آن را ترک نماید.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِيَّاكَ أَنْ تَفْرُضَ عَلَى نَفْسِكَ فَرِيضَةً فَتُفَارِقَهَا اثْنَيْ عَشَرَ هِلَالًا
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: مبدا عملی را بر خود واجب گردانی و تا دوازده ماه
از آن دست برداری .

فصل سوم : زهد و ترک دنیا

الفصل الثالث فی الزهد

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ مِنْ أَعْوَانِ الْأَخْلَاقِ عَلَى
الدِّينِ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا
امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: از جمله یاری کنندگان اخلاق در امور دین ، زهد
در دنیا است .

وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيْضًا الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ وَ شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ الْوَرَعُ عَنْ كُلِّ
مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ
امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: زهد در دنیا عبارت از کوتاه نمودن آرزوها و شکر
تمامی نعمتها و پرهیز نمودن از تمام محرّمات الهی است .

سُئِلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الزُّهْدِ قَالَ الزُّهْدُ عَشْرَةٌ أَشْيَاءٌ فَأَعْلَى دَرَجَاتِ
الزُّهْدِ أَدْنَى دَرَجَاتِ الْوَرَعِ وَ أَعْلَى دَرَجَاتِ الْوَرَعِ أَدْنَى دَرَجَاتِ الْيَقِينِ وَ أَعْلَى
دَرَجَاتِ الْيَقِينِ أَدْنَى دَرَجَاتِ الرِّضَا أَلَا وَ إِنَّ الزُّهْدَ فِي آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ لِكَيْلَا
تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ

از امام سجاد علیه السلام در مورد زهد پرسیدند، فرمود: زهد ده قسم است : بالاترین درجه زهد پایین ترین درجه پارسائی است و بالاترین درجه پارسائی پایین ترین درجه یقین است ، و بالاترین درجه یقین پایین ترین درجه رضاست ، و تمام زهد در یک آیه از کتاب خداوند جمع شده است . (تا بر آنچه از دست شما رفته افسوس نخورید و به آنچه به شما رسیده شاد نشوید).

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ لَيْسَ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا بِإِضَاعَةِ الْمَالِ وَلَا بِتَحْرِيمِ الْحَلَالِ بَلِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَا تَكُونَ بِمَا فِي يَدِكَ أَوْ تَقَ مِنْكَ بِمَا فِي يَدِ اللَّهِ
امام صادق علیه السلام فرمود: زهد در دنیا به از بین رفتن مال و حرام نمودن حلال نیست ، بلکه زهد در دنیا به این است که به آنچه در دست خودت هست مطمئن تر از آنچه در دست خداست نباشی .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام إِنَّ عِلْمَةَ الرَّغَبِ فِي ثَوَابِ الْآخِرَةِ زُهْدُهُ فِي عَاجِلِ زَهْرَةِ الدُّنْيَا أَمَا إِنَّ زُهْدَ الزَّاهِدِ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَا يَنْقُصُهُ مَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ فِيهَا وَإِنْ زَهْدٌ وَإِنْ حِرْصٌ الْحَرِيصِ عَلَى عَاجِلِ زَهْرَةِ الدُّنْيَا لَا يَزِيدُهُ فِيهَا وَإِنْ حِرْصٌ فَالْمَغْبُونُ مَنْ حَرَّمَ حَظَّهُ فِي الْآخِرَةِ

امام صادق علیه السلام از امیر المؤمنین علیه السلام نقل می کند که فرمود: علامت مشتاق به ثواب آخرت بی رغبتی نسبت به زرق و برق دنیا است ، آگاه باشید، بی رغبتی زاهد نسبت به دنیا از آنچه خداوند برایش از دنیا مقرر فرموده کاهش ندهد، اگر چه زهد کند، همانا از شخص آزمند بر خرمی دنیای تقد برایش فزونی نیاورد اگر چه حرص زند، پس مغبون کسی است که از بهره آخرت خود محروم ماند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا اثْبَتَ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَانْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ وَبَصَّرَهُ عُيُوبَ الدُّنْيَا دَاءَهَا وَدَوَاءَهَا وَأَخْرَجَهُ مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ

امام صادق عليه السلام می فرماید: کسی که نسبت به دنیا زاهد و بی رغبت باشد، خداوند حکمت را در قلبش جای دهد، و زبانش را به آن گویا سازد، و او را به عیبهای دنیا و درد و دوایش بینا گرداند، و او را از دنیا سالم به سوی بهشت بیرون برد.

عَنْهُ عليه السلام قَالَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَعْدَ خَيْرٍ زَهْدَهُ فِي الدُّنْيَا وَفَقَّهَهُ فِي الدِّينِ وَبَصَّرَهُ عُيُوبَهُ وَمَنْ أُوْتِيَ هَذَا فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

امام صادق عليه السلام فرمود: هر گاه خداوند خیر بنده ای را بخواهد او را نسبت به دنیا بی رغبت، و نسبت به دین ژرف نگر می کند، و به عیبهایش بینا سازد، و به هر کس این خصلتها داده شد؛ به حق خیر دنیا و آخرت داده شده است.

وَقَالَ لَمْ يَطْلُبْ أَحَدٌ الْحَقَّ بَبَابِ أَفْضَلٍ مِنَ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا وَهُوَ ضِدُّ مَا طَلَبَ أَعْدَاءُ الْحَقِّ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ مِنْ مَا ذَا قَالَ مِنَ الرِّغْبَةِ فِيهَا وَقَالَ أَلَا مِنْ صَبَّارٍ كَرِيمٍ فَإِنَّمَا هِيَ أَيَّامٌ قَلِيلٌ أَلَا إِنَّهُ حَرَامٌ عَلَيْكُمْ أَنْ تَجِدُوا طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَزْهَدُوا فِي الدُّنْيَا

امام صادق عليه السلام فرمود: هیچ کس حق را در راهی بهتر از زهد در دنیا نیافته است و آن ضد خواسته دشمنان حق است.

راوی گوید: عرض کردم: قربانت گردم، چرا چنین است؟ فرمود: به خاطر رغبت آنان به دنیا، و فرمود: آیا شخص پر صبر و گرمی وجود ندارد؟ همانا که دنیا چند روز کمی است، آگاه باشید که حرامست بر شما که مزه ایمان را بچشید مگر اینکه در دنیا پارسائی پیشه کنید.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ اجْتَهَدَ لِدُنْيَاهُ أَضْرَبَ بِآخِرَتِهِ وَمَنْ آثَرَ آخِرَتَهُ آتَاهُ اللَّهُ رِزْقَهُ وَسَعِدَ بِلِقَاءِ رَبِّهِ

از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شد فرمود: هر کس برای دنیایش تلاش کند به آخرتش ضرر زده، و کسی که آخرتش را مقدم دارد خداوند روزیش را بدهد، و به ملاقات پروردگارش سعادتمند شد.

مِنْ كِتَابِ الزُّهْدِ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَيْسَ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا لُبْسَ الْخَشِينِ وَ أَكْلَ الْجَشِبِ وَ لَكِنَّ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: زهد در دنیا به پوشیدن لباسهای خشن و خوردن غذاهای نامطلوب نیست، و لکن زهد در دنیا به کوتاهی آرزوهاست.

عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ زَيَّنَكَ بِزِينَةٍ لَمْ يُزَيِّنِ الْعِبَادَ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْهَا وَ لَا أْبْلَغُ عِنْدَهُ مِنْهَا الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَعْطَاكَ ذَلِكَ وَ جَعَلَ الدُّنْيَا لَا تَنَالُ مِنْكَ شَيْئاً وَ جَعَلَ لَكَ سِيْمَاءً تُعْرَفُ بِهَا

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خداوند تو را به زینتی آراسته که بندگان را به خیری که محبوبتر و رساتر از آن نزد خدا باشد نیاراسته، و آن

زهد در دنیاست که خداوند آن را به تو بخشیده ، و دنیا را به صورتی قرار داده که از تو چیزی به او نمی رسد (یعنی دنیا از تو بهره ای نخواهد برد) و برای تو چهره ای قرار داده که به آن شناخته خواهی شد.

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ رَجُلٌ لِلنَّبِيِّ ﷺ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِي شَيْئًا إِذَا
 أَنَا فَعَلْتُهُ أَحَبَّنِي اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ وَأَحَبَّنِي النَّاسُ مِنَ الْأَرْضِ فَقَالَ لَهُ ارْغَبْ فِيَمَا
 عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبِّكَ اللَّهُ وَازْهَدْ فِيَمَا عِنْدَ النَّاسِ يُحِبِّكَ النَّاسُ

مردی به پیغمبر ﷺ عرض کرد: ای رسول خدا! مرا کاری بیاموز که وقتی آن را انجام دادم خداوند از آسمان و مردم در زمین مرا دوست بدارند، فرمود: به آنچه نزد خداست چشم بدار تا خدا دوستت بدارد، و از آنچه نزد مردم است چشم بیوش تا مردم دوستت بدارند.

سُئِلَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا قَالَ الَّذِي يَتْرُكُ حَلَالَهَا مَخَافَةَ حِسَابِهِ وَ
 يَتْرُكُ حَرَامَهَا مَخَافَةَ عَذَابِهِ

از امام صادق علیه السلام در مورد زهد در دنیا پرسیدند، حضرت فرمود: آنی که حلالش را از ترس حسابش ، و حرامش را از ترس عذابش ترک کنند.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الزُّهْدُ ثَرْوَةٌ وَالْوَرَعُ جَنَّةٌ وَأَفْضَلُ الزُّهْدِ إِخْفَاءُ الزُّهْدِ
 الزُّهْدُ يُخْلِقُ الْأَبْدَانَ وَيُجَدِّدُ الْأَمَالَ وَيُقَرِّبُ الْمَنِيَّةَ وَيُبَاعِدُ الْأُمْنِيَّةَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ
 نَصَبَ وَمَنْ فَاتَهُ تَعَبٌ وَلَا كَرَمَ كَالْتَقْوَى وَلَا تِجَارَةَ كَالْعَمَلِ الصَّالِحِ وَلَا وَرَعَ
 كَالْوُقُوفِ عِنْدَ الشُّبْهَةِ وَلَا زُهْدًا كَالزُّهْدِ فِي الْحَرَامِ الزُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ قَالَ اللَّهُ

تَعَالَى لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ فَمَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَىٰ
الْمَاضِي وَ لَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي فَقَدْ أَخَذَ الزُّهْدَ بِطَرْفِيهِ أَيُّهَا النَّاسُ الزَّهَادَةُ قَصْرُ الْأَمَلِ وَ
الشُّكْرُ عِنْدَ النَّعْمِ وَ الْوَرَعُ عِنْدَ الْمَحَارِمِ فَإِنْ عَزَبَ ذَلِكَ عَنْكُمْ فَلَا يَغْلِبِ الْحَرَامُ
صَبْرَكُمْ وَ لَا تَنْسُوا عِنْدَ النَّعْمِ شُكْرَكُمْ فَقَدْ أَعَذَرَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ بِحُجَجٍ مُسْفِرَةٍ ظَاهِرَةٍ وَ
كُتُبٍ بَارِزَةٍ الْعُذْرُ وَاضِحَةٌ

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: زهد ثروت است ، و پرهیزگاری و خویشتن داری
از گناه سپر، و بهترین زهدها پنهان نمودن زهد است ، زهد بدنها را ضعیف و
لاغر می نماید و آرزوها را محدود می کند، و مرگ را نزدیک می نماید، و امید
را دور می سازد، هر کس به آن دست یابد بهره مند شده و هر کس آن را از
دست دهد به سختی افتد، هیچ بزرگواری مانند تقوا نیست ، و هیچ تجارتی مثل
عمل صالح نمی باشد، و هیچ پرهیزگاری و خویشتن داری همانند ایستادگی در
مقابل امور مشتبه نیست ، و هیچ پارسائی همانند پارسائی در مقابل حرام نیست
، تمامی زهد بین دو کلمه قرار گرفته ، خداوند متعال می فرماید: (تا بر آنچه از
دست شما رفته اندوهگین نشوید و به آنچه به شما داده شده است شادمانی
نکنید)، پس هر کس بر گذشته اش ناراحت نشود و به آینده اش شادمان نگردد
دو طرف زهد را درک نموده است .

ای مردم ! پارسا بودن به کوتاهی آرزو و شکر نعمت ، و پرهیزگاری و
خویشتن داری از محرّمات است ، و چنانچه این صفات از کف رفت حرام بر
صبر شما غالب نشود و شکرگزاری را هنگام دریافت نعمت فراموش نکنید، زیرا
خداوند با فرستادن حجّتهای آشکار و ظاهر و کتابهای آسمانیش راه عذر
آوردن را بر شما بسته است .

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ قَدْ أُعْطِيَ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا فَاقْتَرِبُوا مِنْهُ فَإِنَّهُ يُلْقَى الْحِكْمَةَ

پیغمبر اکرم ﷺ فرمود: هر گاه مردی را دیدید که زهد و پارسائی در دنیا به او عطا شد به او نزدیک شوید، زیرا او حکمت را ابلاغ می کند.

قِيلَ لِلصَّادِقِ ع مَا الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَالَ قَدْ حَدَّ اللَّهُ ذَلِكَ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ

از امام صادق ع در مورد زهد در دنیا سؤال شد؟ فرمود: خداوند برای آن در کتابش حدی مقرر داشته و فرموده: (تا بر آنچه از دست شما رفته است اندوهگین نشوید و به آنچه به شما داده شده است شادی نکنید).

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع مَنْ اعْتَدَلَ يَوْمَاهُ فَهُوَ مَعْبُونٌ وَمَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ اشْتَدَّتْ حَسْرَتُهُ عِنْدَ فِرَاقِهَا وَمَنْ كَانَ غَدُهُ شَرًّا يَوْمِيهِ فَمَحْرُومٌ وَمَنْ لَمْ يُبَالِ بِمَا زُوِيَ مِنْ آخِرَتِهِ إِذَا سَلِمَتْ لَهُ دُنْيَاهُ فَهُوَ هَالِكٌ وَمَنْ لَمْ يَتَعَاهَدِ النَّقْصَ مِنْ نَفْسِهِ غَلَبَ عَلَيْهِ الْهَوَىٰ وَمَنْ كَانَ فِي نَقْصِ الْمَوْتِ خَيْرٌ لَهُ إِنَّ الدُّنْيَا خَضِرَةٌ حُلُوءٌ وَ لَهَا أَهْلٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ لَهَا أَهْلٌ ظَلَفَتْ أَنْفُسُهُمْ عَنْ مُفَاخِرَةِ أَهْلِ الدُّنْيَا لَا يُنَافِسُونَ فِي الدُّنْيَا وَلَا يَفْرَحُونَ بِغَضَارَتِهَا وَلَا يَحْزَنُونَ لِئُوسِهَا يَا شَيْخُ مَنْ خَافَ الْبَيَّاتَ قَلَّ نَوْمُهُ مَا أَسْرَعَ اللَّيَالِيَّ وَالْأَيَّامَ فِي عُمْرِ الْعَبْدِ فَاخْزَنْ لِسَانَكَ وَعُدَّ كَلَامَكَ يَقِلَّ كَلَامُكَ إِلَّا بِخَيْرٍ يَا شَيْخُ ارْضَ لِلنَّاسِ مَا تَرْضَى لِنَفْسِكَ وَآتِ إِلَى النَّاسِ مَا تُحِبُّ أَنْ يُؤْتَى إِلَيْكَ ثُمَّ أَقْبَلْ عَلَى أَصْحَابِهِ وَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ أَمَا تَرَوْنَ إِلَى أَهْلِ الدُّنْيَا يُمْسُونَ وَيُصْبِحُونَ عَلَى أَحْوَالِ شَتَّى فَبَيْنَ صَرِيحٍ يَنْتَلَوِي وَيَبْنَ عَائِدٍ وَمَعُودٍ وَآخَرَ بِنَفْسِهِ يَجُودُ وَآخَرَ لَا يُرْجَى وَآخَرَ مُسْجَى وَطَالِبِ الدُّنْيَا وَالْمَوْتِ يَطْلُبُهُ

و غَافِلٍ وَ لَيْسَ بِمَعْفُولٍ عَنْهُ وَ عَلَى أَثَرِ الْمَاضِي يَصِيرُ الْبَاقِي إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ خَلْقًا
ضَيِّقَ عَلَيْهِمُ الدُّنْيَا نَظْرًا لَهُمْ فَزَهَّدَهُمْ فِيهَا وَ فِي حُطَامِهَا فَرَغِبُوا فِي دَارِ السَّلَامِ الَّتِي
دَعَاهُمْ إِلَيْهِ وَ صَبَرُوا عَلَى ضَيِّقِ الْمَعِيشَةِ وَ صَبَرُوا عَلَى الْمَكْرُوهِ وَ اسْتَأْقُوا إِلَى مَا
عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْكِرَامَةِ وَ بَدَلُوا أَنْفُسَهُمْ ابْتِغَاءَ رِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ وَ كَانَتْ خَاتِمَةَ أَعْمَالِهِمْ
الشَّهَادَةَ فَلَقُوا اللَّهَ وَ هُوَ عَنْهُمْ رَاضٍ وَ عَلِمُوا أَنَّ الْمَوْتَ سَبِيلٌ مِنْ مَضَى وَ مَنْ بَقِيَ
وَ تَزَوَّدُوا لِآخِرَتِهِمْ غَيْرَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ لَبَسُوا الْخَشِينَ وَ صَبَرُوا عَلَى الْقُوتِ وَ
قَدَّمُوا الْفَضْلَ وَ أَحَبُّوا فِي اللَّهِ وَ أَبْعَضُوا فِي اللَّهِ أُولَئِكَ الْمَصَابِيحُ وَ أَهْلُ النَّعِيمِ فِي
الْآخِرَةِ وَ السَّلَامُ

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: هر که دو روزش یکسان باشد مغبون گشته ، و هر
که قصدش از تلاش ؛ دنیا باشد هنگام جدا شدن از آن حسرتش شدید شود، و
هر که فردایش زیانبارتر از امروزش باشد بی بهره مانده است ، و کسی که باک
ندارد که برای آخرتش چه اندوخته است ، اگر دنیایش برایش سالم باشد به
نابودی رسیده ، و شخصی که به کاستی نفسش اهمیت ندهد هوای نفس بر او
چیره گردد، و هر کس در سرایشی سقوط نفس خویش واقع شود مرگ برایش
بہتر است ، دنیا سبز و شیرین است و برای او علاقمندانی است .

برای آخرت نیز دوستدارانی است که خود را از فخر فروشی علاقمندان دنیا
جدا ساخته اند، در دنیا با دیگران رقابت نمی کنند و به نعمت و عیش آن
خوشحال نمی شوند و از شدائد و سختیهای آن غمگین نمی شوند.
ای شیخ ! کسی که از هجوم شبانه دشمنان می ترسد خوابش کم می شود،
چقدر شبها و روزهای عمر بندگان به سرعت می گذرد! زبانت را نگاهدار و
کلامت را بشمار، در این صورت فقط سخنان خیر خواهی گفت .

ای شیخ! هر چه را برای خود می پسندی برای مردم بیسند، و آنچه را دوست داری که مردم به تو روا بدارند به آنها روا بدار.

سپس رو به اصحابش کرد و فرمود: ای مردم! مگر به اهل دنیا نمی نگرید، که با چه حالات مختلفی و دگرگونیهایی صبح را به شام می برند و روز و شب را سپری می کنند؟

یکی زمین خورده، دست و پا می زند، و دیگری بیمار است، و آن دیگر به عیادت او می رود، و آن یکی در حال جان دادن است، و امیدی ندارد، و بر تن کس دیگر کفن شده بر روی تابوت است، و یکی طالب دنیا است در حالی که مرگ در جستجوی اوست. و یکی غافل است در حالی که از او غفلت نشده است، و باز ماندگان هم به دنبال گذشتگان در حرکتند.

خداوند مخلوقاتی را آفرید که دنیا در نظرشان تنگ جلوه کرد، آنها را بر دنیا و اموال آن زاهد گردانید، آنان نیز بسوی خانه امنی که خدا آنها را بسویش فرا خوانده بود رغبت پیدا کردند، و بر تنگی و فشار زندگی صبر کردند، و با ناملازمات سازش کردند، و به کرامتی که نزد خداست اشتیاق ورزیدند، و برای دستیابی به خشنودی پروردگار جان باختند، و پایان اعمال آنان شهادت بود، و خدا را در حالی که از ایشان خرسند بود ملاقات کردند، و دانستند که مرگ راه گذشتگان و آیندگان است، لذا برای آن سرای خود چیزی غیر از طلا و نقره توشه گرفتند، و لباس درشت پوشیدند و بر کم غذایی صبر کردند، و فضیلت را مقدم داشتند، و برای خدا دوستی کردند و یا دشمنی ورزیدند، اینان در دنیا چراغهایند و در آخرت غرق در نعمتها می باشند، و السلام.

وَمِنْ سَائِرِ الْكُتُبِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا
يَجِدُ الرَّجُلُ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى لَا يُبَالِيَ مَنْ أَكَلَ الدُّنْيَا
امام صادق عليه السلام از قول رسول خدا صلى الله عليه وآله می فرماید: کسی شیرینی ایمان را
در دلش نمی یابد مگر اینکه باکش نباشد که چه کسی دنیا را خورد.

وَقَالَ ﷺ حَرَامٌ عَلَى قُلُوبِكُمْ أَنْ تَعْرِفَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَزْهَدُوا فِي الدُّنْيَا
پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: یافتن شیرینی ایمان بر دل‌های شما حرام است مگر
اینکه در دنیا پارسائی پیشه کنید.

وَقَالَ ﷺ إِنَّ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا إِضْرَارًا بِالْآخِرَةِ وَفِي طَلَبِ الْآخِرَةِ إِضْرَارًا
بِالدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَحَقُّ بِالْإِضْرَارِ
رسول خدا صلى الله عليه وآله : دنیاطلبی برای آخرت زیانبار است و آخرت جوئی برای
دنیا زیانبار است ، شما به دنیا زیان بزنید که به زیان دیدن سزاوارتر است .

فصل چهارم : در بیم و امید

الفصل الرابع فى الخوف و الرجاء

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ الْمُؤْمِنُ لَا يَخَافُ غَيْرَ اللَّهِ وَ لَا يَقُولُ عَلَيْهِ إِلَّا الْحَقَّ

امام صادق عليه السلام فرمود: مؤمن نمی ترسد مگر از خدا، و در مورد خدا غیر از حق چیزی نمی گوید.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ عَلِيُّ عليه السلام كُنْ لِمَا لَا تَرْجُو أَرْجَى مِنْكَ لِمَا تَرْجُو فَإِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عليه السلام خَرَجَ يَقْتَبِسُ لِأَهْلِهِ نَارًا فَكَلَّمَهُ اللَّهُ وَ رَجَعَ نَبِيًّا وَ خَرَجَتْ مَلَكَهٖ سَبَا كَافِرَةً فَأَسْلَمَتْ مَعَ سُلَيْمَانَ وَ خَرَجَ سَحْرَةً فِرْعَوْنَ يَطْلُبُونَ الْعِزَّ لِفِرْعَوْنَ فَارْجِعُوا مُؤْمِنِينَ

امام صادق عليه السلام از قول علی عليه السلام نقل می کند که : نسبت به آنچه امید نداری امیدوارتر از آنچه به آن امید داری باش ، زیرا موسی بن عمران از شهر خارج شد تا برای امتش از خدا طلب آتش کند، خداوند با او سخن گفت و به عنوان رسالت مراجعت کرد، ملکه سبا نیز کافر از شهر خارج شد ولی نزد سلیمان مسلمان شد، و جادوگران فرعون برایش طلب عزت می کردند ولی خودشان با ایمان بازگشتند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ خَافَ اللَّهَ وَ مَنْ خَافَ اللَّهَ سَخَتْ نَفْسُهُ عَنِ الدُّنْيَا

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که خدا را شناخت ، از او بترسید، و هر که از خدا بترسید دلش از دنیا متنفر گردد.

و عَنْهُ علیه السلام قَالَ مَنْ خَافَ اللَّهَ أَخَافَ اللَّهُ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ وَمَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ أَخَافَهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که از خدا بترسد، خداوند همه چیز را از او بترساند، و هر که از خدا نترسد، خدا او را از همه چیز بترساند.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ يَا إِسْحَاقُ خَفِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَرَهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ وَإِنْ كُنْتَ تَرَى أَنَّهُ لَا يَرَاكَ فَقَدْ كَفَرْتَ وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ يَرَاكَ ثُمَّ اسْتَتَرْتَ عَنِ الْمَخْلُوقِينَ بِالْمَعَاصِي وَبَرَزْتَ لَهُ بِهَا فَقَدْ جَعَلْتَهُ فِي حَدِّ أَهْوَنِ النَّاطِرِينَ إِلَيْكَ

امام صادق علیه السلام به اسحاق بن عمار فرمود: ای اسحاق! چنان از خدا بترس که گویا او را می بینی ، و اگر تو او را نبینی ، او تو را می بیند، و اگر معتقد باشی که تو را نمی بیند کافر شده ای ، و اگر بدانی تو را می بیند ولی تو دور از چشم مردم و در پنهان نافرمانی او برایش آشکار نمایی او را پست ترین بینندگان خود دانسته ای .

عَنْهُ علیه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ قَوْمٌ يَعْمَلُونَ بِالْمَعَاصِي وَيَقُولُونَ نَرْجُو فَلَا يَزَالُونَ كَذَلِكَ حَتَّى يَأْتِيَهُمُ الْمَوْتُ فَقَالَ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ يَتَرَجَّحُونَ فِي الْأَمَانِيِّ كَذَبُوا لَيْسُوا بِرَاجِحِينَ مَنْ رَجَا شَيْئًا طَلَبَهُ وَمَنْ خَافَ مِنْ شَيْءٍ هَرَبَ مِنْهُ

یکی از اصحاب گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردمی هستند که گناه می کنند و می گویند ما (به لطف خدا) امیدواریم، و همواره چنینند تا مرگشان فرا می رسد، فرمود:

اینها مردمی هستند که در آرزوها می لولند، اینها دروغ می گویند و امیدوار نیستند، هر کس به چیزی امیدوار باشد آن را طلب می کند، و هر کس از چیزی بترسد از آن بگریزد.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ لَا تَأْمَنُ إِلَّا مَنْ خَافَ اللَّهَ

امام صادق علیه السلام فرمود: در امان مباش مگر از کسی که از خدا بترسد.

عَنْ أَبِي حَمْرَةَ التُّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام قَالَ خَرَجْتُ حَتَّى انْتَهَيْتُ إِلَى هَذَا الْحَائِطِ فَاتَّكَأْتُ عَلَيْهِ فَإِذَا رَجُلٌ عَلَيْهِ ثَوْبَانِ أبيضَانِ يَنْظُرُ فِي تَجَاهِ وَجْهِ ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ مَا لِي أُرَاكَ كَثِيبًا حَزِينًا عَلَى الدُّنْيَا فَالرُّزْقُ حَاضِرٌ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ قُلْتُ مَا عَلَى هَذَا أَحْزَنُ وَإِنَّهُ كَمَا تَقُولُ قَالَ فَعَلَى الْآخِرَةِ فَوَعْدُ صَادِقٌ يَحْكُمُ فِيهِ مَلِكٌ قَاهِرٌ أَوْ قَالَ قَادِرٌ قُلْتُ مَا عَلَى هَذَا أَحْزَنُ وَإِنَّهُ كَمَا تَقُولُ قَالَ فَمَا حُزْنُكَ قُلْتُ مَا نَخَافُ مِنْ فِتْنَةِ ابْنِ الزُّبَيْرِ وَمَا فِيهِ مِنَ النَّاسِ فَضَحِكُ ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ هَلْ رَأَيْتَ أَحَدًا خَافَ اللَّهَ فَلَمْ يُنْجِهِ قُلْتُ لَا قَالَ هَلْ رَأَيْتَ أَحَدًا تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ فَلَمْ يَكْفِهِ قُلْتُ لَا قَالَ هَلْ رَأَيْتَ أَحَدًا سَأَلَ اللَّهَ فَلَمْ يُعْطِهِ قُلْتُ لَا

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: روزی بیرون شدم تا به این دیوار رسیدم و بر آن تکیه کردم، ناگاه مردی که دو جامه سفید بر تن داشت پیدا شد و در رویم نگرست، سپس گفت: ای علی بن الحسین! چه شده که تو را اندوهگین و

محزون می بینم؟ آیا اندوهت برای دنیاست؟ که روزی خدا برای نیکوکار و بدکردار آماده است .

گفتم: برای دنیا اندوهگین نیستم، زیرا چنان است که تو می گویی، گفت: پس برای آخرت است؟ که وعده ای است درست و سلطانی قاهر قادر نسبت به آن حکم می فرماید: گفتم: برای آن هم اندوه ندارم، زیرا چنان است که می گویی، پرسید: اندوهت برای چیست؟ گفتم: از فتنه ابن زبیر و وضعی که مردم دارند می ترسم .

بعد خندید و گفت: ای علی بن الحسین! آیا دیده ای کسی را که از خدا بترسد و خدا او را نجات ندهد؟ گفتم: نه، گفت: آیا کسی را دیده ای که بر خدا توکل کند و خدا کارگزاریش نکند؟ گفتم: نه . گفت: آیا دیده ای کسی چیزی از خدا بخواهد و به او ندهد؟ گفتم: نه .

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ اللَّهُ أَرْحَمُ بِعِبَادِهِ مِنَ الْوَالِدَةِ الْمُشْفِقَةِ عَلَيَّ
وَلَدِهَا

رسول خدا ﷺ فرمود: قسم به آنکه جانم در دست اوست؛ خداوند نسبت به بندگانش از مادر مهربان نسبت به فرزندش مهربانتر است .

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ خَائِفًا رَاجِيًا
امام صادق علیه السلام فرمود: بنده ای مؤمن نیست مگر اینکه در بین ترس و امید باشد.

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْأَوْعَظِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَا أَجْمَعُ عَلَى عَبْدِي خَوْفِينَ وَ لَا أَجْمَعُ لَهُ أَمْنِينَ فَإِذَا أَمِنِي فِي الدُّنْيَا أَخَفْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَإِذَا خَافَنِي فِي الدُّنْيَا آمَنْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

رسول خدا ﷺ فرمود که : خداوند تبارک و تعالی فرمود: به عزت و جلالم قسم ؛ نه دو ترس را یک جا به بنده ام خواهم داد و نه دو آرامش خاطر را، اگر در دنیا از من آسوده خاطر باشد در روز قیامت او را خواهم ترساند، و اگر در دنیا از من بترسد به روز قیامت آسوده خاطرش خواهم ساخت .

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ارْجُ اللَّهَ رَجَاءً لَا يُجْرِيكَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ وَ خَفِ اللَّهَ خَوْفًا لَا يُؤْسِكُ مِنْ رَحْمَتِهِ

امام صادق علیه السلام می فرماید: به خدا آن گونه امیدوار باش که آن امید تو را بر معصیت او جرأت ندهد، و طوری از خدا بترس که آن ترس تو را از رحمت او مأیوس نگرداند.

قَالَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ لَا تَزَالُ بِخَيْرٍ مَا كَانَ لَكَ وَاعِظْ مِنْ نَفْسِكَ وَ مَا كَانَتْ الْمُحَاسَبَةُ مِنْ هَمِّكَ وَ مَا كَانَ الْخَوْفُ لَكَ شِعَارًا وَ الْحُزْنَ لَكَ دِتَارًا يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ مَبْعُوثٌ وَ مَسْئُولٌ فَأَعِدَّ جَوَابًا

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: ای فرزند آدم ! مادامی که تو در درونت واعظی داری و در اندیشه حساب خویشتنی ، و مادامی که لباس زیرینت ترس و لباس روئینت پرهیز از گناه است ، در خیر و خوبی بسر میبری .
ای فرزند آدم ! تو می میری و سپس زنده می شوی و در پیشگاه خدا مورد سؤال واقع می شوی ، پاسخی آماده کن .

وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُعَوِّدُهُ النَّاسُ وَيُظَنُّونَ أَنَّهُ مَرِيضٌ وَمَا بِهِ مِنْ مَرَضٍ إِلَّا خَوْفَ اللَّهِ وَالْحَيَاءِ مِنْهُ

رسول خدا ﷺ فرمود: مردم به عیادت حضرت داود علیهما السلام می آمدند و گمان می کردند که او مریض است ، ولی او مریض نبود و فقط ترس از خدا و شرم از او داشت .

وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ بَيْنَ مَخَافَتَيْنِ بَيْنَ أَجَلٍ قَدْ مَضَى لَا يَدْرِي مَا اللَّهُ صَانِعٌ فِيهِ وَبَيْنَ أَجَلٍ قَدْ بَقِيَ لَا يَدْرِي مَا اللَّهُ قَاضٍ فِيهِ فَلْيَتَزَوَّدِ الْعَبْدُ مِنْ نَفْسِهِ لِنَفْسِهِ وَ مِنْ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ فَوَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ مِنْ مُسْتَعْتَبٍ وَلَا بَعْدَ الدُّنْيَا مِنْ دَارٍ إِلَّا الْجَنَّةُ أَوْ النَّارَ

رسول خدا ﷺ فرمود: بنده مؤمن بین دو ترس قرار دارد: بین فرصتی که گذشته و نمی داند خدا در این فرصت با او چه کرده ، و بین فرصتی که باقی مانده و نمی داند خداوند در این فرصت چه حکمی بر او جاری می کند، بنده باید از خودش برای خودش و از دنیایش برای آخرتش توشه بر گیرد، قسم به آنکه جانم به دست اوست ؛ بعد از مرگ به جز سختی نیست و بعد از دنیا خانه ای جز بهشت و جهنم نیست .

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَجِبْتُ لِمَنْ فَرِحَ مِنْ أَرْبَعِ كَيْفَ لَا يَفْرَحُ إِلَى أَرْبَعِ عَجِبْتُ لِمَنْ خَافَ كَيْفَ لَا يَفْرَحُ إِلَى قَوْلِهِ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ يَقُولُ بَعْقِيهَا فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمَسْسَهُمْ سُوءٌ وَ عَجِبْتُ لِمَنْ اغْتَمَّ كَيْفَ لَا يَفْرَحُ إِلَى قَوْلِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ

يَقُولُ بِعَقِبِهَا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ وَ عَجِبْتُ لِمَنْ مُكْرَبٍ بِهِ كَيْفَ لَا يَفْرَعُ إِلَى قَوْلِهِ أَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ يَقُولُ بِعَقِبِهَا فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكْرُوا وَ عَجِبْتُ لِمَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا وَ زَيْنَتَهَا كَيْفَ لَا يَفْرَعُ إِلَى قَوْلِهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ بِعَقِبِهَا إِنَّ تَرَنَ أَنَا أَقَلُّ مِنْكَ مَالًا وَ وَلدًا. فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ وَ عَسَى مُوجِبَةٌ

امام صادق عليه السلام فرمود: در شگفتی از کسی که از چهار چیز می هراسد؛ چرا به چهار چیز پناهنده نمی شود؟ در شگفتی از آنکه می ترسد چرا پناه نمی برد به فرموده خدای عز و جل (خداوند ما را بس است و چه وکیل خوبی است) زیرا شنیدم که خدای عز و جل به دنبال آن می افزاید: (به واسطه نعمت و فضلی که از طرف خداوند شامل حالشان گردید بازگشتند و هیچ بدی به آنان نرسید). و در شگفتی از کسی که اندوهناک است ؛ چرا پناه نمی برد به فرموده خدای عز و جل :

(معبودی جز تو نیست ، تو منزهی راستی که من از ستمکاران هستم) زیرا شنیدم که خدای عز و جل به دنبال آن می فرماید: (و از اندوه نجاتش دادیم و مؤمنین را این چنین می رهانیم).

و در شگفتی از کسی که در باره اش حيله ای بکار رفته چرا به فرموده خدای تعالی پناه نمی برد (کار خود را به خدا وامی گذارم زیرا که خداوند به حال بندگان بیناست) زیرا شنیدم خداوند می فرماید: (او را از بدیهایی که در باره او به حيله انجام داده بودند نگه داشت).

و در شگفتی از کسی که خواستار دنیا و آرایش آن است چرا پناهنده نمی شود به فرمایش خدای تبارک و تعالی (آنچه خدا خواست همان شود و نیرویی

جز به یاری خداوند نیست)، زیرا شنیدم خداوند به دنبال آن می فرماید: (اگر مرا از حیث مال و فرزند کمتر از خود می بینی ، امید است که پروردگارم بهتر از باغ تو به من عطا فرماید).

کلمه «عسی» در آیه به معنای اثبات و تحقق است .

وَمِنْ كِتَابِ قَيْلٍ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا كَانَ فِي وَصِيَّةِ لُقْمَانَ فَقَالَ كَانَ فِيهَا
الْأَعَاجِيبُ وَكَانَ أَعْجَبَ مَا فِيهَا أَنْ قَالَ لِأَبْنِهِ خَفِ اللَّهَ خَيْفَةَ لَوْ جِئْتَهُ بِبِئْرٍ التَّقْلِينِ
لَعَذَّبَكَ وَارْجُ اللَّهَ رَجَاءً لَوْ جِئْتَهُ بِذُنُوبِ التَّقْلِينِ لَرَحِمَكَ

از امام صادق عليه السلام سؤال شد: وصیت لقمان به پسرش چه بود؟ فرمود: در آن وصیت مطالب شگفت انگیزی بود، و شگفت انگیزتر از همه اینکه به پسرش گفت: از خداوند چنان ترس که اگر نیکی جن و انس را بیاوری تو را عذاب کند، و به خدا چنان امیدوار باش که اگر گناه جن و انس را بیاوری به تو ترحم کند.

ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ أَبِي يَقُولُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدِ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِي قَلْبِهِ
نُورَانِ نُورٌ رَجَاءٍ وَنُورٌ خَوْفٍ لَوْ وُزِنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا وَلَوْ وُزِنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ
عَلَى هَذَا

امام صادق عليه السلام از قول پدر بزرگوارش نقل می کند که می فرمود: هیچ بنده مؤمنی نیست جز آنکه در دلش دو نور است: نور ترس و نور امید، اگر این وزن شود از آن افزون نباشد، و اگر آن وزن شود از این افزون نباشد.

وَمِنْ كِتَابِ السَّيِّدِ نَاصِحِ الدِّينِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رَأْسُ الْحِكْمَةِ مَخَافَةُ اللَّهِ

رسول خدا ﷺ می فرماید: سر منشأ حکمت ترس از خداست .

قَالَ أَبُو كَاهِلٍ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا أَبَا كَاهِلٍ لَنْ يَغْضِبَ رَبُّ الْعِزَّةِ عَلَيَّ
مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مَخَافَةٌ وَلَا تَأْكُلُ النَّارُ مِنْهُ هُدْبَةً

ابو کاهل می گوید: رسول خدا ﷺ به من فرمود: ای ابو کاهل! پروردگار هرگز بر کسی که در قلبش ترس باشد غضب نکند، و آتش بر آن صدمه ای نزند.

جَاءَ حَبِيبُ بْنُ الْحَارِثِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي رَجُلٌ
مِعْرَاضٌ لِلذُّنُوبِ قَالَ فَتُبَّ إِلَيَّ يَا حَبِيبُ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَتُوبُ ثُمَّ أَعُودُ
قَالَ فَكُلَّمَا أَذْنَبْتُ فَتُبَّ قَالَ إِذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ تَكَثَّرَ ذُنُوبِي قَالَ عَفُوَ اللَّهُ أَكْثَرُ مِنْ
ذُنُوبِكَ يَا حَبِيبَ بْنَ الْحَارِثِ

حبیب بن حارث نزد رسول خدا ﷺ آمده ، عرضه داشت : ای رسول خدا!
من مردی هستم که همیشه در معرض گناهم ، فرمود: توبه کن به سوی خدا ای
حبیب ، گفت : ای رسول خدا! من توبه می کنم سپس دوباره آن را تکرار می
کنم ، فرمود: هر چه گناه کردی باز توبه کن ، گفت : ای رسول خدا! در این
صورت گناهانم فراوان می شود، فرمود: ای حبیب بن حارث! گذشت خداوند
از گناهان تو بیشتر است .

وَقَالَ مَا مِنْ حَافِظَيْنِ يَرْفَعَانِ إِلَى اللَّهِ مَا حَفِظَا فَيَرَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي
أَوَّلِ الصَّحِيفَةِ خَيْرًا وَفِي آخِرِهَا خَيْرًا إِلَّا قَالَ لِلْمَلَائِكَةِ اشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ
لِعَبْدِي مَا بَيْنَ طَرَفَيْ الصَّحِيفَةِ

رسول خدا ﷺ فرمود: هنگامی که دو ملک ثبت کننده آنچه را ثبت نموده اند به سوی پروردگار ببرند، خدای تبارک و تعالی در اول نامه آنها خیر و در آغوش خیر ببیند، به ملائک می فرماید: شاهد باشید که من بنده ام را به واسطه هر دو طرف نامه اعمالش آمرزیدم .

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ دَاوُدَ إِذَا أَتَى بِخَطِيئَةٍ خَافَ رَبَّهُ حَتَّى تَتَفَرَّجَ مَفَاصِلُهُ مِنْ أَمَاكِنِهَا ثُمَّ يَذْكُرُ سَعَةَ رَحْمَتِهِ وَ عَائِدَتِهِ عَلَى أَهْلِ الذُّنُوبِ فَتَرْجِعُ إِلَيْهِ
 علی بن الحسین علیهما السلام فرمود: هر گاه داود علیهما السلام خطایی انجام می داد از پروردگارش می ترسید، به حدی که مفصلهایش جابجا می شد و از هم باز می شد، سپس بیاد می آورد گسترش رحمت پروردگارش و کمک نمودن او را نسبت به اهل گناه ، لذا به حالت اول بازمی گشت .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَوْ مَاتَ مَنْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَا اسْتَوْحَشْتُ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِي وَإِذَا كَانَ قَرَأَ مِنَ الْقُرْآنِ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ كَرَّرَهَا وَ يَكَادُ أَنْ يَمُوتَ مِمَّا دَخَلَ عَلَيْهِ مِنَ الْخَوْفِ

و نیز از علی بن الحسین علیهما السلام نقل شده که فرمود: اگر همه مردمی که بین مشرق و مغرب هستند؛ بمیرند من از تنهایی هراس نکنم مادامی که قرآن با من باشد، و شیوه آن حضرت چنین بود که هر گاه از قرآن (مالکِ یومِ الدین) را می خواند؛ آنقدر آن را تکرار می کرد که نزدیک بود از ترس قالب تهی کند.

فصل پنجم : در محبت و شوق

الفصل الخامس في المحبة و الشوق

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ لَهُ قَالَ لَزِيَادٍ وَيَحْكُ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ أَلَا تَرَى قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ أَوَلَا تَرَى قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِمُحَمَّدٍ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَقَالَ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ فَالدِّينُ هُوَ الْحُبُّ وَالْحُبُّ هُوَ الدِّينُ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در ضمن حدیث طولانی به زیاد فرمود: وای بر تو! آیا دین غیر از دوست داشتن است؟ آیا کلام خدای عز و جل را ندیده ای؟ (اگر خدا را دوست می دارید از من پیروی کنید، تا خدا شما را دوست بدارد و گناهان شما را ببخشد)، آیا سخن خدای عز و جل را به محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نشنیده ای (ایمان را برای شما محبوب قرار داد و آن را در دلهای شما زینت داد) و فرمود: (دوست می دارند کسی را که بسوی آنها هجرت کند)، دین همان دوست داشتن است و دوست داشتن همان دین است .

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ فِيكَ خَيْرًا فَانظُرْ إِلَى قَلْبِكَ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَيُبْغِضُ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَفِيكَ خَيْرٌ وَاللَّهُ يُحِبُّكَ وَإِنْ كَانَ يُبْغِضُ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَيُحِبُّ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَلَيْسَ فِيكَ خَيْرٌ وَاللَّهُ يُبْغِضُكَ وَالْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر گاه خواستی بدانی در تو خیری هست ، به دلت نگاه کن ، اگر اهل طاعت خدا را دوست و اهل معصیت خدا را دشمن بدارد؛ در

تو خیر هست و خدا نیز تو را دوست دارد، و اگر اهل طاعت خدا را دشمن و اهل معصیت خدا را دوست بدارد در تو خیری نیست و خدا دشمنت بدارد، و هر کسی همراه دوست خود است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا تَحَلَّى الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا بِسِيمَاءٍ وَ وَجَدَ حَلَاوَةً حُبَّ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ كَانَ عِنْدَ أَهْلِ الدُّنْيَا كَأَنَّهُ قَدْ خُوِلَطَ وَ إِنَّمَا خَالَطَ الْقَوْمَ حَلَاوَةً حُبَّ اللَّهِ فَلَمْ يَشْتَنِعُوا بِغَيْرِهِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر گاه مؤمن از دنیا کنار کشد رفعت یابد و شیرینی دوستی خدا را بچشید، گویا نزد اهل دنیا دیوانه باشد، در صورتی که شیرینی محبت خدا به آنها آمیخته شده که به چیز دیگر غیر از او مشغول نشوند.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ لِأَصْحَابِهِ أَيُّ عُرَى الْإِيمَانِ أَوْتَقُوا فَقَالُوا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ وَ قَالَ بَعْضُهُمُ الصَّلَاةُ وَ قَالَ بَعْضُهُمُ الزَّكَاةُ وَ قَالَ بَعْضُهُمُ الصِّيَامُ وَ قَالَ بَعْضُهُمُ الْحَجُّ وَ الْعُمْرَةُ وَ قَالَ بَعْضُهُمُ الْجِهَادُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ كَلَّمَا قُلْتُمْ فَضْلٌ وَ لَيْسَ بِهِ وَ لَكِنْ أَوْتَقُوا عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ وَ أَنْ تُوَالِيَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَ تَبَرَّأَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ

و نیز از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده که : رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ به اصحابش فرمود: کدامیک از دستگیره های ایمان محکمتر است ؟ گفتند: خدا و رسولش داناترند، و بعضی گفتند:

نماز، و برخی گفتند: زکات ، و بعضی گفتند: روزه ، و برخی گفتند: حج و عمره ، و بعضی گفتند جهاد.

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: برای هر یک از اینها که گفتید فضیلتی است ، ولی جواب سؤال من نیست ، لکن محکمترین دستگیره های ایمان دوستی برای خدا

و دشمنی برای خداست ، و اینکه دوستان خدا را دوست بداری و از دشمنان خدا دوری کنی .

عَنْ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى أَرْضٍ زَبْرَجْدَةٍ خَضْرَاءَ فِي ظِلِّ عَرْشِهِ عَنْ يَمِينِهِ وَكِلْتَا يَدَيْهِ يَمِينٌ وَجُوهُهُمْ أَشَدُّ بَيَاضاً مِنَ الثَّلْجِ وَأَضْوَاءُ مِنَ الشَّمْسِ الطَّالِعَةِ يَغْبِطُهُمْ بِمَنْزِلَتِهِمْ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَنَبِيٌّ مُرْسَلٍ يَقُولُ النَّاسُ مَنْ هَؤُلَاءِ فَيُقَالُ هَؤُلَاءِ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ

امام باقر عليه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دوستی کنندگان برای خدا در روز قیامت روی زمین زبرجدین و سبز رنگ زیر سایه عرش خدا، سمت راست او خواهند بود، در حالی که هر دو دست او راست است ، چهره آنان سفیدتر از برف و نورانی تر از خورشید درخشان است ، هر فرشته مقرب و هر پیغمبر مرسلی به مقام آنان حسرت می خورد.

مردم گویند: اینها کیانند؟ به آنها گفته می شود: دوستی کنندگان برای خدایند.
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا التَّقَى مُؤْمِنَانِ قَطُّ إِلَّا كَانَ أَحَدُهُمَا أَشَدَّهُمَا حُبًّا لِأَخِيهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: هرگز دو مؤمن با هم روبرو نشوند، مگر اینکه برترین آنها مهربانترین آن دو به دیگری است .

وَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ أَوْثَقِ عُرَى الْإِيمَانِ أَنْ يُحِبَّ فِي اللَّهِ وَ يُبْغِضَ فِي اللَّهِ وَ يُعْطَى فِي اللَّهِ وَ يَمْنَعَ فِي اللَّهِ

از امام صادق علیه السلام نقل شده که : از محکمترین دستگیره های ایمان دوست داشتن برای خدا و دشمنی کردن برای خدا و بخشش ؛ و امتناع او از بخشش فقط برای خداست .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ لَمَّا اشْتَدَّ عَلَيَّ أَبِي ذَرَّ الْأَمْرُ قَالَ رَبِّ خَنِّفِي خِنَافَكَ فَوْعِزَّتِكَ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّ قَلْبِي يُحِبُّكَ

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: چون که کار بر ابوذر سخت گشت گفت : پروردگارا! اندوه تو مرا خفه کرد، به عزتت قسم تو می دانی که قلبم تو را دوست دارد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ حُبُّ الْأَبْرَارِ لِلْأَبْرَارِ ثَوَابٌ لِلْأَبْرَارِ وَحُبُّ الْفُجَّارِ لِلْأَبْرَارِ فَضِيلَةٌ لِلْأَبْرَارِ وَبُغْضُ الْفُجَّارِ لِلْأَبْرَارِ زَيْنٌ لِلْأَبْرَارِ وَبُغْضُ الْأَبْرَارِ لِلْفُجَّارِ خِزْيٌ عَلَى الْفُجَّارِ

از امام صادق علیه السلام نقل شد که فرمود: دوستی نیکان به نیکان ثواب است ، و دوستی بدان به نیکان فضیلت برای نیکان است ، و دشمنی بدکاران با نیکان برای نیکان زینت است ، و دشمنی نیکان با بدکاران برای بدکاران رسوایی است
عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ رَجُلًا لِلَّهِ لَأَثَابَهُ اللَّهُ عَلَى حُبِّهِ إِيَّاهُ وَإِنْ كَانَ الْمَحْبُوبُ فِي عِلْمِ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ النَّارِ وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا أَبْغَضَ رَجُلًا لِلَّهِ لَأَثَابَهُ اللَّهُ عَلَى بُغْضِهِ إِيَّاهُ وَإِنْ كَانَ الْمُبْغُضُ فِي عِلْمِ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ

از امام باقر علیه السلام نقل شد که فرمود: اگر مردی برای خدا مردی را دوست بدارد، خدا برای دوستیش او را ثواب دهد، اگر چه آن کس را که دوست داشته در علم خدا اهل دوزخ باشد، و اگر مردی برای خدا مردی را دشمن بدارد، خدا

برای دشمنیش به او ثواب دهد، اگر چه آن کس را که دشمن داشته در علم خدا از اهل بهشت باشد.

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَهُ رَجُلٌ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْ عُرْضِ النَّاسِ يَلْقَانِي فَيَحْلِفُ بِاللَّهِ إِنَّهُ يُحِبُّنِي فَأَحْلِفُ بِاللَّهِ إِنَّهُ صَادِقٌ فَقَالَ امْتَحِنْ قَلْبَكَ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّهُ فَأَحْلِفْ وَإِلَّا فَلَا

مردی به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام عرض کرد: مردی از عامه مردم به من می رسد و قسم به خدا می خورد که مرا دوست می دارد، آیا می توانم به خدا قسم بخورم که او راستگوست؟ فرمود: قلبت را آزمایش کن اگر او را دوست می داری قسم بخور و آلا نه .

سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَقُولُ أَوَدُّكَ فَكَيْفَ أَعْلَمُ أَنَّهُ يَوَدُّنِي فَقَالَ امْتَحِنْ قَلْبَكَ فَإِنْ كُنْتَ تَوَدُّهُ فَإِنَّهُ يَوَدُّكَ

مردی از امام صادق علیه السلام در مورد شخصی سؤال کرد که می گوید: تو را دوست می دارم ، من چگونه بدانم که او مرا دوست می دارد؟
فرمود: دلت را آزمایش کن ، اگر تو نیز او را دوست داری او هم تو را دوست دارد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ وَضَعَ حَبَّهُ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْقَطِيعَةِ
امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس بی جا دوستی کند خود را در معرض جدایی قرار داده .

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّا لَنُحِبُّ أَنْ نَتَمَتَّعَ بِالْأَهْلِ وَاللُّحْمَةِ وَالْخَوْلِ وَلَنَا أَنْ نَدْعُوَ بِمَا لَمْ يَنْزِلْ أَمْرُ اللَّهِ فَإِذَا نَزَلَ أَمْرُ اللَّهِ لَمْ يَكُنْ لَنَا أَنْ نُحِبَّ مَا لَمْ يُحِبَّهُ اللَّهُ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: ما علاقمندیم که از همسر و خویشاوندان و عطایای الهی از قبیل بندگان و کنیزکان بهره مند شویم ، وظیفه ماست که دعا کنیم به آنچه حکم خدا در باره آن نازل نشده ، و هر گاه حکم خدا نازل شد ما نمی توانیم دوست بداریم آنچه را که خدا دوست نمی دارد.

وَمِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ النَّاسَ يَعْبُدُونَ اللَّهَ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ فَطَبَقَةٌ يَعْبُدُونَهُ رَغْبَةً فِي ثَوَابِهِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْحَرِصَاءِ وَهُوَ الطَّمَعُ وَ أُخْرَى يَعْبُدُونَهُ فِرْقًا مِنَ النَّارِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ هِيَ الرَّهْبَةُ وَ لَكِنْ اِعْبُدْهُ حُبًّا لَهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْكِرَامِ وَ هُوَ الْأَمْنُ لِقَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُمْ مِنْ فِرْعَ يَوْمئِذٍ آمِنُونَ وَ لِقَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ فَمَنْ أَحَبَّ اللَّهَ أَحَبَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَانَ مِنَ الْأَمِينِينَ

از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شد که فرمود: مردم خدای عز و جل را بر سه وجه عبادت می کنند:

گروهی او را به خاطر چشم داشت به پاداشش می پرستند، این پرستش آزمندان است ، و از روی طمع است ، و گروهی چون از آتش می هراسند او را می پرستند، این عبادت بندگان و از روی هراس است ، ولی من از روی مهری که به او دارم او را می پرستم ، و این پرستش جوانمردان است ، و از روی آرامش خاطر است ، چون خدای عز و جل می فرماید: (اینان از هول و هراس در چنین روز هولناکی آسوده خاطرند) و باز می فرماید: (بگو ای پیغمبر اگر دوستدار خدایید از من پیروی کنید تا خدا دوستدار شما باشد و گناهان شما را

پیامرزد) هر آنکه خدا را دوست بدارد خدایش او را دوست بدارد، و هر کس که خدا دوستش بدارد از آسوده خاطران است .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَحَبَّنَا كَانَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَجْرًا لَحَسَرَهُ اللَّهُ مَعَهُ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس ما را دوست بدارد؛ در روز قیامت همراه ما خواهد بود، و اگر مردی سنگی را دوست بدارد خدا با همانش محشور گرداند.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ أَوْتَقِ عُرَى الْإِيمَانِ أَنْ يُحِبَّ فِي اللَّهِ وَ يُبْغِضَ فِي اللَّهِ وَ يُعْطَى فِي اللَّهِ وَ يَمْنَعَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

امام صادق علیه السلام فرمود: از محکمترین دستگیره های ایمان این است که دوست داشتنش برای خدا و دشمنی داشتنش برای خدا و بخشیدنش برای خدا و نبخشیدنش هم برای خدای عز و جل باشد.

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ طَعْمَ الْإِيمَانِ مَنْ كَانَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا وَ مَنْ كَانَ يُحِبُّ الْمَرْءَ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ وَ مَنْ كَانَ يُلْقَى فِي النَّارِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى الْكُفْرِ بَعْدَ أَنْ أَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهُ

پیغمبر ﷺ فرمود: اگر در کسی سه خصلت باشد طعم ایمان را چشیده : کسی که خدا و رسولش در نظر او محبوبتر از غیر این دو باشد، و کسی که مردم را فقط برای خدا دوست می دارد، و کسی که افتادن در دوزخ برایش محبوبتر از آنست که بعد از نجات از آتش جهنم دوباره کافر گردد.

وَ قَالَ ﷺ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا وَ لَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا أَوْ لَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ أَفْسُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ

و نیز رسول خدا ﷺ می فرماید: قسم به آنکه جانم در دست اوست ، داخل بهشت نمی شوید تا اینکه ایمان آورید، و ایمان نمی آورید مگر اینکه با هم محبت کنید، آیا شما را راهنمایی کنم به چیزی که اگر آن را انجام دهید دوست دار یک دیگر شوید؟ با صدای بلند به یک دیگر سلام کنید.

وَ قَالَ إِذَا النَّاسُ أَظْهَرُوا الْعِلْمَ وَ ضَيَعُوا الْعَمَلَ وَ تَحَابُّوا بِاللُّسْنِ وَ تَبَاغَضُوا بِالْقُلُوبِ وَ تَقَاطَعُوا فِي الْأَرْحَامِ لَعَنَهُمُ اللَّهُ عِنْدَ ذَلِكَ فَأَصَمَّهُمْ وَ أَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ

رسول خدا ﷺ فرمود: زمانی که مردم علم را فرا گیرند و عمل را ضایع گردانند، و زبانی با هم دوست و در قلب دشمن باشند، و قطع رحم کنند، خداوند در این هنگام آنان را مورد نفرین قرار می دهد، و آنها را گنگ و بینائی و بصیرت آنان را کور گرداند.

وَ قَالَ أَيْضاً لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ ذَاتَ يَوْمٍ يَا عَبْدَ اللَّهِ أَحَبُّ فِي اللَّهِ وَ أَبْغَضُ فِي اللَّهِ وَ وَالٍ فِي اللَّهِ وَ عَادٍ فِي اللَّهِ فَإِنَّهُ لَا تُنَالُ وَ لِيَاةُ اللَّهِ إِلَّا بِذَلِكَ وَ لَا يَجِدُ رَجُلٌ طَعَمَ الْإِيمَانَ وَ إِن كُثِرَ صَلَاتُهُ وَ صِيَامُهُ حَتَّى يَكُونَ كَذَلِكَ وَ قَدْ صَارَتْ مُوَاخَاةُ النَّاسِ يَوْمَكُمْ هَذَا أَكْثَرُهَا فِي الدُّنْيَا عَلَيْهَا يَتَوَادُّونَ وَ عَلَيْهَا يَتَبَاغَضُونَ وَ ذَلِكَ لَا يُعْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً فَقَالَ لَهُ وَ كَيْفَ لِي أَنْ أَعْلَمَ أَنِّي قَدْ وَالَيْتُ فِي اللَّهِ وَ عَادَيْتُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَنْ وَ لِيُ اللَّهُ حَتَّى أُوَالِيَهُ وَ مَنْ عَدُوُّ اللَّهِ حَتَّى أَعَادِيَهُ فَأَشَارَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ إِلَى عَلِيٍّ فَقَالَ أ تَرَى هَذَا فَقَالَ بَلَى قَالَ هَذَا وَ لِيُ اللَّهُ فَوَالِهِ وَ

عَدُوُّ هَذَا عَدُوُّ اللَّهِ فَعَادِهِ وَوَالٍ وَلِيٍّ هَذَا وَ لَوْ أَنَّهُ قَاتِلُ أَبِيكَ وَ وُلْدِكَ وَ عَادِ عَدُوِّ هَذَا وَ لَوْ أَنَّهُ أَبُوكَ وَ وُلْدَكَ

روزی رسول خدا ﷺ به یکی از یاران خود فرمود: ای بنده خدا، برای خدا دوستی کن ، و برای رضای خدا دشمنی کن ، و برای خدا دوست بدار، و در راه خدا ستیز کن ، به حقیقت کسی به ولایت خدا نمی رسد؛ جز به آن طریق ، و هیچ کس مزه ایمان را نخواهد چشید تا چنین نشود، گرچه نماز و روزه اش بسیار باشد، و مسلماً برادری نمودن مردم امروز بیشتر در باره دنیاست ، بر اساس آن به یک دیگر اظهار دوستی می کنند، و بر همان اساس به یک دیگر خشم و کینه می ورزند، و این کار از پروردگار بی نیازشان نمی سازد، در این هنگام آن مرد عرض کرد: ای پیامبر خدا! برایم میسر خواهد شد که بفهمم به یقین و اطمینان در راه خدا دوستی و دشمنی کرده ام ؟ و ولیّ خدای عزّ و جل کیست ؛ تا دوستدار و فرمانبردار او باشم ؟ و دشمن خدا چه کسی است ؛ تا با او کینه و دشمنی ورزم ؟

رسول خدا در حالی که به علی عليه السلام اشاره می نمود؛ به آن مرد فرمود: آیا این مرد را می بینی و می شناسی ؟ عرض کرد: بلی ، فرمود: او دوستدار خداست پس دوستدار او باش ، و دشمن این مرد دشمن خداست ، با دشمن او دشمنی نما، و با دوستدارش پیوستگی و دوستی کن ، گرچه او قاتل پدر و فرزند تو باشد، و با دشمن این مرد دشمنی کن ؛ اگر چه او پدر و اولاد تو باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَ عَظَّمَهُ مَنَعَ فَاهُ مِنَ الْكَلَامِ وَ بَطَّنَهُ مِنَ الطَّعَامِ وَ عَنَى نَفْسَهُ بِالصِّيَامِ وَ الْقِيَامِ قَالُوا يَا بَابِئِنَّا وَ أُمَّهَاتِنَا أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَوْلَاءِ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ قَالَ إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ سَكَتُوا فَكَانَ سُكُوتُهُمْ فِكْرًا وَ تَكَلَّمُوا فَكَانَ كَلَامُهُمْ ذِكْرًا وَ نَظَرُوا فَكَانَ نَظَرُهُمْ عِبْرَةً وَ نَطَقُوا فَكَانَ نَطَقُهُمْ حِكْمَةً وَ مَشَوْا فَكَانَ مَشْيُهُمْ

بَيْنَ النَّاسِ بَرَكَةً وَ لَوْ لَأَجَالُ الَّتِي كُتِبَتْ عَلَيْهِمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ
خَوْفًا مِنَ الْعَذَابِ وَ شَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر که خدا را شناخت و بزرگ داشت ، زبانش را از سخن بیهوده نگاه دارد، و شکمش را از پرخوری باز دارد، و نفس خود را با روزه گرفتن و شب زنده داری ریاضت دهد، عرض کردند: ای رسول خدا! پدران و مادران ما به فدایت ؛ اینها اولیاء خدایند؟ فرمود: اولیاء خدا خاموشی گزیدند اما خاموشی آنها اندیشه بود، و سخن گفتند و سخن گفتنشان ذکر خدا بود، و نگریستند و نگاهشان عبرت بود، و سخن گفتند و سخنانشان حکمت بود، در میان مردم راه رفتند و راه رفتنشان برکت بود، اگر نبود که اجل و مرگشان از قبل معین شده بود؛ از ترس عذاب و شوق ثواب روح آنها در پیکرشان آرام نمی گرفت .

وَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا رَأَى أَهْلَ قَرْيَةٍ قَدْ أَصْرَفُوا فِي الْمَعَاصِي وَ فِيهَا ثَلَاثُ نَفَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ نَادَاهُمْ جَلَّ جَلَالُهُ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ يَا أَهْلَ مَعْصِيَتِي لَوْ لَأَمِّنَ فِيكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَحَيِّينَ لِجَلَالِي الْعَامِرِينَ بِصَلَاتِهِمْ أَرْضِي وَ مَسَاجِدِي وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ خَوْفًا مِنِّي لَأَنْزِلْتُ بِكُمْ عَذَابِي ثُمَّ لَأُبَالِي

رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند تبارک و تعالی هر گاه اهل آبادی را ببیند که در گناهان زیاده روی کردند و در بین آنها سه نفر از مؤمنین هست ، خداوند جلّ جلاله و تقدّست اسماؤه آنها را می خواند: ای کسانی که معصیت مرا می کنید! اگر نبودند در بین شما مؤمنینی که دوستدار جلالت من هستند، و با نماز خواندنشان زمین و مساجدم را آباد نمی کردند، و سحرها از ترس طلب مغفرت نمی کردند، به حقیقت عذابم را بر شما می فرستادم ، و از آن باکی نداشتم .

مِنْ كِتَابِ السَّيِّدِ نَاصِحِ الدِّينِ أَبِي الْبَرَكَاتِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمُوسَى هَلْ
 عَمِلْتَ لِي عَمَلًا قَطُّ قَالَ إِلَهِي صَلَّيْتُ لَكَ وَصُمْتُ وَتَصَدَّقْتُ وَذَكَرْتُكَ كَثِيرًا قَالَ
 اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَمَا الصَّلَاةُ فَلَكَ بُرْهَانٌ وَالصَّوْمُ جَنَّةٌ وَالصَّدَقَةُ ظِلٌّ وَالزَّكَاةُ
 نُورٌ وَذِكْرُكَ لِي قُصُورٌ فَأَيَّ عَمَلٍ عَمِلْتَ لِي قَالَ مُوسَى ذُنْبِي عَلَى الْعَمَلِ الَّذِي هُوَ
 لَكَ قَالَ يَا مُوسَى هَلْ وَالَيْتَ لِي وَلِيًّا قَطُّ أَوْ هَلْ عَادَيْتَ لِي عَدُوًّا قَطُّ فَعَلِمَ مُوسَى
 أَنَّ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ

خداوند عز و جل به موسی علیه السلام فرمود: آیا هرگز برای من عملی انجام داده
 ای ؟ عرض کرد: خدایا! برایت نماز خواندم و روزه گرفتم و صدقه دادم و بسیار
 ذکر تو گفتم ، خدای تبارک و تعالی فرمود: اما نماز روشنگر راه تو بود، و روزه
 سپری از آتش ، و صدقه سایه ای ، و زکات نور، و ذکر گفتن تو هم قصرهایی
 (در بهشت) برایت بود، پس چه کاری را برای من انجام دادی ؟ موسی گفت :
 مرا راهنمایی کن بر کاری که برای توست ، فرمود: ای موسی ! آیا هرگز برای
 من با کسی دوستی کرده ای ؟ یا هرگز برای من با کسی دشمنی نموده ای ؟
 موسی فهمید که بهترین کارها دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خداست .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَا ضَرَّكَ إِنْ أَحْبَبْتَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَأَحَبَّكَ اللَّهُ وَ
 رَسُولَهُ مِنْ أَبْغَضَكَ فَإِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ يُبْغِضُ أَحِبَّاءَ اللَّهِ وَلَا أَحَدٌ مِنْ
 غَيْرِهِ يُحِبُّكَ فَيَنْفَعَكَ حُبُّهُ ثُمَّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَا يَسْتَوْحِشُ مَنْ كَانَ اللَّهُ
 أُنَيْسَهُ وَلَا يَذِلُّ مَنْ كَانَ اللَّهُ أَعَزَّهُ وَلَا يَفْتَقِرُ مَنْ كَانَ بِاللَّهِ غَنَاؤُهُ فَمَنْ اسْتَأْنَسَ بِاللَّهِ
 آنَسَهُ اللَّهُ بِغَيْرِ أُنَيْسٍ وَمَنْ اعْتَنَزَ بِاللَّهِ أَعَزَّهُ اللَّهُ بِغَيْرِ عَدَدٍ وَلَا عَشِيرَةٍ وَمَنْ يَسْتَعْنِي
 بِاللَّهِ أَغْنَاهُ اللَّهُ بِغَيْرِ ذُنْيَاهُ

امیر مؤمنان عليه السلام فرمود: اگر خدا و رسولش را دوست بداری ، و خدا و رسولش تو را دوست بدارند، دشمنت به تو زبانی نمی رساند زیرا هیچ یک از دوستان خدا نیست که با دوستان خدا دشمن باشد، و دوستی کسی جز خدا نمی تواند برایت سودمند باشد.

سپس فرمود: رسول خدا فرمود: کسی که خدا انیس و همدم او باشد، ترس و وحشتی ندارد، و کسی که خدا عزیزش نموده ، دلیل نمی شود، و کسی را که خدا بی نیازش ساخته ، محتاج نمی شود، هر کس به خدا انس بگیرد فقط خداوند همدمش خواهد شد، و هر کس از خدا طلب عزت کند؛ خداوند بدون یاور و قبیله او را عزت دهد، و هر کس از خدا طلب بی نیازی کند، خداوند او را از غیر دنیایش بی نیاز سازد.

فصل ششم : در بی نیازی و فقر

الفصل السادس في الغنى و الفقر

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا أَبَالِي عَلَى مَا اغْتَلَقَتْ يَدِي غِنًى
أَوْ فَقْرًا

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: برایم اهمیت ندارد آنچه را که به دستانم می چسبد
بی نیازی باشد یا فقر.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اللَّهُمَّ ارْزُقْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ الْعَفَافَ وَ الْكِفَافَ وَ ارْزُقْ
مَنْ أَبْغَضَ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَثْرَةَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ

رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود: خدایا! به محمد و آل محمد پاکدامنی و کفاف در
روزی عطا فرما، و به دشمنان محمد و آل محمد بسیاری مال و فرزند روزی کن

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَتَى أَبَا ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ سَارُّ لَهُ فِي غَنَمِهِ فَقَالَ قَدْ كَثُرَتِ الْغَنَمُ وَ
وَلَدَتْ فَمَا فَقَالَ بَشْرُنِي تُبَشِّرُنِي بِكَثْرَتِهَا فَمَا قَلَّ مِنْهَا وَ كَفَى أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا كَثُرَ مِنْهَا
وَ الْهَى

امام باقر علیه السلام فرمود: مردی نزد اباذر آمد و او را در مورد گوسفندانش مژده
داد، اباذر گفت : بحقیقت گوسفندان زیاد شده اند و تولید مثل کرده اند، و لکن
زیاد شدن آنها برای من مژده نیست ، آنچه از گوسفندانم کم باشد و ما را کفایت
کند؛ نزد من محبوبتر از آنست که زیاد باشد و ما را از یاد خدا غافل کند.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَظْهَرَ الْيَأْسَ مِنَ النَّاسِ فَإِنَّ ذَلِكَ هُوَ الْغِنَى وَ
أَقْلِلْ طَلَبَ الْحَوَائِجِ إِلَيْهِمْ فَإِنَّ ذَلِكَ فَقْرٌ حَاضِرٌ

علی بن الحسین علیه السلام فرمود: از مردم اظهار نومیدی و بی نیازی کن زیرا این
کار خود بی نیازی واقعی است ، و در خواست حاجت را از مردم کم کن زیرا
این عمل خود فقر حاضر است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ شَرَفُ الْمُؤْمِنِ قِيَامُ اللَّيْلِ وَ عِزُّهُ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ
امام صادق علیه السلام فرمود: شرافت مؤمن به شب زنده داری ، و عزتش به بی
نیازی او از مردم است .

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَدْ رَأَيْتُ الْخَيْرَ كُلَّهُ قَدْ اجْتَمَعَ فِي قَطْعِ الطَّمَعِ عَمَّا
فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ مَنْ لَمْ يَرْجُ النَّاسَ فِي شَيْءٍ وَ رَدَّ أَمْرَهُ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ إِلَى اللَّهِ
اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ

علی بن الحسین علیه السلام فرمود: تمام خیر و نیکی را در بریدن طمع از دست
مردم دیدم ، و هر کس هیچ امیدی به مردم نداشته باشد، و امرش را در هر
کاری به خدا واگذارد، خداوند در هر چیزی دعایش را مستجاب کند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِيَجْتَمِعَ فِي قَلْبِكَ
الْإِفْتِقَارُ إِلَى النَّاسِ وَ الْاسْتِغْنَاءُ عَنْهُمْ فَيَكُونُ إِفْتِقَارُكَ فِي لِسَانِكَ وَ حُسْنُ
بِشْرِكَ وَ يَكُونُ اسْتِغْنَاؤُكَ عَنْهُمْ فِي نَزَاهَةِ عِرْضِكَ إِلَيْهِمْ وَ بَقَاءُ عِزِّكَ

امام صادق علیه السلام از امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرد که می فرمود: باید احتیاج به
مردم و بی نیازی از ایشان با هم در دلت جمع شود، و احتیاج به آنها در نرم

زبانی و خوشروئیت باشد، و بی نیازیت از آنها در حفظ آبرو و نگهداری عزت توأم باشد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْفَقْرَ أَمَانَةً عِنْدَ خَلْقِهِ فَمَنْ سَتَرَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ مِثْلَ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ وَمَنْ أَفْشَاهُ إِلَى مَنْ يَقْدِرُ عَلَى قَضَاءِ حَاجَتِهِ فَلَمْ يَفْعَلْ فَقَدْ قَتَلَهُ أَمَا إِنَّهُ مَا قَتَلَهُ بِسَيْفٍ وَلَا رُمْحٍ وَلَكِنْ قَتَلَهُ بِمَا أَنْكَرَ قَلْبُهُ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از قول رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده که فرمود: ای علی! خداوند فقر را نزد مخلوقاتش به امانت گذارده، هر کس آن را پنهان کند خداوند او را مانند پاداش روزه دار و شب زنده دار عطا فرماید، و هر کس آن را نزد کسی که می تواند حاجتش را بر آورد فاش سازد و او حاجتش را بر نیابد در واقع او را کشته است، البته او را با شمشیر و نیزه نکشته، بلکه با انکار قلبی او را کشته است.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَوْ لَا فُقْرَاؤُكُمْ مَا دَخَلَ أَغْنِيَاؤُكُمْ الْجَنَّةَ

از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده که فرمود: اگر فقیران شما نبودند، ثروتمندان شما داخل بهشت نمی شدند.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كُلَّمَا ازْدَادَ الْعَبْدُ إِيمَانًا ازْدَادَ ضِيقًا فِي مَعِيشَتِهِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر اندازه ایمان بنده زیاد شود، تنگی معیشتش افزایش می یابد.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا أُعْطِيَ عَبْدٌ مِنْ الدُّنْيَا إِلَّا اِعْتِبَارًا وَلَا زُؤَى عَنْهُ إِلَّا اِخْتِبَارًا
امام صادق عليه السلام فرمود: چیزی از دنیا به بنده ای عطا نشد مگر برای عبرت
گرفتن ، و چیزی از او بر کنار نگردید مگر برای آزمودن .

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الدِّينَارَ وَالدَّرْهَمَ أَهْلَكَمَا مَنْ
كَانَ قَبْلُكُمْ وَهُمَا مُهْلِكَاكُمْ
امیر مؤمنان عليه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: درهم و دینار کسانی را
که قبل از شما بوده اند به هلاکت رسانده اند، و همان دو هلاک کننده شما
خواهند بود.

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ مِنْ عِبَادِي
الْمُؤْمِنِينَ عِبَادًا لَا يَصْلِحُ لَهُمْ أَمْرُ دِينِهِمْ إِلَّا بِالْغِنَاءِ وَالسَّعَةِ وَالصَّحَّةِ فِي الْبَدَنِ
فَأَبْلَوْهُمْ بِالْغِنَى وَالسَّعَةِ وَصِحَّةِ الْبَدَنِ فَيَصْلِحُ عَلَيْهِمْ أَمْرُ دِينِهِمْ وَإِنْ مِنْ عِبَادِي
الْمُؤْمِنِينَ لَعِبَادًا لَا يَصْلِحُ لَهُمْ أَمْرُ دِينِهِمْ إِلَّا بِالْفَاقَةِ وَالْمَسْكِنَةِ وَالسُّقْمِ فِي أَسْوَاقِهِمْ
فَأَبْلَوْهُمْ بِالْفَاقَةِ وَالْمَسْكِنَةِ وَالسُّقْمِ فَيَصْلِحُ عَلَيْهِمْ أَمْرُ دِينِهِمْ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا يَصْلِحُ
عَلَيْهِ أَمْرُ دِينِ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ

امام باقر عليه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: خداوند عز و جل
فرمود: برخی از بندگان مؤمنم کسانی باشند که امر دینشان جز با ثروتمندی و
وسعت در زندگی و تندرستی اصلاح نشود، از این جهت آنها را با ثروت و
وسعت در زندگی و تندرستی می آزمایم ، تا امر دینشان اصلاح شود، و برخی
از بندگان مؤمنم کسانی اند که امر دینشان جز با فقر و تهیدستی و ناخوشی در

بدنهایشان اصلاح نشود، آنها را با فقر و تهیدستی و بیماری می آزمایم تا امر دینشان اصلاح شود، من به آنچه امر دین بندگان مؤمنم را اصلاح کند داناترم .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الدَّرَجَةُ لَأَيُّهَا يَبْلُغُهَا بِعَمَلِهِ فَيُنْتَلَى بِجَسَدِهِ أَوْ يُصَابُ فِي مَالِهِ أَوْ يُصَابُ فِي وُلْدِهِ فَإِنْ هُوَ صَبْرَ ظَفَرَهُ اللَّهُ إِيَّاهَا

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: بنده نزد خدا درجه ای دارد که با عملش به آن نرسد، بنا بر این خداوند بدنش را بیمار می گرداند، یا در مال یا فرزندانش مصیبتی وارد می آورد، چنانچه صبر نماید خداوند او را بر آن مصیبت پیروز گرداند.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا قَبَضَ أَحَبَّ وُلْدِهِ إِلَيْهِ
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خداوند عز و جل هر گاه بنده ای را دوست بدارد محبوبترین فرزندان او را می گیرد.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَمَّنْ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي خُطْبَةٍ قَامَ فِيهَا فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ أَصْبَحْتُ فِيكُمْ وَإِدَامِي الْجُوعُ وَطَعَامِي مَا تُنْبِتُ الْأَرْضُ لِلْوُحُوشِ وَالْأَنْعَامِ وَسِرَاجِي الْقَمَرُ وَفِرَاشِي التُّرَابُ وَوَسَادِي الْحَجَرُ لَيْسَ لِي بَيْتٌ يَخْرُبُ وَلَا مَالٌ يَنْتَلَفُ وَلَا وَلَدٌ يَمُوتُ وَلَا امْرَأَةٌ تَحْزَنُ وَلَا شَيْءٌ لِي شَيْءٌ وَأَنَا أَغْنَى وُلْدِ آدَمَ

حضرت عیسی بن مریم ضمن خطبه ای در میان بنی اسرائیل فرمود: در میان شما زندگی من این گونه است که خورش من گرسنگی است ، و خوراک من

علفهایی است که در بیابان برای حیوانات وحشی روییده می شود، و روشنایی مهتاب در تاریکی شب چراغ می باشد، و خاک زمین بستم ، و سنگ بیابان بالشم ، نه خانه ای دارم که ویران گردد، و نه اندوخته ای که تلف شود، و نه فرزندی که بمیرد، و نه همسری که اندوهگین شود، هیچ چیز ندارم ، و در عین حال من بی نیازترین افراد بشر هستم .

قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ وَأَوْلَادَ الْأَنْبِيَاءِ وَاتَّبَاعَ الْأَنْبِيَاءِ خُصُّوا بِثَلَاثِ خِصَالٍ السُّقْمِ فِي الْأَبْدَانِ وَخَوْفِ السُّلْطَانِ وَالْفَقْرِ
 امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: پیامبران و فرزندان پیامبران و پیروان پیامبران به سه خصلت مختص گردانیده شدند: بیماری در بدنها، ترس از پادشاهان و فقر.

قَالَ الرَّضَاءُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى الْغَنِيِّ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ
 حضرت رضا علیه السلام فرمود: هر کس فقیر مسلمانی را دید و به او سلامی کرد که با سلام کردن به ثروتمندان فرق می کرد؛ روز قیامت خدا را در حالتی ملاقات کند که بر او خشمگین است .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفَطْنَ عَنِ حُجَّتِهِ وَالْمُقِلُّ غَرِيبٌ فِي بُلْدَتِهِ طُوبَى لِمَنْ ذَكَرَ الْمَعَادَ وَعَمِلَ لِلْحِسَابِ وَقَنِعَ بِالْكَفَافِ الْغِنَى فِي الْغُرْبَةِ وَطَنٌ وَالْفَقْرُ فِي الْوَطَنِ غُرْبَةُ الْقَنَاعَةِ مَا لَا يَنْفَدُ الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى فَارَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاءَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَنَعَ غِنَى مَا

أَحْسَنَ تَوَاضَعِ الْأَغْنِيَاءِ لِلْفُقَرَاءِ طَلِبًا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَحْسَنُ مِنْهُ تِيَهُ
الْفُقَرَاءِ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ اتِّكَالًا عَلَى اللَّهِ

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: فقر زبان شخص زیرک را از بیان دلیلش لال می کند، و کسی که تنگدست است در شهر خود غریب است، خوشا بحال کسی که بیاد معاد باشد، و برای حساب کار کند، و به کفاف در زندگی قانع باشد، بی نیازی در غربت وطن است، و تنگدستی در وطن غربت است، قناعت مالی است که از بین نرود، فقر مرگ بزرگ است، خداوند سبحانه و تعالی در اموال ثروتمندان غذاهای فقرا را قرار داده، فقیری گرسنه نمی ماند مگر اینکه ثروتمندی او را از آن محروم گرداند، چقدر زیباست فروتنی ثروتمندان در مقابل فقرا برای خواستن ثوابی که نزد خدای عز و جل است، و بهتر از آن تکبر کردن فقیران بر ثروتمندان است در حالی که متکی به خدا باشند.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ اسْتَدَلَ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً أَوْ حَقَّرَهُ لِفَقْرِهِ وَقَلَّتْ ذَاتُ يَدِهِ شَهْرَهُ
اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَفْضَحُهُ

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس مرد یا زن؛ مؤمنی را به دلیل نیازمندی و فقرش پست و کوچک شمارد، خداوند در روز قیامت او را به زشتی مشهور سازد، سپس رسوایش سازد.

وَقَالَ اللَّهُمَّ أَحْنِي مِسْكِينًا وَامْتِنِي مِسْكِينًا وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَةِ الْمَسَاكِينِ
و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدایا! مرا فقیر زنده بدار و فقیر بمیران، و مرا در ردیف فقیران محسور گردان .

وَقِيلَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ إِنِّي لَأُحِبُّكَ فِي اللَّهِ فَقَالَ النَّبِيُّ إِن كُنْتَ تُحِبُّنِي فَأَعِدْ لِلْفَقْرِ جَلْبَابًا فَإِنَّ الْفَقْرَ أَسْرَعُ إِلَيَّ مِنْ يُحِبُّنِي مِنَ السَّيْلِ إِلَى مُنْتَهَاهُ
مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: من تو را بخاطر خدا دوست دارم،
پیامبر ﷺ فرمود:

اگر مرا دوست داری پوستین فقر را آماده کن، زیرا سرعت فقر نسبت به کسی که مرا دوست دارد از سرعت سیل به پایان راهش بیشتر است.

وَقَالَ ﷺ انظروا إلی من أسفل منکم و لا تنظروا إلی من فوقکم فإنه أجدر أن لا تردوا نعمة الله
و نیز پیامبر اکرم ﷺ فرمود: بنگرید به کسی که پایین دست شماست، نه کسی که بالا دست شماست، زیرا این کار به انکار نکردن نعمت خدا مناسب تر است.

و قَالَ إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا فِي دَارِ الدُّنْيَا يُجِيعُهُ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ كَيْفَ يُجِيعُهُ قَالَ فِي مَوْضِعِ الطَّعَامِ الرَّخِيسِ وَ الْخَيْرِ الْكَثِيرِ وَ لِيُؤْتِيَ اللَّهُ لَآ يَجِدُ طَعَامًا يَمْلَأُ بِهِ بَطْنَهُ
و در جای دیگر فرمود: هر گاه خداوند بنده ای را دوست بدارد گرسنه اش می گذارد، پرسیدند: ای رسول خدا! چگونه گرسنه اش می گرداند؟ فرمود: در جایی که غذای فراوان و خیر بسیار باشد؛ ولی خدا غذایی نمی یابد تا به وسیله آن شکمش را سیر کند.

و قَالَ الْفَقْرُ فَقْرَانِ فَقْرٌ فِي الدُّنْيَا وَ فَقْرٌ فِي الْآخِرَةِ فَفَقْرُ الدُّنْيَا غِنَى الْآخِرَةِ وَ غِنَى الدُّنْيَا فَقْرُ الْآخِرَةِ وَ ذَلِكَ الْهَلَاكُ

رسول خدا ﷺ فرمود: فقر دو قسم است: فقر دنیوی و فقر اخروی؛ فقر دنیوی بی نیازی اخروی، و بی نیازی دنیوی فقر اخروی است و این هلاکت است.

و قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ لَا تُحَقِّرَنَّ أَحَدًا بِخُلُقَانِ ثِيَابِهِ فَإِنَّ رَبَّكَ وَ رَبَّهُ وَاحِدٌ
لقمان به فرزندش گفت: ای پسرکم! هرگز کسی را به دلیل کهنه بودن لباسهایش کوچک مشمر، زیرا پروردگار تو و او یکی است.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَرَكَ نَسِجَ الْعَنْكَبُوتِ فِي الْبَيْتِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ الْبَوْلُ فِي الْحَمَامِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ الْأَكْلُ عَلَى الْجَنَابَةِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ التَّخَلُّلُ بِالطَّرْفَاءِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ التَّمَشُّطُ مِنْ قِيَامِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ تَرَكَ الْقُمَامَةَ فِي الْبَيْتِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ الْيَمِينُ الْفَاجِرَةُ تُورِثُ الْفَقْرَ وَ الزِّنَاءُ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ إِظْهَارُ الْحِرْصِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ النَّوْمُ بَيْنَ الْعِشَاءَيْنِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ النَّوْمُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ اعْتِيَادُ الْكَذِبِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ كَثْرَةُ الْاسْتِمَاعِ إِلَى الْغِنَاءِ تُورِثُ الْفَقْرَ وَ رَدُّ السَّائِلِ الذَّاكِرِ بِاللَّيْلِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ تَرَكَ التَّقْدِيرَ فِي الْمَعِيشَةِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ تُورِثُ الْفَقْرَ
ثُمَّ قَالَ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلَا أُنبئُكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ بِمَا يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ قَالُوا بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ الْجَمْعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ التَّعْقِيبُ بَعْدَ الْغَدَاةِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ صِلَةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ كَسْحُ الْفِنَاءِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ مُوَاسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ الْبُكُورُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ الْاسْتِغْفَارُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ اسْتِعْمَالُ الْأَمَانَةِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ قَوْلُ الْحَقِّ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ إِجَابَةُ الْمُؤَدَّنِ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ تَرَكَ الْكَلَامَ فِي الْخَلَاءِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ تَرَكَ الْحِرْصَ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ شُكْرُ الْمُنْعَمِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ اجْتِنَابُ الْيَمِينِ الْكَاذِبَةِ يَزِيدُ فِي

الرِّزْقِ وَالْوُضُوءِ قَبْلَ الطَّعَامِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ أَكْلُ مَا يَسْقُطُ مِنَ الْخِوَانِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثِينَ مَرَّةً دَفَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ الْبَلَاءِ أَيْسَرُهَا الْفَقْرُ

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: پاک نکردن تار عنکبوت از خانه موجب تهیدستی است ، و بول کردن در حمام موجب تهیدستی است ، و در حال جنابت غذا خوردن تهیدستی آورد، و با چوب گز خلال کردن تهیدستی آورد، و ایستاده شانه زدن تهیدستی آورد، و بیرون نبردن خاکروبه از منزل موجب تهیدستی است ، و سوگند دروغ تهیدستی آورد، و زنا تهیدستی آورد، و حرص ورزیدن تهیدستی آورد، و به خواب رفتن بین نماز مغرب و عشاء تهیدستی آورد، و به خواب رفتن قبل از طلوع آفتاب باعث فقر شود، عادت به دروغگویی تهیدستی آورد، زیاد گوش دادن به غناء تهیدستی آورد، رد کردن فقیری که در شب ذکر خدا می گوید موجب تنگدستی شود، و عقل معیشتی نداشتن تهیدستی آورد، و از فامیل بریدن تهیدستی آورد.

سپس علی علیه السلام فرمود: آیا آگاه کنم شما را به آنچه رزق را فراوان می کند؟ گفتند: بلی ای امیر مؤمنان ، فرمود: میان دو نماز جمع کردن روزی را زیاد کند، و خواندن تعقیب بعد از نماز صبح و عشاء روزی را فراوان کند، و رفت و آمد خویشاوندی روزی را زیاد گرداند، و رفتن آستانه خانه روزی را زیاد می کند، و با برادر دینی همراهی کردن روزی را زیاد می کند، و عجله کردن در طلب رزق روزی را زیاد می کند، از خداوند آمرزش خواستن روزی را زیاد می کند، امانتداری روزی را زیاد می کند، سخن به حق گفتن روزی را زیاد می کند، به صدای مؤذن جواب گفتن روزی را زیاد می کند، سخن نگفتن در مستراح روزی را زیاد می کند، حرص نورزیدن روزی را زیاد می کند، سپاسگزاری از

صاحب نعمت روزی را زیاد می کند، دوری جستن از قسم دروغ روزی را زیاد می کند، وضو گرفتن قبل از غذا روزی را زیاد می کند، خوردن آنچه از سفره بیرون می افتد روزی را زیاد می کند، و هر کس در روز سی مرتبه خدا را تسبیح گوید؛ خدای عز و جل هفتاد نوع بلا را از او برگرداند، که آسانترین آن تهیدستی است .

وَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ لَيْسَ الْغِنَى كَثْرَةُ الْعَرَضِ إِنَّمَا الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ
رسول خدا ﷺ فرمود: توانگری به زیادی مال نیست ، بلکه توانگری به بی
نیازی روح است .

وَ قَالَ مَا مِنْ أَحَدٍ غَنِيٍّ وَلَا فَقِيرٍ إِلَّا وَدَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَّهُ كَانَ فِي الدُّنْيَا لَمْ يُؤْتِ
إِلَّا قُوتًا
و رسول خدا ﷺ نیز فرمود: هر بی نیاز و فقیری در روز قیامت آرزو دارد
که کاش در دنیا فقط به اندازه رفع نیازش به او داده می شد.

مِنْ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ يَا ابْنَ آدَمَ إِذَا رَأَيْتَ رَبَّكَ سُبْحَانَهُ تَتَابَعِ
عَلَيْكَ نِعْمَهُ فَاحْذَرَهُ
امیر مؤمنان علی بن ابی طالب فرمود: ای فرزند آدم! هر گاه دیدی که پروردگارت
نعمتهایش را بر تو پی در پی می فرستد، از آن بترس .

فصل هفتم : در قناعت

الفصل السابع فى القناعة

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَغْنَى النَّاسِ فَلْيَكُنْ بِمَا فِي أَيْدِي اللَّهِ أَوْتَقَ مِنْهُ فِي أَيْدِي غَيْرِهِ

امام باقر علیه السلام از رسول خدا ﷺ نقل می کند که فرمود: هر کس می خواهد بی نیازترین مردم باشد؛ باید به آنچه در دست خداست اعتمادش بیشتر از آنچه در دست مردم است بوده باشد.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَا ابْنَ آدَمَ ارْضَ بِمَا آتَيْتُكَ تَكُنْ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند عز و جل می فرماید: ای فرزند آدم! به آنچه به تو عطا شده راضی باش تا از بی نیازترین مردم باشی .

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ قَنِعَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ فَهُوَ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ

امام سجاد علیه السلام فرمود: هر کس به آنچه خداوند قسمتش قرار داده راضی و قانع باشد از بی نیازترین مردم است .

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَغْنَى الْغِنَى الْقَنَاعَةُ

امام صادق علیه السلام فرمود: بهترین بی نیازی قناعت است .

وَ قَالَ أَيْضاً لِرَجُلٍ يَعْطُهُ اقْنَعُ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَكَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَا عِنْدَ غَيْرِكَ وَ لَا تَتَمَنَّ مَا لَسْتَ نَائِلُهُ فَإِنَّهُ مَنْ قَنَعَ شَبِعَ وَ مَنْ لَمْ يَقْنَعْ لَمْ يَشْبَعْ وَ خُذْ حَظَّكَ مِنْ آخِرَتِكَ

امام صادق علیه السلام مردی را موعظه کرده ؛ فرمود: به آنچه خداوند قسمتت گردانیده قانع باش ، چشمانت به آنچه در دست دیگری است نباشد، و آنچه را به آن نمی رسی آرزو نکن ، زیرا هر کس قانع باشد سیر شود، و هر کس قانع نباشد سیر نشود، بهره ات را از آخرت بگیر .

وَ قَالَ كَانَ عَلِيٌّ عليه السلام يَقُولُ مَنْ تَمَنَّى غَنَى نَفْسِهِ وَ لَمْ يَشْفِ غَيْظَهُ مَاتَ بِحَسْرَةٍ
 امام صادق علیه السلام فرمود: علی علیه السلام همیشه می فرمود: هر کس بی نیازی نفسش را بخواهد ولی شعله خشمش را فرو نشانند در حسرت مرده است .

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام إِيَّاكَ أَنْ تُطْمَحَ بِصَرَكَ إِلَى مَا هُوَ فَوْقَكَ فَكَثِيرًا مَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِنَبِيِّهِ فَلَا تُعْجِبَكَ أَمْوَالُهُمْ وَ لَا أَوْلَادُهُمْ وَ قَالَ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَإِنْ دَخَلَكَ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ فَادْكُرْ عَيْشَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَإِنَّمَا كَانَ خُبْزُهُ الشَّعِيرَ وَ حَلْوَاهُ التَّمْرَ وَ وَقُودُهُ السَّعْفَ إِذَا وَجَدَهُ
 امام باقر علیه السلام فرمود: مبادا به بالا دست خود چشم بدوزی ، زیرا خداوند عز و جل بسیار به پیامبرش فرموده (از مالها و فرزندانشان خوشت نیاید و در شگفت نشوی) و فرمود:

(دیدگان خود را به آن چیزهایی که رونق زندگی دنیاست و به گروهی از ایشان بهره داده ایم نگران مساز)، و اگر در باره این موضوع شکی و تردیدی

یافتی زندگی رسول خدا را یاد کن ، که خوراکش نان جو و حلوایش خرما و آتش گیره اش شاخ درخت خرما بود؛ اگر پیدا می کرد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزِيهِ كَانَ أَيْسَرُ مَا فِيهَا يَكْفِيهِ
وَمَنْ لَمْ يَرْضَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزِيهِ لَمْ يَكُنْ فِيهَا شَيْءٌ يَكْفِيهِ

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: هر که از دنیا به مقداری که او را کفایت کند راضی شود؛ کمترین چیز دنیا او را کفایت می کند، و هر که به اندازه ای که او را بس باشد راضی نشود؛ چیزی از دنیا کفایتش نخواهد کرد.

شَكَا رَجُلٌ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ يَطْلُبُ فَيَصِيبُ فَلَا يَنْفَعُ وَتُنَازِعُهُ نَفْسُهُ إِلَى مَا هُوَ أَكْثَرُ مِنْهُ وَقَالَ عَلَّمَنِي شَيْئًا أَنْتَفَعُ بِهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِنَّ كَانَ مَا يَكْفِيكَ يُغْنِيكَ فَادْنِي مَا فِيهَا يُغْنِيكَ وَإِنْ كَانَ مَا يَكْفِيكَ لَا يُغْنِيكَ فَكُلْ مَا فِيهَا لَا يُغْنِيكَ
شخصی به امام صادق علیه السلام شکایت کرد که طلب روزی می کند و به دست می آورد؛ ولی قانع نمی شود، و نفسش با او برای روزی بیشتر نزاع می کند، و عرض کرد: به من چیزی بیاموز که از آن بهره مند شوم ، امام علیه السلام فرمود: اگر اندازه کفایت بی نیازت کند، کمتر چیز دنیا بی نیازت کند، و اگر اندازه کفایت بی نیازت نکند هر چه در دنیا هست بی نیازت نکند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَأَلَنَا أَعْطَيْنَاهُ وَمَنْ اسْتَعْنَى
أَغْنَاهُ اللَّهُ

امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: هر که از ما چیزی بخواهد به او عطا کنیم ، و هر که بی نیازی جوید و درخواست نکند خدا او را بی نیاز گرداند.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الدُّنْيَا دُولٌ فَمَا كَانَ لَكَ مِنْهَا أَتَاكَ عَلَى ضَعْفِكَ وَ مَا كَانَ مِنْهَا عَلَيْكَ لَمْ تَدْفَعْهُ بِقُوَّتِكَ وَ مَنْ انْقَطَعَ رَجَاهُ مِمَّا فَاتَهُ اسْتَرَاحَتْ نَفْسُهُ وَ مَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى قَرَّتْ عَيْنَاهُ

باز امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: دنیا در گردش است ، بهره ای که در دنیا داری به تو خواهد رسید هر چند سست و ناتوان باشی ، و زبانی که از دنیا نصیب تو باشد دامنگیرت خواهد شد و هر چند نیرومند هم باشی نتوانی از آن جلوگیری کنی ، و هر کس از آنچه از دستش رفته نومید شد آسایش روحی پیدا کند، و هر کس به روزی خدا قانع باشد چشمانش روشن گردد.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مَا هَلَكَ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ وَ مَا يَبْكِي النَّاسُ عَلَى الْفُوتِ الْقُوتِ إِنَّمَا يَبْكُونَ عَلَى الْفُضُولِ ثُمَّ قَالَ فَكَمْ عَسَى أَنْ يَكْفِيَ الْإِنْسَانَ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که قدر خود را شناسد هلاک نگردد، مردم بر از دست دادن گریه نمی کنند، بلکه بر بدست آوردن زیادی دنیا گریه می کنند، سپس فرمود: چقدر ممکن است انسان را کفایت می کند؟

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِثْلَهُ ثُمَّ قَالَ وَ أَى شَيْءٍ يَكْفِي
الْإِنْسَانَ ثُمَّ أَوْمَى بِيَدِهِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مثل روایت قبل را نقل کند که در ادامه
فرموده اند: و چه چیز انسان را کفایت می کند؟ سپس به دستشان اشاره کردند.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ رَجُلًا أَتَى أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ أَصَدَحَكَ اللَّهُ إِنْ أُنْتَجِرُ إِلَى
هَذِهِ الْجِبَالِ فَنَأْتِي مِنْهَا عَلَى أَمْكِنَةٍ لَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نُصَلِّيَ إِلَّا عَلَى الثَّلْجِ قَالَ أَلَا
تَكُونُ مِثْلَ فُلَانٍ يَعْنِي رَجُلًا عِنْدَهُ يَرْضَى بِالذُّونِ وَلَا يَطْلُبُ التِّجَارَةَ فِي أَرْضٍ لَا
يَسْتَطِيعُ أَنْ يُصَلِّيَ إِلَّا عَلَى الثَّلْجِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: مردی نزد امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ آمد و عرض کرد: خدا شما
را سلامت نگهدارد، ما در این کوهها تجارت می کنیم ، به مکانهایی می رویم که
نمی توانیم نماز بخوانیم مگر بر روی برف ، فرمود: آیا نمی خواهی مثل فلانی
باشی یعنی مردی که نزد ایشان بود که به کمترین راضی است ، و به دنبال
تجارتی که نتواند بر زمین آن غیر از روی برف نماز بخواند نمی رود؟

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ
رَسُولُ خُدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: قناعت مالی است که پایان نمی پذیرد.

وَ قَالَ الْقَنَاعَةُ كُنْزٌ لَا يَفْنَى

و نیز رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: قناعت گنجی است که نابود نمی شود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَجُلٌ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اللَّهُمَّ اغْنِنَا عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَقُولَنَّ هَكَذَا وَ لَكِنَّ قُلِ اللَّهُمَّ اغْنِنَا عَنْ شِرَارِ خَلْقِكَ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَسْتَعِينُ عَنْ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ

امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش عليهم السلام نقل می کند که فرمود: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و این گونه دعا کرد: خدایا ما را از همه خلقت بی نیاز گردان ، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: این چنین مگو، و لکن بگو: خدایا ما را از اشرار خلقت بی نیاز گردان ، زیرا مؤمن از برادر مؤمنش بی نیاز نشود.

عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ادْعُ اللَّهَ لِي أَنْ لَا يَجْعَلَ رِزْقِي عَلَى أَيْدِي الْعِبَادِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَبِي اللَّهُ عَلَيْكَ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ يَجْعَلَ أَرْزَاقَ الْعِبَادِ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ وَ لَكِنَّ ادْعُو اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَ رِزْقَكَ عَلَى أَيْدِي خِيَارِ خَلْقِهِ فَإِنَّهُ مِنَ السَّعَادَةِ وَ لَا يَجْعَلُهُ عَلَى أَيْدِي شِرَارِ خَلْقِهِ فَإِنَّهُ مِنَ الشَّقَاوَةِ

ابو عبیده حدّاء گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم : دعا کنید که خداوند روزی مرا به دست بندگان نسپارد، امام عليه السلام فرمود: خدا جز این را برای تو نخواهد که بندگان را به دست یک دیگر روزی دهد، ولی دعا می کنم که خداوند روزی تو را به دست بندگان نیکش قرار دهد؛ که این خود سعادت است ، و آن را بر دست اشرار خلقش قرار ندهد، زیرا آن از بدبختی و شقاوت است .

فصل هشتم : در علم و عالم و تعلیم و تعلم و عمل به علم

الفصل الثامن فی العلم و العالم و تعلیمه و تعلمه و استعماله
مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا أَرَادَ بَعْدَ خَيْرٍ فَقَهَّهُ فِي
الدِّينِ

علی علیه السلام فرمود: هر گاه خداوند خیر بنده ای را بخواهد او را دانشمند در
دین کند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَضْلُ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ فَضْلِ
الْعِبَادَةِ وَأَفْضَلُ دِينِكُمُ الْوَرَعُ

امام صادق علیه السلام از رسول خدا ﷺ نقل کرد که فرمود: فضیلت دانش نزد
من از فضیلت عبادت محبوبتر است ، و بهترین دین شما پرهیزگاری و ترک گناه
است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ تَعَلَّمَ وَ عَمِلَ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ دُعِيَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ
عَظِيمًا فَقِيلَ لَهُ تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَ عَمِلَ لِلَّهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ قَالَ نَعَمْ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که برای خدا علم را بیاموزد و بدان عمل کند و
به دیگران بیاموزد در مقامهای بلند آسمانها او را بزرگ خوانند، و گویند:
آموخت برای خدا، و عمل کرد برای خدا، و تعلیم داد برای خدا.

وَ قَالَ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ قَالَ يَعْنِي
بِالْعُلَمَاءِ مَنْ صَدَّقَ قَوْلَهُ فَعَلَهُ وَ مَنْ لَمْ يُصَدِّقْ قَوْلَهُ فَعَلَهُ فَلَيْسَ بِعَالِمٍ

امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه شریفه : (همانا فقط از میان بندگان علما هستند که از خدا می ترسند) فرمود: مراد از علما کسانی هستند که گفتار و عملشان یکی باشد، و کسی که گفتارش عملش را تصدیق نکند عالم نمی باشد.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْعِلْمُ قَالَ
الْإِنصَافُ قَالَ ثُمَّ مَهْ قَالَ الْإِسْتِمَاعُ لَهُ قَالَ ثُمَّ مَهْ قَالَ الْحِفْظُ لَهُ قَالَ ثُمَّ مَهْ يَا رَسُولَ
اللَّهِ قَالَ الْعَمَلُ بِهِ قَالَ ثُمَّ مَهْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ ثُمَّ نَشْرُهُ

امام صادق علیه السلام فرمود: مردی خدمت رسول خدا صلى الله عليه وآله رسید و عرض کرد:
ای رسول خدا! دانش چیست ؟ فرمود: انصاف داشتن ، عرض کرد: پس از آن
چیست ؟ فرمود: گوش دادن ، عرض کرد: سپس چیست ؟ فرمود: به ذهن
سپردن آن ، عرض کرد: سپس چیست ؟
فرمود: عمل کردن به آنچه فرا گرفته ، عرض کرد: سپس چیست ؟ فرمود:
سپس پخش کردن آن علم در بین مردم .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله اَعْدُ عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا وَإِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ
لَاهِيًا مُتَلَدِّذَاً

امام باقر علیه السلام به نقل از رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: شب را به روز آور در حالی
که دانشمند یا دانش پژوه باشی ، و پرهیز از اینکه وقت گذران و خوش گذران
باشی .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَارِعُوا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ فَوَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لِحَدِيثٍ
وَاحِدٍ فِي حَلَالٍ وَحَرَامٍ تَأْخُذُهُ مِنْ صَادِقٍ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا حَمَلَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَ
فِضَّةٍ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: در یادگیری دانش شتاب کنید، قسم به آنکه جانم در
دست اوست ؛ یک سخن در مورد حلال و حرام که از شخص راستگویی یاد
بگیری از دنیا و آنچه طلا و نقره در آن است بهتر است .

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَةٍ وَلَا يَقْبَلُ الْمَعْرِفَةَ إِلَّا بِعَمَلٍ فَمَنْ عَرَفَ
دَلَّتْهُ الْمَعْرِفَةُ عَلَى الْعَمَلِ وَمَنْ لَمْ يَعْمَلْ فَلَا مَعْرِفَةَ لَهُ إِنَّ الْإِيمَانَ بَعْضُهُ مِنْ بَعْضٍ
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خداوند عملی را جز با شناخت نپذیرد، و هیچ
شناختی را جز با عمل نپذیرد، کسی که شناخت دارد آن شناخت او را بر عمل
راهنمایی کند، و کسی که عمل نکند شناخت ندارد، به حقیقت برخی از ایمان
برخی دیگرش را بوجود آورد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ
يُحِبُّ بُعَاةَ الْعِلْمِ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: آموختن علم و دانش بر هر مرد و زن مسلمان
واجب است ، بدانید که خداوند دانشجویان را دوست دارد.

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَوْ أُتِيَتْ بِشَابٍّ مِنْ شَبَابِ الشَّيْخَةِ لَا يَتَفَقَّهُ فِي دِينِهِ لَأَوْجَعْتُهُ
امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: اگر جوانی از جوانان شیعه را به نزد من می آوردند که
علم دین نیاموخته بود حتما او را تنبیه می کردم .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ الْعَالِمَ الْكَاتِمَ عِلْمَهُ يُبْعَثُ أَتَنَنْ أَهْلَ الْقِيَامَةِ رِيحًا تَلْعَنُهُ كُلُّ دَابَّةٍ حَتَّى دَوَابُّ الْأَرْضِ الصَّغَارِ

علی علیه السلام فرمود: دانشمندی که علمش را پنهان کند بر انگیخته خواهد شد در حالی که از بدبوترین اهل قیامت است ، هر جنبنده ای او را لعن می کند حتی جنبنده های کوچک روی زمین .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ مِنْ حَقِّ الْعَالِمِ أَنْ لَا تُكْتَبَرُ عَلَيْهِ السُّؤَالُ وَلَا تَأْخُذَ بِنُوبِهِ وَإِذَا دَخَلَتْ عَلَيْهِ وَعِنْدَهُ قَوْمٌ فَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ جَمِيعاً وَخُصَّهُ بِالتَّحِيَّةِ وَاجْلِسْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا تَجْلِسْ خَلْفَهُ وَلَا تَعْمِرْ بَعَيْنَيْكَ وَلَا تُشِرْ بِيَدَيْكَ وَلَا تُكْتَبِرْ مِنَ الْقَوْلِ قَالَ فُلَانٌ وَقَالَ فُلَانٌ خِلَافاً لِقَوْلِهِ وَلَا تَضْجِرْ بِطُولِ صُحْبَتِهِ فَإِنَّمَا مَثَلُ الْعَالِمِ مَثَلُ النَّخْلَةِ تَنْتَظِرُ مَتَى يَسْقُطُ عَلَيْكَ مِنْهَا شَيْءٌ وَالْعَالِمُ أَعْظَمُ أَجْراً مِنَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْغَازِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَإِذَا مَاتَ الْعَالِمُ نُلِمَ فِي الْإِسْلَامِ ثَلَمَةً لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

امام صادق علیه السلام از علی علیه السلام نقل می کند که فرمود: از جمله حقوق عالم آن است که از او زیاد سؤال نکنی ، و جامه اش را نگیری ، و هر گاه بر او وارد شدی و گروهی نزدش بودند؛ به همه سلام کن و او را نزد آنها به تحیت مخصوص گردان ، مقابلش بنشین و پشت سرش منشین ، چشمک مزن ، و با دست اشاره مکن ، پر گویی مکن ؛ که فلانی و فلانی بر خلاف نظر شما چنین گفته اند ، و از زیادی مجالست با او دلتنگ مشو ، زیرا مثل عالم مثل درخت خرماست ، باید در انتظار بمانی تا چیزی از آن بر تو فرو ریزد ، و پاداش عالم

از روزه دار شب زنده دار مجاهد در راه خدا بیشتر است ، و هر گاه عالم از دنیا رود در اسلام شکافی ایجاد شود که هیچ چیز آن را جبران نکند تا روز قیامت .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ

امام صادق علیه السلام از رسول خدا نقل کرده که فرمود: کسی که ندانسته عملی را انجام دهد، خراب کردنش از درست کردنش بهتر است .

وَعَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ قَامَ مِنْ مَجْلِسِهِ تَعْظِيمًا لِرَجُلٍ قَالَ مَكْرُوهٌ إِلَّا لِرَجُلٍ فِي الدِّينِ

اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا کسی برای احترام جلوی پای کسی از جای بر می خیزد؟ فرمود: مکروه است ، مگر برای عالم در دین .

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا جَلَسْتَ إِلَى عَالِمٍ فَكُنْ عَلَى أَنْ تَسْمَعَ أَحْرَصَ مِنْكَ عَلَى أَنْ تَقُولَ وَتَعْلَمَ حُسْنَ الْإِسْتِمَاعِ كَمَا تَعْلَمُ حُسْنَ الْقَوْلِ وَلَا تَقْطَعْ عَلَى أَحَدٍ حَدِيثَهُ

از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شد که فرمود: هر گاه نزد عالمی نشستی بر شنیدن حریص تر باش تا بر حرف زدن ، و یاد بگیر خوب شنیدن را همان طور که خوب گفتن را یاد می گیری ، و گفتار و سخن هیچ کس را قطع مکن .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ وَلَا تَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْداً

از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شد که فرمود: عمل کننده بدون بصیرت مانند کسی است که بیراهه می رود، هر چند شتاب کند از هدف دورتر گردد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَأَلُوا الْعُلَمَاءَ وَخَاطَبُوا الْحُكَمَاءَ وَجَالَسُوا الْفُقَرَاءَ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: از علما پیرسید، با حکما هم سخن ، و با فقرا همنشین شوید.

عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَنْ تَبْقَى الْأَرْضُ إِلَّا وَفِيهَا عَالِمٌ يَعْرِفُ الْحَقَّ مِنَ الْبَاطِلِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: همیشه در زمین عالمی است که حق را از باطل جدا کند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غَرِيبَتَانِ غَرِيبَةٌ زَائِدَةٌ كَلِمَةٌ حَكِيمٌ حُكْمٌ مِنْ سَفِيهِ فَأَقْبَلُوهَا وَكَلِمَةٌ سَفِيهِ مِنْ حَكِيمٍ فَأَغْفِرُوهَا

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به نقل از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: دو سخن غریب است : یک غریب سخن حکیمانه از بی خرد شنیدن است ، آن را بپذیرید، و گفتار ناپسند از حکیم شنیدن ، از آن بگذرید.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خُذِ الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: حکمت را بیاموزید، گرچه از مشرکان باشد.

وَمِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَصَمَ ظَهْرِي رَجُلَانِ مِنَ الدُّنْيَا رَجُلٌ عَلِيمٌ اللِّسَانَ فَاسِقٌ وَ رَجُلٌ جَاهِلٌ الْقَلْبِ نَاسِكٌ هَذَا يَصُدُّ بِلِسَانِهِ عَنِ فِسْقِهِ وَ هَذَا يَنْسُكُهُ عَنِ جَهْلِهِ فَاتَّقُوا الْفَاسِقَ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَ الْجَاهِلَ مِنَ الْمُتَعَبِّدِينَ أَوْلَيْكَ فِتْنَةٌ كُلٌّ مَفْتُونٍ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ يَا عَلِيُّ هَلَاكُ أُمَّتِي عَلَيَّ يَدِي كُلُّ مُنَافِقٍ عَلِيمٍ اللِّسَانِ

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: از مردم دنیا دو نفر پشت مرا شکستند: یکی مرد سخنور بدکردار، و دیگری مرد نادان عابد، این یکی به کمک زبان بر کارهای زشت خود پرده می کشد، و آن دیگری با عبادتش نادانی خود را پنهان می کند، از دانشمندان گنهکار و عبادت کنندگان نادان بپرهیزید، زیرا که اینان باعث فریب فریفتگان می باشند، از رسول خدا صلى الله عليه وآله شنیدم که می فرمود: ای علی! هلاک امت من به دست سخنوران منافق و دورو است .

عَنْهُ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِلَّهِ لَمْ يُصِبْ مِنْهُ بَابًا إِلَّا ازْدَادَ بِهِ فِي نَفْسِهِ ذُلًّا وَ فِي النَّاسِ تَوَاضَعًا وَ لِلَّهِ خَوْفًا وَ فِي الدِّينِ اجْتِهَادًا وَ ذَلِكَ الَّذِي يَنْتَفِعُ بِالْعِلْمِ فَلْيَتَعَلَّمْهُ وَ مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِلدُّنْيَا وَ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ النَّاسِ وَ الْحُظُوفَةَ عِنْدَ السُّلْطَانِ لَمْ يُصِبْ مِنْهُ بَابًا إِلَّا ازْدَادَ فِي نَفْسِهِ عِظْمَةً وَ عَلَى النَّاسِ اسْتِطَالَةً وَ بِاللَّهِ اغْتِرَارًا وَ مِنَ الدِّينِ جَفَاءً فَذَلِكَ الَّذِي لَا يَنْتَفِعُ بِالْعِلْمِ فَلْيُكْفَ وَ لِيُمْسِكْ عَنِ الْحُجَّةِ عَلَى نَفْسِهِ وَ النَّدَامَةِ وَ الْخِزْيِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

از رسول خدا صلى الله عليه وآله مروی است که فرمود: هر که برای رضای خدا طلب علم نماید به بابی از علم نمی رسد مگر اینکه فروتنی او زیادتر می شود، و تواضع او در میان مردم بسیار گردد، و ترسش برای خدا بیشتر شود، و جدیت و کوشش

او در راه دین بیشتر گردد، چنین عالمی است که از علم خود نفع برد و دیگران را بهره مند سازد.

و هر که برای طلب دنیا، و منزلت نزد مردم، و برای دستیابی و راه یافتن نزد پادشاه طلب علم نماید، هر بابی از علم را که فرا می گیرد تکبرش بیشتر گردد، و پستی و خواری او نزد مرد بیشتر شود، و نسبت به خدا مغرور گردد، و به دین جفا کند، چنین کسی از علم خود استفاده نخواهد کرد، در این صورت او حجتی برای خود ندارد، و پشیمانی و حسرت و ذلت در روز قیامت نصیبش گردد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مُؤْمِنُ إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ وَالْأَدَبَ تَمَنُّ نَفْسِكَ فَاجْتَهِدْ فِي تَعْلُمِهِمَا فَمَا يَزِيدُ مِنْ عِلْمِكَ وَأَدَبِكَ يَزِيدُ فِي ثَمَنِكَ وَقَدْرِكَ فَإِنَّ بِالْعِلْمِ تَهْتَدِي إِلَى رَبِّكَ وَبِالْأَدَبِ تُحْسِنُ خِدْمَةَ رَبِّكَ وَبِالْأَدَبِ الْخِدْمَةُ يَسْتَوْجِبُ الْعَبْدُ وِلَايَتَهُ وَ قُرْبَهُ فَاقْبَلِ النَّصِيحَةَ كَيْ تَنْجُوَ مِنَ الْعَذَابِ

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: ای مؤمن! این علم و ادب قیمت جان توست، در آموختن آن بکوش، هر قدر به علم و ادب افزوده گردد قیمت و منزلتت زیادتر شود، زیرا به وسیله علم به سوی پروردگارت هدایت می شوی، و به وسیله ادب به پروردگارت بهتر خدمت می کنی، و به وسیله خدمت همراه ادب بنده سزاوار دوستی و قرب با خدا می شود، نصیحت پذیر باش تا از عذاب دوزخ نجات یابی.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ

رسول خدا ﷺ فرمود: دنبال آموختن علم بروید گرچه تا چین باشد، زیرا
آموختن علم بر هر مسلمانی واجب است .

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِذَا حَضَرَتْ جِنَازَةٌ وَحَضَرَ
مَجْلِسُ عَالِمٍ أَيْمًا أَحَبُّ إِلَيْكَ أَنْ أَشْهَدَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ كَانَ حُضُورَ أَلْفِ جِنَازَةٍ
وَمِنْ عِبَادَةِ أَلْفِ مَرِيضٍ وَمِنْ قِيَامِ أَلْفِ لَيْلَةٍ وَمِنْ صِيَامِ أَلْفِ يَوْمٍ وَمِنْ أَلْفِ
دِرْهَمٍ يُتَصَدَّقُ بِهَا عَلَى الْمَسَاكِينِ وَمِنْ أَلْفِ حِجَّةٍ سِوَى الْفَرِيضَةِ وَمِنْ أَلْفِ غَزْوَةٍ
سِوَى الْوَاجِبِ تَغْرُوهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِمَالِكَ وَبِنَفْسِكَ وَأَيْنَ تَقَعُ هَذِهِ الْمَشَاهِدُ مِنْ
مَشْهَدِ عَالِمٍ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ يُطَاعُ بِالْعِلْمِ وَيُعْبَدُ بِالْعِلْمِ وَخَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
مَعَ الْعِلْمِ وَشَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ

مردی خدمت پیامبر ﷺ رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! هر گاه تشییع
جنازه ای با مجلس عالمی همزمان شود؛ کدامیک را دوست دارید حاضر شوید؟
فرمود: اگر به دنبال جنازه کسی باشد که او را تشییع و تدفین کند، حضور
مجلس عالم از تشییع هزار جنازه و از عیادت هزار مریض و از عبادت کردن
هزار شب و از هزار روز روزه گرفتن و از هزار درهم صدقه دادن به فقیران و از
هزار حج غیر واجب و از هزار جنگ غیر واجب که در راه خدا به مال و جان
بروی با فضیلت تر است ، و کجا درک این حضورها مساوی است با درک
حضور عالمی ؟

آیا نمی دانی که خداوند به وسیله علم اطاعت کرده می شود، و به وسیله علم
پرستیده می شود، و خیر دنیا و آخرت همراه علم است ، و شر دنیا و آخرت
همراه جهل است ؟

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَلَا أُحَدِّثُكُمْ عَنْ أَقْوَامٍ لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءَ وَلَا شُهَدَاءَ يَغْبِطُهُمْ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْأَنْبِيَاءُ وَالشُّهَدَاءُ بِمَنَازِلِهِمْ مِنَ اللَّهِ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ قِيلَ مَنْ هُمْ يَا
رَسُولَ اللَّهِ قَالَ هُمُ الَّذِينَ يُحِبُّونَ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ وَ يُحِبُّونَ اللَّهَ إِلَى عِبَادِهِ قُلْنَا
هَذَا حَبَّبُوا اللَّهَ إِلَى عِبَادِهِ فَكَيْفَ يُحِبُّونَ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ قَالَ يَأْمُرُونَهُمْ بِمَا يُحِبُّ
اللَّهُ وَيَنْهَوْنَهُمْ عَمَّا يَكْرَهُ اللَّهُ فَإِذَا أَطَاعُوهُمْ أَحَبَّهُمُ اللَّهُ

رسول خدا فرمود: آیا آگاه کنم شما را از گروهی که نه از انبیا هستند و نه از
شهدا، ولی انبیا و شهدا در روز قیامت به مقام و منزلت آنان غبطه می خورند، و
آنها بر منبرهایی از نور نشسته اند؟

سؤال شد: ای رسول خدا! آنان کیانند؟ فرمود: آنان کسانی هستند که بندگان
خدا را نزد خدا محبوب می کنند و خدا را نزد بندگانش محبوب می گردانند،
عرض کردیم: ایجاد محبت خدا در دلها معلوم است، ولی چگونه بندگان را نزد
خدا محبوب می گرداند؟

فرمود: آنها را فرمان می دهد به آنچه خدا دوست می دارد، و باز می دارد
آنان را از آنچه خدا دوست نمی دارد، و هر گاه آنها را اطاعت کردند خداوند
دوستشان دارد.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ تَعَلَّمَ بَاباً مِنَ الْعِلْمِ لِيُعَلِّمَهُ النَّاسَ ابْتِغَاءً وَجْهَ اللَّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ
أَجْرَ سَبْعِينَ نَبِيًّا

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که بابی از علم را بیاموزد تا برای رضای خدا
آن را به مردم بیاموزاند خداوند ثواب هفتاد پیامبر را به او عطا کند.

وَ قَالَ أَيْضاً مَنْ تَعَلَّمَ بَاباً مِنَ الْعِلْمِ عَمِلَ بِهِ أَوْ لَمْ يَعْمَلْ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ أَنْ يُصَلِّيَ
أَلْفَ رُكْعَةٍ تَطَوُّعاً

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس بابی از علم را بیاموزد چه به آن عمل کند
یا نکند بهتر است از اینکه هزار رکعت نماز مستحبی بخواند.

قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام قُرَأَ الْقُرْآنُ ثَلَاثَةَ رَجُلٍ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَاتَّخَذَهُ بِضَاعَةً وَ اسْتَدَرَّ بِهِ
الْمُلُوكَ وَ اسْتَطَالَ بِهِ عَلَى النَّاسِ وَ رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَحَفِظَ حُرُوفَهُ وَ ضَيَّعَ حُدُودَهُ
وَ رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَوَضَعَ دَوَاءً الْقُرْآنِ عَلَى دَاءِ قَلْبِهِ وَ اسْهَرَ بِهِ لَيْلَهُ وَ أَظْمَأَ بِهِ
نَهَارَهُ وَ قَامَ بِهِ فِي مَسَاجِدِهِ وَ تَجَافَى بِهِ عَنِ فِرَاشِهِ فَبِأَوْلَيْكَ يَدْفَعُ اللَّهُ عِزًّا وَ جَلًّا
الْبَلَاءِ وَ بِأَوْلَيْكَ يُدِيلُ اللَّهُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ بِأَوْلَيْكَ يُنَزِّلُ اللَّهُ الْغَيْثَ مِنَ السَّمَاءِ وَ اللَّهُ
لَهُوْلَاءِ فِي قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ أَعَزُّ مِنَ الْكِبْرِيتِ الْأَحْمَرِ

حضرت باقر علیه السلام فرمود: قاریان قرآن سه گروهند: مردی قرآن می خواند و
آن را سرمایه کسب خود قرار می دهد، و به وسیله آن از پادشاهان طلب
مستمری می کند، و به مردم بزرگی می فروشد، و دیگر مردی که قرآن را بخواند
و حروف آن را حفظ کند ولی احکام و حدود آن را ضایع گرداند، و مردی که
قرآن خواند و داروی قرآن را بر دل دردمندش نهد و با آن شب زنده داری کند،
و روزش را به تشنگی بسر برد، و در هنگام نمازهایش و در مساجد بدان قیام
کند، و از بستر خواب خود به احترام آن دوری کند، خداوند به وسیله آنان بلا را
بگرداند، و به برکت اینان خدای عزّ و جلّ شر دشمنان را باز دارد، و به برکت
آنان خداوند از آسمان باران فرستد، بخدا سوگند اینان در میان قرآن خوانان از
کبریت احمر کمیاب ترند.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ النَّاسَ فِي صَعِيدٍ
وَاحِدٍ وَوَضَعَتِ الْمَوَازِينُ فَتُوزَنُ دِمَاءُ الشُّهَدَاءِ مَعَ مِدَادِ الْعُلَمَاءِ فَيَرْجَحُ مِدَادُ
الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ

امام صادق عليه السلام فرمود: در روز قیامت خداوند عز و جل مردم را در یک
مکان جمع می کند و میزانهای اعمال را بر پا می دارد، در این هنگام خونهای
شهدا با مداد علما سنجیده می شود، مداد علما بر خونهای شهدا برتری پیدا می
کند.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَوْمٌ الدُّنْيَا بِأَرْبَعَةِ بَعَالِمٍ نَاطِقٍ مُسْتَعْمِلٍ لَهُ وَبِغِنَىٰ لَّا
يُبْخَلُ بِفَضْلِهِ عَلَىٰ أَهْلِ دِينِ اللَّهِ وَبِفَقِيرٍ لَّا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ وَبِجَاهِلٍ لَّا يَتَكَبَّرُ
عَنْ طَلَبِ الْعِلْمِ فَإِذَا كَتَمَ الْعَالِمُ عِلْمَهُ وَبَخِلَ الْغَنِيُّ بِفَضْلِهِ وَبَاعَ الْفَقِيرُ آخِرَتَهُ
بِدُنْيَاهُ وَاسْتَكْبَرَ الْجَاهِلُ عَنْ طَلَبِ الْعِلْمِ رَجَعَتِ الدُّنْيَا إِلَىٰ وَرَائِهَا فَهَمَّرَىٰ وَ لَّا
تَعْرِفُكُمْ كَثْرَةُ الْمَسَاجِدِ وَ أَجْسَادُ قَوْمٍ مُخْتَلِفَةٍ قِيلَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ كَيْفَ الْعَيْشُ فِي
ذَلِكَ الزَّمَانِ فَقَالَ خَالِطُوهُمْ بِالْبَرَانِيَّةِ يَعْنِي فِي الظَّاهِرِ وَ خَالِفُوهُمْ فِي الْبَاطِلِ لِلْمَرْءِ
مَا أَكْتَسَبَ وَ هُوَ مَعَ مَنْ أَحَبَّ وَ أَنْتَظِرُوا مَعَ ذَلِكَ الْفَرَجَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَىٰ

امیر مؤمنان عليه السلام فرمود: استواری دنیا به وسیله چهار کس است :

به وسیله دانشمند گویا که دانش خود را در عمل خود بکار می بندد، به
ثروتمندی که از ما زاد ثروتش بر اهل دین خدا دریغ نوزد، به فقیری که
آخرتش را به دنیایش نفروشد، و به نادانی که از یادگیری علم و دانش تکبر
نکند.

اگر عالمی دانش خود را پنهان کند، و ثروتمند به مالش بخل ورزد، و فقیر
آخرتش را به دنیایش بفروشد، و نادان از دانش طلبی تکبر نماید؛ دنیا بصورت

عقب گرد به عقب باز گردد. بنا بر این زیاد شدن مساجد و مردمی که در آنها رفت و آمد می کنند شما را فریب ندهد، سؤال شد: ای امیر مؤمنان! در چنین روزگاری چگونه باید زندگی کرد؟

فرمود: در ظاهر با آنان آمیزش داشته باشید، و در باطن با آنان مخالفت ورزید، که هر کس نتیجه کردار خود را خواهد دید، و با هر کس دوست باشد محشور خواهد شد، و با این حال به انتظار گشایش از جانب خداوند باشید.

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ أَغْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ وَ أَكْثَرُ النَّاسِ قِيَمَةً أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا وَ أَقَلُّ النَّاسِ قِيَمَةً أَقَلُّهُمْ عِلْمًا وَ أَوْلَى النَّاسِ بِالْحَقِّ أَغْلَمُهُمْ بِهِ وَ أَحْكَمُ النَّاسِ مَنْ فَرَّ مِنْ جُهَالِ النَّاسِ

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: داناترین مردم کسی است که دانش مردم را با دانش خود جمع کند، و پر قیمت ترین مردم دانشمند ترین آنهاست ، و کم قیمت ترین مردم کم دانش ترین آنهاست ، و سزاوارترین مردم به حق داناترین آنها به آنست ، و حاکم ترین مردم کسی است که از مردم جاهل فرار کند.

عَنِ الْكَاْظِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ الْمَسْجِدَ فَإِذَا جَمَاعَةٌ قَدْ أَطَافُوا بِرَجُلٍ فَقَالَ مَا هَذَا قَالُوا عَلَّامَةٌ قَالَ وَ مَا الْعَلَّامَةُ قَالُوا أَغْلَمُ النَّاسِ بِأَنْسَابِ الْعَرَبِ وَ وَقَائِعِهَا وَ أَيَّامِ الْجَاهِلِيَّةِ وَ بِالشُّعَارِ الْعَرَبِيَّةِ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ ذَاكَ عِلْمٌ لَا يَضُرُّ مَنْ جَهَلَهُ وَ لَا يَنْفَعُ مَنْ عِلِمَهُ

امام کاظم علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ وارد مسجد شد، ناگهان جماعتی را دید که گرد مردی را گرفته اند، فرمود: چه خبر است ؟ گفتند: علامه ای است ، فرمود: علامه یعنی چه ؟ گفتند: داناترین مردم به دودمان عرب و حوادث ایشان

و به روزگار جاهلیت و اشعار عرب است ، پیامبر ﷺ فرمود: اینها علمی است که زبانی به نادانش نرساند، و سودی به عالمش نبخشد.

عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ مَرْفُوعًا قَالَ أَقْبَلَ النَّاسُ عَلَيَّ عَلِيٌّ فَقَالُوا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْبِئْنَا بِالْفَقِيهِ قَالَ نَعَمْ أَنْبِئُكُمْ بِالْفَقِيهِ حَقَّ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ يُرْخِصِ النَّاسَ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَ لَمْ يُقْنِطْهُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ لَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ وَ لَمْ يَدْعِ الْقُرْآنَ رَغْبَةً إِلَى غَيْرِهِ أَلَا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ لَا تَدْبُرَ فِيهَا أَلَا لَا خَيْرَ فِي عِبَادَةِ لَا فَقَهَ فِيهَا أَلَا لَا خَيْرَ فِي نُسُكٍ لَا وَرَعَ فِيهِ

ابو حمزه ثمالی گوید: مردم نزد علی علیه السلام آمدند و گفتند: ای امیر مؤمنان! فقیه را به ما بشناسان ، فرمود: بلی ، فقیه حقیقی را به شما می شناسانم ، فقیه واقعی کسی است که به مردم آزادی در گناه ندهد، و آنها را از رحمت خدا مأیوس نسازد، و از مکر خدا ایمن نگرداند، برای رغبت بسوی چیزی قرآن را ترک نکند، بدانید که در قرائتی که تدبیر در آن نیست خیری نیست ، بدانید دانش بی اندیشه سودی ندارد، بدانید عبادتی که همراه پرهیزگاری نباشد نفعی ندارد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ تَعَلَّمُونَ
امام صادق علیه السلام فرمود: در مقابل کسی که از او دانش می آموزید فروتنی کنید، و در مقابل کسی که به او دانش می آموزید فروتنی کنید.

عَنْ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الْعَالِمُ وَ الْمُتَعَلِّمُ شَرِيكَانِ فِي الْأَجْرِ إِلَّا أَنْ لِلْعَالِمِ أَجْرَيْنِ وَ لِلْمُتَعَلِّمِ أَجْرًا وَ لَا خَيْرَ فِيمَا سِوَى ذَلِكَ

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کند که فرمود: دانش آموز و معلم در پاداش شریکند، بدانید که برای تعلیم دهنده و دانشمند دو پاداش و برای دانش آموز یک پاداش است ، و خیری در غیر این نیست .

عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ إِنَّ طَيْرَ السَّمَاءِ وَ دَوَابَّ الْبَحْرِ وَ حَيَاتَانَهُ لَيَسْتَغْفِرُونَ لِطُلَّابِ الْعِلْمِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

امام باقر علیه السلام فرمود: پرنندگان آسمان و جنندگان دریا و ماهیهایش ، برای دانشجویان تا روز قیامت طلب مغفرت می کنند.

خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ بِخُطْبَةٍ فِيهَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ وَ أَنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ أَوْجَبُ عَلَيْكُمْ مِنْ طَلَبِ الْمَالِ إِنَّ الْمَالَ مَقْسُومٌ بَيْنَكُمْ مَضْمُونٌ لَكُمْ قَدْ قَسَمَهُ عَادِلٌ بَيْنَكُمْ وَ ضَمِنَهُ وَ سَيَفِي لَكُمْ بِهِ وَالْعِلْمُ مَخْزُونٌ عِنْدَ أَهْلِهِ قَدْ أَمَرْتُمْ بِطَلْبِهِ مِنْهُمْ فَاطْلُبُوهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ كَثْرَةَ الْمَالِ مَفْسَدَةٌ فِي الدِّينِ مَقْسَاةٌ لِلْقَلْبِ وَ أَنَّ كَثْرَةَ الْعِلْمِ وَالْعَمَلِ بِهِ مَصْلَحَةٌ فِي الدِّينِ سَبَبٌ لِلْجَنَّةِ وَ الْمَالُ يُبْخِلُ النَّاسَ وَ يَبْخُلُونَ بِهِ عَنِ أَنْفُسِهِمْ وَ عَنِ النَّاسِ وَ النَّفَقَاتُ تَنْقُصُ الْمَالَ وَ الْعِلْمُ يَزُكُّ عَلَى إِنْفَاقِهِ وَ إِنْفَاقُهُ بُنْتُ إِلَى حَفَظَتِهِ وَ رُؤَاتِهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ صُحْبَةَ الْعَالِمِ وَ اتِّبَاعَهُ دِينٌ يُدَانُ بِهِ وَ طَاعَتُهُ مَكْسَبَةٌ لِلْحَسَنَاتِ مَمْحَاةٌ لِلْسَّيِّئَاتِ وَ ذَخِيرَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رِفْعَةٌ فِي حَيَاتِهِمْ وَ مَمَاتِهِمْ وَ جَمِيلُ الْأُحْدُوثَةِ عَنْهُمْ بَعْدَ مَوْتِهِمْ أَلَا وَ إِنَّ الْمَالَ يَزُولُ كَزَوَالِ صَاحِبِهِ وَ الْعُلَمَاءُ وَ الْعِلْمُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ وَ الْعِلْمُ حَاكِمٌ وَ الْمَالُ مَحْكُومٌ عَلَيْهِ

امیر مؤمنان علیه السلام بر منبر کوفه خطبه ای خواندند که در آن فرمود: ای مردم! آگاه باشید! کمال دین به تحصیل دانش و عمل کردن به آن است ، تحصیل دانش

برای شما از تهیه مال واجبتر است ، مال بین شما تقسیم و تضمین شده ، دادگری ؛ آن را بین شما تقسیم کرده و ضمانت فرموده ، و به عهد خود وفا خواهد نمود، ولی دانش را برای شما در سینه اهلش اندوخته و دستور داده که به دنبالش بروید، اینک آن را بجوئید و بدانید که ثروت زیاد باعث تباهی دین و قساوت قلب است ، و زیادی علم به شرط عمل کردن به آن باعث اصلاح دین و رسیدن به بهشت است ، مال انسان را بخیل می کند، و به آن نسبت به خودشان و مردم بخیل می شوند، مال با مصرف کاهش پذیرد، و حال اینکه علم با بذل و انفاق فزون گردد، انفاق علم به نشر آن در بین حافظان و راویان آن است ، و بدانید که همنشینی و پیروی دانشمند دینی است که خدا بر آن پاداش دهد، اطاعت عالم نیکوها را بیافزاید، بدیها را محو سازد، و برای مؤمنان پس اندازی باشد، و در زندگی و مرگ باعث سربلندی ، و نیکنامی پس از مرگشان باشد، بدان که مال از بین می رود مثل از بین رفتن صاحبش ، و دانشمندان و علم باقیند تا زمانی که روزگار باقی است ، و دانش حاکم است و مال محکوم .

ثُمَّ قَالَ فِي خُطْبَةٍ كَيْلٌ يُكَالُ بِلَا ثَمَنِ لَوْ كَانَ مَنْ سَمِعَهُ يَعْقِلُهُ فَيَعْرِفُهُ وَيُؤْمِنُ بِهِ
فَيَتَّبِعُهُ وَيَنْهَجُ مِنْهَجَهُ فَيُفْلِحُ بِهِ

امیر مؤمنان علیه السلام ضمن خطبه ای فرمود: کلامی که بدون قیمت وزن شود اگر کسی آن را بشنود آن را می فهمد و می شناسد، و به آن ایمان می آورد، و از آن پیروی می کند، و دنبال رو آن می شود و به وسیله آن به رستگاری می رسد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةً وَ زَكَاةُ الْعِلْمِ أَنْ تُعَلِّمَهُ أَهْلَهُ

امام صادق علیه السلام فرمود: برای هر چیزی زکاتی است ، زکات دانش آموختن به اهلش می باشد.

عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ مَنْ عَمِلَ بِمَا عَلِمَ كُفِيَ مَا لَا يَعْلَمُ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که به دانسته هایش عمل کند، از آنچه نمی داند او را کفایت است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام مَنْ يُصَدِّقُ فِعْلَهُ قَوْلُهُ فَهُوَ الرَّجُلُ النَّامُ وَمَنْ لَمْ يُصَدِّقْ قَوْلَهُ فِعْلُهُ فَإِنَّمَا يُوبِخُ نَفْسَهُ

امام صادق علیه السلام از قول امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: کسی که گفتار و عملش یکی باشد او مردی کامل است ، و کسی که قول و عملش یکسان نباشد فقط خود را ملامت کند.

عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ الْعِلْمُ مَقْرُونٌ إِلَى الْعَمَلِ فَمَنْ عَمِلَ عَمِلَ وَمَنْ عَمِلَ عَمِلَ وَالْعِلْمُ يَهْتَفُ بِالْعَمَلِ فَمَنْ أَجَابَهُ وَإِلَّا ارْتَحَلَ عَنْهُ

امام صادق علیه السلام فرمود: علم با عمل همدوش است ، هر که بداند عمل می کند و هر که عمل کند می داند، علم عمل را صدا می زند، اگر پاسخش گوید بماند و گر نه کوچ کند.

خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْمَنْبَرِ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ ااعْمَلُوا إِذَا عَلِمْتُمْ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ إِنَّ الْعَالِمَ الْعَامِلَ بغيرِهِ كَالْجَاهِلِ الْحَائِرِ الَّذِي لَا يَسْتَفِيقُ عَنْ جَهْلِهِ بَلْ قَدْ

رَأَيْتُ أَنَّ الْحُجَّةَ أَعْظَمُ وَالْحَسْرَةَ أَدْوَمُ عَلَى هَذَا الْعَالِمِ الْمُنْسَلِخِ مِنْ عَمَلِهِ مِنْهَا عَلَى
 هَذَا الْجَاهِلِ الْمُتَحَيِّرِ فِي جَهْلِهِ وَكِلَاهُمَا حَائِرٌ بَائِرٌ ضَالٌّ مُتَّبِعٌ لِمَا تَرْتَابُوا فَتَشْكُوا وَ
 لَا تَشْكُوا فَتَكْفُرُوا وَلَا تُرْخِصُوا لِأَنْفُسِكُمْ فَتُدَاهِنُوا فِي الْحَقِّ فَتَخْسَرُوا وَإِنْ مِنْ
 الْحَقِّ أَنْ تَفْقَهُوا وَإِنْ مِنْ الْفِقْهِ أَنْ لَا تَعْتَرُوا وَإِنْ أَنْصَحَكُمْ لِنَفْسِهِ أَطُوعَكُمْ لِرَبِّهِ وَ
 أَغَشَّكُمْ لِنَفْسِهِ أَعْصَاكُمْ لِرَبِّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ يَأْمَنْ بِهِ وَيَسْتَبْشِرُ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ
 يَخِيبُ وَيَنْدَمُ

امیر مؤمنان علیه السلام بر منبر سخنرانی فرمود: ای مردم! چون دانا شدید به
 علمتان عمل کنید؛ شاید هدایت شوید، عالمی که بر خلاف علمش عمل کند
 چون جاهل سرگردانی است که از نادانی به هوش نیاید، بلکه خواهی دید که
 حجت بر او تمامتر و حسرت این عالمی که از علم خویش جدا شده بیشتر است
 از حسرت جاهل سرگردان در جهالت، و هر دو سرگردان و خوابند، هر دو بی
 هدف و گم گشته و در خسرانند، تردید و دودلی به خود راه ندهید تا به شک
 افتید، و شک نکنید تا کافر شوید، و به خود اجازه ندهید تا در راه حق گول
 بخورید، سپس زیانکار شوید، زیرا از جمله حق این است که دین را بفهمد، و از
 فهمیدن است که مغرور نشوید، خیرخواه ترین شما نسبت به خود مطیع ترین
 شما نسبت به خداست، و خائن ترین شما با خود نافرمانترین شماست از خدا،
 کسی که اطاعت خدا کند ایمن گردد و مزده یابد، و آنکه نافرمانی خدا کند نومید
 گردد و پشیمان شود.

عَنْهُ علیه السلام فِي كَلَامٍ لَهُ لَا تَطْلُبُوا الْعِلْمَ لِتَطْلُبُوا بِهِ الدُّنْيَا فَإِنَّهُ لَا يَسْتَوِي فِي الْعُقُوبَةِ
 عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

امیر المؤمنان علیه السلام ضمن سخنانی طولانی فرمود: علم را فرا نگیرید تا با آن طلب دنیا کنید، زیرا از نظر عقاب نزد خدا مساوی نیستند (کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند).

عَنْهُ علیه السلام قَالَ مَنْ كَانَ يَقُولُ فِي مَا لَا يَعْلَمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ فَهَذَا وَرِعٌ عَالِمٌ
 عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ طَلَبَةُ الْعِلْمِ ثَلَاثَةٌ فَأَعْرِفُوهُمْ بِأَعْيَانِهِمْ وَصِفَاتِهِمْ صِنْفٌ
 يَطْلُبُهُ لِلْجَهْلِ وَالْمِرَاءِ وَصِنْفٌ يَطْلُبُهُ لِلْإِسْطِطَالَةِ وَالْخَتْلِ وَصِنْفٌ يَطْلُبُهُ لِلْفَقْهِ وَالْ
 الْعَقْلِ فَصَاحِبُ الْجَهْلِ وَالْمِرَاءِ مُؤَذِّمٌ مُتَعَرِّضٌ لِلْمَقَالِ فِي أُنْدِيَةِ الرَّجَالِ بِتَذَاكُرِ
 الْعِلْمِ وَصِفَةِ الْحِلْمِ قَدْ تَسْرَبَلَ بِالْخُشُوعِ وَتَخَلَّى مِنَ الْوَرَعِ فَدَقَّ اللَّهُ خَيْشُومَهُ وَ
 قَطَعَ مِنْهُ حَيْزُومَهُ وَصَاحِبُ الْإِسْطِطَالَةِ وَالْخَتْلِ ذُو خِبٍّ وَ مَلَقٍ يَسْتَطِيلُ عَلَى مِثْلِهِ
 مِنْ أَشْبَاهِهِ وَ يَتَوَاضَعُ لِلْأَغْنِيَاءِ مِمَّنْ هُوَ دُونَهُ فَهُوَ لِحَلَاوَتِهِمْ هَاضِمٌ وَ لِدِينِهِ حَاطِمٌ
 فَأَعْمَى اللَّهُ عَلَى هَذَا بَصَرَهُ وَ قَطَعَ مِنْ آثَارِ الْعُلَمَاءِ أَثَرَهُ وَ صَاحِبُ الْفَقْهِ وَالْعَقْلِ ذُو
 كَاتِبَةٍ وَ حَزَنٍ وَ سَهَرٍ قَدْ انْحَنَى فِي بُرْنِسِهِ وَ قَامَ اللَّيْلَ فِي حِنْدِسِهِ يَعْمَلُ وَ يَخْشَى
 وَ جَلًّا دَاعِيًّا مُشْفِقًا مُقْبِلًا عَلَى شَانِهِ عَارِفًا بِأَهْلِ زَمَانِهِ مُسْتَوْحِشًا مِنْ أَوْثَقِ إِخْوَانِهِ
 فَشَدَّ اللَّهُ مِنْ هَذَا أَرْكَانَهُ وَ أَعْطَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمَانَهُ

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: هر که در مورد چیزی که نمی دانند، بگوید: خدا و رسولش داناترند؛ این عالمی پرهیزگار است. امام صادق علیه السلام فرمود:
 دانشجویان سه دسته اند؛ آنان را با نشانه ها و صفاتشان بشناسید:

دسته ای دانش را برای حربه نادانی و جدال می جویند، و دسته ای برای برتری جستن و فریفتن آن را می آموزند، و دسته ای برای خودورزیدن و فهمیدن یاد گیرند، یار نادانی و ستیزه ، مردم آزار و ستیزه گر است ، و در مجالس مردان به سخنگویی متوسل می شود، از علم یاد می کند و حلم را می

ستاید، به فروتنی تظاهر می کند ولی از پرهیزگاری تهی است ، خدا بینیش را کوبیده و کمرش را جدا کرده .

و یار برتری جستن و فریفتن ، نیرنگ باز و چاپلوس است ، و بر همگان خود گردن فرازی کند، و برای ثروتمندان پست تر از خود کوچکی نماید، شیرینیهای آنان را بخورد و دین خود را بشکند، بنا بر این خدا چشمش را کور گردانیده و اثرش را از میان آثار علماء قطع نمود.

و یار فهم و خرد افسرده و غمگین و شب زنده دار است ، تحت الحنک خویش انداخته و در تاریکی شب بیا ایستاده است ، ترسان و خواهان و هراسان عمل کند، به خود مشغول و مردم زمانش را خوب می شناسد، و از مطمئن ترین برادرانش دهشتناک است ، از این جهت خداوند پایه های وجودش را محکم خواهد کرد و روز قیامت او را امان خواهد داد.

عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ أَرَادَ الْحَدِيثَ لِمَنْفَعَةِ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ وَمَنْ أَرَادَ بِهِ خَيْرَ الْآخِرَةِ أَعْطَاهُ اللَّهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

امام صادق عليه السلام فرمود: هر که حدیث را برای سود دنیا بخواند برای او در آخرت بهره ای نخواهد بود، و هر که آن را برای خیر آخرت جوید خداوند خیر دنیا و آخرت را به او عطا فرماید.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَنْ أَخَذَ عَلَيَّ هَذَا الْعِلْمِ مَالًا أَوْ هَدَايَا فَلَا يَنْفَعُهُ أَبَدًا

امام سجاد علیه السلام فرمود: هر کس در قبال این علم پول یا هدیه ای بگیرد هرگز آن علم به او نفعی نرساند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ إِذَا رَأَيْتُمُ الْعَالِمَ مُحِبًّا لِلدُّنْيَا فَاتَّهَمُوهُ عَلَى دِينِكُمْ فَإِنَّ كُلَّ مُحِبِّ شَيْءٍ يَحُوطُ مَا أَحَبَّ وَقَالَ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ دَاوُدَ لَا تَجْعَلْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ عَالِمًا مَفْتُونًا بِالدُّنْيَا فَيُضِدَّكَ عَنْ طَرِيقِ مَحَبَّتِي فَأُولَئِكَ قُطَاعُ طَرِيقِ عِبَادِي الْمُرِيدِينَ إِنْ أَدْنَى مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ حَلَاوَةَ مُنَاجَاتِي مِنْ قُلُوبِهِمْ

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر دیدید عالم دنیا را دوست دارد نسبت به دینتان متهمش گردانید، زیرا دوست هر چیزی اسیر محبت آن است، و فرمود: خدا به داود علیه السلام وحی فرمود که: میان من و خودت عالم فریفته به دنیا را واسطه قرار مده، که راه دوستی مرا به تو ببندد، زیرا که آنان راهزنان بندگان پوینده من هستند و کمترین کاری که من با آنان می نمایم این است که شیرینی مناجاتم را از دلشان برکنم.

عَنْهُ علیه السلام إِنْ أَبَاهُ كَانَ يَقُولُ مَنْ دَخَلَ عَلَى إِمَامٍ جَائِرٍ فَقَرَأَ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ يُرِيدُ بِذَلِكَ عَرَضًا مِنْ عَرَضِ الدُّنْيَا لَعْنِ الْقَارِئِ بِكُلِّ حَرْفٍ عَشْرَ لَعَنَاتٍ وَلَعْنِ الْمُسْتَمِعِ بِكُلِّ حَرْفٍ لَعْنَةً

امام صادق علیه السلام فرمود: پدر بزرگوارش می فرمود: هر کس بر حاکم ظالمی وارد شود و بر او قرآن قرائت کند تا به این واسطه به مالی از اموال دنیا برسد، به تعداد هر حرف که می خواند ده مرتبه مورد لعن قرار می گیرد، و به هر شنونده ای در قبال هر حرفی یک لعن می شود.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا أَحَدٌ يَمُوتُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَحَبَّ إِلَيَّ إِلَّا يَلِيْسَ مِنْ مَوْتِ فَقِيهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: مرگ هیچ کس از مؤمنین نزد شیطان محبوبتر از مرگ عالم نیست .

عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْهُومانِ لَا يَشْبَعَانِ طَالِبُ الْمَالِ وَطَالِبُ الْعِلْمِ مَنْ اقْتَصَرَ عَلَى الدُّنْيَا عَلَى مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَهُ سَلِمَ وَمَنْ تَنَاوَلَهَا مِنْ غَيْرِ حِلِّهَا هَلَكَ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ وَيَرْجِعَ وَمَنْ أَخَذَ الْعِلْمَ عَنْ أَهْلِهِ وَعَمِلَ بِهَا نَجَا وَمَنْ أَرَادَ بِهِ الدُّنْيَا فَهِيَ حِطُّهُ وَالْعُلَمَاءُ رَجُلَانِ رَجُلٌ أَخَذَ بِلَعْمِهِ فَهَذَا نَاجٍ وَعَالِمٌ تَارِكٌ لِعِلْمِهِ فَهَذَا هَالِكٌ وَإِنَّ أَهْلَ النَّارِ لَيَتَأَذُونَ مِنْ رِيحِ الْعَالِمِ التَّارِكِ لِعِلْمِهِ وَإِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ نَدَامَةً وَحَسْرَةً رَجُلٌ دَعَا عَبْدًا إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَاسْتَجَابَ لَهُ فَأَطَاعَ اللَّهَ فَأَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَأَدْخَلَ الدَّاعِيَ النَّارَ بَتَرَكَ عَمَلِهِ وَاتَّبَاعِهِ هَوَاهُ إِنَّمَا هُمَا اثْنَانِ اتَّبَاعُ الْهَوَى وَطُولُ الْأَمَلِ أَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَطُولُ الْأَمَلِ يُنْسِي الْأَخِرَةَ

امام صادق عليه السلام از قول پدرش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کند که فرمود: دو آزمند هرگز سیر نشوند: طالب مال و طالب علم ، کسی که از دنیا به آنچه خدا برایش حلال کرده اکتفا کند سالم ماند، و کسی که دنیا را از راه غیر حلالش بدست آورد هلاک گردد، مگر اینکه توبه کند و بازگشت نماید، و کسی که علم را از اهلش آموخته و به آن عمل نماید نجات یابد، و کسی که منظورش از طلب علم مال دنیا باشد بهره اش همانست .

امیر المؤمنان عليه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرمود: علماء بر دو قسمند: عالمی که به علم خود عمل نموده او رستگار است ، و دانشمندی که علمش را کنار گذاشته و این هلاک شونده است ، و دوزخیان از بوی گند عالم بی عمل در

اذیتند، و پشیمان ترین و با حسرت ترین مردم کسی است که بنده ای را به سوی خدا خوانده و او اجابت نموده و اطاعت خدا کرده و خدا به بهشتش برده است، و خود دعوت کننده را به سبب عمل نکردن و پیروی از هوس به دوزخ در آورده .

من از دو چیز در مورد شما می ترسم : پیروی از هوای نفس و آرزوی دراز؛ اما پیروی از هوای نفس از حق جلوگیری می کند، و درازی آرزو آخرت را از یاد می برد.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا تُعْطِ سِلَاحَكَ الْفَاجِرَ فَيُضِلَّكَ

امام صادق علیه السلام فرمود: سلاحت را به شخص بدکار مده ، زیرا تو را گمراه سازد.

عَنْ جَابِرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ فَهَاءَ الْكُوفِيِّينَ يَقُولُونَ إِنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جِيءَ بِعَبْدٍ مُلْجَمٍ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَا عَبْدِي مَا حَمَلَكَ عَلَى أَنْ كَتَمْتَ عِلْمًا عَلَّمْتُكَ فَيَقُولُ يَا رَبِّ خِفْتُ عِبَادَكَ فَيَقُولُ أَنَا كُنْتُ أَحَقَّ أَنْ تَخَافَنِي فَيَوْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَذَبَ وَاللَّهِ فَهَاءُ الْكُوفِيِّينَ أَمَا وَاللَّهِ لَوْ كَانَ ذَلِكَ حَقًّا مَا أَتَنَى اللَّهُ عَلَى مُؤْمِنٍ آلِ فِرْعَوْنَ فِي الْكِتَابِ وَقَدْ كَتَمَ إِيمَانَهُ سِتِّمَاتَةَ سَنَةٍ وَهُوَ خَازِنُ فِرْعَوْنَ

جابر گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم : فقیهان کوفه می گویند: زمانی که روز قیامت شود بنده ای را در حالی که لجامی از آتش به دهان دارد می آورند، خداوند عز و جل می فرماید: ای بنده من ! چه چیز تو را واداشت که دانشی را به تو آموختم کتمان نمودی ؟

عرض می کند: پروردگارا! از بندگانت ترسیدم ، خداوند می فرماید: من سزاوارتر بودم که از من بترسی ، سپس فرمان می دهد که او را در آتش اندازند.

امام باقر علیه السلام فرمود: بخدا قسم فقیهان کوفه دروغ گفته اند، بخدا قسم اگر این مطلب حقیقت داشت ، خداوند مؤمن آل فرعون را در کتابش ستایش نمی نمود در حالی که ششصد سال ایمانش را پنهان داشت ، زیرا او خزانه دار فرعون بود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَلَى الْعَالَمِ أَهْلُهُ الَّذِينَ هُمْ أَهْلُ دِينِهِ دُونَ النَّاسِ

امام صادق علیه السلام فرمود: که سخت ترین مردم بر عالم ، آن کسانی هستند که با او هم عقیده هستند نه سایر مردم .

الفصل التاسع في الحث على الكتابة و التکاتب و ما يليق به

(فصل نهم : در تشویق بر نوشتن و نامه نگاری)

عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ مَا يَمْنَعُكُمْ مِنَ الْكِتَابَةِ إِنَّكُمْ لَنْ تَحْفَظُوا حَتَّى تَكْتُبُوا إِنَّهُ خَرَجَ مِنْ عِنْدِي رَهْطٌ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ سَأَلُونِي عَنْ أَشْيَاءَ فَكَتَبْتُهَا

ابو بصیر گوید: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم ، حضرت فرمود: چه چیز شما را از نوشتن باز داشته ؟ شما هرگز بدون نوشتن چیزی را حفظ نخواهید کرد، گروهی از اهل بصره از من سؤ الهایی پرسیدند سپس آن را نوشتند و رفتند.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اخْتَفِظُوا بِكُتُبِكُمْ فَسَوْفَ تَحْتَاجُونَ إِلَيْهَا

امام صادق عليه السلام فرمود: نوشته های خود را نگهدارید، زیرا در آینده نزدیک به آن نیازمند خواهید شد.

عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِكَاتِبِ كِتَابِهِ أَنْ يَصْنَعَ هَذِهِ الدَّفَاتِرَ كَرَارِيسَ وَ قَالَ وَجَدْنَا كُتُبَ عَلِيِّ مُدْرَجَةً

امام باقر عليه السلام به کاتبش فرمود: این نوشته ها را به صورت صفحه صفحه جمع کند، و فرمود: ما نامه های علی عليه السلام را مرتب یافتیم .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَكْتُبُ وَ بُتَّ عِلْمَكَ فِي إِخْوَانِكَ فَإِنْ مِتَّ فَأُورِثُ كُتُبَكَ بَنِيكَ فَإِنَّهُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَرَجَ مَا يَأْنِسُونَ إِلَّا بِكُتُبِهِمْ

امام صادق عليه السلام فرمود: بنویس و علمت را در میان برادرانت منتشر ساز، اگر مرگت فرا رسید آنها را به پسرانت میراث ده ، زیرا برای مردم زمان فتنه و آشوب می رسد که در آن هنگام جز به کتابهایشان انس نگیرند.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْقَلْبُ يَتَّكِلُ عَلَى الْكِتَابَةِ

امام صادق عليه السلام فرمود: دل بر نوشته تکیه می کند.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَعْرَبُوا حَدِيثَنَا فَإِنَّا قَوْمٌ فَصَحَاءُ

امام صادق عليه السلام فرمود: حدیث ما را درست بخوانید، زیرا ما مردمی فصیح

هستیم .

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ التَّوَّاصِلُ بَيْنَ الْإِخْوَانِ فِي الْحَضَرِ التَّزَاوُرُ وَ فِي السَّفَرِ التَّكَاتُبُ
امام صادق عليه السلام فرمود: پیوند میان برادران دینی در حضور، دیدار و در سفر
به نامه نوشتن است .

عَنْ الْعِيصِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ التَّسْلِيمِ عَلَى أَهْلِ
الْكِتَابِ فِي الْكِتَابِ قَالَ تُكْتَبُ سَلَامٌ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى وَ فِي آخِرِهِ سَلَامٌ عَلَى
الْمُرْسَلِينَ . وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
عیص بن قاسم گوید: از امام صادق عليه السلام در باره سلام کردن بر اهل کتاب
در نامه پرسیدم ، فرمود: این طور نوشته می شود: سلام بر کسی که پیرو هدایت
است ، و در آخرتش نوشته شود: سلام بر مرسلین ، و حمد و ستایش مخصوص
پروردگار جهانیان است .

عَنْ ذَرِيحٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ التَّسْلِيمِ عَلَى الْيَهُودِيِّ وَ النَّصْرَانِيِّ وَ
الرَّدِّ عَلَيْهِمْ فِي الْكِتَابِ فَكَّرَهُ ذَلِكَ
ذریح گوید: از امام صادق عليه السلام در باره سلام کردن بر یهودی و نصرانی و
جواب سلام در نامه به آنان پرسیدم ، حضرت اظهار ناخشنودی کردند.

عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَا تَدْعُ كِتَابَةَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ فِي الْكِتَابِ وَ إِنْ كَانَ بَعْدَهُ شِعْرٌ
امام صادق عليه السلام فرمود: در نامه ؛ نوشتن (بسم الله الرحمن الرحيم) را
وامگذار، گرچه پس از آن شعری باشد.

عَنْ هَارُونَ مَوْلَى آلِ أَبِي جَعْدَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَكْتُبُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ أَجُودِ كِتَابَتِكَ وَلَا تَمُدُّ الْبَاءَ حَتَّى تَرْفَعَ السَّيْنَ
 امام صادق عليه السلام فرمود: (بسم الله الرحمن الرحيم) را با بهترین خط خود بنویس ، و باء را نکش تا سین کشیده شود.

عَنْ الْحَسَنِ بْنِ السَّرِيِّ قَالَ لَا تَكْتُبُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لِفُلَانٍ وَلَا بِأَسْ أَنْ تَكْتُبَ لِفُلَانٍ عَلَى ظَهْرِ الْكِتَابِ
 امام صادق عليه السلام فرمود: ننویس (بسم الله الرحمن الرحيم) برای فلانی ، و اشکالی ندارد که پشت نامه بنویسی برای فلانی .

عَنْ ابْنِ حَكِيمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَا بِأَسَ بَائِتِدَاءِ الرَّجُلِ بِاسْمِ صَاحِبِهِ فِي الصَّحِيفَةِ قَبْلَ اسْمِهِ
 حضرت صادق عليه السلام فرمود: مانعی ندارد که شخصی در نامه اش اسم رقیفش را قبل از نام خود بنویسد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِذَا كَتَبَ أَحَدُكُمْ فِي حَاجَةٍ فَلْيَقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ آخِرَ بَنِي إِسْرَائِيلَ فَإِنَّهُ أَنْجَحُ لِلْحَاجَةِ
 امام صادق عليه السلام از قول پدران بزرگوارش از امیر المؤمنین عليه السلام نقل کرده که فرمود: هر گاه یکی از شما برای حاجتی نامه ای نوشت ، باید آیه الکرسی و آخر سوره بنی اسرائیل را بخواند، زیرا حاجتش زودتر بر آورده شود.

عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ أَمَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ بِكِتَابٍ فِي حَاجَةٍ لَهُ فَكُتِبَ ثُمَّ عُرِضَ عَلَيْهِ وَ لَمْ يَكُنْ فِيهِ اسْتِثْنَاءٌ فَقَالَ كَيْفَ رَجَوْتُمْ أَنْ يَتِمَّ هَذَا وَ لَيْسَ فِيهِ اسْتِثْنَاءٌ أَنْظَرُوا إِلَيَّ كُلَّ مَوْضِعٍ يَكُونُ فِيهِ اسْتِثْنَاءٌ فَاسْتَشْنُوا فِيهِ

مرازم گوید: امام صادق علیه السلام در مورد کاری امر فرمود تا نامه ای نوشته شود، آن نامه نوشته شد و به حضرت عرضه داشت، و در آن نامه (ان شاء الله) ننوشته بودند، حضرت فرمود:

چگونه امید دارید که این کار به پایان برسد، با اینکه (ان شاء الله) در آن نیست؟ بنگرید هر جا نیاز به (ان شاء الله) دارد بنویسید.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ قَالَ كَتَبَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام كِتَابًا فَأَرَادَ عَقِيبٌ أَنْ يُتْرَبَهُ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام لَا تُتْرَبُهُ فَلَعَنَ اللَّهُ أَوَّلَ مَنْ تَرَبَّ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَخْبِرْنِي عَنْ أَوَّلِ مَنْ تَرَبَّ فَقَالَ فُلَانُ الْأُمَوِيُّ عَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ

محمد بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام نامه ای نوشت، نامه رسان خواست که آن را مهر و موم کند، امام صادق علیه السلام فرمود: آن را مهر و موم نکن، خدا لعنت کند اولین کسی را که مهر و موم کرد، گفتم: ای پسر رسول خدا! به من بفرمایید اولین کس چه کسی بود؟

فرمود: فلان شخص اموی بود که لعنت خدا بر او باد.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَطِيَّةَ أَنَّهُ رَأَى كُتُبًا لِأَبِي الْحَسَنِ علیه السلام مُتْرَبَةً

علی بن عطیه نامه هایی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام دید که مهر گلی روی آن زده شده بود.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَدَّ جَوَابَ الْكِتَابِ وَاجِبٌ
كَوْجُوبِ رَدِّ السَّلَامِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: جواب نامه دادن همانند جواب سلام واجب است .

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْإِسْمِ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ يَمْحُوهُ الرَّجُلُ فَقَالَ يَمْحُوهُ
بِأَطْهَرِ مَا يَجِدُ

از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال شد از یکی از نامهای خداوند که انسان
بخواد آن را پاک کند، حضرت فرمود: آن را با پاکترین چیزی که به آن
دسترسی دارد پاک کند.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امْحُوا كِتَابَ اللَّهِ وَذِكْرَهُ بِأَطْهَرِ مَا تَجِدُونَ وَ
نَهَى رَسُولُ اللَّهِ أَنْ يُحْرَقَ كِتَابُ اللَّهِ وَنَهَى أَنْ يُمْحَى بِالْأَقْلَامِ

حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کردند که فرمود: کلمات قرآن و
نام خدا را با پاکترین چیزی که به دستتان برسد پاک کنید، و از سوزاندن و محو
قرآن با قلم نهی فرمود.

فِي إِسْنَادِ الْحَدِيثِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اذْكُرُوا
الْحَدِيثَ بِإِسْنَادِهِ فَإِنْ كَانَ حَقًّا كُنْتُمْ شُرَكَاءُ فِيهِ فِي الْآخِرَةِ وَإِنْ كَانَ بَاطِلًا فَإِنَّ الْوِزَرَ
عَلَى صَاحِبِهِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل کرده که فرمود: حدیث را با
اسنادش بیان کنید، اگر آن نسبت حق باشد در آخرت شریک آن خواهید بود، و
اگر باطل باشد گناه آن بر گردن نسبت دهنده خواهد بود.

فصل دهم : در گفتار و کردار نیک

الفصل العاشر فی قول الخیر و فعله

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُولُوا الْخَيْرَ تَعْرِفُوا بِهِ وَاعْمَلُوا
الْخَيْرَ تَكُونُوا مِنْ أَهْلِهِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل کرده که فرمود: سخن خیر گویند
تا بدان معروف شوید، و کار خیر کنید تا اهل خیر شوید.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ لَيْسَ
كُلُّ كَلَامٍ الْحَكِيمِ أَتَقَبَّلُ وَ لَكِنْ أَتَقَبَّلُ هَوَاهُ وَ هَمُّهُ فَمَنْ كَانَ هَوَاهُ وَ هَمُّهُ لِي جَعَلْتُ
سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ عِبَادَةً وَ ذِكْرًا لِي وَ إِنْ لَمْ يَتَكَلَّمْ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از قول خداوند عز و جل نقل کرده که
فرمود: چنین نیست که هر کلام حکیمی را بپذیرم ، ولی توجه و اراده اش را می
پذیرم ، هر کس توجه و اراده اش برای من بود، شنیده ها و دیده های او را
عبادت برای خودم قرار می دهم ، گرچه سخنی نگفته باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ فِيمَا نَاجَانِي رَبِّي أَنَّهُ قَالَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ آذَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ
أَرُصَدَ لِي بِالْمُحَارَبَةِ وَ مَنْ حَارَبَنِي حَارَبْتُهُ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: پروردگارم در یکی از مناجاتهایش با من فرمود:
ای محمد! هر کس یکی از دوستان مرا اذیت کند به حقیقت به جنگ با من کمین
کرده است ، و هر که با من بجنگد با او خواهم جنگید.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا رَبِّ مَنْ أَهْلَكَ الَّذِينَ تَظْلَهُمْ فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ قَالَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ الطَّاهِرَةَ قُلُوبُهُمْ وَالْبَرِيَّةُ أَيْدِيهِمْ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ ذَا الْجَلَالِ إِذَا ذَكَرُوا وَهُمْ الَّذِينَ يَكْتَفُونَ بِطَاعَتِي كَمَا يَكْتَفِي الصَّبِيُّ الصَّغِيرُ بِاللَّبَنِ وَالَّذِينَ يَأْوُونَ إِلَيَّ مَسَاجِدِي كَمَا تَأْوِي النُّسُورُ إِلَيَّ أَوْكَارِهَا وَالَّذِينَ يَعْضُبُونَ لِمَحَارِمِي إِذَا اسْتُحِلَّتْ مِثْلَ التَّمْرِ إِذَا حَرِدَ

امام صادق عليه السلام به نقل از پدرش از جدش علی بن الحسین عليه السلام فرمود: موسی بن عمران عليه السلام عرض کرد: پروردگارا! اولیای تو چه کسانی هستند که عرشت بر آنان سایه افکنده است روزی که هیچ سایه ای جز سایه ات نیست؟ خداوند به او وحی کرد: آنان کسانیند که قلبهائی پاک و دستانی تهی دارند، کسانیند که هر گاه متذکر شوند ذکر خدا گویند، و آنها کسانیند که به بندگی من دلخوشند همان طور که بچه کوچک به شیر مادر دل بسته است، و کسانیند که به مساجد من پناه می آورند همان طور که بازهای شکاری به لانه هایشان پناه می برند، و کسانیند که هر گاه حرام من حلال شود غضبناک شوند، مانند پلنگی که خشمناک شود.

فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ وَغَيْرِهِ عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَتَى رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ عَلَّمَنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ عَلَيْكَ بِالْيَأْسِ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ فَإِنَّهُ الْغِنَى الْحَاضِرُ قَالَ زِدْنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنْ يَكُ خَيْرًا وَرُشْدًا فَاتَّبِعْهُ وَإِنْ يَكُ غَيًّا فَدَعْهُ

امام باقر عليه السلام فرمود: مردی خدمت رسول خدا صلى الله عليه وآله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! مرا بیاموز، فرمود: از آنچه در دست مردم می بینی ناامید باش، زیرا

این کار بی نیازی فعلی است ، عرض کرد: ای رسول خدا! بیافزای بر من ، فرمود: هر گاه قصد کاری کردی به آینده آن بیاندهش ، اگر خیر و هدایت بود آن را انجام بده ، و اگر گمراهی و ضلالت بود آن را رها کن .

عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرِ قَالَ خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْكُوفَةِ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ مَا الرَّقُوبُ فِيكُمْ فَقَالُوا الرَّجُلُ يَمُوتُ وَ لَمْ يَتْرُكْ وَ لَدَا فَقَالَ بَلِ الرَّقُوبُ حَقٌّ الرَّقُوبُ رَجُلٌ مَاتَ وَ لَمْ يُقَدِّمْ مِنْ وَ لَدِهِ أَحَدًا يَحْتَسِبُهُ عِنْدَ اللَّهِ وَ إِنْ كَانُوا كَثِيرًا مِنْ بَعْدِهِ ثُمَّ قَالَ مَا الصُّعْلُوكُ فِيكُمْ فَقَالُوا الرَّجُلُ الَّذِي لَا مَالَ لَهُ قَالَ بَلِ الصُّعْلُوكُ مَنْ لَمْ يُقَدِّمْ مِنْ مَالِهِ شَيْئًا عِنْدَ اللَّهِ وَ إِنْ كَانَ كَثِيرًا مِنْ بَعْدِهِ ثُمَّ قَالَ مَا الصَّرَعَةُ فِيكُمْ قَالُوا الشَّدِيدُ الْقَوِيُّ الَّذِي لَا يُوَضَعُ جَنْبُهُ فَقَالَ بَلِ الصَّرَعَةُ حَقٌّ الصَّرَعَةُ رَجُلٌ وَ كَزَ الشَّيْطَانُ فِي قَلْبِهِ فَاشْتَدَّ غَضَبُهُ وَ ظَهَرَ دَمُهُ ثُمَّ ذَكَرَ اللَّهُ فَصَرَخَ بِحِلْمِهِ غَضَبَهُ

امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ در کوفه ضمن خطبه ای فرمود: ای مردم! بی وارث در

بین شما کیست ؟

گفتند: آنکه بمیرد و فرزندی به یادگار نگذارد، فرمود: بی وارث حقیقی کسی است که بمیرد و فرزندی پیش نفرستاده باشد که مصیبتش را به حساب خدا گذارد، هر چند فرزندانش زیاد باشند، سپس پرسید: در بین شما بینوا کیست ؟ گفتند: آنکه مالی ندارد، فرمود: بینوای واقعی آن است که مالی پیش نفرستاده باشد که به حساب خدا گذارد، گرچه ثروت کلانی از خود بگذارد، سپس فرمود: بنظر شما در بین شما قهرمان کشتی کیست ؟ گفتند: پهلوانی که هیچ کس نتواند به خاکش افکند، فرمود: قهرمان واقعی آن است که شیطان به قلبش مشت بکوبد تا سخت خشمگین شود و خودش بجوش آید، آنگاه خدا را یاد کرده ، با نیروی حلم ، غضبش را به خاک افکند.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمَّا حَضَرَتِ النَّبِيَّ الْوَفَاةُ نَزَلَ جَبْرَائِيلُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ لَكَ فِي الرَّجُوعِ فِي الدُّنْيَا قَالَ لَا قَدْ بَلَغَتْ رِسَالَاتِي فَأَعَادَهَا عَلَيْهِ قَالَ لَا بَلِ الرَّفِيعُ الْأَعْلَى ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ وَالْمُسْلِمُونَ حَوْلَهُ مُجْتَمِعُونَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَلَا سُنَّةَ بَعْدَ سُنَّتِي فَمَنْ ادَّعَى ذَلِكَ فَدَعَاؤُهُ وَبِدْعَتُهُ فِي النَّارِ فَاقْتُلُوهُ وَمَنْ اتَّبَعَهُ فَإِنَّهُ فِي النَّارِ أَيُّهَا النَّاسُ أَحْيُوا الْفِصَاصَ وَأَحْيُوا الْحَقَّ لِصَاحِبِ الْحَقِّ وَلَا تَفَرَّقُوا أَسْلِمُوا وَسَلِّمُوا تَسْلَمُوا كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هنگام وفات پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که فرا رسید، جبرئیل نازل شد و گفت: ای رسول خدا! آیا می خواهی به دنیا باز گردی؟ فرمود: نه، من رسالاتم را انجام دادم، جبرئیل بار دوم تکرار کرد، حضرت فرمود: نه، فقط خدا را می خواهم، سپس در حالی که مردم اطرافش جمع بودند فرمود: ای مردم! بعد از من نه پیامبری خواهد آمد و نه دینی، هر کس این را ادعا کند ادعا و بدعتش در آتش است، او را بکشید، و هر کس از او پیروی کند جایش جهنم است، ای مردم! قصاص را زنده بدارید، و حق را برای صاحبش زنده کنید و متفرق نشوید، اسلام آورید و تسلیم شوید تا سالم بمانید، (خداوند مقرر داشته که من و پیامبرانم پیروز گردیم، بی گمان خداوند نیرومند و پیروز است).

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ وَالْإِحْتِهَادِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَحُسْنِ الصَّحَابَةِ لِمَنْ صَحِبَكُمْ وَطُولِ السُّجُودِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ سُنَنِ الْأَوَّلِينَ وَقَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ الْأَوَّلُونَ هُمُ التَّوَابُونَ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به ابو بصیر فرمود: ای ابا محمد! همواره پارسا باشید، و در عبادت بکوشید، و راستگوئی، و ردّ امانت به صاحبش، و سجده های طولانی

را پیشه خود سازید، زیرا اینها از روشهای پسندیده پیشینیان است، ابو بصیر گفت: شنیدم که امام می فرمود: بازگشت کنندگان مکرر بسوی خدا همان توبه کنندگانند.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زَيْدٍ قَالَ سَلَّمْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِنَى ثُمَّ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّا قَوْمٌ مُجْتَازُونَ لَسْنَا نَطِيقُ هَذَا الْمَجْلِسَ مِنْكَ كُلَّمَا أَرَدْنَاهُ وَ لَا نَقْدِرُ عَلَيْهِ فَأَوْصِنَا قَالَ أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ حُسْنِ الصَّحَابَةِ لِمَنْ صَاحَبَكُمْ وَ إِفْشَاءِ السَّلَامِ وَ إِطْعَامِ الطَّعَامِ صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ عُدُّوا مَرْضَاهُمْ وَ اتَّبِعُوا جَنَائِزَهُمْ فَإِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي أَنَّ شِيعَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ كَانُوا خِيَارَ مَنْ كَانُوا مِنْهُمْ إِنْ كَانَ فَفِيهِ كَانَ مِنْهُمْ وَ إِنْ كَانَ مُؤَدَّنٌ كَانَ مِنْهُمْ وَ إِنْ كَانَ إِمَامٌ كَانَ مِنْهُمْ وَ إِنْ كَانَ كَافِلٌ يَتِيمٌ كَانَ مِنْهُمْ وَ إِنْ كَانَ صَاحِبُ أَمَانَةٍ كَانَ مِنْهُمْ وَ إِنْ كَانَ صَاحِبٌ وَدِيعَةٍ كَانَ مِنْهُمْ فَكَذَلِكَ فَكُونُوا حَبِيبُونَ إِلَى النَّاسِ وَ لَا تُبَغِّضُونَا إِلَيْهِمْ

عبد الله بن زیاد گوید: در منی بر امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ سلام کردیم، سپس پرسیدم: ای پسر رسول خدا! ما گروهی عبورکننده ایم، هر چه خواستیم نتوانستیم با شما همنشین شویم، و موفق به این کار نشدیم، ما را وصیتی کن، فرمود: شما را به پرهیز الهی، و راستی در گفتار، و اداء امانت، و خوشرفتاری با رفیقان، و بلند سلام کردن، و غذا دادن به فقیران سفارش می کنم، در مسجدهایشان نماز بخوانید، مریضهای آنان را عیادت کنید، جنازه هایشان را تشییع کنید، پدرم به من می فرمود: شیعیان ما اهل بیت بهترین کسان در بین موجودین خودشان بودند، اگر فقیهی بود از شیعیان بود، و اگر مؤذنی بود از بین آنان بود، و اگر امام و رهبری بود از بین آنان بود، و اگر سرپرستی کننده یتیمی

بود از بین آنان بود، و اگر امانتداری بود از آنان بود، و اگر ودیعه گذاری بود از آنان بود، اینک این چنین باشید، ما را نزد مردم محبوب گردانید، نه اینکه ما را نزد آنان مبعوض نمایید.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَا تَحَبَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُهُ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَيَتَحَبَّبُ إِلَيَّ بِالنَّافِلَةِ حَتَّى أُحِبَّهُ فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَلِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَ يَدَهُ الَّتِي أُعْطِيَتْهُ بِهَا وَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدِي فِي مَوْتِ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ أَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ

امام صادق عليه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که خداوند تبارک و تعالی فرمود: بنده من با چیزی محبوبتر از انجام آنچه بر او واجب کرده ام به دوستی من گرایش پیدا نکند، ولی او به وسیله خواندن نمازهای مستحبی به دوستی من می گراید تا او را دوست بدارم ، من هر گاه او را دوست داشته باشم گوش او می شوم که با آن می شنود، و چشم او می شوم که با آن می بیند، زبان او می شوم که با آن سخن می گوید، و دست او می شوم که با آن می بخشد، و مردد نمی شوم در چیزی که انجام دهنده اش می باشم مانند ترددم در مرگ مؤمن ، او از مرگ بدش می آید و من از ناراحتی او ناخشنودم .

عَنْ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحِبُّ الْمُدَاعِبَ فِي الْجَمَاعَةِ فَلَا رَفْتَ لِلْمُتَوَحِّدِ بِالْفِكْرَةِ الْمُتَحَلِّيِ بِالْعِبْرَةِ السَّاهِرِ بِالصَّلَاةِ

امام باقر عليه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی کسی را که در بین جماعت شوخی و خوشمزگی کند بدون ناسزاگویی دوستش دارد، کسی که در حالت

تنهایی در حال تفکر است ، آنکه خودش را به زیور عبرت آراسته ، و کسی که شب زنده دار به نماز است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَرْبَعٌ مَنْ أَتَى بِوَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ دَخَلَ الْجَنَّةَ مَنْ سَقَى هَامَةً أَوْ أَشْبَعَ كَبِدًا جَائِعَةً أَوْ كَسَا جِلْدَةً عَارِيَةً أَوْ أَعْتَقَ رَقَبَةً عَانِيَةً وَالْعَانِي الْأَسِيرُ
امام صادق عليه السلام فرمود: چهار چیز است که اگر کسی یکی از آنها را انجام دهد وارد بهشت شود: کسی که تشنه ای را سیراب کند، یا دل گرسنه ای را سیر کند، یا بدن عریانی را بپوشاند، یا بنده اسیری را آزاد کند.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَحْسَنَ وَضُوءَهُ وَأَحْسَنَ صَلَاتَهُ وَأَدَّى زَكَاةَ مَالِهِ وَكَفَّ غَضَبَهُ وَسَجَنَ لِسَانَهُ وَاسْتَغْفَرَ لِذَنْبِهِ وَأَدَّى النَّصِيحَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ حَقَائِقَ الْإِيمَانِ وَأَبْوَابُ الْجَنَّةِ مُفْتَحَةٌ لَهُ
امام صادق عليه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرمود که : هر کس وضوی کامل بگیرد و خوب نماز بخواند و زکات مالش را پردازد و خشمش را فرو خورد و زبانش را نگهدارد و از گناهش توبه کند، و وظیفه خیر خواهی اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله را انجام دهد، حقایق ایمان را کامل نموده است ، و درهای بهشت به رویش باز است .

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ اللَّهُ أَكْرَمُ مَنْ أَنْ يُكَلَّفَ الْعِبَادَ مَا لَا يُطِيقُونَ وَاللَّهُ أَعَزُّ مَنْ أَنْ يَكُونَ فِي سُلْطَانِهِ مَا لَا يُرِيدُ

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند بزرگوارتر از آن است که مردم را به آنچه توانائیش را ندارند تکلیف کند، و خداوند نیرومندتر از آن است که در حوزه فرمانروائی او چیزی باشد که آن را اراده نکرده باشد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَنِيَّةُ الْفَاجِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ وَكُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَى نِيَّتِهِ
امام صادق علیه السلام از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کند که فرمود: نیت مؤمن از عملش بهتر است، و نیت فاجر از عملش بدتر است، و هر کس طبق نیتش پاداش می گیرد.

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ وَ يُونُسَ قَالَا سَأَلْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ أَوْ قُوَّةٍ فِي الْأَبْدَانِ أَمْ قُوَّةٍ فِي الْقُلُوبِ قَالَ فِيهِمَا جَمِيعاً
اسحاق بن عمار و یونس گفته اند: از امام صادق علیه السلام پرسیدیم در مورد قول خدای عز و جل (آنچه را به شما دادیم با توان بگیرید) آیا مراد قوت در بدنهاست یا قوت در دلها؟ فرمود: در هر دوی آنهاست .

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُحْشَرُ النَّاسُ عَلَى نِيَّاتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
امام باقر علیه السلام فرمود: مردم در روز قیامت بر طبق نیتهایشان محشور می شوند.

فصل یازدهم : در خصلتهای عددی و آنچه در این مورد است

الفصل الحادی عشر فی الخصال المعدودة و ما یلیق بها
قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ تَكْفُفُ لِسَانَكَ وَ تَبْكِي عَلَى خَطِيئَتِكَ وَ
وَسِعَكَ بَيْتُكَ

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: سه چیز نجات دهنده است : زبانت را نگهداری ،
بر خطایت گریه کنی ، خانه بزرگی داشته باشی .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ ثَلَاثٌ دَرَجَاتٌ وَ ثَلَاثٌ كَفَّارَاتٌ وَ ثَلَاثٌ مُؤَبِّقَاتٌ وَ ثَلَاثٌ
مُنْجِيَاتٌ فَأَمَّا الدَّرَجَاتُ فَأِفْشَاءُ السَّلَامِ وَ إِطْعَامُ الطَّعَامِ وَ الصَّلَاةُ وَ النَّاسُ نِيَامٌ وَ أَمَّا
الْكَفَّارَاتُ فَأِسْبَاغُ الوُضوءِ فِي السَّبْرَاتِ وَ الْمَشْيُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَى الصَّلَوَاتِ وَ
الْمُحَافَظَةُ عَلَى الْجَمَاعَاتِ وَ أَمَّا الثَّلَاثُ الْمُؤَبِّقَاتُ فَشَحُّ مُطَاعٌ وَ هَوَى مُتَّبَعٌ وَ
إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ وَ أَمَّا الثَّلَاثُ الْمُنْجِيَاتُ فَخَوْفُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي السِّرِّ وَ
الْعَلَانِيَةِ وَ الْقَصْدُ فِي الْغِنَى وَ الْفَقْرِ وَ كَلِمَةُ الْعَدْلِ فِي الرِّضَا وَ السَّخَطِ

امام باقر علیه السلام فرمود: سه چیز درجه انسان را بالا می برد، و سه چیز موجب
کفاره گناه ، و سه چیز کشنده است ، و سه چیز نجات بخش .

اما درجات : بلند سلام کردن ، و غذا دادن ، و در دل شب که مردم در
خوابند نماز خواندن است ، و اما کفاره ها: در هوای سرد وضوی کامل گرفتن ،
و برای ادای نمازهای شبانه روزی گام برداشتن ، و بر نماز جماعت مواظبت
نمودن ، و اما آن سه که کشنده است : بخلی که در وجود انسانی حاکم و
فرمانروا باشد، و هوای نفسی که از آن پیروی شود، و خود پسندی ، و اما
چیزهای نجات بخش : در پنهان و آشکار از خداوند ترسیدن ، و در حال

ثروتمندی و تهیدستی میانه روی کردن ، و در حال رضا و خشم سخن به عدالت گفتن .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثَةٌ إِنْ لَمْ تَظْلِمُهُمْ ظَلَمُوكَ السَّفَلَةَ وَ زَوْجَتَكَ وَ خَادِمَكَ

امام صادق علیه السلام از رسول خدا ﷺ نقل فرماید که : سه نفرند که اگر تو به آنها ظلم نکنی به تو ظلم کنند: نادان ، زنت ، خادمت .

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ ثَلَاثَةٌ لَا يَنْتَصِفُونَ مِنْ ثَلَاثَةٍ شَرِيفٌ مِنْ وَضِيعٍ وَ حَلِيمٌ مِنْ سَفِيهِهِ وَ بَرٌّ مِنْ فَاجِرٍ

امام صادق علیه السلام فرمود: سه کس نمی تواند حق خود را از سه کس بستاند: شریف از پست ، بردبار از احمق ، نیکوکار از بدکار.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى مَهْمَا أُعْيَانِي فِيهِ ابْنُ آدَمَ فَإِنَّهُ لَنْ يُعِينَنِي عِنْدَ وَاحِدَةٍ مِنْ ثَلَاثٍ أَخَذَ مَالٍ مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ وَ مَنَعَهُ مِنْ حَقِّهِ وَ وَضَعَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند متعال می فرماید: اگر در هر زمان فرزند آدم مرا در چیزی عاجز کند در سه وقت نمی تواند مرا عاجز کند: به دست آوردن مال از راه غیر مشروع ، حق مال را پرداخت نکردن ، مصرف آن در غیر موردش .

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ فِي نُورِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ وَ مَنْ إِذَا أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ قَالَ إِنَّا

لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَ مَنْ إِذَا أَصَابَ خَيْرًا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ مَنْ إِذَا
أَصَابَ خَطِيئَةً قَالَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ

امام صادق عليه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کند که فرمود: چهار
خصلت در هر که باشد در نور بزرگ خداوندی است : هر کس که نگهباننده
اش در مقابل گناه ؛ شهادت به یگانگی خدا و رسالت من باشد، هر کس که
گفتارش هنگام مصیبت (**إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**) باشد، کسی که هنگام
رسیدن نعمت گفتارش « الحمد لله رب العالمین » باشد، کسی که هنگام گناه
ذکرش « استغفر الله و اتوب الیه » باشد.

عَنْهُ عليه السلام قَالَ أَرْبَعَةٌ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ أَقَالَ لَهْفَانًا أَوْ أَعْتَقَ نَسَمَةً أَوْ
زَوَّجَ عَزْبًا أَوْ حَجَّ صَرُورَةً

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند چهار کس را در روز رستاخیز مورد نظر
قرار می دهد:

کسی که به فریاد ستمدیده ای برسد، یا بنده ای را آزاد کند، یا بی زنی را زن
بدهد، یا برای اولین بار به حج برود.

عَنْهُ عليه السلام حُسْنُ الْخُلُقِ وَ حُسْنُ الْجَوَارِ وَ كَفُّ الْأَذَى وَ قِلَّةُ الصُّحْبَةِ يَزِيدُ فِي
الرِّزْقِ

امام صادق عليه السلام فرمود: خوش اخلاقی ، و خوشرفتاری کردن با همسایه ، و
اذیت نکردن مردم ، و کم سخن گفتن روزی را زیاد می کند.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَرْبَعَةٌ لَا يَخْلُو مِنْهُنَّ الْمُؤْمِنُ أَوْ وَاحِدَةٌ مِنْهُنَّ مُؤْمِنٌ يَحْسُدُهُ وَهِيَ
أَيْسَرُهُنَّ وَ مُنَافِقٌ يَقْفُو أَثَرَهُ وَ عَدُوٌّ يُجَاهِدُهُ وَ شَيْطَانٌ يَفْتِنُهُ

امام صادق عليه السلام فرمود: مؤمن از چهار چیز یا یکی از آنها در امان نیست :
مؤمنی که بر او حسد برد، و این آسانترین آنهاست ، منافقی که پی گیر لغزشهای
او باشد، دشمنی که به جنگ او بر خیزد، شیطانی که گمراهش کند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ خَمْسٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ لَهُ لَمْ يَهْنَأْ بِالْعَيْشِ الصَّحَّةُ وَ
الْأَمْنُ وَ الْغِنَى وَ الْقَنَاعَةُ وَ الْأَنْبِيَسُ الْمُوَافِقُ

امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که در او پنج خصلت نباشد از زندگی گوارائی
بهره نمی جوید: سلامت بدن ، ایمنی ، بی نیازی ، قناعت ، رفیق و همدم موافق .

عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله خَمْسٌ خِصَالٍ إِنْ أَدْرَكْتُمُوهَا فَتَعَوَّدُوا
بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ لَمْ تَظْهَرِ الْفَاحِشَةُ فِي قَوْمٍ قَطُّ حَتَّى يُعْلِنُوا بِهَا إِلَّا ظَهَرَ فِيهِمُ الطَّاعُونَ
وَ الْأَوْجَاعُ الَّتِي لَمْ تَكُنْ فِي أَسْلَافِهِمُ الَّذِينَ مَضَوْا وَ لَمْ يَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَ الْمِيزَانَ
إِلَّا أَخَذُوا بِالسِّنِينَ وَ شِدَّةِ الْمُؤْنَةِ وَ جَوْرِ السُّلْطَانِ وَ لَمْ يَمْنَعُوا الزَّكَاةَ إِلَّا مَنَعَ الْقَطْرُ
مِنَ السَّمَاءِ فَلَوْ لَا الْبَهَائِمُ لَمْ يُمَطَّرُوا وَ لَمْ يَنْقُضُوا عَهْدَ اللَّهِ وَ عَهْدَ رَسُولِهِ إِلَّا سَلَطَ
عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ فَأَخَذُوا بَعْضَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ وَ لَمْ يَحْكُمُوا بِغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَّا جَعَلَ
بِأَسْهُمٍ بَيْنَهُمْ

امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: اگر به پنج خصلت بر خوردید
از آتش به خدا پناه ببرید: هرگز در مردمی زناکاری علنی پدید نیامد مگر آنکه
طاعون و دردهای گوناگونی که در گذشتگانشان سابقه نداشت در بین آنها پدید
آمد، و از پیمانہ و ترازو کم نکردند جز اینکه به قحطی و سختی مخارج زندگی

و ستم سلطان گرفتار شدند، و از دادن زکات منع نکردند مگر اینکه آمدن باران از آسمان بر آنها ممنوع گردد، و اگر به جهت چهار پایان نبود هیچ باران بر آنان نیارد، و پیمان خدا و رسولش را نشکستند جز اینکه خداوند دشمنانشان را بر ایشان چیره کند و برخی از اموالشان را بگیرند، و به غیر آنچه خدای عزّ و جل نازل کرده حکم نکنند جز آنکه دچار کشمکش و ستیزه در میان خود گردند و خداوند آنان را به خودشان واگذارد.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُعَذِّبُ سِتَّةَ بَسِئَةِ الْعَرَبِ بِالْعَصَبِيَّةِ وَالدَّهَائِقَةِ بِالْكِبْرِ وَالْأُمْرَاءَ بِالْجَوْرِ وَالْفُقَهَاءَ بِالْحَسَدِ وَالتُّجَّارَ بِالْخِيَانَةِ وَ أَهْلَ الرُّسْتَنِاقِ بِالْجَهْلِ

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی شش طایفه را برای داشتن شش خصلت عذاب خواهد فرمود: عرب را به تعصب نژادی، کدخدایان را به تکبر و سرفرازی، فرمانروایان را به ستم کردن، فقیهان را به حسادت و رزیدن، بازرگانان را به خیانت، روستائیان را به نادانی.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سِتَّةُ أَشْيَاءَ لَيْسَ لِلْعِبَادِ فِيهَا صُنْعُ الْمَعْرِفَةِ وَالْجَهْلُ وَالرِّضَا وَالْغَضَبُ وَالنَّوْمُ وَالْيَقِظَةُ

امام صادق علیه السلام فرمود: شش چیز است که از اختیار بندگان بیرون است: شناخت حق، نادانی، خوشنودی، خشم، خواب و بیداری.

قَالَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ أَوْصَانِي خَلِيلِي بِسَبْعِ خِصَالٍ لَا أَدْعُهُنَّ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ أَنْ أَنْظَرَ إِلَيَّ مَنْ هُوَ دُونِي وَلَا أَنْظُرَ إِلَيَّ مَنْ هُوَ فَوْقِي وَأَنْ أَحِبَّ الْفُقَرَاءَ وَأَدْنُو مِنْهُمْ

وَأَنْ أَقُولَ الْحَقَّ وَإِنْ كَانَ مُرًّا وَأَنْ أَصِلَ رَحِمِي وَإِنْ كَانَتْ مُدْبِرَةً وَأَنْ لَا أَسْأَلَ
النَّاسَ شَيْئًا وَأَنْ أَقُولَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ

سلمان فارسی رضی الله عنه گوید: رفیقم (پیامبر) مرا به هفت خصلت سفارش نمود که
در هیچ حالی آنها را ترک نخواهم کرد: اینکه به زیر دستم بنگرم ، و به بالا
دستم ننگرم ، و اینکه فقیران را دوست بدارم و به آنها نزدیک شوم ، و اینکه
حق را بگویم اگر چه تلخ و ناگوار باشد، و صله رحم نمایم گرچه آنها به من
پشت کرده باشند، و اینکه از مردم چیزی درخواست نکنم ، و اینکه همیشه ذکر
«لا حول و لا قوَّة الا بالله» را بگویم ، زیرا این وصیتهای از گنجهای بهشتی است
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله ثَمَانِيَةٌ لَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ صَلَاةُ الْعَبْدِ
حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَوْلَاهُ وَالنَّاشِزَةُ وَزَوْجُهَا سَاخِطٌ عَلَيْهَا وَمَانِعُ الزَّكَاةِ وَتَارِكُ
الْوُضُوءِ وَالْجَارِيَةُ الْمُدْرِكَةُ تُصَلِّيَ بِغَيْرِ خِمَارٍ وَإِمَامٌ قَوْمٍ يُصَلِّيَ بِهِمْ وَهُمْ لَهُ
كَارِهُونَ وَالزَّيْنُ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الزَّيْنُ قَالَ الرَّجُلُ الَّذِي يُدَافِعُ الْغَائِطَ وَ
الْبَوْلَ وَالسَّكْرَانَ فَهَؤُلَاءِ ثَمَانِيَةٌ لَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ صَلَاتُهُمْ

امام صادق عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل فرمود: هشت طایفه اند که خداوند
نماز آنان را نمی پذیرند: بنده فراری تا زمانی که نزد آقای خود باز گردد، زنی
که به شوهر خود تمکین نکند و شوهر از او ناراضی باشد، کسی که زکات
نپردازد، آنکه وضو را ترک کند، دختر بالغی که بدون رویوش نماز بخواند، امام
جماعتی که مأ مومینش خوشنود به امانت او نباشند، و زنین ، عرض کردند: ای
رسول خدا! زنین چیست ؟ فرمود: کسی که محصور به بول و غایط باشد و از
انجام آن خودداری نماید، و دیگر هم مست ، که از این هشت طایفه نماز
پذیرفته نمی شود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَصِفُ الْبَرْنَىَّ قَالَ هَذَا جَبْرِئِيلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ فِي تَمْرَتِكُمْ هَذِهِ تَسْعَ خِصَالٍ تُخَبِّلُ الشَّيْطَانَ وَتُقَوِّى الظُّهْرَ وَتَزِيدُ فِي الْمُبَاضَعَةِ وَتَزِيدُ فِي السَّمْعِ وَالبَصْرِ وَتُقَرِّبُ مِنَ اللَّهِ وَتُبَاعِدُ مِنَ الشَّيْطَانِ وَتَهْضِمُ الطَّعَامَ وَتَذْهَبُ بِالذَّاءِ وَتُطَيِّبُ النِّكْهَةَ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حالی که از «برنی» تعریف می کردند

نقل فرمود:

جبرئیل به من خبر داد که در این خرماى شما نه خصلت وجود دارد: دست شیطان را قطع می کند، کمر را محکم می گرداند، قدرت بر مجامعت را زیاد می نماید، قوت شنوایی و بینایی را زیاد می کند، انسان را به خدا نزدیک می کند، و از شیطان دور می گرداند، و قضا را هضم می کند، و درد را از بین می برد، تنفس بینی را خوش بو می نماید.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ النَّزْهَةُ فِي عَشْرَةٍ فِي الْمَشْيِ وَالرُّكُوبِ وَالِارْتِمَاسِ فِي الْمَاءِ وَالنَّظَرِ إِلَى الْخُضْرَةِ وَالْأَكْلِ وَالشُّرْبِ وَالنَّظَرِ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ وَالْجِمَاعِ وَالسُّوَاكِ وَغَسْلِ الْيَدَيْنِ بِالْخِطْمِيِّ فِي الْحَمَّامِ وَغَيْرِ الْحَمَّامِ وَمُحَادَثَةِ الرَّجَالِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: نشاط و پاکیزگی در ده چیز است: در راه رفتن، سواری، فرو رفتن در آب، نگاه کردن به سبزه، خوردن و آشامیدن، به زن زیبا نگاه کردن، نزدیکی کردن با زن، مسواک زدن، شستن دو دست با خطمی در حمام و غیر حمام، با شخصیتها هم صحبت شدن.

عَنْ الْبَاقِرِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمُلَ إِسْلَامُهُ وَ مُحَصَّتْ ذُنُوبُهُ وَ لَقِيَ رَبَّهُ وَ هُوَ عَنْهُ رَاضٍ مَنْ وَفَى لِلَّهِ بِمَا يَجْعَلُ عَلَى نَفْسِهِ لِلنَّاسِ وَ صَدَقَ لِسَانُهُ مَعَ النَّاسِ وَ اسْتَحْيَا مِنْ كُلِّ قَبِيحٍ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ النَّاسِ وَ حَسُنَ خُلُقُهُ مَعَ أَهْلِهِ

امام باقر عليه السلام از علی بن الحسین عليه السلام نقل کردند که فرمود: چهار چیز است که هر کس داشته باشد اسلامش کامل و گناهانش پاک گردد، و پروردگارش را در حالی ملاقات کند که از او خوشنود است: کسی که به عهدش با مردم وفا نماید، و زبانش با مردم راست باشد، از هر چه نزد خدا و مردم زشت است شرم کند، و با خانواده اش خوشرفتار باشد.

عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَلْزَمُ أُمَّتِي الْحَقُّ فِي أَرْبَعٍ يُحِبُّونَ النَّائِبَ وَ يُعِينُونَ الْمُحْسِنَ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلْمُذْنِبِ وَ يَدْعُونَ لِلْمَلَأِ

امام صادق عليه السلام از قول رسول خدا صلى الله عليه وآله می فرماید: امت مرا در چهار مورد حقی ثابت و لازم است: توبه کار را دوست بدارند، بر ناتوان دلسوزی کنند، مددکار نیکوکاران باشند، برای گنه کار دعا کنند.

عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام سِتَّةٌ تَلْحَقُ الْمُؤْمِنَ بَعْدَ وَفَاتِهِ وَ كَدٌّ يَسْتَغْفِرُ لَهُ وَ مُصْحَفٌ يُخْلَفُهُ وَ غَرْسٌ يَغْرِسُهُ وَ قَلِيبٌ يَحْفِرُهُ وَ صَدَقَةٌ يُجْرِيهَا وَ سُنَّةٌ يُؤْخَذُ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ

از امام صادق عليه السلام فرمود: شش چیز بعد از وفات مؤمن به او فایده دهد: فرزندی که برایش طلب آموزش کند، قرآنی که به جای گذارده، درختی که

کاشته ، چاه آبی که حفر نموده ، صدقه جاریه ای که داده ، سنّت حسنه ای که
بعد از او به آن عمل شود.

فصل دوازدهم : در عمل به سنت و معنی قرآن و ملحقات آن

الفصل الثانی عشر فی الاخذ بالسنة و معنی القرآن و ما یلیق بهما
مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ مُرَازِمِ بْنِ حَكِيمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَنْ
خَالَفَ سُنَّةَ مُحَمَّدٍ فَقَدْ كَفَرَ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرمود: هر کس با سنت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مخالفت کند کافر
گشته .

عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ مَا عُمِلَ بِالسُّنَّةِ وَإِنْ قَلَّ
امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده اند: بهترین عملها نزد خداوند آن است که به سنت
عمل شود گرچه کم باشد.

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَمَسَّكَ بِسُنَّتِي فِي اخْتِلَافِ أُمَّتِي
كَانَ لَهُ أَجْرُ مِائَةِ شَهِيدٍ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده که فرمود: هر کس در حل
اختلاف امت من تمسک به سنت من کند پاداش صد شهید را دارد.

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ أَخْبِرْنِي عَنِ السُّنَّةِ وَ الْبِدْعَةِ وَ الْجَمَاعَةِ
وَ الْفِرْقَةِ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ السُّنَّةُ مَا سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ وَ الْبِدْعَةُ مَا أُخْدِتَ مِنْ
بَعْدِهِ وَ الْجَمَاعَةُ أَهْلُ الْحَقِّ وَ إِنْ كَانُوا قَلِيلًا وَ الْفِرْقَةُ أَهْلُ الْبَاطِلِ وَ إِنْ كَانُوا كَثِيرًا
مردی خدمت امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ آمد و عرض کرد معنی سنت ، و بدعت ، و
جماعت و تفرقه چیست ؟ امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: سنت راه و روشی است که

پیامبر ﷺ مقرر فرموده ، و بدعت روشی است که بعد از آن حضرت پیدا شده ، و جماعت آناند که به حق معتقدند اگر چه اندک باشند، و تفرقه پیروان باطلند اگر چه بسیار باشند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ خَالَفَ سُنَّةَ فَقَدْ كَفَرَ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که سنتی را مخالفت کند به یقین کافر گشته .

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ السُّنَّةُ سُنَّتَانِ سُنَّةٌ فِي فَرِيضَةِ الْأَخْذِ بِهَا هُدًى وَ تَرْكُهَا ضَلَالَةٌ وَ سُنَّةٌ فِي غَيْرِ فَرِيضَةِ الْأَخْذِ بِهَا فَضِيلَةٌ وَ تَرْكُهَا غَيْرُ خَطِيئَةٍ

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: سنت دو گونه است : سنتی است در واجب که عمل به آن هدایت و ترکش گمراهی است ، و سنتی است در غیر واجب که عمل به آن فضیلت و ترک آن گناه نیست .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ لَهُ قَالَ كُلُّ مَنْ تَعَدَّى السُّنَّةَ رُدَّ إِلَى السُّنَّةِ

امام باقر علیه السلام فرمود: هر که از سنت تجاوز کند به آن بازگشت داده می شود.

عَنْ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ لَهُ شِرَّةٌ وَ فِتْرَةٌ مَنْ كَانَتْ فِتْرَتُهُ إِلَى سُنَّةٍ فَقَدْ اهْتَدَى وَ مَنْ كَانَتْ فِتْرَتُهُ إِلَى بِدْعَةٍ فَقَدْ غَوَى

امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ فردی نیست مگر اینکه در او نشاط شدید و ضعف و سستی است ؛ پس هر که سستی او به سوی سنت باشد هدایت شده ، و آنکه سستی او به سوی بدعت باشد گمراه گردیده .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كُلُّ شَيْءٍ مَرْدُودٌ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَالسُّنَّةِ فَكُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرُفٌ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر چیزی به سوی کتاب خدا و سنت برگردانده می شود، هر حدیثی که موافق کتاب خدا نبود باطل است .

عَنْ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ الْقَلْبَ يَتَقَلَّبُ مِنْ لَدُنْ مَوْضِعِهِ إِلَى حَنْجَرَتِهِ مَا لَمْ يُصِبِ الْحَقَّ فَإِذَا أَصَابَ الْحَقَّ قَرُّ ثُمَّ ضَمَّ أَصَابِعَهُ وَقَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: قلب از جای خودش حرکت می کند و تا به حق نرسیده به حنجره می رسد، هر گاه به حق رسید آرام می گیرد، سپس حضرت انگشتانش را جمع کرده و این آیه را تلاوت فرمود: (هر که را خداوند اراده کند که هدایتش کند سینه اش را برای اسلام وسعت دهد، و هر که را اراده کند که گمراهش سازد سینه اش را تنگ و سخت می کند).

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ السُّنَّةَ لَا تُقَاسُ وَكَيْفَ تُقَاسُ السُّنَّةُ وَالْحَائِضُ تَقْضِي الصِّيَامَ وَلَا تَقْضِي الصَّلَاةَ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: سنت قیاس نمی شود، چگونه سنت قیاس شود در حالی که زن حائض روزه اش را قضا می کند و نمازش را قضا نمی کند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ عَلِيَّ كُلَّ حَقٍّ حَقِيقَةً وَعَلَى كُلِّ صَوَابٍ نُورًا فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَمَا خَالَفَ سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ فَاتْرُكُوهُ

امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش از علی عليه السلام نقل کند که فرمود: برای هر امر حقی حقیقتی است ، و بر سر هر امر درستی نوری موجود است ، به آنچه موافق قرآن است عمل کنید و آنچه را مخالف سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله است ترکش نمائید.

وَقَالَ رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً حَدَّثَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَ لَمْ يَكْذِبْ فَأَحْجَمَ النَّاسَ عَنْهُ قَالَ
 أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ إِذَا أَتَاكُمْ الْحَدِيثُ مُتَجَاوِباً
 مُتَفَاوِئاً فَمَا يَكْذِبُ بَعْضُهُ بَعْضاً فَلَيْسَ مِنِّي وَ لَمْ أَقُلْهُ وَ إِن قِيلَ قَدْ قَالَهُ وَ إِذَا أَتَاكُمْ
 الْحَدِيثُ يُصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضاً فَهُوَ مِنِّي وَ أَنَا قُلْتُهُ وَ مَنْ رَأَى مِنِّي كَمَنْ رَأَى حَيًّا وَ
 مَنْ زَارَنِي فَكُنْتُ لَهُ شَاهِداً وَ شَهِيداً يَوْمَ الْقِيَامَةِ

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند رحمت کند کسی را که از رسول خدا صلی الله علیه و آله

حدیث نقل کند و آن را تکذیب نکند، که مردم از او کناره بگیرند.

امیر مؤمنان عليه السلام فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: هر گاه حدیثی برای شما خوانده شد که بسیار کمیاب و مختلف در عبارت بود، به اندازه ای که بخشی از آن بخش دیگر را تکذیب کند، [یعنی متناقض باشد] از من نیست ، و من آن را نگفته ام ، گرچه گفته شود او گفته .

و هر گاه حدیثی نزد شما آوردند که بعضی آن بعضی دیگر را تصدیق می نمود، آن حدیث از من است و من آن را گفته ام ، و هر کس هم مرا در زمان مرگم ببیند، مثل این است که مرا در زمان حیاتم دیده ، و هر که مرا زیارت کند من شاهد او هستم و روز قیامت برایش شهادت می دهم .

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِمُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ يَا مُحَمَّدُ مَا جَاءَتْكَ مِنْ رِوَايَةٍ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ تُوَافِقُ الْقُرْآنَ فَخُذْ بِهَا وَمَا جَاءَتْكَ مِنْ رِوَايَةٍ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ تُخَالِفُ الْقُرْآنَ فَلَا تَأْخُذْ بِهَا

امام صادق عليه السلام به محمد بن مسلم فرمود: ای محمد! هر روایتی که نزد تو آوردند چه از شخص درستکار باشد و چه بدکار اگر با قرآن موافق بود به آن عمل کن ، و روایتی را که نزد تو آوردند که چه از شخص درستکار باشد چه بدکار اگر مخالف قرآن بود به آن عمل نکن .

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ فِي تَفْسِيرِ الْمَصِّ فِي رِوَايَةٍ لَبِيدٍ فَمَنْ زَعَمَ أَنَّ كِتَابَ اللَّهِ مُبْهَمٌ فَقَدْ هَلَكَ ثُمَّ أَمْسَكَ فَقَالَ الْأَلْفُ وَاحِدَةٌ وَاللَّامُ ثَلَاثُونَ وَالْمِيمُ أَرْبَعُونَ وَالصَّادُ تِسْعُونَ فَقُلْتُ هَذِهِ إِحْدَى وَسِتُّونَ وَمِائَةٌ فَقَالَ يَا لَبِيدُ إِذَا دَخَلْتَ سَنَةَ إِحْدَى وَسِتِّينَ وَمِائَةٍ سَلَبَ اللَّهُ قَوْمًا سُلْطَانَهُمْ

امام باقر عليه السلام ضمن حدیثی طولانی در تفسیر (المص) در روایت لبید فرمود: هر که گمان کند که کتاب خداوند ابهام دارد هلاک شده ، سپس کمی صبر کرد و فرمود: الف یک است ، لام سی است ، و میم چهل است ، و صاد نود. پرسیدم : این عدد صد و شصت و یک است ، فرمود: ای لبید! هر گاه داخل سال صد و شصت و یک شدی خداوند سلطنت قومی را می گیرد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ لِلْقُرْآنِ حُدُودًا كَحُدُودِ الدَّارِ

امام صادق عليه السلام فرمود: قرآن همانند حدود خانه حدود دارد.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَوْمٌ لِسَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ مَا كُنْتُ صَانِعًا بِمَنْ وَجَدْتُهُ عَلَى بَطْنِ امْرَأَتِكَ قَالَ كُنْتُ وَاللَّهِ ضَارِبًا رِقْبَتَهُ بِالسَّيْفِ قَالَ فَخَرَجَ النَّبِيُّ ﷺ فَقَالَ يَا سَعْدُ مَنْ هَذَا

الَّذِي كُنْتَ ضَارِبَهُ بِالسَّيْفِ فَأُخْبِرَ النَّبِيُّ بِخَبْرِهِمْ وَمَا قَالَ سَعْدٌ قَالَ النَّبِيُّ يَا سَعْدُ
 فَأَيْنَ الشُّهُودُ الْأَرْبَعَةُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَعَ رَأْيِ عَيْنِي وَ
 عِلْمِ اللَّهِ فِيهِ أَنَّهُ فَعَلَهُ فَقَالَ النَّبِيُّ يَا سَعْدُ بَعْدَ رَأْيِ عَيْنِكَ وَعِلْمِ اللَّهِ بِأَنَّهُ قَدْ فَعَلَهُ
 إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَجَعَلَ عَلَى مَنْ تَعَدَّى حَدًّا مِنْ حُدُودِ اللَّهِ حَدًّا وَ
 جَعَلَ مَا دُونَ الْأَرْبَعَةِ الشُّهَدَاءِ مَسْتُورًا عَلَى الْمُسْلِمِينَ

امام صادق عليه السلام فرمود: جمعی از صحابه به سعد بن عباده گفتند: اگر کسی را
 روی شکم زنت ببینی چه می کنی؟ گفت: به خدا قسم گردنش را با شمشیر
 قطع می کنم، امام فرمود:

در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله به آنها رسید و فرمود: ای سعد! این چه کسی است
 که می خواهی با شمشیر او را بکشی؟ پیامبر را از جریان و آنچه سعد گفته بود
 با خبر کردند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای سعد! چهار شاهد که خداوند عز و جل
 فرموده کجایند؟ گفت: ای رسول خدا! جلوی چشم من این کار را انجام داده،
 و خدا هم به آن آگاه است، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای سعد! حتی بعد از دیدن تو و
 علم خدا به اینکه او انجام داده، خداوند برای هر چیزی حدی قرار داده و برای
 کسی که حدی از حدود خدا را تجاوز کند حدی قرار داده، و آنچه دور از
 چشم چهار شاهد انجام بگیرد، نباید بین مسلمین پخش گردد.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَصْلِ الْإِسْلَامِ وَ
 فَرَعِهِ وَ ذِرْوَةِ سَنَامِهِ قَالَ قُلْتُ بَلَى قَالَ أَصْلُهُ الصَّلَاةُ وَ فَرَعُهُ الزَّكَاةُ وَ ذِرْوَةُ سَنَامِهِ
 الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَبْوَابِ الْخَيْرِ الصَّوْمُ جَنَّةٌ وَ الصَّدَقَةُ تَحُطُّ الْخَطِيئَةَ
 وَ قِيَامُ الرَّجُلِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ يُنَاجِي رَبَّهُ ثُمَّ تَلَا تَتَجَافَى جُنُوبَهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ
 يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

امام صادق علیه السلام فرمود: آیا می خواهی که اصل و فرع و احکام عالیہ اسلام را به شما خبر دهم؟ گفتم: بلی، فرمود: اصلش نماز و فرعش زکات و بالاترین کنگره اش جهاد در راه خداست، آیا نمی خواهی تو را به درهای خیر خبر دهم؟ روزه سیر آتش دوزخ است، و صدقه گناه را می زداید، و شب زنده داری مرد در دل شب در حالی که مشغول مناجات با پروردگارش می باشد، سپس این آیه را تلاوت فرمود: (پهلوهایشان از بستر خواب دوری گزیند، پروردگارشان را در حال ترس و طمع می خوانند، و از آنچه به آنها روزی کرده ایم انفاق می کنند).

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ الْجِهَادُ أَفْضَلُ الْأَشْيَاءِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ
 امام صادق علیه السلام فرمود: جهاد بهترین عبادات بعد از واجبات است .

عَنْهُ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي السَّيْفِ وَ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ وَ لَا يُقِيمُ النَّاسَ إِلَّا السَّيْفُ وَ السُّيُوفُ مَقَالِيدُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ
 امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل کند که فرمود: تمام خیر در شمشیر و زیر سایه شمشیر است، و مردم به راه راست جلب نگردند مگر با شمشیر، و شمشیرها کلیدهای بهشت و دوزخند.

فصل سیزدهم: در دوری کردن از محرّمات و مشابه به آنها

الفصل الثالث عشر فی اجتناب المحارم و ما یشبهها

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْسَ بَوْلِي لِي مَنْ أَكَلَ مَالَ مُؤْمِنٍ حَرَامًا

امام صادق علیه السلام بنقل از امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: کسی که مال مؤمنی را به صورت حرام بخورد دوست من نیست .

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَوْ حَلَفَ الرَّجُلُ أَنْ لَا يَحُكَّ أَنْفَهُ بِالْحَائِطِ لَأَبْتَلَاهُ اللَّهُ حَتَّى يَحُكَّ أَنْفَهُ بِالْحَائِطِ

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مرد قسم بخورد که بینی اش را با دیوار نخاراند، خداوند او را مبتلا می کند به اینکه بینی اش را با دیوار بخاراند.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ قَالَ مَنْ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ يَرَاهُ وَ يَسْمَعُ مَا يَقُولُهُ وَ يَفْعَلُهُ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ فَيَحْجُزُهُ عَنْ ذَلِكَ الْقَبِيحِ مِنَ الْأَعْمَالِ فَذَلِكَ الَّذِي خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى

امام صادق علیه السلام در باره قول خدای عز و جل: (و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد دو بهشت است)، فرمود: کسی که بداند، و همین دانستن او را از کارهای زشت باز دارد، کسی است که از مقام پروردگارش ترسیده و ضمیر خویش از هوس باز داشته است .

عَنْ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كُلُّ عَيْنٍ بَاكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غَيْرَ ثَلَاثٍ عَيْنٌ سَهَرَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَيْنٌ بَكَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَعَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ

امام باقر عليه السلام فرمود: هر چشمی روز قیامت گریانست ، بجز سه چشم : چشمی که در راه خدا شب را بیدار باشد، و چشمی که از ترس خدا گریان شود، و چشمی که از محرمات خدا بسته شود.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا يُصِيبُ الْعَبْدَ إِلَّا بِذَنْبٍ وَمَا يَغْفِرُ اللَّهُ مِنْهُ أَكْثَرَ

امام باقر عليه السلام فرمود: مصیبتی به بنده نمی رسد مگر به سبب گناه ، ولی آمرزش خداوند نسبت به او بیشتر است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الْعَبْدَ لِيُحْبَسُ عَلَى ذَنْبٍ مِنْ ذُنُوبِهِ مِائَةَ عَامٍ وَإِنَّهُ لَيَنْظَرُ إِلَى إِخْوَانِهِ وَأَزْوَاجِهِ فِي الْجَنَّةِ

امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش از علی عليه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کند که فرمود:

گاهی بنده برای یک گناهش صد سال (روز قیامت) حبس می شود، و او به حسرت با برادران و همسرانش در بهشت نگاه می کند.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ الذَّنْبَ يَحْرِمُ الْعَبْدَ الرِّزْقَ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّنَا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ

امام صادق عليه السلام فرمود: گناه مانع رسیدن روزی به بنده می شود، و این اشاره به قول خداوند عزّ و جل است که : (ما آنان را به سختی آزمودیم چنان که باغداران را آزمودیم).

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ الْخَطَايَا تَحْظُرُ الرِّزْقَ عَلَى الْمُسْلِمِ

امام صادق عليه السلام فرمود: گناهان مانع رسیدن روزی به انسان مسلمان می شوند.

عَنْ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ يَسْأَلُ اللَّهَ الْحَاجَةَ فَيَكُونُ مِنْ شَأْنِ اللَّهِ قَضَاؤُهَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ أَوْ وَقْتٍ بَطِيءٍ فَيُذْنِبُ الْعَبْدُ ذَنْبًا فَيَقُولُ اللَّهُ لِلْمَلَكِ لَا تُنْجِزْ لَهُ حَاجَتَهُ وَاحْرِمْهُ إِيَّاهَا فَإِنَّهُ قَدْ تَعَرَّضَ لِسَخَطِي وَاسْتَوْجَبَ الْحِرْمَانَ مِنِّي

حضرت باقر عليه السلام فرمود: بنده از خدا حاجتی می خواهد که اقتضا دارد زود یا دیر بر آورده شود، سپس آن بنده گناهی را مرتکب می شود و خدای تبارک و تعالی به فرشته ای می فرماید: حاجتش را روا مکن و او را از آن محروم دار، زیرا او در معرض خشم من در آمد و سزاوار محرومیت من گشت .

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَهُ عَنِ الْكِبَائِرِ كَمْ هِيَ وَ مَا هِيَ فَكَتَبَ الْكِبَائِرُ مَنِ اجْتَنَبَ مَا وَعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ كَفَرَ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ إِذَا كَانَ مُؤْمِنًا وَ السَّبْعُ الْمُوجِبَاتُ قَتْلُ النَّفْسِ الْحَرَامِ وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَ أَكْلُ الرِّبَا وَ التَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ وَ قَذْفُ الْمُحْصَنَةِ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ وَ الْفِرَارُ مِنَ الزَّحْفِ

از امام موسی بن جعفر عليه السلام در مورد گناه کبیره پرسیدند که چند تا و چیست ؟ حضرت نوشت : کبائر آن است که بنده از آنچه خدا بر آن وعده دوزخ داده دوری کند، و اگر مؤمن باشد گناهانش بر او پوشیده شود، و هفت گناهی که موجب دوزخ می شود: کشتن نفس محترمه ، عقوق والدین ، رباخواری ،

مهاجرت از محیط اسلامی ، متهم ساختن زنان پارسا به زنا، خوردن مال یتیم ، فرار از جهاد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اتَّقُوا الْمُحَقَّرَاتِ مِنَ الذُّنُوبِ فَإِنَّهَا آتِي لَا تُغْفَرُ قَالَ قُلْتُ وَمَا الْمُحَقَّرَاتُ مِنَ الذُّنُوبِ قَالَ الرَّجُلُ يُذْنِبُ فَيَقُولُ طُوبَى لِي لَوْ لَمْ يَكُنْ لِي غَيْرُ ذَلِكَ

امام صادق عليه السلام فرمود: از محقرات بپرهیزید که آمرزیده نشوند، عرض کردم : گناهان محقر چیست ؟ فرمود: این است که مرد گناه کند و بگوید: خوشا به حال من اگر غیر از این گناه نداشته باشم .

عَنِ النَّوْفَلِيِّ بِإِسْنَادِهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ عَلَى قَوْمٍ وَقَدْ نَصَبُوا دَجَاجَةً وَهُمْ يَرْمُونَهَا فَقَالَ مَنْ هَؤُلَاءِ لَعَنَهُمُ اللَّهُ

رسول خدا صلی الله علیه و آله از کنار گروهی می گذشتند که مرغی را قرار داده بودند و به آن سنگ می زدند، فرمود: اینها کیستند خدا لعنتشان کند؟

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْمُقِيمُ عَلَى الذَّنْبِ وَهُوَ مِنْهُ مُسْتَغْفِرٌ كَالْمُسْتَهْزِئِ
امام صادق عليه السلام فرمود: آنکه در گناه بماند و از گناهِش آمرزش بخواند مانند مسخره چی است .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا صَغِيرَةَ مَعَ الْإِصْرَارِ وَلَا كَبِيرَةَ مَعَ الْإِسْتِغْفَارِ
امام صادق عليه السلام فرمود: با اصرار بر گناه ، صغیره نباشد، و با استغفار، کبیره نباشد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ عَيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ بِقَوْمٍ يَبْكُونَ
 قَالَ مَا يُبْكِي هَؤُلَاءِ قِيلَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ قَالَ دَعَوْهَا يُغْفَرُ لَكُمْ

امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل کند که فرمود: حضرت عیسی بن
 مریم علیه السلام از کنار جمعی می گذشت که گریه می کردند، فرمود: چه چیز اینها را
 به گریه انداخته ؟ گفته شد: از گناهانشان است ، فرمود: گریه را رها کنید،
 آمرزیده می شوید.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ غُلَامٌ مِنَ الْيَهُودِ يَأْتِي رَسُولَ اللَّهِ كَثِيرًا حَتَّى
 اسْتَخَفَّهُ وَرَبَّمَا أَرْسَلَهُ فِي حَاجَةٍ وَرَبَّمَا كَتَبَ لَهُ الْكِتَابَ إِلَى قَوْمٍ فَافْتَقَدَهُ أَيَّامًا
 فَسَأَلَ عَنْهُ فَقَالَ قَائِلٌ تَرَكْتَهُ فِي آخِرِ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ الدُّنْيَا فَاتَاهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي نَاسٍ
 مِنْ أَصْحَابِهِ وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَرَكَةً لَا يَكَادُ يُكَلِّمُ أَحَدًا إِلَّا أَجَابَهُ فَقَالَ يَا فُلَانُ فَفَتَحَ عَيْنَهُ
 فَقَالَ لَيْبِكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ فَقَالَ اشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ فَنَظَرَ الْغُلَامُ
 إِلَى أَبِيهِ فَلَمْ يَقُلْ لَهُ شَيْئًا ثُمَّ نَادَاهُ رَسُولُ اللَّهِ الثَّانِيَةَ وَقَالَ لَهُ مِثْلَ قَوْلِهِ الْأَوَّلِ
 فَالْتَفَتَ الْغُلَامُ إِلَى أَبِيهِ فَلَمْ يَقُلْ لَهُ شَيْئًا ثُمَّ نَادَاهُ رَسُولُ اللَّهِ الثَّلَاثَةَ فَالْتَفَتَ الْغُلَامُ إِلَى
 أَبِيهِ فَقَالَ أَبُوهُ إِنَّ شَيْئًا فَقُلْ وَإِنْ شِئْتَ فَلَا فَقَالَ الْغُلَامُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ
 أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَمَاتَ مَكَانَهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ لِأَبِيهِ اخْرُجْ عَنَّا ثُمَّ قَالَ لِأَصْحَابِهِ
 غَسِّلُوهُ وَكَفِّنُوهُ وَائْتُونِي بِهِ أَصَلِّي عَلَيْهِ ثُمَّ خَرَجَ وَهُوَ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْجَى
 بِي الْيَوْمَ نَسَمَةً مِنَ النَّارِ

امام باقر علیه السلام فرمود: جوانی یهودی زیاد نزد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می آمد تا
 حدی که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ او را تند و تیز یافت ، گاهی او را برای کاری می
 فرستاد، و گاهی به همراه نامه ای به سوی قومی می فرستاد، تا اینکه چند
 روزی او را ندید، از او سراغ گرفت ، کسی به ایشان عرض کرد: در یکی از

آخرین روزهای عمرش او را ملاقات کردم ، پیامبر ﷺ به همراه عده ای از یارانش به دیدن او رفت ، پیامبر برکتی بود که هرگز با کسی صحبت نمی کرد مگر اینکه جوابش را می داد، سپس فرمود: ای جوان ، جوان چشمانش را گشود، و گفت : لبيك اي ابا القاسم ، فرمود: بگو شهادت می دهم به وحدانیت خدا و اینکه من محمد رسول خدايم ، جوان نگاهی به پدرش کرد و چیزی نگفت ، سپس برای مرتبه دوم رسول خدا ﷺ او را صدا زد و آنچه را در مرتبه اول به او گفته بود فرمود، جوان متوجه پدرش شد و چیزی نگفت ، برای مرتبه سوم پیامبر او را صدا زد، جوان به طرف پدرش متوجه شد، پدرش گفت : اگر می خواهی بگو و اگر نمی خواهی نگو، غلام گفت : «أشهد أن لا اله الا الله و أنك رسول الله» و در همان جا مرد، رسول خدا ﷺ به پدرش فرمود: شما بیرون بروید، سپس به یارانش فرمود: او را غسل دهید و کفن کنید و با من بیایید تا بر او نماز بخوانیم ، سپس در حالی که خارج می شد می فرمود: سپاس خداوندی را که به وسیله من بنده ای را امروز از آتش جهنم رهایی بخشید.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَا أُخْرِجُ عَبْدًا مِنَ الدُّنْيَا وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَرْحَمَهُ حَتَّى اسْتَوْفَى مِنْهُ كُلَّ خَطِيئَةٍ عَمَلَهَا إِمَّا بِسُقْمٍ فِي جَسَدِهِ أَوْ بِضَيْقٍ فِي رِزْقِهِ وَ إِمَّا بِخَوْفٍ فِي دُنْيَاهُ فَإِنْ بَقِيَ عَلَيْهِ بَقِيَّةٌ شَدَّدْتُ عَلَيْهِ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَا أُخْرِجُ عَبْدًا مِنَ الدُّنْيَا وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَعَذِّبَهُ حَتَّى أُوفِّيَهُ حَسَنَةً عَمَلَهَا إِمَّا بِسَعَةٍ فِي رِزْقِهِ وَ إِمَّا بِصِحَّةٍ فِي جَسَدِهِ وَ إِمَّا بِأَمْنٍ فِي دُنْيَاهُ فَإِنْ بَقِيَ عَلَيْهِ بَقِيَّةٌ هَوَّنْتُ عَلَيْهِ بِهَا الْمَوْتَ

امام صادق علیه السلام از پدرش از پدران بزرگوارش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کنند که فرمود:

خدای عزّ و جلّ فرمود: به عزّت و جلالم سوگند، بنده ای که مورد رحمت من قرار گیرد از دنیا بیرون نبرم تا اینکه هر گناهی که کرده به وسیله عملش به او عوضش را بدهم، یا به وسیله بیماری در تنش، یا به تنگی در روزیش، یا با ترس و هراس در دنیایش، و اگر هم گناهی باقی بماند مرگ را بر او سخت کنم. و قسم به عزّت و جلالم، بنده ای را که می خواهم عذاب کنم از دنیا بیرون نبرم تا عوض هر کار نیکی را که انجام داده به او بدهم، یا به گشایش در روزیش، یا به سلامت در تنش، یا به آسودگی خاطر در دنیایش، و اگر باز هم گناهی باقی ماند مرگ را بر او آسان نمایم.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا كَانَ مِنْ أَمْرِهِ أَنْ يُكْرِمَ عَبْدًا وَ لَهُ ذَنْبٌ ابْتَلَاهُ بِالسُّقْمِ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِ ابْتَلَاهُ بِالْحَاجَةِ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِ شَدَّدَ عَلَيْهِ الْمَوْتَ لِيُكَافِيَهُ بِذَلِكَ الذَّنْبِ قَالَ وَ إِذَا كَانَ مِنْ أَمْرِهِ أَنْ يُهَيِّنَ عَبْدًا وَ لَهُ عِنْدَهُ حَسَنَةٌ صَحَّحَ بَدَنَهُ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِ وَسَّعَ لَهُ فِي رِزْقِهِ فَإِنْ هُوَ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِ هَوَّنَ عَلَيْهِ الْمَوْتَ لِيُكَافِيَهُ بِتِلْكَ الْحَسَنَةِ

امام باقر علیه السلام فرمود: چون خدای عزّ و جلّ خواهد که بنده ای را که دارای گناهی است اکرام کند او را به بیماری مبتلا می کند، و اگر این کار را نکند به نیازمندی مبتلاش می کند، و اگر این کار را نکند مرگ را بر او سخت گرداند تا بدان واسطه گنااهش را جبران کند.

فرمود: و چون بخواهد بنده ای را که حسنه ای در نزدش دارد خوار سازد تنش را سالم کند، و اگر این کار را نکند روزیش را گشایش دهد، و اگر آن را

هم در باره اش انجام ندهد مرگ را بر او آسان کند تا بدان سبب در عوض آن
حسنة او را پاداش دهد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ فَعَمَلَهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرًا وَمَنْ هَمَّ بِهَا وَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ وَاحِدَةً وَمَنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ وَلَمْ يَعْمَلْهَا لَمْ يُكْتَبْ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَإِنْ عَمَلَهَا كُتِبَ عَلَيْهِ وَاحِدَةٌ

امام صادق عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وسلم نقل کند که فرمود: هر که آهنگ کار
نیکی کند و آن کار را انجام دهد خداوند برای او ده حسنة می نویسد، و هر کس
آهنگ کار نیکی کند و آن را انجام ندهد خداوند برایش یک حسنة منظور کند،
و هر که آهنگ کار بد کند و آن را انجام ندهد بر او نوشته نشود، و اگر آن را
انجام داد یک گناه بر او نوشته شود.

عَنِ الرَّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْمُتَسْتَرُّ بِالْحَسَنَةِ يَعْدِلُ سَبْعِينَ حَسَنَةً وَالْمُذْبِعُ بِالسَّيِّئَةِ
مَخْذُولٌ وَالْمُتَسْتَرُّ بِالسَّيِّئَةِ مَغْفُورٌ لَهُ

حضرت رضا عليه السلام فرمود: پنهان کننده کار نیک هفتاد حسنة دارد، و
آشکارکننده کار بد بی پناه و ناتوان است، و پنهان کننده کار بد آمرزیده است.

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَذْنَبَ ذَنْبًا وَهُوَ ضَاحِكٌ دَخَلَ
النَّارَ

امام صادق عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وسلم نقل کند که فرمود: کسی که گناهی انجام
دهد و خندان باشد داخل دوزخ شود.

عَنْ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا مِنْ عِبَادَةٍ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ عِفَّةِ الْبَطْنِ وَالْفَرْجِ
امام باقر عليه السلام فرمود: هیچ عبادتی نزد خدا بهتر از حفظ شکم و عورت
نیست .

عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ أَفْضَلَ الْجَاهِدِ عِفَّةُ الْبَطْنِ وَالْفَرْجِ .
امام زین العابدین عليه السلام فرمود: بهترین جهاد حفظ شکم و عورت است .

قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي رَجُلٌ ضَعِيفُ الْعَمَلِ قَلِيلُ الصِّيَامِ وَ لَكِنِّي أَرْجُو
أَنْ لَا أَكُلَ إِلَّا حَلَالًا وَلَا أَنْكَحَ إِلَّا حَلَالًا قَالَ فَقَالَ أَيُّ الْجَاهِدِ أَفْضَلُ مِنْ عِفَّةِ
الْبَطْنِ وَالْفَرْجِ

مردی به امام باقر عليه السلام عرض کرد: من عملم ضعیف و روزه ام اندک است ،
ولی امیدوارم جز حلال نخورم ، و جز با حلال ازدواج نکنم ، فرمود: چه
کوششی از عفت شکم و عورت برتر است ؟

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أْبَعْدُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَهْمَهُ إِلَّا بَطْنُهُ وَ
فَرْجُهُ

امام صادق عليه السلام فرمود: دورترین حالی که بنده از خداوند دارد این است که
اندوهی جز برای شکم و فرج نداشته باشد.

عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنِ الصَّادِقِ أَوْ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَهُوَ يُصِيبُ حَظًّا
مِنَ الزَّوْنَاءِ فَرَنَى الْعَيْنَيْنِ النَّظْرُ وَ زَنِى الْفَمِ الْقَبْلَ الْقُبْلَةُ وَ زَنِى الْيَدَيْنِ اللَّمْسُ صَدَقَ
الْفَرْجُ ذَلِكَ أَمْ كَذَّبَ

امام صادق علیه السلام یا امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ کسی از زنا مصون نیست و هر کس بهره ای از آن دارد؛ زیرا زنا دو چشم به دیدن است ، و زنا دهان به بوسیدن ، و زنا دو دست به لمس کردن ، چه این را فرج تصدیق کند و چه تکذیب نماید.

عَنْ الْكَاطِمِ علیه السلام قَالَ لِبَعْضِ وُلْدِهِ يَا بُنَيَّ عَلَيْكَ بِالْجِدِّ لَا تُخْرِجَنَّ نَفْسَكَ مِنْ حَدِّ التَّقْصِيرِ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يُعْبَدُ حَقَّ عِبَادَتِهِ
امام کاظم علیه السلام به یکی از فرزندانش فرمود: ای پسرکم! کوشا باش ، مبادا خودت را در عبادت و طاعت خداوند بی تقصیر بدانی ، زیرا خدا چنان که شایسته اوست ستایش نشود.

عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام يَا جَابِرُ لَا أَخْرَجَكَ اللَّهُ مِنَ النَّقْصِ وَ التَّقْصِيرِ
امام باقر علیه السلام فرمود: ای جابر! خدا تو را از کاستی و کوتاهی بیرون نبرد.

فصل چهاردهم: در حقوق پدر و مادر و نیکی به آنها

الفصل الرابع عشر في حقوق الوالدين و برهما

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَعْظَمُ حَقًّا عَلَى الرَّجُلِ قَالَ وَالِدَاهُ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سؤال شد: چه کسی بیشتر از همه بر مردم حق دارد؟ فرمود: پدر و مادرش .

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ الرَّجُلَ يَكُونُ بَارًّا بِوَالِدَيْهِ وَهُمَا حَيَّانٍ فَإِذَا مَاتَا وَ لَمْ يَسْتَغْفِرْ لَهُمَا كُتِبَ عَاقًا لَهُمَا وَإِنَّ الرَّجُلَ يَكُونُ عَاقًا لَهُمَا فِي حَيَاتِهِمَا فَإِذَا مَاتَا وَ أَكْثَرَ الْإِسْتِغْفَارَ لَهُمَا فَكُتِبَ بَارًّا

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: اگر مرد نسبت به پدر و مادرش در زمان حیاتشان نیکی کند، و هنگامی که مردند بر ایشان طلب آمرزش نکرد، در نامه عملش عاق والدین نوشته شود، و اگر مردی که در زمان حیاتشان عاق والدین بوده، و هنگامی که مردند بر ایشان استغفار زیاد کرد در نامه عملش جزء نیکوکاران محسوب شود.

عَنِ الْكَاطِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ قَالَ لَا يُسَمِّيهِ بِاسْمِهِ وَ لَا يَمْشِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَا يَجْلِسُ قَبْلَهُ وَ لَا يَسْتَسِيبُ لَهُ

امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سؤال شد: حق پدر بر فرزندش چیست؟ فرمود:

او را به نامش نخواند، و جلوی راه نرود، و قبل از او ننشیند، و باعث دشنام به او نشود.

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا يَمْنَعُ الرَّجُلَ مِنْكُمْ أَنْ يَبِرَّ وَالِدَيْهِ حَيِّينَ وَ مَيِّتَيْنِ يُصَلِّيَ عَنْهُمَا وَ يَتَصَدَّقَ عَنْهُمَا وَ يَحُجَّ عَنْهُمَا وَ يَصُومَ عَنْهُمَا فَيَكُونَ الَّذِي صَنَعَ لَهُمَا وَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ فَيَزِيدَهُ اللَّهُ بِرَّهُ وَ صَلَاتِهِ خَيْرًا كَثِيرًا

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: نباید چیزی مانع نیکی کردن فردی از شما به پدر و مادرش شود؛ زنده باشند یا مرده ، از جانب آنها نماز بخواند و صدقه دهد و حج گزارد، و روزه بگیرد، تا آنچه کرده ثوابش از آنها باشد، و مانند آن هم برای خود او، تا خداوند به وسیله احسان و صله او خیر و فراوانی برایش زیاد کند.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي فَقَالَ لَا تَشْرِكْ بِاللَّهِ شَيْئًا وَ إِنَّ حُرْقَتَ النَّارِ وَ عُذْبَتَ إِيَّالَا وَ قَلْبِكَ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَ وَالِدَيْكَ فَأَطْعِمْهُمَا وَ بَرَّهُمَا حَيِّينَ كَانَا أَوْ مَيِّتَيْنِ وَ إِنَّ أَمْرًا أَنْ تَخْرُجَ مِنْ أَهْلِكَ وَ مَالِكَ فَافْعَلْ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الْإِيمَانِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: مردی نزد پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! مرا سفارشی کن ، فرمود: هیچ چیزی را با خدا شریک ممان ، گرچه با آتش سوزانده شوی و شکنجه شوی ، همواره دلت به ایمان محکم باشد، و پدر و مادرت را فرمانبر و با آنها نیکی کن ، زنده باشند یا مرده ، و اگر دستور دادند که خاندان و مالت را کنار گذاری این کار را بکن که از ایمان است .

عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَدْعُو لِلْوَالِدَيْنِ إِذَا كَانَا لَا يَعْرِفَانِ الْحَقَّ فَقَالَ ادْعُ لَهُمَا وَ تَصَدَّقْ عَنْهُمَا وَ إِنْ كَانَا حَيِّينِ لَا يَعْرِفَانِ الْحَقَّ فَدَارِهِمَا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِالرَّحْمَةِ لَا بِالْعُقُوقِ

معمر بن خلّاد گوید: به امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: برای پدر و مادرم که مذهب حق را شناسند دعا کنم؟ فرمود: بر ایشان دعا کن و از جانب آنها صدقه بده، و اگر زنده باشند و مذهب حق را شناسند باز هم با آنها مدارا کن، زیرا رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: خداوند مرا به رحمت مبعوث گردانده نه به بی مهری و نافرمانی.

عَنْ الصَّادِقِ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ فَسَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ بَرِّ الْوَالِدَيْنِ فَقَالَ ابْرُزْ أُمَّكَ ابْرُزْ أُمَّكَ ابْرُزْ أَبَاكَ ابْرُزْ أَبَاكَ ابْرُزْ أَبَاكَ وَبَدَأَ بِالْأُمِّ قَبْلَ الْمَلَأَمِ بَصَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: مردی خدمت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و از آن حضرت در باره خوشرفتاری با پدر و مادر پرسید، حضرت فرمود: با مادرت خوشرفتاری کن، با مادرت خوشرفتاری کن، با مادرت خوشرفتاری کن، با پدرت خوشرفتاری کن، با پدرت خوشرفتاری کن، و مادر را قبل از پدر ذکر فرموده.

عَنْ مُهَنْبِيِّ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قُلْتُ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَوْلَى بَرِّ أُمَّكَ قَالَ أُمَّكَ قُلْتُ ثُمَّ مَنْ قَالَ ثُمَّ أُمَّكَ قُلْتُ ثُمَّ مَنْ قَالَ ثُمَّ أَبَاكَ ثُمَّ الْأَقْرَبَ فَأَلْقَرَبَ

مهنی بن حکیم از پدرانش نقل کند که گوید: از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسیدم: ای رسول خدا! به که احسان کنم؟ فرمود: به مادرت، گفتم: سپس به که؟ فرمود: به مادرت، گفتم: سپس به چه کسی؟ فرمود: سپس مادرت، گفتم: سپس چه کسی؟ فرمود: پدرت، بعد از او هر که نزدیکتر باشد.

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ كُنْتُ نَصْرَانِيًّا فَأَسْلَمْتُ وَ حَجَجْتُ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قُلْتُ لَهُ إِنِّي كُنْتُ عَلَى النَّصْرَانِيَّةِ وَإِنِّي أَسْلَمْتُ فَقَالَ وَ أَى شَيْءٍ رَأَيْتَ فِي الْإِسْلَامِ قُلْتُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا كُنْتُ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَ لَا الْإِيمَانُ وَ لَكِنْ جَعَلَنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ فَقَالَ لَقَدْ هَدَاكَ اللَّهُ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ اهْدِهِ ثَلَاثًا سَلِّ عَمَّا شِئْتَ يَا بُنَيَّ فَقُلْتُ إِنَّ أَبِي وَ أُمِّي وَ أَهْلَ بَيْتِي عَلَى النَّصْرَانِيَّةِ وَ أُمِّي مَكْفُوفَةٌ الْبَصَرِ فَكُونُ مَعَهُمْ وَ أَكُلْ فِي بَيْتِهِمْ فَقَالَ يَا كُلُونَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ فَقُلْتُ لَا وَ لَا يَمْسُونَهُ فَقَالَ لَا بَأْسَ وَ انظُرْ أُمَّكَ فَبَرَّهَا وَ إِذَا مَاتَتْ فَلَا تَكَلِّهَا إِلَى غَيْرِكَ كُنْ أَنْتَ الَّذِي تَقُومُ بِشَأْنِهَا وَ لَا تُخْبِرَنَّ أَحَدًا أَنَّكَ أَتَيْتَنِي وَ أَتَيْتَنِي بِمَنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ قَالَ فَاتَيْتُهُ بِمَنِي وَ النَّاسُ حَوْلَهُ كَأَنَّهُ مُعَلِّمٌ صَبِيَانٍ هَذَا يَسْأَلُهُ وَ هَذَا يَسْأَلُهُ فَلَمَّا قَدِمْتُ الْكُوفَةَ أَطْفَتُ لِأُمِّي وَ كُنْتُ أُطْعِمُهَا وَ أَفْلِي نَوْبَهَا وَ قِنَاعَهَا وَ أَخْدُمُهَا قَالَتْ لِي يَا بُنَيَّ كُنْتُ مَا تَصْنَعُ بِي هَذَا وَ أَنْتَ عَلَى دِينِي فَمَا الَّذِي أَرَى مِنْكَ مُنْذُ هَاجَرْتَ فَدَخَلْتَ فِي الْحَنِيفِيَّةِ فَقُلْتُ لَهَا رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ نَبِيِّنَا أَمَرَنِي بِهَذَا فَقَالَتْ هَذَا الرَّجُلُ هُوَ نَبِيٌّ فَقُلْتُ لَا وَ لَكِنَّهُ ابْنُ نَبِيٍّ فَقَالَتْ يَا بُنَيَّ إِنَّ هَذِهِ وَ صَايَا الْأَنْبِيَاءِ فَقُلْتُ يَا أُمَّهُ لَيْسَ يَكُونُ بَعْدَ نَبِيِّنَا نَبِيٌّ وَ لَكِنَّهُ ابْنُهُ فَقَالَتْ يَا بُنَيَّ دِينِكَ خَيْرٌ دِينٍ فَأَعْرَضَهُ عَلَيَّ فَأَعْرَضْتُهُ عَلَيْهَا فَدَخَلَتْ فِي الْإِسْلَامِ وَ عَلَّمْتُهَا الصَّلَاةَ فَصَلَّتِ الظُّهْرَ وَ العَصْرَ وَ المَغْرِبَ وَ العِشَاءَ الْأَخْرَةَ ثُمَّ عَرَضَ لَهَا عَارِضٌ فِي اللَّيْلِ فَقَالَتْ يَا بُنَيَّ أَعِدْ عَلَيَّ مَا عَلَّمْتَنِي مِنْ دِينِكَ فَأَعَدْتُهُ عَلَيْهَا فَأَقَرَّتْ بِهِ وَ مَاتَتْ فَلَمَّا أَصْبَحَتْ كَانَ الْمُسْلِمُونَ الَّذِينَ غَسَّلُوهَا وَ كَفَّنُوهَا وَ صَلَّيْتُ عَلَيْهَا وَ نَزَلْتُ فِي قَبْرِهَا

زكريا بن ابراهيم گوید: من نصرانی بودم و مسلمان شدم و حج گزاردم ، سپس خدمت امام صادق عليه السلام رسیدم و عرض کردم : من نصرانی بودم و مسلمان شدم ، فرمود: از اسلام چه دیدی ؟ گفتم : قول خدای عز و جل (نمی

دانستی کتاب و ایمان چیست ولی ما آن را نوری قرار دادیم که هر که را بخواهیم بدان هدایت کنیم)، فرمود: محققاً خدا تو را هدایت فرموده است ، آنگاه سه مرتبه فرمود: خدایا هدایتش فرما، پسر جان هر چه خواهی بپرس ، عرض کردم : پدر و مادر و خانواده من نصرانی هستند و مادرم نابیناست ، من با آنها باشم و در ظرف آنها غذا بخورم ؟ فرمود: آنها گوشت خوک می خورند؟ عرض کردم : نه ، با آن تماس هم نمی گیرند، فرمود: مانعی ندارد، مواظب مادرت باش و با او خوشرفتاری کن ، و چون بمیرد او را به دیگری وامگذار، خودت به کارش اقدام کن ، و به کسی نگو که نزد من آمده ای ، تا در منی پیش من آیی ، ان شاء الله .

زکریا گوید: من در منی خدمتش رفتم در حالی که مردم گردش را گرفته بودند، و او مانند معلم کودکان بود که گاهی این و گاهی آن از او سؤال می کرد، سپس چون به کوفه رفتم نسبت به مادرم مهربانی کردم ، و خودم به او غذا می دادم ، و جامه و سرش را از کثافت پاک می کردم و خدمتگزارش بودم ، مادرم به من گفت : پسر جان ! تو زمانی که دین مرا داشتی با من چنین رفتاری نمی کردی ، این چه رفتار است که از تو می بینم ، از زمانی که از دین ما رفته ای و به دین حنفیه گرویده ای ؟ به مادرم گفتم : مردی از فرزندان پیغمبر ما به من چنین دستور داده ، مادرم گفت : آن مرد پیغمبر است ؟ گفتم : نه بلکه پسر یکی از پیغمبرانست ، مادرم گفت : پسر جان این مرد پیغمبر است ، زیرا دستوری که به تو داده از سفارشات پیغمبرانست ، گفتم : مادر! بعد از پیغمبر ما پیغمبری نباشد و او پسر پیغمبر است ، مادرم گفت : دین تو بهترین دین است ، آن را بر من عرضه کن ، من به او عرضه داشتم و او مسلمان شد، و من هم نماز را به او آموختم ، او هم نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را خواند، سپس در

شب ؛ بیماری بر او عارض شد، به من گفت : پسر جان ! آنچه به من آموختی دوباره بیاموز، من آنها را تکرار کردم ، مادرم اقرار کرد و از دنیا رفت ، چون صبح شد مسلمانها غسلش دادند و کفنش کردند و خودم بر او نماز خواندم و در گورش گذاشتم .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَرَّ إِسْمَاعِيلُ فَقَالَ كُنْتُ أُحِبُّهُ فَقَدِ اِزْدَدْتُ لَهُ حُبًّا إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَتْهُ أُخْتُ لَهُ مِنَ الرَّضَاعَةِ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهَا سُرَّ بِهَا وَبَسَطَ لَهَا مِلْحَفَتَهُ فَأَجْلَسَهَا عَلَيْهَا ثُمَّ أَقْبَلَ يُحَدِّثُهَا وَيَضْحَكُ فِي وَجْهِهَا ثُمَّ قَامَتْ فَذَهَبَتْ وَجَاءَ أَخُوهَا فَلَمْ يَصْنَعْ بِهِ مَا صَنَعَ بِهَا فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَنَعْتَ بِأُخْتِهِ مَا لَمْ تَصْنَعْ بِهِ وَهُوَ رَجُلٌ فَقَالَ لِأَنَّهَا كَانَتْ أُمَّ بَابُوَيْهَا مِنْهُ

عمار بن حیان گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ خبر دادم که پسر اسماعیل نسبت به من خوشرفتار است ، فرمود: من هم او را دوست داشتم و اکنون دوستیم به او افزون گشت ، خواهر رضاعی رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نزد آن حضرت آمد، چون او را دید شادمان گشت و روپوش خود را برای او گسترده، و او را روی آن نشانید، سپس به او رو کرد و با او به گفتگو پرداخت و تبسم می فرمود، تا زمانی که برخاست و برفت ، آنگاه برادرش آمد، حضرت رفتاری که نسبت به خواهرش داشت نسبت به او عمل نفرمود، به حضرت عرض شد: ای رسول خدا! با خواهرش رفتاری کردی که نسبت به او نکردی ، با آنکه او مرد است ؟ فرمود: زیرا آن خواهر نسبت به پدر و مادرش خوشرفتارتر بود.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ فَقَالَ إِنَّ أَبَوَيَّ عُمَرَاءُ وَإِنَّ أَبِي مَضَى وَبَقِيَتْ أُمِّي فَبَلَغَ بِهَا الْكِبَرَ حَتَّى صِرْتُ أَمْضَعُ لَهَا كَمَا يُمَضَعُ لِلصَّبِيِّ وَ

أَوْسَدُهَا كَمَا يُوسَدُ لِلصَّبِيِّ وَعَلَّقْتُهَا فِي مِكَتَلٍ أَحْرَكُهَا فِيهِ لِنَتَامٍ ثُمَّ بَلَغَ مِنْ أَمْرِهَا إِلَى أَنْ كَانَتْ تُرِيدُ مِنِّي الْحَاجَةَ فَلَا أُدْرِي أَيُّ شَيْءٍ هُوَ وَ أُرِيدُ مِنْهَا الْحَاجَةَ فَلَا تَدْرِي أَيُّ شَيْءٍ هُوَ فَلَمَّا رَأَيْتُ ذَلِكَ سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُنَبِّتَ عَلَيَّ شَيْئاً يَجْرِي فِيهِ اللَّبَنُ حَتَّى أَرْضِعَهَا قَالَ ثُمَّ كَشَفَ عَن صَدْرِهِ فَإِذَا تَدْيٌ ثُمَّ عَصْرَهُ فَخَرَجَ مِنْهُ اللَّبَنُ ثُمَّ قَالَ هُوَ ذَا أَرْضَعْتُهَا كَمَا كَانَتْ تُرَضِّعُنِي قَالَ فَبَكَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ قَالَ أَصَبْتَ خَيْراً سَأَلْتَ رَبِّكَ وَ أَنْتَ تَتَوَى قُرْبَتَهُ قَالَ فَكَافَيْتُهَا قَالَ لَا وَ لَا بِزَفْرَةٍ مِنْ زَفَرَاتِهَا

امام باقر عليه السلام فرمود: مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: پدر و مادرم پیر شده بودند و عمر زیادی کردند، پدرم از دنیا رفته و مادرم باقی مانده است ، به حدی پیر شده که غذا را برایش می جوم همان طور که برای طفل می جویند، و برایش بالش می گذارم همان طور که برای طفل بالش گذاشته می شود، او را در گهواره ای قرار می دهم و حرکتش می دهم تا بخوابد، سپس کارش به حدی رسیده که از من چیزی می خواهد ولی نمی داند آن چیز چیست ، و من از او چیزی می خواهم و او نمی داند آن چیز چیست ، چون این حال را دیدم ، از خدای عزَّ و جل خواستم تا بر سینه ام پستانی برویاند، و در آن شیر جاری شود تا او را شیر دهم ، گفت : سپس روی سینه ام پستانی ظاهر شد، سپس آن را فشرد و از آن شیر خارج شد، بعد گفت : این گونه او را شیر می دهم همان طور که مرا شیر داد، در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله گریه کرد و فرمود: تو به خیر رسیدی ، از پروردگارت چیزی خواستی در حالی که نیت قربتش را کردی ، پرسید: آیا جبران من نمودم ؟ فرمود: نه ، و نه به یک فریادی که در هنگام زایمان کشیده است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ بَرُّوا آبَاءَكُمْ وَيُرِّكُمْ أَبْنَاءَكُمْ وَغَضُّوا عَنِ النِّسَاءِ يُغَضُّ
عَنْ نِسَائِكُمْ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: به پدرانتان نیکی کنید تا فرزندانتان به شما نیکی
کنند، چشم خود را از زنان پوشید تا از زنانتان چشم پوشیده شود.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ ثَلَاثَةٌ لَا بُدَّ مِنْ أَدَائِهِنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ الْأَمَانَةُ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَ
الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: سه چیز است که در هر حال ناچار از انجام آن
هستید: رد امانت به نیکوکار و بدکار، وفاء به عهد نسبت به نیکوکار و بدکار،
خوشرفتاری با پدر و مادر چه نیکوکار باشند و چه بدکار.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي كَلَامٍ لَهُ إِيَّاكُمْ وَ عُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ
فَإِنَّ رِيحَ الْجَنَّةِ تُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ أَلْفِ عَامٍ وَ لَا يَجِدُهَا عَاقٌ وَ لَا قَاطِعٌ رَحِمٍ وَ لَا
شَيْخٌ زَانٍ وَ لَا جَارٌ إِزَارُهُ خِيَلَاءَ إِنَّمَا الْكِبْرِيَاءُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کند که فرمود: از آزردن پدر و مادر
بپرهیزید، زیرا بوی بهشت از مسافت هزار سال شنیده شود؛ ولی عاق والدین و
قطع کننده خویشاوندی، و پیرمرد زناکار، و آنکه جامه اش را از روی تکبر و
بزرگ منشی بر زمین کشد آن را حس نکنند، و جز این نیست که بزرگی از آن
پروردگار جهانیان است .

وَ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَدْنَى الْعُقُوقِ أَفٌّ وَ لَوْ عَلِمَ اللَّهُ شَيْئاً أَهْوَنَ مِنْهُ لَنَهَى عَنْهُ

امام صادق علیه السلام فرمود: کمترین آزردن پدر و مادر گفتن کلمه «اف» به آنهاست ، و اگر خداوند چیزی را آسانتر و خوارتر از آن می دانست از آن نهی می فرمود.

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً أَعَانَ وَالِدَيْهِ عَلَى بَرِّهِ رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً أَعَانَ وُلْدَهُ عَلَى بَرِّهِ رَحِمَ اللَّهُ جَاراً أَعَانَ جَارَهُ عَلَى بَرِّهِ رَحِمَ اللَّهُ رَفِيقاً أَعَانَ رَفِيقَهُ عَلَى بَرِّهِ رَحِمَ اللَّهُ خَلِيطاً أَعَانَ خَلِيطَهُ عَلَى بَرِّهِ رَحِمَ اللَّهُ رَجُلًا أَعَانَ سُلْطَانَهُ عَلَى بَرِّهِ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: خداوند رحمت کند شخصی را که پدر و مادرش را در انجام کار نیک یاری می کند، خدا رحمت کند شخصی را که فرزندش را در انجام کار نیک یاری دهد، خدا رحمت کند همسایه ای را که به همسایه اش در انجام کار نیک کمک کند، خدا رحمت کند رفیقی را که رفیقش را در انجام کار نیک کمک کند، خدا رحمت کند همراهی را که به همراهش در انجام کار نیک کمک کند، خدا رحمت کند مردی را که پادشاهش را در انجام کار نیک کمک کند.

وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُخَفَّفَ اللَّهُ عَنْهُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ فَلْيَكُنْ بِقَرَابَتِهِ وَصَوْلًا وَبِوَالِدَيْهِ بَاراً فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ هَوَّنَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَلَمْ يُصِبهُ فِي حَيَاتِهِ فَقْرٌ أَبَداً

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس دوست دارد که خداوند سختیهای مرگ را بر او آسان نماید صله رحم را نسبت به اقوامش بیشتر نماید، و به پدر و مادرش نیکوکار باشد، هر گاه چنین بود خداوند سختیهای مرگ را بر او آسان گرداند، و در طول زندگانش فقر را به او نرساند.

وَقَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ يَا رَبُّ أَوْصِنِي قَالَ أَوْصِيكَ بِبِي قَالَ فَقَالَ رَبُّ أَوْصِنِي قَالَ أَوْصِيكَ بِبِي ثَلَاثًا قَالَ يَا رَبُّ أَوْصِنِي قَالَ أَوْصِيكَ بِأُمَّكَ قَالَ يَا رَبُّ أَوْصِنِي قَالَ أَوْصِيكَ بِأُمَّكَ قَالَ يَا رَبُّ أَوْصِنِي قَالَ أَوْصِيكَ بِأَبِيكَ قَالَ لِأَجْلِ ذَلِكَ إِنَّ لِلْأُمِّ ثُلْثِي الْبِرِّ وَلِلْأَبِ الثُّلُثَ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: موسی بن عمران عرض کرد: پروردگارا! مرا نصیحت کن ، فرمود:

سفارش می کنم تو را به توجه داشتن نسبت به من ، عرض کرد: پروردگارا! مرا نصیحت کن ، سه مرتبه فرمود: سفارش می کنم تو را به خودم ، عرض کرد: پروردگارا! مرا نصیحت کن ، فرمود: سفارشت می کنم در باره مادرت ، عرض کرد: پروردگارا! مرا نصیحت کن ، فرمود: سفارش می کنم تو را در باره مادرت ، عرض کرد: پروردگارا! مرا نصیحت کن ، فرمود: سفارش می کنم تو را در مورد پدرت ، فرمود: برای همین است که برای مادر دو ثلث نیکی و برای پدر یک ثلث است .

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رِضَاءُ اللَّهِ مَعَ رِضَاءِ الْوَالِدَيْنِ وَسَخَطُ اللَّهِ مَعَ سَخَطِ الْوَالِدَيْنِ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: رضایت و خوشنودی خداوند با خوشنودی پدر و مادر است و خشم خداوند به همراه خشم و غضب پدر و مادر است .

وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ وُلْدٍ بَارٍ يَنْظُرُ إِلَى وَالِدَيْهِ نَظْرَ رَحْمَةٍ إِلَّا كَانَ لَهُ بِكُلِّ نَظْرَةٍ حَجَّةٌ مَبْرُورَةٌ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنْ نَظَرَ كُلَّ يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ قَالَ نَعَمْ اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَطْيَبُ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر فرزند نیکوکاری که به پدر و مادرش به نگاه رحمت نظر کند در برابر هر نگاه کردن یک حج مقبول برایش منظور گردد، پرسیدند: ای رسول خدا! اگر چه در هر روز صد مرتبه نگاه کند؟ فرمود: بلی، خداوند بزرگتر از اینها و پاکیزه تر است.

وَقَالَ مَنْ بَرَّ بِوَالِدَيْهِ زَادَ اللَّهُ فِي عُمُرِهِ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر که به پدر و مادرش نیکی کند خداوند به عمرش برکت دهد.

وَقَالَ ثَلَاثُ دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَاتٍ دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ وَدَعْوَةُ الْمُسَافِرِ وَدَعْوَةُ الْوَالِدِ
رسول خدا ﷺ فرمود: سه دعا به اجابت می رسد: دعای مظلوم، دعای مسافر، دعای پدر.

وَقَالَ دُعَاءُ الْوَالِدِ لَوْلَدِهِ كَدُعَاءِ النَّبِيِّ لِأُمَّتِهِ

رسول خدا ﷺ فرمود: دعای پدر برای فرزندش مانند دعای پیامبر برای امتش می باشد.

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا مَا هَذَا
الْإِحْسَانُ قَالَ أَنْ تُحْسِنَ صُحْبَتَهُمَا وَأَنْ لَا تُكَلِّفَهُمَا أَنْ يَسْأَلَكَ شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجَانِ

إِلَيْهِ وَإِنْ كَانَا مُسْتَعْنِيَيْنِ أَلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَ أَمَّا قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَ لَا تَنْهَرُهُمَا قَالَ إِنْ أَضْجَرَكَ فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَ لَا تَنْهَرُهُمَا إِنْ ضَرَبَاكَ وَ قَالَ وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا قَالَ فَإِنْ ضَرَبَاكَ فَقُلْ لَهُمَا غَفَرَ اللَّهُ لَكُمْ فَذَلِكَ مِنْكَ قَوْلٌ كَرِيمٌ قَالَ وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ قَالَ لَا تَمَلَأْ عَيْنَيْكَ مِنَ النَّظَرِ إِلَيْهِمَا إِلَّا بِرَحْمَةٍ وَ رِقَّةٍ وَ لَا تَرْفَعْ صَوْتَكَ فَوْقَ أَصْوَاتِهِمَا وَ لَا يَدَيْكَ فَوْقَ أَيْدِيهِمَا وَ لَا تَقْدَمْ قُدَامَهُمَا

از امام صادق عليه السلام سؤال شد در مورد قول خدای عز و جل : (و به پدر و مادر احسان کنید) این احسان چیست ؟ فرمود: این است که با آنها نیکی معاشرت کنی ، و آنها را مجبور نکنی چیزی را که احتیاج دارند از تو بخواهند، اگر چه بی نیاز باشند، مگر خداوند نمی فرماید:

(هرگز به نیکی نمی رسید مگر از آنچه دوست دارید انفاق کنید).

سپس امام صادق عليه السلام فرمود: و اما قول خدای تبارک و تعالی : (اگر یکی از ایشان یا هر دوی آنها نزد تو به پیری رسیدند به آنها اف مگو و با آنها تندی مکن)، یعنی اگر تو را دلتنگ کردند به آنها اف نگو، و اگر تو را زدند به آنها تندی مکن ، و فرمود: (و به آنها سخنی شریف و بزرگووار بگو)، یعنی اگر تو را زدند بگو: خدا شما را بیامرزد، این است سخن شریف تو، و فرمود: (بال و پر فروتنی و مهربانی را برای آنان فروکش)، فرمود:

دیدگانت را به آنها خیره مکن ، بلکه با مهربانی و دلسوزی به آنها بنگر، و صدایت را از صدای آنها بلندتر مکن ، و دستت را بالای دست آنها مگیر و بر آنها پیشی مگیر.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ مِنْ حَقِّ الْوَالِدَيْنِ عَلَيَّ وَلَدِهِمَا أَنْ يَقْضِيَ دُيُونَهُمَا وَيُوفِيَ نُدُورَهُمَا وَلَا يَسْتَسَبَّ لَهُمَا فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ بَارًّا وَإِنْ كَانَ عَاقًّا لَهُمَا فِي حَيَاتِهِمَا وَإِنْ لَمْ يَقْضِ دُيُونَهُمَا وَلَمْ يُوفِ نُدُورَهُمَا وَاسْتَسَبَّ لَهُمَا كَانَ عَاقًّا وَإِنْ كَانَ بَارًّا فِي حَيَاتِهِمَا

امام صادق عليه السلام فرمود: از حقوق پدر و مادر بر فرزندان این است که قرضهای آنها را ادا کند و نذرهای آنها را وفا کند، و موجب فحش دادن به آنها نشود، اگر چنین کرد نیکوکار است، گرچه در دوران زندگیشان او را عاق کرده باشند، و اگر قرضهای آنها را ادا نکند، و نذرهایشان را وفا نکند و موجب فحش برای آنها شود عاق است، گرچه در طول حیاتشان نیکوکار بوده.

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ أَوْصِيَ الشَّاهِدَ مِنْ أُمَّتِي وَالْغَائِبَ وَمَنْ فِي أَصْلَابِ الرَّجَالِ وَارْحَامِ النِّسَاءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ بِيْرِ الْوَالِدَيْنِ وَإِنْ سَافَرَ أَحَدُهُمْ فِي ذَلِكَ سَنَتَيْنِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَمْرِ الدِّينِ

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: سفارش می کنم امت حاضر و غائب را و آنهایی را که در پشت مردان و زنان هستند تا روز قیامت؛ که به پدر و مادر خود نیکی کنند، اگر چه به فاصله دو سال راه بروند تا به آنان برسند، زیرا این کار جزء دین است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ بَايَعَنِي عَلَى الْإِسْلَامِ فَقَالَ أَنْ تَقْتُلَ أَبَاكَ فَكَفَّ الْأَعْرَابِيُّ يَدَهُ وَأَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى الْقَوْمِ يُحَدِّثُهُمْ فَعَادَ الْأَعْرَابِيُّ بِالْقَوْلِ فَأَجَابَهُ رَسُولُ اللَّهِ بِمِثْلِ الْأَوَّلِ فَكَفَّ الْأَعْرَابِيُّ يَدَهُ فَأَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى الْقَوْمِ يُحَدِّثُهُمْ ثُمَّ عَادَ الْأَعْرَابِيُّ فَقَالَ أَنْ تَقْتُلَ أَبَاكَ فَقَالَ

نَعَمْ فَبَايَعَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ الْآنَ حِينِ لَمْ تَتَّخِذْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيَجْزِيَ إِيَّيْ لَمْ أَمْرُ بِعُقُوقِ الْوَالِدَيْنِ وَ لَكِنْ صَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا

امام صادق عليه السلام فرمود: اعرابی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! با من بر اسلام بیعت کن ، فرمود: تا پدرت را بکشی ؟ اعرابی دستش را کنار کشید، رسول خدا صلی الله علیه و آله رو به طرف قوم بر گرداند تا با آنها گفتگو کند.

اعرابی بازگشت و حرفش را تکرار کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله مثل جواب اول را به او داد، اعرابی دستش را کشید، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله به طرف قوم رفت تا با آنها به گفتگو پردازد، باز اعرابی برگشت ، پیامبر فرمود: تا پدرت را بکشی ؟ گفت : بلی ، پیامبر با او بیعت کرد و فرمود: الان آن هنگامی است که (غیر از خدا و رسول او و مؤمنان محرم اسراری نگرفته اند) من فرمان به نافرمانی پدر و مادر نمی دهم و لکن در دنیا با آنها خوشرفتار باش .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ حَضَرَ رَسُولُ اللَّهِ شَابًا عِنْدَ وَفَاتِهِ فَقَالَ لَهُ قُلْ لِي إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَأَعْتَقِلَ لِسَانَهُ مِرَارًا فَقَالَ لِمَرْأَةٍ عِنْدَ رَأْسِهِ هَلْ لِهَذَا أُمَّ قَالَتْ نَعَمْ أَنَا أُمُّهُ فَقَالَ فَسَاخِطَةٌ أَنْتِ عَلَيْهِ قَالَتْ نَعَمْ مَا كَلَّمْتُهُ مُنْذُ سِتِّ حِجَجٍ قَالَ ارْضِي عَنْهُ فَقَالَتْ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ بَرِضَاكَ عَنْهُ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ قُلْ لِي إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَقَالَتْ مَا تَرَى قَالَ أَرَى رَجُلًا أَسْوَدَ قَبِيحَ الْمَنْظَرِ مُنْتِنَ الرَّيْحِ قَدْ وَلِيَنِي السَّاعَةَ فَأَخَذَ بِكَظْمِي فَقَالَ قُلْ يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَ يَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ أَقْبَلُ مِنْنِي الْيَسِيرَ وَ اعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ فَقَالَتْ فَقَالَ لَهُ مَا تَرَى فَقَالَ أَرَى رَجُلًا أَبْيَضَ حَسَنَ الثِّيَابِ حَسَنَ الْوَجْهِ طَيِّبَ الرَّيْحِ قَدْ وَلِيَنِي وَ أَرَى الْأَسْوَدَ قَدْ نَأَى عَنِّي

قَالَ أَعِدْ فَأَعَادَ فَقَالَ لَسْتُ أَرَى الْأَسْوَدَ وَ أَرَى الْأَبْيَضَ قَدْ وَلِيَنِي قَالَ فَطَفَى ثُمَّ طَفَا
عَلَى هَذَا الْحَالِ

امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام فوت جوانی حاضر شد و فرمود: بگو « لا اله الا الله»، زبانش را چندین بار حرکت داد، پیامبر به زنی که بالای سر جوان بود فرمود: آیا این جوان مادری دارد؟ گفت: بلی، من مادر اویم، فرمود: آیا تو بر او خشمگین هستی؟

گفت: بلی، شش سال است که با او حرف نزده ام، فرمود: از او راضی شو، گفت: خدا به رضای تو از او راضی شود ای رسول خدا، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله به جوان فرمود: بگو « لا اله الا الله»، جوان این کلمه گفت، فرمود: چه می بینی؟ گفت: مردی سیاه روی و زشت صورت و بدبو را می بینم که مرا در این ساعت احاطه کرده و گلویم را می فشارد.

فرمود: بگو «ای کسی که عمل کم را می پذیری و از گناهان بسیار در می گذری، عمل کمم را بپذیر و گناهان بسیارم را در گذر، تو حقا آمرزنده و مهربانی»، جوان این جملات را گفت، به او فرمود: چه می بینی؟ گفت: مردی سفید، خوش لباس، خوش صورت، خوش بو که مرا در بر گرفته، و می بینم که مرد سیاه از من دور می شود، فرمود: تکرار کن، جوان تکرار کرد، سپس گفت: دیگر مرد سیاه را نمی بینم و مرد سفید را می بینم که مرا در بر گرفته، سپس در همین حال جان داد.

عَنْهُ عليه السلام وَ مِنَ الْعُقُوقِ أَنْ يَنْظُرَ الرَّجُلُ إِلَى وَالِدَيْهِ يُحِدُّ النَّظَرَ إِلَيْهِمَا

امام صادق عليه السلام فرمود: از جمله آزردهن پدر و مادر این است که کسی به پدر و مادرش تند نگاه کند.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ نَظَرَ إِلَى وَالِدَيْهِ نَظْرَ مَاقِتٍ وَهُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ
امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس به پدر و مادر خود نگاه دشمنانه کند، در
صورتی هم که آن دو به او ستم کرده باشند، نمازش پذیرفته نشود.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ كُشِفَ غِطَاءُ مَنْ أُعْطِيَ الْجَنَّةَ فَوَجَدَ رِيحَهَا مَنْ
كَانَتْ لَهُ رُوحٌ مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ إِلَّا صِنْفٌ وَاحِدٌ قُلْتُ وَمَنْ هُمْ قَالَ الْعَاقُّ
لِوَالِدَيْهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: چون روز قیامت شود، پرده ای از پرده های بهشت
را کنار زنند، هر جاندارى بوی آن را از مسافت پانصد سال حس کند، مگر یک
گروه، عرض کردم: آنها کیانند؟ فرمود: کسانی که عاق والدین شده اند.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ أَبِي كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ
نَظَرَ إِلَى رَجُلٍ وَمَعَهُ ابْنُهُ وَالْأَبْنُ مُتَّكِئٌ عَلَى ذِرَاعِ الْأَبِ قَالَ فَمَا كَلَّمَهُ عَلَيْهِ بْنُ
الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَقْتًا لَهُ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا

امام باقر عليه السلام فرمود: پدرم که خدا رویش را مکرم بدارد به مردی نگاه کرد
که پسرش همراه او بود، و آن پسر به شانه پدرش تکیه کرده بود، فرمود: پدرم
با آن پسر به خاطر بدی آن کارش سخن نگفت تا از دنیا رفت .

فصل پانزدهم : در صله رحم

الفصل الخامس عشر في صلة الرحم

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَوْصِيَ الشَّاهِدَ مِنْ أُمَّتِي وَالْغَائِبَ مِنْهُمْ وَمَنْ فِي أَصْنَابِ الرَّجَالِ وَأَرْحَامِ النِّسَاءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَنْ يَصِلَ الرَّحِمَ وَإِنْ كَانَتْ مِنْهُ عَلَى مَسِيرَةِ سَنَةٍ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ

امام باقر عليه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کند که فرمود: سفارش می کنم امت حاضر و غایب را و آنهایی را که در پشت مردان و رحم زنانند تا روز قیامت؛ به اینکه صله رحم کنند، اگر چه به فاصله یک سال راه باشد، زیرا صله رحم جزء دین است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اتَّقُوا الْحَالِقَةَ فَإِنَّهَا تُمِيتُ الرَّجَالَ قُلْتُ وَمَا الْحَالِقَةُ قَالَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ

امام صادق عليه السلام فرمود: از حالقه بپرهیزید، زیرا که مردان را می میراند، عرض کردم :

حالقه چیست ؟ فرمود: قطع رحم است .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا مِنْ ذَنْبٍ أَجْدَرَ أَنْ يُعَجَّلَ اللَّهُ لِصَاحِبِهِ الْعُقُوبَةَ فِي الدُّنْيَا مَعَ مَا ادَّخَرَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْبَغْيِ وَقَطِيعَةِ الرَّحِمِ

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ گناهی سزاوارتر برای صاحبش در جلو افتادن عقوبت دنیوی به علاوه آنچه در آخرت برایش ذخیره شده ؛ از ظلم و قطع رحم نیست .

وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْلُ نَاطِقٍ مِنَ الْجَوَارِحِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الرَّحِمُ يَقُولُ يَا رَبِّ مَنْ وَصَلَنِي فِي الدُّنْيَا فَصَلِّ الْيَوْمَ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ وَ مَنْ قَطَعَنِي فِي الدُّنْيَا فَاقْطَعْ الْيَوْمَ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ

امام صادق عليه السلام فرمود: نخستین سخنگوی اعضاء بدن در روز قیامت رحم است که می گوید: پروردگارا! هر که در دنیا مرا پیوست ؛ امروز میان خودت و او پیوند ده ، و هر که در دنیا مرا برید امروز خود را از او ببر.

وَ قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلَّةُ الْأَرْحَامِ تُرَكِّي الْأَعْمَالَ وَ تَدْفَعُ الْبُلُوَى وَ تُنْمِي الْأَمْوَالَ وَ تُيسِّرُ الْحِسَابَ وَ تُنسي فِي الْأَجَلِ

امام باقر عليه السلام فرمود: صله ارحام اعمال را پاک کند و بلا را بگرداند، و اموال را فزونی دهد، و حساب را آسان کند، و اجل را به تأخیر اندازد.

وَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ بِرُ الْوَالِدَيْنِ وَ صَلَّةُ الرَّحِمِ يُهَوِّنَانِ الْحِسَابَ ثُمَّ تَلَا وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ

رسول خدا صلوات الله عليه فرمود: نیکی به پدر و مادر و صله رحم حساب را آسان کند، سپس این آیه را تلاوت فرمود: (و کسانی که وصل می کنند آنچه را خدا امر به وصل آن کرده).

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ زَوَّجَ لِلَّهِ وَ وَصَلَ الرَّحِمَ تَوَجَّهَ اللَّهُ بِتَاجِ الْمُلْكِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

علی بن الحسین عليه السلام فرمود: هر که برای خدا تزویج کند و صله رحم کند، خداوند روز قیامت تاج پادشاهی بر سرش نهد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ صَلَّةُ الرَّحِمِ وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ يُمَدُّ اللَّهُ بِهِمَا فِي الْعُمُرِ وَ
يَزِيدُ فِي الْمَعِيشَةِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خداوند به وسیله صلہ رحم و نیکی به پدر و مادر
عمر را طولانی کند، و رزق و روزی را بیافزاید.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلِّ رَحِمَكَ وَ لَوْ بِشَرْبَةِ مِنْ مَاءٍ وَ أَفْضَلُ مَا تُوصَلُ بِهِ
الْأَرْحَامُ كَفُّ الْأَذَى عَنْهَا

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: صلہ رحم کن اگر چه به یک آشامیدن آب باشد، و
بهترین صلہ رحم آزار نرسانیدن به اوست .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُوسَعَ لَهُ فِي رِزْقِهِ وَ يُنْسَأَ لَهُ فِي أَجَلِهِ فَلْيَصِلْ
رَحِمَهُ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر که دوست دارد که رزقش فزون گردد و اجلش
به تأخیر افتد باید صلہ رحم کند.

عَنْ سَالِمَةَ مَوْلَاةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ حَضَرَتْهُ
الْوَفَاةُ فَأُغْمِيَ عَلَيْهِ فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ أَعْطُوا الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَ
هُوَ الْأَفْطَسُ سَبْعِينَ دِينَاراً وَ أَعْطُوا فُلاناً كَذَا وَ فُلاناً كَذَا فَقُلْتُ أَعْطَى رَجُلًا حَمَلَ
عَلَيْكَ بِالشَّفَرَةِ فَقَالَ وَيْحَكَ أَمَا تَقْرَأِينَ الْقُرْآنَ قُلْتُ بَلَى قَالَ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ
جَلَّ وَ عَزَّ وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَ يَخَافُونَ
سُوءَ الْحِسَابِ

سالمة کنیز امام صادق علیه السلام گوید: هنگام وفات حضرت در کنار ایشان بودم که حالت بی هوشی بر ایشان عارض شد، زمانی که به هوش آمدند فرمود: به حسن بن علی بن علی بن الحسین که ملقب به افطس است هفتاد دینار بدهید، و فلانی را فلان مقدار و فلانی را فلان مقدار، گفتم: آیا به کسی که خواست با چاقو بر شما حمله کند هم عطا می کنید؟ فرمود: وای بر تو؛ آیا قرآن خوانده ای؟ گفتم: بلی، فرمود: آیا شنیده ای قول خدای عزّ و جل را: (و کسانی که پیوند می دهند آنچه را خدا امر به وصلش کرده و از پروردگارشان می ترسند و از بدی حساب می ترسند).

عَنْهُ علیه السلام قَالَ إِنِّي لَأُبَادِرُ صَلَةَ قَرَأْتِي قَبْلَ أَنْ يَسْتَعْفُوا يَسْتَعْفُوا عَنِّي

امام صادق علیه السلام فرمود: من به صله ارحامم مبادرت می کنم قبل از اینکه از من فاصله بگیرند.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ ثَلَاثَةٌ مِنْ مَكَارِمِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَنْ تَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَتَصِلَ مَنْ قَطَعَكَ وَتَحْلُمَ إِذَا جُهِلَ عَلَيْكَ

امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز از صفات خوب دنیا و آخرت است: گذشتن از کسی که به تو ستم کرده، و بیوستن به آنکه از تو بریده، و خویشتن داری زمانی که با تو نادانی کند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ عَنْ جَبْرِئِيلَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ أَنَا الرَّحْمَنُ شَقَقْتُ الرَّحِمَ مِنْ اسْمِي فَمَنْ وَصَلَهَا وَصَلْتَهُ وَ مَنْ قَطَعَهَا قَطَعْتَهُ

رسول خدا ﷺ از جبرئیل علیه السلام از قول خدای عزّ و جل نقل کند که فرمود:
من رحمانم و رحم از اسم من گرفته شده ، هر کس صله رحم کند من با او
پیوند می خورم ، و هر که آن را قطع کند من از او می برم .

وَقَالَ أَيُّمَا رَجُلٍ أَتَاهُ ابْنُ عَمِّهِ يَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَمَنْعَهُ مَنَعَهُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر مردی که پسر عمویش نزد او آید و از زیادی
مالش درخواست کند و او را منع کند، خداوند از نعماتش در روز قیامت او را
محروم سازد.

وَقَالَ صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَ لَوْ بِالسَّلَامِ

رسول خدا ﷺ فرمود: صله رحم کنید گرچه با سلام باشد.

وَقَالَ لَا تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ عَلَى قَوْمٍ فِيهِمْ قَاطِعُ الرَّحِمِ

رسول خدا ﷺ فرمود: بر قومی که در بینشان قطع کننده رحم باشد رحمت
نازل نمی شود.

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ رَجُلًا مِنْ خَشَعَمٍ جَاءَ إِلَى رَسُولِ
اللَّهِ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَفْضَلُ الْإِسْلَامِ قَالَ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ قَالَ ثُمَّ مَاذَا قَالَ
صِلَةُ الرَّحِمِ قَالَ ثُمَّ مَاذَا قَالَ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ قَالَ فَقَالَ الرَّجُلُ
أَيُّ الْأَعْمَالِ أَبْغَضُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ الشُّرْكُ بِاللَّهِ قَالَ ثُمَّ مَاذَا قَالَ قَطِيعَةُ
الرَّحِمِ قَالَ ثُمَّ مَاذَا قَالَ الْأَمْرُ بِالْمُنْكَرِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمَعْرُوفِ

امام صادق علیه السلام فرمود: مردی از قبیله خثعم خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
رسید و عرض کرد:

ای رسول خدا! چه چیز بالاترین مرتبه اسلام است؟ فرمود: ایمان به خدا،
گفت: پس از آن چه چیز؟ فرمود: صله رحم، گفت: سپس چه چیز؟ فرمود:
امر به معروف و نهی از منکر.

امام صادق علیه السلام فرمود: سپس مرد عرض کرد: کدام عمل نزد خدای عز و
جل مبعوض تر است؟ فرمود: شرک به خدا، گفت: بعد از آن چه؟ فرمود: قطع
رحم، گفت: پس از آن چه چیز؟ فرمود: امر به منکر و نهی از معروف.

فصل شانزدهم : در یتیم نوازی

الفصل السادس عشر فی ذکر الایتام

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَلَا مَنْ كَانَ فِي مَنْزِلِهِ يَتِيمٌ فَأَشْبَعَهُ
أَوْ كَسَاهُ وَلَمْ يُؤْذِهِ وَلَمْ يَضْرِبْهُ يُقْبَلُ مِنْهُ عَمَلُهُ

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آگاه باشید! هر که در خانه اش یتیمی باشد، و او را سیر کند و بیوشاند و اذیتش نکند، و او را نزند، عملش مورد قبول واقع می شود.

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ ضَمَّ يَتِيمًا بَيْنَ أُبْوَيْنِ مُسْلِمِينَ حَتَّى يَسْتَعْنِيَ فَقَدْ
وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ الْبَتَّةَ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر که طفل یتیمی را به پدر و مادر مسلمانی بسپارد تا بی نیاز شود، حتما بهشت بر او لازم است .

وَ قَالَ إِذَا بَكَى الْيَتِيمُ فِي الْأَرْضِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ أُبْكِي عَبْدِي هَذَا الْيَتِيمَ
الَّذِي غَيَّبْتُ أَبْوَيْهِ أَوْ أَبَاهُ فِي الْأَرْضِ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا
عَلَّمْتَنَا فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَشْهَدُكُمْ مَلَائِكَتِي أَنَّ مَنْ أَسْكَنَهُ بَرِيضًا فَأَنَا ضَامِنٌ
لِرِضَاهُ مِنَ الْجَنَّةِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا يُرْضِيهِ قَالَ يَمْسَحُ رَأْسَهُ أَوْ يُطْعِمُهُ تَمْرَةً

رسول خدا ﷺ فرمود: هر گاه یتیم در روی زمین گریه کند، خدای عز و جل می فرماید:

چه کسی این بنده مرا که پدر و مادرش یا پدرش را از دست داده گریانده است ؟ ملائکه گویند: پاک و منزّه هستی ، چیزی نمی دانیم مگر آنچه تو به ما

آموختی ، خداوند عزّ و جلّ می فرماید: ای ملائکه! شما را شاهد می گیرم که هر که او را به رضایتش ساکت کند من به رضایتش از بهشت ضامن او خواهم بود.

سؤال شد: ای رسول خدا! چه چیز او را راضی کند؟ فرمود: بر سرش دست بکشد، یا یک خرما به او بدهد.

وَقَالَ خَيْرُ بَيْتٍ فِي الْمُسْلِمِينَ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ يُحْسَنُ إِلَيْهِ وَ شَرُّ بَيْتٍ فِيهِ يَتِيمٌ يُسَاءُ إِلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَنَا وَكَافِلُ الْيَتِيمِ فِي الْجَنَّةِ وَهُوَ يُشِيرُ بِإِصْبَعِهِ

رسول خدا ﷺ فرمود: بهترین خانه مسلمانان خانه ای است که در آن به یتیمی احسان شود، و بدترین خانه مسلمانان خانه ای است که به یتیمی بدی شود، سپس فرمود: من و سرپرست یتیم با هم در بهشت هستیم ، در حالی که با انگشتش اشاره می فرمود.

وَرُويَ أَنَّ رَجُلًا شَكَأَ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ قَسَاوَةً قَلْبِهِ فَقَالَ إِذَا أُرِدْتَ أَنْ يَلِينَ قَلْبُكَ فَاطْعِمِ الْمِسْكِينَ وَامْسَحْ رَأْسَ الْيَتِيمِ

روایت شده مردی نزد رسول خدا ﷺ از سنگدلی خود شکایت می کرد، رسول خدا ﷺ فرمود: هر گاه خواستی که دلت نرم شود مسکینی را غذا بده ، یا بر سر یتیمی دستی بکش .

وَقَالَ مَنْ أَدَلَ يَتِيمًا أَذَلَّهُ اللَّهُ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر که یتیمی را خوار کند خداوند خوارش گرداند.

وَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَشْكُو إِلَيْكَ قَسْوَةَ قَلْبِي قَالَ فَاذْنِ مِنْكَ الْيَتِيمَ وَ
 امْسَحْ رَأْسَهُ وَاجْلِسْهُ عَلَى خِوَانِكَ يَلِنَ قَلْبُكَ وَتَقْدِرْ عَلَى حَاجَتِكَ
 مردی به رسول خدا ﷺ عرض کرد: من از دست سنگدلیم شکایت دارم ،
 فرمود: به یتیم نزدیک شو و بر سرش دست بکش ، و او را کنار سفره ات بنشان
 ، دلت نرم شود و بر حاجتت قادر شوی .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَشْبِعِ الْيَتِيمَ وَالْأَرْمَلَةَ وَكُنْ لِلْيَتِيمِ كَالأَبِ الرَّحِيمِ وَكُنْ
 لِلأَرْمَلَةِ كَالزَّوْجِ الْعَطُوفِ تُعْطَى كُلُّ نَفْسٍ تَنْفَسَتْ فِي الدُّنْيَا قَصْرًا فِي الْجَنَّةِ كُلُّ قَصْرٍ
 خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا

رسول خدا ﷺ فرمود: یتیم و زن بی سرپرست را سیر کن ، و برای یتیم
 مانند پدری مهربان باش ، و برای زن بی سرپرست مانند شوهری با عطف و
 در مقابل هر انسانی که در دنیا به او خوبی کرده ای قصری در بهشت به تو داده
 شود، که از هر قصری از دنیا و آنچه در آن است بهتر است .

فصل هفدهم : در احترام به پیران

الفصل السابع عشر فى إكرام الشيوخ

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ مِنْ حَقِّ إِجْلَالِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِكْرَامَ ثَلَاثَةِ ذُو الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ وَذُو الْمُقْسِطِ وَحَامِلِ الْقُرْآنِ غَيْرِ الْجَافِي وَكَأَنَّ الْعَالِي فِيهِ

امیر المؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کند که فرمود: از حق بزرگداشت خداوند عز و جل احترام گذاشتن به سه طایفه است : مسلمان پیر، شخص عادل ، و مفسر قرآن که در آن کم نگوید و در آن غلو نکند.

وَقَالَ مَا أَكْرَمَ شَابٌ شَيْخًا لِسِنِّهِ إِلَّا قَيْضَ اللَّهِ لَهُ عِنْدَ كِبَرِ سِنِّهِ مَنْ يُكْرِمُهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فرمود: هیچ جوانی به پیر مردی احترام نگذاشت مگر اینکه خداوند هنگام پیری کسی را برایش مقدر کند که به او احترام گذارد.

وَقَالَ إِنَّ اللَّهَ لَيْسْتَحْيَى أَنْ يُعَذَّبَ الشَّيْخَ الْكَبِيرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فرمود: خداوند حیا می کند که پیر مرد را عذاب کند.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَلَمْ يُوقِّرْ كَبِيرَنَا

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از ما نیست کسی که به کوچک ما رحم نکند و به بزرگ ما احترام نگذارد.

قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَجُلُوهَا الْمَشَايخَ فَإِنَّ تَبَجِيلَ الْمَشَايخِ مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمَنْ لَمْ يُبَجِّلْهُمْ فَلَيْسَ مِنَّا

رسول خدا ﷺ فرمود: به بزرگان احترام بگذارید؛ زیرا احترام گذاردن به بزرگان موجب بزرگداشت خداوند است ، و هر که به بزرگان احترام نگذارد از مانیت .

وَقَالَ أَلَا أُنبئُكُمْ بِخيارِكُمْ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَطُولُكُمْ أَعْمَاراً إِذَا سُدُّوا

رسول خدا ﷺ فرمود: آیا آگاه کنم شما را به بهترینتان ؟ گفتند: بلی ای رسول خدا، فرمود: بهترین شما پیرترین شما در راه راست است .

عَنِ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ جَاءَ رَجُلَانِ إِلَى النَّبِيِّ شَيْخٌ وَشَابٌ فَتَكَلَّمَ الشَّابُّ قَبْلَ الشَّيْخِ فَقَالَ النَّبِيُّ الْكَبِيرُ الْكَبِيرُ

امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل کند که : دو نفر به حضور پیامبر ﷺ رسیدند که یکی پیرمردی بود و دیگری جوانی ، جوان قبل از پیرمرد شروع به سخن کرد، پیامبر ﷺ فرمود: بزرگ بزرگ .

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يَا صَاحِبَ الشَّعْرِ الْأَبْيَضِ وَالْقَلْبِ الْأَسْوَدِ أَمَامَكَ النَّارُ وَخَلْفَكَ مَلَكُ الْمَوْتِ فَمَاذَا تُرِيدُ أَنْ تَعْمَلَ كُنْتَ صَبِيًّا وَكُنْتَ جَاهِلًا وَكُنْتَ شَابًّا وَكُنْتَ فَاسِقًا وَكُنْتَ شَيْخًا وَكُنْتَ مُرَائِبًا فَأَيْنَ أَنْتَ وَأَيْنَ عَمَلُكَ

امام صادق عليه السلام فرمود: ای سفید موی سیاه قلب ، پیش رویت آتش و پشت سرت قابض الارواح است ، می خواهی چه کنی ؟ کودک بودی و نادان ، جوان بودی و فاسق ، پیرمرد بودی و رباکننده ، کجائی و عملت کجاست ؟

عَنْهُ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَنْ عَرَفَ فَضْلَ كَبِيرِ لِسِنِّهِ فَوَقَّرَهُ آمَنَهُ اللَّهُ مِنْ فِرْعَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر که مقام پیر مردی را به جهت گذشت سن او بداند و او را احترام کند، خداوند خاطر او را از هراس روز قیامت آسوده سازد.

وَمَرَّ بِرَسُولِ اللَّهِ رَجُلٌ وَهُوَ فِي أَصْحَابِهِ فَقَالَ بَعْضُ الْقَوْمِ مَجْنُونٌ فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله بَلْ هَذَا رَجُلٌ مُصَابٌ إِنَّمَا الْمَجْنُونُ عَبْدٌ أَوْ أُمَّةٌ أَبْلِيَا شَبَابُهُمَا فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ

مردی از کنار رسول خدا صلى الله عليه وآله می گذشت ، در حالی که ایشان میان یارانشان بودند، یکی از جمعیت گفت : این دیوانه است ، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بلکه او مردی سالم است ، دیوانه مرد و زنی است که جوانی خود را در غیر اطاعت خدا صرف کرده اند.

عَنِ الصَّادِقِ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله قَالَ إِذَا بَلَغَ الْمَرْءُ أَرْبَعِينَ سَنَةً آمَنَهُ اللَّهُ مِنَ الْأَدْوَاءِ الثَّلَاثَةِ مِنَ الْجُنُونِ وَالْجُدَامِ وَالْبُرْصِ فَإِذَا بَلَغَ الْخَمْسِينَ خَفَّفَ اللَّهُ عَلَيْهِ حِسَابَهُ فَإِذَا بَلَغَ السِّتِينَ رَزَقَهُ اللَّهُ الْإِنَابَةَ إِلَيْهِ فَإِذَا بَلَغَ السَّبْعِينَ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَ أَهْلُ السَّمَاءِ فَإِذَا بَلَغَ الثَّمَانِينَ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِإِثْبَاتِ حَسَنَاتِهِ وَ إِقْفَاءِ سَيِّئَاتِهِ فَإِذَا بَلَغَ التَّسْعِينَ غَفَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ كُتِبَ أَسِيرَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ

امام صادق عليه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کند که فرمود: چون مرد به چهل سالگی رسد خداوند او را از سه مرض حفظ کند: از دیوانگی و جذام و پیسی، چون به پنجاه سالگی رسد خداوند حسابش را سبک گیرد، و چون به شصت سالگی رسد خداوند به او توفیق توبه کردن را روزی کند، هر گاه به هفتاد سالگی رسید خدا و اهل آسمان دوستش بدارند، و هر گاه به هشتاد رسید خداوند فرمان به نوشتن حسناتش و حذف بدیهایش دهد، و هر گاه به نود سال رسید خداوند گناهان گذشته و آینده اش را ببخشد، و جزء اسیران خدا در زمین بحساب آید.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّ اللَّهَ لَيُكْرِمُ أَبْنَاءَ السَّبْعِينَ وَ يَسْتَحِي مِنْ أَبْنَاءِ الثَّمَانِينَ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند هفتاد ساله ها را احترام کند، و از هشتاد ساله ها حیا دارد که آنها را عذاب کند.

وَقَالَ الشَّيْخُ فِي أَهْلِهِ كَالنَّبِيِّ فِي أُمَّتِهِ
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پیر در بین خانواده اش همچون پیغمبر در بین امتش می باشد.

وَقَالَ إِذَا بَلَغَ الرَّجُلُ أَرْبَعِينَ سَنَةً وَلَمْ يَغْلِبْ خَيْرُهُ شَرَّهُ قَبَلَ الشَّيْطَانُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ
وَقَالَ هَذَا وَجْهٌ لَا يُفْلِحُ

رسول خدا ﷺ فرمود: چون مرد به چهل سالگی رسد و خیرش از شرش بیشتر نباشد؛ شیطان بین دو چشمش را ببوسد، و گوید: این چهره ای است که رستگار نگردد.

و قَالَ النَّبِيُّ ﷺ مَنْ جَاوَزَ الْأَرْبَعِينَ وَلَمْ يَغْلِبْ خَيْرُهُ شَرَّهُ فَلْيَتَجَهَّزْ إِلَى النَّارِ
رسول خدا ﷺ فرمود: هر که از چهل سالگی گذشت و خیرش از شرش بیشتر نبود؛ باید آماده دوزخ شود.

و قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا بَلَغَ الرَّجُلُ أَرْبَعِينَ سَنَةً نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ قَدْ دَنَا الرَّحِيلُ فَأَعِدَّ الزَّادَ
امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که مرد به چهل سالگی رسد منادی از آسمان ندا کند: کوچ نزدیک است توشه بگیر.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبَانَ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يَا عَبْدَ اللَّهِ عَظُّمُوا كِبَارَكُمْ وَصَلُّوا أَرْحَامَكُمْ فَلَيْسَ تَصِلُونَهُمْ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ كَفِّ الْأَذَى عَنْهُمْ
حضرت رضا علیه السلام فرمود: ای بنده خدا! پیرانتان را بزرگ شمارید، و صله رحم کنید، هیچ صله رحمی بهتر از اذیت نکردن خویشاوندان نیست .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا مَشَى الْحُسَيْنُ بَيْنَ يَدَيِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَطُّ وَلَا بَدَرَهُ بِمَنْطِقٍ إِذَا اجْتَمَعَا تَعْظِيمًا لَهُ
امام صادق علیه السلام فرمود: امام حسین علیه السلام هرگز جلوتر از امام حسن علیه السلام راه نرفت ، و در سخن گفتن در بین جمع از او پیشی نگرفت ، به جهت احترام به او.

وَعَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ مَنْ عَاشَ فِي الْإِسْلَامِ سِتِّينَ سَنَةً حَقَّ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُعَذِّبَهُ بِالنَّارِ وَمَنْ عَاشَ فِي الْإِسْلَامِ سَبْعِينَ سَنَةً آمَنَهُ اللَّهُ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ وَمَنْ عَاشَ فِي الْإِسْلَامِ ثَمَانِينَ سَنَةً رُفِعَ عَنْهُ الْقَلَمُ وَلَا يُحَاسَبُ مَعَهُ

پیامبر ﷺ فرمود: هر که شصت سال مسلمان باشد خدا او را به آتش عذاب نمی کند، و هر که هفتاد سال مسلمان باشد او را از عذاب دردناک حفظ کند، و هر که هشتاد سال مسلمان زندگی کند قلم محاسبه از او برداشته شود و حساب و کتاب نشود.

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يُؤْتَى بِالشَّيْخِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُدْفَعُ إِلَيْهِ كِتَابُهُ ظَاهِرُهُ مِمَّا يَلِي النَّاسَ لَا يَرَى إِلَّا مَسَاوِيَّ فَيَطْوُلُ ذَلِكَ عَلَيْهِ فَيَقُولُ يَا رَبِّ أَتَأْمُرُنِي إِلَى النَّارِ فَيَقُولُ الْجَبَّارُ جَلَّ جَلَالُهُ يَا شَيْخُ إِنِّي أَسْتَحِي أَنْ أُعَذِّبَكَ وَقَدْ كُنْتَ تُصَلِّي فِي دَارِ الدُّنْيَا أَذْهَبُوا بِعَبْدِي إِلَى الْجَنَّةِ

امام صادق علیه السلام فرمود: پیرمرد را روز قیامت بیاورند و نامه عملش را به دستش دهند، به طوری که پشت نامه به سوی مردم باشد، جز بدی و گناه نبیند، و ببیند که این نامه بس طولانی است؛ عرض کند: پروردگارا! آیا دستور می دهی که داخل آتش روم؟ خداوند جبار جل جلاله می فرماید: ای پیر! من شرم دارم که تو را عذاب کنم در حالی که تو در دنیا همواره برایم نماز می خواندی، بنده مرا به بهشت ببرید.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ قَالَ وَإِذَا بَلَغَ الْعَبْدُ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ سَنَةً فَقَدْ بَلَغَ أَشُدَّهُ وَإِذَا بَلَغَ
أَرْبَعِينَ سَنَةً فَقَدْ بَلَغَ مُنْتَهَاهُ وَإِذَا طَعَنَ فِي إِحْدَى وَارْبَعِينَ فَهُوَ فِي النُّقْصَانِ وَ
يُنْبَغِي لِصَاحِبِ الْخَمْسِينَ أَنْ يَكُونَ كَمَنْ كَانَ فِي النَّزْعِ

امام صادق عليه السلام فرمود: چون بنده ای به سی و سه سالگی رسید به کمال
نیرو رسیده، و چون به چهل سال رسید به آخرین حدّ نیرو رسیده، و چون قدم
به چهل سالگی نهاد احساس کمبود کند، و پنجاه ساله را شایسته است که مانند
کسی باشد که در حال جان کندن است.

فصل هجدهم : در باره جوانان

الفصل الثامن عشر في ذكر الشبان

عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ شَابٍّ تَائِبٍ

رسول خدا ﷺ فرمود: هیچ چیز نزد خداوند عز و جل محبوبتر از جوان توبه کننده نیست .

وَقَالَ خَيْرُ شَبَابِكُمْ مَنْ تَشَبَهَ بِكُھُولِكُمْ وَ شَرُّ كُھُولِكُمْ مَنْ تَشَبَهَ بِشَبَابِكُمْ

رسول خدا ﷺ فرمود: بهترین جوانان شما کسانی که خود را همانند پیران کنند، و بدترین پیران شما آنانند که خود را شبیه به جوانان کنند.

وَقَالَ مَا مِنْ شَابٍّ يَنْشَأُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ حَتَّى يَمُوتَ عَلَى ذَلِكَ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ تِسْعَةِ وَ تِسْعِينَ صَدِيقًا

رسول خدا ﷺ فرمود: هر جوانی که مشغول عبادت خدا شود و از دنیا برود خداوند ثواب نود و نه صدیق را به او عطا کند.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا فِي الدُّنْيَا شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ شَابٍّ تَائِبٍ وَ مَا فِي الدُّنْيَا شَيْءٌ أَبْغَضَ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ شَيْخٍ زَانٍ

رسول خدا ﷺ فرمود: هیچ چیز در دنیا نزد خداوند عز و جل محبوبتر از جوان توبه کننده نیست ، و هیچ چیز در دنیا نزد خداوند مبعوضتر از پیرمرد زناکار نمی باشد.

وَقَالَ لَا تَزُولُ قَدَمَا الْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ
وَعَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَعَنْ عِلْمِهِ كَيْفَ عَمِلَ بِهِ وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَا
أَنْفَقَهُ

رسول خدا ﷺ فرمود: در روز رستاخیز هیچ بنده ای قدم از قدم بر ندارد تا
از چهار چیز بازپرسی شود: از عمرش که در چه کاری گذرانده ، از جوانیش که
در چه راهی صرف کرده ، و از دانشش که چگونه به آن عمل نموده ، و از
ثروتش که از چه راهی به دست آورده ، و در چه راهی خرج نموده .

وَقَالَ اغْتَنِمْ خَمْسًا قَبْلَ خَمْسٍ شَبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ وَصِحَّتَكَ قَبْلَ سُقْمِكَ وَ
فَرَاغَكَ قَبْلَ شُغْلِكَ وَحَيَاتَكَ قَبْلَ مَوْتِكَ وَغِنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ

رسول خدا ﷺ فرمود: پنج چیز را قبل از پنج چیز غنیمت شمار: جوانیت
را قبل از پیری ، سلامتت را قبل از بیماری ، آسودگیت را قبل از گرفتاری ،
زندگانت را قبل از مرگ ، بی نیازیت را قبل از فقر و نیازمندی .

وَقَالَ مَنْ آتَاهُ اللَّهُ جَمَالًا وَ مَالًا فَعَفَّ فِي جَمَالِهِ وَبَدَلَ مِنْ مَالِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر که را خدا زیبایی و مال عطا فرمود، و در
زیبائیش عقیف و در مالش بخشنده بود؛ داخل بهشت شود.

و کان شاب علی عهد رسول الله ﷺ یلبس و مهناه فلما مات رسول الله
قصر و تشرم للعبادة فقالوا یا فلان لو فعلت هذا و رسول الله حی لقرت عینه قال
و کان لی أمانان فمضى أحدهما و بقى الا خر قال الله عز و جل و ما کان الله

لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ فَقَدْ مَضَى هَذَا وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ
يَسْتَغْفِرُونَ وَلَا أَزَالَ أَجْتَهْدُ

در زمان پیامبر ﷺ جوانی بود خدمت حضرت می کرد، پس از وفات
پیامبر ﷺ همت بر عبادت نمود، به او گفتند: فلانی؛ اگر این کار را در زمان
زندگانی رسول خدا ﷺ می کردی شادمان می شد، گفت: برای من دو فرصت
بود، یکی تمام شد و دیگری باقی مانده، خداوند عزّ و جل فرمود: (خداوند
عذاب نمی کند آنها را در حالی که تو در بین آنهایی)، این امر (وجود پیامبر)
گذشت، و خداوند تعالی فرمود: (و خداوند عذاب کننده آنها نیست در حالی که
آنها طلب آمرزش می کنند) و من دائما تلاش (در استغفار) می کنم.

فصل نوزدهم: در راستگویی و چشم پوشی از عیبهای مردم و منع از غیبت

الفصل التاسع عشر فى الصدق و الاشتغال عن عيوب الناس و النهى عن الغيبة
مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَبْعَثْ
نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ

امام صادق عليه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی هرگز پیغمبری را مبعوث
نفرمود؛ جز با راستگویی و اداء امانت به نیکوکار و بدکار.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ صَدَقَ لِسَانُهُ زَكَاَ عَمَلُهُ

امام صادق عليه السلام فرمود: هر که زبانش راست باشد کردارش پاک است .

وَ قَالَ وَجِدَ فِي ذُوَابَةِ سَيْفِ رَسُولِ اللَّهِ صَحِيفَةً فِيهَا صِلٌ مَنْ قَطَعَكَ وَ أَعْطَى مَنْ
حَرَمَكَ وَ قَلِ الْحَقُّ وَ لَوْ عَلَى نَفْسِكَ

امام صادق عليه السلام فرمود: در غلاف شمشیر رسول خدا صلى الله عليه وآله نوشته ای پیدا
شده که در آن نوشته بود: پیوند کن با کسی که با تو قطع رابطه نموده ، و عطا
کن به کسی که تو را محروم ساخته ، و حق را بگو گرچه بر ضررت باشد.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَصْدُقُ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الصَّادِقِينَ وَ
يَكْذِبُ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْكَاذِبِينَ وَ إِذَا صَدَقَ قَالَ اللَّهُ صَدَقَ وَ بَرٌّ وَ إِذَا
كَذَبَ قَالَ اللَّهُ كَذَبَ وَ فَجَرَ

امام صادق عليه السلام فرمود: بنده راست می گوید، تا آنجا که نزد خداوند عز و
جل از راستگویان محسوب می گردد، و دروغ می گوید، تا آنجا که نزد خداوند

از دروغگویان محسوب می شود، و چون بنده راست گوید، خداوند بفرماید:
راست گفت و خوب کاری کرد، و هر گاه دروغ گوید، خداوند بفرماید: دروغ
گفت و بد کاری کرد.

وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الصِّدْقُ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَالْبِرُّ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَمَا يَزَالُ
أَحَدُكُمْ يَصْدُقُ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي قَلْبِهِ مَوْضِعٌ إِبْرَةٍ مِنْ كَذِبٍ حَتَّى يَكُونَ عِنْدَ اللَّهِ
صَادِقًا

علی علیه السلام فرمود: راستگویی به سوی نیکی هدایت می کند، و نیکی به سوی
بهشت دعوت می کند، و مادامی که هر یک از شما راست گوید در قلبش سر
سوزنی از اثر دروغ باقی نماند، تا اینکه نزد خداوند از راستگویان باشد.

وَقَالَ أَيْضًا إِنَّ مِنْ حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ أَنْ يُؤْتِرَ الْعَبْدُ الصِّدْقَ حَيْثُ يَضُرُّ عَلَى الْكَذِبِ
حَيْثُ يَنْفَعُ وَلَا يَعْدُو الْمَرْءُ بِمَقَالِهِ عَمَلَهُ

علی علیه السلام فرمود: از حقیقت ایمان است که بنده راستی گزیند، تا آنجا که از
دروغ نافع نیز بگریزد، و سخنش از مرز دانشش تجاوز نکند.

وَقَالَ أَيْضًا فِي خُطْبَةٍ طَوِيلَةٍ أُيِّهَا النَّاسُ أَلَا فَاصْدُقُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّادِقِينَ وَ
جَانِبُوا الْكَذِبَ فَإِنَّهُ مُجَانِبٌ لِلْإِيمَانِ أَلَا إِنَّ الصَّادِقَ عَلَى شَفَا مَنْجَاةٍ وَكَرَامَةٍ أَلَا إِنَّ
الْكَاذِبَ عَلَى شَفَا رَدَى وَهَلَكَةٍ

علی علیه السلام ضمن خطبه ای طولانی فرمود: ای مردم! مواظب باشید که راست
بگویید، زیرا خداوند یاور راستگویان است، و از دروغ کناره گیرید، زیرا که

دروغ ایمان را درو می کند، آگاه باشید! که راستگو بر لبه رستگاری و شرافت است ، و دروغگو بر لبه پرتگاه و هلاکت است .

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَرَبُّعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلُ إِسْلَامِهِ وَ مُحَصَّتْ ذُنُوبُهُ وَ لَقِيَ رَبَّهُ وَ هُوَ عَنْهُ رَاضٍ وَفَاءٌ لِلَّهِ بِمَا يَجْعَلُ عَلَيَّ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ وَ صَدَقُ لِسَانِهِ مَعَ النَّاسِ وَ الْإِسْتِحْيَاءُ مِنْ كُلِّ قَبِيحٍ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ النَّاسِ وَ حُسْنُ خُلُقِهِ مَعَ أَهْلِهِ

علی بن الحسین علیه السلام فرمود: چهار چیز است که در هر کس باشد اسلامش کامل و گناهانش پاک گردد، و پروردگارش را در حالی که از او خوشنود است ملاقات کند: وفا کردن به عهد و پیمانی که با مردم دارد، و راست بودن زبانش با مردم ، و از هر چه نزد خدا و مردم زشت است شرم کردن ، و با خانواده خود خوشرفتار بودن .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ إِلَى الْخَيْرِ بَعِيرِ السِّنْتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْجَاهِدَ وَ الصَّدْقَ وَ الْوَرَعَ

امام صادق علیه السلام فرمود: مردم را به وسیله غیر زبان خود به سوی خیر و نیکوکاری دعوت کنید، تا مردم کوشش در عبادت و راستگویی و پرهیزگاری شما را ببینند.

عَنْ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يَا رَبِيعُ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَصْدُقُ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ صَدِيقًا

امام باقر علیه السلام فرمود: ای ربیع! مرد راست می گوید: به درجه ای که نزد خداوند جزء صدیقان قرار داده می شود.

عَنْ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَرَى مَا وَعَدْنَا عَلَيْنَا دَيْنًا كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ

ص

امام رضا عليه السلام فرمود: ما خاندانی هستیم که همچون رسول خدا صلی الله علیه و آله وعده هایی را که داده ایم مثل دینی به گردنمان می دانیم .

وَمِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله إِنَّ أَقْرَبَكُمْ مِنِّي غَدَاً وَأَوْجَبُكُمْ عَلَيَّ شَفَاعَةً أَصْدَقُكُمْ لِسَانًا وَآدَاكُمْ لِلْأَمَانَةِ وَأَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَأَقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: در روز قیامت نزدیکترین شما به من و مستحق ترین شما به شفاعتم ؛ کسی است که راستگوترین زبان را داشته باشد، و اداکننده ترین شخص در امانت باشد، و خوش اخلاق ترین کس ، و نزدیکترین شخص به مردم باشد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا شَيْءٌ أَحَقُّ بِطُولِ الْحَبْسِ مِنَ اللِّسَانِ

امیر مؤمنان عليه السلام فرمود: هیچ چیزی چون زبان سزاوارتر برای حبس طولانی نیست .

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَزَالُ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ يُكْتَبُ مُحْسِنًا مَا دَامَ سَاكِتًا فَإِذَا تَكَلَّمَ كُتِبَ مُحْسِنًا أَوْ مُسِيئًا

امام صادق عليه السلام فرمود: بنده مؤمن تا زمانی که خاموش باشد، نیکوکار محسوب می گردد، و چون سخن گوید نیکوکار یا بدکار نوشته خواهد شد.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَقُّ اللِّسَانِ إِزْمَامُهُ عَنِ الْخَنَى وَتَعْوِيدُهُ الْخَيْرَ وَتَرْكُ
الْفُضُولِ الَّتِي لَا فَايِدَةَ لَهَا وَالْبِرُّ بِالنَّاسِ وَحُسْنُ الْقَوْلِ فِيهِمْ

امام سجاد عليه السلام فرمود: حق زبان وادار کردنش به پرهیز از فحش و بازگشت
آن به خیر است ، و ترک کردن سخنان اضافی که فایده ای ندارد، و نیکی به
مردم ، و سخن خوب در میانشان گفتن .

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَقَبَّلُوا لِي سِتَّ خِصَالٍ أَتَقَبَّلُ لَكُمْ الْجَنَّةَ إِذَا حَدَّثْتُمْ فَلَا تَكْذِبُوا وَ
إِذَا وَعَدْتُمْ فَلَا تُخْلِفُوا وَإِذَا أَوْثَمْتُمْ فَلَا تَخُونُوا وَغُضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَاحْفَظُوا
فُرُوجَكُمْ وَكُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَالسَّتَّكُمْ

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شش منش را برای من عهده دار شوید تا من بهشت
را برایتان عهده دار شوم : چون سخنی نقل کنید دروغ نگوئید، و چون وعده
دهید تخلف نکنید، و چون بر چیزی امین شدید خیانت به امانت نکنید، و
چشمان خود را از نامحرم بیوشید، و دامن خود را آلوده نکنید، و دست و زبان
خود را نگاه دارید.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ كُونُوا لَنَا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ
احْفَظُوا السِّنَّتَكُمْ وَ كُفُّوا عَنِ الْفُضُولِ وَ قُبِحَ الْقَوْلُ

امام صادق عليه السلام فرمود: برای ما زینت باشید، نه باعث زشتی و کراهت ، با
مردم سخن نیک بگوئید، و زیانتان را نگاه دارید، و از زیاده گویی و زشت
گویی خود را نگهدارید.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَصْلُحُ مِنَ الْكُذْبِ جِدٌّ وَلَا هَزْلٌ وَلَا أَنْ يَعِدَ أَحَدُكُمْ صَبِيَّةً ثُمَّ لَا يَفِيَّ لَهُ وَالْكَذِبُ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَالْفُجُورُ يَهْدِي إِلَى النَّارِ وَمَا يَزَالُ أَحَدُكُمْ يَكْذِبُ حَتَّى يُقَالَ كَذَبٌ وَفَجَرَ وَمَا يَزَالُ أَحَدُكُمْ يَكْذِبُ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي قَلْبِهِ مَوْضِعٌ إِبْرَةَ صِدْقٍ فَيَسْمَى عِنْدَ اللَّهِ كَذَابًا

امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: دروغ گفتن چه به صورت جد و چه شوخی روا نیست ، و صحیح نیست که انسان فرزندش را وعده ای دهد و به آن عمل نکند، و دروغگویی انسان را به کارهای زشت می کشاند، و کارهای زشت انسان را بسوی دوزخ می برد، و همیشه اگر یکی از شماها دروغ بگوید، گفته می شود: دروغ گفت و بد کاری کرد، و همواره اگر دروغ بگویید به اندازه یک سر سوزن راست در قلب شما نمی ماند، و چنین شخصی نزد خدا از جمله بسیار دروغگویان ثبت شود.

سُئِلَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا حَقُّ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ قَالَ أَنْ لَا يَقُولُوا مَا لَا يَعْلَمُونَ

از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال شد: حق خدا بر بندگان چیست ؟ فرمود: آنچه را نمی دانند نگویند.

سُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَكُونُ الْمُؤْمِنُ جَبَانًا قَالَ نَعَمْ قِيلَ وَ يَكُونُ بَخِيلًا قَالَ نَعَمْ قِيلَ وَ يَكُونُ كَذَابًا قَالَ لَا

از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سؤال شد: مؤمن ترسو است ؟ فرمود: بلی ، گفته شد: بخیل است ؟ فرمود:

بلی ، گفته شد: بسیار دروغگو است ؟ فرمود: نه .

وَ قَالَ مَنْ صَمَتَ نَجَا

رسول خدا ﷺ فرمود: هر که سکوت کند نجات یابد.

وَ قَالَ الْبَلَاءُ مُوَكَّلٌ بِالْمَنْطِقِ أَوْ بِالْقَوْلِ

رسول خدا ﷺ فرمود: بلاء وابسته به زبان گشودن یا سخن است .

وَ قَالَ إِنَّ أَكْثَرَ خَطَايَا ابْنِ آدَمَ فِي لِسَانِهِ وَ مَنْ كَفَّ لِسَانَهُ سَتَرَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ

رسول خدا ﷺ فرمود: بیشتر اشتباهات آدمیزاد در زبانش است ، و هر که

زبانش را نگهدارد خدا زشتیهایش را پنهان دارد.

وَ قَالَ مَنْ اغْتَابَ مُؤْمِنًا بِمَا فِيهِ لَمْ يَجْمَعْ بَيْنَهُمَا فِي الْجَنَّةِ أَبَدًا وَ مَنْ اغْتَابَ
مُؤْمِنًا بِمَا لَيْسَ فِيهِ انْقَطَعَتِ الْعِصْمَةُ بَيْنَهُمَا وَ كَانَ الْمُغْتَابُ فِي النَّارِ خَالِدًا فِيهَا وَ
بِئْسَ الْمَصِيرُ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر که غیبت مؤمنی را به آنچه در اوست کند؛

خداوند بین آن دو در بهشت جمع نکند، و هر که غیبت کند مؤمنی را به آنچه در

او نیست رشته ارتباط بین آن دو از بین برود، و غیبت کننده در دوزخ جاودانی

خواهد بود و چه عاقبت بدی است .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ وُلِدَ مِنْ حَلَالٍ وَ هُوَ يَأْكُلُ لُحُومَ

النَّاسِ بِالْغَيْبَةِ اجْتَنِبِ الْغَيْبَةَ فَإِنَّهَا إِدَامُ كِلَابِ النَّارِ

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: دروغ گفته هر که گمان کند که حلال زاده است ؛
در حالی که گوشت‌های مردم را به وسیله غیبت می خورد، از غیبت دوری کن
زیرا غیبت خورش سگهای جهنم است .

قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام مِنَ الْغِيْبَةِ أَنْ تَقُولَ فِي أَخِيكَ مَا سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَإِنَّ مِنَ
الْبُهْتَانِ أَنْ تَقُولَ فِي أَخِيكَ مَا لَيْسَ فِيهِ
امام صادق علیه السلام فرمود: بخشی از غیبت این است که عیبی را که خداوند
برای برادر مؤمنت پوشانده است ظاهر کنی ، و بخشی از بهتان این است که
آنچه را در برادر مؤمنت نیست بگویی .

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِنَسِ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَكُونُ ذَا وَجْهَيْنِ وَذَا لِسَانَيْنِ يُطْرَى
أَخَاهُ شَاهِدًا وَيَأْكُلُهُ غَائِبًا إِنْ أُعْطِيَ حَسَدَهُ وَإِنْ ابْتُلِيَ خَذَلَهُ
امام باقر علیه السلام فرمود: چه بد بنده ای است بنده ای که دارای دو چهره و دو
زبان باشد، در حضور برادرش او را ستایش کند، و در پشت سر از او بدگویی
کند، اگر دارا شود بر او رشک برد، و اگر گرفتار شود دست از یاریش بردارد.

قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام مَنْ لَقِيَ النَّاسَ بِوَجْهِهِ وَغَابَهُمْ بِوَجْهِهِ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَهُ
لِسَانَانِ مِنْ نَارٍ
حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر که با مردم با چهره ای برخورد کند و در
پشت سر با چهره ای دیگر از آنان عیب جوئی نماید؛ روز رستاخیز در حالی که
دو زبان آتشین دارد به محشر آید.

وَ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ مَا لَأُحِبُّ أَنْ يُفْعَلَ بِكَ فَلَا تَفْعَلُهُ بِأَحَدٍ
وَ إِنْ لَطَمَ أَحَدٌ خَدَّكَ الْيُسْرَى فَأَعْطِهِ الْيُسْرَى

عیسی بن مریم علیه السلام به یکی از اصحابش فرمود: آنچه را دوست نداری در
باره ات انجام داده شود به احدی انجام نده ، و اگر کسی گونه راستت را سیلی
زد گونه چپت را برایش آماده کن .

وَ قَالَ لَا تَغْتَبْ فَتُغْتَبَ وَ لَا تَحْفِرْ لِأَخِيكَ حُفْرَةً فَتَقَعَ فِيهَا فَإِنَّكَ كَمَا تَدِينُ تُدَانُ
حضرت عیسی علیه السلام فرمود: غیبت نکن تا غیبت شوی ، و برای برادرت چاه
مکن که خودت در آن افتی ، زیرا تو هر طور کنی با تو همان شود.

عَنِ السَّيِّدِ نَاصِحِ الدِّينِ أَبِي الْبَرَكَاتِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خُوَزَادٍ خُرَزَادٍ قَالَ قُلْتُ يَا
رَسُولَ اللَّهِ الْمُؤْمِنُ يَسْرِقُ قَالَ قَدْ يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْمُؤْمِنُ
يَكْذِبُ قَالَ لَا إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

عبد الله بن خوزاد گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم : مؤمن دزدی می
کند؟ فرمود:

گاهی چنین باشد، گفتم : ای رسول خدا! مؤمن دروغ می گوید؟ فرمود: نه ،
(همانا افترای دروغین را کسانی می بندند که ایمان ندارند).

قَالَ صلی الله علیه و آله وَيْلٌ لِلَّذِي يُحَدِّثُ فَيَكْذِبُ فَيُضْحِكُ بِهِ الْقُلُوبَ وَيْلٌ لَهُ وَيْلٌ لَهُ
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: وای بر کسی که در نقلش دروغ می گوید تا دلها به
آن بخندد [یعنی دلهایی را خوشحال نماید] وای بر او وای بر او.

فصل بیستم : در نگهداری زبان

الفصل العشرون فی حفظ اللسان

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَمْسِكْ لِسَانَكَ فَإِنَّهَا صَدَقَةٌ تَتَصَدَّقُ بِهَا عَلَى نَفْسِكَ ثُمَّ قَالَ وَلَا يَعْرِفُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَخْزَنَ لِسَانَهُ

رسول خدا ﷺ فرمود: زبانت را نگهدار، زیرا نگهداری زبان صدقه ای است که به خودت می دهی ، سپس فرمود: هیچ بنده ای حقیقت ایمان را نشناسد تا زبانش را نگهدارد.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ مَنْ حَفِظَ لِسَانَهُ سَتَرَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ

امیر المؤمنین علی بن ابی طالب فرمود: هر که زبانش را نگهدارد خداوند زشتیهایش را بپوشاند.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ قَالَ كَانَ أَبُو ذَرٍّ يَقُولُ فِي خُطْبَتِهِ يَا مُبْتَغَى الْعِلْمِ إِنَّ هَذَا اللِّسَانَ مِفْتَاحُ خَيْرٍ وَ مِفْتَاحُ شَرٍّ فَأَخْتِمْ عَلَى لِسَانِكَ كَمَا تَخْتِمُ عَلَى ذَهَبِكَ وَ وَرَقِكَ

امام باقر علی بن ابی طالب فرمود: ابوذر در خطبه اش می گفت : ای دانش جو! این زبان کلید خیر و کلید شر است ، پس همان طور که بر طلا و نقره ای مهر می زنی ؛ بر زبانت هم مهر بزن .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ كَانَ فِي شَيْءٍ شَوْمٌ فَفِي اللِّسَانِ

رسول خدا ﷺ فرمود: اگر در چیزی نحسی باشد در زبانت .

وَقَالَ ﷺ السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَالْكَلَامُ فِضَّةٌ

رسول خدا ﷺ فرمود: سکوت طلا و صحبت کردن نقره است .

عَنِ الرَّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ الصَّمْتَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ وَإِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ

امام رضا علیه السلام فرمود: خاموشی یکی از درهای حکمت است که محبت می آورد، و راهنمای هر امر خیری است .

عَنْهُ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَيْكُمْ بِالصَّمْتِ

حضرت رضا علیه السلام فرمود: از خدا بپرهیزید و سکوت اختیار کنید.

عَنْهُ قَالَ مَا أَحْسَنَ الصَّمْتَ مِنْ غَيْرِ عِيٍّ وَالْمَهْدَارُ لَهُ سَقَطَاتٌ

امام رضا علیه السلام فرمود: چه نیکوست سکوتی که همراه با عجز نباشد، و برای شخص پر حرف لغزشهایی است .

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ شِيعَتَنَا الْخُرْسُ

امام باقر علیه السلام فرمود: به حقیقت شیعیان ما کم گو هستند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا قَالَ خَيْرًا فَعَنِمَ أَوْ سَكَتَ عَنْ سُوءٍ فَسَلِمَ

رسول خدا ﷺ فرمود: خدا رحمت کند بنده ای را که زبان به خیر گشاید و سود برد، یا از سخن ناهنجار لب فرو بندد و سالم ماند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِي ذَرٍّ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ اجْعَلِ الْكَلَامَ كَلِمَتَيْنِ كَلِمَةً خَيْرٍ تَقُولُهَا وَكَلِمَةً شَرًّا تَسْكُتُ عَنْهَا وَالثَّلَاثَةُ لَا تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ لَا تُرِدُّهَا
امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش از ابودر نقل فرموده اند که می گفت :
کلام را بر دو قسمت قرار ده : کلمه خیری که می گویی ، و کلمه شری که در برابر آن ساکت می شوی ، و سوم کلامی که نه ضرر دارد و نه نفعی آن را اظهار کن .

وَمِنْ كِتَابٍ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ كَلَّ لِسَانُهُ
امام صادق علیه السلام فرمود: هر که خدا را شناخت زبانش به لکنت افتد.

وَقَالَ مَنْ عَلِمَ أَنَّ كَلَامَهُ مِنْ عَمَلِهِ قَلَّ كَلَامُهُ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ
حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر که بداند که سخنش از کردارش است ، جز به خیر سخن نگوید.

وَقَالَ وَهَلْ يَكُوبُ النَّاسَ عَلَى مَنَاحِرِهِمْ فِي النَّارِ إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ
امام صادق علیه السلام فرمود: آیا مردم را به جز دروشده های زبانشان به رو در آتش اندازد؟

وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُمِعَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي ثَلَاثِ خِصَالٍ النَّظَرِ وَالسُّكُوتِ وَالْكَلامِ فَكُلُّ نَظَرٍ لَيْسَ فِيهِ اعْتِبَارٌ فَهُوَ سَهْوٌ وَ كُلُّ سُكُوتٍ لَيْسَ فِيهِ فِكْرَةٌ فَهُوَ غَفْلَةٌ وَ كُلُّ كَلَامٍ لَيْسَ فِيهِ ذِكْرٌ فَهُوَ لَغْوٌ

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: تمامی خیر در سه خصلت جمع شده : نگاه کردن ، و خاموشی ، و سخن گفتن ؛ هر نگاهی که عبرت انگیز نباشد خطاست ، و هر خاموشی که بی اندیشه باشد غفلت است ، و هر سخنی که خدا را به یاد نیاورد بیهوده است .

فصل بیست و یکم : در اصلاح میان مردم و ملحقات آن

الفصل الحادی و العشرون فی الاصلاح بین الناس و ما یشبهه
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَدَقَةٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ لِإِصْلَاحِ بَيْنِ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَ
التَّقْرِيبُ بَيْنَهُمْ إِذَا تَبَاعَدُوا

امام صادق علیه السلام فرمود: صدقه ای را که خدا دوست دارد؛ اصلاح میان مردم
است هنگامی که اختلاف و فساد یابند، و نزدیک ساختن آنان به یک دیگر،
زمانی که از هم دور شوند.

عَنْهُ قَالَ كُلُّ كَذِبٍ مَسْئُولٌ عَنْهُ يَوْمًا مَا إِلَّا كَذِبًا فِي ثَلَاثَةِ رَجُلٍ كَاثِدٍ فِي حَرْبِهِ
فَهُوَ مَوْضُوعٌ عَنْهُ وَ رَجُلٍ أَصْلَحَ بَيْنَ اثْنَيْنِ يَلْقَى هَذَا بغيرِ مَا يَلْقَى بِهِ هَذَا يُرِيدُ
الصُّلْحَ مَا بَيْنَهُمَا وَ رَجُلٍ وَعَدَ أَهْلَهُ شَيْئًا وَ لَا يُرِيدُ أَنْ يُتِمَّ لَهُمْ عَلَيْهِ يُرِيدُ بِذَلِكَ
دَفْعَهَا

امام صادق علیه السلام فرمود: هر دروغی روزی مورد بازخواست شود به جز در
سه مورد:

مردی که در نبرد خود نیرنگ زند که گناهی بر او نیست . مردی که میان دو
کس را سازش دهد و اصلاح کند، با آن طوری برخورد کند که با دیگری نکرده
، و قصدش از این عمل اصلاح بین آن دو باشد. مردی که به خانواده خود
چیزی را وعده دهد و قصد انجام دادن آن را نداشته باشد، و قصدش این باشد
که آنها را راضی نگهدارد.

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْكَذِبُ كُلُّهُ إِثْمٌ إِلَّا مَا نَفَعْتَ بِهِ مُؤْمِنًا وَ دَفَعْتَ بِهِ عَنِ دِينِ الْمُسْلِمِ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: تمام اقسام دروغ گناه است ، مگر آنچه به مؤمنی نفع دهد؛ و به وسیله آن از دین مسلمان دفاع شود.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَتَاكُمْ كَرِيمٌ قَوْمٍ فَأَكْرَمُوهُ

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر گاه بزرگوار قومی بر شما رسید او را گرامی بدارید.

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمَّا قَدِمَ عَدِيُّ بْنُ حَاتِمٍ عَلَى النَّبِيِّ أَذْخَلَهُ النَّبِيُّ بَيْتَهُ فَلَمْ يَكُنْ فِي بَيْتِهِ غَيْرُ خَصْفَةٍ وَ سَادَةٍ مِنْ أَدَمٍ فَطَرَحَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ لِعَدِيِّ بْنِ حَاتِمٍ

الخصفة الجلة من الخوص تعمل للتمر و الا دم جمع الا ديم

علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: چون عدی بن حاتم بر پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وارد شد؛ آن حضرت او را به خانه خود برد، و در خانه جز تکه حصیر و بالشی از چرم چیزی نبود، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: آنها را برای عدی بن حاتم پهن کرد.

عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَأْبَى الْكِرَامَةَ إِلَّا حِمَارٌ قِيلَ لَهُ مَا مَعْنَى ذَلِكَ فَقَالَ ذَلِكَ فِي الطَّيِّبِ يُعْرَضُ عَلَيْهِ وَ التَّوَسُّعَةَ فِي الْمَجْلِسِ مَنْ أَبَاهُمَا كَانَ كَمَا قَالَ

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ از امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل فرماید که فرمود: از گرامیداشت سرباز نمی زند مگر الاغ ، سؤال شد: معنای آن چیست ؟ فرمود: به این معنا که بوی خوشی را بر شخص عرضه نمایند و او از استشمام آن خودداری نماید، و

در مجلس برایش جا باز کنند و او ننشینند، هر که از این دو خودداری کند
آنچنان باشد که حضرت فرموده اند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ ثَلَاثَةٌ لَا يَجْهَلُ حَقَّهُمْ إِلَّا مُنَافِقٌ مَعْرُوفٌ النَّفَاقِ ذُو
الشَّيْبَةِ فِي الْإِسْلَامِ وَحَامِلُ الْقُرْآنِ وَالْإِمَامُ الْعَادِلُ

امام صادق علیه السلام فرمود: سه کس هستند که حق آنها را نادیده نمی گیرد به
جز منافقی که به نفاق معروف است: کسی که مویش را در اسلام سفید کرده ،
آنکه قرآن را در بر دارد، پیشوای عادل .

فصل بیست و دوم : در مدارا کردن و عادت نیکو

الفصل الثانی و العشرون فی ذکر المداراة و حسن الملكة
مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ جَاءَ جَبْرِئِيلُ إِلَى
النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ رَبُّكَ يُقْرُوكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ دَارِ خَلْقِي
امام صادق عليه السلام فرمود: جبرئیل نزد پیغمبر ﷺ آمد و عرض کرد: ای
محمد! پروردگارت سلام می رساند و می گوید: با مخلوقم مدارا کن .

وَ قَالَ أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِتَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ
رسول خدا ﷺ فرمود: پروردگارم مرا به سازگاری با مردم امر فرموده ،
همچنان که به تبلیغ رسالتم امر فرمود.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ أَعْرَابِيًّا أَتَى النَّبِيَّ ﷺ فَقَالَ أَوْصِنِي فَمَا
أَوْصَاهُ أَنْ قَالَ لَهُ تَحَبَّبْ إِلَى النَّاسِ يُحِبُّوكَ
امام باقر عليه السلام فرمود: عربی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت : به من سفارشی کن
، از جمله سفارشات به او این بود که فرمود: با مردم دوستی کن تا مردم دوست
بدارند.

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ كَفَّ يَدَهُ عَنِ النَّاسِ فَإِنَّمَا يَكْفُ عَنْهُمْ يَدًا وَاحِدَةً وَ
يَكْفُونَ عَنْهُ أَيْدِيًا كَثِيرَةً
امام صادق عليه السلام فرمود: هر که از آزار مردم دست بردارد فقط یک دست از
آنها بازداشته ، ولی در مقابل دستهای بسیاری از آزار او خودداری کنند.

عَنْهُ قَالَ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا
 قَالَ جَلَسَ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَبْكِي وَقَالَ أَنَا عَجَزْتُ عَنْ نَفْسِي كُلَّتُ أَهْلِي
 فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ حَسْبُكَ أَنْ تَأْمُرَهُمْ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسَكَ وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ
 نَفْسَكَ

امام صادق عليه السلام فرمود: هنگامی که این آیه نازل شد: (ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده تان را از آتش حفظ کنید)، مردی از مسلمانان نشسته و شروع به گریه کردن نمود، و گفت: من از خودم عاجز و ناتوانم، خانواده ام هم بر من تکلیف شده، رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: برای تو کافی است که آنها را امر کنی به آنچه خودت به آن عمل می کنی، و باز داری از آنچه خودت را از آن باز می داری.

عَنْهُ قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ لِيَجْتَمِعَ فِي قَلْبِكَ الْإِفْتِقَارُ إِلَى النَّاسِ وَالِاسْتِغْنَاءُ عَنْهُمْ فَيَكُونُ افْتِقَارُكَ إِلَيْهِمْ فِي لِينِ كَلَامِكَ وَحُسْنِ بَشْرِكَ وَيَكُونُ اسْتِغْنَاؤُكَ عَنْهُمْ فِي نَزَاهَةِ عِرْضِكَ وَبَقَاءِ عِزِّكَ

امام صادق عليه السلام از قول: امیر مؤمنان عليه السلام فرمود: باید در دلت احتیاج به مردم و بی نیازی از آنها پیدا شود؛ احتیاج به آنها در نرم زبانی و خوشروئیت باشد، و بی نیازی از ایشان در حفظ آبرو و نگهداری عزت باشد.

كُتِبَ أَبُو ذَرٍّ رَضِ بُرْدَيْنِ فَاتَزَرَ بِأَحَدِهِمَا وَارْتَدَى بِشِمْلَةٍ وَكَسَا غُلَامَهُ أَحَدَهُمَا
 ثُمَّ خَرَجَا إِلَى الْقَوْمِ فَقَالُوا لَهُ يَا أَبَا ذَرٍّ لَوْ لَبِسْتَهُمَا جَمِيعًا كَانَ أَجْمَلُ قَالَ أَجَلُ لَكِنِّي
 سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ أَطْعِمُوهُمْ مِمَّا تَأْكُلُونَ وَالْبِسُوهُمْ مِمَّا تَلْبَسُونَ

ابو ذر رضی اللہ عنہ دو پارچه گران قیمت برای لباس خرید، یکی را به صورت پیراهن پوشید، و پارچه دیگری را غیر از آن دو پارچه به صورت عبا پوشید، و یکی از آن پارچه های گران قیمت را به غلامش داد، سپس همراه او به طرف قوم رفتند، به ابوذر گفتند: ای ابوذر! اگر هر دو را خود می پوشیدی زیباتر بود، گفت: بلی، لکن از رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله و سلم شنیدم که می فرمود: آنها را غذا دهید از آنچه خود می خورید، و بیوشانید به آنچه خود می پوشید.

وَمِنْ كِتَابِ إِعْلَامِ الْوَرَى رُوِيَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَنَّهُ دَعَا مَمْلُوكَهُ مَرَّتَيْنِ فَلَمْ يُجِبْهُ ثُمَّ أَجَابَهُ فِي الثَّلَاثَةِ فَقَالَ لَهُ يَا بُنَيَّ أَمَا سَمِعْتَ صَوْتِي قَالَ بَلَى قَالَ فَمَا بِالْكَ لَمْ تُجِبْنِي قَالَ أَمِنْتُكَ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مَمْلُوكِي يَأْمَنُنِي
از امام سجاد عليه السلام روایت شده که ایشان خادمش را دو مرتبه صدا زد و او جواب نداد، سپس در مرتبه سوم جوابش داد، حضرت به او فرمود: پسرکم! آیا صدای مرا نشنیدی؟

گفت: بلی، فرمود: پس چرا جوابم را ندادی؟ گفت: خود را در امان شما دیدم، فرمود:

ستایش خدایی را که خادم مرا در امان من قرار داد.

وَكَانَتْ جَارِيَةٌ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ تَسْكُبُ عَلَيْهِ الْمَاءَ فَسَقَطَ الْإِبْرِيْقُ مِنْ يَدِهَا فَشَجَّهُ فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَيْهَا فَقَالَتْ الْجَارِيَةُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ فَقَالَ كَظَّمْتُ غَيْظِي قَالَتْ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ قَالَ عَفَوْتُ عَنْكَ قَالَتْ وَاللَّهِ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ قَالَ أَذْهَبِي فَأَنْتِ حُرَّةٌ لِرُوحِهِ اللَّهِ

امام سجاد علیه السلام کنیزی داشت که روی دستش آب می ریخت ، ظرف آب از دستش افتاد، و دست امام مجروح شد، سرش را به طرف او بلند کرد، کنیز گفت : خدای تعالی می فرماید: (و فروخورندگان خشم)، فرمود: خشمم را خوردم ، گفت : (و گذرندگان از مردم)، فرمود: از تو گذشتم ، گفت : (و خدا نیکوکاران را دوست دارد) فرمود: برو؛ تو در راه خدا آزادی .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ بَعَثَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ غُلَامًا لَهُ فِي حَاجَةٍ فَأَبْطَأَ عَلَيْهِ فَلَمَّا جَاءَهُ قَالَ اسْعَ فَسَعَى ثُمَّ أَقْبَلَ فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مَا أَرَى إِلَّا وَ قَدْ أَشْفَقْتُ عَلَيْكَ فَاذْهَبْ فَأَنْتَ حُرٌّ

امام صادق علیه السلام فرمود: علی علیه السلام خادمی داشت که او را به دنبال کاری فرستاد، او اندکی تأخیر کرد، زمانی که آمد، امام فرمود: سریعتر، او هم تندتر کارش را کرد، سپس نزد حضرت آمد، امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: هیچ نمی بینم مگر اینکه به تو مهربانی کنم ، برو تو آزادی .

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذْ حَضَرَهُ الْمَوْتُ فَلَمْ يَزَلْ يُوصِي بِالصَّلَاةِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ حَتَّى أَنْكَسَرَ لِسَانُهُ

انس گفت : رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگامی که رحلتشان نزدیک شد دائما سفارش به نماز و مساعدت با غلامان می فرمود، تا زمانی که زبان مبارکش خاموش شد.

وَ قَالَ رَجُلٌ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَمْ تَعْفُو عَنِ الْخَادِمِ فَصَمَتَ عَنْهُ رَسُولُ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً

ابن عمر گوید: مردی به رسول خدا ﷺ عرض کرد: ای رسول خدا! چه مقدار خدمت را می بخشی؟ رسول خدا ﷺ از جواب ساکت شد، سپس فرمود: روزی هفتاد مرتبه .

وَقَالَ مَنْ ضَرَبَ مَمْلُوكَهُ إِلَّا فِي حَدِّ أَكْثَرِ مِنْ ثَلَاثَةِ أَسْوَاطٍ أَقْتَصَّ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس غلامش بیشتر از سه تازیانه بزند مگر در اجراء حدّ، روز قیامت قصاص شود.

وَقَالَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ خَبٌّ وَلَا خَائِنٌ وَلَا سَيِّئٌ لِمَمْلُوكِهِ

رسول خدا ﷺ فرمود: فریبکار و خیانتکار و کسی که با خادمش بد رفتار باشد داخل بهشت نشود.

وَقَالَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمَمْلُوكِ يَكْسِبُ الْعِزَّ

رسول خدا ﷺ فرمود: نیکی به بندگان کسب عزّت می کند.

وَقَالَ سَلْمَانُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ لِيَخَادِمَهُ لَوْ لَا الْقِصَاصُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَأَوْجَعْتُكَ ضَرْبًا

سلمان رضي الله عنه به خادمش گفت: اگر روز قیامت قصاص نبود، شدیداً تو را می زدم و به درد می آوردم .

فصل بیست و سوم : در مدارا کردن و خوشروئی

الفصل الثالث والعشرون في الرفق و حسن البشر

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ أَيُّمَا أَهْلِ بَيْتٍ أُعْطِيَ حَظَّهُمْ مِنَ الرَّفْقِ فَقَدَّ وَسَعَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِي الرِّزْقِ وَ الرَّفْقُ فِي تَقْدِيرِ الْمَعِيشَةِ خَيْرٌ مِنَ السَّعَةِ فِي الْمَالِ وَ الرَّفْقُ لَا يَعْجِزُ عَنْهُ شَيْءٌ وَ التَّبْدِيرُ لَا يَبْقَى مَعَهُ شَيْءٌ إِنَّ الرِّفِيقَ يُحِبُّ الرِّفْقَ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر خانواده ای که از نعمت مدارا بهره مند شود، در حقیقت خداوند گشایشی در روزی آنان داده است ، مدارا نمودن در مخارج زندگی از ثروتمند بودن کارگشاتر است ، مدارا موجب درماندگی نشود ولی تبذیر و ولخرجی چیزی باقی نمی گذارد، خداوندی که اهل مدارا است ، مدارا را دوست دارد.

عَنْ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ قُفْلًا وَ قُفْلُ الْإِيْمَانِ الرَّفْقُ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الرَّفْقُ نِصْفُ الْعَيْشِ

امام باقر علیه السلام فرمود: برای هر چیزی قفلی است و قفل ایمان مدارا کردن است .

وَ قَالَ إِنَّ الرِّفْقَ لَمْ يُوضَعْ عَلَيَّ شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ وَ لَا نَزَعَ عَنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مدارا و نرمی نیمی از زندگی است .

وَقَالَ إِنَّ الرَّفْقَ لَمْ يُوضَعْ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ وَلَا نَزَعَ عَنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ
رسول خدا ﷺ فرمود: مدارا در کنار هر چیزی باشد آن را زینت می دهد، و از
هر چیز برداشته شود زشتش سازد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ ثَلَاثٌ مَنْ أَتَى اللَّهَ بِوَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ
الْإِنْفَاقُ مِنَ الْإِقْتَارِ وَالْبِشْرُ بِجَمِيعِ الْعَالَمِ وَالْإِنصَافُ مِنْ نَفْسِهِ
امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز است که هر که یکی از آنها را برای خدا
انجام دهد خداوند بهشت را بر او واجب گرداند: انفاق در حال تنگدستی ،
خوشرویی با همه مردم ، انصاف و عدالت داشتن نسبت به خود.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْبِشْرُ الْحَسَنُ وَ طَلَّاقَةُ الْوَجْهِ مَكْسَبَةٌ لِلْمَحَبَّةِ وَ قُرْبَةٌ
مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عُبُوسُ الْوَجْهِ وَ سُوءُ الْبِشْرِ مَكْسَبَةٌ لِلْمَقْتِ وَ بَعْدُ مِنَ اللَّهِ
امام باقر علیه السلام فرمود: خوشرویی و چهره باز محبت آورد و موجب نزدیکی
به خدا می شود، و ترشرویی و بدخلقی موجب جلب دشمنی و دوری از خدا
می شود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَالْقَوْمُ بِطَلَّاقَةِ الْوَجْهِ وَ
حُسْنِ الْبِشْرِ
رسول خدا ﷺ فرمود: شما نمی توانید مردم را با مال خود به طرف خویش
جلب کنید، با چهره باز و خوشرویی آنها را به طرف خود بکشید.

وَقَالَ رَحِمَ اللَّهُ كُلَّ سَهْلٍ طَلِقٍ

رسول خدا ﷺ فرمود: خدا رحمت کند هر خوشروی خوش اخلاق را.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ تَبَسُّمُ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِ الْمُؤْمِنِ حَسَنَةٌ
امام صادق علیه السلام فرمود: لبخند زدن مؤمن به صورت مؤمن از کارهای
نیکوست .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَيْرُكُمْ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقاً الَّذِينَ يَأْلِفُونَ وَيُؤْلَفُونَ
رسول خدا ﷺ فرمود: بهترین شما خوش اخلاق ترین شماست آنان که با
مردم انس گیرند و مردم نیز با آنان مأ نوس گردند.

وَقَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَسْكُنُ إِلَى أَخِيهِ كَمَا يَسْكُنُ الظَّمَانُ إِلَى الْمَاءِ البَارِدِ
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مؤمن از مؤمن آرامش می گیرد، همان
طور که تشنه به وسیله آب خنک آرامش می یابد.

وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ طُوبَى لِمَنْ يَأْلَفُ النَّاسَ وَيَأْلَفُونَهُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ
امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: خوشا به حال آنکه انسی با مردم و انس مردم با
وی به خاطر خدا باشد.

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ الرِّفْقُ يُمْنٌ وَالْخُرْقُ سُؤْمٌ
رسول خدا ﷺ فرمود: مدارا کردن میمنت آورد و پرده دری و خشونت
شوم است .

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى رَفِيقٌ يُحِبُّ الرِّفْقَ وَ يُعْطِي عَلَى الرِّفْقِ مَا لَا يُعْطِي عَلَى الْعُنْفِ

امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تعالی مداراکننده است و ملایمت را دوست دارد، و پاداشی را که در مقابل ملایمت می دهد در مقابل خشونت نمی دهد.

فصل بیست و چهارم : در کارهای نیک

الفصل الرابع و العشرون فی محاسن الافعال

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا حَبَبْنَا إِلَى النَّاسِ وَلَا يُبْغِضُنَا إِلَيْهِمْ وَائِمُّهُمُ اللَّهُ لَوْ يَرُونَ مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَكَانُوا أَعَزَّ وَمَا اسْتَطَاعَ أَحَدٌ أَنْ يَتَعَلَّقَ عَلَيْهِمْ بِشَيْءٍ

امام صادق عليه السلام فرمود: خدا رحمت کند بنده ای را که ما را محبوب مردم قرار دهد، و ما را مبعوض آنان نگرداند، به خدا قسم اگر مردم سخنان خوب ما را برای دیگران نقل کنند عزیزتر خواهند شد، و کسی قادر نخواهد بود چیزی به آنان نسبت دهد.

وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام ذَلُّوا أَخْلَاقَكُمْ بِالْمَحَاسِنِ وَقُدُّوْهَا إِلَى الْمَكَارِمِ وَعَوِّدُوْهَا الْحِلْمَ وَاصْبِرُوا عَلَى الْإِثَارِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ فِيمَا تَحْمَدُونَ عَنْهُ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ وَلَا تُدَاقُوا النَّاسَ وَزَنًا بوزنٍ وَعَظْمًا أَقْدَارَكُمْ بِالْتَّعَافِلِ عَنِ الدَّنِيِّ مِنَ الْأُمُورِ وَأَمْسِكُوا رَمَقَ الضَّعِيفِ بِالْمُعُونَةِ لَهُ بِجَاهِكُمْ إِنْ عَجَزْتُمْ عَمَّا رَجَاهُ عِنْدَكُمْ فَلَا تَكُونُوا بَحَائِثِينَ عَمَّا غَابَ عَنْكُمْ فَيَكْثُرَ عَائِبُكُمْ وَتَحْفَظُوا مِنَ الْكَذِبِ فَإِنَّهُ مِنْ أَدْنَى الْأَخْلَاقِ قَدْرًا وَهُوَ نَوْعٌ مِنَ الْفُحْشِ وَضَرْبٌ مِنَ الدَّنَاءَةِ وَتَكَرَّمُوا بِالتَّعَامِي عَنِ الْإِسْتِقْصَاءِ وَرَوَى بَعْضُهُمْ بِالتَّعَامُسِ عَنِ الْإِسْتِقْصَاءِ

امیر مؤمنان عليه السلام فرمود: اخلاقتان را با نیکیها رام کنید، و به سوی خوبیها بکشید، و خود را به بردباری عادت دهید، و بر صفت ایثار و از خود گذشتگی در مواردی که حتی به مقدار کمی در مقابل عمل بسیار شما مورد ستایش قرار گیرید، صبور باشید، بر مردم خرده گیری نکنید، با چشم پوشی و بی ارزش

بحساب آوردن امور ناچیز؛ بزرگی و بزرگواری خود را حفظ کنید، آنجا که جانی در خطر است، و ناتوانی چشم امید به شما دوخته اگر خود توانایی ندارید با استفاده از مقام و آبروی خود از دیگران استمداد کنید و نیمه جانش را نگهدارید. در آنچه از دیدگانتان غایب است (اسرار مردم) کاوش چندان نکنید که در این هنگام مردم از شما عیب خواهند گرفت. از دروغ خود داری کنید که از همه خوبیها پست تر است، دروغ نوعی زشتی و قسمی از رذالت است، با بزرگواری از خرده گیری در محاسبه و پی گیری از مطالب بی ارزش صرف نظر نمایید.

و روایت شده: با تغافل از پی جویی مطالب بی ارزش صرف نظر کنید.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَحَبُّ أَخَاكَ الْمُسْلِمِ وَ أَحَبُّ لَكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ أَكْرَهُ لَكَ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ وَ إِنْ أَحْتَجْتَ فَسَلْهُ وَ إِنْ سَأَلَكَ فَأَعْطِهِ وَ لَا تَمَلَّهُ خَيْرًا وَ لَا يَمَلُّهُ لَكَ كُنْ لَهُ ظَهْرًا فَإِنَّهُ ظَهْرٌ لَكَ وَ إِنْ غَابَ فَاحْفَظْهُ فِي غَيْبَتِهِ وَ إِنْ شَهِدَ فَرْزُهُ وَ أَجَلُهُ وَ أَكْرَمُهُ فَإِنَّهُ مِنْكَ وَ أَنْتَ مِنْهُ وَ إِنْ كَانَ عَلَيْكَ عَاتِبًا فَلَا تُفَارِقْهُ حَتَّى تَسْأَلَ سَخِيمَتَهُ وَ مَا فِي نَفْسِهِ وَ إِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ فَاحْمَدِ اللَّهَ وَ إِنْ ابْتُلِيَ فَأَعْضُدَّهُ وَ تَمَحَّلْ لَهُ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: برادر مسلمانان را دوست بدار، و آنچه برای خود می پسندی برای او بپسند، و آنچه را برای خود نمی پسندی برای برادرت بپسند، اگر نیازمند شدی از او بخواه، اگر از تو چیزی خواست به او بده، در کار خیر او را در انتظار قرار نده (با تأخیرت ناراحتش نکن) و او هم تو را در انتظار قرار ندهد. همواره پشتیبان او باش که او نیز پشتیبان توست، چون غایب شد (به سفر رفت) در غیابش او را حفظ کن، و اگر برگشت به دیدن او برو، او را

تجلیل و احترام کن ، زیرا که او از توست و تو از اویی ، اگر سرزشت نمود از او دوری مکن تا اینکه ناراحتی او را از درون جانش بر طرف سازی ، و اگر او به خیری رسید خدا را سپاس بگو، و اگر بلایی به او رسید کمکش کن و برای او محلت بگیر.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنَسَكَ النَّاسُ نُسْكَاً أَنْصَحَهُمْ حُبًّا وَأَسْلَمَهُمْ قَلْباً لِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ
امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کند که فرمود:
عابدترین مردم کسی است که نسبت به همه مردم خیرخواه تر و پاکدلتر باشد.

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا تَظُنَّنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجْتَ مِنْ أَخِيكَ سُوءاً وَأَنْتَ تَجِدُ لَهَا مَحْمِلاً
علی علیه السلام فرمود: هیچ گاه به سخنی که از دهان برادرت بیرون می آید گمان بد مبر، در حالی که می توانی توجیه خوبی برایش پیدا کنی .

عَنْ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَرَمُ الْمُؤْمِنِ صَلَاتُهُ وَ قِيَامُهُ بِاللَّيْلِ وَقَوْلُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا
امام باقر علیه السلام فرمود: شرافت مؤمن به نماز و شب زنده داریش می باشد، و شما به مردم سخن نیکو بگوئید.

عَنْهُ قَالَ قَالَ عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ لَا يُضْمِرَنَّ أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ أَمْراً لَا يُحِبُّهُ لِنَفْسِهِ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدِ يُضْمِرُ لِأَخِيهِ أَمْراً لَا يُحِبُّهُ لِنَفْسِهِ إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ سَبَباً لِلنِّفَاقِ فِي قَلْبِهِ

امام باقر علیه السلام فرمود: پرهیزگاری پیشه کنید، و هیچ یک از شما آنچه را برای خود دوست نمی دارد برای برادر مسلمانش در دل نپروراند، زیرا هر بنده ای در درون جانش برای برادر مسلمانش آنچه را که خود نمی پسندد پروراند، خداوند نیز آن را سبب نفاق در دل برادرش قرار دهد.

جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ هُوَ يُرِيدُ بَعْضَ غَزَوَاتِهِ فَأَخَذَ بِمَقْوَدِ رَاحِلَتِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِي شَيْئًا أَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ فَقَالَ مَا أَحْبَبْتَ أَنْ يَأْتِيَهُ النَّاسُ إِلَيْكَ فَاتَّهَبُوا إِلَيْهِمْ وَمَا كَرِهْتَ أَنْ يَأْتِيَهُ النَّاسُ إِلَيْكَ فَلَا تَأْتِهِ إِلَيْهِمْ خَلَّ سَبِيلَ الرَّاحِلَةِ

عربی خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله رسید در حالی که آن حضرت قصد داشت به یکی از غزوات برود، آن مرد افسار مرکب ایشان را گرفت و گفت: ای رسول خدا! به من عملی بیاموز تا موجب بهشت رفتنم شود، فرمود: هر گونه دوست داری مردم با تو رفتار کنند با آنان رفتار کن، و هر چه را برای خودت ناخوش داری برای مردم میسند، اینک راه مرکب را باز کن.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِقَوْمٍ يَرْفَعُونَ حَجْرًا فَقَالَ مَا يَدْعُوكُمْ إِلَى هَذَا فَقَالُوا لِنَعْرِفَ أَشَدَّنَا وَ أَقْوَانَا فَقَالَ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشَدِّكُمْ وَ أَقْوَأَكُمْ قَالُوا بَلَى قَالَ هُوَ الَّذِي إِذَا رَضِيَ لَمْ يُدْخِلْهُ رِضَاهُ فِي بَاطِلٍ وَ إِذَا غَضِبَ لَمْ يُخْرِجْهُ غَضَبُهُ مِنْ حَقٍّ وَ إِذَا قَدَرَ لَمْ يَتَعَاطَ مَا لَيْسَ لَهُ

امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر گروهی از مردم گذشت که (جهت زور آزمایی) سنگی را بلند می کردند، حضرت از آنان پرسید: این چه کاری است؟ گفتند: بدین وسیله نیرومندترینمان را می شناسیم، فرمود: آیا نمی خواهید زورمندترین و برومندترینتان را به شما معرفی کنم؟ عرض کردند: آری

، فرمود: تواناترین و قوی ترین انسان کسی است که وقتی خوشنود است ، خرسندیش او را به گناه و باطلی نکشاند، و چون خشمگین شد، خشمش او را از حق باز ندارد، و چون توانمند شد به هر چه مباح و سزاوار نباشد دست نیالاید.

كَتَبَ أَبُو ذَرٍّ إِلَى سَلْمَانَ رَحِمَهُمَا اللَّهُ أَمَا بَعْدُ فَإِنَّكَ لَنْ تَنَالَ مَا تُرِيدُ إِلَّا بِتَرْكِ مَا تَشْتَهِي وَ لَنْ تَبْلُغَ مَا تَأْمُرُ إِلَّا بِالصَّبْرِ عَلَى مَا تَكْرَهُ فَلْيَكُنْ قَوْلَكَ ذِكْرًا وَ نَظْرُكَ عِبْرًا وَ صَمْتُكَ تَفَكُّرًا وَ اعْلَمْ أَنَّ أَعْجَزَ النَّاسِ عَجْزًا مَنْ أَتْبَعَ نَفْسَهُ هَوَاهَا وَ تَمَنَّى عَلَى اللَّهِ الْأَمَانِيَّ وَ أَنَّ أَكْيَسَ النَّاسِ كَيْسًا مَنْ دَانَ نَفْسَهُ لِلَّهِ وَ عَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ

ابوذر غفاری برای سلمان نوشت : تو به تمام آنچه که در نظر داری نخواهی رسید مگر اینکه از تمایلات خود دست برداری ، و به خواسته های نرسی مگر با صبر و شکیبایی در مقابل زشتیها، اینک باید سخن تو ذکر خدا باشد، و نگاهت عبرت انگیز، و سکوتت تفکر، و بدان ضعیف ترین افراد کسانی هستند که از هوای نفس پیروی کنند، و از خدا طلب آرزوهای بزرگ کنند، و زیرک ترین مردم کسی است که خود را برای خدا خاضع کند، و کارهایش را برای آخرت انجام دهد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ رَدَّ عَنْ قَوْمٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَادِيَةَ مَاءٍ أَوْ نَارٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس مسلمانان را از سیلی یا آتشی نجات دهد بهشت جایگاه اوست .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَقَاءَ الْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ جَعَلَ الْمَالَ عِنْدَ مَنْ يُؤَدِّي الْحَقَّ مِنْهُ وَيَصْنَعُ فِيهِ الْخَيْرَ وَإِذَا أَرَادَ فَنَاءَ الْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ جَعَلَ الْمَالَ عِنْدَ مَنْ لَا يُؤَدِّي الْحَقَّ مِنْهُ وَلَا يَصْنَعُ فِيهِ الْمَعْرُوفَ

امام صادق عليه السلام فرمود: چون اراده خداوند به بقاء اسلام و مسلمین تعلق گیرد، مال را نزد کسانی قرار می دهد که حق آن را ادا می کنند و آن را در راه خیر مصرف می نمایند، و چون اراده اش بر تضعیف اسلام و مسلمین قرار گیرد، مال را نزد کسانی قرار می دهد که حقیش را بجا نمی آورند و آن را در راه خیر مصرف نمی کنند.

عَنْهُ قَالَ إِنَّ الْجَارَ كَالنَّفْسِ غَيْرِ مُضَارٍّ وَلَا آثِمٍ

امام صادق عليه السلام فرمود: پناهنده انسان مانند خود انسان است ، نه ضرری رواست و نه اذیتی .

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ طَعَامِ الْأَسِيرِ فَقَالَ طَعَامُ الْأَسِيرِ عَلَى آسِرِهِ وَإِنْ كَانَ يُرَادُ قَتْلُهُ مِنَ الْغَدِ فَإِنَّهُ يَنْبَغِي أَنْ يُطْعَمَ وَيُسْقَى وَيُظَلَّلَ وَيُرْفَقَ بِهِ مِنْ كَافِرٍ أَوْ غَيْرِهِ

از امام صادق عليه السلام در مورد غذا دادن به اسیر سؤال شد، ایشان فرمود: غذای اسیر به عهده اسیرکننده اوست ، و اگر بخواهد که صبحگاهان او را بکشد، باید غذا و آب او را بدهد، و برایش سایه بان تهیه کند، و به او مهربانی نماید، چه آن اسیر کافر باشد یا غیر کافر.

عَنْهُ قَالَ لِأَصْحَابِهِ اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا إِخْوَةً بَرَرَةً مُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ مُوَاصِلِينَ
مُتَرَاحِمِينَ تَزَاوَرُوا وَتَلَاقُوا وَتَذَكَّرُوا أَمْرَنَا وَ أَحْيَاؤُهُ

امام صادق عليه السلام به اصحاب خود فرمود: پرهیزگار باشید و با هم برادری
نیکو باشید، در راه خدا با یک دیگر دوستی کنید، و پیوستگی داشته باشید، و به
یک دیگر مهر ورزید، به دیدار و ملاقات یک دیگر روید، و در مورد (ولایت)
ما سخن بگویید، و آن را زنده نگهدارید.

عَنْهُ قَالَ لَيْسَ مِنَّا غَيْرُ الْمُتَوَاصِلِينَ فِيمَا لَيْسَ مِنَّا غَيْرُ الْمُتَرَاحِمِينَ فِيمَا لَيْسَ مِنَّا
غَيْرُ الْمُتَزَاوِرِينَ فِيمَا لَيْسَ مِنَّا غَيْرُ الْمُتَبَاذِلِينَ فِيمَا

امام صادق عليه السلام فرمود: از ما نیست کسی که به خاطر ما پیوستگی (با
دیگران) نداشته باشد، از ما نیست هر که به خاطر ما مهرورزی نکند، از ما
نیست کسی که به خاطر ما به ملاقات (برادرانش) نرود، از ما نیست آنکه به
خاطر ما بذل و بخشش نکند.

فصل بیست و پنجم : در انفاق کردن

الفصل الخامس و العشرون فی الانفاق

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمْ تُبْعَثْ لِجَمْعِ الْمَالِ وَ لَكِنْ بَعَثْنَا لِانْفَاقِهِ

امام صادق علیه السلام از رسول خدا ﷺ نقل کند که فرمود: خداوند ما را برای جمع کردن مال مبعوث نفرمود، بلکه برای انفاق آن مبعوث کرد.

عَنْهُ قَالَ انْفَقُ بِالْخَلْفِ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ مَنْ لَمْ يُنْفِقْ فِي طَاعَةِ اللَّهِ ابْتُلِيَ بِأَنْ يُنْفِقَ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَ اعْلَمْ أَنَّ مَنْ لَمْ يَمْشِ فِي حَاجَةِ وَلِيِّ اللَّهِ ابْتُلِيَ بِأَنْ يَمْشِيَ فِي حَاجَةِ عَدُوِّ اللَّهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: انفاق کن و به پاداشی که (بعدا به تو می رسد) یقین داشته باش ، و بدان هر که در راه طاعت خدا انفاق نکند، مبتلی به انفاق کردن در راه معصیت خدا شود، و هر که به دنبال بر آوردن احتیاج دوست خدا نرود ناگزیر می شود که به دنبال بر آوردن حاجت دشمن خدا رود.

عَنْهُ قَالَ مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى بِلَالٍ وَ عِنْدَهُ كُرٌّ مِنْ تَمْرٍ فَقَالَ يَا بِلَالُ أَمِنْتَ أَنْ تُصْبِحَ بِهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ انْفِقْ يَا بِلَالُ وَ لَا تَخَفْ مِنْ ذِي الْعَرْشِ إِقْتَاراً

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ از کنار بلال عبور کردند در حالی که نزد او مقداری خرما بود، فرمود: ای بلال! اطمینان داری که به وسیله این خرما به جهنم نمی روی ؟

انفاق کن ای بلال و از خداوند به خاطر فقر وحشت نداشته باش .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ مِنْ صَلَاحِ الدِّينِ وَصَلَاحِ أَهْلِ الدِّينِ وَقَالَ الْآخَرُ
 إِنَّ مِنْ صَلَاحِ الْإِسْلَامِ وَصَلَاحِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ إِلَى مَنْ يُؤَدِّي فِيهَا
 الْحُقُوقَ وَيَصْطَنِعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ وَإِنَّ مِنْ فَسَادِ الدِّينِ وَفَسَادِ أَهْلِ الدِّينِ أَنْ تَصِيرَ
 الْأَمْوَالُ إِلَى مَنْ لَا يُؤَدِّي فِيهَا الْحَقَّ وَلَا يَصْطَنِعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ عَنْهُ مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ
 مِنْ بَقَاءِ الْإِسْلَامِ وَبَقَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَإِنْ مِنْ فَنَاءِ الْإِسْلَامِ وَفَنَاءِ الْمُسْلِمِينَ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: مصلحت دین و اهل دین به عبارت دیگر: مصلحت
 اسلام و مسلمین این است که اموال در دست افرادی قرار گیرد که حقوق آن را
 ادا کنند، و با آن کارهای نیک انجام دهد، و از مفسده دین و اهل دین این که
 اموال در دست کسی قرار گیرد که حقوق آن را نمی پردازد و آن را در راه نیک
 مصرف نمی کند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَنْعَمَ عَلَيَّ عَبْدٍ نِعْمَةً لَمْ يَسْأَلْهُ إِيَّاهَا مَا
 اسْتَقَامَ حَتَّى يَتَغَيَّرَ عَنْ طَاعَةِ اللَّهِ فَإِذَا تَغَيَّرَ عَنْ طَاعَةِ اللَّهِ تَغَيَّرَ اللَّهُ لَهُ عِنْدَ ذَلِكَ
 امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خداوند هر گاه بر بنده ای نعمت دهد، مادامی که در
 طاعت خدا استوار باشد، آن را از او نمی گیرد، مگر اینکه از طاعت خدا
 رویگردان شود، پس هر گاه از طاعت خدا رویگرداند، خداوند نیز نعمت را بر
 می گرداند.

عَنْ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَيُّمَا رَجُلٍ مِنْكُمْ رَأَى فِي نَفْسِهِ وَوَلَدِهِ أَوْ مَالِهِ وَاهْلِهِ غَيْرًا
 فَلْيَسْتَعِنْ رَبَّهُ وَيَسْتَغْفِرْهُ ثُمَّ قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنَا أَضْمَنُ لَهُ إِذَا هُوَ فَعَلَ ذَلِكَ وَ عَلَى
 اللَّهِ أَنْ يُعِينَهُ وَ يَرْجِعَ لَهُ مَا أَحَبَّ

امام باقر علیه السلام فرمود: هر مردی از شما در خود یا فرزندان یا مال و فامیلش
تغییری (در نعمتهایی که به او داده شده) مشاهده کرد، باید از خدا یاری بخواهد
و از او طلب آمرزش نماید. سپس فرمود: من او را ضمانت می کنم که اگر این
کار را بکند؛ خداوند به او کمک کند و هر چه بخواهد به او برسد.

فصل بیست و ششم : در ناامیدی و بی نیازی از مردم

الفصل السادس والعشرون في اليأس والاستغناء عن الناس
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اشْتَدَّتْ حَالُ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ فَقَالَتْ لَهُ
امْرَأَتُهُ لَوْ أَتَيْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَأَلْتَهُ فَجَاءَ إِلَيَّ النَّبِيُّ فَلَمَّا رَأَاهُ النَّبِيُّ قَالَ مَنْ
سَأَلْنَا أُعْطِينَاهُ وَمَنْ اسْتَعْنَى أَغْنَاهُ اللَّهُ فَقَالَ الرَّجُلُ مَا يَعْنِي غَيْرِي فَرَجَعَ إِلَى
امْرَأَتِهِ فَأَعْلَمَهَا فَقَالَتْ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ بَشَرٌ فَأَعْلَمَهُ فَأَتَاهُ فَلَمَّا رَأَاهُ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ
مَنْ سَأَلْنَا أُعْطِينَاهُ وَمَنْ اسْتَعْنَى أَغْنَاهُ اللَّهُ حَتَّى فَعَلَ الرَّجُلُ مَا ذَكَرْتَهُ ثَلَاثًا ثُمَّ
ذَهَبَ الرَّجُلُ فَاسْتَعَارَ مِعْوَلًا ثُمَّ أَتَى الْجَبَلَ فَصَعِدَهُ فَقَطَعَ حَطْبًا ثُمَّ جَاءَ بِهِ فَبَاعَهُ
بِنِصْفِ مَدٍّ مِنْ دَقِيقٍ فَرَجَعَ فَأَكَلُوهُ ثُمَّ ذَهَبَ مِنَ الْغَدِ فَصَعِدَهُ فَجَاءَ بِأَكْثَرِ مِنْ ذَلِكَ
فَبَاعَهُ فَلَمْ يَزَلْ يَعْمَلُ وَيَجْمَعُ حَتَّى اشْتَرَى مِعْوَلًا ثُمَّ جَمَعَ حَتَّى اشْتَرَى بَكْرَيْنِ وَ
غُلَامًا ثُمَّ أَثْرَى حَتَّى أَيْسَرَ فَجَاءَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَعْلَمَهُ كَيْفَ جَاءَ يَسْأَلُهُ وَكَيْفَ سَمِعَ
النَّبِيُّ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ قُلْتُ لَكَ مَنْ سَأَلْنَا أُعْطِينَاهُ وَمَنْ اسْتَعْنَى أَغْنَاهُ اللَّهُ

امام صادق عليه السلام فرمود: زندگانی یکی از اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله بسیار سخت شد، همسرش گفت: ای کاش نزد رسول خدا می رفتی و از او درخواست کمک می نمودی، آن مرد خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد، و چون پیامبر او را دید فرمود: هر که از ما طلب کند ما به او عطا می کنیم، و هر که بی نیازی جوید خدایش بی نیاز کند. مرد با خود گفت:

مقصودش غیر از من نیست، به سوی همسرش آمد و جریان را برایش گفت، زن گفت:

رسول خدا هم بشر است، باید وضع خود را به او می گفתי، مرد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و چون حضرت او را دید فرمود: هر که از ما طلب نماید به او

عطا کنیم و هر که بی نیازی بجوید خداوند بی نیازش کند، تا سه مرتبه آن مرد این کار را تکرار کرد.

سپس رفت و کلنگی را عاریه گرفت و به بالای کوه رفت و با آن مقداری هیزم جمع کرد، و آن را آورده و به نصف مدّ (نیم چارک) آرد فروخت ، و آن را به خانه برد و بخوردند، فردا هم رفت و از آن کوه بالا رفته و بیشتر از آن هیزم آورد و فروخت ، و همواره کار می کرد و می اندوخت تا خودش کلنگی خرید، باز هم اندوخت تا اینکه دو شتر و یک غلام خرید، سپس ادامه داد تا ثروتمند و بی نیاز شد، سپس خدمت پیغمبر ﷺ رسید و گزارش داد که چگونه برای طلب حاجت آمد و از پیغمبر چه شنید، پیامبر ﷺ فرمود:

من که گفتم هر که از ما طلب کند ما عطايش کنیم ، و هر که بی نیازی جوید خدایش بی نیاز کند.

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ تَيَسَّرَ مِمَّا فَاتَهُ أَرَّاحَ بَدَنَهُ

امام باقر ﷺ فرمود: هر که نسبت به از دست رفته اش به آسانی گذشت بدنش آرام گیرد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَرْوَحُ الرُّوحِ الْيَأْسُ عَنِ النَّاسِ

امام صادق ﷺ فرمود: بهترین راحتی ها ناامیدی از مردم است .

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ طَلَبُ الْحَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ اسْتِئْثَابٌ لِلْعِزَّةِ وَ مَذْهَبَةٌ لِلْحَيَاءِ وَ الْيَأْسُ

مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ عِزٌّ لِلْمُؤْمِنِ فِي دِينِهِ وَ الطَّمَعُ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ

امام صادق علیه السلام فرمود: حاجت خواستن از مردم موجب سلب عزت و رفتن حیا گردد، و نومییدی از آنچه در دست مردم است موجب عزت مؤمن در دینش است ، و طمع همان فقر موجود است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ طَلَبُ الْحَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ
امام صادق علیه السلام فرمود: حاجت خواستن از مردم همان فقر موجود است .

عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ أَظْهَرَ الْيَأْسَ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ فَإِنَّ ذَلِكَ هُوَ الْغِنَى وَ
إِيَّاكَ وَالطَّمَعُ فَإِنَّهُ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ
امام باقر علیه السلام فرمود: از آنچه در دست مردم است قطع امید کن ، زیرا این قطع امید کردن ؛ خود بی نیازی است ، و از طمع بپرهیز، زیرا که او فقر حاضر است .

عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُوا أَنْفُسَكُمْ بِالْإِسْتِغْنَاءِ عَنْ طَلَبِ الْحَوَائِجِ وَ
اعْلَمُوا أَنَّ مَنْ خَضَعَ لِصَاحِبِ سُلْطَانٍ جَائِرٍ أَوْ لِمَنْ يُخَالِفُهُ فِي دِينِهِ طَلَبًا لِمَا فِي
يَدَيْهِ مِنْ دُنْيَاهُ أَحْمَلَهُ اللَّهُ وَ مَقَّتَهُ عَلَيْهِ وَ وَكَلَهُ إِلَيْهِ فَإِنْ هُوَ غَلَبَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ
دُنْيَاهُ فَصَارَ إِلَيْهِ مِنْهُ شَيْءٌ نَزَعَ اللَّهُ الْبَرَكَاتَ مِنْهُ وَ لَمْ يُؤْجِرْهُ عَلَى شَيْءٍ يَنْفَعُهُ مِنْهُ فِي
حَجٍّ وَ لَا عِتْقٍ وَ لَا بَرٍّ

امام صادق علیه السلام فرمود: پرهیزگار باشید و خود را بی نیاز از طلب حاجتها نگاهدارید، و بدانید که هر کس برای سلطانی ستمگر یا برای کسی که در دین با او مخالف است برای طلب کردن آنچه دارد فروتنی نماید، خداوند او را گمنام کند و مورد غضبش قرار دهد و او را به خودش واگذارد، و اگر بر مقداری از

دنیای سلطان غالب شود، و چیزی از آن به او برسد، خداوند برکت را از او سلب کند، و به او پاداشی در مقابل آنچه برای حج و آزاد کردن بنده و کار نیکش انفاق نموده ندهد.

باب چهارم در آداب معاشرت با مردم و در آن دوازده فصل است

الباب الرابع في آداب المعاشرة مع الناس و ما يتصل بها اثنا عشر فصلا

فصل اول : در انتخاب دوست

الفصل الاول في اتخاذ الاخوان

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا تَغْشَ النَّاسَ فَتَبْقَى بِغَيْرِ صَدِيقٍ

امام صادق عليه السلام فرمود: به مردم غل و غش و دو رنگی نکن که بی رفیق خواهی ماند.

وَعَنْهُ قَالَ الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ وَلَا يَغُشُّهُ وَلَا يَغْتَابُهُ وَلَا يَخُونُهُ وَلَا يُكْذِبُهُ

امام صادق عليه السلام فرمود: مؤمن برادر مؤمن است ، به او ستم نمی کند و او را خوار نمی گرداند، و به او غش و دو رنگی نمی کند، و از او غیبت نکند و به او خیانت نرزد، و به او دروغ نمی گوید.

قَالَ لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَسْتَوْحِشَ إِلَىٰ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَمَنْ دُونَهُ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ عَزِيزٌ فِي دِينِهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: برای مؤمن سزاوار نیست که از ترس و وحشت با برادر مؤمنش (گرچه در مقام از او پائین تر باشد) و یا با دیگری مأنوس شود، مؤمن در دینش عزیز است .

وَعَنْهُ قَالَ لَا تُذْهِبِ الْحِشْمَةَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ أَخِيكَ فَإِنَّ ذَهَابَ الْحِشْمَةِ
ذَهَابُ الْحَيَاءِ وَبَقَاءُ الْحِشْمَةِ بَقَاءُ الْمُرُوءَةِ

امام صادق عليه السلام فرمود: پرده شرم و حیای میان خود و برادر دینیت را بر
مدار، زیرا رفتن آبرو و اعتبار رفتن حیاء، و بقاء اعتبار به بقاء مردانگی است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِذَا ضَاقَ أَحَدُكُمْ فَلْيُعَلِّمْ أَخَاهُ وَلَا يُعِنْ عَلَى نَفْسِهِ
امام صادق عليه السلام فرمود: هر گاه زندگی بر یکی از شما تنگ و سخت شد باید
برادران خود را خبر کند و به خود متکی و مغرور نباشد.

وَعَنْهُ قَالَ مَنْ عَظَّمَ دِينَ اللَّهِ عَظَّمَ حَقَّ إِخْوَانِهِ وَمَنْ اسْتَخَفَّ بِدِينِهِ اسْتَخَفَّ
بِإِخْوَانِهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: هر که دین خدا را بزرگ شمارد حقوق برادران دینی
خود را بزرگ می شمارد، و هر که دین خود را سبک شمارد برادران دینی خود
را هم سبک شمرده .

وَعَنْهُ قَالَ مَنْ سَأَلَ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ حَاجَةً مِنْ ضُرٍّ فَمَنَعَهُ مِنْ سَعَةٍ وَهُوَ يَقْدِرُ
عَلَيْهَا مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْلُولَةً يَدُهُ إِلَى عُنُقِهِ حَتَّى
يَفْرُغَ اللَّهُ مِنْ حِسَابِ الْخَلْقِ

امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس از برادر مؤمنش به علت تنگدستی تقاضایی
کند، و او بتواند حاجتش را به هر نحوی روا نماید ولی بر نیاورد، خداوند متعال

روز قیامت دست او را در گردنش به زنجیر بندد، تا هنگامی که از حساب مردم فارغ شود.

عَنْهُ قَالَ مَنْ مَشَى مَعَ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فِي حَاجَةٍ فَلَمْ يُنَاصِحْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که دنبال حاجتی با برادر (دینی) خود همراه شود، ولی خیر خواه او نباشد، مانند کسی است که به خدا و رسولش خیانت کرده .

عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ يَحِقُّ عَلَى الْمُؤْمِنِ لِلْمُؤْمِنِ النَّصِيحَةَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مَا لِأَخِيكَ يَشْكُو مِنْكَ قَالَ يَشْكُونِي أَنِّي اسْتَقْصَيْتُ حَقِّي مِنْهُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ كَأَنَّكَ إِذَا اسْتَقْصَيْتَ حَقَّكَ لَمْ تُسَيِّءْ أَمْ رَأَيْتَ مَا ذَكَرَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ فِي الْقُرْآنِ يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ أَمْ خَافُوا أَنْ يَجُورَ اللَّهُ جَلَّ تَنَاضُؤُهُ عَلَيْهِمْ لَا وَاللَّهِ مَا خَافُوا ذَلِكَ وَ إِنَّمَا خَافُوا الْإِسْتِقْصَاءَ فَسَمَاهُ اللَّهُ سُوءَ الْحِسَابِ نَعَمْ مَنْ اسْتَقْصَى مِنْ أَخِيهِ فَقَدْ أَسَاءَ

امام باقر علیه السلام فرمود: سزاوار است که مؤمن خیر خواه مؤمن باشد.

حمّاد بن عثمان گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم که مردی از یاران ما خدمت ایشان رسید، امام علیه السلام فرمود: چرا برادر مؤمنت از تو شکایت دارد؟ عرض کرد: از اینکه حقم را از او طلب نمودم شکایت دارد، حضرت فرمود: گویا تو هنگامی که حقت را طلب می کنی خطایی مرتکب نشده ای! آیا کلام خداوند را در قرآن ندیده ای که (آنها از بدی حساب می ترسند)؟ آیا آنان از

ظلم خدا بر خود می ترسند؟ نه بخدا قسم ؛ آنها از این نمی ترسند، بلکه از حساب کشی خدا می ترسند، لذا خداوند نام آن را بدی حساب گذارده . بلی ؛ هر که از برادر دینی اش حسابرسی کند به او بدی نموده .

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ إِخْوَانُنَا يَتَوَلَّوْنَ عَمَلَ السُّلْطَانِ أَفَدَعُو لَهُمْ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ هَلْ يَنْفَعُونَكُمْ قُلْتُ لَا فَقَالَ اِبْرَاءُوا مِنْهُمْ بَرِيَ اللَّهُ مِنْهُمْ

راوی گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم : برادران ما برای سلطان کار می کنند آیا بر ایشان دعا کنیم ؟ حضرت فرمود: آیا سودی برای شما دارند؟ گفتم : نه ، فرمود: از آنها بیزاری بجوئید که خداوند هم از آنها بیزاری جسته .

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا تَدْخُلْ لِأَخِيكَ فِي أَمْرِ مَضْرَتُهُ عَلَيْكَ أَعْظَمُ مِنْ مَنَفَعَتِهِ لَهُ قَالَ ابْنُ سِنَانَ يَعْنِي أَنَّ الرَّجُلَ يَكُونُ عَلَيْهِ دَيْنٌ كَثِيرٌ وَ لَكَ مَالٌ قَلِيلٌ فَتَوَدَّى عَنْهُ فَيَذْهَبُ مَالُكَ وَ لَا تَكُونُ قَضِيَّتَ دَيْنِهِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: با برادرت در کاری که ضررش بر تو بیشتر از نفع اوست برای خود همکاری نکن .

ابن سنان در توجیه این حدیث گوید: منظور امام این است که شخص قرض زیادی دارد و تو اندک مالی داری ، می خواهی دین او را اداء کنی ، مالت از بین می رود ولی قرض را ادا نمودی .

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يُقَالُ لِلْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَصَفَّحَ وَجْوهَ النَّاسِ فَمَنْ سَقَاكَ شَرْبَةً أَوْ
أَطْعَمَكَ أَكَلَةً أَوْ فَعَلَ بِكَ كَذَا وَكَذَا خَذَ بِيَدِهِ فَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ فَأَخَذَ بِيَدِهِ فَأَدْخَلَهُ
الْجَنَّةَ

امام صادق عليه السلام فرمود: روز قیامت به مؤمن گفته می شود: خوب به چهره
های مردم نگاه کن ، هر که تو را آبی نوشانیده ، یا به تو غذائی خورانده ، یا
کاری برای انجام داده ، دستش را بگیر و به بهشت ببر، او دستش را گرفته و به
بهشت برد.

وَعَنْهُ قَالَ مَنْ أَكْرَمَ مُؤْمِنًا فَكَأَنَّمَا يُكْرِمُ اللَّهُ وَ مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ دَفَعَ اللَّهُ
عَنْهُ الْبَلَاءَ وَ دَرَّ عَلَيْهِ الرِّزْقُ

امام صادق عليه السلام فرمود: هر که مؤمنی را اکرام کند گویا خدا را اکرام نموده ،
و هر که برای برادر مؤمنش دعا کند، خداوند بلا را از او دفع و روزیش را زیاد
گرداند.

وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ عَلَيْكُمْ بِالْإِخْوَانِ فَإِنَّهُمْ عُدَّةٌ لِلدُّنْيَا وَ عُدَّةٌ لِلْآخِرَةِ
أَلَا تَسْمَعُ إِلَى قَوْلِ أَهْلِ النَّارِ فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ

علی عليه السلام فرمود: شما به برادران خود توجه کنید که آنها برای دنیا و آخرت
شما سودمند خواهند بود، مگر نشنیده اید که خداوند در قرآن از قول اهل دوزخ
می فرماید: (در این روز سخت نه شفيعی داریم و نه دوستی که حمايتمان کند).

وَقَالَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ اللَّيْلَ وَ صَامَ النَّهَارَ وَ ذُبِحَ بَيْنَ الرَّكْنِ وَ الْمَقَامِ لَمْ يَبْعَثْهُ
اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَعَ مَنْ أَحَبَّ بِالْغَا مَا بَلَغَ إِنْ جَنَّةً فَجَنَّةً وَ إِنْ نَارًا فَنَارًا

علی علیه السلام فرمود: اگر کسی شب زنده دار باشد و روزها روزه بگیرد و در بین رکن و مقام قربانی کند، خداوند در روز قیامت او را مبعوث نمی کند مگر با کسی که دوستش دارد، به هر تعداد که باشند؛ اگر آن دوست بهشتی باشد در بهشت خواهد بود، و اگر جهنمی باشد در دوزخ .

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا أَحَدَّثَ عَبْدٌ أَخًا فِي اللَّهِ إِلَّا أُحْدِثَ لَهُ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ
رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هیچ بنده ای در راه خدا با کسی برادری ننمود، مگر اینکه درجه ای و مقامی در بهشت برایش احداث شد.

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَيْسَ مِنَ الْأَنْصَافِ مُطَابَّةُ الْأَخْوَانِ بِالْأَنْصَافِ
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: انصاف نیست که انسان از برادران خود انصاف بخواهد.

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ فَدَعَاهُ فَقَالَ إِنَّ فُلَانًا صَنَعَ لَكَ طَعَامًا فَقَالَ أَقْرَبُهُ مِنِّي السَّلَامَ وَقُلْ لَهُ أَنَا وَمَنْ مَعِيَ فَرَجَعَ الرَّسُولُ فَقَالَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ قَالَ فَقُمْنَا وَكُنَّا ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا فَاتَيْنَا الْبَابَ فَاسْتَأْذَنَ فَخَرَجَ رَبُّ الْبَيْتِ فَأَخَذَ بِيَدِ سَلْمَانَ فَأَدْخَلَهُ الْبَيْتَ فَأَمَرَ رَفِقتَنَا عَنْ يَمِينِهِ وَشِمَالِهِ فَأَجْلَسَهُ وَحَلَّ زَرَّ قَمِيصِهِ وَكَانَ أَيَّامَ حَرٍّ فَفَرِحَ مِنْهُ فَضَحِكَ سَلْمَانُ فَفَرِحْنَا بِضِحْكِهِ فَقُلْنَا يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا الَّذِي أَضْحَكَكَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ مَا مِنْ رَجُلٍ مُسْلِمٍ أَكْرَمَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ بِتَكْرِمَةٍ يُرِيدُ بِهَا وَجْهَ اللَّهِ إِلَّا نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ وَمَا نَظَرَ اللَّهُ إِلَى عَبْدٍ فَلَا يُعَذِّبُهُ أَبَدًا
مردی خدمت سلمان فارسی رضی الله عنه آمد و او را دعوت نمود، و گفت : فلانی غذایی برای شما تهیه کرده ، سلمان گفت : سلام مرا به او برسان و به او بگو:

من و هر که با من هست بیاییم؟ آن شخص رفت و برگشت و گفت: همگی بیایید، مرد گفت: برخاستیم در حالی که سیزده نفر بودیم به در آن خانه رسیدیم، سلمان اجازه ورود خواست، صاحب خانه بیرون آمد و دست سلمان را گرفته و وارد خانه کرد، و به دوستان ما امر کرد که طرف راست و چپ او بنشینند، او سلمان را نشاند و چون هوا گرم بود دکمه پیراهنش را باز نمود و خوشحال شد، سلمان خنده اش گرفت، همگی ما نیز خندیدیم، و گفتیم: ای ابا عبد الله! چرا خندیدی؟ گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که می فرمود: هر مسلمانی که برادر مسلمان خود را احترام کند، و در این عمل نیت خدایی داشته باشد، خداوند به او نظر می کند، و هر که مورد نظر خداوند قرار گیرد هرگز عذاب نشود.

عَنْ أَنَسٍ قَالَ أَهْدَى لِرَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ رَأْسُ شَاةٍ مَشْوِيٍّ فَقَالَ إِنَّ أَخِي فَلَانًا وَ عِيَالَهُ أَحْوَجُ إِلَيَّ هَذَا حَقًّا فَبَعَثَ إِلَيْهِ فَلَمْ يَزَلْ يَبْعَثُ بِهِ وَاحِدًا إِلَى وَاحِدٍ حَتَّى تَدَاوَلُوا بِهَا سَبْعَةَ آيَاتٍ حَتَّى رَجَعْتُ إِلَى الْأَوَّلِ فَنَزَلَ وَ يُؤَثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَ فِي رِوَايَةٍ فَتَدَاوَلَتْهُ تِسْعَةَ أَنْفُسٍ ثُمَّ عَادَ إِلَى الْأَوَّلِ

انس گوید: به یکی از اصحاب پیامبر ﷺ سر یک گوسفند بریان شده ای هدیه شد، او گفت: فلان برادرم و خانواده اش از من بیشتر نیازمندند، سر گوسفند را نزد او بردند، او نیز به دیگری حواله کرد، تا به هفت نفر حواله شد، و سرانجام به دست همان نفر اول رسید. در اینجا این آیه نازل شد: (و بر خود سختی می گیرند، گرچه به ضررشان باشد، و هر که بخل نورزد رستگار خواهد بود).

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ اغْتَيْبَ عِنْدَهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ فَنَصَرَهُ وَأَعَانَهُ نَصَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ اغْتَيْبَ عِنْدَهُ الْمُؤْمِنُ فَلَمْ يَنْصُرْهُ وَلَمْ يَدْفَعْ عَنْهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى نَصْرَتِهِ وَعَوْنِهِ خَوَّفَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

امام باقر عليه السلام فرمود: هر مؤمنی که نزدش غیبت مؤمن دیگری کنند و او از آن مؤمن دفاع کند، خداوند او را در دنیا و آخرت یاری کند، و هر که غیبت مؤمنی را بشنود و در حالی که قدرت دفاع دارد از او دفاع نکند، خداوند او را در دنیا و آخرت خواهد ترسانید.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ عَرَضَ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ فَكَانَتْ مَخْدَشَ وَجْهَهُ

امام صادق عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وسلم نقل کند که فرمود: هر که متعرض برادر مسلمانش شود (و سخن او را قطع کند)، مثل این است که چهره اش را مخدوش گردانیده .

وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُؤْمِنُ مِرَاةُ أَخِيهِ يُمِيطُ عَنْهُ الْأَذَى

رسول خدا صلى الله عليه وسلم فرمود: مؤمن همانند آئینه ای برای برادر مؤمنش است ، ناراحتیها را از او بر طرف می سازد.

فصل دوم : در آداب معاشرت

الفصل الثانی فی آداب المعاشرة

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَيْفَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَضَعَ فِيمَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا وَفِيمَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ خُلَطَائِنَا مِنَ النَّاسِ فَقَالَ تُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ وَتُقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَتَعُودُونَ مَرْضَاهُمْ وَتَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ

معاویة بن وهب گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: رفتار ما با کسانی که با ما معاشرت دارند یا با ما هم فکرند چگونه سزاوار است باشد؟ فرمود: امانت را به آنان برگردانید، اگر از شما شهادت خواستند، در شهادت و گواهی آنها شرکت نمایید، بیمارانشان را عیادت کنید، و از جنازه آنان مشایعت کنید.

عَنْهُ قَالَ احْضَرُوا مَعَ قَوْمِكُمْ مَسَاجِدَكُمْ وَأَحِبُّوا لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّونَ لِنَفْسِكُمْ أَمَا يَسْتَحِي الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَنْ يَعْرِفَ جَارَهُ حَقَّهُ وَلَا يَعْرِفَ حَقَّ جَارِهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: با هم فکران خود در مساجدتان حضور بهم رسانید، و آنچه را برای خود می پسندید برای مردم بیسندید، آیا شرم نمی کند کسی که همسایه اش حق او را بشناسد، ولی او حق همسایه اش را نشناسد؟

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ فَقَالَ كَانَ يُوسَعُ لِلْجَلِيسِ وَيَسْتَفْرِضُ لِلْمُحْتَاكِجِ وَيُعِينُ الضَّعِيفَ

امام صادق علیه السلام در مورد آیه (و ما تو را از نیکوکاران می دانیم) فرمود: آنکه برای همنشین خود در مجلس جا باز کند، و به نیازمند وام دهد، و درمانده را یاری کند.

عَنْهُ قَالَ إِيَّاكُمْ وَ مَا يُعْتَذِرُ مِنْهُ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُسِيءُ وَ لَا يَعْتَذِرُ وَ الْمُنَافِقُ يُسِيءُ كُلَّ يَوْمٍ وَ يَعْتَذِرُ

امام صادق علیه السلام فرمود: پرهیزید از عملی که باعث عذر خواهی شما شود، زیرا مؤمن عملی را انجام نمی دهد که بعد عذر خواهی کند، و منافق هر روز بدی می کند و عذر می خواهد.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا قَالَ قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ اللَّعَانَ السَّبَّابَ الطَّعَّانَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ وَ السَّائِلَ الْمُلْحِفَ وَ يُحِبُّ الْحَيَّ الْحَلِيمَ الْعَفِيفَ الْمُتَعَفِّفَ

امام باقر علیه السلام در مورد آیه (و به مردم سخنان نیک گوید)، فرمود: بهترین چیزی را که دوست دارید در مورد شما گفته شود به مردم بگویید، زیرا خداوند نفرین کننده و فحش دهنده و طعن زننده بر مؤمنان و بدزبان، و گدای حریص و پررو را دوست ندارد، و افراد آبرومند بردبار با عفت پیشه را دوست دارد.

عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ مَنْ خَالَطَتْ فَإِنْ اسْتَطَعَتْ أَنْ تَكُونَ يَدُكَ الْعُلْيَا عَلَيْهِ فَافْعَلْ

امام باقر علیه السلام فرمود: با هر که معاشرت داری اگر می توانی دست عطایت را به سرشان بکشی ، و به آنها خیری رسانی ، آن را انجام بده .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ إِذَا كَانَ الْقَوْمُ ثَلَاثَةً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَلَا يَتَنَاجِيَانِ مِنْهُمْ اثْنَانِ دُونَ صَاحِبِهِمَا فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يَحْزَنُهُ وَيُؤْذِيهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه سه نفر از مؤمنان با هم هستند، دو نفر آنان در گوشی با هم صحبت نکنند، زیرا مایه اندوه و آزار رفیق سوم است .

وَعَنْهُ علیه السلام قَالَ اذْكُرْ أَخَاكَ إِذَا تَوَارَى عَنْكَ بِمَا تُحِبُّ أَنْ يَذْكُرَكَ بِهِ إِذَا تَوَارَيْتَ عَنْهُ وَدَعُهُ مِنْ كُلِّ مَا تُحِبُّ أَنْ يَدْعَكَ مِنْهُ فَإِنَّ ذَلِكَ هُوَ الْعَمَلُ وَالْعَمَلُ عَمَلٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مَجْزِيٌّ بِالْإِحْسَانِ مَا خُوذَ بِالْإِجْرَامِ

امام صادق علیه السلام فرمود: برادر خود را هنگامی که غایب است طوری یاد کن که دوست می داری او تو را یاد کند، و واگذار او را از آنچه دوست می داری که تو را از آن واگذارد، زیرا این از عمل صالح است ، و بمانند کسی کار انجام ده که می داند جزای خیر و شر عمل او دامنگیرش می شود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ كُلُّهُ عَرَضُهُ وَ مَالُهُ وَ دَمُهُ

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: تمام شئونات مؤمن محترم است : آبرویش ، و مالش ، و خویش .

عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ لَا تَطْلُبُوا عَثْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ مَنْ تَبَعَ عَثْرَاتِ أَخِيهِ تَبَعَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ وَ مَنْ تَبَعَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ فَضَحَهُ وَ لَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ

رسول خدا ﷺ فرمود: لغزشهای مؤمنان را جستجو نکنید، زیرا هر که لغزشهای برادر مؤمنش را جستجو کند، خداوند لغزشهایش را دنبال کند، و هر که خداوند لغزشهایش را دنبال نماید رسوایش سازد، گرچه درون خانه اش باشد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ لَمَّا أُصْلِحَ بَيْنَ اثْنَيْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِدِينَارَيْنِ عَلَى عَلِيٍّ فرمود: اصلاح کردنم میان دو نفر نزد من محبوبتر است از اینکه دو دینار صدقه دهم .

عَنْ الْبَاقِرِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ قَالَ الْكُذِبُ كُلُّهُ إِثْمٌ إِلَّا مَا نَفَعْتَ بِهِ مُؤْمِنًا أَوْ دَفَعْتَ بِهِ عَنْ دِينِ الْمُسْلِمِ امام باقر ﷺ فرمود: هر دروغی حرام است ، مگر دروغی که سودی برای مؤمنی داشته باشد، یا بخواهی از دین و عقیده مسلمان دفاع کنی .

عَنِ الصَّادِقِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ قَالَ صَدَقَةٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ إِصْلَاحٌ بَيْنَ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَتَقْرِيبٌ إِذَا تَبَاعَدُوا امام صادق ﷺ فرمود: صدقه ای که خداوند دوست دارد، اصلاح میان مردم است ، زمانی که با هم نزاع دارند، و نزدیک نمودن آنها به یک دیگر هنگامی که از هم دور شوند.

عَنْهُ قَالَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِيهِ دُعَابَةٌ قُلْتُ وَمَا الدُّعَابَةُ قَالَ الْمِرَاحُ

امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ مؤمنی نیست جز اینکه در او دعا به است ، سؤ
ال شد: دعا به چیست ؟ فرمود: شوخی کردن .

وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام إِيَّاكُمْ وَ الْمِرَاحَ فَإِنَّهُ يَجْرُ السَّخِيمَةَ وَ يُورِثُ الضَّعِيفَةَ وَ
هُوَ السَّبُّ الْأَصْغَرُ

علی علیه السلام فرمود: از شوخی بپرهیزید که کینه آورد، و دشمنی به جای گذارد،
شوخی با اشخاص خود فحش کوچک است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ إِيَّاكُمْ وَ الْمِرَاحَ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ وَ مَهَابَةِ
الرَّجُلِ كَانَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ يَجْلِسُونَ فَيَلْهَوْنَ وَ يَتَحَدَّثُونَ وَ يَضْحَكُونَ حَتَّى
أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ فَلَمَّا قَرَأَ
رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَلَيْهِمْ هَذِهِ الْآيَةَ تَرَكُوا الْحَدِيثَ وَ اللَّهْوَ وَ الْمِرَاحَ

امام صادق علیه السلام فرمود: از مزاح دوری کنید که آبرو می برد، و شکوه و
بزرگی مردان را از بین می برد، یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله جمع می شدند و سخنان
لغو و بیهوده می گفتند و می خندیدند، تا اینکه این آیه شریفه را خداوند نازل
فرمود: (آیا وقت آن نرسیده که کسانی که ایمان آورده اند دلهایشان با یاد خدا
خاضع شود) هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت فرمود، سخن گفتن
و لغو و شوخی را رها کردند.

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ علیه السلام قَالَ إِنَّ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا كَانَ يَبْكِي وَ لَا يَضْحَكُ وَ
كَانَ عَيْسَى يَضْحَكُ وَ لَا يَبْكِي وَ كَانَ الَّذِي يَصْنَعُ عَيْسَى أَفْضَلَ مِمَّا يَصْنَعُ يَحْيَى

امام کاظم علیه السلام فرمود: یحیی بن زکریا علیه السلام گریه می کرد و نمی خندید، و عیسی علیه السلام می خندید و می گریست ، و آنچه را عیسی عمل می کرد از یحیی بهتر بود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ ضِحْكُ الْمُؤْمِنِ تَبَسُّمٌ
امام صادق علیه السلام فرمود: خنده مؤمن تبسم است .

وَ فِي رِوَايَةٍ قَالَ إِذَا فَهَمْتِ فَقُلِ اللَّهُمَّ لَا تَمُقْتِنِي
در روایت دیگر آمده که : هر گاه با صدای بلند خندیدی بگو: بار خدایا! مرا مورد بغض خود قرار مده .

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ إِنَّ مِنَ الْجَهْلِ الضَّحْكَ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ
علی علیه السلام فرمود: خنده بی مورد از نادانی است .

عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام كَثْرَةُ الضَّحْكِ تَمْجُّ الْإِيمَانَ مَجًّا
امام صادق علیه السلام فرمود: خنده بسیار ایمان را به یک سو پرتاب کند.

عَنِ الرُّضَا علیه السلام قَالَ إِذَا كَانَ الرَّجُلُ حَاضِرًا فَكَنَّهُ وَإِذَا كَانَ غَائِبًا فَسَمَّهُ
امام رضا علیه السلام فرمود: در حضور مرد کنیه اش را بگو، و در غیابش نامش را
ببر.

عَنْ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مِنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى أَخِيهِ أَنْ يُشْبِعَ جَوْعَتَهُ وَيُوَارِيَ عَوْرَتَهُ وَيُفْرِجَ عَنْهُ كُرْبَتَهُ وَيَقْضِيَ دَيْنَهُ فَإِذَا مَاتَ خَلَفَهُ فِي أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ

امام باقر عليه السلام فرمود: از حق مؤمن بر برادر مؤمنش این است که گرسنگی او را رفع کند، و زشتیهایش را بپوشاند، و از گرفتاریش نجات بخشد، و قرضش را بپردازد، و چون بمیرد نسبت به خانواده و فرزندان او جانشینی کند.

وَمِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ سَبْعَةٌ حُقُوقٌ وَاجِبَاتٌ مَا فِيهَا حَقٌّ إِلَّا وَ عَلَيْهِ وَاجِبٌ إِنْ خَالَفَهُ خَرَجَ مِنْ وَ لَأَيَّةِ اللَّهِ وَ تَرَكَ طَاعَتَهُ وَ لَمْ يَكُنْ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ نَصِيبٌ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ حَدَّثَنِي مَا هِيَ قَالَ أَيْسَرُ حَقٍّ مِنْهَا أَنْ يُحِبَّ لَهُ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ وَ يَكْرَهُ لَهُ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ وَ الْحَقُّ الثَّانِي أَنْ يَمْشِيَ فِي حَاجَتِهِ وَ يَبْتَغِيَ رِضَاهُ وَ لَا يُخَالِفَ قَوْلَهُ وَ الْحَقُّ الثَّلَاثُ أَنْ تَصِلَهُ بِنَفْسِكَ وَ مَالِكَ وَ يَدِكَ وَ رِجْلِكَ وَ لِسَانِكَ وَ الْحَقُّ الرَّابِعُ أَنْ تَكُونَ عَيْنُهُ وَ دَلِيلُهُ وَ مِرَاتَهُ وَ قَمِيصُهُ وَ الْحَقُّ الْخَامِسُ أَنْ لَا تَشْبَعُ وَ يَجُوعُ وَ لَا تَلْبَسَ وَ يَعْرِى وَ لَا تَرَوَى وَ يَظْمَأُ وَ الْحَقُّ السَّادِسُ أَنْ تَكُونَ لَكَ امْرَأَةٌ وَ خَادِمٌ وَ لَيْسَ لِأَخِيكَ امْرَأَةٌ وَ لَا خَادِمٌ أَنْ تَبْعَثَ خَادِمَكَ فَيَغْسِلَ ثِيَابَهُ وَ يَصْنَعَ طَعَامَهُ وَ يَمْهَدَ فِرَاشَهُ فَإِنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ إِنَّمَا جُعِلَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ وَ الْحَقُّ السَّابِعُ أَنْ تُبْرِئَ قَسَمَهُ وَ تُجِيبَ دَعْوَتَهُ وَ تَشْهَدَ جَنَازَتَهُ وَ تَعُودَهُ فِي مَرَضِهِ وَ تَشْخَصَ بِيَدِكَ فِي قَضَاءِ حَاجَتِهِ وَ لَا تُحَوِّجَهُ إِلَى أَنْ يَسْأَلَكَ وَ لَكِنْ تُبَادِرُ إِلَى قَضَاءِ حَوَائِجِهِ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِ وَصَلْتَ وَ لَأَيْتَهُ بَوْلَايَتِكَ وَ وَ لَأَيْتِكَ بَوْلَايَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

امام صادق عليه السلام فرمود: مؤمن بر مؤمن هفت حق واجب دارد، که اگر مخالف آن عمل کند از فرمان و اطاعت خدا خارج شده، و خداوند در این حقوق بهره ای ندارد، عرض کردم:

فدایت شوم ، آن حقوق را بیان فرمایید که چیست ؟

فرمود: آسانترین آنها آنکه هر چه برای خودت دوست داری برای او هم دوست بدار، و هر چه برای خودت نمی پسندی برای او هم میسند، و حقّ دوم اینکه : حاجتش را بر آوری و رضایتش را کسب کنی ، و با گفتارش مخالفت نکنی ، و حقّ سوم اینکه : با جان و مال و دست و پا و زبانت او را یاری کنی ، و حقّ چهارم اینکه : چشم و راهنما و آینه او و حافظ سرش باشی ، و حقّ پنجم اینکه : تو سیر نباشی و او گرسنه ، و تو نباشی پوشیده نباشی و او برهنه ، و سیراب نباشی و او تشنه ، و حقّ ششم اینکه : اگر تو زن و خادم داری و او زن و خادم ندارد، خدمت را برای شستن لباسش و پختن غذایش و پهن نمودن رختخوابش بفرستی ، و این روابطی است که بین شما مقرر شده است .

و حقّ هفتم اینکه : سوگندش را تصدیق کنی ، و دعوتش را بپذیری ، و در بیماریش به عیادت او بروی ، و بر جنازه اش حاضر شوی ، و در رفع حوائجش بکوشی ، و نگذاری که از تو چیزی بخواهد، بلکه در بر آوردن حاجتش مبادرت ورزی ، هر گاه چنین کردی دوستی او را به دوستی خود، و دوستی خود را با دوستی خدا پیوند زده ای .

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ تَوَلَّى أَمْرًا مِنْ أُمُورِ النَّاسِ فَعَدَلَ وَفَتَحَ بَابَهُ وَرَفَعَ سِتْرَهُ وَنَظَرَ فِي أُمُورِ النَّاسِ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُؤْمِنَ رَوْعَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که عهده دار امری از امور مردم شود، و با عدالت رفتار کند، و در خانه اش را به روی مردم باز نماید، و پرده خانه را کارزند، و

در امور مردم نظر نماید، بر خداوند متعال حق است که روز قیامت او را نترساند
و به بهشت برد.

سُئِلَ مَا أَذْنَىٰ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَىٰ أَخِيهِ قَالَ أَنْ لَا يَسْتَأْثِرَ عَلَيْهِ بِمَا هُوَ أَحْوَجُ إِلَيْهِ
مِنْهُ

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: پایین ترین حق مؤمن بر برادرش چیست؟
فرمود: این است که در آنچه که برادر مؤمنش به آن محتاج تر است خود را
مقدم ندارد.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ لِابْنِهِ الْحَسَنِ علیه السلام حِينَ دَخَلَ مُؤَدِّبُهُ قَوْمَ لِمَوْلَاكَ
عَلَى علیه السلام هَنَگَامِي كَمَا مَعَلَّمَ فَرَزَنْدَش حَسَن علیه السلام وَارَد مِي شَد مِي فَرَمُود:
جلوی مولایت بایست.

سُئِلَ مَا أَذْنَىٰ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَىٰ أَخِيهِ قَالَ أَنْ لَا يَسْتَأْثِرَ عَلَيْهِ بِمَا هُوَ أَحْوَجُ إِلَيْهِ
مِنْهُ

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: کمترین حق مؤمن بر برادرش چیست؟
فرمود: آنست که نیازهای ضروری او را بر نیاز خود مقدم دارد

رُؤِيَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِذَا أَتَاكُمْ سَيِّدُ قَوْمٍ فَاعْرِفُوا سُودَّهُ
رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر گاه بزرگ گروهی نزد شما آمد، منزلت او را
بزرگ شمارید.

عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ الْمُؤْمِنُ الَّذِي يُخَالِطُ النَّاسَ وَ يَصْبِرُ عَلَىٰ أَذَاهُمْ أَكْبَرُ أَجْرًا
مِنَ الَّذِي لَا يُخَالِطُهُمْ وَلَا يَصْبِرُ عَلَىٰ أَذَاهُمْ

رسول خدا ﷺ فرمود: مؤمنی که با مردم معاشرت می کند، و بر اذیت‌های آنان صبر می نماید، از کسی که در اجتماعات آنها شرکت نمی کند و بر اذیت‌های آنان صبر نمی کند اجرش بیشتر است .

وَقَالَ الصَّادِقُ ع تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِمُؤَاَسَاةِ إِخْوَانِكُمْ
امام صادق ع فرمود: با همدردی با برادرانتان به خدا تقرب جوئید.

وَقَالَ ع الْمُؤْمِنُ أَكْبَرُ حُرْمَةً مِنَ الْكَعْبَةِ
امام صادق ع فرمود: احترام مؤمن از کعبه بالاتر است .

وَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا جَاءَ الرَّجُلُ فَاسْأَلُهُ عَنِ اسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ وَ مِمَّنْ هُوَ فَإِنَّهُ
أَوْصَلَ لِلْمَوَدَّةِ

رسول خدا ﷺ فرمود: هنگامی که مردی نزد شما آمد از نامش و نام پدرش و محل زندگانش سؤال کنید، زیرا این سؤالات ایجاد محبت می کند.

وَقَالَ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَرْفَعَنَّ إِلَيْنَا عَوْرَةَ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ
رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، نباید اسرار زندگی برادر مسلمانش را به ما بگوید.

وَ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ غِيْضَةً وَ مَعَهُ صَاحِبٌ لَهُ فَقَطَعَ غُضْنَيْنِ أَحَدُهُمَا أَعْوَجُ وَ
 الْآخَرَ مُسْتَقِيمٌ وَ دَفَعَ إِلَى صَاحِبِهِ الْمُسْتَقِيمَ وَ حَبَسَ لِنَفْسِهِ الْأَعْوَجَ فَقَالَ الرَّجُلُ
 أَنْتَ أَحَقُّ بِهَذَا مِنِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ كَلَّا مَا مِنْ مُؤْمِنٍ صَاحِبٍ صَاحِبًا إِلَّا وَ هُوَ
 مَسْئُولٌ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ

رسول خدا ﷺ به همراه یک نفر وارد نيزاری شدند، و دو شاخه را قطع
 نمودند، یکی از آن دو کج بود و دیگری راست ، شاخه راست را به همراه خود
 دادند و شاخه کج را خود برداشت ، مرد گفت : ای رسول خدا! تو از من به این
 سزاوارتری ، فرمود: هرگز، هر مؤمنی که با رفیقش و لو یک ساعت همراه باشد
 روز قیامت باز خواست می شود.

عَنِ الرَّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِعَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ أَضْمَنْ لِي خَصْلَةً أَضْمَنْ لَكَ ثَلَاثًا فَقَالَ
 جُعِلَتْ فِدَاكَ وَ مَا الْخَصْلَةُ الَّتِي أَضْمَنْهَا لَكَ وَ مَا الثَّلَاثُ الَّتِي تَضْمَنْ لِي قَالَ
 فَقَالَ أَمَّا الثَّلَاثُ الَّتِي أَضْمَنْ لَكَ أَنْ لَا يُصِيبَكَ حَرُّ الْحَدِيدِ أَبَدًا بِقَتْلِ وَ لَا فَاقَةَ وَ لَا
 سِجْنَ حَبْسٍ قَالَ فَقَالَ عَلِيُّ وَ مَا الْخَصْلَةُ الَّتِي أَضْمَنْهَا لَكَ قَالَ فَقَالَ تَضْمَنْ لِي أَنْ
 لَا يَأْتِيكَ وَلِيٌّ أَبَدًا إِلَّا أَكْرَمْتَهُ قَالَ فَضَمِنَ عَلِيُّ الْخَصْلَةَ وَ ضَمِنَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ
 الثَّلَاثَ

امام رضا علیه السلام به علی بن یقطین فرمود: اگر یک خوی و خصلت را برایم
 ضامن شوی ، من سه چیز را بر تو ضمانت کنم ، گفت : فدایت شوم ، آن
 خصلتی که من آن را قبول کنم و سه خصلتی که شما ضمانت می کنید چیست ؟
 فرمود: اما سه خصلتی را که من ضمانت می کنم : اینکه حرارت آهن را با کشته
 شدن نجشی ، و گرفتار فقر و تنگدستی نشوی ، و در زندان نیفتی ، علی بن
 یقطین گفت : شرطی را که من باید انجام دهم چیست ؟ فرمود:

هر گاه یکی از دوستان (اهل بیت) نزد شما آمد او را احترام کنید، او قول داد این کار را بکند و امام علیه السلام هم سه تعهد خوب را ضمانت فرمود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ عَلَيْكُمْ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَالْوَرَعِ وَاللَّجْهَادِ وَالْخُرُوجِ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَمْلِكِ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ وَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحْسِنْ صُحْبَةَ مَنْ صَحِبَهُ وَ مُرَافَقَةَ مَنْ رَافَقَهُ وَ مُخَالَطَةَ مَنْ خَالَطَهُ وَ مُجَاوِرَةَ مَنْ جَاوَرَهُ وَ مُجَامَلَةَ مَنْ جَامَلَهُ وَ مُمَالِحَةَ مَنْ مَالَحَهُ وَ مُخَالَفَةَ مَنْ خَالَفَهُ وَ عَلَيْكُمْ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَ الْكَفِّ وَ التَّقِيَّةِ وَ الْكِتْمَانِ فَإِنِّي وَ اللَّهُ نَظَرْتُ يَمِينًا وَ شِمَالًا فَلَمَّا رَأَيْتُ النَّاسَ قَدْ أَخَذُوا هَكَذَا وَ هَكَذَا أَخَذْتُ الْجَادَةَ فِي غُمارِ النَّاسِ فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: بر شما باد به ترس از خدا و راستگویی ، و پرهیزگاری و کوشش در عبادت ، و ترک گناهان ، و آگاه باشید! هر کس بر غضب و خشم خود مسلط نباشد از ما نیست ، و هر که با همراه خود حق رفاقت را مراعات نکند و خوب رفاقت نکند، و معاشرتش خوب نباشد و همسایه را آزار دهد و به همنشین خود ستم کند و آداب غذا خوردن را رعایت نکند و با او مخالفت کند از ما نیست .

پرهیزگار باشید و از بدگویی به مردم دست بردارید، و تقیه کنید و اسرار خود را حفظ نمایید، بخدا قسم من به راست و چپ نظر کردم ، و چون مردم را دیدم که هر کدام به راهی می روند، من در بین آن گرد و غبار مردم راه راست را برگزیدم ، اینک شما هم تا می توانید از خدا بترسید، و هیچ قدرتی جز قدرت خدا نیست .

قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ مَنْ كَلَّفَ أَخَاهُ حَاجَةً فَلَمْ يُبَالِغْ فِيهَا فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس برادر دینی خود را به کاری که در حدّ توان او نیست وادار نماید، به خدا و رسولش خیانت کرده است .

وَقَالَ مَنْ عَرَقَتْ جِبْهَتُهُ فِي حَاجَةٍ أَخِيهِ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يُعَذَّبْ بَعْدَ ذَلِكَ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس در راه بر آوردن حاجت برادر مؤمنش عرق بریزد، بعد از آن عذاب نمی شود.

فصل سوم : در اذن ورود به منازل

الفصل الثالث في الاستئذان

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا بَلَغَ أَحَدُكُمْ حُجْرَتَهُ فَلْيُسِّمِ
يَرْجِعُ قَرِينَهُ الشَّيْطَانُ وَإِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ بَيْتَهُ فَلْيُسَلِّمْ تَنْزِلُ الْبَرَكَةُ وَتُؤَسُّهُ الْمَلَائِكَةُ
عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر گاه خواستید وارد اطاقتان شوید «بسم الله» بگوئید تا
شیطان همراهش فرار کند، و هر گاه داخل خانه خود شدید سلام کنید، تا برکت
بر آن نازل شود، و فرشتگان با اهل منزل انس می گیرند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا دَخَلْتَ مَنْزِلَكَ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ سَلِّمْ عَلَيَّ
أَهْلِكَ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ أَحَدٌ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَيَّ رَسُولِهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ
وَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ فَإِذَا قُلْتَ ذَلِكَ فَرَّ الشَّيْطَانُ مِنْ مَنْزِلِكَ
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر گاه وارد منزلت شدی «بسم الله و بالله» بگو، و
بر خانواده ات سلام کن ، و اگر کسی در خانه نبود، بگو: «بسم الله و سلام علی
رسوله و علی اهل بیته ، و السلام علینا و علی عباد الله الصالحین»، هر گاه این
را گفتی شیطان از منزلت فرار می کند.

وَعَنْهُ قَالَ يُسَلِّمُ الرَّجُلُ إِذَا دَخَلَ عَلَى أَهْلِهِ وَإِذَا دَخَلَ يَضْرِبُ بِنَعْلَيْهِ وَيَتَنَحَّحُ
يَصْنَعُ ذَلِكَ حَتَّى يُؤْذَنَ لَهُ أَنَّهُ قَدْ جَاءَ حَتَّى لَا يَرَى شَيْئًا يَكْرَهُهُ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر گاه مرد وارد بر خانواده اش می شود سلام می
کند، و هر گاه داخل شد کفشش را به زمین می کوبد و سرفه می کند، این کار را
می کند تا آنان را به ورودش اطلاع دهد، تا چیزی نبیند که او را ناراحت نماید.

وَ قَالَ فِي قَوْلِهِ لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَ تَسَلَّمُوا عَلَىٰ
أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ قَالَ الْاِسْتِيْنَاْسُ وَفَعُ النَّعْلُ وَ التَّسْلِيْمُ

امام صادق عليه السلام در باره آیه (به خانه هایی غیر از خانه های خود وارد نشوید تا استیناس نموده و بر اهل آن خانه سلام کنید، این برای شما خیر است)، فرمود: استیناس ، سلام کردن و کوبیدن پا بر زمین هنگام ورود به منزل می باشد.

عَنْهُ قَالَ إِذَا اسْتَأْذَنَ أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِالسَّلَامِ فَإِنَّهُ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ
فَلْيَسْتَأْذِنْ مِنْ وَرَاءِ الْبَابِ قَبْلَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى قَعْرِ الْبَيْتِ فَإِنَّمَا أَمْرُكُمْ بِالِاسْتِئْذَانِ مِنْ
أَجْلِ الْعَيْنِ وَ الْاِسْتِئْذَانُ ثَلَاثُ مَرَّاتٍ فَإِنْ قِيلَ ادْخُلْ فَلْيَدْخُلْ وَ إِنْ قِيلَ ارْجِعْ
فَلْيَرْجِعْ أَوْ لَاهُنَّ يَسْمَعُ أَهْلُ الْبَيْتِ وَ الثَّانِيَةُ يَأْخُذُ أَهْلُ الْبَيْتِ حِذْرَهُمْ وَ الثَّلَاثَةُ يَخْتَارُ
أَهْلُ الْبَيْتِ إِنْ شَاءُوا أَوْ ذُنُوا وَ إِنْ شَاءُوا لَمْ يَأْذُنُوا ثُمَّ لِيَرْجِعْ

امام صادق عليه السلام فرمود: هنگامی که اذن ورود به خانه را گرفتید اول سلام کنید، که یکی از نامهای خداوند می باشد، البته اجازه گرفتن باید از پشت در قبل از نگاه کردن به داخل خانه باشد، شما امر به اجازه گرفتن شده اید به خاطر آنچه چشمتان می بیند.

اذن ورود باید سه مرتبه باشد، و هر گاه اجازه دادند داخل شوید، و اگر گفتند برگرد باید فوراً مراجعت کنی ، اجازه اول برای شنیدن اهل خانه است ، دوم برای حفظ حجاب آنها، سوم از این جهت که خواستند اذن دهند یا ندهند، و اگر اذن ندادند باید برگردد.

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَتَى بَابَ قَوْمٍ لَمْ يَنْصَرِفْ حَتَّى يُؤْذِنَ بِالسَّلَامِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ

رسول خدا ﷺ هر گاه در منزلی می رفتند بر نمی گشتند مگر اینکه سه بار به اهل منزل سلام می کردند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ فَلَيْسَتْ أذنِ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ وَمَنْ بَلَغَ الْحُلُمَ فَلَا يَلِجُ عَلَى امَّةٍ وَلَا عَلَى أُخْتِهِ وَلَا عَلَى خَالَتِهِ وَلَا عَلَى سِوَى ذَلِكَ إِلَّا بِإِذْنٍ وَلَا يَأْذِنُوا حَتَّى يُسَلِّمَ وَالسَّلَامُ طَاعَةٌ مِنَ اللَّهِ

امام صادق ع فرمود: غلامان شما که در منزلتان خدمت می کنند و کسانی که هنوز به حد بلوغ نرسیده اند باید به امر خداوند سه بار اذن ورود بخواهند، و افراد بالغ اگر بخواهند بر مادر یا خواهر یا خاله خود و غیر آنها وارد شوند باید اجازه بگیرند، و به اذن تنها اکتفا نکنند تا اینکه سلام کنند، و سلام طاعتی است از خدا.

وَعَنْهُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَتْ أذنِ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَقَالَ هَؤُلَاءِ الْمَمْلُوكُونَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالصِّبْيَانِ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ يَسْتَأْذِنُونَ عَلَيْكُمْ عِنْدَ هَذِهِ الثَّلَاثِ الْعَوْرَاتِ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ وَهِيَ الْعَتَمَةُ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَيدخلُ مَمْلُوكُكُمْ بَعْدَ هَذِهِ الثَّلَاثِ الْعَوْرَاتِ بِغَيْرِ إِذْنٍ إِنْ شَاءُوا

امام صادق عليه السلام در باره قول خدای عز و جلّ (ای مؤمنین غلامان شما و کسانی که به حدّ بلوغ نرسیده اند باید سه مرتبه اذن بگیرند) فرمود: آنها خدمتکاران (زن و مرد) و بچه هایی هستند که به حدّ بلوغ نرسیده اند، که در سه مکان از شما اذن می گیرند: بعد از نماز عشاء، که هنگام خواب است (و گاه عوض کردن لباسهايتان هنگام ظهر و بعد از نماز عشاء)، و غلامان شما بعد از این سه مورد اگر بخواهند بر شما وارد شوند اذن نمی خواهد.

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُرِيدُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَأَنَا مَعَهُ فَلَمَّا انْتَهَيْنَا إِلَى الْبَابِ وَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ وَدَفَعَهُ ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ قَالَتْ فَاطِمَةُ وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَذْخُلُ أَنَا وَمَنْ مَعِيَ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ عَلَيَّ رَأْسِي قِنَاعٌ فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ خُذِي فَضْلَ مِلْحَفَتِكَ فَفَعَلْتُ بِهِ رَأْسِي فَفَعَلْتُ ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَقَالَتْ وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَذْخُلُ قَالَتْ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَنَا وَمَنْ مَعِيَ قَالَتْ وَمَنْ مَعَكَ قَالَ جَابِرٌ فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ وَدَخَلْتُ وَإِذَا وَجْهُ فَاطِمَةَ أَصْفَرُ كَأَنَّهُ بَطْنُ جَرَادَةٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَا لِي أَرَى وَجْهَكَ أَصْفَرَ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنَ الْجُوعِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ مُشْبِعِ الْجُوعَةَ وَدَافِعِ الضِّيْعَةَ أَشْبِعْ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ قَالَ جَابِرٌ فَوَاللَّهِ لَنَنْظَرْتُ إِلَى الدَّمِ يَنْحَدِرُ مِنْ قُصَاصِهَا حَتَّى عَادَ وَجْهَهَا أَحْمَرَ فَمَا جَاعَتْ بَعْدَ ذَلِكَ الْيَوْمِ

جابر بن عبد الله گوید: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از منزل خارج شد و به طرف منزل فاطمه عليها السلام حرکت کرد، و من در خدمت آن حضرت بودم، هنگامی که به در منزل رسید دست خود را روی در گذارد و آن را تکان داد، و فرمود: السّلام علیکم، فاطمه عليها السلام فرمود: و علیکم السّلام یا رسول الله، رسول خدا

فرمود: وارد شوم؟ فرمود: بفرمایید ای رسول خدا، فرمود: من و همراهم؟
 فرمود: ای رسول خدا بر سرم مقنعه نیست، فرمود: ای فاطمه اضافه پارچه ای
 که در دست داری مقنعه ات کن، حضرت هم همین کار را کرد، سپس پیامبر
 فرمود: السّلام علیکم، فرمود: و علیکم السّلام یا رسول الله، پیامبر
 فرمود:

وارد شوم؟ فرمود: بلی ای رسول خدا، حضرت فرمود: من و همراهم؟
 فرمود: و آنکه با شماست.

جابر گوید: رسول خدا ﷺ وارد شد، من هم وارد شدم و در این هنگام چهره
 فاطمه را دیدم که زرد شده! و گویا به رنگ شکم ملخ است، رسول خدا
 فرمود: چرا صورتت زرد شده؟ فرمود: ای رسول خدا، از گرسنگی،
 پیامبر ﷺ فرمود: ای خدایی که گرسنگان را سیر و بر طرف کننده هلاکتی،
 فاطمه دختر محمد را سیر کن، جابر گوید:

بخدا قسم در این هنگام مشاهده کردم که خون از بالای پیشانی ایشان در
 تمام صورت (زیر پوست) جریان پیدا کرد، و صورت حضرت سرخ شد، و بعد
 از آن دعا، هرگز گرسنه نشد.

عَنْ حَمْرَةَ بِنِ حُمْرَانَ قَالَتْ كُنْتُ أَنَا وَ حَسَنُ الْعَطَّارُ فَسَلَّمْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
 فَرَدَّ عَلَيْنَا السَّلَامَ ثُمَّ نَظَرْنَا أَنْ يَقُولَ لَنَا ادْخُلُوا فَقَالَ مَا لَكُمْ لَا تَدْخُلُونَ أَلَيْسَ قَدْ
 أَذِنْتُ أَلَيْسَ قَدْ رَدَدْتُ عَلَيْكُمْ فَقَدْ أَذِنْتُكُمْ يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ مَا أَعْجَبَكُمْ يَكْتَفِي بِالْأَوَّلِ
 وَ فِي رِوَايَةٍ كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ يَسْتَأْذِنُ عَلَى أَهْلِ الذِّمَّةِ

حمزة بن حمران گوید: من و حسن عطار خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدیم و سلام کردیم ، حضرت سلام ما را پاسخ داد، سپس منتظر ماندیم تا اجازه ورود دهد. فرمود:

چرا داخل نمی شوید، مگر به شما اذن ورود ندادم؟ آیا جواب سلامتان را که دادم اذن دخول نیست؟ ای اهل عراق، چرا تعجب می کنید؟ به همان اذن اول اکتفا می شود. و در روایتی: علی علیه السلام از اهل ذمه هم اجازه ورود می خواست .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ لَيْسَتْ أذنِ الرَّجُلِ عَلَى بِنْتِهِ وَأُخْتِهِ إِذَا كَانَتْ مُتْرَوَجَتَيْنِ
امام صادق علیه السلام فرمود: مرد باید از دختر و خواهرش که شوهر دارند اجازه ورود بخواهد.

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ فِي خَيْرِ طَوِيلٍ كَتَبْتُ مَوْضِعَ الْحَاجَةِ إِلَيْهَا فِي سَحَرِ يَوْمِنَا جَاءَ
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَدَقَّ الْبَابَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ قَوْمِي فَافْتَحِي لَهُ الْبَابَ
فَفَتَحْتُ لَهُ الْبَابَ فَأَخَذَ بَعْضَ دَتِي الْبَابِ حَتَّى لَمْ يَسْمَعْ حِسًّا وَلَا حَرَكَةً وَصَرْتُ
إِلَى خِدْرِي اسْتَأْذَنَ فَدَخَلَ تَمَامَ الْخَبْرِ

ام سلمه ضمن روایت طولانی گوید: روزی هنگام صبح امیرالمؤمنین علیه السلام به در خانه ما آمد و در زد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برخیز و در را باز کن ، من در را برایش باز کردم ، امام علیه السلام دو طرف در را گرفت (تا در کاملاً باز نشود) تا اینکه هیچ حس و حرکتی از من نبیند، من به حجره ام رفتم ، ایشان اذن گرفته و داخل شد.

فصل چهارم : در سلام کردن و معانقه

الفصل الرابع فى التسليم و المعانقة

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ أَفْشُوا سَلَامَ اللَّهِ فَإِنَّ سَلَامَ اللَّهِ لَأَ يَنَالُ الظَّالِمِينَ

امام باقر عليه السلام می فرمود: با صدای بلند سلام کنید، زیرا سلام خداوند به ظالمان نمی رسد.

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا التَّقَيْتُمْ فَتَلَقَوْا بِالسَّلَامِ وَ التَّصَافِحِ وَإِذَا تَفَرَّقْتُمْ فَتَفَرَّقُوا بِالاسْتِغْفَارِ

امام باقر عليه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود: هر گاه بهم رسیدید سلام کنید و با یک دیگر دست دهید، و هر گاه از هم جدا شدید استغفار کنید.

عَنْهُ قَالَ إِذَا سَلَّمَ أَحَدُكُمْ فَلْيَجْهَرْ بِسَلَامِهِ لَا يَقُولُ سَلَّمْتُ فَلَمْ يَرُدُّوا عَلَيَّ وَ لَعَلَّهُ قَدْ يَكُونُ قَدْ سَلَّمَ وَ لَمْ يُسْمِعْهُمْ وَإِذَا رَدَّ أَحَدُكُمْ فَلْيَجْهَرْ بِرَدِّهِ لَا يَقُولُ الْمُسَلِّمُ سَلَّمْتُ فَلَمْ يَرُدُّوا عَلَيَّ ثُمَّ قَالَ كَانَ عَلَيٌّ يَقُولُ لَا تَغْضَبُوا وَ لَا تُغْضِبُوا أَفْشُوا السَّلَامَ وَ أَطِيبُوا الْكَلَامَ وَ صَلُّوا بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامٌ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ ثُمَّ تَلَا عَلَيٌّ قَوْلَ اللَّهِ السَّلَامُ الْمُؤْمِنِ الْمُهَيِّمِ

امام باقر عليه السلام فرمود: هر گاه یکی از شما خواست سلام کند، با صدای بلند سلام کند، و نگوید سلام کردم و جوابم را ندادند، ممکن است او سلام کند و کسی را نشنوند، و اگر پاسخ سلام می دهید باید بلند جواب دهید، تا سلام کننده نگوید سلام کردم و کسی جوابم را نداد.

سپس فرمود: علی علیه السلام می فرمود: غضب نکنید و دیگران را هم به خشم نیاورید، با صدای بلند سلام کنید، و سخنان پاکیزه و مفید بر زبان آورید، و در حالی که مردم در خوابند نماز شب بخوانید؛ تا به سلامت داخل بهشت شوید، سپس این آیه را تلاوت فرمود: **(السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمُ)**.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ السَّلَامُ سَبْعُونَ حَسَنَةً تَسْعُ وَ سِتُونَ لِلْمُبْتَدِي وَ وَاحِدَةٌ لِلرَّادِّ

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: سلام کردن هفتاد حسنه دارد، شصت و نه حسنه برای ابتداکننده به سلام، و یکی از آنها برای جواب دهنده است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ مِنَ التَّوَاضُعِ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَيَّ مَنْ لَقَيْتَ
امام صادق علیه السلام فرمود: یک قسم از تواضع این است که کسی را که دیدی به او سلام کنی.

وَ قَالَ الْبَخِيلُ مَنْ بَخِلَ بِالسَّلَامِ

امام صادق علیه السلام فرمود: بخیل کسی است که در سلام کردن بخل بورزد

وَ عَنْهُ علیه السلام قَالَ يُسَلِّمُ الرَّكِبُ عَلَى الْمَاشِي وَ الْمَاشِي عَلَى الْقَاعِدِ وَإِذَا لَقَيْتَ
جَمَاعَةً جَمَاعَةً سَلَّمَ الْأَقْلُ عَلَى الْأَكْثَرِ وَإِذَا لَقِيَ وَاحِدًا جَمَاعَةً سَلَّمَ الْوَاحِدُ عَلَى
الْجَمَاعَةِ

امام صادق علیه السلام فرمود: سواره بر پیاده سلام می کند، و پیاده بر نشسته، و هر گاه گروهی با گروه دیگر ملاقات کرد آنگاه که عده کمتری دارند بر کسانی

که تعدادشان بیشتر است سلام کنند، و هر گاه یک نفر با گروهی ملاقات نمود،
همو بر جماعت سلام کند.

وَعَنْهُ قَالَ الْقَلِيلُ يَبْدُؤُنَ الْكَثِيرَ بِالسَّلَامِ وَالرَّكِبُ يَبْدُؤُ الْمَاشِيَ وَأَصْحَابُ
الْبِغَالِ يَبْدُؤُنَ أَصْحَابَ الْحَمِيرِ وَأَصْحَابُ الْخَيْلِ يَبْدُؤُنَ أَصْحَابَ الْبِغَالِ
امام صادق عليه السلام فرمود: افراد کم به افراد زیاد سلام کنند، و سواره بر پیاده ،
و قاطر سواران بر الاغ سواران ، و اسب سواران بر قاطر سواران سلام کنند.

عَنْهُ قَالَ إِذَا سَلَّمَ الرَّجُلُ مِنَ الْجَمَاعَةِ أَجْزَأَ عَنْهُمْ وَإِذَا سَلَّمَ عَلَى الْقَوْمِ وَهُمْ
جَمَاعَةٌ أَجْزَأَهُمْ أَنْ يَرُدَّ وَاحِدٌ مِنْهُمْ
امام صادق عليه السلام فرمود: هر گاه مردی از میان گروه سلام کند از دیگران
کفایت کند، و هر گاه بر گروهی سلام کرد و یکی از آنها جواب داد از بقیه
کفایت می کند.

عَنْهُ قَالَ مَنْ قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ فَهِيَ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَمَنْ قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ وَ
رَحْمَةُ اللَّهِ فَهِيَ عِشْرُونَ حَسَنَةً وَمَنْ قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ فَهِيَ
ثَلَاثُونَ

امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس بگوید «سلام عليكم»، ده حسنه برایش
منظور گردد، و هر که بگوید «سلام عليكم و رحمة الله» بیست حسنه ، و هر که
بگوید «سلام عليكم و رحمة الله و برکاته» سی حسنه .

عَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُسَلِّمُ عَلَى النِّسَاءِ وَيَرُدُّنَ عَلَيْهِ وَكَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ يُسَلِّمُ عَلَى النِّسَاءِ وَيَرُدُّنَ عَلَيْهِ وَكَانَ يَكْرَهُ أَنْ يُسَلِّمَ عَلَى الشَّابَّةِ مِنْهُنَّ وَيَقُولُ أَتَخَوَّفُ أَنْ يُعْجِبَنِي صَوْتُهَا فَيَدْخُلَ عَلَيَّ أَكْثَرَ مِمَّا أَطْلُبُ مِنَ الْأَجْرِ

امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر زنان سلام می کرد، و پاسخ سلام آنان را می داد، امیر المؤمنین علیه السلام به زنها سلام می کرد و به آنان جواب می داد، ولی از سلام کردن به زنهاى جوان کراهت داشت ، و مى فرمود: مى ترسم صدایش در من حالتى ایجاد کند، و ضررى بیش از اجرى که مى خواستم نصیبم گردد.

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ مِنْ مَجْلِسِهِ فَلْيُودِّعْهُمْ بِالسَّلَامِ

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر گاه یکی از شما (در مجلسی) از جایش حرکت نمود که خارج شود، با گفتن سلام با اهل مجلس وداع کند.

وَقَالَ إِذَا لَقِيَ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيُسَلِّمْ عَلَيْهِ وَلْيُصَافِحْهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَكْرَمَ بِذَلِكَ الْمَلَائِكَةَ فَاصْنَعُوا صَنِيعَ الْمَلَائِكَةِ

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر گاه یکی از شما برادر دینی اش را دید او سلام کند، و با او مصافحه نماید، زیرا خداوند عز و جل به جهت سلام کردن به فرشتگان احترام گزارد، شما هم از فرشتگان پیروی کنید.

مِنْ كِتَابِ الرَّوْضَةِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ أَنْ يُسَلِّمَ عَلَى أَرْبَعَةٍ عَلَى السَّكَرَانِ فِي سُكْرِهِ وَعَلَى مَنْ يَعْمَلُ التَّمَائِيلَ وَعَلَى مَنْ يَلْعَبُ بِالْتَّرْدِ وَعَلَى

مَنْ يَلْعَبُ بِالْأَرْبَعَةِ عَشَرَ وَ أَنَا أَزِيدُكُمْ الْخَامِسَةَ أَنهَأَكُمُ أَنْ تُسَلِّمُوا عَلَيَّ صَاحِبِ الشُّطْرَنْجِ

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله از سلام کردن به چهار نفر نهی فرمود؛ بر مرد مست در حالت مستی ، بر کسی که مجسمه می سازد، بر کسی که نرد بازی می کند، بر کسی که با چهارده مهره بازی می کند (نوعی قمار که در زمان جاهلیت رواج داشته)، امام علیه السلام فرمود: من هم پنجمی را به آن اضافه می کنم ، شما را نهی می کنم از اینکه بر شطرنج باز سلام کنید.

قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام لَا تُسَلِّمُوا عَلَيَّ الْيَهُودِ وَلَا عَلَيَّ النَّصَارَى وَلَا عَلَيَّ الْمَجُوسِ وَلَا عَلَيَّ عَبْدَةِ الْأَوْثَانِ وَلَا عَلَيَّ مَوَائِدِ شَرَابِ الْخَمْرِ وَلَا عَلَيَّ صَاحِبِ الشُّطْرَنْجِ وَ التَّرْدِ وَلَا عَلَيَّ الْمُخَنَّثِ وَلَا عَلَيَّ الشَّاعِرِ الَّذِي يَقْذِفُ الْمُحْصَنَاتِ وَلَا عَلَيَّ الْمُصَلِّي وَ ذَلِكَ أَنَّ الْمُصَلِّيَّ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَرُدَّ السَّلَامَ لِأَنَّ التَّسْلِيمَ مِنَ الْمُسْلِمِ تَطَوُّعٌ وَ الرَّدُّ عَلَيْهِ فَرِيضَةٌ وَلَا عَلَيَّ آكِلِ الرِّبَا وَلَا عَلَيَّ رَجُلٍ جَالِسٍ عَلَيَّ غَائِطٍ وَلَا عَلَيَّ الَّذِي فِي الْحَمَّامِ وَلَا عَلَيَّ الْفَاسِقِ الْمُعْلِنِ بِفِسْقِهِ

امام باقر علیه السلام فرمود: بر یهودی سلام نکنید، بر نصرانی ، مجوسی ، بت پرست ، و کسانی که کنار سفره شراب نشسته اند، و بر شطرنج باز، و نردباز، و بر مردانی که فقط صورت مردی دارند، و بر شاعرانی که به زنان شوهردار تهمت می زنند، و بر کسی که در حال نماز خواندن است ، چون نمی تواند جواب سلام را بدهد، و چون سلام بر سلام کننده مستحب و جوابش واجب است ، و بر رباخوار، و بر کسی که در حال قضای حاجت است ، و بر کسی که در حمام است ، و بر فاسقی که فسقش را ظاهر می سازد، سلام نکنید.

وَرُويَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ سِتَّةٌ لَا يَنْبَغِي أَنْ يُسَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَ سِتَّةٌ مِنْ
أَخْلَاقِ قَوْمِ لُوطٍ فَأَمَّا الَّذِينَ لَا يَنْبَغِي السَّلَامُ عَلَيْهِمْ فَالْيَهُودُ وَ النَّصَارَى وَ أَصْحَابُ
النَّرْدِ وَ الشُّطْرَنْجِ وَ أَصْحَابُ الخَمْرِ وَ الْبَرِبِطِ وَ الطُّنْبُورِ وَ الْمُتَفَكِّهُونَ بِسَبِّ الْأُمَّهَاتِ
وَ الشُّعْرَاءِ

علی عليه السلام فرمود: شش گروه شایسته سلام نیستند، و شش عمل از اخلاق
قوم لوط است، اما آنان که شایسته سلام کردن نیستند: یهودی، نصرانی،
نردباز، شطرنج باز، شراب خوار، تار و طنبور زن، کسانی که به وسیله فحش
دادن به مادرهای همدیگر خوشمزگی و شادمانی می کنند، و شاعران.
اما آن کارهایی که از اخلاق قوم لوط است: مهره بازی، بشکن زدن، سقز
جویدن، دامن کبر بر زمین ساییدن، دکمه قبا و پیراهن باز گذاردن.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِذَا سَلَّمَ عَلَيْكَ الْيَهُودِيُّ أَوْ النَّصْرَانِيُّ أَوْ الْمُشْرِكُ
فَقُلْ عَلَيْكَ
امام صادق عليه السلام فرمود: هر گاه یهودی یا نصرانی یا مشرک بر تو سلام کرد،
بگو علیک.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ لَا تَبْدُءُوا أَهْلَ الْكِتَابِ بِالسَّلَامِ وَإِذَا سَلَّمُوا فَقُولُوا
عَلَيْكُمْ
امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: به اهل کتاب ابتدا به سلام نکنید، و هر گاه آنها به
شما سلام کردند، بگویید علیکم.

قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَيْفَ الدُّعَاءُ لِلْيَهُودِيِّ وَالنَّصْرَانِيِّ قَالَ بَارَكَ اللَّهُ لَكَ فِي دُنْيَاكَ

از حضرت صادق عليه السلام سؤال شد: برای یهود و نصاری چگونه دعا کنیم؟
فرمود: بگویند؛ خداوند به دنیای شما برکت دهد.

عَنْ الْعِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ التَّسْلِيمِ عَلَى أَهْلِ الْكِتَابِ فِي الْكِتَابِ قَالَ يُكْتَبُ سَلَامٌ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى وَفِي آخِرِهِ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

عیص بن قاسم گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد چگونگی سلام کردن بر اهل کتاب در نامه پرسیدم، فرمود: نوشته می شود (و سلام بر کسی که دنبال هدایت رفت) و در آخر نامه نوشته شود (و سلام بر پیامبران، و ستایش خدای دو جهان را).

عَنْ ذَرِيحٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ التَّسْلِيمِ عَلَى الْيَهُودِيِّ وَالنَّصْرَانِيِّ وَالرَّدِّ عَلَيْهِمْ فِي الْكِتَابِ فَكَرِهَ ذَلِكَ

ذریح گوید: از امام صادق عليه السلام در باره سلام کردن بر یهودی و نصرانی و جواب دادن به آنها در نامه پرسیدم، امام عليه السلام جواب نامه دادن را مکروه دانستند.

قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله لَا تَدْعُ أَحَدًا إِلَى طَعَامِكَ حَتَّى يُسَلِّمَ

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هیچ کس را به طعامت دعوت نکن مگر اینکه سلام کند.

وَقَالَ السَّلَامُ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ تَعَالَى فَأَفْشُوهُ بَيْنَكُمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ الْمُسْلِمَ إِذَا مَرَّ بِالْقَوْمِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ فَلَمْ يَرُدُّوا عَلَيْهِ يَرُدُّ عَلَيْهِ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنْهُمْ وَأَطْيَبُ رَسُولِ خِدا ﷺ فرمود: سلام یکی از نامهای خداوند است ، آن را در بین خود رسمیت دهید، مرد سلام کننده هر گاه به جمعی سلام کند و آنها جوابش را ندهند، کسی پاسخش را می دهد که از آنها بهتر و پاکیزه تر است .

وَقَالَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا وَلَا تُوْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا أَوْ لَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ أَفْشُوا السَّلَامَ مِنَ الْفِرْدَوْسِ رَسُولِ خِدا ﷺ فرمود: سوگند به آنکه جانم در دست اوست ، به بهشت نمی روید مگر اینکه ایمان آورید، و ایمان نخواهید آورد مگر اینکه همدیگر را دوست بدارید، اینک آیا شما را راهنمایی نکنم به چیزی که اگر انجامش دهید با یک دیگر دوست خواهید شد؟ به یک دیگر بلند سلام کنید.

عَنِ الْفَضْلِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا فَضْلُ هَلْ تَدْرِي مَا تَفْسِيرُ السَّلَامِ عَلَيْكُمْ إِذَا قَالَ الرَّجُلُ لِلرَّجُلِ السَّلَامَ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ مَعَنَاهُ عَلَى عَهْدِ اللَّهِ وَمِيثَاقِهِ أَنْ لَا أُغْتَابَكَ وَلَا أُعَيَّبَ عَلَيْكَ مَقَالَتِكَ وَلَا أُرِيدَ زَنْتَكَ فَإِذَا رَدَّ عَلَيْهِ وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ يَقُولُ لَكَ عَلَى مِثْلِ الَّذِي عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا يَقُولُونَ

رسول خدا ﷺ فرمود: ای فضل ؛ آیا تفسیر «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» را می دانی ؟ هر گاه مردی به مرد دیگر بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ»، یعنی : بر عهد و میثاق با خدا متعهد شدم که غیبتت را نکنم ، و از سخنت عیب نگیرم ، و

لغزشت را دنبال نکنم ، و هر گاه آن مرد در جواب بگوید: «و علیکم السّلام و رحمة الله و برکاته» ، یعنی می گوید: بر تو باد بر عهده من مثل آنکه بر عهده توست به اضافه رحمت خداوند، و خداوند هم بین آن دو در آنچه می گویند گواه است .

مِنْ كِتَابِ اللَّبَّاسِ سَأَلَ السَّائِلُ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النِّسَاءِ كَيْفَ يُسَلِّمْنَ إِذَا دَخَلْنَ عَلَى الْقَوْمِ قَالَ الْمَرْأَةُ تَقُولُ عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَالرَّجُلُ يَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ
کسی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسید: وقتی زنان وارد محفلی می شوند، چگونه سلام کنند؟ فرمود: زن می گوید: «علیکم السّلام» ، و مرد می گوید: «السّلام علیکم» .

مِنْ كِتَابِ السَّيِّدِ نَاصِحِ الدِّينِ أَبِي الْبَرَكَاتِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ رَأْسِ التَّوَاضُعِ أَنْ تَبْدَأَ بِالسَّلَامِ عَلَى مَنْ لَقِيتَ وَ تَرُدُّ عَلَى مَنْ سَلَّمَ عَلَيْكَ وَأَنْ تَرْضَى بِالذُّونِ مِنَ الْمَجْلِسِ وَلَا تُحِبَّ الْمِدْحَةَ وَ التَّزْكِيَةَ
رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: سر منشأ تواضع این است که هر که را دیدی به او سلام کنی ، و هر که سلامت کرد جوابش دهی ، و در پایین مجلس بنشینی ، و از ستایش و تمجید خوشحالی نکنی .

وَقَالَ إِنَّ أَعْجَزَ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الدُّعَاءِ وَإِنَّ أُبْخَلَ النَّاسِ مَنْ بَخَلَ بِالسَّلَامِ
رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: عاجزترین مردم کسی است که از دعا کردن عاجز باشد، و بخیل ترین مردم کسی است که در سلام کردن بخل بورزد.

قَالَ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ رضي الله عنه ثَلَاثٌ مَنْ جَمَعَهُنَّ جَمَعَ الْإِيمَانَ الْإِنْفَاقُ مِنَ الْإِقْتَارِ وَالْإِنْصَافُ مِنَ نَفْسِكَ وَبَذْلُ السَّلَامِ لِلْعَالَمِ

عمار بن یاسر رضي الله عنه فرمود: هر که سه چیز را با هم جمع کند ایمان را جمع نموده: انفاق در حال تنگدستی، از خود گذشتگی، و به همه مردم سلام کردن

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَسَلَّمَ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ كَيْفَ أَقُولُ قَالَ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَإِنَّا بِكُمْ إِنِ شَاءَ اللَّهُ لَأَحِقُونَ
علی بن ابی حمزه گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا بر اهل قبور سلام کنم؟ فرمود:

آری، پرسیدم: چه بگویم؟ فرمود: بگو؛ «السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَإِنَّا بِكُمْ إِنِ شَاءَ اللَّهُ لَأَحِقُونَ»

یعنی: درود بر شما ای ساکنان خانه قبر از مؤمنان مرد و زن و مسلمانان زن و مرد، شما قبل از ماها رفته اید، و به زودی ما به شما ملحق خواهیم شد.

فصل پنجم : در مصافحه و بوسیدن

الفصل الخامس في المصافحة و التقبيل

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا لَقِيَ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيُسَلِّمْ عَلَيْهِ وَ لِيُصَافِحْهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَكْرَمَ بِذَلِكَ الْمَلَائِكَةَ فَاصْنَعُوا صَنِيعَ الْمَلَائِكَةِ
رسول خدا ﷺ فرمود: هر گاه یکی از شما برادرش را ملاقات نمود به او سلام کند و مصافحه نماید، زیرا خدای عزّ و جلّ به این کار ملائکه را گرامی داشت ، پس شما هم مثل ملائکه انجام دهید.

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ فِي تَصَافِحِكُمْ مِثْلَ أُجُورِ الْمُهَاجِرِينَ

امام صادق علیه السلام فرمود: مصافحه کردن شما پاداش مهاجران (در راه خدا) را دارد.

عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ قَالَ زَامَلْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ فَكَانَ إِذَا نَزَلَ يُرِيدُ حَاجَةً ثُمَّ رَكِبَ فَصَافِحَنِي قَالَ فَقُلْتُ كَأَنَّكَ تَرَى فِي هَذَا شَيْئًا قَالَ نَعَمْ إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا صَافِحَ الْمُؤْمِنَ تَفَرَّقَا مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ

ابو عبیده حدّاء گوید: با امام باقر علیه السلام همسفر بودم ، ایشان هر گاه برای انجام کاری از مرکب خود پیاده می شد؛ و سپس سوار می شد با من مصافحه می نمود، عرض کردم : گویا شما از این عمل مقصودی دارید؟ فرمود: آری ، هر گاه دو مؤمن با هم مصافحه کنند بدون گناه از هم جدا شوند.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا صَافَحَ الرَّجُلُ صَاحِبَهُ فَالَّذِي يَلْزِمُ التَّصَافِحَ أَكْبَرُ أَجْرًا مِنَ
الَّذِي يَدَعُ آلَا وَ إِنِّ الذُّنُوبَ لَتَتَحَاتُّ فِيمَا بَيْنَهُمَا حَتَّى لَا يَبْقَى ذَنْبٌ

امام صادق عليه السلام فرمود: هر گاه مردی با رفیقش مصافحه کند، آنکه زودتر
شروع به مصافحه نمود اجرش بیشتر از دیگری است ، بدانید! با مصافحه بین آن
دو؛ گناهان آنها می ریزد به حدی که دیگر گناهی باقی نمی ماند.

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا صَافَحَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رَجُلًا قَطُّ فَفَزَعُ يَدَهُ حَتَّى يَكُونَ
هُوَ الَّذِي يَنْزِعُ يَدَهُ مِنْهُ

امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز با مردی مصافحه نمود، مگر
اینکه دست خود را از دست او جدا نمی کرد تا اوّل آن مرد دستش را بکشد.

عَنْهُ أَنَّهُ كَرِهَ أَنْ يُصَافِحَ الرَّجُلَ الْمَرْأَةَ وَ إِنِّ كَانَتْ مُسِنَّةً

امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله مصافحه مرد با زن را جایز نمی
دانست ، گرچه آن زن پیر باشد.

سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَجْرِ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا التَّقِيَا وَ اعْتَنَقَا فَقَالَ لَهُ إِذَا اعْتَنَقَا
غَمَّرْتُهُمَا الرَّحْمَةَ فَإِذَا التَّرَمَّا لَا يُرِيدَانِ بِذَلِكَ إِلَّا وَجْهَهُ وَ لَا يُرِيدَانِ عَرَضًا مِنْ
أَعْرَاضِ الدُّنْيَا قِيلَ لَهُمَا مَغْفُورٌ لَكُمْ فَاسْتَأْنَفَا فَإِذَا أُقْبِلَا عَلَى الْمُسَاءَلَةِ قَالَتِ
الْمَلَائِكَةُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ تَنَحَّوْا عَنْهُمَا فَإِنَّ لَهُمَا سِرًّا وَ قَدْ سَرَّ اللَّهُ عَلَيْهِمَا قَالَ
إِسْحَاقُ قُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ فَلَا يُكْتَبُ عَلَيْهِمَا لَفْظُهُمَا وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ
مَا يُلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ قَالَ فَتَنَفَسَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ بَكَى حَتَّى
اخْضَلَّتْ لِحْيَتُهُ وَ قَالَ يَا إِسْحَاقُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِنَّمَا أَمَرَ الْمَلَائِكَةَ أَنْ تَعْتَرَلَ

عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا التَّقِيَا إِجْلَالًا لَهُمَا وَإِنَّهُ وَإِنْ كَانَتِ الْمَلَائِكَةُ لَا تَكْتُبُ لَفْظَهُمَا وَلَا تَعْرِفُ كَلَامَهُمَا فَإِنَّهُ يَعْرِفُهُ وَيَحْفَظُهُ عَلَيْهِمَا عَالِمُ السِّرِّ وَأَخْفَى

مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: پاداش دو نفر مؤمن که به هم برسند و با هم معانقه کنند چیست؟ فرمود: هر گاه آنها با هم معانقه کنند رحمت فراگیرشان شود، و در صورتی که با این کار خود فقط رضای خدا را در نظر داشته باشند، و غرض دنیوی در بین نباشد، به آن دو گفته می شود: خداوند شما را رحمت کرد؛ عمل خود را از سر بگیرید، و هر گاه نزدیک هم آیند تا با هم گفتگو کنند، فرشتگان به همدیگر می گویند: از آنها دور شوید که گفتگوی سرّی دارند، و خداوند سرّ آنها را پنهان دارد.

اسحاق گوید: به امام عرض کردم؛ فدایت شوم، آیا برای آنها چیزی نوشته نمی شود، در صورتی که خدای عزّ و جلّ فرموده: (هر چه از زبان آنها بیرون شود دو فرشته موکّل می نویسند)؟ راوی گوید: امام علیه السلام آهی کشید و اشکش جاری شد، تا حدّی که محاسنش تر شد، و فرمود: ای اسحاق، خداوند تبارک و تعالی به ملائک امر می کند؛ هنگامی که دو مؤمن به هم می رسند به خاطر احترامشان از آن دو فاصله گیرند، این به خاطر بزرگداشت آن دو است، و گرچه فرشتگان چیزی از آنها ثبت نمی کنند و کلامشان را نمی شنوند، و لکن خداوندی که به سخنان و اعمال پنهانی دانا است، آن را می داند و حفظ می کند.

عَنْهُ قَالَ إِنَّ سُرْعَةَ ائْتِلَافِ قُلُوبِ الْأَبْرَارِ إِذَا اتَّقَوْا وَإِنْ لَمْ يُظْهِرُوا التَّوَدُّدَ بِالسِّتَتِهِمْ كَسُرْعَةِ اخْتِلَاطِ مَاءِ السَّمَاءِ بِمَاءِ الْأَنْهَارِ وَإِنْ بَعْدَ ائْتِلَافِ قُلُوبِ الْفُجَّارِ إِذَا اتَّقَوْا وَإِنْ أَظْهَرُوا التَّوَدُّدَ بِالسِّتَتِهِمْ كَبَعْدِ الْبَهَائِمِ مِنَ التَّعَاطُفِ وَإِنْ طَالَ ائْتِلَافُهَا عَلَى مِدْوَدٍ وَاحِدٍ

امام صادق علیه السلام فرمود: سرعت الفت گرفتن دلهای نیکان هنگام ملاقات با یک دیگر گرچه دوستی خود را هم به زبان ظاهر نکنند همانند سرعت مخلوط شدن آب باران با آب نهرهاست ، اما دوری انس و الفت افراد بدکار از یک دیگر هنگام ملاقات اگر چه محبت و دوستی خود را به زبان جاری کنند مثل دور بودن عواطف چهار پایان از یک دیگر است ، گرچه مدتی طولانی با هم در یک چراگاه علف بخورند.

وَ فِي رِوَايَةٍ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا علیه السلام فِي مُصَافَحَةِ الْمُسْلِمِ الْيَهُودِيَّ وَ النَّصْرَانِيَّ قَالَ مِنْ وَرَاءِ التَّوْبِ فَإِنْ صَافَحَكَ بِيَدِهِ فَاغْسِلْ يَدَكَ
ابو بصیر گوید: از امام علیه السلام در باره مصافحه مسلمان با یهودی و نصرانی پرسیدم ، فرمود:

اگر پارچه ای فاصله شود مانع ندارد، ولی اگر با دست تو مصافحه کرد، دستت را بشوی .

وَ فِي رِوَايَةٍ إِذَا لَمْ تَجِدْ مَاءً فَاَمْسَحْ عَلَى الْحَائِطِ
و در روایتی است : اگر آب پیدا نکردی ، دستت را به دیوار بسای .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ إِنَّ لَكُمْ نُورًا تُعْرَفُونَ بِهِ فِي الدُّنْيَا حَتَّىٰ إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا لَقِيَ أَخَاهُ قَبْلَهُ فِي مَوْضِعِ النُّورِ مِنْ جِبْهَتِهِ
امام صادق علیه السلام فرمود: شما (مؤمنین) نورانیتی در دنیا دارید، که به وسیله آن شناخته می شوید، به حدی که اگر یکی از شما برادرش را ملاقات کند همان موضع نورانی در پیشانی او را ببوسد.

وَعَنْهُ قَالَ إِذَا بَلَغَتِ الْجَارِيَةُ سِتِّ سِنِينَ فَلَا يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تُقَبَّلَهَا
امام صادق عليه السلام فرمود: هر گاه دختری به سن شش سالگی رسید، سزاوار
نیست که او را ببوسی .

وَعَنْهُ قَالَ لَيْسَ الْقُبْلَةُ عَلَى الْقَمِّ إِلَّا لِلزَّوْجَةِ وَالْوَالِدِ الصَّغِيرِ
امام صادق عليه السلام فرمود: بوسیدن لب فقط برای زوجه و طفل کوچک جایز
است .

وَعَنْهُ قَالَ قَبَّلَ رَجُلٌ يَدَهُ فَقَالَ أَمَا إِنَّ هَذَا لَا يَصْلُحُ إِلَّا لِنَبِيٍِّّ أَوْ مَنْ أُرِيدَ بِهِ
النَّبِيُّ
مردی دست حضرت صادق عليه السلام را بوسید، امام عليه السلام فرمود: این عمل جز
برای پیغمبر و یا کسی که مورد نظر پیغمبر باشد جایز نیست .

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ مَنْ قَبَّلَ لِلرَّحِمِ ذَا قَرَابَةٍ فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَقُبْلَةُ الْأَخِ
عَلَى الْخَدِّ وَقُبْلَةُ الْإِمَامِ بَيْنَ عَيْنَيْهِ
امام کاظم عليه السلام فرمود: هر کس یکی از ارحام خود را ببوسد مانعی ندارد،
بوسه گاه برادر گونه او، و بوسه گاه امام پیشانی مبارک ایشان است .

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام إِنَّ لَكُمْ نُورًا تُعْرَفُونَ بِهِ حَتَّىٰ إِنْ أَحَدَكُمْ إِذَا صَافَحَ أَخَاهُ يَرَى
بَشَاشَةً عِنْدَ تَسْلِيمِهِ عَلَيْهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: شما (مؤمنین) نورانیتی دارید که به وسیله آن شناخته می شوید، اگر یکی از شما بخواهد با برادرش مصافحه کند هنگام سلام کردن نورانیتی را در چهره اش می بیند.

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام بَيْنَا إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ الرَّحْمَنِ فِي جَبَلِ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ يَطْلُبُ الْمَرْعَى لِعَنَمِهِ إِذْ سَمِعَ صَوْتًا فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ قَائِمٍ يُصَلِّي طُولَهُ اثْنَا عَشَرَ شِبْرًا فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ لَهُ يَا عَبْدَ اللَّهِ لِمَنْ تُصَلِّي قَالَ لِإِلَهِ السَّمَاءِ فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ هَلْ بَقِيَ أَحَدٌ مِنْ قَوْمِكَ غَيْرُكَ قَالَ لَا قَالَ فَمِنْ أَيْنَ تَأْكُلُ قَالَ أَجْنِي مِنَ الشَّجَرِ فِي الصَّيْفِ وَ أَكَلُهُ فِي الشِّتَاءِ قَالَ فَأَيْنَ مَنَزْلُكَ قَالَ فَأَوْمَى بِيَدِهِ إِلَى جَبَلٍ فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ هَلْ لَكَ أَنْ تَذْهَبَ بِي مَعَكَ فَأَبَيْتَ عِنْدَكَ اللَّيْلَةَ فَقَالَ إِنَّ قُدَامِي مَاءٌ لَا يُخَاضُ قَالَ كَيْفَ تَصْنَعُ قَالَ أَمْشِي عَلَيْهِ قَالَ فَاذْهَبْ بِي مَعَكَ فَلَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي مَا رَزَقَكَ قَالَ فَأَخَذَ الْعَابِدُ بِيَدِهِ فَمَضَى جَمِيعًا حَتَّى انْتَهَبَا إِلَى الْمَاءِ فَمَشَى وَ مَشَى عَلَيْهِ إِبْرَاهِيمُ مَعَهُ حَتَّى انْتَهَبَا إِلَى مَنَزَلِهِ فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ أَيُّ الْأَيَّامِ أَعْظَمُ فَقَالَ لَهُ الْعَابِدُ يَوْمٌ يُدَانُ النَّاسُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ قَالَ فَهَلْ لَكَ أَنْ تَرْفَعَ يَدَكَ وَ أَرْفَعَ يَدِي فَندَعُو اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُؤْمِنَنَا شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ فَقَالَ لَهُ وَ مَا تَصْنَعُ بِدَعْوَتِي فَوَ اللَّهُ إِنَّ لِي لَدَعْوَةً مُنْذُ ثَلَاثِ سِنِينَ مَا أُجِبْتُ فِيهَا بِشَيْءٍ فَقَالَ لَهُ إِبْرَاهِيمُ أَوْ لِمَا أُخْبِرُكَ لِمَا شِئْتِ أَحْتَبِسْتُ دَعْوَتَكَ قَالَ بَلَى قَالَ لَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا احْتَبَسَ دَعْوَتَهُ يُنَاجِيَهُ وَ يَسْأَلُهُ وَ يَطْلُبُ إِلَيْهِ وَ إِذَا أَبْغَضَ عَبْدًا عَجَّلَ لَهُ دَعْوَتَهُ أَوْ أَلْقَى فِي قَلْبِهِ الْيَأْسَ مِنْهَا ثُمَّ قَالَ لَهُ وَ مَا كَانَتْ دَعْوَتَكَ قَالَ مَرَّ بِي غَنَمٌ وَ مَعَهُ غُلَامٌ لَهُ ذُوَابَةٌ فَقُلْتُ يَا غُلَامُ لِمَنْ هَذَا الْغَنَمُ قَالَ لِإِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ فَقُلْتُ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ لَكَ فِي الْأَرْضِ خَلِيلٌ فَأَرِنِيهِ فَقَالَ لَهُ إِبْرَاهِيمُ فَقَدْ اسْتَجَابَ لَكَ أَنَا إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ الرَّحْمَنِ فَعَانَقَهُ فَلَمَّا بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا جَاءَتْ الْمُصَافِحَةُ

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که ابراهیم علیه السلام در کوه بیت المقدس برای گوسفندانش در طلب چراگاهی بود، ناگهان صدایی شنید، در این هنگام مردی را دید که ایستاده و نماز می خواند، اندازه آن مرد دوازده وجب بود، ابراهیم علیه السلام به او فرمود: ای بنده خدا برای که نماز می گزاری؟ گفت: برای خدای آسمانها، فرمود: آیا غیر از تو کسی از خویشانت باقی مانده است؟ گفت: خیر، فرمود: پس از کجا می خوری؟ گفت: میوه ها را در تابستان ذخیره می کنم و در زمستان می خورم، فرمود: منزلت کجاست؟ گفت: در این کوه، فرمود: آیا موافقی که امشب را با هم در منزلت بگذرانیم؟ گفت: روبروی ما آبی است که عبور از آن مشکل است، فرمود: تو چه می کنی؟ گفت: من روی آب راه می روم، فرمود: برویم؛ شاید خداوند آنچه را به تو داده به من هم بدهد، عابد دست ابراهیم علیه السلام را گرفت و با هم رفتند تا به آن لب آب رسیدند، او روی آب حرکت کرد، ابراهیم نیز با او به راه افتاد تا به منزلش رسیدند.

ابراهیم علیه السلام فرمود: کدامیک از روزها بزرگتر است؟ عابد گفت: روزی که مردم به یک دیگر نزدیک شوند، فرمود: می خواهی دست خود را بلند کنیم و با هم دعا کنیم که خداوند ما را از شرّ آن روز حفظ کند؟ گفت: به دعای من چه کار داری؟ بخدا قسم من اکنون سه سال است که هر چه دعا می کنم مستجاب نمی گردد، ابراهیم علیه السلام فرمود:

می خواهی بدانی چرا دعایت مستجاب نمی شود؟ گفت: بلی، ابراهیم علیه السلام فرمود:

خداوند متعال هر گاه بنده ای را دوست بدارد دعایش را مستجاب نمی کند؛ تا آن بنده با او مناجات کند، و از وی بخواهد و خواسته اش را نزد او برد، و هر

گاه بنده ای را دوست ندارد، دعایش را زود اجابت کند، و خواسته هایش را بدهد، یا در دلش یا س از دعا می افکند.

سپس به او فرمود: دعایت چه بود؟ گفت: جوانی با گوسفندانی از نزد من عبور کرد، من از آن جوان پرسیدم: این گوسفندان از کیست؟ گفت: از ابراهیم خلیل الرحمن، گفتم:

خدایا! اگر در روی زمین دوستی داری او را به من بنمایان، ابراهیم علیه السلام فرمود: دعایت مستجاب شد، من ابراهیم خلیل الرحمن هستم، بعد با او معانقه کرد، (این عمل در آن زمان سنت شد)، پس از بعثت پیامبر اسلام مصافحه سنت شد.

عَنْ زُرَيْقٍ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ مُصَافِحَةُ الْمُؤْمِنِ بِالْفِ حَسَنَةٌ
امام صادق علیه السلام فرمود: مصافحه مؤمن هزار حسنه دارد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ علیه السلام قَالَ لَا تُسَلِّمْ عَلَى الْمَرْأَةِ
امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش از علی علیه السلام روایت کند که فرمود: به زن سلام نکن.

عَنْ سَعِيدَةَ وَ أَيْمَنَةَ أُخْتَيْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ قَالَتَا دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقُلْنَا تَعُودُ الْمَرْأَةُ أَخَاهَا فِي اللَّهِ قَالَ نَعَمْ قُلْنَا فَتُصَافِحُهُ قَالَ نَعَمْ مِنْ وَرَاءِ ثَوْبٍ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ لَبَسَ الصُّوفَ يَوْمَ بَايَعِ النِّسَاءِ فَكَانَتْ يَدُهُ فِي كُمِّهِ وَ هُنَّ يَمْسَحْنَ أَيْدِيَهُنَّ عَلَيْهِ

خواهران ابن ابی عمیر گویند: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم و عرض کردیم: زن می تواند برادر دینی خود را عیادت کند؟ فرمود: بلی ، گفتیم: می تواند با او مصافحه کند؟ فرمود: از روی پارچه ای باشد مانعی ندارد، رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی که با زنان بیعت می کرد لباسی پشمین در بر داشت ، و دست مبارکش را در آستین کرده بود، و آنها دست خود را روی آن می کشیدند.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي علیه السلام قَالَ كَانَتْ مُبَايَعَةُ رَسُولِ اللَّهِ النَّسَاءَ أَنْ غَمَسَ يَدَهُ فِي قَدَحٍ مِنْ مَاءٍ ثُمَّ أَمَرَهُنَّ أَنْ يَغْمِسْنَ أَيْدِيَهُنَّ فِي ذَلِكَ الْقَدَحِ بِالْإِقْرَارِ وَالْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَالتَّصَدِيقِ لِرَسُولِ اللَّهِ مَا أَخَذَ عَلَيْهِنَّ

امام جواد علیه السلام فرمود: بیعت رسول خدا صلی الله علیه و آله با زنان به این شکل بود که دست مبارکش را در ظرفی از آب قرار می داد، و بعد زنان را امر می کرد که دست خود را در آن ظرف فرو برند، و این چنین به خدا ایمان آوردند و به رسولش اقرار نمودند، و احکام اسلام را تصدیق کردند.

و فِي رِوَايَةٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ دَعَاهُنَّ ثُمَّ غَمَسَ يَدَهُ فِي الْإِنَاءِ ثُمَّ أَخْرَجَهَا ثُمَّ أَمَرَهُنَّ فَغَمَسْنَ أَيْدِيَهُنَّ فِي الْإِنَاءِ

و در روایتی دیگر است که: رسول خدا صلی الله علیه و آله زنان را صدا زد، بعد دستش را در ظرف آب فرو برد و خارج نمود، سپس آنان را امر کرد تا دستشان را در ظرف فرو برند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ قَالَ
الْمَعْرُوفُ أَنْ لَا يَشْتُقْنَ جَيْبًا وَلَا يَلْطَمْنَ وَجْهًا وَلَا يَدْعَيْنَ وَيُلَّا وَلَا يَتَخَلَّفْنَ عِنْدَ
قَبْرِ وَلَا يُسَوِّدْنَ ثَوْبًا وَلَا يَنْشُرْنَ شَعْرًا

امام صادق عليه السلام در مورد قول خدای عز و جل: (و تو را در معروفی عصیان
نکنند) فرمود: مراد از معروف این است که (هنگام مصیبت) لباسهای خود را پاره
نکنند، و به صورت خود خراش وارد نکنند، و فریاد وا ویلا بلند نکنند، و
پیرامون قبری به شیون نشینند، و لباسهای سیاه نپوشند، و موهای خود را
پریشان نکنند.

فصل ششم : در آداب نشستن

الفصل السادس في آداب الجلوس

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَكْثَرَ مَا يَجْلِسُ تَجَاهَ الْقِبْلَةِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیشتر اوقات به طرف قبله می

نشست .

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا دَخَلَ مَنْزِلًا قَعَدَ فِي أَدْنَى الْمَجْلِسِ إِلَيْهِ حِينَ يَدْخُلُ وَكَانَ جُلُوسُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلَاثًا جُلُوسَ الْقُرْفُصَاءِ وَهُوَ أَنْ يُقِيمَ سَاقِيهِ وَ يَسْتَقْبِلُهُمَا بِيَدَيْهِ فَيَشُدُّ يَدَهُ فِي ذِرَاعِهِ وَكَانَ يَجْتُو عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَكَانَ يَتْنَى رِجْلًا وَاحِدَةً وَ يَبْسُطُ عَلَيْهَا الْأُخْرَى وَ لَمْ يَرِ مُتْرَبِعًا قَطُّ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هر گاه وارد منزلی می شد در

نزدیکترین محل ورودش می نشست ، و نحوه نشستن ایشان به سه صورت بود:

نشستن روی ساق پا، به این صورت که روی ساق پایش می نشست و دستانش

را به دور زانوان حلقه می کرد، و گاهی دو زانو می نشست ، و گاهی یک پا را

خم می کرد و پای دیگر را روی آن می انداخت ، و هرگز دیده نشد آن حضرت

چهار زانو بنشیند.

عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ قَالَ رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَجْلِسُ فِي بَيْتِهِ عِنْدَ بَابِ بَيْتِهِ

قُبَالَةَ الْقِبْلَةِ

حمّاد بن عثمان گوید: حضرت صادق علیه السلام را کنار در خانه اش مقابل قبله نشسته دیدم .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ حَرِيمُ الْمُؤْمِنِ فِي الصَّيْفِ بَاعٌ
امام صادق علیه السلام فرمود: حریم مؤمن در تابستان به اندازه دو زراع است .

عَنْهُ قَالَ مَنْ رَضِيَ بِدُونِ الشَّرَفِ مِنَ الْمَجْلِسِ لَمْ يَزَلْ يُصَلِّي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ
مَلَائِكَتُهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَقُومَ
امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس وارد مجلسی شد و بدون در نظر گرفتن
مقام و اعتبار در جایی نشست ، تا وقتی که از جایش برخیزد خداوند و
فرشتگان بر او درود می فرستند.

وَقَالَ جُلُوسُ الْمُؤْمِنِ فِي الْمَسْجِدِ رِبَاطَةٌ
امام صادق علیه السلام فرمود: نشستن مؤمن در مسجد مانند جهاد کردنش می
باشد.

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ثَلَاثٌ يُصَفِينَ وَدَّ الْمَرْءُ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ يَلْقَاهُ بِالْبِشْرِ إِذَا
لَقِيَهُ وَ يُوسَعُ لَهُ فِي الْمَجْلِسِ إِذَا جَلَسَ إِلَيْهِ وَ يَدْعُوهُ بِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ إِلَيْهِ
امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله روایت کند که فرمود: سه چیز دوستی
برادر مسلمان را برای برادرش ثابت می کند: با چهره گشاده ملاقاتش کند، هر
گاه در مجلسی وارد شد جا برایش باز کند، او را با بهترین نامهایش صدا زند.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْإِتِّكَاءُ فِي الْمَسْجِدِ رَهْبَانِيَّةُ الْعَرَبِ إِنَّ
الْمُؤْمِنَ مَجْلِسُهُ مَسْجِدُهُ وَصَوْمَعَتُهُ بَيْتُهُ

امام صادق علیه السلام از رسول خدا ﷺ نقل کند که فرمود: تکیه کردن (بر
دستها) در مسجد رهبانیت عرب (گوشه نشینی و ریاضت عرب) است، محل
نشستن مؤمن مسجد است، و عبادتگاه او خانه اش.

وَ قَالَ ﷺ لَا يُقِيمَنَّ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ مِنْ مَجْلِسِهِ ثُمَّ يَجْلِسُ فِيهِ

رسول خدا ﷺ فرمود: برادر خود را از جایش بلند نکنید تا خود جای او
بنشینید.

وَ قَالَ إِذَا جَلَسْتُمْ إِلَى الْمُعَلِّمِ أَوْ جَلَسْتُمْ فِي مَجَالِسِ الْعِلْمِ فَادْنُوا وَ لِيَجْلِسْ
بَعْضُكُمْ خَلْفَ بَعْضٍ وَ لَا تَجْلِسُوا مُتَفَرِّقِينَ كَمَا يَجْلِسُ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر گاه در حضور معلم قرار گرفتید، یا در مجلس
علم حاضر شدید نزدیک هم و پشت سر هم بنشینید، و مانند مردمان جاهلی
پراکنده نشینید.

وَ قَالَ فِي وَصِيَّةٍ لِأَبِي ذَرٍّ يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَثَّلَ لَهُ الرَّجَالُ قِيَامًا فَلْيَتَبَوَّأْ
مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ

رسول خدا ﷺ در وصیتی به ابو ذر فرمود: ای ابو ذر! هر که دوست داشته
باشد که مردم روبرویش بایستند (و به او احترام کنند)، جایگاهش در آتش است

وَقَالَ إِذَا جَلَسَ أَحَدُكُمْ فِي مَجْلِسٍ فَلَا يَبْرَحَنَّ مِنْهُ حَتَّى يَقُولَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ
 سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ فَإِنْ كَانَ فِي خَيْرٍ فَكَانَ
 كَالطَّابِعِ عَلَيْهِ وَإِنْ كَانَ مَجْلِسُ الْوَعْظِ كَانَ كَفَّارَةً لِمَا كَانَ فِي ذَلِكَ الْمَجْلِسِ
 رسول خدا ﷺ فرمود: هر گاه وارد مجلسی شدید، تا وقتی در آنجا هستید
 سه بار بگویید «سبحانک و بحمدک لا إله إلا أنت اغفر لی و تب علی»، اگر
 مجلس خیر بود این ذکر مانند مهری برای تأیید آن، و اگر مجلس موعظه بود
 کفاره ای است برای آنچه در آن مجلس بوده.

وَقَالَ إِذَا انْتَهَى أَحَدُكُمْ إِلَى الْمَجْلِسِ فَلْيُسَلِّمْ فَإِنْ بَدَأَ لَهُ أَنْ يَجْلِسَ فَلْيَجْلِسْ
 فَإِذَا قَامَ فَلْيُسَلِّمْ فَإِنَّ الْأَوَّلَ لَيْسَ أَوْلَى مِنَ الْآخِرِ
 رسول خدا ﷺ فرمود: هر گاه یکی از شما وارد مجلسی شد سلام کند، و
 اگر در وسط مجلس قصد خارج شدن داشت خارج نشود و بنشیند، و هر گاه
 برخاست و مردم نشسته بودند، سلام کند زیرا سلام اولی کفایت از سلام بعدی
 نمی کند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثٌ مُجَالَسَتُهُمْ تُمِيتُ الْقُلُوبَ
 الْجُلُوسُ مَعَ الْأَنْذَالِ وَالْحَدِيثُ مَعَ النِّسَاءِ وَالْجُلُوسُ مَعَ الْأَغْنِيَاءِ النَّذْلُ الرَّجُلُ
 الْخَسِيسُ
 امام صادق علیه السلام از رسول خدا ﷺ نقل کند که فرمود: همنشینی با سه دسته
 دل را می میراند: همنشینی با مردمان فرومایه و رذل، گفتگو با زنان، و
 همنشینی با توانگران.

مَرَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى دَكَاكَيْنِ مَسْجِدِ سِمَاكِ فَأَمَرَ بِإِهْدَامِهَا فَهُدِمَتْ فَلَمَّا هُدِمَتْ بَنَوْهَا حَتَّى فَعَلَ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَوَقَفَ عَلَيْهِ بَعْدَ الثَّلَاثَةِ وَهُمْ جُلُوسٌ عَلَيْهَا فَقَالَ إِذَا أُبَيْتُمْ فُغِضُوا الطَّرْفَ وَرُدُّوا الضَّلَاةَ وَارْشِدُوا الطَّرِيقَ

امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ از کنار دکانهای مسجد سماک عبور کردند و امر به خراب کردن آن دکانها دادند، دکانها خراب شد بار دیگر آن را ساختند، و تا سه مرتبه این کار تکرار شد، بعد از نوبت سوم در حالی که همه آنها نشسته بودند، در آنجا توقف کرد، و فرمود: هر گاه از خراب کردن امتناع دارید، چشم خود را (از نامحرم) ببندید، و گم شده ها را برگردانید، و راه را نشان دهید.

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِكُلِّ شَيْءٍ حِيلَةٌ وَحِيلَةُ الْأَخْوَانِ النَّقْلُ لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجْلِسَ إِلَّا حَيْثُ يَنْتَهِي بِهِ الْجُلُوسُ فَإِنَّ تَخَطَّى أَعْنَاقَ الرَّجَالِ سَخَافَةٌ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: برای هر چیز چاره ای است، و چاره برادران جا دادن به آنها در مجلس است، مؤمن وقتی وارد مجلسی شد باید در انتهای آن بنشیند، و اگر از روی گردنهای مردان عبور کند نشانه بی عقلی اوست.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَخَذَ الْقَوْمُ مَجَالِسَهُمْ فَإِنْ دَعَا رَجُلٌ أَخَاهُ فَأَوْسَعَ لَهُ فِي مَجْلِسِهِ فَلْيَأْتِهِ فَإِنَّمَا هِيَ كَرَامَةٌ أَكْرَمَهُ بِهَا أَخُوهُ وَإِنْ لَمْ يُوسِّعْ لَهُ أَحَدٌ فَلْيَنْظُرْ أَوْسَعَ مَكَانٍ يَجِدُهُ فَلْيَجْلِسْ فِيهِ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر گاه مردم در مجلس مستقر شدند، اگر مردی برای برادرش جا باز کرد و به او تعارف کرد، باید قبول کند، و اگر جایی برایش باز نشد، منتظر بماند تا جایی پیدا شود و در آن بنشیند.

وَقَالَ لَأَنْ يُوسَعَ أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ فِي الْمَجْلِسِ خَيْرٌ مِنْ عِتْقِ رَقَبَةٍ

رسول خدا ﷺ فرمود: جا دادن برادر مؤمن در مجلس بهتر از آزاد کردن یک بنده است .

وَقَالَ لَا يُوسَعُ الْمَجْلِسُ إِلَّا لِثَلَاثٍ لِدِي سِنِّ لِسْنِهِ وَ لِدِي عِلْمٍ لِعِلْمِهِ وَ لِدِي سُلْطَانٍ لِسُلْطَانِهِ

رسول خدا ﷺ فرمود: فقط برای سه نفر در مجلس جا باز کنید: برای پیرمرد به خاطر سنش ، برای عالم به خاطر علمش ، برای حاکم به خاطر مقامش .

فصل هفتم : در عطسه زدن

الفصل السابع فى العطاس

عَنْ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْعَطْسَةُ مِنَ اللَّهِ وَالتَّثَاؤُبُ مِنَ الشَّيْطَانِ

امام رضا عليه السلام فرمود: عطسه از طرف خداست ، و دهن دره کردن از شیطان

است .

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ نِعْمَ الشَّيْءُ الْعَطْسَةُ تَنْفَعُ فِي الْجَسَدِ وَتُذَكِّرُكَ اللَّهَ قُلْتَ إِنَّ عِنْدَنَا قَوْمًا يَقُولُونَ لَيْسَ لِرَسُولِ اللَّهِ فِي الْعَطْسَةِ نَصِيبٌ قَالَ إِنْ كَانُوا كَاذِبِينَ فَلَا نَأْتَهُمْ شَفَاعَةُ مُحَمَّدٍ

امام باقر عليه السلام فرمود: عطسه چیز خوبی است ، برای بدن سودمند است و تو را به یاد خدا می اندازد، راوی گوید: عرض کردم ، نزد ما مردمانی هستند که می گویند: رسول خدا صلی الله علیه و آله از عطسه بهره ای ندارد (عطسه نمی زند)، فرمود: اگر دروغ بگویند شفاعت محمد صلی الله علیه و آله به آنها نرسد.

عَطَسَ رَجُلٌ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ هَذَا حَقُّ اللَّهِ قَدْ أُدِّيتَ وَهَذَا حَقُّ رَسُولِ اللَّهِ فَأَيْنَ حَقُّنَا

مردی نزد امام صادق عليه السلام عطسه زد، و گفت :

«الحمد لله و السلام على رسول الله صلى الله عليه و آله»، امام عليه السلام فرمود:

این حق خدا بود که ادا کردی ، و این هم حق رسول خدا صلی الله علیه و آله ، پس حق ما

کجاست ؟

عَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا عَطَسَ قَالَ عَلِيُّ رَفَعَ اللَّهُ ذِكْرَكَ وَقَدْ فَعَلَ وَكَانَ إِذَا عَطَسَ عَلِيُّ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ أَعْلَى اللَّهِ كَعْبِكَ وَقَدْ فَعَلَ

امام صادق عليه السلام فرمود: هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله عطسه می زد، علی عليه السلام

می فرمود:

«رفع الله ذكرك و قد فعل»

یعنی : خداوند نام تو را بلند کند و به حق انجام داد، و هر گاه علی

عليه السلام عطسه می زد، رسول خدا به او می فرمود:

«أعلى الله كعبك و قد فعل»

یعنی : خداوند مقامت را بلند کند و به حق انجام داد.

عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ قَالَ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام إِذَا عَطَسَ فَقِيلَ لَهُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ قَالَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَيَرْحَمُكُمْ وَإِذَا عَطَسَ عِنْدَهُ إِنْسَانٌ قَالَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ

امام باقر عليه السلام هر گاه عطسه می زد به او می گفتند: «یرحمک الله»، می

فرمود: «یغفر الله لکم و یرحمکم»، و هر گاه کسی نزد ایشان عطسه می زد می

فرمود: «یرحمک الله» .

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ مَنْ قَالَ إِذَا عَطَسَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَلَى كُلِّ حَالٍ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُ مَا كَانَ يَجِدُ مِنْ وَجَعِ الْأَذْنَيْنِ وَالْأَضْرَاسِ

امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: اگر کسی عطسه کند و بگوید:

«الحمد لله رب العالمين على كل حال»، خداوند درد گوشها و دندانهایش

را از بین خواهد برد.

عَنْ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا عَطَسَ الرَّجُلُ ثَلَاثًا فَشَمَّتْهُ ثُمَّ أَتْرَكُهُ بَعْدَ ذَلِكَ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر گاه مردی عطسه زد سه مرتبه دعایش کنید، سپس بعد از آن ترکش کنید.

عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ قَالَ عَطَسَ نَصْرَانِيٌّ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ الْقَوْمُ هَذَاكَ اللَّهُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ فَقَالُوا لَهُ تَقُولُ هَذَا إِنَّهُ نَصْرَانِيٌّ فَقَالَ لَنْ يَهْدِيَهُ اللَّهُ حَتَّى يَرْحَمَهُ

مرد مسیحی نزد امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عطسه زد، حاضران گفتند: «هداک الله»، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «یرحمک الله»، گفتند: او مسیحی است و شما این گونه می گوید؟ فرمود: تا خداوند رحمتش نکند او را هدایت نمی کند.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَانَ الرَّجُلُ يُتَحَدَّثُ فَعَطَسَ عَاطِسٌ فَهُوَ شَاهِدٌ حَقٌّ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر گاه مرد سخن بگوید، و کسی در بین عطسه زند، این خود گواه بر صداقت اوست .

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ قَالَ هِيَ الْعَطْسَةُ الْقَبِيحَةُ وَالرَّجُلُ يَرْفَعُ صَوْتَهُ فِي الْحَرْبِ رَفْعاً أَيْ قَبِيحاً إِلَّا أَنْ يَكُونَ دَاعِياً لِلَّهِ

معاویة بن عمار گوید: از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد قول خدای متعال (صدایت را پایین آور) پرسیدم ، فرمود: مراد از آن عطسه زشت است ، و

همچنین مردی که در جنگ صدایش را به صورتی زشت بلند کند، مگر اینکه مردم را به طرف خدا دعوت کند.

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا عَطَسَ الْمَرِيضُ فَهُوَ دَلِيلٌ عَلَى الْعَافِيَةِ وَرَاحَةٌ لِلْبَدَنِ
امام باقر علیه السلام فرمود: هر گاه مریضی عطسه زد، آن دلیل بر بهبودی و آسایش بدن است .

فصل هشتم : در فضیلت رفت و آمد با یکدیگر

الفصل الثامن فی التزاور و الهجرة

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي أُنُورُ الْجُمُعَةِ زِيَارَةٌ وَ جَمَالٌ قِيلَ لَهُ
وَ مَا الْجَمَالُ قَالَ قَضَاؤُ الْفَرِيضَةِ وَ تَزَاوَرُوا

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: آمدن روز جمعه دیدارها و زیباییها را به همراه
دارد، سؤال شد:

مقصود از جمال چیست ؟ فرمود: بعد از خواندن نماز جمعه به زیارت یک
دیگر می روند.

وَ قَالَ أَنْتُمْ فِي تَزَاوَرِكُمْ مِثْلُ أَجْرِ الْحَاجِّينَ

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: شما در ملاقاتهایتان اجر و مزد حجّاج را دارید.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ طَلَبًا لِلْإِنجَازِ مَوْعُودِ اللَّهِ
شَيْعُهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ هَتَفَ بِهِ هَاتِفٌ مِنْ خَلْفِ أَلَا طِبْتَ وَ طَابَتْ لَكَ الْجَنَّةُ
فَإِذَا صَافَحَهُ غَمَرَتْهُ الرَّحْمَةُ

امام سجاد علیه السلام فرمود: هر که برادر دینی اش را برای رضای خدا ملاقات
کند هفتاد هزار فرشته او را همراهی کنند، و ملکی از پشت سر فریاد می زند کار
خوبی کردی ، بهشت گوارایت باد، و هر گاه با او مصافحه کند غرق رحمت
خداوند شود.

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ إِنَّ مَلَكًا لَقِيَ رَجُلًا قَائِمًا عَلَى بَابِ دَارٍ فَقَالَ لَهُ يَا عَبْدَ اللَّهِ مَا حَاجَتُكَ فِي هَذِهِ الدَّارِ فَقَالَ أَخٌ لِي فِيهَا أَرَدْتُ أَنْ أُسَلِّمَ عَلَيْهِ فَقَالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ رَحِمٌ مَاسَّةٌ أَوْ نَزَعَتِكَ إِلَيْهِ حَاجَةٌ فَقَالَ مَا لِي إِلَيْهِ حَاجَةٌ غَيْرَ أَنِّي أَتَعَهَّدُهُ فِي اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلَا بَيْنِي وَبَيْنَهُ رَحِمٌ مَاسَّةٌ أَقْرَبُ مِنَ الْإِسْلَامِ فَقَالَ لَهُ الْمَلَكُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكَ وَهُوَ يُقَرِّئُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ إِنِّي أَيْ زُرْتُ فَقَدْ أُوجِبْتُ لَكَ الْجَنَّةَ وَقَدْ عَافَيْتُكَ مِنْ غَضَبِي وَمِنَ النَّارِ لِحُبِّكَ إِيَّاهُ فِيَّ

رسول اکرم ﷺ فرمود: فرشته ای مردی را در کنار در خانه ای ایستاده دید، پرسید: ای بنده خدا، به چه حاجت به در این خانه ایستاده ای؟ گفت: برادری در این خانه دارم که منتظرم بیاید و به او سلام کنم، گفت: با او نسبت خویشاوندی داری، یا حاجتی تو را به طرف او کشانده است؟ جواب داد: حاجتی ندارم، جز اینکه با او در راه خدا پیمان برادری بسته ام، و با او هم قوم و خویشی نزدیکتر از رابطه مسلمان بودن ندارم، فرشته به او گفت: من فرستاده خدا بسوی تو هستم، او به تو سلام می رساند و می فرماید: تو (در واقع) به زیارت من آمده ای، و اینک بهشت را ارزانیت داشتم، و تو را به خاطر دوستیت برای من از آتش دوزخ آسوده کردم.

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ صَبَابَةً إِلَيْهِ فَهُوَ زَوْرُ اللَّهِ فَإِذَا صَافَحَهُ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ حَاجَةً فِي دِينٍ وَلَا دُنْيَا إِلَّا قَضَاهَا

امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس برادر دینی خود را به خاطر خدا و به اشتیاق زیارت کند، مثل این است که خدا را ملاقات نموده، و هر گاه با او مصافحه کند، هر حاجتی از خدا طلب کند بر آورد.

عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ رَفَعَهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ خَرَجَ يَوْمًا عَلَى أَصْحَابِهِ وَهُوَ رَاكِبٌ فَمَشَوْا مَعَهُ فَالْتَفَتَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ أَلَكُمْ حَاجَةٌ قَالُوا لَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّا نَحِبُّ أَنْ نَمْشِيَ مَعَكَ فَقَالَ لَهُمْ ارْكَبُوا فَإِنَّ مَشَى الْمَاشِي مَعَ الرَّاِكِبِ مَفْسَدَةٌ لِلرَّاِكِبِ وَ مَذَلَّةٌ لِلْمَاشِي قَالَ وَ خَرَجَ عَلَيْهِمْ مَرَّةً أُخْرَى وَ مَشَوْا مَعَهُ فَقَالَ لَهُمْ إِنَّ خَفَقَ النَّعَالِ خَلْفَ أَعْتَابِ الرِّجَالِ مَفْسَدَةٌ قُلُوبِ النَّوْكِى

النوکی الحمق و رجل أنوک و مشنوک أحمق و التواکة الحماقه

هشام بن سالم گوید: روزی امیر المؤمنین علیه السلام به همراه اصحاب خود بیرون شدند، در حالی که بر مرکبی سوار بودند و اصحاب پیاده با حضرت راه می رفتند، حضرت متوجه آنان شد، و فرمود: کاری داشتید؟ گفتند: خیر ای امیر المؤمنین ، ما دوست داریم همراه شما باشیم ، فرمود: پس شما هم سوار شوید، زیرا پیاده راه رفتن همراه سواره موجب فساد سواره و خواری پیاده است . هشام گوید: مرتبه ای دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله با آنان خارج شد، و آنها با پیامبر همراه شدند، فرمود: برگردید، صدای کفشها پشت سر مردان قلب احمق را فاسد کند.

عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَجَبَتْ مَحَبَّتِي لِلْمُتَحَابِّينَ فِيَّ وَ الْمُتَجَالِسِينَ فِيَّ وَ الْمُتَبَاذِلِينَ فِيَّ

خداوند متعال فرمود: کسانی را که به خاطر من با هم دوست هستند، و کسانی که به خاطر من با همدیگر می نشینند، و کسانی که به خاطر من با هم رفت و آمد می کنند، دوست دارم .

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ لِلَّهِ جَنَّةً لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا ثَلَاثَةٌ رَجُلٌ حَكَمَ فِي نَفْسِهِ بِالْحَقِّ
وَرَجُلٌ زَارَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ رَجُلٌ آثَرَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خداوند بهشتی دارد که جز سه نفر کسی واردش نخواهد شد: کسی که در باره خودش به حق حکم کند، و مردی که برادرش را برای خدا ملاقات کند، و مردی که در راه خدا برادر مؤمنش را بر خود مقدم دارد.

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا هِجْرَةَ فَوْقَ ثَلَاثِ
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از قول رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: بیش از سه روز نمی شود ترک رابطه کرد.

عَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اهْتَجَرَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَجَاءَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَنَفِيَّةِ إِلَى
الْحُسَيْنِ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَلَا تَذْهَبُ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ فَإِنَّ لَهُ سِنًا فَقَالَ لَهُ الْحُسَيْنُ
سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ مَا مُتَهَاجِرَانِ يَبْدَأُ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ بِالسَّلَامِ إِلَّا كَانَ
الْبَادِيُّ السَّابِقُ إِلَى الْجَنَّةِ وَقَدْ كَرِهْتُ أَنْ أَسْبِقَ أَبَا مُحَمَّدٍ إِلَى الْجَنَّةِ قَالَ فَمَضَى
مُحَمَّدٌ إِلَى الْحَسَنِ فَأَخْبَرَهُ فَقَالَ صَدَقَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِذْ هَبَّ بِنَا إِلَيْهِ

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: حسن و حسین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ با هم ترک رابطه کردند، محمد بن حنفیه نزد امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ آمد و عرض کرد: ای ابا عبد الله! چرا نزد ابا محمد نمی روی، او بزرگتر است، امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: از جدّم رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که می فرمود: هر گاه دو نفر ترک رابطه کنند، هر کدام که زودتر آمد و به دیگری سلام کرد زودتر به بهشت رود، و من نخواستم زودتر از ابا

محمد به بهشت روم ، محمد بن حنفيه قضيه را به امام حسن عليه السلام گفت ،
حضرت فرمود: ابا عبد الله راست گفته ، بيا تا با هم نزد او رويم .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِأَبِي ذَرٍّ يَا أَبَا ذَرٍّ إِيَّاكَ وَهَجْرَانَ أَخِيكَ فَإِنَّ الْعَمَلَ لَأَ
يُتَقَبَّلُ مَعَ الْهَجْرَانَ يَا أَبَا ذَرٍّ إِيَّاكَ عَنِ الْهَجْرَانَ وَإِنْ كُنْتَ لَا بُدَّ فَاعِلًا فَلَا تَهْجُرْهُ
ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ كَمَلًا فَمَنْ مَاتَ فِيهَا مُهَاجِرًا لِأَخِيهِ كَانَتْ النَّارُ أَوْلَى بِهِ
رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ابوذر فرمود: ای ابوذر! مبادا از برادر دینیت قهر کنی ،
زیرا اعمال با قهر و کناره گیری پذیرفته نیست ، ای ابوذر! از قهر بیرهیز ، و اگر
هم مجبور به این کار شدی جدائیت سه روز کامل طول نکشد ، هر کس در این
سه روز بمیرد و با برادرش قهر باشد ، سزاوار آتش خواهد بود .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا يَفْتَرِقُ رَجُلَانِ عَلَى الْهَجْرَانِ إِلَّا اسْتَوْجَبَ أَحَدُهُمَا
الْبِرَاءَةَ وَاللَّعْنَةَ وَرُبَّمَا اسْتَحَقَّ ذَلِكَ كِلَاهُمَا فَقَالَ لَهُ مُعْتَبٌ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ هَذَا
الظَّالِمُ فَمَا بَالُ الْمَظْلُومِ قَالَ لِأَنَّهُ لَا يَدْعُو أَخَاهُ إِلَى صِلَتِهِ وَلَا يَتَعَامَسُ لَهُ عَنْ كَلَامِهِ
سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ إِذَا تَنَازَعَ اثْنَانِ فَعَاوَزَ أَحَدُهُمَا الْآخَرَ فَلْيَرْجِعِ الْمَظْلُومُ إِلَى
صَاحِبِهِ حَتَّى يَقُولَ لِصَاحِبِهِ أَيُّ أَخِي أَنَا الظَّالِمُ حَتَّى يَقْطَعَ الْهَجْرَانَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ
صَاحِبِهِ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَكَمٌ عَدْلٌ يَأْخُذُ لِلْمَظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ

امام صادق عليه السلام فرمود: دو برادر از هم قطع رابطه نکنند ، مگر اینکه یکی از
آن دو سزاوار بیزاری و لعنت خدا شود ، و چه بسا هر دوی آنان مستحق آن
شوند ، معتب گفت : قربانت گردم ، این یکی ظالم است ، مظلوم چه گناهی دارد؟
فرمود: زیرا او هم برادرش را به اصلاح دعوت نمی کند ، و حاضر به سخن گفتن
با او نیست ، از پدرم شنیدم که می فرمود:

هر گاه دو نفر با هم نزاع کنند و یکی از آن دو غالب آمد، باید مظلوم نزد رفیقش رفته و بگوید: من ظالم هستم ، تا اینکه جدایی بین خود و رفیقش را بر طرف کند، زیرا خداوند تبارک و تعالی حاکمی عادل است که حق مظلوم را از ظالم می گیرد.

عَنْهُ قَالَ التَّوَّاصِلُ بَيْنَ الْأَخْوَانِ فِي الْحَضَرِ التَّرَاوُرُ وَ فِي السَّفَرِ التَّكَاتُبُ
امام صادق علیه السلام فرمود: رابطه بین برادران دینی در شهر خود، به وسیله رفت و آمد کردن ، و در سفر توسط نامه نگاری است .

وَ عَنْهُ قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيُخْرَجُ إِلَى أَخِيهِ فِي اللَّهِ لِيُزُورَهُ فَمَا يَرْجِعُ حَتَّى يُغْفَرَ لَهُ
ذُنُوبُهُ وَ تُقْضَى لَهُ حَوَائِجُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ
امام صادق علیه السلام فرمود: بنده برای ملاقات برادر دینی اش حرکت می کند، از ملاقات او بر نگردد مگر اینکه خداوند گناهایش را بخشیده ، و حوائجش را در دنیا و آخرت بر آورد.

فصل نهم : در رفتار با مردم و برابری با آنان

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اذْرَءُوا
الْحُدُودَ بِالشُّبُهَاتِ وَأَقْبِلُوا الْكِرَامَ عَثْرَاتِهِمْ إِلَّا مِنْ حَدٍّ
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کند که فرمود: به وسیله شبهه ها از
اجرای حدود جلوگیری کنید، و لغزشهای بزرگان را ببخشید، مگر لغزشهایی که
موجب حدّ می شود.

سُئِلَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنِ الْمَرْوَةِ فَقَالَ حَفِظُ الرَّجُلِ دِينَهُ وَ قِيَامُهُ فِي
إِصْلَاحِ ضَيْعَتِهِ وَ حُسْنُ مُنَازَعَتِهِ وَ إِفْشَاءُ السَّلَامِ وَ لِينُ الْكَلَامِ وَ التَّحَبُّبُ إِلَى النَّاسِ
از امام حسن مجتبی عَلَيْهِ السَّلَامُ در باره مردانگی سؤال شد، ایشان فرمود: مواظبت
مرد از دینش ، و اداره نمودن امور زندگیش ، و رفع نمودن اختلاف به وسیله
اخلاق خوبش ، و بلند سلام کردن ، و به نرمی سخن گفتن ، و دوستی و محبت
با مردم .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْأَيْدِي ثَلَاثَةٌ سَائِلَةٌ وَ مَنْفَعَةٌ
مُنْفِقَةٌ وَ مُمْسِكَةٌ فَخَيْرُ الْأَيْدِي الْمَنْفَعَةُ الْمُنْفِقَةُ
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کند که فرمود: دستها بر سه
نوعند: دست تقاضاکننده ، نفع دهنده ، و نگهدارنده ، بهترین دستها دست سود
دهنده است .

عَنِ السَّكُونِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ إِنِّي رَبَّمَا قَسَمْتُ الشَّيْءَ بَيْنَ أَصْحَابِي
 أَصْلُهُمْ بِهِ فَكَيْفَ أُعْطِيهِمْ فَقَالَ أُعْطِيهِمْ عَلَى الْهَجْرَةِ وَالدِّينِ وَالْفِقْهِ وَالْفَضْلِ
 سکونی گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: گاهی بین دوستانم چیزی را
 تقسیم می کنم تا به آنها برسانم، چگونه به آنها بدهم؟ فرمود: به کسانی که
 متدین و فقیه و اهل فضل هستند بده.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ طُوبَى لِعَبْدٍ نُومَةٍ عَرَفَ النَّاسَ
 فَصَاحِبُهُمْ بِيَدَيْهِ وَلَمْ يُصَاحِبْهُمْ فِي أَعْمَالِهِمْ بِقَلْبِهِ فَعَرَفُوهُ فِي الظَّاهِرِ وَعَرَفَهُمْ فِي
 البَّاطِنِ

امام صادق علیه السلام فرمود: خوشا بحال بنده ناشناخته ای که مردم را بشناسد، و
 در ظاهر با آنان مصاحب باشد، ولی با قلب خود همراه با کردارشان نباشد، آنها
 او را به ظاهر شناخته اند، ولی او باطن آنان را شناخته است.

عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ أَوْلِيَائِي
 عِنْدِي رَجُلًا خَفِيفَ الْحَالِ ذَا خَطَرٍ أَحْسَنَ عِبَادَةَ رَبِّهِ فِي الْغَيْبِ وَكَانَ غَامِضًا فِي
 النَّاسِ جُعِلَ رِزْقُهُ كِفَافًا فَصَبَرَ عَلَيْهِ مَاتَ فَقَلَّ تَرَاتُهُ وَقَلَّ بَوَاقِيهِ

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله روایت کند که فرمود: خداوند متعال می
 فرماید:

رشک آورترین دوستانم نزد من مردی است که قیود و تشریفات ندارد، و
 عظیم القدر است، عبادت پروردگارش را در نهان به نیکویی انجام دهد، و در
 میان مردم گمنام است، روزی خود را به اندازه قرار داده و بر آن شکیباست،
 هنگامی که از دنیا برود میراثش اندک و گریه کنندگانش کم باشند.

عَنْ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَصْدُقُ عَلَى أَخِيهِ فَيُنَالُهُ مِنْ صِدْقِهِ عَلَى أَخِيهِ عَنَتٌ فَيَكُونُ كَاذِبًا عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْذِبُ عَلَى أَخِيهِ يُرِيدُ بِهِ مَنَفَعَتَهُ فَيَكُونُ عِنْدَ اللَّهِ صَادِقًا

امام رضا عليه السلام از قول حضرت صادق عليه السلام نقل کند که فرمود: مرد در مورد برادرش سخنان راستی می گوید، لکن این راستگویی موجب بروز ناراحتی برای برادرش می شود، این شخص (با اینکه راست گفته) نزد خداوند دروغگو به حساب آید، و گاهی مرد به برادرش نسبت دروغ می دهد و قصدش از این کار نفع اوست ، این مرد نزد خداوند از راستگویان است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ تَنْفَسُ تَنْفِيسُ كُرْبَةٍ امْرِئٍ مُسْلِمٍ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنْ صَوْمِكَ وَصَلَاتِكَ وَهُوَ أَفْضَلُ مَا تَقَرَّبَ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

امام صادق عليه السلام فرمود: بر طرف نمودن اندوه فرد مسلمان پاداشش از روزه و نمازت بیشتر است ، و این بهترین وسیله نزدیکی به خداوند است .

عَنْهُ قَالَ مَنْ أَغَاتَ لَهْفَانًا أَوْ كَشَفَ كُرْبَةَ مُؤْمِنٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَلَاثًا وَ سَبْعِينَ رَحْمَةً

ادَّخَرَ لَهُ اثْنَتَيْنِ وَ سَبْعِينَ رَحْمَةً وَ عَجَّلَ لَهُ وَاحِدَةً

امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس به فریاد محزونی رسد، یا غم مؤمنی را بزداید، خداوند برایش هفتاد و سه رحمت می نویسد، هفتاد و دو تای آن را برایش ذخیره کند، و یکی را فوراً به او بدهد.

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ عَوْنُكَ لِلضَّعِيفِ مِنْ أَعْظَمِ الصَّدَقَةِ

پیامبر خدا ﷺ فرمود: کمک توبه شخص ضعیف بزرگترین صدقه است .

قَالَ أَمْرِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمْرِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ

پیامبر خدا ﷺ فرمود: پروردگرم مرا به خوشرفتاری با مردم امر فرموده ، همان طور که به واجبات امر فرموده .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ فَقَالَ كَانَ يُوسَعُ لِلْجَلِيسِ وَ يَسْتَقْرِضُ لِلْمُحْتَاجِ وَيُعِينُ الضَّعِيفَ
امام صادق علیه السلام در باره قول خدای عز و جل (ما تو را از نیکوکاران می بینیم) فرمود:

ایشان (رسول خدا ﷺ) برای واردین به مجلس جا باز می کرد، و برای محتاج وام تهیه می فرمود، و به ضعفاء کمک می نمود.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجَلَانَ عَنِ السَّكُونِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَبِّمَا قَسَمْتُ الشَّيْءَ بَيْنَ أَصْحَابِي أَصْلُهُمْ بِهِ فَكَيْفَ أُعْطِيهِمْ فَقَالَ أُعْطِيهِمْ عَلَى الْهَجْرَةِ وَالِدِّينِ وَالْفَضْلِ وَالْفَقْهِ

راوی گوید، به امام باقر علیه السلام عرض کردم : گاهی چیزی را بین رفیقانم به عنوان صله تقسیم می کنم ، این کار را چگونه بکنم ؟ فرمود: به برتری در هجرت در دین ، و فضل دانش و فقه تقسیم بکن .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كِتْمَانُ الْحَاجَةِ مِنْ كُنُوزِ اللَّهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: پنهان داشتن حاجت از گنجهای خداوند است .

عَنْهُ قَالَ أَيُّمَا مُؤْمِنٍ شَكَأَ حَاجَتَهُ وَضُرَّهُ إِلَى كَافِرٍ أَوْ إِلَى مَنْ يُخَالِفُهُ فِي دِينِهِ فَكَأَنَّمَا شَكَأَ اللَّهُ وَ مَنْ شَكَاهَا إِلَى مُؤْمِنٍ فَإِنَّمَا شَكَوَاهُ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى

امام صادق عليه السلام فرمود: هر مؤمنی که حاجت و مشکلش را نزد کافر یا مخالف عقیده دینی اش ببرد، گویا از خداوند شکایت نموده ، و هر که آن شکایت را نزد مؤمنی ببرد گویا نزد خداوند برده .

عَنْهُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا عَلِيُّ الْحَاجَّةُ أَمَانَةٌ اللَّهُ عِنْدَ خَلْقِهِ فَمَنْ كَتَمَهَا عَلَى نَفْسِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ مَنْ صَلَّى وَ مَنْ كَشَفَهَا إِلَى مَنْ قَدَرَ أَنْ يُفْرِجَ عَنْهُ وَ لَمْ يَفْعَلْ فَقَدْ قَتَلَهُ أَمَا إِنَّهُ لَمْ يَقْتُلْهُ بِسَيْفٍ وَ لَا بِسِنَانٍ وَ لَا سَهْمٍ وَ لَكِنْ قَتَلَهُ بِمَا أَنْكَأَ قَلْبَهُ

امام صادق عليه السلام از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کند که فرمود: ای علی ! حاجت ؛ امانت خدا نزد مخلوقاتش است ، هر کس حاجتش را مخفی بدارد، خداوند ثواب نمازگزارش دهد، و هر که حاجتش را نزد کسی که توانایی بر آوردنش را دارد ولی بر نمی آورد آشکار نماید، مثل این است که او را کشته است ، البته او را به شمشیر و نیزه و تیر نکشته ، بلکه به آنچه قلبش را هدف قرار داده کشته .

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَسَعَوْهُمْ بِأَخْلَاقِكُمْ

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: شما هرگز نمی توانید مردم را با اموالتان خوشنود کنید، بنا بر این آنها را با اخلاقتان راضی نمایید.

وَ قَالَ أَفْضَلُ النَّاسِ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ أَصْلَحُ النَّاسِ أَصْلَحُهُمْ لِلنَّاسِ وَ خَيْرُ النَّاسِ مَنْ أَنْتَفَعَ بِهِ النَّاسُ

پیامبر خدا ﷺ فرمود: بهترین مؤمنان خوش اخلاقترین آنهاست ، و شایسته ترین آنها کسی است که برای مردم از همه شایسته تر باشد، و بهترین مردم سودمندترین آنهاست .

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا تُقَارِنُ وَلَا تُوَاخِ أَرْبَعَةَ الْأَحْمَقِ وَالْبَخِيلِ وَالْجَبَانَ وَالْكَذَّابِ
أَمَّا الْأَحْمَقُ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ وَأَمَّا الْبَخِيلُ فَإِنَّهُ يَأْخُذُ مِنْكَ وَلَا
يُعْطِيكَ وَأَمَّا الْجَبَانَ فَإِنَّهُ يَهْرُبُ عَنْكَ وَعَنْ وَالِدَيْهِ وَأَمَّا الْكَذَّابُ فَإِنَّهُ يَصْدُقُ وَلَا
يُصَدَّقُ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: به چهار نفر نزدیک مشو و با آنها برادری نکن : احمق ، بخیل ، ترسو، دروغگو.

اما احمق ؛ به جای اینکه تو را سود رساند ضرر می زند، اما بخیل ؛ از تو می گیرد و چیزی به تو نمی دهد، اما ترسو؛ هم از تو فرار می کند و هم از پدر و مادرش ، و اما دروغگو؛ تصدیق می کند ولی راست نمی گوید.

قَالَ النَّبِيُّ لِحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ اَعْمَلْ بِفَرَائِضِ اللَّهِ تَكُنْ أَتَقَى النَّاسِ وَارْضَ بِمَا
قَسَمَ اللَّهُ تَكُنْ أَغْنَى النَّاسِ وَكُفَّ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ تَكُنْ أَوْرَعَ النَّاسِ وَأَحْسِنُ
مُجَاوِرَةَ مَنْ جَاوَرَكَ تَكُنْ مُؤْمِنًا وَأَحْسِنُ مُصَاحَبَةَ مَنْ صَاحَبَكَ تَكُنْ مُسْلِمًا

پیامبر اکرم ﷺ به امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: به واجبات خدا عمل کن تا با تقواترین مردم باشی ، و به مقدرات الهی راضی باش تا بی نیازترین مردم شوی ، از محرّمات خدا در گذر تا پرهیزگارترین مردم باشی ، با همسایگانت خوش رفتاری کن تا از اهل ایمان قرار بگیری ، و با همنشینت خوشرفتاری کن تا مسلمان باشی .

وَقَالَ مُجَالَسَةُ أَهْلِ الدِّينِ شَرَفُ الدُّنْيَا وَالأُخْرَةِ

پیامبر خدا ﷺ فرمود: همنشینی با دینداران شرافت و بزرگی دنیا و آخرت به دنبال دارد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا تَتَّقَنَّ بِأَخِيكَ كُلَّ الثَّقَةِ فَإِنَّ صَرْعَةَ الإِسْتِرْسَالِ لَنْ تُسْتَقَالَ

امام صادق علیه السلام فرمود: به برادرت اعتماد کامل نکن ، زیرا به زمین خوردن از دست صاحب سری که به او اطمینان کردی هرگز جبران پذیر نیست .

عَنْ عَلِيِّ الشَّرَائِعِ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَعَدَ رَجُلًا إِلَى صَخْرَةٍ قَالَ أَنَا لَكَ هَاهُنَا حَتَّى تَأْتِيَ قَالَ فَاشْتَدَّتِ الشَّمْسُ عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُ أَصْحَابُهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ أَنَّكَ تَحَوَّلْتَ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ قَدْ وَعَدْتُهُ إِلَى هَاهُنَا وَإِنْ لَمْ يَجِئْ كَانَ مِنْهُ إِلَى المَحْشَرِ

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ با مردی در کنار سنگ بزرگی وعده گذاشته بود، فرمود: من اینجا هستم تا شما بیایی ، آفتاب به شدت بر آن حضرت می تابید، یاران به او گفتند: ای رسول خدا، چرا به سایه نمی آیی ؟ فرمود: من در اینجا با او وعده کرده ام ، و اگر نیامد روز محشر در گرما خواهد ماند.

فصل دهم : در حقوق همسایگان

الفصل العاشر فی حق الجار

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هَلْ تَدْرُونَ مَا حَقُّ الْجَارِ مَا تَدْرُونَ مِنْ حَقِّ الْجَارِ إِلَّا قَلِيلًا أَلَا لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ مَنْ لَا يَأْمَنُ جَارَهُ بَوَائِقَهُ وَإِذَا اسْتَقْرَضَهُ أَنْ يُقْرِضَهُ وَإِذَا أَصَابَهُ خَيْرٌ هَنَأَهُ وَإِذَا أَصَابَهُ شَرٌّ عَزَّاهُ وَلَا يَسْتَطِيلُ عَلَيْهِ فِي الْبِنَاءِ يَحْجُبُ عَنْهُ الرِّيحَ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَإِذَا اشْتَهَى فَآكِهَةً فَلْيُهْدِلْ لَهُ فَإِنْ لَمْ يُهْدِلْ لَهُ فَلْيُدْخِلْهَا سِرًّا وَلَا يُعْطَى صَبِيَانَهُ مِنْهَا شَيْئًا يُعَايِظُونَ صَبِيَانَهُ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ الْجِيرَانُ ثَلَاثَةٌ فَمِنْهُمْ مَنْ لَهُ ثَلَاثَةٌ حُقُوقٍ حَقُّ الْإِسْلَامِ وَحَقُّ الْجَوَارِ وَحَقُّ الْقَرَابَةِ وَمِنْهُمْ لَهُ حَقَّانِ حَقُّ الْإِسْلَامِ وَحَقُّ الْجَوَارِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَهُ حَقٌّ وَاحِدٌ الْكَافِرُ لَهُ حَقُّ الْجَوَارِ

رسول خدا ﷺ فرمود: آیا می دانید حق همسایه چیست ؟ شما از حقوق همسایه به جز اندکی نمی دانید، هشیار باشید! کسی که همسایه اش از وی در امان نباشد، ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده ، هر گاه از او وام خواست باید به او بدهد، و هر گاه خیری به او رسید به او تبریک گوید، و اگر شری به او رسید به او تسلیت بگوید، خانه خود را بلند نسازد که مانع ورود هوا به خانه اش گردد، مگر با اجازه او، هر گاه به میوه ای احتیاج پیدا کرد به او هدیه کند، و اگر هدیه نکرد پنهانی برایش بفرستد، و به کودکان خود چیزی ندهد که بچه های او را ناراحت کند.

سپس رسول خدا ﷺ فرمود: همسایه ها سه دسته اند: بعضی از آنها سه حق دارند؛ حق اسلام ، حق همسایگی ، حق خویشاوندی ، و بعضی از آنها دو

حق دارند؛ حق اسلام و حق همسایگی ، و بعضی یک حق ؛ کافر فقط حق همسایگی دارد.

وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِي يَشْبَعُ وَجَارُهُ جَائِعٌ إِلَى جَنْبِهِ
رسول خدا ﷺ فرمود: مؤمن نیست کسی که سیر بخوابد، و همسایه
مجاورش گرسنه باشد.

وَقَالَ مَنْ آذَى جَارَهُ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ
وَمَنْ ضَيَّعَ حَقَّ جَارِهِ فَلَيْسَ مِنَّا
رسول خدا ﷺ فرمود: هر که همسایه اش را اذیت کند خداوند بوی بهشت
را بر او حرام گرداند، و جای وی در جهنم است ، و بد جایگاهی دارد، و هر
کس حق همسایه را از بین ببرد از ما نیست .

وَقَالَ وَلَمْ يَزَلْ جِبْرَائِيلُ يُوصِينِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورُنِي
رسول خدا ﷺ فرمود: جبرئیل همواره مرا به حق همسایه سفارش می کرد،
تا آنجا که گمان کردم که به زودی او را در ارث شریکم کند.

وَقَالَ مَنْ كَفَّ أذَاهُ عَنِ جَارِهِ أَقَالَهُ اللَّهُ عَثْرَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ عَفَّ بَطْنُهُ وَ
فَرَجُهُ كَانَ فِي الْجَنَّةِ مَلِكًا مَحْبُورًا وَمَنْ أَعْتَقَ نَسَمَةً مُؤْمِنَةً بَنَى لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ
رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس از لغزش همسایه اش بگذرد، خداوند روز
قیامت از لغزشهایش صرف نظر کند، و هر کس شکم و شرمگاهش را حفظ کند،

در بهشت چون فرشته ای زیبا خواهد بود، و هر کس بنده مؤمنی را آزاد کند، در بهشت خانه ای برایش ساخته شود.

وَمِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ حُسْنُ الْجِوَارِ زِيَادَةٌ فِي الْأَعْمَارِ وَعِمَارَةٌ فِي الدِّيَارِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خوب همسایگی کردن موجب زیادی عمر و آبادی خانه هاست .

وَقَالَ لَيْسَ حُسْنُ الْجِوَارِ كَفُّ الْأَذَى وَلَكِنْ حُسْنُ الْجِوَارِ صَبْرُكَ عَلَى الْأَذَى
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خوب همسایگی کردن به اذیت نکردن همسایه نیست ، بلکه خوب همسایگی کردن به صبر بر اذیت همسایه است .

عَنْهُ قَالَ الْمُؤْمِنُ مَنْ آمَنَ جَارَهُ بَوَاتِقَهُ قُلْتُ مَا بَوَاتِقُهُ قَالَ ظُلْمُهُ وَغَشْمُهُ
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: مؤمن کسی است که همسایه اش از جور و ستم او در امان باشد.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ شَكَأَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ جَارَهُ فَأَعْرَضَ عَنْهُ ثُمَّ عَادَ فَأَعْرَضَ عَنْهُ ثُمَّ عَادَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ لِعَلِيِّ وَسَلْمَانَ وَمِقْدَادٍ اذْهَبُوا وَنَادُوا لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةَ عَلَى مَنْ آذَى جَارَهُ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: مردی نزد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از همسایه اش شکایت کرد، حضرت از او روی گرداند، دوباره شکایتش را تکرار کرد، باز حضرت به او توجه نکرد، بار دیگر سخنش را تکرار کرد، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به علی

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و سلمان و مقداد فرمود: بروید و اعلام کنید؛ لعنت خدا و ملائکه بر کسی که همسایه اش را بیازارد.

وَقَالَ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤْذِي جَارَهُ
رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، همسایه اش را اذیت نمی کند.

وَقَالَ مَنْ مَاتَ وَ لَهُ جِيرَانٌ ثَلَاثَةٌ كُلُّهُمْ رَاضُونَ عَنْهُ غُفِرَ لَهُ
رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس بمیرد و سه همسایه داشته باشد که همگی از او راضی باشند، آمرزیده شود.

وَقَالَ ﷺ فِي غَزْوَةِ تَبُوكَ لَا يَصْحُبُنَا رَجُلٌ آذَى جَارَهُ
رسول خدا ﷺ در غزوه تبوک فرمود: مردی که همسایه اش را رنجانده با ما نیاید.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ جَارٍ سَوَاءٍ فِي دَارٍ
إِقَامَةٍ تَرَكَ عَيْنَاهُ وَيَرْعَاكَ قَلْبُهُ إِنَّ رَأَى بِخَيْرٍ سَاءَهُ وَإِنْ رَأَى بِشَرٍّ سَرَّهُ
امام صادق علیه السلام از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود: به خدا پناه می
برم از همسایه بد محل زندگی، تو را با دو چشمش می بیند و با دلش مراقبت
می باشد، اگر خیری به تو رسد ناراحتش کند، و اگر شری به تو رسد خوشحال
شود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا يُسْتَجَابُ لِمَنْ يَدْعُو عَلَى جَارِهِ وَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ السَّبِيلَ إِلَى أَنْ يَبِيعَ دَارَهُ وَيَتَحَوَّلَ عَنْ جِوَارِهِ
 امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: کسی که بر علیه همسایه اش دعا می کند (تا از دستش راحت شود) مستجاب نشود، زیرا خداوند برایش راه قرار داده و او می تواند خانه اش را بفروشد و جایش را عوض کند.

وَقَالُوا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فُلَانَةٌ تَصُومُ النَّهَارَ وَ تَقُومُ اللَّيْلَ وَ تَتَصَدَّقُ وَ تُؤْذِي جَارَهَا بِلِسَانِهَا قَالَ لَا خَيْرَ فِيهَا هِيَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ قَالُوا وَ فُلَانَةٌ تُصَلِّي الْمَكْتُوبَةَ وَ تَصُومُ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ لَا تُؤْذِي جَارَهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ هِيَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ
 به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض کردند: فلان زن روزها روزه دار و شبها مشغول عبادت است و همیشه صدقه می دهد، ولی با زبانش همسایه اش را آزار می دهد، فرمود: خیری در آن عبادات نیست ، او جهنمی است .
 عرض کردند: فلان زن نماز واجبش را می خواند و ماه رمضان روزه می گیرد، و همسایه اش را اذیت نمی کند، فرمود: او از بهشتیان است .

أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلِيًّا وَ سَلْمَانَ وَ مِقْدَادًا وَ أَبَا ذَرٍّ أَنْ يَتَفَرَّقُوا وَ يَأْخُذَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ فِي نَاحِيَةٍ وَ يُنَادِي أَلَا إِنَّ حَقَّ الْجِوَارِ مِنْ أَرْبَعِينَ دَارًا
 رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و سلمان و مقداد و ابوذر امر فرمود که : هر کدام به ناحیه ای روند و فریاد بزنند که : حق همسایه تا چهل خانه می باشد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا كَانَ وَ لَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ نَبِيٌّ وَ لَا مُؤْمِنٌ إِلَّا وَ لَهُ جَارٌ يُؤْذِيهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ پیامبر و مؤمنی نبوده و تا روز قیامت نخواهد بود، مگر اینکه همسایه ای داشته باشد که او را آزار می دهد.

وَعَنْهُ قَالَ مَا أَفَلَتَ الْمُؤْمِنُ مِنْ وَاحِدَةٍ مِنْ ثَلَاثٍ وَلَرُبَّمَا اجْتَمَعَتِ الثَّلَاثُ عَلَيْهِ إِيمًا بَعْضٌ مِنْ يَكُونُ مَعَهُ فِي الدَّارِ يُغْلِقُ عَلَيْهِ بَابَهُ يُؤْذِيهِ أَوْ جَارٌ يُؤْذِيهِ أَوْ مَنْ مَرَّ فِي طَرِيقِهِ إِلَى حَوَائِجِهِ يُؤْذِيهِ وَ لَوْ أَنَّ مُؤْمِنًا عَلَى قُلَّةِ جَبَلٍ لَبَعَثَ اللَّهُ عَلَيْهِ شَيْطَانًا يُؤْذِيهِ وَ يَجْعَلُ اللَّهُ لَهُ مِنْ إِيمَانِهِ أَنْسًا لَا يَسْتَوْحِشُ مَعَهُ إِلَى أَحَدٍ

امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن هرگز از سه چیز خلاصی ندارد، و گاهی ممکن است هر سه بر او گرد آیند: یا کسی که با او در یک خانه است، در را بر روی او می بندد و آزارش می دهد، یا همسایه ای که او را آزار می دهد، یا کسی در میان مسیری که برای گذران زندگی می رود او را اذیت می کند، و اگر مؤمن بالای قلّه کوهی هم باشد، خداوند شیطانی را بر انگیزد تا او را اذیت کند، و خدا از ایمانش برای او مونس قرار دهد که از هیچ کس وحشت نکند.

عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَيْسَ بِمُؤْمِنٍ مَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَارُهُ بِوَأْتِقَهُ
امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل فرماید که: مؤمن نیست کسی که همسایه اش از آزار او در امان نباشد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ سَلْمَانَ وَ أَبَا ذَرٍّ بِأَنْ يُنَادُوا بِأَعْلَى أَصْوَاتِهِمْ أَنَّهُ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَارُهُ بِوَأْتِقَهُ فَنَادُوا بِهَا ثَلَاثًا ثُمَّ أَوْمَى بِيَدِهِ إِلَى أَنْ كُلَّ أَرْبَعِينَ دَارًا جِيرَانٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام و سلمان و ابوذر امر فرمود که به آواز بلند فریاد زنند که : هر که همسایه اش از آزار او آسوده نباشد ایمان ندارد، آنها نیز سه بار آن را گفتند، سپس با دست مبارکش اشاره کرد که تا چهل خانه از روبرو و پشت سر و طرف راست ، و طرف چپ همسایه به حساب می آید.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ إِنَّ يَعْقُوبَ علیه السلام لَمَّا ذَهَبَ مِنْهُ بَنِيَامِينَ نَادَى يَا رَبِّ أَلَا تَرْحَمُنِي أَذْهَبْتَ عَيْنِيَّ وَأَذْهَبْتَ ابْنِيَّ فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيْهِ لَوْ أُمَّتُهُمَا لِأَخِيَّتُهُمَا حَتَّى أَجْمَعَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمَا وَلَكِنْ تَذَكَّرُ الشَّاةَ الَّتِي ذَبَحْتَهَا وَشَوَّيْتَهَا وَ أَكَلْتَ وَ فُلَانٌ إِلَى جَنبِكَ صَائِمٌ لَمْ تُنَلِّهِ مِنْهَا شَيْئاً

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که بنیامین از نزد یعقوب رفت ، عرض کرد: بار خدایا، به من رحم نمی کنی ؟ دیدگانم را که بردی ، فرزندم را که بردی ، خداوند تبارک و تعالی به او وحی فرمود که : اگر آنها را میرانده بودم باز هم برایت زنده می کردم تا دوباره در کنارت باشند، و لکن به خاطر آور آن گوسفندی را که ذبح کردی و بریان نمودی و خوردی و فلانی در همسایگی تو روزه دار بود و چیزی از آن را به او ندادی .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ إِنَّ يَعْقُوبَ بَعْدَ ذَلِكَ كَانَ مُنَادِيهِ يُنَادِي كُلَّ غَدَاةٍ مِنْ مَنْزِلِهِ عَلَى فَرْسَخٍ أَلَا مَنْ أَرَادَ الْغَدَاءَ فَلْيَأْتِ إِلَى يَعْقُوبَ وَإِذَا أَمْسَى نَادَى أَلَا مَنْ أَرَادَ الْعِشَاءَ فَلْيَأْتِ إِلَى يَعْقُوبَ

امام صادق علیه السلام فرمود: یعقوب علیه السلام بعد از آن امر کرد که هر چاشتگاه از منزلش تا یک فرسخی ندا کنند که : هر کس چاشت خواهد به خانه یعقوب آید، و هر شامگاه هم جار می زدند که : هر کس شام خواهد نزد یعقوب آید.

عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ إِنَّ مِنَ الْفَوَاقِرِ الَّتِي تَقْصِمُ الظُّهْرَ جَارَ السَّوِّءِ إِنَّ رَأْيَ حَسَنَةً
أَخْفَاهَا وَإِنْ رَأَى سَيِّئَةً أَفْشَاهَا

امام باقر علیه السلام فرمود: یکی از بلاهای کمر شکن که پشت انسان را می شکند همسایه بد است ، اگر از انسان خوشرفتاری و نیکی بیند پنهان کند، و اگر بدی بیند فاش سازد.

فصل یازدهم : در بردباری و غلبه بر خشم و غضب

الفصل الحادى عشر فى الحلم و كظم الغيظ و الغضب
مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْحَيَّ
الْحَلِيمَ

امام باقر عليه السلام فرمود: خداوند عز و جل انسان با حیا و بردبار را دوست
دارد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم مَا أَعَزَّ اللَّهُ بِجَهْلٍ قَطُّ وَلَا أَدَلَّ
بِحِلْمٍ قَطُّ

امام صادق عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وسلم روایت کند که فرمود: خداوند هیچ
نادانی را عزیز، و هیچ بردباری را ذلیل نساخته .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ لِلْحُسَيْنِ عليه السلام يَا بُنَيَّ مَا الْحِلْمُ قَالَ كَظْمُ الْغَيْظِ وَ مَلِكُ النَّفْسِ
امیر مؤمنان عليه السلام به امام حسین عليه السلام فرمود: فرزندم ، حلم چیست ؟ عرض
کرد: فرو بردن خشم و در اختیارداشتن نفس .

عَنْ الرِّضَا عليه السلام قَالَ لِرَجُلٍ مِنَ الْقَمِيَّينَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ عَلَيْكُمْ بِالصَّمْتِ وَ الصَّبْرِ وَ
الْحِلْمِ فَإِنَّهُ لَا يَكُونُ الرَّجُلُ عَابِدًا حَتَّى يَكُونَ حَلِيمًا

امام رضا عليه السلام به مردی از اهل قم فرمود: از خدا بترسید و سکوت و صبر و
بردباری پیشه کنید، زیرا مرد به مقام بندگی نخواهد رسید مگر اینکه بردبار
باشد.

وَقَالَ لَا يَكُونُ عَاقِلًا حَتَّى يَكُونَ حَلِيمًا

امام رضا علیه السلام فرمود: هیچ کس عاقل نیست مگر اینکه بردبار باشد.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام يَقُولُ إِنَّهُ لَيُعْجِبُنِي الرَّجُلُ أَنْ يُدْرِكَهُ حِلْمُهُ عِنْدَ غَضَبِهِ

امام باقر علیه السلام فرمود: من از مردی که هنگام غضب بردبار باشد خوشم می آید.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام قَالَ مَا مِنْ جُرْعَةٍ يَتَجَرَّعُهَا عَبْدٌ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ جُرْعَةٍ غِيْظٍ يَرُدُّهَا فِي قَلْبِهِ وَرَدَّهَا بِصَبْرٍ أَوْ رَدَّهَا بِحِلْمٍ

امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ جرعه ای نزد خدای عز و جل از جرعه خشمی که بنده در دلش با جوشش و هیجان بنوشد و آن را با شکیبائی یا بردباری دفع کند، محبوبتر نیست .

عَنْ أَخِي حَمَّادِ بْنِ بَشِيرٍ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ وَعِنْدَهُ أَخُوهُ حَسَنُ بْنُ حَسَنِ فَذَكَرْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ مِنْهُ فَقُمْتُ مِنْ ذَلِكَ الْمَجْلِسِ فَأَتَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَيْلًا فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ وَهُوَ فِي فِرَاشِهِ قَدْ أَخَذَ الشُّعَارَ فَخَبَّرْتُهُ بِالْمَجْلِسِ الَّذِي كُنَّا فِيهِ وَ مَا يَقُولُ حَسَنٌ فَقَالَ يَا جَارِيَةَ ضَعِي لِي مَاءً فَأَتَيْتُ بِهِ فَتَوَضَّأَ وَقَامَ فِي مَسْجِدٍ بَيْنَهُ فَصَلَّى رُكْعَتَيْنِ ثُمَّ قَالَ يَا رَبِّ إِنَّ فُلَانًا بِالَّذِي أَتَانِي عَنِ الْحَسَنِ وَ هُوَ يَظْلِمُنِي وَ قَدْ غَفَرْتُ لَهُ وَ لَا تَأْخُذْهُ وَ لَا تُقَاسِمْهُ يَا رَبِّ قَالَ فَلَمْ يَزَلْ يُلِحُّ فِي

الدُّعَاءِ عَلَى رَبِّهِ ثُمَّ التَّفَتَ إِلَيَّ فَقَالَ أَنْصَرِفْ رَحِمَكَ اللَّهُ فَأَنْصَرَفْتُ ثُمَّ زَارَهُ بَعْدَ ذَلِكَ

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام گوید: من در مجلسی نزد عبد الله بن حسن بودم که برادرش حسن بن حسن هم آنجا بود، در این هنگام سخن از امام صادق علیه السلام به میان آمد، حسن نسبت به آن حضرت سخن ناروایی گفت، من از مجلس بیرون رفتم و شب به نزد امام صادق علیه السلام آمدم، و در حالی که ایشان قصد خوابیدن داشتند و بسترشان را پهن کرده بودند، خدمت ایشان رسیدم، جریان آن مجلس و آنچه را حسن گفته بود برای آن حضرت عرض کردم، امام کنیزی را طلب کرد و فرمود: برایم آب بیاور، سپس وضو گرفت و در مسجد خانه اش دو رکعت نماز خواند، بعد فرمود: بار خدایا، فلانی از حسن به من می گوید، و اینکه او به من ظلم می کند، ولی من از وی گذشتم، پروردگارا تو هم از او در گذر، امام علیه السلام بر این دعا از درگاه خداوند مصرّ بود، تا اینکه متوجه من شده و فرمود: برو خدا تو را رحمت کند، من هم رفتم، سپس حسن بعد از این جریان به زیارت امام علیه السلام رفت .

عَنْ حَمَادِ اللَّحَامِ قَالَ أَتَى رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ إِنَّ فُلَانًا ابْنَ عَمِّكَ ذَكَرَكَ فَمَا تَرَكَ شَيْئًا مِنَ الْوَقِيعَةِ وَالشَّتِيمَةِ إِلَّا قَالَهُ فِيكَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ لِلْجَارِيَةِ ابْتِئِنِي بِوَضُوءٍ فَتَوَضَّأَ وَدَخَلَ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي يَدْعُو عَلَيْهِ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ فَقَالَ يَا رَبِّ هُوَ حَقِّي قَدْ وَهَبْتُهُ وَأَنْتَ أَجُودُ مِنِّي وَأَكْرَمُ فَهَبْهُ لِي وَلَا تُؤَاخِذْهُ بِي وَلَا تُقَايِسْهُ ثُمَّ رَقَّ فَلَمْ يَزَلْ يَدْعُو فَجَعَلْتُ أُتَعَجَّبُ

حماد لحام گوید: مردی خدمت امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد: یکی از پسر عموهایت در باره شما حرف می زد، هر حرف زشت و فحشی به زبانش

آمد در مورد شما گفت ، امام صادق علیه السلام به کنیزش فرمود: آبی بیاور تا وضو بسازم ، وضو گرفت و داخل شد، با خود گفتیم : بر علیه او دعا می کند، سپس دو رکعت نماز خواند، بعد فرمود: پروردگارا، من از حقم گذشتم ، و تو از من بخشنده تر و بزرگوartری ، او را به من ببخش و مؤاخذه نکن و از گناهش درگذر، سپس گریه کرد و به دعای خویش ادامه داد، به حدی که من از این جریان در شگفت شدم .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ مَا ظَلِمَ أَحَدٌ بظُلْمَةٍ فَقَدَرَ أَنْ يُكَافِيَ بِهَا وَلَمْ يَفْعَلْ إِلَّا أَبْدَلَهُ اللَّهُ مَكَانَهَا عِزًّا

امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس مورد ظلم قرار گرفت ، و قدرت مجازات کردن ظالم را هم داشت ، ولی انجام نداد، خداوند به جایش به او عزت دهد.

وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مَا مِنْ عَبْدٍ كَظَمَ غَيْظًا إِلَّا زَادَهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ بِهِ عِزًّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ مَكَانَ غَيْظِهِ ذَلِكَ

امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای خشمش را فرو نخورد، مگر اینکه خدای عز و جل در دنیا و آخرت عزتش را زیاد گرداند، خداوند تبارک و تعالی فرمود: (و فروخورندگان خشم و درگذرندگان از مردم ، و خداوند نیکوکاران را دوست دارد) و خداوند به جای خشمش به او بهشت دهد.

وَقَالَ أَيْضًا مَنْ كَظَمَ غَيْظَهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَىٰ إِنْفَاقِهِ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهُ أَمْنًا وَإِيمَانًا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس خشم خود را فرو برد در حالی که توانایی بر انتقام دارد، خداوند تا روز قیامت دلش را انباشته از آرامش و ایمان گرداند.

وَ قَالَ أَيْضاً نِعْمَتِ الْجُرْعَةِ الْغَيْظِ لِمَنْ صَبَرَ عَلَيْهَا

امام صادق علیه السلام فرمود: نیکو جرعه ای است خشم ، برای کسی که بر آن شکبیا باشد.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مِنْ أَحَبِّ السُّبُلِ إِلَيَّ اللَّهُ جُرْعَتَانِ جُرْعَةُ غَيْظٍ يَرُدُّهَا بِحِلْمٍ وَ جُرْعَةُ حُزْنٍ يَرُدُّهَا بِصَبْرٍ

امام سجاد علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود: از محبوبترین راهها به سوی خدا (نوشیدن) دو جرعه است : جرعه خشمی که با خویشتن داری ردش کند، جرعه مصیبتی که با شکبایی برگرداند.

وَ قَالَ أَيْضاً أَخَذَ مِيثَاقَ الْمُؤْمِنِ عَلَى أَنْ لَا يُصَدِّقَ مَقَالَتَهُ وَ لَا يَنْتَصِفَ مِنْ عَدُوِّهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند از مؤمن پیمان گرفت که سخن او را تصدیق نماید، و از دشمن خود انتقام نگیرد.

مِنْ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ رَجُلٌ لِلنَّبِيِّ صلی الله علیه و آله خَبَّرْنِي عَنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ قَالَ الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَ صَلَاتُهُ مَنْ قَطَعَكَ وَ إِعْطَاءُ مَنْ حَرَمَكَ وَ قَوْلُ الْحَقِّ وَ لَوْ عَلَى نَفْسِكَ

مردی به رسول خدا ﷺ عرض کرد: مرا از مکارم اخلاق مطلع ساز، فرمود: گذشت از کسی که به تو ظلم کرده ، رابطه با کسی که با تو قطع رابطه نموده ، بخشیدن به کسی که تو را محروم ساخته ، گفتن حق و لو به ضررت باشد.

عَنْهُ ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ زَوْجَةُ اللَّهِ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ كَيْفَ شَاءَ كَظْمُ الْغَيْظِ وَالصَّبْرُ عَلَى السُّيُوفِ لِلَّهِ وَرَجُلٌ أَشْرَفَ عَلَى مَالٍ حَرَامٍ فَتَرَكَهُ لِلَّهِ

رسول خدا ﷺ فرمود: سه صفت در هر کس باشد، خداوند حور عین را هر طور بخواهد تزویجشان کند؛ فرو خوردن خشم ، صبر در برابر شمشیرها برای خدا، و مردی که مال حرامی به دستش برسد، و آن را برای خدا ترک کند.

عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ وَأَحْزَمُ النَّاسِ أَكْظَمُهُمْ غَيْظًا

رسول خدا ﷺ فرمود: خردمندترین مردم مداراکننده ترین آنها با مردم است ، و استوارترین آنها بردبارترین آنهاست .

وَقَالَ مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى أَنْ يُنْفِذَهُ دَعَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ حَتَّى يُخَيَّرَ مِنْ أَيِّ الْحُورِ شَاءَ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس از خود بردباری نشان دهد در حالی که توانایی انتقام گرفتن دارد، خداوند او را در روز قیامت در حضور تمامی اهل محشر می خواند، و او را مخیر می کند هر کدام از حوریه ها را که می خواهد انتخاب کند.

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا جُمِعَ شَيْءٌ إِلَى شَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ حِلْمٍ إِلَى عِلْمٍ

امام صادق علیه السلام از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود: سوگند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست ، هیچ چیز با چیز دیگر بهتر از بردباری با دانش جمع نشد.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا مِنْ جُرْعَةٍ أَفْضَلَ مِنْ جُرْعَةٍ غَيْظٍ يَتَجَرَّعُهَا الْعَبْدُ يَرُدُّهَا فِي قَلْبِهِ إِمَّا بِحِلْمٍ وَإِمَّا بِصَبْرٍ

امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ جرعه ای از جرعه خشمی که بنده در دلش جولان می دهد و با بردباری یا شکیبائی ردش می کند، بهتر نیست .

عَنِ السَّيِّدِ الْإِمَامِ نَاصِحِ الدِّينِ أَبِي الْبَرَكَاتِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ عَاشَ مُدَارِيًّا مَاتَ شَهِيداً

رسول خدا ﷺ فرمود: هر که با مدارا کردن به دیگران زندگی کند، شهید می میرد.

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ بِقَوْمٍ يَرْفَعُونَ حَجْرًا فَقَالَ مَا هَذَا فَقَالُوا نَعْرِفُ بِذَلِكَ أَشَدَّنَا وَأَقْوَانَا فَقَالَ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشَدُّكُمْ وَأَقْوَأَكُمْ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَشَدُّكُمْ وَأَقْوَأَكُمْ الَّذِي إِذَا رَضِيَ لَمْ يَدْخُلْهُ رِضَاهُ فِي إِثْمٍ وَلَا بَاطِلٍ وَإِذَا سَخِطَ لَمْ يُخْرِجْهُ سَخِطُهُ مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ وَإِذَا قَدَرَ لَمْ يَتَعَاطَ مَا لَيْسَ بِحَقٍّ

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ از کنار گروهی می گذشت که سنگی را بلند می کردند، فرمود: این چه کاری است ؟ گفتند: به این کار

قدرتمندترین و قوی ترینمان را می شناسیم ، فرمود: آیا شما را از قوی ترین و قدرتمندترینان آگاه سازم ؟ گفتند: بلی ای رسول خدا، فرمود: قدرتمندترین و قوی ترین شما کسی است که به گاه خوشنودی خطا و گناه نکند، و به هنگام خشم قول غیر حق نگوید، و هر گاه توانمند شد بخشش به غیر حق نکند.

عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ الْغَضَبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ

امام رضا علیه السلام فرمود: غضب کلید هر شری است .

وَ قَالَ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ لِعِيسَى يَا مُعَلِّمَ الْخَيْرِ أَعْلِمْنَا أَيُّ الْأَشْيَاءِ أَشَدُّ قَالَ أَشَدُّ الْأَشْيَاءِ غَضَبُ اللَّهِ قَالُوا فِيمَا يُتَّقَى غَضَبُ اللَّهِ قَالَ بَأْسٌ لَا تَغْضَبُوا قَالُوا وَمَا بَدَأُ الْغَضَبِ قَالَ الْكِبْرُ وَ التَّجَبُّرُ وَ مَحَقَرَةُ النَّاسِ

امام رضا علیه السلام فرمود: حواریون به عیسی علیه السلام گفتند: ای معلم خیر، ما را به سخت ترین چیز راهنمایی کن ، فرمود: از همه چیز سخت تر غضب خداوند است . گفتند: چگونه می شود از غضب خداوند دور ماند؟ فرمود: به اینکه غضب نکنید، گفتند: غضب از کجا شروع می شود؟ فرمود: از تکبر و خود خواهی و کوچک شمردن مردم .

فصل دوازدهم : در هدیه دادن و گرفتن

الفصل الثانی عشر فی التهادی و غیره

عَنْ النَّوْفَلِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ تَكْرِمَةِ الرَّجُلِ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَقْبَلَ تَحْفَتَهُ وَيُتْحِفَهُ بِمَا عِنْدَهُ وَلَا يَتَكَلَّفَ لَهُ شَيْئاً

رسول خدا ﷺ فرمود: از شرافت و بزرگواری مرد نسبت به برادر مسلمانش این است که هدیه اش را قبول کند، و از آنچه دارد به او هدیه دهد، و خود را به خاطر او به مشقت نیاندازد.

وَقَالَ لَا أَحِبُّ الْمُتَكَلِّفِينَ

رسول خدا ﷺ فرمود: من کسانی را که خود را به زحمت اندازند، دوست ندارم .

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَأْكُلُ الْهَدِيَّةَ وَلَا يَأْكُلُ الصَّدَقَةَ وَيَقُولُ تَهَادَوْا فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تَسْلُ السَّخَائِمَ وَتُخَلِّي ضَغَائِنَ الْعَدَاوَةِ وَالْأَحْقَادِ

امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ هدیه را می پذیرفت ولی صدقه را نمی خورد، و می فرمود: به همدیگر هدیه دهید، زیرا هدیه دلخوریها را بر طرف می سازد، و کینه ها و دشمنیهای ته نشین شده در دل را تخلیه می کند.

عَنِ الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ يُحِبُّ الْهَدِيَّةَ يَسْتَحْلِيهَا وَ يَسْتَدْعِيهَا وَيُكَافِي عَلَيْهَا أَهْلِهَا

امام رضا علیه السلام از قول پدر و جد بزرگوارش نقل می کند که فرمود: رسول اکرم صلی الله علیه و آله هدیه را دوست می داشت ، آن را مباح و جایز می دانست ، و آن را طلب می نمود، و در مقابل آن معامله به مثل می کرد.

عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْحِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ الضَّيْعَةُ الْكَبِيرَةُ فَإِذَا كَانَ الْمَهْرَجَانُ وَ النَّيْرُوزُ أَهَدَوْا إِلَيْهِ الشَّيْءَ لَيْسَ هُوَ عَلَيْهِمْ يَتَقَرَّبُونَ بِذَلِكَ إِلَيْهِ فَقَالَ أَلَيْسَ لَهُمْ مِنْ مُصَلِّينَ قُلْتُ بَلَى قَالَ فَلْيَقْبَلْ هَدِيَّتَهُمْ وَ لِيَكْفَتْهُمْ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لَوْ أَهْدَى إِلَيَّ كُرَاعٌ لَقَبَلْتُهُ وَ كَانَ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ وَ لَوْ أَنَّ كَافِرًا أَوْ مُنَافِقًا أَهْدَى إِلَيَّ وَسَقًا مَا قَبَلْتُهُ وَ كَانَ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ أَبِي اللَّهِ لِي زَبَدَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ طَعَامَهُمْ

ابراهیم کرخی گوید: از حضرت صادق علیه السلام در باره مردی که مزرعه بزرگی داشت سؤال کردم ، و گفتم : روز مهرگان و نوروز برای او هدیه می آورند، صاحبان هدیه را نمی شناسد و آنها بدین وسیله خود را به او نزدیک می کنند، فرمود: آیا در میان آنان نمازگزار نیست ؟ گفتم : چرا هست ، فرمود: باید هدیه آنها را قبول کند و به آنها احسان کند، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر یک ران گوسفند هم به من هدیه کنند می پذیرم ، زیرا قبول هدیه جزء دین است ، اما اگر کافر یا منافقی مقداری خرما هم به من هدیه کند، قبول نخواهم کرد، زیرا این هم از احکام دین است ، خداوند هدیه مشرکین و منافقین را برای من تجویز نفرموده است .

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام جُلَسَاءُ الرَّجُلِ شُرَكَاءُ فِيهِ
الْهَدِيَّةِ

امام صادق عليه السلام فرمود: همنشینان مرد در هدیه او شریک هستند.

عَنْهُ عليه السلام الْهَدِيَّةُ عَلَى ثَلَاثَةٍ وَجُوهٍ هَدِيَّةٌ مُكَافَاةٌ وَ هَدِيَّةٌ مُصَانَعَةٌ وَ هَدِيَّةٌ لِلَّهِ
امام صادق عليه السلام فرمود: هدیه بر سه قسم است: هدیه در عوض هدیه،
هدیه سازش و مسالمت، هدیه برای خدا.

عَنِ السَّكُونِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ فَلْيَسْأَلْهُ
عَنْ اسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ وَ قَبِيلَتِهِ وَ عَشِيرَتِهِ فَإِنَّهُ مِنَ الْحَقِّ الْوَاجِبِ وَ صِدْقِ الْإِحَاءِ أَنْ
يَسْأَلَهُ عَنْ ذَلِكَ وَ إِلَّا فَإِنَّهَا مَعْرِفَةٌ حَمَقَاءُ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر گاه یکی از شما برادر مسلمانش را دوست
داشت، باید از او نامش و نام پدرش و فامیل و عشیره اش را سؤال کند، زیرا
این امری لازم است، و صداقت برادری به این است که در باره اینها از او
پپرسد، در غیر این صورت شناخت آنها (از همدیگر) احمقانه خواهد بود.

عَنِ الْكَاطِمِ عليه السلام قَالَ لَا تُذْهِبِ الْحِشْمَةَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَخِيكَ وَ أَبْقِ مِنْهَا فَإِنَّ
ذَهَابَهَا ذَهَابُ الْحَيَاءِ

امام کاظم عليه السلام فرمود: قدر و منزلت میان خود و برادرت را حفظ کن و آن
را باقی گذار، زیرا برداشتن پرده شکوه و جلال، موجب از بین رفتن حیا می
شود.

عَنِ الرَّضَاءِ عليه السلام قَالَ إِذَا كَانَ الرَّجُلُ حَاضِرًا فَكُنْهِ وَ إِذَا كَانَ غَائِبًا فَسَمِّهِ

امام رضا علیه السلام فرمود: در حضور مرد او را با کنیه اش صدا زنید، و در
غیابش نام او را ببرید.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم الرَّجُلُ
الصَّالِحُ يَأْتِي بِالْخَيْرِ الصَّالِحِ وَالرَّجُلُ السَّوُّءُ يَأْتِي بِالْخَيْرِ السَّوِّءِ
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مرد نیکوکار خبر نیک می آورد، و مرد بدکار خبر
بد می آورد.

عَنْهُ قَالَ إِسْمَاعُ الْأَصَمُّ مِنْ غَيْرِ تَضَجُّرٍ صَدَقَةٌ هَنِئْتَهُ
امام صادق علیه السلام فرمود: شنواییدن سخن به شخص ناشنوا بدون اینکه
ناراحتش کند، صدقه ای گواراست .

باب پنجم در مکارم اخلاق در این باب پنج فصل است

الباب الخامس في مكارم الاخلاق و نظائرها سبعة فصول

الفصل الاول في حسن الخلق

فصل اول : در خوش اخلاقی

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ أَلَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ارْتَضَى لَكُمْ
الْإِسْلَامَ دِينًا فَأَحْسِنُوا صُحْبَتَهُ بِالسَّخَاءِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ
امام صادق عليه السلام فرمود: هان ، خداوند عز و جل اسلام را برای شما انتخاب
کرد، اینک با سخاوت و خوش خلقی به نیکوئی یاریش نمائید.

عَنْهُ عليه السلام قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَقُولُ إِنَّ الْمَعْرِفَةَ بِكَمَالِ دِينِ الْمُسْلِمِ
تَرْكُهُ الْكَلَامَ فِيمَا لَا يَعْنِيهِ وَقِلَّةُ مِرَائِهِ وَصَبْرُهُ وَحُسْنُ خُلُقِهِ
امام صادق عليه السلام فرمود: امام سجاد عليه السلام می فرمود: راه شناخت مسلمان
دیندار به چند چیز است : به سخن بیهوده نگفتنش ، به جدال نکردنش ، به صبر
و شکیبائیش ، و به خوش خلقیش .

عَنْهُ قَالَ إِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ مِنَ الدِّينِ

امام صادق عليه السلام فرمود: خوش خلقی از لوازم دین است .

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ الْإِسْلَامَ دِينًا فَأَحْسِنُوا صُحْبَتَهُ
بِالسَّخَاءِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ فَإِنَّهُ لَا يَصْلُحُ إِلَّا بِهِمَا

امام صادق عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله روایت کند که فرمود: خداوند اسلام را برای شما برگزید، اینک با سخاوتمندی و خوش خلقی با آن به خوبی معاشرت کنید، زیرا شایسته نیست رفاقتی با دین مگر با سخاوت و حسن خلق .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَا حَسَبَ كَحُسْنِ الْخُلُقِ
امام صادق عليه السلام فرمود: حسب و نسبی (برای انسان) همانند اخلاق نیکو نیست .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَكْثَرُ مَا تَلِجُ بِهِ أُمَّتِي الْجَنَّةَ تَقْوَى اللَّهِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ
امام صادق عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله روایت کند که فرمود: بیشترین چیزی که امتم را به بهشت می برد، تقوای الهی و خوش خلقی است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله قَالَ قَالَ إِنَّ الْخُلُقَ الْحَسَنَ يُذِيبُ الذُّنُوبَ كَمَا تُذِيبُ الشَّمْسُ الْجَمَدَ وَإِنَّ الْخُلُقَ السَّيِّئَ لَيُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعُسْلَ
امام صادق عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل کند که فرمود: اخلاق خوب گناهان را آب می کند، همان طور که آفتاب اشیاء منجمد را، و اخلاق بد عمل را فاسد می کند، همان طور که سرکه عسل را از بین می برد.

عَنْهُ قَالَ قَالَ حُسْنُ الْخُلُقِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ
امام صادق عليه السلام فرمود: خوش اخلاقی روزی را زیاد می کند.

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا حَسَنَ اللَّهُ خَلْقَ عَبْدٍ وَ خُلُقَهُ إِلَّا اسْتَحْيَا أَنْ يُطْعِمَ النَّارَ مِنْ لَحْمِهِ

امام کاظم علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کند که فرمود: خداوند خوی و بدن بنده ای را نیکو و سالم نیافرید، مگر اینکه از سوختن گوشتش به آتش دوزخ شرم خواهد داشت .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَتَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِسَبْعَةٍ مِنَ الْأَسَارَى فَقَالَ يَا عَلِيُّ قُمْ فَاضْرِبْ أَعْنَاقَ هَؤُلَاءِ قَالَ فَهَبَطَ جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَطَرْفِ الْعَيْنِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ اضْرِبْ أَعْنَاقَ هَؤُلَاءِ السِّتَّةِ وَلَا تَضْرِبْ عُنُقَ هَذَا قَالَ قُلْتُ يَا جَبْرَيْلُ مَا بَالُ هَذَا مِنْ بَيْنِهِمْ فَقَالَ لِأَنَّهُ كَانَ حَسَنَ الْخُلُقِ سَخِيًّا عَلَى الطَّعَامِ سَمِحَ الْكَفِّ قَالَ قُلْتُ يَا جَبْرَيْلُ عُنُقَ أَوْ عَنْ رَبِّي قَالَ لَا بَلْ عَنْ رَبِّكَ أَمَرَنِي بِذَلِكَ

امام صادق علیه السلام فرمود: هفت اسیر را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردند، فرمود: ای علی ، برخیز و گردن اینها را بزن ، جبرئیل علیه السلام به سرعت نازل گشت و گفت : ای محمد! گردن این شش نفر را بزن و گردن این یکی را نزن ، فرمود: ای جبرئیل ، امتیاز این بر دیگران چیست ؟ عرض کرد: او خوش خلق و سخاوتمند در غذاست ، و دستش باز است ، فرمود: ای جبرئیل ، این را از خود می گویی یا از قول پروردگارم ؟ گفت : از پروردگارت ، که مرا امر کرد این را بگویم .

عَنْ بَحْرِ السَّقَاءِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا بَحْرُ حُسْنُ الْخُلُقِ يُسْرُ ثُمَّ قَالَ أَلَا أُخْبِرُكَ بِحَدِيثٍ مَا هُوَ فِي يَدِ أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ قُلْتُ بَلَى قَالَ بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ذَاتَ يَوْمٍ جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ إِذْ جَاءَتْ جَارِيَةٌ لِبَعْضِ الْأَنْصَارِ وَ هُوَ قَائِمٌ فَأَخَذَتْ

بَطْرَفِ ثَوْبِهِ فَقَالَ لَهَا النَّبِيُّ ﷺ فَلَمْ تَقُلْ شَيْئاً وَ لَمْ يَقُلْ لَهَا شَيْئاً حَتَّى فَعَلَتْ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَقَامَ النَّبِيُّ فِي الرَّابِعَةِ وَ هِيَ خَلْفُهُ فَأَخَذَتْ هُدْبَةً مِنْ ثَوْبِهِ ثُمَّ رَجَعَتْ فَقَالَ النَّاسُ فَعَلَ اللَّهُ بِكِ وَ فَعَلَ حَبَسَتْ رَسُولَ اللَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَا تَقُولِينَ لَهُ شَيْئاً وَ لَا هُوَ يَقُولُ لَكَ شَيْئاً مَا كَانَتْ حَاجَتُكَ إِلَيْهِ قَالَتْ إِنْ لَنَا مَرِيضاً فَأَرْسَلْنِي أَهْلِي لِأَخِذَ هُدْبَةً مِنْ ثَوْبِهِ يَشْتَفِي بِهَا فَلَمَّا أَرَدْتُ أَخْذَهَا رَأَيْتُ فَقَامَ فَاسْتَحْيَيْتُ أَنْ أَخْذَهَا وَ هُوَ يَرَانِي وَ أَكْرَهُ أَنْ أُسْتَأْمِرَهُ فِي أَخْذِهَا حَتَّى أَخَذْتُهَا

امام صادق عليه السلام به بحر سقا فرمود: ای بحر، خوش خلقی (مایه) آسانی امور است . سپس فرمود: آیا داستانی را که همه اهل مدینه می دانند برایت نقل نکنم ؟ عرض کردم : چرا، فرمود: یکی از روزها رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بود که ناگهان کنیز یکی از انصار کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستاده و گوشه جامه آن حضرت را گرفت ، پیامبر صلی الله علیه و آله به احترامش برخاست ولی به او چیزی نفرمود، آن زن هم به پیامبر چیزی نگفت ، و این کار را سه مرتبه تکرار کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله در مرتبه چهارم حرکت کرد، آن زن که پشت سر آن حضرت بود رشته ای از جامه ایشان را گرفت ، و سپس بازگشت ، مردم به او گفتند: خدا تو را چنین و چنان کند که سه مرتبه رسول خدا صلی الله علیه و آله را نگاه داشتی ، نه تو چیزی به او گفتی و نه او چیزی به تو فرمود، از او چه می خواستی ؟ گفت : در خانه ما مریضی است ، مرا فرستاده اند تا رشته ای از لباس پیامبر را برای استشفای ببرم ، چون خواستم آن را بکنم مرا دید و از جا برخاست ، من شرم کردم آن رشته نخ را بردارم و او مرا ببیند، و دوست هم نداشتم که از خودش بخواهم آن را بکند، تا اینکه (در مرتبه چهارم) آن را کردم .

وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَالْقَوْمُ بِطَلَّاقَةِ
 الْوَجْهِ وَحُسْنِ الْبَشْرِ عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرْوَةَ الرَّجُلِ خُلُقُهُ
 رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: ای فرزندان عبد المطلب ، شما با اموال خود نمی
 توانید مردم را متوجه خود کنید، اینک با چهره باز و خوشرویی آنها را به خود
 نزدیک سازید.

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کند که فرمود: مردانگی مرد به اخلاق
 اوست .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ حُسْنُ الْخُلُقِ
 امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خوشبختی مرد در خوش خلقی اوست .

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ
 پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: خوش اخلاقی نصف دین است .

وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ
 امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: بهترین نیکی ها، خوش خلق بودن است .

قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي الْمَرْأَةُ يَكُونُ لَهَا زَوْجَانِ
 فَيَمُوتُونَ فَيَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ لِأَيِّهِمَا تَكُونُ قَالَ يَا أُمَّ سَلَمَةَ تَخَيَّرُ أَحْسَنَهُمَا خُلُقًا وَ
 خَيْرَهُمَا لِأَهْلِهِ يَا أُمَّ سَلَمَةَ إِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ ذَهَبٌ بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 ام سلمه به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض کرد: پدر و مادرم فدایت ، زنی دو شوهر
 داد، که بعد از مرگ وارد بهشت می گردند، این زن به کدام یک از آن دو تعلق

دارد؟ فرمود: ای ام سلمه ، آن را که خوش اخلاقتر بوده و برای خانواده اش بهترین بوده انتخاب می کند، ای ام سلمه ، خوش اخلاقی به همه نیکی های دنیا و آخرت برتری دارد.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ الْبَشَاشَةُ حِبَالَةُ الْمَوَدَّةِ وَالْإِحْتِمَالُ قَبْرُ الْعُيُوبِ وَالْمُسَالَمَةُ خَبَاءُ الْعُيُوبِ وَلَا قُرْبَى كَحُسْنِ الْخُلُقِ

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: خوشرویی صیاد محبت است ، و تحمل عیبا را مدفون می کند، و سازش عیبا را مخفی می کند، و هیچ چیز همچون خوش خلقی موجب نزدیکی انسانها به یک دیگر نمی شود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ چیز روز قیامت در میزان اعمال سنگین تر از خوش خلقی نیست .

وَقَالَ عَلَيْكُمْ بِحُسْنِ الْخُلُقِ فَإِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ فِي الْجَنَّةِ لَا مَحَالَةَ وَإِيَّاكُمْ وَ سُوءَ الْخُلُقِ فَإِنَّ سُوءَ الْخُلُقِ فِي النَّارِ لَا مَحَالَةَ وَكَانَ ﷺ يَقُولُ اللَّهُمَّ أَحْسَنْتَ خَلْقِي فَأَحْسِنْ خُلُقِي

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بر شما باد به خوش خلقی ، زیرا خوش خلقی حتما در بهشت است ، و از اخلاق بد بیرهیزید، زیرا بد اخلاق حتما در دوزخ است ، و رسول خدا صلی الله علیه و آله همیشه می فرمود: خدایا، همان گونه که خلقت مرا نیکو گرداندی اخلاق مرا هم نیکو گردان .

مِنْ كِتَابِ صِفَاتِ الشَّيْبَةِ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اصْبِرْ يَا زَيْدُ عَلَى أَعْدَائِكَ فَإِنَّكَ لَنْ تُكَافِيَ مَنْ عَصَى اللَّهَ فَبِكَرَّ مِنْ أَنْ تُطِيعَ اللَّهَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ يَذُودُ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ عَمَّا يَكْرَهُ كَمَا يَذُودُ أَحَدَكُمْ الْجَمَلَ الْغَرِيبَ الَّذِي لَيْسَ لَهُ عَنْ إِبِلِهِ يَا زَيْدُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى الْإِسْلَامَ وَاخْتَارَهُ فَأَحْسِنُوا صُحْبَتَهُ بِالسَّخَاءِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به زید شحام فرمود: ای زید! در مقابل دشمنانت صبر کن زیرا کسی را که نسبت به تو خدا را نافرمانی کرده ، هرگز نتوانی بهتر از اطاعت خدا نسبت به او تلافی کنی ، خداوند بنده مؤمنش را از آنچه دوست ندارد دور می کند، همان طور که شما شتر غریبی را که جزء شتران شما نیست دور می کنید، ای زید! خداوند اسلام را برگزید و آن را اختیار نمود، شما با جود و بخشش و اخلاق نیکو، اسلام را یاری کنید.

وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ أَسَاءَ خُلُقَهُ عَدَبَ نَفْسَهُ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: شخص بد اخلاق نفس خویش را شکنجه می دهد.

عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا عِنْدَ اللَّهِ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْ أَدَاءِ حَقِّ الْمُؤْمِنِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هیچ چیز نزد خداوند بهتر از اداء حق مؤمن نیست .

مِنْ كِتَابِ زُهْدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ مَا أَفْضَلُ مَا أُعْطِيَ الْإِنْسَانُ فَقَالَ حُسْنُ الْخُلُقِ

از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سؤال شد: بهترین چیزی که به انسان داده شده چیست ؟
فرمود: اخلاق نیکو.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ النَّاسِ أَكْمَلُ إِيمَانًا قَالَ أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا ثُمَّ جَاءَهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ ثُمَّ جَاءَهُ مِنْ خَلْفِهِ فَقَالَ قَدْ قُلْتُ لَكَ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: مردی خدمت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! کدامیک از مردمان ایمانش کاملتر است؟ فرمود: خوش اخلاقترین آنان، سپس روبروی حضرت آمد، بعد پشت سر ایشان رفت (و سوء ال را تکرار کرد)، فرمود: همان که به تو گفتم.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ كَانَ الرَّفْقُ خُلُقًا يُرَى مَا خَلَقَ اللَّهُ شَيْئًا أَحْسَنَ مِنْهُ وَلَوْ كَانَ الْخُرْقُ خُلُقًا يُرَى مَا كَانَ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ شَيْءًا أَقْبَحَ مِنْهُ وَإِلَى اللَّهِ لِيَبْلُغُ الْعَبْدُ بِحُسْنِ الْخُلُقِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کند که فرمود: اگر مدارا کردن مخلوقی می بود که دیده می شد، خداوند چیزی را بهتر از آن خلق نمی کرد، و اگر ناسازگاری مخلوقی بود که دیده می شد، خداوند چیزی زشت تر از آن نمی آفرید، بنده نزد خداوند به وسیله اخلاق نیکو به درجه روزه دار شب زنده دار برسد.

فصل دوم : در تواضع و فروتنی

(الفصل الثانی فی التواضع)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَقَدْ أَتَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِمَفَاتِيحِ خَزَائِنِ الْأَرْضِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَهُ اللَّهُ عَمَّا أَعَدَّ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَيْئاً فَاخْتَارَ التَّوَّاضِعَ لِرَبِّهِ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: سه مرتبه کلیدهای گنجهای زمین را نزد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آوردند، بدون اینکه (در عوض) خداوند در روز قیامت چیزی از مقام آن حضرت بکاهد، ایشان (از بین آنها) تواضع در برابر پروردگارش را انتخاب کرد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلَاثَةٌ لَا يَزِيدُ اللَّهُ بِهِنَّ إِلَّا خَيْراً التَّوَّاضِعُ لَا يَزِيدُ اللَّهُ بِهِ إِلَّا ارْتِفَاعاً وَذُلُّ النَّفْسِ لَا يَزِيدُ اللَّهُ بِهِ إِلَّا عِزّاً وَالتَّعَفُّفُ لَا يَزِيدُ اللَّهُ بِهِ إِلَّا غِنَاءً

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: سه چیز است که خداوند به وسیله آنها فقط خیر را زیاد می کند: به تواضع مقام آدمی را بالا می برد، با خوار نمودن نفس به او عزت می دهد، و به وسیله عفت و پاکدامنی او را ثروتمند می کند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ آبَائِهِ قَالَ إِنْ مَنِ التَّوَّاضِعِ أَنْ تَرْضَى بِالْمَجْلِسِ دُونَ الْمَجْلِسِ وَأَنْ تُسَلِّمَ عَلَى مَنْ تَلْقَى وَأَنْ تَتْرُكَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كُنْتَ مُحِقّاً وَلَا تُحِبُّ أَنْ تُحَمِّدَ عَلَى التَّقْوَى

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از قول پدران بزرگوارش فرمود: از تواضع است که در نشستن پایین مجلس راضی باشی ، و به هر که بر خوردی سلام کنی ، و جدال

را ترک نمایی اگر چه حق با تو باشد، و دوست نداشته باشی که تو را به تقوی
بستایند.

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَهُ عَلِيُّ بْنُ سُؤَيْدٍ الْمَدَنِيُّ عَنِ التَّوَاضُعِ الَّذِي إِذَا
فَعَلَهُ الْعَبْدُ كَانَ مُتَوَاضِعًا فَقَالَ التَّوَاضُعُ دَرَجَاتٌ مِنْهَا أَنْ يَعْرِفَ الْمَرْءُ قَدْرَ نَفْسِهِ
فَيُنْزِلَهَا مَنْزِلَتَهَا بِقَلْبٍ سَلِيمٍ وَلَا يُحِبُّ أَنْ يَأْتِيَ إِلَى أَحَدٍ إِلَّا مِثْلَ مَا يَأْتُوا إِلَيْهِ وَإِنْ
كَانَ سَيِّئَةً دَرَأَهَا بِالْحَسَنَةِ وَ يَكُونُ كَاطِمِ الْغَيْظِ عَافِيًا عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ
الْمُحْسِنِينَ

علی بن سوید مدنی از امام کاظم علیه السلام در مورد تواضع پرسید: چه تواضعی
است که اگر بنده آن را انجام دهد متواضع شناخته می شود؟ فرمود: تواضع
دارای درجاتی است :

برخی از آن این است که انسان قدر خود را بشناسد، و با دلی سالم خود را
به جایگاه خویش نشانند، و با مردم آن کار را بکند که دوست دارد مردم نسبت
به او انجام دهند، اگر بدی بیند آن را با نیکی بیوشاند، خشم خود را فرو خورد،
از مردم درگذرد، و خداوند هم نیکوکاران را دوست می دارد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمَّا قَدِمَ جَعْفَرٌ مِنْ أَرْضِ الْحَبَشَةِ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أ
لَا أُحَدِّثُكَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ بَلَى قَالَ دَخَلْتُ يَوْمًا عَلَى النَّجَاشِيِّ وَ هُوَ فِي غَيْرِ
مَجْلِسِ الْمَلِكِ وَ غَيْرِ رِيَاشِهِ وَ زِيَّهِ قَالَ فَحَيَّيْتُهُ بِتَحِيَّةِ الْمَلِكِ وَ قُلْتُ لَهُ يَا أَيُّهَا
الْمَلِكُ مَا لِي أَرَاكَ فِي غَيْرِ مَجْلِسِ الْمَلِكِ وَ غَيْرِ رِيَاشِهِ وَ زِيَّهِ فَقَالَ إِنَّا نَجِدُ فِي
الْإِنْجِيلِ مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَلْيَشْكُرِ اللَّهَ وَ نَجِدُ فِي الْإِنْجِيلِ أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ

الشُّكْرِ لِلَّهِ يَعْدِلُ التَّوَاضُّعَ لَهُ وَ أَنَّهُ وَرَدَ عَلَيَّ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ أَنَّ مُحَمَّدًا ظَفِرَ بِمُشْرِكِي
أَهْلِ بَدْرٍ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَشْكُرَ اللَّهَ بِمَا تَرَى

امام صادق عليه السلام فرمود: هنگامی که جعفر بن ابی طالب عليه السلام از حبشه
مراجعت کرد به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: اجازه می فرمایید برای شما حدیثی نقل
کنم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

بلی، عرض کرد: روزی وارد بر نجاشی شدم، آن روز در مجلس رسمی و
لباس مخصوص حکومت نبود، من به او تحیت ملوکانه گفتم، و به او گفتم: ای
ملک! چرا شما را در لباس رسمی و حکومتی نمی بینم؟ گفت: ما در انجیل
می خوانیم که هر کس خداوند به او نعمتی عطا فرمود باید خداوند را شکر
گزارد، و در انجیل خوانده ایم که چیزی چون تواضع با شکر برای خدا برابری
نمی کند، و من امشب گذشته ام شنیدم که محمد بر مشرکین بدر پیروز گشته، و
اینک دوست دارم خداوند را این گونه که می بینی شکر کنم.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَلِكٌ لَيْسَ لَهُ بِالْأَرْضِ عَهْدٌ عَلَى
الْبَرَاقِ وَمَعَهُ قَطِيفَةٌ مِنْ إِسْتَبْرَقٍ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ جَلٌّ وَعَزٌّ يُخَيِّرُكَ بَيْنَ أَنْ يَجْعَلَكَ
عَبْدًا رَسُولًا أَوْ مَلِكًا رَسُولًا قَالَ فَتَنَظَرَ إِلَى جَبْرَائِيلَ فَأَوْمَى إِلَيْهِ بِيَدِهِ أَنْ يَتَوَاضَعَ فَقَالَ
عَبْدًا رَسُولًا فَقَالَ الرَّسُولُ مَعَ أَنَّهُ لَا يَنْقُصُكَ مِمَّا عِنْدَ رَبِّكَ شَيْئًا قَالَ وَمَعَهُ مَفَاتِيحُ
خَزَائِنِ الْأَرْضِ

امام باقر عليه السلام فرمود: فرشته ای نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد که تا آن زمان به
زمین نیامده بود، و در حالی که سوار بر براق بود و جامه ای از حریر به تن
داشت به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: خداوند عز و جل تو را مخیر ساخته بین
اینکه بنده و رسول باشی، یا اینکه ملک و رسول و متواضع باشی، حضرت

فرمود: پیامبر ﷺ متوجه جبرئیل شد که با دستش اشاره کرد که متواضع باش ، رسول خدا ﷺ فرمود: عبد رسول متواضع (را اختیار نمودم)، فرشته گفت : با این انتخاب از مقامی که نزد پروردگارت داری چیزی کاسته نشود. امام علیؑ فرمود: همراه این ملک کلیدهای گنجینه های زمین بود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع إِذَا مَشَى لَا يَسْبِقُ يَمِينَهُ شِمَالَهُ فَقَالَ وَ لَقَدْ مَرَّ عَلِيٌّ الْمَجْدُومِينَ يَأْكُلُونَ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ فَدَعَاَهُ إِلَى طَعَامِهِمْ فَمَضَى ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُتَكَبِّرِينَ وَ كَانَ صَائِمًا فَرَجَعَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ إِنِّي صَائِمٌ ثُمَّ قَالَ أَتُونِي فِي الْمَنْزِلِ فَآتَوْهُ فَأَطْعَمَهُمْ وَ أَعْطَاهُمْ وَ زَادَ فِيهِ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْهُ أَنَّهُ تَغَدَّى مَعَهُمْ

امام صادق علیؑ فرمود: هر گاه امام سجاد علیؑ راه می رفت ، پای راستش از چپش پیشی نمی گرفت ، روزی از کنار چند جذامی که غذا می خوردند عبور می کرد، امام علیؑ بر آنها سلام کرد، آنها ایشان را برای صرف طعام دعوت کردند، حضرت قبول کرد، سپس فرمود: خداوند متکبران را دوست نمی دارد امام روزه بود به نزد آنان رفت و فرمود:

من روزه هستم ، سپس فرمود: فردا به منزل من بیایید، آنها به منزل امام علیؑ رفتند و به آنان غذا خوراند و هدیه داد.

و در بعض روایات است که : امام علیؑ همراه آنان غذا خورد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ تَوَاضَعْ لِلْحَقِّ تَكُنْ أَعْقَلَ النَّاسِ فَإِنَّ الْكَيْسَ لَدَى الْحَقِّ أُسِيرٌ

امام صادق علیه السلام فرمود: لقمان به فرزندش گفت : ای پسرکم ، در برابر حق متواضع باش تا خردمندترین مردم باشی ، زیرا شخص با هوش و زیرک در نزد حق اسیر است .

عَنْهُ قَالَ لَا عِزَّ إِلَّا لِمَنْ تَذَلَّ لِلَّهِ وَلَا رِفْعَةَ إِلَّا لِمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ
امام صادق علیه السلام فرمود: عزت نیست مگر برای کسی که در مقابل خدا ذلیل شود، و بلندی مقام نیست مگر برای کسی که برای خدا تواضع کند.

عَنْهُ قَالَ مَنْ كَانَ يُحِبُّنَا وَهُوَ فِي مَوْضِعٍ لَا يَشِينُهُ فَهُوَ مِنْ خَالِصِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قُلْتُ مَا مَوْضِعٌ لَا يَشِينُهُ قَالَ لَمْ يَجْعَلْهُ وَلَدَ زَنِيٍّ
امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس که ما را دوست بدارد و در موقعیتی باشد که ننگی بر دامنش نباشد، او از بندگان مخلص خداست ، عرض کردم : موردی که رسوایی ندارد چیست ؟ فرمود: زنازاده نباشد.

وَمِنْ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام ثَلَاثَةٌ أَصُولُ الْكُفْرِ الْحِرْصُ وَالِاسْتِكْبَارُ وَالْحَسَدُ
امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز از اصول کفر است : حرص ، تکبرورزیدن ، حسادت .

قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام ثَلَاثٌ قَاصِمَاتُ الظَّهْرِ رَجُلٌ اسْتَكْتَرَّ عَمَلَهُ وَنَسِيَ ذُنُوبَهُ وَأَعْجَبَ بِرَأْيِهِ

امام باقر علیه السلام فرمود: سه چیز کمر شکن است: مردی که عملش را زیاد شمارد، و گناهانش را فراموش کند، و رأی خود را بیسندد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَشَقَى النَّاسِ الْمُلُوكُ وَ أَمَقَتْ النَّاسِ الْمُتَكَبِّرُ وَ أَدْلُ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: شقاوتمندترین مردم پادشاهانند، و مبعوضترین مردم متکبرانند، و خوارترین مردم کسی است که به مردم اهانت کند.

سَأَلَ الْحَسَنُ بْنُ الْجَهْمِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ مَا حَدُّ التَّوَاضِعِ قَالَ أَنْ تُعْطِيَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ مَا تُحِبُّ أَنْ يُعْطُوكَ مِثْلَهُ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَشْتَهِي أَنْ أَعْلَمَ كَيْفَ أَنَا عِنْدَكَ قَالَ أَنْظِرْ كَيْفَ أَنَا عِنْدَكَ

حسن بن جهم از امام رضا علیه السلام سؤال کرد: حدّ تواضع چیست؟ فرمود: برای مردم بخواهی آنچه را برای خودت می خواهی، گوید، عرض کردم: می خواهم بدانم نزد شما چگونه هستم؟ فرمود: بنگر، من نزد تو چگونه ام.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ يَا دَاوُدُ إِنَّ أَقْرَبَ النَّاسِ مِنِّي يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْمُتَوَاضِعُونَ وَ كَذَلِكَ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنِّي يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْمُتَكَبِّرُونَ

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: خداوند به داود وحی کرد: ای داود، نزدیکترین مردم در روز قیامت به من متواضعان هستند، و همچنین دورترین مردم روز قیامت از من متکبرانند.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ لَا حَسَبَ كَالْتَوَاضِعِ وَلَا وَحْدَةَ أَوْ حَشٍ مِنَ الْعُجْبِ وَ
عَجَبًا لِلْمُتَكَبِّرِ الَّذِي كَانَ بِالْأَمْسِ نُظْفَةً وَ يَكُونُ غَدًا جِيفَةً

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: حسب و نسبی چون تواضع نیست ، و هیچ تنهایی
وحشتناکتر از خودپسندی نیست ، در شگفتی از متکبر، که دیروز نطفه ای بود، و
فردا هم مرداری خواهد بود.

و قَالَ النَّبِيُّ ﷺ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ كِبَرٍ
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: وارد بهشت نمی شود آنکه در دلش به اندازه یک
خردل کبر و غرور باشد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ﷺ يَمْشِي مِشْيَةً كَأَنَّ عَلَى
رَأْسِهِ الطَّيْرَ لَا يَسْبِقُ يَمِينُهُ شِمَالَهُ
امام صادق علیه السلام فرمود: امام سجاد علیه السلام به گونه ای راه می رفت که گویا
روی سرش پرندۀ ای بود، پای راستش از پای چپ سبقت نمی گرفت .

عَنْهُ قَالَ إِنَّ الْمُتَكَبِّرِينَ يُجْعَلُونَ فِي صُورِ الذَّرِّ فَيَطُؤُهُمُ النَّاسُ حَتَّى يَفْرُغَ اللَّهُ
مِنَ الْحِسَابِ
امام صادق علیه السلام فرمود: متکبرین در روز قیامت به صورت اجسامی ریز و
کوچک در زیر پای مردم قرار داده می شوند، تا خداوند از حساب و کتاب
فارغ شود.

وَمِنْ كِتَابٍ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى دَاوُدَ مَا لِي أَرَاكَ سَاكِنًا قَالَ خَشِيتُكَ أَسَكْتَنِي قَالَ يَا دَاوُدُ مَا لِي أَرَاكَ نَصِيًّا قَالَ حُبُّكَ نَصَبَنِي قَالَ يَا دَاوُدُ مَا لِي أَرَاكَ فَقِيرًا قَالَ الْقِيَامُ بِحَقِّكَ أَفْقَرَنِي قَالَ يَا دَاوُدُ مَا لِي أَرَاكَ مُتَذَلًّا قَالَ عِظْمُ جَلَالِكَ الَّذِي لَا يُوصَفُ ذَلَّلَنِي قَالَ يَا دَاوُدُ أُبَشِّرُ بِالْفَضْلِ مِنِّي فِيمَا تُحِبُّ يَوْمَ تَلْقَانِي خَالِطِ النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ وَزَالِيهِمْ بِدِينِكَ تَلَّ مِنِّي مَا تُرِيدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

امام صادق عليه السلام فرمود: خدای عز و جل به داود وحی کرد: چرا ساکت هستی؟ گفت: ترس از تو مرا ساکت نموده، فرمود: ای داود، چرا لاغر هستی؟ گفت: دوستی تو مرا نحیف نموده، فرمود: ای داود، چرا فقیر هستی؟ گفت: قیام به حق تو مرا فقیر کرده، فرمود: ای داود، چرا خود را حقیر کرده ای؟ گفت: عظمت و جلالت که به وصف نباید مرا خوار نموده، فرمود: ای داود، اینک تو را بشارت می دهم به هنگام ملاقات با من به آنچه دوست داری نصیب گردد، با مردم طبق خلق و خوی آنان رفت و آمد کن، اما در مسائل دینیت از آنان جدا باش، که روز قیامت به آنچه از من بخواهی می رسی.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ فِي السَّمَاءِ مَلَائِكِينَ مُوَكَّلِينَ بِالْعِبَادِ فَمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَاهُ وَمَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَاهُ

امام صادق عليه السلام فرمود: در آسمان دو فرشته بر بندگان گمارده شده اند، که هر کس برای خدا تواضع کند بالایش برند، و هر که تکبر کند خوارش سازند.

وَقَالَ الْكَبِيرُ رِذَاءُ اللَّهِ فَمَنْ نَازَعَ اللَّهَ رِذَاءَهُ كَبَّهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ
امام صادق عليه السلام فرمود: بزرگ منشی لباس مخصوص خداست، هر که نسبت به آن با خداوند منازعه نماید، خدا او را به صورتش در آتش اندازد.

وَقَالَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ كِبَرٍ

امام صادق عليه السلام فرمود: وارد بهشت نشود آنکه در دلش به قدر یک مثقال کبر باشد.

وَقَالَ أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَى مُوسَى يَا مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ هَلْ تَدْرِي لِمَ خَصَصْتُكَ بِوَحْيِي وَكَلَامِي مِنْ بَيْنِ خَلْقِي قَالَ لَا أَعْلَمُهُ يَا رَبِّ قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي أَطَّلَعْتُ إِلَى خَلْقِي أَطَّلَاعَةً لَمْ أَرِ فِي خَلْقِي أَشَدَّ تَوَاضَعًا مِنْكَ لِي فَمِنْ ثَمَّ خَصَصْتُكَ بِوَحْيِي وَكَلَامِي قَالَ فَكَانَ مُوسَى إِذَا صَلَّى إِذَا صَلَّى لَمْ يَنْفِتِلْ حَتَّى يَضَعَ خَدَّهُ الْأَيْمَنَ بِالْأَرْضِ وَخَدَّهُ الْأَيْسَرَ بِالْأَرْضِ

امام صادق عليه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی به موسی وحی فرمود: ای موسی بن عمران، آیا می دانی چرا از بین بندگانم تو را به وحیم اختصاص دادم و با تو سخن گفتم؟ گفت:

بار خدایا نمی دانم، فرمود: ای موسی، من نظرم را به طرف مخلوقاتم افکندم، ولی در بین آنان متواضعتراز تو نسبت به خودم ندیدم، بدین جهت تو را به وحی و سخن گفتن برگزیدم، فرمود: همواره موسی بعد از نمازش بلند نمی شد مگر اینکه گونه راست و چپش را بر زمین می گذاشت.

مِنْ كِتَابِ السَّيِّدِ الْإِمَامِ نَاصِحِ الدِّينِ أَبِي الْبَرَكَاتِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَ مَلِكٌ آخِذٌ بِحِكْمَةِ رَأْسِهِ إِنْ هُوَ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ وَإِنْ هُوَ تَكَبَّرَ وَضَعَهُ اللَّهُ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر بنده ای یک فرشته همراهش است که بر سر آن بنده موکل و مراقب است ، اگر برای خدا تواضع کرد بالایش برد، و اگر تکبر کرد خوارش نماید.

وَقَالَ مَنْ حَمَلَ بِضَاعَتَهُ فَقَدْ بَرِيَ مِنَ الْكِبْرِ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس وسائش را خود حمل نمود، به حق از تکبر دور شده .

فصل سوم : در عفو و بخشش

(الفصل الثالث فى العفو)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ ثَلَاثَةٌ مِنْ مَكَارِمِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
أَنْ تَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَتَصِلَ مَنْ قَطَعَكَ وَتَحُلُمَ إِذَا جُهِلَ عَلَيْكَ

امام صادق عليه السلام فرمود: سه چیز از مکارم دنیا و آخرت است : از کسی که به
تو ظلم کرد درگذری ، با کسی که با تو قطع رابطه کرد رابطه برقرار کنی ، اگر
کسی نسبت به تو جهالتی کرد بردباری کنی .

عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ ثَلَاثَةٌ لَا يَزِيدُ اللَّهُ بِهِنَّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ إِلَّا عِزًّا الصَّفْحُ عَمَّنْ
ظَلَمَهُ وَإِعْطَاءُ مَنْ حَرَمَهُ وَصِلَةُ مَنْ قَطَعَهُ

امام باقر عليه السلام فرمود: سه چیز است که شخص مسلمان فقط با آنها کسب
عزت می کند:

گذشت از ظالم ، دلجویی از محروم ، رفت و آمد با کسی که قطع رابطه نموده
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ
الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَتَعَاَفَوْا يُعِزِّكُمُ اللَّهُ

امام صادق عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله روایت کند که فرمود: عفو کنید، زیرا
عفو و گذشت موجب عزت بنده می شود، پس یک دیگر را عفو کنید تا خداوند
عزیزتان کند.

عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ النَّدَامَةُ عَلَى الْعَفْوِ أَفْضَلُ وَأَيْسَرُ مِنَ النَّدَامَةِ عَلَى الْعُقُوبَةِ

امام باقر علیه السلام فرمود: پشیمانی بر عفو و گذشت ، بهتر و ساده تر از پشیمانی بر عقوبت است .

عَنْهُ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَى بِالْيَهُودِيَّةِ الَّتِي سَمَّتِ الشَّاةَ لِلنَّبِيِّ فَقَالَ لَهَا مَا حَمَلَكَ عَلَى مَا صَنَعْتَ فَقَالَتْ قُلْتُ إِنَّ كَانَ نَبِيًّا لَمْ يَضُرَّهُ وَإِنْ كَانَ مَلِكًا أَرَحْتُ النَّاسَ مِنْهُ قَالَ فَعَفَا رَسُولُ اللَّهِ عَنْهَا

امام باقر علیه السلام فرمود: زن یهودیه ای را که گوشت گوسفندی را مسموم کرده بود تا پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بخورد، خدمت آن حضرت آوردند، فرمود: چرا این کار را کردی ؟ زن گفت : با خود گفتم اگر پیغمبر باشد زیانش نرساند، و اگر پادشاه باشد مردم را از وی آسوده خاطر خواهم کرد، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از او در گذشت
عَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِلْيَهُودِيِّ الَّذِي سَحَرَهُ مَا حَمَلَكَ عَلَى مَا صَنَعْتَ قَالَ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَا يَضُرُّكَ وَأَنْتَ نَبِيٌّ قَالَ فَعَفَا عَنْهُ رَسُولُ اللَّهِ ص
امام رضا علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مردی که ایشان را سحر کرده بود فرمود: چرا مرتکب آن کار شدی ؟ گفت : دانستم که اگر پیامبر باشی در تو اثر نمی کند، در اینجا رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از او گذشت کرد.

عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَبَقَ غُلَامٌ لِأَبِي الْحَسَنِ إِلَى مِصْرَ فَأَصَابَهُ إِنْسَانٌ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ فَقَيَّدَهُ وَخَرَجَ بِهِ فَدَخَلَ الْمَدِينَةَ لَيْلًا فَأَتَى بِهِ مَنْزِلَ أَبِي الْحَسَنِ فَخَرَجَ إِلَيْهِ أَبُو الْحَسَنِ فَقَامَ إِلَيْهِ الْغُلَامُ يُسَلِّمُ عَلَيْهِ فَسَمِعَ حَرَكَةَ الْقَيْدِ فَقَالَ مَنْ هَذَا قَالَ غُلَامُكَ فُلَانٌ وَجَدْتُهُ فَقَالَ لِلْغُلَامِ اذْهَبْ فَأَنْتَ حُرٌّ

یکی از یاران امام رضا علیه السلام گوید: غلامی از غلامان امام رضا علیه السلام فرار کرد، و به مصر رفت ، یکی از اهالی مدینه (که در آنجا بود) او را شناخت و

دستگیرش کرد، و به طرف مدینه آورد، شب هنگام او را وارد منزل امام علیه السلام نمود، حضرت به نزد او رفت ، هنگامی که غلام برای سلام کردن حرکت کرد امام صدای غل و زنجیرش را شنید، فرمود: این کیست ؟ آن مرد گفت : این همان غلام فراری شماست که من او را یافته ام ، حضرت به غلام فرمود: برو تو آزادی .

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام قَالَ إِنْ شَتَمَكَ رَجُلٌ عَنْ يَمِينِكَ ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَيْ يَسَارِكَ فَأَعْتَذَرَ إِلَيْكَ فَأَقْبَلْ مِنْهُ
امام سجاد علیه السلام فرمود: اگر مردی از طرف راست به تو دشنام داد سپس به طرف چپ رفته و عذر خواست عذرش را بپذیر.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله اقْبَلُوا الْعُذْرَ مِنْ كُلِّ مُتَنَصِّلٍ مُحِقًّا كَانَ أَوْ مُبْطِلًا وَمَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْهُ فَلَا نَأْتُهُ شَفَاعَتِي
امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل کند که فرمود: عذر کسی را که معذرت خواست بپذیرید، چه به حق باشد و چه باطل ، هر کس عذر چنین کسی را نپذیرد شفاعت من به او نخواهد رسید.

وَ قَالَ صلى الله عليه وآله مَنْ اعْتَذَرَ إِلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ فَلَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَوْ ضَرَّ إِصْرَ صَاحِبِ مَكْسَرٍ مَكْسَرٍ
يقال تنصل فلان من دينه إذا تبرأ
رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر کس از برادر مسلمان خود عذر بخواهد و او نپذیرد، خداوند او را گرفتار رفیق بدی کند که به او زیان رساند.

فصل چهارم : در سخاوت و بخل

(الفصل الرابع فى السخاوة و البخل)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَخَاءُ الْمَرْءِ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ أَكْثَرُ مِنْ
سَخَاءِ النَّفْسِ وَ الْبَدْلِ

امام باقر عليه السلام فرمود: سخاوت انسان نسبت به آنچه در دست مردم است
بیشتر از سخاوتش نسبت به خود و مالش است .

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْجَنَّةُ دَارُ الْأَسْخِيَاءِ

امام باقر عليه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کند که فرمود: بهشت منزلگاه
سخاوتمندان است .

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ السَّخِيُّ الْكَرِيمُ الَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ فِي حَقِّ

امام صادق عليه السلام فرمود: شخص سخاوتمند و بخشنده کسی است که مالش را
در راه حق انفاق می کند.

وَ قَالَ أَيْضاً السَّخَاءُ أَنْ تَسْخُوَ نَفْسُ الْعَبْدِ عَنِ الْحَرَامِ أَنْ تَطْلُبَهُ فَإِذَا ظَفِرَ بِالْحَلَالِ
طَابَتْ نَفْسُهُ أَنْ يُنْفِقَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: سخاوت آن است که نفس بنده از طلب حرام باز
ماند و خودداری کند، و چون به حلال رسید نفسش به انفاق در راه خدا رام
باشد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَا مِنْ عَبْدٍ حَسَنَ خُلُقِهِ وَبَسَطَ يَدَهُ إِلَّا كَانَ فِي ضَمَانِ اللَّهِ لَا مَحَالَةَ وَمِمَّنْ يَهْدِيهِ حَتَّى يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ

امام صادق عليه السلام فرمود: هیچ مؤمنی خوش خلق و گشاده دست نبود، جز آنکه همیشه در پناه خداوند و از هدایت شدگان او باشد، تا اینکه او را وارد بهشت کند.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ شَابُّ مُقَارِفٍ لِلذُّنُوبِ سَخِيٌّ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ شَيْخٍ عَابِدٍ بِخَيْلٍ

امام باقر عليه السلام فرمود: جوان غرق در گناهان ولی با سخاوت، نزد خداوند از پیرمرد عابد بخیل بهتر است.

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ حَدِّ السَّخَاءِ فَقَالَ تُخْرِجُ مِنْ مَالِكَ الْحَقَّ الَّذِي أَوْجِبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ فَتَضَعُهُ فِي مَوْضِعِهِ

از امام صادق عليه السلام در مورد حد سخاوت سؤال شد، حضرت فرمود: این است که؛ آن حقی را که خداوند بر تو واجب کرده از مالت خارج کنی، و در راهش خرج کنی.

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله السَّخَاءُ شَجْرَةٌ فِي الْجَنَّةِ أَغْصَانُهَا مُتَدَلِّيَاتٌ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ أَخَذَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصَانِهَا قَادَهُ ذَلِكَ الْغُصْنُ إِلَى الْجَنَّةِ

امام صادق عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل کند که فرمود: سخاوت درختی در بهشت است که شاخه های آن در زمین آویزان است، هر کس شاخه ای از شاخه های آن را بگیرد، آن شاخه او را به بهشت می کشاند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ كَانَ أَبَا أُضْيَافٍ وَكَانَ إِذَا لَمْ يَكُونُوا عِنْدَهُ خَرَجَ يَطْلُبُهُمْ وَاغْلَقَ بَابَهُ وَأَخَذَ الْمَفَاتِيحَ يَطْلُبُ الْأُضْيَافَ وَ إِنَّهُ رَجَعَ إِلَى دَارِهِ فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ أَوْ شِبْهِ الرَّجُلِ فِي الدَّارِ فَقَالَ يَا عَبْدَ اللَّهِ بِإِذْنِ مَنْ دَخَلْتَ هَذِهِ الدَّارَ قَالَ دَخَلْتُهَا بِإِذْنِ رَبِّيَا يُرَدِّدُ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قَالَ فَعَرَفَ إِبْرَاهِيمُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَحَمِدَ رَبَّهُ ثُمَّ قَالَ أَرْسَلَنِي رَبُّكَ إِلَيَّ عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِهِ اتَّخَذَهُ خَلِيلًا قَالَ فَأَعْلَمَنِي مَنْ هُوَ أَخْدُمُهُ حَتَّى أَمُوتَ قَالَ فَإِنَّكَ هُوَ قَالَ وَلِمَ ذَلِكَ قَالَ لِأَنَّكَ لَمْ تَسْأَلْ أَحَدًا شَيْئًا قَطُّ وَ لَمْ تُسْأَلْ قَطُّ شَيْئًا فَقُلْتَ لَا

امام صادق عليه السلام فرمود: ابراهیم علیه السلام پدر همه مهمان نواها بود، هر وقت که مهمان نداشت از خانه بیرون می شد و در خانه را می بست و کلیدهایش را بر می داشت و دنبال مهمان دارها می رفت ، و در یک شب وقتی به خانه بازگشت ، ناگهان مرد یا شبیه مردی را در خانه دید، فرمود: ای بنده خدا، به اجازه چه کسی وارد این خانه شدی ؟

گفت : به اجازه صاحب خانه سه مرتبه تکرار کرد ابراهیم علیه السلام مطلب را فهمید و پروردگارش را حمد نمود، مهمان گفت : پروردگارت مرا به طرف بنده ای از بندگانش که او را دوست خود می داند فرستاده ، ابراهیم گفت : آن خلیل را به من بشناسان تا قبل از مرگم خدمتش کنم ، گفت : آن خلیل خودت هستی ، فرمود: به چه دلیل ؟ گفت :

زیرا تو هرگز از کسی چیزی نخواستی ای ، و چیزی از تو خواسته نشده که جواب ردّ بدهی .

عَنِ الْكَاطِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا أَفْبَحَ بِالرَّجُلِ أَنْ يُسْأَلَ الشَّيْءَ فَيَقُولَ لَا سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ فِي الطَّوَافِ فَقَالَ أَخْبِرْنِي عَنِ الْجَوَادِ فَقَالَ إِنَّ فِي كَلَامِكَ وَجْهَيْنِ فَإِنْ كُنْتَ تَسْأَلُ عَنِ الْمَخْلُوقِينَ فَإِنَّ الْجَوَادَ يُودَى مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِنْ كُنْتَ تَسْأَلُ عَنِ الْخَالِقِ فَهُوَ الْجَوَادُ إِنْ أُعْطِيَ وَهُوَ الْجَوَادُ إِنْ مَنَعَ لِأَنَّهُ إِنْ أُعْطَاكَ أُعْطَاكَ مَا لَيْسَ لَكَ وَ إِنْ مَنَعَكَ مَنَعَكَ مَا لَيْسَ لَكَ

امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: چه زشت است از مردی چیزی بخواهند و او بگوید: نه . مردی از حضرت موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَامُ در حال طواف پرسید: جواد کیست ؟ فرمود:

سخنت دو معنا دارد، اگر در باره مخلوق سؤال می پرسی ، جواد به کسی گویند که واجبات خدا را ادا کند، و اگر در باره خالق سؤال کنی ، او جواد است چه بدهد و چه ندهد، زیرا اگر به تو چیزی دهد، آنچه را مال تو نیست به تو داده ، و اگر هم ندهد، آنچه که متعلق به تو نیست به تو نداده .

عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ السَّخِيُّ يَأْكُلُ طَعَامَ النَّاسِ لِيَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ وَ الْبَخِيلُ لَا يَأْكُلُ طَعَامَ النَّاسِ لِكَيْلَا يَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ
امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: سخاوتمند از غذای مردم می خورد تا از غذایش بخورند، و بخیل غذای مردم را نمی خورد، تا غذایش را نخورند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْبَخِيلُ مَنْ بَخَلَ بِالسَّلَامِ
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: بخیل کسی است که در سلام کردن بخل بورزد.

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِابْنِهِ الْحَسَنِ فِي بَعْضِ مَا سَأَلَهُ عَنْهُ يَا بُنَيَّ مَا السَّمَاةُ قَالَ
الْبَدَلُ فِي الْيُسْرِ وَالْعُسْرِ

علی علیه السلام از فرزندش امام حسن علیه السلام پرسید: ای فرزندم ، سماحت و
بزرگواری چیست ؟

فرمود: بذل و بخشش در هنگام تنگدستی و فراخی .

وَمِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ لَا يَنْبَغِي خَصْلَتَانِ فِي مُسْلِمٍ الْبُخْلُ
وَسَوْءُ الْخُلُقِ

پیامبر خدا ﷺ فرمود: در مسلمان دو خصلت روا نیست : بخل و بد
اخلاقی .

وَقَالَ ﷺ لَا يَجْتَمِعُ الشُّحُّ وَالْإِيمَانُ فِي قَلْبِ عَبْدٍ أَبَدًا

رسول خدا ﷺ فرمود: هرگز بخل و ایمان در دل بنده ای جمع نمی شود.

قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّ الْخِصَالِ بِالْمَرْءِ أَجْمَلُ قَالَ وَقَارٌ بِلَا مَهَابَةٍ وَ سَمَاحَةٌ
بِلَا طَلَبِ مَكَافَاةٍ وَ تَشَاغُلٌ بِغَيْرِ مَتَاعٍ فِي الدُّنْيَا

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: کدام یک از خصلتها برارنده مرد است ؟ فرمود:
متانت داشتن بدون اینکه مردم بترسند، بخشش بدون عوض خواستن ، مشغول
بودن به غیر مال دنیا.

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ مُفْتَحَةٌ عَلَى الْفُقَرَاءِ وَ الرَّحْمَةُ نَازِلَةٌ عَلَى الرَّحَمَاءِ وَ
اللَّهُ رَاضٍ عَنِ الْأَسْخِيَاءِ

پیامبر خدا ﷺ فرمود: درهای بهشت به روی فقرا باز است ، و رحمت بر کسانی که رحم کننده باشند نازل می گردد، و خداوند از افراد بخشنده راضی است .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَسْخَى النَّاسِ مَنْ أَدَّى زَكَاةَ مَالِهِ وَ أَعْظَمُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا خَطَرًا مَنْ لَمْ يَجْعَلْ لِلدُّنْيَا عِنْدَهُ خَطَرًا وَ أَقَلُّ النَّاسِ رَاحَةً الْبَخِيلُ وَ أَبْخَلُّ النَّاسِ مَنْ بَخَلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ

رسول خدا ﷺ فرمود: سخی ترین مردم کسی است که زکات مالش را بپردازد، بلند مرتبه ترین مردم در دنیا کسی است که دنیا را برای خود مهم و بزرگ نداند، بخیل کمترین آسایش را در بین مردم دارد، و بخیل ترین مردم کسی است که نسبت به واجبات خدا بخل بورزد.

وَ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَجِبْتُ لِمَنْ يَبْخَلُ بِالدُّنْيَا وَ هِيَ مُقْبَلَةٌ عَلَيْهِ أَوْ يَبْخَلُ بِهَا وَ هِيَ مُدْبِرَةٌ عَنْهُ فَلَا الْإِنْفَاقُ مَعَ الْإِقْبَالِ يَضُرُّهُ وَ لَا الْإِمْسَاكُ مَعَ الْإِدْبَارِ يَنْفَعُهُ
امام صادق علیه السلام فرمود: در شگفتم از کسی که نسبت به دنیا بخل می ورزد، در حالی که دنیا به او روی می آورد، یا به دنیا بخل می ورزد، در صورتی که دنیا از وی رویگردان است ، زیرا نه انفاق ضرری به اقبال دنیا دارد، و نه امساک با پشت کردن دنیا سودی دارد.

وَ قَالَ أَيْضًا إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى رَضِيَ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَأَحْسِنُوا صُحْبَتَهُ بِالسَّخَاءِ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند متعال اسلام را برای شما برگزید، اینک با سخاوت و خوش اخلاقی همراهیش کنید.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام الْبُخْلُ عَارٌ وَالْجُبْنُ مَنَقَصَةٌ كُنْ سَمِحاً وَ لَا تَكُنْ مُبَدِّراً وَ كُنْ مُقَدِّراً وَ لَا تَكُنْ مُقْتَرّاً وَ لَا تَسْتَحْيِ مِنْ إِعْطَاءِ الْقَلِيلِ فَإِنَّ الْحَرَمَانَ أَقْلُ مِنْهُ عَجِبْتُ لِلْبَخِيلِ يَسْتَعْجِلُ الْفَقْرَ الَّذِي هَرَبَ مِنْهُ وَ يَفُوتُهُ الْغِنَى الَّذِي إِيَّاهُ طَلَبَ يَعِيشُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ وَ يُحَاسِبُ فِي الْآخِرَةِ حِسَابَ الْأَغْنِيَاءِ الْبُخْلُ جَامِعٌ لِمَسَاوِي الْعُيُوبِ وَ هُوَ زِمَامٌ يُقَادُ بِهِ إِلَى كُلِّ سُوءٍ

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: بخل موجب عار و ننگ است، و ترس موجب نقص، بخشنده باش ولی تبذیر نکن، به اندازه توانائیت ببخش و مال خود را از دیگران دریغ مدار، از کم دادن مال شرم نکن، زیرا محروم کردن (فقیر) از آنهم کمتر است.

از بخیل در شگفتیم که به سرعت به سوی فقر می شتابد که از آن فرار کرده، و بی نیازی را از دست داد در حالی که جویای آن بود، و در دنیا همانند فقیران زندگی می کند، ولی در آخرت همچون اغنیا محاسبه می شود، بخل جامع تمام بدیهاست، و مهاری است که آدمی را به سوی هر بدی می کشاند.

رُؤِيَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِأَسِيرَيْنِ فَأَمَرَ النَّبِيَّ بِضَرْبِ عُنُقِهِمَا فَضَرَبَ عُنُقَ وَاحِدٍ مِنْهُمَا ثُمَّ قَصَدَ الْآخَرَ فَنَزَلَ جَبْرَائِيلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَا تَقْتُلْهُ فَإِنَّهُ حَسَنُ الْخَلْقِ سَخِيٌّ قَوْمِهِ فَقَالَ الْيَهُودِيُّ تَحْتَ السَّيْفِ هَذَا رَسُولُ رَبِّكَ يُخْبِرُكَ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ وَ اللَّهُ مَا مَلَكَتْ دِرْهُمًا مَعَ أَحَدٍ لِي قَطُّ وَ لَا قَطَبْتُ وَجْهِي فِي الْحَرْبِ وَ أَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّكَ

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ هَذَا مِمَّنْ جَرَّهُ حُسْنُ خُلُقِهِ وَ سَخَاؤُهُ إِلَى جَنَّاتِ
النَّعِيمِ

روایت شده که : امیر مؤمنان علیه السلام دو نفر اسیر را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد، پیامبر صلی الله علیه و آله امر کرد گردن هر دو را بزنند، گردن یکی از آن دو را زد، سپس خواست گردن دیگری را بزند که جبرئیل نازل شد و گفت : ای محمد! خدایت سلام می رساند و می گوید: این را نکشی ، زیرا وی در بین قومش خوش اخلاق و با سخاوت است ، یهودی (اسیر) از زیر شمشیر گفت : این فرستاده پروردگارت است که به تو خبر می دهد؟ فرمود: بلی ، گفت :
به خدا قسم هرگز در یک درهم با برادر (دینی ام) شریک نشدم ، و هرگز از جنگ روی نگرداندم ، و من شهادت می دهم که خدایی جز پروردگار نیست ، و تو محمد رسول خدایی ، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: این از کسانی است که خوش اخلاقی و سخاوت او را به طرف بهشت کشانید.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله السَّخِيُّ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْجَنَّةِ قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ
بَعِيدٌ مِنَ النَّارِ وَالْبَخِيلُ بَعِيدٌ مِنَ اللَّهِ بَعِيدٌ مِنَ الْجَنَّةِ بَعِيدٌ مِنَ النَّاسِ قَرِيبٌ مِنَ النَّارِ
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سخاوتمند به خدا نزدیک ، به بهشت نزدیک ، و به مردم نزدیک است ، و از دوزخ دور است ، و بخیل از خدا دور، از بهشت دور، از مردم دور، و به دوزخ نزدیک است .

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام سَادَةُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا الْأَسْخِيَاءُ وَ سَادَةُ النَّاسِ فِي
الْآخِرَةِ الْأَتْقِيَاءُ

امام سجاد علیه السلام فرمود: سخاوتمندان سروران مردم در دنیا هستند، و پرهیزگاران سروران مردم در آخرتند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا عَلِيُّ كُنْ سَخِيًّا فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ سَخِيٍّ وَإِنْ أَتَاكَ
أَمْرٌ فِي حَاجَةٍ فَاقْضِهَا لَهُ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَهْلًا فَانْتَ لَهُ أَهْلٌ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: ای علی! با سخاوت باش، که خداوند هر سخاوتمندی را دوست می دارد، و اگر کسی نزد تو آمد و حاجتی داشت؛ روا کن، اگر او اهلیت نداشت، تو که اهلیت داری.

مِنْ كِتَابِ عُيُونِ الْأَخْبَارِ كَتَبَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَام إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ يَا أَبَا جَعْفَرٍ بَلَّغْنِي أَنَّ
الْمَوَالِيَ إِذَا رَكِبْتَ أَخْرَجُوكَ مِنَ الْبَابِ الصَّغِيرِ وَإِنَّمَا ذَلِكَ مِنَ الْبُخْلِ بِهِمْ لِئَلَّا يَنَالَ
مِنْكَ أَحَدٌ خَيْرًا فَاسْأَلْكَ بِحَقِّي عَلَيْكَ لَا يَكُنْ مَدْخُوكَ وَمَخْرُجُكَ إِلَّا مِنَ الْبَابِ
الْكَبِيرِ وَإِذَا رَكِبْتَ فَلْيَكُنْ مَعَكَ ذَهَبٌ وَفِضَّةٌ ثُمَّ لَا يَسْأَلُكَ أَحَدٌ إِلَّا أَعْطَيْتَهُ وَمَنْ
سَأَلَكَ مِنْ عُمُومَتِكَ أَنْ تَبْرَهُ فَلَا تُعْطِهِ أَقَلَّ مِنْ خَمْسِينَ دِينَارًا وَالْكَثِيرُ إِلَيْكَ وَ
مَنْ سَأَلَكَ مِنْ عَمَاتِكَ فَلَا تُعْطِيهِنَّ تُعْطِيهَا أَقَلَّ مِنْ خَمْسَةِ وَعِشْرِينَ دِينَارًا وَ
الْكَثِيرُ إِلَيْكَ إِنِّي إِنَّمَا أُرِيدُ أَنْ يَرْفَعَكَ اللَّهُ فَأَنْفِقْ وَلَا تَخْشَ مِنْ ذِي الْعَرْشِ إِقْتَارًا
امام رضا علیه السلام به امام جواد علیه السلام نوشت: ای ابا جعفر! شنیده ام هنگامی که

سوار مرکب می شوی (و قصد بیرون رفتن داری) غلامان از روی بخل، تو را از در کوچک بیرون می برند، که مبادا کسی از تو خیری ببیند، به حقی که من بر تو دارم از تو می خواهم که رفت و آمدت جز از در بزرگ نباشد، و هر گاه قصد سوار شدن و بیرون رفتن داری، با تو کیسه های درهم و دینار باشد، که کسی

چیزی از تو نخواهد مگر اینکه به او عطا کنی ، و اگر در بستگان کسی از تو طلب و درخواست کمک نمود، مبادا از پنجاه دینار کمتر به او ببخشی ، و افزون بر پنجاه را خود دانی ، و اگر از عمّه زادگان زنی از تو مالی طلب کرد، مبادا از بیست و پنج دینار به او کمتر ببخشی ، و افزون بر آن را خود دانی ، من می خواهم که خداوند به تو برتری دهد، انفاق کن و از خدا مترس از اینکه بر تو تنگ گیرد و تهیدست شوی .

فصل پنجم : در حیا و شرم

(الفصل الخامس فى الحياء و ما يشبهه)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْحَيَاءُ حَيَاءٌ عَقْلٌ وَ حَيَاءٌ حُمْقٌ فَحَيَاءُ الْعَقْلِ هُوَ الْعِلْمُ وَ حَيَاءُ الْحُمْقِ هُوَ الْجَهْلُ
رسول خدا ﷺ فرمود: حياء بر دو قسم است : حياء عقل و حياء حماقت ،
حياء عقل علم است و حياء حماقت جهل است .

عَنْ الْبَاقِرِ أَوْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْحَيَاءُ وَ الْإِيمَانُ مَقْرُونَانِ فِي قَرْنٍ فَإِذَا ذَهَبَ أَحَدُهُمَا تَبِعَهُ صَاحِبُهُ
امام باقر يا امام صادق عليه السلام فرمود: حياء و ايمان در يك رشته هم دوش
هم هستند، هر گاه يكي از آن دو برود ديگري هم مى رود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ وَ الْإِيمَانُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ الرِّيَاءُ مِنَ الْجَفَاءِ وَ الْجَفَاءُ مِنَ النَّارِ
امام صادق عليه السلام فرمود: حياء از ايمان است ، و ايمان در بهشت مى باشد، و
ريا از جفاست و جفا در آتش است .

عَنْ سَلْمَانَ ﷺ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَرَادَ هَلَاكَ عَبْدٍ نَزَعَ مِنْهُ الْحَيَاءَ فَإِذَا نَزَعَ مِنْهُ الْحَيَاءَ لَمْ تَلْقَهُ إِلَّا خَائِفًا مَخُوفًا فَإِذَا كَانَ خَائِفًا مَخُوفًا نَزَعَتْ مِنْهُ الْأَمَانَةَ فَإِذَا نَزَعَتْ مِنْهُ الْأَمَانَةَ لَمْ تَلْقَهُ إِلَّا شَيْطَانًا مَلْعُونًا فَلَعْنَاهُ

سلمان رضی الله عنه گوید: خداوند متعال هر گاه بخواهد بنده ای را هلاک کند حیاء را از او بر می دارد، هر گاه حیاء برداشته شد همیشه ترسان و ترساننده می باشد، و هر گاه ترسان و ترساننده شد، امانت از او برداشته شود، و چون امانت از او برداشته شد، او را شیطانی ملعون خواهی یافت ، در این هنگام ما نیز او را لعن کردیم .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَلْقَى جِلْبَابَ الْحَيَاءِ فَلَا غِيْبَةَ لَهُ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر کس لباس حیا را بیفکند غیبت ندارد.

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِمَيْسِرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ يَا مَيْسِرُ إِذَا طَلَبْتَ حَاجَةً فَلَا تَطْلُبْهَا بِاللَّيْلِ وَاطْلُبْهَا بِالنَّهَارِ فَإِنَّ الْحَيَاءَ فِي الْوَجْهِ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ به میسر بن عبد العزیز فرمود: ای میسر، هر گاه خواستی چیزی را از کسی طلب کنی ، آن را در شب طلب نکن ، بلکه در روز از او بخواه ، زیرا حیا در صورت است .

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اسْتَحْيَا مِنْ رَبِّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ حَفِظَ الرَّأْسَ وَ مَا حَوَى وَ الْبَطْنَ وَ مَا وَعَى وَ ذَكَرَ الْقَبْرَ وَ الْبَلَى وَ ذَكَرَ أَنْ لَهُ فِي الْآخِرَةِ مَعَادًا

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کند که فرمود: خدا رحمت کند بنده ای را که از پروردگارش شرم کند، حیاء واقعی حفظ سر و پوشاندن آن است ، و شکم و آنچه در آن می ریزد، و یاد از قبر و پوشیدگی ، و به یاد داشتن اینکه در آخرت معادی هست .

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اسْتَحْيُوا مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ
 قَالُوا وَمَا نَفَعَلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ فَلَا يَبِينَنَّ أَحَدُكُمْ إِلَّا وَ أَجَلُهُ بَيْنَ
 عَيْنَيْهِ وَ لِيَحْفَظَ الرَّأْسَ وَ مَا حَوَى وَ الْبَطْنَ وَ مَا وَعَى وَ لِيَذْكَرَ الْقَبْرَ وَ الْبَلَى وَ مَنْ
 أَرَادَ الْآخِرَةَ فَلْيَتْرِكْ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

رسول خدا ﷺ فرمود: از خداوند آن طور که شایسته است حیاء کنید،
 پرسیدند: چه کنیم ای رسول خدا؟ فرمود: اگر این کار را بکنید، هیچ کدامتان
 نخواهد مگر اینکه مرگش را پیش رو بنگرد، و باید سرش را و آنچه در آنست و
 شکمش با آنچه در بر دارد نگه دارد، و به یاد گور و پوسیدن باشد، هر کس
 آخرت خواهد باید از زینت و زیور دنیا دست کشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْإِيمَانُ عُرْيَانٌ وَ لِبَاسُهُ الْحَيَاءُ وَ زِينَتُهُ الْوَفَاءُ وَ مَرْوَتُهُ
 الْعَمَلُ الصَّالِحُ وَ عِمَادُهُ الدَّرْعُ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ
 الْبَيْتِ

رسول خدا ﷺ فرمود: ایمان پیکری برهنه است و لباسش حیا، و زینتش
 وفای به عهد، و مردانگیش عمل صالح، و ستونش پرهیزگاری، هر چیزی پایه
 ای دارد، و پایه اسلام دوستی ما خاندان است.

وَ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلَا يُرْجَى خَيْرُهُ أَبَدًا مَنْ لَمْ يَخْشَ
 اللَّهَ فِي الْغَيْبِ وَ لَمْ يَرْعَوْ عِنْدَ الشَّيْبِ وَ لَمْ يَسْتَحْيِ مِنَ الْعَيْبِ
 ارعوى عن القبيح رجع

امام صادق عليه السلام فرمود: اگر سه خصلت در هر کس نباشد امید به خیرش نیست: کسی که در نهان از خدا نترسد، و در هنگام پیری از کار زشت دست بر ندارد و پشیمان نشود، و از انجام کار زشت حیا نکند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا كَانَ الْحَيَاءُ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا زَانَهُ وَلَا كَانَ الْفُحْشُ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا شَانَهُ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هرگز حیا در چیزی نبود مگر اینکه زینتش داد، و هرگز در چیزی فحش نبود، مگر اینکه موجب ننگ آن شد.

وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ لِكُلِّ دِينٍ خُلُقًا وَخُلُقُ الْإِسْلَامِ الْحَيَاءُ
رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر دینی اخلاقی دارد، و اخلاق اسلام حیاست .

وَقَالَ الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ
رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: حیا از ایمان است .

وَقَالَ قَلَّةُ الْحَيَاءِ الْكُفْرُ
رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: کم حیایی کفر است .

وَقِيلَ لَهُ أَوْصِنِي قَالَ اسْتَحْيِ مِنَ اللَّهِ كَمَا تَسْتَحْيِ مِنَ الرَّجُلِ الصَّالِحِ مِنْ قَوْمِكَ

به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفته شد: مرا وصیت کن ، فرمود: از خداوند حیا کن همان طور که از مردان صالح قومت حیا می کنی .

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحَيَاءُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ تَسَعَةٌ فِي النِّسَاءِ وَوَاحِدٌ فِي الرِّجَالِ فَإِذَا حَاضَتِ الْجَارِيَةُ ذَهَبَ جُزْءٌ مِنْ حَيَاهَا وَإِذَا تَزَوَّجَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ وَإِذَا افْتُرِعَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ وَإِذَا وُلِدَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ وَبَقِيَ لَهَا خَمْسَةٌ أَجْزَاءٍ فَإِنْ فَجَرَتْ ذَهَبَ حَيَاؤُهَا كُلُّهُ وَإِنْ عَفَّتْ بَقِيَ لَهَا خَمْسَةٌ أَجْزَاءٍ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: حیا ده جزء دارد، نه جزء آن در زنان و یک جزء آن در مردان می باشد، هر گاه دختری حائض شود یک جزء از حیائش می رود، و هر گاه ازدواج کند جزء دیگری می رود، هر گاه (با همسرش) همبستر شود جزء دیگری می رود، هر گاه کودکی به دنیا آورد جزء دیگر آن می رود، و پنج جزء برایش باقی می ماند، اگر از جاده عفاف خارج شود تمام حیائش می رود، و اگر حفظ عفت کند آن پنج جزء برایش باقی می ماند.

قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ مَا بَقِيَ مِنْ أَمْثَالِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا كَلِمَةٌ إِذَا لَمْ تَسْتَحْيِ فَاَعْمَلْ مَا شِئْتَ وَقَالَ أَمَّا إِنَّهَا فِي بَنِي أُمِّيَّةَ

امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: از مثلهای پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فقط یک کلمه مانده ، و آن اینکه : هر زمان حیا نداشتی هر کاری خواستی بکن ، و فرمود: این کلمه در مورد بنی امیه است .

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحْيَا مِنَ الْكَاعِبِ الْعُذْرَاءِ
 ابو سعید خدری گوید: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از یک دختر باکره بیشتر حیا داشت
 عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ إِنَّ مِمَّا أَدْرَكَ النَّاسُ مِنْ كَلَامِ النَّبِيِّ الْأَوَّلِيِّ إِذَا لَمْ تَسْتَحْيِ

فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ قَالَ أَبُو الطَّيِّبِ هَذَا مِنْ قَوْلِ النَّبِيِّ لَيْسَ عَلَيَّ الْبَاحَةُ فَإِنَّمَا مَعْنَاهُ
 التَّهْدِيدُ وَالْوَعِيدُ أَيْ اصْنَعْ مَا شِئْتَ فَسَوْفَ تَجَازِي عَلَيْهِ
 پيامبر خدا ﷺ فرمود: از چیزهایی که مردم از کلام اولین پیامبران فهمیده
 اند این است که : هر گاه حیا نداشتی هر کاری خواستی انجام بده .
 ابو طیب رازی می گوید: این کلام پیامبر ﷺ معنایش این نیست که آزادی
 هر چه خواهی بکن ، بلکه معنایش تهدید و امر به پرهیز است . یعنی : هر چه
 خواهی بکن که به زودی در قیامت مجازات خواهی شد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
 الْآخِرِ فَلْيَفِ بِمَا وَعَدَ
 امام صادق علیه السلام از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود: هر کس به خدا و
 روز رستاخیز ایمان دارد، باید به وعده اش عمل کند.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ قَالَ لَوْ أَنَّ قَوْمًا حَضَرُوا مَدِينَةَ فَسَأَلُوهُمْ
 النَّزُولَ عَلَيْهِمْ فَقَالُوا لَا فَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَالُوا نَعَمْ فَنَزَلُوا عَلَيْهِمْ كَانُوا آمِنِينَ
 امام کاظم علیه السلام فرمود: اگر گروهی وارد شهری شدند، و از اهالی شهر
 خواستند که نزد آنان بمانند، و آنها گفتند: نه ، لکن اینان گمان کردند که گفتند:
 بلی ، و در این هنگام بر آنان فرود آمدند؛ در امان هستند.

سُئِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنِ النَّجْدَةِ فَقَالَ الْإِقْدَامُ عَلَى الْكَرْبِیَّةِ وَالصَّبْرُ عِنْدَ
 النَّائِبَةِ وَالذَّبُّ عَنِ الْإِخْوَانِ

از امام حسین علیه السلام سؤال شد: نجاه چیست؟ فرمود: اقدام بر کارهای
بزرگ، و صبر در برابر مشکلات، و دفاع از برادران.

سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام عَنِ الْجُرْأَةِ فَقَالَ مُوَاقَعَةُ الْأَقْرَانِ

از امیر المؤمنین علیه السلام در مورد جرأت سؤال شد، فرمود: جنگ با همسالان

فصل ششم : در غیرت و مردانگی

(الفصل السادس فی الغیرة)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيَمُقْتُ
الرَّجُلَ يَدْخُلُ عَلَيْهِ فِي بَيْتِهِ فَلَا يُقَاتِلُ

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی دشمن می دارد، مردی را که
به خانه اش هجوم آورده اند، و او دفاع نکند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ وَ
لِغَيْرَتِهِ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی غیرتمند است و هر
غیرتمندی را دوست می دارد، و برای همین غیرت است که فواحش را حرام
کرده، چه ظاهر باشد و چه پنهان.

عَنْهُ قَالَ كَانَ إِبْرَاهِيمُ غَيُورًا وَإِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ أَغْلَقَ بَابَهُ وَأَخَذَ مِفَاتِيحَهُ
امام صادق علیه السلام فرمود: ابراهیم علیه السلام غیرتمند بود، هر گاه از منزلش خارج
می شد، در را می بست و کلیدش را بر می داشت.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ سَعْدًا غَيُورٌ وَأَنَا أُغَيِّرُ مِنْهُ وَجَدَعَ اللَّهُ أَنْفَ مَنْ
لَا يَغَارُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَمِنَ الْمُسْلِمِينَ

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کند که فرمود: سعد غیرتمند است ،
و من از او غیرتمندترم ، خداوند بینی مؤمنین یا مسلمینی را که غیور نیستند
قطع کند.

عَنْهُ قَالَ إِذَا لَمْ يَغْرِ الرَّجُلُ فَهُوَ مَنْكُوسُ الْقَلْبِ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه مرد غیرت نداشته باشد، قلبش وارونه است

عَنْهُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فَلْيَغْرِ الْمُؤْمِنُ
إِنَّهُ مَنْ لَمْ يَغَارْ فَإِنَّهُ مَنْكُوسُ الْقَلْبِ

امام صادق علیه السلام از امیر مؤمنان علیه السلام نقل کند که فرمود: خداوند برای مؤمنین
و مؤمنات غیرت به خرج می دهد، و مؤمن هم باید غیرت داشته باشد، زیرا هر
کس غیرت ندارد قلبش وارونه گشته .

عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ لَا تُقْتَلُ الْمُغْيِرَةُ بِالإِسْلَامِ إِلاَّ بِكُفْرٍ بَعْدَ إِيمَانٍ أَوْ زِنَى بَعْدَ
إِحْصَانٍ أَوْ قَتْلِ النَّفْسِ الْحَرَامِ أَوْ مِنْ ذَبِّ رَجُلٍ عَنِ حَرِيمِهِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مَنْ
دَخَلَ دَارَ قَوْمٍ لَيْلًا فَقَتَلُوهُ فَدَمُهُ هَدْرٌ أَوْ أَطْعَمَ فَفَقَّؤُوا عَيْنَهُ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ يُغَارُ

امام باقر علیه السلام فرمود: غیرت اسلامی از بین نرود مگر بعد از چند چیز: کفر
بعد از ایمان ، زنا بعد از پاکدامنی ، کشتن نفس محترمه ، یا مردی که از
حریمش دفاع نکند، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس شب هنگام وارد
خانه قومی شود، و آنها او را بکشند؛ خونش هدر است ، یا از دیوار سرکشی
کند و آنها چشمش را کور کردند، فرمود: پیامبر غیرت می کرد.

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ لِلرَّجُلِ تَكُونُ الْجَارِيَةَ أَوْ
الْجَوَارِيَ أَوْ الْمَرَأَةَ قَالَ يُقْفَلُ عَلَيْهِنَّ الْأَبْوَابُ وَ يُشَدُّ عَلَيْهِنَّ غَيْرَةٌ مِنْهُ قَالَ قَالَ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ غَيُورًا وَ أَنَا أُغْيَرُ مِنْهُ وَ جَدَعَ اللَّهُ أَنْفَ مَنْ لَا يَغَارُ
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

اسحاق بن عمار گوید: به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: مردی در خانه کنیز
یا کنیزها و زنی دارد (تکلیفش چیست)؟ فرمود: درها را به روی آنها قفل کند، و
بر آنان سخت بگیرد به خاطر غیرتی که دارد.

امام علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ابراهیم علیه السلام غیرتمند بود، و من از
او غیرتمندترم، خداوند بینی مؤمنی را که غیور نباشد خرد کند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ أَيُّمَا رَجُلٍ أَطَّلَعَ فِي دَارِ قَوْمٍ لِيَنْظُرَ إِلَى عَوْرَاتِهِمْ
فَرَمَوْهُ فَفَقَّتُوا عَيْنَهُ أَوْ جَرَحَوْهُ فَلَا دِيَةَ لَهُ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر مردی که سرش را از دیوار منزلی بلند کند تا
زنان آنها را ببیند، اگر چیزی به سوی او انداختند و چشمش کور شد یا مجروح
شد، دیه ندارد.

عَنْ أَبِي مَرْيَمَ النَّصَارِيِّ عَنِ الْبَاقِرِ ﷺ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ نَظَرَ فَفُقَّتْ
عَيْنُهُ فَلَا دِيَةَ لَهُ

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که: هر کس نگاه (غیر مجاز)
کند، و در این هنگام چشمش کور شود، دیه ندارد.

وَقَالَ بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ جَالِسٌ وَبِيَدِهِ مِشْقَصٌ فَإِذَا نُظِرَ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا صَاحِبَ الْعَيْنِ أَمَا إِنَّكَ إِنْ ثَبَتَ لِي حَتَّى أَقُومَ إِلَيْكَ لَأَقْفَنَّ عَيْنَكَ بِمِشْقَصِي هَذَا قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ مِنْ أَيْنَ يَنْظُرُ إِلَى النَّبِيِّ وَهُوَ جَالِسٌ فَقَالَ يَا أَبَا مَرْيَمَ مِنْ خَلَلِ الْجَرِيدِ

امام باقر عليه السلام فرمود: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که چوبدستی به دستش بود (در منزل) نشسته بود، در این هنگام متوجه شدند کسی به ایشان نگاه می کند، فرمود: ای بیننده ، اگر سر جاییت بایستی تا من به سویت بیایم با این چوبدستیم چشمت را به در خواهم آورد، راوی گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم : پیامبر در حالی که نشسته بود از کجا فهمید که به او نگاه کرده می شود؟ فرمود: ای ابا مریم ، از لابلاى شبکه های دیواری که از چوب خرما ساخته شده بود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ عَلِيُّ عليه السلام يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ بُنِيتُ أَنْ نِسَاءَكُمْ يُدَافِعْنَ الرَّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا تَسْتَحُونَ

امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش از علی عليه السلام نقل می کند که فرمود: ای اهل عراق ، خبردار شده ام که زنان شما در بین راه (کوچه و بازار) با مردان برخورد می کنند، آیا حیا نمی کنید؟

وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ أَمَا تَسْتَحُونَ وَ لَأ تَعَارُونَ نِسَاءَكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ يُرَاحِمْنَ الْعُلُوجَ

در حدیث دیگر آمده است که امیر مؤمنان عليه السلام فرمود: آیا حیا نمی کنید و غیرت ندارید که زنان شما (از منزل بیرون می آیند) و در بازار با اجنبی ها برخورد می کنند؟

عَنْهُ لَا غَيْرَةَ فِي الْحَلَالِ بَعْدَ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لَا تُحَدِّثَا شَيْئًا حَتَّىٰ أَرْجِعَ
إِلَيْكُمَا

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: در حلال غیرت نیست ، بعد از قول رسول خدا
صلی الله علیه و آله (به علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام هنگام زفافشان)، کاری نکنید تا نزد شما بر
گردم .

عَنْ حَمْزَةَ بْنِ عِمْرَانَ قَالَ قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ بِجَوَارِ لِي وَ كُنْتُ أُدْخِلُهُنَّ الْبَيْتَ وَ
أَغْلِقُ عَلَيْهِنَّ الْبَابَ إِذَا خَرَجْتُ فِي حَوَائِجِي فَدَخَلْتُ عَلَىٰ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فَأَخْبَرْتُهُ
الْخَبَرَ فَقَالَ وَ يُشَارُّ الرَّجُلُ عَلَىٰ مَا لَا يَرَىٰ أَمَا إِنَّهُنَّ إِن يَظْلِمَنَّكَ فِي أَنْفُسِهِنَّ خَيْرٌ
لَكَ مِنْ أَنْ تَظْلِمَهُنَّ

حمزة بن عمران گوید: به همراه کنیزانی وارد مدینه شدم ، آنان را در خانه
ای می گذاشتم و در را به رویشان قفل می کردم و به دنبال کار خود می رفتم ،
روزی خدمت حضرت صادق علیه السلام رفتم و جریان را عرض کردم ، فرمود: مرد
در باره چیزی که ندیده غیرت می کند! بدان اگر آنان در مورد خودشان به تو
ظلم کنند بهتر از این است که تو به آنان ستم کنی .

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام أَتَى النَّبِيَّ ﷺ بِأَسَارِي فَأَمَرَ بِقَتْلِهِمْ وَ خَلَا رَجُلًا مِنْ بَيْنِهِمْ
فَقَالَ الرَّجُلُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ كَيْفَ أَطْلَقْتَ عَنِّي مِنْ بَيْنِهِمْ فَقَالَ أَخْبَرَنِي جِبْرِئِيلُ عَنِ اللَّهِ
جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّ فِيكَ خَمْسَ خِصَالٍ يُحِبُّهَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ الْغَيْرَةُ الشَّدِيدَةُ عَلَىٰ
حَرَمِكَ وَ السَّخَاءُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ صِدْقُ اللَّسَانِ وَ الشَّجَاعَةُ فَلَمَّا سَمِعَهَا الرَّجُلُ
أَسْلَمَ وَ أَحْسَنَ إِسْلَامَهُ وَ قَاتَلَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قِتَالًا شَدِيدًا حَتَّىٰ اسْتُشْهِدَ

امام باقر علیه السلام فرمود: چند اسیر نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند، ایشان دستور داد همه آنها را به جز یک نفر کشتند، آن مرد گفت: ای رسول خدا، چرا مرا از بین آنان آزاد گذاشتی؟ فرمود:

جبرئیل از طرف خدا به من خبر داد که در تو پنج خصلت است که خدا و رسولش آن را دوست دارند: تعصب شدید در مورد خانواده ات، سخاوت، خوش اخلاقی، راستگویی، شجاعت، آن مرد چون این صفات را شنید مسلمان شد، و مسلمانی نیکو شد، و به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله به جهاد رفت و خوب مبارزه کرد تا شهید شد.

فصل هفتم : در مکارم اخلاق

(الفصل السابع فى مكارم الاخلاق)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشْبَهِكُمْ بِي خُلُقًا قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ أَعْظَمُكُمْ حِلْمًا وَ أَبْرُكُمْ بَقَرَانَتِهِ وَ أَشَدُّكُمْ بِحَبْنًا وَ لِإِخْوَانِهِ فِي دِينِهِ وَ أَصْبَرُكُمْ عَنِ الْحَقِّ وَ أَكْظَمُكُمْ لِلْغَيْظِ وَ أَحْسَنُكُمْ عَفْوًا وَ أَشَدُّكُمْ مِنْ نَفْسِهِ إِنْصَافًا فِي الْغَضَبِ وَ الرِّضَا

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کند که فرمود: آیا شما را از کسی که خلقتش به من شبیه تر است خبر ندهم؟ گفتند: چرا ای رسول خدا، فرمود: خوش اخلاقترین شما، و بردبارترین شما، و نیکی کننده ترینتان نسبت به خویشاوندان، و کسی که ما و برادران دینی اش را بسیار دوست بدارد، و شکیباترینتان در برابر حق، و فرو خورنده ترین شما در خشم، و با گذشت ترین شما، و با انصاف ترین شما در هنگام خشم و خشنودی .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّا لَنُحِبُّ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ كَانَ عَاقِلًا فَهَمًّا فَفِيهَا حَلِيمًا مُدَارِيًا صَبُورًا وَفِيًّا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَصَّ الْأَنْبِيَاءَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ فَلْيُحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ لَيْسْأَلُهُ إِيَّاهَا قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا هُنَّ قَالَ هُنَّ الْوَرَعُ وَ الْقَنَاعَةُ وَ الصَّبْرُ وَ الشُّكْرُ وَ الْحِلْمُ وَ الْحَيَاءُ وَ السَّخَاءُ وَ الشَّجَاعَةُ وَ الْغَيْرَةُ وَ الْبِرُّ وَ صِدْقُ الْحَدِيثِ وَ آدَاءُ الْأَمَانَةِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: ما از شیعیانمان کسانی را که عاقل، خوش فهم، بردبار، مداراکننده، صبور و با وفا باشد، دوست داریم، خداوند متعال اخلاق

عالی انسانی را به انبیاء اختصاص داده ، هر کس این مکارم را دارا بود باید خدا را بر آن شاکر باشد، و هر کس آنها را نداشته باشد، باید با تضرع و خواهش آن را از خدا درخواست کند، راوی گوید: عرض کردم : قربانت کردم آنها چه صفاتی است ؟ فرمود: پرهیزگاری ، قناعت ، صبر، شکر، بردباری ، حیا، سخاوت ، شجاعت ، غیرت ، خوش رفتاری ، راستگویی و امانت داری .

وَعَنْهُ أَيْضاً قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَصَّ الْأَنْبِيَاءَ ﷺ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ فَلْيَعْلَمْ أَنَّهُ مِنْ خَيْرِ إِرَادَةِ اللَّهِ بِهِ وَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلْيَسْأَلْهُ إِيَّاهَا ثُمَّ عَدَّهَا وَقَالَ الْيَقِينُ وَالْقَنَاعَةُ وَالصَّبْرُ وَالشُّكْرُ وَالْحِلْمُ وَحُسْنُ الْخُلُقِ وَالسَّخَاءُ وَالْغَيْبَةُ وَالشَّجَاعَةُ وَالْمُرُوءَةُ وَالْبِرُّ وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند متعال انبیاء (صلوات الله عليهم) را به ارزشهای اخلاقی مخصوص گرداند، کسی که دارای این ارزشهای اخلاقی است ، بداند که خداوند برایش خیر خواسته ، و هر کس آن را ندارد، باید به درگاه خداوند التماس کند و از او بخواهد، سپس امام عليه السلام نام آن مکارم را بر شمرد و فرمود: یقین و قناعت و صبر و شکر و خویشتن داری و خوش اخلاقی و سخاوت و غیرت و شجاعت و مردانگی و خوش رفتاری و امانت داری .

عَنْهُ قَالَ إِنَّ الْمَكَارِمَ عَشْرٌ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ فِيكَ فَلْتَكُنْ فَإِنَّهَا قَدْ تَكُونُ فِي الْعَبْدِ وَلَا تَكُونُ فِي سَيِّدِهِ وَتَكُونُ فِي الرَّجُلِ وَلَا تَكُونُ وَلَدِهِ قِيلَ وَمَا هُنَّ قَالَ صِدْقُ الْبَاسِ وَصِدْقُ اللِّسَانِ وَادَاءُ الْأَمَانَةِ وَصِلَةُ الرَّحِمِ وَقِرَى الضَّيْفِ وَإِطْعَامُ السَّائِلِ وَالْمُكَافَأَةُ عَنِ الصَّنَائِعِ وَالتَّدَمُّمُ لِلْجَارِ وَالتَّدَمُّمُ لِلصَّاحِبِ وَرَأْسُهُنَّ الْحَيَاءُ

امام صادق علیه السلام فرمود: مکارم اخلاق ده عدد است ، اگر می توانی آنها را به دست آور، زیرا گاهی (این مکارم) در بنده هست و در آقایش نیست ، و در مرد هست ولی در فرزندش نیست ، سؤال شد: آنها چیست ؟ فرمود: راستی در خشوع (یا جهاد)، راستگویی ، امانت داری ، صله رحم ، مهمان داری ، غذا دادن به نیازمندان ، جبران نیکیهها، مراعات حق همسایه ، مراعات رفیق ، و بالاتر از همه آنها حیاست .

عَنْهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَضَعَ الْإِسْلَامَ عَلَى سَبْعَةِ أَسْهُمٍ عَلَى الْبِرِّ وَ الصِّدْقِ وَ الْيَقِينِ وَ الرِّضَا وَ الْوَفَاءِ وَ الْعِلْمِ وَ الْحِلْمِ ثُمَّ قَسَمَ ذَلِكَ بَيْنَ النَّاسِ فَمَنْ جَعَلَ فِيهِ هَذِهِ السَّبْعَةَ الْأَسْهُمِ فَهُوَ كَامِلُ الْإِيمَانِ مُحْتَمِلٌ وَ قَسَمَ لِبَعْضِ النَّاسِ السَّهْمَ الْوَاحِدَ وَ لِبَعْضِ السَّهْمَيْنِ وَ لِبَعْضِ الثَّلَاثَةِ الْأَسْهُمِ حَتَّى انْتَهَى إِلَى سَبْعَةِ ثُمَّ قَالَ فَلَا تَحْمِلُوا عَلَى صَاحِبِ السَّهْمِ سَهْمَيْنِ وَ لَا عَلَى صَاحِبِ السَّهْمَيْنِ ثَلَاثَةَ أَسْهُمٍ فَتَبْهَطُوهُمْ ثُمَّ قَالَ كَذَلِكَ حَتَّى انْتَهَى إِلَى سَبْعَةِ فِي وُلْدِهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی اسلام را بر هفت قسمت قرار داد: بر نیکی و راستی و یقین و رضا (به مقدرات) و وفای به عهد و دانش و بردباری ، سپس این صفات را بین مردم قسمت کرد، هر کس که این هفت عدد را دارا باشد ایمانش کامل است ، به بعض مردم یک قسمت داد و به بعضی دو قسمت و به بعضی سه قسمت تا هفت قسمت .

سپس فرمود: بر کسی که یک سهم یا دو سهم دارد بیش از آن تحمیل نکنید، زیرا توانایی بیش از سهمش را ندارد، بعد فرمود: همچنین تا آخر.

عَنْهُ قَالَ أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلَتْ إِسْلَامُهُ وَإِنْ كَانَ مَا بَيْنَ قَرْنَيْهِ إِلَى قَدَمَيْهِ ذُنُوبٌ لَمْ يَنْتَقِصْهُ ذَلِكَ الصَّدَقُ وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ وَالْحَيَاءُ وَحُسْنُ الْخُلُقِ

امام صادق عليه السلام فرمود: چهار خصلت اگر در کسی باشد اسلامش کامل است، اگر چه همه مدت عمرش آلوده به گناه باشد: راستی و امانتداری و حیا و خوش اخلاقی .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَكْرَمُكُمْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ أَكْرَمُكُمْ فِي الْإِسْلَامِ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ إِنَّمَا يَعْنِي مَنْ كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ أَحْسَنَهُمْ خُلُقًا وَ أَسْخَاهُمْ كَفًّا وَ أَحْسَنَهُمْ جَوَارًا وَ أَكْفَهُمْ أَدَى وَ أَقْرَبَهُمْ مِنَ النَّاسِ فَلَنْ يَزِيدَهُ الْإِسْلَامُ إِلَّا عِزًّا

امام باقر عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل کند که فرمود: گرامی ترین شما در جاهلیت گرامی ترینتان در اسلام است، سپس امام باقر عليه السلام فرمود: یعنی کسانی که در جاهلیت خوش اخلاق ترین و بخشنده ترین و خوشرفتارترین نسبت به همسایه و اذیتشان به هیچ کس نمی رسید و نزدیکترین اشخاص به مردم بوده اند. هرگز اسلام به این به جز عزت نیفزود.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَجَلَانَ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَدَخَلَ رَجُلٌ فَسَلَّمَ فَسَأَلَهُ كَيْفَ مَنْ خَلْفَتْ مِنْ إِخْوَانِكَ قَالَ فَأَحْسَنَ الثَّنَاءِ وَ زَكَّى وَ أَطْرَى فَقَالَ كَيْفَ عِيَادَةُ أَغْنِيَاءِهِمْ لِفُقَرَائِهِمْ قَالَ قَلِيلَةٌ قَالَ فَكَيْفَ مُوَاصَلَةُ أَغْنِيَاءِهِمْ لِفُقَرَائِهِمْ فِي ذَاتِ أَيْدِيهِمْ فَقَالَ إِنَّكَ لَتَذْكُرُ أَخْلَاقًا قَلَّ مَا هِيَ فِيْمَنْ عِنْدَنَا قَالَ كَيْفَ يَزْعُمُ هَؤُلَاءِ أَنَّهُمْ لَنَا شِيعَةٌ

محمد بن عجلان گوید: خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم ، مردی وارد شد و سلام کرد، حضرت از او پرسید: برادرانت که از نزدشان آمدی چگونه بودند؟ آن مرد از آنها تعریف و تمجید کرد و کارهایشان را ستود.

امام علیه السلام پرسید: دلجوئی ثروتمندانشان از فقیرانشان چگونه است ؟ گفت : کم است ، فرمود: دیدار و احوال پرسی ثروتمندانشان از فقرا چگونه است ؟ گفت : کم است ، فرمود: دستگیری و کمک ثروتمندانشان از فقیران چگونه است ؟ گفت : شما از اخلاقی صحبت می کنید که در بین ما کمیاب است ، فرمود: پس چگونه اینها گمان می کنند شیعه ما هستند؟

مِنْ كَلَامِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ خَطَبٍ بِهِ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ
 إِنَّمَا أَخْبَرُكُمْ عَنْ أَخٍ لِي كَانَ مِنْ أَعْظَمِ النَّاسِ فِي عَيْنِي وَكَانَ رَأْسُ مَا عَظُمَ بِهِ
 فِي عَيْنِي صِغَرُ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ كَانَ خَارِجًا مِنْ سُلْطَانِ بَطْنِهِ فَلَا يَشْتَهِي مَا لَا يَجِدُ وَ
 لَا يُكْتَبِرُ إِذَا وَجَدَ كَانَ خَارِجًا مِنْ سُلْطَانِ فَرْجِهِ فَلَا يَسْتَخْفُ لَهُ عَقْلُهُ وَ لَا رَأْيَهُ كَانَ
 خَارِجًا مِنْ سُلْطَانِ الْجَهَالَةِ فَلَا يَمُدُّ يَدَهُ إِلَّا عَلَى ثِقَةٍ لِمَنْفَعَتِهِ كَانَ لَا يَتَشَهَّى وَ لَا
 يَتَسَخَّطُ وَ لَا يَتَبَرَّمُ كَانَ أَكْثَرَ دَهْرِهِ صَمَاتًا فَإِذَا قَالَ الْقَائِلُونَ كَانَ لَا يَدْخُلُ فِي مِرَاءٍ
 وَ لَا يُشَارِكُ فِي دَعْوَى وَ لَا يُدْلِي بِحُجَّةٍ حَتَّى يَرَى قَاضِيًا كَانَ لَا يَغْفُلُ عَنْ
 إِخْوَانِهِ وَ لَا يَخْصُ نَفْسَهُ بِشَيْءٍ دُونَهُمْ كَانَ ضَعِيفًا مُسْتَضْعَفًا فَإِذَا جَاءَ الْجِدُّ كَانَ لَيْتِنَا
 عَادِيًا كَانَ لَا يُلُومُ أَحَدًا فِيمَا يَقَعُ الْعُذْرُ فِي مِثْلِهِ حَتَّى يَرَى اعْتِدَارًا كَانَ يَفْعَلُ مَا
 يَقُولُ وَ لَا يَقُولُ مَا لَا يَفْعَلُ كَانَ إِذَا يَبْدُو أَمْرًا لَا يَدْرِي أَيُّهُمَا أَفْضَلُ نَظَرَ إِلَى
 أَقْرَبِهِمَا إِلَى الْهُوَى فَخَالَفَهُ كَانَ لَا يَشْكُو وَجَعًا إِلَّا عِنْدَ مَنْ يَرْجُو عِنْدَهُ الْبُرءَ وَ لَا
 يَسْتَشِيرُ إِلَّا مَنْ يَرْجُو عِنْدَهُ النَّصِيحَةَ كَانَ لَا يَتَبَرَّمُ وَ لَا يَتَسَخَّطُ وَ لَا يَتَشَكَّى وَ لَا
 يَتَشَهَّى وَ لَا يَنْتَقِمُ وَ لَا يَغْفُلُ عَنِ الْعَدُوِّ فَعَلَيْكُمْ بِمِثْلِ هَذِهِ الْأَخْلَاقِ الْكَرِيمَةِ إِنَّ

أَطَقْتُمُوهَا وَإِنْ لَمْ تُطِيقُوهَا كُلَّهَا فَأَخْذُ الْقَلِيلِ خَيْرٌ مِنْ تَرْكِ الْكَثِيرِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

امام حسن مجتبی علیه السلام در خطبه ای از سخنان امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: ای مردم ، به شما خبر دهم از حال یکی از برادرانم ، که در نظرم از همه مردم بزرگتر بود، و بالاترین چیزی که او را در نظرم بزرگ کرده بود، پستی و حقارت دنیا در نظر او بود، از تسلط شکم بیرون بود، چیزی را که نداشت به دنبالش نمی رفت ، و چون پیدا می کرد زیاده روی نمی نمود، از تسلط شهوت خارج شده بود، از این رو سبک عقل و سبک رأی نبود، از سلطه نادانی رهیده بود، از این رو دستش را جز به جانب شخص مورد اطمینان و برای سود دراز نمی کرد، پراشتها و ناراضی و ملول نبود، بیشتر عمرش را خاموش بود، هر گاه دیگران وارد گفتگو می شدند، با آنان جدل نمی کرد، در دعوایی شرکت نمی کرد، دلیلی اقامه نمی کرد تا قاضی را بیابد، از برادران دینی اش غافل نبود، خود را بر دیگران فضیلت نمی داد، لاغر بود، خود را ضعیف و ناتوان می دانست ، به هنگام مبارزه و پایمردی چون شیر ژیان بود، کسی را به کرداری که عذر خواهی از آن ممکن بود سرزنش نمی کرد تا بتواند عذر بخواهد، آنچه را انجام می داد به زبان می آورد، و کاری را که نمی کرد نمی گفت ، چون دو کار برایش پیش می آمد و نمی دانست کدامیک بهتر است ، هر کدام که به هوای نفس نزدیکتر بود مخالفت می نمود، درد خود را جز به کسی که امید بهبودی از او داشت اظهار نمی کرد، جز با کسی که امید خیر خواهی داشت مشورت نمی کرد، دل‌تنگ نمی شد و ناراضی نبود و شکایت نمی کرد و پرخواهش نبود، و انتقام جویی نمی کرد، و از مکر دشمن غافل نبود، اینک شما هم اگر می توانید این گونه اخلاق شریفه را کسب کنید، و اگر تمام آن را نمی توانید به دست آورید،

به دست آوردن اندک بهتر از ترک بسیار است ، نیرو و توانی جز به وسیله خدا نیست .

عَنْ الْبَاقِرِ أَوْ الصَّادِقِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ إِنَّ مِمَّا يُزَيِّنُ الْإِسْلَامَ الْأَخْلَاقَ الْحَسَنَةَ فِيمَا بَيْنَ النَّاسِ فَتَوَاطَبُوا عَلَى مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَحُسْنِ الْهَدْيِ وَالسَّمْتِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُزَيِّنُكُمْ عِنْدَ النَّاسِ إِذَا نَظَرُوا إِلَى مَحَاسِنِ مَا تَنْطِقُونَ بِهِ وَالْفَوْكُمُ عَلَى مَا يَسْتَطِيعُونَ بِنَقْصِكُمْ فِيهِ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمُحَمَّدٍ ﷺ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ وَهُوَ الْخُلُقُ الَّذِي فِي أَيْدِيكُمْ

امام باقر یا امام صادق علیهما السلام فرمود: از چیزهایی که به اسلام زینت می بخشد خوش اخلاقی با مردم است ، اینک پاس دارید خوش اخلاقی و حسن سلوک و اخلاق پسندیده را، زیرا اخلاق نیک و سلوک پسندیده شما را در نزد مردم زینت می بخشد؛ هر گاه دیدند شما دارای سخن سنجیده هستیید و نتوانستند سخنانتان را نقض کنند، و خدای عز و جل به حق فرموده : (تو اخلاقی بزرگوارانه داری)، و این اخلاقی است که مایه آبروی شماست .

مَحَاسِنُ الْأَخْلَاقِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ فِي حَدِيثٍ مَرْفُوعٍ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ قَالَ جَاءَ جَبْرَائِيلُ إِلَى النَّبِيِّ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ أَرْسَلَنِي إِلَيْكَ بِهَدِيَّةٍ لَمْ يُعْطَهَا أَحَدًا قَبْلَكَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ فَقُلْتُ وَمَا هِيَ قَالَ الصَّبْرُ وَأَحْسَنُ مِنْهُ قُلْتُ وَمَا هُوَ قَالَ الْقَنَاعَةُ وَأَحْسَنُ مِنْهَا قُلْتُ وَمَا هُوَ قَالَ الرِّضَا وَأَحْسَنُ مِنْهُ قُلْتُ وَمَا هُوَ قَالَ الزُّهُدُ وَأَحْسَنُ مِنْهُ قُلْتُ وَمَا هُوَ قَالَ الْإِحْلَاصُ وَأَحْسَنُ مِنْهُ قُلْتُ وَمَا هُوَ قَالَ الْيَقِينُ وَأَحْسَنُ مِنْهُ قُلْتُ وَمَا هُوَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ مَدْرَجَةَ ذَلِكَ كُلُّهُ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ قُلْتُ يَا جَبْرَائِيلُ وَمَا تَفْسِيرُ التَّوَكُّلِ عَلَى اللَّهِ فَقَالَ الْعِلْمُ

بِأَنَّ الْمَخْلُوقَ لَا يَضُرُّ وَلَا يَنْفَعُ وَلَا يُعْطَى وَلَا يَمْنَعُ وَاسْتِعْمَالُ الْيَأْسِ مِنَ الْخَلْقِ فَإِذَا كَانَ الْعَبْدُ كَذَلِكَ لَمْ يَعْمَلْ لِأَحَدٍ سِوَى اللَّهِ وَ لَمْ يَرْجُ وَ لَمْ يَخَفْ سِوَى اللَّهِ وَ لَمْ يَطْمَعْ فِي أَحَدٍ سِوَى اللَّهِ فَهَذَا هُوَ التَّوَكُّلُ قَالَ قُلْتُ يَا جَبْرَائِيلُ مَا تَفْسِيرُ الصَّبْرِ قَالَ يَصْبِرُ عَلَى الضَّرَاءِ كَمَا يَصْبِرُ عَلَى السَّرَّاءِ وَ فِي الْفَاقَةِ كَمَا يَصْبِرُ فِي الْغِنَى وَ فِي الْبَلَاءِ كَمَا يَصْبِرُ فِي الْعَافِيَةِ وَ لَا يَشْكُو خَالِقَهُ عِنْدَ الْمَخْلُوقِ بِمَا يُصِيبُهُ مِنَ الْبَلَاءِ قُلْتُ فَمَا تَفْسِيرُ الْقَنَاعَةِ قَالَ يَقْنَعُ بِمَا يُصِيبُ مِنَ الدُّنْيَا يَقْنَعُ بِالْقَلِيلِ وَ يَشْكُرُ الْكَثِيرَ قُلْتُ فَمَا تَفْسِيرُ الرِّضَا قَالَ الرَّاظِي لَا يَسْخَطُ عَلَى سَيِّدِهِ أَصَابَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا خَبَارَ مِنْ حَلَالِ الدُّنْيَا وَ لَا يَلْتَفِتُ إِلَى حَرَامِهَا فَإِنَّ حَلَالَهَا حِسَابٌ وَ حَرَامِهَا عِقَابٌ وَ يَرْحَمُ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ كَمَا يَرْحَمُ نَفْسَهُ وَ يَتَحَرَّجُ مِنْ كَثْرَةِ الْأَكْلِ كَمَا يَتَحَرَّجُ مِنَ الْمَيْتَةِ الَّتِي اشْتَدَّ نَتْنُهَا وَ يَتَحَرَّجُ مِنْ حُطَامِ الدُّنْيَا وَ زَيْتِهَا كَمَا يَجْتَنِبُ النَّارَ أَنْ يَعْشَاهَا وَ أَنْ يُقْصِرَ أَمَلَهُ وَ كَانَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ أَجَلُهُ قُلْتُ يَا جَبْرَائِيلُ فَمَا تَفْسِيرُ الْإِخْلَاصِ قَالَ الْمُخْلِصُ الَّذِي لَا يَسْأَلُ النَّاسَ شَيْئًا حَتَّى يَجِدَ وَ إِذَا وَجَدَ رَضِيَ وَ إِذَا بَقِيَ عِنْدَهُ شَيْءٌ أَعْطَاهُ فِي اللَّهِ فَإِنَّ مَنْ لَمْ يَسْأَلِ الْمَخْلُوقَ فَقَدْ أَقْرَأَ اللَّهَ بِالْعُبُودِيَّةِ وَ إِذَا وَجَدَ فَرَضِيَ فَهُوَ عَنِ اللَّهِ رَاضٍ وَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَنْهُ رَاضٍ وَ إِذَا أُعْطِيَ لِلَّهِ فَهُوَ فِي حَدِّ الثَّقَةِ بِرَبِّهِ قُلْتُ فَمَا تَفْسِيرُ الْيَقِينِ قَالَ الْمُوقِنُ يَعْمَلُ لِلَّهِ كَأَنَّهُ يَرَاهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَى اللَّهَ فَاللَّهُ يَرَاهُ وَ أَنْ يَعْلَمَ يَقِينًا إِنْ أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَهُ وَ مَا أَخْطَأَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ وَ هَذَا كُلُّهُ أَغْصَانُ التَّوَكُّلِ وَ مَدْرَجَةُ الزُّهْدِ

جبرائیل عَلَيْهِ السَّلَامُ نزد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! خداوند مرا فرستاده تا هدیه ای به تو بدهم که تاکنون به احدی قبل از تو داده نشده ، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

سؤال کردم ، آن هدیه چیست ؟ گفت : صبر و بهتر از آن ، گفتم : بهتر از

صبر چیست ؟

گفت : قناعت و بهتر از آن ، گفتم : بهتر از قناعت چیست ؟ گفت : رضا و بهتر از آن ، پرسیدم : بهتر از رضا چیست ؟ گفت : زهد و بهتر از آن ، گفتم : بهتر از آن چیست ؟ گفت : اخلاص و نیکوتر از آن ، پرسیدم : بهتر از اخلاص چیست ؟ گفت : یقین و پسندیده تر از آن ، گفتم : پسندیده تر از آن چیست ؟ گفت : ای رسول خدا، نردبان رسیدن به تمامی آنها توکل بر خدا می باشد، گفتم : ای جبرئیل ، معنای توکل بر خدا چیست ؟ گفت : (اول) آنکه : بدانی مخلوق نه ضرری دارد، و نه سودی و نه بخششی دارد و نه منعی ، (دوم) آنکه : ناامیدی از خلق را شیوه خود سازی ، هر گاه بنده چنین باشد، به کسی جز خدا تکیه نکند، و امید و ترس از غیر خدا ندارد، و بر هیچ کس غیر از خدا طمع نمی بندد، این است معنای توکل .

گفتم : ای جبرئیل ، معنای صبر چیست ؟ گفت : شکیبایی نمودن در برابر مشکلات و سختیها و تنگدستی ، همانند شکیبایی نمودن در مواقع بی نیازی ، و شکیبایی در برابر بلا همانند شکیبایی در هنگام سلامت ، و هنگام نزول بلا شکایت خالق به مخلوق نبودن .

گفتم : معنای قناعت چیست ؟ گفت : خرسند بودن به آنچه از دنیا به دست می آورد، راضی بودن به اندک ، و شکر نمودن نسبت به زیادی ها.

گفتم : پس معنای رضا چیست ؟ گفت : انسان خرسند از مولایش خشمگین نمی شود چه دسترسی به دنیا پیدا کند یا دسترسی پیدا ننماید، و به کردار کم از خویش خوشنود نمی گردد.

گفتم : ای جبرئیل ! معنای زهد چیست ؟ گفت : زاهد آنچه را آفریدگارش دوست دارد می پسندد، و آنچه در نزد خالق مبعوض است پیش او هم مبعوض است ، از حلال دنیا دوری می کند و توجهی به حرام آن ندارد، زیرا حلالش

حساب دارد و حرامش عقاب ، به تمام مسلمانان مهربانی می کند همان گونه که با خود مهربان است ، از پرخوری اجتناب می ورزد همان گونه که از میتة گندیده دوری می جوید، از زیور و زینت دنیا فاصله می گیرد همان طور که از آتش فراگیر دور می شود، آرزوهایش کوتاه است ، گویا مرگ در پیش روی اوست .

گفتم : ای جبرئیل ، معنای اخلاص چیست ؟ گفت : مخلص آن است که از مردم چیزی نخواهد تا آن را بیابد، و هنگامی که یافت راضی شود، و هر گاه چیزی نزد او مانده باشد در راه خدا ببخشد، زیرا هر که از مخلوق چیزی نخواهد به عبودیت خدا اقرار کرده ، و هر گاه یافت و راضی شد از خدا هم راضی است ، و خدای تبارک و تعالی هم از او راضی است ، و چون برای رضای خدا بخشش کرد به حدّ اعتماد به پروردگار خود رسیده است .

گفتم : معنای یقین چیست ؟ گفت : کسی که به یقین رسیده ، عملش را برای خدا انجام دهد به گونه ای که گویا او را می بیند، و اگر او خدا را نمی بیند ولی خدا شاهد بر اوست ، و به یقین بداند که هر چه از غم و شادی مقدرش باشد به او خواهد رسید، و آنچه مقدرش نباشد به او نمی رسد، همه اینها از شاخه های توکل بر خدا و نردبان زهد بود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَنْفَعُ الْأَشْيَاءِ لِلْمَرْءِ لِمَرَّةٍ سَبَقَهُ النَّاسَ إِلَى عَيْبِ نَفْسِهِ وَ أَشَدُّ شَيْءٍ مَثُونَةً إِخْفَاءُ الْفَاقَةِ وَ أَقَلُّ الْأَشْيَاءِ غِنَاءَ النَّصِيحَةِ لِمَنْ لَا يَقْبَلُهَا وَ مُجَاوَرَةَ الْحَرِيصِ وَ أَرْوَحُ الرُّوحِ الْيَأْسُ عَنِ النَّاسِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: سودمندترین چیزها برای انسان این است که عیب خود را قبل از عیب مردم بفهمد، و سخت ترین کارها پنهان کردن فقر است ، و

کمترین بی نیازی خیر اندیشی کسی است که قبول آن ننماید، و همسایه بودن با طماع است ، راحت ترین استراحت ناامیدی از مردم است .

وَ قَالَ لَا تَكُنْ ضَجْرًا وَ لَا غَلِقًا وَ ذَلَّ نَفْسَكَ بِاحْتِمَالٍ مَنْ خَالَفَكَ مِمَّنْ هُوَ فَوْقَكَ وَ مِمَّنْ لَهُ الْفَضْلُ عَلَيْكَ فَإِنَّمَا أَقْرَرْتُ لَهُ بِفَضْلِهِ لِيَتَّكِلَا تَخَالَفَهُ وَ مَنْ لَا يَعْرِفُ لِأَحَدٍ الْفَضْلَ فَهُوَ الْمُعْجَبُ بِرَأْيِهِ وَ قَالَ لِرَجُلٍ أَحْكِمْ دِينَكَ كَمَا أَحْكَمَ أَهْلُ الدُّنْيَا أَمْرَ دُنْيَاهُمْ فَإِنَّمَا جُعِلَتِ الدُّنْيَا شَاهِدًا تَعْرِفُ بِهَا مَا غَابَ عَنْهَا مِنَ الْآخِرَةِ فَاعْرِفِ الْآخِرَةَ بِهَا وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى الدُّنْيَا إِلَّا بِاعْتِبَارٍ وَ قَالَ لِرَجُلٍ اعْلَمْ أَنَّهُ لَا عِزَّ إِلَّا لِمَنْ تَذَلَّلَ لِلَّهِ وَ لَا رِفْعَةَ إِلَّا لِمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: دلگیر و مضطرب مباش ، و نفس خود را در برابر مخالفینت که بالا دست تو هستند و بر تو برتری دارند مهار کن ، زیرا اقرار تو به برتری او برای مخالفت نکردن با اوست ، و هر که برای احدی برتری قائل نباشد او خودپسند است .

و به مردی فرمود: دینت را محکم و استوار کن همان طور که اهل دنیا دنیایشان را محکم می کنند، زیرا دنیا شاهدهی است که به وسیله آن نهان آخرت شناخته می شود، همیشه به (وسیله نعم) دنیا آخرت را بشناس و با نظر عبرت به آن توجه کن .

و به مردی فرمود: عزتی نیست مگر برای کسی که خود را برای خدا ذلیل کند، و علو مرتبه ای نیست مگر برای کسی که در برابر خدا تواضع نماید.

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَعْبُدُ النَّاسَ مِنْ أَقَامِ الْفَرَائِضَ وَ أَزْهَدُ النَّاسَ مَنْ اجْتَنَبَ الْحَرَامَ وَ اتَّقَى النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِيمَا لَهُ وَ عَلَيْهِ وَ أَوْرَعُ

النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كَانَ مُحِقًّا وَ أَشَدُّ النَّاسِ اجْتِهَادًا مَنْ تَرَكَ الذُّنُوبَ وَ
أَكْرَمُ النَّاسِ اتَّقَاهُمْ وَ أَعْظَمُ النَّاسِ قَدْرًا مَنْ تَرَكَ مَا لَا يَعْينُهُ وَ أَسْعَدُ النَّاسِ مَنْ
خَالَطَ الْكِرَامَ مِنْ غَيْرِهِ

رسول خدا ﷺ فرمود: عابدترین مردم کسی است که واجبات را انجام دهد،
و زاهدترین مردم کسی است که از حرام دست بکشد، و با تقواترین مردم کسی
است که حق را بگوید چه به نفعش باشد چه به ضررش، و پرهیزگارترین مردم
کسی است که از جدال پرهیزد گرچه محق باشد، و قوی ترین مردم کسی است
که گناهان را ترک کند، و شریف ترین مردم با تقواترین آنهاست، بزرگ ترین
مردم (از جهت قدر و منزلت) آن است که سخن بی معنی نگوید، و خوشبخت
ترین مردم کسی است که با بزرگان محشور باشد.

عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بُعِثْتُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَ
مَحَاسِنِهَا

امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کند که فرمود: من برای (نشر)
فضائل و محاسن اخلاق برانگیخته شدم .

وَ قَالَ اسْتَتَمَامُ الْمَعْرُوفِ أَفْضَلُ مِنْ ابْتِدَائِهِ

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پایان دادن کارهای خوب بهتر از شروع
در آن می باشد.

باب ششم در بیان عیبهای نفس و جهاد بانفس و صفت عقل و قلب
. در این باب هشت فصل است

الباب السادس في ذكر عيوب النفس و مجاهدتها و صفة العقل و القلب و ما
يليق بها ثمانية فصول

فصل اول : در عیبهای نفس و مجاهده با خواهشهای نفسانی

الفصل الاول في عيوب النفس و مجاهدتها

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِرَجُلٍ إِنَّكَ قَدْ جُعِلْتَ طَيِّبَ
نَفْسِكَ وَ بَيِّنَ لَكَ الدَّاءُ وَ عُرِّفَتْ آيَةُ الصَّحَّةِ وَ دُلِّتَ عَلَى الدَّوَاءِ فَانظُرْ كَيْفَ
قِيَامُكَ عَلَى نَفْسِكَ

امام صادق عليه السلام به مردی فرمود: تو را طیب خودت گردانده اند، و درد را
هم برایت گفته اند، و نشانه سلامتی را نیز به تو آموخته اند، و به دارو هم
راهنمایی راهنمایی شده ای، اینک بنگر که چگونه خودت را حفظ می کنی .

عَنْهُ قَالَ احْمِلْ نَفْسَكَ لِنَفْسِكَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ لَمْ يَحْمِلْكَ غَيْرُكَ

امام صادق عليه السلام فرمود: خودت در فکر خود باش، و گر نه دیگری به فکر
تو نخواهد بود.

عَنْهُ قَالَ لِرَجُلٍ اجْعَلْ قَلْبَكَ قَرِينًا تُرَاوِلُهُ وَ اجْعَلْ عَمَلَكَ وَالِدًا تَتَّبِعُهُ وَ اجْعَلْ
نَفْسَكَ عَدُوًّا تُجَاهِدُهُ وَ اجْعَلْ مَالَكَ كَعَارِيَّةٍ تَرُدُّهَا

امام صادق علیه السلام به مردی فرمود: دلت را برای گفتگو به خودت نزدیک کن ،
و کارت را همچون پدری فرض کن که از او پیروی می کنی ، و نفست را
همچون دشمنی بدان که با آن مبارزه می نمایی ، و مالت را چون عاریه ای بدان
که باید آن را برگردانی .

عَنْهُ قَالَ أَقْصِرْ نَفْسَكَ عَمَّا يَضُرُّهَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَفَارِقَكَ وَ اسْعَ فِي فَكَاكِهَا كَمَا
تَسْعَى فِي طَلَبِ مَعِيشَتِكَ فَإِنَّ نَفْسَكَ رَهِينَةٌ بِعَمَلِكَ
امام صادق علیه السلام فرمود: نفست را از آنچه زیان می بیند قبل از اینکه تو را
ترک گوید نگه دار، و در رهایی از آن بکوش همچنانچه در طلب روزی می
کوشی ، زیرا نفس تو در گرو کردار توست .

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ علیه السلام قَالَ إِيَّاكَ أَنْ تُتْبِعَ النَّفْسَ هَوَاهَا فَإِنَّ فِي هَوَاهَا
رَدَاهَا وَ تَرَكَ هَوَاهَا دَوَاهَا
امام کاظم علیه السلام فرمود: از پیروی هوای نفس بپرهیز، زیرا هلاکت در پیروی
از هوای نفس است ، و دوای آن ترک هواست .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ أَنْفَعُ الْأَشْيَاءِ لِلْمَرْءِ لِمَنْ سَبَقَهُ النَّاسَ إِلَى عَيْبِ نَفْسِهِ
امام صادق علیه السلام فرمود: سودمندترین چیزها برای انسان این است که عیب
خود را قبل از عیب دیگران ببیند.

عَنْهُ قَالَ لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُدِلَّ نَفْسَهُ قُلْتُ مَا يُدِلُّ نَفْسَهُ قَالَ لَا يَدْخُلُ فِيمَا
يَنْبَغِي أَنْ يَعْتَدِرَ مِنْهُ

امام صادق علیه السلام فرمود: سزاوار نیست که مؤمن خودش را خوار کند، راوی پرسید:

چگونه خودش را خوار می کند؟ فرمود: کاری را انجام ندهد که بعد مجبور به عذر خواهی شود.

عَنْهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَوَضَّ إِلَى الْمُؤْمِنِ كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا إِذْلَالَهُ نَفْسَهُ
امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی همه امور مؤمن را به خودش واگذاشته ، جز خوار کردن خودش را.

عَنْهُ قَالَ لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ قِيلَ لَهُ وَكَيْفَ يُذِلُّ نَفْسَهُ قَالَ يَتَعَرَّضُ
لِمَا لَا يُطِيقُ فَيُذِلُّهَا

امام صادق علیه السلام فرمود: سزاوار نیست که مؤمن خودش را خوار کند، سؤال شد: چگونه خودش را خوار می کند؟ فرمود: کارهایی را که می کند که طاقت و توانش را ندارد، در نتیجه خوار می شود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَا هَلَكَ أَمْرٌ عَرَفَ قَدْرَ نَفْسِهِ
ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَ مَا إِخَالُ رَجُلًا يَرْفَعُ نَفْسَهُ فَوْقَ قَدْرِهَا إِلَّا مِنْ خَلَلٍ فِي عَقْلِهِ
مَا إِخَالُ أَيُّ مَا أَتَفَرَّسُ فِيهِ خَيْرًا

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل کرد که فرمود: هر کس قدر خود را شناخت هلاک نشود.

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: مردی خیال نکند بیش از مقدار خود برتر است ، مگر اینکه در عقلش نقصان باشد.

عَنْ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ رَجُلًا فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ عَبَدَ اللَّهَ أَرْبَعِينَ سَنَةً ثُمَّ قَرَّبَ قُرْبَانًا فَلَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ فَقَالَ لِنَفْسِهِ مَا أُتَيْتُ إِلَّا مِنْكَ وَمَا الذَّنْبُ إِلَّا لَكَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ ذَمُّكَ نَفْسَكَ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَتِكَ أَرْبَعِينَ سَنَةً

امام رضا عليه السلام فرمود: مردی از بنی اسرائیل چهل سال خدا را عبادت کرد، سپس یک قربانی کرد ولی مورد قبول واقع نشد، به خودش گفت: هر چه هست از خودت است و خودت گناهکاری، خداوند متعال به او وحی فرمود: مذمتی که از خودت کردی از عبادت چهل ساله ات بهتر بود.

عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ أَفْضَلَ الْجَاهِدِ عِفَّةُ الْبَطْنِ وَالْفَرَجُ
امام سجاد عليه السلام فرمود: بهترین تلاش (در دین) حفظ شکم و شرمگاه است.

وَمِنْ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ مَقَتَ نَفْسَهُ دُونَ مَقَتِ النَّاسِ
آمَنَهُ اللَّهُ مِنْ فَرَعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس خودش را بیش از دیگران سرزنش کند، خداوند او را از وحشت روز قیامت ایمن دارد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بَعَثَ سَرِيَّةً فَلَمَّا رَجَعُوا قَالَ مَرْحَبًا
بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الْجِهَادُ
الْأَكْبَرُ قَالَ جِهَادُ النَّفْسِ

امیر مؤمنان عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله گروهی را به جهاد با کفار فرستاد، چون بازگشتند، فرمود: آفرین بر قومی که جهاد اصغر را انجام دادند، و جهاد

اکبرشان باقی مانده ، سؤال شد: ای رسول خدا! جهاد اکبر چیست ؟ فرمود:
مبارزه با نفس .

ثُمَّ قَالَ أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ

رسول خدا ﷺ فرمود: بهترین جهاد، جهاد با نفسی است که بین دو پهلوی
انسان است .

وَقَالَ مَنْ غَلَبَ عِلْمُهُ هَوَاهُ فَذَلِكَ عِلْمٌ نَافِعٌ وَمَنْ جَعَلَ شَهْوَتَهُ تَحْتَ قَدَمَيْهِ فَرَّ
الشَّيْطَانُ مِنْ ظِلِّهِ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس علمش بر هوای نفسش غالب آمد، آن علم
سودمند است ، و هر که شهوتش را زیر پا نهاد، شیطان از سایه اش فرار کند.

وَقَالَ إِنَّ أَحْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْهَوَىٰ وَ طُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا الْهَوَىٰ فَيُصِدُّ
عَنِ الْحَقِّ وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْأَخِرَةَ

رسول خدا ﷺ فرمود: بیمناکترین چیزی را که بر امتم می ترسم ؛ پیروی
هوای نفس و آرزوی دراز است ، اما هوای نفس انسان را از راه حق باز می
دارد، و اما آرزوی دراز؛ آخرت را به فراموشی می سپارد.

وَمِنْ كِتَابِ تَهْذِيبِ الْأَحْكَامِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ
اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْجِهَادِ أَسُنَّةٌ هُوَ أَمْ فَرِيضَةٌ فَقَالَ الْجِهَادُ عَلَى أَرْبَعَةٍ أَوْجُهُ فَجِهَادَانِ
فَرِيضَةٌ وَ جِهَادٌ سُنَّةٌ لَا يُقَامُ إِلَّا مَعَ فَرَضٍ وَ جِهَادٌ سُنَّةٌ فَأَمَّا أَحَدُ الْفَرَضَيْنِ

فَمُجَاهِدَةُ الرَّجُلِ نَفْسُهُ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ وَهُوَ مِنْ أَعْظَمِ الْجِهَادِ وَمُجَاهِدَةُ الَّذِينَ يُلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ فَرَضٌ وَأَمَّا الْجِهَادُ الَّذِي هُوَ سُنَّةٌ لَا يُقَامُ إِلَّا مَعَ فَرَضٍ فَإِنَّ مُجَاهِدَةَ الْعَدُوِّ فَرَضٌ عَلَى جَمِيعِ الْأُمَّةِ وَلَوْ تَرَكَوا الْجِهَادَ لَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ وَهَذَا هُوَ مِنْ عَذَابِ الْأُمَّةِ وَهُوَ سُنَّةٌ عَلَى الْإِمَامِ وَحَدُّهُ أَنْ يَأْتِيَ الْعَدُوَّ مَعَ الْأُمَّةِ فَيُجَاهِدَهُمْ وَأَمَّا الْجِهَادُ الَّذِي هُوَ سُنَّةٌ فَكُلُّ سُنَّةٍ أَقَامَهَا الرَّجُلُ وَجَاهَدَ فِي إِقَامَتِهَا وَبُلُوغِهَا فَالْعَمَلُ وَالسَّعْيُ فِيهَا مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ لِأَنَّهَا إِحْيَاءُ سُنَّةٍ

جعفر بن حفص بن غياث گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا جهاد واجب است یا مستحب؟ فرمود: جهاد بر چهار نوع است: دو جهاد واجب، و یک جهاد مستحب که با واجب انجام می‌گیرد، و یک جهاد هم مستحب است، اما یکی از دو جهاد واجب؛ مبارزه مرد با نفس در برابر گناهان می‌باشد، که این بزرگترین جهاد است، و جهاد با کفاری که به شما حمله می‌کنند نیز واجب است، و اما جهاد مستحبی که فقط با واجب انجام می‌گیرد جهاد با دشمن است، زیرا جهاد با دشمن بر تمام مردم واجب است، و اگر آن را ترک نمایند عذاب بر آنان فرود آید، و این عذابی است که همه امت را فرا می‌گیرد، این جهاد بر امام مستحب است، و حدش این است که دشمن به مردم حمله ور می‌شود و آنها با او مبارزه می‌کنند، اما جهادی که مستحب است؛ آن هر سنتی است که مردی اقامه کند و در راه بر آوردنش تلاش نماید، و عمل و سعی و کوشش در راه آن از بهترین اعمال است، زیرا زنده کردن سنت است.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْتَقِصَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ

پیامبر خدا ﷺ فرمود: هر کس سنت خوبی را پایه گذاری کند، پاداشش را و پاداش کسی را که تا روز قیامت به آن عمل کند به او می دهند، بدون اینکه از آنها (عمل کنندگان) چیزی کم شود.

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ أَوْ وَاحِدَةٌ مِنْهَا كَانَ فِي ظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ رَجُلٌ أُعْطِيَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ بِمَا هُوَ سَائِلُهُمْ لَهَا وَرَجُلٌ لَمْ يُقَدِّمْ رَجُلًا وَ لَمْ يُؤَخَّرْ أُخْرَى حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ لِلَّهِ فِيهِ رِضَى أَوْ سَخَطٌ وَ رَجُلٌ لَمْ يَعْبُ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ بَعِيْبٍ حَتَّى يَنْفِيَ ذَلِكَ مِنْ نَفْسِهِ فَإِنَّهُ لَا يَنْفِي مِنْهَا عَيْبًا إِلَّا بَدَأَ لَهُ عَيْبٌ وَ كَفَى بِالْمَرْءِ شُغْلًا بِنَفْسِهِ عَنِ النَّاسِ

پیامبر خدا ﷺ فرمود: سه خصلت است که اگر همه آنها یا یکی از آنها در کسی باشد در روز قیامت که هیچ سایه ای جز سایه خدا نخواهد بود او در سایه عرش خداست :

مردی که آنچه را خود می خواهد به مردم ببخشد، و مردی که گامی پس و پیش نگذارد مگر آنکه بداند خدا به آن راضی است یا ناخشنود، و مردی که از برادر مسلمانش عیبی نگیرد مگر اینکه آن عیب را از خود بزدايد، زیرا عیبی از خود نزداید مگر آنکه عیبی دیگر برایش پدیدار گردد، و انسان را همین بس که به خود مشغول باشد نه به مردم .

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ حَقُّ نَفْسِكَ عَلَيْكَ أَنْ تَسْتَعْمِلَهَا بِطَاعَةِ اللَّهِ
 امام سجاد علیه السلام فرمود: حق نفست بر تو این است که آن را در راه طاعت خدا به کار بندی .

وَكَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَقُولُ يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ لَا تَزَالُ بِخَيْرٍ مَا دَامَ لَكَ
وَاعِظٌ مِنْ نَفْسِكَ وَمَا كَانَتِ الْمُحَاسِبَةُ مِنْ هَمِّكَ وَمَا كَانَ الْخَوْفُ لَكَ شِعَارًا وَ
الْحَزَنُ دِتَارًا يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَمَبْعُوثٌ وَمَوْقُوفٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ
مَسْئُولٌ فَأَعِدَّ لَهُ جَوَابًا

امام سجاد عليه السلام همیشه می فرمود: ای فرزند آدم ، همواره در خیر و سعادت
خواهی بود مادام که از نفست واعظی داشته باشی ، و هم و غمت محاسبه نفس
باشد، و مادام که ترس (از خدا) به منزله لباس زیر و اندوه (از گناه) به منزله
لباس روی تو باشد، ای فرزند آدم ، تو خواهی مرد و دوباره زنده خواهی شد و
در مقابل خدا مورد سؤال قرار خواهی گرفت ، اکنون برای آن روز پاسخی
آماده کن .

قَالَ الرَّضَا عليه السلام لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَلَيْنَ عَمَلٍ حَسَنًا
اسْتَزَادَ اللَّهُ مِنْهُ وَإِنْ عَمِلَ سَيِّئًا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ وَتَابَ إِلَيْهِ
امام رضا عليه السلام فرمود: از ما نیست کسی که هر روز به حساب خود نرسد،
اگر کار نیک انجام داده از خدا توفیق فزونیش کند، و اگر کار بدی کرده استغفار
نماید و توبه کند.

مِنْ كِتَابِ السَّيِّدِ نَاصِحِ الدِّينِ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ النَّفْسُ مَجْبُولَةٌ عَلَى
سُوءِ الْأَدَبِ وَالْعَبْدُ مَأْمُورٌ بِمُلَازِمَةِ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالنَّفْسُ تَجْرِي فِي مَيْدَانِ
الْمُخَالَفَةِ وَالْعَبْدُ يَجْهَدُ بِرَدِّهَا عَنْ سُوءِ الْمُطَالَبَةِ فَمَتَى أَطْلَقَ عِنَانَهَا فَهُوَ شَرِيكٌ فِي
فَسَادِهَا وَمَنْ أَعَانَ نَفْسَهُ فِي هَوَى نَفْسِهِ فَقَدْ أَشْرَكَ نَفْسَهُ فِي قَتْلِ نَفْسِهِ

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: نفس همیشه به طرف بی ادبی کشیده می شود، و بنده مأ مور به همراهی ادب نیکوست ، و نفس طبیعتاً سعی در مخالفت دارد، و بنده می کوشد تا آن را از انجام کار بد باز دارد، هر گاه افسار نفس را رها کند او نیز در فسادش شریک است ، و هر کس نفسش را در پیروی هوا کمک کند در کشتن نفسش با او شریک است .

قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام مَنْ مَلَكَ نَفْسَهُ إِذَا رَغِبَ وَ إِذَا رَهَبَ وَ إِذَا اشْتَهَى وَ إِذَا غَضِبَ وَ إِذَا رَضِيَ وَ إِذَا سَخِطَ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ
 امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس در هنگام رضا و خشم و هنگام غضب جلوی نفسش را بگیرد، خداوند بدنش را بر آتش دوزخ حرام گرداند.

وَ مِنْ غَيْرِهِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ يَقَعُ فِي قَلْبِي أَمْرٌ عَظِيمٌ فَقَالَ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قَالَ فَكُلَّمَا وَقَعَ فِي قَلْبِي قُلْتُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَذَهَبَ عَنِّي

جمیل بن درّاج گوید: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم : گاهی در دلم هول و هراس می افتد، فرمود: بگو « لا اله الا الله»، وی گفت : هر گاه در چنین حالی قرار می گرفتم « لا اله الا الله» می گفتم ، آن حالت از من رفت .

عَنِ السَّكُونِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِذَا خِفْتَ حَدِيثَ النَّفْسِ فِي الصَّلَاةِ فَاطْنُ يَدِكَ الْيُسْرَى بِيَدِكَ الْيُمْنَى ثُمَّ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ أَعُوذُ بِالسَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه در بین نماز برایت حدیث نفس (دل مشغولی) پیش آمد، دست چپ را در دست راست بزن و بگو: «بسم الله و بالله توکلت علی الله أعود بالسمیع العلیم من الشیطان الرجیم».

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ صَعِدَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الْمَنِيرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَوَّلَ وَقُوعِ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ وَ أَحْكَامُ تُبْتَدَعُ يُعْظَمُ عَلَيْهَا رِجَالُ رِجَالًا وَ لَوْ أَنَّ الْحَقَّ أُخْلِصَ فَيُعْمَلُ بِهِ لَمْ يَكُنْ اخْتِلَافٌ وَ لَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ أُخْلِصَ وَ عُمِلَ بِهِ لَمْ يَخْفَ عَلَى ذِي حِجِّي وَ لَكِنْ يُؤْخَذُ مِنْ ذَا ضِغْتٍ وَ مِنْ ذَا ضِغْتٍ فَيُخَلَطُ فَيُعْمَلُ بِهِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَسْتَوْلِي الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ وَ يَنْجُو الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى

محمد بن مسلم گوید: علی علیه السلام بالای منبر رفت ، و پس از حمد و ثنای خداوند فرمود:

ای مردم! نخستین فتنه از پیروی هواهای نفس و بدعتهایی که در دین گذارده شد؛ پدید آمد، رجال و شخصیتهایی از همگنان خود تعریف و تمجید می کنند و همدیگر را بزرگ می شمارند، و اگر حق خالص می شد و به آن عمل می گشت اختلافی پیش نمی آمد، و اگر باطل واضح و روشن گردد و به آن عمل شود هیچ خردمندی گمراه نمی شود، و لکن مقداری از حق و مقداری از باطل گرفته می شود و به هم آمیخته می شود و به آن عمل می شود، در آن هنگام است که شیطان بر اولیائش مسلط گشته ، و آنان که از جانب خدا سابقه نیکی داشته اند، نجات می یابند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِيَّاكُمْ وَجِدَالَ كُلِّ مَفْتُونٍ مُلَقًى حُجَّتَهُ إِلَى انْقِضَاءِ
مُدَّتِهِ فَإِذَا انْقَضَتْ مُدَّتُهُ أَشْغَلَتْهُ خَطِيئَتُهُ فَأَحْرَقَتْهُ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: از جدال با هر فتنه گری که برهانش رسیدن به
هدف ، و پایان مهلت اوست پرهیزید، هنگامی که مدتش سپری شود گناهانش
او را مشغول سازد و بسوزاندش .

فصل دوم : در صفت عقل

(الفصل الثانی فی صفة العقل)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام لَمَّا أَنْ خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ
ثُمَّ قَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ فَقَالَ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْكَ بِكَ
أَخَذُ وَ بِكَ أُعْطَى وَ عَلَيْكَ أُثِيبُ

امام صادق عليه السلام فرمود: چون خداوند عقل را آفرید به او فرمود: جلو بیا،
جلو آمد، سپس فرمود: عقب برو، عقب رفت ، بعد فرمود: به عزت و جلالم
سوگند، خلقی را محبوبتر از تو نیافریدم ، به وسیله تو مؤاخذه می کنم و به
وسیله تو می بخشم و بر تو پاداش می دهم .

عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ هَبَطَ جِبْرِئِيلُ عَلَى آدَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَالَ يَا آدَمُ إِنِّي
أُمِرْتُ أَنْ أُخِيرَكَ فِي ثَلَاثٍ فَأَخْتَرْتُ وَاحِدَةً وَ دَعَيْتُ اثْنَتَيْنِ فَقَالَ لَهُ آدَمُ يَا جِبْرِئِيلُ وَ
مَا الثَّلَاثُ قَالَ الْعَقْلُ وَ الْحَيَاءُ وَ الدِّينُ فَقَالَ آدَمُ فَإِنِّي قَدْ اخْتَرْتُ الْعَقْلَ فَقَالَ
جِبْرِئِيلُ لِلْحَيَاءِ وَ الدِّينِ أَنْصِرِي وَ دَعَاهُ فَقَالَ يَا جِبْرِئِيلُ إِنَّا أُمِرْنَا أَنْ نَكُونَ مَعَ
الْعَقْلِ حَيْثُ كَانَ قَالَ فَشَانِكُمَا وَ عَرَجَ

علی عليه السلام فرمود: جبرئیل عليه السلام بر آدم فرود آمد و گفت : ای آدم ! من ما
مورم که تو را بین سه امر مخیر گردانم ، یکی را برگزین و دو تا را رها کن ،
آدم گفت : ای جبرئیل ، آن سه چیز کدام است ؟ گفت : عقل و حیا و دین ، آدم
گفت : من عقل را انتخاب می کنم ، جبرئیل به حیا و دین گفت : شما بروید و
رهایش کنید، آن دو گفتند: ای جبرئیل ، جبرئیل ما ماموریم که هر کجا عقل
باشد همراهش باشیم ، گفت : خود دانید، و عروج کرد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ خَمْسٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ لَمْ يَكُنْ فِيهِ كَثِيرٌ مُسْتَمْتِعٍ
قُلْتُ وَمَا هِيَ جُعِلَتْ فِدَاكَ قَالَ الدِّينُ وَالْعَقْلُ وَالْأَدَبُ وَالْحُرِّيَّةُ وَحُسْنُ الْخُلُقِ
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پنج خصلت اگر در کسی نباشد از او بهره برده نشود،
راوی گوید:

پرسیدم: آنها چیست قربانت گردم؟ فرمود: دین و عقل و ادب و آزادمنشی
و خوش خلقی .

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا بَلَغَكُمْ عَنْ رَجُلٍ حُسْنُ حَالِهِ فَانظُرُوا فِي
حُسْنِ عَقْلِهِ فَإِنَّمَا يُجَازَى بِعَقْلِهِ
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کند که فرمود: هر گاه خوبی رفتار
کسی نزد شما تعریف شد، در خوبی عقلش بنگرید، زیرا به میزان عقلش پاداش
یابد.

وَقَالَ إِنَّ اللَّهَ لَيُبْغِضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا زَبْرَ لَهُ
رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: خداوند مؤمن ضعیفی را که قدرت مقاومت ندارد
دوست ندارد.

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا عَاقِلًا وَبَعْضُ
النَّبِيِّينَ أَرْجَحُ مِنْ بَعْضٍ وَمَا اسْتَخْلَفَ دَاوُدُ سُلَيْمَانَ حَتَّى اخْتَبَرَ عَقْلَهُ وَاسْتَخْلَفَ
دَاوُدُ سُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ ابْنُ ثَلَاثِ عَشْرَةَ سَنَةً وَمَكَثَ فِي مُلْكِهِ أَرْبَعِينَ سَنَةً

امام کاظم علیه السلام فرمود: خداوند هیچ پیغمبری را نفرستاد مگر اینکه عاقل بود، و بعضی از پیامبران بر بعضی برتری داشتند، حضرت داود تا عقل سلیمان را نیازموند، او را جانشین خود نساخت ، و داود در سن سیزده سالگی سلیمان را جانشین خود کرد، و او چهل سال حکومت نمود.

عَنْ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ يَقُولُ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَمْرًا أَخَذَ فِيهِ بِعُقُولِ النَّاسِ حَتَّى يُنْفِذَ أَمْرَهُ ثُمَّ يَرُدُّ إِلَيْهِمْ عُقُولَهُمْ أَلَا تَرَى إِلَى قَوْلِ الرَّجُلِ فَعَلْتُ كَذَا وَ كَذَا وَ كَانَ عَقْلِي لَيْسَ مَعِيَ

امام باقر علیه السلام از قول امام سجاد علیه السلام نقل کند که می فرمود: هر گاه خداوند بخواهد کاری را انجام دهد، عقلهای مردم را می گیرد و پس از انجام کارش به آنان باز می گرداند، مگر ندیده ای مردی را که می گوید: فلان کار و فلان کار را کردم ، در حالی که عقلم همراه من نبود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ مَا مِنْ أَمْرٍ يَخْتَلِفُ فِيهِ اثْنَانِ إِلَّا وَ لَهُ أَصْلٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَكِنْ لَا يُبْلَغُهُ عُقُولُ الرَّجَالِ

امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ امری مورد اختلاف دو نفر نیست ، مگر اینکه در قرآن حکمی برایش بیان شده ، و لکن عقلهای مردم به آن نمی رسد.

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام أَنَّ عِدَّةً مِنْ قُرَيْشٍ جَاءُوا يُعُودُونَهُ بِشَيْءٍ كَانَ أَصَابَهُ مِنْ عَضِّ بَرْدُونٍ فَقَالُوا لَوْ كُنْتَ إِذَا رَكِبْتَ كَانَ مَعَكَ الْغُلَامَانِ أَوْ الثَّلَاثَةُ قَرِيباً مِنْ دَابَّتِكَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَرَادَ أَمْرًا حَالَ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ فَأِذَا وَقَعَ الْقَدْرُ وَ نَفَذَ أَمْرُ اللَّهِ رَدَّ إِلَى كُلِّ ذِي عَقْلٍ عَقْلَهُ

امام رضا علیه السلام فرمود: گروهی از قریش به عیادت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که قاطری او را گاز گرفته و زخمی کرده بود، آمدند و گفتند: چه خوب بود اگر هنگام سوار شدن دو یا سه غلام نزدیک مرکب سواری شما بودند! فرمود: خداوند عزّ و جل هر گاه بخواهد کاری کند بین انسان و قلبش پرده ای می کشد، هر گاه مقدر انجام شد و کار خدا پایان یافت ، عقل هر عاقلی را به او برگرداند.

وَمِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام الْعَقْلُ حُسَامٌ قَاطِعٌ قَاتِلٌ هَوَاكَ بِعَقْلِكَ

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: عقل شمشیری برآن است ، با عقلت به جنگ هوای نفست برو.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيْمَانِ بِاللَّهِ تَعَالَى التَّحَبُّبُ إِلَى النَّاسِ رَسُولُ خِدا صلی الله علیه و آله فرمود: بالاترین مرتبه عقل بعد از ایمان به خدای متعال اظهار دوستی با مردم است .

وَقَالَ صلی الله علیه و آله قَسَمَ اللَّهُ الْعَقْلَ عَلَى ثَلَاثَةِ أَجْزَاءٍ فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ كَمَلُ عَقْلِهِ وَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلَا عَقْلَ لَهُ حُسْنُ الْمَعْرِفَةِ بِاللَّهِ وَحُسْنُ الطَّاعَةِ لَهُ وَحُسْنُ الصَّبْرِ عَلَى أَمْرِهِ

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند عقل را به سه بخش تقسیم کرد، هر کس این سه را داشته باشد عقلش کامل است ، و هر کس نداشته باشد، عقل ندارد:

شناخت خوب نسبت به خداوند، خوب انجام دادن طاعتش و به خوبی صبر نمودن در فرمانش

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام لَمْ يُقَسَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ أَقْلٌ مِنَ الْخَمْسِ الْيَقِينِ وَ الْقُنُوعِ وَ الصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ وَ الَّذِي يَكْمُلُ بِهِ هَذَا كُلُّهُ الْعَقْلُ

امام صادق عليه السلام فرمود: بین بندگان کمتر از پنج خصلت تقسیم نشده: یقین و قناعت و صبر و شکر، و کامل کننده همه اینها عقل است .

سُئِلَ الرَّضَا عليه السلام فَقِيلَ مَا الْعَقْلُ قَالَ التَّجَرُّعُ لِلْغَصَّةِ وَ مَدَاهِنَةُ الْأَعْدَاءِ وَ مُدَارَاةُ الْأَصْدِقَاءِ

از امام رضا عليه السلام پرسیدند: عقل چیست؟ فرمود: فرو خوردن غم و غصه، و زیرکی نمودن با دشمنان، و سازش با دوستان .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقُ سِرِّهِ وَ لَا غِنَى كَالْعَقْلِ وَ لَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَ لَا مِيرَاتَ كَالْأَدَبِ اعْقِلُوا الْخَيْرَ إِذَا سَمِعْتُمُوهُ عَقْلَ رِعَايَةٍ لَا عَقْلَ رِوَايَةٍ فَإِنَّ رِوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَ رِعَاتُهُ قَلِيلٌ لَا مَالَ أَعُودُ مِنَ الْعَقْلِ وَ لَا عَقْلَ كَالْتَدْبِيرِ وَ لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ مَرَمَّةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ خُطُوةٍ فِي مَعَادٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ مَا اسْتَوَدَعَ اللَّهُ أَمْرًا عَقْلًا إِلَّا اسْتَنْقَذَهُ بِهِ يَوْمًا مَا

امیر مؤمنان عليه السلام فرمود: سینه عاقل صندوق سینه است، بی نیازی همچون عقل، و فقری همانند جهل، و میراثی مثل ادب نیست، اگر خبری شنیدید روی

آن تعقل کنید، آن را بسنجید نه اینکه نقلش کنید، زیرا راویان علم زیادند و متفکرین اندک .

هیچ ثروتی استوارتر از عقل نیست ، و عقلی مانند تدبیر نیست ، عاقل باید در سه چیز الگو باشد: اصلاح معاشش ، تفکر در معادش ، کسب لذت غیر حرام ، خداوند به هیچ انسانی عقل را ودیعه نداد، مگر اینکه یک روز آن را بگیرد.

قِيلَ لِلنَّبِيِّ ﷺ مَا الْعَقْلُ قَالَ الْعَمَلُ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَإِنَّ الْعُمَالَ بِطَاعَةِ اللَّهِ هُمُ الْعُقَلَاءُ

از پیامبر خدا ﷺ پرسیدند: عقل چیست ؟ فرمود: عمل نمودن به طاعت خدا، و عمل کنندگان به طاعت خدا همان عقلایند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ الْعَقْلَ مِنْ نُورٍ مَخْزُونٍ مَكْنُونٍ فِي سَابِقِ عِلْمِهِ الَّذِي لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ فَجَعَلَ الْعِلْمَ نَفْسَهُ وَالْفَهْمَ رُوحَهُ وَالزُّهْدَ رَأْسَهُ وَالْحَيَاءَ عَيْنَيْهِ وَالْحِكْمَةَ لِسَانَهُ وَالرَّأْفَةَ هِمَّتَهُ وَالرَّحْمَةَ قَلْبَهُ ثُمَّ حَشَاهُ وَقَوَاهُ بِعَشْرَةِ أَشْيَاءَ بِالْيَقِينِ وَالْإِيمَانِ وَالصِّدْقِ وَالسَّكِينَةِ وَالْإِخْلَاصِ وَالرَّفْقِ وَالْعَطِيَّةِ وَالْقُنُوعِ وَالتَّسْلِيمِ وَالصَّبْرِ ثُمَّ قَالَ لَهُ عَزَّ وَجَلَّ أَدْبِرْ فَأَدْبِرْ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبِلْ ثُمَّ قَالَ لَهُ تَكَلَّمْ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ ضِدٌّ وَلَا نِدٌّ وَلَا شَبِيهٌ وَلَا كُفُوٌ وَلَا عَدِيلٌ وَلَا مِثْلٌ الَّذِي كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ خَاضِعٌ ذَلِيلٌ فَقَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَحْسَنَ مِنْكَ وَلَا أَطْوَعَ لِي مِنْكَ وَلَا أَعَزَّ مِنْكَ بِكَ أَوْحَدٌ وَبِكَ أَعْبُدُ وَبِكَ أَدْعَى وَبِكَ ارْتَجِي وَبِكَ أُبْتَغِي وَبِكَ أَخَافُ وَبِكَ أُحْذِرُ وَبِكَ التَّوَابُ وَبِكَ الْعِقَابُ فَخَرَّ الْعَقْلُ عِنْدَ ذَلِكَ سَاجِدًا فَكَانَ فِي سُجُودِهِ أَلْفَ عَامٍ فَقَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى

ارْفَعْ رَأْسَكَ وَ سَلْ تُعْطَ وَ اشْفَعْ تُشَفَّعْ فَرَفَعَ الْعَقْلُ رَأْسَهُ فَقَالَ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُشَفِّعَنِي فِيمَنْ خَلَقْتَنِي فِيهِ فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لِمَلَأْتَنِيهِ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ شَفَّعْتُهُ فِيمَنْ خَلَقْتُهُ فِيهِ إِذَا أَطَاعَ الْعَقْلَ

رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند تبارک و تعالی عقل را از نوری که در گنجینه دانش پیشینه خود پنهان بود، و هیچ پیغمبر مرسل و فرشته مقربى بدان دسترسی نداشت؛ آفرید، سپس دانش را جان آن، و فهم را روان آن، و پارسایی را سرش، و شرم را دو چشمش، و حکمت را زبانش، و مهربانی را همتش، و دلسوزی را قلب آن قرار داد.

بعد از آن به وسیله ده چیز پر و تقویت نمود، و آنها را به منزله امعاء و احشاء آن قرار داد: به یقین و ایمان و راستی و متانت و اخلاص و مدارا و بخشش و قناعت و فرمانبرداری و صبر، سپس به او فرمود: عقب برو! عقب رفت، بعد فرمود: جلو بیا! جلو آمد، بعد فرمود: سخن بگو، گفت: ستایش مخصوص پروردگاری است که نه ضدی دارد و نه همتایی و نه شبیهی و نه همسری و نه هم شأ نی و نه نظیری، آنکه همه چیز در برابر بزرگیش سر تعظیم فرود آورده، سپس خدای تبارک و تعالی فرمود: به عزت و جلالم سوگند، آفریده ای را بهتر و فرمان برتر و والاتر و شریفتر و گرامی تر از تو نیافریدم، به وسیله تو به یگانگی شناخته و پرستیده شدم، و به وسیله تو خوانده شوم، و به وسیله تو محل امید (مردم) باشم، و به واسطه تو از من بترسند و بر حذر باشند و پاداش و کیفر نیز به دلیل وجود تو می باشد، عقل از این سخنان کرنش نمود و به سجده افتاد، و سجده اش هزار سال طول کشید.

آنگاه خدای تبارک و تعالی فرمود: سرت را بلند کن و بخواه تا به تو بدهم و شفاعت کن تا پذیرفته گردد، عقل سر برداشت و گفت: از تو می خواهم که

شفاعت مرا در باره هر عاقلی بپذیری ، خداوند جلّ جلاله به فرشتگانش فرمود: شاهد باشید، من شفاعت او را در باره هر کس که خرد را به او داده ام خواهم پذیرفت .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عُقُولُ النِّسَاءِ فِي جَمَالِهِنَّ وَجَمَالُ الرِّجَالِ فِي عُقُولِهِمْ
امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: عقل زنان در جمالشان ، و جمال مردان در عقل آنان می باشد.

وَقَالَ أَيْضاً أَصْلُ الْإِنْسَانِ لُبُّهُ وَعَقْلُهُ وَدِينُهُ وَمُرُوتُهُ حَيْثُ يُجْعَلُ نَفْسُهُ وَالْأَيَّامُ
دَوْلٌ وَالنَّاسُ إِلَى آدَمَ شَرَعٌ سَوَاءٌ
امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: اصل انسان خرد اوست ، و عقلش دین اوست ، و مردانگی به چیزی که نفسش را در آن بکار می بندد شناخته می شود، و روزگار در حال تغییر و تحوّل است ، و مردم همه در نسب تا آدم یکسانند.

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَسْبُ الْمَرْءِ دِينُهُ وَمُرُوتُهُ وَعَقْلُهُ
امام باقر علیه السلام فرمود: حسب و نسب انسان به دین و مردانگی و خرد اوست .

رَوَى عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى رَكَّبَ الْعَقْلَ فِي الْمَلَائِكَةِ بِدُونِ
الشَّهْوَةِ وَرَكَّبَ الشَّهْوَةَ فِي الْبَهَائِمِ بِدُونِ الْعَقْلِ وَرَكَّبَهُمَا جَمِيعاً فِي بَنِي آدَمَ فَمَنْ
غَلَبَ عَقْلُهُ عَلَى شَهْوَتِهِ كَانَ خَيْرًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَمَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَلَى عَقْلِهِ كَانَ
شَرًّا مِنَ الْبَهَائِمِ

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند متعال عقل بدون شهوت را در فرشتگان قرار داد، و شهوت بدون عقل را در حیوانات، و عقل و شهوت را در انسان، هر کس عقلش بر شهوتش غالب آید از فرشتگان بهتر، و هر که شهوتش بر عقلش غلبه نمود از حیوانات بدتر است.

مِنْ كِتَابِ عِلَلِ الشَّرَائِعِ قَالَ الرِّضَا علیه السلام صَدِيقُ كُلِّ امْرِئٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ
 امام رضا علیه السلام فرمود: دوست هر مردی خرد او، و دشمنش نادانی اوست.

قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله يَا عَلِيُّ إِذَا تَقَرَّبَ الْعِبَادُ إِلَى خَالِقِهِمْ بِالْبِرِّ فَتَقَرَّبَ إِلَيْهِ بِالْعَقْلِ تَسْقِيهِمْ إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ نَكَلِّمُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! هر گاه بندگان به وسیله عمل نیک به پروردگارشان تقرب می جویند، تو با عقلت تقرب بجو، تا از آنان پیشی بگیری، ما پیامبران با مردم به اندازه خردشان سخن می گوئیم.

وَقَالَ صلی الله علیه و آله كُلُّ شَيْءٍ مِنْ أَبْوَابِ الْبِرِّ ثَوَابٌ وَ أَفْضَلُ الثَّوَابِ الْعَقْلُ
 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر عمل نیکی ثوابی دارد، و بهترین ثواب عقل است.

وَقَالَ مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ نَوْمُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ سَهْرِ الْأَحْمَقِ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا وَ لَا رَسُولًا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ الْعَقْلَ وَ كَانَ عَقْلُهُ أَفْضَلَ مِنْ عَقْلِ جَمِيعِ أُمَّتِهِ وَ عَسَى أَنْ يَكُونَ فِي أُمَّتِهِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ اجْتِهَادًا مِنْهُ

رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند در بین بندگان چیزی را برتر از عقل قسمت نکرد، خوابیدن عاقل از بیداری احمق بهتر است، و خداوند هیچ پیامبر و رسولی را بر نیانگیخت مگر اینکه عقلش را کامل گرداند، و عقلش از عقل همه امتش بیشتر بود، و چه بسا ممکن بود در بین امتش کسی می بود که کوشش او در عبادت بیش از او باشد.

ذُكِرَ بَيْنَ يَدَيِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَرْوَةُ أَهْلِ الشَّامِ وَفَقْرُ أَهْلِ الْعِرَاقِ فَقَالَ أَمَا مَا عَلِمْتُمْ أَنَّ عَقْلَ الرَّجُلِ مَحْسُوبٌ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِهِ مِنْ كِتَابِ الزُّهْدِ
در حضور امیر مؤمنان ﷺ از ثروت شامیان و فقر عراقیها صحبت شد، فرمود: آیا نمی دانید که عقل مرد هم جزء روزیش به حساب می آید؟

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ قَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَادْبَرَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ فَقَالَ فَوَ عِزَّتِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحْسَنُ مِنْكَ إِيَّاكَ أَمْرٌ وَإِيَّاكَ أَنْهَى وَإِيَّاكَ أَعَاقِبُ وَإِيَّاكَ أُثِيبُ
امام باقر، یا امام صادق ﷺ می فرماید: چون خداوند عقل را آفرید، به او فرمود: عقب برو! عقب رفت، بعد فرمود: پیش آی! جلو آمد، سپس فرمود: به عزتم سوگند آفریده ای بهتر از تو خلق نکردم، تو را امر می کنم و تو را نهی می کنم، و تو را عقاب می کنم و تو را پاداش می دهم.

قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْعَقْلَ فَقَالَ لَهُ أَقْبِلْ وَأَدْبِرْ فَأَقْبَلَ وَأَدْبَرَ فَقَالَ وَ عِزَّتِي مَا خَلَقْتُ شَيْئًا أَحْسَنَ مِنْكَ وَأَحَبَّ إِلَيَّ مِنْكَ بِكَ آخُذُ وَبِكَ أُعْطَى

امام کاظم علیه السلام فرمود: خداوند عقل را آفرید، سپس به او فرمود: پس و پیش برو، او هم پس و پیش رفت ، سپس فرمود: به عزتم سوگند، چیزی بهتر و محبوبتر از تو نیافریدم ، به وسیله تو مؤاخذه می کنم و می بخشم .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ دَعَامَةُ الْإِسْلَامِ الْعَقْلُ وَمِنْهُ الْفِطْنَةُ وَالْفَهْمُ وَالْحِفْظُ وَالْعِلْمُ وَبِالْعَقْلِ يَكْمُلُ وَهُوَ دَلِيلُهُ وَ مُبْصِرُهُ وَ مِفْتَاحُ أَمْرِهِ فَإِذَا كَانَ تَأْيِيدُ عَقْلِهِ مِنْ النُّورِ كَانَ عَالِمًا حَافِظًا زَاكِيًا فَطِنًا فَهَمَّا فَعَلِمَ بِذَلِكَ كَيْفَ وَ لِمَ وَ حَيْثُ وَ عَرَفَ مَنْ نَصَحَهُ وَ مَنْ غَشَّهَ فَإِذَا عَرَفَ ذَلِكَ عَرَفَ مَجْرَاهُ وَ مَوْصُولَهُ وَ مَفْصُولَهُ وَ أَخْلَصَ لَهُ الْوَحْدَانِيَّةَ لِلَّهِ وَ الْإِقْرَارَ بِالطَّاعَةِ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مُسْتَدْرِكًا لِمَا فَاتَ وَ أَرَادَ عَلَى مَا هُوَ آتٍ فَعَرَفَ مَا هُوَ فِيهِ وَ لِأَيِّ شَيْءٍ هُوَ هَاهُنَا وَ مِنْ أَيْنَ يَأْتِي وَ إِلَى مَا هُوَ صَائِرٌ وَ ذَلِكَ كُلُّهُ مِنْ تَأْيِيدِ الْعَقْلِ

امام صادق علیه السلام فرمود: ستون اسلام عقل است ، و هوش و فهم و حافظه و دانش از عقل سر چشمه می گیرند، و به وسیله عقل کامل می شوند، و عقل راهنما و بیناکننده و کلید کار اوست ، و چون عقلش به نور خدایی تأیید شود، دانشمند و حافظ و زیرک و فهمیده باشد، و از این رو بداند که چگونه و چرا و کجاست و خیرخواه و بد خواهش را بشناسد، و چون آن را شناخت راه زندگی و راه رسیدن و جدا شدن خود را بداند، و در یگانگی خدا و اعتراف به فرمانبرداریش مخلص شود، و چون چنین کند آنچه را از دست رفته جبران کند، بر آینده مسلط گردد و موقعیت خود را بداند، و اینکه برای چه اینجاست ، و از کجا آمده و به کجا خواهد رفت ، تمام اینها از تأییدات عقل است .

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ عِنْدَهُ عِدَّةٌ مِنْ مَوَالِيهِ فَجَرَى ذِكْرُ الْعَقْلِ وَ الْجَهْلِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام اعْرِفُوا الْعَقْلَ وَ

جُنْدُهُ وَالْجَهْلُ وَ جُنْدُهُ تَهْتَدُوا قَالَ سَمَاعَةَ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَا نَعْرِفُ إِلَّا مَا
عَرَفْنَا فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ خَلَقَ الْعَقْلَ وَ هُوَ أَوَّلُ خَلْقٍ خَلَقَهُ مِنْ
الرُّوحَانِيِّينَ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ مِنْ نُورِهِ فَقَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَادْبِرْ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبِلْ
فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ خَلَقْتُكَ خَلْقًا عَظِيمًا وَ كَرَّمْتُكَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِي قَالَ ثُمَّ
خَلَقَ الْجَهْلَ فَقَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَادْبِرْ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَلَمْ يُقْبَلْ فَقَالَ اللَّهُ لَهُ اسْتَكْبَرْتَ
فَلَعَنَهُ ثُمَّ جَعَلَ لِلْعَقْلِ خَمْسَةَ وَ سَبْعِينَ جُنْدًا فَلَمَّا رَأَى الْجَهْلُ مَا أَكْرَمَ اللَّهُ بِهِ الْعَقْلَ
وَ مَا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَضْمَرَ لَهُ الْعَدَاوَةَ فَقَالَ الْجَهْلُ يَا رَبِّ هَذَا خَلْقٌ مِثْلِي خَلَقْتَهُ وَ
كَرَّمْتَهُ وَ قَوَّيْتَهُ وَ أَنَا ضِدُّهُ وَ لَا قُوَّةَ لِي بِهِ فَأَعْطِنِي مِنَ الْجُنْدِ مِثْلَ مَا أَعْطَيْتَهُ فَقَالَ
نَعَمْ فَإِنْ عَصَيْتَ بَعْدَ ذَلِكَ أَخْرَجْتُكَ وَ جُنْدَكَ مِنْ رَحْمَتِي قَالَ قَدْ رَضِيْتُ
فَأَعْطَاهُ خَمْسَةَ وَ سَبْعِينَ جُنْدًا فَكَانَ مِمَّا أَعْطَى اللَّهُ الْعَقْلَ مِنَ الْخَمْسَةِ وَ السَّبْعِينَ
الْجُنْدَ الْخَيْرُ وَ هُوَ وَزِيرُ الْعَقْلِ وَ جَعَلَ ضِدَّهُ الشَّرُّ وَ هُوَ وَزِيرُ الْجَهْلِ وَ الْإِيمَانُ وَ
ضِدَّهُ الْكُفْرُ وَ التَّصَدِيقُ وَ ضِدَّهُ الْجُحُودُ وَ الرَّجَاءُ وَ ضِدَّهُ الْقُنُوطُ وَ الْعَدْلُ وَ ضِدَّهُ
الْجَوْرُ وَ الرِّضَا وَ ضِدَّهُ السُّخْطُ وَ الشُّكْرُ وَ ضِدَّهُ الْكُفْرَانُ وَ الْيَأْسُ وَ ضِدَّهُ الطَّمَعُ وَ
التَّوَكُّلُ وَ ضِدَّهُ الْحِرْصُ وَ الرَّأْفَةُ وَ ضِدُّهَا الْقَسْوَةُ وَ الرَّحْمَةُ وَ ضِدُّهَا الْغَضَبُ وَ
الْعِلْمُ وَ ضِدُّهُ الْجَهْلُ وَ الْفَهْمُ وَ ضِدُّهُ الْحُمْقُ وَ الْعِفَّةُ وَ ضِدُّهَا التَّهْتِكُ وَ الزُّهْدُ وَ ضِدُّهُ
الرَّغْبَةُ وَ الرِّفْقُ وَ ضِدُّهُ الْخُرْقُ وَ الرَّهْبَةُ وَ ضِدُّهَا الْجُرْأَةُ وَ التَّوَاضُعُ وَ ضِدُّهُ التَّكْبُرُ
وَ التُّؤَدَةُ وَ ضِدُّهَا التَّسْرَعُ وَ الْحِلْمُ وَ ضِدُّهُ السَّفَهَ وَ الصَّمْتُ وَ ضِدُّهُ الْهَذَرُ وَ
الِاسْتِسْلَامُ وَ ضِدُّهُ الْإِسْتِكْبَارُ وَ التَّسْلِيمُ وَ ضِدُّهُ التَّجْبُرُ وَ الْعَفْوُ وَ ضِدُّهُ الْحَقْدُ وَ الرِّقَّةُ
وَ ضِدُّهَا الْقَسْوَةُ وَ الْيَقِينُ وَ ضِدُّهُ الشَّكُّ وَ الصَّبْرُ وَ ضِدُّهُ الْجَزَعُ وَ الصَّفْحُ وَ ضِدُّهُ
الِانْتِقَامُ وَ الْعِنَى وَ ضِدُّهُ الْفَقْرُ وَ التَّفَكُّرُ وَ ضِدُّهُ السَّهُوُ وَ الْحِفْظُ وَ ضِدُّهُ النِّسْيَانُ وَ
التَّعَطُّفُ وَ ضِدُّهُ الْقَطِيعَةُ وَ الطَّاعَةُ وَ ضِدُّهَا الْمَعْصِيَةُ وَ الْقُنُوعُ وَ ضِدُّهُ الْحِرْصُ وَ
المُوَاسَاةُ وَ ضِدُّهَا الْمُنْعَ وَ الْمَوَدَّةُ وَ ضِدُّهَا الْعَدَاوَةُ وَ الْوَفَاءُ وَ ضِدُّهُ الْعَدْرُ وَ

الْخُضُوعُ وَضِدَّهُ التَّطَاوُلُ وَالْحَقُّ وَضِدَّهُ الْبَاطِلُ وَالسَّلَامَةُ وَضِدُّهَا الْبَلَاءُ وَالْحُبُّ
 وَضِدُّهُ الْبُغْضُ وَالصِّدْقُ وَضِدُّهُ الْكَذِبُ وَالْأَمَانَةُ وَضِدُّهَا الْخِيَانَةُ وَالْإِخْلَاصُ وَ
 ضِدُّهُ الشُّوْبُ وَالشَّهَامَةُ وَضِدُّهَا الْبِلَادَةُ وَالْفَهْمُ وَضِدُّهُ الْعِبَاوَةُ وَالْمَعْرِفَةُ وَضِدُّهَا
 الْإِنْكَارُ وَالْمُدَارَاةُ وَضِدُّهَا الْمُكَاشَفَةُ وَسَلَامَةُ الْغَيْبِ وَضِدُّهَا الْمُمَاكِرَةُ وَالْكِتْمَانُ
 وَضِدُّهُ الْإِفْشَاءُ وَالصَّلَاةُ وَضِدُّهَا الْإِضَاعَةُ وَالصَّوْمُ وَضِدُّهُ الْإِفْطَارُ وَالْجِهَادُ وَ
 ضِدُّهُ التُّكُولُ وَالْحَجُّ وَضِدُّهُ نَبْذُ الْمِيثَاقِ وَصَوْنُ الْحَدِيثِ وَضِدُّهُ التَّمِيمَةُ وَبِرُّ
 الْوَالِدَيْنِ وَضِدُّهُ الْعُقُوقُ وَالْحَقِيقَةُ وَضِدُّهَا الرِّيَاءُ وَالْمَعْرُوفُ وَضِدُّهُ الْمُنْكَرُ وَ
 السِّرُّ وَضِدُّهُ التَّبَرُّجُ وَالتَّقِيَّةُ وَضِدُّهَا الْإِذَاعَةُ وَالْإِنْصَافُ وَضِدُّهُ الْحَمِيَّةُ وَالتَّهْيِئَةُ
 وَضِدُّهَا الْبُغْيُ وَالنَّظَافَةُ وَضِدُّهَا الْقَذَارَةُ وَالْحَيَاءُ وَضِدُّهُ الْخَلْعُ وَالْقَصْدُ وَضِدُّهُ
 الْعِدَانُ الْعُدْوَانُ وَالرَّاحَةُ وَضِدُّهَا التَّعَبُ وَالسُّهُولَةُ وَضِدُّهَا الصُّعُوبَةُ وَالْبِرْكَةُ وَ
 ضِدُّهَا الْمَحَقُّ وَالْعَافِيَّةُ وَضِدُّهَا الْبَلَاءُ وَالْقَوَامُ وَضِدُّهُ الْمُكَائِرَةُ وَالْحِكْمَةُ وَضِدُّهَا
 الْهَوَى وَالْوَقَارُ وَضِدُّهُ الْخِفَّةُ وَالسَّعَادَةُ وَضِدُّهَا الشَّقَاوَةُ وَالتَّوْبَةُ وَضِدُّهَا الْإِضْرَارُ
 وَالِاسْتِعْفَارُ وَضِدُّهُ الْإِغْتِرَارُ وَالْمُحَافَظَةُ وَضِدُّهَا التَّهَاوُنُ وَالِدُّعَاءُ وَضِدُّهُ
 الْإِسْتِنْكَافُ وَالنَّشَاطُ وَضِدُّهُ الْكَسَلُ وَالْفَرَحُ وَضِدُّهُ الْحَزَنُ وَالْأُلْفَةُ وَضِدُّهَا
 الْعَصْبِيَّةُ وَالسَّخَاءُ وَضِدُّهُ الْبُخْلُ فَلَا تَجْتَمِعُ هَذِهِ الْخِصَالُ كُلُّهَا مِنْ أَجْنَادِ الْعَقْلِ إِلَّا
 فِي نَبِيٍّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيٍّ أَوْ مُؤْمِنٍ قَدْ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ بِالْإِيمَانِ وَأَمَّا سَائِرُ ذَلِكَ مِنْ
 مَوَالِينَا فَإِنَّ أَحَدَهُمْ لَا يَخْلُو مِنْ أَنْ يَكُونَ فِيهِ بَعْضُ هَذِهِ الْجُنُودِ حَتَّى يَسْتَكْمِلَ وَ
 يُنْقَى مِنْ جُنُودِ الْجَهْلِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَكُونُ فِي الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ وَ
 إِنَّمَا يُدْرِكُ الْفَوْزَ بِمَعْرِفَةِ الْعَقْلِ وَجُنُودِهِ وَمُجَانِبَةِ الْجَهْلِ وَجُنُودِهِ وَقَفْنَا اللَّهُ وَ
 إِبَاكُمُ لَطَاعَتِهِ وَمَرْضَاتِهِ

سماعة بن مهران گوید: خدمت حضرت صادق عليه السلام بودم ، و جمعی از
 دوستان ایشان هم حضور داشتند، صحبت از عقل و جهل به میان آمد، امام

صادق علیه السلام فرمود: عقل و لشکریانش را و جهل و لشکریانش را بشناسید تا هدایت شوید، سماعه گوید: عرض کردم : فدایت شوم ، غیر از آنچه شما به ما بفهمانید نمی دانیم ، امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند جلّ ثناؤه عقل را آفرید، او اولین مخلوقاتش بود که از نور خویش و از طرف راست عرش آفرید، سپس به او فرمود: پس رو، او پس رفت ، بعد فرمود: پیش آی ، او پیش آمد، خداوند عزّ و جلّ به او فرمود: تو را با عظمت آفریدم ، و بر تمامی آفریدگانم شرافت بخشیدم .

فرمود: سپس جهل را آفرید، به او فرمود: عقب برو، عقب رفت ، بعد فرمود: پیش آی ، او قبول نکرد، خداوند به او فرمود: گردن کنشی کردی ، او را از رحمت خود دور ساخت ، سپس برای عقل هفتاد و پنج لشکر قرار داد، چون جهل مکرمت و عطای خداوند را نسبت به عقل دید، دشمنی او را به دل گرفت ، و عرض کرد:

پروردگارا، این هم مخلوقی مثل من است ، او را آفریدی و گرامیش داشتی و تقویتش نمودی ، و من ضدّ او هستم و بر او توانایی ندارم ، آنچه از لشکر به او دادی به من هم عطا کن ، فرمود: بلی می دهم ، اما اگر بعد از آن نافرمانی کردی تو و لشکریانت را از رحمت خود بیرون کنم ، عرض کرد: خشنود شدم ، به او نیز هفتاد و پنج لشکر عطا فرمود، هفتاد و پنج لشکری که خداوند به عقل عنایت کرد بدین قرار است : نیکی و آن وزیر عقل است ، و ضد او را بدی قرار داد که وزیر جهل است ، و ایمان و ضدش کفر، و تصدیق و حقّ و ضدش انکار حقّ، امید و ضدش نومیدی ، دادگری و ضدش ستم ، خشنودی و ضد آن سخط و ناخشنودی ، شکر و ضد آن ناسپاسی ، ناامیدی ، از رحمت خدا و ضدش چشم داشت ، توکل بر خدا و ضدش حرص و آز، نرم دلی و ضدش سخت دلی

، مهربانی و ضدش خشم ، دانش و ضدش نادانی ، شعور و ضدش حماقت ، پاکدامنی و ضد آن پرده دری ، پارسایی و ضدش دنیاپرستی ، خوشرفتاری و ضدش بدرفتاری ، پروا داشتن و ضد آن گستاخی ، فروتنی و ضد آن خود پسندی ، آرامی و ضدش شتابزدگی ، بردباری و ضدش بی خردی ، خاموشی و ضدش پرگویی ، رام بودن و ضدش گردنکشی ، تسلیم حق شدن و ضدش زورگویی ، گذشت و ضدش کینه ورزی ، نرم دلی و ضد آن انتقام جویی ، بی نیازی و ضدش فقر، تفکر و ضدش اشتباه ، در خاطر نگهداشتن و ضدش فراموشی ، مهرورزی و ضدش کناره گیری ، فرمانبرداری و ضد آن نافرمانی ، قناعت و ضد آن حرص و آز، تشریک مساعی و ضد آن دریغ و خودداری ، دوستی و ضد آن دشمنی ، پیمان داری و ضدش پیمان شکنی ، فروتنی و ضد آن بلندی جستن ، حق و ضدش باطل ، سلامتی و ضدش گرفتاری ، دوستی و ضد آن تنفر، راستی و ضدش دروغگوئی ، امانت

و ضدش خیانت ، اخلاص و ضد آن آمیختن با ناخالص ، چالاکي و ضد آن سستی ، فهم و درک و ضدش کودنی ، شناسایی و ضدش انکار، مدارا و ضدش پرده دری ، یک رویی و ضد آن دغلی و مکر، کتمان کردن و ضدش فاش کردن ، نماز گزاردن و ضدش تباه کردن نماز، روزه گرفتن و ضدش افطار کردن ، جهاد و ضدش فرار از جنگ ، حج و ضدش پیمان حج شکستن ، سخن نگهداری و ضدش سخن چینی ، نیکی به پدر و مادر و ضدش نافرمانی از آن دو، حقیقت و ضدش ریاکاری ، کار نیک و ضدش کار ناپسند، خود پوشی و ضد آن خود آرایي ، تقیه و ضدش بی پروایی ، انصاف و ضدش جانبداری باطل ، خود آرایي برای شوهر و ضد آن زنا، پاکیزگی و ضد آن پلیدی ، حیا و ضد آن بی حیایی ، میانه روی و ضد آن تجاوز از حد، آسودگی و ضد آن خود را

به رنج انداختن ، آسانی و ضد آن سختی ، برکت و ضد آن بی برکتی ، تندرستی و ضد آن گرفتاری ، اعتدال و ضد آن افزون طلبی ، حکمت و ضد آن پیروی هود، متانت و ضد آن جلفی ، سعادت و ضد آن شقاوت ، توبه و ضد آن اصرار بر گناه ، طلب آمرزش و ضد آن بیهوده طمع بستن ، مراقبت و ضد آن سهل انگاری ، دعا و ضد آن سرباز زدن ، خرمی و ضد آن کسالت ، خوشدلی و ضد آن اندوه ، انس و ضد آن عصبانی شدن ، سخاوت و ضدش بخل .

تمام این صفات که لشکریان عقلند جز در پیغمبر یا جانشین او یا مؤمنی که خدا دلش را به ایمان آزموده جمع نشود، و اما سایرین از دوستان ما، برخی از اینها را دارند تا تدریجا همه را دریابند، و از لشکریان جهل پرهیز کنند، در این هنگام اینان در مقام اعلی با پیامبران و جانشینان آنان همراه شوند، و این سعادت با شناخت عقل و لشکریانش و دوری از جهل و لشکریانش به دست آید، خداوند ما و شما را در راه فرمانبرداری و جلب رضایتش موفق بدارد.

فصل سوم : در بیان قلب

(الفصل الثالث فی ذکر القلب)

قال الله تعالى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ

خداوند متعال فرمود: (در این (قدرت الهی) تذکری است برای کسی که قلب

(عقل) دارد).

مِنَ الْمُحَاسِنِينَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ إِنَّ الْقَلْبَ يَتَلَجَّجُ فِي الْجَوْفِ يَطْلُبُ الْحَقَّ
فَإِذَا أَصَابَهُ اطمأنَّ وَقَرَأَ ثُمَّ تَلَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ هَذِهِ الْآيَةَ فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ إِلَى
قَوْلِهِ كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ

امام صادق عليه السلام فرمود: قلب در باطن انسان جولان می کند و دنبال حق می
گردد، چون به حق رسید مطمئن می گردد و استقرار پیدا می کند، سپس امام
عليه السلام این آیه را تلاوت فرمود: (پس هر که را خدا بخواهد هدایت کند) تا (گویا
می خواهد به آسمان رود).

عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ إِنَّ السَّمْعَ وَالبَصَرَ وَالفؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولا
قَالَ يُسْتَلُّ السَّمْعُ عَمَّا سَمِعَ وَالبَصَرُ عَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ وَالفؤَادُ عَمَّا عَقَدَ عَلَيْهِ

امام صادق عليه السلام در تفسیر آیه (همانا گوش و چشم و قلب ، همه اینها مورد
سؤال واقع شوند) فرمود: از گوش در مورد آنچه شنیده و از چشم از آنچه دیده
و از قلب در مورد تصمیماتی که گرفته سؤال می شود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْسَدَ لِلْقَلْبِ مِنَ الْخَطِيئَةِ
إِنَّ الْقَلْبَ لِيُوقِعُ الْخَطِيئَةَ فَمَا تَزَالُ بِهِ حَتَّى تَغْلِبَ عَلَيْهِ فَيَصِيرَ أَسْفَلُهُ أَعْلَاهُ وَ أَعْلَاهُ
أَسْفَلُهُ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدر بزرگوارش نقل کند که فرمود: هیچ چیز همچون گناه
دل را آلوده نکند، قلب با گناه روبرو می شود و این روبرویی ادامه دارد تا گناه
بر قلب پیروز شود، آنگاه قلب زیرورو می گردد.

عَنْهُ قَالَ إِذَا التَّقِيْمُ فَتَذَكَّرُوا فَإِنَّ ذَلِكَ حَيَاةٌ لِلْقُلُوبِ
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر گاه یک دیگر را ملاقات کردید با همدیگر
مذکره کنید، مذاکره کردن مایه زنده نگهداشتن دل است .

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْإِنْسَانِ مُضْغَةٌ إِذَا هِيَ سَلِمَتْ وَ
صَحَّتْ سَلِمَ بِهَا سَائِرُ الْجَسَدِ وَإِذَا هِيَ سَقِمَتْ سَقِمَ بِهَا سَائِرُ الْجَسَدِ وَ فَسَدَ وَ هِيَ
الْقَلْبُ

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: در آدمی پاره گوشتی است که هر گاه سالم باشد
تمام بدن سالم است ، و هر گاه بیمار شود تمام بدن بیمار گردد، و آن قلب است

وَ قَالَ ثَلَاثٌ يُمْتَنُ الْقَلْبُ اسْتِمَاعُ اللَّهِ وَ طَلَبُ الصَّيْدِ وَ إِيْتَانُ بَابِ السُّلْطَانِ
رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: سه چیز دل را می میراند: شنیدن لهو، به دنبال شکار
رفتن ، به در خانه سلطان رفتن .

وَقَالَ ﷺ أَرْبَعٌ يُفْسِدْنَ الْقَلْبَ وَ يُنْبِتْنَ النَّفَاقَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يُنْبِتُ الْمَاءُ الشَّجَرَ
 اسْتِمَاعُ اللَّهْوِ وَ الْبَدَاءُ وَ إِتْيَانُ بَابِ السُّلْطَانِ وَ طَلَبُ الصَّيْدِ
 پیامبر خدا ﷺ فرمود: چهار چیز قلب را فاسد و در آن نفاق را می رویند،
 همان گونه که آب درخت را می رویند: شنیدن لهو و سخنان بیهوده ، یاوه
 سرایی ، و رفتن به در خانه سلطان و دنبال شکار رفتن .

وَقَالَ أَرْبَعٌ يُمِتَّنَ الْقَلْبَ الذَّنْبُ عَلَى الذَّنْبِ وَ كَثْرَةُ مُتَافَنَةِ النَّسَاءِ يُعْنِي مُحَادَثَتَهُنَّ
 وَ مُمَارَاةَ الْأَحْمَقِ تَقُولُ وَ يَقُولُ وَ لَا يَرْجِعُ إِلَى خَيْرٍ أَبَدًا وَ مُجَالَسَةُ الْمَوْتَى فَقِيلَ
 يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْمَوْتَى قَالَ كُلُّ غَنِيٍّ مُتَرَفٍّ
 رسول خدا ﷺ فرمود: چهار چیز دل را می میراند: گناه روی گناه ، زیاد
 حرف زدن و معاشرت کردن با زنان ، مجادله با احمق ، با او گفتگو کنی و او
 هرگز به سوی خیر کشیده نشود، همنشینی با مردگان ، عرض شد: ای رسول
 خدا! مردگان کیانند؟ فرمود: هر ثروتمند خوش گذران .

وَقَالَ مِنْ عِلْمَاتِ الشَّقَاءِ جُمُودُ الْعَيْنِ وَ قَسْوَةُ الْقَلْبِ وَ شِدَّةُ الْحَرَصِ فِي طَلَبِ
 الرِّزْقِ وَ الْإِصْرَارُ عَلَى الذَّنْبِ
 رسول خدا ﷺ فرمود: از علامات شقاوت : خشک شدن چشم از اشک و
 سنگدلی ، و حریص بودن در طلب روزی ، و اصرار بر گناه است .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ لَتَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا
 طَرَائِفَ الْحِكْمَةِ وَ إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَ إِدْبَارًا فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى النَّوَافِلِ وَ
 إِذَا أُدْبِرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: دلها خسته می شوند همان گونه که بدنها خسته می شوند، تازه های حکمتها را برای آن طلب کنید، دلها گاهی (به انسان) روی می آورند، و گاهی پشت می کنند، هر گاه روی آوردند آنها را با مستحبات مشغول سازید، و هر گاه پشت کردند به واجبات اکتفا کنید.

قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْسَدَ لِلْقَلْبِ مِنَ الْخَطِيئَةِ إِنَّ الْقَلْبَ لِيُوقِعُ الْخَطِيئَةَ فَمَا تَزَالُ بِهِ حَتَّى تَغْلِبَ عَلَيْهِ فَيَصِيرَ أَسْفَلَهُ أَعْلَاهُ وَ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ
 امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ چیز فاسدکننده تر برای قلب از گناه نیست، زیرا قلب با گناه مواجه می شود، و با آن درگیر است تا مغلوب آن گردد، در این هنگام قلب زیر و زبر می شود.

قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله إِنَّ الْمَرْءَ إِذَا أَذِنَ كَانَتْ نُكْتَةٌ سَوْدَاءُ فِي قَلْبِهِ فَإِنْ تَابَ وَ نَزَعَ فَاسْتَغْفَرَ صُقِلَ قَلْبُهُ مِنْهَا وَ إِنْ زَادَ فَذَلِكَ الرَّيْنُ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
 پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هنگامی که انسان گناه کند نقطه سیاهی در دل او پیدا می شود، اگر توبه کند و استغفار نماید دلش از آن پاک گردد، و اگر گناهش اضافه شود آن نقطه نیز بیشتر گردد، و این همان رین (زنگاری) است که خدای متعالی در کتابش فرموده: (نه این چنین است که می پندارند، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دلهايشان نشسته).

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام مَا جَفَّتِ الدُّمُوعُ إِلَّا لِقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَ مَا قَسَتِ الْقُلُوبُ إِلَّا لِكثْرَةِ الذُّنُوبِ

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: اشکها خشک نشد مگر به واسطه قساوت دلها، و دلها سخت نگشت جز به وسیله بسیاری گناهان .

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِكُلِّ شَيْءٍ مَّعْدِنٌ وَمَعْدِنُ التَّقْوَى قُلُوبُ الْعَارِفِينَ
پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: برای هر چیزی معدنی است ، و معدن تقوا دل‌های عارفین است .

قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ جَالِسِ الْعُلَمَاءَ وَزَاهِحِهِمْ بَرُكْبَتِكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحْيِي الْقُلُوبَ بِنُورِ الْحِكْمَةِ كَمَا يُحْيِي الْأَرْضَ مِنْ مَاءِ السَّمَاءِ
لقمان به فرزندش فرمود: فرزندم ، با علما تنگاتنگ همنشین شو، و با آنها محشور باش ، زیرا خدای عز و جل دلها را به نور حکمت زنده می کند، همان گونه که زمین را از آب زنده می دارد.

حَدَّثَنَا الْفَقِيهُ مُوَفَّقُ الدِّينِ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصُّوفِيُّ السَّرُورِيُّ عَنْ شَيْخِهِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ أَجِيعُوا أَكْبَادَكُمْ وَأَعْرُوا صُورَكُمْ وَأَشْعِثُوا رُءُوسَكُمْ وَصُبُّوا عَلَيْكُمْ جِلْبَابَ الْحَزَنِ وَجَالِسُوا النَّاسَ قَلِيلًا وَمَعَ اللَّهِ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تَرَوْنَ الْحَقَّ بِقُلُوبِكُمْ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: جگرهای خود را گرسنه نگه دارید، و صورتهای خود را برهنه دارید، و موهای خود را ژولیده کنید، و لباس اندوه بپوشید، و با مردم کم نشینید و با خدا بسیار، شاید حق را با دل‌هایتان ببینید.

مِنْ عِيُونِ الْأَخْبَارِ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيَا فِيهِ أُمُورَنَا لَمْ
يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ

امام رضا عليه السلام فرمود: هر کس در مجلسی حاضر شود که در آن فضائل ما
بیان می شود، دلش نخواهد مرد؛ در آن روزی که دلها خواهند مرد.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْقَصْدُ إِلَى اللَّهِ بِالْقُلُوبِ أَبْلَغُ مِنَ الْقَصْدِ إِلَيْهِ بِالْبَدَنِ وَحَرَكَاتُ
الْقُلُوبِ أَبْلَغُ مِنْ حَرَكَاتِ الْأَعْمَالِ

امام صادق عليه السلام فرمود: توجه به خدا به وسیله دلها رساتر از توجه به خدا
توسط بدن است ، و حرکات دلها از حرکات عملها رساتر است .

فصل چهارم : در تنهایی و گوشه گیری

(الفصل الرابع فى الخلوة و العزلة و ما يليق بهما)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْعُزْلَةُ عِبَادَةٌ وَإِنَّ أَقْلَ الْعَيْبِ عَلَى الْمَرْءِ قُعودُهُ فِي مَنْزِلِهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: گوشه گیری عبادت است ، و کمترین عیب یک انسان نشستن او در منزلش می باشد.

عَنْهُ قَالَ مَا كَانَ عَبْدٌ لِيُحْبِسَ نَفْسَهُ عَلَى اللَّهِ إِلَّا أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ

امام صادق عليه السلام فرمود: هر بنده ای که نفس خویش را برای خدا زندانی نماید، خداوند او را وارد بهشت نماید.

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى نَبِيٍِّّ مِنْ أَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنَّ أَحْبَبْتَ أَنْ تَلْقَانِي غَدًا فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ فَكُنْ فِي الدُّنْيَا وَحِيدًا غَرِيبًا مَهْمُومًا مَحْزُونًا مُسْتَوْحِشًا مِنَ النَّاسِ بِمَنْزِلَةِ الطَّيْرِ الَّذِي يَطِيرُ فِي أَرْضِ الْفَقَارِ وَ يَأْكُلُ مِنْ رُءُوسِ الْأَشْجَارِ وَ يَشْرَبُ مِنْ مَاءِ الْعُيُونِ فَإِذَا كَانَ اللَّيْلُ أَوْى وَ حُدَّهُ وَ لَمْ يَأْوِ مَعَ الطُّيُورِ اسْتَأْنَسَ بِرَبِّهِ وَ اسْتَوْحِشَ مِنَ الطُّيُورِ

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی به پیامبری از پیامبران بنی اسرائیل وحی فرمود: اگر دوست داری فردای قیامت مرا در حظیره القدس ببینی ، در دنیا تنها و اندوهگین و غمناک باش ، و از مردم بترس همانند پرنده ای که در زمینی خشک پرواز می کند و سر شاخ درختان را می خورد و از آب چشمه

ها می نوشد، هنگام شب تنها به لانه اش پناه می برد، و به سایر پرندگان پناهنده نمی شود، با پروردگارش مأنوس و از سایر پرندگان وحشت دارد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ أَوْحَى إِلَيَّ الدُّنْيَا أَتَعْبِي مَنْ خَدَمَكَ وَ
أَخْدَمِي مَنْ رَفَضَكَ وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا تَخَلَّى بِسَيِّدِهِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَنَاجَاهُ
أُثْبِتَ اللَّهُ النُّورَ فِي قَلْبِهِ فَإِذَا قَالَ يَا رَبِّ نَادَاهُ الْجَلِيلُ جَلَّ جَلَالُهُ لَتَيْكَ عَبْدِي
سَلْنِي أُعْطِكَ وَتَوَكَّلْ عَلَيَّ أَكْفِكَ ثُمَّ يَقُولُ جَلَّ جَلَالُهُ لِلْمَلَائِكَةِ مَلَائِكَتِي انظُرُوا
إِلَى عَبْدِي قَدْ تَخَلَّى بِي فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَ الْبَطَّالُونَ لَاهُونَ وَ الْغَافِلُونَ
يَنَامُونَ أَشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ ثُمَّ قَالَ ﷺ عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ وَ الْإِجْتِهَادِ وَ اذْهَبُوا
فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الزَّاهِدَةَ فِيكُمْ فَإِنَّهَا غَدَارَةٌ دَارُ فَنَاءٍ وَ زَوَالٍ كَمْ مِنْ مُغْتَرِّبَهَا قَدْ
أَهْلَكَتُهُ وَ كَمْ مِنْ وَاتِقٍ بِهَا قَدْ خَانَتْهُ وَ كَمْ مِنْ مُعْتَمِدٍ عَلَيْهَا قَدْ خَدَعَتْهُ وَ أَسْلَمَتْهُ وَ
اعْلَمُوا أَنَّ أَمَامَكُمْ طَرِيقًا مَهُولًا وَ سَفَرًا بَعِيدًا وَ مَمَرَكُمُ عَلَى الصِّرَاطِ وَ لَا بُدَّ
لِلْمُسَافِرِ مِنْ زَادٍ فَمَنْ لَمْ يَتَزَوَّدْ وَ سَافَرَ عَطْبَ وَ هَلَكَ وَ خَيْرُ الزَّادِ التَّقْوَى

رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند جل جلاله به دنیا وحی فرمود: هر کس به تو خدمت کرد او را به سختی ببانداز، و هر که تو را ترک کرد به او خدمت نما، هر گاه بنده با مولایش در دل سیاه شب خلوت کند و او را بخواند، خداوند نوری در دلش پدید آورد، هر گاه بگوید: پروردگارا! آن با عظمت و شکوه پاسخش دهد: شنیدم بنده من، حال هر چه از من می خواهی طلب کن تا عطایت کنم، و بر من توکل کن تا تو را کفایت کنم، سپس به فرشتگان می فرماید: ای ملائکه من، به بنده ام توجه کنید که در دل سیاه شب با من خلوت کرده، در حالی که بی کار و ولگردها وقت خود را به لهو می گذرانند و غافلان در خوابند، گواه باشید که من او را آمرزیدم.

سپس رسول خدا ﷺ فرمود: از خدا بترسید و مشغول عبادت باشید، و از دنیایی که به شما بی میل است کناره گیرید، دنیایی که فریب دهنده و خانه ای گذرا و زوال پذیر است، چه گول خورنده هایی که به وسیله آن به هلاکت افتادند، و چه اطمینان کنندگان به دنیا که به آنان خیانت کرد، و چه اعتمادکنندگان بر دنیا که مورد نیرنگ آن قرار گرفتند و دنیا آنان را به زانو در آورد، بدانید که پیش روی شما راهی بس هولناک و سفری دور است و عبورتان از پل صراط است، و مسافر باید زاد و توشه بگیرد، هر که بی زاد و توشه سفر کند به سختی افتد و هلاک گردد، و بهترین توشه این راه تقوی است.

عَنِ الرَّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَرَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بِرَجُلٍ وَهُوَ يَدْعُو اللَّهَ أَنْ يُرْزَقَهُ الصَّبْرَ فَقَالَ أَلَا لَا تَقُلْ هَذَا وَلَكِنْ سَلِ اللَّهَ الْعَافِيَةَ وَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ فَإِنَّ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ خَيْرٌ مِنَ الصَّبْرِ عَلَى الْبَلَاءِ كَانَ دُعَاءُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنْني أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: حضرت سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ به مردی برخورد که دعا می کرد، خدا به او صبر دهد، حضرت فرمود: این گونه نگو، بلکه از خدا سلامتی و توفیق شکر بر سلامتی بخواه، زیرا شکر بر سلامت بهتر از صبر بر گرفتاری است، پیامبر خدا این گونه دعا می فرمود: «خدایا من از تو سلامت و شکر بر سلامت می طلبم، و سلامت کامل در دنیا و آخرت».

مِنْ كِتَابِ النُّبُوَّةِ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ إِنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ سَلَامٍ سَأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ شُعَيْبٍ فَقَالَ النَّبِيُّ هُوَ الَّذِي بَشَّرَ بِي وَ بِأَخِي عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ فَقَالَ جَلَّ جَلَالُهُ لِشُعَيْبٍ قُمْ فِي قَوْمِكَ فَأَوْحِ عَلَى لِسَانِكَ فَلَمَّا قَامَ شُعَيْبٌ أَنْطَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ

عَلَى لِسَانِهِ بِالْوَحْيِ وَمِنْ جُمْلَةِ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ لِأُمَّةٍ شُعَيْبٍ كَيْفَ دُعَاؤُهُمْ وَإِنَّمَا هُوَ قَوْلٌ بِالسُّنَنِهِمْ وَالْعَمَلُ مِنْ ذَلِكَ بَعِيدٌ وَإِنِّي قَضَيْتُ يَوْمَ خَلَقْتُ السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ أَنْ أَجْعَلَ النُّبُوَّةَ فِي الْأَنْبِيَاءِ وَأَنْ أُحَوِّلَ الْمُلْكَ فِي الدُّعَاءِ الدُّعَاءَ وَالْعِزَّ فِي الْأَذْلَاءِ وَالْقُوَّةَ فِي الضُّعَفَاءِ وَالْغِنَى فِي الْفُقَرَاءِ

عبد الله بن سلام از رسول خدا ﷺ در باره شعيب نبی پرسيد، حضرت فرمود: او همان کسی است که به رسالت من و برادرم عیسی بن مریم بشارت داد، خداوند به شعيب فرمود: در میان قومت قیام کن و با زبان خودت با آنان سخن بگو، هنگامی که شعيب قیام کرد خداوند عزّ و جلّ او را گویا کرد تا زبانش با مردم سخن گوید.

یکی از سخنان خدای عزّ و جلّ به امت شعيب این بود: چگونه دعا می کنند، در حالی که این فقط سخن زبانشان است و از عمل به دور است، و من روزی که آسمان و زمین را خلق کردم نبوت را در انبیاء قرار دادم و (لکن) به وسیله دعا ملک را تغییر دادم، و عزّت را در افراد ناتوان، و قوت را در ضعیفان، و بی نیازی را در فقرا قرار دادم.

فصل پنجم : در حقیقتها و نجابت

(الفصل الخامس فى الحقائق و النجابة)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ كُلِّهِمْ فِي أَرْبَعٍ أَوْلَاهَا أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ وَ الثَّانِي أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ وَ الثَّلَاثُ أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ وَ الرَّابِعُ أَنْ تَعْرِفَ مَا يُخْرِجُكَ مِنْ دِينِكَ

امام صادق عليه السلام فرمود: من دانش مردم را در چهار چیز یافتم : اول آنها اینکه خدایت را بشناسی ، دوم اینکه بدانی با تو چه کرده ، و سوم اینکه بدانی از تو چه می خواهد، و چهارم اینکه بدانی چه چیز تو را از دینت خارج می کند.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَ رُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَالَ وَ اللَّهُ مَا صَامُوا وَ لَا صَلُّوا وَ لَكِنَّهُمْ أَحَلُّوا لَهُمْ حَرَامًا وَ حَرَّمُوا عَلَيْهِمْ حَلَالًا فَاتَّبَعُوهُ

امام صادق عليه السلام در باره قول خدای عز و جل: (آنان دانشمندان و راهبان خود را معبودهایی در مقابل خدا قرار دادند) فرمود: به خدا سوگند، (برای آنان) نماز نخواندند و روزه نگرفتند، لکن بر ایشان حرام را حلال و حلال را حرام کردند و پیرویشان نمودند.

قَالَ الْبَاقِرُ عليه السلام لَا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لِيَجَةً أَوْ فَلَا تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ فَإِنَّ كُلَّ سَبَبٍ وَ نَسَبٍ وَ قَرَابَةٍ وَ وِلِيَجَةٍ وَ بَدْعَةٍ وَ سُنَّةٍ وَ شُبْهَةٍ مُنْقَطِعٌ مُضْمَحِلٌّ كَمَا يَضْمَحِلُّ الْعُبَارُ الَّذِي يَكُونُ عَلَى الْحَجَرِ الصَّلْدِ إِذَا أَصَابَهُ الْمَطَرُ الْجَوْدُ إِلَّا مَا أَثْبَتَهُ الْقُرْآنُ

امام باقر علیه السلام فرمود: غیر خدا را برای خود تکیه گاه و محرم راز نگیرید، مگر شما مؤمن نیستید؟ زیرا هر وسیله و نسبتی و هر خویشی و محرم راز و بدعت و سنت و شبهه ای منقطع و بی اثر است ، مانند غباری که روی سنگ صاف نشسته و بارانی شفاف آن را بر طرف می کند، به جز آنچه را قرآن اثبات کرده باشد.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ يَرْفَعُهُ قَالَ قِيلَ لِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ يَا رُوحَ اللَّهِ هَلْ يَقْدِرُ رَبُّكَ عَلَى أَنْ يُدْخِلَ الدُّنْيَا فِي بَيْضَةٍ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُصَغَّرَ الدُّنْيَا وَيُكَبِّرَ الْبَيْضَةَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يُنْسَبُ إِلَيَّ عَجْزٌ وَالَّذِي سَأَلْتُمْ عَنْهُ لَا يَكُونُ

محمد بن ابی عمیر نقل کند: به عیسی بن مریم گفته شد: ای روح خدا! آیا پروردگارت قادر است که دنیا را در تخم مرغی جای دهد، بدون اینکه دنیا را کوچک یا تخم مرغ را بزرگ کند؟ فرمود: خدای عز و جل از هیچ کاری ناتوان نیست ، ولی آنچه شما می خواهید نشدنی است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ لِلَّهِ دِيكًا رِجْلَاهُ فِي الْأَرْضِ وَرَأْسُهُ فِي السَّمَاءِ تَحْتَ الْعَرْشِ وَجَنَاحُ لَهُ فِي الشَّرْقِ وَجَنَاحُ لَهُ فِي الْغَرْبِ يَقُولُ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْقُدُّوسِ فَإِذَا صَاحَ أَجَابَتْهُ الدُّبُوكُ فَإِذَا سَمِعْتُمْ أَصْوَاتَهَا فَلْيَقُلْ أَحَدُكُمْ سُبْحَانَ رَبِّي الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند خروسی دارد که دو پایش در زمین و سرش در آسمان زیر عرش خداست ، یک بال او در مشرق و بال دیگرش در مغرب است ، می گوید:

پروردگارم منزّه و مقدّس است ، هر گاه فریاد می زند خروسهای دیگر نیز
جوابش را می دهند، هر گاه یکی از شما صدایش را شنید، بگوید: پروردگارم
منزّه است ، پادشاهی مقدس است .

عَنْهُ قَالَ النَّاسُ مَأْمُورُونَ وَمَنْهِيُونَ وَمَنْ كَانَ لَهُ عُذْرٌ عَذَرَهُ اللَّهُ
امام صادق علیه السلام فرمود: مردم مورد امر و نهیند، هر که (در انجام عملی)
عذری داشت خداوند عذرش را می پذیرد.

عَنْهُ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَنْ وَعَدَهُ اللَّهُ عَلَى عَمَلٍ ثَوَابًا فَهُوَ
مُنْجَزٌ لَهُ وَمَنْ أَوْعَدَهُ عَلَى عَمَلٍ عِقَابًا فَهُوَ فِيهِ بِالْخِيَارِ
امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش از رسول اکرم صلى الله عليه وآله روایت کند که
فرمود: خداوند به هر بنده ای که در برابر عملی وعده ثواب داده باشد به آن
عمل نماید، و هر که را بر عملی به عقاب وعده داده باشد، در عمل کردن به آن
مخیر است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ الشَّقَاءَ وَالسَّعَادَةَ قَبْلَ
خَلْقِهِ فَمَنْ كَانَ شَقِيًّا لَمْ يُسْعِدْهُ اللَّهُ أَبَدًا وَمَنْ كَانَ سَعِيدًا لَمْ يُشَقِّهِ اللَّهُ أَبَدًا
امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی بدبختی و خوشبختی را قبل از
مخلوقاتش آفرید، هر کس شقی باشد خداوند هرگز خوشبختش نکند، و هر
کس سعادتمند باشد هرگز او را شقی نکند.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُغِيرَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ شِرْكِ الشَّيْطَانِ فَقَالَ مَهْمَا
شَكَّكَتَ فِيهِ فَلَا تُشْكَنَّ فِي النَّاقِصِ الْخَلْقِ

علی بن مغیره گوید: از امام صادق علیه السلام در باره شریک شدن با شیطان پرسیدم ، فرمود:

هر گاه شک کردی در شرکت شیطان ، در (فرزند) ناقص الخلقه شک نکن (که حتما شیطان در آن شرکت داشته).

عَنْهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ مَنْ كَانَ بَدَىَّ اللِّسَانِ فَحَاشَا لِمَنْ يُبَالِ مَا قَالَ أَوْ قِيلَ
فِيهِ فَإِنَّهُ لِعِيبَةٍ أَوْ شِرْكِ الشَّيْطَانِ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس بد زبان و فحاش باشد باکی ندارد که چه می گوید یا در باره اش چه گفته می شود، زیرا نامشروع زاده است یا شیطان در آن شریک است .

و اللغية الرجل الشديد الاكل عَنْهُ علیه السلام قَالَ النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَ
الْفِضَّةِ مَا كَانَ لَهُ فِي الْجَاهِلِيَّةِ أَصْلٌ فَإِنَّهُ لَهُ فِي الْإِسْلَامِ أَصْلٌ

امام صادق علیه السلام فرمود: مردم معدنهایی مثل معدنهای طلا و نقره اند، در زمان جاهلیت برای این معدن اساس و پایه ای نبود، ولی در اسلام دارای اساس و پایه است .

عَنْهُ قَالَ إِنَّ مُوسَى وَ هَارُونَ علیه السلام حِينَ دَخَلَا عَلَى فِرْعَوْنَ لَمْ يَكُنْ فِي جُلْسَائِهِ
يَوْمَئِذٍ وَ لَوْ كَانَ لَأَمْرُوهُ بِقَتْلِهِمَا قَالُوا أَرْجِهْ وَ أَخَاهُ وَ أَمْرُوهُ بِالتَّائِي وَ

النَّظَرِ قَالَ ثُمَّ وَضَعَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَدَهُ عَلَى صَدْرِهِ وَقَالَ وَكَذَلِكَ نَحْنُ وَلَا يَتَسَرَّعُ
إِلَيْنَا إِلَّا كُلُّ خَبِيثِ الْوَلَادَةِ

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که موسی و هارون بر فرعون وارد شدند، در میان همنشینان او زنازاده ای نبود، و اگر بود حکم به کشتن موسی و هارون می دادند، از این جهت گفتند: او را با برادرش حفظ کنید، و فرعون را به تأمل و تدبیر (در باره آنها) واداشتند.

در اینجا امام صادق علیه السلام دستش را بر سینه نهاد و فرمود: ما نیز این چنین هستیم ، هیچ کس در کشتن ما تعجیل ندارد مگر اینکه زنازاده باشد.

عَنِ الرَّضَا علیه السلام قَالَ إِيَّاكَ وَالْمُرْتَقَى الصَّعْبَ إِذَا كَانَ مُنْحَدِرُهُ وَعَرَاً وَإِيَّاكَ أَنْ
تَتَّبِعَ النَّفْسَ هَوَاهَا فَإِنَّ فِي هَوَاهَا رَدَاهَا

امام رضا علیه السلام فرمود: از رفتن به جاهای بلند و سخت که شیب دارد و صاف است بپرهیز، و از پیروی از هوای نفس بپرهیز، زیرا پیروی از آن پستی به دنبال دارد.

عَنْهُ قَالَ الْمُؤْمِنُ لَا يَكُونُ ذَلِيلًا وَلَا يَكُونُ ضَعِيفًا

امام رضا علیه السلام فرمود: مؤمن نه خوار و ذلیل است و نه ضعیف .

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ قُلْتُ كَيْفَ أَقِيهِمْ قَالَ
تَأْمُرُهُمْ بِمَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا نَهَاَهُمُ اللَّهُ عَنْهُ فَإِنْ أَطَاعُوكَ كُنْتَ قَدْ
وَقَيْتَهُمْ وَإِنْ عَصَوْكَ كُنْتَ قَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ

ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام در باره قول خدای تعالی (خود و خانواده تان را حفظ کنید) پرسیدم ، که چگونه آنان را حفظ کنم ؟ فرمود: آنان را به

آنچه خدا امر فرموده امر کن و از آنچه نهی فرموده نهی کن ، اگر اطاعت کردند تو آنها را حفظ کرده ای ، و اگر نافرمانیت کردند تو وظیفه ات را انجام داده ای .
 . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ قُورَا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا جَلَسَ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَبْكِي فَقَالَ أَنَا عَجَزْتُ عَنْ نَفْسِي كُفِّتُ أَهْلِي فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ حَسْبُكَ أَنْ تَأْمُرَهُمْ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسَكَ وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ نَفْسَكَ

امام صادق عليه السلام فرمود: هنگامی که این آیه نازل شد (خودتان و خانواده تان را از دوزخ حفظ کنید) مردی از مسلمانان نشست و شروع به گریه کرد و گفت : من از حفظ خودم عاجزم ، خانواده ام را هم بر عهده من گذاشتند! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برای تو همین بس که به آنچه خودت امر شده ای امرشان کنی ، و از آنچه خودت نهی شده ای نهیشان کنی .

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَعْظُ أَهْلَهُ وَنِسَاءَهُ وَهُوَ يَقُولُ لَهُنَّ لَا تَقْلَنَّ فِي سُجُودِكِنَّ أَقْلٌ مِنْ ثَلَاثِ تَسْبِيحَاتٍ فَإِنْ كُنْتِنَّ فَعَلْتِنَّ لَمْ يَكُنَّ أَحْسَنَ عَمَلًا مِنْكُنَّ

اسحاق بن عمار گوید: شنیدم که امام صادق عليه السلام خانواده و زنهایش را موعظه می کند و به آنها می فرماید: در سجده هایتان کمتر از سه تسبیح نگویید، اگر چنین کنید، عملی بهتر از عمل شما نخواهد بود.

فصل ششم : در آسایش

(الفصل السادس في الرفاهية)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ لَا يُحَاسِبُ عَلَيْهَا الْمُؤْمِنُ طَعَامٌ يَأْكُلُهُ وَ ثَوْبٌ يَلْبَسُهُ وَ زَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تَعَاوَنُهُ وَ تُحَصِّنُ فَرْجَهُ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: مؤمن در باره سه چیز مورد محاسبه قرار نمی گیرد: غذایی که می خورد، لباسی که می پوشد، زن صالحه ای که کمکش می کند و دامنش را پاک نگه می دارد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ ثَلَاثَةٌ فِيهِنَّ لِلْمُؤْمِنِ رَاحَةٌ دَارٌ وَاسِعَةٌ تُوَارِي عَوْرَتَهُ وَ سُوءَ حَالِهِ مِنَ النَّاسِ وَ امْرَأَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ بِنْتُ أَوْ أُخْتُ أَخْرَجَهَا مِنْ بَيْتِهِ بِمَوْتٍ أَوْ تَزْوِيجٍ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: مؤمن در سه چیز راحت است : خانه بزرگی که ناموسش و بدی حالش را از مردم حفظ کند، زن صالحه ای که بر امر دنیا و آخرت کمک کارش باشد، دختر یا خواهری که او را به مرگ یا ازدواج از خانه اش بیرون برد.

عَنِ النَّوْفَلِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَصْبَحَ مُعَافَاً فِي سَمْعِهِ وَ بَصَرِهِ وَ عَقْلِهِ آمِنًا فِي سَرْبِهِ مِنَ السُّلْطَانِ وَ لَهُ رِزْقٌ يَوْمَ إِلَى اللَّيْلِ فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ خَيْرٍ مِمَّا أُشْرَقَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس وارد صبح شود در حالی که چشم و گوش و عقلش سالم باشد، و از سلطان وقت در امان باشد، و روزی صبح تا شبش مهیا باشد، به این شخص بهتر از آنچه خورشید بر آن بتابد و غروب کند عطا شده است .

عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَمَّنْ حَدَّثَهُ أَنَّهُ قَالَ كُنْتُ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ أَيَّامَ حَبْسِهِ بِبَغْدَادَ وَكَانَ لِي شَعْرٌ فَقَالَ جُزِّ شَعْرَكَ ثُمَّ قَالَ ثَلَاثُ خِصَالٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَتَرَكَهِنَّ لَمْ يَعُدْ إِلَيْهِنَّ أَبَدًا مَنْ كَانَ لَهُ شَعْرٌ فَطَمَّهُ لَمْ يَعُدْ يُوقَرُ شَعْرُهُ أَبَدًا لِمَا يُصِيبُ مِنَ اللَّذَّةِ وَالرَّاحَةِ وَمَنْ كَانَ يَلْبَسُ ثَوْبًا طَوِيلًا فَشَمَّرَ لَمْ يَعُدْ يَلْبَسُ ثَوْبًا طَوِيلًا لِمَا يَجِدُ مِنَ الرَّاحَةِ وَمَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ حُرَّةٌ فَطَلَّقَهَا وَاتَّخَذَ الْإِمَاءَ لَمْ يَعُدْ إِلَى حُرَّةٍ أَبَدًا لِخِيفَةِ مَوْتَةِ الْإِمَاءِ وَتَتَابَعَتْهُنَّ فِي جَمِيعِ الْحَالَاتِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ قَالَ لِنَبِيِّهِ وَثِيَابَكَ فَطَهَّرُ وَكَانَتْ ثِيَابُهُ طَاهِرَةً وَإِنَّمَا أَمْرُهُ بِالتَّشْمِيرِ

عبد الرحمن بن ابی لیلی گوید: با امام کاظم عاشق در زندان بودم ، مویم بلند بود، فرمود: مویت را کوتاه کن ، سپس فرمود: سه خصلت است که اگر در کسی باشد و آنها را ترک کند، دیگر به سراغشان نرود: کسی که موی بلند داشته و آن را کوتاه کند، دیگر موهای خود را بلند نکند به خاطر لذت و راحتی (که در موی کوتاه هست)، و هر کس لباس بلندی بپوشد، بعد پایین آن را کوتاه کند، هرگز لباس بلند نخواهد پوشید، به دلیل راحتی ، و هر که زن آزادش را طلاق دهد و کنیزی بگیرد، دیگر آن زن آزاد را نخواهد گرفت ، و این به خاطر کم خرج بودن کنیزها و پیروی کردنشان در همه حال می باشد.

حضرت فرمود: خداوند عز و جلّ به پیامبرش ﷺ فرمود: (و لباست را پاکیزه گردان) در حالی که لباس ایشان طاهر بود، و فقط ایشان را امر به کوتاه نمودن لباس کرد.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَكُونَ مُتَجَرِّهُ فِي بِلَادِهِ وَ يَكُونَ خَطَاؤُهُ صَالِحِينَ وَ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ يَسْتَعِينُ بِهِ وَ مِنْ شَقَاءِ الْمَرْءِ أَنْ يَكُونَ عِنْدَهُ امْرَأَةٌ يُعْجَبُ بِهَا وَ هِيَ تَخُونُهُ فِي نَفْسِهَا

امام سجاد ﷺ فرمود: از خوشبختی انسان این است که محل کسبش در شهرش باشد، و رفقاییش افراد صالح باشند، و فرزندی داشته باشد که کمکش کند، و از بدبختی انسان این است که زنی داشته باشد که به او مباحثات می کند، در حالی که آن زن در نفسش به او خیانت می ورزد.

قَالَ عُمَانُ بْنُ مَطْعُونٍ لِلنَّبِيِّ ﷺ إِنِّي قَدْ هَمَمْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ بِأَنْ أَخْتَصِيَ فَقَالَ مَهْلًا يَا عُمَانُ فَإِنَّ الْإِخْتِصَاءَ فِي أُمَّتِي الصِّيَامُ وَالصَّلَاةُ قَالَ فَإِنِّي قَدْ هَمَمْتُ بِالسِّيَاحَةِ فَقَالَ مَهْلًا يَا عُمَانُ فَإِنَّ السِّيَاحَةَ فِي أُمَّتِي لِرُومِ الْمَسَاجِدِ وَانتِظَارِ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ قَالَ فَإِنِّي قَدْ هَمَمْتُ أَنْ لَا أَكُلَ لَحْمًا فَقَالَ مَهْلًا يَا عُمَانُ فَإِنِّي أَكُلُ اللَّحْمَ وَ أَحِبُّهُ وَ لَوْ وَجَدْتُ كُلَّ يَوْمٍ لَأَكَلْتُهُ وَ لَوْ سَأَلْتُ اللَّهَ لَأَطْعَمَنِيهِ قَالَ فَإِنِّي يَا نَبِيَّ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي قَدْ هَمَمْتُ أَنْ لَا أَتَطَيَّبَ أَبَدًا قَالَ مَهْلًا يَا عُمَانُ فَإِنِّي أَتَطَيَّبُ وَ أَحِبُّ الطَّيِّبَ الطَّيِّبُ مِنَ سُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي

عثمان بن مظعون به پیامبر ﷺ فرمود: ای رسول خدا! من قصد کرده ام خود را از مردی بیاندازم ، فرمود: ای عثمان ! آرام باش ، اخته کردن در امت

من به روزه گرفتن و نماز خواندن است . عرض کرد: من به گردش خیلی اهمیت می دهم ، فرمود: ای عثمان ! صبر کن ، گردش امت من حضور همیشگی در مسجدها و انتظار کشیدن نماز بعد از نماز است ، گفت : من قصد کرده ام که دیگر گوشت نخورم . فرمود: ای عثمان ! مهلت بده ، من گوشت می خورم و آن را دوست دارم و اگر هر روز هم آن را بیایم خواهم خورد، و اگر هم از خدا بخواهم به من می خوراند، گفت : ای پیامبر خدا! پدر و مادرم قربانت ، من قصد کرده ام که دیگر عطر نزنم . فرمود: ای عثمان ! تأمل کن ، من خود را معطر می کنم و بوی خوش را دوست دارم ، بوی خوش از سنت من و سنت پیامبران قبل از من است .

عَنِ النَّوْفَلِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ اتَّخَذَ شَعْرًا فَلْيُحْسِنْ وَلَا يَتَهُ أَوْ لِيحْزَهُ لِيحْزُهُ وَ مَنْ اتَّخَذَ نَعْلًا فَلْيَسْتَجِدْهَا وَ مَنْ اتَّخَذَ دَابَّةً فَلْيَسْتَفْرِهْهَا وَ مَنْ اتَّخَذَ ثَوْبًا فَلْيَسْتَنْظِفْهُ أَوْ لِيَسْتَجِدْ أَيُّ فَلْيَأْخُذْ جَدِيدًا

رسول اکرم ﷺ فرمود: هر کس مویش را بلند گذاشت باید آن را تمیز نگهدارد یا کوتاهش کند، و هر کس کفشی خرید باید آن را تمیز نگهدارد، یا کفش نو بخرد، و هر کس حیوانی نگهداری می کند باید نیکو مواظبتش کند تا فریه شود، و هر کس جامه ای تهیه نمود باید آن را پاکیزه نگهدارد، یا جامه ای نو بخرد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا كَانَ النَّائِمُونَ أَكْثَرَ مِنَ الْمُتَّبِعِينَ خَرَجَ عَنْهُمْ الْمُتَّبِعُونَ أَكْثَرَ مِمَّا خَرَجَ عَنْهُمْ النَّائِمُونَ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه خوابیدگان بیش از بیداران باشند، خوابیدگان بیشتر از آگاهان و بیداران به آگاهی می رسند.

فصل هفتم : در مذمت دنیا

(الفصل السابع فى ذم الدنيا)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ فِي وَصِيَّةِ لُقْمَانَ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ اعْلَمْ أَنَّ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَ
عُمْرُكَ مِنْهَا قَلِيلٌ مِنْ قَلِيلٍ وَ يَقِرُّ مِنَ الْقَلِيلِ قَلِيلٌ

امام صادق عليه السلام فرمود: لقمان در وصیتی به فرزندش فرمود: فرزندم! بدان
که دنیا کوتاه است و عمر تو اندک ، بنا بر این از اندک فقط اندک حاصل می
شود.

عَنْ مُهَاجِرِ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ مَرَّ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَلَى قَرْيَةٍ قَدْ مَاتَ أَهْلُهَا وَ طَيْرُهَا وَ دَوَابُّهَا فَقَالَ أَمَا إِنَّهُمْ لَمْ
يَمُوتُوا إِلَّا بِسَخَطَةِ وَ لَوْ مَاتُوا مُتَفَرِّقِينَ لَتَدَافَنُوا فَقَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَ
كَلِمَتُهُ ادْعُ اللَّهَ أَنْ يُحْيِيَهُمْ لَنَا فَيُخْبِرُونَا مَا كَانَتْ أَعْمَالُهُمْ فَجَنَّتَبَهَا فَدَعَا عَيْسَى رَبَّهُ
فَنُودِيَ مِنَ الْجَوِّ أَنْ نَادِهِمْ فَقَامَ عَيْسَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بِاللَّيْلِ عَلَى شَرَفٍ مِنَ
الْأَرْضِ فَقَالَ يَا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ فَأَجَابَهُ مِنْهُمْ مُجِيبٌ لَبَّيْكَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ
فَقَالَ وَيْحَكُمْ مَا كَانَتْ أَعْمَالُكُمْ قَالَ عِبَادَةُ الطَّاعُوتِ وَ حُبُّ الدُّنْيَا مَعَ خَوْفِ قَلِيلٍ وَ
أَمَلِ بَعِيدٍ فِي عَفْلَةٍ وَ لَهْوٍ وَ لَعِبٍ قَالَ كَيْفَ حُبُّكُمْ الدُّنْيَا قَالَ كَحُبِّ الصَّبِيِّ لِأُمِّهِ إِذَا
أَقْبَلَتْ عَلَيْنَا فَرِحْنَا وَ سُررْنَا وَ إِذَا أَدْبَرَتْ عَنَّا بَكَيْنَا وَ حَزِنْنَا قَالَ كَيْفَ كَانَتْ
عِبَادَتُكُمْ لِلطَّاعُوتِ قَالَ الطَّاعَةَ لِأَهْلِ الْمَعَاصِي قَالَ كَيْفَ كَانَتْ عَاقِبَةُ أَمْرِكُمْ قَالَ
بِتَنَا لَيْلَةً فِي عَافِيَةٍ وَ أَصْبَحْنَا فِي الْهَآوِيَةِ قَالَ وَ مَا الْهَآوِيَةُ قَالَ سَجِينٌ قَالَ وَ مَا
السَّجِينُ قَالَ جِبَالٌ مِنْ جَمْرٍ تُوقَدُ عَلَيْنَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ فَمَا قُلْتُمْ وَ مَا قِيلَ
لَكُمْ قَالَ قُلْنَا رُدَّنَا إِلَى الدُّنْيَا فَتَزْهَدَ فِيهَا فَقِيلَ لَنَا كَذَبْتُمْ قَالَ وَيْحَكَ كَيْفَ لَمْ

يُكَلِّمُنِي غَيْرَكَ مِنْ بَيْنِهِمْ قَالَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ إِنَّهُمْ مُلْجَمُونَ بِلُجْمٍ مِنْ نَارٍ
بِأَيْدِي مَلَائِكَةٍ غَلَاظٍ شِدَادٍ وَإِنِّي كُنْتُ فِيهِمْ وَلَمْ أَكُنْ مِنْهُمْ فَلَمَّا نَزَلَ بِهِمُ الْعَذَابُ
عَمَّنِي مَعَهُمْ فَأَنَا مُعَلَّقٌ بِشَعْرَةٍ عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ لَا أَذْرِي أَكْبَكَبُ فِيهَا أَمْ أَنْجُو مِنْهَا
فَالْتَفَتَ عَيْسَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ أَكُلُ الْخُبْزِ الْيَابِسِ
بِالْمِلْحِ الْجَرِيشِ وَالنَّوْمُ عَلَى الْمَزَابِلِ خَيْرٌ كَثِيرٌ مَعَ عَافِيَةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

امام باقر عليه السلام فرمود: عیسی بن مریم علیه السلام از آبدایی عبور می کرد که مردم
آن و پرندگان و حیواناتش همگی مرده بودند، عیسی علیه السلام فرمود: اینجا مرده اند
مگر به غضب خدا، و اگر یکی یکی مرده بودند همدیگر را دفن می کردند،
حواریون گفتند: ای روح الله! از خدا بخواه آنان را برای ما زنده کند، تا با ما از
اعمالشان سخن بگویند، و ما از آن عملها دوری کنیم، عیسی پروردگارش را
خواند، ندایی از آسمان گفت: آنان را صدا بزن، عیسی علیه السلام شب هنگام
برخاست و روی بلندی رفت و گفت: ای کسانی که اهل این آبادی هستید،
کسی از بین آنان جوابش داد: بفرمایید ای روح خدا.

فرمود: وای بر شما! عملهای شما چه بوده است؟ گفت: پرستش طاغوت و
دوستی دنیا با کمی ترس (از خدا) و آرزویی دور و دراز، فرو رفته در غفلت و
لهو و لعب، فرمود:

دنیا را چگونه دوست داشتید؟ گفت: مانند دوست داشتن طفل نسبت به
مادرش، هر گاه به ما روی می نمود شاد و مسرور می شدیم، و هر گاه پشت
می کرد گریه می کردیم و غمناک می شدیم، فرمود: چگونه طاغوت را می
پرستیدید؟ گفت: با پیروی از گنهکاران، فرمود: عاقبت کارتان چه شد؟ گفت:
شب در سلامت خوابیدیم و صبح خود را در هاویه دیدیم. فرمود: هاویه
چیست؟ گفت: سجین است، فرمود: سجین چیست؟

گفت: کوههایی از آتش که تا روز قیامت بر ما گذاخته می شوند، فرمود: شما چه گفتید و به شما چه گفته شد؟ گفت: گفتیم ما را به دنیا بر گردانید تا در آن پرهیزگاری پیشه کنیم، به ما گفته شد: دروغ گفتید، فرمود: وای بر تو! چرا از میان آنان فقط تو با من سخن می گویی؟ گفت: ای روح خدا! آنان لگامهای آتشین در دهان دارند و در دست ملائک غلاظ و شداد اسیرند، و من در بین آنهایم ولی جزء آنها نمی باشم، ولی چون عذاب فرود آمد مرا هم با آنان در بر گرفت، و من اکنون به مویی از لبه جهنم آویزان شده ام، نمی دانم در آن فرود خواهم آمد، یا از آن نجات پیدا می کنم؟ عیسی ﷺ رو به اصحابش کرد و فرمود: ای اولیای خدا! خوردن نان خشک با نمک زبر و خوابیدن در زباله دان اگر به همراه سلامت دنیا و آخرت باشد بهترین سعادت است.

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ سُبْحَانَ مَنْ لَوْ كَانَتْ الدُّنْيَا خَيْرًا كُلُّهَا لَمَا ابْتَلَى فِيهَا مَنْ أَحَبَّ سُبْحَانَ مَنْ لَوْ كَانَتْ الدُّنْيَا كُلُّهَا شَرًّا لَمَا نَجَا مِنْهَا مَنْ أَرَادَ

امام صادق ﷺ فرمود: منزّه است خدایی که؛ اگر تمامی دنیا خیر بود کسی را که دوست داشت در آن گرفتار نمی نمود، و اگر تمامش شر بود هر که را می خواست از آن نجات نمی داد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ جُعِلَ الشَّرُّ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ حُبَّ الدُّنْيَا وَ جُعِلَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا

امام صادق ﷺ فرمود: همه بدی در اطاقی نهاده شده و کلیدش محبت دنیاست، و تمامی خیر در خانه ای قرار داده شده و کلیدش زهد در دنیاست.

عَنْهُ قَالَ نَزَلَ جِبْرَائِيلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ لَهُ رَبُّكَ يُقْرُتُكَ السَّلَامُ وَيَقُولُ لَكَ هَذِهِ بَطْحَاءُ مَكَّةَ تَكُونُ لَكَ رَضْرَاضُهُ ذَهَبٌ وَلَا تَنْقُصُ مِمَّا ادَّخَرْتَ لَكَ شَيْئًا قَالَ فَنَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ إِلَى الْبَطْحَاءِ فَقَالَ لَا يَا رَبِّ وَلَكِنْ أَشْبَعُ يَوْمًا فَأَحْمَدُكَ وَأَجُوعُ يَوْمًا فَأَسْأَلُكَ

امام صادق عليه السلام فرمود: جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد و عرض کرد: خدایت سلام می رساند و می فرماید: ریگزارهای مکه را برایت تبدیل به تکه های طلا می کنم و از مقامات اخروی هم چیزی کم نمی کنم ، رسول خدا صلی الله علیه و آله نگاهی به بیابان کرد و عرض کرد: پروردگارا! اگر روزی سیر باشم تو را سپاس گویم ، و اگر روزی گرسنه باشم از خودت می خواهم .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَا لِي وَالدُّنْيَا وَمَا أَنَا وَالدُّنْيَا إِنَّمَا مَثَلِي وَمَثَلُهَا كَمَثَلِ رَاكِبٍ رُفِعَتْ لَهُ شَجْرَةٌ فِي يَوْمٍ صَائِفٍ فَنَامَ تَحْتَهَا ثُمَّ رَاحَ وَتَرَكَهَا

امام صادق عليه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کند که فرمود: مرا چه به دنیا و من با دنیا چه کار دارم ، حکایت من و دنیا حکایت سواری است که در روزی گرم به درختی برخورد، و زیر سایه آن درخت خواب کوتاهی نموده ، سپس کوچ کرده و درخت را وا گذاشته .

عَنْهُ عليه السلام قَالَ إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عليه السلام إِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ لَيِّنٌ مَسُّهَا وَفِي جَوْفِهَا السَّمُّ النَّافِعُ يَحْذَرُهَا الرَّجَالُ ذَوُو الْعُقُولِ وَيَهْوِي إِلَيْهَا الصَّبِيُّ الْجَاهِلُ

امام صادق علیه السلام فرمود: در کتاب علی علیه السلام است که : حکایت دنیا حکایت ماری است که به نرمی لمس می شود ولی درونش زهری کشنده است ، مرد عاقل از آن بپرهیزد، و کودک نادان به سوبش گراید.

عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام مَثَلُ الْحَرِيصِ عَلَى الدُّنْيَا مَثَلُ دُوْدَةِ الْقَزِّ كُلَّمَا ازْدَادَتْ مِنْ الْقَزِّ عَلَى نَفْسِهَا لَفًا كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمًّا

امام صادق علیه السلام از حضرت باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: حکایت شخص حریص بر دنیا، حکایت کرم ابریشمی است که هر چه به دور خود پيله می پیچد خارج شدنش از آن سخت تر می شود، تا بالاخره از غصه می میرد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَا أَنَا وَالدُّنْيَا إِنَّمَا مَثَلِي وَمَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رَجُلٍ رَاكِبٍ مَرَّ عَلَى شَجَرَةٍ لَهَا فِيءٌ فَاسْتَنْظَلَ تَحْتَهَا فَلَمَّا أَنْ مَالَ الظِّلُّ عَنْهَا ارْتَحَلَ وَذَهَبَ وَتَرَكَهَا

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل کند که فرمود: مرا چه با دنیا، حکایت من و دنیا حکایت سواری است که به درختی می رسد و زیر سایه اش استراحت می کند، و چون سایه اش بر طرف شد از آنجا کوچ کند و درخت را ترک گوید.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ مَنْ أَصْبَحَ وَأَمْسَى وَالدُّنْيَا أَكْبَرُ هَمِّهِ جَعَلَ اللَّهُ الْفَقْرَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَشَتَّ أَمْرَهُ وَلَمْ يَنْلُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قُسِمَ لَهُ وَ مَنْ أَصْبَحَ وَأَمْسَى وَ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ هَمِّهِ جَعَلَ اللَّهُ الْغِنَى فِي قَلْبِهِ وَ جَمَعَ لَهُ أَمْرَهُ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس شب را به صبح و صبحی را به شب برساند و تمام هم و غمش دنیا باشد، خداوند فقر را بر او مسلط نماید و کارش را

پریشان سازد، و جز به آنچه خدا روزیش نموده نرسد، و هر که شب را به صبح و صبح را به شب رساند و تمام هم و غمش آخرت باشد، خداوند بی نیازی را در دلش اندازد و کارش را مرتب کند.

عَنْهُ قَالَ لَوْ فَقَدَ الْقَلْبُ حُبَّ الدُّنْيَا وَزَنَ ذَرَّةً فَلَا يُخَدَعُ

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر دل ؛ دوستی دنیا را به اندازه ذره ای هم از دست دهد فریب نخورده .

عَنْهُ قَالَ أَحْكِمُ دِينَكَ كَمَا أَحْكَمَ أَهْلُ الدُّنْيَا أَمْرَ دُنْيَاهُمْ فَإِنَّمَا جُعِلَتِ الدُّنْيَا شَاهِدًا تَعْرِفُ بِهَا مَا غَابَ عَنْهَا مِنَ الْآخِرَةِ بِهَا وَلَا تَنْظُرُ إِلَى الدُّنْيَا إِلَّا بِاعْتِبَارٍ

امام صادق علیه السلام فرمود: دینت را محکم کن ، همان گونه که اهل دنیا؛ دنیای خود را محکم می کنند، دنیا گواهی قرار داده شده که امور آخرت که پنهان از آن است به وسیله اش شناخته شود، آخرت را به وسیله دنیا بشناس ، و به دنیا فقط به نظر عبرت بنگر

عَنْهُ علیه السلام قَالَ كَمْ مِنْ طَالِبٍ لِلدُّنْيَا لَمْ يُدْرِكْهَا وَ مُدْرِكٍ لَهَا قَدْ فَارَقَهَا فَلَا يَشْغَلَنَّكَ طَلْبُهَا عَنْ عَمَلِكَ وَ التَّمَسُّهَا مِنْ مُعْطِيهَا وَ مَالِكِهَا فَكَمْ مِنْ حَرِيصٍ عَلَى الدُّنْيَا قَدْ صَرََعَتْهُ وَ اشْتَغَلَ بِمَا أُدْرِكَ مِنْهَا عَنْ عَمَلٍ آخِرٍ آخِرَتِهِ حَتَّى انْقَضَى عُمُرُهُ وَ أُدْرِكَ أَجَلُهُ

امام صادق علیه السلام فرمود: چه بسا جوینده دنیا که بدان نرسد، و رسندگان که ترکش کرده اند، مبادا دنیاجویی تو را از عمل باز دارد، و همواره دنیا را از بخشنده و مالک آن بخواه ، چه افراد حریص و آزمند بر دنیا؛ که او را از پا در

آورده ، و به آنچه از دنیا به دست آورده از آخرتش باز مانده ، تا اینکه عمرش سپری شده و مرگش در رسیده .

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الدُّنْيَا وَالدَّرْهَمَ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَهُمَا مُهْلِكَاكُمْ

امیر مؤمنان علی بن ابی طالب از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود: دینار و درهم گذشتگان شما را نابود ساختند، و این دو نابودکننده شما نیز هستند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ وَلِيَّهُ غَرَضًا لِلْعَدُوِّ

امام صادق علی بن ابی طالب فرمود: خدا همواره دوستانش را در معرض تیر دشمنان قرار داده است .

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَغَمُّ الْمُؤْمِنِ وَإِنَّ الدُّنْيَا جَنَّةُ الْكَافِرِ وَرَوْحُ الْكَافِرِ

رسول خدا ﷺ فرمود: دنیا زندان مؤمن و باعث اندوه اوست ، و دنیا بهشت کافر و باعث سرور اوست .

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ فَأَيُّ سِجْنٍ جَاءَ مِنْهُ خَيْرٌ

رسول خدا ﷺ فرمود: دنیا زندان مؤمن است ، کدام زندان باعث خیر است

؟

عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ شَكَأَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الضِّيقَ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مَا ذَنْبِي أَنْتُمْ اخْتَرْتُمُوهُ قَالَ الرَّجُلُ وَمَتَى اخْتَرْنَاهُ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَرَضَ

عَلَيْكُمْ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ فَاخْتَرْتُمْ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَ الْمُؤْمِنُ ضَيْفٌ عَلَى الْكَافِرِ
 فِي هَذِهِ الدُّنْيَا وَ أَنْتُمْ الْآنَ تَأْكُلُونَ وَ تَشْرَبُونَ وَ تَلْبَسُونَ وَ تَنْكِحُونَ وَ هُمْ فِي
 الْآخِرَةِ لَا يَأْكُلُونَ وَ لَا يَشْرَبُونَ وَ لَا يَلْبَسُونَ وَ لَا يَنْكِحُونَ وَ يَسْتَشْفَعُونَكُمْ فِي
 الْآخِرَةِ فَلَا تَشْفَعُونَ فِيهِمْ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا
 رَزَقَكُمْ اللَّهُ فَيَجِيبُوهُمْ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَهَا عَلَى الْكَافِرِينَ

ابان بن عثمان گوید: مردی نزد امام صادق علیه السلام از سختی زندگیش شکایت
 کرد، امام علیه السلام به او فرمود: گناه من چیست ؟ شما خودتان انتخابش کردید! مرد
 گفت : چه وقت انتخابش کردیم ؟ فرمود: خداوند دنیا و آخرت را بر شما عرضه
 داشت ، شما آخرت را بر دنیا ترجیح دادید، مؤمن در این دنیا مهمان کافر است
 ، شما هم اکنون می خورید و می آشامید و می پوشید و ازدواج می کنید، و آنان
 در آخرت نه می خورند و نه می نوشند و نه می پوشند و نه ازدواج می کنند،
 آنان در آخرت از شما طلب شفاعت می کنند و شما شفاعتشان نمی کنید،
 خداوند می فرماید: (به ما از آب گوارا یا آنچه خدا روزیتان گردانده بدهید)، به
 آنها جواب می دهند: خداوند اینها را بر کافری حرام کرده .

سُئِلَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ علیه السلام أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى قَالَ مَا مِنْ عَمَلٍ بَعْدَ
 مَعْرِفَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَ مَعْرِفَةِ رَسُولِهِ أَفْضَلَ مِنْ بُغْضِ الدُّنْيَا وَ إِنَّ لِدَٰلِكَ لَشُعْبًا كَثِيرَةً وَ
 لِلْمَعَاصِي شُعْبٌ فَأَوَّلُ مَا عُصِيَ اللَّهُ بِهِ الْكِبْرُ وَ هُوَ مَعْصِيَةُ إِبْلِيسَ حِينَ أَبِي وَ
 اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ثُمَّ الْحِرْصُ وَ هُوَ مَعْصِيَةُ آدَمَ وَ حَوَاءَ صَلَوَاتُ اللَّهِ
 عَلَيْهِمَا حِينَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ
 الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ فَأَخَذَا مَا لَا حَاجَةَ بِهِمَا إِلَيْهِ فَدَخَلَ ذَلِكَ عَلَى ذُرِّيَّتِهِمَا
 إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ ذَلِكَ لِأَنَّ أَكْثَرَ مَا يَطْلُبُ ابْنُ آدَمَ مَا لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَيْهِ ثُمَّ الْحَسَدُ وَ

هُوَ مَعْصِيَةُ ابْنِ آدَمَ حِينَ حَسَدَ أَخَاهُ فَقَتَلَهُ فَتَشَعَّبَ مِنْ ذَلِكَ حُبُّ النِّسَاءِ وَ حُبُّ الدُّنْيَا وَ حُبُّ الرِّئَاسَةِ وَ حُبُّ الرَّاحَةِ وَ حُبُّ الكَلَامِ وَ حُبُّ العُلُوِّ وَ حُبُّ الثَّرْوَةِ فَصِرْنَ سَبْعَ خِصَالٍ فَاجْتَمَعْنَ كُلُّهُنَّ فِي حُبِّ الدُّنْيَا فَقَالَتِ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْعُلَمَاءُ بَعْدَ مَعْرِفَةِ ذَلِكَ حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَ الدُّنْيَا دُئِبِيَانِ دُنْيَا بِلَاغٌ وَ دُنْيَا مَلْعُونَةٌ

از امام سجاد علیه السلام سؤال شد: کدام اعمال نزد خداوند از همه بهتر است ؟
 فرمود: هیچ عملی بعد از شناخت خدا و رسولش بهتر از دشمنی با دنیا نیست ،
 دشمنی با دنیا اقسامی و گناهان نیز اقسامی دارد، نخستین معصیتی که نسبت به
 خداوند واقع شد تکبر بود، و آن نافرمانی شیطان بود که (سریچی کرد و کبر
 ورزید و از کافران شد) معصیت دیگر حرص و طمع است که آن معصیت آدم و
 حوا (صلوات الله علیهما) بود، آن هنگام که خداوند فرمود: (از هر چه می
 خواهید بخورید ولی به این درخت نزدیک نشوید که از ظلم کنندگان خواهید
 بود)، آنها با اینکه احتیاجی به آن (درخت) نداشتند، آن را خوردند و این حرص
 تا روز قیامت بین فرزندان باقی ماند، و از این روست که فرزندان آدم
 چیزهایی را جمع می کنند که به آنها نیازی ندارند.

بعد از آن حسد است ، که گناهی است که فرزند آدم گرفتارش شد، آن هنگام
 که برادرش را به خاطر حسادت کشت ، از حسد چند چیز منشعب می شود:
 دوستی زنان ، دوستی دنیا، دوستی ریاست ، دوستی راحتی ، دوستی سخن گفتن
 ، دوستی مقام و دوستی ثروت که جمعا هفت خصلت می شود، و تمام آنها در
 دوستی دنیا جمعند، از این رو پیامبران و دانشمندان بعد از شناخت آن گفته اند:
 دوستی دنیا سرآغاز همه گناهان است ، و دنیا دو قسم است : دنیای کفاف و
 دنیای ملعون .

عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَتَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِلَى بَعْضِ أَصْحَابِهِ يَعْظُمُ أَوْصِيكَ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ مِنْ لَا تَحِلُّ مَعْصِيَتُهُ وَلَا يُرْجَى غَيْرُهُ وَلَا الْغِنَى إِلَّا بِهِ فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ عَزَّ وَ قَوِيَ وَ شَبِعَ وَ رَوَى وَ رَفَعَ عَقْلُهُ عَنْ أَهْلِ الدُّنْيَا فَبَدَنَتْهُ مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ قَلْبُهُ وَ عَقْلُهُ مُعَايِنٌ لِلْآخِرَةِ فَأَطْفَأَ بَضْوَةَ قَلْبِهِ مَا أَبْصَرَتْ عَيْنَاهُ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا فَقَدَرَ حَرَامَهَا وَ جَانَبَ شُبُهَاتِهَا وَ أَضَرَ وَ اللَّهَ بِالْحَلَالِ الصَّافِي إِلَّا مَا لَا بُدَّ لَهُ مِنْ كِسْرَةٍ يَشُدُّ بِهَا صُلْبَهُ وَ تَوْبٍ يُوَارِي بِهِ عَوْرَتَهُ مِنْ أَغْلَظِ مَا يَجِدُ وَ أَحْسَنِهِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ فِيهَا لَأ بُدٌّ مِنْهُ ثِقَةٌ وَ لَا رَجَاءٌ فَوْقَتَتْ ثِقَتَهُ وَ رَجَاؤُهُ عَلَى خَالِقِ الْأَشْيَاءِ فَجَدَّ وَ اجْتَهَدَ وَ اتَّعَبَ بَدَنَهُ حَتَّى بَدَتْ الْأَضْلَاعُ وَ غَارَتِ الْعَيْنَانِ فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ قُوَّةً فِي بَدَنِهِ وَ شِدَّةً فِي عَقْلِهِ وَ مَا ادَّخَرَ لَهُ فِي الْآخِرَةِ أَكْثَرَ فَارْفُضِ الدُّنْيَا فَإِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يُعْمِي وَ يُصِمُّ وَ يُبْكِمُ وَ يُذِلُّ الرِّقَابَ فَتَدَارِكُ مَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِكَ وَ لَا تَقُلْ غَدًا وَ بَعْدَ غَدٍ فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ مَضَى قَبْلَكُمْ بِإِقَامَتِهِمْ عَلَى الْأَمَانِيِّ وَ التَّسْوِيفِ حَتَّى آتَاهُمْ مِنَ اللَّهِ أَمْرُهُمْ بَغْتَةً وَ هُمْ غَافِلُونَ فَتَقَلُّوا عَلَى أَعْوَادِهِمْ إِلَى قُبُورِهِمْ الْمُظْلِمَةِ الضَّيْقَةِ وَ قَدْ أَسْلَمَهُمُ الْأَهْلُونَ وَ الْأَوْلَادُ فَانْقَطِعْ إِلَى اللَّهِ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ مِنْ رَفْضِ الدُّنْيَا وَ عَزْمٍ لَيْسَ فِيهِ انْكِسَارٌ وَ لَا انْخِذَالٌ أَعَانَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكَ عَلَى طَاعَتِهِ وَ وَفَّقَنَا وَ إِيَّاكَ لِمَرْضَاتِهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: امیر المؤمنین عليه السلام به یکی از یاراناش نامه ای به عنوان موعظه نوشت: تو و خودم را به تقوای الهی سفارش می کنم، آن خدایی که نافرمانیش روا نیست و به غیر او امیدی نمی باشد، و بی نیازی فقط به دست اوست، هر که از خدا پروا کرد عزیز و قوی شد، و سیر و سیرآب گشت، و عقلش از اهل دنیا بالا گرفت، پیکرش با اهل دنیاست ولی دل و خردش متوجه آخرت است، آنچه از دنیا دوستی چشمش دیده پرتو دلش خاموش نموده، حرامش را پلید شمرده و از شبهاتش دوری جسته، به خدا قسم حلال خالص

دنیا را هم رها کرده و جز به مقداری که ناچار از آن است ، توجه ننموده ، و آن پاره نانی است که به پیکرش نیرو دهد، و جامه ای که عورتش را پوشاند، که آنهم از درشت ترین خوراک و زیر ترین لباسی است که به دستش آمده ، و نسبت به آنچه هم ناچار است اطمینان و امید ندارد، و فقط امید و اطمینانش به آفریننده جهان است .

بنا بر این تلاش و کوشش نماید و تنش را به زحمت اندازد تا استخوانهایش نمودار شود، و دیدگانش به گودی رود، خداوند هم در عوض نیروی بدنی و توان عقلیش دهد، و آنچه در آخرت برایش اندوخته بیشتر باشد، دنیا را رها کن ، زیرا محبت به دنیا کور و کر و گنگ و زبون می کند، بقیه عمرت را جبران کن ، زیرا پیشینیانت به خاطر پایداری بر آرزوها و امروز و فردا کردن هلاک شدند، تا آنگاه که ناگهان فرمان خدا (مرگ) به سویشان آمد در حالی که آنان غافل بودند، سپس بر روی تابوتهایشان به سوی گورهای تنگ و تاریک رهسپار گشته و خانواده و فرزندان آنان را رها کردند، با دلی متوجه و از همه بریده و ترک دنیا نموده و با تصمیمی قاطع به سوی خدا رو، خدا ما و تو را بر طاعتش یاری کند، و به موجبات رضایش موفق بدارد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ لَمْ يَتَعَزَّ بِعَزَاءِ اللَّهِ تَقَطَّعَتْ نَفْسُهُ حَسْرَاتٍ عَلَى الدُّنْيَا وَمَنْ أَتْبَعَ بَصْرَهُ مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ كَثُرَ هَمُّهُ وَلَمْ يُشْفَ غَيْظُهُ وَمَنْ لَمْ يَرِ لِلَّهِ عَلَيْهِ نِعْمَةٌ إِلَّا فِي مَطْعَمٍ أَوْ مَشْرَبٍ أَوْ مَلْبَسٍ فَقَدْ قَصَرَ عَمَلُهُ وَدَنَا عَذَابُهُ

امام صادق علیه السلام از رسول خدا ﷺ نقل کند که فرمود: هر که با دلجویی خدا دلش آرام نگرفت ، نفسش از حسرتهای دنیایی قطع نمی شود، و هر که

چشم به آنچه در دست مردم است داشته باشد اندوهش فراوان گردد و سوز دلش درمان نپذیرد، و هر که جز در خوردن یا نوشیدن یا پوشیدن لباس نعمتی از خدا را در خودش نبیند، حقیقتا کردارش کم و کوتاه و عذابش نزدیک شود.

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ مَا الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مِثْلَ مَا يَجْعَلُ أَحَدُكُمْ إِصْبَعَهُ فِي الْيَمِّ فَلْيَنْظُرْ بِهِ يَرْجِعُ

رسول خدا ﷺ فرمود: دنیا در برابر آخرت مانند این است که یکی از شماها انگشتانش را در دریا فرو برد، باید ببیند چه چیز بر می‌گیرد.

قَالَ الْمَسِيحُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِثْلُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَمِثْلِ رَجُلٍ لَهُ ضَرَّتَانِ إِنْ أَرْضَى إِحْدَاهُمَا سَخِطَتِ الْآخْرَى

مسیح ﷺ فرمود: حکایت دنیا و آخرت حکایت مردی است که دو زن (هوو) دارد، هر کدام را راضی کند دیگری به خشم آید.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الدُّنْيَا دَارٌ مَنْ لَهَا دَارٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَلَمْ لَهُ وَلَهَا يَجْمَعُ مَنْ لَمْ يَعْزَلْ لَهُ وَشَهْوَاتِهَا يَطْلُبُ مَنْ لَمْ يَفْهَمْ لَهُ وَعَلَيْهَا يُعَادِي مَنْ لَمْ يَعْلَمْ لَهُ وَعَلَيْهَا يَحْسُدُ مَنْ لَمْ يَفْقَهُ لَهُ وَلَهَا يَسْعَى مَنْ لَمْ يَقِينْ لَهُ

رسول خدا ﷺ فرمود: دنیا خانه کسی است که خانه ندارد، و سرمایه کسی است که سرمایه ندارد، و کسی آن را جمع می‌کند که عقل ندارد، و کسی به دنبال شهواتش می‌رود که فهم ندارد، و کسی با دنیا دشمنی می‌ورزد که علم ندارد، و کسی به آن حسادت می‌کند که شعور ندارد، و کسی برایش تلاش می‌کند که یقین ندارد.

رُويَ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَرَأَ أُمَّ فَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ
فَقَالَ إِنَّ النُّورَ إِذَا وَقَعَ فِي الْقَلْبِ انْفَسَحَ لَهُ وَانْشَرَحَ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَهَلْ لِدَلِكِ
عَلَامَةٌ يُعْرَفُ بِهَا قَالَ التَّجَافِي عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَالْإِنَابَةُ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَالِاسْتِعْدَادُ
لِلْمَوْتِ قَبْلَ نَزُولِ الْمَوْتِ

روایت شده که رسول خدا ﷺ این آیه را تلاوت کرد (آیا کسی که خدا
سینه اش را برای اسلام گشاده است و بر فراز مرکبی از نور الهی قرار گرفته
(همچون کور دلان گمراه است) فرمود: هنگامی که نور در دل جای گیرد آن را
باز می کند و روشن می گرداند، پرسیده شد: ای رسول خدا! آیا برای این
علامتی هست که شناخته شود؟ فرمود:

کناره گیری از دنیا و روی کردن به آخرت ، و آمادگی برای مرگ قبل از
رسیدن وقتش .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ يَا دُنْيَا إِلَيْكَ عَنِّي أَيْ تَعَرَّضْتُ أَمْ إِلَى تَشَوَّقْتِ لَأَحَانَ
حِينَكَ هَيْهَاتَ غُرِّي غَيْرِي لَأَحَاجَةٌ لِي فِيكَ قَدْ طَلَّقْتُكَ ثَلَاثًا لَأَرْجِعَ لِي فِيكَ
فَعَيْشُكَ قَصِيرٌ وَخَطْرُكَ يَسِيرٌ وَأَمْلُكَ حَقِيرٌ آهٍ مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ وَطُولِ الطَّرِيقِ وَ
بُعْدِ السَّفَرِ وَعَظِيمِ الْمَوْرِدِ وَخُسُونَةِ الْمَضْجَعِ

امیر مؤمنان علی بن ابی طالب فرمود: ای دنیا! از من دور شو، آیا مرا می فریبی ، یا
مشتاق من شده ای ؟

تو هرگز توان این را نداری ، برو دیگری را فریب ده ، من نیازی به تو ندارم
، من تو را سه طلاقه کرده ام ، و دیگر رجوعی به تو نخواهم داشت ، زندگی در

تو کوتاه است و مشکلاتت بسیار، و آرزوهایت پست و بی مقدار، آه از کمی
توشه و راه طولانی و دور بودن سفر و بزرگی محل ورود، و ناسازگاری
خوابگاه .

وَقَالَ الدُّنْيَا تُغْرُ وَ تَضُرُّ وَ تَمُرُّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَرْضَهَا ثَوَابًا لِأَوْلِيَائِهِ وَ لَا عِقَابًا
لِأَعْدَائِهِ وَ إِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا كَرَكَبٍ بَيْنَنَا هُمْ حَلُّوا إِذْ صَاحَ بِهِمْ سَائِقُهُمْ فَارْتَحِلُوا
علی علیه السلام فرمود: دنیا گول می زند و زیان می رساند و می گذرد، خداوند
متعال دنیا را پاداش دوستان خود و عقاب دشمنانش قرار ندارد، اهل دنیا
همچون کاروانی هستند که بین راه استراحتی کوتاه دارند، ناگهان قافله سالار
فریاد زند که حرکت کنید.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُكْثِرُ الْهَمَّ وَ الْحَزْنَ وَ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ
الْقَلْبَ وَ الْبَدْنَ
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: میل به دنیا غم و اندوه را زیاد می کند، و پرهیز از
دنیا دل و جسم را آسوده می گرداند.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِالدُّنْيَا تَعَلَّقَ مِنْهَا بِثَلَاثِ خِصَالٍ هُمْ لَا يَفْنَى وَ
أَمَلٌ لَا يُدْرِكُ وَ رَجَاءٌ لَا يُنَالُ
امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس دلبستگی به دنیا پیدا کند، به سه چیز چنگ
زده : اندوه دائمی ، آرزویی بر آورده نشدنی ، امیدی نرسیدنی .

وَ قَالَ أَيْضاً عَجِبْتُ لِمَنْ يَبْخُلُ بِالدُّنْيَا وَ هِيَ مُقْبَلَةٌ عَلَيْهِ أَوْ يَبْخُلُ بِهَا وَ هِيَ مُدْبِرَةٌ عَنْهُ فَلَا الْإِنْفَاقَ مَعَ الْإِقْبَالِ يَضُرُّهُ وَ لَا الْإِمْسَاكَ مَعَ الْإِدْبَارِ يَنْفَعُهُ

امام صادق علیه السلام فرمود: در شکفتن از کسی که به دنیا بخل می ورزد در حالی که دنیا به او روی نموده ، یا به دنیا بخل می ورزد و دنیا به او پشت کرده ، نه بخشیدن با روی کردن ضررش می زند، و نه خساست با پشت کردن سودش می دهد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِي بَعْضِ خُطْبِهِ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ فَنَاءٍ وَ الْآخِرَةُ دَارُ بَقَاءٍ فَخُذُوا مِنْ مَمْرِكُمْ لِمَقْرِكُمْ وَ لَا تَهْتِكُوا أَسْتَارَكُمْ عِنْدَ مَنْ يَعْلَمُ أَسْرَارَكُمْ وَ أَخْرِجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا أَبْدَانُكُمْ فَفِي الدُّنْيَا حَيَاتُكُمْ وَ لِلْآخِرَةِ خُلُقْتُمْ إِنَّمَا الدُّنْيَا كَالسَّمِّ يَأْكُلُهُ مَنْ لَا يَعْرِفُهُ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا مَاتَ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ مَا قَدَّمَ وَ قَالَ النَّاسُ مَا آخَرَ فَقَدُّمُوا فَضْلاً يَكُنْ لَكُمْ وَ لَا تُؤْخَرُوا كُلًّا يَكُنْ عَلَيْكُمْ فَإِنَّ الْمَحْرُومَ مِنْ حُرْمِ خَيْرِ مَالِهِ وَ الْمَغْبُوطَ ثَقُلَ بِالْخَيْرَاتِ وَ الصَّدَقَاتِ مَوَازِينَهُ وَ أَحْسَنَ فِي الْجَنَّةِ بِهَا مِهَادُهُ وَ طَيِّبَ عَلَى الصِّرَاطِ بِهَا مَسْلَكَهُ

امیر مؤمنان علیه السلام در یکی از خطبه هایش فرمود: ای مردم! دنیا خانه ای از بین رفتنی و آخرت خانه ای جاودان است ، اینک از این خانه که گذرگاه شماسست برای خانه همیشگی خود توشه بر گیرید، نزد کسانی که اسرارشان را می دانند پرده دری نکنید، و دلهای خود را از این دنیا بیرون برید قبل از اینکه بدنهایتان از آن بیرون رود، در دنیا زندگی می کنید اما برای آخرت آفریده شده اید، دنیا همچون سمی است که کسی که نمی شناسدش و آن را می خورد، هر گاه بنده ای بمیرد فرشتگان گویند: چه فرستاده ؟

و مردم گویند: چه چیز جمع کرده ؟ اکنون فضیلتی پیش فرستید که برای شما بماند، و (در دنیا) چیزی باقی نگذارید که برایتان وزر و وبال باشد، زیرا محروم آن است که از صرف بهترین مالش (در راه خدا) محروم شود، و غبطه خورنده آن است که میزانش در خیرات و صدقات سنگین باشد، و باعث نیکویی جایگاهش در بهشت شود و راهش را در پل صراط آسان گرداند.

عَنْ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَأْسَوْا عَلَيَّ مَا فَاتَكُمْ مِنْ دُنْيَاكُمْ إِذَا سَلِمَ دِينُكُمْ كَمَا لَا يَأْسَى أَهْلُ الدُّنْيَا عَلَيَّ مَا فَاتَهُمْ مِنْ دِينِهِمْ إِذَا سَلِمَتْ دُنْيَاهُمْ

امام رضا علیه السلام فرمود: عیسی بن مریم علیه السلام به حواریون گفت: ای بنی اسرائیل! بر آنچه از دنیا از دستتان رفته غصه نخورید، تا هنگامی که دین شما در سلامت است، همان گونه که اهل دنیا تا دنیایشان باقی است بر دنیای از دست رفته شان غمگین نشوند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا أَقْبَلَتِ الدُّنْيَا عَلَيَّ إِنْسَانٍ أَعْطَتْهُ مَحَاسِنَ غَيْرِهِ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ عَنْهُ سَلَبَتْهُ مَحَاسِنَ نَفْسِهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه دنیا به کسی روی آورد زیباییهای دیگران را هم به او می دهد، و اگر پشت کرد خوبیهای خودش را هم از او می گیرد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا أَصِفُ دَاراً أَوْلَاهَا عَنَاءٌ وَ آخِرُهَا فَنَاءٌ فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ وَ فِي حَرَامِهَا عِقَابٌ مَنْ اسْتَعْنَى فِيهَا فُتِنَ وَ مَنْ افْتَقَرَ فِيهَا حَزِنَ وَ مَنْ سَاعَاَهَا فَاتَتْهُ وَ مَنْ قَعَدَ عَنْهَا وَانْتَهَى وَ مَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصْرَتَهُ وَ مَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتْهُ

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: چگونه خانه ای را وصف کنم که اولش مشقت و پایانش نیستی است ، در حلالش حساب و در حرامش عقاب است ، هر که در آن بی نیاز شود طغیان کند، و هر که محتاج شود غمگین گردد، هر که دنبالش رود آن را از دست بدهد، و هر که ترکش گوید به دنبال او آید، هر کس به آن بینایی جوید بینایی گیرد، و هر کس به آن چشم بدوزد کور گردد.

مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِمَجْنُونٍ فَقَالَ مَا لَهُ فَقِيلَ إِنَّهُ مَجْنُونٌ فَقَالَ بَلْ هُوَ مُصَابٌ
 إِنَّمَا الْمَجْنُونُ مَنْ آثَرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ
 رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از کنار مجنونی گذشت ، فرمود: او را چه شده ؟ گفتند:
 مجنون است ، فرمود: او عقلش آسیب دیده ، مجنون واقعی کسی است که دنیا را بر آخرت ترجیح دهد.

وَقَالَ اللَّهُمَّ مَنْ آمَنَ بِكَ وَشَهِدَ أَنِّي رَسُولُكَ فَحَبَّبْ إِلَيْهِ لِقَاءَكَ وَسَهَّلْ عَلَيْهِ
 قَضَاءَكَ وَأَقْلِلْ مَالَهُ
 رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: پروردگارا! هر کس به تو ایمان آورد و گواهی به رسالت من داد، او را به ملاقات خودت خوشنود کن ، و قضا و قدرت را بر وی آسان گردان ، و به او مال کمی بده .

مِنْ سَائِرِ الْكُتُبِ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَمَثَّلَتِ الدُّنْيَا لِلْمَسِيحِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ
 فِي صُورَةِ امْرَأَةٍ زَرْقَاءَ فَقَالَ كَمْ تَزَوَّجْتَ فَقَالَتْ كَثِيرًا قَالَ أَفَكُلُّ طَلَّقَكَ قَالَتْ لَا بَلْ
 كُلُّا قَتَلْتُ قَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَوَيْحُ أَزْوَاجِكِ الْبَاقِينَ كَيْفَ لَا يَعْتَبِرُونَ بِالْمَاضِينَ

امام صادق علیه السلام فرمود: دنیا به شکل زنی چشم سبز بر حضرت مسیح علیه السلام ظاهر شد، حضرت فرمود: ای زن تا به حال چند مرتبه ازدواج کرده ای؟ گفت: بسیار.

فرمود: آیا همه آنها تو را طلاق دادند؟ گفت: نه، بلکه همه را کشتم. فرمود: وای بر شوهران باقیمانده ات که چگونه از گذشتگان عبرت نمی گیرند!

قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام أَنْزَلَ الدُّنْيَا مِنْكَ كَمَنْزِلِ نَزْلَتِهِ ثُمَّ أَرَدْتَ التَّحَوُّلَ عَنْهُ مِنْ يَوْمِكَ أَوْ كَمَالِ اكْتَسَبْتَهُ فِي مَنَامِكَ وَاسْتَيْقَظْتَ فَلَيْسَ فِي يَدِكَ مِنْهُ شَيْءٌ وَإِذَا حَضَرْتَ فِي جَنَازَةٍ فَكُنْ كَأَنَّكَ الْمَحْمُولُ عَلَيْهَا وَكَأَنَّكَ سَأَلْتَ رَبَّكَ الرَّجْعَةَ إِلَى الدُّنْيَا فَرَدَّكَ فَأَعْمَلْ عَمَلًا مَنْ قَدْ عَايَنَ

امام باقر علیه السلام فرمود: دنیا را مانند منزلی بدان که در آن فرود آمده ای و می خواهی همان روز از آن بگذری، و یا همچون مالی است که در خواب به دست آورده باشی، و هنگامی که بیدار شدی چیزی از آن در دستت نباشد، هر گاه جنازه ای را دیدی خودت را جای او فرض کن، و خیال کن از پروردگارت خواسته ای که دوباره تو را به دنیا برگرداند و او هم برگردانده، اینک چون کسی عمل کن که نتیجه عملش را به چشم دیده.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمُوسَى يَا مُوسَى إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ عُقُوبَةٍ عَاقَبْتُ فِيهَا آدَمَ عِنْدَ خَطِيئَتِهِ وَجَعَلْتُهَا مَلْعُونَةً مَلْعُونٌ مَا فِيهَا إِلَّا مَا كَانَ مِنْهَا لِي يَا مُوسَى إِنَّ عِبَادِي الصَّالِحِينَ زَهَدُوا فِيهَا بِقَدْرِ عِلْمِهِمْ بِي وَسَاءَ لَهُمْ مِنْ خَلْقِي رَغَبُوا فِيهَا بِقَدْرِ جَهْلِهِمْ بِي وَ مَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِي عَظَمَهَا فَقَرَّتْ عَيْنُهُ فِيهَا وَ لَمْ يُحَقِّرْهَا أَحَدٌ إِلَّا ائْتَفَعَ بِهَا ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِنَّ قَدْرْتُمْ أَنْ لَا تُعْرِفُوا فَاَفْعَلُوا وَ مَا عَلَيْكَ إِنْ لَمْ يُشْنِ النَّاسُ عَلَيْكَ وَ مَا عَلَيْكَ أَنْ تَكُونَ عِنْدَ النَّاسِ مَذْمُومًا إِذَا كُنْتَ

عِنْدَ اللَّهِ مَحْمُوداً إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَانَ يَقُولُ لَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا
 لِأَحَدِ رَجُلَيْنِ رَجُلٍ يَزِدُّهُ كُلَّ يَوْمٍ إِحْسَانًا وَ رَجُلٍ يَتَدَارَكُ سَيِّئَتَهُ بِالتَّوْبَةِ وَ أَنَّى لَهُ
 بِالتَّوْبَةِ وَ اللَّهُ لَوْ سَجَدَ حَتَّى يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ إِلَّا بَوَالِيتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَلَا وَ
 مَنْ عَرَفَ حَقَّنَا وَ رَجَا الثَّوَابَ فِينَا وَ رَضِيَ بِقُوَّتِهِ وَ مَا يَسْتُرُ عَوْرَتَهُ وَ مَا يُكِنُّ رَأْسَهُ
 وَ هُمْ فِي ذَلِكَ خَائِفُونَ وَ جُلُونَ

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند متعال به موسی عليه السلام فرمود: ای موسی! دنیا
 خانه کفری است که آدم را به خاطر اشتباهش در آن عقوبت نمودم، و دنیا را
 ملعون قرار دادم، هر چه در آن است ملعون است مگر آنچه برای من باشد، ای
 موسی! بندگان صالحم به اندازه شناختی که از من داشتند در آن زاهد شدند،
 بقیه آنان به خاطر جهلشان نسبت به من میل به دنیا پیدا کردند، و کسی از
 بندگانم نیست که آن را بزرگ شمارد و چشمش در آن روشن گردد، و هیچ
 کس آن را پست نشمرد جز آنکه بدان بهره مند شود.

سپس امام صادق عليه السلام فرمود: اگر توانایی دارید که شناخته نشوید این کار را
 بکنید، و باکی نداشته باشید که نزد مردم سرزنش شوید، و حال آنکه نزد خدا
 ستایش می شوید، امیر مؤمنان عليه السلام می فرمود: در دنیا خیری نیست مگر برای
 دو نفر: مردی که هر روز به نیکیهایش می افزاید، و مردی که گناهِش را به توبه
 جبران می کند، ولی از کجا معلوم توبه اش پذیرفته شود؟ به خدا قسم اگر آنقدر
 سجده کند که گردنش قطع شود خداوند توبه اش را نپذیرد مگر به واسطه
 ولایت ما اهل بیت، بدان! (فرد دیگری که خیر دنیا را دارد) هر کسی است که
 حق ما را بشناسد و در ما امید ثواب داشته باشد، و به زندگیش و لباسش و
 سرپوشش راضی باشد، و آنان در این امر ترسان و وحشت زده اند.

مِنْ عُيُونِ الْأَخْبَارِ قَالَ الرَّضَا عليه السلام لَا يَجْتَمِعُ الْمَالُ إِلَّا بِخِصَالِ خَمْسٍ يُبْخَلُ
 شَدِيدٍ وَ أَمَلٍ طَوِيلٍ وَ حِرْصٍ غَالِبٍ وَ قَطِيعَةٍ رَحِيمٍ وَ إِثَارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ
 امام رضا عليه السلام فرمود: مال جمع نمی شود مگر با وجود پنج خصلت: بخل
 شدید، آرزوی طولانی، حرص زیاد، قطع رحم، ترجیح دنیا بر آخرت.

مِنْ كِتَابِ الصَّبْرِ وَ التَّأْدِيبِ مِنْ رِوَايَةِ نَصْرِ بْنِ الصَّبَّاحِ الْبَلْخِيِّ قَالَ شَكَأَ رَجُلٌ
 إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْحَاجَّةَ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ سَيَجْعَلُ لَكَ
 فَرَجًا ثُمَّ سَكَتَ هُنَيْئَةً وَ أَقْبَلَ عَلَى الرَّجُلِ فَقَالَ أَخْبِرْنِي عَنْ سِجْنِ الْكُوفَةِ كَيْفَ
 هُوَ فَقَالَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ ضَيْقُ مُتْنٍ وَ أَهْلُهُ مِنْهُ بِسُوءِ حَالٍ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِنَّمَا
 أَنْتَ فِي السِّجْنِ أَوْ تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ فِي سَعَةٍ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ

نصر بن صباح بلخی گوید: مردی نزد امام صادق عليه السلام از نیازمندی خود
 شکایت کرد، حضرت فرمود: صبر کن، که خداوند به زودی برایت گشایش
 دهد، سپس مقداری سکوت نمود و رو به مرد کرد و فرمود: به من بگو زندان
 کوفه چگونه است؟ گفت: خدا به سلامتت بدارد، تنگ و بدبوست، و زندانیان
 در حالت بدی هستند، امام عليه السلام به او فرمود: تو هم در زندان هستی، آیا می
 خواهی گشایش داشته باشی؟ آیا می دانی که دنیا زندان مؤمن است؟

كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الدُّنْيَا تَمْنَعُ الْآخِرَةَ
 رسول خدا صلى الله عليه وآله همیشه می فرمود: پروردگارا! من از دنیا به تو پناه می برم،
 زیرا دنیا مانع از رسیدن به آخرت می شود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ مَرَّ الْمَسِيحُ عَلَيْهِ فِي أَرْضِ فَلَاةٍ وَمَعَهُ أَصْحَابُهُ فَنظَرَ إِلَى مَالٍ مَرْكُوزٍ فَنظَرَ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَهُمْ إِنَّهُ الْمَوْتُ فَجُوزُوا فَجَارُوا وَتَخَلَّفَ ثَلَاثَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ عِنْدَ الْمَالِ فَقَالُوا لِبَعْضِهِمْ امْضِ إِلَى هَذِهِ الْمَدِينَةِ فَإِنَّهَا بِالْقُرْبِ فَأَبْتَعَ لَنَا مِنْهَا طَعَامًا فَإِنَّا جِيَاعٌ حَتَّى إِذَا جِئْتَ قَسَمْنَا الْمَالَ فِيمَا بَيْنَنَا فَلَمَّا أَنْ مَضَى الرَّجُلُ فَقَالَ الرَّجُلَانِ أَحَدُهُمَا لِصَاحِبِهِ يَا أَبَا فُلَانٍ لَوْ كَانَ الْمَالُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ مَا كَانَ أَجُودَ وَأَوْفَى فَاتَّفَقَا عَلَى أَنْ يَقْتُلَا الرَّجُلَ إِذَا أَنْصَرَفَ إِلَيْهِمَا قَالَ الرَّجُلُ وَهُوَ يَمْضِي إِلَى السُّوقِ لِيَبْتَاعَ لَهُمُ الطَّعَامَ لَوْ كَانَ هَذَا الْمَالُ لِي وَحَدِي لَكَانَ أَوْفَقَ فَأَعْتَزَمَ عَلَى أَنْ يَشْتَرِيَ سَمًّا يَسُمُّ الطَّعَامَ فَفَعَلَ وَانْصَرَفَ إِلَيْهِمَا بِالطَّعَامِ فَلَمَّا أَنْ نَظَرَا إِلَيْهِ وَتَبَا بِهِ وَقَتَلَاهُ وَجَلَسَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ فَحِينَ اسْتَقَرَّ فِي أَجْوَافِهِمَا مَاتَا جَمِيعًا وَانْصَرَفَ الْمَسِيحُ مِنَ الْمَوْضِعِ الَّذِي كَانَ مَضَى إِلَيْهِ فَوَقَفَ عَلَى الْمَالِ وَهُمْ صَرَخِي حَوْلَهُ فَقَالَ عَلَيْهِ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنَّهُ الْمَوْتُ جُوزُوا

امام صادق عليه السلام فرمود: حضرت مسیح عليه السلام به همراه اصحابش از زمینی خشک و بی آب و علف عبور می کرد، نظرش به مالی بدون صاحب و رها شده افتاد، رو به اصحابش نموده و فرمود: این مرگ است، از آن بگذرید، اصحاب به غیر از سه نفر از آن گذشتند. آن دو به یک نفرشان گفتند: به این شهر نزدیک برو و برای ما غذایی بخر که ما گرسنه ایم، تا وقتی برگشتی مال را بین خود تقسیم کنیم. چون آن مرد رفت، یکی از آن دو به رفیقش گفت:

فلانی، اگر مال بین من و تو تقسیم شود بهتر است، مرد در حالی که برای خرید غذا به بازار می رفت با خود گفت: اگر این مال برای خودم تنها باشد مطلوبتر است، و قصد کرد که سمی بخرد و در غذا بریزد، این کار را کرد و با غذا به طرف آن دو برگشت، چون آن دو او را دیدند به رویش جهیدند و او را کشتند، و هر دو شروع به خوردن غذا کردند، هنگامی که غذا وارد معده آنان شد

آن دو نیز مردند، حضرت عیسیٰ علیه السلام بار دیگر از همان محل بازگشت ، بالای سر مال ایستاد در حالی که دست نخورده بود، و آنان اطرافش افتاده بودند، فرمود: به شما نگفتم این مرگ است ، از آن بگذرید؟

فصل هشتم : در ثروت اندوزی و زبانی که بر مؤمن از این ناحیه وارد می

شود

(الفصل الثامن فيما جاء في جمع المال و ما يدخل على المؤمن من النقص في

جمعه)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا مِنْ رَزِيَّةٍ تَدْخُلُ عَلَى عَبْدٍ مُسْلِمٍ أَشَدَّ عَلَيْهِ مِنْ مَالٍ يُصِيبُهُ وَ أَهْوَنُ مِنْ ذَلِكَ أَنْ يَأْتِيَهُ أَخُوهُ فَيَقُولَ زَوْجَنِي فَيَقُولَ لَأَفْعَلَ أَنَا أَغْنَى مِنْكَ

امام صادق عليه السلام فرمود: هیچ مصیبتی بر بنده مسلمان بالاتر از این نیست که ناگهان مالی به او برسد (موجب خود فراموشی او گردد)، و از این بدتر اینکه برادر مؤمنش نزد او آید و تقاضای ازدواج و پیوند خویشاوندی نماید، او بگوید: نه ، من از تو بی نیازترم .

عَنْهُ قَالَ مَا شَيْءٌ يَسْتَفِيدُ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ أَضَرَ عَلَيْهِ مِنْ مَالٍ يَسْتَفِيدُهُ وَ أَيْسَرُهُ أَنْ يَخْطُبَ إِلَيْهِ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ أَوْ مِثْلُهُ فِي الدِّينِ فَيَقُولَ لَأَلَيْسَ لَهُ مَالٌ لَأُزَوِّجُهُ

امام صادق عليه السلام فرمود: برای بنده مسلمان چیزی پر ضررتر از مالی که به دست می آورد نمی باشد، و کمتر از آن اینکه کسی برای خواستگاری نزد او آید که یا از او بهتر باشد یا از نظر دین مانند او باشد، او جواب رد دهد و بگوید: چون مال ندارد دخترم را به او نمی دهم .

عَنْهُ قَالَ مَنْ كَثُرَ اشْتِبَاكُهُ بِالدُّنْيَا كَانَ أَشَدَّ لِحَسْرَتِهِ عِنْدَ فِرَاقِهَا

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که علاقه اش به دنیا بیشتر باشد، حسرتش هنگام ترک دنیا بیشتر است .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقِيرٌ مُؤْمِنٌ عَابِدٌ شَدِيدٌ الْحَاجَّةِ مِنْ أَهْلِ الصُّفَّةِ وَكَانَ مُلَازِمًا لِرَسُولِ اللَّهِ عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ عَلَيْهَا لَا يَفْقِدُهُ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَرِقُّ لَهُ إِذَا نَظَرَ إِلَى حَاجَتِهِ وَعِزَّتِهِ وَكَانَ يَقُولُ يَا سَعْدُ لَوْ كَانَ جَاءَنِي شَيْءٌ لَأَغْنِيَنَّكَ فَاتَاهُ جَبْرَائِيلُ فَأَعْطَاهُ دِرْهَمَيْنِ فَقَالَ أَعْطِهِ إِيَّاهُمَا وَمُرَّهُ أَنْ يَتَّجِرَ بِهِمَا وَيَنْصَرِفَ لِرِزْقِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمَا سَعْدٌ فَلَمَّا صَلَّى مَعَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَالْعَصْرَ قَالَ قُمْ يَا سَعْدُ فَاطْلُبِ الرِّزْقَ قَدْ كُنْتَ بِحَالِكَ مُغْتَمًّا فَأَقْبَلَ سَعْدٌ لَا يَشْتَرِي بِدِرْهَمٍ شَيْئًا إِلَّا بَاعَهُ بِدِرْهَمَيْنِ وَلَا يَشْتَرِي بِدِرْهَمَيْنِ إِلَّا بَاعَهُ بِأَرْبَعَةٍ وَأَقْبَلَتِ الدُّنْيَا عَلَى سَعْدٍ فَكَثُرَ مَتَاعُهُ وَوَالَهُ وَعَظُمَتِ تِجَارَتُهُ فَأَخَذَ عَلَى بَابِ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ حَانُوتًا فَجَلَسَ فِيهِ يَجْمَعُ تِجَارَتَهُ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا قَالَ بِلَالُ الصَّلَاةَ يَخْرُجُ وَ سَعْدٌ مَشْغُولٌ بِالدُّنْيَا فَلَمْ يَتَطَهَّرْ وَلَمْ يَتَهَيَّأْ لِلصَّلَاةِ فَيَقُولُ النَّبِيُّ يَا سَعْدُ شَغَلَتْكَ دُنْيَاكَ عَنِ الصَّلَاةِ وَكَانَ سَعْدٌ يَقُولُ فَمَا أَصْنَعُ أَضِيعُ مَالِي هَذَا رَجُلٌ قَدْ بَعْتُهُ فَأُرِيدُ أَنْ أُسْتَوْفَى مِنْهُ وَ هَذَا رَجُلٌ قَدْ اشْتَرَيْتُ مِنْهُ فَأُرِيدُ أَنْ أُوفِيَهُ فَاتَاهُ جَبْرَائِيلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ الْمَالُ وَالدُّنْيَا فِيهِ مَشْغَلَةٌ عَنِ الْآخِرَةِ فَقُلْ لِسَعْدٍ يَرُدُّ عَلَيْكَ الدَّرْهَمَيْنِ الَّذِينَ دَفَعْتَهُمَا إِلَيْهِ فَقَالَ النَّبِيُّ يَا سَعْدُ أَمَا تَرُدُّ الدَّرْهَمَيْنِ عَلَيْنَا فَقَالَ سَعْدٌ بَلَى وَ مِائَتَيْنِ فَقَالَ لَسْتُ أُرِيدُ إِلَّا الدَّرْهَمَيْنِ فَأَعْطَاهُ سَعْدٌ دِرْهَمَيْنِ فَأَدْبَرَتِ الدُّنْيَا عَلَى سَعْدٍ حَتَّى ذَهَبَ جَمِيعُ مَا كَانَ جَمَعَ وَ عَادَ إِلَى حَالَةِ الَّتِي كَانَ عَلَيْهَا

امام باقر علیه السلام فرمود: در زمان رسول خدا صلى الله عليه وآله یکی از اصحاب صفه که شخصی فقیر و با ایمان و عابد و بسیار محتاج بود، و همیشه هنگام نماز ملازم رسول خدا صلى الله عليه وآله بود و از ایشان جدا نمی گشت ، و رسول خدا صلى الله عليه وآله هم وقتی

به احتیاج و عزت نفس او توجه می کرد دلش می سوخت ، روزی به او فرمود: ای سعد! اگر چیزی به دستم رسید تو را بی نیاز می کنم . جبرئیل بر او نازل شد و دو درهم به حضرت داد و گفت : این دو درهم را به او بده و امرش کن که با آنها تجارت کند و با روزی خدا زندگی کند، سعد دو درهم را گرفت ، بعد از اینکه رسول خدا ﷺ نماز ظهر و عصر را خواند، فرمود: ای سعد! برخیز و به دنبال روزی برو، من نسبت به حال تو غمگینم ، سعد به طرف تجارت رفت ، و چیزی را به یک درهم نمی خرید مگر اینکه آن را به دو درهم می فروخت ، و به دو درهم نمی خرید جز آنکه آن را به چهار درهم می فروخت ، دنیا به سعد رو کرد به حدی که مال و اموالش بسیار شد و تجارتش رونق گرفت ، و نزدیک مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله دگانی تهیه کرد و در آن به جمع سود تجارت پرداخت ، هر گاه بلال می گفت (الصلاة)، رسول خدا ﷺ به طرف مسجد می رفت ولی سعد مشغول دنیا بود، و وضو نمی گرفت و آماده نماز نمی شد.

پیامبر ﷺ به او فرمود: ای سعد! دنیا تو را از نماز باز داشته ! سعد می گفت : چه کنم ، اموالم از بین می رود، این مرد می آید و به او چیزی می فروشم و پولش را از او می گیرم ، و از این مرد چیزی می خرم و باید پولش را به او بدهم . در این هنگام جبرئیل نازل شد و گفت : ای محمد! مال و دنیا انسان را از آخرت دور می کند، به سعد بگو دو درهمی را که به تو دادم به من بازگردان ، پیامبر ﷺ فرمود: ای سعد! آن دو درهم را به ما نمی دهی ؟

سعد گفت : چرا، بلکه دویست درهم می دهم ، فرمود: من فقط همان دو درهم را می خواهم . سعد دو درهم را به ایشان داد، ناگاه دنیا به سعد پشت

نمود، به طوری که تمامی آنچه را جمع کرده بود از بین رفت ، و به همان حالتی برگشت که اول داشت .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا أُعْطِيَ اللَّهُ عَبْدًا ثَلَاثِينَ أَلْفًا وَهُوَ يُرِيدُ بِهِ الْخَيْرَ وَ مَا جَمَعَ رَجُلٌ قَطُّ عَشْرَةَ أَلْفٍ مِنْ حِلٍّ وَقَدْ يَجْمَعُ اللَّهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ لِأَقْوَامٍ إِذَا أُعْطُوا الْقَرِيبَ وَ رَزَقُوا الْعَمَلَ الصَّالِحَ فَقَدْ جُمِعَتْ لَهُمُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ

امام صادق علیه السلام فرمود: هرگز خداوند به بنده ای سی هزار (درهم) نداد برای اینکه او به خیر و سعادت برسد، و هیچ مردی ده هزار (درهم) از راه حلال کسب نکرد، و گاهی خداوند دنیا و آخرت را برای گروهی جمع می کند، و آن هنگامی است که روزیشان را داده و موفق به عمل شایسته ای نماید، اینجاست که دنیا و آخرت بر ایشان جمع می شود.

عَنْ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ صَاحِبُ النِّعْمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ حُقُوقٌ مِنْهَا الزَّكَاةُ فِي مَالِهِ وَ مِنْهَا الْمُوَاسَاةُ لِإِخْوَانِهِ وَ مِنْهَا الصَّلَاةُ لِرَحِمِهِ وَ التَّوَسُّعَةُ لِعِيَالِهِ وَ غَيْرُ ذَلِكَ مِنَ الْحُقُوقِ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَبَّمَا صَارَتْ إِلَيَّ النِّعْمَةُ فَمَا أَتَهَّنَأُ بِهَا حَتَّى أَعْلَمَ أَنِّي قَدْ أَدَيْتُ مَا يَجِبُ عَلَيَّ فِيهَا

امام رضا علیه السلام فرمود: بر صاحب نعمت حقوقی واجب است : یکی از آنها، پرداخت زکات مال ، و دیگری برابری با برادران دینی ، و دیگر بجا آوردن صله رحم و فراهم کردن آسایش خانواده و غیر اینها از حقوق است . سپس فرمود: گاهی نعمتی به من می رسد و بر من گوارا نمی شود؛ مگر اینکه بدانم آنچه را در آن بر من واجب گردیده بجا آورده ام .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا عَظُمَتْ نِعْمَةُ اللَّهِ عَلَى أَحَدٍ قَطُّ إِلَّا ازْدَادَ حَقُّ اللَّهِ عَلَيْهِ عَظْمًا

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هرگز نعمت خداوند بر کسی بزرگ نگردید، مگر اینکه حق خدا در آن زیاد شد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ نَالَ بِسُلْطَانِهِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا نَقَصَ حَظَّهُ مِنَ الْآخِرَةِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هیچ مؤمنی با چیرگیش به مال و منال دنیا نرسید، مگر اینکه بهره اش از آخرت کم شد.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّمَا أُعْطَاكُمْ هَذِهِ الْفُضُولَ لِتُوجَّهُوا حَيْثُ وَجَّهَهَا اللَّهُ وَلَمْ يُعْطِكُمْوهَا لِتَكْتَنِرُوهَا

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خداوند مال دنیا را به شما داد تا فقط آن را در راهی که خداوند مقرر فرموده مصرف کنید، نه اینکه آن را اندوخته و پس انداز نمائید.

عَنْهُ قَالَ مَا أُعْطِيَ اللَّهُ عَبْدًا مِنَ الدُّنْيَا كَثِيرًا ثُمَّ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ إِلَّا كَانَ أَقْلَّ لِحَظِّهِ فِيهَا

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خداوند به هیچ بنده ای از دنیا بسیار نداد و سپس او را به بهشت نبرد، مگر اینکه بهره اش از بهشت کم خواهد بود.

عَنْ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ نُحِبُّ الْمَالَ وَ لَا نُؤْتِي إِلَّا خَيْرًا وَ مَا أُوتِيَ عَبْدٌ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا إِلَّا كَانَ نَقْصٌ أَنْقَصَ لِحِظِّهِ فِي الْآخِرَةِ وَ مَا مِنْ شَيْعَتَنَا مَنْ لَهُ مِائَةٌ أَلْفٍ دِرْهَمٍ
 امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: ما مال را دوست داریم ، و آن را فقط در راه خیر
 مصرف می کنیم ، و هر بنده ای در این دنیا مال بسیار به دست آورد بهره اش از
 آخرت کم گردد، و شیعه ما نخواهد بود کسی که دارای صد هزار درهم باشد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا أُعْطِيَ اللَّهُ مُؤْمِنًا أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعِينَ أَلْفًا لِخَيْرٍ يُرِيدُ بِهِ
 امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خداوند به هیچ مؤمنی بیشتر از چهل هزار (درهم)
 نمی دهد، زیرا خیر او را می خواهد.

عَنْهُ قَالَ لَيْسَ مِنْ شَيْعَتِنَا مَنْ مَلَكَ عَشْرَةَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ إِلَّا مَنْ أُعْطِيَ يَمِينًا وَ
 شِمَالًا وَ مِنْ قُدَّامٍ وَ خَلْفٍ
 امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: شیعه ما نیست کسی که ده هزار درهم را تملک کند،
 مگر کسی که به دست چپ و راست و از جلو و پشت سر، انفاق کند.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ الْآيَةَ
 قَالَ إِنَّمَا عَنِيَ ذَلِكَ مَا جَازُوا أَلْفِي دِرْهَمٍ وَ ذَكَرَ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يُحَاسِبُونَ أَنْفُسَهُمْ كُلَّ
 لَيْلَةٍ فَإِنْ كَانَ عِنْدَهُمْ مِنَ الْعَيْنِ أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِي دِرْهَمٍ أَخْرَجُوهُ فَقَسَّمُوهُ وَ لَا يَثْبُتُ
 عِنْدَهُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَلْفِي دِرْهَمٍ
 امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در باره آیه شریفه (و کسانی که طلا و نقره را پنهان می کنند)
 فرمود: مقصود کسانی هستند که بیش از دو هزار درهم جمع کنند.

گفته شده که : علماء همواره هنگام شب به محاسبه خود می پردازند، اگر نزد آنان بیش از دو هزار درهم بود آن را جدا نموده و تقسیم می کردند، و هرگز بیش از دو هزار درهم نزد خود نگاه نمی داشتند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّا لَنَصْبِرُ وَإِنَّ شِيعَتَنَا لَأَصْبِرُ مِنَّا قَالَ فَاسْتَعْظَمْتُ ذَلِكَ فَقُلْتُ كَيْفَ يَكُونُ شِيعَتُكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ فَقَالَ إِنَّا لَنَصْبِرُ عَلَى مَا نَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ تَصْبِرُونَ عَلَى مَا لَا تَعْلَمُونَ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: ما شکیبائیم و شیعیان ما از ما شکیباترند. راوی گوید: این سخن بر من سنگین آمد و عرض کردم : چگونه شکیبائی شیعیانتان از شما بیشتر است ؟

فرمود: ما بر آنچه (از عاقبت کار) می دانیم شکیبائیم ، ولی شما بر آنچه نمی دانید شکیبائی می کنید.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ مِنْ وَرَائِكُمْ قَوْمًا يَلْقَوْنَ فِيَّ مِنَ الْأَذَى وَ الشَّدِيدِ وَ الْقَتْلِ وَ التَّنْكِيلِ مَا لَمْ يَلْقَهُ أَحَدٌ فِي الْأُمَّمِ السَّالِفَةِ أَلَا وَ إِنَّ الصَّابِرَ مِنْهُمْ الْمُوقِنَ بِبِي الْعَارِفِ فَضْلَ مَا يُؤْتَى إِلَيْهِ فِي لَمَعِي فِي دَرَجَةٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ تَنَفَّسَ الصُّعْدَاءَ فَقَالَ آه آه عَلَى تِلْكَ الْأَنْفُسِ الزَّكَايَةِ وَ الْقُلُوبِ الرُّضِيَّةِ الْمَرْضِيَّةِ أَوْلَيْكَ أَخِلَّائِي هُمْ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُمْ

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: بعد از شما گروهی خواهند آمد که به خاطر من مورد آزار و شکنجه و کشته شدن و اسارت قرار می گیرند، و در امتهای گذشته نیز هیچ کس نظیرش را ندیده ، بدانید؛ هر کدام از آنها که صبر کند و یقین به من

داشته باشد، و آگاه به برتری من باشد، با من (در قیامت) در یک مقام خواهد بود، سپس آه سردی کشید و فرمود: آنها از من هستند و من از آنهایم .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ يَا مُفَضَّلُ إِيَّاكَ وَالذُّنُوبَ وَحَدْرُ شَيْعَتَنَا مِنَ الذُّنُوبِ فَوَاللَّهِ مَا هِيَ إِلَّا إِلَى شَيْءٍ أَسْرَعَ مِنْهَا إِلَيْكُمْ وَاللَّهِ إِنْ أَحَدَكُمْ لِيُرْمَى بِالسُّقْمِ فِي بَدَنِهِ وَمَا هُوَ إِلَّا بِذُنُوبِهِ وَإِنْ أَحَدَكُمْ لِيُحْجَبُ مِنَ الرِّزْقِ فَيَقُولُ مَا لِي وَمَا شَأْنِي وَمَا هُوَ إِلَّا بِذُنُوبِهِ وَإِنَّهُ لَتُصِيبُهُ الْمَعْرَةُ مِنَ السُّلْطَانِ فَيَقُولُ مَا لِي وَمَا هُوَ إِلَّا بِالذُّنُوبِ وَذَاكَ وَاللَّهِ إِنَّكُمْ لَا تُؤَاخِذُونَ بِهَا فِي الْآخِرَةِ

امام صادق عليه السلام به مفضل بن عمر فرمود: ای مفضل! از گناه پرهیز و شیعیان ما را از گناهان بترسان ، به خدا قسم گناهان بیش از هر چیز به سراغ شما می آیند، و به خدا سوگند هر کدام از شما که بیماری در بدنش پیدا شود به خاطر گناهانی است که مرتکب شده ، و هر یک از شما که محروم از روزی گردد و بگوید: مرا چه به این سختیها! این نیز به خاطر گناهانش است ، و اگر هم از ناحیه پادشاهی به او ظلمی رسد و بگوید: مرا چه به پادشاه ! این نیز بسبب گناهانش است ، و به خدا قسم شما به خاطر این گناهان در آخرت مؤاخذه نمی شوید.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ لَيَعْتَذِرُ إِلَى عَبْدِهِ الْمُحْجَبِ الْمُؤْمِنِ كَمَا يَعْتَذِرُ أَخٌ إِلَى أُخِيهِ فَيَقُولُ وَعِزَّتِي مَا أَفْقَرْتُكَ لِهَوَانِ كَانَتْ لَكَ عَلَيَّ ارْفَعْ هَذَا الْغِطَاءَ فَانظُرْ مَا عَوَّضْتُكَ

مِنَ الدُّنْيَا قَالَ فَيَكْشِفُ فَيَنْظُرُ إِلَى مَا عَوَّضَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ الدُّنْيَا فَيَقُولُ مَا ضَرَّنِي يَا رَبِّ مَا مَنَعَنِي مَعَ مَا قَدْ عَوَّضْتَنِي

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند (روز قیامت) از بنده مؤمن محتاج پوزش می خواهد، چنان که برادری از برادرش عذر می خواهد، و می فرماید: به عزتم سوگند، تو را برای اینکه در نظرم خوار شوی محتاج نکردم، این پرده را کنار بزن تا ببینی عوض آن در دنیا به تو چه داده ام. فرمود: او پرده را کنار می زند و به آنچه خدای متعال به عوض دنیا به او داده نظر می کند، و می گوید: با این عوض که به من عطا فرمودی آنچه از دنیا از من باز گرفتی زیانی برایم نداشت.

عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيْبِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّهَا النَّاسُ سَيَكُونُ بَعْدِي أُمَرَاءُ لَا يَسْتَقِيمُ لَهُمُ الْمُلْكُ إِلَّا بِالْقَتْلِ وَ التَّجْبُرِ وَ لَا يَسْتَقِيمُ لَهُمُ الْغِنَاءُ إِلَّا بِالْبُخْلِ وَ التَّكْبُرِ فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ مِنْكُمْ فَصَبِرَ عَلَى الْفَقْرِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْغِنَاءِ مِنْهُمْ وَ صَبَرَ عَلَى الْبُغْضَاءِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْمَحَبَّةِ مِنْهُمْ وَ صَبَرَ عَلَى الدُّلِّ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْعِزِّ مِنْهُمْ وَ يُرِيدُ بِذَلِكَ وَجَهَ اللَّهِ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ اثْنَيْنِ وَ خَمْسِينَ شَهِيداً

رسول خدا صلى الله عليه وسلم فرمود: ای مردم! به زودی پس از من حاکمانی خواهند آمد که سلطنت آنان جز با کشتار و زورگویی میسر نخواهد بود، و مال و ثروت نیاندوزند مگر با بخل و تکبر، هر کس این زمان را درک کند و بر فقر صبر نماید با اینکه قادر بر کسب ثروت از آنان است، و بر دشمنی آنان صبر کند در حالی که می تواند از آنان جلب محبت کند، و بر خواری صبر کند با اینکه توان تحصیل عزت از آنان را دارد، و صبرش به خاطر خدا و ثواب آخرت باشد، خداوند به او ثواب پنجاه و دو شهید را می دهد.

باب هفتم در بیان مصیبتها و سختیها و بلاها و وعده های ثواب
خداوند و یاد آوری مرگ و در آن نه فصل است

الباب السابع فى ذكر المصائب و الشدائد و البلايا و ما وعد الله من الثواب و
ذكر الموت تسعة فصول

فصل اول : در بیان صبر بر مصیبتها

الفصل الاول فيما جاء فى الصبر على المصائب

عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لَنْ تَكُونُوا
مُؤْمِنِينَ حَتَّى تَكُونُوا مُؤْتَمِنِينَ وَ حَتَّى تَعُدُّوا الْبَلَاءَ نِعْمَةً وَ الرَّخَاءَ مُصِيبَةً وَ ذَلِكَ أَنَّ
الصَّبْرَ عَلَى الْبَلَاءِ أَفْضَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ عِنْدَ الرَّخَاءِ

امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: شما هرگز مؤمن نخواهید بود مگر اینکه مورد اعتماد
مردم باشید، و بلا را نعمت بدانید، و وسعت را مصیبت شمارید، زیرا صبر بر بلا
از آسایش هنگام وسعت بهتر است .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا مِنْ عَبْدٍ أُعْطِيَ قَلْبًا شَاكِرًا وَ لِسَانًا ذَاكِرًا وَ جَسَدًا
عَلَى الْبَلَاءِ صَابِرًا وَ زَوْجَةً صَالِحَةً إِلَّا وَ قَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: به هیچ بنده ای دل شکرگزار و زبان ذکرکننده و بدن
صبرکننده در مقابل سختیها و زن پارسا داده نشد، مگر اینکه خیر دنیا و آخرت
به او داده شد.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ تَنَزَّلُ بِهِ بَلِيَّةٌ فَيَصْبِرُ ثَلَاثًا لَا يَشْكُو إِلَى أَحَدٍ إِلَّا كَشَفَ اللَّهُ عَنْهُ

امام سجاد عليه السلام فرمود: هیچ بنده مؤمنی در مقابل مصیبتها سه روز صبر نکرد و به کسی شکایت نمود، بجز آنکه خداوند گرفتاریش را بر طرف کند.

عَنْ جَابِرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا الصَّبْرُ الْجَمِيلُ فَقَالَ ذَاكَ الصَّبْرُ الَّذِي لَيْسَ فِيهِ شَكْوَى إِلَى أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ بَعَثَ يَعْقُوبَ إِلَى رَاهِبٍ مِنَ الرَّهْبَانِ عَابِدٍ مِنَ الْعِبَادِ فِي حَاجَةٍ فَلَمَّا رَأَهُ الرَّاهِبُ حَسِبَهُ إِبْرَاهِيمَ فَوَتَّبَ إِلَيْهِ فَأَعْتَقَهُ ثُمَّ قَالَ مَرَحَبًا بِخَلِيلِ الرَّحْمَنِ قَالَ لَا وَ لَكِن لَكِنِّي يَعْقُوبُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ فَقَالَ لَهُ الرَّاهِبُ فَمَا بَلَغَ بِكَ مَا أَرَى بِكَ الْكَبِيرُ فَقَالَ اللَّهُمَّ وَالْحُزْنَ وَالسُّقْمَ فَمَا جَاوَزَ عَتَبَةَ الْبَابِ حَتَّى أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ يَا يَعْقُوبُ تَشْكُونِي إِلَى عَبْدِي فَخَرَّ سَاجِدًا عِنْدَ الْبَابِ فَقَالَ يَا رَبِّ لَا أَعُودُ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَكَ فَلَا تَعُدْ لِمِثْلِهَا فَمَا شَكَأَ مِمَّا أَصَابَهُ مِنْ نَوَائِبِ الدُّنْيَا إِلَّا أَنَّهُ قَالَ يَوْمَانِمَا أَشْكُوا بَشَى وَ حُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

جابر گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: صبر جمیل چیست؟ فرمود: صبری است که در کنارش شکایتی نزد مردم نبرد، ابراهیم عليه السلام حضرت یعقوب را برای حاجتی نزد راهبی از راهبان و عابدی از عابدان فرستاد، چون راهب یعقوب را دید گمان کرد او ابراهیم است، به طرف او خیزش نمود و او را در آغوش گرفت، سپس گفت: ای دوست خدا! خوش آمدی.

یعقوب گفت: من یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم هستم، راهب گفت: پس چرا این قدر سالخورده شده ای؟ فرمود: غم و اندوه و بیماری چنینم نموده، هنوز از آستانه در خارج نشده بود که خداوند به او وحی فرمود: ای یعقوب!

شکایت مرا نزد بنده ام نمودی ؟ در اینجا حضرت کنار در به سجده افتاد، و گفت : خدایا! دیگر تکرار نخواهم کرد، خداوند به او وحی فرمود: من تو را آمرزیدم ، دیگر مثل این سخن را نگو، پس از آن دیگر یعقوب از هیچ مصیبتی شکایت نمود، فقط یک روز گفت : من از غم و اندوه فقط به خدا شکایت می برم ، و من از خدا چیزی می دانم که شما نمی دانید.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَأَنْزِعُ كَرِيمَتِي عَبْدًا فَيَصْبِرَ لِحُكْمِي وَيُسَلِّمَ بِقَضَائِي فَأَرْضَى لَهُ ثَوَابًا دُونَ الْجَنَّةِ
 امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خداوند عز و جل فرمود: دو چشم بنده ام را گرفتم و او بر حکم من صبر نمود و تسلیم قضایم شد، در برابر آن بهشت را به او دادم .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا سَلَبَ اللَّهُ مُؤْمِنًا كَرِيمَتِيهِ إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ عِوَضَهُ مِنْهَا الْجَنَّةَ
 امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خداوند دیدگان هیچ مؤمنی را از او نگرفت مگر اینکه عوضش را بهشت قرار داد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْعَمَى سِجْنٌ يَسْجُنُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ بِهِ عَبْدُهُ مَا شَاءَ إِلَى مَتَى شَاءَ
 امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: کوری زندانی است که خداوند به واسطه آن هر بنده اش را که بخواهد در زمین زندانی می کند تا هر وقت بخواهد.

جَاءَ أَعْمَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ادْعُ اللَّهَ أَنْ يَكْشِفَ بَصْرِي
 قَالَ إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ أَدْعُوَ فَعَسَى أَنْ يَكْشِفَ بَصْرَكَ وَإِنْ شِئْتَ تَلْقَاهُ وَلَا حِسَابَ
 عَلَيْكَ فَقَالَ الْفَاهُ وَلَا حِسَابَ عَلَيَّ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يُسَلَّبَ امْرَأً
 كَرِيمَتِيهِ ثُمَّ يُعَذِّبُهُ

مردی نابینا خدمت رسول خدا ﷺ رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! دعا
 کن چشمانم بینا شود. فرمود: اگر دوست داری دعا کنم تا چشمانت بینا شود، و
 اگر می خواهی (به همین شکل) خدا را بدون حساب و کتاب ملاقات کنی ؟
 گفت : او را بدون حساب و کتاب ملاقات کنم ، رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند
 بزرگوارتر از آن است که دو چشم انسانی را بگیرد، سپس او را عذاب نماید.

كَانَ مَكْفُوفٌ مِنْ أَصْحَابِ ابْنِ الْحَنَفِيَّةِ وَكَانَ يَرِقُّ لَهُ فَقَالَ لَهُ يَا أَبَا الْوَقَّاصِ أَلَا
 أُحَدِّثُكَ حَدِيثًا عَنْ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الْخَوَارِجِينَ قَالُوا لِعِيسَى يَا كَلِمَةَ اللَّهِ
 نُحِبُّ أَنْ تُرِينَا شَيْئًا نَعْرِفُ أَنَّكَ بِالْمَنْزِلِ الَّذِي أَنْتَ بِهِ مِنَ اللَّهِ فَقَالَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ
 وَمَا أَنْكَرْتُمْ قَالُوا مَا أَنْكَرْنَا شَيْئًا وَلَكِنَّا نُحِبُّ أَنْ تُرِينَا قَالَ وَمَا تُرِيدُونَ قَالُوا سَلْ
 رَبَّكَ أَنْ يُرِدَّ عَلَيَّ مَكْفُوفٍ مِنَّا بَصْرَهُ قَالَ فَاجْمَعُوا مَنْ أَحْبَبْتُمْ قَالَ فَاجْتَمَعُوا
 فَأَجْلَسَهُمْ عَلَى شَاطِئِ نَهْرٍ ثُمَّ قَالَ ...

در بین یاران محمد بن حنفیه نابینایی بود که مردم برایش دلسوزی می
 کردند، ابن حنفیه به او گفت : ای ابو الوقاص ! آیا حدیثی از عیسی بن مریم
 برایت بگویم ؟ سپس گفت :

حواریون به عیسی گفتند: ای کلمه الله ! دوست داریم معجزه ای نشان دهی
 تا منزلت تو را نزد خدا ببینیم ، عیسی گفت : ای بنی اسرائیل ! چه چیز را

منکرید؟ گفتند: چیزی را انکار نمی کنیم ، ولی دوست داریم به ما (معجزه ای) نشان دهی ، گفت : چه چیز می خواهید؟

گفتند: از پروردگارت بخواه که چشمان نابینایی از ما را بینا کند، گفت : هر که را دوست دارید بیاورید، آنان جمع شدند و عیسی آنها را در کنار نهی نشانده، سپس گفت :

(در اصل کتاب سفید است)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّمَا جُعِلَتِ الْعَاهَاتُ فِي أَهْلِ الْحَاجَةِ لِئَلَّا يَسْتَتِرُوا وَ لَوْ جُعِلَتْ فِي الْأَغْنِيَاءِ اسْتَتَرَتْ

امام صادق علیه السلام فرمود: نواقص جسمانی در فقرا نهاده شد، تا نتوانند آن را پنهان سازند و اگر در توانگران قرار داده می شد آن را می پوشاندند.

دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ كَلَّمَهُ فَلَمْ يَسْمَعْ كَلَامَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ شَكَأَ إِلَيْهِ ثَقُلًا فِي أُذُنَيْهِ فَقَالَ لَهُ مَا يَمْنَعُكَ أَوْ أَيْنَ أَنْتَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ فَقَالَ تَكْبِيرُ اللَّهِ أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ وَ تَحْمُدُ اللَّهِ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ وَ تُسَبِّحُ اللَّهَ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ تَمَامَ الْمِائَةِ قَالَ فَمَا فَعَلْتُ ذَلِكَ إِلَّا يَسِيرًا حَتَّى ذَهَبَ عَنِّي مَا كُنْتُ أُجِدُّهُ

مردی خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید و امام با او به سخن گفتن پرداخت ، آن مرد سخنان امام را نشنید، و از سنگینی گوشش شکایت کرد، امام فرمود: چرا تسبیح فاطمه علیه السلام را نمی خوانی ؟ گفت : فدایت شوم ! تسبیح فاطمه چیست ؟ فرمود: سی و چهار مرتبه الله اکبر و سی و سه مرتبه الحمد لله و سی

و سه مرتبه سبحان الله ، تا جمعا صد مرتبه گردد، وی گفت : مدت کمی این ذکر را گفتم تا اینکه سنگینی گوشم از بین رفت .

عَنْهُ قَالَ لَا يُصْبِحُ الْمُسْلِمُ إِلَّا عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَ حُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ

امام صادق علیه السلام فرمود: مسلمان همواره دارای سه خصلت است : تفقه در دین ، تدبیر نیکو برای زندگانی ، صبر بر سختیها.

عَنْهُ قَالَ كِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ مِنْ كُنُوزِ الْبِرِّ

امام صادق علیه السلام فرمود: پنهان کردن مصیبت یکی از نیکوترین گنجهاست .

عَنْهُ قَالَ إِنَّ قَوْمًا يَأْتُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَتَخَلَّلُونَ رِقَابَ النَّاسِ حَتَّى يَضْرِبُوا بَابَ الْجَنَّةِ قَبْلَ الْحِسَابِ فَيَقُولُونَ لَهُمْ بِمَ تَسْتَحِقُّونَ الدُّخُولَ إِلَى الْجَنَّةِ قَبْلَ الْحِسَابِ فَيَقُولُونَ كُنَّا مِنَ الصَّابِرِينَ فِي الدُّنْيَا

امام صادق علیه السلام فرمود: روز قیامت گروهی از بالای گردنهای مردم عبور می کنند تا به در بهشت می رسند، و قبل از محاسبه خود را داخل بهشت می کنند، به آنها می گویند: چرا شما قبل از محاسبه مستحق رفتن به بهشت شدید؟ آنان می گویند: ما در دنیا جزء صبرکنندگان بودیم .

عَنْهُ قَالَ الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ وَ كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيمَانُ

امام صادق علیه السلام فرمود: صبر نسبت به ایمان همانند سر نسبت به بدن می باشد، هر گاه سر برود تن می رود، همچنین هنگامی که صبر برود ایمان می رود.

عَنْهُ قَالَ مَا مِنْ حُمَى وَلَا صُدَاعٍ وَلَا عِرْقٍ يَضْرِبُ إِلَّا بِذَنْبٍ وَمَا يَغْفُو اللَّهُ أَكْثَرَ

امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ تب یا سر درد و یا ناراحتی عصبی برای انسان پیش نمی آید مگر به واسطه گناه ، و آن گناهایی که خداوند می بخشد بسیار است .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ مَا مِنْ عَبْدٍ يُصَابُ بِمُصِيبَةٍ فَيَسْتَرْجِعُ عِنْدَ ذِكْرِ الْمُصِيبَةِ وَيَصْبِرُ حِينَ تَفْجَاهُ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَكُلَّمَا ذَكَرَ مُصِيبَةً فَاسْتَرْجَعَ عِنْدَ ذِكْرِهِ الْمُصِيبَةَ غَفَرَ لَهُ كُلَّ ذَنْبٍ اِكْتَسَبَهُ فِيمَا بَيْنَهُمَا

امام باقر علیه السلام فرمود: هر بنده ای که گرفتار مصیبت شود، و هر گاه مصیبت به یادش آمد بگوید: (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) و هنگامی که برایش ناگوار آمد صبر کند، خداوند تمامی گناهان گذشته اش را می بخشد، و هر وقت به یاد مصیبتی افتاد و کلمه استرجاع را به زبان آورد، گناهایی را که بین دو استرجاع مرتکب شده بخشیده می شود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ الشَّكْوَى أَنْ يَقُولَ لَقَدْ ابْتُلَيْتُ بِمَا لَمْ يُبْتَلِ بِهِ أَحَدٌ وَ يَقُولَ لَقَدْ أَصَابَنِي مَا لَمْ يُصِبْ أَحَدًا وَ لَيْسَ الشَّكْوَى أَنْ يَقُولَ سَهَرْتُ الْبَارِحَةَ وَ حُمِئْتُ الْيَوْمَ وَ نَحْوَ هَذَا

امام صادق علیه السلام فرمود: شکایت (از مصیبت) به این است که انسان بگوید: به مصیبتی گرفتار شدم که تاکنون هیچ کس گرفتار آن نشده ، و بگوید: مصیبتی به من رسید که به کسی نرسید، و شکایت (از مصیبت) به این نیست که بگوید: تمام دیشب را بیدار بودم و امروز تب کردم و مانند این .

عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ لَمَّا أُصِيبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ بَعَثَنِي الْحَسَنُ إِلَى الْحُسَيْنِ عليهما السلام وَهُوَ بِالْمَدَائِنِ فَلَمَّا قَرَأَ الْكِتَابَ قَالَ يَا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ مَا أَعْظَمَهَا مَعَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مَنْ أُصِيبَ مِنْكُمْ بِمُصِيبَةٍ فَلْيَذْكُرْ مُصَابَهُ بِي فَإِنَّهُ لَنْ يُصَابَ بِمُصِيبَةٍ أَعْظَمَ مِنْهَا وَصَدَقَ ص

مردی از پدرش نقل کند که گفت : هنگامی که امیر مؤمنان علیه السلام ضربت خورد، امام حسن علیه السلام مرا (با نامه ای) به مدائن نزد امام حسین علیه السلام فرستاد، چون امام نامه را خواند فرمود: چه مصیبت بزرگی ! با اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کدام از شما مصیبت زده شد مصیبتهای مرا یاد کند، زیرا مصیبتی بزرگتر از مصیبتهای من نیست ، و پیامبر صلی الله علیه و آله درست فرمود.

عَنْ الْبَاقِرِ عليه السلام إِنْ أُصِيبَتْ بِمُصِيبَةٍ فِي نَفْسِكَ أَوْ مَالِكَ أَوْ وُلْدِكَ فَادْكُرْ مُصَابَكَ بِرَسُولِ اللَّهِ فَإِنَّ الْخَلَائِقَ لَمْ يُصَابُوا بِمِثْلِهِ قَطُّ
امام باقر علیه السلام فرمود: اگر به مصیبتی در جان یا مال یا فرزندت گرفتار شدی ، مصیبت رسول خدا صلی الله علیه و آله را بیاد آور، زیرا هیچ کس از مخلوقات مانند او گرفتار نشدند.

عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَاءَهُ رَجُلٌ فَشَكَا إِلَيْهِ مُصِيبَةً أُصِيبَ بِهَا فَقَالَ لَهُ أَمَا إِنَّكَ إِنْ تَصَبَّرْتَ تُوَجَّرَ وَإِنْ لَمْ تَصَبِّرْ يُمَضَى عَلَيْكَ قَدَرُ اللَّهِ الَّذِي قَدَّرَ عَلَيْكَ وَأَنْتَ مَا زُورٌ

صفوان جمال گوید: خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ بودیم که مردی آمد و از مصیبتی که به او رسیده بود شکایت نمود، امام عَلَيْهِ السَّلَامُ به او فرمود: اگر صبر کنی ثواب می بری و اگر صبر نکنی قضا و قدر الهی که بر تو مقدر شده می گذرد، و تو هم به ثوابی نمی رسی .

عَنْهُ قَالَ مَنْ عَزَى حَزِينًا كَسَى فِي الْمَوْقِفِ حُلَّةً يُحِبِّي بِهَا
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر کس اندوهگینی را تسلیت گوید، روز قیامت جامه ای به او بپوشانند که باعث احترامش شود.

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ التَّعْزِيَةُ تُورَثُ الْجَنَّةَ
رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: تسلیت گفتن موجب دخول به بهشت است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِنِّي جَعَلْتُ الدُّنْيَا بَيْنَ عِبَادِي قَرْضًا فَمَنْ أَقْرَضَنِي مِنْهَا قَرْضًا أُعْطِيْتُهُ بِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ عَشْرًا إِلَى سَبْعِمِائَةٍ ضِعْفٍ وَمَا شِئْتُ مِنْ ذَلِكَ وَمَنْ لَمْ يُقْرِضْنِي مِنْهَا قَرْضًا وَأَخَذْتُ شَيْئًا مِنْهُ قَسْرًا أُعْطِيْتُهُ ثَلَاثَ خِصَالٍ لَوْ أُعْطِيْتُ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ مَلَأْتُكَتِي لَرَضُوا بِهَا مِنِّي ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ فَهَذِهِ وَاحِدَةٌ

مِنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ وَرَحْمَةٍ اِثْنَتَانِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ثَلَاثٌ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ هَذَا لِمَنْ أَخَذَ اللَّهُ شَيْئًا مِنْهُ قَسْرًا

امام صادق عليه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کند که فرمود: خداوند تبارک و تعالی می فرماید:

من دنیا را بین بندگانم قرض قرار دادم ، و هر کس از آن به من قرض دهد، در مقابل هر یک از آنها ده تا هفتصد برابر و آنچه خواهم به او بدهم ، و هر کس از آن به من قرض ندهد و چیزی از او بر خلاف میلش بگیرم ، سه خصلت به او می دهم که اگر یکی از آنها را به فرشتگانم بدهم از من راضی خواهند شد.

سپس امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند عزّ و جلّ می فرماید: (آنان که چون مصیبتی ببینند، گویند: ما متعلق به خداییم و به سوی او بازمی گردیم ، برای آنها رحمتهایی از سوی پروردگارشان است)، این یکی از آن سه خصلت است ، و «رحمت» خصلت دومین آن ، و «ایشانند هدایت شدگان» خصلت سوم . امام صادق عليه السلام فرمود: این برای کسی است که خدا چیزی را از او بر خلاف میلش بگیرد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ يُصْبِحُ الرَّجُلُ وَيُؤْمِسِي عَلَى شَلَلٍ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يُؤْمِسِي وَيُصْبِحَ عَلَى الْجَرَبِ فَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْجَرَبِ

امام صادق عليه السلام فرمود: مردی که شب و روز فلج باشد برایش بهتر از این است که شب و روزش به بیماری گری بگذرد، ما به خدا پناه می بریم از بیماری گری .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْوَلَدُ الصَّالِحُ مِيرَاثُ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ إِذَا قَبَضَهُ
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: فرزند صالح میراث خداوند است هر گاه او را از
مؤمن بگیرد.

عَنْ مِهْرَانَ قَالَ كَتَبَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَشْكُو إِلَيْهِ مُصَابَهُ بِوَلَدِهِ وَشِدَّةَ
مَا دَخَلَهُ فَكَتَبَ إِلَيْهِ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ يَخْتَارُ مِنْ مَالِ الْمُؤْمِنِ وَمِنْ وُلْدِهِ أَنْفَسَهُ
لِيَأْجُرَهُ عَلَى ذَلِكَ

مهران گوید: مردی به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ نامه ای نوشت ، و از مصیبت فرزندش و
سختیهایی که بر او وارد شده بود شکایت نمود، امام عَلَيْهِ السَّلَامُ به او نوشت : آیا نمی
دانی که خداوند مال مؤمن و فرزندانش را می گیرد تا در مقابل پاداشش دهد؟

فصل دوم : در بیان فضیلت بیماری و پنهان کردن آن

الفصل الثانی فیفضل المرض و کتمانہ

عَنْ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْجَسَدُ إِذَا لَمْ يَمْرَضْ أَشْرَ وَلَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ يَأْشُرُ

امام باقر علیه السلام فرمود: هر گاه بدن بیمار نشود شرارتش بیشتر است ، و بدنی

که شرارت برساند خیر ندارد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَوْ لَا أَنْ يَجِدَ عَبْدِي الْمُؤْمِنُ فِي

قَلْبِهِ لَعَصَبْتُ رَأْسَ الْكَافِرِ بِعَصَابَةِ حَدِيدٍ لَا يُصَدِّعُ رَأْسُهُ أَبَدًا

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند عز و جل می فرماید: اگر بنده مؤمنم دل

آزرده نمی شد، سر کافر را با دستمال آهنی می بستم تا هرگز سرش درد نگیرد.

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ تُكْفِيهَا الرِّيحُ كَذَا

وَكَذَا وَ الْمُؤْمِنُ تُكْفِيهِ الْأَوْجَاعُ وَ الْأَمْرَاضُ وَ مَثَلُ الْمُنَافِقِ كَمَثَلِ الْإِرْزَبَةِ الْمُسْتَقِيمَةِ

الَّتِي لَا يُصِيبُهَا شَيْءٌ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ فَيَقْصِفُهُ قَصْفًا

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کند که فرمود: حکایت مؤمن

حکایت ساقه گیاهی است که بادهای او را به این سو و آن سو حرکت می دهند،

مؤمن را هم دردها و بیماریها خم و راست می کنند، و حکایت منافق حکایت

عصای آهین راستی است که آسیبی به آن نرسد، تا مرگش فرا رسد و او را

درهم شکنند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ عُدُّوا مَرْضَاكُمْ وَ سَلُّوهُمْ الدُّعَاءَ يَعْدِلُ دُعَاءُ الْمَلَائِكَةِ
وَ مَنْ مَرَضَ لَيْلَةً فَقَبَلَهَا بِقَبُولِهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عِبَادَةَ سِتِّينَ سَنَةً قُلْتُ مَا مَعْنَى قَبُولِهَا
قَالَ لَا يَشْكُو مَا أَصَابَهُ فِيهَا إِلَى أَحَدٍ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: از بیمارانتان عیادت کنید و از آنان بخواهید تا
برایتان دعا کنند، زیرا دعای آنان با دعای فرشتگان برابری می کند، و هر کس
شبی بیمار شود و آن را به خوشنودی بپذیرد، خداوند ثواب عبادت شصت سال
را برایش بنویسد، پرسیدم :

معنای پذیرفتن آن چیست ؟ فرمود: از مصیبتی که برایش پیش آمده نزد
کسی شکایت نکند.

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ عُدُّوا مَرْضَاكُمْ وَ سَلُّوا أَنْ يَدْعُوا اللَّهَ لَكُمْ فَإِنَّ دُعَاءَهُمْ
يَعْدِلُ دُعَاءَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَنْ مَرَضَ لَيْلَةً فَقَبَلَهَا بِقَبُولِهَا وَ أَدَّى شُكْرَهَا إِلَى اللَّهِ كَانَتْ
كِعِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً قَالَ أَبِي قُلْتُ لَهُ مَا قَبُولُهَا قَالَ يَصْبِرُ عَلَيْهَا وَ لَا يُخْبِرُ بِمَا كَانَ
فِيهَا فَإِذَا أَصْبَحَ حَمِدَ اللَّهَ عَلَى مَا كَانَ فِيهَا

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: به عیادت بیمارانتان بروید و از آنان بخواهید تا برایتان
دعا کنند، زیرا دعای آنان با دعای فرشتگان برابر است ، هر کس شبی مریض
شود و آن را به خوشنودی بپذیرد و شکرش را بجا آورد، این شکر معادل با
شصت سال عبادت است .

راوی گوید: از امام پرسیدم : معنای قبولش چیست ؟ فرمود: بر آن صبر کند،
و کسی را به گرفتاریش خبر ندهد، و هر گاه شبش را به صبح رساند خدا را بر
آنچه مبتلایش بوده سپاس گوید.

فصل سوم : در بیان حزن و اندوه

(الفصل الثالث في الحزن)

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا كَثُرَتْ ذُنُوبُ الْعَبْدِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
مِنْ الْعَمَلِ مَا يُكَفِّرُهَا ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِالْحُزْنِ لِيُكَفِّرَهَا

رسول خدا ﷺ فرمود: هنگامی که گناهان بنده زیاد شود و عملی هم که
پوشاننده گناهان باشد نداشته باشد، خداوند او را به اندوه مبتلا می سازد تا
کفاره گناهانش باشد.

وَ قِيلَ عَزَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْأَشْعَثُ بْنُ قَيْسٍ عَلَى ابْنِهِ فَقَالَ إِنْ تَحْزَنَ فَقَدْ
اسْتَحَقَّ ذَلِكَ مِنْكَ الرَّحِمُ وَإِنْ تَصَبَّرَ فَفِي اللَّهِ خَلْفُكَ مِنْ ابْنِكَ وَإِنْ صَبَرْتَ
جَرَى عَلَيْكَ الْقَدَرُ وَأَنْتَ مَا جُورٌ وَإِنْ جَزَعْتَ جَرَى عَلَيْكَ الْقَدَرُ وَأَنْتَ مَا ثَوْمٌ

حضرت علی علیه السلام به اشعث بن قیس که فرزندش را از دست داده بود تسلیت
گفت و فرمود: اگر غمگین شوی به خاطر فرزندت بوده و مانعی ندارد، و اگر
صبر کنی خداوند به جای فرزندت به تو پاداش دهد، و اگر صبر کنی مقدر الهی
بر تو جاری می شود و تو اجر می بری ، ولی اگر بیتابی کنی قضا و قدر بر تو
جاری شود و تو گناهکار باشی .

وَ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ وَلَمْ يَجِدْ مَا يُكَفِّرُهَا بِهِ ابْتَلَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ
جَلَّ بِالْحُزْنِ فِي الدُّنْيَا لِيُكَفِّرَهَا بِهِ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِهِ وَإِلَّا عَذَّبَهُ فِي قَبْرِهِ فَيَلْقَى اللَّهَ
عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَ لَيْسَ شَيْءٌ يَشْهَدُ عَلَيْهِ بِشَيْءٍ مِنْ ذُنُوبِهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس گناهانش زیاد شود، و کفّاره ای برای آن نیابد خداوند در دنیا او را به غم و اندوه گرفتار سازد تا کفّاره گناهانش باشد، اگر هم این کار را با او نکند او را در قبرش عذاب دهد، و در روز ملاقات با خدا در حالی باشد که چیزی از گناهانش باقی نباشد تا بر ضرر او شهادت دهد.

وَمِنْ كِتَابِ السَّيِّدِ نَاصِحِ الدِّينِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: خداوند متعال هر دل محزون و غمگینی را دوست دارد.

مِنْ كِتَابِ عِلَلِ الشَّرَائِعِ قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام إِنِّي رَبَّمَا حَزَنْتُ فَلَا أَعْرِفُ فِي أَهْلِ وَلَا مَالٍ وَلَا وَلَدٍ وَرَبَّمَا فَرِحْتُ فَلَا أَعْرِفُ فِي أَهْلِ وَلَا مَالٍ وَلَا وَلَدٍ فَقَالَ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ مَعَهُ مَلَكٌ وَ شَيْطَانٌ فَإِذَا كَانَ فَرِحُهُ كَانَ دُنُوُّ الْمَلِكِ مِنْهُ وَ إِذَا كَانَ حَزْنُهُ كَانَ دُنُوُّ الشَّيْطَانِ مِنْهُ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُمُ بِالْفَحْشَاءِ وَ اللَّهُ يَعِدُكُمُ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلًا وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

عبد الرحمن گوید: خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: من گاهی به اندازه ای غمگین می شوم که خانواده و مال و فرزندم را نمی شناسم، و گاهی چنان خوشحال هستم که خانواده و مال و فرزندم را نمی شناسم.

امام علیه السلام فرمود: هر شخصی برای خود شیطان و فرشته ای دارد، هر گاه خوشحال باشد فرشته ای به او نزدیک شود، و هر گاه غمگین شود شیطان، و این معنای سخن خداوند عزّ و جلّ است که می فرماید: (شیطان به شما وعده

فقر می دهد و شما را وادار به کارهای زشت می کند، و خداوند شما را به
آمزش و فزونیش بشارت می دهد، و خداوند گشایشگر و داناست).

فصل چهارم : در بیان آرامش دل

(الفصل الرابع فى التسلية)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَوْ لَا إِحْسَانُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ لَنَقَلَهُمْ مِنَ الْحَالِ الَّتِي هُمْ فِيهَا إِلَى حَالٍ هِيَ أَضْيَقُ مِنْهَا
امام صادق عليه السلام فرمود: اگر مؤمنین برای طلب روزی نزد خدای عز و جل
اصرار نمی ورزیدند، خداوند آنان را از حالی که در آن هستند به معیشت
تنگتری مبتلا می کرد.

شَكَاَ الْحَوَارِيُّونَ إِلَى عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ تَهَاوُنَ النَّاسِ بِهِمْ وَبُغْضَهُمْ لَهُمْ فَقَالَ
اصْبِرُوا كَذَلِكَ الْمُؤْمِنُونَ مُبْغُضُونَ فِي النَّاسِ مِثْلَهُمْ كَمِثْلِ الْقَمْحِ مَا أَحْلَى مَذَاقَهَا وَ
أَكْثَرَ أَعْدَاءَهَا وَالْقَمْحُ الْبُرُّ

حواریون به حضرت عیسی علیه السلام از مردم نسبت به خوار نمودنشان و دشمنی
کردنشان با آنان شکایت کردند، فرمود: صبر کنید، مؤمنان همیشه در بین مردم
مورد دشمنی هستند، حکایت آنان حکایت گندم است که طعمی شیرین دارد و
دشمنانش بسیارند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُذْكَرَ خَمَلٌ وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَخْمَلَ ذُكْرًا
امام صادق علیه السلام فرمود: هر که دوست داشته باشد که مشهور شود گمنام
گردد، و هر که دوست بدارد گمنام بماند مشهور شود.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ ثُمَّ قَالَ أَمَا رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَكُونُ فِي الْقَبِيلَةِ صَالِحًا فَيُقَالُ إِنَّ فُلَانًا لَغَرِيبٌ فِيهِمْ

امام صادق علیه السلام از رسول خدا ﷺ نقل کند که فرمود: اسلام در آغاز غریب بود، و به زودی به همان حالی که آغاز شد بر می گردد، خوشا به حال غریبان ، سپس فرمود: آیا مرد صالحی را در قبیله ای ندیده ای که در باره اش می گویند: فلانی در بین آنان غریب است .

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِرَاعِيٍ إِبِلٍ فَبَعَثَ إِلَيْهِ يَسْتَسْقِيهِ فَقَالَ أَمَا مَا فِي ضُرُوعِهَا فَصُبُوحُ الْحَيِّ وَأَمَا مَا فِي آبَتَيْهَا فَغَبُوقُهُمْ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اللَّهُمَّ أَكْثِرْ مَالَهُ وَوَلَدَهُ ثُمَّ مَرَّ بِرَاعِيٍ غَنَمٍ فَبَعَثَ إِلَيْهِ يَسْتَسْقِيهِ فَحَلَبَ لَهُ مَا فِي ضُرُوعِهَا وَ أَكْفَأَ مَا فِي إِبَائِهِ فِي إِنْاءِ رَسُولِ اللَّهِ وَ بَعَثَ إِلَيْهِ بِشَاةٍ وَ قَالَ هَذَا مَا عِنْدَنَا وَ إِنِ أَحْبَبْتَ أَنْ نَزِيدَكَ زِدْنَاكَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اللَّهُمَّ ارْزُقْهُ الْكَفَافَ فَقَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ دَعَوْتَ لِلَّذِي رَدَّكَ بِدُعَاءِ عَامَّتِنَا نُجِبُهُ وَ دَعَوْتَ لِلَّذِي أَسْعَفَكَ بِحَاجَتِكَ بِدُعَاءِ كُنُفُنَا نَكْرَهُهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ مَا قُلَّ وَ كَفَى خَيْرٌ مِمَّا كُنْتُ وَ أَلْهِی اللَّهُمَّ اجْعَلْ رِزْقَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْكَفَافَ

حضرت سجاد علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ به شترچرانی گذر کرد و کسی را فرستاد تا از او شیر بخواند، شتربان گفت : آنچه در پستان شتران است صبحانه قبیله و آنچه در ظرفهاست شام ایشان است ، رسول خدا ﷺ فرمود: خدایا! مال و فرزندان را زیاد کن ، سپس از کنار گوسفندچرانی گذر کرد، و کسی را فرستاد تا از او شیر بگیرد، چوپان گوسفندها را دوشید و هر چه در ظرف داشت در ظرف رسول خدا ریخت و گوسفندی هم برای حضرت فرستاد،

و عرض کرد: همین مقدار نزد ما بود، و اگر بیش از این هم بخواهی به شما می دهیم ، رسول خدا ﷺ فرمود: پروردگارا! او را به قدر کفایت روزی ده ، یکی از اصحاب عرض کرد: ای رسول خدا! برای کسی که ردّت کرد دعائی فرمودی که همه ما آن را دوست داریم ، و برای کسی که حاجتت را بر آورد دعایی کردی که همه ما ناخوش داریم ، رسول خدا ﷺ فرمود: آنچه کم باشد و کفایت کند بهتر از زیادی است که دل را مشغول دارد، پروردگارا! به محمد و آتش به قدر کفاف روزی عطا کن .

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا بَلَغْتَ سِتِّينَ سَنَةً فَاحْسُبْ نَفْسَكَ فِي الْمَوْتَى
امام باقر علیه السلام فرمود: هر گاه به شصت سالگی رسیدی ، خودت را جزء مردگان به حساب آور.

فصل پنجم : در بیان گرفتاریهای مؤمن

(الفصل الخامس في ذكر ما جاء في المؤمن وما يلقي من أذى الناس و

بغضهم إياه)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَا أَبَا حَمْزَةَ
إِنْ تَرَكْتَ النَّاسَ لَمْ يَتْرُكُوكَ وَإِنْ رَفَضْتَهُمْ لَمْ يَرْفُضُوكَ قُلْتُ وَمَا أَصْنَعُ جُعِلْتُ
فِدَاكَ قَالَ أَعْطِهِمْ مِنْ عِرْضِكَ لِيَوْمِ فَقْرِكَ

ابو حمزه گوید: امام سجاد عليه السلام فرمود: ای ابو حمزه! اگر مردم را هم ترک
کنی تو را ترک نکنند، و اگر از آنان فاصله بگیری از تو فاصله نگیرند، گفتم:
فدایت شوم، چه کنم؟

فرمود: از آبرو و اعتبارات خود به آنان بده، تا ذخیره روز نیازمندیت شود.

عَنْ مُرَّازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ لِي يَا مُرَّازِمُ لَا يَكُنْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ
النَّاسِ إِلَّا خَيْرٌ وَإِنْ شَتَّمُونَا

مرازم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: ای مرازم! همواره با مردم به نیکی
رفتار کن، گرچه به ما فحش دهند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَا كَانَ وَ لَا يَكُونُ وَ لَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ نَبِيٌّ
وَ لَا مُؤْمِنٌ إِلَّا وَ لَهُ جَارٌ يُؤْذِيهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: نبوده و نخواهد بود تا روز قیامت پیامبر و مؤمنی
مگر اینکه برای او همسایه ای باشد که آزارش دهد.

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا كَانَ وَلَا يَكُونُ وَلَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
نَبِيٌّ وَلَا مُؤْمِنٌ إِلَّا وَلَهُ رَحِمٌ يُؤْذِيهِ

امام صادق عليه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کند که فرمود: نبوده و نخواهد بود
تا روز قیامت پیامبر و مؤمنی، مگر اینکه برای او خویشاوندی است که اذیتش
می کند.

عَنْهُ قَالَ مَا أَفَلَتَ الْمُؤْمِنُ مِنْ وَاحِدَةٍ مِنْ ثَلَاثٍ وَلَرُبَّمَا اجْتَمَعَتِ الثَّلَاثُ عَلَيْهِ إِمَّا
بَعْضُ مَنْ يَكُونُ مَعَهُ فِي الدَّارِ يُعَلِّقُ عَلَيْهِ بَابَهُ وَيُؤْذِيهِ أَوْ جَارٌ يُؤْذِيهِ أَوْ مَنْ فِي
طَرِيقِهِ إِلَى حَوَائِجِهِ يُؤْذِيهِ وَ لَوْ أَنَّ مُؤْمِنًا عَلَى قُلَّةٍ جَبَلٍ لَبَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ شَيْطَانًا
يُؤْذِيهِ وَيَجْعَلُ اللَّهُ لَهُ مِنْ إِيْمَانِهِ أَنْسًا لَا يَسْتَوْحِشُ مَعَهُ إِلَى أَحَدٍ

امام صادق عليه السلام فرمود: مؤمن همواره گرفتار یکی از سه چیز است، و گاهی
هر سه بر وی گرد آیند:

یا دشمنی کسی که با او در خانه ای است، که در را به رویش می بندد و
اذیتش می کند، یا همسایه ای که آزارش می دهد، یا کسی که در راه محلّ
کارش او را اذیت می کند، و اگر مؤمنی بر قلّه کوهی هم باشد خداوند شیطانی
را بر می انگیزد تا او را اذیت کند، و خداوند از ایمانش برای او مونسی قرار می
دهد که از وحشت به کسی پناه نبرد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَوْ أَنَّ مُؤْمِنًا عَلَى لَوْحٍ فِي الْبَحْرِ لَقَبَّضَ اللَّهُ لَهُ شَيْطَانًا
يُؤْذِيهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: اگر مؤمنی بر روی تخته پاره ای در دریا باشد،
خداوند شیطانی را بگمارد که اذیتش کند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِيَأْذَنَ بِحَرْبٍ مِنِّي مَنْ آذَى عَبْدِي الْمُؤْمِنَ وَ لِيَأْمَنَ غَضَبِي مَنْ أَكْرَمَ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ مِنْ خَلْقِي فِي الْأَرْضِ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَاحِدٌ مَعَ إِمَامٍ عَادِلٍ لَأَسْتَغْنَيْتُ بِهِمَا عَنْ جَمِيعِ مَا خَلَقْتُ فِي أَرْضِي وَ لَقَامَتِ سَبْعُ سَمَاوَاتٍ وَ أَرْضَيْنَ بِهِمَا وَ جَعَلْتُ لَهُمَا مِنْ إِيْمَانِهِمَا أَنْسًا لَا يَحْتَاجَانِ إِلَى أَنْسٍ سِوَاهُمَا

امام صادق علیه السلام از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود: خداوند متعال می فرماید: باید به من اعلان جنگ دهد آن کسی که بنده مؤمنم را اذیت کرده است ، و از غضبم در امان خواهد بود آن کس که بنده مؤمنم را گرمی داشت ، اگر از مخلوقاتم در زمین بین مشرق و مغرب فقط یک مؤمن به همراه امامی عادل باشد، از تمامی آنچه روی زمین خلق نموده ام بی نیاز می شوم ، و به وسیله همین دو نفر آسمانها و زمین به پای داشته می شود، و از ایمانشان برای آنان انسی قرار دهم که به انسی غیر از آن نیازمند نگردند.

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعَةٌ لَا يَخْلُو مِنْهُنَّ الْمُؤْمِنُ أَوْ وَاحِدَةٌ مِنْهُنَّ مُؤْمِنٌ يَحْسُدُهُ وَ هِيَ أَيْسَرُهُنَّ وَ مُنَافِقٌ يَقْفُو أَثَرَهُ وَ عَدُوٌّ يُجَاهِدُهُ وَ شَيْطَانٌ يَفْتِنُهُ

امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن از چهار چیز یا یکی از آنها جدا نیست : مؤمنی که به او حسادت می ورزد، که این از همه برایش آسان تر است ، منافقی که دائما در تعقیب اوست ، دشمنی که با او ستیزه می کند، شیطانی که فریبش می دهد.

عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَخَلَ عَلَيْهِ شَيْخٌ كَبِيرٌ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْكُو إِلَيْكَ وَوَلَدِي وَعُقُوقَهُمْ وَإِخْوَانِي وَجَفَاهُمْ لِي عِنْدَ كَبِيرِ سِنِّي فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَا هَذَا إِنَّ لِلْحَقِّ دَوْلَةً وَ لِلْبَاطِلِ دَوْلَةً وَاحِدٌ مِنْهُمَا ذَلِيلٌ فِي دَوْلَةِ صَاحِبِهِ وَإِنَّ أَدْنَى مَا يُصِيبُ الْمُؤْمِنَ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ الْعُقُوقُ مِنْ وُلْدِهِ وَ الْجَفَاءُ مِنْ إِخْوَانِهِ وَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُصِيبُ شَيْئًا مِنَ الرَّفَاهِيَةِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ إِلَّا ابْتُلِيَ قَبْلَ مَوْتِهِ إِمَّا فِي بَدَنِهِ وَ إِمَّا فِي وُلْدِهِ وَ مَالِهِ حَتَّى يُخَلِّصَهُ اللَّهُ بِمَا اكْتَسَبَ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ وَ يُوفَّرَ لَهُ حَظُّهُ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ فَاصْبِرْ وَ اسْتُرْ

ابو الصباح کنانی گوید: خدمت حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ بودم که پیر مردی وارد شد و گفت: یا ابا عبد الله! من از فرزندانم و ناسپاسیشان و از برادرانم و جفا کاریشان نسبت به خود با وجود سالخوردگی شکایت دارم، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: ای پیر مرد! برای حق دولتی است و برای باطل دولتی، و هر یک از این دو نزد دولت رفیقش خوار است، و کمترین مصیبتی که مؤمن از دولت باطل می بیند آزار دیدن از فرزندان و جفا کاری برادرانش است، و هیچ مؤمنی نباشد که در دولت باطل آسایشی بیند، جز آنکه قبل از مرگش گرفتار گردد، یا در بدنش یا در فرزندش یا در مالش، تا خداوند او را از آنچه در دوران حکومت باطل به دست آورده رها سازد، و بهره اش را در دولت حق بسیار گرداند، اینک صبر کن و تو را مژده باد.

مِنْ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ عَاشَ مُدَارِيًا مَاتَ شَهِيدًا
رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر که در زندگانی با مردم مدارا کند شهید می میرد.

وَ قَالَ مُدَارَاةُ النَّاسِ صَدَقَةٌ

رسول خدا ﷺ فرمود: مدارا نمودن با مردم صدقه است .

وَرُويَ أَنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ قَالَ لِلَّهِ فَمَا جَزَاءُ مَنْ صَبَرَ عَلَيَّ أذى النَّاسِ وَ
شَتَمَهُمْ فِيكَ قَالَ أَعِينَهُ عَلَى أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

نقل شده که موسی بن عمران علیه السلام عرض کرد: خدایا! پاداش کسی که در برابر اذیت و کتک مردم صبر کند چیست؟ فرمود: او را در مقابل وحشت و هراس روز قیامت یاری می کنم .

قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام لَا يَنْفَكُ الْمُؤْمِنُ مِنْ خِصَالٍ أَرْبَعٍ مِنْ جَارٍ يُؤْذِيهِ وَ شَيْطَانٍ
يُغْوِيهِ وَ مَنْافِقٍ يَقْفُو أَثْرَهُ وَ مُؤْمِنٍ يَحْسُدُهُ قَالَ سَمَاعَةُ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ مُؤْمِنٌ
يَحْسُدُهُ قَالَ يَا سَمَاعَةُ أَمَا إِنَّهُ أَشَدُّهُمْ عَلَيْهِ قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ لِأَنَّهُ يَقُولُ الْقَوْلَ
فِيهِ فَيَصَدِّقُ عَلَيْهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن از چهار خصلت جدا نیست: از همسایه ای که اذیتش می کند، و شیطانی که او را گمراه می نماید، و منافقی که دائماً تعقیبش می کند، و مؤمنی که نسبت به او حسادت می ورزد.
سماعه گوید: عرض کردم: فدایت شوم، مؤمنی که نسبت به او حسادت می ورزد؟

فرمود: ای سماعه بدان! حسد مؤمن از همه بر او سخت تر است . گفتیم: چگونه؟ فرمود:

زیرا در باره اش بدگویی می کند و مردم هم تصدیقش می کنند.
عَنْهُ قَالَ إِنَّ قَدْرَتُمْ أَنْ لَا تُعْرَفُوا فَافْعَلُوا وَ مَا عَلَيْكَ إِنْ لَمْ يُنِّ النَّاسُ عَلَيْكَ وَ
أَنْ تَكُونَ عِنْدَ النَّاسِ مَذْمُومًا إِذَا كُنْتَ وَ كُنْتَ عِنْدَ اللَّهِ مَحْمُودًا

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر توانستید گمنام بمانید، این کار را بکنید، تو را چه می شود اگر مردم تمجیدت نکنند، و اینکه نزد مردم مورد مذمت باشی در حالی که نزد خداوندت ستوده باشی .

مِنَ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ مَنْ لَمْ يَحْتَمِلِ الْجَفَاءَ لَمْ يَشْكُرِ النِّعْمَةَ مِنْ غَيْرِهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس تحمل بدگویی مردم را نداشته باشد، در برابر نعمت شکرگزار نیست .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ مِيثَاقَ الْمُؤْمِنِ عَلَى بَلَايَا أَرْبَعٍ أَشَدُّهَا عَلَيْهِ مُؤْمِنٌ مِثْلُهُ يَقُولُ مِثْلَ قَوْلِهِ وَ يَحْسُدُهُ وَ الثَّانِي مُنَافِقٌ يَقْفُو أَثَرَهُ وَ الثَّلَاثُ شَيْطَانٌ يَنْعَرِضُ بِنَفْسِهِ وَ يُضِلُّهُ وَ الرَّابِعُ كَافِرٌ بِالَّذِي آمَنَ بِهِ الْمُؤْمِنُ يَرَى جِهَادَهُ جِهَادًا فَمَا بَقَاءُ الْمُؤْمِنِ عَلَى هَذَا

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند از مؤمن در مورد چهار گرفتاری پیمان گرفته : سخت ترین آنها بر او، مؤمنی مانند خودش است که مثل سخن او را می گوید و نسبت به وی حسادت می ورزد، و دوم منافقی که همیشه در تعقیب اوست ، سوم شیطانی که در جانش رخنه کند و گمراهش سازد، چهارم کافری که به باورهای مؤمن عقیده نداشته باشد، و مبارزه مؤمن را برای خود جهادی بداند، بنا بر این چگونه مؤمن صبر و شکیبائی بر چنین گرفتاری نماید؟

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ إِذَا أَرَدْتُمْ أَنْ تَكُونُوا إِخْوَانِي وَ أَصْحَابِي فَوَطِّنُوا أَنْفُسَكُمْ عَلَى الْعَدَاوَةِ وَ الْبُغْضَاءِ مِنَ النَّاسِ وَ إِلَّا فَلَسْتُمْ لِي بِأَصْحَابٍ

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر خواستید از برادران و اصحاب من باشید، باید خود را برای دشمنی و کینه مردم نسبت به خود آماده سازید، و گر نه اصحاب من نیستید.

عَنْهُ قَالَ إِنَّ الْحَوَارِيَّيْنَ شَكَّوْا إِلَى عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مَا يَلْقَوْنَ مِنَ النَّاسِ فَقَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَزَالُوا مُبْغِضِينَ فِي النَّاسِ كَحَبَّةِ الْقَمْحِ مَا أَحْلَى مَذَاقَهَا وَ أَكْثَرَ أَعْدَاءَهَا
امام صادق علیه السلام فرمود: حواریون از اذیت و آزار مردم نسبت به خودشان به عیسی بن مریم شکایت کردند، عیسی فرمود: مؤمنان همواره مورد خشم مردمند، مانند دانه گندم که داخلش شیرین و دشمنانش بسیارند.

عَنْهُ قَالَ مَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا إِلَّا أَعْرَى بِهِ هَذَا الْخَلْقَ
امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند هیچ بنده ای را دوست ندارد، مگر اینکه مردم نسبت به او دشمنی می ورزند.

عَنْهُ قَالَ لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ أَبْغَضَ عِنْدَ النَّاسِ مِنْ جِيفَةِ حِمَارٍ
امام صادق علیه السلام فرمود: ایمان مؤمن به اثبات نرسد، مگر اینکه نزد مردم از لاشه الاغی پست تر باشد.

عَنْهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْمُؤْمِنَ عَلَى أَنْ لَا يُقْبَلَ قَوْلُهُ وَلَا يَنْتَصِفَ مِنْ عَدُوِّهِ
امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند مؤمن را در حالتی قرار دهد که سخنش مورد قبول واقع نشود، و (در موقع درگیری با دشمن) در باره اش به عدالت رفتار نشود.

عَنْهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْمُؤْمِنَ فِي الدُّنْيَا غَرَضًا لِعَدُوِّهِ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ فَوْقَاهُ
اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكْرُوا فَقَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ سَطُوا عَلَيْهِ فَكَتَلُوهُ وَ لَكِنْ وَقَاهُ أَنْ يَفْتِنُوهُ
فِي دِينِهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند مؤمن را در دنیا در تیررس دشمنش قرار
داده ، و فرمود:

(خداوند او را از بدبهای مکر و حيله حفظ کرد). سپس امام عليه السلام فرمود:
بدانيد، به خدا قسم دشمنان محاصره اش کردند و او را کشتند، ولی خداوند او را
از ضربه خوردن به دينش حفظ نمود.

عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَأَنَا عِنْدَهُ إِنَّ مَنْ قَبَلْنَا
يَقُولُونَ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا نَوَّهَ مِنْهُ بِاسْمِهِ مِنَ السَّمَاءِ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ فُلَانًا
فَأَحِبُّهُ فَيُلْقِي اللَّهُ مَحَبَّتَهُ فِي قُلُوبِ الْعِبَادِ وَإِذَا أَبْغَضَ عَبْدًا نَوَّهَ مِنْهُ بِاسْمِهِ مِنْ
السَّمَاءِ أَنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ فُلَانًا فَيَبْغِضُوهُ فَيُلْقِي اللَّهُ لَهُ الْبُغْضَاءَ فِي قُلُوبِ الْعِبَادِ قَالَ وَ
كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُتَكِيًّا فَاسْتَوَى قَاعِدًا ثُمَّ نَفَضَ كُمَّهُ وَقَالَ لَيْسَ هَكَذَا وَ لَكِنْ إِذَا
أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا أُغْرِيَ بِهِ النَّاسَ لِيَقُولُوا فِيهِ مَا يُوجِرُهُ وَيُؤْتِمُّهُمْ وَإِذَا أَبْغَضَ عَبْدًا
أَلْقَى الْمَحَبَّةَ فِي قُلُوبِ الْعِبَادِ لِيَقُولُوا فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ فَيُؤْتِمُّهُمْ وَإِيَّاهُ ثُمَّ قَالَ مَنْ
كَانَ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا ثُمَّ أُغْرِيَ بِهِ جَمِيعٌ مِنْ رَأَيْتَ حَتَّى صَنَعُوا
بِهِ مَا صَنَعُوا وَمَنْ كَانَ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام ثُمَّ أُغْرِيَ بِهِ مَنْ
أُغْرِيَ مِنَ النَّاسِ حَتَّى قَتَلُوهُ لَيْسَ كَمَا قَالُوا

مفضل بن عمر گوید: مردی خدمت حضرت صادق عليه السلام در حالی که من
هم حضور داشتم عرض کرد: پیشینیان ما بر این عقیده بوده اند که هر گاه
خداوند بنده ای را دوست بدارد، نداکننده ای او را از آسمان به نامش صدا زند،

که خداوند فلانی را دوست دارد، شما نیز دوستش بدارید، در این هنگام خداوند محبتش را در دلهای بندگان جای دهد، و هر گاه بنده ای مورد خشم خدا واقع شود، منادی از آسمان اسم او را صدا زند و گوید:

فلانی مورد خشم خداوند قرار گرفته ، شما هم نسبت به او غضب کنید، در این هنگام خداوند کینه او را در دل بندگان قرار می دهد.

مفضل گوید: امام صادق ع (که تا آن موقع) تکیه کرده بود، پس از شنیدن کلام آن مرد راست نشست و تکانی به آستینش داد، سپس فرمود: این چنین نیست ، بلکه خداوند هر گاه بنده ای را دوست بدارد مردم را به توسط او امتحان می کند، تا در باره او سخنانی بگویند که او اجر ببرد و آنان به گناه آلوده گردند، و هر گاه بنده ای را مورد غضب قرار دهد، محبتش را در دل مردم اندازد تا در باره اش سخنانی بگویند که در او نیست ، تا هم خود و هم آنان به گناه آلوده گردند.

سپس فرمود: چه کسی از یحیی بن زکریا نزد خدا محبوبتر بود؟ همه مردم را بر انگیخت تا او را آن طور کشتند، و چه کسی از حسین بن علی ع نزد خداوند محبوبتر است ؟ نسبت به او عده ای از مردم را بر انگیخت تا اینکه او را کشتند، مطلب آن طور که می گویند نیست .

عَنْهُ قَالَ إِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِمَّنْ هُوَ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ لِيُؤْخَذُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ فَتُقَطَّعُ يَدَاهُ وَرِجْلَاهُ وَيُصَلَّبُ عَلَى جُذُوعِ النَّخْلِ وَيُسْقَى بِالْمِنْشَارِ فَلَا يَعْدُو ذَلِكَ نَفْسَهُ ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ عَزَّ وَجَلَّ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ الْآيَةُ

امام صادق علیه السلام فرمود: قبل از شما نیز کسانی بودند و عقیده شما را داشتند، ولی وقتی یکی از آنان (توسط کفار) گرفته می شد دست و پایش را قطع می کردند و بر شاخه های خرما دار می زدند، و به وسیله ارّه قطعه قطعه می شدند، ولی او ناراحت نمی شد و صبر می نمود. سپس این آیه را تلاوت فرمود: (آیا گمان کردید که وارد بهشت می شوید بدون امتحانی که پیش از شما بر گذشتگان آمد که بر آنان رنج و سختیها رسید).

عَنْهُ قَالَ إِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ لِيُوضَعُ الْمِنْشَارُ عَلَى مَفْرَقِ رَأْسِهِ فَيُخْرَجُ بَيْنَ رِجْلَيْهِ فَلَا يَعْدُو نَفْسَهُ وَإِنَّ أَحَدَهُمْ لَوْ بُلِيَ بِشَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ لَأَهْلَكَ أُمَّةً مِنَ الْأُمَمِ

امام صادق علیه السلام فرمود: قبل از شما کسانی بودند که بر فرق سرش ارّه قرار داده می شد، و از بین دو پایش بیرون می آمد، ولی آنان صبر می کردند، اگر یکی از آنها به یکی از این مصیبتها گرفتار می شد (و صبر می کرد) امتی را هلاک می ساخت .

عَنْهُ قَالَ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ فَقَالَ لَهُمْ أَمَا وَاللَّهِ مَا حَارَبُوهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَلَا قَتَلُوهُمْ بِأَسْيَافِهِمْ وَلَكِنْ سَمِعُوا أَحَادِيثَهُمْ فَأَذَاعُوهَا عَلَيْهِمْ فَأُخِذُوا وَقُتِلُوا فَصَارَ قَتْلًا وَاعْتِدَاءً وَمَعْصِيَةً

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه (این به خاطر کفرشان به آیات خداوند بود و پیامبران را به ناحق کشتن ، همه اینها به خاطر آن بود که گناهکار و متجاوز بودند) فرمود: به خدا قسم آنان با پیامبران با دستانشان نجنگیدند و آنها را با شمشیرهایشان نکشتند، بلکه اسرار آنها را شنیدند و بر علیه آنان (در بین

دشمن) پخش کردند، در نتیجه پیامبران به بند کشیده شدند و کشته شدند، از این رو عملشان کشتار و تجاوز و گناه به حساب آمد.

عَنْهُ قَالَ الشَّيَاطِينُ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَكْثَرُ مِنَ الذُّبَابِ عَلَى اللَّحْمِ

امام صادق علیه السلام فرمود: شیطانهای پیرامون مؤمن بیش از مگسهای چسبیده به گوشت است .

عَنْهُ قَالَ مَا كَانَ وَلَا يَكُونُ وَلَا لَيْسَ بِكَائِنٍ نَبِيٌّ وَلَا مُؤْمِنٌ إِلَّا وَقَدْ سُلِّطَ عَلَيْهِمْ حَمِيمٌ يُؤْذِيهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ حَمِيمٌ فَجَارٌ يُؤْذِيهِ وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ

امام صادق علیه السلام فرمود: نبوده و نخواهد بود پیامبر و مؤمنی ، جز آنکه خویشاوندی دارد که او را آزار می دهد، اگر خویشاوند ندارد همسایه ای که اذیتش کند، و این معنای قول خدای عز و جل است که : (و این چنین برای هر پیامبری دشمنی از مجرمان قرار دادیم).

عَنْهُ قَالَ إِنْ أَصَابَكُمْ تَمَحِيصٌ فَاصْبِرُوا فَإِنَّمَا يَنْتَلِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَمْ يَزَلْ إِخْوَانَكُمْ قَلِيلًا أَلَا وَ إِنَّا أَقَلُّ أَهْلِ الْمَحْشَرِ الْمُؤْمِنُونَ

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر برایتان گرفتاری پیش آمد صبر کنید، زیرا خداوند مؤمنین را در بوته آزمایش قرار می دهد، و برادران دینیتان همیشه اندک می باشند، و کمترین افراد در محشر مؤمنین هستند.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَصَابَ الْقَحْطُ قَوْمًا فِي زَمَانِ هُودِ النَّبِيِّ فَأَتَوْهُ لِيَسْتَسْقِيَ لَهُمْ فَخَرَجَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ مَنْزِلِهِ عَجُوزٌ سَلِيْطَةٌ صَيَّاحَةٌ فَقَالَتْ فَلِمَ لَا يَسْتَسْقِي لِنَفْسِهِ فَقَالُوا أُرْشِدِينَا إِلَيْهِ قَالَتْ هُوَ فِي زَرْعٍ لَهُ يَسْتَسْقِيهِ فَأَتَوْهُ فَأَتَيْنَاهُ فَإِذَا هُوَ كَلَّمَا زَرَءَ بَابًا قَامَ فَصَلَّى رُكْعَتَيْنِ فَالْتَفَتَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ مَا حَاجَتُكُمْ قَالُوا جِئْنَاكَ فِي حَاجَةٍ فَرَأَيْنَا أَعْجَبَ مِمَّا جِئْنَا قَالَ وَمَا رَأَيْتُمْ قَالُوا رَأَيْنَا عَجُوزًا خَرَجَتْ مِنْ مَنْزِلِكَ سَلِيْطَةٌ صَيَّاحَةٌ فَصَاحَتْ فِي وُجُوهِنَا فَقَالَ تِلْكَ امْرَأَتِي وَإِنِّي لَأُحِبُّ طُورَ بَقَائِهَا فَقَالُوا يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَمَا تُحِبُّ مِنْ طُورٍ بَقَائِهَا قَالَ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ لَهُ مَنْ يُؤْذِيهِ فَأَنَا أَحْمَدُ اللَّهُ أَنْ جَعَلَ الَّذِي يُؤْذِينِي تَحْتَ يَدِي وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَسَلَّطَ عَلَيَّ شَرًّا مِنْهَا

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: در زمان حضرت هود عَلَيْهِ السَّلَامُ عده ای گرفتار قحطی شدند، آنان نزد هود رفتند تا دعا کند خداوند باران رحمتش را نازل کند، در این هنگام پیر زنی بد زبان و فحاش از منزل هود خارج شد و گفت: چرا هود برای خودش چنین دعایی نمی کند؟

مردم گفتند: ما را به نزد او ببر، گفت: او اکنون در میان مزرعه مشغول آبیاری است، به آنجا بروید، ما نزد او رفتیم، هود هر قسمتی را که زراعت می کرد می ایستاد و دو رکعت نماز می خواند، در این هنگام هود متوجه آنان گشت و گفت: حاجت شما چیست؟

گفتند: ما برای حاجتی آمدیم ولی چیزی شگفت انگیزتر از حاجت خود مشاهده کردیم.

گفت: چه دیدید؟ گفتند: پیر زن بد زبان و فحاشی را دیدیم که از منزلت خارج شد و بر سر ما فریاد کشید.

فرمود: او همسر من است و من دوست دارم که سالها زنده بماند، گفتند: ای پیامبر خدا! چرا خواهان طول عمر او هستی؟ گفت: زیرا هیچ مؤمنی نیست، جز آنکه کسی را دارد که اذیتش کند، من هم خدا را شکر می کنم که اذیت کننده ام را زیر دستم قرار داده، و اگر چنین نبود کسی بدتر از او بر من مسلط می شد.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَوْ كَانَ الْمُؤْمِنُ فِي جُحْرِ فَأَرَةٍ لَقَيَّضَ اللَّهُ لَهُ مَنْ يُؤْذِيهِ

امیر مؤمنان علی بن ابی طالب از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود: اگر مؤمن در سوراخ موشی هم باشد، خداوند آزار دهنده ای را بر او می گمارد.
وَ قَالَ الْمُؤْمِنُ مُكْفَرٌ

رسول خدا ﷺ فرمود: مؤمن آمرزیده شده است.

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَذُوبَ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ وَلَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَكُونَ الْمُؤْمِنُ أَدْلَ مِنْ شَاةٍ مَبِيتَةٍ

امیر مؤمنان علی بن ابی طالب از قول رسول خدا ﷺ فرمود: دنیا به آخر نرسد، تا اینکه قلب مؤمن آب شود، و دنیا تمام نمی شود مگر اینکه مؤمن از یک گوسفند مرده خوارتر شود.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ ابْتُلِيَ بِأَهْلِ بَيْتِهِ الْخَاصَّةِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَهْلٌ بَيْتِ فَجَارُهُ الْأَدْنَى فَالْأَدْنَى

امام باقر علیه السلام فرمود: مؤمن همواره در زندگی خصوصیش گرفتار است ، اگر هم خانواده ای نداشته باشد گرفتار نزدیکترین همسایگانش است .

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَا يُضِرُّ الرَّجُلَ مِنْ شَيْعَتِنَا أَيْ مَيْتَةٍ يَمُوتُ أَكْلُ السَّبْعِ أَوْ اخْتِرَاقٌ بِالنَّارِ أَوْ إِغْرَاقٌ بِالْمَاءِ أَوْ صَلْبٌ أَوْ قَتْلٌ هُوَ وَاللَّهُ صِدِّيقٌ شَهِيدٌ

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: از پدرم شنیدم که می فرمود: شیعه به هر صورتی بمیرد زیان نمی بیند، چه خوراک درندگان شود، یا به آتش سوزانده شود، یا در آب غرق شود، یا به دار آویخته شود، یا کشته شود، بخدا قسم ، او به هر حال جزء صدیقان و شهیدان است .

فصل ششم: در بیان گرفتاری و امتحان مؤمن

(الفصل السادس في الابتلاء و الاختبار)

مِنْ كِتَابِ الصَّبْرِ وَ التَّأْدِيبِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَدْعُو اللَّهَ تَعَالَى فِي حَاجَةٍ فَيَقُولُ اللَّهُ أَخْرْتُ حَاجَتَهُ شَوْقًا إِلَى دُعَائِهِ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى عَبْدِي دَعَوْتَنِي فِي كَذَا فَأَخْرْتُ إِيَّابَتَكَ وَ ثَوَابَكَ كَذَا وَ دَعَوْتَنِي فِي كَذَا فَأَخْرْتُ إِيَّابَتَكَ وَ ثَوَابَكَ كَذَا قَالَ فَيَتَمَنَّى الْمُؤْمِنُ أَنَّهُ لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا لِمَا يَرَى مِنْ حُسْنِ ثَوَابِهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: مؤمن برای حاجتی خداوند را می خواند و لکن خداوند می فرماید: حاجتش را به خاطر اشتیاق به دعایش به تأخیر انداختم ، هنگامی که روز قیامت رسد خداوند متعال می فرماید: بنده من ! تو از من (در دنیا) حاجتی خواستی و من اجابتش را به تأخیر انداختم ، ولی ثوابش را به تو می دهم ، و باز حاجت دیگری خواستی و من اجابتش را به تأخیر انداختم ، و ثوابت دهم ، امام فرمود: در این هنگام مؤمن آرزو می کند ای کاش ! هرگز حاجتهای من در دنیا بر آورده نشده بود، و این به خاطر ثوابهای خوبش است .

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ إِنِّي لَمْ أُغْنِ الْغَنِيَّ لِكِرَامَةِ لَهُ عَلَيَّ وَ لَمْ أُفْقِرِ الْفَقِيرَ لِهَوَانِ بِهِ عَلَيَّ وَ هُوَ مِمَّا ابْتَلَيْتُ بِهِ الْأَغْنِيَاءَ بِالْفُقَرَاءِ وَ لَوْ لَا الْفُقَرَاءُ لَمْ يَسْتَوْجِبِ الْأَغْنِيَاءُ الْجَنَّةَ

امام کاظم عليه السلام فرمود: خدای عز و جل می فرماید: من توانگر را به خاطر شرافتش نزد خودم توانگر نساختم ، و فقیر را برای خواریش در نظرم فقیر

نکردم ، بلکه این از چیزهایی است که توانگران را به وسیله فقرا آزمودم ، و اگر فقرا نبودند، توانگران سزاوار بهشت نمی شدند.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ مَلَكَئِن هَبَطَا مِنَ السَّمَاءِ فَالْتَقِيَا فِي الْهَوَاءِ فَقَالَ أَحَدُهُمَا لِصَاحِبِهِ فِيْمِ هَبَطْتَ قَالَ بَعَثَنِي اللَّهُ إِلَى بَحْرِ أَيْلَةَ أَحْسُ سَمَكَةً إِلَى جَبَّارٍ مِنَ الْجَبَابِرَةِ تَشْهَى عَلَيْهِ سَمَكَةٌ فِي ذَلِكَ الْبَحْرِ فَأَمَرَنِي أَحْسُ إِلَى الصَّيَادِ سَمَكَ ذَلِكَ الْبَحْرِ حَتَّى يَأْخُذَهَا لَهُ لِيُبْلَغَ اللَّهُ بِالْكَافِرِ غَايَةَ مَنَاهُ فِي كُفْرِهِ وَقَالَ الْآخِرُ فَمِمَّ بُعِثْتَ أَنْتَ فَقَالَ بَعَثَنِي اللَّهُ فِي أَعْجَبَ مِنْ أَلَّذِي بَعَثَكَ فِيهِ بَعَثَنِي إِلَى عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْمُجْتَهِدِ الْمَعْرُوفِ دُعَاؤُهُ وَصَلَاتُهُ فِي السَّمَاءِ لِأَكْفَى قِدْرَهُ الَّتِي طَبَخَهَا لِإِفْطَارِهِ لِيُبْلَغَ اللَّهُ بِالْمُؤْمِنِ الْغَايَةَ فِي اخْتِبَارِ إِيْمَانِهِ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: دو فرشته هنگام فرودشان از آسمان به زمین با یک دیگر ملاقات کردند، یکی از آن دو به دیگری گفت : چرا به طرف زمین می روی ؟ گفت : خداوند مرا به طرف دریای ابله ما مور کرد تا یک ماهی را به سوی ستمگری از ستمگران که میل به آن پیدا کرده بود برانم ، لذا به من فرمان داد که ماهیهای این دریا را به سوی صیاد سوق دهم که آن ماهی را برای آن ستمگر صید کند، تا خداوند نهایت آرزوی کافر را بر آورد.

فرشته دیگر گفت : تو برای چه فرستاده شده ای ؟ گفت : ما موریت من از جانب خداوند از کار تو نیز شگفت انگیزتر است ، خداوند مرا به سوی مؤمنی روزه دار شب زنده دار کوشای در عبادت که دعا و نمازش در آسمان مشهور است ، فرستاده تا ظرف غذایی را که برای افطارش آماده نموده وارونه سازم ، تا خداوند بدین وسیله ایمانش را به خوبی امتحان کند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ أَهْبَطَ مَلَكًا إِلَى الْأَرْضِ فَلَبِثَ فِيهَا ذَهْرًا طَوِيلًا ثُمَّ عَرَجَ إِلَى السَّمَاءِ فَقِيلَ لَهُ مَا رَأَيْتَ قَالَ رَأَيْتُ عَجَائِبَ كَثِيرَةً وَمِنْ أَعْجَبِ مَا رَأَيْتُ أَنِّي رَأَيْتُ مُتَقَلِّبًا فِي نَعْمِكَ يَأْكُلُ رِزْقَكَ وَيَدْعِي الرَّبُوبِيَّةَ لِنَفْسِهِ فَعَجِبْتُ مِنْ جُرْأَتِهِ عَلَيْكَ وَمِنْ حِلْمِكَ مِنْهُ فَقَالَ اللَّهُ أَفَمِنْ حِلْمِي عَجِبْتَ فَإِنِّي قَدْ أَمْلَكْتُهُ أَرْبَعِمِائَةَ عَامٍ لَا يُضْرَبُ عَلَيْهِ عِرْقٌ وَلَا يُرِيدُ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئًا إِلَّا أَتَاهُ وَلَا يَتَغَيَّرُ عَلَيْهِ مَطْعَمٌ وَلَا مَشْرَبٌ

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند فرشته ای را به سوی زمین فرستاد، او مدتی طولانی در زمین توقف کرد، سپس به طرف آسمان بازگشت، از او پرسیده شد: چه دیدی؟ گفت:

شگفتیهای بسیاری دیدم، و از عجیب ترین مشاهداتم کسی بود که نعمتهای تو را وارونه می کرد، رزق و روزی تو را می خورد و لکن خودش را خدا می دانست، از جرأت او و بردباری تو در شگفت شدم، خداوند فرمود: آیا از بردباری من به شگفت نیامدی؟ من به او چهار صد سال عمر دادم، هرگز مریض نشد، و از دنیا چیزی نخواست مگر اینکه به او دادم، و هیچ تغییری در غذا و نوشیدنی او ندادم.

عَنْهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يَذُودُ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ عَمَّا يَكْرَهُ مِمَّا يَشْتَهِي الْمُؤْمِنُ كَمَا يَذُودُ الرَّجُلُ الْبَعِيرَ الْأَجْرَبَ عَنْ إِبِلِهِ مِمَّا لَيْسَ مِنْهَا

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند بنده مؤمن را از آنچه بدش آید و مؤمن میل فراوان به آن دارد دور می کند، همان گونه که انسان شتر گری را که جزء شترانش نیست دور می کند.

عَنْهُ قَالَ بَيْنَا مُوسَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَمْشِي عَلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ إِذْ جَاءَ صَيَّادٌ
فَخَرَّ لِلشَّمْسِ سَاجِدًا وَتَكَلَّمَ بِالشِّرْكِ ثُمَّ أَلْقَى شَبَكَتَهُ فَأَخْرَجَهَا مَمْلُوءَةً ثُمَّ عَادَ
فَأَخْرَجَ مِثْلَ ذَلِكَ حَتَّى أَكْتَفَى ثُمَّ مَضَى فَجَاءَ آخِرُ فَتَوَضَّأَ ثُمَّ قَامَ فَصَلَّى وَحَمِدَ
اللَّهَ وَاتْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ أَلْقَى شَبَكَتَهُ فَلَمْ يَخْرُجْ لَهُ شَيْءٌ ثُمَّ أَعَادَ فَخَرَجَتْ إِلَيْهِ سَمَكَةٌ
صَغِيرَةٌ فَحَمِدَ اللَّهَ وَانصَرَفَ فَقَالَ مُوسَى يَا رَبِّ جَاءَ عَبْدُكَ الْكَافِرُ فَأَلْقَى شَبَكَتَهُ
ثَلَاثًا فَخَرَجَتْ لَهُ مَمْلُوءَةٌ ثُمَّ جَاءَ عَبْدُكَ الْمُؤْمِنُ فَتَوَضَّأَ فَأَسْبَغَ الوُضُوءَ ثُمَّ صَلَّى وَ
حَمِدَكَ وَدَعَاكَ ثُمَّ أَلْقَى شَبَكَتَهُ ثَلَاثًا فَخَرَجَتْ لَهُ سَمَكَةٌ صَغِيرَةٌ فَحَمِدَكَ وَ
انصَرَفَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ يَا مُوسَى انظُرْ عَنْ يَمِينِكَ فَانظَرَ مُوسَى فَكَشِفَ لَهُ الْغِطَاءُ
عَمَّا أَعَدَّ اللَّهُ لِعَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ ثُمَّ قِيلَ يَا مُوسَى انظُرْ عَنْ يَسَارِكَ فَانظَرَ فَكَشِفَ لَهُ
الْغِطَاءُ عَمَّا أَعَدَّ اللَّهُ لِعَبْدِهِ الْكَافِرِ ثُمَّ قَالَ يَا مُوسَى مَا ضَرَّ هَذَا مَا صَنَعْتُ بِهِ وَمَا
نَفَعَ هَذَا مَا أَعْطَيْتُهُ فَقَالَ مُوسَى يَا رَبِّ حَقٌّ لِمَنْ عَرَفَكَ أَنْ يَرْضَى بِمَا صَنَعْتَ

امام صادق عليه السلام فرمود: روزی موسی عليه السلام در کنار دریا قدم می زد، ناگهان
صیادی آمد و جلوی خورشید سجده کرد و کلمات شرک آمیز به زبان آورد،
سپس دام خود را به دریا انداخت و آن را پر از ماهی بیرون کشید، دوباره
برگشت و مثل دفعه اول مقدار زیادی ماهی صید کرد و رفت .

بعد شخص دیگری آمد، وضو گرفت و به نماز ایستاد، و حمد و ستایش
خداوند را بجا آورد، سپس دام خود را به دریا انداخت ، ولی چیزی به دامش
نیافتاد، بار دیگر دام را در آب افکند و فقط یک ماهی کوچک صید کرد،
خداوند را سپاس گفت و رفت .

در این هنگام موسی گفت : پروردگارا! بنده کافرت آمد و دامش را سه مرتبه
انداخت و لبریز از ماهی بیرون آورد، سپس بنده مؤمنت وضوی کاملی گرفت و
نماز خواند و سپاس تو را گفت و تو را خواند، و دامش را سه مرتبه به آب

انداخت و فقط یک ماهی کوچک صید کرد و تو را ستایش کرد و رفت ! خداوند به موسی وحی فرمود: به طرف راست بنگر، موسی نگاه کرد از جلوی دیدگانش حجاب بر طرف شد و جایگاهی را که خدا برای بنده مؤمنش آماده کرده بود مشاهده نمود، سپس گفته شد: ای موسی ! به طرف چپ نگاه کن ، چون نگاه کرد پرده حجاب کنار رفت و جایگاه کافر را که خدا برایش مهیا نموده بود مشاهده کرد، سپس فرمود: ای موسی ! آنچه را نسبت به مؤمن انجام دادم ضرری برایش نداشت ، و آنچه را نسبت به کافر نمودم سودی نرساندش ، در این هنگام موسی گفت : پروردگارا! سزاوار است هر که تو را شناخت به کردارت راضی باشد.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ لَيَكْرُمُ عَلَى اللَّهِ حَتَّى لَوْ سَأَلَهُ الْجَنَّةَ وَ مَا فِيهَا أُعْطَاهُ وَ لَمْ يَنْتَقِصْ مِنْ مُلْكِهِ شَيْءٌ وَ لَوْ سَأَلَهُ مَوْضِعَ قَدَمِهِ مِنَ الدُّنْيَا لَيَحْرِمُهُ وَ إِنَّ الْعَبْدَ الْكَافِرَ لَيَهُونُ عَلَى اللَّهِ حَتَّى لَوْ سَأَلَهُ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا لَأُعْطَاهُ وَ لَوْ سَأَلَهُ مَوْضِعَ قَدَمِهِ مِنَ الْجَنَّةِ لَيَحْرِمُهُ وَ إِنَّ اللَّهَ لَيَتَعَاهَدُ الْمُؤْمِنَ كَمَا يَتَعَاهَدُ الرَّجُلُ أَهْلَهُ بِالْهَدِيَّةِ مِنَ الْغَنِيِّهِ وَ يَحْمِيهِ الدُّنْيَا كَمَا يَحْمِي الطَّبِيبُ الْمَرِيضَ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: بنده مؤمن نزد خدا به اندازه ای احترام دارد، که حتی اگر بهشت و هر چه در آن است را بخواهد به او عطا کند، بدون آنکه از ملک او چیزی کم گردد، ولی اگر به مقدار یک قدم از دنیا را بخواهد به او نمی دهد، و بنده کافر به اندازه ای نزد خدا خوار و پست است که اگر دنیا را با آنچه در آن است از او بخواهد عطایش کند، بدون آنکه از ملک او چیزی کم گردد، و اگر به اندازه یک قدمش از بهشت بخواهد به او نمی دهد، و خدا به وسیله بلا و گرفتاری از بنده مؤمنش دلجویی می کند، همان طور که مرد مسافر به وسیله

هدیه از خانواده اش دلجویی می کند، و او را از دنیا پرهیز دهد، همان گونه که پزشک بیمار را پرهیز دهد.

عَنْهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الدُّنْيَا مَنْ يُحِبُّهُ وَمَنْ يُبْغِضُهُ وَلَا يُعْطِي الآخِرَةَ إِلَّا مَنْ أَحَبَّهُ وَإِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ يَسْأَلُ رَبَّهُ مَوْضِعَ سَوْطٍ مِنَ الدُّنْيَا لَا يُعْطِيهِ إِلَّا بِهَا وَيَسْأَلُهُ الآخِرَةَ فَيُعْطِيهِ مَا شَاءَ وَيُعْطِي الْكَافِرَ فِي الدُّنْيَا قَبْلَ أَنْ يَسْأَلَهُ وَلَوْ سَأَلَهُ مَوْضِعَ سَوْطٍ فِي الآخِرَةِ فَلَا يُعْطِيهِ إِلَّا بِهَا

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند دنیا را به دوستان و دشمنان خود دهد، و آخرت را فقط به دوستانش دهد، و اگر بنده مؤمن از خداوند به اندازه یک جای تازیانة از دنیا بخواهد به او نمی دهد، و اگر از آخرت بخواهد هر چه خواست به او می دهد، و به کافر قبل از اینکه بخواهد دنیا دهد، ولی اگر به اندازه جای تازیانة ای از آخرت بخواهد به او ندهد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَعْتَذِرُ إِلَى عَبْدِهِ الْمُحْتَاجِ فِي الدُّنْيَا كَمَا يَعْتَذِرُ الْأَخُ إِلَى أَخِيهِ فَيَقُولُ لَا وَعِزَّتِي مَا أَفْقَرْتُكَ لَهْوَانِ بَكَ عَلَيَّ فَارْفَعْ هَذَا الْغِطَاءَ وَانْظُرْ مَا عَوَّضْتُكَ مِنَ الدُّنْيَا فَيَكْشِفُ لَهُ فَيَنْظُرُ إِلَى مَا عَوَّضَهُ اللَّهُ مِنَ الدُّنْيَا فَيَقُولُ يَا رَبِّ مَا ضَرَّنِي مَا مَنَعَنِي مَعَ مَا عَوَّضْتَنِي

امام صادق علیه السلام فرمود: خدای عز و جل در دنیا از بنده محتاجش عذر خواهی کند، همان طور که برادری از برادرش معذرت می خواهد، و می فرماید: به عزتم قسم تو را به جهت خوار شدن در نظرم محتاج نکردم، اکنون حجاب را کنار زن و ببین به عوض دنیا چه چیز نصیبت کرده ام، پرده از مقابلش برداشته

می شود و آنچه را خداوند به عوض دنیا عطایش فرموده می نگرد، و می گوید:
پروردگارا! با عوضی که دادی از آنچه منعم فرمودی ضرر نکردم .

عَنْهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يُعْطِي مِنَ الدُّنْيَا مَنْ يُحِبُّ وَيُبْغِضُ وَلَا يُعْطِي الْإِيمَانَ إِلَّا أَهْلَ
صَفْوَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند دنیا را به دوست و دشمن می دهد، ولی
ایمان را فقط به مخلوقات برگزیده اش می دهد.

عَنْهُ قَالَ الْفَقْرُ مَخْزُونٌ عِنْدَ اللَّهِ كَالشَّهَادَةِ وَلَا يُعْطِيهِمَا إِلَّا مَنْ أَحَبَّ مِنْ عِبَادِهِ
الْمُؤْمِنِينَ

امام صادق علیه السلام فرمود: فقر همچون گنجی پنهان نزد خداست مثل شهادت ،
و آن را فقط به بندگان مؤمنش که دوست دارد عطا می کند.

عَنْهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا وَكَلَّ بِهِ مَلَكَينَ فَقَالَ عَوْقًا عَلَيْهِ مَطْلَبُهُ وَضَيْقًا
عَلَيْهِ مَعِيشَتُهُ حَتَّى يَدْعُوَنِي فَأِنِّي أَحِبُّ صَوْتَهُ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه خداوند بنده ای را دوست بدارد، دو فرشته را
مأمور او می سازد، و می فرماید: خواسته اش را به تأخیر اندازید، و زندگی را
بر او سخت کنید تا مرا بخواند، من صدایش را دوست دارم .

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَا مِنْ عَبْدٍ أُرِيدُ أَنْ أُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ إِلَّا
ابْتَلَيْتُهُ فِي جَسَدِهِ فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِهِ وَإِلَّا ضَيَّقْتُ عَلَيْهِ فِي رِزْقِهِ فَإِنْ كَانَ
ذَلِكَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِهِ وَإِلَّا شَدَّدْتُ عَلَيْهِ الْمَوْتَ حَتَّى يَأْتِيَنِي وَلَا ذَنْبَ لَهُ ثُمَّ أُدْخِلُهُ

الْجَنَّةَ وَ مَا مِنْ عَبْدٍ أُرِيدُ أَنْ أُدْخِلَهُ النَّارَ إِلَّا صَحَّحْتُ جِسْمَهُ فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ تَمَامًا
 لَطَلْبَتِهِ عِنْدِي وَإِلَّا أَمَنْتُ لَهُ مِنْ سُلْطَانِهِ فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ تَمَامًا لَطَلْبَتِهِ وَإِلَّا هَوَّنْتُ
 عَلَيْهِ الْمَوْتَ حَتَّى يَأْتِيَنِي وَلَا حَسَنَةَ لَهُ ثُمَّ أُدْخِلُهُ النَّارَ

امام صادق عليه السلام از قول رسول خدا صلى الله عليه وآله می فرماید: خدای عز و جل
 فرمود: هر بنده ای را که بخواهم وارد بهشت کنم بدنش را بیمار سازم ، اگر به
 اندازه کفاره گناهش بود (خوشا به حالش)، و گر نه گرفتار تنگی معیشتش می
 کنم ، اگر این کار کفاره گناهانش باشد (خوشا به حالش)، و گر نه مرگش را
 دشوار گردانم تا بدون گناه نزد من آید، سپس او را وارد بهشت کنم ، و هر بنده
 ای را که بخواهم داخل دوزخ نمایم ، بدنش را سالم گردانم ، اگر بدان سبب
 آنچه از من خواهد کامل شود (حسابش پاک گردد)، و گر نه از ترس سلطه گر
 آسوده اش گردانم ، اگر خواسته هایش از من به اتمام رسد (راحت شود)، و گر
 نه مرگش را آسان کنم تا نزد من آید، در حالی که هیچ کردار نیکی برایش
 نباشد، سپس او را به دوزخ برم .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ الدَّرَجَةُ السَّنِيَّةَ الْعَظِيمَةَ
 الشَّرِيفَةَ فَيَبْتَلِيهِ بِالْبَلَاءِ لِكَيْ يَنَالَ تِلْكَ الدَّرَجَةَ فَيَعْدُو إِلَيْهِ النَّاسُ أَفْوَاجًا يُعْزُونَهُ وَ
 يَتَوَجَّعُونَ لَهُ مِمَّا أَصَابَهُ وَ لَوْ عَلِمُوا مَا آتَاهُ اللَّهُ مِنْ تِلْكَ الدَّرَجَةِ لَمْ يَتَوَجَّعْ لَهُ أَحَدٌ
 وَ لَمْ يُعْزِهِ أَحَدٌ وَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَبْتَلِيهِ اللَّهُ بِالشَّيْءِ لِيُوقِفَ بِهِ آخِرَتَهُ فَيَعْدُو إِلَيْهِ أَفْوَاجٌ
 يُهْنُونَهُ وَ يَفْرَحُونَ لَهُ لِمَا أُوتِيَ فِي الدُّنْيَا وَ لَوْ يَعْلَمُونَ مَا أُوتِيَ لَهُ مِنْ آخِرَتِهِ لَمْ
 يُهْنِنْتُهُ أَحَدٌ وَ لَمْ يَفْرَحْ

امام باقر عليه السلام فرمود: بنده نزد خداوند دارای مقامی بلند و با عظمت و
 ارجمند است ، خداوند او را به بلا گرفتار کند تا به آن مقامات برسد، مردم گروه

گروه به طرفش هجوم می برند تا او را تسلّی دهند و با وی در مصیبتش همدردی کنند، اگر می دانستند خداوند چه مقامی به او داده ، هرگز برایش دلسوزی نمی کردند و او را تسلیت نمی گفتند، و نیز بنده ای را خداوند به چیزی گرفتار می کند تا به وسیله آن آخرتش را تأمین کند، گروهی به سویش می شتابند و به او تبریک می گویند و به خاطر دنیایی که نصیبش شده شاد می گردند، در صورتی که اگر بدانند چه آخرتی در انتظارش است هرگز به او تبریک نمی گفتند و شاد نمی گشتند.

عَنْ سَلْمَانَ بْنِ غَانِمٍ قَالَ سَأَلَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَيْفَ تَرَكَتَ الشَّيْعَةَ فَقُلْتُ تَرَكَتُ الْحَاجَةَ فِيهِمْ وَالْبَلَاءُ أَسْرَعُ إِلَيْهِمْ مِنَ الْمِيزَابِ السَّرِيعِ فِي مَاءِ الْمَطَرِ فَقَالَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ ثُمَّ قَالَ أَيْسُرُكَ الْأَمْرُ الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ أَمْ مِائَةٌ أَلْفٍ قُلْتُ لَا وَاللَّهِ وَلَا جِبَالُ تِهَامَةَ ذَهَبًا فَقَالَ مَنْ أَعْنَى مِنْكَ وَمِنْ أَصْحَابِكَ مَا عَلَيَّ أَحَدِكُمْ وَلَا لَوْ سَاحَ فِي الْأَرْضِ يَأْكُلُ مِنْ وَرَقِ الشَّجَرِ وَنَبْتِ الْأَرْضِ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ

سلمان بن غانم گوید: امام صادق علیه السلام از من پرسید: شیعیان را چگونه یافتی ؟ عرض کردم : آنان را محتاج یافتم ، در حالی که سرعت گرفتاری به طرف آنان از آب باران به طرف ناودان بیشتر بود.

حضرت فرمود: خداوند کمک کننده است ، سپس فرمود: آیا از عقیده ای که بر آن هستی شادمانی یا صد هزار (درهم) که به تو بدهند؟ گفتم : به خدا قسم ، اگر به اندازه کوههای مکه به من طلا دهند آن را نمی خواهم . فرمود: چه کسی از تو و یارانت بی نیازتر است ؟ هیچ کدام از شما ضرر نمی کند اگر چه در روی زمین سیر کند و از برگ درختان و گیاهان زمین بخورد تا مرگش فرا رسد.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا حَاجَةَ لِلَّهِ فِيمَنْ لَيْسَ لَهُ فِي نَفْسِهِ وَ مَالِهِ نَصِيبٌ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ از قول رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: خداوند به کسی که از مال و بدنش برای او بهره ای نیست نیازی ندارد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا مَا مِنْ بَلِيَّةٍ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ أَوْ تَقْتِيرُ فِي الرِّزْقِ إِلَّا صَرَفَهُ اللَّهُ عَنْهُمْ لَوْ قَسَمَ نُورُ أَحَدِهِمْ بَيْنَ أَهْلِ الْأَرْضِ جَمِيعًا لَأَكْتَفَوْا بِهِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خداوند بندگانی دارد که هیچ بلایی از آسمان نازل نشود و هیچ تنگی در رزق بر ایشان پیش نیاید، مگر اینکه آن را از ایشان بر طرف سازد، و اگر نور یکی از آنها بین همه اهل زمین تقسیم شود، کفایتشان کند.

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا يَمُرُّ بِالْمُؤْمِنِ أَرْبَعُونَ يَوْمًا وَ مَا يُعَاهِدُهُ اللَّهُ إِلَّا مَا بَمَرَضٍ فِي جَسَدِهِ أَوْ بِمُصِيبَةٍ يَأْجُرُهُ اللَّهُ عَلَيْهَا

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: چهل روز بر مؤمن نمی گذرد، و خداوند او را مبتلا می سازد، یا به بیماری در بدنش یا به مصیبتی ، که خداوند بر آنها پاداشش دهد.

عَنْهُ قَالَ لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا لَهُ فِي الْمَصَائِبِ مِنَ الْأَجْرِ لَتَمَنَّى أَنْ يُفْرَضَ بِالْمَقَارِضِ بِالْمَقَارِضِ

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مؤمن می دانست که چه پاداشی در مقابل صبر بر مصیبتها نصیبش می شود، همواره آرزو می کرد که با قیچی بدنش تکه تکه شود.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الْمُؤْمِنُ كَخَامَةِ الزَّرْعِ تَنْكَفِيٌّ وَ تَعْدِلُ وَ الْكَافِرُ كَالرَّزَبَةِ صَحِيحٌ مُصَحَّحٌ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ إِلَى النَّارِ
امیر مؤمنان علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مؤمن همانند گیاهی ضعیف است که (در اثر وزش باد) خم و راست می شود، و کافر مثل ستونی آهنین و آسیب ناپذیر است تا مرگش فرا رسد و به دوزخ رود.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ إِنَّ أَنَسًا أَتَوَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ عِنْدَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْعَبَّاسِ فَذَكَرُوا لَهُمَا بَلَايَا الشَّيْعَةِ وَ مَا يُصِيبُهُمْ مِنْ ذَلِكَ فَآتَىا الْحُسَيْنَ فَذَكَرَا ذَلِكَ لَهُ فَقَالَ الْحُسَيْنُ وَ اللَّهُ الْبَلَاءُ وَ الْفَقْرُ أَسْرَعُ إِلَى مَنْ يُحِبُّنَا مِنْ رُكُضِ الْبِرَازِينِ وَ مِنْ السَّيْلِ إِلَى صِمْرِهِ فَقُلْتُ وَ مَا صِمْرُهُ قَالَ مُنْتَهَاهُ وَ مِنْ قَطْرِ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ لَوْ لَا أَنْ تَكُونُوا كَذَلِكَ لَعَلِمْنَا أَنَّكُمْ لَسْتُمْ مِنَّا ثُمَّ قَالَ بِنَا يُجْبَرُ يَتِيمُكُمْ وَ بِنَا يُقْضَى دَيْنُكُمْ وَ بِنَا يُغْفَرُ ذُنُوبُكُمْ

امام باقر علیه السلام فرمود: گروهی از مردم نزد امام سجاد علیه السلام آمدند، در حالی که نزد ایشان عبد الله بن عباس نیز بود، از گرفتاریهای شیعه و سختیهایی که می دیدند سخن گفتند، سپس نزد امام حسین علیه السلام رفتند، و همین را بر ایشان گفتند، امام حسین علیه السلام فرمود: به خدا قسم، سرعت گرفتاری و فقر به سوی دوستان ما بیشتر از سرعت دویدن گور خران است، و بیشتر از سرعت سیل به صمرش می باشد، گفتم: صمر چیست؟ فرمود: پایان مسیر سیل، و سریعتر از رسیدن

باران به زمین است ، و اگر این چنین نباشید می دانیم که شما از ما نیستید، سپس فرمود: به وسیله ما یتیماتان جبران می شوند، و به وسیله ما قرضهایتان ادا می شود، و به وسیله ما گناهانتان آمرزیده می شود.

ذُكِرَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْبَلَاءُ وَ مَا يَخْصُ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ سَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ أَشَدُّ النَّاسِ بَلَاءً فِي الدُّنْيَا فَقَالَ النَّبِيُّونَ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَأَلْأَمْثَلُ وَ يُبْتَلَى الْمُؤْمِنُ بَعْدَ عَلَى قَدْرِ إِيْمَانِهِ وَ حُسْنِ أَعْمَالِهِ فَمَنْ صَلَحَ إِيْمَانُهُ وَ حَسُنَتْ أَعْمَالُهُ أَشَدَّ بَلَاؤُهُ وَ مَنْ سَخَفَ إِيْمَانُهُ وَ ضَعَفَتْ أَعْمَالُهُ قَلَّ بَلَاؤُهُ

در محضر امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از بلا و آنچه خداوند مؤمن را به آن اختصاص داده سخن گفته شد، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پرسیدند: بلای چه کسی در دنیا از همه سخت تر است ؟ فرمود: پیامبران ، سپس هر که به آنان شبیه تر است ، و بعد از آنان مؤمن به اندازه ایمانش و نیکی عملهایش گرفتار می شود، هر که ایمانش درست و عملهایش نیکو باشد، گرفتاریش سخت تر است ، و هر کس ایمانش سست و عملش ضعیف باشد، گرفتاریش کمتر است .

عَنْ أَبِي صَالِحٍ قَالَ اشْتَكَيْتُ رَجُلِي بِالْمَدِينَةِ فَمَرَّ بِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنَا عَلَى الْمَنَامَةِ بِالدُّكَّانِ فَقَالَ مَا لَكَ قُلْتَ اشْتَكَيْ رَجُلِي فَقَالَ أَيَّتَنِي الْمَنْزِلَ فَأَتَيْتُهُ فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ وَ دَعَا لِي ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا وَكَلَّهُ مَلَكًا يُبْتَلِيهِ لِكَيْ يَدْعُوَ فَيَسْمَعَ صَوْتَهُ وَ إِذَا أَبْغَضَ عَبْدًا وَكَلَّ بِهِ مَلَكًا فَيَقُولُ لَا تَبْتَلِهِ بِشَيْءٍ فَأَنَا أَكْرَهُ أَنْ يَدْعُوَ وَ أَنْ يَسْأَلَنِي

ابو صالح گوید: در مدینه به درد پا مبتلا شدم ، روزی حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در حالی که من در حال استراحت بودم از جلوی مغازه ام رد می شد،

فرمود: چگونه ای ؟ گفتم : پایم درد می کند، فرمود: به منزل من بیا، به نزد ایشان رفتم ، امام علیه السلام دست خود را روی پایم نهاد و برایم دعا کرد، سپس فرمود: هر گاه خداوند بنده ای را دوست بدارد، فرشته ای را مأمور او می سازد که گرفتارش کند تا دعا کند و خداوند صدایش را بشنود، و هر گاه بنده ای مورد غضبش قرار گیرد، فرشته ای را مأمور او کند و به او می فرماید: او را گرفتار چیزی نکند، من خوشم نمی آید که او دعا کند و از من چیزی بخواهد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيَتَعَاهَدُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ مَا يَمُنُّ عَلَيْهِ أَنْ يَقُومَ لَيْلَةً إِلَّا تَعَاهَدَهُ بِمَرَضٍ فِي جَسَدِهِ أَوْ بِمُصِيبَةٍ فِي أَهْلٍ أَوْ مَالٍ أَوْ مُصِيبَةٍ مِنْ مَصَائِبِ الدُّنْيَا لِيَأْجُرَهُ عَلَيْهَا

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند متعال همواره مؤمن را گرفتار می سازد، هیچ شبی را به صبح نمی رساند جز آنکه او را گرفتار بیماری در بدنش یا مصیبتی در خانواده اش یا مالش یا مصیبتی از مصیبتهای دنیا می کند، تا او را بر اینها پاداش دهد.

عَنْهُ قَالَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَهُوَ يَدَّكُرُ فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا بِلَاءٍ يُصِيبُهُ إِمَّا فِي مَالِهِ أَوْ فِي وَكْدِهِ أَوْ فِي نَفْسِهِ فَيُؤَجَّرُ عَلَيْهِ أَوْ هُمْ لَا يَدْرِي مِنْ أَيْنَ هُوَ

امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ مؤمنی نیست ، جز آنکه در هر چهل روز به گرفتاری که به او می رسد یاد آوری می شود، یا در مالش یا در فرزندانش یا در خودش ، و بر آن پاداش داده می شود، یا غم و غصه ای که نمی داند از کجاست .

عَنْهُ قَالَ الْمُؤْمِنُ لَا يَمْضِي عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ لَيْلَةً إِلَّا عَرَضَ لَهُ أَمْرٌ يَحْزُنُهُ وَيَذَكِّرُهُ
امام صادق عليه السلام فرمود: چهل روز بر مؤمن نمی گذرد، جز آنکه برایش
مشکلی پیش آید که غمگینش کند و متذکرش سازد.

عَنْهُ قَالَ إِنَّهُ لَتَكُونُ لِلْعَبْدِ مَنْزِلَةٌ عِنْدَ اللَّهِ فَمَا يَنَالُهَا أَبَدًا إِلَّا بِإِحْدَى خَصْلَتَيْنِ إِمَّا
بِذَهَابِ مَالِهِ أَوْ بِلَيَّةٍ فِي جَسَدِهِ
امام صادق عليه السلام فرمود: بنده نزد خداوند مقامی دارد که هرگز بدان نرسد مگر
به یکی از دو خصلت: یا از بین رفتن مالش، یا به بیماری در بدنش.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ إِذَا كَانَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ عَبْدًا وَ لَهُ ذَنْبٌ عِنْدَهُ ابْتِلَاءُ
بِالسُّقْمِ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِ ابْتِلَاءُ بِالْحَاجَةِ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِ شَدَدَ عَلَيْهِ عِنْدَ
الْمَوْتِ لِيُكَافِيَهُ بِذَلِكَ الذَّنْبِ وَإِذَا كَانَ مِنْ أَمْرِهِ أَنْ يُهَيِّنَ عَبْدًا وَ لَهُ عِنْدَهُ حَسَنَةٌ
صَحَّحَ بَدَنَهُ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِ وَسَّعَ عَلَيْهِ فِي مَعِيشَتِهِ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ هَوَّنَ
عَلَيْهِ مَوْتَهُ حَتَّى يُكَافِيَهُ بِتِلْكَ الْحَسَنَةِ

امام باقر عليه السلام فرمود: هر گاه خداوند بخواهد بنده ای را که در پیشگاهش
گنهکار است گرامی بدارد، او را گرفتار بیماری کند، اگر هم این کار را نکند به
نیازمندی مبتلایش گرداند، و اگر این کار را هم نکرد مرگ را برایش دشوار
سازد تا گناهانش را بدین وسیله جبران کند، و هر گاه بخواهد بنده ای را که
نزدش کار نیکی دارد؛ خوار کند، بدنش را سالم سازد، و اگر این کار را در باره
اش نکند، زندگیش را گشایش دهد، و اگر این کار را نکند مرگ را بر او آسان
کند تا عمل نیکش را جبران نماید.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَمَنْزِلَةً لَا يَبْلُغُهَا عَبْدٌ إِلَّا بِلَاءٍ فِي جَسَدِهِ
 امام صادق عليه السلام فرمود: در بهشت مقام و جایگاهی است که بنده به آن نرسد
 گر به واسطه بیماری که در بدنش پیدا شود.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ خَرَجَ مُوسَى فَمَرَّ بِرَجُلٍ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ فَذَهَبَ بِهِ
 حَتَّى خَرَجَ إِلَى الطُّورِ فَقَالَ لَهُ اجْلِسْ حَتَّى أَجِيبَكَ وَخَطَّ عَلَيْهِ خَطَّةً ثُمَّ رَفَعَ
 رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ اسْتَوْدَعْتُكَ صَاحِبِي وَأَنْتَ خَيْرٌ مُسْتَوْدَعٍ ثُمَّ مَضَى فَنَاجَاهُ
 اللَّهُ بِمَا أَحَبَّ أَنْ يُنَاجِيَهُ ثُمَّ أَنْصَرَفَ نَحْوَ صَاحِبِهِ فَإِذَا أَسَدٌ قَدْ وَثَبَ عَلَيْهِ فَشَقَّ بَطْنَهُ
 وَفَرَّتْ لَحْمُهُ وَشَرِبَ دَمَهُ قُلْتُ وَمَا فَرَّتُ اللَّحْمُ قَالَ قَطَعُ أَوْصَالَهُ فَرَفَعَ مُوسَى
 رَأْسَهُ فَقَالَ يَا رَبِّ اسْتَوْدَعْتُكَ وَأَنْتَ خَيْرٌ مُسْتَوْدَعٍ فَسَلَّطْتَ عَلَيْهِ شَرَّ كِلَابِكَ فَشَقَّ
 بَطْنَهُ وَفَرَّتْ لَحْمُهُ وَشَرِبَ دَمَهُ فَقِيلَ يَا مُوسَى إِنَّ صَاحِبَكَ كَانَتْ لَهُ مَنْزِلَةٌ فِي
 الْجَنَّةِ لَمْ يَكُنْ يَبْلُغُهَا إِلَّا بِمَا صَنَعْتَ بِهِ يَا مُوسَى انْظُرْ وَكَشَفَ لَهُ الْغِطَاءَ فَنَظَرَ
 مُوسَى فَإِذَا بِمَنْزِلٍ شَرِيفٍ فَقَالَ رَبِّ رَضِيتُ

امام باقر عليه السلام فرمود: روزی موسی عليه السلام از منزل خارج شد، به مردی از بنی
 اسرائیل رسید و با او به کوه طور رفت ، و به او گفت : اینجا بنشین تا برگردم ،
 بعد خطی به دور او کشید، سپس سرش را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود:
 دوستم را به تو سپردم و تو بهترین نگهدارنده ای ، سپس رفت و خداوند با او
 به صورتی که دوست داشت مناجات کرد، سپس به طرف دوستش بازگشت ، و
 ناگاه مشاهده کرد که شیری بر او حمله ور شده و شکمش را دریده و گوشتش
 را خورده و خونس را آشامیده ، راوی گوید: گوشتش را چگونه خورده بود؟
 گفت : قطعه قطعه کرده بود، موسی در این هنگام سرش را بلند کرد و گفت :
 پروردگارا! به تو سپردمش و تو بهترین نگهداری ، ولی بدترین سگانت را بر او

مسلط نمودی تا شکمش را بدرد، و گوشتش را تکه تکه کند و خورش را بنوشد.

گفته شد: ای موسی! رفیقت در بهشت جایگاهی داشت که جز با کاری که کردم به آن نمی رسید، ای موسی! بنگر حجابها کنار رفت موسی نگاه کرد، او را در منزلی با شرافت دید، موسی گفت: پروردگارا! راضی شدم.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنْ رَجُلًا أَقْبَلَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ النَّبِيُّ لَهُ مَتَى عَهْدُكَ بِأُمَّ مِلْدَمٍ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا أُمَّ مِلْدَمٍ فَقَالَ صُدَاعٌ هَاهُنَا وَسَخْنُهُ عَلَى الرَّأْسِ وَالصَّدْرِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لِي بِهَذَا مِنْ عَهْدٍ ثُمَّ أَذْبَرَ مُؤَلِّيًّا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ لِيَجْلِسَ إِلَيْهِ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى هَذَا الْمُؤَلِّيِّ ثُمَّ قَالَ إِنْ مَثَلَ الْمُنَافِقُ كَمَثَلِ جَذَعٍ أَرَادَ صَاحِبُهُ أَنْ يَنْتَفِعَ بِهِ فِي بَعْضِ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ فِي بِنَايَةٍ فَلَمْ يَسْتَقِمْ لَهُ فِي ذَلِكَ فَيُحْوَلْهُ إِلَى مَوْضِعٍ آخَرَ فَلَمْ يَسْتَقِمْ لَهُ فَكَانَ آخِرُ ذَلِكَ أَنْ يُحْرِقَهُ بِالنَّارِ وَ مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ يُهَيِّجُهَا الرِّيحُ فَتَنَكْفِيُ يَعْنِي يَقْلِبُهَا الرِّيحُ حَتَّى يَأْتِيَ عَلَيْهَا أَوْ أَنْهَا فَتُحْصَدَ

امام صادق عليه السلام فرمود: مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، پیامبر به او فرمود: چه وقت گرفتار ام مِلْدَم شده ای؟ گفت: ای رسول خدا! ام مِلْدَم چیست؟ فرمود: سر دردی در این قسمت سر و حرارتی است در سر و سینه، گفت: ای رسول خدا! من تاکنون مبتلایش نشده ام، بعد آن مرد پشت کرده و از نزد رسول خدا رفت، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله به یاران خود فرمود: هر که دوست دارد که مرد جهنمی را ملاقات کند به این مرد پشت کننده نگاه کند.

سپس فرمود: مثل منافق مثل تنه درختی است که صاحبش می خواهد در قسمتی از ساختمانش از آن استفاده کند، ولی آن تنه مورد استفاده ساختمان

قرار نمی گیرد، آن را به جای دیگر می برد، باز هم به کارش نمی آید، سرانجام آن را به وسیله آتش می سوزاند، و مثل مؤمن مثل کشت زاری است که تازه روئیده ، باد آن را به هر طرف خم می کند و به حال خودش بر می گردد، یعنی باد دگرگونش می سازد تا هنگامی که وقت چیدنش برسد.

عَنْهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ تُكْفِيهَا الرِّيحُ كَذَا وَكَذَا
وَ الْمُؤْمِنُ تُكْفِيهِ الْأَوْجَاعُ وَالْأَمْرَاضُ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ وَ مَثَلُ الْمُنَافِقِ كَالْإِرْزَبَةِ
الْمُسْتَقِيمَةِ الَّتِي لَا يُصِيبُهَا شَيْءٌ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ فَيَقْصِفُهُ قَصْفًا

امام صادق عليه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: حکایت مؤمن حکایت کشت زاری است که تازه روئیده ، باد آن را به هر طرف تکان می دهد، مؤمن را هم دردها و بیماریها کج می کند تا مرگش فرا رسد، و حکایت منافق حکایت عصای آهنین راستی است که آسیبی به آن نمی رسد تا مرگش در رسد، و او را بکشد.

عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ الْمُؤْمِنُ يُصِيبُهُ الْهَمُّومُ وَ
الْأَحْزَانُ فَقَالَ هَذَا مِنَ الذُّنُوبِ وَ التَّقْصِيرِ وَ ذُنُوبِ التَّبَيُّنِ وَ الْمُوقِنِينَ مَغْفُورَةٌ لَهُمْ

مفضل بن عمر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا غم و اندوه به مؤمن روی می آورد؟

فرمود: غم و اندوهش به خاطر گناهان و اشتباه است ، و گناههای پیامبران و اهل یقین بخشیده گردیده است .

عَنْ ضُرَيْسِ الْكُنَاسِيِّ قَالَ كُنَّا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَمَاعَةً وَفِينَا حُمْرَانُ بْنُ أُعَيْنٍ فَقَالَ لَهُ حُمْرَانُ جُعِلَتْ فِدَاكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ أَرَأَيْتَ مَا أَصَابَ النَّبِيَّ وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ مِنَ الْمَصَائِبِ بِذَنْبٍ فَقَالَ يَا حُمْرَانُ أَصَابَهُمْ مَا أَصَابَهُمْ مِنَ الْمَصَائِبِ بغيرِ ذَنْبٍ وَ لَكِنْ يَطُولُ عَلَيْهِمُ بِالْمَصَائِبِ لِيَأْجُرَهُمْ عَلَيْهَا مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ

ضریس کناسی گوید: به همراه جماعتی خدمت امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ رسیدیم ، و در بین ما حمران بن اعین نیز بود، حمران گفت : فدایت شوم ، خداوند فرموده : (آنچه از مصیبت به شما برسد به واسطه کردارتان است)، آیا مصیبت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ و اهل بیتش به واسطه گناه بود؟ فرمود: ای حمران ! مصیبت‌هایی که به آنان رسید از ناحیه گناه نبود، بلکه مصیبت‌هایشان طولانی می شد تا به عوض پاداش داده شوند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِأَصْحَابِهِ سَلُوا رَبُّكُمْ الْعَافِيَةَ فَإِنَّكُمْ لَسْتُمْ مِنْ أَصْحَابِ الْبَلَاءِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به اصحابش فرمود: از پروردگارتان سلامت بطلبید، زیرا شما به بلا گرفتار نخواهید شد.

عَنْهُ قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ إِنِّي لَأَكْرَهُ فِي الرَّجُلِ أَنْ يُعَافَى فِي الدُّنْيَا فَلَا يُصِيبُهُ شَيْءٌ مِنْ مَصَائِبِهَا

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرمود: من مردی را که همواره در آسایش و سلامتی به سر می برد و هیچ گاه گرفتار مصیبت نمی شود دوست ندارم .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لِعِبَادًا لَّا يَصْلِحُ لَهُمْ أَمْرٌ دِينِهِمْ إِلَّا بِالْفَاقَةِ وَالْمَسْكَنَةِ وَالسُّقْمِ فِي أَسْبَابِهِمْ
 امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خدای عز و جل می فرماید: برخی از بندگان مؤمنم کسانیند که دینشان جز با فقر و تنگدستی و بیماری در بدنهایشان کامل نگردد.

عَنْهُ قَالَ إِنَّ الرَّجُلَ يَعْرِفُ الدُّعَاءَ فَتَنْزِلُ بِهِ الشِّدَّةُ وَالضَّرُورَةُ فَيَدْعُو بِهِ فَيَعْرِفُ صَوْتَهُ وَإِنَّ الَّذِي لَيْسَ كَذَلِكَ يَنْزِلُ بِهِ الشِّدَّةُ وَالضَّرُورَةُ فَيَدْعُو فَيُقَالُ مَا يُعْرِفُ قَالَ مَا عَرَضَ لِي أَمْرَانِ أَحَدُهُمَا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرُ لِلْآخِرَةِ فَأَثَرْتُ الَّذِي لِلدُّنْيَا إِلَّا رَأَيْتُ مَا أَكْرَهُ قَبْلَ أَنْ أُمْسِيَ ثُمَّ قَالَ عَجَبًا لِبَنِي أُمَّيَّةَ إِنَّهُمْ يُؤَثِّرُونَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ مُنْذُ كَانُوا وَلَا يُرِيدُونَ شَيْئًا يَكْرَهُونَهُ
 امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: مردی که اهل دعاست ،

هنگامی که گرفتار سختی و مشکل می شود و دعا می کند، صدایش شناخته می شود، اما آنکه چنین نیست ، اگر دچار مشکل و گرفتاری شود و دعا کند گفته می شود: شناخته نشد.

فرمود: هنگامی که دو موضوع برایم پیش می آید که یکی مربوط به دنیا و دیگری مربوط به آخرت است ، دنیا را مقدم نکردم جز آنکه هنوز شب فرا نرسیده برایم یک ناراحتی پیش می آید، سپس فرمود: از بنی امیه در شگفتم که همواره دنیا را بر آخرت بر می گزیدند، و هرگز به دنبال چیزی که ناراحتشان کند نمی رفتند.

عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَرِيرٍ قَالَ لَمَّا صَرَغْتُ تِلْكَ الصَّرْعَةَ وَكَانَ سَقَطَ عَنْ بَعِيرِهِ
 قَالَ جَعَلْتُ فِي ذَلِكَ أَقُولُ فِي نَفْسِي لِدَنْبٍ كَانَ عُقُوبَةَ مَا أَرَى قَالَ فَدَخَلْتُ عَلَى
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ لِي مُبْتَدِئًا إِنَّ أَيُّوبَ ابْتُلِيَ بِغَيْرِ ذَنْبٍ أَوْ قَالَ مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ فَلَمْ
 يَسْأَلْ رَبَّهُ الْعَافِيَةَ حَتَّى آتَاهُ قَوْمٌ يَعُودُونَهُ فَلَمْ تَتَقَدَّمْ عَلَيْهِمْ دَوَابُّهُمْ مِنْ رِيحِهِ فَآدَاهُ
 بَعْضُهُمْ أَى أَيُّوبُ لَوْ لَا أَنْكَ مَذْنِبٌ مَا أَصَابَكَ الَّذِي أَصَابَكَ فَقَالَ عِنْدَهَا يَا رَبِّ يَا
 رَبِّ فَصَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ

اسماعیل بن جریر گوید: هنگامی که شترم رم کرد و من به زمین افتادم ، با
 خودم می گفتم :

شاید این عقوبت گناهی است که مرتکب شده ام ؟ روزی خدمت حضرت
 صادق علیه السلام رسیدم ، قبل از اینکه چیزی بگویم فرمود: ایوب بدون گناه گرفتار
 شد، ولی از پروردگارش طلب بهبودی نمود، تا اینکه گروهی به عیادتش
 آمدند، اما چهار پایانشان از بوی بد ایوب جلو نیامدند، یکی از آنان صدا زد: ای
 ایوب ! اگر گناهکار نبودی گرفتار این مصیبت نمی شدی ، در این هنگام ایوب
 پروردگارش را خواند، و خداوند هم شفایش داد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ لَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا
 لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُؤْتِيَهُمْ سُقُفًا مِنْ فِضَّةٍ الْآيَةِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ لَوْ فَعَلَ لَكَفَرَ
 النَّاسُ جَمِيعًا

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه : (اگر (تمکن کفار از مواهب مادی)
 سبب نمی شد که همه مردم امت واحد (گمراه) شوند، ما برای کسانی که به
 (خدای) رحمان کافر می شدند خانه هایی قرار می دادیم با سقفهایی از نقره)،
 فرمود: اگر خداوند چنین می کرد همه مردم کافر می شدند.

عَنْهُ قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَوْ لَا أَنْ يَجِدَ عَبْدِي فِي نَفْسِهِ لَتَوَجَّتُ عَبْدِي
الْكَافِرَ تَاجًا مِنْ ذَهَبٍ لَا يَرَى بُؤْسًا حَتَّى يَلْقَانِي
امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند عز و جل می فرماید: اگر بنده ام محزون
نمی شد، بنده کافر را تاجی از طلا می دادم که هیچ گرفتاری نبیند تا روزی که
مرا ملاقات کند.

عَنْهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ دَارًا وَ خَلَقَ لَهَا أَهْلًا وَ هِيَ الدُّنْيَا وَ جَعَلَ أَوْلِيَاءَهُ أَضْيَافًا
عَلَيْهِمْ
امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند خانه ای آفرید و برای آن ساکنینی قرار داد،
آن خانه دنیاست ، و دوستانش را مهمان اهل دنیا قرار داد.

عَنْهُ قَالَ مَا يَضُرُّ مَنْ كَانَ عَلَى هَذَا الرَّأْيِ وَ لَا يَكُونُ لَهُ أَنْ يَسْتَظِلَّ فِيهِ إِلَّا
الشَّجَرُ وَ لَا يَأْكُلُ إِلَّا فِي رِزْقِهِ
امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که بر این عقیده است ضرر نمی کند، و سزاوار
نیست سر پناهی غیر از درختان داشته باشد، و چنین کسی فقط از برگ درختان
می خورد.

فصل هفتم : در بیان گرفتاریها و بلاها

(الفصل السابع فى الشدائد و البلايا)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا
غَتَّهُ بِالْبَلَاءِ غَتًّا وَ نَجَّهُ بِالْبَلَاءِ نَجًّا فَإِذَا دَعَاهُ قَالَ لَبَّيْكَ عَبْدِي لَتُنْعَجَلْتُ لَكَ مَا
سَأَلْتَ إِنِّي عَلَى ذَلِكَ لَقَادِرٌ وَ لَتُنِ ادَّخَرْتُ لَكَ فَمَا ادَّخَرْتُ لَكَ خَيْرٌ لَكَ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خداوند متعال هر گاه بنده ای را دوست بدارد او را در
بلا غوطه ور سازد، و باران بلا را بر سرش ریزد، و چون به درگاه خدا دعا کند،
خداوند می فرماید: ای بنده من دعایت را شنیدم ، اگر بخواهم خواسته ات را به
زودی انجام دهم قدرتش را دارم ، ولی آن را برایت ذخیره می کنم ، و آنچه را
برایت ذخیره کنم بهتر است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِنَّ عَظِيمَ الْبَلَاءِ يُكَافَأُ بِهِ عَظِيمُ
الْجَزَاءِ فَإِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا ابْتَلَاهُ بِعَظِيمِ الْبَلَاءِ فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ الرِّضَا وَ مَنْ
سَخِطَ الْبَلَاءَ فَلَهُ السَّخَطُ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از قول رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید: گرفتاری بزرگ پاداش
بزرگ دارد، هر گاه خداوند بنده ای را دوست بدارد او را به گرفتاریهای بزرگ
اندازد، هر که راضی شد خدا هم از او راضی شود، و هر کسی از بلا ناراحت شد
خدا هم از وی ناراحت گردد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ مِنْ خَالِصِ عِبَادِهِ لَيْسَ يُنَزَّلُ مِنْ السَّمَاءِ تُحْفَةً إِلَى الدُّنْيَا إِلَّا صَرَفَهَا عَنْهُمْ وَلَا يُنَزَّلُ بَلَاءٌ إِلَّا صَرَفَهُ إِلَيْهِمْ وَهُمْ شِيعَةٌ عَلِيٌّ

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند در زمین بندگان ویژه و خالصی دارد، از آسمان هدیه ای را فرو نمی فرستد جز آنکه آنان را از آن محروم سازد، و بلایی را فرو نمی فرستد، جز آنکه نصیب آنان گرداند، و آنها شیعه علی عليه السلام هستند.

عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ لَيَطْلُبُ الْأِمَارَةَ وَالتَّجَارَةَ فَإِذَا أَشْرَفَ مِنْ ذَلِكَ عَلَى مَا يَهْوَى بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكًا فَقَالَ اصْرِفْ عَبْدِي أَوْ صُدَّهُ عَنْ أَمْرٍ لَوْ أَمْسَكَ فِيهِ أَدْخَلَهُ النَّارَ فَيُنَزَّلُ الْمَلِكُ فَيَصُدُّهُ بِاللَّهِ فَيُصْبِحُ وَهُوَ يَقُولُ لَقَدْ دَهَانِي مَنْ دَهَانِي فَعَلَ اللَّهُ بِهِ وَفَعَلَ وَمَا يَدْرِي إِنَّ اللَّهَ جَلٌّ وَعَلَا لَنَاظِرٌ لَهُ فِي ذَلِكَ وَلَوْ ظَفَرَ بِهِ أَدْخَلَهُ النَّارَ

امام باقر عليه السلام از قول امام سجاد عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله می فرمود: بنده مؤمن به دنبال کسب امارت و تجارت می رود، هنگامی که به آنچه می خواست دست پیدا کرد، خداوند فرشته ای را به سویش می فرستد و می فرماید: بنده ام را از این کار باز دارید، و جلوگیری نمائید از کاری که اگر ادامه دهد او را وارد دوزخ کنم، فرشته ای نازل می شود، و به لطف خدا مانعش می شود، صبح روز بعد می گوید: باز دارنده ای مرا از این کار بازداشت، البته خداوند این کار را در باره اش انجام داد و او نمی داند که خداوند (جل و علا) در این کار شاهد او بود، و اگر موفق به انجام آن کار می شد، او را داخل دوزخ می کرد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ عَظِيمَ الْأَجْرِ لَمَعَ عَظِيمِ الْبَلَاءِ وَ مَا أَحَبَّ اللَّهُ قَوْمًا إِلَّا ابْتَلَاهُمْ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پاداش بزرگ همیشه همراه گرفتاری بزرگ است ، و خداوند هیچ قومی را دوست ندارد، مگر آنکه گرفتارشان کند، و خداوند هر قومی را دوست دارد، گرفتارشان سازد.

عَنْهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَاللَّهِ مَا كَرُمَ عَبْدٌ عَلَى اللَّهِ إِلَّا أَزْدَادَتْ عَلَيْهِ الْبَلَايَا
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از قول رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: به خدا قسم هیچ بنده ای نزد خداوند گرامی نشد، مگر آنکه گرفتاریهایش زیاد گردید.

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَشَدُّ النَّاسِ بَلَاءً الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَالْأَمْثَلُ
امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: گرفتارترین مردم پیامبرانند، بعد از آنان هر که به پیامبران شبیه تر باشد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءً الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَالْأَمْثَلُ
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: گرفتارترین مردم پیامبرانند، بعد کسانی که پیرو آنانند، سپس شبیه ترین مردم به پیامبران .

عَنْهُ قَالَ سَيَلَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَشَدُّ النَّاسِ بَلَاءً فِي الدُّنْيَا فَقَالَ النَّبِيُّونَ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَالْأَمْثَلُ وَ يُبْتَلَى الْمُؤْمِنُ بَعْدَ عَلَى قَدْرِ إِيمَانِهِ وَ حُسْنِ أَعْمَالِهِ فَمَنْ صَحَّ إِيمَانُهُ وَ حَسَنَ عَمَلُهُ أَشَدَّ بَلَاؤُهُ وَ مَنْ سَخَفَ إِيمَانُهُ وَ ضَعَفَ عَمَلُهُ قَلَّ بَلَاؤُهُ

امام صادق علیه السلام فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد: در دنیا بلای کدامیک از مردمان سخت تر است ؟ فرمود: پیامبران ، سپس هر که به آنان شبیه تر است ، بعد از آن مؤمن به اندازه ایمان و نیکی اعمالش مبتلا می گردد، پس هر که ایمانش درست و عملش نیکو باشد گرفتاریش سخت تر است ، و هر که ایمانش سست و عملش ضعیف باشد گرفتاریش کمتر است .

عَنْهُ قَالَ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ بِمَنْزِلَةِ كِفَّةِ الْمِيزَانِ كُلَّمَا زِيدَ فِي إِيمَانِهِ زِيدَ فِي بَلَاءِهِ
 امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن همانند کفه ترازوست ، هر قدر بر ایمانش بیافزاید بر بلایش افزوده گردد.

عَنِ الْكَاظِمِ علیه السلام قَالَ لَنْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ حَتَّى تَكُونُوا مُؤْتَمِنِينَ وَ حَتَّى تَعُدُّوا
 الْبَلَاءَ نِعْمَةً وَ الرَّخَاءَ مُصِيبَةً وَ ذَلِكَ أَنَّ الصَّبْرَ عِنْدَ الْبَلَاءِ أَفْضَلُ مِنَ الْغَفْلَةِ عِنْدَ
 الرَّخَاءِ

امام کاظم علیه السلام فرمود: شما مؤمن (واقعی) نخواهید بود مگر اینکه امانت دار باشید، و بلا را نعمت ، و آسایش را مصیبت بشمارید، زیرا صبر در برابر بلا بهتر از غفلت هنگام آسایش است .

عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ إِنَّمَا يُبْتَلَى الْمُؤْمِنُ فِي الدُّنْيَا عَلَى قَدْرِ دِينِهِ أَوْ قَالَ عَلَى
 حَسَبِ دِينِهِ

امام باقر علیه السلام فرمود: مؤمن در دنیا به اندازه دیانتش مبتلا شود، یا فرمود: بر حسب دیانتش .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ أَهْلَ الْحَقِّ لَمْ يَزَالُوا مُنْذُ كَانُوا فِي شِدَّةٍ أَمَا إِنَّ
ذَلِكَ إِلَى مُدَّةٍ قَلِيلَةٍ وَ عَافِيَةٍ طَوِيلَةٍ

امام صادق عليه السلام فرمود: اهل حق همواره در سختی بوده اند، ولی این سختی
مدت کوتاهی دارد، و آسایشی طولانی به دنبال دارد.

عَنْهُ قَالَ إِنَّهُ لَيَكُونُ لِلْعَبْدِ مَنْزِلَةٌ عِنْدَ اللَّهِ فَمَا يَنَالُهَا إِلَّا بِأِحْدَى خَصَلَتَيْنِ إِمَّا
بِذَهَابِ مَالِهِ وَإِمَّا بِبِلْيَةِ فِي جَسَدِهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: بنده نزد خدا مقامی دارد که به آن نرسد مگر با دو
خصیصه: یا از بین رفتن مالش، و یا به بیماری در بدنش.

عَنْهُ قَالَ إِنَّ مِمَّا يَحْتَجُّ اللَّهُ بِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى عَبْدِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ يَقُولَ لَهُ
أَلَمْ أُجْمِلْ ذِكْرَكَ

امام صادق عليه السلام فرمود: یکی از چیزهایی که خداوند متعال در روز قیامت بر
بنده اش احتجاج می کند این است که به او می فرماید: آیا یادت را نیکو
نگرداندم؟

عَنْهُ قَالَ إِنَّ فِيمَا أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام يَا مُوسَى مَا
خَلَقْتُ خَلْقًا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ وَإِنِّي إِنَّمَا ابْتَلَيْتُهُ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ وَ
أَعَافِيهِ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ وَ أَرْوَى عَنْهُ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ وَ أَعْطَيْتُهُ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ وَ أَنَا
أَعْلَمُ بِمَا يَصْلُحُ عَلَيْهِ عَبْدِي فَلْيَصْبِرْ عَلَى بَلَائِي وَ لِيَشْكُرْ نِعْمَائِي وَ لِيَرْضَ بِقَضَائِي
بِقَضَائِي أَكْتُبُهُ فِي الصِّدِّيقِينَ عِنْدِي إِذَا عَمِلَ بِرِضَائِي وَ أَطَاعَ أَمْرِي

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند در یکی از وحی هایش به موسی بن عمران علیه السلام فرمود: ای موسی! هیچ مخلوقی را محبوبتر از بنده مؤمنم نیافریدم، من او را برای چیزی که برایش بهتر است مبتلا می سازم، و به او چیزی دهم که برایش بهتر باشد، و من به آنچه برایش بهتر است آگاه ترم، او باید در برابر بلاهای من صبر کند، و نعمتهایم را شکرگزار باشد، و به حکم من راضی باشد، اگر به حکم من عمل کند و امرم را اطاعت نماید، او را جزء صدیقین نزد خودم قرار دهم.

عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام سَلُوا رَبَّكُمْ الْعَافِيَةَ فَإِنَّكُمْ لَسْتُمْ مِنْ أَهْلِ الْبَلَاءِ فَإِنَّهُ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ شَقُّوا بِالْمَنَاشِيرِ عَلَيَّ أَنْ يُعْطُوا الْكُفْرَ فَلَمْ يُعْطُوا

امام صادق علیه السلام فرمود: از پروردگارتان سلامت بخواهید، زیرا شما اهل بلا نیستید، کسانی از بنی اسرائیل قبل از شما بودند که به وسیله اره تکه تکه می شدند تا کافر شوند، اما آنان کافر نمی شدند.

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ رَجُلًا فِيمَا مَضَى عَلَيْكُمْ مِنْ هَذَا الدَّهْرِ كَانَ مُتَوَاحِيًا فِي الْقَضَاءِ وَكَانَ لَا يُرْفَعُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنَ الْحَسَنَاتِ مَا يُرْفَعُ لَهُ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ سَيِّئَةٌ فَأَحَبَّهُ مَلَكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فَسَأَلَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَأْذَنَ لَهُ فَيَنْزَلَ إِلَيْهِ فَيُسَلِّمَ عَلَيْهِ فَأَذِنَ لَهُ فَنَزَلَ فَإِذَا الرَّجُلُ قَائِمٌ يُصَلِّي فَجَلَسَ الْمَلَكُ وَ جَاءَ أَسَدٌ فَوَتَبَ عَلَى الرَّجُلِ فَقَطَعَهُ أَرْبَعَةَ إِرَابٍ وَ فَرَّقَ فِي كُلِّ جِهَةٍ مِنَ الْأَرْبَعَةِ إِرْبًا وَ انْطَلَقَ فَقَامَ الْمَلَكُ فَجَمَعَ تِلْكَ الْأَعْضَاءَ فَدَفَنَهَا ثُمَّ مَضَى عَلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ فَمَرَّ بِرَجُلٍ مُشْرِكٍ تُعْرَضُ عَلَيْهِ الْوَأْنُ الْأَطْعَمَةَ فِي آيَةٍ مِنْ

الدَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَهُوَ مَلِكُ الْهِنْدِ وَهُوَ كَذَلِكَ إِذْ تَكَلَّمَ بِالشَّرْكِ فَصَعِدَ الْمَلِكُ
فَدَعَى فَقِيلَ لَهُ مَا رَأَيْتَ فَقَالَ مِنْ أَعْجَبِ مَا رَأَيْتَ عَبْدُكَ فَلَانَ الَّذِي لَمْ يَكُنْ يُرْفَعُ
لِأَحَدٍ مِنَ الْأَدَمِيِّينَ مِنَ الْحَسَنَاتِ مِثْلُ مَا يُرْفَعُ لَهُ سَلَطَتْ عَلَيْهِ كَلْبًا فَقَطَعَهُ إِرْبًا ثُمَّ
مَرَرْتُ بِعَبْدٍ لَكَ قَدْ مَلَكَتُهُ تُعْرَضُ عَلَيْهِ آنِيَةُ الدَّهَبِ وَالْفِضَّةِ فِيهَا الْوَانُ الْأَطْعِمَةُ
فَيُشْرِكُ بِكَ وَهُوَ سَوِيٌّ قَالَ فَلَا تَعْجَبَنَّ مِنْ عَبْدِي الْأَوَّلِ فَإِنَّهُ سَأَلَنِي مَنْزِلَةً مِنْ
الْجَنَّةِ لَمْ يَبْلُغَهَا بِعَمَلٍ فَسَلَّطْتُ عَلَيْهِ الْكَلْبَ لِأُبْلِغَهُ الدَّرَجَةَ الَّتِي أَرَادَهَا وَأَمَّا عَبْدِي
الْآخِرُ فَإِنِّي لَمْ أُسْتَكْثِرْ لَهُ شَيْئًا صَنَعْتُهُ بِهِ لِمَا يَصِيرُ إِلَيْهِ غَدًا مِنْ عَذَابِي

معاویة بن عمّار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: در روزگاران
قبل از شما مردی می زیست که به قضا و قدر گردن می نهاد، و آنچه از
حسنات برایش ثبت می شد برای اهل زمین ثبت نمی شد، و هرگز مرتکب گناه
نمی شد، یکی از فرشتگان که او را دوست می داشت، از خدا خواست تا اجازه
دهد نزد او (به زمین) رود، و ملاقاتش نماید، خداوند به او اجازه داد و فرشته
پایین آمد، و مشاهده کرد که مرد به نماز ایستاده، فرشته نزد او نشست، ناگاه
شیری به روی مرد جهید و او را چهار قطعه کرد، و هر قطعه ای را به یکی از
چهار طرف انداخت و رفت، آن فرشته برخاست و تکه های بدن مرد را جمع
کرد و دفن نمود، سپس به کنار دریا رفت و در آنجا مرد مشرکی را دید که در
ظرفهای طلا و نقره غذاهای گوناگون برایش می آوردند، این مرد پادشاه هند
بود و مشرک بود، زیرا کلمات شرک آمیز می گفت .

فرشته به آسمان رفت، او را صدا زدند و پرسیدند: چه دیدی؟ گفت:
عجیبترین چیز که دیدم این بود که فلان بنده ات را که حسنات را فقط به او می
دادی نه به دیگران، طعمه شیری ساختی که او را قطعه قطعه کرد، سپس بنده

دیگرت را دیدم که او را پادشاهی داده بودی ، و برایش در ظروف طلا و نقره غذاهای رنگارنگ می آوردند، و او در سلامت کامل به تو مشرک بود.

خداوند فرمود: از بنده اولی من در شگفت مباش ، زیرا او از من در بهشت مقام و جایگاهی خواست که به آن نمی رسید مگر با یک عمل ، من هم آن شیر را بر او غلبه دادم تا او را به آن مقام برسانم ، و اما بنده دیگرم ؛ کار زیادی برایش نکردم به خاطر آنچه فردای قیامت از عذابم به او می رسد.

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْأَوْعَظِينَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ إِنَّ اللَّهَ لَيَكْتُبُ الدَّرَجَةَ الْعَالِيَةَ فِي الْجَنَّةِ فَلَا يَبْلُغُهَا عَبْدُهُ فَلَا يَزَالُ يَتَعَهَّدُ بِالْبَلَاءِ حَتَّى يَبْلُغَهَا وَإِذَا أُصِيبَتْ بِمُصِيبَةٍ فَادْكُرُوا مُصِيبَتِي فَإِنَّهَا أَعْظَمُ الْمَصَائِبِ

رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند در بهشت درجات ممتازی قرار داده که بنده اش به آن نرسد، جز آنکه گرفتار بلا شود تا به آن رسد، هر گاه گرفتار مصیبتی شدید، مصیبت مرا به یاد آرید که از بزرگترین مصیبتهاست .

وَ قَالَ إِنَّ أَعْظَمَ الْجَزَاءِ مَعَ أَعْظَمِ الْبَلَاءِ وَإِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ قَوْمًا ابْتَلَاهُمْ فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ الرِّضَا وَمَنْ سَخِطَ فَلَهُ السَّخَطُ

رسول خدا ﷺ فرمود: بزرگترین پاداش همراه بزرگترین گرفتاری است ، هر گاه خداوند قومی را دوست بدارد گرفتار بلا سازد، هر که راضی بود خدا از او راضی شود، و هر که ناراحت شد خدا از وی ناراحت گردد.

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْعَبْدُ بَيْنَ ثَلَاثَةِ بَلَاءٍ وَ قَضَاءٍ وَ نِعْمَةٍ وَ عَلَيْهِ فِي الْبَلَاءِ مِنَ اللَّهِ الصَّبْرُ فَرِيضَةٌ وَ عَلَيْهِ فِي الْقَضَاءِ مِنَ اللَّهِ التَّسْلِيمُ فَرِيضَةٌ وَ عَلَيْهِ فِي النِّعْمَةِ مِنَ اللَّهِ الشُّكْرُ فَرِيضَةٌ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: بنده همواره بین سه چیز است : بلا، قضا و قدر، نعمت ؛ در برابر بلای نازل از طرف خدا واجب است صبر کند، و در برابر قضا و قدر خدا واجب است تسلیم باشد، و در برابر نعمت خدا واجب است شکرگزار باشد.

مِنْ كِتَابِ عَيْبُونِ الْأَخْبَارِ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَأَى الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلًا قَدِ اشْتَدَّ جَزَعُهُ عَلَى وَكْدِهِ فَقَالَ يَا هَذَا جَزَعْتَ لِلْمُصِيبَةِ الصُّغْرَى وَ غَفَلْتَ عَنِ الْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى لَوْ كُنْتَ لِمَا صَارَ إِلَيْهِ وَ لَدَكَ مُسْتَعِدًّا لَمَا اشْتَدَّ عَلَيْهِ جَزَعُكَ فَ مَصَابِكَ بَتْرِكِكَ الْإِسْتِعْدَادَ أَعْظَمُ مِنْ مَصَابِكَ بَوْلَدِكَ

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ مردی را دید که در مرگ فرزندش بسیار بیتابی می کرد، فرمود: ای مرد! در برابر مصیبت کوچک بی تابی می کنی ، و از مصیبت بزرگ غفلت داری ! اگر تو خودت را به سوی آنچه فرزندت رفته آماده می ساختی هرگز چنین بیتابی نمی کردی ، پس مصیبت فراموش کردن آمادگی برای مرگ بزرگتر از مصیبت مرگ فرزندت می باشد.

مِنْ كِتَابِ جَمْعِ الْجَوَامِعِ فِي التَّفْسِيرِ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا نُشِرَتِ الدَّوَابُّ وَ نُصِبَتِ الْمَوَازِينُ لَمْ يُنْصَبْ لِأَهْلِ الْبَلَاءِ مِيزَانٌ وَ لَمْ يُنْشَرْ لَهُمْ دِيْوَانٌ وَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُؤَفِّقُ الصَّابِرِينَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ

امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که نامه های اعمال باز شود و میزان سنجها نصب شود، برای اهل بلا هیچ میزان و نامه ای وجود ندارد، و این آیه را قرائت فرمود: (ای ایمان آوردگان! پرهیزگار باشید، برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده اند پاداشی نیک است، و زمین خدا وسیع است، همانا صابران پاداش خود را بدون حساب دریافت می کنند).

عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الصُّبْحِ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يُعِيدُهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ وَمَنْ قَالَهَا إِذَا صَلَّى الْمَغْرِبَ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ أَهْوَنُهَا الْجُذَامُ وَالْبَرَصُ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس بعد از نماز صبح و قبل از آغاز سخن هفت مرتبه بگوید:

«بسم الله الرحمن الرحيم، لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم» خداوند هفتاد نوع بلا از انواع بلاها را از وی دفع می کند، و هر کس آن را بعد از نماز مغرب قبل از سخن گفتن بگوید، خداوند هفتاد نوع بلا از انواع بلاها را از وی بگرداند، که آسانترین آن بلاها جذام و پیسی است.

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ يُحِبُّ أَنْ يُصْبِحَ فَلَا يَسْقُمُ فَاِبْتَدَرْنَا فَقُلْنَا يَا نَبِيَّ اللَّهِ فَعَرَفْنَا مَا فِي وَجْهِهِ فَقَالَ أَ تُحِبُّونَ أَنْ تَكُونُوا كَالْحَمِيرِ الضَّالَّةِ فَقَالُوا لَا يَا نَبِيَّ اللَّهِ فَقَالَ أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ تَكُونُوا أَصْحَابَ بَلَاءٍ وَكَفَّارَاتٍ فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَبْتَلِي الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ مَا يَبْتَلِي إِلَّا لِلْكَرَامَةِ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَنْزَلَهُ مَنْزِلًا لَمْ يَبْلُغْهُ بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ دُونَ أَنْ يُنْزَلَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ مَا يَبْلُغُ بِهِ ذَلِكَ الْمَنْزِلَ

رسول خدا ﷺ فرمود: چه کسی دوست دارد که شب را به صبح برساند و بیمار نشود، همگی با شتاب گفتیم: ای پیامبر خدا! راه آن را به ما بفهمانید. فرمود: آیا دوست دارید که همچون الاغی گمشده باشید؟ گفتند: نه، ای پیامبر خدا. فرمود: آیا دوست ندارید که همواره گرفتار بلا و مصیبت باشید تا کفار گناهتان باشد؟ قسم به آنکه جانم در دست اوست، خداوند مؤمن را گرفتار بلا نکند مگر به خاطر گرامی داشت او، خداوند او را به مقامی برساند که با عمل خودش اگر همراه بلا نباشد به آن نمی رسد.

فصل هشتم : در بیان وجوب تسلیم مؤمن در برابر قضا و قدر

(الفصل الثامن فی ذکر ما يجب علی المؤمن من التسليم لا مر الله و الرضا

بقضائه)

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ قَضَى فَأَمْضَى قَضَاءَهُ وَ حَكَمَ فَعَدَلَ فِي حُكُومَتِهِ فَلَمْ يَكُ لِقَضَائِهِ رَادٌّ وَ لَا لِحُكْمِهِ مُعَقَّبٌ فَأَحَقُّ خَلْقِ اللَّهِ أَنْ يُسَلَّمَ لِمَا قَضَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ تَعَالَى وَ مَنْ رَضِيَ بِالْقَضَاءِ مَضَى عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَ عَظَّمَ اللَّهُ أَجْرَهُ وَ مَنْ سَخِطَ الْقَضَاءَ مَضَى عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَ أَحْبَطَ اللَّهُ أَجْرَهُ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خداوند آنچه را مقدر فرموده انجام می دهد، و در اجرای حکمش به عدالت رفتار می کند، کسی نمی تواند مقدرات خدا را برگرداند و یا حکمش را به تأخیر اندازد، بهترین مخلوقات خدا کسی است که در برابر حکم خدا تسلیم باشد، هر که خداوند متعال را شناخت و هر که به قضای خدا راضی شد، حکم خدا بر او جاری می شود و خداوند پاداشش را افزون کند، و هر کس از قضا و قدر خوشش نیاید، حکم خدا بر او جاری شده و اجرش ضایع گردیده است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِأَحَبِّ الرَّجُلِ إِذَا جَاءَ أَمْرٌ يَكْرَهُهُ أَنْ لَا يُرَى ذَلِكَ فِي وَجْهِهِ وَ إِذَا جَاءَ مَا يَسُرُّهُ أَنْ لَا يُرَى ذَلِكَ فِي وَجْهِهِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: محبوبترین مردم نزد من کسی است که هر گاه از کاری ناراحت شد، ناراحتیش در چهره اش پدیدار نگردد، و هر گاه از کاری خوشحال شد، خوشحالی در صورتش پیدا نباشد.

عَنْهُ قَالَ كَيْفَ يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا وَهُوَ يَسْخَطُ قِسْمَهُ وَيَحْتَقِرُ مَنْزِلَتَهُ وَ
الْحَاكِمُ عَلَيْهِ اللَّهُ فَأَنَا ضَامِنٌ لِمَنْ لَمْ يَهْجُسْ فِي قَلْبِهِ إِلَّا الرِّضَا أَنْ دَعَا يَدْعُو اللَّهَ
فِيَسْتَجَابَ لَهُ

امام صادق عليه السلام فرمود: مؤمن چگونه ادعای ایمان دارد در حالتی که از آنچه
برای او مقدر شده ناراضی است ، و مقام خود را کوچک می شمارد، در صورتی
که سرنوشت او در دست خداست ، و من ضامنم برای کسی که جز رضای خدا
در دلش خطور کند، اگر دعا کرد دعایش مستجاب شود.

عَنْهُ قَالَ تَحَرَّوْا قُلُوبَكُمْ فَإِنْ أَنْقَاها اللَّهُ مِنْ حَرَكَةِ الْوَاحِشِ لِسَخَطِ شَيْءٍ مِنْ
صُنْعِهِ فَسَلُّوهُ مَا شِئْتُمْ

امام صادق عليه السلام فرمود: دل‌های خود را واری کنید، اگر دیدید که خداوند آن
را از اضطراب و دهشت نسبت به کارهای خویش پاکیزه ساخته ، آنگاه هر چه
خواستید از خدا طلب کنید.

قَالَ الْمُسْلِمُ لَا يَقْضِي اللَّهُ لَهُ قِضَاءً إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهُ وَإِنْ قُطِعَ قِطْعًا كَانَ خَيْرًا لَهُ
وَإِنْ مَلَكَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا كَانَ خَيْرًا لَهُ

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند برای مسلمان سرنوشتی معین نکند جز آنکه
برایش خیر باشد، و اگر قطعه قطعه هم شود برایش خیر باشد، و اگر تمام مشرق
زمین و مغرب زمین را هم مالک شود، برایش خیر است .

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام قَالَ يَنْبَغِي لِمَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ أَنْ لَا يَسْتَبْطِئَهُ فِي
رِزْقِهِ وَلَا يَتَّهِمَهُ فِي قِضَائِهِ

امام کاظم علیه السلام فرمود: کسی که از خدا غافل شد، سزاوار نیست که نسبت
کندی در رزق و روزی را به خدا دهد، و او را در حکمش متهم سازد.

عَنِ الرَّضَا علیه السلام سُئِلَ عَنْ كُنْزِ الْيَتِيمِ مِمَّ كَانَ فَقَالَ كَانَ لَوْحًا مِنْ ذَهَبٍ فِيهِ بِسْمِ
اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالْمَوْتِ كَيْفَ
يَفْرَحُ وَ عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالْقَدْرِ كَيْفَ يَحْزَنُ وَ عَجِبْتُ لِمَنْ رَأَى الدُّنْيَا وَ تَقَلُّبَهَا
بِأَهْلِهَا كَيْفَ يَرْكَنُ إِلَيْهَا وَ يَنْبَغِي لِمَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ أَنْ لَا يَسْتَبْطِئَهُ فِي رِزْقِهِ وَ لَا
يَتَّهَمَهُ فِي قَضَائِهِ

از حضرت رضا علیه السلام در مورد گنج یتیم (که در قرآن آمده) سؤال شد،
حضرت فرمود: آن گنج لوحی از طلا بود که روی آن نوشته شده بود: «بنام
خداوند بخشنده مهربان ، هیچ خدایی جز الله نیست ، و محمد پیامبر خداست ،
در شگفتم از کسی که یقین به مرگ دارد چگونه خوشحالی می کند، و در
شگفتم از کسی که یقین به مقدرات دارد چگونه غمگین می شود، و در شگفتم
از کسی که دنیا و دگرگونی آن را نسبت به مردم می بیند چگونه به آن دل
بسته»، و سزاوار است کسانی که خدا را درک نموده اند در صورتی که روزی
آنان اندکی به تأخیر افتاد ناراحت نشوند، و او را در حکمش متهم نسازند.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَجَبًا لِلْمُؤْمِنِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْضِي
عَلَيْهِ قَضَاءً إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهُ سِرَّهُ ذَلِكَ أَمْ سَاءَهُ وَ إِنْ ابْتَلَاهُ كَانَ كَفَّارَةً لِدُنْبِهِ وَ إِنْ
أَعْطَاهُ وَ أَكْرَمَهُ فَقَدْ حَبَاهُ

امام باقر علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از مؤمن تعجب می کنم ، خداوند هر حکمی بر او مقدر نموده برایش خیر است ، چه خوشحالش کند و چه ناراحت ، و اگر گرفتار بلایش سازد کفاره گناهش باشد، و اگر چیزی به او عطا کند و او را احترام کند، هدیه است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ عَجِبْتُ لِلْمُؤْمِنِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْضِي لَهُ بِقَضَاءٍ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهُ إِنْ أَعْطَاهُ كَانَ خَيْرًا لَهُ وَإِنْ ابْتَلَاهُ كَانَ خَيْرًا لَهُ وَإِنْ مَلَكَهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ كَانَ خَيْرًا لَهُ وَإِنْ قُرِضَ بِالْمَقَارِضِ بِالْمَقَارِضِ كَانَ خَيْرًا لَهُ وَفِي قَضَاءِ اللَّهِ لِلْمُؤْمِنِ كُلِّ خَيْرٍ

امام صادق علیه السلام فرمود: از مؤمن در شگفتم ، خداوند برای او سرنوشتی مقدر نکند مگر آنکه خیر او باشد، اگر بی نیازش کند برایش خیر است ، و اگر گرفتارش کند نیز برایش خیر است ، و اگر ما بین مشرق و مغرب را به ملکش در آورد خیرش باشد، و اگر با قیچی ها تکه تکه اش کنند برایش خیر باشد، و برای مؤمن در تمام احکام خدا خیر است .

عَنْهُ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ فِي دُعَائِهِ اللَّهُمَّ مَنْ عَلَيَّ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ وَ التَّفْوِضِ إِلَيْكَ وَ الرِّضَا بِقَدْرِكَ وَ التَّسْلِيمِ لِأَمْرِكَ حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا قَدَّمْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

امام صادق علیه السلام فرمود: علی علیه السلام در دعای خود می فرمود: «پروردگارا! توفیق توکل بر خودت و واگذاری امور به خود و راضی بودن به مقدراتت و تسلیم بودن به امرت را نصیبم گردان ، تا اینکه دوست نداشته باشم مقدم شدن

آنچه را مؤخر کرده ای ، و یا به تأخیر افتادن آنچه را مقدم ساخته ای ، ای پروردگار جهانیان».

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّا لَنُحِبُّ أَنْ نَتَمَتَّعَ بِالْأَهْلِ وَاللُّحْمَةِ وَالْخَوْلِ وَلَنَا أَنْ نَدْعُو اللَّهَ بِمَا لَمْ يَنْزِلْ أَمْرُ اللَّهِ فَإِذَا نَزَلَ أَمْرُ اللَّهِ لَمْ يَكُنْ لَنَا أَنْ نُحِبَّ مَا لَمْ يُحِبَّهُ اللَّهُ

امام باقر علیه السلام فرمود: ما واقعا دوست داریم که از خانواده و خویشاوندان و کارگزاران خود بهره مند شویم ، و برای ما حق است از خدا بخواهیم که گرفتاریها بر ما نازل نشود، و هر گاه مقدر خدا واقع شد برای ما جایز نیست دوست داشته باشیم آنچه را که خدا دوست نداشته است .

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يَا رَبِّ رَضِيتُ بِمَا قَضَيْتَ تُمِيتُ الْكَبِيرَ وَتُبْقِي الطُّفْلَ الصَّغِيرَ فَقَالَ اللَّهُ يَا مُوسَى أَمَا تَرْضَانِي لَهُمْ رَازِقًا وَكَفِيلًا قَالَ بَلَى يَا رَبِّ فَنِعْمَ الْكَفِيلُ أَنْتَ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: موسی بن عمران عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کرد: پروردگارا! به حکمت راضیم ، بزرگان را می میرانی و کودکان را نگاه می داری ، خداوند فرمود: ای موسی ! آیا از اینکه آنان را روزی می دهم و سرپرستی می کنم راضی نیستی ؟ گفت : آری ای پروردگار، توجه خوب سرپرست و وکیلی هستی .

فصل نهم : در بیان مرگ

(الفصل التاسع فى الموت)

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِذَا قُلْتُمْ سَمِعَ وَإِنْ أَضْمَرْتُمْ عَلِمَ وَبَادِرُوا لِلْمَوْتِ الَّذِي إِذَا هَرَبْتُمْ أَذْرَكَكُمْ وَإِنْ أَقَمْتُمْ أَخَذَكُمْ وَإِنْ نَسِيتُمْوَهُ ذَكَرَكُمْ

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: ای مردم! بترسید از خدایی که اگر سخنی بگوئید می شنود، و اگر امری را پنهان کنید می داند، به استقبال مرگ بروید، آن مرگی که اگر از آن فرار کنید شما را دریابد، و اگر هم سر جای خود بمانید شما را فرا گیرد، و اگر آن را از یاد ببرید، او شما را به یاد می آورد.

رَوَى أَنَّ أُسَامَةَ بْنَ زَيْدٍ اشْتَرَى وَلِيدَةً بِمِائَةِ دِينَارٍ إِلَى شَهْرِ فَسَمِعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ أَلَا تَعْجَبُونَ مَنْ أُسَامَةَ الْمُشْتَرَى إِلَى شَهْرٍ إِنَّ أُسَامَةَ لَطَوِيلُ الْأَمَلِ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا طَرَفَتْ عَيْنَايَ إِلَّا ظَنَنْتُ أَنَّ شَفْرَى لَا يَلْتَقِيَانِ حَتَّى يَقْبِضَ اللَّهُ رُوحِي وَلَا رَفَعْتُ طَرْفِي وَظَنَنْتُ أَنِّي خَافِضُهُ حَتَّى أُقْبِضَ وَلَا لَقَمْتُ لُقْمَةً إِلَّا وَظَنَنْتُ أَنِّي لَا أُسَيِّغُهَا أَنْحَصِرُ بِهَا مِنَ الْمَوْتِ ثُمَّ قَالَ يَا بَنِي آدَمَ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ فَعُدُّوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ الْمَوْتَى وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنْ مَا تُوَعَّدُونَ لَاتٍ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

روایت شده که اسامه بن زید کنیزی را به صد دینار به صورت نسیه تا یک ماه خرید، خبر به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسید، فرمود: آیا شما از اسامه که آن را به مدت یک ماه خریده تعجب نمی کنید؟ اسامه آرزویی دراز دارد، قسم به آنکه جانم در دست اوست حتی به اندازه چشم بر هم زدن گمان زنده ماندن ندارم، و

هر لحظه منتظرم خداوند جانم را بستاند، و لقمه ای را نخوردم مگر اینکه گمان کردم قبل از فرو بردنش جانم گرفته شود.

سپس فرمود: ای فرزندان آدم! اگر عاقل هستید خود را برای مرگ آماده سازید، قسم به آنکه جانم در دست اوست (آنچه وعده داده شده اید خواهد آمد، و شما نمی توانید نسبت عجز به خدا بدهید).

سُئِلَ الرَّضَا عَنْ قَوْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَضَرْبَةِ السَّيْفِ أَهْوَنُ مِنْ مَوْتِ عَلِيٍّ
فِرَاشٍ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

از امام رضا علیه السلام در باره این سخن امیر مؤمنان علیه السلام سؤال شد که فرمود:
کشته شدن با شمشیر بهتر از مرگ در بستر است، امام علیه السلام فرمود: یعنی در راه خدا.

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْكُوفَةِ إِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ
يُنَادِي النَّاسَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَسْمَعَ أَهْلَ الْمَسْجِدِ أَيُّهَا النَّاسُ تَجَهَّزُوا رَحِمَكُمُ
اللَّهُ فَقَدْ نُودِيَ فِيكُمْ بِالرَّحِيلِ فَمَا التَّعَرُّجُ عَلَى الدُّنْيَا بَعْدَ نِدَائِ فِيهَا بِالرَّحِيلِ تَجَهَّزُوا
رَحِمَكُمُ اللَّهُ وَانْتَقِلُوا بِأَفْضَلِ مَا بَحَضَرْتَكُمْ مِنَ الزَّادِ وَهُوَ التَّقْوَى وَاعْلَمُوا أَنَّ
طَرِيقَكُمْ إِلَى الْمَعَادِ وَمَمَرُّكُمْ عَلَى الصَّرَاطِ وَالْهَوَلُ الْأَعْظَمُ أَمَامَكُمْ وَعَلَى طَرِيقِكُمْ
عَقَبَةٌ كَثُودٌ وَمَنَازِلٌ مَهُولَةٌ مَخُوفَةٌ لَا بُدَّ لَكُمْ مِنَ الْمَمَرِّ عَلَيْهَا وَالْوُقُوفِ بِهَا فَإِنَّمَا
بِرَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ فَنَجَاةٌ مِنْ هَوْلِهَا وَعَظِيمٌ خَطَرُهَا وَفِطْرَةٌ مَنظَرُهَا وَشِدَّةٌ مُخْتَبِرُهَا
وَإِنَّمَا بِهَلَكَةٍ لَيْسَ بَعْدَهَا نَجَاةٌ

امام باقر علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام هنگامی که در کوفه نماز عشا را می خواندند، با صدای بلند به طوری که همه اهل مسجد بشنوند مردم را صدا می

زد، و می فرمود: ای مردم ، خداوند رحمت کند شما را، برای مرگ آماده شوید، اینک بانگ کوچ کردن بر آورده شده ، پس چرا بعد از این نداء شما به دنیا دل بسته اید؟ آماده شوید، خدا رحمتتان کند، و بهترین زاد و توشه خود را که تقوی است اختیار کنید، و بدانید که راهتان به سوی آخرت است و باید از پل صراط بگذرید، و اضطرابی بزرگ در پیش روی شماست ، و در بین راهتان گردنه های صعب العبور و منزلهایی هولناک و وحشت آور می باشد، که ناچار هستید از آنها بگذرید و در آنها توقف کنید، یا شما به وسیله رحمت خدا می توانید از هراس آن راه و سختیهایی که دارد و منظره های ترسناکش و آزمایش سختش بگذرید و نجات پیدا کنید، و یا هلاکتی نصیب شما گردد که دیگر بعد از آن نجاتی نخواهد بود.

و قَالَ ﷺ لِبْنِ عُمَرَ كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ أَوْ كَعَابِرِ سَبِيلٍ وَ عُدَّ نَفْسَكَ مِنَ الْمَوْتَى

رسول خدا ﷺ به عبد الله بن عمر فرمود: در دنیا همانند غریبه ها و رهگذرها زندگی کن ، و خودت را برای مرگ آماده ساز.

وَ مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ قَالَ الْمُؤْمِنُ لَهُ فِي الْمَوْتِ رَاحَةٌ مِنْ فِرَاقٍ مَنْ يَحْذَرُهُ وَ سُرْعَةَ الْقُدُومِ عَلَى مَنْ يَرْجُوهُ وَ يَأْمُلُهُ

رسول خدا ﷺ فرمود: برای مؤمن در مرگ آسایشی است به خاطر ترک دنیایی که از آن می ترسید، و حرکتی سریع به سوی چیزی است که انتظارش را داشت و آرزویش را می کشید.

مِنْ كِتَابِ الرُّوضَةِ قَالَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَا لِي لَا أُحِبُّ
 الْمَوْتَ قَالَ هَلْ لَكَ مَالٌ قَالَ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ قَدِّمَ مَالَكَ فَإِنَّ قَلْبَ الرَّجُلِ مَعَ
 مَالِهِ إِنْ قَدَّمَهُ أَحَبَّ أَنْ يَلْحَقَهُ وَإِنْ خَلَّفَهُ أَحَبَّ أَنْ يَتَخَلَّفَ مَعَهُ

یکی از انصار به رسول خدا ﷺ عرض کرد: چرا من مرگ را دوست ندارم
 ؟ فرمود: آیا مال و ثروتی داری ؟ گفت : بلی ای رسول خدا، فرمود: مالت را
 قبل از خود بفرست ، زیرا دل آدمی همیشه همراه مالش می باشد، اگر آن را
 پیش بفرستد دوست دارد به او ملحق شود، و اگر به جای مانده باشد دوست
 دارد خودش هم همراه مال بماند.

وَمِنْ كِتَابِ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ أَتَى جِبْرِئِيلُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ
 إِنَّ اللَّهَ يُقَرِّبُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ اعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ لَأَقِيهِ وَأُحِبُّ مَنْ شِئْتَ
 فَإِنَّكَ مُفَارِقُهُ وَعِشْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ يَا مُحَمَّدُ صَلَاةُ اللَّيْلِ شَرَفُ الْمُؤْمِنِ وَ
 عِزُّ الْمُؤْمِنِ فِي لِسَانِهِ

امام صادق ﷺ فرمود: جبرئیل خدمت رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد:
 ای محمد! خداوند به تو سلام می رساند و می فرماید: هر کاری می خواهی
 انجام بده زیرا به آن خواهی رسید، و هر که را می خواهی دوست بدار، زیرا از
 وی جدا خواهی شد، و هر چه می خواهی زندگی کن زیرا تو خواهی مرد، ای
 محمد! نماز شب شرافتی برای مؤمن است ، و عزت مؤمن در گرو زبان اوست .

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ إِنَّ مَلَكَ يُنَادِي فِي كُلِّ يَوْمٍ ابْنَ آدَمَ لِدِ الْمَوْتِ وَاجْمَعُ لِلْفَنَاءِ
 وَابْنَ لِلْخَرَابِ

امام باقر علیه السلام فرمود: فرشته ای هر روز صدا می زند: ای فرزند آدم! برای مرگ بزای ، و برای از بین رفتن ؛ مال جمع کن ، و خانه ات را برای خراب شدن بساز.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام مَا أَنْزَلَ الْمَوْتَ حَقَّ مَنْزِلَتِهِ مِنْ عَدَّ غَدًا مِنْ أَجَلِهِ وَمَا أَطَالَ عَبْدٌ الْأَمَلَ إِلَّا أَسَاءَ الْعَمَلَ وَكَانَ يَقُولُ لَوْ رَأَى الْعَبْدُ أَجَلَهُ وَسُرْعَتَهُ إِلَيْهِ لَأَبْغَضَ الْأَمَلَ وَطَلَبَ الدُّنْيَا

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: هر کس خودش را برای فردا (ی دنیا) آماده سازد، حقیقت مرگ را درک نکرده ، و بنده ای آرزوی طولانی نداشت جز آنکه به گناه گرفتار شد و کار زشت انجام داد، و می فرمود: اگر بنده مرگ خود و سرعتش را به سوی خویش می دید، از آرزوی دراز و دنیا خواهی نفرت می داشت .

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَكْثَرَ ذِكْرِ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ لَمْ يُكْثِرْ عَبْدٌ ذِكْرَ الْمَوْتِ إِلَّا زَهَدًا فِي الدُّنْيَا

امام صادق علیه السلام فرمود: بسیار به یاد مرگ باش ، زیرا بنده ای زیاد به یاد مرگ نبود مگر اینکه از دنیا دل بر کند.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام أَلَا إِنَّ الْقُبُورَ رَوْضَةَ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةً مِنْ حُفْرِ النَّيِّرَانِ أَلَا وَ إِنَّهُ يَتَكَلَّمُ فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَنَا بَيْتُ الْوَحْشَةِ أَنَا بَيْتُ الدُّودِ أَلَا وَ إِنَّ وَرَاءَ ذَلِكَ يَوْمًا تَذْهَلُ فِيهِ كُلُّ مَرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ يَكُونُ الْوَلِدَانُ شَيْبَاءَ السَّمَاءِ مُنْفَطِرِينَ بِهِ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمَلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَ مَا هُمْ

بِسْكَارَى وَ لَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ أَلَا إِنَّ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ جَنَّةً عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعَاذَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ وَ رَحِمْنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: بدانید که قبرها باغی از باغهای بهشت و یا گودالی از گودالهای جهنمند، هشیار باشید که قبر هر روز سه مرتبه می گوید: من خانه تنهاییم ، من خانه کرمهایم ، آگاه باشید! بعد از این روزی خواهد آمد که از شدت ترس و هول هر زن شیر دهی کودک شیر خوارش را رها می کند، و کودکان پیر می شوند و آسمان از هم پاشیده می شود، و هر زن حامله ای بچه اش را سقط می کند، و مردم را به نظرت مست می بینی ، در حالی که آنان مست نیستند، بلکه عذاب الهی سخت است .

آگاه باش ! ما وراء این قبرها (بهشتی است که وسعت آن به اندازه آسمانها و زمین است)، خداوند ما و شما را از عذاب دردناک حفظ کند، و به ما و شما از عذاب خوارکننده رحم کند.

عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ هَوْلٌ لَا تَدْرِي مَتَى يَعْشَاكَ مَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَسْتَعِدَّ لَهُ قَبْلَ أَنْ يُفَاجِئَكَ

امام صادق علیه السلام فرمود: عیسی بن مریم علیه السلام می فرمود: (مرگ) هراسی است که نمی دانی چه موقع تو را در بر می گیرد، چرا آماده مرگ نمی شوی قبل از اینکه ناگهانی تو را دریابد؟

مِنْ كِتَابِ عُيُونِ الْأَخْبَارِ عَنِ الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ علیه السلام قَالَ نَعِيَ إِلَى الصَّادِقِ إِسْمَاعِيلُ بْنُ جَعْفَرٍ وَ هُوَ أَكْبَرُ أَوْلَادِهِ وَ هُوَ يُرِيدُ أَنْ يَأْكُلَ وَ قَدْ اجْتَمَعَ نَدْمَاؤُهُ فَتَبَسَّمَ ثُمَّ دَعَا بِطَعَامِهِ وَ قَعَدَ مَعَ نَدْمَائِهِ وَ جَعَلَ يَأْكُلُ أَحْسَنَ مِنْ أَكْلِهِ سَائِرَ الْأَيَّامِ وَ يَحْتُ نَدْمَاءَهُ

وَيَضَعُ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَيَعْجُبُونَ مِنْهُ أَنْ لَا يُرَوِّا لِلْحُزْنِ آثَرًا فَلَمَّا فَرَغَ قَالُوا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَقَدْ رَأَيْنَا عَجَبًا أُصِيبَتْ بِمِثْلِ هَذَا الْإِبْنِ وَأَنْتَ كَمَا تُرَى قَالَ وَمَا لِي لَا أَكُونُ كَمَا تَرَوْنَ وَقَدْ جَاءَنِي خَبْرُ أَصْدَقِ الْقَائِلِينَ أَنِّي مَيِّتٌ وَإِيَّاكُمْ وَأَنَّ قَوْمًا عَرَفُوا الْمَوْتَ فَجَعَلُوهُ نُصَبَ أَعْيُنِهِمْ وَلَمْ يُنْكِرُوا مَنْ يَخْطِفُهُ الْمَوْتُ مِنْهُمْ وَسَلَّمُوا لِأَمْرِ خَالِقِهِمْ

امام رضا علیه السلام از قول پدر بزرگوارش می فرماید: هنگامی که خبر مرگ اسماعیل که فرزند بزرگ امام صادق علیه السلام بود به ایشان رسید، آن حضرت با دوستان خود مشغول غذا خوردن بود، حضرت لبخندی زدند و فرمود غذا را آماده کنید، و با دوستان خود نشستند و بهتر از روزهای دیگر شروع به غذا خوردن نمودند، و دوستان خود را تشویق به خوردن می نمودند و به آنها تعارف می کردند، آنان از اینکه هیچ اثر اندوهی در چهره امام نبود متعجب شدند.

چون غذا تمام شد گفتند: یا ابن رسول الله! ما از این وضع در شگفت شدیم ، چنین فرزندی از شما مرده و شما این گونه اید؟ فرمود: چرا این گونه نباشم که می بینید؛ در حالی که خبر راستگوترین گویندگان به من رسید، که من و شما نیز خواهیم مرد، گروهی هستند که مرگ را شناخته اند و خود را برایش آماده ساخته اند، و کسی را که مرگ از بین آنان ربوده منکر نیستند، و تسلیم امر خداوند می باشند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ تَعَلَّمُ الْبَهَائِمُ مِنَ الْمَوْتِ مَا تَعَلَّمُونَ مَا أَكَلْتُمْ مِنْهَا سَمِينًا أَبَدًا

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: اگر چهارپایان آنچه را شما از مرگ می دانید؛ می دانستند، هرگز شما حیوان فریعی از آنان را نمی خوردید.

باب هشتم در بیان خصلتهای مذموم این باب ده فصل دارد

الباب الثامن فی ذکر الخصال المنهی عنها و ما یناسبها عشرة فصول

فصل اول : در بیان غضب

الفصل الاول فی الغضب

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ قَالَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنِ الْأَدَبِ عِنْدَ الْغَضَبِ

علی بن اسباط گوید: رسول خدا ﷺ از ادب کردن هنگام غضب نهی فرمود

[چون غضب از صفات بدی است که مبتلای به آن نمی تواند مؤدب باشد]

وَمِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ الصَّادِقُ ﷺ الْغَضَبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ

امام صادق ﷺ فرمود: خشم کلید هر بدی است .

وَ قَالَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ لِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ يَا مُعَلِّمَ الْخَيْرِ أَعْلَمْنَا أَيُّ

الْأَشْيَاءِ أَشَدُّ قَالَ أَشَدُّ الْأَشْيَاءِ غَضَبُ اللَّهِ قَالُوا فِيمَ يُتَّقَى غَضَبُ اللَّهِ قَالَ بِأَنْ لَا

تَغْضَبُوا قَالُوا وَ مَا بَدَأَ الْغَضَبِ قَالَ الْكِبْرُ وَ التَّجَبُّرُ وَ مَحَقَرَةُ النَّاسِ

امام صادق ﷺ از قول پدر بزرگوارشان می فرمایند: حواریون به عیسی بن

مریم گفتند:

ای تعلیم دهنده خوبیها، به ما بیاموز که کدامین اعمال سخت تر است ؟ گفت

:

سخت ترین آنها خشم خداوند است ، گفتند: چگونه می شود از خشم خدا بر

کنار بود؟

گفت : به اینکه غضب نکنید، گفتند: غضب چگونه شروع می شود؟ گفت : به وسیله کبر و خود پسندی و کوچک شمردن مردم .

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ مَنْ اسْتَوَلَى عَلَيْهِ الضَّجْرُ رَحَلَتْ عَنْهُ الرَّاحَةُ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس گرفتار مشکلات شود، آسایشش سلب گردد.

قَالَ الصَّادِقُ ﷺ مَنْ مَلَكَ نَفْسَهُ إِذَا رَغِبَ وَ إِذَا رَهَبَ وَ إِذَا اشْتَهَى وَ إِذَا غَضِبَ وَ إِذَا رَضِيَ وَ إِذَا سَخِطَ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ

امام صادق ﷺ فرمود: هر کس نفس خود را هنگام میل به شهوت و هنگام ترسیدن و هنگام میل به خوردن و هنگام خشم و غضب و هنگام راضی بودن و هنگام ناراضی بودن حفظ نماید، خداوند جسم او را بر آتش دوزخ حرام گرداند.

ذَكَرُوا الْغَضَبَ عِنْدَ الْبَاقِرِ ﷺ فَقَالَ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَغْضَبُ حَتَّى مَا يَرْضَى أَبَدًا وَ يَدْخُلُ بِذَلِكَ النَّارَ فَأَيُّمَا رَجُلٍ غَضِبَ وَ هُوَ قَائِمٌ فَلْيَجْلِسْ فَإِنَّهُ سَيَذْهَبُ عَنْهُ رِجْزُ الشَّيْطَانِ وَ إِنْ كَانَ جَالِسًا فَلْيَقُمْ وَ أَيُّمَا رَجُلٍ غَضِبَ عَلَى ذَوِي رَحِمِهِ فَلْيَقُمْ إِلَيْهِ وَ لِيَذْنُ مِنْهُ وَ لِيَمَسَّهُ فَإِنَّ الرَّحِيمَ إِذَا مَسَّتِ الرَّحِمَ سَكَنتُ

در محضر حضرت باقر ﷺ سخن از غضب به میان آمد، فرمود: مرد خشمگین می شود به حدی که راضی نشود (و خشمش باعث گناه شود) و بدین سبب داخل دوزخ گردد، اگر مردی در حال ایستاده خشمگین شد باید بنشیند، تا پلیدی شیطان از او دور شود، و اگر نشسته باید بایستد، و هر کس بر خویشاوندش غضب کند باید برخیزد و به طرف او رود تا به او نزدیک شود و او را لمس کند، زیرا هر گاه با خویشاوند تماس بگیرد آرام گیرد.

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ ثَلَاثَةٌ هُمْ أَقْرَبُ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَفْرُغَ مِنَ الْحِسَابِ رَجُلٌ لَمْ تَدْعُهُ قُدْرَتُهُ فِي حَالِ غَضَبِهِ إِلَى أَنْ يَحِيفَ عَلَى مَنْ تَحْتَ يَدَيْهِ وَ رَجُلٌ مَشَى بَيْنَ اثْنَيْنِ فَلَمْ يَمِلْ مِنْ أَحَدِهِمَا عَلَى الْآخِرِ بِشَعِيرَةٍ وَ رَجُلٌ قَالَ الْحَقَّ فِيمَا لَهُ وَ عَلَيْهِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: سه گروه در روز قیامت نزدیکترین مخلوقات به خداوند هستند تا حسابرسی تمام شود: مردی که در حال قدرت غضبش او را وادار به ظلم کردن نسبت به زیر دستان نکند، و مردی که بین دو نفر میانجی شود و به اندازه دانه جوی از یکی بر علیه دیگر طرفداری نکند، و مردی که حق را بگوید چه به سودش باشد چه به زیانش .

وَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصَّرْعَةِ إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: مردانگی به نیروی جسمانی نیست ، بلکه جوانمرد آن است که بتواند خشمش را فرو خورد.

قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ أَنْتَ الَّذِي نَفَاكَ فُلَانٌ مِنَ الْبَلَدِ لَوْ كَانَ فِيكَ خَيْرٌ مَا نَفَاكَ فَقَالَ يَا ابْنَ أَخِي إِنَّ قُدَامِي عَقَبَةٌ كَثُودًا إِنْ نَجَوْتُ مِنْهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا قُلْتَ وَ إِنْ لَمْ أَنْجُ مِنْهَا فَأَنَا شَرٌّ مِمَّا قُلْتَ لِي

مردی به ابوذر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گفت : تو همان کسی هستی که فلانی از شهر تبعیدت کرد، اگر آدم خوبی بودی تبعیدت نمی کرد، گفت : ای برادر زاده ! جلوی روی من گردنه های صعب العبوری است که اگر از آنها نجات پیدا کنم سخن تو به حالم ضرری ندارد، و اگر نجات نیابم از آنچه در باره ام گفتی بدترم .

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ أُوتِينَا مَا أُوتِيَ النَّاسُ وَ مَا لَمْ يُؤْتُوا وَ عَلَّمْنَا مَا عَلَّمَ النَّاسُ وَ مَا لَمْ يُعَلِّمُوا فَلَمْ نَجِدْ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ فِي الْمَغِيبِ

وَالْمَشْهَدِ وَالْقَصْدِ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ وَكَلِمَةِ الْحَقِّ فِي الرِّضَا وَالْغَضَبِ وَالتَّضَرُّعِ
إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ

امام باقر علیه السلام فرمود: سلیمان بن داود گفت: هر آنچه را که مردم دارند و یا ندارند نزد ما هست، و هر آنچه را که مردم می دانند یا نمی دانند ما بدان آگاهیم، ما چیزی بهتر از ترس از خدا در پنهان و آشکار ندیدیم، و چیزی بهتر از میانه روی در حال توانگری و فقر و گفتن سخن حق چه در حالت رضا، و چه در حالت خشم، و خضوع و خشوع در برابر خداوند در هر حال؛ نیست.

مِنْ كِتَابِ عُيُونِ الْأَخْبَارِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا علیه السلام قَالَ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ إِذَا أَصْبَحْتَ فَأَوَّلُ شَيْءٍ يَسْتَقْبِلُكَ فَكُلْهُ وَالنَّانِي فَكُنْمُهُ وَالثَّلَاثُ فَاقْبَلْهُ وَالرَّابِعُ فَلَا تُؤَيِّسُهُ وَالْخَامِسُ فَاهْرُبْ مِنْهُ قَالَ فَلَمَّا أَصْبَحَ مَضَى فَاسْتَقْبَلَهُ جَبَلٌ أَسْوَدٌ عَظِيمٌ فَوَقَفَ وَقَالَ أَمْرُنِي رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَكُلَ هَذَا وَبَقِيَ مُتَحِيرًا ثُمَّ رَجَعَ إِلَى نَفْسِهِ فَقَالَ إِنَّ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ لَا يَأْمُرُنِي إِلَّا بِمَا أُطِيقُ فَمَشَى إِلَيْهِ لِيَأْكُلَهُ فَكَلَّمَا دَنَا مِنْهُ صَغَرَ حَتَّى انْتَهَى إِلَيْهِ فَوَجَدَهُ لُقْمَةً فَأَكَلَهَا فَوَجَدَهَا أَطِيبَ شَيْءٍ أَكَلَهُ ثُمَّ مَضَى فَوَجَدَ طَسْتًا مِنْ ذَهَبٍ فَقَالَ أَمْرُنِي رَبِّي أَنْ أَكْتُمَ هَذَا فَحَفَرَ لَهُ حُفْرَةً وَجَعَلَهُ فِيهَا وَأَلْقَى عَلَيْهِ التُّرَابَ ثُمَّ مَضَى فَالْتَفَتَ فَإِذَا الطَّسْتُ قَدْ ظَهَرَ قَالَ قَدْ فَعَلْتُ مَا أَمْرُنِي رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ فَمَضَى فَإِذَا هُوَ بِطَيْرٍ وَخَلْفَهُ بَازِيٌّ فَطَافَ الطَّيْرُ حَوْلَهُ فَقَالَ أَمْرُنِي رَبِّي أَنْ أَقْبَلَ هَذَا فَفَتَحَ كُمَّهُ فَدَخَلَ الطَّيْرُ فِيهِ فَقَالَ لَهُ الْبَازِيُّ أَخَذْتَ صَيْدِي وَأَنَا خَلْفُهُ مُنْذُ أَيَّامٍ فَقَالَ إِنَّ رَبِّي أَمْرُنِي أَنْ لَا أُؤَيِّسَ هَذَا فَفَقَطَعَ مِنْ فَخِذِهِ قِطْعَةً فَأَلْقَاهَا إِلَيْهِ ثُمَّ مَضَى فَلَمَّا مَضَى فَإِذَا هُوَ بِلَحْمٍ مَيْتَةٍ مُنْتِنٍ مَدُودٍ فَقَالَ أَمْرُنِي رَبِّي أَنْ أَهْرُبَ مِنْ هَذَا فَهَرَبَ مِنْهُ وَرَجَعَ وَرَأَى فِي الْمَنَامِ كَأَنَّهُ قَدْ قِيلَ لَهُ إِنَّكَ قَدْ فَعَلْتَ مَا أَمَرْتُ بِهِ فَهَلْ تَدْرِي مَا ذَاكَ كَانَ قَالَ لَا قِيلَ لَهُ أَمَّا الْجَبَلُ فَهُوَ الْغَضَبُ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا غَضِبَ لَمْ يَرَ نَفْسَهُ وَجَهَلَ قَدْرَهُ مِنْ عَظَمِ الْغَضَبِ فَإِذَا حَفِظَ

نَفْسُهُ وَ عَرَفَ قَدْرَهُ وَ سَكَنَ غَضَبُهُ كَانَتْ عَاقِبَتُهُ كَاللُّقْمَةِ الطَّيِّبَةِ الَّتِي أَكَلَهَا وَ أَمَّا
 الطَّسْتُ فَهُوَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ إِذَا كَتَمَهُ الْعَبْدُ وَ أَخْفَاهُ أَبِي اللَّهِ إِلَّا أَنْ يُظْهَرَهُ لِيُزَيِّنَهُ بِهِ
 مَعَ مَا ادَّخَرَ لَهُ مِنْ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَ أَمَّا الطَّيْرُ فَهُوَ الرَّجُلُ الَّذِي يَأْتِيكَ بِنَصِيحَةٍ
 فَاقْبَلْهُ وَ اقْبَلْ نَصِيحَتَهُ وَ أَمَّا الْبَازِي فَهُوَ الرَّجُلُ الَّذِي يَأْتِيكَ فِي حَاجَةٍ فَلَا تُؤَيِّسُهُ
 وَ أَمَّا اللَّحْمُ الْمُتَنِّنُ فَهُوَ الْغِيْبَةُ فَاهْرُبْ مِنْهَا

امام رضا علیه السلام فرمود: خدای عزوجلّ به پیامبری از پیامبرانش وحی فرمود:
 هنگامی که صبح از خانه بیرون آمدی نخستین چیزی را که با آن روبرو شدی
 بخور، و دومین آن را مخفی بدار، و سومی را قبول کن، و چهارمی را ناامید
 نکن، و از پنجمی بگریز.

آن پیامبر هنگام صبح که بیرون آمد با کوه بزرگ و سیاهی روبرو شد، ایستاد
 و گفت:

پروردگرم به من فرمان داده که این را بخورم، او سرگردان ماند، سپس با
 خود گفت:

پروردگرم مرا به کاری که طاقتش را ندارم فرمان ندهد، او به طرف کوه
 حرکت کرد تا آن را بخورد، هر چه به آن نزدیکتر می شد کوه کوچکتر می
 گردید، تا وقتی که به آن رسید به اندازه لقمه ای شده بود، آن را خورد و بسیار
 خوشمزه یافت، سپس به راه خود ادامه داد، و در راه طشتی از طلا پیدا کرد، و
 گفت: پروردگرم به من فرموده که آن را پنهان سازم، گودالی حفر کرد و
 پنهانش کرد و روی آن خاک ریخت، سپس حرکت کرد، در این هنگام متوجه
 شد که آن طشت از زیر خاک بیرون آمده، با خود گفت: آنچه را پروردگرم
 فرمان داده بود انجام دادم، بعد به راهش ادامه داد، و ناگهان پرنده ای را
 مشاهده کرد که بازی شکاری دنبال اوست، پرنده پیرامون او پرواز می کرد، آن

پیامبر فرمود: پروردگرم فرمان داده که این را بپذیرم ، در این هنگام آستین خود را باز کرد و پرنده داخلش شد، باز شکاری به آن پیامبر گفت : شکاری را که من چند روز دنبالش بودم گرفتی ، با خود گفت :

پروردگرم به من امر کرده که این را مأ یوس نکنم ، از ران پرنده تکه ای برید و جلوی او انداخت و رفت ، در بین راه به گوشت گندیده کرم زده ای بر خورد، با خود گفت :

پروردگرم به من فرمود که از این دوری بجویم ، از آنجا گریخت . وقتی به خانه بازگشت در خواب دید گویا به او گفته می شود: تو آنچه را به آن مأ مور بودی به انجام رساندی ، آیا می دانی قضیه چه بود؟ گفت : نه ، به او گفته شد: اما آن کوه در واقع غضب بود، زیرا هر بنده ای هنگامی که غضب می کند خود را نمی بیند و به خاطر شدت خشمش مقام خود را فراموش می کند، هر گاه در حال غضب خود را نگاه داشت و منزلت خود را شناخت و خشمش را فرو خورد پایان کارش مانند لقمه لذیذی می شود که آن را خوردی ، و اما آن طشت نیز در حقیقت کارهای شایسته بنده است که آن را پنهان داشته ، خداوند هم آن را ظاهرش کند تا بنده اش را به آن زینت دهد، به علاوه ثوابی که برای آخرتش ذخیره می سازد، و اما قضیه آن پرنده ، او به حقیقت مردی است که تو را نصیحت می کند، نصیحتش را بپذیر، و آن باز شکاری نیز مردی است که نزد تو می آید و از تو حاجتی می خواهد، او را ناامید نکن ، و اما آن گوشت متعفن همان غیبت (برادر مؤمن) است که باید از آن دوری گزینی .

مِنْ كِتَابِ نَاصِحِ الدِّينِ أَبِي الْبَرَكَاتِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَجَبَتْ مَحَبَّةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى مَنْ أُغْضِبَ فَحَلَمَ

رسول خدا ﷺ فرمود: محبت خدا بر کسی که به خشم آورده شد، و از خود بردباری نشان داده واجب است .

فصل دوم : در بیان حسد

(الفصل الثانی فی الحسد)

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمَّا هَبَطَ نُوحٌ مِنَ السَّفِينَةِ أَتَاهُ إِبْلِيسُ فَقَالَ مَا فِي الْأَرْضِ رَجُلٌ أَعْظَمَ مِنِّي عَلَىٰ مِنْكَ دَعَوْتَ اللَّهُ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ الْفُسَّاقِ فَأَرْحَتَنِي مِنْهُمْ أَلَا أَعْلَمُكَ خَصْلَتَيْنِ إِيَّاكَ وَالْحَسَدَ فَهُوَ الَّذِي فَعَلَ بِى وَ إِيَّاكَ وَالْحِرْصَ فَهُوَ الَّذِي فَعَلَ بِأَدَمَ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هنگامی که حضرت نوح از کشتی پیاده شد، شیطان نزد او رفت و گفت: در روی زمین مردی که بر من متی بزرگتر از تو داشته باشد وجود ندارد، تو از خدا خواستی که این بدکاران را نابود سازد و مرا از دست آنان آسوده کردی، آیا دو خصلت به تو بیاموزم؟ از حسد پرهیز که مرا این چنین کرد، و از حرص و طمع دوری کن که آدم گرفتارش شد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ يَا عَلِيُّ أَنْهَاكَ عَنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ عِظَامِ الْحَسَدِ وَالْكَذِبِ وَالْحِرْصِ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: ای علی! از سه خصلت بزرگ تو را نهی می کنم: حسد، دروغ، حرص.

وَقَالَ أَيْضاً مَنْ يَضْمَنُ لِي خَمْساً أَضْمَنَ لَهُ الْجَنَّةَ النَّصِيحَةَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ النَّصِيحَةَ لِرَسُولِهِ وَ النَّصِيحَةَ لِكِتَابِ اللَّهِ وَ النَّصِيحَةَ لِدِينِ اللَّهِ وَ النَّصِيحَةَ لِحِمَاةِ الْمُسْلِمِينَ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر کس به انجام پنج چیز خودش را ملزم سازد من بهشت را برایش ضمانت کنم: خیر خواهی برای خدای عز و جل، خیر خواهی

برای رسول خدا، خیر خواهی برای کتاب خدا، خیر خواهی برای دین خدا، خیر خواهی برای تمامی مسلمانان .

وَقَالَ الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ

رسول خدا ﷺ فرمود: حسد نیکبها را از بین می برد همان طور که آتش هیزم را نابود می کند.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يُؤْمِنُ رَجُلٌ فِيهِ الشُّحُّ وَالْحَسَدُ وَالْجُبْنُ وَلَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ جَبَانًا وَلَا حَرِيصًا وَلَا شَحِيحًا

امام صادق علیه السلام فرمود: مردی که در او بخل، و حسادت، و ترس باشد ایمان ندارد، چون مؤمن ترسو، و حریص، و بخیل نیست .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا تُظْهِرِ الشَّمَاتَةَ لِأَخِيكَ فِي اللَّهِ وَ يَبْتَلِيكَ

رسول خدا ﷺ فرمود: برادر مؤمنت را [بر کار بد] شماتت نکن، زیرا ممکن است او مورد رحمت خدا قرار گیرد و تو را [به آن] مبتلا کند.

أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنِّي مُوصِيكَ بِسَبْعَةِ أَشْيَاءَ لَا تَحْسُدَنَّ أَحَدًا مِنْ عِبَادِي وَلَا تَغْتَابَنَّ صَالِحَ عِبَادِي قَالَ يَا رَبِّ حَسْبِي هَذَا

خداوند به سلیمان بن داود وحی فرمود: تو را به هفت چیز سفارش می کنم : بر کسی از بندگان من حسادت مبر، از بندگان شایسته ام غیبت نکن . گفت : پروردگارا! مرا همین دو بس است .

رُوي أَنَّهُ رَأَى مُوسَى رَجُلًا عِنْدَ الْعَرْشِ فَعَبَطَهُ بِمَكَانِهِ فَسَأَلَ عَنْهُ فَقِيلَ كَانَ لَا يَحْسُدُ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ

روایت شده که : موسی مردی را نزدیک عرش دید و به مقام او غبطه خورد، از حال وی جويا شد، گفتند: هرگز آنچه خداوند از فضلش به کسی داده بود حسادت نمی ورزید.

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْأَوْعَظِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَغْفَلُ النَّاسِ مَنْ لَمْ يَتَّعِظْ بِتَغْيِيرِ الدُّنْيَا مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ وَ أَغْنَى النَّاسِ مَنْ لَمْ يَكُنْ لِلْحِرْصِ أُسِيرًا
 رسول خدا ﷺ فرمود: غافلترین مردم کسی است که از تغییرات دنیا پند نگیرد و متحول نشود، و بی نیازترین مردم کسی است که اسیر حرص نباشد.

فصل سوم : در بیان ریاء

(الفصل الثالث فى الرياء)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كُلُّ رِيَاءٍ شِرْكٌ إِنَّهُ مِنْ عَمَلٍ لِلنَّاسِ كَانَتْ ثَوَابُهُ عَلَى النَّاسِ وَ مَنْ عَمِلَ لِلَّهِ كَانَتْ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ
 امام صادق علیه السلام فرمود: هر ریایی شرک است ، هر که برای مردم کار کند باید ثوابش را از مردم بخواهد، و هر که برای خدا کار کند پاداشش به عهده خداست .

وَ قَالَ أَيْضاً اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْمَلُوا لَهُ فَإِنَّهُ مَنْ يَعْمَلُ لِلَّهِ يَكُنْ فِي حَاجَتِهِ وَ مَنْ يَعْمَلُ لِغَيْرِ اللَّهِ يَكِلُهُ اللَّهُ إِلَى مَنْ عَمِلَ لَهُ
 امام صادق علیه السلام فرمود: از خدا بترسید و برای او کار کنید، زیرا هر که کارش برای خدا باشد حاجتش را بر آورد، و هر کس برای غیر خدا کار کند خداوند او را به همان کس وامی گذارد.

عَنْ ابْنِ عَرَفَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِي وَيَحْكَمَا مَا عَمِلَ أَحَدٌ عَمَلًا إِلَّا رَدَّاهُ اللَّهُ بِهِ إِنْ خَيْرًا فَخَيْرٌ وَإِنْ شَرًّا فَشَرٌّ
 ابن عرفه گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمود: وای بر تو! هیچ کس کاری نکند مگر آنکه خداوند همان عمل را مانند ردائی به او بپوشاند؛ اگر عملش

خوب باشد ردایش هم خوب خواهد بود، و اگر عملش بد باشد ردای او نیز بد خواهد بود.

عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ إِنِّي كُنْتُ أَتَعَشَّى مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ
بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَلَوْ أَلْقَى مَعَاذِيرَهُ

عمر بن یزید گوید: با حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ مشغول شام خوردن بودم که این آیه را تلاوت فرمود: (بلکه انسان نسبت به وجودش آگاه است، اگر چه عذر تراشی کند)،

وَقَالَ يَا أَبَا حَفْصٍ مَا يَصْنَعُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتَقَرَّبَ إِلَى النَّاسِ بِخِلَافِ مَا يَعْلَمُ اللَّهُ
إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ مَنْ أَسْرَّ سَرِيرَةً رَدَّاهُ اللَّهُ رَدَّاهَا إِنْ خَيْرًا فَخَيْرًا وَإِنْ شَرًّا
فَشَرًّا

و فرمود:

ای ابو حفص! انسان چگونه بر خلاف آنچه خدا می داند خود را به مردم نزدیک سازد؟

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرمود: هر که نیتی در دل داشته باشد، خداوند لباس همان نیت را بر او بپوشاند، اگر خیر باشد آنهم خیر است، و اگر بد باشد آنهم بد است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اجْعَلُوا أَمْرَكُمْ هَذَا لِلَّهِ وَلَا تَجْعَلُوهُ لِلنَّاسِ فَإِنَّهُ مَا كَانَ
لِلَّهِ فَهُوَ لِلَّهِ وَمَا كَانَ لِلنَّاسِ فَلَا يَصْعَدُ إِلَى اللَّهِ وَلَا تُخَاصِمُوا النَّاسَ بِدِينِكُمْ فَإِنَّ
الْمُخَاصِمَةَ مَمْرُضَةٌ لِلْقَلْبِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ لِنَبِيِّهِ إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ
وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَقَالَ أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: کارهای خود را فقط برای خدا انجام دهید، و آن را برای مردم انجام ندهید، زیرا آنچه برای خداست نزد خدا محفوظ می ماند، و

آنچه برای مردم باشد به سوی خدا نرود، بر سر دین خود با مردم نزاع نکنید، زیرا نزاع بیمارکننده دل است، خداوند عزّ و جلّ به پیامبرش فرمود: (تو نمی توانی کسانی را که دوست داری هدایت کنی، بلکه خداوند هر که را بخواهد هدایت کند) و فرمود: (آیا تو مردم را به اجبار به سوی ایمان دعوت می کنی).

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَعْمَلُوا لِلَّهِ فِي غَيْرِ رِيَاءٍ وَلَا سُمْعَةٍ فَإِنَّهُ مَنْ عَمِلَ لِغَيْرِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى عَمَلِهِ

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: برای خدا بدون ریا و شهرت طلبی کار کنید، زیرا هر کس برای غیر خدا کار کند، خداوند او را به عملش واگذارد.

مِنْ كِتَابِ رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ يَسْمَعُ أَهْلَ الْجَمْعِ أَيْنَ الَّذِينَ كَانُوا يَعْبُدُونَ النَّاسَ قَوْمُوا خُذُوا أُجُورَكُمْ مِمَّنْ عَمِلْتُمْ لَهُ فَإِنِّي لَا أَقْبَلُ عَمَلًا خَالَطَهُ شَيْءٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَهْلِهَا

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هنگامی که روز قیامت شود منادی در حالی که همه می شنوند صدا می زند: کجايند کسانی که مردم را می پرستیدند؟ برخیزید و مزد خود را از آنان که برایشان کار کرده اید بگیرید، من کاری را که با مسائل دنیایی و اهل دنیا مخلوط شده نمی پذیرم .

مِنْ كِتَابِ عُيُونِ الْأَخْبَارِ عَنِ الرَّضَا عَنِ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ الدُّنْيَا كُلُّهَا جَهْلٌ إِلَّا مَوَاضِعَ الْعِلْمِ وَالْعِلْمُ كُلُّهُ حُجَّةٌ إِلَّا مَا عَمِلَ بِهِ وَالْعَمَلُ كُلُّهُ رِيَاءٌ إِلَّا مَا كَانَ مُخْلِصًا وَالْإِخْلَاصُ عَلَى خَطَرٍ حَتَّى يَنْظُرَ الْعَبْدُ بِمَا يُخْتَمُ لَهُ

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ از قول پدر و پدران بزرگوارش از امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل فرمود: تمامی دنیا به جهل آلوده است، مگر جاهایی که نور علم در آن باشد، و علم فقط یک راهنماست، مگر اینکه به آن عمل شود، و عمل تماما ریاست،

مگر اینکه از روی اخلاص باشد، و اخلاص در معرض خطر است ، تا آن
هنگام که بنده پایان کارش را ببیند.

فصل چهارم : در بیان خود پسندی

(الفصل الرابع فى العجب)

قال الله سبحانه و تعالى يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى

و المن نتیجه استعظام العمل و هو العجب

خداوند متعال می فرماید: (ای کسانی که ایمان آورده اید صدقات خود را با منت گذاردن و اذیت کردن از بین نبرید)، و منت گذاشتن ، نتیجه بزرگ جلوه دادن عمل است که او همان خود پسندی است .

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ يُسْأَلُنِي الشَّيْءَ مِنْ طَاعَتِي فَأُجِبُهُ فَأَصْرِفُ ذَلِكَ عَنْهُ لِكَيْ لَا يُعْجِبَهُ عَمَلُهُ

خداوند متعال می فرماید: بعضی از بندگان مؤمنم از من طلب توفیق در طاعتم را می کنند، من هم چون او را دوست دارم این توفیق را از او سلب می کنم تا بر اثر آن عمل گرفتار خود پسندی نگردد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمَّا بَشَّرَ إِبْرَاهِيمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بِالْخُلَّةِ أَوْحَى إِلَيَّ جِبْرَائِيلَ يَا جِبْرَائِيلُ أَدْرِكُ إِبْرَاهِيمَ لَا يَهْلِكُ

امام صادق عليه السلام فرمود: هنگامی که خدای عز و جل به ابراهیم عليه السلام مزده دوستی با خودش را داد، به جبرئیل وحی فرمود: ای جبرئیل ، مواظب ابراهیم باش که (به واسطه عجب) هلاک نشود.

فِي رِوَايَةٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ يُسْأَلُنِي الشَّيْءَ مِنْ الْعِبَادَةِ فَأَصْرِفُهُ عَنْهُ مَخَافَةَ الْإِعْجَابِ بِنَفْسِهِ وَإِنْ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الْفَقْرُ وَ لَوْ صَرَفْتُهُ إِلَى الْغِنَى لَهْلَكَ

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند عزّ و جلّ می فرماید: بعضی از بندگان مؤمنم از من طلب توفیق در عبادت را می کنند، من این توفیق را نصیبشان نمی کنم چون می ترسم موجب خود بزرگ بینی او شود، و بعضی از بندگان مؤمنم کسانیند که فقط در حال فقر ساخته می شوند، و اگر او را توانگر سازم هلاک شود.

عَنْهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ مِنْ عِبَادِي لَعِبَادًا لَا يَصْلُحُ لَهُمْ أَمْرُ دِينِهِمْ إِلَّا بِالْغِنَى وَالسَّعَةِ وَالصَّحَّةِ فِي الْبَدَنِ فَأَبْلُوهُمْ بِالْغِنَى وَالسَّعَةِ وَصِحَّةِ الْبَدَنِ فَيَصْلُحُ عَلَيْهِمْ أَمْرُ دِينِهِمْ وَإِنْ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ عِبَادًا لَا يَصْلُحُ لَهُمْ أَمْرُ دِينِهِمْ إِلَّا بِالْفَاقَةِ وَالْمَسْكِنَةِ وَالسُّقْمِ فِي أَيْدِيهِمْ فَأَبْلُوهُمْ بِالْفَاقَةِ وَالْمَسْكِنَةِ وَالسُّقْمِ فَيَصْلُحُ عَلَيْهِمْ أَمْرُ دِينِهِمْ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا يَصْلُحُ عَلَيْهِ أَمْرُ دِينِ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ وَإِنْ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ يَجْتَهِدُ فِي عِبَادَتِي فَيَقُومُ مِنْ رُقَادِهِ وَ لَذِيذِ وَسَادِهِ فَيَتَهَجَّدُ لِي اللَّيَالِيَ فَيُنْعِبُ نَفْسَهُ فِي عِبَادَتِي فَأَضْرِبُهُ بِالنُّعَاسِ اللَّيْلَةَ وَاللَّيْلَتَيْنِ نَظْرًا مَنِي إِلَيْهِ وَإِبْقَاءً عَلَيْهِ فَيَنَامُ حَتَّى يُصْبِحَ فَيَقُومُ وَ هُوَ مَاقِتٌ لِنَفْسِهِ زَارٌ عَلَيْهَا وَ لَوْ أُخْلِيَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَا يُرِيدُ فِي عِبَادَتِي لَدَاخَلَهُ مِنْ ذَلِكَ الْعُجْبُ فَيُصَيِّرُهُ الْعُجْبُ إِلَى الْفِتْنَةِ بِأَعْمَالِهِ فَكَانَ يَأْتِيهِ مِنْ ذَلِكَ مَا فِيهِ هَلَاكُهُ لِعُجْبِهِ بِأَعْمَالِهِ وَ رِضَاهُ عَنْ نَفْسِهِ حَتَّى يَظُنَّ أَنَّهُ قَدْ فَاقَ الْعَابِدِينَ وَ جَازَ فِي عِبَادَتِهِ حَدَّ التَّقْصِيرِ فَيَتَبَاعَدُ مِنِّي عَنْهُ ذَلِكَ وَ هُوَ يَظُنُّ أَنَّهُ يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند عزّ و جلّ می فرماید: بعضی از بندگان کسانیند که امر دینشان جز با توانگری و گشایش در زندگی و تندرستی اصلاح نشود، آنان را با توانگری و گشایش و سلامتی بدن می آزمایشیم تا امر دینشان اصلاح گردد، و بعضی از بندگان مؤمنم کسانیند که امر دینشان فقط با فقر و تهیدستی و بیماری در بدنهایشان اصلاح می شود، و من آنان را با تنگدستی و

فقر و بیماری می آزمایم ، و امر دینشان را اصلاح می کنم ، و من به آنچه امر دین بندگان مؤمنم را اصلاح می کند آگاه ترم ، و بعضی از بندگان مؤمنم کسانیند که در عبادتم کوشا هستند، از بستر خواب و بالش نرم بر می خیزند و برای من شب زنده داری می کنند و خود را در عبادتم به مشقت می اندازند، من او را یک شب یا دو شب به چرت می اندازم به خاطر لطفی که نسبت به او دارم و سلامتیش را می خواهم ، او هم تا صبح می خوابد، سپس بر می خیزد و خود را سرزنش و توبیخ می کند، در صورتی که اگر او را رها می کردم تا هر چه می خواهد مرا عبادت کند، این کار باعث خود بینی اش می شد، و این خود بینی او را نسبت به اعمالش می فریفت ، و این امر باعث هلاک و نابودیش می شد، به خاطر بزرگ بینی اعمالش و از خود راضی بودنش ، تا جایی که گمان می کرد که بر همه عبادت کنندگان برتری دارد و در عبادتش از حد تقصیر گذشته ، در این هنگام از من دور می شود، در حالی که گمان می کند به من نزدیک است .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا حَسَبَ كَالْتَوَاضِعِ وَلَا وَحْدَةَ أَوْحَشُ مِنَ الْعُجْبِ وَ عَجِبْتُ لِلْمُتَكَبِّرِ الَّذِي كَانَ بِالْأَمْسِ نُظْفَةً وَ غَدًا جِيفَةً

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هیچ مقامی بالاتر از تواضع و فروتنی نیست ، و هیچ تنهایی ترسناکتر از خودپسندی نیست ، من از انسان متکبری که تا دیروز نطفه بود و فردا مرداری خواهد بود در شکفتم .

وَ مِنْ كِتَابِ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا جَالِسٌ إِذْ أَقْبَلَ إِبْلِيسُ وَ عَلَيْهِ بُرْسٌ ذُو الْوَانِ فَلَمَّا دَنَا مِنْ مُوسَى خَلَعَ الْبُرْسَ وَ أَقْبَلَ إِلَى مُوسَى فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُ مُوسَى مَنْ أَنْتَ فَقَالَ أَنَا إِبْلِيسُ قَالَ أَنْتَ فَلَا قَرَبَكَ اللَّهُ قَالَ جِئْتُ لِأَسَلَّمَ عَلَيْكَ لِمَكَانِكَ مِنَ اللَّهِ قَالَ مُوسَى فَمَا هَذَا الْبُرْسُ

قَالَ بِهِ اخْتَطِفُ قُلُوبَ بَنِي آدَمَ قَالَ مُوسَى فَأَخْبِرْنِي بِالذَّنْبِ الَّذِي إِذَا أَدْنَبَهُ ابْنُ آدَمَ اسْتَحْوَذَتْ عَلَيْهِ قَالَ إِذَا أُعْجِبْتَهُ نَفْسُهُ وَاسْتَكْتَرَ عَمَلَهُ وَصَغُرَ فِي عَيْنِهِ ذَنْبُهُ

امام صادق عليه السلام از قول رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: روزی موسی بن عمران عليه السلام در جایی نشسته بود، در این هنگام شیطان در حالی که کلاهی رنگین بر سر داشت نزد او آمد، چون نزدیک موسی شد کلاه را برداشت، و به طرف موسی رفت و سلام کرد، موسی گفت: کیستی؟ گفت: شیطان، گفت: تویی! خدا تو را به خود نزدیک نکند، گفت:

آمده ام به جهت مقامی که نزد خداوند داری به تو سلام کنم، موسی گفت: این کلاه چیست؟ گفت: به وسیله آن دلهای مردم را جلب می‌کنم، موسی گفت: به من بگو آن چه گناهی است که اگر انسان مرتکب شود بر او مسلط می‌شود؟ گفت: هنگامی که گرفتار خودپسندی شود، و اعمالش را بسیار و گناهانش را در نظرش کوچک می‌شمارد.

وَقَالَ عليه السلام قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِدَاوُدَ بَشِّرِ الْمُذْنِبِينَ وَأَنْذِرِ الصَّادِقِينَ قَالَ كَيْفَ أَبَشِّرُ الْمُذْنِبِينَ وَأَنْذِرُ الصَّادِقِينَ قَالَ يَا دَاوُدُ بَشِّرِ الْمُذْنِبِينَ أَنِّي أَقْبَلُ التَّوْبَةَ وَأَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ وَأَنْذِرِ الصَّادِقِينَ أَلَّا يَتَعَجَّبُوا بِأَعْمَالِهِمْ فَإِنَّهُ لَيْسَ عَبْدٌ يَتَعَجَّبُ يُعْجَبُ بِالْحَسَنَاتِ إِلَّا هَلَكَ

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند عز و جل به داود فرمود: به گناهکاران بشارت ده، و صدیقان را بترسان، گفت: چگونه گناهکاران را بشارت دهی و صدیقان را بترسانم؟! فرمود: ای داود! گناهکاران را بشارت ده که من توبه پذیرم و از گناه می‌گذرم، و صدیقان را از عجب در عملهایشان بترسان، زیرا هر بنده ای که به کارهای نیکش عجب بورزد نابود شود.

مِنْ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَيِّئَةٌ تَسُوؤُكَ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ حَسَنَةٍ تُعْجِبُكَ

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: گناهی که تو را ناراحت کند، نزد خدا از عمل نیکی که خود پسندت نماید، بهتر است .

وَ قَالَ عَجِبُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ أَحَدُ حُسَادِ عَقْلِهِ

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: عجب و خودبینی انسان یکی از چیزهایی است که بر عقل او حسد می برد.

وَ قَالَ أَوْحَشُ الْوَحْشَةِ الْعُجْبُ

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: بالاترین وحشت عجب و خودبینی است .

عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لَوْ لَا أَنَّ الذَّنْبَ خَيْرٌ لِلْمُؤْمِنِ مِنَ الْعُجْبِ مَا خَلَّى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بَيْنَ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ وَ بَيْنَ ذَنْبٍ أَبَدًا

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از قول پدران بزرگوارش از قول رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آتَى وَسَلَّمَ فرمود: اگر گناه برای مؤمن بهتر از عجب نبود، خداوند هرگز نمی گذاشت که بنده مؤمنش گناه کند.

مِنْ كِتَابِ زُهْدِ النَّبِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى أَنَا أَعْلَمُ بِمَا يَصْلُحُ عَلَيْهِ أَمْرُ دِينِ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ يَجْتَهِدُ فِي عِبَادَتِي فَيَقُومُ مِنْ رُقَادِهِ وَ لَذِيذِ وَسَادِهِ فَيَتَهَجَّدُ لِي اللَّيَالِيَ فَيُتَعَبُ نَفْسُهُ فِي عِبَادَتِي فَأَضْرِبُهُ بِالنُّعَاسِ اللَّيْلَةِ وَ اللَّيْلَتَيْنِ نَظْرًا مَنِي لَهُ وَ إِبْقَاءً عَلَيْهِ فَيَنَامُ حَتَّى يُصْبِحَ فَيَقُومُ وَ هُوَ مَاقِتٌ لِنَفْسِهِ زَارٍ عَلَيْهَا وَ لَوْ أُخْلِى بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَا يُرِيدُ مِنْ عِبَادَتِي لَدَخَلَهُ مِنْ ذَلِكَ الْعُجْبُ فَيُصِيرُهُ الْعُجْبُ إِلَى الْفِتْنَةِ بِأَعْمَالِهِ فَيَأْتِيهِ مِنْ ذَلِكَ مَا فِيهِ هَلَاكُهُ لِعُجْبِهِ بِأَعْمَالِهِ وَ رِضَاهُ عَنْ نَفْسِهِ حَتَّى يَظُنَّ أَنَّهُ قَدْ فَاقَ الْعَابِدِينَ وَ جَازَ فِي عِبَادَتِهِ حَدَّ التَّقْصِيرِ فَيَتَّبَعِدُ عِنْدَ ذَلِكَ مَنِي وَ هُوَ يَظُنُّ أَنَّهُ يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ فَلَا يَتَّكِلُ الْعَامِلُونَ عَلَى أَعْمَالِهِمُ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا

لِتَوَابِي فَإِنَّهُمْ لَوْ اجْتَهَدُوا وَ اتَّعَبُوا أَنْفُسَهُمْ أَعْمَارَهُمْ فِي عِبَادَتِي كَانُوا مُقَصِّرِينَ غَيْرَ
 بِالْغَيْنِ فِي عِبَادَتِهِمْ كُنْهَ عِبَادَتِي فِيمَا يَطْلُبُونَ عِنْدِي مِنْ كَرَامَتِي وَ النَّعِيمِ فِي جَنَاتِي
 وَ عَظِيمِ عِنَايَتِي وَ جَزِيلِ جِنَائِي وَ رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى فِي جِوَارِي وَ لَكِنْ
 بِرَحْمَتِي فَلْيَتَّقُوا وَ بِفَضْلِي فَلْيَفْرَحُوا وَ إِلَى حُسْنِ الظَّنِّ بِي فَلْيَطْمَئِنُّوا تَدَارِكُهُمْ فَإِنَّ
 رَحْمَتِي عِنْدَ ذَلِكَ تُدْرِكُهُمْ وَ بِمَنِّي أُبَلِّغُهُمْ رِضْوَانِي وَ مَغْفِرَتِي وَ أَلْبِسُهُمْ عَفْوِي فَإِنِّي
 أَنَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَ بِذَلِكَ تَسَمَّيْتُ

امام باقر عليه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند متعال می فرماید: من
 به آنچه امر دینم را اصلاح می کند داناترم ، بعضی از بندگان مؤمنم کسانند که
 در عبادتم کوشش می کنند، (شبها) از بستر خواب خویش و بالش لطیفش بر
 می خیزد و برایم شب زنده داری می کند، و خودش را برای عبادتم به زحمت
 می اندازد، پس یک یا دو شب او را به چرت وامی دارم ، به خاطر علاقه ام به
 او و سلامتیش ، او نیز تا صبح به خواب می رود، وقتی برخاست نفس خویش
 را سرزنش و توبیخ می کند، در حالی که اگر او را واگذارم تا هر چه می خواهد
 عبادتم کند، در اعمالش خود بین شود، و در این صورت به هلاکت افتد، و این
 به خاطر عجب و از خود راضی بودنش می باشد به حدی که گمان می کند از
 همه عبادت کنندگان برتر است ، و در عبادتش از حدّ تقصیر گذشته ، و همین
 باعث می شود که از من دور شود و گمان کند که به من نزدیک است ، پس
 عمل کنندگان نباید به اعمالی که به خاطر ثواب بردن از من انجام می دهند
 متکی باشند، زیرا اگر آنان کوشش کنند نفس خود را به زحمت اندازند، و
 عمرهای خود را تلف نمایند، و در عبادتم صرف نمایند، باز هم مقصرند و در
 بندگیشان به کنه بندگیم نرسند، و آنچه را از کرامتم و نعمتهای بهشتیم و
 توجّهات والایم و درجات عالی را که در جوارم طلب کنند به آن نرسند، ولی

باید فقط به رحمتم اعتماد کنند، و به فضل شادمان شوند، و با گمان نیکو نسبت به من؛ اطمینان حاصل کنند، در این هنگام رحمتم دستگیرشان شود، و به بخشش آنان را به بهشت برم و بیمارزم، و بر آنان لباس گذشت و عفو ببوشانم، زیرا من خدای رحمان رحیم هستم که به این نام منسوب شده ام.

مِنْ كِتَابِ الشَّهَابِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثٌ مُهْلِكَاتٌ وَ ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ فَالثَّلَاثُ الْمُهْلِكَاتُ شَحُّ مَطَاعٍ وَ هَوَى مُتَّبَعٌ وَ إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ وَ الثَّلَاثُ الْمُنْجِيَاتُ خَشْيَةُ اللَّهِ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ وَ الْقَصْدُ فِي الْفَقْرِ وَ الْغِنَى وَ الْعَدْلُ فِي الْغَضَبِ وَ الرِّضَا

رسول خدا ﷺ فرمود: سه چیز هلاک کننده انسان، و سه چیز نجات دهنده اوست: اما سه خصلتی که هلاک کننده است: اطاعت از بخل و هوای نفس مسلط و خود بینی است.

و آن سه که نجات دهنده است: ترس از خدا در آشکار و نهان، میانه روی در حالت فقر و توانمندی، و عدالت در هنگام خشم و خوشنودی.

قال مطرف لان أبيت نائما و أصبح نادما أحب إلي من أن أبيت قائما و أصبح متعجبا و العجب هو الفرحة التامة بكمال الحال و العمل و النفس و غيرها و الركون إليها مع نسيان إضافتها إلى المنعم

مطرف گوید: اگر شب تا صبح بخوابم و صبح در حال پشیمانی از خواب بیدار شوم، بهتر از این است که شب زنده دار باشم و با خودبینی صبح را شروع کنم.

معنی عجب: عبارت از خوشحالی کامل نسبت به کامل بودن صفت و عمل و نفس انسان و غیر اینهاست، و اینکه به اینها اعتماد شود و نعمت دهنده حقیقی را فراموش کند.

فصل پنجم : در بیان ظلم و حرام

(الفصل الخامس فى الظلم و الحرام)

مِنْ مَجْمُوعِ السَّيِّدِ نَاصِحِ الدِّينِ أَبِي الْبَرَكَاتِ عَنِ الرَّضَا عَنِ أَبِيهِ عَنِ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِيَّاكُمْ وَالظُّلْمَ فَإِنَّهُ يُخَرِّبُ قُلُوبَكُمْ

امام رضا علیه السلام از قول پدر بزرگوارش از امیر مؤمنان علیه السلام نقل کند که رسول
خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

از ظلم بپرهیزید، زیرا ظلم کردن دلهای شما را خراب می کند.

و قَالَ مَنْ مَشَى مَعَ ظَالِمٍ لِيُعِينَهُ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ ظَالِمٌ فَقَدْ خَرَجَ مِنَ الْإِسْلَامِ

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس ظالمی را همراهی کند و کمک نماید و داند

که او ظالم است ، از اسلام خارج گشته .

و قَالَ لَرَدُّ الْمُؤْمِنِ حَرَامًا يَغْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ سَبْعِينَ حِجَّةً مَبْرُورَةً

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دور کردن مؤمن از حرام نزد خداوند برابر هفتاد حج

مقبول است .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا وَقَعَتِ اللَّقْمَةُ مِنْ حَرَامٍ فِي جَوْفِ الْعَبْدِ لَعَنَهُ كُلُّ مَلَكٍ

فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْخَبَرَ بَطُولَهُ

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر گاه یک لقمه حرام در معده بنده قرار گیرد،

تمامی فرشتگان آسمانها و زمین او را لعنت کنند.

و قَالَ أَيُّمَا عَبْدٍ جَاءَتْهُ مَوْعِظَةٌ مِنَ اللَّهِ فِي دِينِهِ فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

فَإِنْ قَبِلَهَا شَكَرَ وَإِلَّا كَانَتْ حُجَّةً مِنَ اللَّهِ لِيَزِدَادَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَخَطًا

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر بنده ای که از جانب خداوند نصیحتی در رابطه با

دینش دریافت کند، در واقع نعمتی از خداست که به او رسیده ، اگر آن را به کار

بندد شکرگزاری نموده ، و گر نه آن نصیحت حجّتی از جانب خدا بر اوست تا خشم خدا نسبت به او بیشتر گردد.

وَقَالَ عَدْلُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً قِيَامٍ لَيْلُهَا وَصِيَامٍ نَهَارُهَا وَجَوْرُ سَاعَةٍ فِي حُكْمٍ أَشَدُّ وَأَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْمَعَاصِي سِتِّينَ سَنَةً

رسول خدا ﷺ فرمود: یک ساعت به عدالت رفتار کردن بهتر از هفتاد سال عبادت است ؛ که شبهایش را بیدار و روزهایش را روزه دار باشد، و یک ساعت حکم به ظلم کردن نزد خدا از گناهان شصت سال سخت تر و بزرگتر است .

وَقَالَ مَنْ أَصْبَحَ وَلَا يَهُمُّ بِظُلْمٍ أَحَدٍ غُفِرَ لَهُ مَا اجْتَرَمَ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس شب را به صبح رساند و قصد ظلم به کسی را نداشته باشد، گناهانش آمرزیده شود.

فصل ششم: در بیان ارتباط با سلاطین و اطاعت از بندگان

الفصل السادس فيالدخول على السلاطين و أحوالهم و ذكر طاعة المخلوق)
مِنْ كِتَابِ السَّيِّدِ نَاصِحِ الدِّينِ أَبِي الْبَرَكَاتِ رَوَاهُ عَنِ الشَّيْخِ أَبِي جَعْفَرِ بْنِ بَابُوَيْهِ
مِنْ كِتَابِ الْمُقْنِعِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ وَلِيَ عَشْرَةَ فَلَمْ يَعْدِلْ بَيْنَهُمْ جَاءَ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ وَ يَدَاهُ وَ رِجْلَاهُ وَ رَأْسُهُ فِي ثَقْبٍ فَاسْ
رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس ده نفر را سرپرستی کند و بین آنان به
عدالت رفتار نکند، روز قیامت در حالی محشور می شود که دو دست و دو پا و
سرش در سوراخ تبری قرار دارد.

وَ قَالَ مَنْ وَلِيَ شَيْئًا مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَضَيَّعَهُمْ ضَيَّعَهُ اللَّهُ
رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس متولی کاری از امور مسلمانان شود و در
کارشان کوتاهی کند، خداوند هم در کارش کوتاهی کند.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ أَيُّمَا رَجُلٍ وَلِيَ شَيْئًا مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَأَغْلَقَ بَابَهُ
دُونَهُمْ وَ أَرْخَى سِتْرَهُ فَهُوَ فِي مَقْتٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَعْنَتِهِ حَتَّى يَفْتَحَ بَابَهُ
فَيَدْخُلَ إِلَيْهِ ذُو الْحَاجَةِ وَ مَنْ كَانَتْ لَهُ مَظْلَمَةٌ

امیر مؤمنان علی بن ابی طالب فرمود: هر کس انجام کاری از کارهای مسلمانان را عهده
دار شد، و در خانه اش را به روی آنان بست، و خود را پنهان نمود، مورد خشم
و غضب و نفرین خداوند قرار گیرد، تا اینکه در خانه اش را باز کند و نیازمندان
و شاکیان به خانه اش وارد شوند.

قَالَ الصَّادِقُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِأَبْوَابِ الْجَبَّارِينَ خَلْقًا مِنْ خَلْقِهِ يَدْفَعُ بِهِمْ
عَنْ أَوْلِيَائِهِ أَوْلِيَاكَ عِتْقًا اللَّهُ مِنَ النَّارِ

امام صادق علیه السلام فرمود: خدای عز و جل در درگاه سلاطین جور، بندگان
دارد که به وسیله آنان از دوستان خود ظلم را بر طرف می سازد، آنان آزاد
شدگان خداوند از آتشند.

وَ قَالَ كَفَّارَةٌ عَمَلِ السُّلْطَانِ قَضَاءُ حَوَائِجِ الْإِخْوَانِ

امام صادق علیه السلام فرمود: کفاره کار کردن برای پادشاه ، بر آوردن حوائج
برادران ایمانی است .

وَ قَالَ لَا تُكَلِّفُوهُمْ قَضَاءَ الْحَوَائِجِ فَيُكَلِّفُونَا غَدَاً قَضَاءَ حَوَائِجِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

امام صادق علیه السلام فرمود: از سلاطین طلب بر آوردن حاجت نکنید، که آنان
روز قیامت بر آورده شدن حاجاتشان را از ما می خواهند.

قَالَ الرَّضَاءُ علیه السلام إِنَّ لِلَّهِ مَعَ السُّلْطَانِ أَوْلِيَاءَ يَدْفَعُ بِهِمْ عَنْ أَوْلِيَائِهِ وَ فِي حَدِيثٍ
آخَرَ أَوْلِيَاكَ عِتْقَاءُ اللَّهِ مِنَ النَّارِ

امام رضا علیه السلام فرمود: خداوند در بارگاه پادشاهان دوستانی دارد که به وسیله
آنان از دوستانش دفع گرفتاری می کند.

و در حدیث دیگر است که : آنان آزادشدگان خدا از آتشند.

عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ لِلَّهِ أَقْوَامًا مَا اخْتَصَّهِمُ بِالنِّعَمِ وَ
مَنَافِعِ الْعِبَادِ يُقْرَهُ فِيهِمْ مَا بَدَلُوهَا فَإِذَا مَنَعُوهَا نَزَعَهَا عَنْهُمْ فَحَوْلَهَا إِلَى غَيْرِهِمْ

امام صادق علیه السلام به نقل از قول رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: خداوند مردمانی
دارد که آنان را به نعمتهایش مخصوص گردانده و منافع بندگان را در اختیار
آنان گذارده ، تا به مردم انفاق کنند، اما اگر آن را انفاق نکنند از آنها می گیرد و
به غیرشان می سپارد.

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا مِنْ خَلْقِهِ يُفَزَعُ النَّاسُ إِلَيْهِمْ فِي حَوَائِجِهِمْ
أَوْلِيَاكَ هُمُ الْأَمْنُونَ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ

امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند در میان مخلوقاتش بندگان دارد که مردم برای بر آوردن حاجاتشان به آنان پناه می برند، آنها از عذاب خداوند در امانند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام شَرَّ أَرْوَاحِ الْخَلْقِ الْمُلُوكُ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ ضِدُّ صَاحِبِ الْحَقِّ
امام صادق علیه السلام فرمود: بدترین مخلوقات پادشاهانند، زیرا همیشه مقابل حق طلبان قرار می گیرند.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ كُنَّا جَمَاعَةً عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَذَكَرُوا السُّلْطَانَ فَسَبُّهُمْ مَنْ كَانَ فِي الْمَجْلِسِ وَ دَعَا عَلَيْهِمْ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ لَا تَسُبُّوا السُّلْطَانَ فَإِنَّ السُّلْطَانَ ظِلُّ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ لَكِنْ ادْعُوا اللَّهَ يُصْلِحْهُمْ فَإِنَّ صَلَاحَهُمْ لَكُمْ صَلَاحٌ
عبد الله بن سنان گوید: ما گروهی محضر حضرت صادق علیه السلام بودیم، از حاکم وقت سخن به میان آوردند و حاضرین در مجلس او را لعن نمودند و نفرینش کردند، امام صادق علیه السلام فرمود: به حاکم فحش ندهید، زیرا وی سایه خداوند در زمین است، بلکه از خدا بخواهید که او را اصلاح کند زیرا خوب شدن آنان به نفع شماست.

عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِنِّي اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا مَلِكُ الْمُلُوكِ وَ قُلُوبُ الْمُلُوكِ بِيَدِي فَأَيُّ قَوْمٍ أَطَاعُونِي جَعَلْتُ الْمُلُوكَ عَلَيْهِمْ رَحْمَةً وَ أَيُّ قَوْمٍ عَصَوْنِي جَعَلْتُ الْمُلُوكَ عَلَيْهِمْ نَقْمَةً أَلَا لَا تَشْغَلُوا أَنْفُسَكُمْ بِسَبِّ الْمُلُوكِ تُؤْبُوا إِلَيَّ
أَعْظِفُ قُلُوبَهُمْ عَلَيْكُمْ

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند متعال می فرماید: منم خدایی که جز او خدایی نیست، من پادشاه پادشاهانم، و دلهای پادشاهان در اختیار من است، هر جماعتی که از من اطاعت کنند دل سلاطین را بر آنان نرم گردانم، و هر گروهی که از من نافرمانی کنند پادشاهان را وسیله اذیتشان سازم، آگاه باشید؛ خودتان

را به فحش دادن به پادشاهان مشغول ندارید، به سوی من توبه کنید تا دل‌های آنان را بر شما مهربان گردانم .

عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ تَعَرَّضَ لِسُلْطَانٍ جَائِرٍ فَاصَابَتْهُ مِنْهُ بَلِيَّةٌ لَمْ يُوجَرْ عَلَيْهَا وَلَمْ يُرْزَقِ الصَّبْرَ عَلَيْهَا

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر کس حاجتش را نزد سلطان ظالمی ببرد و بلایی از ناحیه سلطان به او رسد، اجری ندارد، و نیز اجر صبر بر آن نصیبش نگردیده است .

وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اتَّقُوا السُّلْطَانَ فَإِنَّ شَرَّهُ مِنَ النَّارِ

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: از سلطان بترسید، زیرا شرارت‌هایش از آتش است .
عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ أَجْلِسُ إِلَى السُّلْطَانِ فَإِنْ رَأَيْتُ يَتَعَدَّى الْحَقَّ وَيَعْمَلُ بغيرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَلَا آخِذَنَّ عَلَيَّ نَهْيِهِ وَكَلَامِهِ فَقَالَ لَا بَأْسَ
حسن بن جهم گوید: به امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم : من به نزد سلطان می‌روم ، اگر دیدم که حق را مراعات نمی‌کند و بر خلاف فرمان خداوند عمل می‌نماید، و من نمی‌توانم او را نهی کنم ؟ فرمود: مانعی ندارد.

نهی شده

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ طَلَبَ مَرْضَاةَ النَّاسِ بِمَا يُسْخِطُ اللَّهَ كَانَ حَامِدُهُ مِنَ النَّاسِ دَامًا وَمَنْ آتَرَ طَاعَةَ اللَّهِ بِمَا يُغْضِبُ النَّاسَ كَفَاهُ اللَّهُ عَدَاوَةَ كُلِّ عَدُوٍّ وَحَسَدَ كُلِّ حَاسِدٍ وَبَغْيَ كُلِّ بَاغٍ وَكَانَ اللَّهُ لَهُ نَاصِرًا وَظَهِيرًا

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ از قول رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر کس خوشنودی مردم را در به خشم در آوردن خدا بجوید، ستاینده او از مردم نکوهشش کنند، و هر کس اطاعت از خدا را بر خشم مردم مقدم بدارد، خداوند در مقابل دشمنی هر

دشمنی و حسادت هر حسودی ، و ظلم هر ظالمی از او حمایت می کند، و خداوند یاور و پشتیبان اوست .

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَرْضَى سُلْطَانًا بِسَخَطِ اللَّهِ خَرَجَ مِنْ دِينِ اللَّهِ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر که سلطانی را به وسیله خشم خدا خشنود سازد از دین خدا بیرون می رود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ حَسْبُ الْمُؤْمِنِ مِنَ اللَّهِ نُصْرَةً أَنْ يَرَى عَدُوَّهُ يَعْمَلُ بِمَعَاصِي اللَّهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: برای مؤمن همین یاری خداوند کافی است که ببیند دشمنش به معصیت خدا مشغول است .

فصل هفتم : در خصلتهای نهی شده

(الفصل السابع فى الخصال المنهى عنها)

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْعَمَلِ الصَّالِحِ وَتَرَكَ مَا أَمَرَ بِهِ أَنْ يُتْرَكَ

رسول خدا ﷺ فرمود: چیزی نزد خداوند محبوبتر از ایمان و عمل صالح و دوری از منهیات الهی نیست .

وَقَالَ لَا تُشِيرُوا إِلَى الْمَطَرِ بِالأَصَابِعِ وَلَا إِلَى الْهَيْلَالِ بِالأَصَابِعِ

رسول خدا ﷺ فرمود: با انگشتان خود به طرف باران اشاره نکنید، همچنین با انگشتان به طرف ماه نو اشاره نکنید.

وَقَالَ مُطْعِمُ الرَّبَا وَآكِلُهُ وَشَارِبُهُ وَكَاتِبُهُ وَشَاهِدُهُ وَالْوَاشِمَةُ وَالْمُتَوَشِّمَةُ وَالنَّاجِسُ وَالْمَنْجُوشُ لَهُ مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ مُحَمَّدٍ

رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که با پول بدست آمده از ربا به مردم غذا دهد، یا برای خود غذا و نوشیدنی تهیه کند، و کسی که ربا را در دفتر ثبت می کند، و دو شاهد ربا، و کسی که خالکوبی می کند، و کسی که بدنش را خال دار می سازد، و شکارچی ، و راهنمای او، همگی در زبان محمد مورد لعن قرار گرفته اند.

عَنِ الْبَاقِرِ الرِّضِيِّ مَنْ تَخَلَّى عَلَى قَبْرِ أَوْ بَالَ قَائِمًا أَوْ بَالَ فِي مَاءٍ قَائِمًا أَوْ مَشَى فِي حِذَاءٍ وَاحِدٍ أَوْ شَرِبَ قَائِمًا أَوْ خَلَا فِي بَيْتٍ وَحْدَهُ أَوْ بَاتَ عَلَى غَمَرٍ فَأَصَابَهُ

شَيْءٌ مِنَ الشَّيْطَانِ لَمْ يَدْعُهُ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَ أَسْرَعُ مَا يَكُونُ الشَّيْطَانُ إِلَى الْإِنْسَانِ وَ هُوَ عَلَى بَعْضِ هَذِهِ الْحَالَاتِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ خَرَجَ فِي سَرِيَّةٍ فَأَتَى وَادِيَ مَجَنَّةَ فَنَادَى أَصْحَابَهُ أَلَا فَلْيَأْخُذْ كُلُّ رَجُلٍ مِنْكُمْ بِيَدِ صَاحِبِهِ وَ لَا يَدْخُلَنَّ رَجُلٌ وَحْدَهُ أَوْ لَا يَمْضِي رَجُلٌ وَحْدَهُ قَالَ فَتَقَدَّمَ رَجُلٌ وَحْدَهُ فَانْتَهَى إِلَيْهِ وَ قَدْ صُرِعَ فَأَخْبَرَ رَسُولُ اللَّهِ بِذَلِكَ قَالَ فَأَخَذَ بِإِبْهَامِهِ فَعَمَزَهَا ثُمَّ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ أَخْرُجْ خَبِيثُ أَنَا رَسُولُ اللَّهِ قَالَ فَقَامَ

امام باقر عليه السلام فرمود: کسی که در قبرستان قضای حاجت کند یا ایستاده ادرار کند، یا در آب ادرار نماید، یا با یک کفش راه رود، یا ایستاده آب بنوشد، یا تنها در یک اطاق بسر برد، یا با دست چرب بخوابد، شیطان بر او چیره شود، تا وقتی خدا نخواهد شیطان رهايش نسازد، و سریعترین راه مسلط شدن شیطان بر انسان یکی از این حالات است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله در یکی از جنگها از بیابانی که محل جنیان بود می گذشت ، به یارانش فرمود: مواظب باشید، دست یک دیگر را بگیرید، و به تنهایی وارد این بیابان نشوید، و کسی تنها عبور نکند.

راوی گوید: یکی از آنان به تنهایی از آنجا گذشت و وقتی به پایانش رسید گرفتار سر درد شد، خبر به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، ایشان انگشت ابهام آن مرد را گرفتند و فشار دادند، سپس فرمود: ای خبیث! به نام خدا خارج شو، من رسول خدایم ، راوی گوید: آن مرد بلافاصله (خوب شد) و از جا برخاست .

وَ فِي رِوَايَةٍ أَنَّ الشَّيْطَانَ أَسْرَعُ مَا يَكُونُ إِلَى الْعَبْدِ إِذَا كَانَ عَلَى بَعْضِ هَذِهِ الْأَحْوَالِ وَ قَالَ إِنَّهُ مَا أَصَابَ أَحَدًا شَيْءٌ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ فَكَانَ أَنْ يُفَارِقَهُ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ

در روایت دیگر است که : بهترین وقتی که شیطان بر بنده چیره می شود زمانی است که در یکی از این حالات باشد، و فرمود: به هر کس در این حالات گرفتاری روی کند، به زودی از وی دست بردارد، مگر اینکه خدا بخواهد.

عَنِ الْكَازِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ ثَلَاثَةً يُتَخَوَّفُ مِنْهُنَّ الْجُنُونُ النَّغُوطُ بَيْنَ الْقُبُورِ وَالْمَشْيُ فِي خُفٍّ وَاحِدٍ وَالرَّجُلُ يَنَامُ وَحَدَّهُ

امام کاظم علیه السلام فرمود: در سه حالت احتمال دیوانگی می رود: قضاء حاجت کردن در میان قبرها، با یک کفش راه رفتن ، و به تنهایی خوابیدن .

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ الشَّيْطَانَ أَشَدَّ مَا يَهُمُّ بِالْإِنْسَانِ حِينَ يَكُونُ وَحْدَهُ خَالِيًا لَا أَرَى أَنْ يَرُقْدَ وَحَدَّهُ

امام باقر علیه السلام فرمود: سریعترین وقتی که شیطان بر انسان چیره می شود هنگامی است که تنهایی در جایی بخوابد، نبینم کسی تنها بخوابد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا تُمَارِ فَيَذْهَبَ بِهَاؤُكَ لَا تُمَارِ بَيْنَ حَلِيمًا وَلَا سَفِيهَاً فَإِنَّ الْحَلِيمَ يَغْلِبُكَ وَالسَّفِيهَ يُرْدِيكَ

امام صادق علیه السلام فرمود: جدال نکن که آبرویت می رود، همچنین با مردم بردبار و نادان مجادله نکنید، زیرا شخص بردبار بر تو پیروز می شود، و نادان تو را خوار می سازد.

عَنْ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ حَبِيثٍ قَدْ لَقِيَ مِنْهُ جُهْدًا هَلْ تَرَى مُكَاشَفَتَهُ أَمْ
مُدَارَاتَهُ فَكَتَبَ إِلَيْهِ الْمُدَارَاةُ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْمُكَاشَفَةِ وَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا فَإِنَّ
الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ

از امام باقر علیه السلام در مورد مردی که بد زبان بود سؤال شد که : بفرماید او را
در بین مردم رسوا کنیم یا با او مدارا کنیم ؟ امام علیه السلام فرمود: مدارا کردن بهتر از
رسوا کردن است ، و هر مشکلی یک آسانی به دنبال دارد، و پایانی نیک برای
پرهیزگاران است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْعَالِمُ لَا يَتَكَلَّمُ بِالْفُضُولِ
امام صادق علیه السلام فرمود: دانشمند هرگز سخن بیهوده و زائد نمی گوید.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ كَانَ فِي شَيْءٍ شُؤْمٌ فَفِي اللِّسَانِ
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر در چیزی نحوست یا شری باشد، در زبان است

كَانَ فِي وَصِيَّةِ لُقْمَانَ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ مَتَى تَدْخُلُ مَدَاخِلَ السَّوِّ تُتَّهَمُ
لقمان در وصیت به فرزندش گوید: فرزندم ! هر گاه وارد مکانهای بد شوی ،
مورد اتهام قرار گیری .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ أَنْمَاتُ الْإِيمَانُ فِي قَلْبِهِ كَمَا
يَنْمَاتُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه مؤمنی برادرش را متهم سازد، ایمان در دلش از بین برود، همان طور که نمک در آب حل می شود.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُلْدَغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرٍ مَرَّتَيْنِ
رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: مؤمن هرگز از یک سوراخ دو مرتبه گزیده نمی شود.

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أُرْسِلُ نَاقَتِي وَآتَوَكَّلُ أَوْ أَعْقِلُهَا وَآتَوَكَّلُ قَالَ أَعْقِلُهَا وَتَوَكَّلْ
مردی خدمت پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! شترم را بدون مهار و با توکل بر خدا رها سازم ، و یا مهارش کنم و با توکل بفرستم ؟
فرمود: مهارش کن و توکل بر خدا کن .

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ اتَّبِعْ مَنْ يُبْكِيكَ وَهُوَ لَكَ نَاصِحٌ وَلَا تَتَّبِعْ مَنْ يُضْحِكُكَ وَهُوَ لَكَ غَاشٌّ وَتَتَرَدُّونَ إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا فَتَعْلَمُونَ
امام باقر علیه السلام فرمود: از کسی پیروی کن که تو را بگریاند و خیر خواه تو باشد، و از کسی که تو را می خندانند و گول می زند پیروی نکن ، به زودی همگی شما نزد خدا حاضر شوید و بدانید.

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْمَمْلُوكُ يَرَى شَعْرَ مَوْلَاتِهِ فَقَالَ نَعَمْ وَسَاقَهَا

معاویة بن عمّار گوید: خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: آیا برده می تواند موی صاحبش را که زن است ببیند؟ فرمود: بلی ، ساق پایش را هم می تواند ببیند.

عَنْهُ قَالَ لَا يَدْخُلُ الْخَصِيُّ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَةِ مُؤْمِنٍ وَلَا وَالِدَاهُ وَلَا وُلْدُهُ
امام صادق علیه السلام فرمود: مردی که اخته شده به شفاعت مؤمن یا پدر و مادر و
یا فرزندش به بهشت نمی رود .

عَنْهُ قَالَ إِنَّ الْخَصِيَّ لَا يَنْجِبُ لَيْسَ لِلَّهِ فِي عَبْدٍ حَاجَةٌ فَيَنْجِبُ
امام صادق علیه السلام فرمود: مرد اخته بچه دار نمی شود، خداوند به بنده ای نظر
ندارد تا اینکه بچه دار شود.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنِ الْخَادِمِ الَّذِي اشْتَرَاهُ أَبُوهُ
كَيْفَ وَجَدْتَهُ فَقَالَ عَلَى الْخَصِيَّانِ لَعْنَةُ اللَّهِ فَإِنَّهُمْ شَرُّ مَا يَكُونُونَ
علی بن مهزیار گوید: از امام کاظم علیه السلام در مورد خدمتکاری که پدرش
خریده بود پرسیدم که او را چگونه دیدی ؟ فرمود: اخته بود، لعنت خدا بر
اختگان ، زیرا که آنان بدترین مخلوقاتند .

عَنِ الْكَاظِمِ علیه السلام قَالَ لِبَعْضِ وُلْدِهِ لَا تُخْرِجَنَّ نَفْسَكَ مِنْ حَدِّ التَّقْصِيرِ فِي عِبَادَةِ
اللَّهِ وَطَاعَتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يُعْبَدُ حَقَّ عِبَادَتِهِ

امام کاظم علیه السلام به یکی از فرزندانش فرمود: مبادا خودت را در عبادت و اطاعت از خداوند بی تقصیر بدانی ، زیرا خدای عز و جلّ چنان که شایسته است عبادت نمی شود.

عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام يَا جَابِرُ لَا أُخْرِجَكَ اللَّهُ مِنَ النَّقْصِ وَالتَّقْصِيرِ
جابر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: ای جابر! خداوند تو را از ناقص دانستن
عملت و مقصر دانستن در عبادت بیرون نبرد. .

فصل هشتم : در بیان شهرت

(الفصل الثامن في الشهرة و السرائر)

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ كَفَى بِالرَّجُلِ بَلَاءً أَنْ يُشَارَ إِلَيْهِ بِالْأَصَابِعِ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا
رسول خدا ﷺ فرمود: همین اندازه گرفتاری برای مرد بس است که [به
واسطه مشهور شدن بین مردم] برای دین یا دنیا مورد اشاره انگشتان قرار گیرد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الشُّهُرَتَيْنِ شُهْرَةَ اللَّبَاسِ وَ شُهْرَةَ الصَّلَاةِ
امام صادق علیه السلام فرمود: دو شهرت نزد خداوند مبغوض است : مشهور شدن
به وسیله لباس ، و مشهور شدن به واسطه نماز خواندن .

عَنْهُ قَالَ الشُّهُرَةُ خَيْرُهَا وَ شَرُّهَا النَّارُ

امام صادق علیه السلام فرمود: شهرت چه خیرش و چه شرش در آتش است .

عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ لَبَسَ تَوْبَ شُهْرَةٍ كَسَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَوْبًا
مِنَ النَّارِ

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: هر کس در دنیا لباس شهرت به تن کند،
خداوند در روز قیامت لباسی از آتش به او بپوشاند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا يَصْنَعُ أَحَدُكُمْ أَنْ يُظْهَرَ حُسْنًا وَ يُسِرَّ شَيْئًا فَإِذَا
رَجَعَ إِلَى نَفْسِهِ عَلِمَ أَنَّهُ لَيْسَ كَذَلِكَ وَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى
نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ فَمَنْ صَحَّتْ سِرِّيْرَتُهُ قَوِيَتْ عِلْمَانِيَّتُهُ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: چه می کند یکی از شما اگر خوبیهایش را آشکار و بدیهایش را پنهان کند، و وقتی به باطن خود رجوع کند بفهمد این چنین نیست ، و خداوند متعال هم می فرماید: (بلکه انسان به باطن خود بیناست)، باطن هر کس درست شد ظاهرش هم خوب می گردد.

وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اسْتَوَتْ سَرِيرَتُهُ وَعَلَانِيَتُهُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَهُوَ عَبْدِي حَقًّا

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هنگامی که باطن و ظاهر بنده ای یکسان باشد، خدای عز و جل می فرماید: این بنده واقعی من است .

وَقَالَ أَيضاً مَنْ أَسْرَّ سَرِيرَةً أَظْهَرَ اللَّهُ رَدَاءَهَا إِنْ خَيْرًا فَخَيْرٌ وَإِنْ شَرًّا فَشَرٌّ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر که باطنش را پنهان دارد، خداوند آن را به صورت لباسی بر او ظاهر گرداند، اگر باطنش خیر باشد لباس خیر، و اگر بد باشد لباس بد است .

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَ لَهُ جَوَانِيٌّ وَ بَرَانِيٌّ فَمَنْ أَصْلَحَ جَوَانِيَّتَهُ أَصْلَحَ اللَّهُ بَرَانِيَّتَهُ وَ مَنْ أَفْسَدَ جَوَانِيَّتَهُ أَفْسَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَرَانِيَّتَهُ

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ از قول رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هیچ بنده ای نیست مگر اینکه ظاهری دارد و باطنی ، هر کس باطن خود را پاک کند، خداوند ظاهرش را نیز پاک گرداند، و هر کس باطنش را تباه کند خداوند ظاهرش را نیز تباه سازد.

وَمَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَ لَهُ صَيْتٌ فِي أَهْلِ السَّمَاءِ وَ صَيْتٌ فِي أَهْلِ الْأَرْضِ فَإِذَا
حَسُنَ صَيْتُهُ فِي أَهْلِ السَّمَاءِ رُفِعَ فِي أَهْلِ الْأَرْضِ وَ إِذَا سَاءَ صَيْتُهُ فِي أَهْلِ السَّمَاءِ
وُضِعَ فِي أَهْلِ الْأَرْضِ قَالَ فَسَأَلْنَا عَنْ الصَّيْتِ مَا هُوَ فَقَالَ ذَكَرُهُ

رسول خدا ﷺ فرمود: هیچ بنده ای نیست مگر آنکه شهرتی در میان اهل
آسمان و شهرتی در میان اهل زمین دارد، هر گاه شهرتش در میان اهل آسمان
نیکو باشد، در بین اهل زمین نیز خوشنام گردد، و هر گاه شهرتش در میان اهل
آسمان بد باشد، در بین اهل زمین پست گردد. راوی گوید: عرض کردم: شهرت
چیست؟ فرمود: یاد او در بین مردم.

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ كَانَ ظَاهِرُهُ أَرْجَحَ مِنْ بَاطِنِهِ خَفَّ مِيزَانُهُ غَدًا

امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس ظاهرش از باطنش بهتر باشد، ترازوی اعمالش
روز قیامت سبک گردد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ تَزَيَّنَ لِلنَّاسِ بِمَا يُحِبُّ اللَّهُ وَ بَارَزَ اللَّهُ بِمَا يَكْرَهُهُ لَقِيَ
اللَّهَ وَ هُوَ غَضَبَانُ آسِفٌ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس خود را برای مردم به آنچه خدا دوست دارد
زینت کند، ولی نزد خدا به آنچه دوست ندارد ظاهر شود، خداوند را در حالت
خشم ملاقات کند.

وَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ مَنْ أَسْرَّ سَرِيرَةً رَدَّاهُ اللَّهُ رِدَاءَهَا إِنْ خَيْرًا فَخَيْرًا وَ إِنْ شَرًّا
فَشَرًّا

رسول خدا ﷺ فرمود: هر که در دل نیتی داشته باشد، خداوند لباس مناسب
نیتش به او می پوشاند، اگر خوب باشد خوب و اگر بد باشد بد است .

فصل نهم : در بیان تحقیر مؤمن

(الفصل التاسع فيمن حقر مؤمنا)

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ حَقَّرَ مُؤْمِنًا مَسْكِينًا لَمْ يَزَلِ اللَّهُ لَهُ حَاقِرًا حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ مَحَقَّرَتِهِ إِيَّاهُ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر کس مؤمن فقیری را کوچک بشمارد، خداوند همواره او را کوچک شمارد تا زمانی که او دست از تحقیر مؤمن بردارد.

عَنْهُ قَالَ مَنْ اسْتَدَلَّ مُؤْمِنًا أَوْ حَقَّرَهُ لِفَقْرِهِ وَ قَلَّةِ ذَاتِ يَدِهِ شَهْرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِمَا يَفْضَحُهُ عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ لَا مَحَالَةَ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر کس مؤمنی را به خاطر فقرش و کمی مالش خوار کند یا کوچک بشمارد، سرانجام خداوند روز قیامت بین مردم او را به چیزی مشهور نماید که او را رسوا نماید.

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ أَرْصَدَ فِي مُحَارَبَتِي

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از قول رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر کس به یکی از دوستانم اهانتی کند، با من اعلان جنگ نموده است .

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا تُحَقِّرُوا فُقَرَاءَ شِيعَتِنَا فَإِنَّهُ مَنْ حَقَّرَ مُؤْمِنًا مِنْهُمْ فَقِيرًا وَ اسْتَخَفَّ بِهِ حَقَّرَهُ اللَّهُ وَ لَمْ يَزَلْ مَاقْتَالَهُ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ مَحَقَّرَتِهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: فقیران شیعه ما را تحقیر نکنید، زیرا هر کس مؤمن فقیر شیعه ای را تحقیر کند و او را خوار سازد، خداوند او را تحقیر کند، و همواره در این خواری می ماند تا دست از تحقیرش بردارد.

عَنْ الْبَجَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَا تَسْتَخْفُوا بِفُقَرَاءِ شِيعَةِ عَلِيٍّ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُشَفِّعُ فِي مِثْلِ رَبِيعَةَ وَ مُضَرَ

امام صادق علیه السلام فرمود: به فقیران شیعه علی علیه السلام توهین نکنید، زیرا یک نفر از آنان روز قیامت می تواند به اندازه قبیله ربیعه و مضر شفاعت کند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدِ اسْتَقْبَلَنِي بِمُحَارَبَتِي

امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر کس یکی از دوستان مرا مورد اهانت قرار دهد، با من اعلان جنگ نموده است .

عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِيَأْذُنِي بِحَرْبٍ مَنِ اسْتَدَلَ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ وَ أَنَا أَسْرَعُ شَيْءٍ إِلَى نُصْرَةِ أَوْلِيَائِي
معلى بن خنيس گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: خداوند متعال می فرماید:

هر کس بنده مؤمنم را خوار کند باید آماده جنگ با من شود، و من زودتر از همه به یاری دوستانم می شتابم .

عَنْ ابْنِ أَبِي يَغْفُورٍ عَنْهُ قَالَ قَالَ مَنْ عَظَّمَ دِينَ اللَّهِ عَظَّمَ حَقَّ إِخْوَانِهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس دین خدا را بزرگ بدارد، حق برادرانش را بزرگ داشته است .

عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِيَأْذُنِي بِحَرْبٍ مَنْ أَدَلَ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ وَ لِيَأْمَنُ غَضَبِي مَنْ أكرمَ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ
امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند متعال می فرماید: هر کس بنده مؤمنم را خوار سازد با من اعلان جنگ نموده ، و هر کس بنده مؤمن مرا گرامی دارد از غضب من در آسایش است .

عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ قَضَى حَاجَةَ الْمُؤْمِنِ مِنْ غَيْرِ اسْتِخْفَافٍ مِنْهُ أُسْكِنَ الْفِرْدَوْسَ
امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس بدون منت و تحقیر نمودن حاجت مؤمنی را بر آورد، در بهشت جای داده شود.

فصل دهم : در راز داری

(الفصل العاشر فی کتمان السر و ما يتصل به)

عَنْ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْخَيْرَةُ فِي يَدِهِ وَزَادَ فِيهِ غَيْرُهُ وَأَيُّمَا حَدِيثٍ جَاوَزَ اثْنَيْنِ فَقَدْ فَشَا

امام صادق عليه السلام از قول امیر مؤمنان عليه السلام فرمود: هر کس سر خود را پنهان دارد اختیارش به دست اوست ، و هر سخنی که از دو نفر تجاوز کرد پخش می شود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا تُطْلِعْ صَدِيقَكَ مِنْ سِرِّكَ إِلَّا عَلَى مَا لَوْ أُطْلِعْتَ عَلَيْهِ عَدُوُّكَ لَمْ يَضُرَّكَ فَإِنَّ الصَّدِيقَ قَدْ يَكُونُ عَدُوًّا يَوْمًا مَا

امام صادق عليه السلام فرمود: دوست خود را از سرت آگاه مکن ، مگر آن سری که اگر دشمنت آن را بفهمد به زیانت نباشد، زیرا روزی می رسد که همین دوست ، دشمن می شود.

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنْ كَانَ فِي يَدِكَ هَذِهِ شَيْءٌ فَاسْتَطَعْتَ أَنْ لَا تَعْلَمَ هَذِهِ فَاَفْعَلْ

امام کاظم عليه السلام فرمود: اگر در یک دستت چیزی داری و می توانی کاری کنی که دست دیگری از آن اطلاع پیدا نکند، حتما این کار را نکن .

وَجَدْتُ بِخَطِّ أَمِينِ الدِّينِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ الصَّادِقِ قَالَ قَالَ رَجُلٌ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِنَّ فُلَانًا يَنْسِبُكَ إِلَيَّ أَنْكَ ضَالٌّ مُبْتَدِعٌ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ مَا رَعَيْتَ حَقَّ

مُجَالَسَةِ الرَّجُلِ حَيْثُ نَقَلَتْ إِلَيْنَا حَدِيثَهُ وَ لَا أَدَّيْتَ حَقِّي حَيْثُ أُبَلِّغْتَنِي عَنْ أَخِي مَا لَسْتُ أَعْلَمُهُ إِنَّ الْمَوْتَ يَعْمُنَا وَ الْبُعْثَ مَحْشَرُنَا وَ الْقِيَامَةَ مَوْعِدُنَا وَ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَنَا إِيَّاكَ وَ الْغَيْبَةَ فَإِنَّهَا إِدَامُ كِلَابِ أَهْلِ النَّارِ وَ اعْلَمْ أَنَّ مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ عُيُوبِ النَّاسِ شَهِدَ عَلَيْهِ الْإِكْتَارُ أَنَّهُ إِنَّمَا يَطْلُبُهَا بِقَدْرِ مَا فِيهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: مردی به امام سجاد علیه السلام عرض کرد: فلانی تو را به گمراهی و بدعت گذاری متهم می کند، امام سجاد علیه السلام فرمود: تو حق همنشینی او را مراعات نکردی که گفته او را برای من نقل نمودی ، و حق مرا هم ادا نکردی که گفته برادرم را که من از آن خبر نداشتم برایم نقل نمودی ، همه ما خواهیم مرد، و همه ما روز قیامت بر انگیزخته خواهیم شد، و خداوند بین ما قضاوت می نماید، از غیبت دوری کن ! زیرا غیبت خورش سگهای دوزخ است ، و بدان ! هر کس عیبهای مردم را بین دیگران شایع کند، غیبت کننده او نیز بسیار می گرداند، و از او هم به اندازه ای که در اوست طلب می شود.

عَنْ السُّكُونِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ فَلْيَسْأَلْهُ عَنْ اسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ وَ قَبِيلَتِهِ وَ عَشِيرَتِهِ فَإِنَّهُ مِنَ الْحَقِّ الْوَاجِبِ وَ صِدْقِ الْإِحَاءِ أَنْ يَسْأَلَهُ عَنْ ذَلِكَ وَ إِلَّا فَإِنَّهَا مَعْرِفَةٌ حَمَقَاءُ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر گاه یکی از شما برادر مسلمانش را دوست بدارد، باید نامش و نام پدرش و نام قبیله و خویشاوندانش را بپرسد، زیرا از جمله حقوق واجب و صمیمیت در دوستی این است که اینها را از او بپرسد، و گر نه این آشنایی احمقانه است .

عَنِ الْكَاطِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا تُذْهِبِ الْحِشْمَةَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ أَخِيكَ وَابْقِ مِنْهَا فَإِنَّ
ذَهَابَ الْحِشْمَةِ ذَهَابُ الْحَيَاءِ

امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پرده شرم و حیای میان خود و برادر دینیت را بر
مدار، و آن را باقی گذار، زیرا از میان بردن آن باعث برداشتن حیاء است .

عَنِ الرَّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا كَانَ الرَّجُلُ حَاضِرًا فَكُنْهِ وَإِنْ كَانَ غَائِبًا فَسَمِّهِ
امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر گاه مرد در مجلس حاضر بود، او را با کنیه اش
صدا بزن ، و هر گاه غایب بود، با نامش از او یاد کن .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرَّجُلُ
الصَّالِحُ يَأْتِي بِالْخَيْرِ الصَّالِحِ وَالرَّجُلُ السَّوْءُ يَأْتِي بِالْخَيْرِ السَّوْءِ
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدران بزرگوارش از قول رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: مرد
درستکار همیشه خبر درست می آورد، و مرد بد همیشه خبر بد می آورد.

وَقَالَ إِسْمَاعِيلُ الْأَصَمُّ مِنْ غَيْرِ تَضَجُّرٍ صَدَقَةٌ هَنِئَةٌ
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: شنوایان شخص ناشنوا بدون اینکه دلتنگ شود،
صدقه ای گواراست .

باب نهم : در بیان مواعظ

الباب التاسع في ذكر المواعظ

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُوَّةُ الْأَجْسَادِ الطَّعَامُ وَقُوَّةُ الْأَرْوَاحِ الْإِطْعَامُ

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: غذای بدن‌ها طعام است ، و غذای جان‌ها اطعام می باشد.

وَقَالَ مَا ظَفِرَ مَنْ ظَفِرَ بِالْإِثْمِ وَالْغَالِبُ بِالشَّرِّ مَغْلُوبٌ

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: کسی که به وسیله گناه پیروز شود به پیروزی نرسیده است ، برتری از راه بدی مغلوب و شکست خورده است .

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ اجْتَمَعَتْ عَلَيْهِ كَلِمَةٌ بِحُسْنِ الثَّنَاءِ فَاتَّهَمُوهُ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْكُمْ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کسی که در بین مردم به خوبی معروف شده ، او را متهم بدانید، زیرا او از شما نیست .

وَعَنْهُ قَالَ إِذَا رَأَيْتُمُ الْعَبْدَ مُعْتَقِدًا لِذُنُوبِ النَّاسِ نَاسِيًا لِذُنُوبِهِ فَاعْلَمُوا أَنَّهُ قَدْ مُكِرَ

به

امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه با بنده ای روبرو شدید که در جستجوی

گناهان مردم است ، و گناهان خود را فراموش نموده ، بدانید او گرفتار مکر شده است .

وَ عَنْهُ قَالَ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ نَبِيٌّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا تَلْبَسُوا النَّاسَ
لِبَاسِ أَعْدَائِي وَلَا تَطْعَمُوا طَعَامَ أَعْدَائِي وَلَا تَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِي فَتَكُونُوا
أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند به یکی از پیامبرانش وحی فرمود: به مؤمنان
بگو: لباس دشمنان مرا به تن نکنید، و از غذای دشمنان من نخورید، و راه
دشمنانم را نپوید، زیرا در غیر این صورت شما نیز از دشمنانم خواهید بود،
همان طور که آنان دشمن من هستند.

عَنْهُ قَالَ لَقِيَ يَوْسُفُ رَجُلًا فَقَالَ الرَّجُلُ وَاللَّهِ إِنِّي لَأُحِبُّكَ فَقَالَ لَهُ يَوْسُفُ فِي
الْحُبِّ لَقَيْتُ مَا لَقَيْتُ أَحَبَّنِي أَبِي فَلَقَيْتُ مِنْ إِخْوَتِي مَا لَقَيْتُ وَأَحَبَّتْنِي امْرَأَةُ الْعَزِيزِ
فَلَقَيْتُ مَا لَقَيْتُ فَلَسْتُ أُرِيدُ أَنْ يُحِبَّنِي إِلَّا رَبِّي تَبَارَكَ وَتَعَالَى

امام صادق عليه السلام فرمود: حضرت یوسف عليه السلام مردی را ملاقات کرد، مرد به او
گفت: به خدا قسم، من تو را دوست دارم، یوسف به او گفت: آنچه باید به من
برسد در چاه رسید؛ پدرم مرا دوست می داشت، و من از برادرانم دیدم آنچه را
باید ببینم، زن عزیز مصر به من اظهار محبت نمود و دیدم آنچه را باید می دیدم
، اکنون دیگر نمی خواهم غیر خدا کسی مرا دوست بدارد.

عَنْهُ قَالَ نَحْنُ عَلَوِيُّونَ وَ شَيْعَتُنَا عَلَوِيُّونَ وَ هُمْ خَيْرٌ مِنَّا لِأَنَّهُمْ يُقْتَلُونَ فِيْنَا وَ لَا
تُقْتَلُ فِيهِمْ

امام صادق عليه السلام فرمود: ما مقامی والا داریم ، و شیعیانمان صاحب مقامی
والا هستند، آنان از ما بهترند، زیرا آنان در راه ما کشته می شوند، ولی ما در راه
آنان کشته نمی شویم .

عَنْ عُنْوَانَ الْبَصْرِيِّ وَكَانَ شَيْخًا كَبِيرًا قَدْ آتَى عَلَيْهِ أَرْبَعٌ وَ تِسْعُونَ سَنَةً قَالَ
كُنْتُ اخْتَلَفْتُ إِلَى مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ سِنِينَ فَلَمَّا حَضَرَ جَعْفَرُ الصَّادِقُ عليه السلام الْمَدِينَةَ
اخْتَلَفْتُ إِلَيْهِ وَ أَحْبَبْتُ أَنْ آخُذَ عَنْهُ كَمَا أَخَذْتُ مِنْ مَالِكٍ فَقَالَ لِي يَوْمًا إِنِّي رَجُلٌ
مَطْلُوبٌ وَ مَعَ ذَلِكَ لِي أَوْزَادٌ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ آتَاءِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ فَلَا تَشْغَلْنِي عَنْ
وَرَدِي فَخُذْ عَنْ مَالِكٍ وَ اخْتَلَفْ إِلَيْهِ كَمَا كُنْتُ تَخْتَلِفُ إِلَيْهِ فَاعْتَمَمْتُ مِنْ ذَلِكَ وَ
خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ وَ قُلْتُ فِي نَفْسِي لَوْ تَفَرَّسَ فِيَّ خَيْرًا لَمَا زَجَرَنِي عَنْ الْاِخْتِلَافِ
إِلَيْهِ وَ الْاِخْذِ عَنْهُ فَدَخَلْتُ مَسْجِدَ الرَّسُولِ وَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ ثُمَّ رَجَعْتُ مِنَ الْعَدْرِ إِلَى
الرَّوَضَةِ وَ صَلَّيْتُ فِيهَا رُكْعَتَيْنِ وَ قُلْتُ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْ تَعْطِفَ عَلَيَّ قَلْبَ
جَعْفَرٍ وَ تَرْزُقَنِي مِنْ عِلْمِهِ مَا أَهْتَدِي بِهِ إِلَى صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ وَ رَجَعْتُ إِلَى دَارِي
مُعْتَمًا حَزِينًا وَ لَمْ اخْتَلِفْ إِلَى مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ لِمَا أُشْرِبَ قَلْبِي مِنْ حُبِّ جَعْفَرٍ فَمَا
خَرَجْتُ مِنْ دَارِي إِلَّا إِلَى الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ حَتَّى عَيْلَ صَبْرِي فَلَمَّا ضَاقَ صَدْرِي
تَنَعَّلْتُ وَ تَرَدَّيْتُ وَ قَصَدْتُ جَعْفَرًا وَ كَانَ بَعْدَ مَا صَلَّيْتُ الْعَصْرَ فَلَمَّا حَضَرْتُ بَابَ
دَارِهِ اسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ فَخَرَجَ خَادِمٌ لَهُ فَقَالَ مَا حَاجَتُكَ فَقُلْتُ السَّلَامُ عَلَى الشَّرِيفِ
فَقَالَ هُوَ قَائِمٌ فِي مُصَلَّاهُ فَجَلَسْتُ بِجِذَاءِ بَابِهِ فَمَا لَبِثْتُ إِلَّا يَسِيرًا إِذْ خَرَجَ خَادِمٌ لَهُ
قَالَ ادْخُلْ عَلَى بَرَكَةِ اللَّهِ فَدَخَلْتُ وَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيَّ السَّلَامَ وَ قَالَ اجْلِسْ
عَفَرَ اللَّهُ لَكَ فَجَلَسْتُ فَأَطْرَقَ مَلِيًّا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ قَالَ أَبُو مَنْ قُلْتُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ
قَالَ ثَبَّتَ اللَّهُ كُنْيَتَكَ وَ وَفَّقَكَ لِمَرْضَاتِهِ قُلْتُ فِي نَفْسِي لَوْ لَمْ يَكُنْ لِي مِنْ زِيَارَتِهِ وَ
التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ غَيْرُ هَذَا الدُّعَاءِ لَكَانَ كَثِيرًا ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ يَا أَبَا

عَبْدِ اللَّهِ مَا حَاجْتُكَ قُلْتُ سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يُعْطِفَ قَلْبَكَ عَلَيَّ وَ يَرْزُقَنِي مِنْ عِلْمِكَ
وَأَرْجُو أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَجَابَنِي فِي الشَّرِيفِ مَا سَأَلْتُهُ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَيْسَ الْعِلْمُ
بِالتَّعَلُّمِ إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقَعُ فِي قَلْبٍ مَنْ يُرِيدُ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْ يُبَدِّدَهُ فَإِنْ أَرَدْتَ
الْعِلْمَ فَاطْلُبْ أَوَّلًا مِنْ نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ وَ اطْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْتِعْمَالِهِ وَ اسْتَفْهِمِ اللَّهَ
يُفْهِمُكَ قُلْتُ يَا شَرِيفُ فَقَالَ قُلْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا حَقِيقَةُ
الْعُبُودِيَّةِ قَالَ ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا حَوَّلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكًا لِأَنَّ
الْعَبِيدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مَلِكٌ يَرُونَ الْمَالَ مَالَ اللَّهِ يَضَعُونَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ وَ
لَا يُدَبِّرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَدْبِيرًا وَ جُمْلَةً اشْتِغَالَهُ فِيمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ وَ نَهَاهُ عَنْهُ فَإِذَا
لَمْ يَرَ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا حَوَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَى مَلَكًا هَانَ عَلَيْهِ الْإِنْفَاقُ فِيمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى
أَنْ يُنْفِقَ فِيهِ وَ إِذَا فَوَّضَ الْعَبْدُ تَدْبِيرَ نَفْسِهِ عَلَى مُدَبِّرِهِ هَانَ عَلَيْهِ مَصَائِبُ الدُّنْيَا وَ
إِذَا اشْتَغَلَ الْعَبْدُ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَ نَهَاهُ لَا يَتَفَرَّغُ مِنْهُمَا إِلَى الْمِرَاءِ وَ الْمُبَاهَاةِ مَعَ
النَّاسِ فَإِذَا أَكْرَمَ اللَّهُ الْعَبْدَ بِهَذِهِ الثَّلَاثِ هَانَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَ إِبْلِيسُ وَ الْخَلْقُ وَ لَا
يَطْلُبُ الدُّنْيَا تَكَثُرًا وَ تَفَاخُرًا وَ لَا يَطْلُبُ عِنْدَ النَّاسِ عِزًّا وَ عُلُوًّا وَ لَا يَدْعُ أَيَّامَهُ
بَاطِلًا فَهَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ الْمُتَّقِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ
لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَ لَافْسَادًا وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
أَوْصِنِي فَقَالَ أَوْصِيكَ بِتِسْعَةِ أَشْيَاءَ فَإِنَّهَا وَصِيَّتِي لِمُرِيدِي الطَّرِيقِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ
جَلَّ وَ اللَّهُ أَسْأَلُ أَنْ يُوفِّقَكَ لِاسْتِعْمَالِهِ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي رِيَاضَةِ النَّفْسِ وَ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا
فِي الْحِلْمِ وَ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي الْعِلْمِ فَاحْفَظْهَا وَ إِيَّاكَ وَ التَّهَؤُنَ بِهَا قَالَ عُنَوَانُ فَرَعَنْتُ
قَلْبِي لَهُ فَقَالَ أَمَّا اللَّوَاتِي فِي الرِّيَاضَةِ فَإِيَّاكَ أَنْ تَأْكُلَ مَا لَا تَشْتَهِيهِ فَإِنَّهُ يُورِثُ
الْحِمَاقَةَ وَ الْبَلَهَ وَ لَا تَأْكُلْ إِلَّا عِنْدَ الْجُوعِ وَ إِذَا أَكَلْتَ فَكُلْ حَلَالًا وَ سَمَّ اللَّهُ وَ اذْكُرْ
حَدِيثَ الرَّسُولِ مَا مَلَأَ آدَمِيَّ وَعَاءً شَرًّا مِنْ بَطْنِهِ فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ فَتَلْتُ لِعَطَامِهِ وَ ثُلْتُ
لِشَرَابِهِ وَ ثُلْتُ لِنَفْسِهِ وَ أَمَّا اللَّوَاتِي فِي الْحِلْمِ فَمَنْ قَالَ لَكَ إِنْ قُلْتَ وَاحِدَةً سَمِعْتَ

عَشْرًا فَقُلْ إِنْ قُلْتَ عَشْرًا لَمْ تَسْمَعْ وَاحِدَةً وَ مَنْ شَتَمَكَ فَقُلْ إِنْ كُنْتَ صَادِقًا فِيمَا تَقُولُ فَاللَّهُ أَسْأَلُ أَنْ يَغْفِرَهَا لِي وَإِنْ كُنْتَ كَاذِبًا فِيمَا تَقُولُ فَاللَّهُ أَسْأَلُ أَنْ يَغْفِرَهَا لَكَ وَ مَنْ وَعَدَكَ بِالْجَفَاءِ فَعِدْهُ بِالنَّصِيحَةِ وَ الدُّعَاءِ وَ أَمَّا اللُّوَاتِي فِي الْعِلْمِ فَاسْأَلِ الْعُلَمَاءَ مَا جَهِلْتَ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَسْأَلَهُمْ تَعْتَنَّا وَ تَجْرِبَةً وَ إِيَّاكَ أَنْ تَعْمَلَ بِرَأْيِكَ شَيْئًا وَ خُذْ بِالْاِحْتِيَاظِ فِي جَمِيعِ مَا تَجِدُ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ اهْرُبْ مِنَ الْفِتْيَا هَرَبَكَ مِنَ الْأَسَدِ وَ لَا تَجْعَلْ رَقَبَتَكَ لِلنَّاسِ جِسْرًا فَمَنْ عَنِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَقَدْ نَصَحْتُ لَكَ وَ لَا تُفْسِدْ عَلَيَّ وَرِدِّي فَإِنِّي أَمْرِي أَمْرٌ وَ ضَيْنِي بِنَفْسِي وَ السَّلَامُ

عنوان بصری که پیرمردی نود و چهار ساله ای بود گوید: حدود دو سال با مالک بن انس رفت و آمد داشتم ، هنگامی که امام صادق علیه السلام وارد مدینه شد، خدمت آن حضرت می رسیدم و دوست داشتم آنچه را از مالک می آموختم از آن حضرت بیاموزم ، روزی حضرت به من فرمود: من از طرف حکومت تحت نظر می باشم ، بعلاوه اینکه در هر ساعت از شب و روز نیز اوراد و اذکاری دارم که باید بگویم ، مرا از گفتن ذکر باز مدار، و همان طور که قبلا نزد مالک می رفتی حالا هم برو و مسائلت را از او پیرس ، من از این سخنان غمگین شدم ، و از نزد ایشان رفتم ، و با خود گفتم : اگر در من خیری می دید مرا از خود نمی راند، و به مالک حواله نمی نمود، بار دیگر وارد مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله شدم و بر امام علیه السلام سلام کردم ، سپس از کنار قبر پیامبر وارد حرم شدم و در آنجا دو رکعت نماز خواندم ، و گفتم : خدایا! از تو می خواهم که دل جعفر را به طرف من متمایل سازی ، و از علم او نصیبم گردانی تا با آن به راه راست هدایت شوم .

بعد با غم و اندوه به طرف خانه ام رفتم ، و چون محبت جعفر در دلم جای گرفته بود دیگر نزد مالک هم نرفتم ، از آن به بعد از منزلم خارج نشدم مگر

برای خواندن نماز واجب ، تا اینکه صبرم تمام شد، و چون دلتنگ شدم کفشم را پوشیدم و رداء بر دوش انداختم و بعد از خواندن نماز عصر به طرف منزل جعفر حرکت نمودم ، چون بدان جا رسیدم اجازه ورود خواستم ، خادم ایشان بیرون آمد و گفت : چه می خواهی ؟ گفتم :

خواستم خدمت آن بزرگوار برسم و سلامی بدهم ، گفت : ایشان نماز می خوانند، کنار در توقف نمودم ، بعد از مدت کمی خادم بار دیگر آمد و گفت : برکت خدا وارد شو، وارد شدم و سلام کردم ، ایشان پاسخ را دادند و فرمود: بنشین خدا تو را رحمت کند، نشستم و ایشان بعد از احوال پرسی سرش را بلند کرد و فرمود: کنیه ات چیست ؟ گفتم : اُبو عبد الله . فرمود: خداوند کنیه ات را مستدام بدارد، و در آنچه رضای اوست موفق بدارد، با خود گفتم : اگر از این ملاقات و عرض سلام خدمت حضرت هیچ بهره دیگری غیر از این دعا نداشته باشد، برایم خیر بسیاری است .

سپس حضرت اندکی تأمل نمود، آنگاه سرش را بلند کرد و فرمود: یا اُبا عبد الله ! چه می خواهی ؟ گفتم : از خدا خواسته ام که دلت را بر من متمایل گرداند و از علمت به من نصیب گرداند، و از خداوند امید دارم که هر چه من از آن بزرگوار می پرسم پاسخم گوید.

حضرت فرمود: یا اُبا عبد الله ! علم و دانش به یادگیری نیست ، بلکه نوری است در دل کسی که خدای متعال می خواهد او را هدایت کند، اگر طالب علم هستی ابتدا بندگی حقیقی را در خود به وجود آور، و علم را برای عمل کردن بیاموز، و از خداوند فهم بخواه تا تو را فهیم گرداند، گفتم : ای شریف ! فرمود: بگو: یا اُبا عبد الله ، گفتم : یا ابا عبد الله ! حقیقت بندگی چیست ؟ فرمود: به سه چیز است : اول اینکه بنده آنچه را خدا به او بخشیده ملک خود نداند، زیرا

بندگان مالک نیستند، بلکه مال را از آن خدا می بینند، و هر کجا خدا فرمان داد مصرفش می کنند، دوم اینکه : بنده تدبیر امور خودش را نمی نماید، سوم اینکه : تمام وقت خود را صرف انجام اوامر خدا و ترک نواهی او کند، بنا بر این ؛ هر گاه بنده چیزی را که خدا به او بخشیده ملک خود نداند انفاقش در راه خدا بر وی آسان گردد، و هر گاه تدبیر امورش را به دست مدبر واقعی سپرد، سختیهای دنیا برایش آسان شود، و هر گاه بنده به امر و نهی خدا گردن نهاد، هیچ گاه با مردم جدال نمی کند، و به آنان فخر نمی فروشد.

هر گاه خداوند به بنده این سه خصلت را عطا فرمود، دنیا و شیطان و مردم در نظرش خوار می شود، و به خاطر مال جمع کردن و فخر فروشی به دنبال دنیا نمی رود، و از مردم عزت و مقام نمی طلبد، و اوقاتش را هدر نمی دهد، این اولین درجه پرهیزگاران است ، خداوند متعال می فرماید: (جهان آخرت را برای کسانی مهیا نمودیم که در روی زمین دنبال مقام پرستی نرفته و مرتکب فساد نشده باشند و پایان نیک برای پرهیزگاران است).

گفتم : یا ابا عبد الله ! مرا نصیحتی فرما، فرمود: تو را به نه چیز سفارش می کنم ، و این نه چیز سفارش من است به کسانی که پویندگان راه به سوی خدا هستند، و از خداوند می خواهیم که تو را در عمل به آنها توفیق عنایت فرماید، سه تای آنها در تربیت نفس است ، و سه تای آنها در بردباری ، و سه تای آنها در علم ، آنها را به خاطر بسیار، و در مورد آنها سهل انگاری مکن ، عنوان گوید: دلم را برای شنیدن آماده ساختم .

حضرت فرمود: اما سه وصیتی که به تربیت نفس مربوط می شود: اول اینکه : آنچه را دوست نداری نخور، زیرا موجب حماقت و نادانی می شود، دوم اینکه : تا گرسنه نشدی غذا نخور، و هر گاه خواستی غذا بخوری غذایت حلال باشد و

بسم الله بگو، و به یاد آور سخن رسول خدا ﷺ را که فرمود: آدمی ظرفی را بدتر از شکمش پر نکند، در این صورت اگر ناچار شد یک سوم آن را برای غذایی، و یک سومش را برای نوشیدنی، و یک سوم دیگر را برای نفس کشیدن بگذارد.

اما آن سه خصلت که در بردباری است: اول اینکه، اگر کسی به تو گفت: اگر یکی بگویی ده تا می شنوی، بگو: اگر ده تا هم بگویی یکی نمی شنوی، دوم اینکه، اگر کسی دشنامت داد بگو: اگر تو راست می گویی از خدا می خواهم که مرا ببخشد، و اگر دروغ می گویی از خدا می خواهم که تو را ببخشد، سوم اینکه: اگر کسی تو را تهدید نمود تو او را اندرز ده و برایش دعا کن.

و اما آن سه خصلت که در علم است: اول اینکه، آنچه را نمی دانی از علما بپرس، و هرگز برای سرزنش کردن و آزمایش نمودن آنها سؤال نکنی، از عمل کردن به رأی خود بر حذر باش، و در هر چه احتیاط را مناسب می بینی احتیاط کن، و از فتوی دادن بگریز همان گونه که از دست شیر می گریزی، و گردن خود را پل برای مردم قرار مده، بعد فرمود: اینک برخیز و برو یا ابا عبد الله، من نصایح خود را به تو گفتم، و مزاحم ذکر گفتم نشو، زیرا من انسانی هستم که بر اوقاتم مواظبم، و السلام.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ تَعَالَى أَنَا مَعَ الْإِنْسَانِ فِي نَبَأٍ عَظِيمٍ أُخْلِقُهُ وَيَعْبُدُ غَيْرِي وَأُعْطِيهِ وَيَحْمَدُ غَيْرِي وَأَمْنَعُهُ وَيَشْكُو غَيْرِي

رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند متعال می فرماید: مرا با انسان امری بزرگ است، او را آفریدم و او غیر مرا می پرستد، به او رزق و روزی دادم ولی او دیگری را ستایش نمود، روزیش را قطع نمودم و او به دیگری شکوه کرد.

وَأَيْضًا قَالَ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مُوسَى أَنِّي وَضَعْتُ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ فِي خَمْسَةِ أَشْيَاءَ وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَ فِي خَمْسَةِ أُخْرَى فَمَتَى يَجِدُونَ إِنِّي وَضَعْتُ عِزَّ عِبَادِي فِي طَاعَتِي فَهُمْ يَطْلُبُونَ مِنْ بَابِ السُّلْطَانِ فَمَتَى يَجِدُونَ وَإِنِّي وَضَعْتُ الْعِلْمَ وَالْحِكْمَةَ فِي الْجُوعِ وَهُمْ يَطْلُبُونَ فِي الشَّبَعِ فَمَتَى يَجِدُونَ وَإِنِّي وَضَعْتُ الْغِنَى فِي الْقِنَاعَةِ وَهُمْ يَطْلُبُونَ فِي الْمَالِ فَمَتَى يَجِدُونَ وَإِنِّي وَضَعْتُ الرَّاحَةَ فِي الْآخِرَةِ وَهُمْ يَطْلُبُونَ فِي الدُّنْيَا فَمَتَى يَجِدُونَ وَإِنِّي وَضَعْتُ رِضَايَ فِي مُخَالَفَةِ هَوَاهُمْ وَهُمْ يَطْلُبُونَ فِي مُوَافَقَةِ هَوَاهُمْ فَمَتَى يَجِدُونَ

رسول خدا ﷺ فرمود: خدای متعال به موسی عليه السلام وحی فرمود: من پنج چیز را در گرو پنج چیز قرار دادم، ولی مردم آن را در پنج چیز دیگر می جویند، کی آن را می یابند؟

نخست اینکه: عزت بندگانم را در اطاعت از خود قرار دادم، ولی آنان عزت را در خانه سلطان می جویند، چه زمانی آن را می یابند؟ دوم اینکه: من علم و دانش را در گرسنگی قرار دادم، و آنان در سیری شکم آن را طلب می کنند، کی آن را می یابند؟ سوم اینکه: من بی نیازی را در قناعت قرار دادم، و آنان در اندوختن ثروت می جویند، کی آن را می یابند؟ چهارم اینکه: من آسایش را در آخرت قرار دادم، در حالی که آنان در دنیا به دنبالش می روند، کی به آن می رسند؟ پنجم اینکه: من خوشنودیم را در مخالفت آنان با هوای نفس قرار دادم، ولی آنان در پیروی از هوای نفس می جویند، کی به آن برسند؟

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ قَالَ سَمِعْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ لَا يُخَلِّدُ اللَّهُ فِي النَّارِ إِلَّا أَهْلَ الْكُفْرِ وَالْجُحُودِ وَأَهْلَ الضَّلَالِ وَالشَّرْكِ وَمَنِ اجْتَنَبَ الْكِبَائِرَ مِنَ

الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يُسْأَلْ عَنِ الصَّغَائِرِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِنَّ تَجْتَنِبُوا كِبَائِرَ مَا تُتْهَوْنَ
 عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا قَالَ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ
 فَالْشَّفَاعَةُ لِمَنْ تَجِبُ مِنَ الْمُذْنِبِينَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ
 سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ إِنَّمَا شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي فَأَمَّا الْمُحْسِنُونَ مِنْهُمْ
 فَمَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ قَالَ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَكَيْفَ تَكُونُ
 الشَّفَاعَةُ لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ وَاللَّهُ تَعَالَى ذَكَرَهُ يَقُولُ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى وَمَنْ
 ارْتَكَبَ الْكِبَائِرَ لَا يَكُونُ مُرْتَضَى فَقَالَ يَا أَبَا أَحْمَدَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَرْتَكِبُ ذَنْبًا إِلَّا
 سَاءَ ذَلِكَ وَنَدِمَ عَلَيْهِ وَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ كَفَى بِالنَّدَمِ تَوْبَةً وَقَالَ مَنْ سَرَّتْهُ حَسَنَتُهُ وَ
 سَاءَتْهُ سَيِّئَتُهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ فَمَنْ لَمْ يَنْدَمْ عَلَى ذَنْبٍ يَرْتَكِبُهُ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَلَمْ تَجِبْ لَهُ
 الشَّفَاعَةُ وَكَانَ ظَالِمًا وَاللَّهُ تَعَالَى ذَكَرَهُ يَقُولُ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ
 يُطَاعُ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ كَيْفَ لَا يَكُونُ مُؤْمِنًا مَنْ لَا يَنْدَمْ عَلَى ذَنْبٍ يَرْتَكِبُهُ
 فَقَالَ يَا أَبَا أَحْمَدَ مَا مِنْ أَحَدٍ يَرْتَكِبُ كَبِيرَةً مِنَ الْمَعَاصِي وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ سَيُعَاقَبُ
 عَلَيْهَا إِلَّا نَدِمَ عَلَى مَا ارْتَكَبَ وَمَتَى نَدِمَ كَانَ تَائِبًا مُسْتَحِقًّا لِلشَّفَاعَةِ وَمَتَى لَمْ يَنْدَمْ
 عَلَيْهَا كَانَ مُصِرًّا وَالْمُصِرُّ لَا يُغْفَرُ لَهُ لِأَنَّهُ غَيْرُ مُؤْمِنٍ بِعُقُوبَةِ مَا ارْتَكَبَ وَلَوْ كَانَ
 مُؤْمِنًا بِالْعُقُوبَةِ لَنَدِمَ وَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ لَا كَبِيرَةَ مَعَ الْإِسْتِغْفَارِ وَلَا صَغِيرَةَ مَعَ الْإِصْرَارِ وَ
 أَمَّا قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى فَإِنَّهُمْ لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى
 اللَّهُ دِينَهُ وَالَّذِينَ الْأَقْرَارُ بِالْجَزَاءِ عَلَى الْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ فَمَنْ ارْتَضَى اللَّهُ دِينَهُ
 نَدِمَ عَلَى مَا ارْتَكَبَهُ مِنَ الذُّنُوبِ لِمَعْرِفَتِهِ بِعَاقِبَتِهِ فِي الْقِيَامَةِ

محمد بن ابی عمیر گوید: از امام کاظم ع شنیدم که می فرمود: خداوند در
 آتش جاودان ننماید مگر کفار و منکران و گمراهان و مشرکان ، و هر مؤمنی که
 از گناهان کبیره دوری کند خداوند او را از گناهان صغیره باز خواست نمی کند،
 خداوند متعال می فرماید: (اگر از گناهان کبیره ای که از آن نهی شده اید دوری

کنید ما گناهان (صغیره) شما را پرده پوشی می کنیم ، و شما را در جایگاهی بزرگ قرار می دهیم).

راوی گوید: گفتم : یا ابن رسول الله ! پس شفاعت شامل کدامیک از گناهکاران می شود؟ فرمود: پدرم از پدرانش از علی علیه السلام نقل کند که فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: شفاعت من برای کسانی از امت است که گناه کبیره ای مرتکب شده اند، و اما نیکوکاران نیازی به شفاعت ندارند.

ابن ابی عمیر گوید: عرض کردم : یا ابن رسول الله ! چگونه شفاعت شامل اهل کبائر می شود، در حالی که خداوند متعال می فرماید: (شفاعت نمی کنند مگر برای کسانی که خدا رضایت دهد) و هر که مرتکب گناه کبیره شود مورد رضایت خدا نیست ؟

فرمود: ای ابا احمد! هیچ مؤمنی مرتکب گناه نمی شود مگر آنکه از کارش ناراحت و پشیمان می شود، و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پشیمانی خود توبه است ، و فرمود: هر کس از کار خویش خوشش آید و از کار بدش آزرده شود مؤمن است ، و فرمود: هر کس بر گناهی که کرده پشیمان نشود مؤمن نیست ، و مورد شفاعت قرار نگیرد و ظالم خواهد بود، و خداوند متعالی فرمود: (ظالمان حمایت نشوند و مورد شفاعت قرار نگیرند).

عرض کردم : یا ابن رسول الله ! چگونه کسی که بر ارتکاب گناهش پشیمان نشود مؤمن به حساب نمی آید؟ فرمود: ای ابا احمد! هیچ کسی نیست که گناهی کبیره را مرتکب شود و بداند که بر آن عقاب می شود و از کارش پشیمان نشود، و چون پشیمان شد همین توبه است و سزاوار شفاعت می شود، و هر گاه پشیمان نشد اصرارکننده بر گناه به حساب آید، و چنین کسی هرگز آمرزیده نخواهد شد، زیرا او به واسطه عقوبت گناهی که مرتکب شده دیگر مؤمن نیست

، چون اگر ایمان به عقوبت داشت پشیمان می شد، و رسول خدا ﷺ فرمود: با توبه ، کبیره از بین می رود و با اصرار بر گناه ، صغیره تبدیل به کبیره می شود. و اما سخن خدای متعالی که فرمود: (شفاعت نمی کنند مگر کسی را که خدا رضایت دهد یعنی): آنان برای کسی که دینش را خدا نپذیرد شفاعت نمی کنند، و دین عبارتست از اقرار به پاداش بر نیکی ها و بدی ها، هر کس دینش مورد قبول خدا باشد نسبت به گناهایی که مرتکب شده پشیمان می شود، چون نسبت به عاقبتش در قیامت آگاه است .

باب دهم : متفرقات و در آن نه فصل است

الباب العاشر فی المتفرقات

فصل اول : دعا برای برادران مؤمن

فی الدعاء لا خیک بظہر الغیب

عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ أَكْرَمَ مُؤْمِنًا فَإِنَّمَا يُكْرِمُ اللَّهُ وَ مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ الْبَلَاءَ وَ دَرَّ عَلَيْهِ الرِّزْقُ
امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس مؤمنی را گرامی بدارد خدا را گرامی داشته ، و هر کس برادر مؤمنش را دعا کند خداوند بلا را از او بر طرف کند و روزیش را زیاد گرداند.

وَ قَالَ دُعَاءُ الْمُؤْمِنِ لِلْمُؤْمِنِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ يَدْفَعُ عَنْهُ الْبَلَاءَ وَ يُدْرُ عَلَيْهِ الرِّزْقَ
امام صادق عليه السلام فرمود: دعا مؤمن برای مؤمن در نهان بلا را از او دور می کند و روزیش را زیاد می گرداند.

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ رَجُلٍ يَدْعُو لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ إِلَّا وَكَّلَ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يَقُولُ لَهُ وَ لَكَ مِثْلُ مَا دَعَوْتَ لِأَخِيكَ
امام صادق عليه السلام از قول رسول خدا صلى الله عليه وسلم فرمود: هیچ مردی برای برادرش پنهانی دعا نکرد، مگر اینکه خداوند فرشته ای را موظف می کند که برایش دعا کند و بگوید: برای تو هم مثل آنچه برای برادرت دعا کردی نصیب گردد.

عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَنْ قَدَّمَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا مِنْ إِخْوَانِهِ قَبْلَ أَنْ يَدْعُوا لِنَفْسِهِ اسْتُجِيبَ لَهُ فِيهِمْ وَ فِي نَفْسِهِ

امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس قبل از دعا کردن برای خودش چهل نفر از برادرانش را بر خود مقدم بدارد، خداوند دعایش را در مورد آنها و در مورد خودش اجابت کند.

عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام أَرَأَيْتَ إِنْ احْتَجَجْتُ إِلَى الطَّيِّبِ وَ هُوَ نَصْرَانِيٌّ أُسَلِّمُ عَلَيْهِ وَ أَدْعُو لَهُ قَالَ نَعَمْ لَا يَنْفَعُهُ دُعَاؤُكَ فِي الْقِرْعَةِ

عبد الرحمن بن حجاج گوید: خدمت حضرت کاظم عليه السلام عرض کردم: جایز است که هر گاه به طیب نصرانی احتیاج پیدا کردم و نزد وی رفتم به او سلام کنم و برایش دعا کنم؟ فرمود: بلی، و لکن دعای شما سودی به حالش ندارد.

فصل دوم : قرعه

(فصل دوم : قرعه)

عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ مَوْلُودٍ لَيْسَ لَهُ مَا لِلرِّجَالِ وَ لَيْسَ لَهُ مَا لِلنِّسَاءِ فَقَالَ هَذَا يُقْرَعُ عَلَيْهِ يُكْتَبُ عَلَى سَهْمِ عَبْدِ اللَّهِ وَ يُكْتَبُ عَلَى الْآخِرِ أُمَّةُ اللَّهِ ثُمَّ يَقُولُ الْإِمَامُ أَوْ الْمُقْرَعُ اللَّهُمَّ أَنْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ بَيْنَ لَنَا أَمْرٍ هَذَا الْمَوْلُودِ حَتَّى نُورِثَهُ مَا فَارَضْتَ لَهُ فِي كِتَابِكَ قَالَ ثُمَّ يُطْرَحُ السَّهْمَانِ فِي سِهَامِ مُبْهَمَةٍ ثُمَّ تُجَالُ فَأَيُّهُمَا خَرَجَ يُورَثُ عَلَيْهِ

فضیل بن سيار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم : طفلی متولد شده که نه علامت مرد دارد، و نه علامت زن ، فرمود: در این مورد باید امام بر او قرعه اندازد، روی برگه ای نام عبد الله و روی برگه دیگر نام امة الله نوشته می شود، سپس امام یا قرعه زننده می گوید:

«پروردگارا! هیچ خدایی جز تو نیست ، از نهان و آشکار آگاهی ، تو روز قیامت بین بندگان در اختلافاتشان حکم می کنی ، امر این نوزاد را برای ما روشن گردان تا آنچه را در کتابت واجب نموده ای از ارث به او بدهیم»، فرمود: سپس این دو را در میان چند اسم نامشخص قرار داده و مخلوط می کنند، هر کدام از آن دو در آمد سهم ارثش را می دهند.

سَأَلَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ مَسْأَلَةٍ فَقَالَ هَذِهِ تُخْرَجُ فِي الْقُرْعَةِ ثُمَّ قَالَ
وَ أَى قَضِيَّةٍ أَعْدَلُ مِنَ الْقُرْعَةِ إِذَا فُوضَ الْأَمْرُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَلَيْسَ اللَّهُ تَبَارَكَ
وَ تَعَالَى يَقُولُ فَسَاهِمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ

یکی از اصحاب ما از امام صادق علیه السلام در باره مسأله ای پرسید، امام فرمود: این مطلب با قرعه مشخص می شود، سپس فرمود: کدام حکم از قرعه عادل تر است ، هر گاه مطلب به خداوند واگذار شود؟ مگر خداوند در قرآن نفرموده :
(آنان قرعه زدند و یونس جزء غرق شوندگان قرار گرفت)؟

فصل سوم : در بیان حفظ نفس و تهذیب آن

(فی الصیانة و المرأشد و التهذیب)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا ظَنَنْتَ أَنَّ الْحَقَّ مُهْلِكُكَ فَهُوَ مُنْجِيكَ وَإِذَا ظَنَنْتَ أَنَّ الْبَاطِلَ مُنْجِيكَ فَإِنَّهُ مُهْلِكُكَ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر گاه گمان کنی که حق ؛ هلاک کننده توست ، حق نجات دهنده ات شود، و هر گاه گمان کنی که باطل نجات دهنده توست ، تو را هلاک سازد.

عَنْهُ قَالَ إِنِّي لَأُحِبُّ لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَكُونَ دَاعِيَةً إِلَى دِينِهِ وَ قِسْمَتِهِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: من دوست دارم برای مرد مسلمان که : برای حفظ دین و روزیش دعا کند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ وَجَدَ بَرْدَ حُبِّنا عَلَى قَلْبِهِ فَلْيُحْمَدِ اللَّهَ عَلَى بَادِي النَّعْمِ قِيلَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَمَا بَادِي النَّعْمِ قَالَ طَيْبُ الْمَوْلِدِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر کس خنکی محبت ما را در دلش احساس کرد، باید نخست خداوند را بر اولین نعمتها سپاس گوید، پرسیده شد: فرزند رسول خدا! اولین نعمتها چیست ؟ فرمود: حلال زادگی .

عَنْهُ قَالَ مَنْ كَانَ يُحِبُّنا وَ هُوَ فِي مَوْضِعٍ لَا يَشْبِيْنُهُ فَهُوَ مِنْ خَالِصِ اللَّهِ قُلْتُ وَ مَا هَذَا الْمَوْضِعُ الَّذِي لَا يَشْبِيْنُهُ قَالَ لَا يُرْمَى فِي مَوْلِدِهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس که ما را دوست بدارد در موقعیتی است که ننگی بر دامنش نباشد، و او از بندگان ویژه خداست ، پرسیدم : موردی که رسوایی داشته باشد؛ چیست ؟ فرمود: پاکی مولدش .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأَيْتُ عَجَبًا بَيْنَنَا رَجُلٌ يَسُوقُ دَابَّتَهُ إِذْ عَثَرَتْ فَقَالَ تَعَسَّتِ فَقَالَ صَاحِبُ الْيَمِينِ وَاللَّهِ مَا هِيَ حَسَنَةٌ فَأَكْتُبُهَا وَقَالَ صَاحِبُ الشِّمَالِ مَا هِيَ سَيِّئَةٌ فَأَكْتُبُهَا فَنُودِيَ مِنَ السَّمَاءِ يَا صَاحِبَ الشِّمَالِ مَا تَرَكَهُ صَاحِبُ الْيَمِينِ فَأَكْتُبُهُ فِي نَوَادِرِ الْحَبِّ وَالْبَغْضِ وَالتَّوْفِيقِ

امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: چیز عجیبی دیدم ، مردی را دیدم که چهار پایی را جلو انداخته و حرکت می کرد، ناگاه چهار پا لغزید و به زمین افتاد، مرد گفت : هلاک شوی که به زمین افتادی ، فرشته موکل طرف راست گفت : به خدا قسم ، این کار نیکی نبود تا ضبطش کنم ، فرشته طرف چپ نیز گفت : این یک گناه هم نبود تا ضبطش کنم ، در این هنگام از طرف آسمان ندایی آمد که : ای فرشته طرف چپ آنچه را فرشته طرف راست رها کرد تو ثبت کن .

فصل چهارم : در دوستی و دشمنی و توفیق

(فصل چهارم : در دوستی و دشمنی و توفیق)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ وَضَعَ حُبَّهُ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْقَطِيعَةِ
امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس محبتش را در غیر موردش به کار گیرد، در
واقع مرتکب قطع خویشاوندی گردیده .

رُويَ أَنَّهُ مَرَّ رَجُلٌ فِي الْمَسْجِدِ وَأَبُو جَعْفَرٍ جَالِسٌ فَقَالَ لَهُ بَعْضُ جُلَسَائِهِ وَاللَّهِ
إِنِّي لَأُحِبُّ هَذَا الرَّجُلَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ أَمَا مَنْ لَا يَعْلَمُ فَأَعْلَمُهُ فَإِنَّهُ أَبْقَى فِي الْمَوَدَّةِ
وَ خَيْرٌ فِي الْأُلْفَةِ

روایت شده که مردی از مسجد عبور می کرد، و امام باقر عليه السلام در آنجا
نشسته بود، یکی از همنشینان امام عرض کرد: به خدا قسم ، من این مرد را
دوست دارم ، امام باقر عليه السلام فرمود:
کسی را که نمی داند دوستش داری به او بگو، زیرا این کار دوستی را محکم
و برای الفت گرفتن بهتر است .

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَا يَتِي لِأَبَائِي أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَسَبِي وَلَا يَتِي لَهُمْ تَنْفَعُنِي مِنْ غَيْرِ
نَسَبٍ وَلَا يَنْفَعُنِي بغيرِ وَلَا يَةٍ

امام صادق عليه السلام فرمود: ولایت من نسبت به پدرانم نزد من محبوبتر از نسبت
من است ، ولایت من به آنها بدون نسب مرا سود می دهد، اما نسب من بدون
ولایت سودی برایم ندارد.

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا يَسْتَعْنِي الْمُؤْمِنُ عَنْ خَصْلَةٍ وَ
بِهِ الْحَاجَةُ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ تَوْفِيقٍ مِنَ اللَّهِ وَوَاعِظٍ مِنْ نَفْسِهِ وَقَبُولٍ مِمَّنْ يَنْصَحُهُ
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: مؤمن از خصلتی بی نیاز نیست در حالی که همواره
احتیاج به سه خصلت دارد: توفیق از طرف خداوند، پند دهنده ای از درون
جانش و پند پذیری .

مِنْ كِتَابِ الْإِرْشَادِ عَنْهُ قَالَ مَا كُلُّ مَنْ نَوَى شَيْئًا قَدَرَ عَلَيْهِ وَ لَا كُلُّ مَنْ قَدَرَ
عَلَى شَيْءٍ وَفَّقَ لَهُ وَ لَا كُلُّ مَنْ أَصَابَ لَهُ مَوْضِعًا فَإِذَا اجْتَمَعَتِ النَّيَّةُ وَالْقُدْرَةُ وَ
التَّوْفِيقُ وَالْإِصَابَةُ فَهَذَا كَمَتِّ السَّعَادَةِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: این طور نیست که هر چه را انسان نیت کند بتواند
انجام دهد، و هر چه را قدرت بر آن دارد توفیق به دست آوردنش را پیدا کند،
و هر چه را توفیق پیدا کرد به محل آن برسد، اما هر گاه نیت و قدرت و توفیق
و ثواب جمع شد، سعادت کامل گردد.

فصل پنجم : در یاد آوری نعمتها و اسباب آن

(فی التذکر بالنعم و مؤنها)

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَا مُوسَى أَحِبَّنِي وَأَحِبَّنِي إِلَيَّ خَلَقَنِي قَالَ يَا رَبِّ إِنَّكَ لَتَعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْكَ فَكَيْفَ لِي بِقُلُوبِ الْعِبَادِ قَالَ ذَكَرْتَهُمْ نِعْمَايَ نِعْمَائِي وَآلَائِي فَإِنَّهُمْ لَا يَذْكُرُونَ مِنِّي إِلَّا حَسَنًا

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خداوند فرمود: ای موسی! مرا دوست بدار، و مردم را با من دوست گردان، عرض کرد: پروردگارا! تو می دانی که هیچ چیز از تو برایم محبوبتر نیست، پس چگونه دلهای بندگان را متوجه تو سازم؟ فرمود: نعمتهای مرا به آنان یاد آوری کن، زیرا آنان جز نیکی از من یادشان نمی ماند.

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا تُجَالِسُوا الْأَغْنِيَاءَ فَتَحْقِرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: با توانگران همنشین نشوید، زیرا نعمتهائی که خداوند به شما داده حقیر می شمارید.

عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً صَيَّرَ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْهِ فَإِنْ قَضَاهَا مِنْ غَيْرِ اسْتِخْفَافٍ مِنْهُ أُسْكِنَ الْفِرْدَوْسَ وَإِنْ لَمْ يَقْضِهَا أُسْكِنَ نَارَ جَهَنَّمَ وَنَزَعَ اللَّهُ مِنْهُ صَالِحَ مَا أَعْطَاهُ وَلَمْ يَنْلُ شَفَاعَةَ رَسُولِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر گاه خداوند بر بنده ای نعمتی دهد، حوایج مردم را نیز به عهده او قرار دهد، اگر او بدون منت خواسته های آنان را بر آورد، خداوند او را وارد بهشت نماید، و اگر حاجت آنان را روا نسازد جایگاهش در

جهنم است ، و خداوند هم همه خوبیهای را که به او داده می گیرد، و روز قیامت شفاعت رسول خدا ﷺ شامل حالش نشود.

عَنْهُ قَالَ مَا عَظُمَتْ نِعْمَةٌ عَبْدٍ إِلَّا اشْتَدَّتْ مُؤْنَةُ النَّاسِ عَلَيْهِ فَإِنْ تَضَجَّرَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِسُلْبِ النُّعْمَةِ

امام صادق علیه السلام فرمود: نعمت بر بنده ای زیاد نشد مگر اینکه حاجتهای مردم نسبت به او بیشتر شد، اگر او (از مراجعه مردم) دلتنگ شود، خود را در معرض دوری از نعمت قرار داده است .

فصل ششم : در واگذاری بنده و کفران نعمتها

(فی الاستدراج و کفر النعم)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا أَرَادَ بَعْدَ شَرِّ مَا ذُنِبَ ذَنْباً أَتْبَعَهُ بِنِعْمَةٍ لِنُفْسِيهِ الْاسْتِغْفَارَ وَيَتِمَادَى بِهَا وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ بِالنِّعَمِ عِنْدَ الْمَعَاصِي

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند متعال هر گاه برای بنده ای بدی بخواهد، و او گناهی کند به دنبال آن نعمتی به او می دهد تا استغفار را از یادش ببرد، و او در همان حال می ماند، و این است سخن خدای عز و جل که : (به تدریج آنها را از راهی که نمی دانند غافلگیر می کنیم ، یعنی به) وسیله نعمت دادن هنگام گناه کردن .

عَنْهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَسْتَدْرِجَ عَبْدًا ابْتَلَاهُ بِذَنْبٍ ثُمَّ أَنْعَمَ عَلَيْهِ بَعْدَ ذَلِكَ الذَّنْبِ بِنِعْمَةٍ فَيُنْسِيهِ ذَلِكَ الذَّنْبُ الْاسْتِغْفَارَ فَذَلِكَ الْاسْتِدْرَاجُ

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند هر گاه بخواهد بنده ای را واگذارد، او را به گناهی مبتلا می سازد، سپس به او نعمتی می دهد، و او گناه خود را فراموش می کند و استغفار نمی کند، این معنای استدراج است .

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَالَ إِنِّي مِنْ خَيْرِ النَّاسِ فَهُوَ مِنْ شَرِّ النَّاسِ وَمَنْ قَالَ إِنِّي فِي الْجَنَّةِ فَهُوَ فِي النَّارِ

رسول خدا صلى الله عليه وسلم فرمود: هر کس بگوید من بهترین مردم هستم ، او بدترین مردم است ، و هر که بگوید من اهل بهشتم ، او در واقع اهل دوزخ است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَجَاءَ عِنْدَ تِلْكَ النُّعْمَةِ
بِمِزْمَارٍ فَقَدْ كَفَرَهَا وَمَنْ أُصِيبَ بِمُصِيبَةٍ فَجَاءَ عِنْدَ تِلْكَ الْمُصِيبَةِ بِنَائِحَةٍ فَقَدْ فَجَعَهَا
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خداوند به هر کس نعمتی داد و او با آن مشغول
لهویات شد، کفران نعمت نموده ، و هر کس گرفتار مصیبتی شود، و در هنگام
مصیبت نوحه سرایی و بیتابی کند، بر اندوهش افزوده گردد.

فصل هفتم : جاه طلبی و ریاست

(فی الرئاسة)

عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ دَعَا إِلَى نَفْسِهِ وَفِيهِمْ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ مِنْهُ فَهُوَ ضَالٌّ مُتَكَلِّفٌ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس مردم را به طرف خود بخواند، در حالی که در میان آنان داناتر از او باشد، چنین شخصی گمراه و از حدش تجاوز کرده است .

عَنْهُ قَالَ إِيَّاكُمْ وَهُؤُلَاءِ الرُّسَاءِ الَّذِينَ يَتْرَأْسُونَ فَوَ اللَّهُ مَا خَفَقَتِ النَّعَالُ خَلْفَ رَجُلٍ إِلَّا هَلَكَ وَ أَهْلَكَ

امام صادق علیه السلام فرمود: از این رؤ سا دوری کنید، کسانی که خود را به زور رئیس بر مردم می دانند، به خدا قسم صدای کفشها پشت سر کسی شنیده نشد، مگر اینکه خود هلاک شد و دیگران را نیز هلاک ساخت .

عَنْهُ قَالَ يَا مَعْشَرَ الْأَحْدَاثِ اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَأْتُوا الرُّسَاءَ ذَرْهُمْ حَتَّى يَصِيرُوا أَذْنَابًا لَا تَتَّخِذُوا الرِّجَالَ وَ لِيَجَةَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: ای جوانان ! از خداوند بترسید و دنبال رؤ ساء نروید، آنان را واگذارید تا دنباله رو باشند، و مردم را به جای خدا معتمد خود قرار ندهید.

عَنْهُ إِنَّ شِرَارَكُمْ الْمُتَرَسُّونَ الَّذِينَ يَجْمَعُونَ النَّاسَ إِلَيْهِمْ وَيُحِبُّونَ أَنْ تُوْطَأَ
أَعْنَاقُكُمْ وَيَشْهَرُونَ أَنْفُسَهُمْ وَيَشْتَهَرُونَ أَوْ تَتَّخِذَهُمْ وَلَائِحَ لَا بُدَّ مِنْ كَذَّابٍ أَوْ عَاجِزٍ
الرَّأْيِ

امام صادق عليه السلام فرمود: بدترین شما کسانی‌اند که به زور بر مردم ریاست می
کنند، کسانی که مردم گرد آنان جمع می‌شوند و دوست دارند که بر گردنهای
شما سوار شوند، و خود را مشهور می‌سازند و مشهور می‌شوند، یا آنان را
مورد اعتماد قرار می‌دهیم ، و به ناچار باید کذاب یا ناتوان در عقیده باشد.

فصل هشتم : در اطاعت و عدم اطاعت از خدا

(فی القبض و البسط و غیرهما)

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
وَ قَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَ هُمْ سَالِمُونَ قَالَ وَ هُمْ يَسْتَطِيعُونَ الْأَخْذَ بِمَا
أَمَرُوا بِهِ وَ التَّرْكَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَ بِذَلِكَ ابْتُلُوا

امام صادق عليه السلام در باره آیه (آنان قبل از این دعوت به سجود می شدند در
حالی که سالم بودند) فرمود: آنان قدرت عمل کردن به اوامر الهی را داشتند، و
می توانستند نواهی خدا را ترک کنند، (ولی این کار را نکردند) و بدین وسیله
آزمایش شدند.

وَ قَالَ لَيْسَ لِلْعَبْدِ قَبْضٌ وَ لَا بَسْطٌ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَوْ نَهَى عَنْهُ إِلَّا وَ مِنَ اللَّهِ فِيهِ
ابْتِلَاءٌ وَ قَضَاءٌ

امام صادق عليه السلام فرمود: بنده نمی تواند نسبت به آنچه خدا به او امر کرده و یا
از آنچه خدا نهی کرده کم یا زیاد کند، مگر آنچه در او آزمایش و قضا و قدر
الهی باشد.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الْإِنَاءَةُ مِنَ اللَّهِ وَ الْعَجَلَةُ مِنَ
الشَّيْطَانِ

امام باقر عليه السلام از قول رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: به آرامی کار کردن کاری
خدایی است و عجله کردن از شیطان است .

فصل نهم : در بیان وصیت کردن

(فی ذکر الوصیة)

قال الله تعالى في سورة البقرة كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمْ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ. فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

خداوند متعال در سوره بقره فرموده : (واجب است بر شما هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا می رسد، اگر چیز خوبی از خود بجای گذارده ، برای پدر و مادر و نزدیکان به طور شایسته وصیت کند، این حقی است بر پرهیزگاران ، پس کسانی که بعد از شنیدنش آن را تغییر دهند، گناه آن تنها بر کسانی است که آن (وصیت) را تغییر می دهند، خداوند شنوا و داناست).

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ وَصِيَّةٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً

رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس بدون وصیت بمیرد، به نوع مردن جاهلی مرده است .

وَ قَالَ مَا يَنْبَغِي لِأَمْرِي مُسْلِمٍ أَنْ يَبِيْتَ لَيْلَةً إِلَّا وَ وَصِيَّتُهُ تَحْتَ رَأْسِهِ

رسول خدا ﷺ فرمود: سزاوار نیست که مسلمانی یک شب بخوابد، مگر اینکه وصیتش زیر سرش باشد.

وَ قَالَ الصَّادِقُ عَالِيًّا الْوَصِيَّةُ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ

امام صادق ع فرمود: وصیت کردن بر هر مسلمانی واجب است .

وَقَالَ مَنْ لَمْ يُوصِ عِنْدَ مَوْتِهِ لِذَوِي قَرَابَتِهِ مِمَّنْ لَا يَرِثُ فَقَدْ خُتِمَ عَمَلُهُ بِمَعْصِيَةِ
امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس هنگام مردن برای اقوامش که ارثی ندارند
وصیتی نکند، کارش با گناه تمام شده است .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَنْ لَمْ يُحْسِنْ وَصِيَّتَهُ عِنْدَ الْمَوْتِ كَانَ نَقْصًا فِي مُرُوتِهِ وَ
عَقْلِهِ

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر کس هنگام مرگ نیکو وصیت نکند، در مردانگی
و عقلش نقصان است .

و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين الطيبين الا خيار الا برار و سلم
تسليما كثيرا
و درود خداوند بر سرور ما محمد صلى الله عليه وآله و اولاد پاکش که همگی از
برگزیدگان و از نیکانند.

فهرست مطالب

2	پیشگفتار.....
5	مختصری از احوالات مؤلف.....
11	روش تحقیق :
13	مقدمه مترجمان
14	باب اول : در ایمان و اسلام و آنچه به آن بستگی دارد.....
14	فصل اول : در توحید.....
21	فصل دوم : در اخلاص
23	فصل سوم : در یقین
34	فصل چهارم : در توکل و واگذاری و تسلیم امور به خدا
42	فصل پنجم : در صبر و شکیبائی.....
62	فصل ششم : در شکر و سپاسگزاری
78	فصل هفتم : در رضا و تسلیم.....
84	فصل هشتم : در حسن ظن به خدا
89	فصل نهم : در ایمان و اسلام
95	فصل یازدهم : در تقیّه
103	فصل دوازدهم : در پرهیزکاری و ورع.....
112	فصل سیزدهم : در امر به معروف و نهی از منکر
124	فصل چهاردهم : در امانت داری
129	فصل پانزدهم : در یاد خدا.....
140	باب دوم : در شناخت شیعه و نشانه ها و آداب و روش سزاوار به آنان.....
140	فصل اول : در صفات شیعه

148	فصل دوم : نشانه های شیعه
156	فصل سوم : در آداب و رسوم شیعه
184	فصل چهارم : در مقام شیعه نزد خدا و حقوق شایسته آنان
221	فصل پنجم : در بیان مناقب شیعه علی علیه السلام
240	فصل ششم : کرامت مؤمن در نزد خدا
244	فصل هفتم : در بیان حقوق واجب مؤمن بر مؤمن
261	فصل هشتم : در بیان نهی اذیت مؤمن و جستجوی لغزشهایش
263	فصل نهم : بیان دینداری
	باب سوم در کارهای نیک و خصلتهای شریف و مانند آنها و در آن بیست و
267	شش فصل است
267	فصل اول : در توبه
275	فصل دوم : در عبادت و بندگی خداوند
278	فصل سوم : زهد و ترک دنیا
288	فصل چهارم : در بیم و امید
298	فصل پنجم : در محبت و شوق
310	فصل ششم : در بی نیازی و فقر
321	فصل هفتم : در قناعت
327	فصل هشتم : در علم و عالم و تعلیم و تعلم و عمل به علم
356	فصل دهم : در گفتار و کردار نیک
364	فصل یازدهم : در خصلتهای عددی و آنچه در این مورد است
373	فصل دوازدهم : در عمل به سنت و معنی قرآن و ملحقات آن
380	فصل سیزدهم : در دوری کردن از محرّمات و مشابه به آنها
390	فصل چهاردهم : در حقوق پدر و مادر و نیکی به آنها
406	فصل پانزدهم : در صلّه رحم

412	فصل شانزدهم : در یتیم نوازی
415	فصل هفدهم : در احترام به پیران
422	فصل هجدهم : در باره جوانان
425	فصل نوزدهم : در راستگویی و چشم پوشی از عیبهای مردم و منع از غیبت ...
434	فصل بیستم : در نگهداری زبان
438	فصل بیست و یکم : در اصلاح میان مردم و ملحقات آن
441	فصل بیست و دوم : در مدارا کردن و عادت نیکو
446	فصل بیست و سوم : در مدارا کردن و خوشروئی
450	فصل بیست و چهارم : در کارهای نیک
457	فصل بیست و پنجم : در انفاق کردن
460	فصل بیست و ششم : در ناامیدی و بی نیازی از مردم
464	باب چهارم در آداب معاشرت با مردم و در آن دوازده فصل است
464	فصل اول : در انتخاب دوست
472	فصل دوم : در آداب معاشرت
485	فصل سوم : در اذن ورود به منازل
491	فصل چهارم : در سلام کردن و معانقه
501	فصل پنجم : در مصافحه و بوسیدن
511	فصل ششم : در آداب نشستن
517	فصل هفتم : در عطسه زدن
521	فصل هشتم : در فضیلت رفت و آمد با یکدیگر
527	فصل نهم : در رفتار با مردم و برابری با آنان
534	فصل دهم : در حقوق همسایگان
542	فصل یازدهم : در بردباری و غلبه بر خشم و غضب
550	فصل دوازدهم : در هدیه دادن و گرفتن

554.....	باب پنجم در مکارم اخلاق در این باب پنج فصل است
554.....	فصل اول : در خوش اخلاقی
562.....	فصل دوم : در تواضع و فروتنی
572.....	فصل سوم : در عفو و بخشش
575.....	فصل چهارم : در سخاوت و بخل
585.....	فصل پنجم : در حیا و شرم
592.....	فصل ششم : در غیرت و مردانگی
598.....	فصل هفتم : در مکارم اخلاق
	باب ششم در بیان عیبهای نفس و جهاد بانفس و صفت عقل و قلب . در این
610.....	باب هشت فصل است
610.....	فصل اول : در عیبهای نفس و مجاهده با خواهشهای نفسانی
621.....	فصل دوم : در صفت عقل
637.....	فصل سوم : در بیان قلب
643.....	فصل چهارم : در تنهایی و گوشه گیری
647.....	فصل پنجم : در حقیقتها و نجابت
653.....	فصل ششم : در آسایش
658.....	فصل هفتم : در مذمت دنیا
	فصل هشتم : در ثروت اندوزی و زیانی که بر مؤمن از این ناحیه وارد می شود
680.....	
	باب هفتم در بیان مصیبتها و سختیها و بلاها و وعده های ثواب خداوند و یاد
689.....	آوری مرگ و در آن نه فصل است
689.....	فصل اول : در بیان صبر بر مصیبتها
700.....	فصل دوم : در بیان فضیلت بیماری و پنهان کردن آن
702.....	فصل سوم : در بیان حزن و اندوه

705	فصل چهارم : در بیان آرامش دل
708	فصل پنجم : در بیان گرفتاریهای مؤمن
722	فصل ششم : در بیان گرفتاری و امتحان مؤمن
743	فصل هفتم : در بیان گرفتاریها و بلاها
754	فصل هشتم : در بیان وجوب تسلیم مؤمن در برابر قضا و قدر
759	فصل نهم : در بیان مرگ
766	باب هشتم در بیان خصلتهای مذموم این باب ده فصل دارد
766	فصل اول : در بیان غضب
773	فصل دوم : در بیان حسد
775	فصل سوم : در بیان ریاء
779	فصل چهارم : در بیان خود پسندی
786	فصل پنجم : در بیان ظلم و حرام
788	فصل ششم : در بیان ارتباط با سلاطین و اطاعت از بندگان
793	فصل هفتم : در خصلتهای نهی شده
800	فصل هشتم : در بیان شهرت
804	فصل نهم : در بیان تحقیر مؤمن
807	فصل دهم : در راز داری
810	باب نهم : در بیان مواعظ
822	باب دهم : متفرقات و در آن نه فصل است
822	فصل اول : دعا برای برادران مؤمن
823	فصل دوم : قرعه
825	فصل سوم : در بیان حفظ نفس و تهذیب آن
827	فصل چهارم : در دوستی و دشمنی و توفیق
829	فصل پنجم : در یاد آوری نعمتها و اسباب آن

831	فصل ششم : در واگذاری بنده و کفران نعمتها.....
833	فصل هفتم : جاه طلبی و ریاست.....
835	فصل هشتم : در اطاعت و عدم اطاعت از خدا.....
836	فصل نهم : در بیان وصیت کردن.....
838	فهرست مطالب.....